

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مبانی نظرات شورای نگهبان در خصوص

مصوبات و استفساریه های سال ۱۳۹۳

برگرفته از مشروح مذاکرات شورای نگهبان

تحقیق و تنقیح

کاظم کوهی اصفهانی، امین اله زمانی، شهرام محمدی، مصطفی مسعودیان، محمدحسن باقری خوزانی،
محمدهادی توکل پور، محمد صالح عطار، محمدبرزگر خسروی و حسین فاتحی زاده

پرونده شوراى نگهبان

سرشناسنامه: شورای نگهبان

عنوان و نام پدیدآور: مبانی نظرات شورای نگهبان در خصوص مصوبات و استفساریه‌های سال ۱۳۹۳
(برگرفته از مشروح مذاکرات شورای نگهبان)/ تحقیق و تنقیح: کاظم کوهی
اصفهانی [و دیگران].

مشخصات ناشر: تهران: شورای نگهبان، پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۵
ISBN : 978-600-8378-08-2
۹۱۷ ص.

وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا

یادداشت: تحقیق و تنقیح: کاظم کوهی اصفهانی، امین‌اله زمانی، شهرام محمدی، مصطفی
مسعودیان، محمدحسن باقری خوزانی، محمدهادی توکل‌پور، محمد صالح عطار،
محمد برزگر خسروی و حسین فاتحی‌زاده.

یادداشت: نمایه

موضوع: ۱. شورای نگهبان - - صورت مذاکرات

2. Shoraye negahban -- Publication of proceeding

موضوع: ۲. شورای نگهبان-- مصوبات

4. Shoraye negahban-- Resolution

شناسه افزوده: الف. کوهی اصفهانی، کاظم، ۱۳۵۸ - ب. شورای نگهبان. پژوهشکده شورای نگهبان

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۵ ۲۴۵ م ۹ ش / KMHT512

رده‌بندی دیویی: ۳۹۴/۵۵۰۵ رده‌بندی دیویی: ۴۵۶۰۴۳۷ شماره کتابشناسی ملی:

مبانی نظرات شورای نگهبان در خصوص

مصوبات و استفساریه‌های سال ۱۳۹۳

برگرفته از مشروح مذاکرات شورای نگهبان

تحقیق و تنقیح: کاظم کوهی اصفهانی، امین‌اله زمانی، شهرام محمدی، مصطفی مسعودیان، محمدحسن

باقری خوزانی، محمدهادی توکل‌پور، محمد صالح عطار، محمد برزگر خسروی و حسین فاتحی‌زاده

ناشر: پژوهشکده شورای نگهبان

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۵ - تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۷۸-۰۸-۲

قیمت: ۶۰۰۰۰ تومان

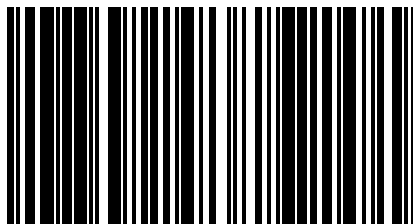
تهران، خیابان شهید سپهبد قرنی، کوچه شهید دهقانی‌نیا (خسرو سابق)، پلاک ۱۲

فکس: ۰۲۱- ۸۸۳۲۵۰۸۰

تلفن: ۰۲۱- ۸۸۳۲۵۰۴۵

www.shora-rc.ir

nashr@shora-rc.ir



فهرست مطالب

مقدمه ۱

فصل اول - قوانین مصوب مجلس ۵

- ۱- قانون تفسیر تبصره (۳) ماده (۹) قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان انقلاب اسلامی (مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۲۶)..... ۷
- ۲- قانون موافقتنامه همکاری‌های امنیتی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری اسلامی پاکستان (مصوب ۱۳۹۳/۱/۱۷)..... ۱۱
- ۳- قانون تفسیر تبصره ماده (۷۶) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی (مصوب ۱۳۹۳/۱/۲۴)..... ۱۸
- ۴- قانون تمدید مدت اجرای آزمایشی قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور (مصوب ۱۳۹۳/۲/۱۷)..... ۲۲
- ۵- قانون اصلاح موادی از قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۹۳/۲/۱۷)..... ۲۴
- ۶- قانون موافقتنامه ایجاد و راه‌اندازی بانک اطلاعاتی سازمان همکاری‌های اقتصادی (اکو) در خصوص قاچاق و تخلفات گمرکی (مصوب ۱۳۹۳/۲/۳۰)..... ۴۵
- ۷- قانون پروتکل اصلاحی موافقتنامه کشتیرانی تجاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری کوبا (مصوب ۱۳۹۵/۳/۵)..... ۴۷
- ۸- قانون تصویب قطعنامه‌های کنفرانس مورخ ۲۰۱۰ (۱۳۸۹) اعضای کنوانسیون بین‌المللی استانداردهای آموزش، صدور گواهینامه‌ها و نگهداری دریانوردان (STCW) (مصوب ۱۳۹۳/۳/۵)..... ۴۹
- ۹- قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون تحدید مسئولیت برای دعاوی دریایی (مصوب ۱۳۹۳/۳/۵)..... ۵۴

- ۱۰- قانون اصلاحات قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به تشریفات (پروتکل) ۱۹۷۸ مربوط به کنوانسیون بین‌المللی جلوگیری از آلودگی دریا ناشی از کشتی‌ها ۱۹۷۳ (مارچ ۱۹۷۳/۷۸) - مصوب ۱۳۸۰- و اصلاحات بعدی آن (مصوب ۱۳۹۳/۳/۵)..... ۵۸
- ۱۱- قانون موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری عراق به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و تبادل اطلاعات در مورد مالیات‌های بر درآمد و سرمایه (مصوب ۱۳۹۳/۳/۵)..... ۶۰
- ۱۲- قانون عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در کارگروه بین‌المللی پزشکی نظامی (ICMM) (مصوب ۱۳۹۳/۳/۵)..... ۶۲
- ۱۳- قانون موافقتنامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری برون‌دی (مصوب ۱۳۹۳/۳/۱۸)..... ۶۵
- ۱۴- قانون موافقتنامه همکاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری خلق چین در زمینه مبارزه با جرائم فراملی (مصوب ۱۳۹۳/۳/۱۸)..... ۶۸
- ۱۵- قانون تعیین تعرفه‌های خدمات مرکز توسعه تجارت الکترونیکی (مصوب ۱۳۹۳/۳/۲۰)..... ۷۱
- ۱۶- قانون موافقتنامه مربوط به همکاری در زمینه امنیت در دریای خزر (مصوب ۱۳۹۳/۳/۲۰)..... ۷۴
- ۱۷- قانون تفسیر بند (ج) تبصره (۱۶) قانون بودجه سال ۱۳۹۳ کل کشور (مصوب ۱۳۹۳/۳/۲۷)..... ۷۷
- ۱۸- قانون اجازه به وزارت صنعت، معدن و تجارت برای انعقاد قرارداد کار معین با بازرسان شاغل در حوزه نظارت بر بازار (مصوب ۱۳۹۳/۳/۲۷)..... ۸۰
- ۱۹- قانون اصلاح مواد (۱)، (۶) و (۷) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی (مصوب ۱۳۹۳/۴/۱)..... ۸۷
- ۲۰- قانون تمدید مهلت اجرای آزمایشی قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری (مصوب ۱۳۹۳/۴/۴)..... ۱۰۳
- ۲۱- قانون تفسیر ماده (۱۳۳) قانون مالیات‌های مستقیم و اصلاحات بعدی آن (مصوب ۱۳۹۳/۴/۱۷)..... ۱۰۵
- ۲۲- قانون عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در اتحادیه بیمه‌گران و انکایی‌گران خطرهای تجاری و غیرتجاری در کشورهای عضو سازمان تعاون اسلامی و مؤسسه تضمین اعتبارات صادراتی و سرمایه‌گذاری عربی و تصویب اساسنامه آن (مصوب ۱۳۹۳/۴/۲۹)..... ۱۱۰

- ۲۳- قانون تعیین حریم حفاظتی- امنیتی اماکن و تأسیسات کشور (مصوب ۱۳۹۳/۵/۱۹)..... ۱۱۳
- ۲۴- قانون الحاق سه بند به مواد (۲) و (۴) و اصلاح ماده (۶) قانون تشکیل شورای عالی اشتغال (مصوب ۱۳۹۳/۶/۴)..... ۱۳۷
- ۲۵- قانون تمدید مدت اجرای آزمایشی قانون استخدام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۹۳/۶/۵)..... ۱۴۴
- ۲۶- قانون عضویت و لغو عضویت نمایندگان مجلس شورای اسلامی در برخی از شوراهای عالی، شوراها، مجامع و سایر هیئت‌ها (مصوب ۱۳۹۳/۶/۱۵)..... ۱۴۹
- ۲۷- قانون معاهده استرداد مجرمین بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین (مصوب ۱۳۹۳/۶/۲۹)..... ۱۶۶
- ۲۸- قانون آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی (مصوب ۱۳۹۳/۷/۸)..... ۱۷۵
- ۲۹- قانون اصلاح موادی از قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور (مصوب ۱۳۹۳/۷/۱۵)..... ۳۰۷
- ۳۰- قانون استفاده متوازن از امکانات کشور برای ارتقای سطح مناطق کمترتوسعه‌یافته (مصوب ۱۳۹۳/۷/۳۰)..... ۳۴۰
- ۳۱- قانون اصلاح ماده (۵) قانون بیمه اجتماعی کارگران ساختمانی (مصوب ۱۳۹۳/۹/۱۶)..... ۳۴۴
- ۳۲- قانون جامع حدنگار (کاداستر) کشور (مصوب ۱۳۹۳/۱۱/۱۲)..... ۳۵۸
- ۳۳- قانون اصلاح قانون تعاونی نمودن تولید و یکپارچه شدن اراضی در حوزه عمل شرکت‌های تعاونی روستایی (مصوب ۱۳۹۳/۱۱/۱۵)..... ۳۹۶
- ۳۴- قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (مصوب ۱۳۹۳/۱۲/۴)..... ۴۱۳
- ۳۵- قانون بودجه سال ۱۳۹۴ کل کشور (مصوب ۱۳۹۳/۱۲/۲۴)..... ۵۷۴

فصل دوم- اساسنامه‌های مصوب هیئت‌وزیران ۶۸۵

- ۳۶- اساسنامه شرکت شهر فرودگاهی امام خمینی (ره) (مصوب ۱۳۹۳/۱/۲۴)..... ۶۸۷
- ۳۷- اساسنامه شرکت عمران شهر جدید تیس (مصوب ۱۳۹۳/۲/۳)..... ۷۰۶
- ۳۸- اساسنامه شرکت عمران شهر جدید بهارستان (مصوب ۱۳۹۳/۲/۳)..... ۷۰۸
- ۳۹- اساسنامه شرکت عمران شهر جدید مجلسی (مصوب ۱۳۹۳/۲/۳)..... ۷۱۰
- ۴۰- اساسنامه شرکت عمران شهر جدید فولادشهر (مصوب ۱۳۹۳/۲/۳)..... ۷۱۲

- ۴۱- اساسنامه شرکت عمران شهر جدید علوی (مصوب ۱۳۹۳/۳/۲)..... ۷۱۴
- ۴۲- اساسنامه شرکت عمران شهر جدید صدرا (مصوب ۱۳۹۳/۲/۳)..... ۷۱۶
- ۴۳- اساسنامه شرکت عمران شهر جدید رامین (مصوب ۱۳۹۳/۲/۳)..... ۷۱۸
- ۴۴- اساسنامه شرکت عمران شهر جدید بینالود (مصوب ۱۳۹۳/۲/۳)..... ۷۲۰
- ۴۵- اساسنامه شرکت عمران شهر جدید اندیشه (مصوب ۱۳۹۳/۲/۳)..... ۷۲۲
- ۴۶- اساسنامه شرکت عمران شهر جدید پردیس (مصوب ۱۳۹۳/۲/۳)..... ۷۲۴
- ۴۷- اساسنامه شرکت عمران شهر جدید پرند (مصوب ۱۳۹۳/۲/۳)..... ۷۲۶
- ۴۸- اساسنامه شرکت عمران شهر جدید هشتگرد (مصوب ۱۳۹۳/۲/۳)..... ۷۲۸
- ۴۹- اساسنامه شرکت عمران شهر جدید مهاجران (امیرکبیر) (مصوب ۱۳۹۳/۲/۳)..... ۷۳۰
- ۵۰- اساسنامه شرکت عمران شهر جدید عالیشهر (مصوب ۱۳۹۳/۲/۳)..... ۷۳۲
- ۵۱- اساسنامه شرکت عمران شهر جدید سهند (مصوب ۱۳۹۳/۲/۳)..... ۷۳۴
- ۵۲- اساسنامه شرکت عمران شهر جدید گلبهار (مصوب ۱۳۹۳/۲/۳)..... ۷۳۶
- ۵۳- اساسنامه شرکت عمران شهر جدید رامشار (مصوب ۱۳۹۳/۲/۳)..... ۷۳۸
- ۵۴- اصلاحیه اساسنامه شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت (سهامی خاص) (مصوب ۱۳۹۳/۲/۳)..... ۷۴۰
- ۵۵- اصلاحیه اساسنامه سازمان مجری ساختمان‌ها و تأسیسات دولتی و عمومی
(شرکت مادر تخصصی) (مصوب ۱۳۹۳/۲/۳)..... ۷۴۵
- ۵۶- اصلاح اساسنامه سازمان خصوصی‌سازی (مصوب ۱۳۹۳/۲/۱۰)..... ۷۴۸
- ۵۷- اصلاحیه اساسنامه سازمان مجری ساختمان‌ها و تأسیسات دولتی و عمومی
(شرکت مادر تخصصی) (مصوب ۱۳۹۳/۴/۴)..... ۷۵۰
- ۵۸- اصلاح اساسنامه شرکت ارتباطات زیرساخت (مصوب ۱۳۹۳/۴/۸)..... ۷۵۳
- ۵۹- اصلاح اساسنامه سازمان فناوری اطلاعات ایران (مصوب ۱۳۹۳/۴/۸)..... ۷۵۶
- ۶۰- اصلاح اساسنامه صندوق نوآوری و شکوفایی (مصوب ۱۳۹۳/۶/۲)..... ۷۵۹
- ۶۱- اصلاح اساسنامه شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران (مصوب ۱۳۹۳/۶/۵)..... ۷۶۱
- ۶۲- اصلاح اساسنامه شرکت صید صنعتی منطقه آزاد چابهار (مصوب ۱۳۹۳/۶/۲۶)..... ۷۶۵
- ۶۳- اساسنامه شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه قشم (مصوب ۱۳۹۳/۶/۲۶)..... ۷۷۳
- ۶۴- اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای کرمانشاه (مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۳)..... ۷۸۶

- ۶۵- اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای کردستان (مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۳) ۷۸۹
- ۶۶- اصلاح اساسنامه شرکت سهامی سازمان آب و برق خوزستان (مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۳) ۷۹۲
- ۶۷- اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای زنجان (مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۳) ۷۹۵
- ۶۸- اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای یزد (مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۳) ۷۹۷
- ۶۹- اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای آذربایجان شرقی (مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۳) ۸۰۰
- ۷۰- اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای لرستان (مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۳) ۸۰۲
- ۷۱- اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای قم (مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۳) ۸۰۴
- ۷۲- اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای کهگیلویه و بویر احمد (مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۳) ۸۰۷
- ۷۳- اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای گلستان (مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۳) ۸۱۰
- ۷۴- اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای اردبیل (مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۳) ۸۱۳
- ۷۵- اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای همدان (مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۳) ۸۱۶
- ۷۶- اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای ایلام (مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۳) ۸۱۸
- ۷۷- اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای سمنان (مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۳) ۸۲۰
- ۷۸- اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای مرکزی (مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۳) ۸۲۲
- ۷۹- اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای قزوین (مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۳) ۸۲۴
- ۸۰- اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای چهارمحال و بختیاری (مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۳) ۸۲۶
- ۸۱- اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای هرمزگان (مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۳) ۸۲۸
- ۸۲- اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای سیستان و بلوچستان (مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۳) ۸۳۰
- ۸۳- اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای گیلان (مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۳) ۸۳۲
- ۸۴- اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای آذربایجان غربی (مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۳) ۸۳۴
- ۸۵- اصلاح اساسنامه شرکت سهامی توسعه منابع آب و نیروی ایران (مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۳) ۸۳۶
- ۸۶- اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای بوشهر (مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۳) ۸۳۸
- ۸۷- اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای خراسان جنوبی (مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۳) ۸۴۰
- ۸۸- اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای خراسان شمالی (مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۳) ۸۴۲
- ۸۹- اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای تهران (مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۳) ۸۴۴
- ۹۰- اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای فارس (مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۳) ۸۴۶

- ۹۱- اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای اصفهان (مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۳)..... ۸۴۸
- ۹۲- اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای کرمان (مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۳)..... ۸۵۰
- ۹۳- اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای خراسان رضوی (مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۳)..... ۸۵۲
- ۹۴- اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای مازندران (مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۳)..... ۸۵۴
- ۹۵- اصلاح اساسنامه شرکت سهامی توسعه منابع آب و خاک سیستان (مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۳)..... ۸۵۶
- ۹۶- اصلاح اساسنامه شرکت صنایع هوایی قدس (مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۷)..... ۸۵۸
- ۹۷- اصلاح اساسنامه شرکت سهامی سازمان توسعه برق ایران (اساسنامه شرکت مادر تخصصی تولید نیروی برق حرارتی) (مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۷)..... ۸۶۰
- ۹۸- اساسنامه شرکت تولید نیروی برق رامین (مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۷)..... ۸۶۶
- ۹۹- اساسنامه شرکت تولید نیروی برق شهید رجایی (مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۷)..... ۸۸۱
- ۱۰۰- اساسنامه شرکت تولید نیروی برق فارس (مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۷)..... ۸۸۳
- ۱۰۱- اساسنامه شرکت تولید نیروی برق زاهدان (مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۷)..... ۸۸۵
- ۱۰۲- اساسنامه شرکت تولید نیروی برق خراسان (مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۷)..... ۸۸۷
- ۱۰۳- اساسنامه شرکت تولید نیروی برق تهران (مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۷)..... ۸۸۹
- ۱۰۴- اساسنامه شرکت تولید نیروی برق بندرعباس (مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۷)..... ۸۹۱
- ۱۰۵- اساسنامه شرکت تولید نیروی برق آذربایجان (مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۷)..... ۸۹۳
- ۱۰۶- اساسنامه شرکت تولید نیروی برق اصفهان (مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۷)..... ۸۹۵
- ۱۰۷- اساسنامه شرکت تولید نیروی برق یزد (مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۷)..... ۸۹۷
- ۱۰۸- اساسنامه شرکت تولید نیروی برق شاهرود (مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۷)..... ۸۹۹
- ۱۰۹- اساسنامه شرکت تولید نیروی برق لووشان (مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۷)..... ۹۰۱
- ۱۱۰- اساسنامه شرکت تولید نیروی برق شازند (مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۷)..... ۹۰۳
- ۱۱۱- اساسنامه شرکت تولید نیروی برق شهید سلیمی (مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۷)..... ۹۰۵
- ۱۱۲- اساسنامه شرکت تولید نیروی برق شهید مفتاح (مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۷)..... ۹۰۷
- ۱۱۳- اساسنامه صندوق ملی محیط زیست (مصوب ۱۳۹۳/۸/۱۸)..... ۹۰۹

مقدمه

«شورای نگهبان» به عنوان نهاد پاسداری‌کننده از موازین شرع و قانون اساسی، وظیفه‌ی خطیر بررسی کلیه‌ی مصوبات مجلس شورای اسلامی و اساسنامه‌های مصوب هیئت وزیران را به عنوان یکی از وظایف مصرّح خویش در قانون اساسی بر عهده دارد تا قوانین و مقررات لازم‌الاجراء در جمهوری اسلامی ایران، مغایرتی با موازین شرع و قانون اساسی نداشته باشند. بدین‌سان، مجموعه نظرات ابرازی از سوی این نهاد در خلال بررسی مصوبات مجلس شورای اسلامی و اساسنامه‌های مصوب هیئت وزیران، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و برای آحاد افراد جامعه قابل استفاده است؛ چه آنکه این نظرات، از جهتی شأن علمی و نظری دارد که می‌تواند مورد استفاده‌ی عموم علاقه‌مندان، به‌ویژه مجامع علمی- پژوهشی واقع شود و از جهتی دیگر، برای تنظیم قوانین و مقررات مورد نیاز در کشور، می‌تواند مورد توجه و استفاده‌ی سیاست‌گذاران و نقش‌آفرینان عرصه‌ی تقنین و اجرا قرار گیرد.

مقام معظم رهبری نیز در دیداری که با اعضای شورای محترم نگهبان در تاریخ ۱۳۷۹/۴/۲۸ داشتند، با تأکید بر اهمیت نظرات شورای نگهبان، خطاب به آنها فرمودند: «... مردم، مطلع نیستند... لازم است یک روال اطلاع‌رسانی منظم و مرتبی باشد که مردم در جریان قرار بگیرند، یا نظرات شورا مدوّن بشود و در اختیار اهل علم، حقوقدان‌ها، فقها و متخصصین بخش‌های مختلف گذاشته بشود؛ دانشگاه‌ها و حوزه‌ها ببینند و در جریان مباحث قرار گیرند؛ بیان شود در مورد این ماده‌ای که آنجا آمده، چه بحث‌هایی شده، تا رد شده است و چه اشکالاتی بود و بعد، آن اشکالات رفع شد یا تصویب شد و از این قبیل. ... الآن شما استدلال دارید، اما این استدلال برای مجلس، گاهی معلوم نیست، گاهی برای مجمع تشخیص هم درست معلوم نیست ... در حالی که خوب است در متن آن حکم اشاره‌ای به استدلال بشود و در یک محل جداگانه آن استدلال به تفصیل نوشته بشود. ... اینها چیزهایی است که بعد برای دیگری منبع و مدرک خواهد شد.»

بر همین اساس و در راستای پاسخگویی به این مطالبه‌ی به‌حق مقام معظم رهبری، با تشکیل «پژوهشکده شورای نگهبان»، انجام فعالیت‌های علمی پیرامون نظرات شورای نگهبان به عنوان یکی از مأموریت‌های این مرکز، در چند قالب مختلف در دستور کار قرار گرفت. تدوین مجموعه نظرات

شورای نگهبان در خصوص مصوبات ادوار مختلف مجلس شورای اسلامی، تدوین مجموعه نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان راجع به اصول قانون اساسی، تدوین مجموعه نظرات فقهی شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات دیوان عدالت اداری، تدوین نظرات فقهی و حقوقی شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی، پیاده‌سازی، تنظیم و تدوین مشروح مذاکرات جلسات شورای نگهبان و راه‌اندازی سامانه‌ی اینترنتی جامع نظرات شورای نگهبان و بارگذاری کلیه‌ی نظرات شورای نگهبان بر روی پورتال پژوهشکده^(۱) و در نهایت، استخراج مبانی نظرات و دلایل آرای شورای نگهبان، از جمله طرح‌هایی بود که برای عینیت بخشیدن به این مهم طراحی شد.

«مبانی نظرات شورای نگهبان» یا به عبارت دیگر «نظرات استدلالی شورای نگهبان»، که استخراج آنها در این پژوهشکده در قالب مجموعه‌ای منسجم و منظم به عنوان یکی از مهم‌ترین برنامه‌ها تعریف شده، عبارت است از: مجموعه استدلال‌های فقهی، حقوقی و همچنین قرائن، امارات و برداشت‌هایی که اعضای محترم شورای نگهبان در جلسات بررسی مصوبات مجلس شورای اسلامی، بررسی اساسنامه‌های مصوب هیئت وزیران، بررسی اصول قانون اساسی برای ارائه‌ی نظریه تفسیری و... در خلال مباحث خویش بیان کرده‌اند. این مجموعه از استدلال‌ها و برداشت‌ها، در قالب یک دسته‌بندی منظم و منطقی براساس دیدگاه‌های مختلف مطرح شده در مذاکرات اعضای شورای نگهبان و با استناد و مستنبط از آن، به تفکیک هر ماده از مصوبه یا سؤال و استفسار، استخراج، تنقیح و تدوین شده است. هدف از تهیه‌ی این مجموعه، آشنا ساختن مخاطبان به‌ویژه مجامع حوزوی و دانشگاهی و مراجع قانون‌گذاری، سیاست‌گذاری و اجرایی کشور با مبانی و ادله‌ی فقهی و حقوقی نظرات شورای نگهبان است.

نخستین ثمره‌ی این فعالیت علمی، پیش‌تر در سال ۱۳۹۱ با انتشار کتابی تحت عنوان «مبانی آراء و نظرات شورای نگهبان (مستنبط از مشروح مذاکرات سال ۱۳۸۷)» به زیور طبع آراسته شده بود. سپس کتاب‌های دوم، سوم و چهارم از این مجموعه با اندکی تغییر در شکل و محتوا نسبت به کار پیشین، تحت عنوان «مبانی نظرات شورای نگهبان در خصوص مصوبات و استفساریه‌های سال‌های ۱۳۹۰، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ (برگرفته از مشروح مذاکرات شورای نگهبان)»، به محضر جامعه‌ی علمی و اجرایی کشور تقدیم شد. کتاب حاضر نیز، کتاب پنجم از این مجموعه و مربوط به مصوبات سال ۱۳۹۳ است که به یاری خداوند به محضر علاقه‌مندان تقدیم می‌شود.^(۲)

۱. نشانی اینترنتی سامانه جامع نظرات شورای نگهبان:

<http://nazarat.shora-rc.ir>

۲. گفتنی است از این مجموعه، کتابی تحت عنوان «مبانی نظرات شورای نگهبان در خصوص قانون برنامه پنجم توسعه و قوانین بودجه مربوط به آن (۱۳۸۹-۱۳۹۴)، برگرفته از مشروح مذاکرات شورای نگهبان» نیز با همین رویکرد ولی به صورت مجموعه‌ای موضوعی از مصوبات مجلس گردآوری و تألیف شده است. این کتاب که

این کتاب در سه بخش کلی، مجموعه نظرات استدلالی مربوط به مصوبات مجلس شورای اسلامی، اساسنامه‌های مصوب هیئت وزیران و استفساریه‌های انجام‌شده از شورای نگهبان را در بر می‌گیرد که مربوط به سال ۱۳۹۳ است. در اینجا توضیح این نکته برای خوانندگان محترم ضروری است که از آنجا که بسیاری از موضوعات مورد بررسی در شورای نگهبان، به ویژه مصوبات مجلس شورای اسلامی، ممکن است به دلیل ایراد مغایرت برخی از مواد مصوبه با قانون اساسی یا موازین شرعی، چندین مرتبه در فواصل مختلف و گاهی در طی چندین سال، بین مجلس و شورای نگهبان رفت و برگشت داشته باشد، ملاک زمانی مدّ نظر برای ذکر موضوعات در این کتاب، زمان تصویب نهایی آن مصوبه یا اعلام نظر نهایی شورای نگهبان در خصوص سؤال یا استفسار انجام شده است. بر این اساس، مجموعه‌ی کلیه‌ی مصوبات مجلس یا هیئت وزیران که در سال ۱۳۹۳ به تأیید شورای نگهبان رسیده و به «قانون» تبدیل شده‌اند و همچنین کلیه‌ی استفساریه‌هایی که احیاناً در سال ۱۳۹۳ از سوی شورای نگهبان بررسی و پاسخ گفته شده‌اند، در این مجموعه گردآوری شده است.^(۱) همچنین کلیه‌ی مصوباتی که به دلیل بروز اختلاف بین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان، بر اساس اصل (۱۱۲) قانون اساسی برای رفع اختلاف به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع شده‌اند و این مجمع در سال ۱۳۹۳ نسبت به آنها تعیین تکلیف کرده است، در این مجموعه گرد آمده‌اند، هر چند تاریخ تصویب این موضوعات در مجلس و یا مذاکرات مربوط به آن در شورای نگهبان، در سال‌های پیش از ۱۳۹۳ انجام شده باشد. ترتیب در نظر گرفته شده برای ذکر هر یک از موضوعات، در هر یک از بخش‌های سه‌گانه‌ی این کتاب نیز، ترتیب تاریخی نهایی‌شدن آن موضوع، از ابتدای سال ۱۳۹۳ تا انتهای این سال است. این کتاب محصول تلاش علمی جمعی از پژوهشگران این پژوهشکده است که در سه مرحله، به شرح زیر، اقدام به استخراج، تنقیح و تدوین مبانی نظرات شورای نگهبان کرده‌اند. در مرحله‌ی نخست، پژوهشگران متن مشروح مذاکرات مربوط به هر موضوع را مطالعه و مبانی نظرات و استدلال‌های مطرح‌شده از سوی اعضای شورای نگهبان راجع به آن موضوع را استخراج و به



مشمول بر مبانی نظرات شورای نگهبان در بررسی قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۹-۱۳۹۴)، مصوبه‌های اصلاحی مجلس در خصوص این برنامه و استفساریه‌های انجام‌شده نسبت به برخی از مواد این برنامه و نیز تمامی قوانین بودجه‌ی سالانه‌ی کل کشور از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴، به همراه کلیه‌ی مصوبه‌های اصلاحی و استفساریه‌های مربوط به این قوانین، در دوره‌ی اجرای برنامه‌ی پنجم توسعه است، در سال ۱۳۹۵ به زیور طبع آراسته شده است.

۱. گفتنی است با توجه به اینکه در سال ۱۳۹۳، در خصوص اصول قانون اساسی یا دیگر موضوعات مرتبط، هیچ‌گونه استفسار یا استعلامی از شورای نگهبان انجام نشده است، این جلد از مجموعه کتاب‌های مبانی نظرات شورای نگهبان، در این قسمت، فاقد موضوع است.

صورت منقح و دسته‌بندی شده تدوین می‌کنند. در مرحله دوم (مرحله بازبینی)، عده‌ای دیگر از پژوهشگران برای اطمینان از صحت استنباط انجام‌شده از متن مشروح مذاکرات، با مطالعه مجدد متون مشروح مذاکرات اعضای شورای نگهبان، استدلال‌های استخراج‌شده در مرحله اول را با متن مشروح تطبیق می‌دهند و عنداللزوم به اصلاح و تکمیل آنها مبادرت می‌کنند. در مرحله سوم (مرحله نظارت)، یک بار دیگر متن کلیه استدلال‌های استخراج‌شده از حیث شکلی و محتوایی، به‌وسیله ناظر علمی، بازخوانی شده و ضمن بررسی انسجام درونی استدلال‌ها، متن نهایی برای انتشار تنظیم می‌شود. در مجموعه حاضر، «استخراج استدلال‌ها» (به ترتیب میزان همکاری و اثرگذاری) بر عهده آقایان شهرام محمدی، محمدحسن باقری خوزانی، محمدصالح عطار، محمدبرزگر خسروی و حسین فاتحی‌زاده، و «بازبینی» بر عهده آقایان امین‌اله زمانی، مصطفی مسعودیان و محمدهادی توکل‌پور، و «نظارت علمی» بر عهده آقای کاظم کوهی اصفهانی بوده است که از زحمات این عزیزان قدردانی می‌شود.

پژوهشکده شورای نگهبان امیدوار است با تولید و عرضه این مجموعه، علاوه بر حرکت در جهت تحقق بخشی از منویات مقام معظم رهبری، خواسته‌ی جامعه علمی کشور و همچنین مراکز سیاست‌گذاری، تقنینی و اجرایی کشور را پاسخ گفته باشد. مسلماً انتشار و عرضه چنین آثاری می‌تواند ثمره‌ی بیش از سی سال مجاهدت و تلاش شورای نگهبان در پاسداری از شرع و قانون اساسی را در اختیار کلیه علاقمندان، به ویژه محافل علمی و پژوهشی، اعم از دانشگاهی و حوزوی قرار دهد و به غنی‌تر شدن هر چه بیشتر مباحث فقهی و حقوقی در کشور کمک کند.

و من الله التوفیق و علیہ التکلان

پژوهشکده شورای نگهبان

زمستان ۱۳۹۵

فصل اول

قوانین مصوب مجلس

**قانون تفسیر تبصره (۳) ماده (۹) قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی
جانبازان انقلاب اسلامی
مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۲۶**

درباره‌ی قانون

طرح «استفساریه تبصره (۳) ماده (۹) قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان انقلاب اسلامی» را تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در راستای رفع ابهام از برخی مقررات مرتبط با پست سازمانی هم‌تراز جانبازان، با قید یک فوریت به مجلس تقدیم کردند. در مقدمه‌ی توجیهی این طرح، ضرورت ارائه‌ی این طرح و فوریت آن بدین شرح تبیین شده است: «در تبصره (۳) ماده (۹) قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان انقلاب اسلامی در رابطه با موضوع «ایجاد پست سازمانی هم‌تراز جانباز» موارد ذیل تصریح نشده است و در نتیجه دستگاه‌های اجرایی سلیقه‌ای و یا با تعبیر خود عمل می‌نمایند:

- ۱- سطح و نوع شغل پست‌های سازمانی هم‌تراز
 - ۲- حفظ سابقه مدیریتی و جلوگیری از تنزل شغلی
 - ۳- تکلیف هم‌ترازی مشاغل مأموران پس از خاتمه مأموریت
- لذا با عنایت به خاتمه دوره‌ی دولت دهم و بالتبع پایان اغلب مأموریت‌ها، طرح استفساریه زیر جهت رفع بلا تکلیفی جانبازان متتفع، با قید یک فوریت تقدیم مجلس محترم شورای اسلامی می‌گردد.
- با رأی نمایندگان مجلس به یک فوریت بررسی این طرح در مجلس، این طرح برای رسیدگی به کمیسیون اجتماعی به عنوان کمیسیون اصلی ارسال شد که این کمیسیون مفاد آن را به تصویب رساند و گزارش آن را به مجلس ارائه کرد. این طرح در تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۶ در صحن علنی مجلس مطرح و با اصلاحاتی به تصویب نمایندگان مجلس رسید و برای طی روند قانونی مذکور در اصل (۹۴) قانون اساسی، به موجب نامه‌ی شماره ۳۹۹/۳۳۷ مورخ ۱۳۹۳/۱/۱۷ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان با تشکیل جلسه در تاریخ ۱۳۹۳/۱/۲۷، مفاد این مصوبه را بررسی و نظر خود مبنی بر مغایرت نداشتن این استفساریه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۱۴ مورخ ۱۳۹۳/۱/۲۷ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۲/۱۲/۲۶

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۱/۲۷

موضوع استفساریه: در اجرای تبصره (۳) ماده (۹) قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۷۴/۳/۳۱،^(۱) چنانچه جانباز در پست مدیریتی و یا سایر عناوین شغلی که بالاتر از شرایط احراز شغلی وی باشد، خدمت نموده آیا ایجاد پست هم‌تراز باید هم‌سطح همان پست شغلی قبل وی باشد؟ و اگر جانباز مدتی در پست سازمانی (اعم از مدیریت یا سایر عناوین شغلی) در محل مأموریت خدمت کرده باشد، آیا ایجاد پست هم‌تراز با دستگاه متبوع اصلی و هم‌تراز پست مأموریت می‌باشد؟

پاسخ:

بلی، باید پست سازمانی ستاره‌دار هم‌تراز همان شغلی که خدمت نموده ایجاد شود و ایجاد پست هم‌تراز برای مأموران، با دستگاه متبوع اصلی مستخدم است.

دیدگاه مغایرت

مطابق اصل (۷۵) قانون اساسی، طرح‌های قانونی که افزایش هزینه‌های عمومی را به دنبال دارند، در صورتی قابل طرح در مجلس هستند که در آن شیوهی تأمین هزینه‌های جدید معلوم و مشخص شده باشد. از آنجا که در طرح استفساریه مذکور، ایجاد پست مدیریتی هم‌تراز و یا سایر عناوین شغلی - که بالاتر از شرایط احراز شغلی افراد جانباز است - در دستگاه متبوع اصلی آنان، متضمن افزایش اعتبارات و هزینه‌های مالی دستگاه متبوع است و این اعتبارات قبلاً در بودجه‌ی سنواتی دستگاه یا قوانین مربوطه پیش‌بینی نشده است و در این طرح نیز محل و طریق تأمین هزینه‌های مزبور تعیین نشده است، این مصوبه مغایر با مفاد اصل (۷۵) قانون اساسی است.

۱. ماده (۹) قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۷۴/۳/۳۱: «ماده ۹- میزان ساعات کار کلیه جانبازان با توجه به نوع و درصد جانبازی و کاهش توانایی آنان به موجب آیین‌نامه‌ای است که به پیشنهاد کمیته‌ای به سرپرستی نماینده بنیاد با موافقت ولی فقیه یا نماینده مأذون از طرف ایشان و عضویت نمایندگان تام‌الاختیار سازمان امور اداری و استخدامی کشور، وزارت کار و امور اجتماعی تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

تبصره ۱- بخش‌های غیردولتی نیز مشمول مصوبات موضوع این ماده می‌باشند.

تبصره ۲- جانبازانی که به هر دلیل نتوانند از کسر ساعات کار استفاده نمایند، از اضافه‌کار ساعتی، مرخصی سالانه و کسر سنوات خدمت بازنشستگی به نحوی که در آیین‌نامه آن پیش‌بینی می‌گردد، برخوردار خواهند شد.

تبصره ۳- دستگاه‌های مشمول این قانون موظفند نسبت به ایجاد پست (شغل) سازمانی هم‌تراز جانباز جهت اشتغال جانبازانی که توانایی انجام کار تمام‌وقت را ندارند یا به خدمت اعاده یا به استخدام پذیرفته می‌شوند با تأیید سازمان امور اداری و استخدامی کشور یا مراجع ذی‌صلاح مربوط اقدام نمایند.»

دیدگاه عدم مغایرت

الف) مطابق اصل (۷۳) قانون اساسی، «شرح و تفسیر قوانین عادی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است.» همچنین شورای نگهبان در نظریه‌ی تفسیری شماره ۷۶/۲۱/۵۸۳ مورخ ۱۳۷۶/۳/۱۰ در مورد اصل (۷۳) قانون اساسی بیان می‌دارد: «مقصود از تفسیر، بیان مراد مقنن است؛ بنابراین تضييق و توسعه قانون در مواردی که رفع ابهام قانون نیست، تفسیر تلقی نمی‌شود. ... پاسخ مجلس شورای اسلامی به استفساریه‌ی تبصره (۳) ماده (۹) قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۷۴/۳/۳۱، در مقام تفسیر قانون و بیان مراد مقنن است و قانون را تضييق یا توسعه نداده و موارد جدیدی را نیز به قانون سابق اضافه نکرده است تا اینکه برای دولت بار مالی جدید به همراه داشته باشد. به عبارت دیگر، در موارد تفسیر قانون که هدف رفع ابهام از قانون است، قانون جدیدی به تصویب نرسیده است تا ایراد اصل (۷۵) قانون اساسی نسبت به آن از جهت عدم مشخص شدن طُرُق جبران کاهش درآمد و یا محل تأمین هزینه‌های جدید متصور باشد. بر همین اساس، از آنجا که تأمین منابع مالی جهت اجرای تبصره‌ی مذکور، پیش‌تر در هنگام تصویب این قانون پیش‌بینی و مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفته است، استفساریه‌ی تبصره (۳) ماده (۹) قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان انقلاب اسلامی مغایرتی با اصول (۷۳) و (۷۵) قانون اساسی ندارد.

ب) ایجاد پست مدیریتی هم‌تراز برای جانبازان توسط دستگاه اصلی متبوع آنان، به معنای ایجاد پست جدید به همراه ردیف مالی جدید و خارج از ظرفیت قوانین استخدامی نیست، بلکه این موضوع در حال حاضر مطابق با قانون^(۱) و بر اساس شرایط خاص جانبازان در حال اجرا به‌گونه‌ای که هزینه‌ی مالی پست‌های مذکور تأمین و پرداخت می‌شود؛ ضمن اینکه تفسیر مذکور تنها در ارتباط با دستگاه مسئول ایجاد پست و همچنین شرایط احراز پست، رفع ابهام می‌کند. بنابراین، از آنجا که منابع مالی پست‌های مذکور در قوانین، از جمله قوانین استخدامی و قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۷۴/۳/۳۱ تأمین شده است، این استفساریه، مغایرتی با اصل (۷۵) قانون اساسی که بر تعیین محل تأمین هزینه‌های جدید طرح‌های مصوب تأکید می‌کند، نخواهد داشت.

ج) قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۷۴/۳/۳۱، سابقاً

۱. تبصره (۳) ماده (۹) قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۷۴/۳/۳۱: «تبصره ۳- دستگاه‌های مشمول این قانون موظفند نسبت به ایجاد پست (شغل) سازمانی هم‌تراز جانباز جهت اشتغال جانبازانی که توانایی انجام کار تمام‌وقت را ندارند یا به خدمت اعاده یا به استخدام پذیرفته می‌شوند با تأیید سازمان امور اداری و استخدامی کشور یا مراجع ذی‌صلاح مربوط اقدام نمایند.»

از جهت عدم مغایرت با قانون اساسی و از جمله اصل (۷۵)، مورد بررسی و تأیید شورای نگهبان قرار گرفته است. بنابراین مغایرت تفسیر قانون مذکور با اصل (۷۵)، از آن جهت که به دنبال رفع ابهام از مراد مقنن و توضیح بیشتر خود قانون است، و جاهت قانونی نخواهد داشت. به عبارت دیگر تفسیر قانون، توسیع و یا تضییق قانون نیست، بلکه جزء قانون به همراه توضیح بیشتر قانون است. از سوی دیگر، در صورتی که بپذیریم که طرح استفساریه‌ی مذکور، به دنبال رفع ابهام و کشف مراد مقنن نبوده است و قانون را توسیع یا تضییق داده است، ماهیت آن دیگر تفسیر نخواهد بود، بلکه امری تقنینی و نوعی قانون‌گذاری است. در این صورت، طرح مذکور از جهت مغایرت با اصل (۷۳) قانون اساسی رد خواهد شد و از آن جهت که تقنین جدید، شرایط و تشریفات تصویب قانون در مجلس را طی نکرده است، بررسی عدم مغایرت آن با اصول قانون اساسی از جمله اصل (۷۵)، موضوعیت نخواهد داشت.

نظر شورای نگهبان

استفساریه‌ی مزبور، مغایر موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

طرح استفساریه تبصره (۳) ماده (۹) قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان انقلاب اسلامی مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

قانون موافقتنامه همکاری‌های امنیتی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری اسلامی پاکستان مصوب ۱۳۹۳/۱/۱۷

درباره‌ی قانون

لایحه «موافقتنامه همکاری‌های امنیتی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری اسلامی پاکستان» که بنا به پیشنهاد وزارت کشور به هیئت وزیران ارائه شده بود، در تاریخ ۱۳۹۲/۱/۱۱ در این هیئت به تصویب رسید و برای طی تشریفات قانونی و تصویب به مجلس شورای اسلامی ارسال شد. در مقدمه‌ی توجیهی این لایحه آمده است: «با عنایت به روابط دوستانه بین دو کشور ایران و پاکستان و اهمیت مسائل امنیتی و با اعتقاد به لزوم برقراری همکاری‌های امنیتی متقابل و درک فواید ناشی از آن و با آگاهی از نقش مؤثر دو کشور در تحکیم امنیت و ثبات منطقه‌ای و با عنایت به آسیب‌پذیری کشورها در خصوص جرایم سازمان‌یافته فراملی و خدشه‌دار نمودن نظم و امنیت عمومی و جان و رفاه شهروندان به واسطه ارتکاب جرایم یادشده و به منظور توسعه و ارتقای سطح مناسبات بین دو دولت، لایحه زیر برای طی مراحل قانونی تقدیم می‌شود.»

این لایحه در مجلس شورای اسلامی برای بررسی به کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی به عنوان کمیسیون اصلی، ارجاع شد که کمیسیون مزبور آن را در تاریخ ۱۳۹۲/۴/۲۵ به تصویب رساند و گزارش آن را به مجلس ارائه کرد. مجلس شورای اسلامی نیز در تاریخ ۱۳۹۳/۱/۱۷ لایحه مزبور را با اصلاحاتی تصویب کرد و آن را برای طی مراحل قانونی مقرر در اصل (۹۴) قانون اساسی، به موجب نامه‌ی شماره ۳۱۷/۱۱۸۴ مورخ ۱۳۹۳/۱/۱۹ به شورای نگهبان ارسال کرد. شورای نگهبان نیز پس از بررسی مفاد این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۱/۲۷، نظر خود مبنی بر عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۱۵ مورخ ۱۳۹۳/۱/۲۷ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۳/۱/۱۷

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۱/۲۷

* بحث در خصوص کلیت موافقتنامه

دیدگاه مغایرت

الف) مطابق با بند (۲) اصل (۱۵۸) قانون اساسی، یکی از وظایف رئیس قوه قضائیه، تهیهی لوایح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی ایران است. بر این اساس و با توجه به نظریه‌ی تفسیری شورای نگهبان،^(۱) لوایحی که جنبه‌ی قضایی دارند، باید به تأیید رئیس قوه‌ی قضائیه رسیده و یا با جلب موافقت ایشان تنظیم شوند. در این موافقتنامه اموری ذکر شده است که جنبه‌ی قضایی داشته و مطابق با اصل (۱۵۶) از مسئولیت‌های قوه قضائیه به شمار می‌آیند که برای این قوه، تکلیف ایجاد می‌کند. از جمله‌ی این امور می‌توان به موضوعات پیشگیری از جرائم و شناسایی متهمان اشاره کرد که در این موافقتنامه بدان اشاره شده است.^(۲) بنابراین، این موافقتنامه - حداقل در بخش‌هایی از آن - ماهیت قضایی داشته و به‌نوعی لایحه‌ی قضایی محسوب می‌شود که باید به تأیید رئیس قوه قضائیه برسد. لذا انعقاد این موافقتنامه، از آن جهت که جنبه‌ی قضایی دارد و به تأیید رئیس قوه قضائیه نرسیده است، مغایر با بند (۲) اصل ۱۵۸ قانون اساسی است.

ب) مطابق با مقدمه‌ی این موافقتنامه، همکاری‌های امنیتی ایران و پاکستان بر مبنای احترام به

۱. نظریه‌ی تفسیری شماره ۷۹/۲۱/۱۰۶۵ مورخ ۱۳۷۹/۷/۳۰ شورای نگهبان: «۱- فرق لوایح قضایی و غیر قضایی مربوط به محتوای آن است و محتوای لوایح قضایی را فصل یازدهم قانون اساسی به ویژه اصول (۱۵۶) و (۱۵۷) و (۱۵۸) و موضوعات مربوط به آنها در اصول دیگر فصل یازدهم و سایر اصول مربوط به امور قضایی معین می‌کند.
- ۲- هیئت دولت نمی‌تواند مستقلاً لایحه قضایی تنظیم نموده و آن را به مجلس شورای اسلامی جهت تصویب نهایی ارسال نماید.
- ۳- لوایح قضایی که توسط رئیس قوه قضائیه تهیه و به دولت ارسال می‌شود، به مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌گردد. هرگونه تغییر مربوط به امور قضایی در این‌گونه لوایح، فقط با جلب موافقت رئیس قوه قضائیه مجاز می‌باشد.»
۴. ماده (۱) موافقتنامه همکاری‌های امنیتی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری اسلامی پاکستان: «ماده ۱- زمینه‌های همکاری طرف‌های متعاقد، خود را متعهد به همکاری در زمینه مبارزه با جرائم سازمان‌یافته به‌ویژه موارد زیر از طریق جلوگیری و شناسایی متهمان، متعهد می‌دانند:
 - ۱- پیشگیری و مبارزه با قاچاق کالا، اموال و اشیاء فرهنگی و تاریخی و استرداد اقلام مزبور
 - ۲- پیشگیری و مقابله با جعل اوراق بهادار دولتی، اسناد مسافرتی، پول، کارت‌های اعتباری و دیگر اسناد با ارزش
 - ۳- مبارزه با فعالیت‌های اقتصادی غیرقانونی از قبیل پولشویی و بهره‌برداری از عواید و درآمدهای حاصله از فعالیت‌های یادشده
 - ۴- مبارزه با قاچاق سلاح، مهمات و مواد منفجره
 - ۵- مقابله با هرگونه فعالیتی که امنیت ملی طرف دیگر را تهدید می‌نماید.
 - ۶- پیشگیری و مبارزه با جرائم سازمان‌یافته فراملی، تروریسم و سایر جرائم مندرج در این موافقتنامه
 - ۷- پیشگیری از قاچاق انسان و مهاجرت غیرقانونی به‌ویژه موارد مربوط به سوء استفاده از زنان و کودکان
 - ۸- پیشگیری و مقابله با جرائم رایانه‌ای و سایر جرائمی که با سوء استفاده از وسایل مخابراتی و ارتباطی صورت می‌گیرد.»

برخی اسناد حقوقی از جمله «عهدنامه استرداد مجرمین مورخ ۱۳۳۸/۱/۳۰» و نیز «قرارداد انتظامات مرزی مورخ ۱۳۳۹/۵/۳۰» منعقد می‌شود. عهدنامه و قرارداد مذکور، مصوب قبل از انقلاب اسلامی است که تاکنون توسط شورای نگهبان از جهت مغایرت یا عدم مغایرت با موازین شرع و قانون اساسی مورد بررسی قرار نگرفته است. بنابراین، از آن جهت که ممکن است این دو عهدنامه و قرارداد، متضمن امور خلاف شرع باشند، اعتبار بخشیدن و ابتناء و استناد موافقتنامه به آنها نیز خلاف موازین شرع خواهد بود.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) مطابق اصل (۱۲۵) قانون اساسی یکی از اختیارات قوه‌ی مجریه، امضای عهدنامه‌ها، مقوله‌نامه‌ها، موافقتنامه‌ها و قراردادهای بین‌المللی دولت ایران با سایر دولت‌ها است که این پیمان‌ها بر اساس اصل (۷۷) قانون اساسی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد. با توجه به وجود اصول مزبور که برای موافقتنامه‌های بین‌المللی مقررات خاصی را پیش‌بینی کرده است، باید میان تصویب این موافقتنامه‌ها در مجلس با قانون‌گذاری به معنای اخص آن، یعنی صلاحیت تقنینی مجلس شورای اسلامی که در اصول (۷۱)^(۱) و (۷۴)^(۲) قانون اساسی به آن تصریح شده است، تفاوت قائل شد؛ چه آنکه در صورتی که نظر قانون‌گذار اساسی بر آن بود که موافقتنامه‌ها و قراردادهای بین‌المللی نیز ماهیت تقنینی داشته باشند، دیگر نیازی به تدوین اصل (۷۷) به عنوان یک اصل جداگانه در کنار سایر اصول مربوط به تصویب طرح‌ها و لوایح تقنینی از جمله اصول (۷۱) و (۷۴) قانون اساسی نبود. بنابراین، باید گفت موافقتنامه‌های بین‌المللی، دارای ماهیت تقنینی به معنای اخص آن نبوده و لذا از شمول موضوع بند (۲) اصل (۱۵۸) قانون اساسی، یعنی لوایح قضایی نیز خارج است. بر این اساس، این موافقتنامه‌ها، هرچند برخی امور دارای ماهیت قضایی را در خود جای داده باشند، ولی لایحه قضایی محسوب نشده و نیازی به موافقت رئیس قوه قضائیه ندارند. همچنین، رویه‌ی بررسی این موافقتنامه‌ها نیز این‌گونه بوده است که معمولاً چنین قراردادهایی به امضای وزیر دادگستری می‌رسیده و پس از تصویب در مجلس، شورای نگهبان آنها را تأیید می‌کرده است و نیازی به موافقت رئیس قوه قضائیه نبوده است. با توجه به مباحث مزبور، این موافقتنامه را نمی‌توان مغایر با بند (۲) اصل (۱۵۸) قانون اساسی دانست.

ب) مقدمه‌ی این موافقتنامه، جزء مصوبات و متن مورد توافق این موافقتنامه محسوب نمی‌شود،

۱. اصل هفتاد و یکم قانون اساسی: «مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند.»

۲. اصل هفتاد و چهارم قانون اساسی: «لوایح قانونی پس از تصویب هیئت وزیران به مجلس تقدیم می‌شود و طرح‌های قانونی به پیشنهاد حداقل پانزده نفر از نمایندگان، در مجلس شورای اسلامی قابل طرح است.»

بلکه آنچه مورد موافقت و التزام دولت‌ها قرار گرفته است متن مواد موافقتنامه است. عبارت ذیل مقدمه که اشعار می‌دارد: «دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری پاکستان ... در زمینه‌های زیر توافق نمودند» نیز مفید معنای مذکور است. بنابراین، آنچه در مقدمه تحت عنوان موضوع احترام متقابل دولت‌ها به قراردادهای مشترک استرداد مجرمین مورخ ۱۳۳۸/۱/۳۰ و نیز قرارداد انتظامات مرزی مورخ ۱۳۳۹/۵/۳۰ بیان شده است، الزام حقوقی برای دولت‌ها مبنی بر رعایت مفاد قراردادهای مذکور نخواهد داشت و تنها به معنای انعقاد این موافقتنامه بر اساس احترام به مفاد این قراردادها است. بنابراین تصویب این مقدمه به معنای تصویب مفاد قراردادهای مذکور توسط مجلس شورای اسلامی نیست و لذا نمی‌توان مقدمه این موافقتنامه را مغایر با شرع و قانون اساسی دانست.

ج) هرچند که قراردادهای مشترک استرداد مجرمین مورخ ۱۳۳۸/۱/۳۰ و نیز قرارداد انتظامات مرزی مورخ ۱۳۳۹/۵/۳۰، قبل از انقلاب اسلامی به تصویب رسیده‌اند و از جهت مغایرت و عدم مغایرت با شرع و قانون اساسی در شورای نگهبان بررسی نشده‌اند، لیکن بر اساس اصل استمرار دولت‌ها، اعتبار حقوقی قراردادهای مذکور تا زمانی که از سوی جمهوری اسلامی ایران لغو نشده است، همچنان نافذ است. بنابراین، ابتناء و استناد موافقتنامه به قراردادهای مذکور، مغایرتی با شرع و قانون اساسی ندارد.

د) طبق بند (الف) ماده (۴) این موافقتنامه، دولت جمهوری اسلامی ایران در مواردی که اجرای مقررات موافقتنامه با قوانین و مقررات ملی تعارض داشته باشد، می‌تواند از ادامه‌ی همکاری با طرف دوم امتناع کند.^(۱) ضمن اینکه در ماده (۱۱) آن نیز بر رعایت مفاد توافقنامه مطابق قوانین و مقررات داخلی تأکید شده است.^(۲) با توجه به اینکه یکی از مقررات داخلی دولت جمهوری اسلامی ایران، عدم مغایرت قوانین با موازین شرع و قانون اساسی است، حتی در فرضی که عبارت

۱. ماده (۴) موافقتنامه همکاری‌های امنیتی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری اسلامی پاکستان: «ماده ۴- موارد امتناع از همکاری

هر طرف متعاقد، حق امتناع از اجرای تمامی یا بخشی از درخواست طرف دیگر را در موارد زیر برای خود محفوظ می‌دارد:
الف- به مخاطره افتادن حاکمیت و امنیت ملی خود یا تعارض با قوانین و مقررات ملی و مسئولیت‌ها و تعهدات بین‌المللی برای همکاری مزبور

ب- ...»

۲. ماده (۱۱) موافقتنامه همکاری‌های امنیتی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری اسلامی پاکستان:
«ماده ۱۱- اعتبار موافقتنامه

این موافقتنامه از تاریخ آخرین اطلاعیه هر یک از طرف‌های متعاقد به طرف دیگر مبنی بر اینکه اقدامات لازم را طبق قوانین و مقررات خود درباره لازم‌الاجرا شدن این موافقتنامه به‌عمل آورده است برای مدت پنج سال به‌موقع اجرا گذارده خواهد شد. ...»

«احترام به عهدنامه استرداد مجرمین مورخ ۱۳۳۸/۱/۳۰ و نیز قرارداد انتظامات مرزی مورخ ۱۳۳۹/۵/۳۰»، به معنای الزام دولت‌ها بر رعایت مفاد قراردادهای مذکور دانسته شود، در صورتی که بخشی از مفاد این قراردادها مغایر با موازین شرع باشد، دولت می‌تواند از اجرای آنها ممانعت به عمل آورد. بنابراین این قراردادها در مقام عمل نمی‌توانند مشکلی از حیث مغایرت با موازین شرع و قانون اساسی ایجاد کنند و به بیان دیگر، الزام خلاف شرع و قانون اساسی برای ایران به وجود نمی‌آورند. لذا مقدمه‌ی این موافقتنامه را نمی‌توان مغایر با شرع و قانون اساسی دانست.

نظر شورای نگهبان

کلّیت موافقتنامه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۱- زمینه‌های همکاری

طرف‌های متعهد خود را برای همکاری در زمینه مبارزه با جرائم سازمان‌یافته به‌ویژه

موارد زیر از طریق جلوگیری و شناسایی متهمان، متعهد می‌دانند:

۱- پیشگیری و مبارزه با قاچاق کالا، اموال و اشیاء فرهنگی و تاریخی و استرداد اقلام مزبور

۲- ...

دیدگاه مغایرت

اطلاق بند (۱) ماده‌ی مزبور، هرگونه خرید و فروش کالا و یا اشیاء تاریخی و فرهنگی را ممنوع و طرفین را متعهد به استرداد آنها کرده است. این اطلاق، در مواردی که خرید و فروش یک کالای تاریخی یا فرهنگی به صورت شرعی و از سوی صاحب شرعی آن انجام گرفته باشد، خلاف موازین شرع است.

دیدگاه عدم مغایرت

ممنوعیت قاچاق کالا و یا اشیاء تاریخی و فرهنگی که در بند (۱) ماده (۱) ذکر شده است، ناظر به کالاها و اشیایی است که از سوی دولت، خروج و یا معامله‌ی آنها ممنوع اعلام شده است، چه این معامله از سوی صاحب شرعی آنها باشد و یا از سوی شخص دیگری صورت پذیرفته باشد. بنابراین، ممنوعیت قاچاق کالا در این بند شامل مواردی نمی‌شود که صاحب شرعی کالا و یا شیء تاریخی، مجوز خرید، فروش و خروج آن را از کشور دارد. بر این اساس، قاچاق کالا در این ماده اطلاق نداشته و منصرف به آن دسته از کالاها و اشیایی است که از سوی دولت، معامله و یا خروج آنها از کشور ممنوع شده است. بنابراین، این ماده مغایرتی با موازین شرع ندارد.

نظر شورای نگهبان

ماده (۱)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۷- کارگروه مشترک

طرف‌های متعاقد موافقت نمودند کارگروه مشترکی به ریاست معاون امنیتی و انتظامی وزیر کشور از طرف جمهوری اسلامی ایران و قائم‌مقام وزیر کشور از طرف جمهوری اسلامی پاکستان تشکیل شود و هر دو سال یک‌بار یا عنداللزوم بر اساس توافق متقابل دو طرف به‌طور متناوب در جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اسلامی پاکستان تشکیل جلسه دهد.

وظایف کارگروه به قرار زیر خواهد بود:

الف- نظارت بر اجرای این موافقتنامه

ب- ارائه راه حل برای مسائلی که ممکن است در جریان این موافقتنامه حادث شود.

پ- بررسی و به‌روز کردن این موافقتنامه

کارگروه مشترک می‌تواند جلسات گروه‌های فرعی کارشناسی در خصوص موضوعات مورد توافق را برگزار نماید.

دیدگاه مغایرت

مطابق بند (پ) ماده (۷)، یکی از وظایف کارگروه مشترک، بررسی و به‌روز کردن موافقتنامه است. در برخی از موارد، به‌روز کردن موافقتنامه، مستلزم اصلاح و تصویب مقررات موافقتنامه خواهد بود که این امر موضوعی تقنینی است که انجام آن طبق اصل (۸۵) قانون اساسی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است و نه کارگروه مشترک. بنابراین، از آنجا که این ماده برای کارگروه مشترک، شأن و صلاحیت قانون‌گذاری قائل شده است، مغایر با اصل (۸۵) قانون اساسی است. همچنین در این بند اشاره نشده است که مفاد این بند تابع ماده (۹) این اساسنامه^(۱) است و لذا نمی‌توان با استناد به ماده (۹)، این بند را مغایر با اصل (۸۵) ندانست.

۱. ماده (۹) موافقتنامه همکاری‌های امنیتی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری اسلامی پاکستان: «ماده

۹- حل و فصل اختلاف و اصلاح موافقتنامه

طرف‌های متعاقد هرگونه اختلاف در تفسیر یا اجرای این موافقتنامه را با مذاکره و یا از طریق مجاری دیپلماتیک و یا کارگروه مشترک موضوع ماده (۷) این موافقتنامه حل و فصل خواهند نمود.

طرف‌های متعاقد می‌توانند مفاد این موافقتنامه را با توافق متقابل و رعایت تشریفات قانونی خود اصلاح نمایند و اصلاحات مزبور با رعایت ماده (۱۱) لازم‌الاجراء خواهد شد.»

دیدگاه عدم مغایرت

طبق ماده (۹) این اساسنامه، طرفین معاهده باید اصلاحات مفاد توافقنامه را مطابق با تشریفات قانونی خود انجام دهند. از آنجا که باید مفاد این اساسنامه را به عنوان یک مجموعه در نظر گرفت و آن را تفسیر کرد، وظیفه‌ی کارگروه مشترک در به‌روز کردن اساسنامه طبق بند (پ) ماده (۷)، با توجه به ماده (۹) آن، به معنای فراهم آوردن مقدمات لازم برای به‌روز کردن موافقتنامه و تصویب آن مطابق با تشریفات قانونی طرفین معاهده است. بنابراین، مطابق با تشریفات قانونی جمهوری اسلامی ایران، همچنان اصلاح و تصویب نهایی تغییرات این توافقنامه بر عهده‌ی مجلس شورای اسلامی است. بر این اساس، وظیفه‌ی کارگروه مشترک در بررسی و به‌روز کردن اساسنامه، امری تقنینی و مغایر با اصل (۸۵) قانون اساسی در خصوص صلاحیت تقنینی مجلس نیست. ضمن اینکه در این بند، تنها به وظیفه‌ی کارگروه اشاره کرده است و به «تصویب» تغییرات اشاره‌ای نشده است.

نظر شورای نگهبان

ماده (۷)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه مجلس در خصوص لایحه موافقتنامه همکاری‌های امنیتی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری اسلامی پاکستان، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

قانون تفسیر تبصره ماده (۷۶) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۹۳/۱/۲۴

درباره‌ی قانون

طرح «استفساریه تبصره ماده (۷۶) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی» توسط تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به جهت ابهام‌زدایی از ماهیت اشتغال افرادی که به دفاتر نمایندگی مأمور می‌شوند با قید دو فوریت تقدیم مجلس شد. در مقدمه‌ی توجیهی این طرح، ضرورت ارائه‌ی این طرح چنین بیان شده است: با عنایت به تصویب ماده (۷۶) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی در خصوص مأموریت افرادی که به درخواست نمایندگان به دفاتر نمایندگی مأمور می‌شوند عبارت «کارکنان و یا کارشناسان دستگاه‌های مشمول ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری» دارای ابهام است و معلوم نیست که آیا این افراد مشمول اعضای هیئت علمی هم می‌شود یا خیر؟ لذا با توجه به اینکه فلسفه‌ی مأموریت نیروهای مذکور کمک فکری به نمایندگان می‌باشد در نظر گرفته شد که موضوع در قالب استفساریه مطرح گردد.

با وجود ارائه‌ی این طرح به صورت دوفوریتی، نمایندگان مجلس در جلسه‌ی علنی مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۴ به دو فوریت آن رأی ندادند و صرفاً با یک فوریت بررسی این طرح موافقت کردند. لذا این طرح، برای رسیدگی به صورت یک‌فوریتی به کمیسیون تدوین آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی به عنوان کمیسیون اصلی ارسال شد که کمیسیون مزبور، آن را در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۱/۱۹ به تصویب رساند و گزارش آن را به مجلس ارائه کرد. این طرح در تاریخ ۱۳۹۳/۱/۲۴ در صحن علنی مجلس مطرح و عیناً به تصویب نمایندگان رسید و برای طی روند قانونی مذکور در اصل ۹۴ قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۴۲۱/۳۱۴۹ مورخ ۱۳۹۳/۱/۲۶ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۲/۳ خود، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۳۱۴ مورخ ۱۳۹۳/۲/۳ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۳/۱/۲۴

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۲/۳

موضوع استفساریه:

آیا منظور از کارکنان یا کارشناسان دستگاه‌های مشمول ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری^(۱) مصرّح در تبصره ماده (۷۶) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی،^(۲) اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها نیز می‌باشد یا خیر؟
پاسخ:

بلی، کارکنان یا کارشناسان دستگاه‌های مشمول ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری، موضوع تبصره ماده (۷۶) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، شامل اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و کلیه افرادی که از دستگاه‌های مذکور حقوق دریافت می‌کنند نیز می‌باشد.

دیدگاه ابهام

الف) با توجه به اینکه دانشگاه‌ها و به خصوص اعضای هیئت علمی آنها از نظر استخدامی و نیز پرداخت حقوق، احکام خاص خود را دارند، نسبت به اینکه این افراد هم جزء کارکنان دستگاه‌هایی اجرایی مذکور در ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری محسوب می‌شوند یا خیر تردید وجود دارد.

ب) اطلاق عبارت «اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها» در این استفساریه موجد این ابهام است که

۱. ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸: «ماده ۵- دستگاه اجرایی: کلیه وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی، مؤسسات یا نهادهای عمومی غیردولتی، شرکت‌های دولتی و کلیه دستگاه‌هایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر و یا تصریح نام است از قبیل شرکت ملی نفت ایران، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، بانک مرکزی، بانک‌ها و بیمه‌های دولتی، دستگاه اجرایی نامیده می‌شوند.»

۲. تبصره ماده (۷۶) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی (الحاقی مورخ ۱۳۹۲/۳/۸): «تبصره- در هر دوره مجلس، نمایندگان می‌توانند حداکثر پنج نفر از کارکنان یا کارشناسان دستگاه‌های مشمول ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری را برای به‌کارگیری در دفتر ارتباطات مردمی جهت امور مشاوره‌ای، اداری و خدماتی از دستگاه ذی‌ربط درخواست نمایند. در این صورت با هماهنگی دستگاه مبدأ، درخواست مأموریت افراد مورد نظر معمول و شخص یا اشخاص مزبور به دفتر ارتباط مردمی نماینده، مأمور می‌شوند. حقوق، مزایا، حق مأموریت و اضافه‌کار این مأموران طبق قوانین و مقررات مربوطه بر عهده دستگاه مأمورکننده می‌باشد و میزان اضافه‌کار تا سقف مصوب اداره مربوطه و مأموریت ماهیانه و مرخصی استفاده‌شده توسط رئیس دفتر نماینده به دستگاه ذی‌ربط اعلام می‌شود. افزایش کلیه حقوق قانونی این مأموران از جمله ارتقاء، افزایش حقوق سنواتی، افزایش گروه و رتبه و سایر موارد مشابه در دوران مأموریت این افراد همانند سایر کارکنان دستگاه ذی‌ربط می‌باشد. تعداد افراد مورد نیاز هر حوزه انتخابیه با توجه به تعداد نمایندگان، تعداد شهر و روستا، جمعیت و وسعت، شرایط اقلیمی و جغرافیایی و سایر قابلیت‌های هر حوزه توسط کمیسیون تدوین آیین‌نامه داخلی مجلس تعیین می‌شود. پس از اعلام پایان مأموریت، دستگاه ذی‌ربط موظف است این افراد را حداقل در پست سازمانی قبل از مأموریت و یا پست هم‌تراز به‌کار گیرد. این مصوبه، نافی تبصره (۳) ماده (۲) قانون استخدامی کارکنان مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۲/۸/۲۳ مجلس شورای اسلامی نمی‌باشد.»

آیا اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های غیردولتی نیز مشمول آن می‌شوند یا خیر. در صورتی که اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های غیردولتی نیز مشمول استفساریه‌ی مذکور باشند این مصوبه دارای اشکال خواهد بود؛ زیرا با توجه به اینکه دانشگاه‌های غیردولتی مشمول عنوان دستگاه اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری نیستند، حکم مقرر در تبصره‌ی ماده (۷۶) شامل اعضای هیئت علمی این دانشگاه‌ها نمی‌شود و شمول این حکم نسبت به این دسته از اعضای هیئت علمی، در واقع موجب توسعه‌ی دامنه‌ی قانون خواهد بود. بر این اساس، باید منظور از «اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها» در این استفساریه به طور دقیق مشخص شود تا امکان اظهار نظر فراهم شود.

دیدگاه عدم مغایرت و ابهام

الف) با توجه به اینکه ماده (۲) قانون مدیریت خدمات کشوری در تعریف «مؤسسه دولتی» مقرر داشته است: «مؤسسه دولتی واحد سازمانی مشخصی است که به موجب قانون ایجاد شده یا می‌شود و با داشتن استقلال حقوقی، بخشی از وظایف و اموری را که بر عهده‌ی یکی از قوای سه‌گانه و سایر مراجع قانونی می‌باشد انجام می‌دهد»، لذا دانشگاه‌های دولتی نیز نوعی «مؤسسه دولتی» محسوب می‌شوند و مطابق ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری «مؤسسات دولتی» یکی از انواع دستگاه‌های اجرایی محسوب می‌شوند. از این‌رو، اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های دولتی نیز مشمول عنوان «کارکنان یا کارشناسان دستگاه‌های مشمول ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری» موضوع حکم مقرر در تبصره ماده (۷۶) قانون آیین‌نامه داخلی هستند. علاوه بر این، هرچند دانشگاه‌ها و به خصوص اعضای هیئت علمی آنها از نظر استخدامی و نیز پرداخت حقوق، احکام خاص خود را دارند، لیکن این موضوع بدان معنا نیست که دانشگاه‌های دولتی از ذیل عنوان «مؤسسه دولتی» و به تبع آن از ذیل «دستگاه‌های اجرایی» خارج شوند. بنابراین، نسبت به اینکه این افراد هم جزء کارکنان دستگاه‌هایی اجرایی مذکور در ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری محسوب می‌شوند ابهام و تردیدی وجود ندارد و از این جهت بر مصوبه‌ی مزبور اشکالی وارد نیست.

ب) با عنایت به اینکه در این مصوبه پس از عبارت «اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها»، عبارت «کلیه افرادی که از دستگاه‌های مذکور حقوق دریافت می‌کنند» ذکر شده است و دستگاه‌های مذکور همان دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری می‌باشند، اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های غیر دولتی مشمول این استفساریه نمی‌شوند. از این‌رو، عبارت «اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها» در استفساریه مزبور منجر به توسعه‌ی دامنه‌ی قانون نشده و با ابهامی مواجه نیست.

ج) با توجه به اینکه «کلیه وزارتخانه‌ها» از جمله وزارت علوم، جزء دستگاه‌های اجرایی ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری محسوب می‌شوند و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها نیز زیرمجموعه‌ی وزارت علوم هستند، لذا مأمور شدن اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها در دفتر ارتباطات مردمی نمایندگان جهت امور مشاوره‌ای، اداری و خدماتی فاقد اشکال است.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایرتی با موازین شرع و قانون اساسی ندارد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه مجلس در خصوص طرح استفساریه تبصره ماده (۷۶) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

قانون تمدید مدت اجرای آزمایشی قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور مصوب ۱۳۹۳/۲/۱۷

درباره‌ی قانون

لایحه «تمدید مدت اجرای آزمایشی قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور» که بنا به پیشنهاد وزارت کشور در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۷/۲۱ هیئت وزیران با قید یک فوریت به تصویب رسیده بود، به موجب نامه‌ی شماره ۴۹۴۴۱/۱۴۷۷۸ مورخ ۱۳۹۲/۹/۱۲ برای طی تشریفات قانونی و تصویب در مجلس شورای اسلامی به این نهاد ارسال شد. در مقدمه‌ی توجیهی این لایحه آمده است: نظر به اینکه مدت اجرای آزمایشی قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور مصوب ۱۳۸۷، به پایان رسیده است و وزارت کشور (سازمان مدیریت بحران کشور) پس از دوره مذکور از حیث پیشگیری و کاهش خطرات ناشی از حوادث طبیعی و سوانح پیش‌بینی نشده و هماهنگی دستگاه‌های ذی‌ربط و اعمال مدیریت واحد و نظارت عالی مؤثر بر مراحل مدیریت بحران در حوادث طبیعی و سوانح پیش‌بینی نشده با مشکلاتی مواجه شده است، لذا این لایحه جهت طی مراحل قانونی تصویب تقدیم می‌گردد.

یک فوریت بررسی این لایحه، به تصویب نمایندگان مجلس شورای اسلامی رسید. در همین راستا، در تاریخ ۱۳۹۲/۱۱/۲۸ رسیدگی به این لایحه، به کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی به عنوان کمیسیون اصلی واگذار شد که کمیسیون مزبور، آن را در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۱/۱۷ عیناً به تصویب رساند و گزارش آن را به مجلس ارائه کرد. این لایحه در تاریخ ۱۳۹۳/۲/۱۷ در صحن علنی مجلس نیز مطرح و مفاد آن عیناً به تصویب رسید و برای طی روند قانونی مذکور در اصل ۹۴ قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۴۲۲/۱۰۰۶۱ مورخ ۱۳۹۳/۲/۲۱ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی مفاد این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۲/۳۱ خود، آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۷۲۱ مورخ ۱۳۹۳/۲/۳۱ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۳/۲/۱۷

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۲/۳۱

ماده واحده- مهلت اجرای آزمایشی قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور مصوب ۱۳۸۷/۲/۳۱ تا پایان سال ۱۳۹۳ تمدید می‌شود.

دیدگاه عدم مغایرت

هیچ یک از اعضای شورای نگهبان، در خصوص مغایرت مفاد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی نظری ابراز نکردند.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایرتی با موازین شرع و قانون اساسی ندارد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه مجلس در خصوص لایحه تمدید مدت اجرای آزمایشی قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

قانون اصلاح موادی از قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۳/۲/۱۷

درباره‌ی قانون

طرح «اصلاح موادی از قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران» توسط تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به قصد آماده‌سازی تعاونی‌ها برای حضور مؤثر در اقتصاد کشور، با قید یک فوریت و با عنوان اولیه‌ی «اصلاح موادی از قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران و اصلاحیه آن مصوب ۱۳۷۷ و الحاق موادی به آن» تقدیم مجلس شد. در مقدمه‌ی توجیهی این طرح، ضرورت ارائه‌ی آن به صورت زیر تبیین شده است: «دین مبین اسلام به عنوان مکتب الهی، برقراری قسط و محو فقر را لازم می‌داند و مشخصه اصلی حاکمیت آرمانی اسلامی، برپایی قسط و عدل است. در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که برآمده از تلاش اندیشمندان برای فهم و قرائت متناسب با شرایط روز مکتب اسلامی است، آمده است: «در تحکیم بنیادهای اقتصادی، اصل، رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل اوست نه همچون دیگر نظام‌های اقتصادی، تمرکز و تکاثر ثروت و سودجویی ...»

بهبود امور اقتصادی و اجتماعی، کاهش نابرابری‌ها و فاصله طبقاتی، محو فقر و حل مشکل بیکاری و توسعه مشارکت‌های مردمی در فعالیت‌های اقتصادی با استفاده از شیوه تعاونی یکی از راه‌های روشن و تجربه‌شده موفق در جهان است که موجب بروز خلاقیت‌های متفاوت انسانی می‌شود. بر این اساس در اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی، بخش تعاونی به عنوان دومین بخش اقتصادی کشور در کنار بخش‌های دولتی و خصوصی تعیین گردیده است. در سه دهه گذشته برنامه‌های مختلف برای توسعه بخش تعاونی اختصاص یافته، لیکن منجر به رشد و ارتقاء جایگاه این بخش اقتصادی در حد مطلوب و مورد انتظار نشده است. لذا مقام معظم رهبری در بند (۱) سیاست‌های کلی ابلاغی ارتقاء سهم بخش تعاونی در اقتصاد کشور را تا پایان برنامه پنجم توسعه به میزان حداقل بیست و پنج درصد (۲۵٪) هدف‌گذاری نموده‌اند و جهت اجرایی شدن این هدف در قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی یک فصل به سیاست‌های توسعه بخش تعاونی اختصاص یافته و در بند (الف) ماده (۹) آن مقرر گردیده سند توسعه بخش تعاونی که در آن مجموعه راهکارهای نیل به سهم بیست و پنج درصد (۲۵٪) و مسئولیت هر یک از دستگاه‌های اجرایی تعیین شود تهیه و به تصویب هیئت وزیران برسد و به موجب بند (ح) آن، قوانین و مقررات حاکم بر بخش تعاونی با رویکرد حذف مداخله دولت در

امور اجرایی و مدیریتی تعاونی‌ها مورد بازنگری و اصلاح قرار گیرد. با توجه به اهمیت و حساسیت موضوع و تأثیر مستقیم آن در توسعه بخش تعاونی انتظار این بود در مهلت قانونی تعیین شده، اقدام منجر به نتیجه در این خصوص صورت گیرد که تا کنون عملی نشده است. لذا با استمرار وضع موجود علی‌رغم رشد کمی و آماری تعاونی‌ها نه تنها شاهد ارتقاء سهم بخش تعاونی تا پایان برنامه پنجم به میزان تعیین شده (حداقل بیست و پنج درصد (۲۵٪)) نخواهیم بود، بلکه در اثر این ناکارآمدی احتمال کاهش آن نیز از میزان فعلی وجود دارد. عوامل مؤثر در این وضعیت به شرح زیر بیان می‌گردد:

۱- رشد و توسعه بخش تعاونی نیاز به عزم ملی و تلاش جمعی دستگاه‌های اجرایی دارد. منحصر و محدود نمودن وظایف و تکالیف حاکمیت در وزارت تعاون موجب گردیده عملاً سایر دستگاه‌های اجرایی به لحاظ نداشتن مسئولیت مستقیم، همراهی و همکاری لازم برای توسعه بخش تعاونی نداشته باشند.

۲- ظرف کوچکی به اندازه وزارت تعاون نمی‌تواند مظروف بزرگی به عنوان بخش تعاونی را که امکان حضور آن در تمامی عرصه‌های اقتصادی در بخش‌های صنعتی، معدنی، کشاورزی و خدمات و بازرگانی وجود دارد و مقرر است حداقل به میزان بیست و پنج درصد (۲۵٪) در اقتصاد کشور سهم داشته باشد را در خود جای دهد و این عدم تناسب ظرف و مظروف، عامل اصلی در عدم رشد و توسعه بخش تعاونی و پس‌رفت آن است.

۳- عملکرد سال‌های اخیر نشان داده است چنانچه دستگاه‌های اجرایی مستقیماً در راستای وظایف خود وظیفه توسعه تعاونی‌های ذی‌ربط را بر عهده گیرند، نتیجه، بسیار مطلوب و رضایت‌بخش خواهد بود که از مصادیق آن می‌توان به برداشتن بار زمین مانده مسکن مهر توسط وزارت مسکن و شهرسازی و یا اشتغال (توسعه اشتغال خانگی و طرح‌های دیگر) توسط وزارت کار، برنامه‌ریزی و حمایت ویژه از تعاونی‌های فرش دستباف توسط وزارت بازرگانی و جهاد کشاورزی اشاره نمود.

۴- تعاونی‌ها همانند مؤسسات خصوصی در انجام فعالیت‌ها ملزم به تبعیت از سیاست‌های وزارت ذی‌ربط در موضوع فعالیت خود می‌باشند. تبعیت از سیاست‌های دو نهاد، مشکلاتی را برای تعاونی‌ها به وجود آورده است.

۵- تشکیل و توسعه تعاونی‌ها نیاز به سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و حمایت دولت از یک سو و وجود تشکل‌های تعاونی توانمند (اتحادیه‌ها و اتاق‌های تعاون) از سوی دیگر دارد. لازم است به موازات این اقدام، زمینه توانمندسازی تشکل‌های تعاونی جهت استفاده از ظرفیت‌های بالای مردمی نیز فراهم گردد.

با عنایت به مطالب فوق‌الذکر و ضرورت اجرای کامل قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی، تأخیر بیشتر در رفع موانع و ایجاد زمینه لازم برای توسعه بخش تعاونی موجب عدم تعادل و توازن لازم در بخش‌های دولتی، تعاونی و خصوصی شده که به تبع آن شاهد کم‌رنگ شدن آرمان‌های عدالت‌خواهانه نظام و بروز پیامدهای منفی اقتصادی و اجتماعی خواهیم بود. لذا به جهت جلوگیری از فوت فرصت و آماده‌سازی تعاونی‌ها برای حضور مؤثر در اقتصاد کشور و با توجه به رهنمودهای مقام معظم رهبری که تشکیل تعاونی‌های بزرگ (برای سرمایه‌گذاری‌های بزرگ) را یکی از مصادیق جهاد اقتصادی برشمردند و در راستای اجرای ماده (۱۲۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه کشور، طرح اصلاح موادی از قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران و اصلاحیه آن مصوب مهرماه سال ۱۳۷۷ و الحاق موادی به آن با یک فوریت تقدیم می‌گردد.

یک فوریت این طرح در مجلس شورای اسلامی به تصویب نرسید. بر این اساس، این طرح برای رسیدگی به صورت عادی و یک شوری در تاریخ ۱۳۹۰/۴/۵ به کمیسیون ویژه نظارت و پیگیری بر اجرای اصل (۴۴) قانون اساسی مجلس، به عنوان کمیسیون اصلی ارسال شد که کمیسیون مزبور، آن را در جلسات متعدد با اصلاحات و الحاقاتی به تصویب رساند و گزارش آن را به مجلس ارائه کرد. این طرح در تاریخ ۱۳۹۲/۱۱/۸ در صحن علنی مجلس مطرح شد و با انجام اصلاحاتی به تصویب نمایندگان رسید و برای طی روند قانونی مذکور در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۳۱/۷۵۴۳۶ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۱۵ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان در جلسات متعدد به بررسی این مصوبه پرداخت و مفاد آن را در یک مورد، خلاف موازین شرع و در موردی دیگر مغایر با اصل (۱۱۲) قانون اساسی تشخیص داد و آن را برای اصلاح به مجلس، بازگرداند. نظر شورای نگهبان در این خصوص، طی نامه‌ی شماره ۹۲/۳۰/۵۳۲۳۱ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۴ به مجلس اعلام شد. کمیسیون ویژه نظارت و پیگیری بر اجرای اصل (۴۴) قانون اساسی مجلس در بررسی مجدد برای رفع ایرادات شورای نگهبان، اصلاحات لازم را در مواد واجد اشکال، اعمال و در تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۷ گزارش آن را به مجلس ارائه کرد که نمایندگان مجلس در جلسه‌ی علنی مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۶ آن را به تصویب رساندند. مصوبه‌ی اصلاحی مجلس طی نامه‌ی شماره ۳۱/۳۴۶ مورخ ۱۳۹۳/۱/۱۷ برای اظهار نظر به شورای نگهبان ارسال شد. پس از وصول مصوبه‌ی اصلاحی به شورای نگهبان، این شورا با تشکیل جلسه در تاریخ ۱۳۹۳/۱/۲۷ یکی از مواد این مصوبه را همچنان واجد ابهام دانست و ضمن اعلام نظر خویش طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۱۳ مورخ ۱۳۹۳/۱/۲۷، مصوبه را برای رفع ابهام به مجلس برگشت داد. نمایندگان مجلس شورای اسلامی برای رفع ابهام شورای نگهبان،

این بار در جلسه‌ی علنی مورخ ۱۳۹۳/۲/۱۷ اصلاحات لازم را در این مصوبه اعمال کردند و مصوبه‌ی اصلاحی را طی نامه‌ی شماره ۳۱/۹۹۷۱ مورخ ۱۳۹۳/۲/۲۱ به شورای نگهبان ارسال کردند. شورای نگهبان نیز بررسی مصوبه‌ی اصلاحی را در دستور جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۲/۳۱ خود قرار داد که اعضای شورا پس از بحث و بررسی نسبت به مصوبه‌ی اصلاحی، ایرادهای پیشین را برطرف شده تشخیص دادند و با اعلام عدم مغایرت مفاد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی، نظر خویش در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۷۲۰ مورخ ۱۳۹۳/۲/۳۱ به مجلس شورای اسلامی اعلام کردند.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۲/۱۱/۸ (مرحله نخست)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۲/۱۱/۳۰

ماده ۱- متن زیر به‌عنوان بندهای (۸) و (۹) و یک تبصره به‌عنوان تبصره (۲) به ماده (۱)^(۱) قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۰/۶/۱۳ و اصلاحیه‌های بعدی آن الحاق می‌شود:

۸- کمک به تأمین عدالت اجتماعی و توانمندسازی اقشار متوسط و کم‌درآمد
۹- ارتقای کارایی بنگاه‌های اقتصادی و بهره‌وری منابع مادی و انسانی و فناوری و افزایش رقابت‌پذیری در اقتصاد ملی
تبصره ۲- دولت مکلف است به منظور تحقق اهداف مذکور در این ماده با رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور شرایط و منابع مورد نیاز را در برنامه‌های توسعه و قوانین بودجه سنواتی لحاظ نماید.

۱. ماده (۱) قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۰/۶/۱۳: «ماده ۱- اهداف بخش تعاونی عبارت است از:

- ۱- ایجاد و تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل
- ۲- قرار دادن وسایل کار در اختیار کسانی که قادر بکارند ولی وسایل کار ندارند.
- ۳- پیشگیری از تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص جهت تحقق عدالت اجتماعی
- ۴- جلوگیری از کارفرمای مطلق شدن دولت
- ۵- قرار گرفتن مدیریت و سرمایه و منافع حاصله در اختیار نیروی کار و تشویق بهره‌برداری مستقیم از حاصل کار خود
- ۶- پیشگیری از انحصار، احتکار، تورم و اضرار به غیر
- ۷- توسعه و تحکیم مشارکت و تعاون عمومی بین همه مردم تبصره- اهداف مذکور این ماده باید با رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد عملی شود.»

دیدگاه مغایرت

الف) به موجب اصل (۷۵) قانون اساسی، طرح‌های قانونی که منجر به افزایش هزینه‌ی عمومی می‌شود، در صورتی در مجلس قابل طرح است که در آن، طریق تأمین هزینه‌ی جدید مشخص شده باشد. بر این اساس، با توجه به اینکه اصلاح اهداف این قانون در قالب طرح پیشنهاد و تصویب شده و الزاماتی را بر دولت تحمیل می‌کند که متضمن هزینه‌ی مالی است و با این وجود، طریق تأمین این هزینه در آن مشخص نشده است، ماده (۱) مصوبه‌ی مزبور، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی است. این ایراد به‌ویژه در مورد هدف اول، یعنی توانمندسازی اقشار متوسط و کم‌درآمد از این جهت که طریق تأمین هزینه در آن بیان نشده است، بارزتر جلوه می‌کند.

ب) بر اساس تبصره‌ی (۲) ماده‌ی مزبور، دولت مکلف است به منظور تحقق اهداف صدر ماده، شرایط و منابع مورد نیاز را در برنامه‌های توسعه و قوانین بودجه سنواتی «لحاظ» نماید. از آنجا که لحاظ در خصوص قوانین بودجه سالانه، به معنای آوردن شرایط و منابع مورد نیاز در قانون بودجه است و این امر متضمن بار مالی برای دولت است، تبصره‌ی مذکور مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی است؛ زیرا طریق تأمین این هزینه در آن مشخص نشده است.

ج) الزام دولت به «لحاظ نمودن» شرایط و منابع لازم برای تحقق اهداف مقرر در قوانین بودجه‌ی سنواتی در تبصره‌ی ماده (۱) از این منظر که تهیه‌ی بودجه به منظور تصویب آن در مجلس از وظایف دولت است، مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است؛ زیرا الزام فوق باعث محدودیت دولت در تهیه بودجه است. به عبارت دیگر، ممکن است دولت نیازی به لحاظ کردن شرایط و منابع لازم برای تحقق اهداف مقرر در قوانین بودجه‌ی سنواتی نبیند؛ در حالی که تبصره مزبور، دولت را مکلف کرده تا در بودجه، این منابع را نیز در نظر بگیرد.

د) الزام دولت به لحاظ کردن شرایط و منابع لازم برای تحقق اهداف مقرر در قوانین بودجه‌ی سنواتی در تبصره‌ی ماده (۱) به معنای الزام دولت به قانون‌گذاری است و این الزام مغایر اصول (۵۲) و (۷۴) قانون اساسی است؛ زیرا مطابق اصل (۵۲)، بودجه‌ی سالانه‌ی کل کشور از طرف دولت تهیه و برای تصویب به مجلس تقدیم می‌شود و بر اساس اصل (۷۴)، «لوائح قانونی پس از تصویب هیئت وزیران به مجلس تقدیم می‌شود». بنابراین نمی‌توان دولت را در تهیه لایحه‌ی قانونی به صورت عام (در رابطه با قوانین برنامه توسعه) و لایحه قانون بودجه کل کشور به صورت خاص ملزم به تصویب مقرره‌ای خاص نمود و پیش از ارائه قانون بودجه به مجلس، درج مقرره‌ای مشخص را در فرایند تهیه‌ی لایحه‌ی قانون بودجه بر دولت تحمیل کرد. ضمن آنکه نظر شورای نگهبان در پاسخ به استفساریه مجلس در خصوص امکان انجام اصلاحات در قانون بودجه

آن است که انجام اصلاحات به وسیله‌ی طرح قانونی مغایر اصل (۵۲) بوده و امکان‌پذیر نیست.^(۱) بنابراین الزام دولت به قانون‌گذاری در تبصره‌ی ماده (۱) مغایر اصول (۵۲) و (۷۴) قانون اساسی و نیز نظریه‌ی تفسیری شورای نگهبان است.

هـ) اگرچه مجلس صلاحیت تصویب قانون بودجه را دارد، اما این امر به معنی دخالت در سایر مراحل تهیه و تدوین قانون بودجه -که انحصاراً در صلاحیت دولت است- نیست. بنابراین مصوبه مزبور به جهت فقدان شرایط قانون اساسی در اصل (۵۲) در خصوص تهیه و تدوین بودجه مغایر با این اصل است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) بندهای الحاقی به ماده‌ی مزبور در مقام بیان اهداف کلی دولت است که شرح وظایف دولت تلقی نمی‌شوند تا متضمن تکلیف به طرح در قانون بودجه بوده و در نتیجه، برای دولت بار مالی به همراه داشته باشد. به علاوه چنانچه وظیفه دولت نیز تلقی شود، وظیفه‌ای جدید نیست؛ بلکه صرفاً بیان مجدد وظایفی است که پیش از این نیز بر عهده دولت بوده است و ثمره‌ی طرح مجدد و تأکید بر آن، این است که ضمن ایجاد امکان مطالبه‌گری از دولت برای مجلس، دولت را ملزم می‌کند که توجه به بخش تعاون را از اولویت برنامه‌ریزی‌های خود خارج نکند. بر این اساس، این ماده مغایر اصول (۵۲) و (۷۵) قانون اساسی نمی‌باشد.

۱. متن استفساریه: با عنایت به اطلاق اصل (۵۲) قانون اساسی که دولت را مکلف به تهیه بودجه سالانه کل کشور و تسلیم آن به مجلس شورای اسلامی نموده است، آیا انجام هرگونه اصلاحات در قانون بودجه از قبیل تغییر در ارقام، الحاق، حذف، جابجایی و متمم یا چند دوازدهم بودجه از طریق تقدیم طرح‌های قانونی موضوع اصل (۷۴) قانون اساسی امکان‌پذیر می‌باشد یا مستلزم تقدیم لایحه از سوی دولت محترم است؟

نظریه شماره ۷۸/۲۱/۵۱۴۶ مورخ ۱۳۷۸/۵/۲۴ شورای نگهبان

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به شماره ۳۰۴۴ - ق مورخ ۷۸/۲/۲۵ موضوع در جلسات شورای نگهبان مطرح و نظر شورا بدین شرح اعلام می‌گردد:

«نظر به اینکه عبارت «هرگونه اصلاحات در قانون بودجه» کلی است باید مصادیق آن مشخص گردد تا پاسخ روشن داده شود.

۱- تغییر در ارقام بودجه به نحوی که در کل بودجه تأثیر بگذارد، به وسیله طرح قانونی با توجه به اصل (۵۲) قانون اساسی امکان‌پذیر نیست.

۲- تصویب متمم و چند دوازدهم بودجه از طریق طرح قانونی با توجه به اصل (۵۲) قانون اساسی جایز نمی‌باشد.

۳- در خصوص تغییر در ارقام بودجه به وسیله طرح قانونی، در صورتی که در بودجه کل کشور تأثیر نگذارد رأی تفسیری نیاورده است.

۴- الحاق و حذف نیز همانند تغییر در ارقام بودجه است.»

ب) مراد از «لحاظ» در این ماده، درج این موضوعات در قانون نیست؛ بلکه مورد توجه قرار دادن آن در برنامه‌های توسعه و قوانین بودجه سنواتی توسط دولت است که متفاوت از الزام به طرح آن در لایحه‌ی پیشنهادی دولت است. هرچند این موارد همگی در صلاحیت دولت است، اما طرح آن در این مقرر این امکان را برای مجلس فراهم می‌کند که اجرای این وظایف را از دولت مطالبه نماید. بنابراین، الزام به لحاظ این موارد در برنامه‌ی توسعه و قوانین بودجه سنواتی به معنای الزام دولت به طرح و درج آن در لوایح مرتبط نیست. از این رو، ماده فوق از این جهت مغایرتی با اصل (۵۲) قانون اساسی ندارد.

ج) اگرچه بنا بر نظریه تفسیری شورای نگهبان^(۱) انجام هرگونه اصلاحات در قانون بودجه به وسیله‌ی طرح قانونی، مغایر قانون اساسی تشخیص داده شد، لیکن در ماده (۱)، در خصوص حکم مزبور اختلاف نیست؛ بلکه اختلاف در مصداق آن است. به عبارت دیگر، در اینجا شبهه‌ی مصداقی وجود دارد، به این معنا که آیا مصداق مورد بحث این ماده از مصادیق مشمول اصل (۵۲) قانون اساسی است تا مشمول حکم مندرج در آن شود یا خیر؟ آنچه صحیح است آن است که این ماده مشمول این اصل نبوده و مغایرتی با این اصل ندارد. به علاوه، همان‌گونه که مجلس صلاحیت تصویب قانون بودجه را دارد، می‌تواند طرح حاضر را نیز که متضمن الزاماتی مرتبط با قانون بودجه می‌باشد، تصویب نماید. بنابراین این مصوبه مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی نیز نیست.

نظر شورای نگهبان

ماده (۱)، مغایر با قانون اساسی و موازین شرع شناخته نشد.

ماده ۲- بند (۳) ماده (۲۵)^(۲) قانون حذف می‌شود.

دیدگاه مغایرت

الف) بند (۳) ماده (۲۵) محذوف، متضمن اخذ چهار درصد مالیات از صندوق‌های تعاونی و واریز به حساب صندوق تعاونی بوده است. صندوق تعاون، متعلق به وزارت تعاون، کار و رفاه

۱. نظریه شماره ۷۸/۲۱/۵۱۴۶ مورخ ۱۳۷۸/۵/۲۴ شورای نگهبان.

۲. ماده (۲۵) قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۰/۶/۱۳: «ماده ۲۵- سود خالص شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی در هر سال مالی به ترتیب زیر تقسیم می‌شود:

۱- ...

۲- ...

۳- چهار درصد از سود خالص به عنوان حق تعاون و آموزش به صندوق تعاون واریز می‌گردد.»

اجتماعی و متعلق به دولت است. درآمد صندوق مذکور، به عنوان یک شرکت دولتی، همچون سایر شرکت‌های دولتی، در قانون بودجه تعیین می‌شود و در کلیت بودجه‌ی دولت قرار می‌گیرد. بر این اساس، حذف این منبع درآمد، منجر به تقلیل درآمد دولت شده و از آنجا که طریق جبران این کسر درآمد در این قانون پیش‌بینی نشده، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی است؛ زیرا طبق این اصل، طرح‌های قانونی که منجر به تقلیل درآمد عمومی می‌شود، در صورتی در مجلس قابل طرح است که در آن، طریق جبران کاهش درآمد پیش‌بینی شده باشد.

ب) صندوق تعاون یا صندوق دولتی است یا عمومی و در هر یک از این دو حالت، خصوصی نیست. صندوق مذکور از این نظر که وظایف حاکمیتی برای آن تعریف شده و از این وجوه برای انجام وظایف حاکمیتی استفاده می‌شود، صندوقی عمومی است؛ بر این اساس حذف این منبع درآمد برای آن منجر به تقلیل درآمد عمومی شده و از آنجا که طریق جبران این کسر درآمد در این مصوبه پیش‌بینی نشده است، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

حذف بند (۳) ماده (۲۵) ناظر به صندوق تعاون است که طبق اساسنامه‌ی آن، دارای شخصیت حقوقی مستقل از دولت و بخش عمومی است و متعلق به دولت یا بخش عمومی نبوده و بودجه آن نیز در قانون بودجه تعیین نشده و درآمد آن در کلیت بودجه دولت قرار نمی‌گیرد، بلکه سرمایه آن متعلق به خود صندوق است. کمک دولت نیز ماهیت آن را دولتی نمی‌کند؛ زیرا دولت به بسیاری از نهادهای خصوصی یا غیرانتفاعی کمک می‌کند و این، عامل تغییر وضعیت آنها از خصوصی به عمومی یا دولتی نمی‌شود. ضمن آنکه طبق اساسنامه، این صندوق، اساساً شرکت تلقی نمی‌شود؛ بلکه مؤسسه‌ای اعتباری و متعلق به بخش تعاونی است و برای فعالیت در این بخش در این قانون تصویب شده است. بنابراین صندوق مورد بحث، بر اساس قانون تجارت، مصداق شرکت نمی‌باشد و در نتیجه مشمول عنوان و احکام مطرح برای شرکت‌های تجاری بر اساس قانون تجارت نیز نخواهد بود و از آنجا که شرکت نیست امکان اطلاق وصف «دولتی» بدان میسر نیست؛ زیرا این وصف تنها به شرکت‌ها قابل انتساب است و نه مؤسسات اعتباری. بر این اساس، از آنجا که ماهیت این صندوق نمی‌تواند دولتی باشد، حذف منابع مالی آن، به تقلیل درآمد عمومی منجر نشده و عدم پیش‌بینی طریق جبران این کسر درآمد در این قانون موجب مغایرت این مصوبه با اصل (۷۵) قانون اساسی نمی‌باشد.

نظر شورای نگهبان

ماده (۲)، مغایر با قانون اساسی و موازین شرع شناخته نشد.

ماده ۵- ماده (۳۸) قانون به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۳۸- اعضای هیئت مدیره، هیئت رئیسه، مدیرعامل و بازرسان علاوه بر شرایط مندرج در اساسنامه، با رعایت ماده (۱۰)^(۱) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی باید حسب مورد واجد شرایط مندرج در مواد (۱۱۱)،^(۲) (۱۲۶)^(۳) و (۱۴۷)^(۴) قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱/۲/۱۳ و اصلاحیه‌های بعدی آن باشند. تبصره- برای عضویت در هیئت رئیسه اتاق‌های تعاون علاوه بر شرایط مذکور در این

۱. ماده (۱۰) قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مصوب ۱۳۸۷/۳/۲۵: «ماده ۱۰- کلیه شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی مجازند در بدو تأسیس یا هنگام افزایش سرمایه تا سقف چهل و نه درصد (۴۹٪) سهام خود را با امکان اعمال رأی حداکثر تا سی و پنج درصد (۳۵٪) کل آراء و تصدی کرسی‌های هیئت مدیره به همین نسبت به شرط عدم نقض حاکمیت اعضاء و رعایت سقف معین برای سهم و رأی هر سهامدار غیرعضو که در اساسنامه معین خواهد شد به اشخاص حقیقی یا حقوقی غیرعضو واگذار نمایند. فروش به اشخاص غیرایرانی باید با رعایت مقررات حاکم بر سرمایه‌گذاری خارجی باشد. همچنین شرکت‌های تعاونی مجازند نسبت به تشکیل اتحادیه‌های تعاونی تخصصی در چارچوب مواد (۶۱) و (۶۲) قانون شرکت‌های تعاونی مصوب سال ۱۳۵۰ و بدون رعایت تبصره (۲) ماده (۴۳) قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۰ اقدام نمایند. در مجمع عمومی انواع اتحادیه‌های تعاونی میزان رأی اعضاء متناسب با تعداد اعضاء و میزان سهام یا حجم معاملات آنها با اتحادیه یا تلفیقی از آنها وفق اساسنامه تعیین می‌گردد. معاملات مدیران شرکت‌های تعاونی و اتحادیه‌های تعاونی مشمول ماده (۱۲۹) قانون تجارت خواهد بود.»

۲. ماده (۱۱۱) قانون تجارت: «ماده ۱۱۱- اشخاص ذیل نمی‌توانند به مدیریت شرکت انتخاب شوند:

- ۱- مجبورین و کسانی که حکم ورشکستگی آنها صادر شده است.
- ۲- کسانی که به علت ارتکاب جنایت با یکی از جنحه‌های ذیل به موجب حکم قطعی از حقوق اجتماعی کلاً یا بعضاً محروم شده باشند در مدت محرومیت:
- سرقت- خیانت در امانت- کلاهبرداری- جنحه‌هایی که به موجب قانون در حکم خیانت در امانت یا کلاهبرداری شناخته شده است- اختلاس- تدلیس- تصرف غیر قانونی در اموال عمومی.
- تبصره- دادگاه شهرستان به تقاضای هر ذی‌نفع حکم عزل هر مدیری را که برخلاف مفاد این ماده انتخاب شود یا پس از انتخاب مشمول مفاد این ماده گردد صادر خواهد کرد و حکم دادگاه مزبور قطعی خواهد بود.»
۳. ماده (۱۲۶) قانون تجارت: «ماده ۱۲۶- اشخاص مذکور در ماده (۱۱۱) نمی‌توانند به مدیریت عامل شرکت انتخاب شوند و همچنین هیچ کس نمی‌تواند در عین حال مدیریت عامل بیش از یک شرکت را داشته باشد. تصمیمات و اقدامات مدیر عاملی که برخلاف مفاد این ماده انتخاب شده است در مقابل صاحبان سهام و اشخاص ثالث معتبر و مسئولیت‌های سمت مدیریت عامل شامل حال او خواهد شد.»

۴. ماده (۱۴۷) قانون تجارت «ماده ۱۴۷- اشخاص زیر نمی‌توانند به سمت بازرسی شرکت سهامی انتخاب شوند:

- ۱- اشخاص مذکور در ماده (۱۱۱) این قانون.
- ۲- مدیران و مدیر عامل شرکت.
- ۳- اقرباء و نسبی مدیران و مدیر عامل تا درجه سوم از طبقه اول و دوم.
- ۴- هرکس که خود یا همسرش از اشخاص مذکور در بند (۲) موظفاً حقوق دریافت می‌دارد.»

ماده داشتن حداقل سه سال سابقه عضویت در هیئت مدیره، مدیریت عامل، دبیری یا دبیرکلی و بازرسی شرکت‌ها، اتحادیه‌ها و اتاق‌ها در بخش تعاون الزامی است.

دیدگاه مغایرت

الف) بندهای (۲) و (۵) ماده (۳۸)^(۱) اصلاحی ۱۳۷۷/۷/۵، برای اعضای هیئت مدیره، مدیرعامل و بازرسان شرکت‌های تعاونی و اتاق‌های بازرگانی متضمن شرایطی است که با مصوبه‌ی اصلاحی مجلس این شرایط عملاً حذف شده است. این مسئله در مورد بند (۲) محذوف، زمینه‌ساز تسلط افرادی که ایمان و تعهد عملی به اسلام ندارند و در خصوص بند (۵) زمینه‌ساز تسلط افرادی که در گروه‌های محارب بوده و یا مرتکبین جرائم ضد امنیت ملی می‌شود. ضمن آنکه شرایط مقرر در ماده (۵) کفایت از شرایط مذکور در بندهای مزبور را نمی‌کند؛ زیرا شرط امانت، وثاقت، تعهد و نظیر اینها را فراهم نمی‌آورد. بنابراین ماده مزبور، مغایر با موازین شرع از جمله قاعده نفی سبیل^(۲) است؛ زیرا عدم احراز این شرایط، زمینه‌ی تسلط غیر مسلمان را بر مسلمانان فراهم می‌آورد و این در حالی است که این تسلط بر اساس قاعده‌ی نفی سبیل جایز نیست.

ب) برقراری هرگونه رابطه‌ی استخدامی مستلزم گزینش عمومی است و از آنجا که صندوق تعاون متعلق به دولت و وزارت تعاون؛ کار و رفاه اجتماعی است، عضویت در آن مستلزم گزینش است. این در حالی است که موارد محذوف در ماده‌ی اصلاحی، از شرایط حداقلی و مسلم این گزینش است. از این‌رو حذف این شرایط خلاف شرع می‌باشد؛ زیرا زمینه‌ی ورود افرادی را به این صندوق فراهم می‌آورد که فاقد حداقل شرایط امانت و تقوای لازم برای تصدی امور هستند.

ج) با توجه به اینکه مواد (۱۱۱)، (۱۲۶) و (۱۴۷) مذکور در این ماده، مربوط به «لایحه قانونی

۱. ماده (۳۸) قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران اصلاحی ۱۳۷۷/۷/۵: «ماده ۳۸- اعضاء هیئت مدیره، مدیرعامل و بازرسان باید واجد شرایط زیر باشند:

۱- ...

۲- ایمان و تعهد عملی به اسلام (در تعاونی‌های متشکل از اقلیت دینی شناخته‌شده در قانون اساسی، تعهد عملی به دین خود)

۳- ...

۴- ...

۵- عدم عضویت در گروه‌های محارب و عدم ارتکاب جرائم بر ضد امنیت و جعل اسناد.»

۲. مفهوم قاعده نفی سبیل این است که خداوند در قوانین و شریعت اسلام هیچ‌گونه راه نفوذ و تسلط کفار بر مسلمین را باز نگذاشته است. پس در هیچ شرایطی تسلط کفار بر مسلمانان جایز نیست. آیات و روایات بسیاری دلالت بر این موضوع دارند که هرگونه ارتباط و داد و ستدی که موجب سلطه‌ی بیگانگان بر مسلمان شود، اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی، ناروا است. فقها از این موضوع، تحت عنوان قاعده نفی سبیل یاد می‌کنند.

اصلاح قسمتی از قانون تجارت» مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۲۴ است، نه «قانون تجارت» مصوب ۱۳۱۱/۱۲/۱۳ و اصلاحیه‌های بعدی آن، لازم است عبارت «قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱/۱۲/۱۳ و اصلاحیه‌های بعدی آن» به عبارت «لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۲۴» تغییر یابد.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) با استناد به سایر مواد مذکور در ماده‌ی اصلاحی، به‌ویژه ماده (۱۱۱) «لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت» مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۲۴ شرایط محذوف به صورت دیگری لحاظ شده است و از این رو محملی برای مغایرت با شرع در این خصوص وجود ندارد. ضمن آنکه این شرایط جزء شرایط عمومی برای گزینش در سازمان‌های دولتی و حاکمیتی است و حذف آن در ماده‌ی مزبور فاقد اشکال است.

ب) اقتصاد تعاونی را نباید اقتصادی کاملاً خصوصی تلقی نمود؛ همان‌گونه که در شرکت‌های سهامی نیز مجلس با تصویب قانون، شرایطی از قبیل ورشکسته به تقصیر و تقلب نبودن را در خصوص اعضای هیئت مدیره مقرر داشته است، در این مورد نیز امکان وضع شرایط از ناحیه مجلس وجود دارد. بنابراین نفس وضع این مقررات، مغایرتی با شرع ندارد.

ج) مجلس شرایطی را در خصوص شرکت‌های تعاونی وضع کرده و هم‌اکنون تصمیم گرفته این شرایط را تغییر دهد. ضمن آنکه موضوع این ماده مرتبط با بخش تعاونی (غیردولتی) است و همان‌گونه که وضع شرایط گزینش برای آن مجاز است (و نه الزامی)، حذف این شرایط نیز مجاز بوده و ممنوع نمی‌باشد. بنابراین مصوبه مزبور از آن جهت که شرایط موجود در بند (۲) و (۵) را حذف نموده، مغایر با موازین شرعی نیست.

نظر شورای نگهبان

- ماده (۵) موضوع اصلاح ماده (۳۸) اصلاحی این قانون مصوب ۱۳۷۷/۷/۵ که متضمن حذف بندهای (۲) و (۵) ماده اخیرالذکر می‌باشد، خلاف موازین شرع شناخته شد.

- تذکر: ظاهراً در ماده (۵) موضوع اصلاح ماده (۳۸) این قانون، مقصود مواد (۱۱۱)، (۱۲۶) و (۱۴۷) لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۲۴ بوده است که اشتباهاً قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱/۲/۱۳ ذکر گردیده است.

ماده ۳۹- هیئت مدیره مکلف است بلافاصله بعد از انتخاب، برای اداره امور و اجرای تصمیمات مجمع عمومی و هیئت مدیره، فرد واجد شرایطی را از بین اعضای تعاونی و یا خارج از آن برای مدت سه سال به عنوان مدیرعامل انتخاب کند. نصب و عزل و قبول استعفای مدیرعامل و نظارت بر عملکرد و تعیین حدود اختیارات، وظایف و میزان حقوق و مزایای وی بر عهده هیئت مدیره می باشد و انتخاب مجدد مدیرعامل بلامانع است.

دیدگاه مغایرت

همان گونه که در خصوص اعضای هیئت مدیره در ماده (۵) اصلاحی ایراد مغایرت با شرع وارد تشخیص داده شد، حذف این شرایط در این ماده در خصوص مدیرعامل نیز مغایر شرع می باشد؛ زیرا حذف این شرایط زمینه ساز تسلط افراد فاقد شرایط امانت، وثاقت، تعهد و نظیر اینها را فراهم می آورد. بنابراین ماده ی مزبور، مغایر با موازین شرع از جمله قاعده نفی سبیل است.

دیدگاه عدم مغایرت

از آنجا که در این ماده به منظور تعیین مدیرعامل مقرر شده وی باید «فرد واجد شرایط» باشد، مغایرتی با شرع وجود ندارد؛ زیرا این عبارت مفید این معناست که مدیرعامل باید شرایطی داشته باشد و هر کس با هر وضعیتی امکان تصدی مدیریت عاملی این صندوق را ندارد.

نظر شورای نگهبان

ماده (۶)، مغایر با قانون اساسی و موازین شرع شناخته نشد.

ماده ۹- ماده (۵۷) قانون به شرح زیر اصلاح و تبصره آن حذف و شش تبصره به آن الحاق می شود:

ماده ۵۷- به منظور تأمین مقاصد زیر اتاق های تعاون شهرستان، استان و ایران تشکیل می گردد:

۱-

تبصره ۲- نحوه تشکیل و فعالیت اتاق های تعاون استان و شهرستان بر اساس آیین نامه ای است که به تصویب مجمع عمومی نمایندگان اتاق تعاون ایران می رسد.

تبصره ۳-

تبصره ۶- نحوه تشکیل و فعالیت مرکز داوری اتاق تعاون بر اساس آیین نامه ای است که به تصویب مجمع عمومی اتاق تعاون ایران می رسد. ارجاع به داوری اتاق تعاون باید در اساسنامه همه اشخاص حقوقی تعاونی درج شود.

دیدگاه مغایرت

بر اساس اصل (۱۳۸) قانون اساسی، اختیار تصویب آیین‌نامه، تصویب‌نامه یا بخش‌نامه حسب مورد به هیئت‌وزیران، کمیسیونی متشکل از چند وزیر یا وزراء واگذار شده است و این مسئله اختصاص به دولتی بودن یا نبودن دستگاه مربوطه ندارد. بنابراین تفویض اختیار تصویب آیین‌نامه‌ی نحوه‌ی تشکیل و فعالیت اتاق‌های تعاون استان و شهرستان به مجمع عمومی نمایندگان اتاق تعاون ایران در تبصره (۲) و (۶) ماده‌ی مزبور، مغایر اصل فوق‌الذکر است.

دیدگاه عدم مغایرت

اتاق‌های تعاون استان و شهرستان دولتی نیستند. بنابراین آیین‌نامه‌ی مقرر در این رابطه آیین‌نامه‌ی دولتی مقرر در اصل (۱۳۸) قانون اساسی نیست. به علاوه قوه مقننه با وضع قانون، وظایف ایشان را مقرر کرده و به ایشان اجازه‌ی تهیه‌ی آیین‌نامه داده است. از این‌رو، تبصره (۲) و (۶) ماده‌ی مزبور از این جهت مغایر اصل (۱۳۸) نیست.

نظر شورای نگهبان

ماده (۹)، مغایر با قانون اساسی و موازین شرع شناخته نشد.

ماده ۱۵- شش ماده به‌عنوان مواد (۷۱) الی (۷۶) به شرح ذیل به این قانون الحاق می‌شود و ماده (۷۱) قانون به عنوان ماده (۷۷) تغییر می‌کند.

ماده ۷۱- به منظور توسعه و ترویج و نهادینه‌سازی فرهنگ تعاون اقدامات زیر با هماهنگی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی صورت می‌گیرد.

۱- وزارت آموزش و پرورش موظف است مفاهیم اقتصاد تعاونی را در کتب درسی و برنامه تحصیلی دانش‌آموزان منظور نموده و زمینه مشارکت آن‌ها را در تشکلهای دانش‌آموزی مربوط فراهم نماید.

۲- وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی موظفند نسبت به توسعه گرایش‌ها، رشته‌ها و گروه‌های علمی مرتبط با تعاونی اقدام نمایند.

۳- سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مکلفند برنامه‌های ترویج فرهنگ تعاون در جامعه و آموزش متقاضیان تشکیل تعاونی و ارتقای مهارت انسانی را تهیه و اجراء کنند.

ماده ۷۲- وزارت جهاد کشاورزی موظف است ضمن پیش‌بینی تمهیدات مناسب برای

تسهیل در دسترسی تعاونی‌ها به زمین، با برنامه‌ریزی جامع، حمایت لازم از تشکیل و فعالیت کلیه تعاونی‌های زیرمجموعه بخش کشاورزی و تعاونی‌های توسعه روستایی و کشت و صنعت در مقیاس بزرگ را در قالب تعاونی‌های فراگیر ملی یا متعارف به عمل آورد و جهت دسترسی تعاونی‌ها به بازارهای نهایی، حذف واسطه‌های غیرضروری با وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی همکاری لازم را بنماید.

تبصره ۱- وزارتخانه‌های راه و شهرسازی و صنعت، معدن و تجارت و شهرداری‌ها موظفند با وزارت جهاد کشاورزی و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی همکاری لازم را به عمل آورند.

تبصره ۲- وزارتخانه‌های تعاون، کار و رفاه اجتماعی و جهاد کشاورزی موظفند ضمن حمایت یکسان از تعاونی‌های تحت پوشش در بخش کشاورزی، طی سه ماه پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون، با پیشنهاد وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و هماهنگی با وزارت جهاد کشاورزی، آیین‌نامه این ماده را مشتمل بر تفکیک وظایف و اختیارات حاکمیتی و نظارتی در حوزه تعاونی‌های مشترک بخش کشاورزی به تصویب هیئتوزیران برسانند.

ماده ۷۳- وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، وظایف حاکمیتی و اتاق تعاون ایران و دیگر تشکلهای تعاونی وظایف تصدی‌گری بخش تعاونی را بر عهده دارند. هرگونه دخالت در امور اجرایی، مدیریتی، مجامع و انتخابات اتاق‌های تعاون ممنوع است. مفاد این ماده نافی وظایف قانونی نظارتی وزارت مذکور نیست.

ماده ۷۴- عضویت و انتصاب کارکنان شاغل قوای سه‌گانه، قضات و نمایندگان مجلس شورای اسلامی در هیئت رئیسه و هیئت بازرسی اتاق تعاون و یا به عنوان رئیس اتاق تعاون ایران، استان و شهرستان ممنوع است.

تبصره- عضویت کارکنان دولت تنها در هیئت رئیسه اتاق‌های تعاون، فقط به نمایندگی از تعاونی‌های مصرف، مسکن و اعتبار کارمندی مجاز است.

ماده ۷۵- وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است زمینه دسترسی به ابزارهای جدید تأمین مالی و خرید و فروش سهام تعاونی‌های قابل عرضه به عموم مردم را در بازار سرمایه فراهم نماید و شورای عالی اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی مکلف است ظرف شش‌ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، آیین‌نامه چگونگی واگذاری بنگاه‌ها و مؤسسات دولتی به تعاونی‌ها را به خصوص از طریق روش‌های اجاره به شرط تملیک یا واگذاری مدیریت از طرق اجاره، پیمانکاری و پیمان مدیریت فراهم نماید و گزارش عملکرد خویش را به صورت شش‌ماهه به کمیسیون‌های

برنامه و بودجه و محاسبات، اقتصادی، اجتماعی و سایر کمیسیون‌های ذی‌ربط مجلس شورای اسلامی ارائه نماید.

ماده ۷۶- تعاونی‌ها موظفند اساسنامه خود را ظرف سه ماه پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون با این قانون تطبیق داده و تغییرات اساسنامه خود را به عنوان تعاونی به ثبت برسانند در غیر این صورت تعاونی شناخته نمی‌شوند و نمی‌توانند از مزایای شرکت‌های تعاونی استفاده کنند.

دیدگاه مغایرت

الف) از آنجا که ماده‌ی اصلاحی مزبور، متضمن بار مالی برای دولت در بودجه‌ی سالانه‌ی کل کشور است و در مصوبه مجلس طریق تأمین هزینه آن پیش‌بینی نشده است، این ماده مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی است.

ب) از آنجا که بند (۱) ماده (۷۱) یکی از وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ یعنی تدوین کتب درسی^(۱) را به وزارت آموزش و پرورش واگذار کرده است، این بند مغایر با اصل (۵۷) قانون اساسی و نظر مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) است؛ زیرا شورای عالی انقلاب فرهنگی به فرمان امام خمینی (ره) تشکیل و هم‌اینک نیز با حکم مقام معظم رهبری و تحت امر ایشان مشغول به انجام وظیفه است. با توجه به اینکه تشکیل و تداوم فعالیت این شورا بر اساس اختیارات و صلاحیت‌های ولایت مطلقه فقیه مصرّح در اصل (۵۷) قانون اساسی انجام شده است، دخالت در شرح وظایف مقررّ برای آن شورا یا کم‌رنگ کردن نقش این نهاد یا تعریف اقدام موازی با شرح وظایف مقررّ شده برای این نهاد، به نوعی در تغایر با فرمان مقام ولایت و اختیارات و صلاحیت‌های وی در اصل (۵۷) است. ضمن آنکه مقام معظم رهبری در خصوص لایحه اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مصوب ۱۳۸۱/۸/۱۲ مجلس شورای اسلامی تصریح کرده‌اند که وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی به مرکز یا شورای مشابه واگذار نشود؛^(۲) در حالی که تدوین کتب درسی که از جمله وظایف آن شورا است به وزارت آموزش و پرورش واگذار شده است. بنابراین بند (۱) ماده فوق، مغایر اصل مذکور و نظر مقام معظم رهبری است.

ج) واگذاری تصویب آیین‌نامه «چگونگی واگذاری بنگاه‌ها و مؤسسات دولتی به تعاونی‌ها» به «شورای عالی اجرایی سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی» در ذیل ماده (۷۵)، مغایر اصل

۱. بند (۱۹) قانون جایگاه، اهداف و وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی مصوب مورخ ۱۳۷۶/۸/۲۰ شورای انقلاب فرهنگی: «۱۹- سیاست‌گذاری تدوین کتب درسی و تعیین ضوابط نشر کتاب و تولیدات هنری و فرهنگی».

۲. بنگرید به: فتاحی، محمد و کاظم کوهی اصفهانی، «اصول قانون اساسی در پرتو نظرات شورای نگهبان (۱۳۵۹-۱۳۹۴)، تهران، پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۵، ج ۲، ذیل اصل (۵۷)، بند (۱-۵۵-۱)، صص ۶۷-۶۸.

(۱۳۸) قانون اساسی است؛ زیرا طبق این اصل، تنها دولت صلاحیت تصویب آیین‌نامه را دارد.

(د) شورای عالی اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی، مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام است و مجلس صلاحیت تغییر یا اصلاح مصوبات مجمع را ندارد. بنابراین، مصوبه‌ی مورد بررسی که وظایفی همچون تهیه آیین‌نامه چگونگی واگذاری بنگاه‌ها و مؤسسات دولتی به تعاونی‌ها را برای این شورا تعیین کرده است، متضمن تغییر یا اصلاح ماده (۴۲) مصوبه مجمع^(۱) در خصوص شورای عالی اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) است. از سوی دیگر بر اساس نظریه‌ی تفسیری شورای نگهبان^(۲) هیچ‌یک از مراجع قانون‌گذاری، حق رد، ابطال، نقض و فسخ مصوبه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام را ندارد، مگر در صورتی که از زمان تصویب مصوبه در مجمع (در موارد مربوط به اختلاف نظر شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی)، مدت قابل اعتنایی که تغییر مصلحت را موجه کند، گذشته باشد. بر این اساس، از آنجا که تحقق این شرایط در مورد اصلاح این مصوبه مجمع احراز نشده است، این ماده از مصوبه مغایر اصل (۱۱۲) قانون اساسی و نظریه‌ی تفسیری شورای نگهبان در این خصوص است.

۱. ماده (۴۲) قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مصوب ۱۳۸۷/۳/۲۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام: «ماده ۴۲- وظایف و اختیارات شورای عالی اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی به شرح زیر است:
 - ۱- تبیین سیاست‌ها و خط‌مشی‌های اجرایی سالانه
 - ۲- نظارت بر فرآیند اجرای قوانین و مقررات مرتبط با سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی
 - ۳- سازماندهی فعالیت‌های فرهنگی- تبلیغاتی برای اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی
 - ۴- تصویب آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها، نظام‌نامه‌ها و ضوابطی که در این قانون مرجع تصویب آن این شورا است
 - ۵- تصویب شاخص‌های اجرایی برای تحقق اهداف سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی به منظور اعمال نظارت دقیق بر اجرای آنها
 - ۶- تدوین سازوکارهای جلوگیری از نفوذ و سیطره بیگانگان بر اقتصاد ملی
 - ۷- تبیین نقش سیاست‌گذاری و هدایت و نظارت دولت
 - ۸- ایجاد هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی در اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی
 - ۹- تمهیدات لازم برای تشویق عموم به سرمایه‌گذاری، کارآفرینی و بهبود فضای کسب و کار.
- تبصره- مصوبات این شورا را وزیر امور اقتصادی و دارایی ابلاغ می‌نماید.
۲. نظریه‌ی تفسیری شماره ۵۳۱۸ مورخ ۱۳۷۲/۴/۲۷ شورای نگهبان: «هیچ یک از مراجع قانون‌گذاری حق رد و ابطال و نقض و فسخ مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام را ندارد؛ اما در صورتی که مصوبه مجمع مصلحت مربوط به اختلاف نظر شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی بود، مجلس پس از گذشت زمان معتدبه که تغییر مصلحت موجه باشد، حق طرح و تصویب قانون مغایر را دارد. و در مواردی که موضوع به عنوان معضل از طرف مقام معظم رهبری به مجمع ارسال شده باشد، در صورت استعلام از مقام رهبری و عدم مخالفت معظم‌له، موضوع قابل طرح در مجلس شورای اسلامی می‌باشد.»

دیدگاه عدم مغایرت

هر دستگاه برای انجام هر یک از وظایفی که بر عهده دارد، منابعی در قانون بودجه سالانه کل کشور به خود تخصیص داده است. نحوه‌ی هزینه‌کرد این منابع، در ردیف‌های مختلف در حدود مقرر در قانون بودجه بنا به صلاحدید دستگاه مربوطه است. بنابراین چنانچه این تکالیف متضمن بار مالی باشد، هر دستگاه می‌تواند بر اساس منابع مقرر در ردیف‌هایی که وظایف مذکور یکی از مصادیق آن ردیف‌ها در قانون بودجه و احکام و جداول آن می‌باشد، هزینه‌ی ناشی از این تکالیف را تأمین نماید؛ بنابراین این تکالیف متضمن تحمیل هزینه جدید نیست تا مستلزم تعیین منابع تأمین آن باشد. از این رو مصوبه‌ی مزبور، مغایرتی با اصل (۷۵) قانون اساسی ندارد.

دیدگاه ابهام

از آنجا که معلوم نیست منظور از عبارت «فراهم نماید» در ماده (۷۵)، تصویب آیین‌نامه است یا تهیه پیش‌نویس آن و یا اقدامی دیگر، این ماده واجد ابهام است.

نظر شورای نگهبان

از آنجا که ترکیب شورای عالی اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی، وظایف و اختیارات آن موضوع مواد (۴۱) و (۴۲) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی مصوب مجمع محترم تشخیص مصلحت نظام می‌باشد، لذا ماده (۷۵) با توجه به نظریه تفسیری این شورا،^(۱) مغایر اصل (۱۱۲) قانون اساسی شناخته شد.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۲/۱۲/۲۶ (مرحله دوم)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۱/۲۷

ماده ۵- ماده (۳۸) قانون به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۳۸- اعضاء هیئت مدیره، هیئت رئیسه، مدیرعامل و بازرسان باید واجد شرایط زیر باشند:

۱- ایمان و تعهد به اسلام (در تعاونی‌های متشکل از اقلیت‌های دینی شناخته شده در

قانون اساسی،^(۲) تعهد به دین خود)

۱. نظریه‌ی تفسیری شماره ۵۳۱۸ مورخ ۱۳۷۲/۷/۲۴ شورای نگهبان.

۲. اصل دوازدهم قانون اساسی: «ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند.»

۲- نداشتن منع قانونی و محجور نبودن

۳- عدم عضویت در گروه‌های محارب و عدم ارتکاب جرائم علیه امنیت کشور و عدم

محکومیت به جعل اسناد

۴- عدم سابقه محکومیت به ارتشاء، اختلاس، کلاهبرداری، خیانت در امانت، تدلیس،

تصرف غیرقانونی در اموال دولتی و ورشکستگی به تقصیر^(۱)

تبصره- برای عضویت در هیئت رئیسه اتاق‌های تعاون علاوه بر شرایط مذکور در این ماده، داشتن حداقل سه سال سابقه عضویت در هیئت‌مدیره یا مدیریت عامل، دبیری، دبیرکلی و بازرسی شرکت‌ها، اتحادیه‌ها و اتاق‌ها در بخش تعاون الزامی است.

دیدگاه مغایرت

الف) از آنجا که تعهد الزاماً مشتمل بر معنای امانت نیست؛ در صورتی که مراد از عبارت «ایمان و تعهد به اسلام» تنها اسلام اولیه باشد، ایراد سابق شورا مبنی بر زمینه‌سازی برای ورود افرادی که فاقد حداقل شرایط امانت و تقوای لازم برای تصدی امور هستند کماکان باقی است؛ زیرا این امکان وجود دارد که شخصی متعهد و مؤمن به اسلام باشد، لیکن امین نبوده و مناسب عضویت در این تعاونی‌ها نباشد. به عبارت دیگر، التزام نظری داشته باشد، لیکن التزام عملی نداشته باشد. بنابراین ماده‌ی مزبور از این جهت، همچنان مغایر با موازین شرع است.

ب) مطلق بودن معنای تعهد در عبارت «ایمان و تعهد به اسلام» اگرچه تعهد در نظر و اعتقاد و تعهد و التزام عملی را شامل می‌شود، لکن لزوم ما لایزیم^(۲) را موجب خواهد شد؛ به این معنا که در فعالیت اقتصادی، احراز تعهد و التزام عملی ایشان به اسلام در تمام زمینه‌ها ضرورتی ندارد و تنها آن ابعاد و وجوه که مرتبط با فعالیت در تعاونی‌ها است باید احراز شود و هر آنچه بیش از آن است، الزام به اموری است که در خصوص فعالیت در تعاونی‌ها ضرورتی ندارد؛ بنابراین آنچه باید در زمینه‌ی فعالیت تعاونی‌ها احراز شود، مورد اطمینان بودن افراد شاغل است نه تعهد ایشان به اسلام؛ لذا اطلاق عبارت مذکور از این جهت دارای اشکال است.

ج) عبارت «تعهد به دین خود» در مورد تعاونی‌های متشکل از اقلیت‌های دینی برخلاف موازین شرع است؛ زیرا مستلزم آن است که مسئولان این تعاونی‌ها، واقعاً به احکام دین خود معتقد و متعهد باشد و حال آنکه برخی از این، مثل جواز نکاح با محارم - که در برخی از این ادیان، مجاز شمرده شده است - در اسلام حرام قطعی شمرده شده و ممنوع است.

۱. گفتنی است در این کتاب، عباراتی که با خط تیره در زیر واژگان، مشخص شده‌اند، عبارات اصلاحی مجلس برای برطرف کردن ایرادهای شورای نگهبان می‌باشد.

۲. الزام شخص به امر یا اموری که التزام بدان امور برای آن شخص، ضرورت ندارد.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) هرکس متعهد به اسلام باشد، بی‌شک امین نیز هست و اساساً در خصوص شخصی که امین نباشد، نمی‌توان ادعا نمود که عنوان و وصف «تعهد به اسلام» در رابطه با او صادق باشد. به علاوه از آنجا که تعهد در عبارت «تعهد به اسلام» مطلق است، مشتمل بر تعهد و التزام نظری و عملی است. به بیان دیگر، مراد از ایمان به اسلام، ایمان به حق و اجرای آن است و نه ایمان به هر چیز یا هر نوع عمل به ایمان حقه و قهراً این ایمان مشتمل بر امانت و وثاقت نیز می‌باشد. البته می‌توان این گونه استنباط نمود که مراد از لفظ «ایمان» در عبارت «ایمان و تعهد به اسلام»، باور و ایمان قلبی و مراد از لفظ «تعهد» در عبارت «ایمان و تعهد به اسلام»، التزام عملی به اسلام است. بنابراین عبارت «ایمان و تعهد به اسلام» مشتمل بر معنای وثاقت و امانت نیز هست و ماده مزبور از این جهت مغایرتی با موازین شرعی ندارد.

ب) آنچه در این مصوبه در باب شروط عضویت مدنظر است آن است که اعضای این تعاونی‌ها زمینه عضویت در آن را داشته باشند و بر این اساس مثلاً متقلب نباشد. این مصوبه به این مقوله که شخصی یهودی یا زرتشتی یا مسیحی است نمی‌پردازد، بلکه به دنبال آن است که مطمئن شود شخص عضو تعاونی در عین حالی که مسلمان نیست، مورد وثوق باشد. از این رو، عبارت «تعهد به دین خود» در مورد تعاونی‌های متشکل از اقلیت‌های دینی مغایر موازین شرع نیست.

ج) طبق اصل (۱۲) قانون اساسی، اقلیت‌های به رسمیت شناخته شده در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند. بنابراین این اصل را می‌توان مؤید عبارت «تعهد به دین خود» در مورد تعاونی‌های متشکل از اقلیت‌های دینی دانست؛ زیرا خود قانون اساسی، تعهد و عمل به دین آنان را مجاز دانسته است. ضمن آنکه ایمان و تعهد اقلیت‌های دینی به دین خودشان، الزاماً به معنای مخالفت ایشان با اسلام نیست. از این رو، عبارت «تعهد به دین خود» در مورد تعاونی‌های متشکل از اقلیت‌های دینی مغایر موازین شرع نیست.

دیدگاه ابهام

از آنجا که معلوم نیست عبارت «تعهد به دین خود» در مورد شرایط اعضای هیئت مدیره، هیئت رئیسه، مدیرعامل و بازرسان تعاونی‌های متشکل از اقلیت‌های دینی، در ذیل بند (۱) مصوبه اصلاحی، به معنای صداقت، امانت و وثاقت نیز هست یا خیر، عبارت مذکور ابهام دارد.

نظر شورای نگهبان

عبارت «تعاونی‌های متشکل از اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی، تعهد به دین خود» در بند (۱) ماده (۳۸) اصلاحی موضوع ماده (۵) مصوبه، از این حیث که مشخص نیست آیا

به معنای داشتن وثاقت و امانت است یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.

ماده ۱۵- شش ماده به عنوان مواد (۷۱) الی (۷۶) به شرح ذیل به این قانون الحاق می‌شود و ماده (۷۱) قانون به عنوان ماده (۷۷) تغییر می‌کند.

...

ماده ۷۵- وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است زمینه دسترسی به ابزارهای جدید تأمین مالی و خرید و فروش سهام تعاونی‌های قابل عرضه به عموم مردم را در بازار سرمایه فراهم کرده و در راستای اجرای ماده (۱۹) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی در خصوص نحوه واگذاری شرکت‌ها و بنگاه‌های دولتی، واگذاری به تعاونی‌ها را تسهیل نماید.

وزارت امور اقتصادی و دارایی مکلف است ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون با همکاری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و اتاق تعاون مرکزی آیین‌نامه اجرایی این ماده را تهیه و برای تصویب هیئت وزیران ارائه کند.

دیدگاه عدم مغایرت

با عنایت به اینکه در ماده (۷۵) اصلاحی، صلاحیت تهیهی آیین‌نامه‌ی چگونگی واگذاری بنگاه‌ها و مؤسسات دولتی به تعاونی‌ها از زمره‌ی وظایف شورای عالی اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی حذف شده است، ایراد سابق شورا در خصوص عدم امکان تغییر و اصلاح صلاحیت‌ها و وظایف شورای مذکور توسط مجلس برطرف شده است؛ زیرا استدلال شورای نگهبان بر این اساس بود که چون شورای عالی اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام است، مجلس نمی‌تواند نسبت به صلاحیت‌های این شورا دخل و تصرفی انجام دهد و مثلاً وظیفه‌ی آیین‌نامه‌نویسی را که در مصوبه‌ی مجمع برای این نهاد به رسمیت شناخته نشده، برای این شورا اضافه کند.

نظر شورای نگهبان

ماده (۱۵)، مغایر با قانون اساسی و موازین شرع شناخته نشد.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۳/۲/۱۷ (مرحله سوم)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۲/۳۱

ماده ۵- ماده (۳۸) قانون به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۳۸- اعضاء هیئت‌مدیره، هیئت رئیسه، مدیرعامل و بازرسان باید واجد شرایط زیر باشند:

- ۱- ایمان و تعهد به اسلام (در تعاونی‌های متشکل از اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی، شرط وثاقت و امانت)
- ۲- نداشتن منع قانونی و محجور نبودن
- ۳- عدم عضویت در گروه‌های محارب و عدم ارتکاب جرائم علیه امنیت کشور و عدم محکومیت به جعل اسناد
- ۴- عدم سابقه محکومیت به ارتشاء، اختلاس، کلاهبرداری، خیانت در امانت، تدلیس، تصرف غیرقانونی در اموال دولتی و ورشکستگی به تقصیر
- تبصره- برای عضویت در هیئت رئیسه اتاق‌های تعاون علاوه بر شرایط مذکور در این ماده، داشتن حداقل سه سال سابقه عضویت در هیئت‌مدیره یا مدیریت عامل، دبیری، دبیرکلی و بازرسی شرکت‌ها، اتحادیه‌ها و اتاق‌ها در بخش تعاون الزامی است.

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به اینکه در ذیل بند (۱) این ماده، عبارت «تعهد به دین خود» حذف و عبارت «شرط وثاقت و امانت» جایگزین آن شده است، ابهام قبلی شورا مبنی بر اینکه آیا عبارت «تعهد به دین خود» در مورد اقلیت‌های دینی شامل معنای صداقت، امانت و وثاقت نیز می‌شود یا خیر، برطرف شده و این ماده دارای اشکال نمی‌باشد.

نظر شورای نگهبان

ماده (۵)، مغایر با قانون اساسی و موازین شرع شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه مجلس در خصوص طرح اصلاح موادی از قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

**قانون موافقتنامه ایجاد و راه‌اندازی بانک اطلاعاتی سازمان همکاری‌های
اقتصادی (اکو) در خصوص قاچاق و تخلفات گمرکی
مصوب ۱۳۹۳/۲/۳۰**

درباره‌ی قانون

لایحه «موافقتنامه ایجاد و راه‌اندازی بانک اطلاعاتی سازمان همکاری‌های اقتصادی (اکو) در خصوص قاچاق و تخلفات گمرکی» بنا به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۱/۳/۲۱ هیئت وزیران به تصویب رسید و برای طی تشریفات قانونی و تصویب به مجلس شورای اسلامی ارسال شد. در مقدمه‌ی توجیهی این لایحه آمده است: با توجه به شرایط خاص منطقه‌ای کشورهای عضو اکو و حجم بالای میزان قاچاق و تخلفات گمرکی در منطقه اکو و صدمات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ناشی از آنها و با توجه به اهمیت تبادل الکترونیکی اطلاعات جهت مبارزه مؤثر با تخلفات گمرکی به‌ویژه قاچاق کالا و مواد مخدر و در راستای تقویت همکاری‌های منطقه‌ای، این لایحه برای طی مراحل قانونی تقدیم می‌شود.

لایحه‌ی مزبور برای رسیدگی به صورت یک شوری در تاریخ ۱۳۹۱/۵/۱۷ به کمیسیون اقتصادی، به عنوان کمیسیون اصلی ارسال شد که این کمیسیون، مفاد آن را در تاریخ ۱۳۹۱/۶/۲۱ با اصلاحاتی به تصویب رساند و گزارش آن را به مجلس ارائه کرد. این لایحه در تاریخ ۱۳۹۳/۲/۳۰ در صحن علنی مجلس مطرح و با اصلاحاتی به تصویب نمایندگان مجلس رسید و برای طی روند قانونی مذکور در اصل ۹۴ قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۱۱۹/۱۳۵۵۵ مورخ ۱۳۹۳/۳/۳ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۰، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۰۸۴ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۰ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۳/۲/۳۰

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۳/۲۰

ماده واحده- موافقتنامه ایجاد و راه‌اندازی بانک اطلاعاتی سازمان همکاری‌های اقتصادی (اکو) در خصوص قاچاق و تخلفات گمرکی به شرح پیوست، تصویب و اجازه مبادله اسناد آن داده می‌شود.

تبصره- رعایت اصول یکصد و سی و نهم (۱۳۹) و هفتاد و هفتم (۷۷) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اجرای بندهای (۲) و (۳) ماده (۱۰) موافقتنامه الزامی است.

دیدگاه عدم مغایرت

هیچ یک از اعضای شورای نگهبان، در خصوص مغایرت مفاد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی نظری ابراز نکردند.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایرتی با موازین شرع و قانون اساسی ندارد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه مجلس در خصوص لایحه موافقتنامه ایجاد و راه‌اندازی بانک اطلاعاتی سازمان همکاری‌های اقتصادی (اگو) در خصوص قاچاق و تخلفات گمرکی، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

**قانون پروتکل اصلاحی موافقتنامه کشتیرانی تجاری بین دولت جمهوری
اسلامی ایران و دولت جمهوری کوبا
مصوب ۱۳۹۵/۳/۵**

درباره‌ی قانون

لایحه «پروتکل اصلاحی موافقتنامه کشتیرانی تجاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت کوبا» بنا به پیشنهاد وزارت راه و شهرسازی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۱/۶/۱۹ هیئت وزیران به تصویب رسید و طی نامه‌ی شماره ۴۸۳۶۳/۱۴۹۳۲۵ مورخ ۱۳۹۱/۷/۲۹ برای انجام تشریفات قانونی و تصویب به مجلس شورای اسلامی ارسال شد. در مقدمه‌ی توجیهی این لایحه آمده است: با عنایت به اهمیت کشتیرانی در حمل و نقل کالا و مسافر و با توجه به تأثیر حمل و نقل از طریق دریا و نیز تشویق آن در گسترش فعالیت‌های تجاری و در راستای بهره‌گیری از امر یادشده در زمینه‌سازی برای رشد اقتصادی و به منظور فعال نمودن، توسعه و بهبود کارایی کشتیرانی تجاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت کوبا و تقویت و تعمیق همکاری‌های دوجانبه، این لایحه جهت طی مراحل قانونی تقدیم می‌شود.

لایحه‌ی مزبور برای رسیدگی به صورت یک شوری در تاریخ ۱۳۹۱/۸/۱۴ به کمیسیون عمران، به عنوان کمیسیون اصلی ارسال شد که کمیسیون مزبور، مفاد آن را در تاریخ ۱۳۹۱/۹/۱۴ عیناً به تصویب رساند و گزارش آن را به مجلس ارائه کرد. این لایحه در تاریخ ۱۳۹۳/۳/۵ در صحن علنی مجلس مطرح و عیناً به تصویب نمایندگان مجلس رسید و برای طی روند قانونی مذکور در اصل ۹۴ قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۱۶۴/۱۶۷۶۶ مورخ ۱۳۹۳/۳/۱۷ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۸، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۱۵ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۸ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۳/۳/۵

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۳/۲۸

ماده واحده- پروتکل اصلاحی موافقتنامه کشتیرانی تجاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت کوبا به شرح پیوست تصویب و اجازه مبادله اسناد آن داده می‌شود.

بسم الله الرحمن الرحيم

پروتکل اصلاحی موافقتنامه کشتیرانی تجاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری کوبا

دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری کوبا موافقت نمودند، موافقتنامه کشتیرانی تجاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری کوبا که در تاریخ شانزدهم مهرماه ۱۳۸۲ هجری شمسی برابر با هشتم اکتبر ۲۰۰۳ میلادی به امضای طرف‌های متعاقد رسیده است را به شرح زیر اصلاح نمایند:

بند (۴) ماده (۹) به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

«طرف‌های متعاقد تعهد می‌کنند که بدون هرگونه تشریفات، خدمه کشتی را که با همراه داشتن مدرک شناسایی صادره طبق بند (۲) این ماده وارد قلمروی طرف متعاقد دیگر شده‌اند، ولی به دلیل بیماری، تصادف یا سایر موارد اضطراری خارج از کنترل خود نمی‌توانند طبق قوانین جاری در قلمروی هر طرف در تاریخ مقرر به قلمروی طرف متعاقد مطبوع خود بازگردند، مجدداً بپذیرند.»

...

دیدگاه عدم مغایرت

هیچ یک از اعضای شورای نگهبان، در خصوص مغایرت مفاد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی نظری ابراز نکردند. صرفاً اصلاحی عبارتی به صورت «تذکر» از سوی اعضا در خصوص این مصوبه‌ی اصلاحی مطرح شد، بدین صورت که لازم است واژه «طرف‌های متعاقد مطبوع» در بند اصلاحی، به «طرف‌های متعاقد متبوع» اصلاح شود.

نظر شورای نگهبان

در بند (۴) ماده (۹)، واژه «مطبوع» به «متبوع» اصلاح گردد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه مجلس در خصوص لایحه پروتکل اصلاحی موافقتنامه کشتیرانی تجاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت کوبا مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد. تذکر: در بند (۴) ماده (۹)، واژه «مطبوع» به «متبوع» اصلاح گردد.

قانون تصویب قطعنامه‌های کنفرانس مورخ ۲۰۱۰ (۱۳۸۹) اعضای کنوانسیون بین‌المللی استانداردهای آموزش، صدور گواهینامه‌ها و نگهبانی دریانوردان (STCW)

مصوب ۱۳۹۳/۳/۵

درباره‌ی قانون

لایحه «تصویب قطعنامه‌های کنفرانس مورخ ۲۰۱۰ (۱۳۸۹) اعضای کنوانسیون بین‌المللی استانداردهای آموزش، صدور گواهینامه‌ها و نگهبانی دریانوردان (STCW)» بنا به پیشنهاد وزارت راه و شهرسازی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۱/۸/۷ هیئت وزیران به تصویب رسید و طی نامه‌ی شماره ۴۷۳۱۴/۱۸۶۸۱۱ مورخ ۱۳۹۱/۹/۲۶ برای انجام تشریفات قانونی و تصویب به مجلس شورای اسلامی ارسال شد. در مقدمه‌ی توجیهی این لایحه آمده است: نظر به اهمیت تأمین ایمنی دریانوردی، حفاظت از محیط زیست دریایی و ضرورت احراز صلاحیت دریانوردان به لحاظ لزوم اعمال استانداردهای بین‌المللی در سفرهای دریایی و با توجه به ضرورت همکاری بین‌المللی در صنعت دریانوردی، این لایحه جهت طی مراحل قانونی تقدیم می‌شود.

لایحه‌ی مزبور برای رسیدگی به صورت یک شوری در تاریخ ۱۳۹۱/۱۰/۲۶ به کمیسیون عمران، به عنوان کمیسیون اصلی ارسال شد که کمیسیون مزبور، مفاد آن را در تاریخ ۱۳۹۱/۱۲/۲ با اصلاحاتی به تصویب رساند و گزارش آن را به مجلس ارائه کرد. این لایحه در تاریخ ۱۳۹۳/۳/۵ در صحن علنی مجلس مطرح و با اصلاحاتی به تصویب نمایندگان مجلس رسید و برای طی روند قانونی مذکور در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره‌ی ۱۹۵/۱۶۷۷۳ مورخ ۱۳۹۳/۳/۱۷ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان با تشکیل جلسه در تاریخ ۱۳۹۳/۳/۲۸، از آن جهت که ضمیمه‌ی ماده واحد (= متن قطعنامه‌های کنفرانس ۲۰۱۰ اعضای کنوانسیون استانداردهای آموزش، صدور گواهینامه‌ها و نگهبانی دریانوردان مصوب ۱۹۷۸) توسط مجلس ارسال نشده بود، اظهار نظر در خصوص مفاد این مصوبه را ممکن ندانست و این موضوع را طی نامه‌ی شماره‌ی ۹۳/۱۰۲/۱۲۸۷ مورخ ۱۳۹۳/۴/۴ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. در همین راستا، مجلس شورای اسلامی ضمایم ماده واحد مزبور را طی نامه‌ی شماره‌ی ۱۹۵/۲۴۷۰۱ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۵ به شورای نگهبان ارسال کرد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۵/۱، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۵۸۵ مورخ ۱۳۹۳/۵/۱ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۳/۳/۵ (مرحله نخست)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۳/۲۸

ماده واحده- قطعنامه‌های شماره (۱) و (۲) کنفرانس مورخ ۲۰۱۰ (۱۳۸۹) اعضای کنوانسیون بین‌المللی استانداردهای آموزش، صدور گواهینامه‌ها و نگهبانی دریانوردان مصوب ۱۹۷۸ (۱۳۵۷) به شرح پیوست تصویب می‌گردد و به دولت جمهوری اسلامی ایران اجازه داده می‌شود با رعایت اصل هفتاد و هفتم (۷۷) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اقدام کند.

۱- قطعنامه شماره (۱) متضمن اصلاحات ضمیمه کنوانسیون بین‌المللی استانداردهای آموزش، صدور گواهینامه، نگهبانی دریانوردان
۲- قطعنامه شماره (۲) متضمن اصلاحات آیین‌نامه آموزش، صدور گواهینامه و نگهبانی دریانوردان.

دیدگاه مغایرت

در این مصوبه صرفاً به عناوین قطعنامه‌های موضوع ماده واحده اشاره کرده است و دربردارنده‌ی متن این قطعنامه‌ها که بر اساس این لایحه به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد نیست؛ از این‌رو، لازم است جهت بررسی، متن قطعنامه‌های مزبور نیز برای بررسی به شورای نگهبان ارسال شود تا اظهار نظر در مورد این مصوبه ممکن شود.

نظر شورای نگهبان

از آنجا که متن قطعنامه‌های شماره (۱) و (۲) کنفرانس مورخ ۲۰۱۰ (۱۳۸۹) اعضای کنوانسیون بین‌المللی استانداردهای آموزش، صدور گواهینامه‌ها و نگهبانی دریانوردان مصوب ۱۹۷۸ (۱۳۵۷) ضمیمه ماده واحده به این شورا ارسال نگردیده، بنابراین اظهار نظر در خصوص مورد ممکن نبوده، مقرر فرمایید متون مذکور ارسال تا اظهار نظر شود.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۳/۳/۵ (مرحله دوم)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۵/۱

ماده واحده- قطعنامه‌های شماره (۱) و (۲) کنفرانس مورخ ۲۰۱۰ (۱۳۸۹) اعضای کنوانسیون بین‌المللی استانداردهای آموزش، صدور گواهینامه‌ها و نگهبانی دریانوردان مصوب ۱۹۷۸ (۱۳۵۷) به شرح پیوست تصویب می‌گردد و به دولت جمهوری اسلامی

ایران اجازه داده می‌شود با رعایت اصل هفتاد و هفتم (۷۷) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اقدام کند.

۱- قطعنامه شماره (۱) متضمن اصلاحات ضمیمه کنوانسیون بین‌المللی استانداردهای آموزش، صدور گواهینامه، نگهبانی دریانوردان.

۲- قطعنامه شماره (۲) متضمن اصلاحات آیین‌نامه آموزش، صدور گواهینامه و نگهبانی دریانوردان.

[رئیس مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۹۳/۴/۱۵ با ارسال نامه‌ای به دبیر محترم شورای نگهبان، قطعنامه‌های شماره (۱) و (۲) را به پیوست مصوبه مزبور به شورای نگهبان ارسال می‌دارد.]

قطعنامه (۱)

...

قطعنامه (۲)

...

دیدگاه مغایرت

الف) طبق بند (۷) مقرر (۱/۹) قطعنامه‌ی شماره (۱)^(۱)، فعالیت دریانورد در شرایط اضطراری بدون داشتن گواهینامه پزشکی معتبر تنها برای سه ماه تجویز شده است، حال آنکه ممکن است شرایط اضطراری فعالیت بیش از سه ماه را برای این اشخاص ایجاب کند. به عنوان مثال، ممکن است دریانورد، گرفتار دزدان دریایی شده باشد و شرایط اضطراری، فعالیت بیش از این مقدار (سه ماه) را اقتضا کند. از این رو، اطلاق مقید کردن اجازه‌ی فعالیت به عدم تجاوز از سه ماه از جهت شمول نسبت به مواردی که اضطرار در فعالیت دریانوردان به مدت بیش از سه ماه وجود داشته باشد، وجهی ندارد و مغایر با موازین شرع است.

ب) از آنجا که بند (۲) از مقرر (۸/۱) قطعنامه شماره (۱)^(۲)، در مقام تجویز شرب الکل است،

۱. «مقرر ۱/۹ - استانداردهای پزشکی

۱- ...

۷- در شرایط اضطراری، مرجع دریایی می‌تواند به یک دریانورد اجازه دهد تا زمان رسیدن به اولین بندر دارای پزشک عمومی معتمد آن عضو، بدون داشتن یک گواهینامه پزشکی معتبر فعالیت نماید، مشروط بر اینکه مدت این اجازه از سه ماه تجاوز ننماید و دریانورد مورد نظر یک گواهینامه پزشکی منقضی شده داشته باشد که اعتبار آن به تازگی به اتمام رسیده است.»

۲. «مقرر ۸/۱ - سلامت برای انجام وظیفه

بند مزبور مغایر با موازین شرع است. توضیح آنکه بر اساس این بند، اتخاذ تدابیر مقتضی طبق الزامات بخش (الف-۸/۱) لازم دانسته شده است و مستفاد از الزامات این بخش آن است که استفاده مقدراری از الکل (حدی برابر پنج صدم درصد الکل در خون) تجویز شده است؛^(۱) حال آنکه از نظر شرعی، تجویز شرب الکل حرام است. بنابراین، بند (۲) از مقرر (۸/۱) از حیث تجویز شرب الکل مغایر با موازین شرع است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) حکم بند (۷) مقرر (۱/۹) قطعنامه‌ی شماره (۱) مبنی بر اجازه‌ی فعالیت به دریانورد در شرایط اضطراری تا سه ماه، ناظر به وضعیت‌های طبیعی است و شامل مواردی اضطراری که به بیش از سه ماه فعالیت نیاز باشد نمی‌شود. از این‌رو، از آنجا که موارد اضطراری (مانند حمله دزدان دریایی) از حکم این بند خارج است، بند مزبور با اشکالی مواجه نیست.

ب) مستفاد از بخش (الف-۸/۱) قطعنامه‌ی شماره (۱) آن نیست که هر کسی بخواهد دریانورد شود باید این مقدار از الکل را استفاده کند، بلکه این بخش در مقام بیان آن است که دریانورد در مقام انجام وظیفه و از نظر کاری، نمی‌تواند بیش از این مقدار الکل در خون خود داشته باشد. حال در صورت استفاده از الکل به هر میزان، مطابق احکام شرعی با وی رفتار می‌شود. بنابراین، از آنجا که این بخش درصدد نفی حرمت و ممنوعیت شرب خمر نیست، مفاد آن مغایرتی با موازین شرع ندارد.

نظر شورای نگهبان

با استظهار به اینکه بخش‌های (الف) و (ب) ۸/۱ فصل هشتم و موارد مشابه آن منافاتی با قوانین مرتبط با حرمت و ممنوعیت شرب خمر ندارد، بنابراین مصوبه مرقوم خلاف موازین شرع تشخیص داده نشد.

→

۱- ...

۲- هر مرجع دریایی باید به منظور جلوگیری از سوء استفاده از داروها و الکل اطمینان حاصل نماید که تدابیر مقتضی طبق الزامات بخش (الف-۸/۱) ضمن توجه کافی به راهنمای بخش (ب-۸/۱) آیین‌نامه استی‌سی‌دبلیو اتخاذ شده است.»

۱. بند (۱۰) بخش (الف-۸/۱): «هر مرجع دریایی، می‌تواند به منظور جلوگیری از سوء استفاده از الکل، حدی برابر با حداکثر ۰/۰۵ درصد میزان الکل در خون (بی‌ای‌سی) یا مقدار ۰/۲۵ میلی گرم در لیتر الکل در بازدم و یا مقداری از الکل که بتواند به ایجاد چنین غلظتی از الکل منجر شود، را برای فرماندهان، افسران و سایر دریانوردان در حین اجرای وظایف تعیین‌شده‌ی ایمنی، امنیتی و محیط زیستی تعیین نماید.»

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه مجلس در خصوص لایحه تصویب قطعنامه‌های کنفرانس مورخ ۲۰۱۰ (۱۳۸۹) اعضای کنوانسیون بین‌المللی استانداردهای آموزش، صدور گواهینامه‌ها و نگهداری دریانوردان (STCW)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، با استظهار به اینکه بخش‌های (الف) و (ب) ۸/۱ فصل هشتم و موارد مشابه آن منافاتی با قوانین مرتبط با حرمت و ممنوعیت شرب خمر ندارد، بنابراین مصوبه مرقوم خلاف موازین شرع تشخیص داده نشد.

قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون تحدید مسئولیت برای دعاوی دریایی مصوب ۱۳۹۳/۳/۵

درباره‌ی قانون

لایحه «الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون تحدید مسئولیت برای دعاوی دریایی» که بنا به پیشنهاد وزارت راه و شهرسازی به هیئت وزیران ارائه شده بود، در تاریخ ۱۳۹۱/۱۰/۳ در این هیئت به تصویب رسید و برای طی تشریفات قانونی و تصویب به مجلس شورای اسلامی ارسال شد. در مقدمه‌ی توجیهی این لایحه آمده است: با توجه به اهمیت یکسان‌سازی مقررات مربوط به تحدید مسئولیت دعاوی دریایی و پیش‌بینی آن در کنار بیمه دریایی برای حمایت از کشتیرانی و اشخاص شاغل در کشتی در برابر خطرات متوجه صنعت حمل و نقل دریایی و به منظور تشویق به سرمایه‌گذاری در صنعت مذکور و رونق کشتیرانی تجاری، این لایحه برای طی تشریفات قانونی تقدیم می‌شود.

لایحه‌ی مزبور برای رسیدگی به صورت یک شوری در تاریخ ۱۳۹۲/۳/۷ به کمیسیون قضایی و حقوقی، به عنوان کمیسیون اصلی ارسال شد که کمیسیون مزبور، مفاد آن را در تاریخ ۱۳۹۲/۷/۹ عیناً به تصویب رساند و گزارش آن را به مجلس ارائه کرد. این لایحه در تاریخ ۱۳۹۳/۳/۵ در صحن علنی مجلس مطرح و عیناً به تصویب نمایندگان مجلس رسید و برای طی روند قانونی مذکور در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۲۵۶/۱۶۷۵۴ مورخ ۱۳۹۳/۳/۱۷ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان در تاریخ ۱۳۹۳/۴/۴ با تشکیل جلسه و بررسی این مصوبه، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی تشخیص نداد و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۸۱ مورخ ۱۳۹۳/۴/۴ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۳/۳/۵

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۴/۴

ماده واحده- به دولت جمهوری اسلامی ایران اجازه داده می‌شود به کنوانسیون تحدید مسئولیت برای دعاوی دریایی مورخ نوزدهم نوامبر یکهزار و نهصد و هفتاد و شش میلادی (۱۳۵۵/۸/۲۸ هجری شمسی) به شرح پیوست مشتمل بر بیست و سه ماده ملحق

گردد و اسناد الحاق را نزد امین اسناد کنوانسیون تودیع نماید.

تبصره ۱- به موجب بند (۱) ماده (۱۸) کنوانسیون،^(۱) جزءهای (ت) و (ث) بند (۱) ماده (۲) آن،^(۲) توسط دولت جمهوری اسلامی ایران اعمال نمی‌شود.

تبصره ۲- رعایت اصل هفتاد و هفتم (۷۷) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای هرگونه بازنگری یا اصلاح کنوانسیون و بازنگری مقادیر تحدید و واحد محاسبه یا واحد پولی در اجرای مواد (۲۰) و (۲۱)^(۳) الزامی است.

۱. بند (۱) ماده (۱۸) کنوانسیون تحدید مسئولیت برای دعاوی دریایی: «بند ۱- هر دولتی در زمان امضاء، تنفیذ، پذیرش، تصویب یا الحاق می‌تواند در مورد حق استثنا نمودن اعمال جزءهای (ت) و (ث) بند (۱) ماده (۲)، قید تحدید تعهد در نظر بگیرد. هیچ‌گونه قید تحدید تعهد دیگری نسبت به مقررات ماهوی این کنوانسیون مجاز نخواهد بود».
۲. بند (۱) ماده (۲) کنوانسیون تحدید مسئولیت برای دعاوی دریایی: «بند 1- با رعایت مواد (۳) و (۴)، دعاوی زیر، مبنای مسئولیت هرچه باشد، مشمول تحدید مسئولیت خواهند بود:
 - الف- دعاوی مربوط به از دست دادن جان یا جراحت شخصی یا تلف یا خسارت به اموال (از جمله خسارت به تجهیزات لنگرگاهی، حوضچه‌ها و آبراه‌ها و وسایل کمک ناوبری)، که در کشتی یا در رابطه مستقیم با عملیات کشتی یا عملیات نجات روی دهد و ضرر و زیان تبعی ناشی از این موارد.
 - ب- دعاوی مربوط به ضرر و زیان ناشی از تأخیر در حمل کالا، مسافری یا بار آنها از طریق دریا.
 - پ- دعاوی مربوط به سایر ضرر و زیان‌های ناشی از نقض حقوقی غیر از حقوق قراردادی که در ارتباط مستقیم با بهره‌برداری از کشتی یا عملیات نجات روی می‌دهد.
 - ت- دعاوی مربوط به بالا آوردن، انتقال، منهدم کردن یا بی‌خطر کردن کشتی‌ای که غرق شده، تبدیل به لاشه شده، به گل نشسته یا از آن اعراض شده از جمله هر چیزی که در چنین کشتی‌ای وجود دارد یا وجود داشته است.
 - ث- دعاوی مربوط به انتقال، منهدم کردن یا بی‌خطر کردن کالای کشتی.
 - ج- دعاوی شخصی غیر از شخص مسئول در مورد اقدامات متخذه به منظور دفع یا تقلیل ضرر و زیان برای چیزی که شخص مسئول می‌تواند مسئولیت خود را طبق این کنوانسیون محدود نماید و ضرر و زیان بعدی ناشی از چنین اقداماتی».
۳. مواد (۲۰) و (۲۱) کنوانسیون تحدید مسئولیت برای دعاوی دریایی: «ماده ۲۰- بازنگری و اصلاح:
 - 1- فراهمایی (کنفرانسی) به منظور بازنگری یا اصلاح این کنوانسیون می‌تواند به وسیله سازمان برگزار شود.
 - 2- سازمان، فراهمایی دولت‌های عضو این کنوانسیون برای بازنگری یا اصلاح آن را بنا به درخواست حداقل یک سوم دولت‌های عضو تشکیل خواهد داد.
 - 3- بعد از تاریخ لازم‌الاجراء شدن اصلاحیه این کنوانسیون، هر سندی که جهت تنفیذ، پذیرش، تصویب یا الحاق تودیع شود، چنین فرض می‌شود که در مورد کنوانسیون اصلاح شده اعمال خواهد شد، مگر اینکه خلاف آن در سند تصریح شود.
 ماده ۲۱- بازنگری مقادیر تحدید و واحد محاسبه یا واحد پولی:
 - 1- با وجود مفاد ماده (۲۰)، سازمان می‌تواند فراهمایی را تنها به منظور تغییر مقادیر مشخص شده در مواد (۶) و (۷) و بند (۲) ماده (۸) یا جایگزین کردن واحدهای دیگری با یک یا هر دو واحد تعریف شده در بندهای (۱) و (۲) ماده (۸) طبق بندهای (۲) و (۳) این ماده برگزار نماید. تغییر مقادیر تنها زمانی انجام خواهد شد که ارزش مقادیر مزبور به میزان قابل ملاحظه‌ای تغییر کرده باشد.
 - 2- سازمان، فراهمایی مزبور را حسب درخواست حداقل یک چهارم دولت‌های عضو برگزار خواهد کرد.
 - 3- تصمیم به تغییر مقادیر یا جایگزینی واحدها با واحدهای دیگر به وسیله اکثریت دو سوم دولت‌های عضو حاضر و رأی‌دهنده در فراهمایی مزبور اتخاذ خواهد شد.

دیدگاه مغایرت

الف) مجلس در تبصره (۱) این ماده واحده به استناد بند (۱) ماده (۱۸) این کنوانسیون، جزءهای (ت) و (ث) بند (۱) ماده (۲) این کنوانسیون را غیر قابل اعمال توسط دولت جمهوری اسلامی ایران دانسته و در واقع از حق شرط استفاده کرده است؛ این در حالی است که به موجب بند (۳) ماده (۱۸) کنوانسیون،^(۱) دولت‌ها می‌توانند تنها با صدور یک اطلاعیه از حق شرط مذکور انصراف داده و اجرای آن را متعهد شوند. با توجه به اینکه استفاده از حق شرط در این ماده واحده به موجب مصوبه‌ی مجلس صورت می‌گیرد، انصراف از آن نیز با توجه به وصف بین‌المللی کنوانسیون، می‌بایست بر اساس اصل (۷۷) قانون اساسی به موجب مصوبه‌ی مجلس صورت گیرد. بنابراین همان‌طور که در تبصره (۲) این ماده واحده، شرط هرگونه بازنگری یا اصلاح کنوانسیون و همچنین بازنگری مقادیر تحدید و واحد محاسبه یا واحد پولی، موضوع مواد (۲۰) و (۲۱) کنوانسیون، رعایت اصل (۷۷) قرار داده شده است، انصراف از حق شرط مذکور در تبصره (۱) نیز می‌بایست از مسیر مجلس صورت گیرد. لذا از آنجا که در تبصره (۲) ماده واحده رعایت اصل مزبور در مورد بند (۳) ماده (۱۸) مورد تصریح قرار نگرفته، این تبصره مغایر با اصل (۷۷) قانون اساسی مبنی بر لزوم تصویب این‌گونه کنوانسیون‌ها توسط مجلس است.

ب) از نظر شرعی، در صورت ورود خسارت به افراد، بسته به نوع خسارت (جانی یا مالی)، شخص یا اشخاص مقصر ملزم به جبران خسارات وارده به صورت کامل هستند. در واقع اگر خسارت جانی بود و متوجه تمامیت جسمانی افراد می‌شد، می‌بایست دیه‌ی تعیین شده در شرع مقدس پرداخت شود و اگر خسارت مالی بود، کل قیمت یا مثل آن باید به زیان‌دیده پرداخت شود. آنچه که براساس این کنوانسیون دولت‌ها و به تبع آنها اتباع در این خصوص می‌پذیرند سقف محدودی از جبران خسارت است که ممکن است در برخی موارد کمتر از خسارت مالی واقعی یا دیه‌ی معین شده شرعی باشد؛ لذا اطلاق محدود نمودن مسئولیت در این کنوانسیون از جهت شمول نسبت به مواردی که شرعاً دیه دارد یا خسارت واقعی (قیمت واقعی یا مثل) بیش از مقدار معین محدود شده باشد، مغایر با موازین شرع است.



۴- هر دولتی که سند خود مبنی بر تنفیذ، پذیرش، تصویب یا الحاق به کنوانسیون را بعد از لازم‌الاجراء شدن اصلاحیه تودیع کند، کنوانسیون اصلاح شده را اعمال خواهد کرد.»

۱. بند (۳) ماده (۱۸) کنوانسیون تحدید مسئولیت برای دعاوی دریایی: «بند ۳- هر دولتی که قید تحدید تعهدی نسبت به این کنوانسیون در نظر گرفته است می‌تواند در هر زمانی به وسیله اطلاعیه‌ای خطاب به دبیرکل از آن صرف‌نظر نماید. چنین صرف‌نظری در تاریخی که اطلاعیه دریافت شده است، نافذ خواهد شد. اگر اطلاعیه حاکی از این باشد که صرف‌نظر از قید تحدید تعهد در تاریخ معین شده در اطلاعیه نافذ می‌شود و چنین تاریخی دیرتر از تاریخ دریافت اطلاعیه توسط دبیرکل باشد، صرف‌نظر کردن در چنین تاریخ مؤخری نافذ خواهد شد.»

دیدگاه عدم مغایرت

الف) منظور از «دولت» در بند (۳) ماده (۱۸) کنوانسیون، که در واقع ترجمه کلمه «state» است، مراجع قانونی کشور عضو است نه صرفاً قوه مجریه آن کشور. به بیان دیگر، کنوانسیون به کشورهای متعاقد این اختیار را داده تا در صورتی که مراجع قانونی آن کشور تصمیم گرفتند، بتوانند با صدور یک اطلاعیه از حق شرط خود انصراف دهند. بنابراین تبصره (۲) ماده واحده تغییری با اصل (۷۷) قانون اساسی مبنی بر حق مجلس در تصویب تعهدات بین‌المللی کشور ندارد؛ به این معنا که دولت ایران در صورتی می‌تواند از حق شرط خود انصراف دهد که نظر موافق مجلس را اخذ کرده باشد.

ب) مواد (۲۰) و (۲۱) کنوانسیون، چگونگی فرایند بازنگری و اصلاح کنوانسیون را مورد بحث قرار داده‌اند، لذا تبصره (۲) ماده واحده رعایت اصل (۷۷) قانون اساسی را در صورت نیاز به اصلاح و تغییر مفاد کنوانسیون الزامی کرده است؛ زیرا در صورت هرگونه تغییر در مفاد این کنوانسیون، در واقع کشورهای عضو ممکن است با حقوق و تکالیف جدیدی مواجه شوند که لازم است مجلس درباره‌ی آن تصمیم‌گیری کند. اما آنچه که در بند (۳) ماده (۱۸) کنوانسیون مورد اشاره قرار گرفته در برگرفته‌ی هیچ‌گونه تغییری نیست که لازم باشد مجلس شورای اسلامی درباره‌ی آن اتخاذ تصمیم نماید. بنابراین تبصره (۲) این ماده واحده، مغایرتی با اصل (۷۷) قانون اساسی ندارد؛ زیرا درحقیقت، تعهد جدیدی برای کشور ایجاد نشده است.

ج) آنچه که دولت در این کنوانسیون تحت عنوان تحدید مسئولیت در دعاوی دریایی می‌پذیرد، در واقع شرط ضمن عقدی است که به نمایندگی از طرف اتباع خود مورد پذیرش قرار می‌دهد. در واقع دولت از طرف مردم می‌پذیرد که در صورت ورود خسارات جانی و مالی، مقصر سانه صرفاً ملزم به جبران خسارت در محدوده تعیین شده در این کنوانسیون باشد، حتی اگر زیان وارده بیشتر یا کمتر از آن باشد یا دیه شرعی به آن تعلق گیرد. بنابراین با توجه به ماهیت حمل و نقل دریایی که لزوم دخالت دولت‌ها را در تنظیم ضوابط آن به نمایندگی از طرف مردم الزامی می‌کند و با امعان نظر به آگاهی مردم در این خصوص، مفاد این ماده واحده مغایرتی با موازین شرعی ندارد.

نظر شورای نگهبان

ماده واحده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصبوبه مجلس در خصوص لایحه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون تحدید مسئولیت برای دعاوی دریایی، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

**قانون اصلاحات قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به تشریفات
(پروتکل) ۱۹۷۸ مربوط به کنوانسیون بین‌المللی جلوگیری از آلودگی دریا ناشی
از کشتی‌ها ۱۹۷۳ (مارچ ۱۹۷۳/۷۸) - مصوب ۱۳۸۰ - و اصلاحات بعدی آن
مصوب ۱۳۹۳/۳/۵**

درباره‌ی قانون

لایحه «اصلاحات قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به تشریفات (پروتکل) ۱۹۷۸ مربوط به کنوانسیون بین‌المللی جلوگیری از آلودگی دریا ناشی از کشتی‌ها ۱۹۷۳ (مارچ ۱۹۷۳/۷۸) - مصوب ۱۳۸۰ - و اصلاحات بعدی آن» بنا به پیشنهاد وزارت راه و شهرسازی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۱/۸/۲۱ هیئت وزیران به تصویب رسید و طی نامه‌ی شماره ۴۸۳۵۸/۱۸۶۸۰۸ مورخ ۱۳۹۱/۹/۲۶ برای انجام تشریفات قانونی و تصویب به مجلس شورای اسلامی ارسال شد. در مقدمه‌ی توجیهی این لایحه آمده است: کنوانسیون بین‌المللی جلوگیری از آلودگی دریا ناشی از کشتی‌ها در سال ۱۹۷۳ میلادی با برگزاری کنفرانس بین‌المللی آلودگی دریا توسط سازمان بین‌المللی دریانوردی به تصویب رسید. این کنوانسیون که بعداً توسط پروتکل ۱۹۷۸ اصلاح و به طور اختصار با اسم «مارچ ۱۹۷۳/۷۸» از آن یاد می‌شود، شامل مقررات و ویژگی‌های کاربردی مهمی در خصوص ساختمان کشتی‌ها، بنادر و تجهیزات آنها به منظور جلوگیری از آلودگی دریا می‌باشد. دولت جمهوری اسلامی ایران با تصویب مجلس شورای اسلامی در سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۷ به ترتیب به کنوانسیون بین‌المللی یادشده و شش ضمیمه‌ی آن ملحق شده است. اخیراً نیز اصلاحات کنوانسیون مارچ در هشت مورد به تصویب رسیده است. لذا با توجه به موارد یادشده و در اجرای اصول (۷۷) و (۱۲۵) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، این لایحه برای طی تشریفات قانونی تقدیم می‌شود.

لایحه‌ی مزبور برای رسیدگی به صورت یک شوری در تاریخ ۱۳۹۱/۱۰/۲۶ به کمیسیون عمران، به عنوان کمیسیون اصلی ارسال شد که کمیسیون مزبور، مفاد آن را در تاریخ ۱۳۹۱/۱۲/۲ با اصلاحاتی به تصویب رساند و گزارش آن را به مجلس ارائه کرد. این لایحه در تاریخ ۱۳۹۳/۳/۵ در صحن علنی مجلس مطرح و به تصویب نمایندگان مجلس رسید و برای طی روند قانونی مذکور در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره‌ی ۱۹۳/۱۶۷۳۵ مورخ ۱۳۹۳/۳/۱۷ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۸، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی

شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۱۴ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۸ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۳/۳/۵

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۳/۲۸

ماده واحده- اصلاحات قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به تشریفات (پروتکل) ۱۹۷۸ مربوط به کنوانسیون بین‌المللی جلوگیری از آلودگی دریا ناشی از کشتی‌ها ۱۹۷۳ (مارچ ۱۹۷۳/۷۸) - مصوب ۱۳۸۰- و اصلاحات بعدی آن با رعایت اصول هفتاد و هفتم (۷۷) و یکصد و بیست و پنجم (۱۲۵) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به شرح پیوست تصویب می‌شود.

باسمه تعالی

قطعه‌نامه ام ای پی سی (۶۳) ۲۱۶ مصوب ۲ مارس ۲۰۱۲ (۱۳۹۰/۱۲/۱۲) اصلاحات ضمیمه تشریفات (پروتکل) ۱۹۷۸ (۱۳۵۷) مربوط به کنوانسیون بین‌المللی جلوگیری از آلودگی دریا ناشی از کشتی‌ها ۱۹۷۳ (۱۳۵۲) (ترتیب منطقه‌ای تسهیلات دریافت بندری به موجب ضمایم ۱، ۲، ۴ و ۵ مارچ)

کارگروه حفاظت محیط زیست دریایی

...

دیدگاه عدم مغایرت

هیچ یک از اعضای شورای نگهبان، در خصوص مغایرت مفاد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی نظری ابراز نکردند.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه مجلس در خصوص لایحه اصلاحات قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به تشریفات (پروتکل) ۱۹۷۸ مربوط به کنوانسیون بین‌المللی جلوگیری از آلودگی دریا ناشی از کشتی‌ها ۱۹۷۳ (مارچ ۱۹۷۳/۷۸) - مصوب ۱۳۸۰- و اصلاحات بعدی آن، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

**قانون موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری عراق
به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و تبادل اطلاعات در مورد
مالیات‌های بر درآمد و سرمایه
مصوب ۱۳۹۳/۳/۵**

درباره‌ی قانون

لایحه «موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری عراق به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و تبادل اطلاعات در مورد مالیات‌های بر درآمد و سرمایه» بنا به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۱/۳/۲۱ هیئت وزیران به تصویب رسید و طی نامه‌ی شماره ۴۸۱۲۲/۸۸۷۶۵ مورخ ۱۳۹۱/۵/۷ برای انجام تشریفات قانونی و تصویب به مجلس شورای اسلامی ارسال شد. در مقدمه‌ی توجیهی این لایحه آمده است: با عنایت به ضرورت گسترش همکاری‌های اقتصادی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری عراق و لزوم اتخاذ تدابیر قانونی برای پیشگیری از اخذ مالیات مضاعف از اشخاص حقیقی و حقوقی فعال در هر یک از دو کشور و با توجه به اهمیت به‌سزای ایجاد تسهیلات و تمهیدات مربوط و به منظور تضمین تداوم فعالیت‌های اقتصادی و نیز توسعه و ارتقای سطح مناسبات بین دو دولت، این لایحه جهت طی مراحل قانونی تقدیم می‌شود.

این لایحه برای رسیدگی به صورت یک شوری در تاریخ ۱۳۹۱/۵/۱۷ به کمیسیون اقتصادی، به عنوان کمیسیون اصلی ارسال شد که کمیسیون مزبور، مفاد آن را در تاریخ ۱۳۹۱/۶/۲۱ عیناً به تصویب رساند و گزارش آن را به مجلس ارائه کرد. این لایحه در تاریخ ۱۳۹۳/۳/۵ در صحن علنی مجلس مطرح و با اصلاحاتی به تصویب نمایندگان مجلس رسید و برای طی روند قانونی مذکور در اصل ۹۴ قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۱۲۰/۱۶۷۴۱ مورخ ۱۳۹۳/۳/۱۷ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۸، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۱۳ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۸ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۳/۳/۵

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۳/۲۸

ماده واحده- موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری عراق به

منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و تبادل اطلاعات در مورد مالیات‌های بر درآمد و سرمایه به شرح پیوست تصویب و اجازه مبادله اسناد داده می‌شود.

تبصره ۱- هزینه‌های مالی موضوع بند (۳) ماده (۱۱) موافقتنامه، مجوز کسب درآمد غیرقانونی از جمله ربا محسوب نمی‌شود.

تبصره ۲- رعایت اصول هفتاد و هفتم (۷۷) و یکصد و سی و نهم (۱۳۹) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اجرای بندهای (۲) تا (۴) ماده (۲۵) موافقتنامه الزامی است.

دیدگاه عدم مغایرت

هیچ یک از اعضای شورای نگهبان، در خصوص مغایرت مفاد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی نظری ابراز نکردند.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه مجلس در خصوص لایحه موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری عراق به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و تبادل اطلاعات در مورد مالیات‌های بر درآمد و سرمایه، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

قانون عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در کارگروه بین‌المللی پزشکی

نظامی (ICMM)

مصوب ۱۳۹۳/۳/۵

درباره‌ی قانون

لایحه «عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در کارگروه بین‌المللی پزشکی نظامی (ICMM)» بنا به پیشنهاد وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۱/۸/۷ هیئت وزیران به تصویب رسید و طی نامه‌ی شماره ۴۸۱۶۳/۱۸۶۸۱۴ مورخ ۱۳۹۱/۹/۲۶ برای انجام تشریفات قانونی و تصویب به مجلس شورای اسلامی ارسال شد. در مقدمه‌ی توجیهی این لایحه آمده است: به منظور گسترش حضور فعال و هدفمند جمهوری اسلامی ایران در سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی و منطقه‌ای و بهره‌گیری از آن در جهت تأمین منافع ملی و با هدف بهره‌مندی از آخرین دستاوردهای علمی و تکنولوژی در حوزه بهداشت و درمان نیروهای مسلح و امکان ارائه قابلیت‌ها و ظرفیت بالای علمی و انتقال تجربیات پزشکی نظامی کشور ایران با حفظ اصول و مبانی امنیت به سایر کشورها، این لایحه برای طی تشریفات قانونی تقدیم می‌شود.

لایحه‌ی مزبور برای رسیدگی به صورت یک شوری در تاریخ ۱۳۹۱/۹/۲۸ به کمیسیون بهداشت و درمان به عنوان کمیسیون اصلی ارسال شد که کمیسیون مزبور، مفاد آن را با اصلاحاتی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۱۷ به تصویب رساند و گزارش آن را به مجلس ارائه کرد. این لایحه در تاریخ ۱۳۹۳/۳/۵ در صحن علنی مجلس مطرح و با اصلاحاتی به تصویب نمایندگان مجلس رسید و برای طی روند قانونی مذکور در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۱۹۴/۱۶۷۱۱ مورخ ۱۳۹۳/۳/۱۷ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۸، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۱۱ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۸ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۳/۳/۵

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۳/۲۸

ماده واحده- به دولت اجازه داده می‌شود با هماهنگی ستاد کل نیروهای مسلح در

کارگروه بین‌المللی پزشکی نظامی به شرح اساسنامه پیوست عضویت یابد و نسبت به پرداخت حق عضویت مربوط اقدام کند. تعیین و تغییر دستگاه اجرایی طرف عضویت با هماهنگی ستاد کل نیروهای مسلح بر عهده دولت است.

تبصره ۱- اعمال بند (ب) ماده (۱۸) اساسنامه^(۱) در مورد جمهوری اسلامی ایران با رعایت اصل یکصد و سی و نهم (۱۳۹) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مواد (۵) و (۳۰) اساسنامه^(۲) با رعایت اصول هفتاد و هفتم (۷۷) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.

تبصره ۲- در مورد جمهوری اسلامی ایران فرد جایگزین «نماینده ملی» موضوع بند (۳) ماده (۹) در نشست‌های کارگروه به وسیله دولت تعیین می‌گردد.

...

دیدگاه ابهام

به موجب صدر این ماده واحده، به دولت اجازه داده شده است که با هماهنگی ستاد کل نیروهای مسلح در کارگروه بین‌المللی پزشکی نظامی عضویت یابد. ابهامی که در این خصوص وجود دارد این است که مشخص نیست هماهنگی ستاد کل نیروهای مسلح برای عضویت در کارگروه مذکور به چه نحوی خواهد بود.

۱. بند (ب) ماده (۱۸) اساسنامه کارگروه بین‌المللی پزشکی نظامی: «ماده ۱۸-

۱- هیئت مشورتی می‌تواند توصیه‌هایی را در موضوعات مطرح‌شده توسط رئیس کارگروه بین‌المللی پزشکی نظامی یا دبیرکل ارائه دهد.

۲- موضوعات زیر در حوزه اختیارات هیئت مشورتی قرار دارد:

الف- ...

ب- داوری یا ارائه نظر در خصوص موضوعاتی که می‌تواند به اختلاف نظر میان اعضای نهادهای تصمیم‌گیر کارگروه بین‌المللی پزشکی نظامی یا مقامات منجر شود و برای عملکرد صحیح نهادهای مزبور زیان‌بخش هستند.

پ- ...»

۲. مواد (۵) و (۳۰) اساسنامه کارگروه بین‌المللی پزشکی نظامی: «ماده ۵- این اساسنامه می‌تواند با مقررات صادره توسط دبیرکل کارگروه بین‌المللی پزشکی نظامی تکمیل شود. این مقررات باید به تصویب کارگروه بین‌المللی پزشکی نظامی برسد.

ماده ۳۰- (بازنگری در اساسنامه)

۱- کارگروه می‌تواند بخشی یا تمام این اساسنامه را مورد بازنگری قرار دهد.

۲- در شرایط عادی، پیشنهاد بازنگری در اساسنامه باید حداقل یک سال پیش از زمان تعیین‌شده برای تشکیل مجمع عمومی بعدی به صورت درخواستی با امضای دست‌کم یک پنجم نماینده‌های ملی کارگروه بین‌المللی پزشکی نظامی به دبیر کل ارسال شود. ...»

دیدگاه عدم مغایرت و ابهام

قانون‌گذار در این مصوبه عضویت دولت در کارگروه بین‌المللی پزشکی نظامی را منوط به هماهنگی دولت با ستاد کل نیروهای مسلح کرده است؛ یعنی پیش از امضای قرارداد عضویت، دولت باید موافقت ستاد کل نیروهای مسلح را در این خصوص اخذ کند. قرار دادن این شرط در این مصوبه، اشکال و ابهامی از جهت مغایرت یا عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی ایجاد نمی‌کند.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه مجلس در خصوص لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در کارگروه بین‌المللی پزشکی نظامی (ICMM)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

**قانون موافقتنامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری بین دولت
جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری بروندي
مصوب ۱۳۹۳/۳/۱۸**

درباره‌ی قانون

لایحه «موافقتنامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری بروندي» بنا به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۶/۱۳ هیئت وزیران به تصویب رسید و طی نامه‌ی شماره ۴۹۳۶۲/۱۲۴۴۳۶ مورخ ۱۳۹۲/۷/۹ برای انجام تشریفات قانونی و تصویب به مجلس شورای اسلامی ارسال شد. در مقدمه‌ی توجیهی این لایحه آمده است: با توجه به اهمیت سرمایه‌گذاری در به‌کارگیری منابع و امکانات بالقوه اقتصادی و نظر به ضرورت تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری‌های اتباع دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری بروندي و به منظور ایجاد و حفظ شرایط مساعد برای سرمایه‌گذاری‌های یادشده در جهت ارتقاء و تحکیم همکاری‌های اقتصادی و تأمین منافع هر دو دولت، این لایحه برای طی مراحل قانونی تقدیم می‌شود.

این لایحه برای رسیدگی به صورت یک شوری در تاریخ ۱۳۹۲/۸/۱۱ به کمیسیون اقتصادی به عنوان کمیسیون اصلی ارسال شد که کمیسیون مزبور در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۹/۳ با الحاق یک تبصره به ماده واحده آن را به تصویب رساند و گزارش خود را به مجلس ارائه کرد. این لایحه در تاریخ ۱۳۹۳/۳/۱۸ در صحن علنی مجلس مطرح و با اصلاحاتی به تصویب نمایندگان مجلس رسید و برای طی روند قانونی مذکور در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۳۸۲/۱۷۸۵۶ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۰ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۸، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۱۰ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۸ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۳/۳/۱۸

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۳/۲۸

ماده واحده- موافقتنامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری بین دولت جمهوری

اسلامی ایران و دولت جمهوری بروندی مشتمل بر یک مقدمه و شانزده ماده به شرح پیوست تصویب و اجازه مبادله اسناد داده می‌شود.
تبصره- رعایت اصل یکصد و سی و نهم (۱۳۹) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اجرای مواد (۱۳) و (۱۴) این موافقتنامه الزامی است.

موافقتنامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری بروندی

مقدمه

...

ماده ۱- تعاریف

...

ماده ۱۳- حل و فصل اختلافات میان یک طرف متعاهد و سرمایه‌گذار (سرمایه‌گذاران) طرف متعاهد دیگر

۱- چنانچه اختلافی میان طرف متعاهد سرمایه‌پذیر و یک یا چند سرمایه‌گذار طرف متعاهد دیگر درباره یک سرمایه‌گذاری بروز کند، طرف متعاهد سرمایه‌پذیر و سرمایه‌گذار (سرمایه‌گذاران) مزبور در ابتدا تلاش خواهند کرد که اختلاف را از طریق مذاکره و مشاوره و به صورت دوستانه حل و فصل کنند.

۲- چنانچه طرف متعاهد سرمایه‌پذیر و سرمایه‌گذار (سرمایه‌گذاران) مزبور نتوانند ظرف شش ماه از تاریخ ابلاغ ادعا به دیگری به توافق برسند، هر یک از آنها می‌تواند اختلاف را در دادگاه‌های صالح طرف متعاهد سرمایه‌پذیر مطرح یا ضمن رعایت قوانین و مقررات مربوط خود به یک هیئت داوری سه نفره به شرح مندرج در بند (۵) زیر ارجاع کند.

۳- ...

۵- طرف متعاهد سرمایه‌پذیر یا سرمایه‌گذار (سرمایه‌گذاران) طرف متعاهد دیگر هر کدام که بخواهند اختلافی را به داوری ارجاع کنند، باید ضمن ارسال اطلاعیه کتبی برای دیگری داور منتخب خود را معرفی نمایند. طرف دیگر باید ظرف شصت روز از تاریخ دریافت اطلاعیه مذکور نسبت به معرفی یک داور اقدام کند و داوران منتخب باید ظرف شصت روز از تاریخ آخرین انتخاب، سرداور را تعیین کنند. چنانچه هر یک از طرف‌ها ظرف مدت مقرر داور خود را تعیین نکند و یا داوران منتخب ظرف مدت مذکور در مورد انتخاب سرداور به توافق نرسند هر یک از طرف‌ها می‌تواند از دبیرکل

دیوان دائمی داوری بخواهد که حسب مورد داور طرف ممتنع یا سرداور را تعیین نماید.
در هر صورت، سرداور باید از اتباع کشوری انتخاب شود که در زمان انتخاب با
طرف‌های متعاقد روابط سیاسی دارد.

...

دیدگاه مغایرت

طبق بند (۲) ماده (۱۳) این مصوبه، در صورت اختلاف سرمایه‌پذیر و سرمایه‌گذار، هر یک از آنها می‌تواند اختلاف را در دادگاه‌های صالح طرف متعاقد سرمایه‌پذیر مطرح یا ضمن رعایت قوانین و مقررات مربوط خود به یک هیئت داوری سه‌نفره به شرح مندرج در بند (۵) ارجاع کند. بر این اساس، با توجه به اینکه دادگاه‌های کشور برون‌دی، شرعی نیست و احکام این دادگاه‌ها هم مطابق با شرع مقدس اسلام نیست، دادگاه‌های آنان در مورد اتباع ایرانی به‌ویژه مسلمانان، صالح به رسیدگی نیستند. از این رو، تجویز رجوع به دادگاه‌های کشور برون‌دی در این ماده، که تلویحاً ناظر بر پذیرش صلاحیت رسیدگی و احکام این دادگاه‌ها است، مغایر با موازین شرع است.

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به واژه‌ی «می‌تواند» در بند (۲) ماده (۱۳) این مصوبه، اتباع ایرانی موضوع این ماده در صورت اختلاف با طرف دیگر، ملزم به مراجعه به دادگاه‌های کشور برون‌دی نشده‌اند، بلکه می‌توانند طبق همین مصوبه، حل اختلاف خود را از طریق داوری به سرانجام برسانند. بنابراین، از آنجا که این ماده در مقام الزام اتباع ایرانی به طرح اختلاف و مراجعه به دادگاه‌های کشور برون‌دی نیست، مغایرتی با موازین شرع ندارد. ضمن اینکه این مصوبه در صدد اعطای صلاحیت به دادگاه‌های برون‌دی و اعتباربخشی به احکام این دادگاه‌ها هم نیست، بلکه توافقی دوطرفه و متقابل برای حل اختلاف میان سرمایه‌گذاران دو طرف است.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه مجلس در خصوص لایحه موافقتنامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری برون‌دی، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

**قانون موافقتنامه همکاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت
جمهوری خلق چین در زمینه مبارزه با جرائم فراملی
مصوب ۱۳۹۳/۳/۱۸**

درباره‌ی قانون

لایحه «موافقتنامه همکاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری خلق چین در زمینه مبارزه با جرائم فراملی» بنا به پیشنهاد وزارت کشور در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۶/۱۳ هیئت وزیران به تصویب رسید و طی نامه‌ی شماره ۴۹۴۲۶/۱۲۴۴۳۴ مورخ ۱۳۹۲/۷/۹ برای انجام تشریفات قانونی و تصویب به مجلس شورای اسلامی ارسال شد. در مقدمه‌ی توجیهی این لایحه آمده است: با عنایت به روابط دوستانه بین دو کشور ایران و چین و اهمیت مسائل امنیتی و با اعتقاد به لزوم برقراری همکاری‌های امنیتی متقابل و درک فواید ناشی از آن و با آگاهی از نقش مؤثر دو کشور در تحکیم امنیت و ثبات منطقه‌ای و با عنایت به آسیب‌پذیری کشورها در خصوص جرائم سازمان‌یافته فراملی و خدشه‌دار نمودن نظم و امنیت عمومی و جان و رفاه شهروندان به واسطه ارتکاب جرائم یادشده و به منظور توسعه و ارتقای سطح مناسبات بین دو دولت، این لایحه برای طی مراحل قانونی تقدیم می‌شود.

لایحه‌ی مزبور برای رسیدگی به صورت یک شوری در تاریخ ۱۳۹۲/۸/۲۶ به کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی به عنوان کمیسیون اصلی ارسال شد که کمیسیون مزبور، مفاد آن را با الحاق یک تبصره در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۹/۱۲ به تصویب رساند و گزارش آن را به مجلس ارائه کرد. این لایحه در تاریخ ۱۳۹۳/۳/۱۸ در صحن علنی مجلس مطرح و با اصلاحاتی به تصویب نمایندگان مجلس رسید و برای طی روند قانونی مذکور در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۳۸۴/۱۷۸۵۹ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۰ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۸، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۰۹ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۸ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۳/۳/۱۸

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۳/۲۸

ماده واحده- موافقتنامه همکاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری

خلق چین در زمینه مبارزه با جرائم فراملی مشتمل بر یک مقدمه و دوازده ماده به شرح پیوست تصویب و اجازه مبادله اسناد آن داده می‌شود.

تبصره- رعایت اصل یکصد و سی و نهم (۱۳۹) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اجرای ماده (۱۱)^(۱) و رعایت اصل هفتاد و هفتم (۷۷) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اجرای ماده (۱۲) این موافقتنامه^(۲) الزامی است.

موافقتنامه همکاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری خلق چین در زمینه مبارزه با جرائم فراملی

...

ماده ۱- زمینه‌های همکاری

طرف‌ها، بر اساس پیمان‌های بین‌المللی که عضو آن می‌باشند و قوانین کشورهای متبوع خود در زمینه جلوگیری و مبارزه با جرائم زیر در حیطه اختیارات ذی‌ربط خود همکاری خواهند نمود:

۱- فعالیت‌های تروریستی بین‌المللی

۲- تولید غیرقانونی و قاچاق مواد مخدر، روانگردان و پیش‌سازهای شیمیایی

۳- قاچاق کالا از جمله اشیای تاریخی و فرهنگی

۴- پولشویی

۵- جعل اسکناس و اوراق بهادار و کارت‌های اعتباری

۶- جعل گذرنامه، ویزا و سایر اسناد با ارزش

۷- قاچاق سلاح‌های گرم، مهمات، مواد منفجره، مواد قابل اشتعال خطرناک، مواد

۱. ماده (۱۱) موافقتنامه همکاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری خلق چین در زمینه مبارزه با جرائم فراملی: «ماده ۱۱- حل و فصل اختلاف

طرف‌ها هرگونه اختلاف در تفسیر یا اجرای این موافقتنامه را با مذاکره دوستانه یا از طریق مجاری دیپلماتیک حل و فصل خواهند نمود.»

۲. ماده (۱۲) موافقتنامه همکاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری خلق چین در زمینه مبارزه با جرائم فراملی: «ماده ۱۲- مدت اعتبار و اصلاحات

۱- این موافقتنامه از تاریخ ارسال آخرین اطلاعیه کتبی هر یک از طرف‌ها به طرف دیگر از طریق مجاری دیپلماتیک، مبنی بر اینکه اقدامات لازم را طبق قوانین و مقررات خود درباره لازم‌الاجراء شدن این موافقتنامه به‌عمل آورده است، به مدت پنج سال به‌موقع اجراء گذارده خواهد شد. پس از انقضای دوره مزبور، این موافقتنامه خود به خود برای دوره‌های پنج‌ساله دیگر تمدید می‌گردد، مگر آنکه یکی از طرف‌ها تمایل خود را به فسخ آن، حداقل شش ماه قبل از انقضای آن به صورت کتبی به اطلاع طرف دیگر برساند.

۲- طرف‌ها با رضایت متقابل می‌توانند نسبت به تغییر و تکمیل این موافقتنامه، اقدام نمایند. اصلاحات مزبور با رعایت بند (۱) ماده (۱۲) این موافقتنامه لازم‌الاجراء خواهد شد.»

شیمیایی برای آتش‌بازی، مواد سمی قوی، مواد هسته‌ای و سایر مواد رادیواکتیو

۸- سازماندهی یا انتقال غیرقانونی اشخاص از مرزهای ملی

۹- قاچاق انسان

۱۰- کلاهبرداری

۱۱- جرائم رایانه‌ای

۱۲- دیگر جرائم فراملی.

دیدگاه مغایرت

به کار بردن واژه‌ی «ویزا» در بند (۶) ماده (۱) که معادل فارسی آن «روادید» است و نیز اصطلاح «رادیواکتیو» در بند (۷) ماده (۱) و بند (۳) ماده (۳) این مصوبه، به نظر می‌رسد مغایر با اصل (۱۵) قانون اساسی است؛ زیرا طبق این اصل، مکاتبات و متون رسمی از جمله قوانین مصوب مجلس باید با زبان و خط فارسی باشد. بنابراین، استفاده از این واژگان بدون درج معادل فارسی آن مغایر با اصل (۱۵) قانون اساسی است.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه مجلس در خصوص لایحه موافقتنامه همکاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری خلق چین در زمینه مبارزه با جرائم فراملی، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

قانون تعیین تعرفه‌های خدمات مرکز توسعه تجارت الکترونیکی

مصوب ۱۳۹۳/۳/۲۰

درباره‌ی قانون

لایحه «تعیین تعرفه‌های خدمات مرکز توسعه تجارت الکترونیکی» که بنا به پیشنهاد وزارت صنعت، معدن و تجارت به هیئت وزیران ارائه شده بود، در تاریخ ۱۳۹۱/۱۱/۱ در این هیئت به تصویب رسید و برای طی تشریفات قانونی و تصویب به مجلس شورای اسلامی ارسال شد. در مقدمه‌ی توجیهی این لایحه آمده است: با توجه به تأثیر اقتصادی قابل توجه خدمات مرکز توسعه تجارت الکترونیکی بر فعالیت‌های دستگاه‌های اجرایی و بخش غیردولتی و تحولات سریع فناوری در ارائه خدمات جدید در تجارت الکترونیکی و در راستای اخذ مجوز قانونی برای دریافت وجه توسط مرکز یادشده در ازای ارائه خدمات به متقاضیان بدون تحمیل بار مالی آن به دولت، این لایحه برای طی مراحل قانونی تقدیم می‌شود.

لایحه‌ی مزبور برای رسیدگی به صورت یک شوری در تاریخ ۱۳۹۲/۱/۲۱ به کمیسیون صنایع و معادن مجلس، به عنوان کمیسیون اصلی ارسال شد که کمیسیون مزبور، مفاد آن را در تاریخ ۱۳۹۲/۶/۳ با اصلاحاتی به تصویب رساند و گزارش آن را به مجلس ارائه کرد. این لایحه در تاریخ ۱۳۹۳/۳/۲۰ در صحن علنی مجلس مطرح و با اصلاحاتی به تصویب نمایندگان مجلس رسید و برای طی روند قانونی مذکور در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره‌ی ۲۵۲/۱۸۶۸۸ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۴ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان در تاریخ ۱۳۹۳/۴/۴ با تشکیل جلسه و بررسی این مصوبه، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی تشخیص نداد و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۸۰ مورخ ۱۳۹۳/۴/۴ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۳/۳/۲۰

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۴/۴

ماده واحده- به مرکز توسعه تجارت الکترونیکی اجازه داده می‌شود نسبت به وصول بهای خدماتی که به متقاضیان ارائه می‌دهد، اقدام کند و وجوه حاصل را به خزانه‌داری کل کشور واریز نماید.

تبصره- انواع خدمات مرکز یاد شده و تعرفه هر یک از آنها بنا به پیشنهاد وزارت

صنعت، معدن و تجارت با رعایت اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی به تصویب کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات می‌رسد.

دیدگاه مغایرت

الف) طبق اصل (۱۳۸) قانون اساسی، هیئت وزیران یا هر یک از وزراء می‌توانند در مورد اجرای قوانین، انجام وظایف اداری، تأمین اجرای قانون و تنظیم سازمان‌های اداری اقدام به وضع آیین‌نامه یا تصویب‌نامه نمایند. همچنین در این اصل، اختیار واگذاری تصویب برخی از امور مربوط به وظایف دولت به کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر داده شده است. با توجه به اینکه در تبصره‌ی ماده واحده مزبور، وظیفه تصویب تعیین انواع خدمات مرکز توسعه تجارت الکترونیکی و تعرفه هر یک از آنها پس از پیشنهاد وزارت صنعت، معدن و تجارت بر عهده‌ی «کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات» گذاشته شده است که اکثر اعضای این کمیسیون از غیر وزراء می‌باشند^(۱) و با امعان نظر به ماهیت آیین‌نامه‌ای این گونه موارد، این ماده واحده مغایر با اصل (۱۳۸) قانون اساسی است؛ زیرا طبق این اصل، تنها وزراء و هیئت وزیران در تصویب آیین‌نامه‌های اجرایی صلاحیت دارند، در حالی که تبصره‌ی مزبور برای غیر وزراء نیز چنین صلاحیتی را پیش‌بینی کرده است.

ب) از آنجا که مصوبه‌ی مزبور یکی از وظایف «کمیسیون عالی تنظیم مقررات فضای مجازی کشور»^(۲) - که در حکم مصوبات شورای عالی فضای مجازی است - یعنی نرخ‌گذاری برای کلیه خدمات فضای مجازی را منوط به تصویب «کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات» کرده است، این مصوبه مغایر با اصل (۵۷) قانون اساسی است؛ زیرا اطلاق آن می‌تواند با صلاحیت‌های «کمیسیون عالی تنظیم مقررات فضای مجازی کشور» در تعارض باشد. بنابراین با عنایت به اینکه شورای عالی فضای مجازی با حکم مقام رهبری (مدظله‌العالی) تشکیل و تحت امر ایشان مشغول به انجام وظیفه است و با توجه به اینکه تشکیل و تداوم فعالیت این شورا بر اساس اختیارات و

۱. ماده (۶) قانون وظایف و اختیارات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات مصوب ۱۳۸۲/۹/۱۹: «ماده ۶- کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات از افراد زیر با استفاده از امکانات معاونت امور مخابراتی و اداره کل ارتباطات رادیویی تشکیل می‌گردد:

الف- وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات (رئیس)

ب- معاون وزیر و رئیس سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی (دبیر)

ج- نماینده سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور

د- نماینده وزارت امور اقتصادی و دارایی

ه- سه نفر صاحب‌نظر مرتبط در امور ارتباطات و فناوری اطلاعات با پیشنهاد وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات و تصویب هیئت وزیران.»

۲. شورای عالی فضای مجازی بر اساس ماده (۹) اساسنامه مرکز ملی فضای مجازی، شرح وظایف و اختیارات این کمیسیون را تعیین کرده است. این مصوبه در شش بند وظایفی را برای این کمیسیون مقرر داشته است که از جمله آنها «سیاست‌گذاری در زمینه نرخ‌گذاری برای کلیه خدمات فضای مجازی در چارچوب مصوبات شورای عالی فضای مجازی» است.

صلاحیت‌های ولایت مطلقه فقیه مصرّح در اصل (۵۷) قانون اساسی انجام شده است، دخالت در شرح وظایف مقررّ برای آن شورا یا کم‌رنگ کردن نقش این نهاد یا تعریف اقدام موازی با شرح وظایف مقررّ شده برای این نهاد، به نوعی در تغایر با فرمان مقام رهبری و اختیارات و صلاحیت‌های ایشان در اصل (۵۷) است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) با توجه به اینکه پیشنهاد تعیین انواع خدمات مرکز توسعه تجارت الکترونیکی و تعرفه‌ی هر یک از آنها توسط وزارت صنعت داده می‌شود و اغلب اعضای «کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات» که وظیفه‌ی تصویب پیشنهادات را دارند نیز یا دولتی هستند یا توسط هیئت وزیران منصوب می‌شوند، نمی‌توان تبصره‌ی ماده واحده مزبور را مغایر با اصل (۱۳۸) قانون اساسی دانست، ضمن آنکه هدف تعرفه‌گذاری کمیسیون مزبور صرفاً نرخ‌گذاری خدماتی است که مرکز یاد شده ارائه می‌دهد و نه تعیین قیمت برای کالاهای مورد معامله از طریق این مرکز؛ لذا از آنجا که این‌گونه تعرفه‌گذاری اصولاً ماهیت آیین‌نامه‌ای ندارد، تصویب آن توسط کمیسیون یاد شده، تغایری با اصل (۱۳۸) قانون اساسی ندارد.

ب) واگذاری تصویب انواع خدمات مرکز توسعه تجارت الکترونیکی و تعرفه‌ی هر یک از آنها به «کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات» در این مصوبه، مغایرتی با وظیفه «کمیسیون عالی تنظیم مقررات فضای مجازی کشور» مبنی بر سیاست‌گذاری نرخ‌گذاری برای کلیه خدمات فضای مجازی ندارد؛ زیرا مصوبه‌ی مزبور برای کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات، سیاست‌گذاری در خصوص نرخ‌گذاری برای انواع خدمات مرکز توسعه تجارت الکترونیکی را پیش‌بینی نکرده است، بلکه تنها تصویب تعرفه‌ی این نوع از خدمات و قیمت‌گذاری در این خصوص را برای کمیسیون مزبور جایز دانسته است و این امر ارتباطی با امر کلان سیاست‌گذاری نرخ‌گذاری برای کلیه خدمات فضای مجازی که بر عهده‌ی «کمیسیون عالی تنظیم مقررات فضای مجازی کشور» قرار داده شده است ندارد. از این‌رو، اطلاق مصوبه با صلاحیت‌های این کمیسیون تعارضی نداشته و نمی‌توان آن را مغایر با اصل ۵۷ قانون اساسی تلقی کرد.

نظر شورای نگهبان

ماده واحده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه مجلس در خصوص لایحه تعیین تعرفه‌های خدمات مرکز توسعه تجارت الکترونیکی، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

قانون موافقتنامه مربوط به همکاری در زمینه امنیت در دریای خزر

مصوب ۱۳۹۳/۳/۲۰

درباره‌ی قانون

لایحه «موافقتنامه مربوط به همکاری در زمینه امنیت در دریای خزر» بنا به پیشنهاد وزارت امور خارجه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۱/۸/۷ هیئت وزیران به تصویب رسید و طی نامه‌ی شماره ۴۸۵۳۲/۱۷۹۲۰۳ مورخ ۱۳۹۱/۹/۱۳ برای انجام تشریفات قانونی و تصویب به مجلس شورای اسلامی ارسال شد. در مقدمه‌ی توجیهی این لایحه آمده است: نظر به اهمیت ثبات و امنیت در دریای خزر برای دولت‌های حاشیه آن و با توجه به مسئولیت آنها در حفظ دریای مذکور و توسعه پایدار منطقه و در راستای تحکیم همکاری به منظور استفاده از دریای خزر برای اهداف صرفاً صلح‌آمیز و برای تقویت و تعمیق همکاری‌های منطقه‌ای، این لایحه برای طی مراحل قانونی تقدیم می‌شود.

لایحه‌ی مزبور در تاریخ ۱۳۹۱/۱۰/۲۵ برای رسیدگی به صورت یک شوری به کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی به عنوان کمیسیون اصلی ارسال شد که کمیسیون مزبور، مفاد آن را با اصلاحاتی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۶ به تصویب رساند و گزارش آن را به مجلس ارائه کرد. این لایحه در تاریخ ۱۳۹۳/۳/۲۰ در صحن علنی مجلس مطرح و با اصلاحاتی به تصویب نمایندگان مجلس رسید و برای طی روند قانونی مذکور در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۱۸۷/۱۸۶۷۹ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۴ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۴، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۸۲ مورخ ۱۳۹۳/۴/۴ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۳/۳/۲۰

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۴/۴

ماده واحده- موافقتنامه مربوط به همکاری در زمینه امنیت در دریای خزر به شرح

پیوست تصویب و اجازه مبادله اسناد آن داده می‌شود.

تبصره- رعایت اصل یکصد و سی و نهم (۱۳۹) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

در اجرای ماده (۱۲) و اصل هفتاد و هفتم (۷۷) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اجرای ماده (۱۳) این موافقتنامه الزامی است.

موافقتنامه مربوط به همکاری در زمینه امنیت در دریای خزر

ماده ۱- ...

ماده ۴-

۱- ...

۲- تعامل میان نهادهای ذیصلاح طرفها می تواند در سایر اشکال مورد توافق طرفها نیز صورت گیرد.

۳- نهادهای ذیصلاح طرفها، به منظور انجام تعامل، تشریفات (پروتکل)هایی را در خصوص همکاری در زمینه های تعیین شده در ماده (۲) این موافقتنامه منعقد می نمایند.

...

ماده ۱۲- هرگونه اختلاف ناشی از تفسیر یا اجرای مفاد این موافقتنامه از طریق مشورت و مذاکره میان طرفها حل و فصل می شود.

ماده ۱۳-

۱- مفاد این موافقتنامه با توافق متقابل طرفها می تواند اصلاح یا تکمیل گردد.

۲- اصلاحیه ها و تکمله های این موافقتنامه، جزء لاینفک آن را تشکیل می دهد و به صورت تشریفات (پروتکل)های جداگانه تنظیم می شوند که طبق رویه پیش بینی شده در ماده (۱۵) این موافقتنامه لازم الاجراء می گردند.

...

دیدگاه ابهام

الف) بند (۲) ماده (۴) این مصوبه دارای ابهام است؛ زیرا معلوم نیست منظور از عبارت «سایر اشکال مورد توافق طرفها» همان توافقیهای مندرج در این موافقتنامه است یا شامل سایر توافقیهای خارج از این موافقتنامه نیز می شود. بدیهی است در صورتی که این عبارت، سایر توافقیهای خارج از این موافقتنامه را نیز شامل شود، از این جهت که توافقیهای مزبور می تواند متضمن قراردادی جدید باشد باید اجرای آن همانند ماده (۱۳) این مصوبه، منوط به رعایت اصل (۷۷) قانون اساسی شود؛ چه آنکه طبق این اصل، موافقتنامه های بین المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی نیز برسد. بنابراین، اطلاق این بند دارای ابهام و ایراد است.

ب) اطلاق تجویز انعقاد تشریفات (پروتکل) در بند (۳) ماده (۴) دارای ابهام است؛ زیرا اطلاق این بند می تواند شامل معاهدات جدید نیز باشد. از این رو، لازم است اجرای این بند نیز منوط به

رعایت اصل (۷۷) قانون اساسی شود؛ چه آنکه طبق این اصل، معاهدات بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی نیز برسد. بنابراین، اطلاق این بند از این جهت، واجد ابهام و ایراد است.

دیدگاه عدم مغایرت و ابهام

الف) اساساً بندهای (۲) و (۳) ماده (۴) این مصوبه در مقام تجویز موافقتنامه یا معاهدات جدید نیست تا اینکه رعایت اصل (۷۷) قانون اساسی در مورد آنها لازم باشد، بلکه آنچه در این بندها تجویز شده است، «تعامل» میان نهادهای ذی‌صلاح طرف‌ها است که صرفاً ناظر به امور اجرایی توافقنامه می‌شود. به عبارت دیگر، موضوع بندهای فوق‌الذکر «تعامل» میان طرفین است و نه انعقاد «موافقتنامه یا معاهده» و از این جهت، این بندها تخصصاً از موضوع اصل (۷۷) قانون اساسی خارج هستند. بنابراین، بندهای مزبور با ابهام و اشکالی مواجه نیستند.

ب) توافقی‌های مذکور در بندهای (۲) و (۳) ماده (۴) این مصوبه، همان توافقی‌های مکمل مذکور در ماده (۱۳) این مصوبه است که در راستای اجرای بهتر مفاد توافقنامه منعقد می‌شود و از آنجا که طبق تبصره‌ی ماده واحده، اجرای ماده (۱۳) موافقتنامه منوط به رعایت اصل (۷۷) قانون اساسی شده است، بالطبع رعایت این اصل در مورد توافقی‌های مذکور در بندهای (۲) و (۳) نیز الزامی است و انجام خواهد شد. بر این اساس، بندهای مزبور فاقد ابهام و ایراد هستند.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه مجلس در خصوص لایحه موافقتنامه مربوط به همکاری در زمینه امنیت در دریای خزر، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

قانون تفسیر بند (ج) تبصره (۱۶) قانون بودجه سال ۱۳۹۳ کل کشور مصوب ۱۳۹۳/۳/۲۷

درباره‌ی قانون

طرح «استفساریه بند (ج) تبصره (۱۶) قانون بودجه سال ۱۳۹۳ کل کشور» توسط تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و در راستای رفع برخی از مشکلات در حوزه‌ی ارائه خدمات بهداشتی و درمانی به جانبازان و ایثارگران شاغل در نهادهای مختلف، با قید دو فوریت تقدیم مجلس شد. در مقدمه‌ی توجیهی این طرح آمده است: «از آنجایی که ارائه خدمات پراکنده‌ی بهداشتی و درمانی به ایثارگران، فاقد مدیریت واحد درمانی بود و بدین سبب بی‌عدالتی در سرویس‌دهی درمانی و بهداشتی به جانبازان و ایثارگران در چند سال گذشته به بدترین نحو ممکن بروز نمود و نارضایتی شدیدی در جامعه ایثارگری ایجاد نمود. تقاضای مشخص ایثارگران این بود که به دلیل نیاز به سرویس‌های خاص و حرفه‌ای درمانی و بهداشتی، دستگاه محل اشتغال به دلیل عدم وجود امکانات و نبود اطلاعات حرفه‌ای پزشکی، مشکلات عدیده‌ای را برای آنان ایجاد می‌نماید؛ در صورتی که بنیاد شهید و امور ایثارگران به دلیل تخصصی بودن و تربیت نیروهای زبده و فنی و متخصص و ارتباط معنوی که بین دستگاه بنیاد شهید و امور ایثارگران و ایثارگر و خانواده وی برقرار بود در ارائه سرویس‌های درمانی و بهداشتی تعامل خوبی بین آنان وجود داشت؛ اما در دستگاه محل خدمت رابطه‌ی کارفرمایی و کارگری و غیره موجب تضییع حقوق حقه آنان از حیث ارائه خدمات درمانی می‌شد و امکان اعتراض در مقابل عدم اجابت تقاضا نبود. فلذا نمایندگان مجلس با احصاء مشکلات درمانی و بهداشتی ایثارگران با تصویب بند (ج) تبصره (۱۶) قانون بودجه سال ۱۳۹۳ متولی اصلی درمان ایثارگران را بنیاد شهید و امور ایثارگران معرفی نمود و هرگز این اقدام به معنای آن نبود و نیست که دستگاه محل اشتغال ایثارگر از ارائه خدمات متعارف درمانی و پایش سلامت ایثارگر شاغل خود یا سایر موارد امتناع ورزد. بدین سبب استفساریه ذیل با قید دو فوریت مطرح و امید است با تصویب آن در مجلس، شاهد هم‌افزایی خدمات درمانی و بهداشتی ایثارگران از سوی سازمان‌ها و ادارات و دستگاه‌ها و صندوق‌های بازنشستگی به ایثارگران شاغل و بازنشسته باشیم.»

دو فوریت این طرح در تاریخ ۱۳۹۳/۳/۲۵ به تصویب نمایندگان مجلس رسید و پس از آن، این طرح برای رسیدگی به کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات مجلس به عنوان کمیسیون اصلی ارسال شد که کمیسیون مزبور، مفاد این طرح را در جلسه ۱۳۹۳/۳/۲۵ کمیسیون به تصویب رساند

و گزارش آن را تقدیم مجلس شورای اسلامی کرد. این طرح در تاریخ ۱۳۹۳/۳/۲۷ در صحن علنی مجلس، مطرح و با اصلاحاتی به تصویب نمایندگان مجلس رسید و برای طی روند قانونی مذکور در اصل (۹۴) قانون اساسی، به موجب نامه‌ی شماره ۴۶۴/۲۰۹۳۵ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان با تشکیل جلسه در تاریخ ۱۳۹۳/۳/۲۸، پیش از ارسال رسمی این مصوبه به شورا، مفاد این مصوبه را بررسی و نظر خود مبنی بر مغایرت نداشتن مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۵۱ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۳/۳/۲۷

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۳/۲۸

موضوع استفساریه:

آیا حکم بند (ج) تبصره (۱۶) قانون بودجه سال ۱۳۹۳ کل کشور،^(۱) مانع از ارائه خدمات بهداشتی و درمانی متعارف دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و صندوق‌های بازنشستگی به کارکنان شاغل و بازنشستگان ایثارگر تحت پوشش خود می‌شود؟
پاسخ:
خیر، مانع نمی‌شود.

دیدگاه مغایرت

مطابق با اصل (۷۳) قانون اساسی، شرح و تفسیر قوانین عادی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است. بند (ج) تبصره (۱۶) قانون بودجه سال ۱۳۹۳ کل کشور حکم کرده است که «دولت مکلف است صد درصد هزینه‌های درمانی مربوط به ایثارگران بازنشسته و شاغل در دستگاه‌های

۱. بند (ج) تبصره (۱۶) قانون بودجه سال ۱۳۹۳ کل کشور مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۶ مجلس شورای اسلامی: «تبصره ۱۶- الف- ...»

ج- دولت مکلف است صد درصد (۱۰۰٪) هزینه‌های درمانی مربوط به ایثارگران بازنشسته و شاغل در دستگاه‌های اجرایی و افراد تحت تکفل آنها اعم از خدمات درمان و بیمه تکمیلی را توسط بنیاد شهید و امور ایثارگران پرداخت نماید. معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور مکلف است اعتبار مورد نیاز را از سرجمع اعتبارات دستگاه‌های اجرایی و صندوق‌های بازنشستگی (اعتبار برنامه ۳۰۴۴۰) کسر کند و به بنیاد شهید و امور ایثارگران اختصاص دهد. اعتبارات این بند از محل ردیف ۵۳- ۵۵۰۰۰۰ جدول شماره (۹) این قانون تأمین می‌شود.»

اجرایی و افراد تحت تکفل آنها اعم از خدمات درمان و بیمه‌ی تکمیلی را توسط بنیاد شهید و امور ایثارگران پرداخت نماید.» در نتیجه، پرداخت هزینه‌ی درمانی حتی در حد متعارف، توسط هر شخص یا نهادی به غیر از بنیاد شهید و امور ایثارگران، حتی به صورت تخییری، با مفاد بند (ج) تبصره (۱۶) قانون مزبور مغایر است. از این رو، این مصوبه، از آن جهت که به غیر از بنیاد شهید، سایر دستگاه‌های اجرایی را نیز مجاز به ارائه‌ی خدمات درمانی به ایثارگران شاغل و بازنشسته دانسته است، در حقیقت دارد حکم جدیدی را بیان می‌کند و موضوع تازه‌ای را به بند (ج) تبصره (۱۶) ضمیمه می‌کند. با این وصف، از آنجا که این اقدام قانون‌گذار، تفسیر و رفع ابهام از مراد خویش در بند (ج) تبصره (۱۶) نیست، بلکه نوعی تقنین و وضع قاعده‌ی جدید است، در قالب «تفسیر قانون» نمی‌گنجد و به همین دلیل، مغایر با مفاد اصل (۷۳) قانون اساسی و نظریه‌ی تفسیری شورای نگهبان در خصوص این اصل^(۱) است.

دیدگاه عدم مغایرت

دستگاه‌های اجرایی به مستخدمین تابع خود، خدمات درمانی و بیمه‌ای «متعارف»، اعم از بیمه عادی و تکمیلی ارائه می‌کنند که شاغلین با پرداخت بخشی از هزینه‌ی بیمه، به صورت فرانشیز به بیمه‌گر یا سازمان متبوع، از این خدمات بیمه‌ای و درمانی برخوردار می‌شوند. هر چند که حکم بند (ج) تبصره (۱۶) قانون بودجه سال ۱۳۹۳ کل کشور، ناظر به پوشش صد درصدی هزینه‌های درمانی است، لیکن اگر این حکم نیز وجود نداشت، دستگاه‌های اجرایی مطابق با قوانین مربوط، باید وظیفه‌ی خود را در خصوص ارائه‌ی خدمات بیمه‌ای کارکنان متبوع، اعم از بیمه‌ی عادی و یا تکمیلی انجام می‌دادند. لذا مصوبه‌ی مذکور اصلاح قانون و تقنین محسوب نمی‌شود، بلکه تفسیر و تبیین منظور قانون‌گذار و رفع ابهام از قانون است. در نتیجه، این مصوبه مغایر با اصل (۷۳) قانون اساسی و نظریه‌ی تفسیری شورای نگهبان در خصوص این اصل نیست.

نظر شورای نگهبان

این استفساریه، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه مجلس در خصوص طرح دوفوریتی استفساریه بند (ج) تبصره (۱۶) قانون بودجه سال ۱۳۹۳ کل کشور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. نظریه‌ی تفسیری شماره ۷۶/۲۱/۵۸۳ مورخ ۱۳۷۶/۳/۱۰ شورای نگهبان: «مقصود از تفسیر، بیان مراد مقنن است؛ بنابراین تضييق و توسعه قانون در مواردی که رفع ابهام قانون نیست، تفسیر تلقی نمی‌شود.»

**قانون اجازه به وزارت صنعت، معدن و تجارت برای انعقاد قرارداد کار معین با
بازرسان شاغل در حوزه نظارت بر بازار
مصوب ۱۳۹۳/۳/۲۷**

درباره‌ی قانون

طرح «اجازه به وزارت صنعت، معدن و تجارت برای انعقاد قرارداد کار معین با بازرسان شاغل در حوزه نظارت بر بازار» را عده‌ای از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به منظور تعیین تکلیف و جذب ۳۵۰۰ نفر نیروی بازرس برای نظارت بر بازار، با قید دو فوریت به مجلس شورای اسلامی ارائه کردند. در مقدمه‌ی توجیهی این طرح، ضرورت ارائه‌ی این طرح و فوریت آن، به صورت زیر تبیین شده است: «نظر به اینکه دولت محترم در راستای ایجاد تحولات بنیادی در ساختار اقتصادی و بسترسازی مناسب برای اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها در کشور، طرح‌های گسترده‌ای نظیر طرح تشدید بازرسی و نظارت، طرح تثبیت قیمت‌ها و کنترل بازار از شهریورماه سال ۱۳۸۷ را به اجرا گذارده که در این خصوص با توجه به وسعت اهداف تعیین‌شده و ضرورت اطمینان از تبیین و تحقق سیاست‌های کلان اقتصادی کشور نسبت به جذب و آموزش نیروهای بازرسی در حدود ۳۵۰۰ نفر بازرس به صورت قرارداد حجمی و متعاقباً از سال ۱۳۹۱ به استناد مصوبه شماره ۴۷۶۴۳/ت/۹۴۷۴۹ مورخ ۱۳۹۱/۵/۱۴ هیئت محترم وزیران به صورت قرارداد کار معین در مجموعه سازمان‌های صنعت، معدن و تجارت استان‌ها و سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان اقدام نموده است. اینک با توجه به وجود ردیف اعتباری لازم و اینکه هیچ‌گونه بار هزینه‌ای جدیدی را به دولت تحمیل نخواهد نمود و با عنایت به ضرورت کنترل بازار در اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها در مجموعه کشور، طرح ذیل به منظور تعیین تکلیف نیروهای موصوف به صورت قرارداد کار معین با قید دو فوریت تقدیم می‌گردد.»

دو فوریت این طرح در جلسه‌ی علنی روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۳/۲/۳۰ مجلس به تصویب نمایندگان رسید و برای رسیدگی به کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات به عنوان کمیسیون اصلی ارجاع شد. کمیسیون مزبور، آن را در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۲/۳۰ به تصویب نرساند و رد کرد و گزارش آن را به مجلس ارائه کرد. این طرح در تاریخ ۱۳۹۳/۳/۴ در صحن علنی مجلس مطرح شد و سرانجام با انجام اصلاحاتی، به تصویب نمایندگان مجلس رسید و برای طی روند قانونی مذکور در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۴۵۴/۱۴۹۰۵ مورخ ۱۳۹۳/۳/۷ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان در تاریخ ۱۳۹۳/۳/۷ با تشکیل جلسه و بررسی این

مصوبه، مفاد آن را در برخی موارد، مبهم تشخیص داد و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۸۸۷ مورخ ۱۳۹۳/۳/۱۰ به مجلس اعلام کرد. مجلس شورای اسلامی برای برطرف کردن ابهامات شورای نگهبان نسبت به این مصوبه، در جلسه‌ی علنی مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۷ اصلاحات لازم را در ماده واحده این طرح اعمال و مصوبه‌ی اصلاحی را طی نامه‌ی شماره ۴۵۴/۲۰۹۲۶ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱ برای بررسی مجدد به شورای نگهبان ارسال کرد. شورای نگهبان در تاریخ ۱۳۹۳/۴/۴ با تشکیل جلسه و بررسی اصلاحات انجام شده در این مصوبه، ابهام سابق را منتفی دانست و نظر خود مبنی بر عدم مغایرت مفاد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۷۹ مورخ ۱۳۹۳/۴/۴ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۳/۳/۴ (مرحله نخست)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۳/۷

ماده واحده- به وزارت صنعت، معدن و تجارت (سازمان‌های استانی و سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان) اجازه داده می‌شود در سقف سه هزار و پانصد نفر بازرس به صورت قرارداد کار معین با تأمین از ردیف اعتباری ۱۷-۵۵۰۰۰۰ بودجه سال جاری، جهت اجرای طرح‌های نظارتی دولت و کنترل بازار در مجموعه کشور نسبت به تمدید قراردادهای قبلی و جایگزینی آنها بدون هزینه جدید اقدام نماید.

دیدگاه مغایرت

الف) طبق اعلام دولت به شورای نگهبان،^(۱) ردیف اعتباری مذکور در این مصوبه، در بودجه سالانه به اموری تخصیص داده شده است و مازادی ندارد که به موضوع این مصوبه اختصاص داده شود. در واقع این ردیف، برای موضوع این مصوبه، غیر قابل استفاده است. بر این اساس، این مصوبه، محل واقعی برای تأمین بار مالی موضوع مذکور را نداشته و از آنجا که در قالب طرح ارائه شده است، خلاف اصل (۷۵) قانون اساسی است که طرح‌های قانونی را در صورتی قابل تصویب در مجلس می‌داند که محل تأمین هزینه‌های اجرایی آن مشخص شده باشد.

۱. متعاقب اعلام نظر دولت به شورای نگهبان، نامه‌ی شماره ۲۰۰/۹۳/۳۰۲۱ مورخ ۱۳۹۳/۳/۸ از سوی جانشین معاون توسعه‌ی مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور برای شورای نگهبان ارسال شده است که بند (۳) آن در خصوص این مصوبه بیان می‌دارد: «۳- مغایر اصل پنجاه و دوم قانون اساسی می‌باشد؛ با این توضیح که محل هزینه‌کرد اعتبار مندرج در قانون، قبلاً از سوی مجلس به تصویب رسیده و تخصیص مجدد آن برای موضوع قانون اخیرالتصویب، خلاف اصل اخیرالذکر به نظر می‌رسد.»

ب) معنای عبارت «اجازه داده می‌شود» مصرح در این مصوبه، همان الزام دولت است؛ زیرا اگر وزارت مزبور، مفاد این مصوبه را اجرا نکند، توسط مجلس، بازخواست می‌شود. جواز در چنین مصوباتی به این معنا است که تا قبل از این، اجازه‌ی انجام چنین کاری وجود نداشته و از این پس، این اجازه وجود دارد و باید این کار انجام شود. به بیان دیگر، اجازه به معنای رفع منع قانونی و الزام به انجام است. در لوایح بودجه نیز معمولاً از عبارت «اجازه داده می‌شود»، استفاده می‌شود که به معنای الزام است. بنابراین، نمی‌توان با استناد به این عبارت، مختار بودن دولت در انجام مفاد این مصوبه را برداشت کرد و آن را خلاف اصل (۷۵) قانون اساسی ندانست.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) با توجه به اینکه این مصوبه، دولت را مکلف نکرده و تنها به دولت «اجازه» داده است تا کاری را انجام دهد، حتی با پذیرش بار مالی مصوبه و اینکه ردیف اعتباری مذکور در مصوبه فاقد منبع واقعی باشد، نمی‌توان این مصوبه را مخالف با اصل (۷۵) قانون اساسی دانست؛ زیرا دولت همان‌طور که می‌تواند مفاد مصوبه را اجرا کند، مختار است مفاد مصوبه را اجرا نکند. ذکر عبارت «اجازه» در مصوباتی با موضوعات بودجه‌ای و مالی نیز، به معنای الزام نیست و دولت مختار به انجام مقرر قانونی مربوطه است.

ب) «اجرای طرح‌های نظارتی دولت و کنترل بازار در مجموعه‌ی کشور» یک امر حاکمیتی است^(۱) که باید توسط دولت انجام شود و دولت نیز برای کنترل بازار، چاره‌ای جز به‌کارگیری افراد در این حوزه ندارد. دولت نیز قبلاً بر اساس برخی مصوبات خود،^(۲) این افراد را در این خصوص به‌کار گرفته است و این مصوبه، صرفاً در خصوص تمدید قراردادهای قبلی است. بر این اساس، این مصوبه که در قالب طرح ارائه شده است، در خصوص موضوع جدیدی نیست که نیازمند تأمین محل هزینه آن باشد؛ لذا این مصوبه مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی نیست.

ج) این طرح مصوب، صرفاً به دولت اجازه داده است برای انجام کاری از یک ردیف اعتباری هزینه کند و به دولت این اجازه را نداده است که از محل‌های دیگری برای اجرای این مصوبه برداشت کند؛ در نتیجه، اگر ردیف اعتباری مذکور در این مصوبه، فاقد منبع است، دولت دیگر

۱. با توجه به جزء (۲) بند (۲۵) سیاست‌های کلی برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه در چارچوب سند چشم‌انداز بیست‌ساله ابلاغی ۱۳۸۷/۱۰/۲۱ که اشعار می‌دارد: «ایجاد ساختارهای مناسب برای ایفای وظایف حاکمیتی (سیاست‌گذاری، هدایت و نظارت)»؛ وظایف حاکمیتی شامل «نظارت» است.

۲. تصمیم نمایندگان ویژه رئیس جمهور در کارگروه کنترل بازار به شماره ۳۶۱۰۸/ت/۴۶۵۳۹ مورخ ۱۳۹۰/۲/۲۰؛ تصویب‌نامه‌ی شماره ۹۴۷۴۹/ت/۴۷۶۴۳ هـ مورخ ۱۳۹۱/۵/۱۴ هیئت وزیران و تصویب‌نامه‌ی شماره ۲۵۲۶۳۳/ت/۴۷۶۴۳ هـ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۱۹ هیئت وزیران.

قادر به اجرای مصوبه نیست و اجرای مصوبه، سالبه به انتفای موضوع است. بنابراین، این مصوبه مغایرتی با اصل (۷۵) قانون اساسی ندارد.

دیدگاه ابهام

از آنجا که مشخص نیست ردیف اعتباری مذکور، دارای منابع کافی برای اختصاص به موضوع این مصوبه است یا نه و با توجه به اینکه در صورت فقدان اعتبار کافی، این مصوبه (طرح)، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی است، امکان اظهارنظر شورای نگهبان در خصوص مغایرت یا عدم مغایرت این مصوبه با قانون اساسی میسر نیست. بنابراین لازم است ابتدا این ابهام مصوبه برطرف شود تا بتوان راجع به آن اظهارنظر کرد.

نظر شورای نگهبان

ماده واحده از این حیث که تاریخ و مدت تمدید را مشخص ننموده و همچنین معلوم نیست که برای ردیف مرقوم، محل مصرف دیگری در نظر گرفته شده یا خیر و اینکه چه مبلغ از این ردیف باقی است و آیا مبلغ باقی مانده، کفایت هزینه پیش‌بینی شده را می‌نماید یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۳/۳/۲۷ (مرحله دوم)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۴/۴

ماده واحده- به وزارت صنعت، معدن و تجارت اجازه داده می‌شود در سال ۱۳۹۳ در سقف بازرسان به کار گرفته شده در سال ۱۳۹۲ با تأمین از ردیف اعتباری ۱۷-۵۵۰۰۰۰ قانون بودجه سال ۱۳۹۳ کل کشور، جهت اجرای طرح بازرسی کالا و خدمات بدون هزینه جدید اقدام نماید.

دیدگاه مغایرت

افراد موضوع این مصوبه، ابتدا در قالب نیروهای شرکتی، فعالیت داشته‌اند که متعاقباً، دولت (سابق) تصویب کرد که این افراد به صورت قرارداد کارمعین به کار گرفته شوند. بر اساس قانون مدیریت خدمات کشوری،^(۱) دستگاه‌ها می‌توانند تا ده درصد از کل پست‌های مصوب خود را به

۱. تبصره‌ی ماده (۳۲) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸: «دستگاه‌های اجرایی می‌توانند در شرایط خاص با تأیید سازمان تا ده درصد (۱۰٪) پست‌های سازمانی مصوب، بدون تعهد استخدامی و در سقف اعتبارات مصوب، افرادی را به صورت ساعتی یا کار معین برای حداکثر یک سال به کار گیرند.»

صورت قرارداد کار معین به کار گیرند و لذا رئیس مجلس (هیئت تطبیق مصوبات دولت با قوانین)، مصوبه‌ی دولت در این خصوص را به دلیل عدم مراعات سقف مذکور، خلاف قانون اعلام کرد.^(۱) دولت (جدید) نیز در این خصوص معتقد است که به جهت رعایت موازین قانونی، این افراد باید در قالب نیروهای شرکتی به کار گرفته شوند^(۲) و مصوبه‌ی مجلس که به تمدید قراردادهای سابق

۱. نامه‌ی شماره ۱۵۲۸۱ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۱ ریاست مجلس شورای اسلامی به رئیس جمهور: «..... از آنجا که تبصره ماده (۳۲) قانون مدیریت خدمات کشوری - مصوب ۱۳۸۶ - به کارگیری افراد به صورت ساعتی و قرارداد کار معین را «تا ده درصد (۱۰٪) پست‌های سازمانی مصوب»، مجاز دانسته است، علی‌هذا مصوبه مذکور از حیث عدم مراعات سقف مذکور، مغایر با قانون است.»

۲. در خصوص این موضوع، یکی از نمایندگان مجلس نسبت به اخراج حدود ۳۰۰۰ نفر از وزارت صنعت، معدن و تجارت، به هیئت رئیسه مجلس اعتراض کرد که وزارتخانه‌ی مزبور نسبت به این موضوع، این پاسخ را در یکی از رسانه‌ها منتشر کرد:

«به منظور اجرای طرح‌های تحول اقتصادی در کشور و زمینه‌سازی مناسب بسترهای اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها، هیئت وزیران در سال ۱۳۸۷ با ابلاغ تصویب‌نامه شماره ۳۶۵۳۵/ت/۳۹۶۳۰ هـ مورخ ۱۳۸۷/۳/۱۱، وزارت بازرگانی (سابق) را به اجرای طرح تشدید بازرسی و نظارت بر کلیه اقلام مشمول طرح‌های نظارتی مکلف نمود. در اجرای مصوبه مذکور و با بررسی و ارزیابی حجم کار مقرر شد تعداد ۳۵۰۰ نفر بازرس از طریق انعقاد قرارداد حجمی با شرکت‌های پیمانکاری برای انجام این وظیفه خطیر، در تمامی استان‌های کشور، به کارگیری و ردیفی تحت عنوان «اعتبارات طرح اجرای بازرسی کالا و خدمات» در ردیف‌های متفرقه قانون بودجه کل کشور پیش‌بینی و تخصیص اعتبار گردید.

با ابلاغ تصویب‌نامه شماره ۲۱۳۴۷۱/ت/۴۷۹۴۳ هـ مورخ ۱۳۹۰/۱۱/۱ هیئت وزیران، «موضوع الزام دستگاه‌های اجرایی در خصوص انعقاد قرارداد کار معین یا قرارداد موقت کارگری با کلیه نیروهای طرف قرارداد با شرکت‌های پیمانکاری»، با درخواست وزارتخانه و به منظور شمول مصوبه مذکور بر نیروهای طرح تشدید بازرسی، طی مصوبات شماره ۹۴۷۴۹/ت/۴۷۶۴۳ هـ مورخ ۱۳۹۱/۵/۱۴ و شماره ۲۵۲۶۳۳/ت/۴۷۶۴۳ هـ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۱۹ هیئت وزیران مجوز عقد قرارداد کار معین با این نیروها اخذ شد، ولی هیئت بررسی و تطبیق مصوبات دولت با قوانین مجلس شورای اسلامی طی نامه‌های شماره ۶۱۳۰۲ هـ/ب مورخ ۹۱/۱۰/۱۳ و شماره ۱۵۲۸۱ هـ/ب مورخ ۹۲/۳/۱۱ مصوبات فوق را ملغی‌الاثراً اعلام نمود و متعاقباً نهادهای نظارتی و از جمله دیوان محاسبات کشور طی نامه‌های متعدد، وزارتخانه را مکلف به اجرای نامه‌های مجلس شورای اسلامی دال بر عدم استمرار و فسخ قرارداد نیروهای طرح تشدید بازرسی نمود و ذی‌حسابان سازمان‌های صنعت معدن و تجارت استان‌ها نیز به استناد مکاتبات دیوان محاسبات کشور و مجلس شورای اسلامی از پرداخت حقوق و مزایای مشارالیه خودداری می‌نمودند که در سال ۱۳۹۲ با دستور مقام محترم وزارت و با قبول مسئولیت از طرف ایشان به هر نحو ممکن حقوق و مزایای نیروهای موصوف با توجه به قراردادهای منعقدہ پرداخت شد.

با توجه به مطالب فوق:

۱- تصمیم وزارتخانه، عقد قرارداد با این نیروها بوده و هیچ سیاستی دال بر اخراج و یا تعدیل آنان نداشته است و اقدام اخیر وزارتخانه دال بر عقد قرارداد با نیروهای موصوف از طریق شرکت‌های پیمانکاری در رعایت قوانین و مقررات و رفع ایرادات اعلامی از سوی مراجع فوق‌الذکر بوده است.

۲- چنانچه ملاحظه می‌گردد، مکاتبه وزارتخانه مبنی بر عدم امکان تمدید قرارداد با این نیروها در سال ۱۳۹۳ بنا به

←

به عنوان قراردادهای کارمعین حکم کرده است، امر جدیدی را قانون‌گذاری کرده است که با توجه به فقدان محل تأمین بار مالی آن، خلاف اصل (۷۵) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) با توجه به اصلاحات به‌عمل آمده - حذف «در سقف سه هزار و پانصد نفر بازرس» و تصریح به عبارت «در سال ۱۳۹۳ در سقف بازرسان به‌کار گرفته شده در سال ۱۳۹۲» - افراد مشمول قراردادهای موجود افزایش نیافته‌اند و تاریخ و مدت تمدید قرارداد نیز برای یک سال (سال ۱۳۹۳) معین شده است و همچنین با عنایت به اینکه ردیف اعتباری مذکور، از ابتدا برای بازرسی کالا و خدمات پیش‌بینی شده است، بر این اساس، ابهامات مصوبه‌ی مزبور برطرف شده است و این ماده با ایرادی مواجه نیست.

ب) دولت در خصوص این مصوبه معتقد است که افراد مذکور در این مصوبه باید به صورت شرکتی به‌کار گرفته شوند. با توجه به وجود مصوبات پیشین دولت که دستور به انعقاد قراردادهای کارمعین با این افراد داده و حقوق و مزایای آنان نیز بر این اساس پرداخت شده است، این مصوبه، موضوع جدیدی نبوده که مستلزم افزایش بار مالی برای دولت باشد. بر این اساس، این ماده مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی نیست.

ج) با توجه به اینکه اصل مصوبه، ناظر به اعطای مجوز به دولت است و نه ایجاد تکلیف، در صورتی که دولت متمایل به انجام این موضوع نبوده یا بودجه‌ی کافی برای آن نداشته باشد، اقدام به انجام آن نمی‌کند و بنابراین این مصوبه، در عمل، بار مالی جدیدی برای دولت ندارد که خلاف اصل (۷۵) قانون اساسی باشد. همچنین در این مصوبه تصریح شده است که اجرای مصوبه باید «بدون هزینه‌ی جدید» باشد.

دیدگاه ابهام

بر اساس مصوبه‌ی جدید، برخی از ابهامات (تاریخ و مدت تمدید قرارداد) رفع شده است،



تکلیف قانونی بوده و وزارتخانه به منظور حفظ اشتغال آنان، سازمان‌های صنعت معدن و تجارت استان‌ها را موظف نمود تا رفع مشکل، نیروهای طرح تشدید بازرسی از طریق شرکت‌های پیمانکاری، استمرار خدمت داشته و مشکلی برای پرداخت حق‌الزحمه آنان وجود نداشته باشد.

۳- در صورت رفع مشکل فوق، این وزارتخانه مجدداً با نیروهای موصوف قرارداد مستقیم منعقد خواهد نمود.

۴- وزارتخانه، هیچ یک از نیروهای مذکور را تعدیل نخواهد نمود و اعتبار لازم در سال ۱۳۹۳ برای انجام مأموریت نظارت و بازرسی در بودجه وزارتخانه نیز پیش‌بینی شده است.» (خبرگزاری نسیم، به آدرس اینترنتی

<http://www.nasimonline.ir/detail/News/861817/0>

ولی برخی ابهامات، همچنان باقی است؛ مثلاً همچنان معلوم نیست که برای ردیف اعتباری مزبور، محل مصرف دیگری در نظر گرفته شده است یا خیر و اینکه چه مبلغ از این ردیف، باقی است و آیا مبلغ باقی مانده، کفایت هزینه‌ی پیش‌بینی شده را می‌کند یا خیر. همچنین با اینکه عنوان ردیف مزبور، بازرسی است، لیکن این ردیف اختصاص به وزارت صنعت، معدن و تجارت ندارد و ناظر به بازرسی وزارت جهاد کشاورزی، گمرک و نیز برخی دستگاه‌های دیگر هم می‌باشد.

نظر شورای نگهبان

ماده واحده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه مجلس در خصوص طرح اجازه به وزارت صنعت، معدن و تجارت برای انعقاد قرارداد کار معین با بازرسان شاغل در حوزه نظارت بر بازار، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

قانون اصلاح مواد (۱)، (۶) و (۷) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و

چهارم (۴۴) قانون اساسی

مصوب ۱۳۹۳/۴/۱

درباره‌ی قانون

طرح «اصلاح مواد (۱)، (۶) و (۷) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی» توسط تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به جهت رفع برخی اشکالات موجود در قانون سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی، با عنوان اولیه‌ی «طرح اصلاح موادی از قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی» به مجلس ارائه کردند. در مقدمه‌ی توجیهی این طرح، ضرورت ارائه‌ی این طرح به صورت زیر تبیین شده است: «با ابلاغ سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی و تصویب قانون اجرای سیاست‌های مذکور در مجلس شورای اسلامی و مجمع تشخیص مصلحت نظام و شروع عملیات اجرایی توسط دولت، گام‌های اساسی در اصلاح ساختار اقتصادی کشور برداشته شد. ساختارهای قانونی و آیین‌نامه‌های مورد نیاز قانون (۹۲) ماده‌ای مذکور ایجاد گردید و به تصویب شورای عالی سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی رسید و اجرای سیاست‌های مذکور با واگذاری بنگاه‌های دولتی گروه (۱) و (۲) سرعت یافت؛ لکن اهداف مهم سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی (که کاهش تصدی‌های دولت و تغییر نقش دولت از مداخله به نظارت و سیاست‌گذاری و نیز زمینه‌سازی حضور حقیقی بخش‌های خصوصی و تعاونی در اقتصاد کشور و افزایش بهره‌وری بنگاه‌ها و شتاب در رشد اقتصادی کشور از اهم آنان بود)، هنوز تحقق نیافته است. در گزارش‌های نظارت کمیسیون ویژه اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی در مجلس هشتم و گزارش نهادهای نظارتی دیگر از قبیل دیوان محاسبات و سازمان بازرسی کل کشور، یکی از عوامل عدم تحقق اهداف مذکور (علاوه بر مشکلات اجرایی و عدم رعایت اولویت‌ها، خصوصاً در توانمندسازی بخش‌های خصوصی و تعاونی و بهبود فضای کسب و کار)، برخی اشکالات موجود در قانون فعلی معرفی گردیده است و لذا این طرح که حاصل جلسات متعدد کارگروه‌های تخصصی کمیسیون‌های ویژه مجالس هشتم و نهم و مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی می‌باشد تحت عنوان «اصلاح موادی از قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی» تقدیم می‌گردد.»

این طرح برای رسیدگی به صورت یک شوری به کمیسیون ویژه حمایت از تولید و نظارت بر

اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی مجلس شورای اسلامی به عنوان کمیسیون اصلی ارسال شد که کمیسیون مزبور، آن را نهایتاً در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۹/۲۰ با اصلاحاتی در عنوان و متن به تصویب نهایی رساند و گزارش آن را به مجلس ارائه کرد. طرح مزبور در تاریخ ۱۳۹۳/۲/۲۲ در صحن علنی مجلس مطرح و با اصلاحاتی به تصویب رسید و برای طی روند قانونی مذکور در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۲۸۸/۱۱۷۴۱ مورخ ۱۳۹۳/۲/۲۸ به شورای نگهبان ارسال شد.

شورای نگهبان در مورخ ۱۳۹۳/۲/۳۱ با تشکیل جلسه و بررسی این مصوبه، مفاد آن را در برخی موارد دارای ابهام تشخیص داد و آن را برای اصلاح به مجلس بازگرداند. نظر شورای نگهبان در این خصوص، طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۸۴۱ مورخ ۱۳۹۳/۳/۴ به مجلس اعلام شد. کمیسیون ویژه حمایت از تولید و نظارت بر اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی مجلس در بررسی مجدّد برای رفع ایرادات شورای نگهبان، اصلاحاتی را در مواد واجد ابهام، اعمال و در تاریخ ۱۳۹۳/۳/۱۸ گزارش آن را به مجلس ارائه کرد که نمایندگان مجلس در جلسه‌ی علنی مورخ ۱۳۹۳/۴/۱ آن را به تصویب رساندند. مصوبه‌ی اصلاحی مجلس طی نامه‌ی شماره ۲۸۸/۲۱۷۰۵ مورخ ۱۳۹۳/۴/۳ برای اظهار نظر به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان در تاریخ ۱۳۹۳/۴/۱۱ با تشکیل جلسه و بررسی اصلاحات انجام‌شده در مصوبه، ایرادهای سابق خود را منتفی دانست و عدم مغایرت مفاد مصوبه‌ی اصلاحی با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۳۷۰ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۲ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۳/۲/۲۲ (مرحله نخست)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۲/۳۱

ماده ۲- ماده (۶) قانون و تبصره‌های آن به صورت زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۶- به منظور تسهیل حضور بخش‌های غیردولتی، خصوصی و تعاونی در فعالیت‌های اقتصادی و برقراری رقابت سالم و ایجاد امنیت برای سرمایه این بخش‌ها مقرر می‌گردد:

۱- مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی موضوع ماده (۵) قانون محاسبات عمومی و کلیه شرکت‌های تابعه و وابسته آنها که قانوناً مجوز فعالیت اقتصادی را دارند، می‌توانند در بازار تولید کالا و خدمات فعالیت داشته باشند، مگر آنکه فعالیت آنها موجب اخلاف در رقابت گردد. این نهادها و مؤسسات موظفند گزارش مجموع مالکیت مستقیم و غیرمستقیم کلیه شرکت‌های تابعه و وابسته خود را در هر بازار تولید کالا و خدمات، هر

شش ماه یک‌بار به شورای رقابت ارسال کنند. عدم ارائه اطلاعات و یا خلاف واقع بودن آن توسط نهادها و مؤسسات مذکور، مشمول حکم ماده (۷۲) این قانون است. ...

دیدگاه مغایرت

ذیل بند (۱) حکم کرده است که عدم ارائه اطلاعات و یا خلاف واقع بودن آن توسط نهادها و مؤسسات مذکور در صدر این ماده، مشمول حکم ماده (۷۲) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی است. از آنجا که یکی از مجازات‌های مقرر در ماده (۷۲) قانون مزبور،^(۱) جزای نقدی است، در مواردی که دستگاه متخلف، یکی از دستگاه‌های عمومی غیردولتی باشد، محکومیت آن دستگاه به پرداخت جزای نقدی، موجب تضییع حقوق مردم است. به عنوان مثال، اگر دستگاه متخلف، سازمان تأمین اجتماعی باشد که اکثر اموال و دارایی‌های آن متعلق به مردم است، حکم این بند، موجب تضییع حقوق مردم به دلیل تخلف مدیران این دستگاه‌ها می‌شود؛ حال آنکه بر اساس اصول حقوقی، مجازات را باید مرتکب جرم یعنی مدیر دستگاه متحمل شود و دستگاه ذی‌ربط را نمی‌توان در این خصوص، مسئول دانست.

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به اینکه اولاً مدیر یک دستگاه عمومی، منصوب از طرف مردم و صاحبان دارایی آن دستگاه است که به نیابت از مردم، اعمال حاکمیت می‌کند و مردم نیز همان‌طور که از منافع دستگاه بهره می‌برند، از تعهدات و مجازات آن دستگاه نیز متأثر می‌شوند و ثانیاً مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی پذیرفته شده است که طبق آن علاوه بر مدیر دستگاه، خود

۱. ماده (۷۲) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۷/۳/۲۵: «ماده ۷۲- هر کس برای اخذ گواهی یا مجوزهای موضوع این فصل یا در جریان رسیدگی به رویه‌های ضد رقابتی، اعم از مرحله بازرسی و تحقیقات، اظهارات خلاف واقع کند و یا از ارائه اطلاعات و اسناد و مدارکی که می‌تواند در نتیجه تصمیمات شورای رقابت و هیئت تجدیدنظر مؤثر باشد، خودداری کند و همچنین هر کس که به شورای رقابت، هیئت تجدیدنظر و مرکز ملی رقابت، مدارک و اسناد جعلی یا خلاف واقع تسلیم کند یا اطلاعات، مدارک و اسناد مرتبط با رویه‌های ضد رقابتی را صرف‌نظر از قالب آنها به طور مستقیم یا غیرمستقیم نابود کند، تغییر دهد یا تحریف کند، به حبس تعزیری از سه ماه تا یک سال یا به جزای نقدی از ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

چنانچه ارائه اسناد و مدارک یا بیان اظهارات خلاف واقع یا جعلی، منجر به اخذ گواهی یا مجوزهای مذکور در این فصل شده باشد، دادگاه علاوه بر تعیین مجازات مقرر در این ماده، با تقاضای ذی‌نفع، حسب مورد حکم به ابطال گواهی یا مجوز مزبور صادر می‌کند.»

دستگاه نیز مجازات می‌شود،^(۱) حکم ذیل بند (۱) ماده‌ی مزبور مبنی بر مجازات دستگاه‌های عمومی غیردولتی، با ایرادی مواجه نیست. در برخی موارد نیز ممکن است نقص در ساختار و نظام دستگاه، موجب ارائه‌ی اطلاعات نادرست شود که در این صورت، مدیر دستگاه را نمی‌توان مورد پیگرد قرار داد و دستگاه باید متحمل مجازات شود. همچنین دستگاه‌های مزبور، به عنوان یک شخصیت حقوقی مستقل از مدیران خود می‌توانند در صورت سوء استفاده مدیران و ورود ضرر به دستگاه به دلیل عملکرد مدیران، از مدیر شکایت کرده و خواستار جبران ضرر وارده شوند.

نظر شورای نگهبان

ماده‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۲- ماده (۶) قانون و تبصره‌های آن به صورت زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۶- به منظور تسهیل حضور بخش‌های غیردولتی، خصوصی و تعاونی در فعالیت‌های اقتصادی و برقراری رقابت سالم و ایجاد امنیت برای سرمایه این بخش‌ها مقرر می‌گردد:

۱- ...

۵- شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی و متعلق به اشخاص حقوقی زیر، حسب مورد موظفند نسبت به ارائه اطلاعات کامل مالی خود جهت ثبت نزد سازمان بورس و اوراق بهادار مطابق قوانین و مقررات مربوط عمل کنند. بنگاه‌های مذکور موظفند در صورت لزوم نسبت به مطابقت ساختار و شیوه گزارشگری مالی، برابر قوانین و مقررات بازار سرمایه

۱. ماده (۱۴۳) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱: «ماده ۱۴۳- در مسئولیت کیفری اصل بر مسئولیت شخص حقیقی است و شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود. مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، مانع مسئولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست.»

ماده (۲۰) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱: «ماده ۲۰- در صورتی که شخص حقوقی بر اساس ماده (۱۴۳) این قانون مسئول شناخته شود، با توجه به شدت جرم ارتكابی و نتایج زیان‌بار آن به یک تا دو مورد از موارد زیر محکوم می‌شود. این امر مانع از مجازات شخص حقیقی نیست:

...

ج- جزای نقدی ...

تبصره- مجازات موضوع این ماده، در مورد اشخاص حقوقی دولتی و یا عمومی غیردولتی در مواردی که اعمال حاکمیت می‌کنند، اعمال نمی‌شود.»

اقدام کنند. سازمان بورس و اوراق بهادار موظف است در صورت درخواست شورای رقابت، گزارش‌های مالی مربوطه را ارائه کند.

الف- مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی موضوع ماده (۵) قانون محاسبات عمومی؛

ب- نهادهای نظامی و انتظامی کشور؛

ج- سازمان‌ها و مؤسسات خیریه کشور؛

د- نهادها و سازمان‌های وقفی و بقاع متبرکه؛

ه- کلیه صندوق‌های بازنشستگی اعم از کشوری و لشگری، نظیر صندوق‌های بازنشستگی وابسته به دستگاه‌های اجرایی و وابسته به دستگاه‌هایی که شمول قانون بر آنها، مستلزم ذکر یا تصریح نام است.

و- نهادهای انقلاب اسلامی.

...

تبصره ۴- اشخاص مذکور در این بند که برای انجام مأموریت‌های خاص حاکمیتی بر اساس مجوزهای قانونی تشکیل شده‌اند و افشای اطلاعات اقتصادی آنها دارای طبقه‌بندی می‌باشد، با تأیید شورای عالی امنیت ملی، مشمول حکم این بند نمی‌باشند.

تبصره ۵- عدم اجرای این قانون در مورد نهادهایی که تحت نظر مقام معظم رهبری هستند، با اذن ایشان می‌باشد.

دیدگاه مغایرت

الف) طبق صدر بند (۵) و جزء (د) این بند، سازمان‌ها و مؤسسات وقفی، موظف به ارائه اطلاعات کامل مالی خود جهت ثبت نزد سازمان بورس و اوراق بهادار شده‌اند. با توجه به اینکه این امر مستلزم هزینه است، این نهادها باید از محل اموال وقفی، برای این کار هزینه کنند که لزوماً از مصادیق هزینه‌های مال موقوفه نیستند؛ در نتیجه، جزء (د) این بند که مستلزم مصرف مال موقوفه در محلی غیر از محل معین آن در وقف‌نامه است، مغایر با موازین شرعی است. دریافت مالیات از این نهادها نیز بابت فعالیت اقتصادی‌شان اشکال شرعی دارد؛ زیرا موجب مصرف مال وقفی در محلی غیر از موارد مجاز در وقف‌نامه می‌شود. همچنین مقایسه‌ی مفاد بند مزبور با پرداخت عوارض گمرکی صحیح نیست؛ زیرا قیمت کالا در بازار با احتساب هزینه‌ی گمرکی آن است و در خصوص آن نیز یک قانون عامی وجود دارد^(۱) که در خصوص این موضوع وجود

۱. بند (د) ماده (۱) قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۹۰/۸/۲۲: «حقوق ورودی: حقوق گمرکی معادل چهار درصد (۴٪) ارزش گمرکی کالا، به اضافه سود بازرگانی که توسط هیئت وزیران تعیین می‌گردد، به‌علاوه وجوهی که به موجب قانون، گمرک مسئول وصول آن است و به واردات قطعی کالا تعلق می‌گیرد، ولی شامل هزینه‌های انجام خدمات نمی‌شود.»

ندارد و نمی‌توان با وضع قانون جدید، در خصوص یک فعالیت اقتصادی ناشی از وقف که قبلاً انجام گرفته و همچنان ادامه دارد، یک شرط جدیدی وضع کرد.

ب) تبصره (۵) بند مزبور، به‌جای اینکه اجرای مفاد مصوبه بر نهادهای زیر نظر رهبری را مشروط به اذن ایشان کند، عدم اجرای مصوبه را مشروط به حکم ایشان کرده است که این امر، برخلاف اطلاق اختیارات ولی فقیه مندرج در اصل (۵۷) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) با توجه به اینکه وظیفه‌ی ثبت اطلاعات کامل مالی در سازمان بورس و اوراق بهادار، از شرایط فعالیت هر مؤسسه‌ی اقتصادی است که در بند مزبور به آن اشاره شده است، سازمان‌ها و مؤسسات وقفی نیز در صورتی که خواهان فعالیت اقتصادی باشند، باید این وظیفه را انجام دهند. به عبارت دیگر انجام این وظیفه از توابع، الزامات، مصالح و مقدمات فعالیت اقتصادی توسط نهادها و سازمان‌های وقفی است و با توجه به اینکه مقدمه‌ی واجب، واجب است و همچنین اذن در شیء، اذن در لوازم شیء نیز هست، اذن به فعالیت اقتصادی از محل مال موقوفه، به معنای اذن در انجام مقدمات فعالیت اقتصادی مانند ثبت اطلاعات کامل مالی در سازمان بورس و اوراق بهادار یا پرداخت عوارض گمرکی در صورت واردات کالا و یا پرداخت مالیات در ازای انجام فعالیت اقتصادی است. در نتیجه، جزء (د) این بند که درصدد وضع قانون عام‌الشمول برای فعالیت‌های اقتصادی مؤسسات مذکور است، مغایر با موازین شرعی نیست.

ب) در تبصره (۵) ماده‌ی مزبور، اصل بر شمول مصوبه قرار داده شده است که بر اساس آن، در خصوص نهادهای زیر نظر مقام رهبری، نیازی به اخذ اذن جداگانه برای هر یک از آنها نباشد و در صورتی که بر اساس مصلحت، نهادی باید از مفاد این تبصره مستثنی شود، از ایشان اذن گرفته شود. البته این امر از طریق تبصره (۴) این بند نیز امکان‌پذیر است؛ زیرا مصوبات شورای عالی امنیت کشور باید به تأیید مقام رهبری برسد. بر این اساس، با توجه به اینکه اگر مقام رهبری، بر اساس مصلحت، نهادی را از مفاد این مصوبه مستثنی بدانند، امر ایشان لازم‌الاجراست، تبصره‌ی مزبور، مغایر با اطلاق اختیارات ولی فقیه نیست.

نظر شورای نگهبان

ماده‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۷- به منظور تسهیل سرمایه‌گذاری در ایران، مراجع صدور مجوزهای کسب و کار موظفند شرایط و فرآیند صدور یا تمدید مجوزهای کسب و کار را به نحوی ساده کنند که هر متقاضی مجوز کسب و کار، در صورت ارائه مدارک مصرح در پایگاه اطلاع‌رسانی مجوزهای کسب و کار، بتواند در حداقل زمان ممکن، مجوز مورد نظر خود را دریافت کند. سقف زمانی برای صدور مجوز در هر کسب و کار، توسط «هیئت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار» تعیین و در پایگاه اطلاع‌رسانی مذکور اعلام می‌شود.

...

تبصره ۳- کلیه مراجعی که مجوز کسب و کار صادر می‌کنند، موظفند نوع، شرایط و فرایند صدور، تمدید و لغو مجوزهایی که صادر می‌کنند را به همراه مبانی قانونی مربوطه، ظرف مدت یک ماه پس از ابلاغ این قانون، تهیه و به «هیئت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار»، مستقر در وزارت امور اقتصادی و دارایی ارسال کنند. این هیئت به ریاست وزیر امور اقتصادی و دارایی با حضور نماینده تام‌الاختیار دادستان کل کشور، نماینده تام‌الاختیار رئیس سازمان بازرسی کل کشور، دو نماینده مجلس شورای اسلامی، نماینده اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، نماینده اتاق تعاون مرکزی جمهوری اسلامی ایران، نماینده اتاق اصناف کشور، و حسب مورد نماینده دستگاه ذی‌ربط تشکیل می‌شود و موظف است حداکثر تا سه ماه پس از ابلاغ این قانون، شرایط و مراحل صدور مجوزهای کسب و کار در کشور جمهوری اسلامی ایران را به نحوی تسهیل و هزینه‌های آن را تقلیل دهد تا صدور مجوز کسب و کار با حداقل هزینه و مراحل، به صورت غیرحضوری و در کمترین زمان ممکن صورت پذیرد. در صورتی که تحقق این اهداف به اصلاح قوانین، مقررات، بخشنامه‌ها، یا رویه‌های اجرایی نیاز داشته باشد، هیئت مذکور موظف است پیشنهادها را لازم برای اصلاح قوانین، مقررات و رویه‌های اجرایی را تهیه و به مراجع مربوطه ارائه و اصلاح آنها را از مراجع بالاتر پیگیری کند.

دیدگاه مغایرت

بر اساس اصل (۶۰) قانون اساسی، اعمال قوهی مجریه از طریق رئیس جمهور و وزرا است. تبصره‌ی مزبور، به هیئت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار، علاوه بر تهیه‌ی پیشنهاد جهت اصلاح قوانین و مقررات، صلاحیت‌های اجرایی نیز داده است. با توجه به اینکه ترکیب پیش‌بینی شده برای اعضای این هیئت، علاوه بر حضور و ریاست وزیر اقتصاد، اعضای

خارج از قوهی مجریه را نیز شامل می‌شود، تبصره‌ی مزبور، مغایر اصل (۶۰) است. توضیح اینکه در این تبصره به صراحت ذکر شده است که هیئت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار، «موظف است حداکثر تا سه ماه پس از ابلاغ این قانون، شرایط و مراحل صدور مجوزهای کسب و کار در کشور جمهوری اسلامی ایران را به نحوی تسهیل و هزینه‌های آن را تقلیل دهد تا صدور مجوز کسب و کار با حداقل هزینه و مراحل، به صورت غیرحضوری و در کمترین زمان ممکن صورت پذیرد». با توجه به اینکه این موضوع، امری اجرایی است که باید از طریق رئیس جمهور و وزیران انجام شود، هیئت مزبور که به خصوص برخی از اعضای آن، اعضای غیرحکومتی هستند، نمی‌تواند در خصوص یک امر حکومتی اجرایی، اتخاذ تصمیم کند. تبصره (۴) این ماده نیز هیئت مزبور را موظف کرده است که شرایط صدور مجوزهای کسب و کار را به تفکیک هر کسب و کار در پایگاه اطلاع‌رسانی مجوزهای کسب و کار منتشر کند، که این امر نیز بدین معناست که این هیئت، اقدامات اجرایی انجام داده و صرفاً در این خصوص، پیشنهاد دهنده نیستند.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) مفهوم خصوصی‌سازی موضوع قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی که در این مصوبه اصلاح شده است، واگذاری امور به مردم است. در این خصوص، اگر فردی بخواهد برای شغل خود مجوز بگیرد، نیازی به تصویب آن مجوز توسط وزرا نیست. اصل (۶۰) قانون اساسی نیز حکم کرده است که اعمال قوهی مجریه از طریق رئیس جمهور و وزرا باشد، نه اینکه انجام هر امر اجرایی از آن طریق باشد. بر این اساس، حضور تعدادی نهادهای غیرحکومتی در هیئت مذکور در این تبصره، در راستای سیاست‌های خصوصی‌سازی است که این مصوبه نیز در مورد اجرای همین سیاست‌هاست و اقدامات اجرایی که این هیئت انجام می‌دهد نیز، لزوماً در صلاحیت انحصاری قوهی مجریه نیست و این هیئت در چهارچوب قوانین و مقررات موجود، اقدام به انجام این وظایف می‌کند؛ لذا این تبصره، مغایرتی با اصل (۶۰) قانون اساسی ندارد.

ب) ذیل این تبصره، نه تنها صلاحیت اصلاح قوانین، بلکه صلاحیت اصلاح مقررات، بخشنامه‌ها و حتی رویه‌های اجرایی را نیز به هیئت مزبور نداده است، بلکه آنچه در این تبصره آمده است این است که این هیئت، صرفاً می‌تواند در این خصوص «پیشنهاد» دهد. در خصوص صدر این تبصره نیز که به امور اجرایی اشاره کرده است، در نهایت امر که موضوعی در این خصوص تصویب شود، همچنان مربوط به قانون، مقررات، بخشنامه و رویه‌ی اجرایی است که طبق ذیل این تبصره، صلاحیت این هیئت، صرفاً ارائه پیشنهاد در خصوص آنان است؛ لذا هیئت مزبور، اختیار تصمیم‌گیری نهایی ندارد و صرفاً پیشنهاد دهنده‌ی صرف است و از خارج از قوهی مجریه، صرفاً خواسته شده است که در ارائه‌ی این پیشنهادها، همکاری و مشارکت کند.

ج) هیئت مزبور، دو صلاحیت دارد: نخست مقررات‌زدایی و دوم، تسهیل صدور مجوز. در مورد صلاحیت اول، این هیئت صرفاً به مرجع تصویب قانون یا مقررات پیشنهاد می‌دهد. در مورد صلاحیت دوم، مانند اینکه برای گرفتن مجوز، به صورت غیرحضور و الکترونیکی با کمترین زمان عمل شود، نیازی به وضع مقرره‌ی جدید نیست؛ زیرا این مصوبه حکم کرده است که هیئت مزبور چنین کاری را «پیگیری» کند.

د) منظور از «مراجع بالاتر» در ذیل تبصره (۳)، مرجع بالاتر مربوطه است که حسب مورد مشخص می‌شود؛ در نتیجه، این عبارت ابهام ندارد. اگر هیئت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار در مقام ارائه‌ی پیشنهاد جهت اصلاح قانون است، منظور از مرجع بالاتر، مجلس است و اگر هیئت مزبور در مقام ارائه‌ی پیشنهاد جهت اصلاح بخشنامه است، منظور از مرجع بالاتر واضع آن بخشنامه است.

دیدگاه ابهام

الف) ذیل تبصره (۳) ماده‌ی مزبور گفته است در صورتی که تحقق این اهداف به اصلاح قوانین، مقررات، بخشنامه‌ها، یا رویه‌های اجرایی نیاز داشته باشد، هیئت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار پیشنهاد می‌دهد؛ لیکن در صورتی که «تحقق این اهداف به اصلاح قوانین، مقررات، بخشنامه‌ها، یا رویه‌های اجرایی نیاز» نداشته باشد، مشخص نیست که این هیئت چه صلاحیتی دارد و آیا تصمیم این شورا لازم‌الاجرا است یا خیر. اگر تصمیم این هیئت در صورت اخیر، پیشنهاد صرف باشد، اشکال ندارد؛ در غیر این صورت، یعنی اگر تصمیم هیئت مزبور مستقلاً لازم‌الاجرا باشد، اشکال دارد و مغایر با اصل (۶۰) قانون اساسی است. به بیان دیگر، مشخص نیست که صلاحیت این هیئت، در مورد صدر تبصره (۳) نیز مانند ذیل آن، صرفاً جنبه‌ی پیشنهادی دارد یا خیر. بر این اساس، امکان اظهار نظر شورای نگهبان در خصوص مغایرت یا عدم مغایرت این مصوبه با قانون اساسی میسر نیست و لازم است ابتدا این ابهام مصوبه برطرف شود تا بتوان راجع به آن اظهار نظر کرد.

ب) در عبارت «تهیه و به مراجع مربوطه ارائه و اصلاح آنها را از مراجع بالاتر پیگیری کند»، مشخص نیست که منظور از «مراجع بالاتر» چیست. این امر ممکن است در مقام عمل موجب اختلاف شود؛ لذا باید به جای «مراجع بالاتر»، مراجع مربوطه یا ذی‌ربط قید شود.

نظر شورای نگهبان

- در تبصره (۳) ماده (۷)، از آنجا که مشخص نیست تصمیم اعضای «هیئت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار»، لازم‌الاجرا است یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.

- تذکر: در انتهای تبصره (۳) ماده (۷)، واژه «ذی‌ربط» بعد از واژه «بالا‌تر» اضافه شود.

ماده ۳- ماده (۷) قانون به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۷- به منظور تسهیل سرمایه‌گذاری در ایران، مراجع صدور مجوزهای کسب و کار موظفند شرایط و فرآیند صدور یا تمدید مجوزهای کسب و کار را به نحوی ساده کنند که هر متقاضی مجوز کسب و کار، در صورت ارائه مدارک مصرح در پایگاه اطلاع‌رسانی مجوزهای کسب و کار، بتواند در حداقل زمان ممکن، مجوز مورد نظر خود را دریافت کند. سقف زمانی برای صدور مجوز در هر کسب و کار، توسط «هیئت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار» تعیین و در پایگاه اطلاع‌رسانی مذکور اعلام می‌شود.

...

تبصره ۴- «هیئت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار» موضوع تبصره (۳) این ماده، موظف است ظرف مدت حداکثر سه ماه پس از ابلاغ این قانون، شرایط صدور مجوزهای کسب و کار را به تفکیک هر کسب و کار در پایگاه اطلاع‌رسانی مجوزهای کسب و کار منتشر کند.

پس از راه‌اندازی «پایگاه اطلاع‌رسانی مذکور»، تغییر در شرایط صدور یا تمدید مجوزهای کسب و کار، چنانچه در جهت تسهیل صدور و تمدید مجوزها باشد، بلافاصله به دستور رئیس هیئت در پایگاه اطلاع‌رسانی یادشده اعمال می‌شود و چنانچه تغییر، شامل افزایش مراحل یا مدارک مورد نیاز و به هر نحو، مشکل‌کردن صدور یا تمدید باشد، شرایط جدید باید از شش ماه قبل از اجرا، در این پایگاه اعلام شود.

مراجع صادرکننده مجوز کسب و کار حق ندارند حتی با توافق متقاضی مجوز، هیچ شرط یا مدرکی یا هزینه‌ای بیش از آنچه در پایگاه اطلاع‌رسانی مربوطه تصریح شده، از متقاضی دریافت مجوز کسب و کار مطالبه کنند. تخلف از حکم این تبصره، مشمول مجازات موضوع ماده (۶۰۰) قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم: تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده، مصوب ۱۳۷۵/۳/۲) است.

دیدگاه مغایرت

الف) طبق تبصره‌ی مزبور، در صورتی که هیئت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار، صلاحیت تصمیم‌گیری مستقل (و نه پیشنهاد) در مورد شرایط صدور مجوزهای کسب و کار داشته باشد، از آنجا که اطلاق این صلاحیت شامل تصمیم‌گیری در خصوص تقلیل هزینه‌های صدور مجوزهای کسب و کار نیز می‌شود، حکم این تبصره مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است؛ زیرا

تقلیل هزینه‌های صدور مجوزهای کسب و کار، به معنای کاهش درآمد عمومی دولت در این زمینه است که وفق اصل (۷۵) قانون اساسی، از آنجا که این مصوبه از طریق طرح قانونی نمایندگان به تصویب رسیده، باید طریق جبران این کاهش درآمد عمومی در این مصوبه پیش‌بینی می‌شد. بنابراین با توجه به عدم پیش‌بینی این موضوع در این مصوبه، این تبصره مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است.

ب) حکم مقرر در تبصره (۴) مبنی بر ایجاد «پایگاه اطلاع‌رسانی مجوزهای کسب و کار»، مستلزم هزینه برای دولت است؛ از این حیث، این تبصره مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است؛ توضیح آنکه چون این مصوبه بر اساس طرح قانونی نمایندگان به مجلس راه یافته است، وفق اصل (۷۵)، در صورتی که حکمی از آن مستلزم افزایش هزینه‌ی عمومی برای دولت باشد، باید محل تأمین این هزینه‌ها در مصوبه مشخص شود. بنابراین با توجه به عدم پیش‌بینی این موضوع در این مصوبه، این تبصره مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به اینکه راه‌اندازی «پایگاه اطلاع‌رسانی مجوزهای کسب و کار» قبلاً در قانونی دیگر تصویب شده است،^(۱) حکم این تبصره، موجب ایجاد هزینه‌ی عمومی جدید برای دولت نمی‌شود؛

۱. ماده (۶۲) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰) مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۲۵ و اصلاحات بعدی آن: «ماده ۶۲- در کلیه مواردی که فعالیت اشخاص حقیقی و حقوقی منوط به اخذ مجوز اعم از گواهی، پروانه، جواز، استعلام یا موافقت و موارد مشابه آن از دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و ماده (۵) قانون محاسبات عمومی است، دستگاه‌های مذکور موظفند، حداکثر مدت سه ماه پس از ابلاغ این قانون، نوع مجوز و فعالیت مربوط و نیز مبانی قانونی موکول‌بودن فعالیت به اخذ مجوز و همچنین شیوه صدور، تمدید، لغو و سایر مقررات ناظر بر آن را رسماً به کارگروهی متشکل از معاونت، معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور، معاونت حقوقی رئیس جمهور، وزرای امور اقتصادی و دارایی، تعاون، کار و رفاه اجتماعی و دادگستری و نیز سه نفر از نمایندگان مجلس از کمیسیون‌های برنامه و بودجه، اصل نودم (۹۰) قانون اساسی و اقتصادی به عنوان ناظر اعلام نمایند. در صورت عدم ارسال مستندات موضوع این ماده در مهلت تعیین‌شده، الزام اشخاص حقیقی و حقوقی به اخذ مجوز ممنوع است و بالاترین مقام دستگاه و مقامات و مدیران مجاز از طرف وی مسئول حسن اجرای این حکم می‌باشند.

کارگروه موظف است ظرف شش ماه پس از اتمام مهلت فوق، ضمن بررسی و جاهت قانونی آنها با رویکرد تسهیل، تسریع، کاهش هزینه صدور و تمدید مجوز و هماهنگی دستگاه‌های مختلف و حذف مجوزهای غیرضرور و اصلاح یا جایگزینی شیوه تنظیم مقررات هر نوع فعالیت و بازرسی نوبه‌ای برای احراز مراعات آن مقررات به جای شیوه موکول‌بودن فعالیت به اخذ مجوز، نسبت به ابلاغ دستورالعمل مشتمل بر بازنگری و تسهیل و اصلاح و جایگزینی روش‌ها، تجمیع مجوزها و لغو مجوزهای غیرضروری در چارچوب ضوابط قانونی برای هر نوع فعالیت پس از تأیید رئیس جمهور اقدام نماید. این دستورالعمل جایگزین دستورالعمل‌ها و روش‌های اجرایی لغو یا اصلاح‌شده به موجب این ماده محسوب می‌شود و برای همه دستگاه‌های اجرایی مذکور لازم‌الاجرا است. تغییر یا اصلاح احکام قوانین مربوط به مجوزها و موارد مشمول این ماده با تصویب مجلس شورای اسلامی است.

لذا تبصره‌ی (۴) مغایرتی با اصل (۷۵) قانون اساسی ندارد.

دیدگاه ابهام

با عنایت به ابهام موجود در تبصره‌ی (۳)، مبنی بر نامشخص بودن صلاحیت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار نسبت به انجام اقدامات اجرایی یا صرف ارائه پیشنهاد به مقامات اجرایی، این تبصره نیز واجد ابهام است؛ زیرا در صورتی که این هیئت بتواند اقدامات اجرایی انجام دهد، صرف‌نظر از ایراد مغایرت مذکور در تبصره‌ی قبل، با توجه به اینکه اقدامات اجرایی مقرر در تبصره (۴) (همچون راه‌اندازی پایگاه اطلاع‌رسانی مجوزهای کسب و کار) مستلزم افزایش هزینه‌های عمومی برای دولت است، این تبصره نیز مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی خواهد بود. بنابراین اظهار نظر در خصوص این تبصره، منوط به رفع ابهام از تبصره (۳) این ماده در خصوص حیطه‌ی صلاحیت هیئت مزبور است.

نظر شورای نگهبان

اظهار نظر در خصوص تبصره (۴) ماده (۷)، منوط به رفع ابهام از تبصره (۳) ماده (۷) می‌باشد که پس از تعیین تکلیف در مورد آن، در این خصوص نیز اظهار نظر خواهد شد.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۳/۴/۱ (مرحله دوم)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۴/۱۱

ماده ۳- ماده (۷) قانون به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۷- به منظور تسهیل سرمایه‌گذاری در ایران، مراجع صدور مجوزهای کسب و کار موظفند شرایط و فرآیند صدور یا تمدید مجوزهای کسب و کار را به نحوی ساده کنند که هر متقاضی مجوز کسب و کار در صورت ارائه مدارک مصرح در پایگاه اطلاع‌رسانی مجوزهای کسب و کار، بتواند در حداقل زمان ممکن، مجوز مورد نظر خود را دریافت کند.

→

تبصره ۱- کارگروه مذکور موظف است دستورالعمل موضوع این ماده شامل انواع مجوزها، مرجع و شیوه صدور، تمدید و لغو و احیا و زمان‌بندی مربوط را در یک پایگاه اطلاعاتی که به همین منظور طراحی و مستقر می‌سازد، به اطلاع عموم برساند. کلیه اطلاعات موضوع این ماده در قالب کتاب سال قبل از آغاز هر سال منتشر می‌شود. اعمال مقررات مربوط به انجام فعالیت یا ارائه خدمات موضوع این ماده خارج از موارد منتشره در کتاب سال و پایگاه اطلاع‌رسانی مذکور ممنوع و مرتکب علاوه بر جبران خسارت زیان‌دیده به مجازات مقرر در این ماده محکوم می‌شود.

تبصره ۲- ...»

سقف زمانی برای صدور مجوز در هر کسب و کار، توسط «هیئت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار» تعیین و در پایگاه اطلاع‌رسانی مذکور اعلام می‌شود.

...

تبصره ۳- کلیه مراجعی که مجوز کسب و کار صادر می‌کنند، موظفند نوع، شرایط و فرایند صدور، تمدید و لغو مجوزهایی که صادر می‌کنند را به همراه مبانی قانونی مربوطه ظرف مدت یک ماه پس از ابلاغ این قانون، تهیه و به «هیئت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار»، مستقر در وزارت امور اقتصادی و دارایی ارسال کنند. این هیئت به ریاست وزیر امور اقتصادی و دارایی با حضور نماینده تام‌الاختیار دادستان کل کشور، نماینده تام‌الاختیار رئیس سازمان بازرسی کل کشور، دو نماینده مجلس شورای اسلامی، نماینده اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، نماینده اتاق تعاون مرکزی جمهوری اسلامی ایران، نماینده اتاق اصناف کشور، و حسب مورد نماینده دستگاه ذی‌ربط تشکیل می‌شود و موظف است حداکثر تا سه ماه پس از ابلاغ این قانون، شرایط و مراحل صدور مجوزهای کسب و کار در کشور جمهوری اسلامی ایران را به نحوی تسهیل و هزینه‌های آن را تقلیل دهد تا صدور مجوز کسب و کار با حداقل هزینه و مراحل، به صورت غیرحضوری و در کمترین زمان ممکن صورت پذیرد. مصوبه هیئت مذکور پس از تأیید وزیر امور اقتصادی و دارایی لازم‌الاجرا می‌باشد.

در صورتی که تحقق این اهداف به اصلاح قوانین، مقررات، بخشنامه‌ها، یا رویه‌های اجرایی نیاز داشته باشد، هیئت مذکور موظف است پیشنهادها را لازم برای اصلاح قوانین، مقررات و رویه‌های اجرایی را تهیه و به مراجع مربوطه ارائه و اصلاح آنها را از مراجع ذی‌ربط بالاتر پیگیری کند.

دیدگاه ابهام

صدر تبصره‌ی (۳)، مصوبه‌ی هیئت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار را پس از تأیید وزیر امور اقتصادی و دارایی «لازم‌الاجرا» می‌داند. ذیل تبصره نیز، هیئت مزبور را موظف کرده است که در صورتی که تحقق اهداف مذکور، منوط به اصلاح قوانین، مقررات، بخشنامه‌ها، یا رویه‌های اجرایی باشد، پیشنهادها را لازم برای اصلاح قوانین، مقررات و رویه‌های اجرایی را به مراجع مربوطه ارائه کند. با توجه به اینکه تمامی اقداماتی که هیئت مزبور بتواند تصمیم‌گیری کند، در سلسله طبقات قوانین، آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها می‌گنجد، اصلاح هر گونه رویه، طبق ذیل این تبصره خواهد بود و صدر آن که به «لازم‌الاجرا» دانستن مصوبه‌ی این هیئت، پس از تأیید وزیر امور اقتصادی و دارایی اشاره کرده است، دارای ابهام است؛ یعنی اگر لازم‌الاجرا

دانستن، منتهی به پیشنهاد به مراجع مربوطه شود، نیازی به ذکر صدر این تبصره نبوده و اگر به معنی اقدام بر خلاف قوانین، مقررات و رویه‌های موجود باشد، خلاف اصول مختلف قانون اساسی در خصوص صلاحیت‌های وضع مقررات توسط دستگاه‌های مختلف است. بنابراین مفهوم «لازم‌الاجرا» شدن در این تبصره باید مشخص شود تا بتوان در خصوص آن اظهار نظر کرد.

دیدگاه عدم مغایرت و ابهام

الف) با توجه به اصلاح به عمل آمده؛ یعنی اضافه شدن عبارت «مصوبه هیئت مذکور، پس از تأیید وزیر امور اقتصادی و دارایی لازم‌الاجرا می‌باشد» به انتهای صدر تبصره‌ی (۳)، اشکال مغایرت احتمالی این مصوبه با اصل (۶۰) قانون اساسی برطرف شده است و این ماده با ایرادی مواجه نیست. به عبارت دیگر، با اضافه شدن عبارت مزبور، مصوبه‌ی هیئت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار، صراحتاً مشورتی قلمداد شده و تصمیم‌گیری نهایی در این خصوص، به وزیر امور اقتصادی و دارایی محول شده است. بدین جهت این تبصره، مغایرتی با اصل (۶۰) قانون اساسی نخواهد داشت.

ب) مصوبه‌ی اصلاحی مجلس، دارای ابهام نیست. توضیح اینکه عبارت اصلاحی، مربوط به مواردی غیر از ذیل تبصره (۳) است؛ یعنی مواردی که نیاز به اصلاح قوانین، مقررات، بخشنامه‌ها، یا رویه‌های اجرایی ندارد. بر این اساس، مصوبه‌ی هیئت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار که به تأیید وزیر اقتصاد می‌رسد، فقط ناظر به موارد اجرایی خارج از موضوعات مندرج در ذیل تبصره (۳)؛ یعنی مواردی مانند لغو دستورالعمل وزارت اقتصاد و دادن تذکر به مراجع و اشخاص دیگر است. بر این اساس، لازم‌الاجرا شدن مصوبه‌ی هیئت مزبور، دارای ابهام نیست. همچنین اگر صدر تبصره (۳)، مقوله‌ای جدای از ذیل آن نبود، ایراد مرحله‌ی قبل شورای نگهبان مبنی بر وجود ابهام در صدر تبصره بلاوجه بود؛ زیرا ذیل تبصره به صراحت بر پیشنهادی بودن تصمیم هیئت مزبور حکم کرده بود؛ در حالی که شورای نگهبان با توجه به اینکه در هیئت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار، اعضای خارج از قوه مجریه حضور داشتند، اخذ تصمیم هیئت مزبور در خصوص امور اجرایی را با توجه به مشخص نبودن جنبه‌ی پیشنهادی صرف یا لازم‌الاجرا بودن آن که احتمال مغایرت با اصل (۶۰) را داشت، واجد ابهام اعلام کرده بود.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۳- ماده (۷) قانون به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۷- به منظور تسهیل سرمایه‌گذاری در ایران، مراجع صدور مجوزهای کسب و کار موظفند شرایط و فرآیند صدور یا تمدید مجوزهای کسب و کار را به نحوی ساده کنند که هر متقاضی مجوز کسب و کار در صورت ارائه مدارک مصرح در پایگاه اطلاع‌رسانی مجوزهای کسب و کار، بتواند در حداقل زمان ممکن، مجوز مورد نظر خود را دریافت کند. سقف زمانی برای صدور مجوز در هر کسب و کار، توسط «هیئت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار» تعیین و در پایگاه اطلاع‌رسانی مذکور اعلام می‌شود.

...

تبصره ۴- «هیئت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار» موضوع تبصره (۳) این ماده، موظف است ظرف مدت حداکثر سه ماه پس از ابلاغ این قانون، شرایط صدور مجوزهای کسب و کار را به تفکیک هر کسب و کار در پایگاه اطلاع‌رسانی مجوزهای کسب و کار منتشر کند.

پس از راه‌اندازی «پایگاه اطلاع‌رسانی مذکور»، تغییر در شرایط صدور یا تمدید مجوزهای کسب و کار، چنانچه در جهت تسهیل صدور و تمدید مجوزها باشد، بلافاصله به دستور رئیس هیئت در پایگاه اطلاع‌رسانی یادشده اعمال می‌شود و چنانچه تغییر، شامل افزایش مراحل یا مدارک مورد نیاز و به هر نحو، مشکل کردن صدور یا تمدید باشد، شرایط جدید باید از شش ماه قبل از اجرا، در این پایگاه اعلام شود.

مراجع صادرکننده مجوز کسب و کار حق ندارند حتی با توافق متقاضی مجوز، هیچ شرط یا مدرکی یا هزینه‌ای بیش از آنچه در پایگاه اطلاع‌رسانی مربوطه تصریح شده، از متقاضی دریافت مجوز کسب و کار مطالبه کنند. تخلف از حکم این تبصره، مشمول مجازات موضوع ماده (۶۰۰) قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم: تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده، مصوب ۱۳۷۵/۳/۲) است.

دیدگاه مغایرت

طبق تبصره‌ی (۴) مزبور، «چنانچه تغییر، شامل افزایش مراحل یا مدارک مورد نیاز و به هر نحو، مشکل کردن صدور یا تمدید باشد، شرایط جدید باید از شش ماه قبل از اجرا، در این پایگاه اعلام شود». این امر می‌تواند به معنای متوقف کردن اجرای قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی باشد. توضیح اینکه ممکن است قانونی به تصویب مجلس برسد که «شامل افزایش مراحل یا مدارک مورد نیاز و به هر نحو، مشکل کردن صدور یا تمدید باشد» که هر چند این قانون، علی‌القاعده پانزده روز پس از انتشار در روزنامه رسمی، لازم‌الاجرا خواهد بود، اما عبارت مزبور

می‌تواند با به تأخیر انداختن اجرای قانون، موجب توقف موقتی اجرای آن شود؛ بدین ترتیب که شش ماه قبل از اجرا، ابتدا باید در پایگاه یادشده اعلام شود و بعد از گذشت شش ماه از اعلام، لازم‌الاجرا شود. بر این اساس، عبارت مزبور، از حیث متوقف کردن اجرای قوانین آتی مجلس، به خصوص در مواردی که زمان خاصی در آن برای لازم‌الاجرا شدن پیش‌بینی می‌شود، مغایر اصل (۸۵) قانون اساسی است که قانون‌گذاری را از جمله صلاحیت‌های مجلس شورای اسلامی می‌داند.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) با توجه به اصلاحات به‌عمل آمده در تبصره‌ی (۳)، ابهام تبصره (۴) که مبتنی بر ابهام تبصره (۳) بود، رفع شده و تبصره‌ی مزبور با ایرادی مواجه نیست.

ب) عبارت «چنانچه تغییر، شامل افزایش مراحل یا مدارک مورد نیاز و به هر نحو، مشکل کردن صدور یا تمدید باشد، شرایط جدید باید از شش ماه قبل از شش ماه اعلام شود»، صرفاً زمان لازم‌الاجرا شدن مقررات مربوطه را گذشت شش ماه از اعلام شرایط جدید در پایگاه مذکور می‌داند و مشمول ذیل ماده (۲) قانون مدنی^(۱) است که مقرر داشته «مگر آنکه در خود قانون، ترتیب خاصی برای موقع اجرا مقرر شده باشد»؛ یعنی اگر قانون یا مقرراتی ناظر به موضوع این مصوبه باشد، «باید از شش ماه قبل از اجرا، در این پایگاه اعلام شود» تا لازم‌الاجرا باشد. اگر مجلس متعاقباً قانونی را در این خصوص تصویب کند و در آن، زمان لازم‌الاجرا شدن را صراحتاً همان پانزده روز اعلام کند، قانون بعدی، این مصوبه را از این حیث تخصیص زده و بنابراین، این مصوبه موجب توقف اجرای مصوبات بعدی مجلس نمی‌شود و مغایرتی با صلاحیت تقنینی مجلس شورای اسلامی، مندرج در اصل (۸۵) قانون اساسی ندارد.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه مجلس در خصوص طرح اصلاح مواد (۱)، (۶) و (۷) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی، با توجه به اصلاحات به‌عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. ماده (۲) قانون مدنی اصلاحی ۱۳۴۸/۸/۲۹: «ماده ۲- قوانین پانزده روز پس از انتشار در سراسر کشور لازم‌الاجرا است، مگر آنکه در خود قانون، ترتیب خاصی برای موقع اجرا مقرر شده باشد.»

**قانون تمدید مهلت اجرای آزمایشی قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی
و علائم تجاری
مصوب ۱۳۹۳/۴/۴**

درباره‌ی قانون

طرح «تمدید مهلت اجرای آزمایشی قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری» توسط تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی با قید دو فوریت تقدیم مجلس شد. در مقدمه‌ی توجیهی این طرح، ضرورت ارائه‌ی این طرح چنین بیان شده است: «نظر به اینکه مهلت اجرای آزمایشی قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۳ در شرف اتمام است و علی‌رغم تلاش انجام‌گرفته جهت تصویب مواد به لحاظ مفصل بودن آن و اینکه حسب اظهار معاونت محترم امور مجلس ریاست جمهوری لایحه جامعی در همین خصوص در حال ارسال به مجلس می‌باشد که فرصت لازم جهت بررسی کامل را ضروری می‌نماید، لذا پیشنهاد تمدید یکساله برای اجرای قانون مزبور با قید دو فوریت تقدیم می‌گردد.»

با وجود ارائه‌ی این طرح به صورت دوفوریتی، نمایندگان مجلس در جلسه‌ی علنی مورخ ۱۳۹۳/۳/۵ به دو فوریت آن رأی ندادند و صرفاً با یک فوریت بررسی این طرح موافقت کردند. لذا این طرح، برای رسیدگی به صورت یک‌فوریتی به کمیسیون قضایی و حقوقی به‌عنوان کمیسیون اصلی ارسال شد که این کمیسیون، آن را در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۷ عیناً به تصویب رساند و گزارش آن را به مجلس ارائه کرد. این طرح در تاریخ ۱۳۹۳/۴/۴ در صحن علنی مجلس مطرح و با اصلاحاتی به تصویب نمایندگان رسید و برای طی روند قانونی مذکور در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۴۵۷/۲۳۰۳۸ مورخ ۱۳۹۳/۴/۸ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۱، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۳۶۹ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۲ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۳/۴/۴

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۴/۱۱

ماده واحده- مهلت اجرای آزمایشی قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم

تجاری مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۳ از زمان انقضای اجرای آزمایشی قانون مذکور به مدت یک‌سال تمدید می‌گردد.

دیدگاه مغایرت

هیچ یک از اعضای شورای نگهبان در خصوص مغایرت مفاد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی نظری ابراز نکردند.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایرتی با موازین شرع و قانون اساسی ندارد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه مجلس در خصوص طرح تمدید مهلت اجرای آزمایشی قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

قانون تفسیر ماده (۱۳۳) قانون مالیات‌های مستقیم و اصلاحات بعدی آن مصوب ۱۳۹۳/۴/۱۷

درباره‌ی قانون

طرح «استفساریه ماده (۱۳۳) قانون مالیات‌های مستقیم» توسط تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و در راستای رفع ابهام نسبت به موضوع اخذ یا معافیت مالیاتی شرکت‌های تعاونی تولید روستایی به مجلس تقدیم شد. در مقدمه‌ی توجیهی این طرح آمده است: «شرکت‌های تعاونی تولید روستایی به استناد قانون تعاونی نمودن تولید و یکپارچه‌سازی اراضی مصوب ۱۳۴۹ و در حوزه‌ی عمل شرکت‌های تعاونی روستایی و با حضور متقاضیان عضو شرکت‌های تعاونی روستایی (بهره‌برداران با زمین کشاورزی) و زیر نظر وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستایی وقت و وزارت جهاد کشاورزی فعلی به منظور بهره‌برداری حداکثری از منابع آب و خاک، ماشین‌آلات کشاورزی و ابزار تولید و تأمین به موقع نهادهای کشاورزی اعضا و با استفاده از اساسنامه تیپ شرکت‌های تعاونی روستایی تشکیل گردیده‌اند. به منظور بررسی طرح استفساریه تقدیمی، موارد ذیل به استحضار می‌رسد:

۱- به منظور تشکیل شرکت‌های تعاونی تولید روستایی، از سوی وزیر جهاد کشاورزی و ریاست مجمع سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران و با تنفیذ اختیار به معاونت ذی‌ربط به استناد ماده (۲) آیین‌نامه اجرایی قانون تعاونی نمودن تولید و یکپارچه شدن اراضی در حوزه‌ی عمل شرکت‌های تعاونی روستایی، به زارعین حوزه‌ی عمل شرکت‌های تعاون روستایی اجازه داده می‌شود تا نسبت به تشکیل شرکت‌های تعاونی تولید روستایی بر اساس قانون تعاون ۱۳۵۰ و یا اساسنامه تیپ شرکت‌های تعاون روستایی اقدام نمایند.

۲- در ماده (۱۸) قانون تعاون ۱۳۵۰ انواع تعاونی در سه رشته تعاونی طبقه‌بندی می‌شوند که بند اول رشته کشاورزی شامل تعاونی‌های کشاورزی و روستایی می‌باشد.

۳- در مواد (۷۳) و (۷۴) شرکت‌های تعاونی روستایی و کشاورزی و فعالیت‌های آنها تعریف گردیده است. به استناد ماده (۷۴) شرکت‌های تعاونی روستایی با مشارکت زارعین که به موجب قوانین و مقررات اصلاحات ارضی صاحب زمین شده یا می‌شوند برای مقاصد مندرج در بندهای ماده (۷۳) تشکیل می‌شوند و در ماده (۷۴) شرکت‌های تعاونی روستایی و کشاورزی و حدود فعالیت آنها مشخص گردیده است. قابل ملاحظه است که شرکت‌های تعاونی تولید روستایی به موجب قوانین و مقررات اصلاحات ارضی و تحت سرپرستی و نظارت وزارت تعاون و امور روستاهای وقت (وزارت جهاد کشاورزی) تشکیل می‌گردند.

۴- به موجب ماده (۱۴۲) قانون تعاون مذکور شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاون روستایی که قبل از تصویب این قانون به ثبت رسیده‌اند بنا به تشخیص وزارت تعاون و امور روستاها به تدریج وضع خود را با این قانون تطبیق خواهند داد.

۵- به موجب ماده (۱۱۱) همین قانون، درآمد شرکت‌های تعاون روستایی متشکل از افراد ساکن حوزه عمل شرکت‌ها که به امر کشاورزی مباشرت مستقیم دارند از پرداخت مالیات معاف می‌باشند. همچنین به موجب ماده یک قانون تعاونی نمودن تولید و یکپارچه سازی اراضی که ذکر گردید، اعضای شرکت‌های تعاونی تولید روستایی متشکل از ساکنین روستا و عضو شرکت‌های تعاون روستایی می‌باشند.

۶- به موجب ماده (۱۴۸) همین قانون، کلیه قوانین بعد نیز فسخ یا اصلاح قانون جدید باید صریحاً قید گردد.

۷- در حال حاضر، شرکت‌های تعاونی تولید روستایی و اتحادیه مربوطه بر اساس تیپ اساسنامه شرکت‌های تعاون روستایی تحت سرپرستی سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران تشکیل و به ثبت می‌رسند.

۸- شرکت‌های تعاونی تولید روستایی و اتحادیه‌های آنها همانند شرکت تعاون روستایی از قانون تعاون جمهوری اسلامی ایران مستثنی می‌باشند.

۹- از مفاد قوانین فوق‌الذکر و بر اساس مواد (۷۴)، (۷۳) و (۱۸) قانون تعاون سال ۱۳۵۰ استناد می‌گردد که قید کلمه‌ی تولید در شرکت‌های تعاونی تولید روستایی، قید تأکیدی بوده (شاخه‌ای از وظایف اساسنامه‌ای شرکت‌های تعاون روستایی) و این شرکت‌ها بر اساس همان مواد و موارد قانونی شرکت تعاونی روستایی تشکیل گردیده و فعالیت می‌نمایند.

همچنین با توجه به نقش سازنده‌ی این شرکت‌ها در تولید محصولات کشاورزی و توسعه روستایی در ماده (۱۳۳) قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۳۶، صراحتاً به قید نام، درآمد شرکت‌های تعاونی تولید روستایی و اتحادیه‌های آنها را مشمول معافیت مالیاتی دانسته بود و نظر مقنن محترم در اصلاحات بعدی ماده (۱۳۳) قانون مالیات‌های مستقیم بر تسری این ماده‌ی قانونی به سایر شرکت‌های تعاونی روستایی تأکید داشته و به هیچ‌وجه قصد قانون‌گذار مبنی بر حذف نام شرکت‌های تعاونی تولید روستایی و اتحادیه‌های آنها از معافیت مالیاتی نبوده است. (همانند عدم درج مصادیق شرکت‌های تعاونی کشاورزی مانند دامداران، مرغداران و کلزاکاران) این اقدام قانون‌گذار (حذف اصطلاح تولید از ماده (۱۳۳) قانون مالیات‌های مستقیم) در راستای کاهش حجم قوانین و افزایش موارد قانونی برخوردار از معافیت مالیاتی می‌باشد. (مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی در زمان اصلاح قانون، مبنی این نکته می‌باشد). لذا با عنایت به اظهار نظر

کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس به شماره ۸۶۵/۱۰۸۶۶/۱۴/۸۲ مورخ ۸۲/۲/۶ مبنی بر ارائه طرح استفساریه، پیشنهاد ذیل تقدیم مجلس شورای اسلامی می‌گردد.

این طرح برای رسیدگی به صورت یک شوری به کمیسیون اقتصادی مجلس به عنوان کمیسیون اصلی ارسال شد که کمیسیون مزبور، طرح مذکور را با اصلاحاتی در عنوان و متن و با تلفیق مفاد این طرح با طرح دیگری که با عنوان «طرح استفساریه ماده (۱۳۳) قانون مالیات‌های مستقیم و اصلاحات بعدی آن» به این کمیسیون ارجاع شده بود، به تصویب رساند و گزارش آن را در تاریخ ۱۳۹۲/۱۰/۲۱ به مجلس ارائه کرد. عنوان اصلاحی کمیسیون برای این طرح، «طرح استفساریه ماده (۱۳۳) قانون مالیات‌های مستقیم و اصلاحات بعدی آن» بود. این طرح، در تاریخ ۱۳۹۳/۴/۱۷ در صحن علنی مجلس، مطرح شد و با اصلاحاتی به تصویب نمایندگان مجلس رسید و سپس برای طی روند قانونی مذکور در اصل (۹۴) قانون اساسی، به موجب نامه‌ی شماره ۲۹۶/۲۶۶۱۰ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۱ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان با تشکیل جلسه در تاریخ ۱۳۹۳/۴/۲۵، مفاد این مصوبه را بررسی و نظر خود مبنی بر مغایرت نداشتن مفاد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۵۲۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۵ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۳/۴/۱۷

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۴/۲۵

موضوع استفساریه:

آیا ماده (۱۳۳) قانون مالیات‌های مستقیم و اصلاحات بعدی آن،^(۱) به شرکت‌های تعاونی تولید روستایی که بر مبنای قانون تعاونی نمودن تولید و یکپارچه شدن اراضی در حوزه عمل شرکت‌های تعاونی روستایی مصوب ۱۳۴۹/۱۲/۲۴ تأسیس می‌شود، تسری دارد یا خیر؟

پاسخ:

بلی، شرکت‌های تعاونی تولید روستایی که فعالیت آنها منطبق بر اساسنامه و در زمره عناوین مذکور در ماده (۸۱) قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۱۳^(۲) باشد، از مالیات بر درآمد معافند.

۱. ماده (۱۳۳) قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳ (با اصلاحات بعدی): «ماده ۱۳۳- صد درصد درآمد شرکت‌های تعاون روستایی، عشایری، کشاورزی، صیادان، کارگری، کارمندی، دانشجویان و دانش‌آموزان و اتحادیه‌های آنها از مالیات معاف است.»

۲. ماده (۸۱) قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳ (با اصلاحات بعدی): «ماده ۸۱- درآمد حاصل از کلیه

دیدگاه مغایرت

مطابق با اصل (۷۳) قانون اساسی، شرح و تفسیر قوانین عادی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است. مجلس نیز با استناد به این اصل قانون اساسی، اقدام به تفسیر ماده (۱۳۳) قانون مالیات‌های مستقیم کرده است. بر اساس این استفساریه، شرکت‌های تعاونی تولید روستایی در صورتی از شمول مالیات بر درآمد، معاف هستند که از مصادیق و عناوین مذکور در ماده (۸۱) قانون مالیات‌های مستقیم باشند. این در حالی است که مطابق با ماده (۱۳۳) قانون مالیات‌های مستقیم و اصلاحات بعدی آن، درآمد شرکت‌های تعاون روستایی، اعم از زراعی و غیر زراعی، از مالیات معاف هستند. به عبارت دیگر، مجلس شورای اسلامی با تصریح بر قید «و در زمره عناوین مذکور در ماده (۸۱) قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۱۳ باشد» در این استفساریه، شمول برخورداری شرکت‌های تعاون روستایی را مشروط و مقید کرده و در نتیجه، مصادیق ماده (۱۳۳) را تضییق کرده است. با این توضیح، این اقدام مجلس را نمی‌توان «تفسیر قانون» تلقی کرد، بلکه مجلس در قالب عنوان «تفسیر» اقدام به تقنین کرده است. بنابراین، از آن جهت که مصوبه‌ی مزبور تقنین جدید است، مغایر با اصل (۷۳) قانون اساسی و نظریه‌ی تفسیری شورای نگهبان در خصوص این اصل است.^(۱)

دیدگاه عدم مغایرت

این مصوبه، در مقام تفسیر دو ماده (۱۳۳) و (۸۱) قانون مالیات‌های مستقیم است. به بیان دیگر، با در نظر گرفتن دو ماده‌ی مزبور در کنار یکدیگر، مصوبه دارای ماهیت تفسیری است و نمی‌توان آن را تقنین جدید تلقی کرد؛ زیرا مجلس شورای اسلامی در این مصوبه، اعلام کرده است که شرکت‌های تعاونی تولید روستایی که بر مبنای قانون تعاونی نمودن تولید و یکپارچه شدن اراضی در حوزه‌ی عمل شرکت‌های تعاونی روستایی تأسیس شده یا می‌شوند، به صراحت مشمول معافیت مالیاتی موضوع ماده (۱۳۳) قانون مالیات‌های مستقیم نمی‌شوند، اما در صورتی که شرکت‌های مزبور فعالیت‌های مندرج در ماده (۸۱) قانون مالیات‌های مستقیم را انجام دهند، بالتبع،



فعالیت‌های کشاورزی، دامپروری، دامداری، پرورش ماهی و زنبور عسل و پرورش طیور، صیادی و ماهی‌گیری، نوغان‌داری، احیای مراتع و جنگل‌ها، باغات اشجار از هر قبیل و نخیلات از پرداخت مالیات معاف می‌باشد. دولت مکلف است مطالعات و بررسی‌های لازم را در زمینه کلیه فعالیت‌های کشاورزی و آن رشته از فعالیت‌های مزبور که ادامه معافیت آنها ضرورت داشته باشد معمول و لایحه مربوط را حداکثر تا آخر برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، به مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید.

۱. نظریه‌ی تفسیری شماره ۷۶/۲۱/۵۸۳ مورخ ۱۳۷۶/۳/۱۰ شورای نگهبان: «مقصود از تفسیر، بیان مراد مقنن است؛ بنابراین تضییق و توسعه قانون در مواردی که رفع ابهام قانون نیست، تفسیر تلقی نمی‌شود.»

از پرداخت مالیات معاف هستند. بنابراین، مصوبه‌ی مزبور، در مقام جمع میان این دو ماده است و لذا تفسیر ماده (۱۳۳) قانون مالیات‌های مستقیم محسوب می‌شود و مغایرتی با اصل (۷۳) قانون اساسی و نظریه‌ی تفسیری شورای نگهبان از این اصل ندارد.

نظر شورای نگهبان

استفساریه مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه مجلس در خصوص طرح استفساریه ماده (۱۳۳) قانون مالیات‌های مستقیم و اصلاحات بعدی آن، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

**قانون عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در اتحادیه بیمه‌گران و اتکایی‌گران
خطرهای تجاری و غیرتجاری در کشورهای عضو سازمان تعاون اسلامی و
مؤسسه تضمین اعتبارات صادراتی و سرمایه‌گذاری عربی و تصویب اساسنامه آن
مصوب ۱۳۹۳/۴/۲۹**

درباره‌ی قانون

لایحه «عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در اتحادیه بیمه‌گران و اتکایی‌گران خطرهای تجاری و غیرتجاری در کشورهای عضو سازمان تعاون اسلامی و مؤسسه تضمین اعتبارات صادراتی و سرمایه‌گذاری عربی و تصویب اساسنامه آن» بنا به پیشنهاد وزارت صنعت، معدن و تجارت در جلسه مورخ ۱۳۹۱/۹/۲۹ هیئت وزیران به تصویب رسید و طی نامه‌ی شماره ۴۷۷۹۷/۱۸۲۵۴ مورخ ۱۳۹۲/۲/۳ برای انجام تشریفات قانونی و تصویب به مجلس شورای اسلامی ارسال شد. در مقدمه‌ی توجیهی این لایحه آمده است: به منظور گسترش حضور فعال جمهوری اسلامی ایران در سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی و منطقه‌ای و بهره‌گیری از آن در جهت تأمین منافع ملی و تحقق هر چه بیشتر همگرایی منطقه‌ای و بین‌المللی در راستای اصول و اهداف راهبردی سیاست خارجی کشور و لزوم توسعه و به‌کارگیری امکانات و ظرفیت‌های بالقوه در راستای اهداف اقتصادی و اجتماعی کشور و ضرورت توانمندسازی کشور در ارتقای پوشش بیمه‌ای خطرهای تجاری و غیرتجاری و نظر به نقش مهم بیمه‌گران خطرهای تجاری و غیرتجاری در گسترش صادرات و تشویق ورود سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای عضو سازمان تعاون اسلامی و با توجه به اهمیت حضور جمهوری اسلامی ایران در اتحادیه‌های زیر مجموعه سازمان مذکور، این لایحه جهت طی تشریفات قانونی تقدیم می‌شود.

لایحه‌ی مزبور برای رسیدگی به صورت یک شوری در تاریخ ۱۳۹۲/۲/۳ به کمیسیون اقتصادی، به عنوان کمیسیون اصلی ارسال شد که کمیسیون مزبور، با الحاق یک تبصره به ماده واحده، مفاد آن را در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۴/۲ به تصویب رساند و گزارش آن را به مجلس ارائه کرد. این لایحه در تاریخ ۱۳۹۳/۳/۵ در صحن علنی مجلس مطرح و با اصلاحاتی به تصویب نمایندگان مجلس رسید و برای طی روند قانونی مذکور در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۲۷۲/۱۶۷۳۰ مورخ ۱۳۹۳/۳/۱۷ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۸، برخی از مفاد آن را مغایر با اصل (۸۰) قانون اساسی تشخیص داد و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۱۲ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۸ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. مجلس شورای اسلامی برای رفع ایراد شورای نگهبان، در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۹

اصلاحاتی را در این مصوبه اعمال و آن را طی نامه‌ی شماره ۲۷۲/۲۹۴۳۹ مورخ ۱۳۹۳/۴/۳۱ برای اظهار نظر مجدد به شورای نگهبان ارسال کرد. بررسی مصوبه‌ی اصلاحی در دستور کار جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۵/۱ شورای نگهبان قرار گرفت که پس از بحث و بررسی، شورای نگهبان مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۵۸۶ مورخ ۱۳۹۳/۵/۱ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۳/۳/۵ (مرحله نخست)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۳/۲۸

ماده واحده- به دولت اجازه داده می‌شود در اتحادیه بیمه‌گران و اتکایی‌گران خطرهای تجاری و غیرتجاری در کشورهای عضو سازمان تعاون اسلامی و مؤسسه تضمین اعتبارات صادراتی و سرمایه‌گذاری عربی به شرح اساسنامه پیوست، عضویت یابد و نسبت به پرداخت حق عضویت مربوط و یا کمک اقدام نماید. تعیین و تغییر دستگاه اجرایی طرف عضویت بر عهده دولت است.

تبصره- رعایت اصول هفتاد و هفتم (۷۷) و یکصد و سی و نهم (۱۳۹) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در مورد ماده (۱۱) این اساسنامه الزامی است.

...

دیدگاه مغایرت

از آنجا که طبق ذیل ماده واحده، به طور مطلق به دولت اجازه داده شده است تا نسبت به پرداخت کمک به اتحادیه بیمه‌گران و اتکایی‌گران اقدام کند، این مصوبه مغایر با اصل (۸۰) قانون اساسی است؛ زیرا طبق این اصل، پرداخت کمک‌های بدون عوض داخلی و خارجی توسط دولت در هر مورد باید با تصویب مجلس شورای اسلامی باشد؛ حال آنکه در این مصوبه بدون اینکه مقدار و شرایط کمک در هر مورد دقیقاً مشخص شده باشد، پرداخت کمک خارجی توسط دولت به طور مطلق، جایز دانسته شده است. قبلاً نیز شورای نگهبان مصوبات مشابه با این ماده واحده را با این استدلال که پرداخت کمک در هر مورد باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد، مغایر با اصل (۸۰) قانون اساسی اعلام کرده بود.^(۱)

۱. به عنوان نمونه، شورای نگهبان در نظر شماره ۸۷/۳۰/۲۹۴۴۵ مورخ ۱۳۸۷/۹/۱۱ در خصوص لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در انجمن بین‌المللی پارک‌های علمی چنین مقرر داشته بود: «نظر به اینکه طبق اصل (۸۰) قانون اساسی پرداخت کمک در هر مورد باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد، لذا متن ماده واحده از این جهت مغایر اصل مذکور شناخته شد.»

نظر شورای نگهبان

پرداخت کمک به نحو مذکور در ماده واحده، مغایر اصل ۸۰ قانون اساسی شناخته شد.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۳/۴/۲۹ (مرحله دوم)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۵/۱

ماده واحده- به دولت اجازه داده می‌شود در اتحادیه بیمه‌گران و اتکایی‌گران خطرهای تجاری و غیرتجاری در کشورهای عضو سازمان تعاون اسلامی و مؤسسه تضمین اعتبارات صادراتی و سرمایه‌گذاری عربی به شرح اساسنامه پیوست عضویت یابد و نسبت به پرداخت حق عضویت مربوط و یا کمک با رعایت اصل هشتماد (۸۰) قانون اساسی اقدام نماید. تعیین و تغییر دستگاه اجرایی طرف عضویت بر عهده دولت است. تبصره- رعایت اصول هفتاد و هفتم (۷۷) و یکصد و سی و نهم (۱۳۹) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در مورد ماده (۱۱) این اساسنامه الزامی است.

...

دیدگاه عدم مغایرت

با عنایت به اینکه طبق مصوبه‌ی اصلاحی، پرداخت کمک توسط دولت منوط به رعایت اصل (۸۰) قانون اساسی شده است، ایراد قبلی شورا مبنی بر اجازه‌ی مطلق به دولت در پرداخت کمک‌های خارجی به اتحادیه بیمه‌گران و اتکایی‌گران بدون تصویب مجلس شورای اسلامی برطرف شده است.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه مجلس در خصوص لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در اتحادیه بیمه‌گران و اتکایی‌گران خطرهای تجاری و غیرتجاری در کشورهای عضو سازمان تعاون اسلامی و مؤسسه تضمین اعتبارات صادراتی و سرمایه‌گذاری عربی و تصویب اساسنامه آن، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

قانون تعیین حریم حفاظتی - امنیتی اماکن و تأسیسات کشور

مصوب ۱۳۹۳/۵/۱۹

درباره‌ی قانون

لایحه «تعیین حریم حفاظتی - امنیتی اماکن و تأسیسات کشور» بنا به پیشنهاد وزارت مسکن و شهرسازی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۸۱/۸/۱۹ به تصویب هیئت وزیران رسید و طی نامه‌ی شماره ۲۴۸۱۴/۸۲۷۵ مورخ ۱۳۸۱/۹/۲۷ برای انجام تشریفات قانونی موضوع اصل (۷۴) قانون اساسی و تصویب، به مجلس شورای اسلامی تقدیم شد. در مقدمه‌ی توجیهی این لایحه آمده است: با عنایت به اینکه ایجاد حریم امنیتی با رعایت اصول و استانداردهای حفاظتی برای اماکن و تأسیسات طبقه‌بندی شده کشور و حفاظت این اماکن از خطرات احتمالی ضروری می‌باشد، لازم است کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی مجاور اماکن طبقه‌بندی شده که صاحب املاک و مستغلات هستند حریم اماکن یادشده را رعایت کنند و از طرفی دیگر رعایت حقوق مالکان و صاحبان حق و همچنین رعایت ضوابط و مقررات شهرسازی لازم‌الاجراء است. لذا به منظور رعایت کلیه موارد یادشده، این لایحه برای طی تشریفات قانونی تقدیم می‌شود.

بررسی و تصویب این لایحه در طول حیات مجلس ششم، به نتیجه نرسید و با توجه به عدم تقاضای هیئت وزیران برای بررسی و تصویب این لایحه در مجلس هفتم، بررسی این لایحه در مجلس به حالت تعلیق درآمد. پس از آن، مجدداً در سال ۱۳۸۸، به موجب تقاضای هیئت وزیران مجدداً بررسی این لایحه در دستور کار مجلس هشتم قرار گرفت. تقاضای هیئت وزیران در این خصوص به موجب نامه‌ی شماره ۵۸۲۲۳ مورخ ۱۳۸۸/۳/۱۷ به رئیس مجلس شورای اسلامی اعلام شد، لیکن بررسی و تصویب نهایی این لایحه در مجلس هشتم نیز به سرانجام نرسید. بر این اساس، در ابتدای شروع به کار مجلس نهم، مجدداً معاون اول رئیس جمهور به موجب نامه‌ی شماره ۴۸۱۸۵/۵۴۷۹۹ مورخ ۱۳۹۱/۳/۲۲ تقاضای هیئت وزیران برای بررسی این لایحه در مجلس را ارائه کرد و مجدداً این لایحه در دستور کار مجلس قرار گرفت.

این لایحه، در دوره‌ی نهم مجلس شورای اسلامی برای بررسی به کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی به عنوان کمیسیون اصلی ارجاع شد که کمیسیون مزبور آن را با اصلاحاتی در تاریخ ۱۳۹۱/۵/۱۷ به تصویب رساند و گزارش آن را به مجلس ارائه کرد. مجلس شورای اسلامی نیز در تاریخ ۱۳۹۳/۱/۱۷، مفاد لایحه‌ی مزبور را با اصلاحاتی تصویب و این مصوبه را طی نامه‌ی شماره ۶۰/۱۸۲۹ مورخ ۱۳۹۳/۱/۲۳ برای جری مراحل قانونی مقرر در اصل (۹۴) قانون اساسی به

شورای نگهبان ارسال کرد. شورای نگهبان با بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۱/۲۷، برخی از مواد آن را مغایر با موازین شرع و اصول قانون اساسی و در برخی موارد، واجد ابهام تشخیص داد و نظر خود را در این خصوص طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۳۰۳ مورخ ۱۳۹۳/۲/۲ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. مجلس شورای اسلامی برای رفع ایرادهای شورای نگهبان، با اعمال اصلاحات لازم در مصوبه در جلسه‌ی علنی مورخ ۱۳۹۳/۳/۴، مصوبه‌ی اصلاحی را طی نامه‌ی شماره ۶۰/۱۶۷۶۳ مورخ ۱۳۹۳/۳/۱۷ برای اظهار نظر مجدد به شورای نگهبان ارسال کرد. بررسی مصوبه‌ی اصلاحی در دستور کار جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۸ شورای نگهبان قرار گرفت که پس از بحث و بررسی مفاد این مصوبه، شورای نگهبان یکی از ایرادهای پیشین خود، یعنی ابهام در تبصره‌ی ماده (۵) این مصوبه را همچنان باقی دانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۱۶ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۸ به مجلس اعلام کرد. این بار مجلس شورای اسلامی در جلسه‌ی علنی مورخ ۱۳۹۳/۵/۱۹، اصلاحات لازم برای تأمین نظر شورای نگهبان را در تبصره‌ی ماده (۵) اعمال کرد و مصوبه‌ی اصلاحی را به موجب نامه‌ی شماره ۶۰/۳۳۸۱۱ مورخ ۱۳۹۳/۵/۲۱ به شورای نگهبان ارسال کرد. شورای نگهبان نیز سرانجام در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۵/۲۹ خود، پس از بحث و بررسی راجع به مصوبه‌ی اصلاحی، نظر خود مبنی بر تأیید مفاد این مصوبه و عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی را به موجب نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۸۱۴ مورخ ۱۳۹۳/۵/۲۹ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۳/۱/۱۷ (مرحله نخست)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۱/۲۷

بحث در خصوص کلیات این مصوبه و ماده (۱)

ماده ۱- تأمین حفاظت و امنیت اماکن و تأسیسات طبقه‌بندی شده کشور اعم از نظامی، انتظامی، امنیتی و کشوری و رعایت حریم آنها بر اساس مفاد این قانون لازم‌الاجراء است.

دیدگاه مغایرت

الف) مطابق با بند (۱) اصل (۱۱۰) قانون اساسی، تعیین سیاست‌های کلی نظام پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام از صلاحیت‌های رهبری است. موضوع لایحه‌ی تعیین حریم حفاظتی- امنیتی اماکن و تأسیسات کشور مصوب ۱۳۹۳/۱/۱۷ مجلس شورای اسلامی، مرتبط با موضوع پدافند غیرعامل است که مطابق مقررات مختلف از جمله سیاست‌های کلی پدافند

غیرعامل ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری^(۱) و بند (۱۱) ماده (۱۲۱) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱^(۲) در مورد آن تعیین تکلیف شده است و در این راستا «سازمان پدافند غیرعامل» تشکیل شده است. بنابراین، با توجه به صلاحیت سازمان پدافند غیرعامل کشور و وجود کمیته‌ی دائمی پدافند غیرعامل در ستاد کل نیروهای مسلح که خود متصدی تنظیم آیین‌نامه جهت تأمین حفاظت و امنیت اماکن و تأسیسات نظامی و انتظامی است، ورود مجلس شورای اسلامی برای قانون‌گذاری و تنظیم مقررات درباره‌ی امور مربوط به پدافند غیرعامل، فاقد وجهت قانونی است و مغایر با سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری و در نتیجه بند (۱) اصل (۱۱۰) قانون اساسی است.

ب) مطابق بند اول اصل (۱۷۶) قانون اساسی، تعیین سیاست‌های دفاعی - امنیتی کشور در محدوده‌ی سیاست‌های کلی تعیین‌شده از طرف مقام معظم رهبری، بر عهده‌ی شورای عالی امنیت ملی است. بنابراین، مطابق با اصل مزبور، وظیفه‌ی اصلی شورای عالی امنیت ملی، تعیین سیاست‌های دفاعی و امنیتی است و تعیین جزئیات قانون و مصادیق آن، خارج از وظایف این شورا است. به علاوه، تعیین حریم حفاظتی - امنیتی اماکن و تأسیسات کشور، جزء هیچ یک از وظایف این شورا نیست. با وجود این، برخی از مواد این مصوبه، از جمله مواد (۲)، (۴)، (۵) و (۷) در مورد حریم و مسائل امنیتی، مقرراتی را تعیین کرده و بر عهده‌ی شورای عالی امنیت ملی گذاشته است که در محدوده‌ی سیاست‌های دفاعی - امنیتی و جزء وظایف شورای عالی امنیت ملی

۱. بند (۱۳) سیاست‌های کلی پدافند غیرعامل، ابلاغی ۱۳۸۹/۱۱/۲۹ مقام معظم رهبری: «۱۳- ایجاد مرکزی برای تدوین طراحی، برنامه‌ریزی و تصویب اصول و ضوابط، استانداردها، معیارها، مقررات و آیین‌نامه‌های فنی پدافند غیرعامل و پیگیری و نظارت بر اعمال آنها».

۲. بند (۱۱) ماده (۱۲۱) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱: «ماده ۱۲۱- دولت موظف است به منظور تقویت بنیه دفاعی کشور و ارتقاء توان بازدارندگی نیروهای مسلح و حفاظت از تمامیت ارضی و امنیت کشور و آمادگی در برابر تهدیدات و حفاظت از منافع ملی، انقلاب اسلامی ایران و منابع حیاتی کشور و هوشمندسازی سیستم‌های دفاعی، اقدامهای ذیل را در صورت تصویب فرماندهی کل نیروهای مسلح به عمل آورد:

۱- ...

۱۱- رعایت اصول پدافند غیرعامل در طراحی و اجرای طرح‌های حساس و مهم و یا در دست مطالعه و نیز تأسیسات زیربنایی و ساختمان‌های حساس و شریان‌های اصلی و حیاتی کشور و آموزش عمومی مردم توسط دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۱۶۰) این قانون، به منظور پیشگیری و کاهش مخاطرات ناشی از سوانح غیرطبیعی.

آیین‌نامه‌های اجرایی این ماده ظرف مدت دو ماه از تصویب این قانون، توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و ستاد کل نیروهای مسلح تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید و در صورت تأیید فرماندهی کل نیروهای مسلح به مرحله اجرا گذاشته خواهد شد.»

نیست. بنابراین، هر چند که ممکن است این گونه استدلال شود که «تأمین حفاظت و امنیت اماکن و تأسیسات طبقه‌بندی شده کشور» در صدر ماده (۱) این مصوبه، از مصادیق وظایف شورای عالی امنیت ملی و مطابق با بندهای سه‌گانه اصل (۱۷۶) قانون اساسی است و ذکر آن تنها برای تأکید وظایف آن شورا است، لیکن از آن جهت که اطلاق عبارت «بر اساس مفاد این قانون لازم‌الاجراء است»، شامل الزام شورای عالی امنیت ملی به وظایف و تکالیفی خارج از صلاحیت این شورا در مواد بعدی این قانون می‌شود، این مصوبه مغایر با اصل (۱۷۶) قانون اساسی است. شورای نگهبان هم در رویه‌ی خود در ضمن نظرات ابرازی متعدد، قوانینی که برای شورای عالی امنیت ملی تعیین تکلیف کرده‌اند را به دلیل دخالت در وظایف شورای عالی امنیت ملی، مغایر اصل (۱۷۶) قانون اساسی اعلام کرده است.^(۱)

ج) مطابق بند نخست اصل (۱۷۶) قانون اساسی، تعیین سیاست‌های دفاعی - امنیتی کشور که توسط شورای عالی امنیت ملی تعیین می‌شود باید در محدوده‌ی سیاست‌های کلی تعیین شده از سوی مقام معظم رهبری باشد و مطابق با ذیل این اصل، مجلس شورای اسلامی به موجب قانون می‌تواند برای شوراهای فرعی شورای عالی امنیت ملی، وظایف و اختیارات تعیین کند. این در حالی است که مجلس شورای اسلامی به موجب این قانون برای شورای عالی امنیت ملی تکالیف

۱. به عنوان مثال، شورای نگهبان در بند (۱۵) نظر شماره ۹۱/۳۰/۴۹۳۱۸ مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۱۱ در خصوص «طرح ممنوعیت اشتغال به بیش از یک شغل» چنین اظهار نظر کرده است: «۱۵- تقیید اختیارات شورای عالی امنیت ملی به موارد مذکور در ماده (۱۶)، مغایر اصل (۱۷۶) قانون اساسی است.» در ماده (۱۶) طرح ممنوعیت اشتغال به بیش از یک شغل مصوب ۱۳۹۱/۱۰/۲۶ مجلس شورای اسلامی آمده بود: «اشتغال همزمان مشمولین این قانون در شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان مرتبط با حوزه کاری سازمان انرژی اتمی، نانو تکنولوژی، بیوتکنولوژی و هوافضا مشروط به مصوبه شورای عالی امنیت ملی به نام فرد یا شرکت مربوطه در مدت زمان مشخص مجاز است.»

همچنین در بند (۳) نظر شماره ۸۳/۳۰/۹۹۲۴ مورخ ۱۳۸۳/۱۲/۱۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه اجازه اجرای موافقتنامه‌ی پروانه شبکه و خدمات ارتباطات سیار مصوب ۱۳۸۳/۱۱/۲۷ مجلس شورای اسلامی آمده است: «۳- بند (۱) ماده واحده با توجه به اینکه موارد امنیتی ناظر بر موافقتنامه شامل امور مربوط به نیروهای مسلح نیز می‌گردد و دامنه اختیارات وزارت اطلاعات شامل امور امنیتی راجع به نیروهای مزبور نیست و از این جهت که با حصر پیشنهاد امور به وزارت اطلاعات، اختیارات شورای عالی امنیت ملی را نیز مقید و محدود به موارد پیشنهادی یک وزارتخانه می‌نماید، مغایر اصل (۱۷۶) قانون اساسی شناخته شد.»

همچنین در بند (۴۵) نظر شماره ۷۸/۲۱/۵۸۵۸ مورخ ۱۳۷۸/۹/۳۰ شورای نگهبان در خصوص لایحه برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ آمده است: «۴۵- نظر به اینکه اصل (۱۷۶) قانون اساسی تشکیل شوراهای فرعی را به عهده شورای امنیت ملی محول نموده و ماده (۱۸۴) از این جهت که شورای مرزهای کشور را ایجاد کرده است، خلاف اصل مذکور می‌باشد.» ماده (۱۸۴) لایحه‌ی مصوب مجلس بیان داشته بود: «شورای مرزهای کشور به عنوان یکی از شوراهای فرعی شورای عالی امنیت ملی با وظایف زیر تشکیل می‌گردد. ترکیب اعضاء و تشکیلات شورا با پیشنهاد وزارت کشور و وزارت اطلاعات به تصویب شورای عالی امنیت ملی خواهد رسید...»

و وظایفی را تعیین کرده است. بنابراین، ماده‌ی مزبور از این جهت که برای شورای عالی امنیت ملی تعیین تکلیف و وظیفه کرده و برخلاف قانون اساسی، وظایف و اختیارات شورای عالی امنیت را افزایش داده، مغایر با اصل (۱۷۶) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) اصول قانون اساسی، به ویژه اصل (۷۱) قانون اساسی به مجلس شورای اسلامی این اختیار را می‌دهد که بتواند در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی قانون وضع کند. بند (۱۳) سیاست‌های کلی پدافند غیرعامل ابلاغی مورخ ۱۳۸۹/۱۱/۲۹ مقام معظم رهبری نیز به صورت کلی بر این نکته تأکید کرده است که مرکزی برای تدوین طراحی، برنامه‌ریزی و تصویب اصول و ضوابط، استانداردها، معیارها، مقررات و آیین‌نامه‌های فنی پدافند غیرعامل و پیگیری و نظارت بر اعمال آنها ایجاد شود. بنابراین، عموم قوانین و مقررات مربوط به سازمان پدافند غیرعامل از جمله بند (۱۱) ماده (۱۲۱) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱ و سیاست‌های کلی پدافند غیرعامل ابلاغی ۱۳۸۹/۱۱/۲۶، نمی‌تواند صلاحیت مجلس را در این خصوص تحدید کند. بلی اگر در سیاست‌های ابلاغی مقام رهبری، مرجع خاصی برای وضع آیین‌نامه و مقررات در این حوزه تعیین شده باشد، مجلس شورای اسلامی دیگر صلاحیت تعیین مقررات در این خصوص را نخواهد داشت.

ب) موضوع وظیفه‌ی شورای عالی امنیت ملی در اصل (۱۷۶) قانون اساسی تعیین سیاست‌های دفاعی - امنیتی است. سیاست‌ها در این اصل مطلق بوده و شامل سیاست‌های کلی و اجرایی است. مواد این مصوبه نیز به تعریف و تعیین سیاست‌های اجرایی و همچنین تعیین مصادیق آنها پرداخته است. بنابراین، از آنجا که تعریف سیاست‌ها و مصادیق آنها جزء سیاست‌ها محسوب می‌شوند و قانون‌گذار نیز در این مصوبه، صرفاً به تعیین سیاست‌های اجرایی و مصادیق آن پرداخته و در چارچوب همان سیاست‌ها اقدام به تقنین کرده است، مغایرتی با اصل (۱۷۶) قانون اساسی ندارد.

ج) تأمین حفاظت و امنیت اماکن و تأسیسات طبقه‌بندی‌شده کشور و مفاد مصوبه‌ی مذکور، جزء وظایف سه‌گانه‌ی شورای عالی امنیت ملی مندرج در اصل (۱۷۶) قانون اساسی نیست، بلکه از مصادیق وظایف و عملکرد شوراهای فرعی شورای عالی امنیت ملی، از جمله شورای دفاع یا شورای امنیت است که به موجب ذیل همین اصل، مجلس شورای اسلامی به موجب «قانون»، صلاحیت و اختیار تعیین وظایف و حدود اختیارات شوراهای فرعی را خواهد داشت. بنابراین، آن دسته از مواد این مصوبه که وظایفی را بر عهده‌ی شورای عالی امنیت ملی قرار داده‌اند، در حقیقت تعیین وظایف شوراهای فرعی شورای عالی امنیت ملی است. لذا مواد مزبور، از آن جهت که مطابق با ذیل اصل (۱۷۶) برای شوراهای فرعی تعیین حدود و صلاحیت کرده‌اند، مغایرتی با اصل (۱۷۶) قانون اساسی ندارند.

نظر شورای نگهبان

کلیات این مصوبه، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۲- مسئولیت تعریف و تعیین رده‌های حفاظتی برای اماکن و تأسیسات کشور و تعیین حدود آنها بر عهده شورای عالی امنیت ملی است. شورای عالی امنیت ملی می‌تواند این مسئولیت را حسب تعلق اماکن و تأسیسات بخش لشکری به ستاد کل نیروهای مسلح یا کشوری به شورای امنیت کشور محول نماید.

دیدگاه مغایرت

الف) مطابق با اصل (۱۷۶) قانون اساسی، وظایف شورای عالی امنیت ملی به صراحت در بندهای سه‌گانه‌ی این اصل تعیین گردیده است؛ بدین معنا که وظایف کلی شورای عالی امنیت ملی را قانون اساسی تعیین کرده است. شورای عالی امنیت ملی نیز موظف است که وظایف تفصیلی خود را در چهارچوب بندهای مزبور، تعریف و تصویب کند که این مصوبات پس از تأیید مقام معظم رهبری اجرا می‌شوند. لذا مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند از طریق قانون عادی برای شورای عالی امنیت ملی وظیفه و تکلیفی را تعریف و تعیین کند. این در حالی است که مجلس در ماده‌ی مزبور، وظیفه‌ی تعریف و تعیین رده‌های حفاظتی برای اماکن و تأسیسات کشور و تعیین حدود آنها را بر عهده‌ی شورای عالی امنیت ملی قرار داده است. لذا از این جهت، ماده (۲) مغایر اصل (۱۷۶) قانون اساسی است.

ب) مطابق با اصل (۱۷۶) قانون اساسی، شورای عالی امنیت ملی، وظایفی کلی از جمله تعیین سیاست‌های دفاعی- امنیتی کشور را بر عهده دارد که این سیاست‌ها ناظر به قواعد کلی و تعیین‌کننده است. مجلس شورای اسلامی نیز می‌تواند از طریق قانون عادی، وظایفی را در چارچوب صلاحیت شورای عالی امنیت ملی تعریف و تبیین نماید. این در حالی است که ماده (۲) این مصوبه، وظایفی جزئی مانند تعریف و تعیین رده‌های حفاظتی اماکن و تأسیسات را برای شورای عالی امنیت ملی در نظر گرفته است که در راستا و یا تبیین‌کننده‌ی وظایف شورای عالی امنیت از جمله سیاست‌های دفاعی- امنیتی نیست. بنابراین، ماده‌ی مزبور از آن جهت که وظایفی خارج از صلاحیت شورای عالی امنیت ملی را برای این شورا تعیین کرده است، مغایر با اصل (۱۷۶) قانون اساسی است.

ج) مطابق با ذیل اصل (۱۷۶) قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی می‌تواند از طریق قانون عادی حدود اختیارات و وظایف «شوراهای فرعی» شورای عالی امنیت ملی را معین کند. این امر

بدین معناست که مجلس نمی‌تواند برای «شورای عالی امنیت ملی»، وظیفه‌ای را تعیین و تکلیف کند. لذا هر چند تعیین و تعریف رده‌های حفاظتی، موضوع ماده‌ی مزبور، جزء سیاست‌های اجرایی و یا مصادیق دفاعی - امنیتی و در صلاحیت شورای عالی امنیت ملی است، لیکن مجلس اختیار و صلاحیت تکلیف و الزام شورای عالی امنیت ملی به انجام وظایف مذکور را ندارد. بنابراین، این مصوبه از این جهت، مغایر با اصل (۱۷۶) قانون اساسی است.

د) مطابق با اصل (۱۷۶) قانون اساسی، شورای عالی امنیت ملی به تناسب وظایف خود، شوراهای فرعی را تشکیل می‌دهد و مجلس نیز تنها حدود اختیارات و وظایف این شوراهای فرعی را به موجب قانون تعیین می‌کند. با این وصف، مجلس اختیار الزام شورای عالی امنیت ملی در انجام وظایف یا تشکیل شورای فرعی جدید و یا تفویض برخی از وظایف شورای عالی امنیت ملی به شوراهای فرعی را ندارد. بنابراین، تفویض وظیفه‌ی «تعریف و تعیین رده‌های حفاظتی برای اماکن و تأسیسات کشور و تعیین حدود آنها» در ماده‌ی مزبور، که از وظایف شورای عالی امنیت ملی است، به ستاد کل نیروهای مسلح و یا شورای امنیت کشور، مغایر با ذیل اصل (۱۷۶) قانون اساسی است.

ه) مطابق بند اول اصل (۱۷۶) قانون اساسی، تعیین سیاست‌های دفاعی - امنیتی کشور که توسط شورای عالی امنیت ملی تعیین می‌شوند، باید در محدوده‌ی سیاست‌های کلی تعیین‌شده از طرف مقام رهبری باشد و مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند در این حوزه‌ها قانون‌گذاری کند. بنابراین، از آنجا که ماده (۲) در این حوزه وارد شده و مسئولیت تعریف و تعیین رده‌های حفاظتی برای اماکن و تأسیسات کشور و تعیین حدود آنها را بر عهده‌ی شورای عالی امنیت ملی قرار داده است، مغایر اصل (۱۷۶) قانون اساسی است.

و) در صورتی که قانون‌گذار عادی (مجلس شورای اسلامی)، مایل به تدوین وظایف و اختیاراتی برای شورای عالی امنیت ملی باشد، باید این اختیارات و وظایف را به گونه‌ای در چهارچوب وظایف سه‌گانه اصل (۱۷۶) قانون اساسی تعیین و مشخص کند که تعیین ضابطه و سیاست‌های اجرایی آنها به شورای عالی امنیت ملی واگذار شده باشد تا خود شورای عالی امنیت ملی نسبت به آن موضوعات تصمیم‌گیری کند. این در حالی است که قانون‌گذار در ماده (۲) و مواد دیگر این لایحه، تعریف ضابطه و تعیین رده‌های حفاظتی برای اماکن و تأسیسات کشور را بر عهده‌ی شورای عالی امنیت ملی قرار نداده است. بر این اساس، ماده‌ی مزبور از این جهت، مغایر اصل (۱۷۶) قانون اساسی است.

ز) مطابق بند اول اصل (۱۷۶) قانون اساسی، تعیین سیاست‌های دفاعی - امنیتی کشور در محدوده‌ی سیاست‌های کلی تعیین‌شده از طرف مقام رهبری، بر عهده‌ی شورای عالی امنیت ملی

است. سیاست‌های دفاعی-امنیتی کشور نیز شامل موارد کلی است و نه موارد جزئی و مصداقی. اما آنچه در ابتدای ماده (۲) این مصوبه در خصوص «مسئولیت تعریف و تعیین رده‌های حفاظتی برای اماکن و تأسیسات کشور» برای شورای عالی امنیت ملی آمده، ظهور در جزئیت و استغراق^{۱)} دارد؛ یعنی مجلس شورای اسلامی در امور جزئی حفاظتی و امنیتی که سیاست کلی محسوب نمی‌شوند، برای شورای عالی امنیت ملی تعیین تکلیف کرده است. این در حالی است که شورای عالی امنیت ملی، موظف نیست که جزئیات رده‌های حفاظتی و حریم امنیت اماکن و تأسیسات کشور و همچنین تشخیص و تطبیق مصادیق تدابیر امنیتی را تعیین کند. بنابراین، ماده (۲) از این جهت که وظایفی خارج از صلاحیت شورای عالی امنیت ملی را برای این نهاد تعیین و تکلیف می‌کند، مغایر اصل (۱۷۶) قانون اساسی است.

ح) مطابق اصل (۱۷۶) قانون اساسی، شورای عالی امنیت ملی می‌تواند به تناسب وظایف خود شوراهای فرعی از قبیل شورای دفاع و شورای امنیت کشور را تشکیل دهد که ریاست هر یک از شوراهای فرعی با رئیس جمهور یا یکی از اعضای شورای عالی امنیت ملی است که از طرف رئیس جمهور تعیین می‌شود. در ماده (۲) مصوبه، به شورای عالی امنیت ملی این اختیار داده شده است که می‌تواند وظیفه «تعریف و تعیین رده‌های حفاظتی برای اماکن و تأسیسات کشور و تعیین حدود آنها» را به ستاد کل نیروهای مسلح یا به شورای امنیت کشور محول کند. این در حالی است که ستاد کل نیروهای مسلح از مصادیق شوراهای فرعی شورای عالی امنیت ملی نیست که بتوان وظیفه‌ی مذکور را به آن ارجاع داد؛ ضمن اینکه ماهیت ستاد کل نیروهای مسلح نیز شورایی نیست. این ستاد زیر نظر مستقیم مقام معظم رهبری است و رئیس آن مطابق با جزء (د) بند (۶) اصل (۱۱۰) قانون اساسی با حکم مقام رهبری منصوب می‌شود. از سوی دیگر، مطابق با ذیل اصل (۱۷۶) قانون اساسی، تشکیل شوراهای فرعی، از صلاحیت‌های شورای عالی امنیت ملی است و لذا مجلس نمی‌تواند برای آن، شورای فرعی تصویب کند. بنابراین، رفتار تقنینی مجلس در مصوبه‌ی مذکور، در جهت تعیین مسئولیت و وظیفه از جانب شورای عالی امنیت ملی برای ستاد کل نیروهای مسلح، مغایر با اصل (۱۱۰) و همچنین اصل (۱۷۶) قانون اساسی خواهد بود.

۱. اِسْتِغْرَاق در لغت به معنی «همه را فرا گرفتن» است. در اصطلاح علم معانی آن است که حکمی کلی بر همه‌ی افراد یک جنس دلالت کند، مگر آنکه بعضی را از آن حکم استثنا کنند، و این در علم معانی از حالاتی است که متوجه مسندالیه می‌شود. در زبان عربی، لام نشانه‌ی تعریف، هرگاه افاده‌ی چنین معنایی کند، لام استغراق نامیده می‌شود، مانند: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَقَفَىٰ خُسْرًا: یَقِیناً همه انسان‌ها در زیان‌اند» (سوره مبارکه عصر/۲) (دانشنامه زبان و ادب فارسی، زیر نظر اسماعیل سعادت، تهران، سازمان انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۳۷۳)

ط) ذیل اصل (۱۷۶) قانون اساسی تصریح دارد که تشکیلات شوراهای فرعی به تصویب شورای عالی امنیت ملی می‌رسد و مصوبات شورای عالی امنیت ملی پس از تأیید مقام رهبری قابل اجراست. حال به فرض اینکه مجلس شورای اسلامی بتواند برای شورای عالی امنیت ملی قانون تصویب کند، باید قیودی در قانون مصوب مجلس شورای اسلامی وجود داشته باشد که مصوبات شورای عالی امنیت ملی را مطابق با ذیل اصل (۱۷۶) مقید به تأیید مقام رهبری نماید تا مغایرتی با حکم ذیل این اصل به وجود نیاید. همچنین اگر مجلس شورای اسلامی وظیفه‌ای برای شوراهای فرعی معین می‌کند، تأکید بر رعایت قید «تأیید شورای عالی امنیت ملی» در آن وظایف الزامی است تا از این جهت نیز آن حکم مغایر قانون اساسی نباشد. بر این اساس، از آنجا که در ماده (۲) چنین قیودی وجود ندارد، این ماده، مغایر اصل (۱۷۶) قانون اساسی است.

ی) وظایف شورای عالی امنیت ملی به موجب اصل (۱۷۶) قانون اساسی تبیین شده است و این شورا می‌تواند به تناسب وظایف خود نیز شوراهای فرعی تشکیل دهد. مطابق یکی از اصول حقوق عمومی، نهادها و تأسیسات قانون اساسی که وظایف آنها در قانون اساسی مشخص و معین شده است، نمی‌توانند وظایف خود را به نهادی دیگر تفویض کنند. بر همین اساس، شورای عالی امنیت ملی تنها می‌تواند وظایف خود را به شوراهای فرعی خود تفویض کند. بنابراین، تفویض وظایف شورای عالی امنیت ملی به ستاد کل نیروهای مسلح در ماده‌ی مزبور که جزء شوراهای فرعی شورای عالی امنیت ملی محسوب نمی‌شود، مغایر با اصل (۱۷۶) قانون اساسی است.

ک) مطابق ذیل اصل (۱۷۶) قانون اساسی، شورای عالی امنیت ملی می‌تواند به تناسب وظایف خود، شوراهای فرعی از قبیل شورای دفاع و شورای امنیت کشور را تشکیل دهد. از آنجا که این عبارت حصری است و قانون‌گذار اساسی، تنها شورای دفاع و شورای امنیت را به عنوان شوراهای فرعی شورای عالی امنیت ملی در نظر گرفته است، محول نمودن مسئولیت تعریف و تعیین رده‌های حفاظتی برای اماکن و تأسیسات کشور و تعیین حدود آنها، توسط ستاد کل نیروهای مسلح، مغایر ذیل اصل (۱۷۶) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) وظایفی که در بندهای سه‌گانه اصل (۱۷۶) قانون اساسی برای شورای عالی امنیت ملی تعیین شده، وظایفی کلی است که نیاز به تفصیل، تشخیص و ذکر مصادیق و همچنین تبیین سیاست‌های اجرایی دارد. مجلس شورای اسلامی می‌تواند در راستای تبیین جزئی‌تر وظایف شورای عالی امنیت ملی، این وظایف را با تفصیل بندهای سه‌گانه، به صورت قانونمند تصویب کند. آنچه در این مصوبه و از جمله ماده (۲)، تحت عنوان تعریف و تعیین رده‌های حفاظتی برای

اماکن و تأسیسات کشور و تعیین حدود آنها اشاره شده است، از مصادیق سیاست‌ها و تدابیر امنیتی- دفاعی اجرایی محسوب می‌شود که مجلس صلاحیت تعیین و تصویب آنها را دارد. لذا ماده (۲) از این جهت که سیاست‌های اجرایی شورای عالی امنیت ملی را تعیین می‌کند، با اصل (۱۷۶) قانون اساسی مغایرتی ندارد.

ب) مطابق ذیل اصل (۱۷۶) قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی می‌تواند حدود اختیارات و وظایف شوراهای فرعی شورای عالی امنیت ملی، از جمله شورای امنیت را معین کند. از آنجا که در ذیل ماده (۲)، قانون‌گذار عادی تصریح کرده است که شورای عالی امنیت ملی مختار است و می‌تواند «مسئولیت تعریف و تعیین رده‌های حفاظتی برای اماکن و تأسیسات کشور و تعیین حدود آنها» را به شورای امنیت کشور تفویض نماید، بیانگر آن است که مفاد مصوبه و از جمله ماده (۲)، تبیین حدود وظایف و اختیارات شوراهای فرعی شورای عالی امنیت ملی است که از این جهت ماده‌ی مذکور مطابق با ذیل اصل (۱۷۶) قانون اساسی است.

ج) در ماده (۲)، قانون‌گذار وظیفه‌ی «تعریف و تعیین رده‌های حفاظتی برای اماکن و تأسیسات کشور و تعیین حدود آنها» را بر عهده‌ی شورای عالی امنیت ملی نهاده و این امر را از وظایف این شورا دانسته است، لیکن شورا را بنفسه ملزم به اجرای آن نکرده است، بلکه در ذیل این ماده، شورای عالی امنیت ملی را در تفویض این وظیفه به شوراهای فرعی‌اش مختار دانسته است. بر این اساس، با توجه به اینکه این مصوبه مباشرت خود شورای عالی امنیت ملی را در انجام این تکلیف لازم ندانسته است، مغایرتی با اصل (۱۷۶) قانون اساسی ندارد.

د) در این مصوبه، قانون‌گذار در مقام تشریح، توسیع و یا تضییق وظایف نهاد شورای عالی امنیت ملی نبوده است، بلکه تنها به دنبال «تبیین» وظایف این شورا است که این رفتار قانون‌گذار در راستای قانونمندکردن وظایف شورای عالی امنیت ملی قابل تفسیر است. مؤید این دیدگاه آن است که در صورتی که پاسخ سؤال ذیل، نهاد «شورای عالی امنیت ملی» باشد، مصوبه‌ی مذکور در مقام تبیین وظایف است و نه تحمیل و الزام وظایف:

«با فرض اینکه مصوبه‌ی مذکور وجود نداشت، سؤال این است که وظیفه‌ی تعریف و تعیین رده‌های حفاظتی برای اماکن و تأسیسات کشور و تعیین حدود آنها بر عهده‌ی چه نهادی بود؟» این مصوبه نیز به این سؤال پاسخ داده است و در ماده‌ی مزبور، به درستی مسئول این کار را شورای عالی امنیت ملی معرفی کرده است. لذا این مصوبه، از این جهت که در مقام توصیف وظایف شورای عالی امنیت بوده و وظیفه‌ی جدیدی را برای آن تکلیف نکرده است، مغایرتی با اصل (۱۷۶) قانون اساسی ندارد.

ه) مطابق اصل (۱۷۶) قانون اساسی، شورای عالی امنیت ملی می‌تواند وظایفش را به

شورای‌های فرعی محول کند. لذا ممکن است ستاد کل نیروهای مسلح حکمی از سوی شورای عالی امنیت ملی، به عنوان شورای دفاع یا یکی از شوراهای فرعی مصوب شورای عالی امنیت ملی داشته باشد، آنگاه این ستاد جزء شوراهای فرعی شورای عالی امنیت ملی محسوب خواهد شد که واگذاری مسئولیت تعریف و تعیین رده‌های حفاظتی برای اماکن و تأسیسات کشور به ستاد کل نیروهای مسلح از طریق قانون، مغایر اصل (۱۷۶) قانون اساسی نیست.

و) این موضوع که مطابق اصل (۱۷۶) قانون اساسی، شورای عالی امنیت ملی باید سیاست‌های دفاعی - امنیتی کشور را تعیین نماید، مطلب صحیحی است، ولی در بعضی از مواقع به دلیل اهمیت مسائل دفاعی و امنیتی، تعیین ضوابط و تشخیص مصادیق از تعیین سیاست‌های کلی مهم‌تر است و به همین دلیل مصلحت اقتضا می‌کند که به جای واگذاری تعیین جزئیات و مصادیق به دستگاه‌های اجرایی، شورای عالی امنیت ملی به دلیل اهمیت و حساس بودن مسائل استراتژیک (راهبردی)، خود اقدام به تعیین مصداق کند. بنابراین از آنجا که مسئولیت تعریف و تعیین رده‌های حفاظتی برای اماکن و تأسیسات کشور و تعیین حدود آنها در ماده (۲) این مصوبه، از مسائل مهم پدافند عامل و غیرعامل محسوب می‌شود، شورای عالی امنیت ملی می‌تواند خود، این امور را انجام دهد. لذا تعیین وظایف مقرر در این مصوبه و از جمله ماده (۲) برای شورای عالی امنیت ملی، در راستای وظایف این نهاد قلمداد می‌شود و از این جهت مغایرتی با اصل (۱۷۶) قانون اساسی ندارد.

ز) در اصل (۱۷۶) قانون اساسی تصریح شده است که شورای عالی امنیت ملی به تناسب وظایف خود می‌تواند شوراهای فرعی از قبیل شورای دفاع و شورای امنیت کشور را تشکیل دهد. در این عبارت، با وجود قید «از قبیل»، حصر، مفهومی ندارد که بخواهیم تعداد شوراهای فرعی شورای عالی امنیت ملی را به دو شورای مذکور، محدود نماییم. بنابراین، شورای عالی امنیت ملی می‌تواند بعضی از وظایف خود را به ستاد کل نیروهای مسلح محول کند. لذا این تفویض وظیفه، از صلاحیت‌های اختیاری شورای عالی امنیت ملی است و مغایرتی با اصل (۱۷۶) قانون اساسی نخواهد داشت. به همین خاطر در حال حاضر شورای عالی امنیت ملی بنا به شرایطی تعیین حریم حفاظتی اماکن نظامی را به ستاد کل نیروهای مسلح، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش جمهوری اسلامی ایران محول کرده است. بنابراین، ماده‌ی مزبور از جهت تجویز تفویض برخی از وظایف شورای عالی امنیت ملی به ستاد کل نیروهای مسلح، مغایرتی با اصل (۱۷۶) قانون اساسی ندارد.

نظر شورای نگهبان

ذیل ماده (۲)، از این جهت که وظایف شورای عالی امنیت ملی را بر عهده ستاد کل نیروهای مسلح قرار داده است، مغایر اصل (۱۷۶) قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۳- کلیه دستگاه‌های اجرایی موظفند در هنگام احداث اماکن و تأسیسات مشمول این قانون، حریم حفاظتی لازم را داخل اراضی طرح یا پیرامون آن پیش‌بینی نمایند. اجرای طرح‌های عمرانی نظیر شبکه‌های انتقال و توزیع آب، فاضلاب، برق، گاز، مخابرات و راه در اراضی واقع در حریم‌های حفاظتی و امنیتی، به شرطی مجاز است که به تشخیص شورای عالی امنیت ملی، ناقض امنیت این اماکن نباشد.

دیدگاه مغایرت

وظایفی که در بندهای سه‌گانه‌ی اصل (۱۷۶) قانون اساسی برای شورای عالی امنیت ملی ترسیم شده است، امور کلی است، به نحوی که هیچ‌یک از عبارت‌های بندهای مذکور از جمله تعیین سیاست‌های دفاعی- امنیتی کشور، هماهنگ نمودن فعالیت‌های سیاسی، اطلاعاتی و بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی، ناظر بر امور جزئی مربوط به مسائل امنیتی و دفاعی کشور نیستند، بلکه تمامی این موارد مباحث کلان امنیتی و دفاعی را به ذهن متبادر می‌سازد. این در حالی است که در ماده (۳) این مصوبه، امور جزئی یعنی «تشخیص طرح‌های اجرایی ناقض امنیت و حریم‌های حفاظتی» را در همه‌ی امور و طرح‌ها، در قلمرو وظایف شورای عالی امنیت ملی قرار داده است. بر این اساس، از آنجا که این ماده، بر خلاف اصل (۱۷۶) قانون اساسی، امور جزئی و مصداقی را در صلاحیت شورای عالی امنیت ملی قرار داده است، مغایر با صلاحیت ذاتی و کلی این نهاد امنیتی و در نتیجه مغایر با وظایف این نهاد، مصرح در اصل (۱۷۶) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) مواردی که در ماده (۳) این مصوبه ذکر گردیده است ناظر به وظایف و اختیارات جزئی شورای عالی امنیت ملی نیست تا مغایر اصل (۱۷۶) قانون اساسی باشد، بلکه شورای عالی امنیت ملی ضابطه‌ی کلی حریم‌های حفاظتی و امنیتی اماکن و تأسیسات کشور را معین می‌کند و به صورت کلی طرح‌های اجرایی ناقض امنیت و اصول حفاظتی را مشخص می‌کند، به گونه‌ای که دستگاه‌های اجرایی با توجه به ضوابط تعیین‌شده از سوی این شورا می‌توانند طرح‌های اجرایی خود نظیر شبکه‌های انتقال و توزیع آب، فاضلاب و... را اجرا کنند. بنابراین، ماده‌ی مزبور، از این جهت که یک وظیفه کلی در حوزه‌ی امنیت ملی را در زمره‌ی وظایف شورای عالی امنیت ملی قرار داده است، مغایرتی با اصل (۱۷۶) قانون اساسی ندارد.

ب) ظاهر ماده (۳) این است که قانون‌گذار یک وظیفه‌ی موردی و جزئی را بر عهده‌ی شورای امنیت ملی قرار نداده است، بلکه قانون‌گذار تعیین یک معیار تشخیص را به صورت کلی بر عهده

این نهاد گذاشته است. مفهوم ماده‌ی مذکور این‌گونه نیست که شورای عالی امنیت باید در همه موارد و طرح‌های اجرایی، نسبت به نقض یا عدم نقض اصول امنیت و حفاظت اظهار نظر کند، بلکه شورا تنها نسبت به طرح‌هایی اظهار نظر می‌کند که در اراضی حریم‌های حفاظتی و امنیتی واقع شده‌اند. بنابراین، وظیفه‌ی شورا در این ماده، ورود به جزئیات و موارد متعدد و مصداقی نیست که آن را به استناد جزئی بودن، مغایر وظایف کلی شورای عالی امنیت ملی در اصل (۱۷۶) قانون اساسی بدانیم.

ج) بسیاری از وظایف و عملکرد شورای امنیت ملی، به صورت مصداقی و جزئی است و این‌گونه نیست که نهاد مذکور، صرفاً در مسائل کلی مربوط به حوزه امنیت، اعمال وظیفه کند. نمونه‌ی این عملکرد جزئی شورای امنیت ملی را می‌توان در تصویب احکام متعدد نسبت به موضوعی خاص و جزئی مشاهده کرد. بنابراین هر چند که تشخیص موارد ناقض امنیت در طرح‌های اجرایی موضوع ماده‌ی مزبور، یک امر جزئی و غیر کلی است، اما از آن جهت که ماهیت این «تشخیص» در راستای وظایف و سیاست‌های امنیتی شورای عالی امنیت ملی است، مغایرتی با وظایف شورا در اصل (۱۶۷) قانون اساسی ندارد.

نظر شورای نگهبان

ماده (۳)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۵- دستگاه‌های اجرایی می‌توانند پس از تعیین و تصویب حریم، برای برقراری امنیت با توجه به وضعیت املاک مجاور، به غیر از روش تحدید حقوق مالکانه اشخاص، حسب موازین قانونی و آیین‌نامه اجرایی این قانون، اقدام نمایند.

تبصره- اسکان و اشتغال اشخاص حقیقی و حقوقی و اتباع بیگانه که اقامت آنان در حریم امنیتی، ناقض امنیت اماکن و تأسیسات طبقه‌بندی‌شده نباشد با رعایت الزامات آیین‌نامه اجرایی این قانون بلامانع است.

دیدگاه ابهام

الف) ماده (۵) این مصوبه، به دستگاه‌های اجرایی اجازه داده است که برای برقراری امنیت می‌توانند به غیر از روش‌های تحدید حقوق مالکانه، اقدامات لازم را انجام دهند. روش‌های تحدید حقوق مالکانه، توسط قوانین مختلف مشخص شده است، اما سایر روش‌های دیگر که دستگاه‌ها از طریق آنها می‌توانند برای برقراری امنیت، حقوق اشخاص - اعم از حقوق مالکانه و غیر مالکانه -

را محدود نمایند، واجد ابهام است و مشخص نیست که آیا این روش‌ها روش‌های قانونی و شرعی است و یا شامل موارد غیرقانونی و غیرشرعی نیز می‌شود؟ لذا در صورتی که روش‌های مذکور مشتمل بر روش‌های غیرقانونی و غیرشرعی باشد، ماده‌ی مزبور از این جهت مغایر موازین شرع است. بنابراین، باید منظور از سایر روش‌های تحدید حقوق مالکانه، مشخص شود تا بتوان نسبت به مغایرت یا عدم مغایرت ماده‌ی مزبور با موازین شرع اظهار نظر کرد.

ب) ماده‌ی مزبور که برای برقراری امنیت اماکن دارای حریم امنیتی، تعیین سایر روش‌های محدودکننده‌ی حقوق اشخاص را به موازین قانونی و آیین‌نامه‌ی اجرایی واگذار کرده است، واجد ابهام است. توضیح اینکه در اصل (۴۷) قانون اساسی مقرر شده که مالکیت اشخاص، محترم است و ضوابط این حقوق مالکانه را نیز قانون تعیین می‌کند. بر همین اساس، تنها «قانون» می‌تواند معیارها و ضوابط تحدیدکننده‌ی حقوق اشخاص - اعم از حقوق مالی و غیرمالی - را تعیین کند. با این وصف، اگر در این مصوبه، منظور از سایر روش‌های تحدید حقوق مالکانه، تحدید این حقوق به موجب آیین‌نامه‌ی اجرایی باشد، از آنجا که طبق اصل (۴۷)، این تحدید باید به موجب قانون مصوب مجلس و نه آیین‌نامه باشد، این مصوبه مغایر با اصل (۴۷) قانون اساسی است و اگر منظور از روش‌های تحدید حقوق به موجب آیین‌نامه، ناظر بر شیوه‌های اجرایی تحدید حقوق مالکانه باشد که بر اساس قوانین دیگر و یا همین قانون تصویب شده‌اند، در این صورت، این مصوبه مغایرتی با اصل (۴۷) نخواهد داشت. بنابراین، باید ابهام این ماده برطرف شود تا بتوان نسبت به مغایرت و یا عدم مغایرت آن با قانون اساسی اظهار نظر کرد.

ج) عبارت «رعایت الزامات آیین‌نامه اجرایی» در تبصره‌ی ماده (۵)، واجد ابهام است؛ زیرا شأن موضوع اسکان و اشتغال اشخاص حقیقی و حقوقی و اتباع بیگانه در حریم امنیتی، به دلیل ایجاد حق و تکلیف برای این اشخاص، از امور ماهوی محسوب می‌شود که باید به وسیله‌ی مجلس شورای اسلامی در خصوص آن قانون‌گذاری شود. حال در این ماده مشخص نیست که آیا «الزامات» مشتمل بر تعیین حقوق و تکالیف افراد و موضوعی تقنینی است و یا ناظر بر امور اجرایی و شکلی قانون است. در صورتی که منظور از الزامات ایجاد تکالیف قانونی و امری تقنینی باشد، تعیین آنها به موجب آیین‌نامه مغایر با اصل (۸۵) قانون اساسی است که بر صلاحیت مجلس شورای اسلامی به عنوان مرجع صالح برای تقنین تأکید می‌کند. لذا باید این ابهام ماده (۵) برطرف شود تا بتوان نسبت به مغایرت و یا عدم مغایرت آن با قانون اساسی اظهار نظر کرد.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) اولاً آیین‌نامه‌ی اجرایی این قانون هنوز تدوین و تصویب نشده است که بتوان راجع به آن اظهار نظر کرد؛ چه بسا ممکن است در آیین‌نامه‌ی اجرایی این قانون، موازین شرعی و قانونی

تحدید مالکیت اشخاص به طور کامل رعایت شود و مغایرتی با موازین شرع نداشته باشد. ثانیاً اگر در آیین‌نامه‌ی اجرایی که بعد از تصویب این قانون نوشته خواهد شد، مواردی وجود داشته باشد که مالکیت مشروع افراد را تحدید کند و یا ناظر بر تقنین و قانون‌گذاری در این موضوع باشد، اشخاص می‌توانند نسبت به آن موارد در دیوان عدالت اداری شکایت کنند تا دیوان نسبت به حقوق مالکیت آنها آرای مقتضی را صادر کند. بنابراین، ماده (۵) مغایرتی با اصول قانون اساسی از جمله اصل (۴۷) و (۸۵) قانون اساسی و موازین شرعی نخواهد داشت.

ب) در این ماده، عبارت «به غیر از روش تحدید حقوق مالکانه اشخاص» ابهامی ندارد. مفهوم این عبارت آن است که روش‌های تحدیدکننده‌ی مالکیت افراد مواردی است که توسط قوانین و ضوابط مورد تصویب، تأیید و تأکید قرار گرفته‌اند و از این جهت، این روش‌ها مشخص و معلوم هستند. از سوی دیگر منظور از «سایر روش‌های تحدیدکننده مالکیت اشخاص»، مواردی هستند که مطابق انتهای ماده (۵)، برای حفظ امنیت حریم اماکن و تأسیسات کشور و بر حسب موازین قانونی و آیین‌نامه‌ی اجرایی این قانون، تعیین خواهند شد. بنابراین عبارت «سایر روش‌ها» از جهت «مشخص بودن»، فاقد ابهام است و ضوابط و شرایط آنها بر اساس موازین قانونی از جمله مفاد همین قانون، مشخص می‌شوند. لذا این مصوبه، مغایرتی با موازین شرع و قانون اساسی ندارد.

ج) به صرف اینکه در ماده (۵) تحدید حدود مالکانه‌ی اشخاص به آیین‌نامه‌ی اجرایی احاله شده است، نمی‌توان این ماده را مغایر با موازین شرع یا اصول قانون اساسی دانست؛ زیرا ممکن است قوانین امنیتی و دفاعی وجود داشته باشد که در آن قوانین، بنا به ملاحظات مالکیت اشخاص در موارد معدودی محدود شده باشد و شورای نگهبان نیز با در نظر گرفتن آن ملاحظات و شرایط، آن موارد را خلاف موازین شرع و قانون اساسی اعلام نکرده باشد. بنابراین، نویسندگان آیین‌نامه‌ی اجرایی این قانون نیز می‌توانند با استناد به قوانین سابق، مالکیت اشخاص را در مواردی که حریم امنیتی و دفاعی اماکن و تأسیسات کشور ممکن است با خطر مواجه شود، محدود نمایند. در این صورت واضح است که این آیین‌نامه‌های اجرایی، چون بر حسب موازین قانونی نوشته شده، مغایرتی با موازین شرع و قانون اساسی ندارند.

د) ماده (۵)، برقراری امنیت در غیر روش‌های تحدید حقوق مالکانه‌ی افراد را بر اساس موازین قانونی و آیین‌نامه‌ی «اجرایی» این «قانون» دانسته است. بنابراین به صراحت نص این ماده، منظور از آیین‌نامه در اینجا، «آیین‌نامه‌ی اجرایی» است که از سوی مجریان در راستای اجرای بهتر قانون و ترسیم نحوه‌ی اجرایی کردن آن تصویب می‌شود و لذا ماهیت تقنینی و قانون‌گذاری ندارد. از سوی دیگر، تأکید ماده‌ی مذکور بر اتکای آیین‌نامه بر «قانون»، مستلزم رعایت ضوابط و معیارهای مندرج در قانون مذکور است که از این جهت نیز، ضوابط و مقررات حاکم بر این

آیین‌نامه، مشخص و معین است. در مجموع، آیین‌نامه‌ی مذکور در این ماده، آیین‌نامه‌ای در مقام تقنین نیست و از این جهت ابهامی در این مصوبه نیست تا احتمال مغایرت آن با قانون اساسی در میان باشد.

نظر شورای نگهبان

در ماده (۵)، عبارت «به غیر از روش تحدید حقوق مالکانه اشخاص» واجد ابهام است؛ مضافاً به اینکه در این ماده مشخص نیست که آیا منظور این است که با آیین‌نامه اجرایی محدودیت‌هایی برای اشخاص ایجاد گردد یا خیر؟ ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد. به علاوه در تبصره‌ی این ماده نیز منظور از عبارت «با رعایت الزامات» روشن نیست؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر می‌گردد.

ماده ۶- شهرداری‌ها و سایر مراجع قانونی ذی‌ربط موظفند در صورت مراجعه مالکان املاک (عرصه و اعیانی) واقع در حریم امنیتی اماکن و تأسیسات موضوع این قانون برای اخذ پروانه، آنان را با ذکر حقوق متعلقه بر اساس تراکم پایه شهر یا وفق طرح‌های شهرسازی مصوب، به دستگاه‌های اجرایی معرفی نمایند. دستگاه‌های اجرایی مربوط مکلفند حقوق متعلقه اعلامی را با رعایت لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ شورای انقلاب جمهوری اسلامی به قیمت روز، حداکثر ظرف هجده ماه پرداخت نمایند. تبصره ۱- تملک و تصرف املاک مذکور پس از پرداخت نقدی حقوق مالکانه به قیمت روز امکان‌پذیر است.

تبصره ۲- ادارات ثبت اسناد و املاک کشور موظف به ثبت حقوق دستگاه‌های اجرایی در دفاتر اسناد و املاک مربوطه می‌باشند.

دیدگاه مغایرت

الف) مطابق ماده (۶)، پرداخت حقوق متعلقه‌ی املاک کسانی که در حریم امنیتی اماکن و تأسیسات موضوع این مصوبه قرار دارند، باید با رعایت لایحه‌ی قانونی نحوه‌ی خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ شورای انقلاب جمهوری اسلامی، صورت پذیرد. شورای نگهبان طی نظریه‌های متعدد از جمله

نظریه‌ی شماره ۸۸/۳۰/۳۲۴۴۲ مورخ ۱۳۸۸/۲/۱۹ برخی از مفاد این قانون، از جمله ماده (۴)^(۱) را خلاف شرع دانسته است. بر همین اساس لازم است که تصویب ماده (۶) این مصوبه، با رعایت این ملاحظات نسبت به این لایحه‌ی قانونی باشد، در غیر این صورت، اطلاق ارجاع به لایحه‌ی قانونی نحوه‌ی خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ شورای انقلاب و استناد به این قانون در راستای اجرایی کردن ماده (۶) در این مصوبه، از آن جهت که در برخی از موارد، متضمن موارد خلاف شرع است، مغایر با موازین شرع خواهد بود.

ب) تبصره (۱) ماده (۶)، تملک و تصرف املاک مذکور را پس از پرداخت نقدی حقوق مالکانه به قیمت روز امکان‌پذیر دانسته است. از طرف دیگر، مطابق با ذیل ماده (۶)، حداکثر زمان پرداخت نقدی حقوق مالک، هیجده ماه است که این موضوع مغایر با موازین شرع است.

۱. در تبصره (۴) طرح اصلاح ماده (۱۰۱) قانون شهرداری مصوب ۱۳۸۸/۱/۲۶ مجلس شورای اسلامی آمده بود: «تبصره ۴- کلیه اراضی حاصل از تبصره (۳) و معابر و شوارع عمومی که در اثر تفکیک و افراز و صدور سند مالکیت ایجاد می‌شود، متعلق به شهرداری است و شهرداری در قبال آن هیچ وجهی به صاحب ملک پرداخت نخواهد کرد. در سایر موارد مربوط به اجرای طرح‌های عمومی و عمرانی، قانون «نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت، مصوب سال ۱۳۸۵» و اصلاحات بعدی آن ملاک عمل خواهد بود.» شورای نگهبان در بند (۹) نظر شماره ۸۸/۳۰/۳۲۴۴۲ مورخ ۱۳۸۸/۲/۱۹ خود، پیرامون این تبصره بیان داشت: «نظر به اینکه قسمت اخیر تبصره (۴)، لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ را ملاک عمل قرار داده است، عبارت «قطعی و لازم‌الاجراء است» در ماده (۴) لایحه‌ی قانونی مذکور، خلاف موازین شرع و مغایر اصل (۱۵۹) قانون اساسی شناخته شد.» ماده (۴) لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ شورای انقلاب جمهوری اسلامی، بیان می‌داشت: «ماده ۴- هرگاه نسبت به تعیین بهای عادلانه اراضی و تأسیسات و حقوق و خسارات وارده بین «دستگاه اجرایی» و مالک توافق حاصل نشود، بهای عادلانه توسط هیئت مرکب از سه نفر کارشناس رسمی دادگستری تعیین می‌گردد. کارشناسان یک نفر از طرف «دستگاه اجرایی»، یک نفر از طرف مالک یا صاحب حق و نفر سوم به انتخاب طرفین و در صورت عدم توافق یا استنکاف به معرفی دادگاه صالحه محل وقوع ملک انتخاب می‌شوند. رأی اکثریت هیئت مزبور قطعی و لازم‌الاجراء است.

تبصره ۱- در صورتی که در محل، کارشناس رسمی دادگستری وجود نداشته باشد، طبق ماده (۲۹) قانون کارشناسان رسمی مصوب ۱۳۱۷ عمل می‌شود.

تبصره ۲- هرگاه مالک یا مالکین کارشناس خود را حداکثر ظرف یک ماه از تاریخ اعلام «دستگاه اجرایی» که به یکی از صور ابلاغ کتبی، انتشار در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار یا آگهی در محل به اطلاع عموم می‌رسد تعیین ننماید و یا به علت مجهول بودن مالک، عدم تکمیل تشریفات ثبتی، عدم صدور سند مالکیت، اختلاف در مالکیت، فوت مالک و موانعی از این قبیل، امکان انتخاب کارشناس میسر نباشد دادگاه صالحه محل وقوع ملک حداکثر ظرف (۱۵) روز از تاریخ مراجعه «دستگاه اجرایی» به دادگاه نسبت به تعیین کارشناس اقدام می‌نماید.»

توضیح اینکه در طول مدت ۱۸ ماه، ممکن است قیمت ملک دچار نوسانات گردد و از این جهت، دولت ثمن ملک را در موقعی که قیمت ملک در وضعیت رکود قرار داشته، پرداخت و آن را تملک و تصرف کند، که این موضوع خلاف حقوق مالکانه‌ی افراد است و در نتیجه مغایر با موازین شرع است.

ج) با انعقاد قرارداد بیع، حق مالکیت به دولت منتقل می‌شود، اما مطابق با ذیل ماده (۶)، دولت حق دارد تا هجده ماه، ثمن معامله را به مالک پرداخت نکند. با این وصف، تملک املاک اشخاص از طرف دولت، از زمان انعقاد قرارداد بدون پرداخت قیمت ملک تا هجده ماه، از آنجا که موجبات تحدید و تضییع حقوق مالکانه، از جمله خرید، فروش، سکنی و ... را برای افراد فراهم می‌کند، مغایر با موازین شرع و قاعده‌ی تسلیط مسلمانان بر اموال خویش است. لذا ماده‌ی مزبور، از این جهت نیز با موازین شرعی مغایرت دارد.

دیدگاه ابهام

عبارت «به قیمت روز حداکثر ظرف هجده ماه» در ذیل ماده (۶) و تبصره (۱) آن، واجد ابهام است. بدین جهت که معلوم نیست آیا منظور از «قیمت روز»، قیمت زمانی است که قرارداد و توافق میان طرفین منعقد می‌شود، یا اینکه قیمت روزی است که ثمن معامله پرداخت می‌گردد؟ چون ممکن است وفق حکم مقرر در ذیل ماده (۶)، ثمن معامله تا ۱۸ ماه پس از انعقاد قرارداد به مالک پرداخت شود و از این جهت، قیمت ملک دچار نوسان شده باشد. بنابراین، در صورتی که ملاک قیمت به‌روز، قیمت ملک هنگام انعقاد قرارداد باشد، از آن جهت که ممکن است، قیمت مزبور نسبت به قیمت هنگام پرداخت ثمن، کمتر بوده باشد، این امر مغایر با حقوق مالکانه‌ی افراد و در نتیجه مغایر با موازین شرع است. لذا باید از عبارت مزبور رفع ابهام شود تا بتوان نسبت به مغایرت و یا عدم مغایرت آن با موازین شرع اظهار نظر کرد.

دیدگاه عدم مغایرت

منظور از «قیمت به روز» در این مصوبه، قیمت زمان انعقاد قرارداد است و مدت «هجده ماه» صرفاً فرصتی است که بر اساس رعایت مصالح عمومی، از جمله اقتضای بودجه‌ی عمومی، به دولت داده شده است که در این مدت ثمن معامله را پرداخت نماید. از سوی دیگر، دولت زمانی می‌تواند ملک را تملک و تصرف کند که قیمت ملک را به مالک بپردازد و تا زمانی که ثمن معامله را پرداخت نکند، مالک می‌تواند از حقوق مالکانه‌ی ملک خود مانند حق سکنی بهره‌مند گردد. بنابراین، ماده (۶) این مصوبه، از این جهت ابهام نداشته و مغایرتی نیز با موازین شرعی ندارد.

نظر شورای نگهبان

- همان‌طور که قبلاً طی نظریه‌های متعدد از جمله به موجب نامه شماره ۸۸/۳۰/۳۲۴۴۲ مورخ ۱۳۸۸/۲/۱۹ اعلام شده است، ماده (۴) لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ شورای انقلاب جمهوری اسلامی خلاف شرع می‌باشد، لذا ماده (۶) واجد اشکال شرعی است. همچنین با توجه به تبصره یک این ماده، قسمت اخیر ماده (۶) ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.

- تذکر: تبصره (۲) ماده (۶)، دارای اشکال عبارتی است.

ماده ۷- هرگونه تغییر کاربری مصوب در مورد اماکن واقع در محدوده حریم امنیتی منوط به استعلام و کسب مجوز از دستگاه‌های صاحب حریم مربوطه موضوع مواد (۱) و (۲) این قانون است.

تبصره- دستگاه‌های اجرایی صاحب حریم موظفند ظرف مدت دو ماه در خصوص استعلام شهرداری‌ها و یا مراکزی که طبق قانون موظف به صدور مجوز ساخت یا تغییر کاربری می‌باشند، اعلام نظر نمایند.

دیدگاه ابهام

تبصره ماده (۷)، که دستگاه‌های اجرایی صاحب حریم را موظف کرده است ظرف دو ماه به استعلام نهادهای صادرکننده مجوز ساخت یا تغییر کاربری پاسخ دهند، واجد ابهام است. ابهام این تبصره از این جهت است که معلوم نیست اگر دستگاه‌های اجرایی مذکور در مدت دو ماه از زمان استعلام، پاسخی ندادند، تکلیف و نتیجه چه خواهد شد؟ آیا عدم پاسخ به استعلام به معنای تجویز اجرای عملیات عمرانی و یا تغییر کاربری است و یا اینکه مالک باید همچنان برای پاسخ استعلام صبر کرد؟ در صورتی که منظور از عدم پاسخ آن باشد که مالک باید تا زمان پاسخ استعلام صبر کند و در این مدت حق اعمال حقوق مالکانه خود یعنی تغییر کاربری را نداشته باشد، از آن جهت که این موضوع موجبات تضییع حقوق مالک را فراهم می‌آورد، مغایر با موازین شرع است. بنابراین، باید ابهام مربوط به تکلیف مالک پس از گذشت دو ماه و عدم پاسخ به استعلام، برطرف گردد تا بتوان نسبت به مغایرت یا عدم مغایرت تبصره‌ی این ماده با موازین شرع اظهار نظر کرد.

دیدگاه عدم مغایرت و ابهام

تبصره ماده (۷)، دستگاه‌های اجرایی صاحب حریم را موظف کرده است که ظرف مدت دو ماه

نسبت به استعلام شهرداری‌ها و یا مراکزی که طبق قانون موظف به صدور مجوز ساخت یا تغییر کاربری می‌باشند، اعلام نظر نمایند. این بدان معناست که اگر دستگاه‌های اجرایی در این مدت به استعلام مذکور پاسخ ندهند، مانعی قانونی برای اجرای عملیات عمرانی و یا تغییر کاربری از جهت مقررات امنیتی و حفاظتی برای مالک وجود ندارد. لذا تبصره‌ی ماده (۷) از این جهت ابهامی ندارد.

نظر شورای نگهبان

در تبصره ماده (۷)، نسبت به موردی که دستگاه‌های اجرایی ظرف دو ماه اعلام نظر ننمایند، تعیین تکلیف نشده است، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۳/۳/۴ (مرحله دوم)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۳/۲۸

ماده ۲- مسئولیت تعریف و تعیین رده‌های حفاظتی برای اماکن و تأسیسات کشور و تعیین حدود آنها بر عهده شورای عالی امنیت ملی است.

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به حذف عبارت «شورای عالی امنیت ملی می‌تواند این مسئولیت را حسب تعلق اماکن و تأسیسات بخش لشکری به ستاد کل نیروهای مسلح یا کشوری به شورای امنیت کشور محول نماید» از انتهای ماده (۲)، ایراد پیشین شورای نگهبان مبنی بر مغایرت تفویض وظایف شورای عالی امنیت ملی به ستاد کل نیروهای مسلح با اصل (۱۷۶) قانون اساسی برطرف شده است.

نظر شورای نگهبان

ماده (۲)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۵- دستگاه‌های اجرایی می‌توانند پس از تعیین و تصویب حریم، برای برقراری امنیت با توجه به وضعیت املاک مجاور، پس از تأمین حقوق شرعی و قانونی مالکان به صورت نقدی، حسب موازین قانونی اقدام نمایند.

تبصره- اسکان و اشتغال اشخاص حقیقی و حقوقی و اتباع بیگانه که اقامت آنان در حریم امنیتی، ناقض امنیت اماکن و تأسیسات طبقه‌بندی شده نباشد با رعایت الزامات آیین‌نامه اجرایی این قانون بلامانع است.

دیدگاه مغایرت

وجود واژه‌ی «نقدی» در این ماده‌ی اصلاحی، این مفهوم را می‌رساند که دستگاه‌های اجرایی پس از تعیین و تصویب حریم، جهت برقراری امنیت تنها می‌توانند املاک مجاور را به صورت نقدی از صاحبان آنها خریداری کنند و طریق دیگری از جمله معاوضه، تهاتر و... برای مالک جهت کسب حقوق خود امکان‌پذیر نیست. از آنجا که این موضوع به معنای تحدید حقوق مالکانه‌ی افراد و مغایر با قاعده تسلیط مسلمانان بر اموال خویش است، با موازین شرعی در تغایر است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) مجلس در مصوبه‌ی اصلاحی خود، عبارت «به غیر از روش تحدید حقوق مالکانه اشخاص، حسب موازین قانونی و آیین‌نامه اجرایی این قانون، اقدام نمایند» را از متن ماده‌ی پیشین حذف کرده و عبارت «پس از تأمین حقوق شرعی و قانونی مالکان به صورت نقدی حسب موازین قانونی اقدام نمایند» را جایگزین آن کرده است. بدین ترتیب، ابهام سابق شورای نگهبان در خصوص عبارت «به غیر از روش تحدید حقوق مالکانه اشخاص» از جهت امکان دلالت بر تجویز روش‌های تحدید حقوق مالکانه به نحو غیرشرعی و غیرقانونی برطرف شده است. لذا ماده (۵) اصلاحی، از این جهت مغایرتی با موازین شرعی ندارد.

ب) از آنجا که اراضی و املاک از اموال قیمی محسوب می‌شود نه مثلی، دستگاه‌های اجرایی می‌توانند پس از تعیین و تصویب حریم، برای برقراری امنیت با توجه به وضعیت املاک مجاور، به صورت نقدی این املاک را از صاحبان آنها خریداری کنند و رضایت صاحبان آنها را فراهم نمایند. ضمن اینکه واژه‌ی «نقدی» در این ماده، نافی هرگونه تراضی دستگاه‌های اجرایی با صاحبان املاک مجاور از جمله تهاتر، مصالحه و... نیست. به علاوه، در شرایط کنونی، فروش نقدی بهترین عوض برای تأمین حقوق مالکانه‌ی افراد مذکور است. لذا ماده‌ی مزبور حقوق مالکانه‌ی افراد را تحدید نمی‌کند و از این جهت مغایرتی با موازین شرعی ندارد.

دیدگاه ابهام

مجلس در مصوبه‌ی اصلاحی خود، مفاد تبصره این ماده را تغییر نداده است و لذا همچنان ایراد پیشین شورای نگهبان در خصوص ابهام عبارت «الزامات آیین‌نامه اجرایی» در ماده (۵) اصلاحی نیز وجود دارد. همان‌طور که گفته شد شأن موضوع اسکان و اشتغال اشخاص حقیقی و حقوقی و اتباع بیگانه در حریم امنیتی، به دلیل ایجاد حق و تکلیف برای این اشخاص، از امور ماهوی محسوب می‌شود که باید به وسیله‌ی مجلس شورای اسلامی در خصوص آن قانون‌گذاری شود. حال در این ماده مشخص نیست که آیا «الزامات» مشتمل بر تعیین حقوق و تکالیف و

موضوعی تقنینی است و یا ناظر بر امور اجرایی و شکلی قانون است. در صورتی که منظور از الزامات ایجاد تکالیف قانونی برای اشخاص و امری تقنینی باشد، تعیین آنها به موجب آیین‌نامه، مغایر با اصل (۸۵) قانون اساسی است که بر صلاحیت مجلس شورای اسلامی به عنوان مرجع صالح برای تقنین تأکید می‌کند. لذا باید این ابهام تبصره، برطرف شود تا بتوان نسبت به مغایرت و یا عدم مغایرت آن با قانون اساسی اظهار نظر کرد.

نظر شورای نگهبان

اشکال قسمت اخیر بند (۲) ایراد قبلی این شورا در خصوص ابهام تبصره ماده (۵)،^(۱) کماکان به قوت خود باقی است.

ماده ۶- شهرداری‌ها و سایر مراجع قانونی ذی‌ربط موظفند در صورت مراجعه مالکان املاک (عرصه و اعیانی) واقع در حریم امنیتی اماکن و تأسیسات موضوع این قانون برای اخذ پروانه، آنان را با ذکر حقوق متعلقه بر اساس تراکم پایه شهر یا وفق طرح‌های شهرسازی مصوب، به دستگاه‌های اجرایی معرفی نمایند. دستگاه‌های اجرایی مربوط مکلفند حقوق متعلقه اعلامی را با رعایت قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی به صورت نقدی پرداخت نمایند.

تبصره- ادارات ثبت اسناد و املاک کشور موظف به ثبت حقوق مالکانه دستگاه‌های اجرایی در دفاتر اسناد و املاک مربوطه می‌باشند.

دیدگاه عدم مغایرت

مجلس شورای اسلامی در راستای رفع ایرادهای پیشین شورای نگهبان به ماده (۶)، از انتهای ماده (۶) این مصوبه، عبارت «لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ شورای انقلاب جمهوری اسلامی به قیمت روز حداکثر ظرف هیجده ماه پرداخت نماید» را حذف و عبارت «قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی به صورت نقدی پرداخت نمایند» را جایگزین کرده است. بدین ترتیب علاوه بر اینکه ابهام پیشین شورای نگهبان در خصوص مدت زمان پرداخت حقوق مالکانه افراد (هجده ماه)

۱. بند (۲) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۳۰۳ مورخ ۱۳۹۳/۲/۲ شورای نگهبان در خصوص لایحه تعیین حریم حفاظتی- امنیتی اماکن و تأسیسات کشور، مصوب ۱۳۹۳/۱/۱۷ مجلس شورای اسلامی: «۲- ... به علاوه، در تبصره این ماده [= ماده (۵)] نیز منظور از عبارت «با رعایت الزامات» روشن نیست؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر می‌گردد.»

برطرف شده است، ایراد شرعی استناد به لایحه‌ی قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ نیز برطرف شده است؛ زیرا در این ماده اصلاحی، پرداخت حقوق مالکانه‌ی افراد بر اساس قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی و به صورت نقدی پرداخت می‌شود. همچنین با حذف تبصره (۱) ماده سابق، ایراد شورا نسبت به این تبصره نیز سالبه به انتفاء موضوع شده است. اضافه شدن واژه‌ی «مالکانه» در تبصره‌ی اصلاحی فعلی نیز تذکر سابق شورای نگهبان در ارتباط با اشکال عبارتی در این تبصره [= تبصره (۲) ماده (۶) سابق] را برطرف کرده است.

نظر شورای نگهبان

ماده (۶) و تبصره آن، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۷- هرگونه تغییر کاربری مصوب در مورد اماکن واقع در محدوده حریم امنیتی منوط به استعلام و کسب مجوز از دستگاه‌های صاحب حریم مربوطه موضوع مواد (۱) و (۲) این قانون است.

تبصره- دستگاه‌های اجرایی صاحب حریم، موظفند ظرف مدت دو ماه در خصوص استعلام شهرداری‌ها و یا مراکزی که طبق قانون موظف به صدور مجوز ساخت یا تغییر کاربری می‌باشند، اعلام نظر نمایند. عدم اظهار نظر دستگاه‌های مذکور ظرف مهلت مزبور به منزله موافقت و جواز آنها محسوب می‌شود.

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به اضافه شدن عبارت «عدم اظهار نظر دستگاه‌های مذکور ظرف مهلت مزبور به منزله موافقت و جواز آنها محسوب می‌شود» به انتهای تبصره‌ی ماده (۷)، ابهام پیشین شورای نگهبان در خصوص این تبصره، از جهت عدم تعیین تکلیف مالکان در صورت عدم اظهار نظر مراجع اجرایی در ظرف مدت دو ماه، برطرف شده است. مفاد این تبصره‌ی اصلاحی نیز مغایرتی با موازین شرع و قانون اساسی ندارد.

نظر شورای نگهبان

تبصره‌ی ماده (۷)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۳/۵/۱۹ (مرحله سوم)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۵/۲۹

ماده ۵- دستگاه‌های اجرایی می‌توانند پس از تعیین و تصویب حریم، برای برقراری امنیت با توجه به وضعیت املاک مجاور، پس از تأمین حقوق شرعی و قانونی مالکان به صورت نقدی حسب موازین قانونی اقدام نمایند.

تبصره- اسکان و اشتغال اشخاص حقیقی و حقوقی و اتباع بیگانه که اقامت آنان در حریم امنیتی، ناقض امنیت اماکن و تأسیسات طبقه‌بندی شده نباشد با رعایت الزامات قانونی بلامانع است.

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به حذف عبارت «الزامات آیین‌نامه اجرایی این قانون» در تبصره‌ی ماده (۵) و جایگزین شدن واژه‌ی «الزامات قانونی» به جای این عبارت، ابهام اسبق شورای نگهبان در خصوص عبارت «الزامات آیین‌نامه اجرایی» از جهت احتمال شمول آن بر الزامات تقنینی، برطرف شده است.

نظر شورای نگهبان

تبصره‌ی ماده (۵)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه مجلس در خصوص لایحه تعیین حریم حفاظتی- امنیتی اماکن و تأسیسات کشور، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

قانون الحاق سه بند به مواد (۲) و (۴) و اصلاح ماده (۶) قانون تشکیل

شورای عالی اشتغال

مصوب ۱۳۹۳/۶/۴

درباره‌ی قانون

طرح «الحاق سه بند به مواد (۲) و (۴) قانون تشکیل شورای عالی اشتغال» در تاریخ ۱۳۹۲/۱۱/۸ به پیشنهاد تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی با عنوان اولیه‌ی «طرح الحاق یک بند به ماده (۲) قانون تشکیل شورای عالی اشتغال» با قید یک فوریت به مجلس ارائه شد. در مقدمه‌ی توجیهی این طرح، ضرورت ارائه‌ی این طرح و فوریت آن، چنین بیان شده است: «کمیته امداد امام خمینی (ره) در راستای محرومیت‌زدایی از قشر محروم جامعه، فرصت‌های شغلی مناسب برای مددجویان مستعد بعد از انقلاب اسلامی ایجاد نموده است، به‌طوری که توسعه فعالیت‌های اقتصادی کوچک و مشاغل بومی، کلیه مددجویان مستعد را از این طریق، شاغل و به مرور زمان خودکفا نموده است. این نهاد از یک طرف آموزش‌های لازم را به مددجویان جویای کار می‌دهد و از طرف دیگر، سرمایه‌های اقتصادی لازم را برای این قشر فراهم می‌نماید؛ به عنوان مثال در سال ۱۳۹۱ کمیته امداد امام با اجرای ۲۰۷۶۸۶ طرح اشتغال و ۳۴۳۳۸ مورد کاریابی برای افراد بیکار، بیش از ۲۴۲۰۰۰ نفر را مشغول به کار نموده و بسیاری از این افراد به توانمندی اقتصادی دست یافته‌اند. با توجه به اینکه بیکاری مهمترین عامل اقتصادی موجد فقر و محرومیت در کشور می‌باشد، لذا ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب برای افراد بیکار از جمله راهکارهای مفید رفع این معضل در کشور است. قانون تشکیل شورای عالی اشتغال، تصمیم‌گیری در خصوص امور مرتبط با اشتغال را بر عهده شورای عالی اشتغال به ریاست رئیس جمهور قرار داده است. اعضای این شورا در ماده (۲) قانون فوق مشخص گردیده است که در حقیقت، سیاست‌گذاران اصلی این عرصه می‌باشند. هر چند که کمیته امداد امام خمینی (ره) در مدیریت روند اشتغال در کشور نقش به‌سزایی دارد و همواره بیشترین سهم ایجاد اشتغال به نهاد مذکور واگذار گردیده، لیکن نماینده‌ای از این کمیته در شورای عالی اشتغال حضور ندارد. لذا طرح عضویت سرپرست کمیته امداد امام خمینی (ره) با هدف افزایش اثربخشی تصمیمات شورای عالی اشتغال پیشنهاد و با قید یک فوریت به مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌گردد.»

نمایندگان مجلس در جلسه‌ی علنی مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۸ با یک فوریت بررسی این طرح موافقت کردند. لذا این طرح، برای رسیدگی به صورت یک‌فوریتی به کمیسیون اجتماعی به عنوان

کمیسیون اصلی ارسال شد که این کمیسیون مزبور، آن را در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۱/۳۱ عیناً به تصویب رساند و گزارش آن را به مجلس ارائه کرد. این طرح در تاریخ ۱۳۹۳/۵/۱ در صحن علنی مجلس مطرح شد و با اصلاحاتی در عنوان و متن به تصویب نمایندگان رسید و برای طی روند قانونی مذکور در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۴۳۲/۳۰۷۳۲ مورخ ۱۳۹۳/۵/۵ به شورای نگهبان ارسال شد. عنوان این مصوبه با اصلاحات انجام‌شده در صحن علنی مجلس، به «طرح الحاق سه بند به مواد (۲) و (۴) قانون تشکیل شورای عالی اشتغال» تغییر کرد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۵/۱۵ خود، مفاد آن را مغایر با اصل (۶۰) قانون اساسی دانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۶۹۶ مورخ ۱۳۹۳/۵/۱۵ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. مجلس شورای اسلامی برای رفع ایراد شورای نگهبان، در جلسه‌ی علنی مورخ ۱۳۹۳/۶/۴، ضمن تغییر عنوان این طرح به «طرح الحاق سه بند به مواد (۲) و (۴) و اصلاح ماده (۶) قانون تشکیل شورای عالی اشتغال» اصلاحات لازم را در این مصوبه اعمال کرد و مصوبه‌ی اصلاحی را طی نامه‌ی شماره ۴۳۲/۳۸۹۹۵ مورخ ۱۳۹۳/۶/۹ برای اظهار نظر مجدد به شورای نگهبان ارسال کرد. بررسی مصوبه‌ی اصلاحی در دستور کار جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۹ شورای نگهبان قرار گرفت که پس از بحث و بررسی، شورای نگهبان اصلاحات انجام‌شده را رافع ایراد قبلی دانست و نظر خود در این خصوص را به موجب نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۰۰۰ مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۹ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۳/۵/۱ (مرحله نخست)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۵/۱۵

ماده واحده- بندهای زیر به مواد (۲) و (۴) قانون تشکیل شورای عالی اشتغال مصوب ۱۳۷۷/۶/۱^(۱) الحاق می‌گردد:

۱. مواد (۲) و (۴) قانون تشکیل شورای عالی اشتغال مصوب ۱۳۷۷/۶/۱: «ماده ۲- ترکیب شورای عالی اشتغال به

شرح زیر می‌باشد:

۱- معاون رئیس جمهور و ریاست سازمان برنامه و بودجه

۲- وزیر کار و امور اجتماعی

۳- وزیر کشور

۴- وزیر جهاد سازندگی

۵- وزیر کشاورزی

۶- وزیر آموزش و پرورش



- ۷- وزیر صنایع
- ۸- وزیر امور اقتصادی و دارایی
- ۹- وزیر نیرو
- ۱۰- وزیر تعاون
- ۱۱- وزیر معادن و فلزات
- ۱۲- وزیر بازرگانی
- ۱۳- وزیر فرهنگ و آموزش عالی
- ۱۴- وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
- ۱۵- رئیس کل بانک مرکزی.
- ۱۶- مشاور رئیس جمهور در امور زنان
- ۱۷- دو نفر از نمایندگان کارفرمایان به معرفی کانون عالی انجمن صنفی کارفرمایان که در صورت عدم تشکیل کانون توسط وزیر کار و امور اجتماعی انتخاب خواهد شد.
- ۱۸- دو نفر از نمایندگان کارگران به معرفی کانون عالی شوراهای اسلامی کار که در صورت عدم تشکیل توسط وزیر کار و امور اجتماعی معرفی خواهد شد.
- ۱۹- رئیس کمیسیون کار و امور اجتماعی مجلس شورای اسلامی به عنوان ناظر.
- دبیرخانه شورا می تواند به منظور هماهنگی بر حسب مورد از سایر وزراء برای شرکت در جلسات تصمیم گیری دعوت به عمل آورد.
- ماده ۴- به منظور اجرای مصوبات شورای عالی اشتغال کمیته هماهنگی اشتغال استانها به شرح ذیل تشکیل می گردد. اعضای کمیته هماهنگی استان مرکب خواهند بود از:
 - ۱- استاندار- رئیس شورا
 - ۲- رئیس سازمان برنامه و بودجه- دبیر شورا
 - ۳- مدیر کل کار و امور اجتماعی
 - ۴- مدیر کل آموزش و پرورش
 - ۵- مدیر کل صنایع
 - ۶- رئیس سازمان جهاد سازندگی
 - ۷- مدیر کل تعاون
 - ۸- مدیر کل امور اقتصادی و دارایی
 - ۹- رئیس سازمان کشاورزی
 - ۱۰- مدیر کل معادن و فلزات
 - ۱۱- مدیر کل بازرگانی
 - ۱۲- دو نفر از نمایندگان کارفرمایان به معرفی کانون هماهنگی انجمن های صنفی کارفرمایان
 - ۱۳- دو نفر از نمایندگان کارگران به معرفی کانون شوراهای اسلامی استان
 - ۱۴- یک نفر از کمیسیون امور بانوان استان
 - ۱۵- یک نفر از نمایندگان استان با انتخاب نمایندگان استان به عنوان ناظر.

تبصره - «...»

الف- دو بند الحاقی به ماده (۲):

- سرپرست کمیته امداد خمینی (ره)

- رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران

ب- بند الحاقی به ماده (۴)

- مدیر کل کمیته امداد امام خمینی (ره)

دیدگاه مغایرت

مطابق با قانون تشکیل شورای عالی اشتغال، این شورا دارای صلاحیت‌های متنوعی در زمینه‌ی نظارت و اجرا است. همچنین مطابق با ماده (۶) این قانون، «تصمیمات شورا با اکثریت آراء اعضای حاضر معتبر خواهد بود.» بر این اساس، با توجه به صلاحیت‌های این شورا و همچنین نحوه‌ی تصمیم‌گیری در این شورا، عضویت اعضای غیر وزیر با داشتن حق رأی در این شورا مغایر با اصل (۶۰) قانون اساسی است؛ زیرا طبق این اصل، اعمال قوه‌ی مجریه جز در اموری که قانون اساسی مستقیماً برعهده‌ی رهبری گذاشته است، از طریق رئیس جمهور و وزراء است؛ حال آنکه طبق بند (الف) این مصوبه، علی‌رغم اینکه سرپرست کمیته امداد خمینی (ره) فاقد سِمَت دولتی است، به وی صلاحیت انجام برخی از امور اجرایی و نیز تصمیم‌گیری با حق رأی در حوزه‌ی اشتغال اعطا شده است که انجام همگی آنها طبق اصل فوق‌الذکر برعهده‌ی قوه مجریه و هیئت وزیران است. نکته قابل توجه آن است که عضویت اعضای غیر وزیر با داشتن حق رأی در شورای عالی اشتغال سابقاً نیز در جریان تصویب «قانون تشکیل شورای عالی اشتغال» مورد ایراد شورای نگهبان واقع شده بود. توضیح آنکه شورای نگهبان پس از تصویب طرح شورای عالی اشتغال در مجلس، به موجب نظر شماره ۷۷/۲۱/۲۸۵۴ مورخ ۱۳۷۷/۳/۱۰،^(۱) تفویض امور اجرایی به شورایی مرکب از تعدادی از وزیران و مسئولان غیر وزیر را مغایر با اصول متعدد قانون اساسی از جمله اصل (۶۰) شناخته بود که پس از آن، مجلس شورای اسلامی در اصلاحیه‌ی خود از طریق حذف برخی از اعضا و یا اضافه کردن قید «به عنوان ناظر و بدون حق رأی» برای اعضای غیر

۱. بند (۱) نظر شماره ۷۷/۲۱/۲۸۵۴ مورخ ۱۳۷۷/۳/۱۰ شورای نگهبان در خصوص طرح تشکیل شورای عالی اشتغال مصوب ۱۳۷۷/۲/۲۷ مجلس شورای اسلامی: «۱- بخشی از هدف و وظایف مذکور در مواد (۱) و (۳) و (۴) طرح تشکیل شورای عالی اشتغال از مقوله تقنین است که مربوط به مجلس شورای اسلامی است، بخشی دیگر از آنها نیز یا از وظایف و اختیارات هیئت وزیران و یا از جمله وظایف و اختیارات وزیر و وزارت کار و امور اجتماعی است؛ از این رو تفویض تعیین اهداف و اجرای وظایفی که برعهده قوه مقننه و هیئت وزیران و یا وزیر کار و امور اجتماعی است به شورایی مرکب از تعدادی از وزیران و مسئولان غیر وزیر، مغایر اصول (۵۸)، (۶۰) و (۸۵) و (۱۳۸) قانون اساسی است.»

وزیر، ایراد شورای نگهبان را برطرف کرد. بنابراین، الحاق «سرپرست کمیته امداد امام خمینی (ره)» بدون قید عبارت «به عنوان ناظر و بدون حق رأی» به ماده (۲) این قانون، واجد اشکال و مغایر با اصل (۶۰) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

اگرچه سرپرست کمیته امداد خمینی (ره) فاقد سمت دولتی است، لیکن از آنجا که این کمیته جزء نهادهای حکومتی محسوب می‌شود، واگذاری انجام برخی از امور اجرایی و نیز تصمیم‌گیری با حق رأی در حوزه‌ی اشتغال به سرپرست این کمیته با اشکالی مواجه نیست. بنابراین، حکم مقرر در بند (الف) این مصوبه مبنی بر الحاق سرپرست کمیته امداد خمینی (ره) به ماده (۲) قانون تشکیل شورای عالی اشتغال، مغایرتی با اصل (۶۰) قانون اساسی ندارد.

نظر شورای نگهبان

عضویت سرپرست کمیته امداد امام خمینی (ره) با حق رأی در بند (الف) الحاقی به ماده (۲)، همان‌طور که در نظریه شماره ۷۷/۲۱/۲۸۵۴ مورخ ۱۳۷۷/۳/۱۰ این شورا آمده است، مغایر اصل (۶۰) قانون اساسی شناخته شد.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۳/۶/۴ (مرحله دوم)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۶/۱۹

عنوان طرح به شرح زیر اصلاح می‌شود:

طرح الحاق سه بند به مواد (۲) و (۴) و اصلاح ماده (۶) قانون تشکیل شورای عالی اشتغال

صدر ماده واحده به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده واحده- بندهای زیر به مواد (۲) و (۴) قانون تشکیل شورای عالی اشتغال مصوب ۱۳۷۷/۶/۱ الحاق و ماده (۶) قانون^(۱) به شرح زیر اصلاح می‌شود:

۱. ماده (۶) قانون تشکیل شورای عالی اشتغال مصوب ۱۳۷۷/۶/۱: «ماده ۶- شورای عالی اشتغال حداقل هر شش ماه یکبار تشکیل جلسه خواهد داد و جلسات آن با حضور دو سوم اعضاء رسمیت یافته و تصمیمات شورا با اکثریت آراء اعضاء حاضر معتبر خواهد بود.»

الف- دو بند الحاقی به ماده (۲):

- سرپرست کمیته امداد خمینی (ره)

- رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران

ب- بند الحاقی به ماده (۴)

- مدیر کل کمیته امداد امام خمینی (ره)

متن زیر به عنوان بند (پ) به ماده واحده الحاق می‌شود:

پ- در ماده (۶) قانون، عبارت «با تأیید رئیس جمهور قابل اجراء است» جایگزین

عبارت «معتبر خواهد بود» می‌گردد.

دیدگاه مغایرت

به موجب اصل (۱۳۸) قانون اساسی، صلاحیت وضع آیین‌نامه صرفاً بر عهده وزراء، هیئت وزیران و کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر است و رئیس جمهور در این خصوص صلاحیتی ندارد. از طرف دیگر، نمی‌توان شورای عالی اشتغال را در زمره‌ی کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر محسوب کرد که تصمیمات آن با تأیید رئیس جمهور لازم‌الاجرا است؛ زیرا کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر، اولاً صرفاً باید متشکل از وزراء باشد و نه غیر وزراء و ثانیاً توسط دولت ایجاد می‌شوند و نه مجلس. لذا با توجه به اینکه این شورا متشکل از اعضاء وزیر و غیر وزیر است و توسط مجلس نیز ایجاد شده‌اند و نه دولت، نمی‌توان این شورا را در زمره‌ی کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر محسوب کرد. حال با توجه به صلاحیت‌های شورای عالی اشتغال که در ماده (۳)^(۱) قانون تشکیل این شورا ذکر شده است و اصولاً واجد ماهیت آیین‌نامه‌ای است نمی‌توان تصمیمات این شورا را با تأیید رئیس جمهور لازم‌الاجرا دانست؛ زیرا مطابق اصل (۱۳۸) قانون

۱. ماده (۳) قانون تشکیل شورای عالی اشتغال مصوب ۱۳۷۷/۶/۱: «ماده ۳- شورای عالی اشتغال انجام وظایف زیر را عهده‌دار خواهد بود:

۱- ایجاد هماهنگی بین دستگاه‌ها و سازمان‌های مختلف در زمینه عرضه و تقاضای بازار کار و نظارت بر عملکرد این دستگاه‌ها در زمینه اشتغال

۲- تعیین سهمیه فرصت‌های شغلی در بخش‌های مختلف اقتصادی با رعایت مقررات مربوطه

۳- برنامه‌ریزی و تعیین راهکارهای عملی برای رشد و توسعه اشتغال در روستاها، شهرهای کوچک و برای گروه‌های خاص (معلولین- زنان و جوانان) با رعایت مقررات مربوطه

۴- ایجاد فضا و مقررات حمایتی از کارآفرینان و سرمایه‌گذاران به منظور ایجاد اشتغال مولد با رعایت مقررات مربوطه

۵- اتخاذ تدابیر لازم برای برقراری نظم بیشتر در بازار کار.»

اساسی، رئیس جمهور حق وضع آیین‌نامه ندارد. بنابراین، از آنجا که ماهیت تصمیمات شورای عالی اشتغال، مقررگذاری بوده و رئیس جمهور نیز حق وضع آیین‌نامه ندارد، حکم مقرر در مصوبه‌ی اصلاحی مبنی بر لازم‌الاجرا دانستن مصوبات شورای عالی اشتغال با تأیید رئیس جمهور مغایر با اصل (۱۳۸) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) با توجه به اینکه طبق مصوبه‌ی اصلاحی، عبارت «معتبر خواهد بود» در ماده (۶) حذف و عبارت «و با تأیید رئیس جمهور قابل اجراء است» جایگزین آن شده است، ایراد قبلی شورا مبنی بر صحیح نبودن تفویض انجام وظایف اجرایی و نیز تصمیم‌گیری با حق رأی به سرپرست کمیته امداد خمینی (ره) و مغایرت این موضوع با اصل (۶۰) قانون اساسی برطرف شده است؛ زیرا با توجه به اصلاح صورت گرفته، شورای عالی اشتغال شأن مستقلی نخواهد داشت و تصمیمات آن صرفاً با تأیید رئیس جمهور اجرایی خواهد شد.

ب) طبق اصل (۱۲۶) قانون اساسی، مسئولیت امور اداری و استخدامی کشور بر عهده‌ی رئیس جمهور است و ایشان می‌تواند اداره‌ی این امور را به عهده‌ی دیگری واگذار کند. از طرفی، مصوبات شورای عالی اشتغال ارتباط وثیقی با امور اداری و استخدامی کشور دارد، لذا لازم‌الاجرا دانستن مصوبات آن شورا با تأیید رئیس جمهور در راستای اصل (۱۲۶) قانون اساسی قابل ارزیابی است و این موضوع اساساً هیچ‌گونه ارتباطی با اصل (۱۳۸) قانون اساسی ندارد تا گفته شود این مصوبه مغایر با اصل (۱۳۸) است.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه مجلس در خصوص طرح الحاق سه بند به مواد (۲) و (۴) و اصلاح ماده (۶) قانون تشکیل شورای عالی اشتغال، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

قانون تمدید مدت اجرای آزمایشی قانون استخدام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۳/۶/۵

درباره‌ی قانون

لایحه «تمدید مدت اجرای آزمایشی قانون استخدام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران» که در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۳/۲۶ هیئت وزیران به تصویب رسیده بود، به موجب نامه‌ی شماره ۴۸۸۳۰/۹۵۳۲۱ برای طی تشریفات قانونی و تصویب در مجلس شورای اسلامی به این نهاد ارسال شد. در مقدمه‌ی توجیهی این لایحه آمده است: «نظر به اینکه مدت اجرای آزمایشی قانون استخدام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۲، در بهمن‌ماه ۱۳۹۲ به پایان می‌رسد و نیروی انتظامی پس از دوره مذکور از حیث استخدامی دچار خلأ قانونی خواهد شد، لذا به منظور اجتناب از بروز این مشکل، لایحه زیر جهت طی تشریفات قانونی تقدیم می‌گردد.»

این لایحه، در مجلس شورای اسلامی برای بررسی به صورت یک شوری به کمیسیون مشترک (متشکل از کمیسیون‌های امنیت ملی و سیاست خارجی، اجتماعی، برنامه و بودجه و محاسبات) ارجاع شد که این کمیسیون، آن را با اصلاحاتی در تاریخ ۱۳۹۲/۷/۹ به تصویب رساند و گزارش آن را به مجلس ارائه کرد. مجلس شورای اسلامی نیز در تاریخ ۱۳۹۳/۳/۲۱، لایحه مزبور را با اصلاحاتی تصویب و طی نامه‌ی شماره ۳۳۶/۲۰۹۴۹ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱ برای طی مراحل قانونی مقرر در اصل (۹۴) قانون اساسی به شورای نگهبان ارسال کرد. شورای نگهبان با بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۴، مفاد این مصوبه را مغایر با اصل (۷۴) قانون اساسی تشخیص داد و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۳ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. مجلس برای رفع ایراد شورای نگهبان، در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۶/۵ اصلاحات لازم را در این مصوبه اعمال و آن را طی نامه‌ی شماره ۳۳۶/۳۹۰۲۱ مورخ ۱۳۹۳/۶/۹ برای اظهار نظر مجدد به شورای نگهبان ارسال کرد. بررسی مصوبه‌ی اصلاحی در دستور کار جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۹ شورای نگهبان قرار گرفت که اعضای شورا پس از بحث و بررسی راجع به این مصوبه، ایراد پیشین را برطرف شده دانستند و نظر خود مبنی بر مغایرت نداشتن مفاد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۹۹۹ مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۹ به مجلس شورای اسلامی اعلام کردند.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۳/۳/۲۱ (مرحله نخست)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۴/۴

ماده واحده- مدت اجرای آزمایشی قانون استخدام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۰ به مدت دو سال تمدید می‌شود.

تبصره- دولت موظف است برای دائمی شدن این قانون، اقدامات قانونی لازم را ظرف مدت یک سال از تاریخ تصویب به عمل آورد.

دیدگاه مغایرت

الف) تبصره‌ی ماده‌ی مزبور که توسط مجلس وضع و به لایحه اضافه شده است، دولت را موظف کرده است که برای دائمی شدن قانون استخدام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و خروج آن از وضعیت آزمایشی، اقدامات لازم را به عمل آورد. آنچه از عبارت «اقدامات قانونی لازم» در این تبصره برداشت می‌شود، همان تقدیم لایحه از سوی دولت به مجلس است و اقدام دیگری در این خصوص قابل تصور نیست. با توجه به اصل (۷۴) قانون اساسی که اشعار می‌دارد لوایح قانونی پس از تصویب هیئت وزیران به مجلس تقدیم می‌شود، تهیه و ارائه‌ی لایحه از اختیارات و صلاحیت‌های دولت بوده و مجلس نمی‌تواند دولت را ملزم به ارائه‌ی لایحه کند. بنابراین، تبصره‌ی مزبور از آن جهت که دولت را ملزم به ارائه‌ی لایحه کرده است، مغایر با اصل (۷۴) قانون اساسی است. اگر در این ماده قید شده بود که مجلس، مقررات مربوط به استخدام نیروی انتظامی را در صورتی تصویب می‌کند که توسط دولت به صورت لایحه‌ی دائمی ارائه شود، این ماده با ایرادی مواجه نبود، ولی با توجه به ذکر عبارت «این قانون»، مجلس در صدد الزام دولت به دائمی کردن «همین قانون» است که با توجه به الزام دولت به ارائه‌ی همین متن در قالب لایحه، این ماده مغایر با اصل (۷۴) قانون اساسی است.

ب) مطابق با اصل (۸۵) قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی می‌تواند در موارد ضروری، اختیار وضع بعضی از قوانین را با رعایت اصل هفتاد و دوم قانون اساسی، به کمیسیون‌های داخلی خود تفویض کند؛ در این صورت این قوانین در مدتی که مجلس تعیین می‌کند به صورت آزمایشی اجرا می‌شوند. بر اساس این اصل، دائمی یا آزمایشی شدن یک مصوبه از اختیارات مجلس و در صلاحیت این نهاد است و دولت در این زمینه اختیاری ندارد. هرچند ظاهر تبصره‌ی مزبور، دولت را موظف کرده است تا برای دائمی شدن این قانون، اقدامات لازم را به عمل آورد، لیکن با توجه به اینکه دائمی شدن یک مصوبه بر عهده‌ی مجلس است، مستفاد از منطوق این تبصره این است که دولت موظف است در این خصوص، لایحه‌ای به مجلس تقدیم کند. لذا این

برداشت که تبصره‌ی مزبور تنها در مقام الزام دولت به دائمی کردن این قانون است و دولت را ملزم به ارائه‌ی لایحه نمی‌کند، قابل‌پذیرش نیست. بنابراین تبصره‌ی مزبور از آن جهت که دولت را ملزم به ارائه‌ی لایحه به مجلس می‌کند، مغایر با اصل (۷۴) قانون اساسی است که ارائه لایحه را از جمله اختیارات دولت دانسته است.

ج) اختیار تصویب قوانین آزمایشی که طبق اصل (۸۵) به کمیسیون‌های داخلی مجلس اعطا شده است، منوط به «موارد ضروری» است. شورای نگهبان در تصویب قوانین آزمایشی بر ضروری بودن این قوانین نیز نظارت داشته و به بیان دیگر، این ضرورت باید برای شورای نگهبان نیز احراز شود. با توجه به اینکه از مدت اجرای آزمایشی این قانون ده سال می‌گذرد و اگر قرار بر اصلاح این قانون بود، دولت نسبت به آن اقدام می‌کرد، شرایط ضرورت برای تمدید آزمایشی این قانون از بین رفته است. بر این اساس، با توجه به عدم احراز ضروری بودن تصویب این قانون، تمدید مهلت اجرای آزمایشی آن مغایر با اصل (۸۵) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) تبصره‌ی ماده‌ی مزبور درصدد الزام دولت به تقدیم لایحه نیست؛ بلکه مفید این معنا است که تصویب مجدد مقررات مربوط به این قانون، منوط به ارائه‌ی آن در قالب لایحه‌ای دائمی است. به بیان دیگر این تبصره بیان می‌دارد که در صورتی که دولت اقدامات قانونی لازم در خصوص دائمی کردن این قانون را انجام ندهد، مجلس این قانون را بار دیگر به صورت آزمایشی تصویب نخواهد کرد. بنابراین این تبصره به معنای الزام دولت به تقدیم لایحه نبوده و لذا مغایر با اصل (۷۴) قانون اساسی در خصوص صلاحیت اختیاری دولت در تقدیم لوایح نیست.

ب) ذکر عبارت «این قانون» در این تبصره بدین معنا نیست که متن همین قانون به صورت لایحه‌ای دائمی ارائه شود، بلکه بدین معنا است که مقررات مربوط به استخدام نیروی انتظامی در قالب لایحه‌ای دائمی ارائه شود؛ زیرا تصریح ماده‌ی مزبور به تمدید دوساله این قانون، با دائمی کردن همین قانون منافات دارد و اگر مجلس خواهان دائمی کردن متن همین قانون بود، در همین مرحله آن را به صورت دائمی تصویب می‌کرد. بنابراین ذکر عبارت «این قانون» به معنای الزام دولت به ارائه‌ی متن همین قانون در قالب لایحه نیست؛ لذا این تبصره، مغایر با اصل (۷۴) قانون اساسی در خصوص صلاحیت اختیاری دولت در تدوین لوایح و تقدیم آنها به مجلس نیست.

ج) با توجه به اینکه مقررات مربوط به استخدام نیروهای انتظامی، وضعیت خدمتی و پرداختی آنان بر اساس قانون مذکور است، عدم تمدید مدت اجرای آن، به معنای بروز خلأ قانونی در این خصوص و به تبع آن نامعلوم بودن وضعیت این افراد است. لذا هر چند دولت می‌توانست در این

بازه ده ساله نسبت به تدوین و ارائه لایحه‌ای دائمی اقدام کند، ولی در حال حاضر تمدید آن واجد ضرورت است. بر این اساس، تمدید این قانون به صورت آزمایشی بر اساس ضرورت انجام شده و لذا این مصوبه نیز ملاک تصویب قوانین به صورت آزمایشی (= ضروری بودن) در اصل (۸۵) قانون اساسی را دارا است و از این حیث، مغایرتی با این اصل ندارد.

د) هرچند شورای نگهبان برای احراز مغایرت و یا عدم مغایرت مصوبه‌ی آزمایشی کمیسیون‌های داخلی مجلس با اصل (۸۵) قانون اساسی، باید وجود «ضرورت» را احراز کند، ولی این احراز ضرورت، تنها در مرحله‌ی «نخست» تصویب آزمایشی آن قانون، صورت می‌پذیرد. بنابراین، برای تمدید قانون آزمایشی - که قبلاً ضرورت آن توسط شورای نگهبان احراز شده است - نیاز به احراز دوباره‌ی ضرورت نیست؛ زیرا فرض بر آن است که همچنان ضرورت سابق وجود دارد و تنها در صورتی که بر فقدان ضرورت، علم وجود داشته باشد، می‌توان آن را مغایر با اصل (۸۵) دانست. با توجه به فقدان این آگاهی، ضرورت تمدید قانون آزمایشی استخدام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران توسط کمیسیون داخلی مجلس، همچنان وجود داشته و تصویب این مصوبه مغایرتی با اصل (۸۵) قانون اساسی ندارد.

نظر شورای نگهبان

عبارت تبصره به نحو مذکور، ظهور در الزام دولت به اقدام قانونی جهت دائمی کردن متن همین قانون را دارد؛ لذا مغایر اصل (۷۴) قانون اساسی شناخته شد.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۳/۶/۵ (مرحله دوم)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۶/۱۹

ماده واحده - مدت اجرای آزمایشی قانون استخدام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۰ به مدت دو سال تمدید می‌شود.

تبصره - دولت موظف است برای دائمی شدن قانون استخدام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، اقدامات قانونی لازم را ظرف مدت یک سال از تاریخ تصویب به عمل آورد.

دیدگاه مغایرت

مطابق با اصل (۷۴) قانون اساسی، تقدیم لایحه به مجلس از صلاحیت‌های اختیاری هیئت وزیران است و بر این اساس، مجلس نمی‌تواند دولت را به ارائه‌ی لایحه ملزم کند. با این حال،

تبصره‌ی اصلاحی این مصوبه، دولت را موظف کرده است که برای دائمی شدن قانون استخدام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، اقدامات لازم را ظرف مدت یک سال به عمل آورد. مفهوم این تبصره همچنان به معنای الزام دولت به ارائه‌ی لایحه در خصوص قانون دائمی استخدام نیروی انتظامی، ظرف مدت یک سال است. حذف واژه‌ی «این» قبل از عبارت «قانون» از تبصره‌ی قبلی و اضافه کردن عبارت «استخدام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران» به این تبصره‌ی اصلاحی، موضوع الزام دولت به ارائه‌ی لایحه را تغییر نداده است؛ زیرا در هر صورت موظف کردن دولت به دائمی کردن یک قانون، مستلزم الزام دولت به ارائه‌ی لایحه به مجلس است، خواه این لایحه، لایحه‌ای معین - مثل همین قانون - و یا به صورت کلی، لایحه‌ای غیر معین مانند قانون استخدام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران باشد. بنابراین، اصلاحات صورت گرفته در این مصوبه، برطرف کننده‌ی مغایرت تبصره‌ی مزبور با اصل (۷۴) قانون اساسی نیست.

دیدگاه عدم مغایرت

هر چند در بررسی مصوبه‌ی نخست مجلس، این استدلال توسط برخی اعضای شورای نگهبان مطرح شد که الزام به دائمی کردن این قانون یا هر مقررات دیگر توسط مجلس، مغایر با اصل (۷۴) قانون اساسی در خصوص نفی اختیار دولت در تقدیم لایحه است، ولی در نهایت، این استدلال به عنوان نظر شورا پذیرفته شد و در متن نامه‌ی شورا به مجلس نیز قید شد که الزام به دائمی کردن متن «همین قانون» توسط تبصره‌ی مزبور مغایر با اصل (۷۴) است. مجلس نیز برای رفع ایراد شورای نگهبان، با حذف واژه‌ی «این» قبل از عبارت «قانون» و اضافه کردن عبارت «استخدام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران» به تبصره‌ی مزبور، این ایراد شورا را برطرف کرده و لذا مصوبه‌ی اصلاحی مجلس را نمی‌توان واجد ایراد دانست.

نظر شورای نگهبان

تبصره‌ی ماده واحده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه مجلس در خصوص لایحه تمدید مدت اجرای آزمایشی قانون استخدام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

قانون عضویت و لغو عضویت نمایندگان مجلس شورای اسلامی در برخی از شوراهای عالی، شوراهای، مجامع و سایر هیئت‌ها مصوب ۱۳۹۳/۶/۱۵

درباره‌ی قانون

طرح «عضویت و لغو عضویت نمایندگان مجلس شورای اسلامی در برخی از شوراهای عالی، شوراهای، مجامع و سایر هیئت‌ها» را عده‌ای از نمایندگان مجلس شورای اسلامی با عنوان اولیه‌ی «اصلاح قوانین نحوه معرفی، انتخاب و فعالیت ناظرین و ساماندهی امور نظارتی مجلس شورای اسلامی» و با قید یک فوریت به مجلس تقدیم کردند. در مقدمه‌ی توجیهی این طرح، دلایل ارائه‌ی این طرح به شرح زیر ذکر شده است: «به‌منظور ساماندهی و تقویت ارکان نظارتی مجلس شورای اسلامی و ایجاد هماهنگی و وحدت رویه در شیوه نظارتی، نحوه معرفی، انتخاب و فعالیت نمایندگان ناظر در شوراهای، مجامع و هیئت‌ها، طرح زیر با قید یک فوریت تقدیم مجلس شورای اسلامی می‌گردد.»

این طرح در تاریخ ۱۳۹۱/۵/۱۱ برای رسیدگی به کمیسیون تدوین آیین‌نامه داخلی مجلس، به‌عنوان کمیسیون اصلی ارسال شد که کمیسیون مزبور، آن را در تاریخ ۱۳۹۱/۸/۳۰ با اصلاحاتی در عنوان و متن به تصویب رساند و گزارش آن را به مجلس ارائه کرد. این طرح در تاریخ ۱۳۹۲/۷/۱۷ در صحن علنی مجلس مطرح و با اصلاحاتی، از جمله در عنوان طرح، به تصویب رسید و برای طی روند قانونی مذکور در اصل (۹۴) قانون اساسی، به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان در تاریخ ۱۳۹۲/۸/۱ با تشکیل جلسه و بررسی این مصوبه، با اعلام مغایرت مفاد این مصوبه با اصول متعدد قانون اساسی، نظر خود را طی نامه‌ی شماره ۹۲/۳۰/۵۲۰۹۲ مورخ ۱۳۹۲/۸/۵ به مجلس اعلام کرد. مجلس شورای اسلامی جهت رفع ایرادهای شورای نگهبان، موضوع را به کمیسیون تدوین آیین‌نامه داخلی مجلس ارجاع داد که کمیسیون مزبور آن را در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۸/۲۸ با اصلاحاتی به تصویب رساند و گزارش آن را به مجلس ارائه کرد و مجلس در جلسه‌ی علنی مورخ ۱۳۹۲/۹/۳ آن را به تصویب رساند و مجدداً به شورای نگهبان ارسال کرد. شورای نگهبان در تاریخ ۱۳۹۲/۹/۱۳ با تشکیل جلسه و بررسی اصلاحات انجام شده در مصوبه، ماده (۷) آن را علی‌رغم اصلاح به‌عمل آمده، مغایر با اصل (۱۱۲) قانون اساسی شناخت. با بازگشت این مصوبه به مجلس، نمایندگان مجلس شورای اسلامی در جلسه‌ی علنی مورخ ۱۳۹۳/۱/۲۴ با اصرار بر مصوبه‌ی سابق خویش در خصوص ماده (۷)، تصویب آن را موافق

مصلحت نظام تشخیص دادند و آن را برای حل اختلاف مطابق اصل (۱۱۲) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۱۲۵/۳۱۶۴ مورخ ۱۳۹۳/۱/۲۶ به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال کردند. مجمع تشخیص مصلحت نظام با تشکیل جلسه در مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۵، نظر شورای نگهبان را عیناً به تصویب رساند و نظر خود را طی نامه‌ی شماره ۸۲۳۰۷/۰۱۰۱ مورخ ۱۳۹۳/۶/۲۳ به مجلس اعلام کرد. مجلس شورای اسلامی نیز با توجه به نظر مجمع، ماده‌ی مورد اختلاف را از این مصوبه حذف کرد و متن مصوبه نهایی را برای ابلاغ، نزد رئیس جمهور ارسال کرد.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۲/۷/۱۷ (مرحله نخست)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۲/۸/۱

ماده ۱- از تاریخ تصویب این قانون علاوه بر سایر شوراهای عالی، شوراها، مجامع و هیئت‌هایی که در برابر قانون مربوط نمایندگانی از مجلس شورای اسلامی در آنها عضویت دارند، در هر یک از شوراهای زیر به تعداد تعیین شده نماینده مجلس با معرفی کمیسیون تخصصی ذی‌ربط و انتخاب مجلس شورای اسلامی به عنوان ناظر عضویت می‌یابد:

الف- شوراهای دارای یک نماینده ناظر:

- ۱- شورای عالی فناوری اطلاعات موضوع ماده (۴) قانون وظایف و اختیارات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات مصوب ۱۳۸۲/۹/۱۹
- ۲- شورای عالی فضایی موضوع ماده (۸) قانون وظایف و اختیارات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات مصوب ۱۳۸۲/۹/۱۹
- ۳- شورای عالی انرژی موضوع ماده (۳) قانون اصلاح مواد (۲) و (۴) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و تشکیل شورای عالی انرژی کشور مصوب ۱۳۸۱/۴/۳۰
- ۴- شورای عالی میراث فرهنگی و گردشگری موضوع ماده (۳) قانون تشکیل سازمان میراث فرهنگی و گردشگری مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۲۳
- ۵- شورای عالی حفاظت محیط زیست موضوع بند (۱) قانون اصلاح قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۷۱/۸/۲۴
- ۶- شورای عالی انفورماتیک کشور موضوع ماده (۲) لایحه قانونی تشکیل شورای عالی انفورماتیک کشور مصوب ۱۳۵۹/۴/۴ شورای انقلاب
- ۷- شورای عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور موضوع ماده (۱) قانون تأسیس

- شورای عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور مصوب ۱۳۷۲/۱۲/۸
- ۸- شورای عالی صنایع دریایی کشور موضوع ماده (۹) قانون توسعه و حمایت از صنایع دریایی مصوب ۱۳۸۷/۲/۱۵
- ۹- ستاد حوادث و سوانح غیرمترقبه کشور موضوع تصویب‌نامه مورخ ۱۳۸۲/۱/۱۷ هیئت وزیران در مورد طرح جامع امداد و نجات کشور
- ب- شوراهای دارای دو نماینده ناظر:
- ۱ - شورای عالی بیمه موضوع ماده (۱۰) قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری مصوب ۱۳۵۰/۳/۳۰
- ۲- شورای عالی کار موضوع ماده (۱۶۷) قانون کار مصوب سال ۱۳۶۹ مجمع تشخیص مصلحت.
- ۳- شورای اقتصاد موضوع ماده (۲) قانون برنامه بودجه مصوب ۱۳۵۱/۱۲/۱۰.
- ۴- شورای عالی بورس اوراق بهادار موضوع ماده (۳) قانون اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۴/۹/۱
- ۵- شورای عالی سلامت و امنیت غذایی موضوع ماده (۳۲) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵.
- ۶- شورای عالی استاندارد موضوع ماده (۱۹) قانون اصلاح قوانین و مقررات مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران مصوب ۱۳۷۱/۱۱/۲۵
- ۷- شورای هماهنگی سازمان‌های مناطق آزاد تجاری و صنعتی جمهوری اسلامی ایران موضوع بند (۱) تصویب‌نامه مورخ ۱۳۷۳/۲/۱۱ هیئت وزیران

دیدگاه مغایرت

الف) ستاد حوادث و سوانح غیرمترقبه مقرر در جزء (۹) بند (الف) ماده مزبور و همچنین شورای هماهنگی سازمان‌های مناطق آزاد تجاری و صنعتی جمهوری اسلامی ایران مقرر در جزء (۷) بند (ب) آن، توسط تصویب‌نامه هیئت وزیران ایجاد شده‌اند. با توجه به اینکه این نهادها توسط قانون ایجاد نشده‌اند، تغییر یا اصلاح آن توسط قانون، امکان‌پذیر نبوده و این امر به معنای دخالت در سایر قواست. بر این اساس بر خلاف سایر نهادهای مذکور در این ماده که طبق مصوبه قانونی تشکیل شده‌اند، تعیین ناظر برای ستاد و شورای مذکور در جزء (۹) بند (الف) و جزء (۷) بند (ب) ماده مزبور که بر اساس تصویب‌نامه دولت ایجاد شده‌اند، مغایر اصل (۱۳۸) قانون اساسی است که صلاحیت وضع تصویب‌نامه‌ها را برای دولت قائل شده است. همچنین جزء‌های مزبور، با توجه به اینکه بر خلاف استقلال قوا هستند، مغایر اصل (۵۷) قانون اساسی در خصوص استقلال

قوا و همچنین اصل (۶۰) قانون اساسی در خصوص صلاحیت اختصاصی اعمال قوه مجریه از طریق رئیس‌جمهور و وزراء نیز هستند.

ب) میان حق عام نظارت مجلس و عمومیت روش‌های اعمال این حق، تلازمی وجود ندارد. به عبارت دیگر هر چند حق نظارت مجلس عام است، لیکن روش‌های اعمال این نظارت عام نیست و به طرق مقرر در قانون اساسی محدود می‌شود که عبارتند از سؤال (اصل ۸۸)، استیضاح (اصل ۸۹)، تحقیق و تفحص (اصل ۷۶) و رسیدگی به شکایات واصله از قوا (اصل ۹۰). حق تحقیق و تفحص در امور کشور به نحو مقرر در اصل (۷۶) قانون اساسی امری پسینی است؛ یعنی ابتدا امری واقع می‌شود و سپس مجلس اقدام به تحقیق و تفحص در این خصوص می‌کند؛ این حق متفاوت از نظارت بر عملکرد این نهادها با حضور نماینده مجلس به عنوان ناظر پیش از تحقق واقعه یا در جریان آن است. به علاوه حق تحقیق و تفحص مقرر در اصل (۷۶)، حقی است که محل اجرای آن موردی و موقت است، در حالی که نظارت به نحو مقرر در این مصوبه، عام و دائمی است. به عنوان مثال مجلس نمی‌تواند قانونی تصویب کرده و برای نظارت بر رسیدگی‌های قضایی، ناظرانی پیش‌بینی کند که در محاکم، حضور دائمی داشته باشند. لذا هیچ‌یک از اصول قانون اساسی برای مجلس شورای اسلامی، این چنین حق نظارتی قائل نشده و در مورد جزء (۹) بند (الف) و جزء (۷) بند (ب) ماده مزبور که مصوبه هیئت وزیران هستند و نه قانون مصوب مجلس، این جزءها، خلاف استقلال قوای مندرج در اصل (۵۷) قانون اساسی هستند.

ج) شورای عالی کار مقرر در جزء (۲) بند (ب) ماده مزبور، مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام است؛ از این رو، مجلس شورای اسلامی بر اساس نظریه تفسیری شورا در خصوص اصل (۱۱۲) قانون اساسی،^(۱) حق رد، ابطال، نقض و فسخ این مصوبه را به صورت کلی یا جزئی ندارد، مگر اینکه زمان معتدبه که توجیه‌کننده‌ی تغییر مصلحت باشد، سپری شده باشد. با توجه به اینکه مصوبه مذکور مجمع، فاقد این شرط است، مجلس حق تغییر و اصلاح آن را دارا نیست. به علاوه، شورای نگهبان به اصل مصوبه مجمع از این حیث که خلاف شرع است، ایراد داشته و لذا مجلس نمی‌تواند مصوبه‌ای را که شورای نگهبان از اساس بر آن ایراد داشته است، اصلاح کند. بر این اساس، جزء مزبور، خلاف اصل (۱۱۲) قانون اساسی است. همچنین اگر پذیرفته شود که زمان معتدبه از تصویب این قانون سپری شده است، ایراد سابق شورا نسبت به تشکیل شورای عالی کار در خصوص این قانون تجدید خواهد شد.

۱. نظریه‌ی تفسیری شماره ۵۳۱۸ مورخ ۱۳۷۲/۷/۲۴ شورای نگهبان.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) عضویت نمایندگان در شوراهای عالی، شوراها، مجامع و سایر هیئت‌های موضوع این ماده، صرفاً به عنوان ناظر بوده و نمایندگان حاضر در آنان، فاقد حق رأی هستند؛ لذا امکان دخالت ایشان در جریان فعالیت‌های این نهادها وجود ندارد تا مستلزم نقض استقلال قوای مندرج در اصل (۵۷) قانون اساسی باشد.

ب) مجلس شورای اسلامی دارای حق نظارت است و بر اساس اصل (۷۶) قانون اساسی، حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد و مفاد این مصوبه نیز در راستای اعمال این حق مقرر شده است. هر چند برای اجرای این حق، شیوه‌هایی در قانون اساسی پیش‌بینی شده است، ولی این امر به منزله محدودیت مجلس در اعمال کارویژه نظارت خود در حدود مقرر این روش‌ها نمی‌باشد. مجلس شورای اسلامی می‌تواند حق نظارت خود را از طریق قانون‌گذاری اعمال کرده و با توجه به حق عام تقنین برای آن، در خصوص تصویب‌نامه‌های دولت نیز می‌تواند، اقدام به وضع مقررات کند. بر این اساس تعیین ناظر در جزء (۹) بند (الف) و جزء (۷) بند (ب) ماده مزبور، مغایر اصول (۵۷)، (۶۰) و (۱۳۸) قانون اساسی نیست.

ج) در خصوص جزء (۲) بند (ب) ماده‌ی مزبور که مصوبه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام است، اضافه کردن ناظر به این مصوبه، اصلاح مصوبه‌ی مجمع نیست که طبق نظریه‌ی تفسیری شورا از اصل (۱۱۲)، خلاف این اصل باشد. مجلس شورای اسلامی با توجه به حق نظارت خود، عضو ناظری به این شورا اضافه کرده است و تغییری در آن مصوبه ایجاد نکرده است. بر این اساس، جزء مزبور خلاف اصل (۱۱۲) قانون اساسی نیست.

د) از آنجا که از تصویب قانون کار مذکور در جزء (۲) بند (ب) این ماده، مدت زمان معتدبه سپری شده است، طبق نظریه‌ی تفسیری شورا در خصوص اصل (۱۱۲)، شرایط لازم برای تغییر مصوبه مجمع وجود داشته و این جزء با ایرادی مواجه نیست.

هـ) در خصوص جزء (۵) بند (ب) ماده‌ی مزبور، بررسی رعایت نصاب قانون آیین‌نامه داخلی مجلس در مصوبات مجلس در صلاحیت شورای نگهبان نبوده و از امور داخلی و مدیریتی مجلس می‌باشد. تنها نصابی را که شورا در این خصوص باید بررسی کند، نصاب مربوط به تصویب قانون آیین‌نامه داخلی مجلس است و نصاب‌هایی که در قانون آیین‌نامه برای اداره مجلس و تصویب طرح‌ها و لوایح مشخص شده است، مورد بررسی شورا نیست. بنابراین ابهام ایرادشده در خصوص این جزء، وارد نیست.

دیدگاه ابهام

جزء (۵) بند (ب) ماده مزبور، مربوط به برنامه توسعه است؛ بر اساس اصل (۶۵) قانون اساسی، تصویب قانون مربوط به آیین‌نامه داخلی مجلس با نصاب خاص دو سوم حاضران واقع می‌شود و نصاب تصویب قانون برنامه توسعه و اصلاح آن در ماده (۱۸۵) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس نیز، دو سوم نماینده‌های حاضر مقرر شده است. از آنجا که تصویب این مصوبه مستلزم اصلاح قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران است، هرچند مجلس، امکان اصلاح این قانون را دارد، لیکن این اصلاح، تابع نصاب مقرر ماده (۱۸۵) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس است؛ زیرا اگر در تصویب قانونی، این نصاب رعایت نشود، به معنای تغییر آیین‌نامه داخلی مجلس است که طبق اصل (۶۵) قانون اساسی، این امر نیازمند دو سوم آراء حاضرین است. بنابراین در خصوص جزء (۵) بند (ب) این ماده، ابتدا باید نصاب آراء آن مشخص شده تا بتوان در خصوص مغایرت یا عدم مغایرت آن با اصل مزبور، اظهار نظر کرد.

نظر شورای نگهبان

- تعیین عضو ناظر در ستاد و شورای مذکور در جزء (۹) بند (الف) و جزء (۷) بند (ب) ماده یک، به منزله اصلاح تصویب‌نامه هیئت وزیران و مغایر اصول (۵۷)، (۶۰) و (۱۳۸) قانون اساسی شناخته شد.

- جزء (۲) بند (ب) ماده یک در مقام اصلاح مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام بوده و با توجه به نظر تفسیری این شورا، مغایر اصل (۱۱۲) قانون اساسی شناخته شده است.

- ماده ۲- از تاریخ تصویب این قانون، عضویت نمایندگان مجلس در شوراهای، مجامع و هیئت‌های زیر به عنوان ناظر لغو می‌شود:
- ۱- شورای عالی انطباق اداری و فنی مؤسسات پزشکی با موازین شرع مقدس موضوع بندهای (۷) و (۸) ماده (۳) قانون انطباق امور اداری و فنی مؤسسات پزشکی با موازین شرع مقدس اسلام مصوب ۱۳۷۷/۸/۱۰
 - ۲- شورای عالی آموزش مداوم جامعه پزشکی موضوع بند (۷) ماده (۳) قانون آموزش مداوم جامعه پزشکی کشور مصوب ۱۳۷۵/۲/۱۲
 - ۳- هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات پرستاری موضوع بند (۲) ماده (۱۸) قانون ایجاد سازمان نظام پرستاری جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۰/۹/۱۱
 - ۴- کمیسیون تعیین سهمیه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از مشمولان وظیفه موضوع تبصره (۱) ماده (۱) قانون نحوه تشکیل پیام‌آوران بهداشت مصوب ۱۳۷۵/۸/۶

- ۵- کمیسیون نظارت بر حسن اجرای احداث نود و شش بیمارستان موضوع تبصره (۵) قانون نحوه ایجاد تسهیلات لازم برای تسریع در احداث و تکمیل بیمارستان‌های نود و شش شهر کشور مصوب ۱۳۶۹/۶/۲۵
- ۶- کمیته مد و لباس موضوع ماده (۱) قانون ساماندهی مد و لباس مصوب ۱۳۸۵/۱۰/۱۲
- ۷- شورای آموزش و پرورش استثنایی موضوع بند (۱۱) ماده (۵) قانون اساسنامه سازمان آموزش و پرورش استثنائی مصوب ۱۳۷۰/۵/۲۹
- ۸- هیئت مرکزی گزینش آموزش و پرورش موضوع تبصره (۱) بند (الف) ماده (۷) قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش مصوب ۱۳۷۴/۶/۱۴
- ۹- ستاد چگونگی هزینه‌کرد اعتبار تخصیصی به منظور مشارکت جمهوری اسلامی ایران در بازسازی کشور افغانستان موضوع ماده واحده قانون مشارکت جمهوری اسلامی ایران در بازسازی کشور افغانستان مصوب ۱۳۸۱/۵/۱۳
- ۱۰- هیئت نظارت بر حسن اجرای قانون تعیین تکلیف معلمان حق‌التدریسی و آموزشیاران نهضت سوادآموزی در وزارت آموزش و پرورش مصوب ۱۳۸۸/۷/۱۵
- موضوع ماده (۱۳) قانون مذکور
- ۱۱- مجمع عمومی صندوق ضمانت صادرات ایران موضوع جزء (۸) بند (الف) ماده (۴) قانون چگونگی اداره صندوق ضمانت صادرات ایران مصوب ۱۳۷۵/۷/۱۵
- ۱۲- هیئت نظارت بر اجرای قانون تأمین اعتبار کنترل و انسداد مرزهای شرقی کشور مصوب ۱۳۷۹/۲/۲۸ موضوع تبصره (۳) ماده واحده قانون مذکور

دیدگاه ابهام

در صدر این ماده به لغو عضویت نمایندگان به عنوان ناظر اشاره شده است؛ این در حالی است که در برخی بندها، نمایندگان یا عضو نبوده یا به عنوان ناظر عضو نیستند. به عنوان مثال در بند (۲) این ماده که به شورای عالی آموزش مداوم جامعه پزشکی اشاره شده است، نمایندگان مجلس به عنوان ناظر در این شورا عضو نیستند. طبق بند (۷) ماده (۳) قانون آموزش مداوم جامعه پزشکی کشور، در این شورا، دو نفر از کادر پزشکی با معرفی کمیسیون بهداری و بهزیستی و انتخاب مجلس شورای اسلامی حضور می‌یابند که لزوماً نماینده مجلس نیستند. در خصوص بند (۷) این ماده نیز که به شورای آموزش و پرورش استثنایی اشاره کرده است، نماینده مجلس نه به عنوان عضو ناظر بلکه به عنوان عضو با حق رأی در این شورا حضور دارد. بر این اساس اگر منظور این ماده، حذف عضویت نمایندگان مجلس یا نماینده منتخب آنان در این شوراهاست، عبارت «به عنوان ناظر» در صدر ماده باید تصحیح شود تا این افراد را نیز شامل شود.

نظر شورای نگهبان

تذکر: با توجه به تعیین تکلیف نسبت به مواردی نظیر بندهای (۱)، (۷) و (۱۲) ماده (۲)، عبارت «عنوان» صدر این ماده، نیازمند اصلاح عبارتی است.

ماده ۳- رؤسای کمیسیون‌ها و نیز نمایندگان مجلس شورای اسلامی که در مجامع، شوراها و هیئت‌ها به عنوان عضو حضور دارند، وظایف ناظر مجلس شورای اسلامی را نیز بر عهده داشته و موظف به انجام آن وظایف طبق آیین‌نامه داخلی مجلس می‌باشند.

دیدگاه مغایرت

مجامع، شوراها و هیئت‌های مورد اشاره این ماده اطلاق دارد؛ بدین ترتیب که علاوه بر مواردی که بر اساس قانون تشکیل شده‌اند، مواردی را که توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام یا بر اساس تصویب‌نامه هیئت وزیران تشکیل شده است را نیز شامل می‌شود. بر این اساس اطلاق این ماده همان ایرادات ماده (۱) این مصوبه مبنی بر مغایر بودن با استقلال قوا و نیز مغایر بودن با اصل (۱۱۲) را داراست.

دیدگاه عدم مغایرت

در خصوص مواردی که طبق مصوبه مجمع یا تصویب‌نامه هیئت وزیران ایجاد شده باشند، از آنجا که عضویت نماینده در این شوراها و هیئت‌ها بر اساس مصوبات مزبور بوده است، ناظر بودن آنان نیز که صرفاً به معنای گزارش‌دهی به مجلس است، دخالت در سایر قوا و همچنین تغییر مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام نبوده و بنابراین این ماده با ایرادی مواجه نیست.

نظر شورای نگهبان

ماده (۳)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۴- در صورتی که هر یک از شوراها، مجامع و هیئت‌هایی که طبق قانون دارای نماینده ناظر می‌باشند، اقدام به تشکیل کمیته یا شورای فرعی نمایند، موظفند مراتب را به نماینده ناظر و معاون نظارت مجلس شورای اسلامی اطلاع دهند. نماینده مذکور، عضو ناظر کمیته یا شورای فرعی است و عنداللزوم در جلسات آن شرکت می‌نماید.

دیدگاه مغایرت

الف) حضور نماینده ناظر در کمیته یا شورای فرعی، حتی اگر قانون تشکیل آن شورا یا کمیته توسط مجلس مقرر شده باشد، مغایر اصل تفکیک قوای مقرر در اصل (۵۷) قانون اساسی است؛ زیرا هر چند بتوان در سطوح عالی، حضور نماینده را به عنوان ناظر پذیرفت، آن هم بر اساس قانون، ولی در سطوح پایین اجرایی، به معنای دخالت در قوه مجریه است. به هر حال قانون اساسی طرق نظارت مجلس از جمله سؤال، استیضاح و تحقیق و تفحص را مشخص کرده است و نظارت مجلس باید در این چارچوب و با حفظ استقلال سایر قوا صورت پذیرد. به علاوه، بسیاری از شوراها و کمیته های فرعی، بر اساس مصوبات دولت تشکیل شده‌اند که پذیرش این ماده به معنای اصلاح مصوبه دولت است که ایراد ماده (۱) این مصوبه در خصوص عدم اصلاح مصوبات دولت توسط مجلس نیز در اینجا وجود دارد. بر این اساس حضور نماینده مجلس به عنوان عضو ناظر در کمیته یا شوراهای فرعی مغایر اصول (۵۷)، (۶۰) و (۱۳۸) قانون اساسی است.

ب) لزوم مطلع کردن معاونت نظارت مجلس، خلاف قانون اساسی است؛ زیرا معاونت نظارت در قانون اساسی جایگاهی نداشته و مجلس نمی‌تواند حق نظارت خود را به نهادی دیگر تفویض کند. بر این اساس هرگونه تکلیف به تمکین به نظارت ارکانی غیر از خود مجلس، مغایر اصول مربوط به نظارت مجلس است که این حق را برای مجلس به رسمیت شناخته است. همچنین با توجه به دخالت این معاونت در امور سایر قوا، این ماده مغایر استقلال قوای مندرج در اصل (۵۷) قانون اساسی نیز می‌باشد.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) طبق قانون اساسی، مجلس دارای حق نظارت است و بر اساس آن می‌تواند از هر شیوه‌ای که در این خصوص راهگشا باشد، استفاده کند. یکی از این شیوه‌ها نیز حضور ناظر در کمیته‌ها و شوراهای فرعی است و بنابراین این ماده دارای اشکال نمی‌باشد.

ب) در صورتی که اصل نظارت مجلس با حضور نماینده در شوراهای اصلی پذیرفته شود، منطق نظارت مؤثر ایجاب می‌کند که این نظارت در کمیته یا شوراهای فرعی نیز پذیرفته شود. بنابراین این ماده از لحاظ عضویت نمایندگان مجلس در کمیته یا شوراهای فرعی با ایرادی مواجه نیست.

ج) الزام به حضور نماینده ناظر در کمیته یا شورای فرعی در صورتی که قانون، تشکیل کمیته یا شورای اصلی را مقرر کرده باشد مانعی ندارد و این ماده در واقع نوعی اصلاح قوانین مجلس در این خصوص است. بر این اساس این ماده دارای ایراد نمی‌باشد.

نظر شورای نگهبان

از آنجا که در قانون اساسی جایگاهی به عنوان «معاونت نظارت مجلس شورای اسلامی» بر دستگاه‌های اجرایی پیش‌بینی نشده است، الزام دستگاه‌ها به اطلاع‌رسانی به معاون نظارت مجلس با این عموم مواجه با ایراد بوده و مغایر اصل (۵۷) قانون اساسی شناخته شده است.

ماده ۵- کلیه نمایندگان ناظر طبق آیین نامه داخلی مجلس از ابتدای هر دوره برای مدت دو سال انتخاب می‌شوند و روش‌های تعیین شده برای نمایندگان ناظر در سایر قوانین و مقررات به روش پیش‌بینی شده در آیین‌نامه مذکور اصلاح می‌شود.

دیدگاه مغایرت

اعمال آیین‌نامه داخلی مجلس نسبت به «مقررات»، صحیح نمی‌باشد؛ زیرا همان مقرراتی که حضور نماینده را مقرر کرده است، نحوه و شیوه حضور او را نیز تعیین کرده است. بر این اساس تعیین اعمال آیین‌نامه داخلی مجلس در خصوص مقررات مصوب دولت یا مجمع تشخیص مصلحت نظام، همان ایرادات ماده (۱) این مصوبه، مبنی بر مغایرت با استقلال قوا مندرج در اصل (۵۷) و مغایرت با اصل (۱۱۲) طبق نظریه‌ی تفسیری شورا را داراست.

دیدگاه عدم مغایرت

محل اعمال آیین‌نامه داخلی مجلس نسبت به «مقررات» تنها در رابطه با نمایندگان مجلس است و مراد آن است که مجلس نحوه تعیین نمایندگان خود در سایر نهادها را، خود بر اساس آیین‌نامه داخلی خود تعیین می‌کند و این مسئله مغایرتی با قانون اساسی ندارد.

نظر شورای نگهبان

ماده (۵)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۷- به منظور ایجاد هماهنگی برای کارآمد نمودن نظام نظارت، ارتقای بهره‌وری و تقویت کشور، شورای دستگاه‌های نظارتی متشکل از دو نفر از مسئولین نظارتی هر قوه با انتخاب رئیس قوه با حفظ استقلال هر یک از قوا در حدود مقرر در قانون اساسی تشکیل می‌شود. شورای مذکور وظیفه نظارت بر فرآیند تولید آمارهای پایه و شاخص‌های کلان کشور که توسط مرکز آمار ایران تهیه می‌شود را نیز عهده‌دار است.

دیدگاه مغایرت

قانون اساسی تمامی فرآیندهای نظارتی اعم از نظارت دیوان محاسبات، سازمان بازرسی کل کشور، کمیسیون اصل (۹۰) مجلس، دیوان عدالت اداری، دیوان عالی کشور، حق سؤال، استیضاح و تحقیق و تفحص مجلس و نظارت قوه قضائیه بر حسن اجرای قوانین را احصا کرده است؛ در حالی که شورای مذکور در این ماده، سابقه‌ای در قانون اساسی ندارد و بر این اساس تشکیل این شورا و الزام قوا به مشارکت در آن، مغایر اصول مربوط به حوزه‌های نظارتی مزبور است. به علاوه تشکیل این نهاد، ناقض اصل تفکیک قوا به نحو مقرر در اصل (۵۷) قانون اساسی نیز می باشد.

دیدگاه عدم مغایرت

از آنجا که اعضای شورای دستگاه‌های نظارتی توسط رئیس هر قوه انتخاب شده و فعالیت آن بر اساس استقلال قوا و صرفاً برای هماهنگی و تبادل اطلاعات میان قواست، تشکیل آن مغایرتی با اصول نظارتی قانون اساسی و همچنین استقلال قوا نداشته و بنابراین این ماده با ایرادی مواجه نیست.

نظر شورای نگهبان

در ماده (۷) تشکیل شورای دستگاه‌های نظارتی، همان‌طور که قبلاً از جمله در خصوص ماده (۱۹۶) قانون برنامه پنج‌ساله توسعه اعلام گردید، مغایر اصول (۵۴)، (۵۵)، (۵۷)، (۶۰)، (۷۶)، (۸۷)، (۹۰) و بند (۳) اصل (۱۵۶) و اصول (۱۶۱)، (۱۷۳) و (۱۷۴) قانون اساسی شناخته شد.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۲/۹/۳ (مرحله دوم)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۲/۹/۱۳

ماده ۱- از تاریخ تصویب این قانون علاوه بر سایر شوراهای عالی، شوراها، مجامع و هیئت‌هایی که در برابر قانون مربوط نمایندگانی از مجلس شورای اسلامی در آنها عضویت دارند، در هر یک از شوراهای زیر به تعداد تعیین شده، نماینده مجلس با معرفی کمیسیون تخصصی ذی‌ربط و انتخاب مجلس شورای اسلامی به عنوان ناظر عضویت می‌یابد:

الف- شوراهای دارای یک نماینده ناظر:

۱- شورای عالی فناوری اطلاعات موضوع ماده (۴) قانون وظایف و اختیارات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات مصوب ۱۳۸۲/۹/۱۹

۲- شورای عالی فضایی موضوع ماده (۸) قانون وظایف و اختیارات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات مصوب ۱۳۸۲/۹/۱۹

- ۳- شورای عالی انرژی موضوع ماده (۳) قانون اصلاح مواد (۲) و (۴) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و تشکیل شورای عالی انرژی کشور مصوب ۱۳۸۱/۴/۳۰
- ۴- شورای عالی میراث فرهنگی و گردشگری موضوع ماده (۳) قانون تشکیل سازمان میراث فرهنگی و گردشگری مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۲۳
- ۵- شورای عالی حفاظت محیط‌زیست موضوع بند (۱) قانون اصلاح قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست مصوب ۱۳۷۱/۸/۲۴
- ۶- شورای عالی انفورماتیک کشور موضوع ماده (۲) لایحه قانونی تشکیل شورای عالی انفورماتیک کشور مصوب ۱۳۵۹/۴/۴ شورای انقلاب
- ۷- شورای عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور موضوع ماده (۱) قانون تأسیس شورای عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور مصوب ۱۳۷۲/۱۲/۸
- ۸- شورای عالی صنایع دریایی کشور موضوع ماده (۹) قانون توسعه و حمایت از صنایع دریایی مصوب ۱۳۸۷/۲/۱۵
- ب- شوراها دارای دو نماینده ناظر:
- ۱- شورای عالی بیمه موضوع ماده (۱۰) قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری مصوب ۱۳۵۰/۳/۳۰
- ۲- شورای اقتصاد موضوع ماده (۲) قانون برنامه بودجه مصوب ۱۳۵۱/۱۲/۱۰
- ۳- شورای عالی بورس اوراق بهادار موضوع ماده (۳) قانون اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۴/۹/۱
- ۴- شورای عالی سلامت و امنیت غذایی موضوع ماده (۳۲) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵
- ۵- شورای عالی استاندارد موضوع ماده (۱۹) قانون اصلاح قوانین و مقررات مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران مصوب ۱۳۷۱/۱۱/۲۵

دیدگاه عدم مغایرت

الف) با توجه به حذف جزء (۹) بند (الف) و جزء (۷) بند (ب) ماده مزبور، ایراد شورا در خصوص مغایرت این جزءها با استقلال قوای مندرج در اصل (۵۷) قانون اساسی، اعمال قوه مجریه توسط رئیس‌جمهور و وزرای مندرج در اصل (۶۱) و صلاحیت دولت در وضع تصویب‌نامه مندرج در اصل (۱۳۸) برطرف شده و این ماده با ایرادی مواجه نیست.

ب) با توجه به حذف جزء (۲) بند (ب) ماده مزبور، ایراد شورا در خصوص مغایرت آن با اصل (۱۱۲)، بر اساس نظر تفسیری شورا در خصوص این اصل، برطرف شده و این ماده با ایرادی مواجه نیست.

نظر شورای نگهبان

ماده (۱)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۲- از تاریخ تصویب این قانون، عضویت نمایندگان مجلس در شوراها، مجامع و هیئت‌های زیر لغو می‌شود:

۱- شورای عالی انطباق اداری و فنی مؤسسات پزشکی با موازین شرع مقدس موضوع بندهای (۷) و (۸) ماده (۳) قانون انطباق امور اداری و فنی مؤسسات پزشکی با موازین شرع مقدس اسلام مصوب ۱۳۷۷/۸/۱۰.

۲- شورای عالی آموزش مداوم جامعه پزشکی موضوع بند (۷) ماده (۳) قانون آموزش مداوم جامعه پزشکی کشور مصوب ۱۳۷۵/۲/۱۲

۳- هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات پرستاری موضوع بند (۲) ماده (۱۸) قانون ایجاد سازمان نظام پرستاری جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۰/۹/۱۱

۴- کمیسیون تعیین سهمیه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از مشمولان وظیفه موضوع تبصره (۱) ماده (۱) قانون نحوه تشکیل پیام‌آوران بهداشت مصوب ۱۳۷۵/۸/۶.

۵- کمیسیون نظارت بر حسن اجرای احداث نود و شش بیمارستان موضوع تبصره (۵) قانون نحوه ایجاد تسهیلات لازم برای تسریع در احداث و تکمیل بیمارستان‌های نود و شش شهر کشور مصوب ۱۳۶۹/۶/۲۵

۶- کمیته مد و لباس موضوع ماده (۱) قانون ساماندهی مد و لباس مصوب ۱۳۸۵/۱۰/۱۲.

۷- شورای آموزش و پرورش استثنایی موضوع بند (۱۱) ماده (۵) قانون اساسنامه سازمان آموزش و پرورش استثنائی مصوب ۱۳۷۰/۵/۲۹

۸- هیئت مرکزی گزینش آموزش و پرورش موضوع تبصره (۱) بند (الف) ماده (۷) قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش مصوب ۱۳۷۴/۶/۱۴.

۹- ستاد چگونگی هزینه‌کرد اعتبار تخصیصی به منظور مشارکت جمهوری اسلامی ایران در بازسازی کشور افغانستان موضوع ماده واحده قانون مشارکت جمهوری اسلامی ایران در بازسازی کشور افغانستان مصوب ۱۳۸۱/۵/۱۳

۱۰- هیئت نظارت بر حسن اجرای قانون تعیین تکلیف معلمان حق‌التدریسی و آموزشیاران نهضت سوادآموزی در وزارت آموزش و پرورش مصوب ۱۳۸۸/۷/۱۵ موضوع ماده (۱۳) قانون مذکور

۱۱- مجمع عمومی صندوق ضمانت صادرات ایران موضوع جزء (۸) بند (الف) ماده (۴) قانون چگونگی اداره صندوق ضمانت صادرات ایران مصوب ۱۳۷۵/۷/۱۵

۱۲- هیئت نظارت بر اجرای قانون تأمین اعتبار کنترل و انسداد مرزهای شرقی کشور
مصوب ۱۳۷۹/۲/۲۸ موضوع تبصره (۳) ماده واحده قانون مذکور

دیدگاه عدم مغایرت

نظر به حذف عبارت «به عنوان عضو ناظر» از صدر ماده، تذکر شورا در خصوص ناظر نبودن نمایندگان در بندهای (۱)، (۷) و (۱۲) این ماده، مورد اصلاح قرار گرفته و این ماده با ایرادی مواجه نمی‌باشد.

نظر شورای نگهبان

ماده (۲)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۴- در صورتی که هر یک از شوراهای، مجامع و هیئت‌هایی که طبق قانون دارای نماینده ناظر می‌باشند، اقدام به تشکیل کمیته یا شورای فرعی نمایند، موظفند مراتب را به نماینده ناظر و مجلس شورای اسلامی اطلاع دهند. نماینده مذکور، عضو ناظر کمیته یا شورای فرعی است و عنداللزوم در جلسات آن شرکت می‌نماید.

دیدگاه مغایرت

هرچند ناظر بودن نمایندگان در برخی شوراهای و هیئت‌ها و همچنین گزارش‌دهی به نماینده ناظر در هر یک از این شوراهای و هیئت‌ها با ایرادی مواجه نیست، ولی الزام دستگاه‌ها به گزارش‌دهی به مجلس شورای اسلامی مغایر اصول نظارتی مجلس است که شیوه نظارت مجلس را مشخص کرده است. مثلاً مجلس می‌تواند اقدام به تحقیق و تفحص کند ولی نمی‌تواند دستگاه‌ها را الزام به اطلاع‌رسانی در خصوص هر اقدامی کند. بنابراین این ماده در مقام دخالت و ایجاد محدودیت مجلس در امور سایر قواست و بر این اساس مغایر استقلال قوای مندرج در اصل (۵۷) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) با توجه به حذف عبارت «معاونت نظارت» از این ماده، ایراد شورا در خصوص جایگاه نداشتن معاونت نظارت مجلس در قانون اساسی و مغایرت الزام دستگاه‌ها به اطلاع‌رسانی به این معاونت با استقلال قوای مندرج در اصل (۵۷) قانون اساسی بر طرف شده و این ماده با ایرادی مواجه نیست.

ب) مجلس برای اعمال نظارت خود ناچار به کسب اطلاع از امور دستگاه‌هاست؛ کسب اطلاع نیز مستلزم دخالت مجلس در قوه‌ای دیگر و محدود کردن آن نیست. در واقع در این ماده، مجلس از صلاحیت قانون‌گذاری خود استفاده کرده و شوراها، مجامع و هیئت‌ها را در صورت تشکیل کمیته‌های فرعی، ملزم به صرف اطلاع‌رسانی به خود کرده است. بنابراین این ماده با ایرادی مواجه نیست.

نظر شورای نگهبان

ماده (۴)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

[در ماده (۷) به جای متن قبلی، ماده (۲۲۱) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه به شرح زیر جایگزین گردید:]

ماده ۷- به منظور ایجاد هماهنگی برای کارآمد نمودن نظام نظارت و ارتقای بهره‌وری و تقویت مدیریت کشور، شورای دستگاه‌های نظارتی متشکل از دو نفر از مسئولان نظارتی هر قوه با انتخاب رئیس قوه، با حفظ استقلال هر یک از قوا در حدود مقرر در قانون اساسی تشکیل می‌شود.

دستورالعمل اجرایی این ماده و نحوه تشکیل جلسات شورا، نحوه تصمیم‌گیری و نحوه پیگیری تصمیمات، ظرف شش ماه به پیشنهاد اعضای شورا و با توافق سران قوا تعیین می‌گردد.

دیدگاه مغایرت

الف) مجلس شورای اسلامی ماده (۲۲۱) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه را در مقام اصلاح این ماده، جایگزین آن کرده است. با توجه به اینکه این قانون مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام است، جایگزین کردن آن در این ماده به منزله‌ی دائمی کردن مصوبه مجمع است که ماهیتی موقت دارد. از آنجا که مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام بر اساس مصالح روز جامعه تصویب می‌شوند، ماهیتی موقتی داشته که موقتی بودن آن از نظریه تفسیری شورا از اصل (۱۱۲)^(۱) نیز مستفاد است. بر این اساس اصلاح این ماده که در مقام دائمی کردن مصوبه مجمع تشخیص

۱. نظریه‌ی تفسیری شماره ۵۳۱۸ تاریخ ۱۳۷۲/۷/۲۴ شورای نگهبان: «هیچ یک از مراجع قانونگذاری حق رد و ابطال و نقض و فسخ مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام را ندارد اما در صورتی که مصوبه مجمع مصلحت مربوط به اختلاف نظر شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی بود مجلس پس از گذشت زمان معتدّب که تغییر مصلحت موجه باشد حق طرح و تصویب قانون مغایر را دارد. و در مواردی که موضوع به عنوان معضل از طرف مقام معظم رهبری به مجمع ارسال شده باشد در صورت استعلام از مقام رهبری و عدم مخالفت معظم له موضوع قابل طرح در مجلس شورای اسلامی می‌باشد.»

مصلحت نظام است، خلاف اصل مزبور است.

ب) ایجاد نهاد نظارتی بین قوه‌ای در قانون اساسی پیش بینی نشده است و هر چند رؤسای قوا می‌توانند در این خصوص توافق نمایند، لیکن مجلس نمی‌تواند در این خصوص به وضع مقرر و ایجاد الزام مبادرت نماید؛ زیرا چنانکه در مرحله پیش نیز در این خصوص اشاره شد، نهادسازی به منظور نظارت بین قوه‌ای حتی با توافق سران سه قوه، خلاف اصول مختلف قانون اساسی از جمله اصول (۵۴)، (۵۵)، (۵۷)، (۶۰)، (۷۶)، (۸۷)، (۹۰)، بند (۳) اصل (۱۵۶)، (۱۶۱)، (۱۷۳) و (۱۷۴) قانون اساسی است. همچنین منظور این ماده صرف هماهنگی میان قوا با توافق آنها نیست، بلکه آنها را الزام به حضور در این شورا می‌کند.

دیدگاه عدم مغایرت

مفروض این ماده آن است که هر قوه، مسئول نظارت خاص و ویژه‌ای است؛ بر این اساس و به منظور برقراری هماهنگی بین کارکردهای نظارتی هر قوه، افرادی توسط رؤسای قوا انتخاب شده که با حفظ استقلال قوا، در حدود مقرر قانون اساسی، این نهاد نظارتی را تشکیل داده و سپس به هماهنگی میان خود مبادرت می‌کنند. بر این اساس، با قیود مقرر در این ماده یعنی انتخاب رؤسای قوا، حفظ استقلال قوا و توافق سران قوا، مفاد آن خلاف قانون اساسی نمی‌باشد.

نظر شورای نگهبان

در ماده (۷)، علی‌رغم اصلاح به عمل آمده، اشکال سابق این شورا کماکان به قوت خود باقی است؛ به علاوه با توجه به اینکه این ماده به معنای دائمی نمودن ماده (۲۲۱) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران است که توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسیده است، این ماده از این حیث، خلاف مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام بوده و با عنایت به نظریه تفسیری شورای نگهبان، مغایر اصل (۱۱۲) قانون اساسی شناخته شد.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۳/۱/۲۴ (مرحله سوم) - مصوبه اصراری

ماده ۱- از تاریخ تصویب این قانون علاوه بر سایر شوراها، شوراهای عالی، شوراهای مجامع و هیئت‌هایی که در برابر قانون مربوط نمایندگانی از مجلس شورای اسلامی در آنها عضویت دارند، در هر یک از شوراهای زیر به تعداد تعیین شده، نماینده مجلس با معرفی کمیسیون تخصصی ذی‌ربط و انتخاب مجلس شورای اسلامی به عنوان ناظر عضویت می‌یابد:

...

ماده ۷- به منظور ایجاد هماهنگی برای کارآمد نمودن نظام نظارت و ارتقای بهره‌وری و تقویت مدیریت کشور، شورای دستگاه‌های نظارتی متشکل از دو نفر از مسئولان نظارتی هر قوه با انتخاب رئیس قوه، با حفظ استقلال هر یک از قوا در حدود مقرر در قانون اساسی تشکیل می‌شود.

دستورالعمل اجرایی این ماده و نحوه تشکیل جلسات شورا، نحوه تصمیم‌گیری و نحوه پیگیری تصمیمات، ظرف شش ماه به پیشنهاد اعضای شورا و با توافق سران قوا تعیین می‌گردد.

[مجلس بر نظر خود در خصوص ماده (۷) اصرار ورزید.]

سرانجام مصوبه

* با توجه به اصرار مجلس شورای اسلامی نسبت به مصوبه خویش در خصوص ماده (۷)، این مصوبه طبق اصل (۱۱۲) قانون اساسی، برای رفع اختلاف به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال شد.^(۱) این ماده در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام مورد بررسی قرار گرفت و «نظر شورای نگهبان، عیناً مورد تأیید قرار گرفت» و این نظر به مجلس شورای اسلامی اعلام شد.^(۲) بر این اساس، مجلس شورای اسلامی نیز ماده‌ی فوق را از این مصوبه حذف کرد و متن مصوبه‌ی نهایی را برای ابلاغ، نزد رئیس جمهور ارسال کرد.

۱. مندرج در نامه‌ی شماره ۱۲۵/۳۱۶۴ مورخ ۱۳۹۳/۱/۲۶ رئیس مجلس شورای اسلامی، خطاب به رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام.

۲. مندرج در نامه‌ی شماره ۸۲۳۰۷/۰۱۰۱ مورخ ۱۳۹۳/۶/۲۳ رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

قانون معاهده استرداد مجرمین بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین مصوب ۱۳۹۳/۶/۲۹

درباره‌ی قانون

لایحه «معاهده استرداد مجرمین بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین» بنا به پیشنهاد وزارت دادگستری در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۱/۹/۱ هیئت وزیران به تصویب رسید و برای طی تشریفات قانونی و تصویب به مجلس شورای اسلامی ارسال شد. در مقدمه‌ی توجیهی این لایحه آمده است: «نظر به لزوم استقرار روشمند همکاری‌های قضایی بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین و با توجه به آثار مثبت ناشی از اتخاذ تدابیر و ایجاد بسترهای مناسب قانونی برای اتباع دو دولت و در راستای زمینه‌سازی برای گسترش مناسبات دو کشور و ارتقای سطح همکاری‌های دوجانبه و تحکیم مناسبات میان آنها، این لایحه برای طی تشریفات قانونی تقدیم می‌شود.»

این لایحه برای رسیدگی به صورت یک شوری در تاریخ ۱۳۹۱/۱۱/۲ به کمیسیون قضایی و حقوقی، به عنوان کمیسیون اصلی ارسال شد که کمیسیون مزبور، مفاد آن را در تاریخ ۱۳۹۱/۱۱/۲۹ با اصلاحاتی به تصویب رساند و گزارش آن را به مجلس ارائه کرد. این لایحه در تاریخ ۱۳۹۲/۸/۱۲ در صحن علنی مجلس مطرح و با اصلاحاتی به تصویب رسید و برای طی روند قانونی مذکور در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۲۱۱/۵۰۷۴۸ مورخ ۱۳۹۲/۸/۱۴ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان با تشکیل جلسه در ۱۳۹۲/۸/۲۰ و بررسی مفاد این مصوبه، مواد متعددی از آن را مغایر با موازین شرع تشخیص داد و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۲/۳۰/۵۲۲۲۴ مورخ ۱۳۹۲/۸/۲۰ به مجلس اعلام کرد. مجلس شورای اسلامی جهت رفع ایرادهای شورای نگهبان، موضوع را به کمیسیون قضایی و حقوقی ارجاع داد که کمیسیون مزبور آن را در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۱/۱۷ مطرح و به دلیل ضرورت تصویب این لایحه و عدم امکان اصلاح مواد مورد ایراد، با اصرار بر مصوبه‌ی قبلی، نظر خود را در این زمینه به مجلس ارائه کرد. پس از نظر کارشناسی کمیسیون قضایی و حقوقی، بررسی این مصوبه در دستور کار جلسه‌ی علنی مجلس قرار گرفت. نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۱/۲۴ با اصرار بر مصوبه‌ی سابق خویش، تصویب آن را موافق مصلحت نظام تشخیص دادند و آن را برای حل اختلاف مطابق با اصل (۱۱۲) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۲۱۱/۳۱۵۶ مورخ ۱۳۹۳/۱/۲۶ به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال کردند. این مصوبه در جلسه‌ی مورخ

۱۳۹۳/۶/۲۹ مجمع مورد بررسی قرار گرفت که مجمع، ضمن پذیرش نظر مجلس، نظر خود مبنی بر تأیید مصوبه مجلس را طی نامه‌ی شماره ۸۲۴۹۹/۰۱۰۱ مورخ ۱۳۹۳/۷/۵ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۲/۸/۱۲ (مرحله نخست)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۲/۸/۲۰

ماده واحده- معاهده استرداد مجرمین بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین، به شرح پیوست، تصویب و اجازه مبادله اسناد آن داده می‌شود.

تبصره- رعایت اصل یکصد و سی و نهم (۱۳۹) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اجرای ماده (۲۱) معاهده^(۱) و اصل هفتاد و هفتم (۷۷) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای هرگونه اصلاح معاهده در اجرای ماده (۲۲)^(۲) آن، الزامی است.

بسم الله الرحمن الرحيم

معاهده استرداد مجرمین بین جمهوری اسلامی ایران

و جمهوری خلق چین

جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین که از این پس «طرفین» نامیده می‌شوند؛

با ابراز تمایل ... تصمیم به انعقاد این معاهده گرفته‌اند و به شرح زیر توافق نموده‌اند:

۱. ماده (۲۱) معاهده استرداد مجرمین بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین:

«ماده ۲۱- حل و فصل اختلافات

هرگونه اختلاف ناشی از تفسیر یا اجرای این معاهده به‌وسیله مشورت از طریق مجاری دیپلماتیک حل و فصل خواهد شد.»

۲. ماده (۲۲) معاهده استرداد مجرمین بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین:

«ماده ۲۲- لازم‌الاجراءشدن، اصلاح و خاتمه

۱- این معاهده منوط به تصویب است. این معاهده در سی‌امین روز پس از تاریخ مبادله اسناد تصویب، لازم‌الاجراء می‌گردد.

۲- این معاهده ممکن است در هر زمان با توافق کتبی طرفین اصلاح شود.

۳- هر یک از طرفین می‌تواند به‌وسیله یک اطلاعیه کتبی از طریق مجاری دیپلماتیک در هر زمان این معاهده را پایان دهد. خاتمه معاهده در یکصد و هشتادمین روز پس از تاریخ ارائه اطلاعیه نافذ خواهد شد. اختتام این معاهده تأثیری بر مراحل اجرایی استرداد که قبل از تاریخ اختتام آغاز شده است نخواهد داشت.

۴- این معاهده در مورد هر درخواستی که بعد از لازم‌الاجراءشدن آن ارائه شود، اعمال خواهد شد، حتی اگر جرایم مربوط قبل از لازم‌الاجراءشدن این معاهده به‌وقوع پیوسته باشند.»

ماده ۱- تعهد به استرداد

هر یک از طرفین طبق مفاد این معاهده تعهد می‌نماید بر مبنای درخواست طرف دیگر، افراد حاضر در قلمرو خود را که به منظور انجام دادرسی کیفری یا اجرای حکم محکومیت مورد درخواست طرف دیگر هستند، به یکدیگر مسترد نمایند.

دیدگاه مغایرت

الف) استرداد افراد مورد درخواست به جمهوری خلق چین به منظور انجام دادرسی کیفری نسبت به آنها مستلزم تأیید جواز دادرسی آن کشور غیراسلامی است. همچنین اجرای مجازاتی که در کشور چین بدان محکوم شده، به معنای تأیید حکم صادره در چین که یک کشور غیراسلامی است، می‌باشد. بر این اساس، از آنجا که از یک سو احکام دادگاه‌های کشور چین مطابق شرع اسلام نمی‌باشد و قضاوت آنان نیز مشروع نیست و از سوی دیگر، تأیید معاهده‌ی مزبور، در حکم تأیید جواز دادرسی کشور غیراسلامی توسط جمهوری اسلامی ایران است؛ لذا متن معاهده و از جمله اطلاق ماده (۱) آن مغایر با موازین شرع است.

ب) مطابق با موازین شرعی از جمله قاعده‌ی «نفی سبیل»^(۱) شارع مقدس هیچ‌گونه راه سلطه و برتری و تفوق کفار بر مسلمانان را جایز ندانسته و بلکه آن را حرام می‌داند. بر این اساس، از آنجا که تحویل شخص مسلمان به کفار جهت محاکمه‌ی وی در چین، مصداق بارز تسلط و تفوق کفار بر مسلمانان است، ماده (۱) معاهده مزبور از این جهت نقض قاعده‌ی فوق بوده و خلاف شرع است.

نظر شورای نگهبان

همان‌گونه که در موافقتنامه‌های مشابه اظهار نظر شده است این لایحه از این جهت که اطلاق برخی از مواد آن از جمله مواد (۱)، (۲) و نیز بندهای (۱) و (۳) ماده (۴)، اعمال مقررات غیرمنطبق با موازین شرعی دولت طرف متعاقد را لازم‌الاجراء دانسته و نیز مواد متعددی مستلزم تأیید صحت قوانین و صحت آیین دادرسی قوه قضائیه کشور چین و نیز ارجاع کارهای قضایی به دادگاه‌های کشور طرف متعاقد می‌باشد که خود موجب اثر دادن به احکامی است که در آن

۱. مهم‌ترین آیه‌ای که در قرآن کریم بر این قاعده تصریح دارد، آیه (۱۴۱) سوره مبارکه «النساء» است. خداوند در این آیه می‌فرماید: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا». مطابق این آیه، در عالم تشریع، هیچ حکمی که موجب برتری و سلطنت کافر بر مؤمنان و مسلمانان باشد، وجود ندارد. بنابراین طبق آیه مذکور، هرگونه حکمی که از ناحیه‌ی آن حکم، موجبی برای علو و سلطنت کافر بر مسلمانان باشد نفی شده است. (موسوی بجنوردی، سید حسن آقا بزرگ، القواعد الفقهیه، قم، نشر الهادی، چاپ اول، ج ۱، ۱۴۱۹ هـ.ق، ص ۱۹۳)

دادگاه‌ها ولو بر خلاف ضوابط اسلامی صادر می‌گردد، خلاف موازین شرع شناخته شد.

ماده ۲- جرایم قابل استرداد

۱- استرداد انجام نخواهد شد مگر آنکه عمل ارتكابی که به استناد آن درخواست استرداد شده است طبق قوانین هر دو طرف جرم بوده و دارای یکی از شرایط زیر باشد:

الف- در صورتی که در خواست استرداد به منظور انجام دادرسی کیفری است، جرم طبق قوانین هر دو طرف دارای مجازات حبس بیش از یک سال یا مجازات سنگین‌تری باشد؛ یا

ب- در صورتی که درخواست استرداد به منظور اجرای حکم باشد، از مدت محکومیتی که فرد باید تحمل کند، در زمان درخواست، حداقل شش ماه باقی مانده باشد.

۲- در توصیف عملی که طبق بند (۱) این ماده به موجب قوانین دو طرف جرم محسوب می‌گردد، لازم نیست که قوانین دو طرف آن عمل را تحت عنوان مجرمانه یکسان بشناسند یا تعریفی یکسان از آن داشته باشند.

۳- چنانچه استرداد برای ارتكاب دو یا چند عمل که هر یک از آنها طبق قوانین دو طرف جرم محسوب می‌شود، درخواست شود و حداقل یکی از آنها دارای شرایط پیش‌بینی شده در بند (۱) این ماده باشد، طرف درخواست‌شونده می‌تواند برای تمام آن اعمال استرداد را انجام دهد.

دیدگاه مغایرت

الف) از آنجا که در قضاوت و فرآیند دادرسی کیفری کشور چین، موازین اسلامی رعایت نمی‌شود و تأیید معاهده‌ی مزبور، مستلزم تأیید جواز دادرسی کشور غیراسلامی است؛ لذا ماده (۲) معاهده‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع است.

ب) در نظام حقوقی اسلام قضاوت و اجرای حکم از شئون حاکم و ولی امر مسلمین است و لذا قضات باید مأذون و منصوب از جانب وی باشند. از این‌رو، چون قضات دادگاه‌های کشور چین از ناحیه ولی امر نصب نشده‌اند و نیز فاقد شرایط شرعی لازم برای قضاوت از جمله عدالت، اسلام و ... هستند، متن معاهده‌ی مزبور از جمله ماده (۲) آن مغایر با موازین شرع است.

ج) اگرچه ماده (۲) معاهده‌ی مزبور به جرم بودن عمل ارتكابی از نظر قوانین دو کشور (ایران و چین) تصریح کرده است، لکن این تصریح باعث جواز قضاوت کشور غیراسلامی چین نسبت به این جرایم نیست؛ زیرا علاوه بر اینکه راه‌های اثبات جرم در آن کشور مطابق با موازین شرعی

نیست، مجازات‌های تعیین شده برای هر جرم نیز لزوماً با نظام حقوقی اسلام یکسان نیست؛ به عنوان مثال ممکن است در آن کشور مجازات جرمی اعدام باشد، در حالی که طبق موازین شرعی و قانونی ایران، آن عمل چنین مجازاتی نداشته باشد و اعمال آن مجازات مستلزم ظلم در حق مجرم باشد. بر این اساس، ماده (۲) معاهده‌ی مزبور، بر خلاف موازین شرع است.

دیدگاه عدم مغایرت

اگر چه عناوین مجرمانه در کشور چین و ایران یکسان نیست، لیکن طبق عبارت «مگر آنکه عمل ارتكابی که به استناد آن درخواست استرداد شده است طبق قوانین هر دو طرف جرم بوده» مذکور در ماده (۲)، استرداد مجرمین وقتی واقع می‌شود که عمل ارتكابی طبق قوانین هر دو طرف، جرم محسوب شود. بنابراین معاهده‌ی مزبور از این جهت فاقد اشکال است؛ زیرا برای عمل ارتكابی، در هر دو کشور مجازات تعیین شده است و امکان مجازات شخص، نسبت به عملی که نظام اسلامی آن را جرم ندانسته، وجود ندارد.

نظر شورای نگهبان

همان گونه که در موافقتنامه‌های مشابه اظهار نظر شده است این لایحه از این جهت که اطلاق برخی از مواد آن از جمله مواد (۱)، (۲) و نیز بندهای (۱) و (۳) ماده (۴)، اعمال مقررات غیرمنطبق با موازین شرعی دولت طرف متعاقد را لازم الاجراء دانسته و نیز مواد متعددی مستلزم تأیید صحت قوانین و صحت آیین دادرسی قوه قضائیه کشور چین و نیز ارجاع کارهای قضایی به دادگاه‌های کشور طرف متعاقد می‌باشد که خود موجب اثر دادن به احکامی است که در آن دادگاه‌ها ولو بر خلاف ضوابط اسلامی صادر می‌گردد، خلاف موازین شرع شناخته شد.

ماده ۴- درخواست استرداد و اسناد لازم

۱- درخواست استرداد باید کتبی و متضمن موارد زیر بوده یا به همراه آنها باشد:

الف- نام مقام درخواست کننده

ب- نام، سن، جنسیت، تابعیت، اسناد هویت، شغل و محل سکونت یا اقامت شخص مورد نظر و اطلاعات دیگری که می‌تواند به شناسایی هویت و مکان احتمالی وی کمک کند و در صورت امکان توضیح راجع به مشخصات ظاهری شخص، عکس‌ها و برگه انگشت نگاری وی

پ- شرحی در خصوص پرونده از جمله خلاصه‌ای از عمل مجرمانه و نتایج حاصل از آن

ت- متن مفاد مربوط قوانین مرتبط با رسیدگی کیفری که جرم را تعیین می‌کند و مجازاتی را توصیف می‌نماید که می‌تواند در مورد آن اعمال گردد؛ و
ث- متن مفاد مربوط به قوانینی که تعیین‌کننده هر نوع محدودیت زمانی برای تعقیب یا اجرای مجازات است.

۲- علاوه بر مفاد بند (۱) این ماده:

الف- درخواست استرداد برای انجام دادرسی کیفری علیه شخص مورد نظر باید منضم به تصویری از دستور دستگیری صادره توسط مقام صلاحیتدار طرف درخواست‌کننده باشد؛ یا

ب- درخواست استرداد برای اجرای حکم علیه شخص مورد نظر باید منضم به تصویری از حکم لازم‌الاجرای دادگاه و نیز شرحی در مورد مدت محکومیت که قبلاً اجراء شده است باشد.

۳- درخواست استرداد و اسناد همراه آن باید امضاء یا مهر شود و به همراه ترجمه به زبان طرف درخواست‌شونده یا به زبان انگلیسی باشد.

دیدگاه مغایرت

الف) با توجه به اینکه ردیف‌های (ت) و (ث) بند (۱) ماده (۴) موجب تأیید صحت قوانین و صحت آیین دادرسی کشور چین و نیز تأیید ارجاع امور قضایی به دادگاه‌های کشور مزبور است و این امر موجب اثر دادن به احکام صادره در آن دادگاه‌ها ولو بر خلاف ضوابط اسلامی است، لذا ماده (۴) معاهده، مغایر موازین شرع است.

ب) از آنجا که اطلاق ماده (۴) به‌خصوص بندهای (۱) و (۳) آن، اعمال مقررات غیرمنطبق با موازین شرعی دولت چین را لازم‌الاجراء دانسته است، ماده‌ی مزبور مغایر موازین شرع است.

ج) با توجه به اینکه از نظر شرعی اطلاع پیدا کردن از محتویات پرونده خصوصاً در جرایم منافی عفت برای غیرقاضی جایز نیست، اطلاق عبارت «شرحی در خصوص پرونده از جمله خلاصه‌ای از عمل مجرمانه و نتایج حاصل از آن» مذکور در بند (پ) بند (۱) ماده (۴) که مستلزم اطلاع غیرقاضی و نیز انتشار اطلاعات پرونده است، برخلاف موازین شرع است.

نظر شورای نگهبان

همان‌گونه که در موافقتنامه‌های مشابه اظهار نظر شده است این لایحه از این جهت که اطلاق برخی از مواد آن از جمله مواد (۱)، (۲) و نیز بندهای (۱) و (۳) ماده (۴)، اعمال مقررات غیرمنطبق با موازین شرعی دولت طرف متعاقد را لازم‌الاجراء دانسته و نیز مواد متعددی مستلزم

تأیید صحت قوانین و صحت آیین دادرسی قوه قضائیه کشور چین و نیز ارجاع کارهای قضایی به دادگاه‌های کشور طرف متعاقد می‌باشد که خود موجب اثر دادن به احکامی است که در آن دادگاه‌ها ولو بر خلاف ضوابط اسلامی صادر می‌گردد، خلاف موازین شرع شناخته شد.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۳/۱/۲۴ (مرحله دوم) - مصوبه اصراری

ماده واحده - معاهده استرداد مجرمین بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین، به شرح پیوست، تصویب و اجازه مبادله اسناد آن داده می‌شود.

تبصره - رعایت اصل یکصد و سی و نهم (۱۳۹) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اجرای ماده (۲۱) معاهده و اصل هفتاد و هفتم (۷۷) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای هرگونه اصلاح معاهده در اجرای ماده (۲۲) آن، الزامی است.

بسم الله الرحمن الرحيم

معاهده استرداد مجرمین بین جمهوری اسلامی ایران

و جمهوری خلق چین

...

ماده ۱- تعهد به استرداد

هر یک از طرفین طبق مفاد این معاهده تعهد می‌نماید بر مبنای درخواست طرف دیگر، افراد حاضر در قلمرو خود را که به منظور انجام دادرسی کیفری یا اجرای حکم محکومیت مورد درخواست طرف دیگر هستند، به یکدیگر مسترد نمایند.

ماده ۲- جرایم قابل استرداد

۱- استرداد انجام نخواهد شد مگر آنکه عمل ارتكابی که به استناد آن درخواست استرداد شده است طبق قوانین هر دو طرف جرم بوده و دارای یکی از شرایط زیر باشد:

الف- در صورتی که درخواست استرداد به منظور انجام دادرسی کیفری است، جرم طبق قوانین هر دو طرف دارای مجازات حبس بیش از یک سال یا مجازات سنگین‌تری باشد؛ یا

ب- در صورتی که درخواست استرداد به منظور اجرای حکم باشد، از مدت محکومیتی که فرد باید تحمل کند، در زمان درخواست، حداقل شش ماه باقی مانده باشد.

۲- در توصیف عملی که طبق بند (۱) این ماده به موجب قوانین دو طرف جرم محسوب می‌گردد، لازم نیست که قوانین دو طرف آن عمل را تحت عنوان مجرمانه یکسان بشناسند یا تعریفی یکسان از آن داشته باشند.

۳- چنانچه استرداد برای ارتکاب دو یا چند عمل که هر یک از آنها طبق قوانین دو طرف جرم محسوب می‌شود، درخواست شود و حداقل یکی از آنها دارای شرایط پیش‌بینی شده در بند (۱) این ماده باشد، طرف درخواست‌شونده می‌تواند برای تمام آن اعمال استرداد را انجام دهد.

...

ماده ۴- درخواست استرداد و اسناد لازم

۱- درخواست استرداد باید کتبی و متضمن موارد زیر بوده یا به همراه آنها باشد:

الف- نام مقام درخواست‌کننده

ب- نام، سن، جنسیت، تابعیت، اسناد هویت، شغل و محل سکونت یا اقامت شخص مورد نظر و اطلاعات دیگری که می‌تواند به شناسایی هویت و مکان احتمالی وی کمک کند و در صورت امکان توضیح راجع به مشخصات ظاهری شخص، عکس‌ها و برگه انگشت‌نگاری وی

پ- شرحی در خصوص پرونده از جمله خلاصه‌ای از عمل مجرمانه و نتایج حاصل از آن
ت- متن مفاد مربوط قوانین مرتبط با رسیدگی کیفری که جرم را تعیین می‌کند و مجازاتی را توصیف می‌نماید که می‌تواند در مورد آن اعمال گردد؛ و
ث- متن مفاد مربوط به قوانینی که تعیین‌کننده هر نوع محدودیت زمانی برای تعقیب یا اجرای مجازات است.

۲- علاوه بر مفاد بند (۱) این ماده:

الف- درخواست استرداد برای انجام دادرسی کیفری علیه شخص مورد نظر باید منضم به تصویری از دستور دستگیری صادره توسط مقام صلاحیت‌دار طرف درخواست‌کننده باشد؛ یا

ب- درخواست استرداد برای اجرای حکم علیه شخص مورد نظر باید منضم به تصویری از حکم لازم‌الاجرای دادگاه و نیز شرحی در مورد مدت محکومیت که قبلاً اجراء شده است باشد.

۳- درخواست استرداد و اسناد همراه آن باید امضاء یا مهر شود و به همراه ترجمه به زبان طرف درخواست‌شونده یا به زبان انگلیسی باشد.

...

سرانجام مصوبه

* با توجه به اصرار مجلس شورای اسلامی نسبت به مصوبه‌ی خویش در خصوص

موافقتنامه‌ی فوق، این مصوبه طبق اصل (۱۱۲) قانون اساسی در تاریخ ۱۳۹۳/۱/۲۶ برای رفع اختلاف به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال شد.^(۱) این موافقتنامه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۶/۲۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام مورد بررسی قرار گرفت و «مصوبه‌ی مجلس عیناً مورد تأیید قرار گرفت» و نظر مجمع در این خصوص، جهت طی مراحل قانونی به مجلس شورای اسلامی ابلاغ شد.^(۲)

۱. مندرج در نامه‌ی شماره ۲۱۱/۳۱۵۶ مورخ ۱۳۹۳/۱/۲۶ رئیس مجلس شورای اسلامی، خطاب به رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام.

۲. مندرج در نامه‌ی شماره ۸۲۴۹۹/۰۱۰۱ مورخ ۱۳۹۳/۷/۵ رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

قانون آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی

مصوب ۱۳۹۳/۷/۸

درباره‌ی قانون

طرح «آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی» را تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی پس از حذف بخش‌های «آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح» و «آیین دادرسی جرائم رایانه‌ای و تشکیلات، زیرساخت‌ها و دادرسی الکترونیکی» از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به مجلس شورای اسلامی تقدیم کردند. ضرورت وجود قوانین به‌روز و کارآمد در خصوص آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی و ایراد شورای نگهبان نسبت به بخش‌های مزبور در قانون آیین دادرسی کیفری^(۱) سبب شد تا این طرح به صورت مجزا تقدیم مجلس شورای اسلامی شود. در مقدمه‌ی توجیهی این طرح، ضرورت ارائه‌ی آن بدین نحو تبیین شده است: «با توجه به ماهیت خاص جرائم نیروهای مسلح و وجود ساختارهای اختصاصی برای رسیدگی به این جرائم، وجود آیین دادرسی متناسب با این جرائم و به اقتضاء ساختار تخصصی مربوط ضرورت دارد. از طرفی با توجه به اینکه اطلاع دادرسی یکی از مشکلات مطرح در قوه قضائیه است و ضرورت بهره‌گیری از فناوری در انجام دادرسی‌های کیفری جهت رفع اطلاع دادرسی و بهره‌مندی دستگاه قضایی از دقت لازم در فرآیند دادرسی کیفری ضرورت دارد که مقررات خاص برای انجام امور دادرسی از طریق بهره‌گیری از فناوری اطلاعات و ابزار مربوط به آن صورت گیرد. برای تأمین این اهداف طرح زیر ارائه می‌شود.»

این طرح که در تاریخ ۱۳۹۱/۱۰/۶ در مجلس اعلام وصول شده بود، طبق اصل (۸۵) قانون اساسی در تاریخ ۱۳۹۱/۱۰/۲۵ برای رسیدگی به کمیسیون قضایی و حقوقی، به عنوان کمیسیون اصلی ارسال شد که کمیسیون مزبور، با بررسی آن در جلسات متعدد، با اصلاحاتی آن را در تاریخ ۱۳۹۲/۱۱/۲۹ به

۱. شورای نگهبان در بند (۱۹) نظر شماره ۹۱/۳۰/۴۸۳۲۸ مورخ ۱۳۹۱/۷/۲۳ خود نسبت به لایحه آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۰/۳/۲ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی، اظهار داشت: «۱۹- علاوه بر ایرادات و ابهامات متعددی که در بخش‌های ششم و هشتم این مصوبه با عناوین «آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح» و «آیین دادرسی جرائم رایانه‌ای و تشکیلات، زیرساخت‌ها و دادرسی الکترونیکی» وجود دارد، از آنجا که این بخش‌ها جزء لایحه نبوده و طرح موضوع اصل (۷۴) قانون اساسی نیز نمی‌باشند و پیشنهاد و اصلاحات مذکور در اصل (۷۵) نیز در آنها صدق نمی‌کند و یا اصلاح عرفی مواد مذکور در لایحه محسوب نمی‌شوند، مغایر اصول فوق‌الذکر شناخته شدند. همچنین مواد دیگر که به دو موضوع مربوط به این بخش‌ها ارتباط دارند، باید با توجه به این ایراد اصلاح گردند.»

تصویب رساند و با پیشنهاد اجرای آزمایشی آن به مدت سه سال، مصوبه‌ی کمیسیون را به مجلس ارائه کرد. پس از در دستور قرار گرفتن بررسی مدت اجرای آزمایشی این مصوبه در صحن علنی مجلس، نمایندگان مجلس در تاریخ ۱۳۹۳/۲/۲۸ با اجرای آزمایشی آن به مدت سه سال موافقت کردند و مفاد مصوبه را برای طی روند قانونی مذکور در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۲۰۱/۱۳۱۴۴ مورخ ۱۳۹۳/۲/۳۱ به شورای نگهبان ارسال کردند. با وصول این مصوبه به شورای نگهبان، اعضای شورا با تشکیل جلسات متعدد در تاریخ‌های ۲۰، ۲۱ و ۲۸ خرداد و ۴ تیر ۱۳۹۳، ضمن بررسی مفاد این مصوبه، برخی از مواد آن را دارای ابهام و در برخی موارد مغایر با موازین شرع و اصول قانون اساسی از جمله اصول (۱۵)، (۲۲)، (۵۷)، (۷۵)، (۸۵)، (۱۱۰)، (۱۵۶)، (۱۵۸)، (۱۵۹)، (۱۶۰)، (۱۶۴)، (۱۶۵) و (۱۷۲) تشخیص دادند و آن را برای اصلاح به مجلس بازگرداندند. نظر شورای نگهبان در این خصوص، طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ به مجلس اعلام شد. کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس در بررسی مجدّد برای رفع ایرادهای شورای نگهبان، اصلاحاتی را در مواد واجد اشکال و ابهام، اعمال کرد و در تاریخ ۱۳۹۳/۵/۱۹ آنها را به تصویب رساند. مصوبه‌ی اصلاحی مجلس طی نامه‌ی شماره ۲۰۱/۳۹۷۷۵ مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۲ برای اظهار نظر به شورای نگهبان ارسال شد. پس از وصول مصوبه‌ی اصلاحی به شورای نگهبان، این شورا با تشکیل جلسه در تاریخ ۱۳۹۳/۶/۱۹، همچنان در چند مورد ایراد مغایرت با موازین شرع و قانون اساسی را در این مصوبه باقی دانست و ضمن اعلام نظر خویش طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۰۳۴ مورخ ۱۳۹۳/۶/۲۳، آن را برای رفع ایرادهای باقی‌مانده به مجلس برگشت داد. این بار کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس برای برطرف کردن ایرادهای باقی‌مانده‌ی شورای نگهبان، در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۸ اصلاحات لازم را در مصوبه اعمال کرد. در این مرحله (مرحله سوم)، مصوبه‌ی اصلاحی طی نامه‌ی شماره ۲۰۱/۵۰۱۶۷ مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۸ برای بررسی به شورای نگهبان ارسال شد. جلسه‌ی شورای نگهبان برای بررسی مصوبه‌ی اصلاحی کمیسیون قضایی و حقوقی، در تاریخ ۱۳۹۳/۷/۳۰ تشکیل شد که اعضای شورا پس از ملاحظه‌ی اصلاحات انجام‌شده در این مصوبه، ایرادهای سابق را منتفی دانستند و ضمن اعلام عدم مغایرت مفاد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی، نظر خود را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۳۱۸ مورخ ۱۳۹۳/۷/۳۰ به مجلس شورای اسلامی اعلام کردند.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۲/۱۱/۲۹ (مرحله نخست)^(۱)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۳/۲۰، ۱۳۹۳/۳/۲۱، ۱۳۹۳/۳/۲۸ و ۱۳۹۳/۴/۴

ماده ۲- رئیس سازمان قضایی از بین قضاتی که حداقل پانزده سال سابقه خدمت قضایی داشته باشند، توسط رئیس قوه قضائیه منصوب می‌شود.

ماده ۳- رئیس سازمان قضایی علاوه بر ریاست اداری و نظارت بر کلیه سازمان‌های قضایی استان‌ها، ریاست شعبه اول دادگاه تجدید نظر نظامی استان تهران را نیز بر عهده دارد و می‌تواند یک نفر قائم‌مقام و به تعداد لازم معاون داشته باشد.

تبصره- ایجاد تشکیلات قضایی و اداری در سازمان قضایی و انتصاب قضات سازمان و تغییر سمت یا محل خدمت آنان به تشخیص رئیس قوه قضائیه است.

دیدگاه مغایرت

الف) طبق بند (۳) اصل (۱۵۸) قانون اساسی، استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنان بر عهده‌ی رئیس قوه قضائیه است. هر چند طبق ماده (۲) این مصوبه، رئیس سازمان قضایی از سوی رئیس قوه‌ی قضائیه منصوب می‌شود ولی بر اساس ماده (۳) آن، ریاست شعبه اول دادگاه تجدید نظر نظامی استان تهران، مستقیماً و بدون نصب رئیس قوه‌ی قضائیه به رئیس سازمان قضایی واگذار شده است. از این رو، با توجه به اینکه ریاست سازمان قضایی نیروهای مسلح، سمتی مجزا از ریاست شعبه‌ی اول دادگاه تجدید نظر نظامی است و انتصاب فردی به ریاست سازمان قضایی نیروهای مسلح توسط رئیس قوه‌ی قضائیه به معنای انتصاب او به ریاست شعبه‌ی اول دادگاه تجدید نظر نظامی نیست و در این خصوص ممکن است رئیس قوه‌ی قضائیه، فرد دیگری را به ریاست شعبه‌ی اول دادگاه تجدید نظر استان تهران منصوب کند، لذا ماده (۳) این مصوبه از حیث عدم تصریح به نصب ریاست شعبه‌ی اول دادگاه تجدید نظر نظامی توسط رئیس قوه‌ی قضائیه، مغایر با بند (۳) اصل (۱۵۸) قانون اساسی است.

ب) بر اساس بند (۱) اصل (۱۵۸) قانون اساسی، ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسئولیت‌های مقرر در اصل مذکور، از جمله وظایف رئیس قوه‌ی قضائیه معرفی شده است. از آنجا که ذیل ماده (۳) مقرر داشته است رئیس سازمان قضایی می‌تواند یک نفر قائم‌مقام و به تعداد لازم معاون داشته باشد و با عنایت به اینکه این امور به‌نحوی ایجاد تشکیلات محسوب می‌شود،

۱. طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی، مطابق اصل (۸۵) قانون اساسی در تاریخ ۱۳۹۲/۱۱/۲۹ به تصویب کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی رسیده است و در جلسه‌ی علنی مورخ ۱۳۹۳/۲/۲۸ مجلس، با اجرای آزمایشی آن به مدت سه سال موافقت شده است.

این صلاحیت در واقع توسط مجلس به رئیس سازمان قضایی داده شده است و به بیان دیگر از رئیس قوه قضائیه سلب شده است. بنابراین ماده (۳) این مصوبه از حیث سلب صلاحیت از رئیس قوه قضائیه، مغایر بند (۱) اصل (۱۵۸) قانون اساسی است.

ج) اطلاق حکم تبصره‌ی ماده (۳) که تغییر سِمَت یا محل خدمت قضات سازمان قضایی نیروهای مسلح را تنها «به تشخیص رئیس قوه قضائیه» محول کرده است، مغایر اصل (۱۶۴) قانون اساسی است؛ زیرا طبق این اصل، تغییر محل خدمت یا سِمَت قاضی باید «به اقتضای مصلحت جامعه» و «پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل» صورت گیرد. بنابراین اختیارات رئیس قوه قضائیه در این امر مطلق نیست و محدود به در نظر گرفتن شرایط و رعایت تشریفات خاص است. لذا حکم مقرر در تبصره‌ی ماده (۳) در این خصوص با توجه به عدم تصریح به رعایت قیود اصل (۱۶۴) قانون اساسی، مغایر با این اصل است. ضمناً نمی‌توان حکم مصرح در این تبصره را مقید به قیود اصل (۱۶۴) قانون اساسی فرض کرد و بر این اساس آن را مغایر با این اصل محسوب نکرد؛ زیرا اگر چنین برداشت شود، در سایر مواردی که قوانین عادی دارای اطلاق هستند و قیود اصول قانون اساسی را رعایت نکرده باشند، می‌توان چنین استدلال کرد که این قوانین منوط به رعایت قیود قانون اساسی هستند، در حالی که طبق رویه‌ی شورا، چنانچه قیود قانون اساسی در قوانین عادی رعایت نشده باشند، اطلاق آنها مغایر با اصول قانون اساسی دانسته می‌شود.

د) طبق بند (۳) اصل (۱۵۸)، استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنان و مانند اینها از امور اداری، «طبق قانون» توسط رئیس قوه قضائیه صورت می‌پذیرد؛ حال چنانچه ماده (۳) این مصوبه بدون اشاره به رعایت قیود اصل (۱۶۴) تصویب شود و با تأیید شورای نگهبان به «قانون» تبدیل شود، با توجه به تصریح بند (۳) اصل (۱۵۸) به عبارت «طبق قانون» ممکن است این برداشت به وجود آید که طبق این قانون، رئیس قوه قضائیه می‌تواند بدون رعایت قیود اصل (۱۶۴) اقدام به تغییر سِمَت یا محل خدمت قضات سازمان قضایی نیروهای مسلح کند. بنابراین در ماده‌ی مزبور باید رعایت قیود اصل (۱۶۴) قید شود و نمی‌توان قیود اصل (۱۶۴) در خصوص این ماده را مفروض تلقی کرد.

هـ) تصریح تبصره‌ی ماده (۳) به عبارت «تغییر سِمَت یا محل خدمت آنان» که در اصل (۱۶۴) نیز عیناً ذکر شده است، این موضوع را به ذهن متبادر می‌کند که طبق این تبصره، رئیس قوه قضائیه برای تغییر سِمَت یا محل خدمت قضات سازمان قضایی نیروهای مسلح، نیازی به رعایت قیود «به اقتضای مصلحت جامعه» و «پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل» ندارد. بنابراین، نمی‌توان پذیرفت که تبصره‌ی ماده (۳) در خصوص این قیود در مقام بیان نیست و

صرفاً در مقام تعیین مسئول صلاحیت‌دار این کار یعنی رئیس قوهی قضائیه است. لذا تبصره‌ی ماده (۳) از حیث عدم درج قیود اصل (۱۶۴)، مغایر با این اصل است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) بند (۳) اصل (۱۵۸) قانون اساسی، استخدام قضات و عزل و نصب آنها توسط رئیس قوهی قضائیه را طبق «قانون» دانسته است. بنابراین رئیس قوهی قضائیه برای انجام امور فوق باید مطابق قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی عمل کند. ماده (۳) این مصوبه نیز رئیس شعبه‌ی اول دادگاه تجدید نظر نظامی استان تهران را همان رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح دانسته است که طبق ماده (۲) آن، انتصاب هم‌زمان هر دو توسط رئیس قوهی قضائیه صورت می‌پذیرد. به بیان دیگر، رئیس قوهی قضائیه، انتصاب ریاست شعبه‌ی اول را بر اساس این قانون انجام می‌دهد و در این خصوص صاحب اختیار است که هر فردی را که بیش از پانزده سال سابقه‌ی خدمت قضایی دارد، به این سمت منصوب کند. بنابراین ماده (۳) را نمی‌توان از حیث نادیده قلمداد کردن صلاحیت رئیس قوهی قضائیه در خصوص نصب قضات، مغایر با بند (۳) اصل (۱۵۸) قانون اساسی دانست. همچنین در سایر محاکم قضایی همچون دیوان عالی کشور نیز رئیس آن محکمه، ریاست شعبه‌ی اول آن را بر عهده دارد.

ب) با توجه به اینکه در ماده (۳) این مصوبه در خصوص داشتن قائم‌مقام یا معاون به واژه‌ی «می‌تواند» اشاره شده است، این اجازه به رئیس سازمان قضایی داده شده است قائم‌مقام یا معاون انتخاب کند، نه اینکه طبق این مصوبه، در تشکیلات این قوه، لزوماً قائم‌مقام یا هر تعداد معاون معین شده باشد. بنابراین رئیس سازمان قضایی این اختیار خود را باید در چارچوب تشکیلات قوهی قضائیه اعمال کند و به بیان دیگر، با موافقت رئیس قوهی قضائیه باید این اختیار خود را عملی کند. در تبصره‌ی این ماده نیز تأکید شده است که ایجاد تشکیلات قضایی و اداری در سازمان قضایی به تشخیص رئیس قوهی قضائیه است. بنابراین نمی‌توان این ماده را سالب صلاحیت تشکیلاتی رئیس قوهی قضائیه قلمداد کرد و آن را مغایر با بند (۱) اصل (۱۵۸) قانون اساسی دانست.

ج) با توجه به ماده (۳) این مصوبه که ریاست اداری و نظارت بر کلیه‌ی سازمان‌های قضایی استان‌ها را در صلاحیت رئیس سازمان قضایی دانسته است، در تبصره‌ی این ماده به دلیل نفی این موضوع که تغییر سمت یا محل خدمت قضات این سازمان هم با رئیس این سازمان است، تغییر سمت یا محل خدمت آنان را به تشخیص رئیس قوهی قضائیه دانسته است. بر این اساس، تبصره‌ی این ماده در صدد سلب این صلاحیت از رئیس سازمان قضایی است، نه اینکه در مقام بیان این امر باشد که رئیس قوهی قضائیه بدون رعایت قیود اصل (۱۶۴)، مبادرت به انجام این امور کند. لذا این تبصره از حیث عدم ذکر قیود اصل (۱۶۴)، اطلاق نداشته و تشخیص مذکور در آن با رعایت قیود اصل (۱۶۴) همراه

خواهد بود. بنابراین تبصره‌ی این ماده را نمی‌توان مغایر با اصل (۱۶۴) قانون اساسی دانست.

دیدگاه ابهام

با توجه به اینکه مشخص نیست تشخیص رئیس قوه‌ی قضائیه در خصوص تغییر سِمَت یا محل خدمت قضات سازمان قضایی نیروهای مسلح منوط به رعایت قیود اصل (۱۶۴) قانون اساسی است یا خیر و با عنایت به تغایر آن با این اصل در صورت عدم رعایت این قیود، ابتدا این ابهام باید برطرف شود تا بتوان در خصوص آن اظهار نظر کرد.

نظر شورای نگهبان

تبصره ماده (۳)، از این حیث که مشخص نیست آیا تغییر سِمَت یا محل خدمت قضات سازمان با رعایت اصل (۱۶۴) قانون اساسی انجام می‌پذیرد یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.

ماده ۴- معاونان و مدیران کل سازمان قضایی می‌توانند با ابلاغ رئیس قوه قضائیه، عضو دادگاه‌های نظامی یک و یا تجدید نظر نظامی تهران نیز باشند.
تبصره- مقررات این ماده فقط درباره دارندگان پایه قضایی و یا قضات نظامی قابل اجراء است.

دیدگاه مغایرت

الف) مطابق اصل (۱۴۱) قانون اساسی، رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و کارمندان دولت نمی‌توانند بیش از یک شغل دولتی داشته باشند و داشتن هر نوع شغل دیگر در مؤسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه‌ی آن متعلق به دولت یا مؤسسات عمومی است برای آنان ممنوع است. از آنجا که معاونت و مدیر کلّی سازمان قضایی نیروهای مسلح واجد پست سازمانی و جایگاه مشخصی است و قضاوت در دادگاه‌های نظامی یک و تجدید نظر نظامی تهران نیز هر کدام پست سازمانی مستقلّی محسوب می‌شوند، ماده (۴) از حیث تصدی بیش از یک شغل توسط افراد مزبور، مغایر با اصل (۱۴۱) قانون اساسی است.

ب) در اصل (۱۴۱) قانون اساسی به «شغل دولتی» تصریح شده و بیان شده که کسی نمی‌تواند بیش از یک شغل دولتی داشته باشد. به بیان دیگر، در این اصل به «حقوق و مزایا» اشاره نشده است که چنانچه فردی در قبال دو شغل دولتی، یک حقوق دریافت کند، تصدی دو سِمَت او را بتوان یک شغل محسوب کرد. لذا افراد مزبور حتی اگر یک حقوق نیز دریافت کنند، همچنان

متصدی دو شغل دولتی خواهند بود که این امر مغایر با اصل (۱۴۱) است. همچنین در خصوص رؤسای کل دادگستری‌ها که عهده‌دار ریاست شعبه‌ی اول دادگاه تجدید نظر استان مربوطه هستند، در واقع این افراد به طور مستمر، قضاوت نمی‌کنند و صرفاً به دلیل اینکه باید شأن قضایی داشته باشند، به این سمت منصوب می‌شوند. لذا معاونان و مدیران کل سازمان قضایی نیروهای مسلح که در صورت عضویت در دادگاه‌های نظامی یک و یا تجدید نظر نظامی تهران به صورت مستمر به این امر اشتغال می‌ورزند را نمی‌توان با رؤسای کل دادگستری استان‌ها مقایسه کرد. بر این اساس، مفاد ماده (۴) مستلزم تصدی دو شغل است و مغایر با اصل (۱۴۱) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) در اصل (۱۴۱) قانون اساسی تنها داشتن «دو شغل» منع شده است نه داشتن «دو پست سازمانی». بنابراین عضویت در دادگاه‌های نظامی یک و یا تجدید نظر نظامی استان تهران برای معاونان یا مدیران کل سازمان قضایی نیروهای مسلح، شغل «دوم» محسوب نمی‌شود تا ماده (۴) این مصوبه مغایر با اصل (۱۴۱) قانون اساسی باشد، بلکه افراد مزبور تنها با ابلاغ رئیس قوه قضائیه دارای پست سازمانی دیگری هم در قوه‌ی قضائیه هستند که در قبال این دو سمت، صرفاً یک حقوق دریافت می‌کنند. بر این اساس، ماده (۴) را نمی‌توان مغایر اصل (۱۴۱) قانون اساسی دانست.

ب) رویه‌ی شورای نگهبان در خصوص تصویب مقررات مربوط به رؤسای کل دادگستری استان‌ها بدین ترتیب بوده است که تصدی هم‌زمان دو سمت ریاست کل دادگستری استان و ریاست شعبه‌ی اول تجدید نظر آن استان را دو شغل محسوب نمی‌کرده است. در این خصوص، رؤسای کل دادگستری، بخشی از وقت خود را به امر قضا و بخشی را به امور اداری و مدیریتی اختصاص می‌دهند که معاونان و مدیران کل سازمان قضایی نیز همانند آنها هستند. به بیان دیگر، این افراد دو فعالیت مختلف را در یک شغل دولتی انجام می‌دهند که تصدی این دو سمت را نمی‌توان دو شغل محسوب کرد. همچنین این امر در خصوص رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح نیز وجود دارد که طبق ماده (۳) این مصوبه، علاوه بر ریاست سازمان، ریاست دادگاه تجدید نظر نظامی استان تهران را نیز بر عهده دارد. بنابراین با توجه به رویه‌ی موجود، تصدی دو سمت توسط افراد مزبور را نمی‌توان دو شغل محسوب کرد و نمی‌توان آن را از حیث «ممنوعیت تصدی دو شغل دولتی» مغایر با اصل (۱۴۱) قانون اساسی دانست.

نظر شورای نگهبان

ماده (۴)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۵- هرگاه در اثر وقوع جرم، ضرر و زیان مادی به نیروهای مسلح وارد شود، یگان مربوط مکلف است تمام ادله و مدارک خود را به مرجع تعقیب تسلیم کند و نیز تا قبل از اعلام ختم دادرسی، دادخواست ضرر و زیان خود را تسلیم دادگاه کند. مطالبه ضرر و زیان و رسیدگی به آن، مستلزم رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی است اما نیازی به پرداخت هزینه دادرسی ندارد.

تبصره ۱- دعوای اعسار از پرداخت محکوم به موضوع این ماده، باید به طرفیت یگان محکوم له دعوای اصلی اقامه شود.

تبصره ۲- یگان متضرر از جرم، حق طرح دعوی، دفاع و پیگیری دعوی، اعتراض و تجدیدنظرخواهی را مطابق مقررات مربوط دارد و گذشت یگان مذکور مسموع نیست.

دیدگاه مغایرت

الف) طبق اصل (۱۷۲) قانون اساسی، محاکم نظامی صلاحیت رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضای ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را دارا هستند. بر این اساس، سازمان قضایی نیروهای مسلح به عنوان محکمه قضایی صرفاً می‌تواند به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی رسیدگی کند و از صلاحیت رسیدگی به سایر دعاوی برخوردار نیست. این در حالی است که طبق ماده‌ی مزبور، هرگاه جرمی مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی ارتکاب یابد، رسیدگی به ضرر و زیان ناشی از آن که به نیروهای مسلح وارد شده است در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح قرار می‌گیرد، حال آنکه این موضوع، امری حقوقی است که در صلاحیت دادگاه‌های عمومی قرار دارد. بنابراین، ماده‌ی مزبور از حیث توسعه‌ی صلاحیت رسیدگی این سازمان، مغایر با اصل (۱۷۲) قانون اساسی است. همچنین رسیدگی تبعی به برخی امور حقوقی در دادگاه‌های کیفری را نمی‌توان با رسیدگی‌های محاکم نظامی قیاس کرد؛ زیرا در قانون اساسی نسبت به تشکیل دادگاه‌های کیفری و حقوقی و صلاحیت رسیدگی آنها مقرره‌ای تصویب نشده است و این تفکیک توسط قانون عادی انجام شده است. بر این اساس، خود قانون عادی می‌تواند در امور مزبور، گاه صلاحیت یک دادگاه را توسعه دهد و صلاحیت دیگری را تضییق کند. به عنوان مثال قانون عادی می‌تواند با توجه به وجود برخی دلایل و مصالح، رسیدگی به ضرر و زیان ناشی از یک جرم را در صلاحیت دادگاه کیفری قرار دهد که آن جرم را تحت رسیدگی دارد، در حالی که تصریح اصل (۱۷۲) به صلاحیت محاکم نظامی که رسیدگی به جرائم خاص نظامی یا انتظامی است، امکان توسعه‌ی صلاحیت این محاکم کیفری را توسط قانون عادی فراهم نمی‌آورد.

ب) بر اساس اصل (۷۵) قانون اساسی، طرح‌های قانونی و پیشنهادهای و اصلاحاتی که

نمایندگان در خصوص لوایح قانونی عنوان می‌کنند، چنانچه به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه‌های عمومی بیانجامد، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه‌ی جدید معلوم شده باشد. به موجب ذیل ماده (۵)، نیروهای مسلح از پرداخت هزینه‌ی دادرسی مربوط به دادخواست ضرر و زیان خود معاف شده‌اند. با توجه به اینکه نیروهای مسلح طبق قوانین سابق صرفاً در محاکم نظامی از این امر معاف بودند، نه در کلیه‌ی محاکم، حکم مقرر در ذیل ماده (۵) باعث کاهش درآمدهای ناشی از پرداخت هزینه‌ی دادرسی و در نتیجه کاهش درآمدهای عمومی می‌شود. بر این اساس از آنجا که این مصوبه در قالب «طرح» به مجلس ارائه شده است و این ماده از آن، منجر به کاهش درآمدهای عمومی می‌شود و با این وجود، طریق جبران کاهش درآمدهای مذکور در این مصوبه مشخص نشده است،^(۱) ماده (۵) مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است.

همچنین این استدلال که هزینه‌های دادرسی نیروهای مسلح از منابع عمومی دولت پرداخت می‌شود و در صورت پرداخت، مجدداً به همین درآمدها اضافه می‌شود و در مجموع معافیت آنها موجب کاهش درآمد عمومی دولت نمی‌شود، نمی‌تواند موجب عدم مغایرت این ماده با اصل (۷۵) شود؛ زیرا در بودجه‌ریزی، هر دستگاهی بودجه‌ی معینی دارد و هزینه‌های دادرسی این دستگاه‌ها باید به خزانه واریز شود. درآمدهای ناشی از واریز این هزینه‌ها نیز برای فعالیت‌هایی که در برخی موارد، به صورت چندساله است اختصاص داده شده است که اگر این واریز صورت نگیرد، بودجه‌ی برخی از دستگاه‌ها دچار اختلال می‌شود. این امر در خصوص بودجه‌ی سال جاری یعنی سال ۱۳۹۳ اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا این معافیت سبب می‌شود درآمد برخی ردیف‌ها که قبلاً تصویب شده است، تأمین نشود و به‌جای آن، این بودجه در نیروهای مسلح باقی مانده و صرف اقدامات دیگری شود.

ج) اگرچه شاید بتوان پذیرفت که هزینه‌های دادرسی که توسط نیروهای مسلح پرداخت می‌شود از بودجه‌ی عمومی است و در نهایت به بودجه‌ی عمومی دولت بر می‌گردد و لذا این تعادل حاکی از عدم کاهش درآمد عمومی دولت است، ولی توجه به یک نکته نشان می‌دهد که

۱. گفتنی است گرچه در ماده (۱۳۷) این مصوبه، منابع مالی حاصل از هزینه‌های دادرسی به شرح مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ را به عنوان محل تأمین بار مالی این مصوبه دانسته است، ولی شورای نگهبان پیش‌بینی این محل را رافع ایراد مغایرت این مصوبه با اصل (۷۵) قانون اساسی ندانسته است و لذا برخی مواد این مصوبه را که منجر به افزایش هزینه‌ی عمومی یا کاهش درآمد عمومی می‌شود، مغایر با اصل (۷۵) اعلام کرده است. جهت ملاحظه‌ی جزئیات نظرات اعضای شورای نگهبان در این خصوص، به استدلال‌های مطرح‌شده ذیل ماده (۱۳۷) این نوشتار مراجعه شود.

این امر در عمل می‌تواند موجب کاهش درآمد دولت شود. چنانچه حکم دادگاه به سود نیروهای مسلح باشد، باید هزینه‌ی دادرسی را از طرف مقابل اخذ کرد، در حالی که اگر نیروهای مسلح از پرداخت این هزینه‌ها معاف باشند، طرف مقابل می‌تواند ادعا کند که نیروهای مسلح هزینه‌ای پرداخت نکرده‌اند که او مجبور به جبران و پرداخت آن باشد. بنابراین، حکم معافیت نیروهای مسلح از پرداخت هزینه‌های دادرسی از این لحاظ نیز سبب کاهش درآمد عمومی دولت می‌شود و لذا این ماده، مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است که طرح‌های قانونی را در صورت کاهش درآمد عمومی، نیازمند تعیین محل جبران می‌داند.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) رسیدگی به ضرر و زیان ناشی از جرم، از لوازم رسیدگی به جرم است که به صورت تبعی در دادگاه رسیدگی‌کننده به جرم صورت می‌پذیرد. به بیان دیگر، از آنجا که ضرر و زیان مذکور ناشی از وقوع جرم بوده است، تسریع در رسیدگی و جلوگیری از تورم دعاوی در دادگستری و همچنین جلوگیری از امحای دلایل و مدارک اثبات این ضرر و زیان، ایجاب می‌کند که دادگاه کیفری که به اصل جرم رسیدگی می‌کند، به ضرر و زیان ناشی از آن نیز رسیدگی کند و تکلیف آن را مشخص سازد. این امر در جرائم نیروهای مسلح نیز وجود دارد و تعیین تکلیف ضرر و زیان ناشی از جرم همچون استرداد یک اسلحه مسروقه نیز باید در همان دادگاه انجام شود، نه اینکه رسیدگی آن نیازمند ارائه‌ی دادخواست در محکمه‌ای دیگر باشد. لذا با توجه به این رسیدگی تبعی و عدم تفکیک عرفی میان رسیدگی به اصل جرم و ضرر و زیان ناشی از آن، حکم به رسیدگی به ضرر و زیان ناشی از جرم در محاکم نظامی را نمی‌توان مغایر با اصل (۱۷۲) قانون اساسی دانست. این موارد در واقع مشمول عنوان رسیدگی به جرائم نظامی هستند و از لحاظ عرفی نمی‌توان قائل به وجود تفکیک میان آنها و جرم ارتکاب‌یافته بود تا به تبع آن، قائل به رسیدگی جداگانه‌ی آنها بود.

ب) ضرر و زیان ناشی از جرم در واقع بخشی از حیثیت خصوصی جرم محسوب می‌شود که با توجه به لزوم رسیدگی حیثیت عمومی و خصوصی جرم در دادگاه‌های کیفری، این موضوع نیز در صلاحیت دادگاه‌های کیفری قرار خواهد داشت. بر این اساس، ماده‌ی مزبور از این حیث که رسیدگی به ضرر و زیان ناشی از جرائم نظامی را در صلاحیت محاکم نظامی قرار داده است در راستای اصل (۱۷۲) است که رسیدگی به جرائم نظامی و انتظامی را در صلاحیت این محاکم قرار داده است. لذا این ماده را نمی‌توان مغایر با اصل مزبور دانست.

ج) یکی از دلایل تشکیل محاکم نظامی که از جمله‌ی محاکم اختصاصی محسوب می‌شوند و تشکیل آن به تصریح قانون اساسی است، حفظ محرمانگی پرونده‌های نظامی است که معمولاً

دارای طبقه‌بندی هستند. این امر ایجاب می‌کند که این پرونده‌ها در سازمان قضایی نیروهای مسلح رسیدگی شوند. با این وصف، رسیدگی به ضرر و زیان ناشی از جرائم نظامی توسط دادگاه‌های عمومی، خلاف مصلحتی است که قانون اساسی مدّ نظر داشته است. بر این اساس، رسیدگی تبعی به ضرر و زیان ناشی از این جرائم در محاکم نظامی را نمی‌توان مغایر با صلاحیت مذکور در اصل (۱۷۲) یعنی صلاحیت رسیدگی به جرائم خاص نظامی و انتظامی توسط محاکم نظامی دانست.

د) با توجه به اینکه در ماده (۵) پرداخت هزینه‌ی دادرسی توسط نیروهای مسلح از محل وجوه عمومی است و در نهایت نیز به خزانه باز می‌گردد، موازنه‌ای که میان این پرداخت و واریز وجود دارد، نشان می‌دهد که این امر در مجموع باعث کاهش درآمدهای عمومی نمی‌شود. بنابراین این ماده منجر به کاهش درآمد عمومی دولت نمی‌شود تا از این حیث مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی باشد؛ چون طبق این اصل طرح‌های قانونی، در صورت افزایش هزینه‌های عمومی یا کاهش درآمد عمومی، نیازمند تعیین محل جبران آنها است. در نقطه‌ی مقابل به نظر می‌رسد در صورتی که نیروهای مسلح از این معافیت برخوردار نباشند، ممکن است این امر موجب کاهش درآمد دولت شود؛ زیرا موضوع این ماده، مطالبه‌ی ضرر و زیان ناشی از جرم است و چنانچه نیروهای مسلح از پرداخت هزینه‌های دادرسی ناتوان باشند و نتوانند در این خصوص اقامه‌ی دعوا کنند، این امر موجب تضییع حقوق بیت‌المال می‌شود. در این خصوص ممکن است یا به طور کلی اقامه دعوا صورت نپذیرد یا در اثر مرور زمان و از بین رفتن ادله، اقامه‌ی دعوا در سال‌های آتی نتواند کارگشا باشد.

همچنین در خصوص وضعیت این امر در بودجه ۱۳۹۳ نیز در مواردی که این معافیت سبب شود تا بودجه‌ی مربوط به هزینه‌های دادرسی نیروهای مسلح، مصرف نشود، باز هم این بودجه به خزانه بر می‌گردد؛ زیرا نیروهای مسلح صرفاً می‌توانند آن را در محل هزینه‌های دادرسی خرج کنند و در سایر محل‌ها چنین حقی را دارا نیستند. بنابراین این بودجه به درآمد عمومی دولت اضافه می‌شود و لذا موجب کاهش درآمد عمومی دولت نیست تا مغایر با اصل (۷۵) باشد.

ه) معافیت نیروهای مسلح از پرداخت هزینه‌ی دادرسی، بدین معنا نیست که در صورتی که حکم به سود آنها باشد، طرف مقابل بتواند ادعا کند با توجه به معافیت نیروهای مسلح، او هم مجبور به پرداخت هزینه‌ی دادرسی نیروهای مسلح نیست؛ زیرا این معافیت صرفاً برای نیروهای مسلح است و طرف مقابل در هر حال طبق عمومات آیین دادرسی باید این هزینه را به‌عنوان خسارت پرداخت کند. بر این اساس، در این فرض نیز نمی‌توان معافیت نیروهای مسلح را به معنای کاهش درآمد عمومی دولت دانست و از این جهت، این ماده را از حیث عدم تعیین محل جبران این کاهش درآمد، مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی محسوب کرد.

نظر شورای نگهبان

ماده (۵)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۶- رسیدگی به دعوای خصوصی اشخاص حقیقی و حقوقی که به تبع امر کیفری در دادگاه‌های نظامی مطرح می‌شود، مستلزم تقدیم دادخواست و رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی است.

دیدگاه مغایرت

مفاد ماده (۶) از حیث توسعه‌ی صلاحیت دادگاه‌های نظامی مغایر با اصل (۱۷۲) قانون اساسی است؛ زیرا مطابق این اصل، محاکم نظامی صرفاً صلاحیت رسیدگی به جرائم خاص نظامی و انتظامی را بر عهده دارند، در حالی که این ماده، رسیدگی به دعوای خصوصی که به تبع امر کیفری در این محاکم مطرح می‌شود را نیز در صلاحیت دادگاه نظامی دانسته است. هر چند در خصوص رسیدگی به ضرر و زیان ناشی از جرم مذکور در ماده (۵) این مصوبه به دلیل لازم و ملزوم بودن جرم و ضرر و زیان ناشی از آن، پذیرفته شد که این رسیدگی نیز در دادگاه کیفری انجام شود، ولی رسیدگی به دعوای خصوصی که به تبع امر کیفری در دادگاه‌های نظامی مطرح می‌شود، موارد مرتبط بسیاری را شامل می‌شود که اموری تخصصی بوده و خارج از صلاحیت دادگاه‌های نظامی است. به عنوان مثال ممکن است در رسیدگی به یک جرم نظامی، به دلیل نامعلوم بودن یک امر حقوقی مرتبط که رسیدگی به آن جرم منوط به مشخص شدن آن باشد، نیاز به رسیدگی یک مرجع تخصصی باشد که در این حالت دادگاه نظامی باید قرار اناطه صادر کند. مثلاً در بحث ورود غیر مجاز به یک مرکز نظامی، فردی مدعی مالکیت ملک مربوطه شود. در اینجا دادگاه عمومی است که باید تکلیف این ادعای مالکیت را مشخص کند و رسیدگی به این دعوا را نمی‌توان در صلاحیت دادگاه نظامی دانست. بنابراین، ماده‌ی مزبور از حیث توسعه‌ی صلاحیت دادگاه‌های نظامی، مغایر با اصل (۱۷۲) قانون اساسی است.

همچنین عبارت «به تبع» امر کیفری را نمی‌توان همچون عبارت «ناشی از جرم» دانست و قائل به لازم و ملزوم بودن جرم و امور به تبع آن شد. به بیان دیگر، امور به تبع کیفری بسیار وسیع‌تر از ضرر و زیان ناشی از جرم هستند و لذا اطلاق آن که موارد غیر لازم و ملزوم با جرم را نیز شامل می‌شود، این ماده را از حیث توسعه‌ی صلاحیت دادگاه‌های نظامی، در تغایر با اصل (۱۷۲) قانون اساسی قرار خواهد داد.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) این ماده مغایرتی با اصل (۱۷۲) قانون اساسی ندارد؛ زیرا دعوای خصوصی موضوع این ماده به تبع امر کیفری که در صلاحیت دادگاه‌های نظامی بوده، طرح شده است و با توجه به اینکه طرح آن در اثر آن موضوع کیفری بوده است، همچون ضرر و زیان ناشی از جرم است که رسیدگی به آن مطابق ماده (۵) این مصوبه، در صلاحیت دادگاه نظامی قرار گرفت. به بیان دیگر این دعوای با جرائم خاص نظامی و انتظامی مذکور در اصل (۱۷۲) به هم پیوسته و غیر قابل تفکیک هستند و لذا رسیدگی به آنها را نمی‌توان به منزله‌ی توسعه‌ی صلاحیت محاکم نظامی دانست. این امر همچنین در راستای یکی از فلسفه‌های تشکیل دادگاه‌های نظامی طبق قانون اساسی است که اسرار نظامی و مسائل امنیتی مربوطه افشا نشوند. به عنوان مثال ممکن است در اثر ارتکاب یک جرم نظامی درون یک پادگان، خسارتی به همسایه‌ی آن پادگان نیز وارد آمده شده باشد که رسیدگی به این دعوای خصوصی شخص حقیقی از آنجا که به تبع این جرم نظامی محقق شده است، در دادگاه نظامی صورت می‌پذیرد؛ یا اینکه در اثر یک جرم نظامی، تصرفی غاصبانه در ملک یک شخص رخ داده است که دادگاه نظامی به غیر از صدور حکم مجازات فرد و رفع تصرف غاصبانه‌ی او، حکم به پرداخت مال‌الاجاره ایام غصب نیز خواهد داد و بر این اساس، نیازی به رسیدگی جداگانه به این موارد در محاکم عمومی نخواهد بود.

ب) ماده‌ی مزبور در جهت بیان لزوم رعایت تشریفات دادرسی دعوای است که به تبع امر کیفری در دادگاه‌های نظامی مطرح می‌شود. در واقع، تکیه و تأکید این ماده بر لزوم رعایت تشریفات دادرسی است، نه اینکه درصدد بیان این موضوع باشد که هرگونه امر تبعی در دادگاه‌های نظامی رسیدگی شود. به بیان دیگر، این ماده در مقام بیان موارد قابل طرح در دادگاه‌های نظامی نیست، بلکه در مقام بیان این موضوع است که در دعوای که به تبع امر کیفری در این دادگاه‌ها طرح می‌شوند، رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی باید انجام شود. بنابراین ماده‌ی مزبور در مقام بیان امکان رسیدگی به هرگونه امر تبعی نسبت به امور کیفری در محاکم نظامی نیست و صرفاً مواردی را مد نظر دارد که امکان رسیدگی به آنها در دادگاه‌های نظامی وجود داشته باشد. این موارد نیز همان ضرر و زیان ناشی از جرم است که در ماده‌ی قبل به آن اشاره شد و با توجه به لازم و ملزوم بودن آن با اصل جرم، رسیدگی به آن به منزله‌ی توسعه‌ی صلاحیت دادگاه نظامی نیست. بر این اساس، ماده (۶) مستلزم توسعه‌ی صلاحیت دادگاه نظامی نیست تا مغایر با اصل (۱۷۲) قانون اساسی باشد.

دیدگاه ابهام

در این ماده، عبارت «دعوای خصوصی که به تبع امر کیفری مطرح می‌شوند»، واجد ابهام است؛ زیرا مشخص نیست که منظور از آن صرفاً ضرر و زیان ناشی از جرم است یا اینکه هر امر مربوط

همچون دعوی مالکیت و بحث اناطه را نیز شامل می‌شود. از آنجا که اگر این «امور به تبع»، به صورت گسترده مدّ نظر قرار گیرند، منجر به توسعه‌ی صلاحیت دادگاه نظامی و در نتیجه، مغایرت این مصوبه با اصل (۱۷۲) قانون اساسی می‌شود، ابتدا باید این ابهام مصوبه برطرف شود تا بتوان در خصوص آن اظهار نظر کرد.

نظر شورای نگهبان

ماده (۶)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۷- تخلف از مقررات مواد (۵)، (۴۲)، (۴۳)، (۴۹) و تبصره (۳) ماده (۳۹) این قانون، به حکم دادگاه نظامی، موجب محرومیت به انفصال از شغل از سه ماه تا یک سال یا محرومیت از خدمات دولتی از سه ماه تا شش ماه می‌شود.

دیدگاه ابهام

عبارت «محرومیت از خدمات دولتی» در این ماده، از جهت اینکه مشخص نیست منظور از آن، «محرومیت از اشتغال به خدمات دولتی» است یا اینکه هرگونه خدمات دولتی که به افراد ارائه می‌شود را نیز مدّ نظر دارد، دارای ابهام است؛ چه آنکه سلب کلیّ خدمات دولتی از افراد به جهت اشتغال آن بر بسیاری از امور حیاتی زندگی، مغایر با موازین شرع و اصول متعددی از قانون اساسی است. به طور معمول برای چنین تخلفات و جرائمی، از مجازات «محرومیت از حقوق اجتماعی» استفاده می‌شود که در ماده (۲۶) قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، موارد آن ذکر شده است.

دیدگاه عدم مغایرت و ابهام

ظاهر ماده که به «انفصال از شغل» و سپس به «محرومیت از خدمات دولتی» اشاره کرده است، حاکی از آن است که منظور از محرومیت از خدمات دولتی، محرومیت از سایر مشاغل دولتی به جز شغل فعلی افراد مزبور نیز می‌باشد. بنابراین عبارت «محرومیت از خدمات دولتی» را نمی‌توان دارای ابهام دانست.

نظر شورای نگهبان

در ماده (۷)، منظور از محرومیت از خدمات دولتی روشن نیست؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.

ماده ۱۱- اختیارات و وظایف رئیس، دادستان و دیگر مقامات قضایی سازمان قضایی استان با رعایت مقررات این بخش، همان اختیارات و وظایفی است که حسب مورد برای رؤسای کل دادگستری‌ها، دادستان‌های عمومی و انقلاب و سایر مقامات قضایی دادگستری مقرر شده است.

تبصره- گروه شغلی، حقوق و مزایای قضات شاغل در سازمان قضایی همان است که برای هم‌تراز آنان در دادگستری پیش‌بینی شده است و لیکن با توجه به معافیت قضات نظامی از پرداخت مالیات، هم‌ترازی آنان با محاسبه کسر مالیات می‌باشد.

دیدگاه مغایرت

الف) نظامیانی که از نیروهای مسلح برای قضاوت در سازمان قضایی نیروهای مسلح انتخاب می‌شوند، هر چند توسط رئیس قوه قضائیه برای آنان ابلاغ صادر می‌شود، ولی با توجه به اینکه از نظر معلومات، تخصص، سوابق و بسیاری از جهات دیگر نسبت به قضات دادگستری دارای تفاوت هستند، نمی‌توان حقوق و مزایای آنها را هم‌تراز با حقوق و مزایای قضات دادگستری دانست. در واقع این افراد از کارمندان نیروهای مسلح محسوب می‌شوند که همچون کارمندان قوه قضائیه که دارای حقوق و مزایای کمتری نسبت به قضات هستند، باید حقوق کمتری نسبت به قضات دادگستری دریافت کنند. بنابراین هم‌ترازی قضات نظامی با قضات دادگستری طبق تبصره‌ی این ماده، به‌نوعی مستلزم تبعیض ناروا است و از این جهت، مغایر با حکم بند (۹) اصل (۳) قانون اساسی در خصوص لزوم رفع تبعیضات ناروا است.

ب) مطابق اصل (۷۵) قانون اساسی، «طرح‌های قانونی و پیشنهادها و اصلاحاتی که نمایندگان در خصوص لوایح قانونی عنوان می‌کنند و به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه‌های عمومی می‌انجامد، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه‌ی جدید نیز معلوم شده باشد.» از آنجا که در تبصره‌ی این ماده هم‌تراز کردن حقوق و مزایای قضات نظامی با قضاتی که در دادگستری مشغول به خدمت هستند، مستلزم افزایش هزینه‌های دولت در این بخش است و محل تأمین این هزینه‌ها نیز مشخص نشده است^(۱) و با

۱. گفتنی است گرچه در ماده (۱۳۷) این مصوبه، منابع مالی حاصل از هزینه‌های دادرسی به شرح مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ را به عنوان محل تأمین بار مالی این مصوبه دانسته است، ولی شورای نگهبان پیش‌بینی این محل را رافع ایراد مغایرت این مصوبه با اصل (۷۵) قانون اساسی ندانسته است و لذا برخی مواد این مصوبه را که منجر به افزایش هزینه‌ی عمومی یا کاهش درآمد عمومی می‌شود، مغایر با اصل (۷۵) اعلام کرده است. جهت ملاحظه‌ی جزئیات نظرات اعضای شورای نگهبان در این خصوص، به استدلال‌های مطرح‌شده ذیل ماده (۱۳۷) این نوشتار مراجعه شود.

عنایت به اینکه این مصوبه در قالب «طرح» به مجلس ارائه شده است، این تبصره مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است.

دیدگاه ابهام

ذیل تبصره‌ی ماده (۱۱)، عبارت «هم‌ترازی آنان با محاسبه کسر مالیات می‌باشد» دارای ابهام است؛ زیرا مشخص نیست که منظور از آن، هم‌ترازی قضاات نظامی با قضاات دادگستری بدون در نظر گرفتن معافیت مالیاتی است یا اینکه در هم‌ترازی آنان، کسر مالیات نیز مد نظر قرار می‌گیرد. چنانچه در این هم‌ترازی، معافیت مالیاتی قضاات نظامی مد نظر قرار نگیرد، حقوقی که به آنان پرداخت می‌شود، در عمل بیش از قضاات دادگستری است که از آنان مالیات کسر می‌شود که این امر موجب تبعیض ناروا خواهد بود. بنابراین با توجه به این ابهام و مغایرت فرض عدم لحاظ معافیت مالیاتی در هم‌ترازی آنها با بند (۹) اصل (۳) قانون اساسی در خصوص لزوم رفع تبعیضات ناروا، ابتدا باید این ابهام مصوبه برطرف شود تا بتوان در خصوص آن اظهار نظر کرد.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) قضاات نظامی هر چند از کارکنان نیروهای مسلح هستند، ولی دارای مدارک تحصیلی لازم برای تصدی منصب قضا هستند که پس از قبولی در آزمون مربوطه، توسط رئیس قوه قضائیه برای آنان ابلاغ قضایی صادر می‌شود. بنابراین هر چند از لحاظ معلومات و تخصص با قضاات دادگستری متفاوت باشند ولی با توجه به شغل آنها که تصدی منصب قضایی است، نباید میان آنها و قضاات دادگستری از حیث حقوق و مزایای دریافتی تفاوتی وجود داشته باشد. اگر قرار بر پرداخت همان حقوق و مزایای نیروهای مسلح به آنها باشد، این افراد انگیزه‌ای برای تصدی منصب قضا که جایگاه بسیار خطیر و دشواری است نخواهند داشت و به همان امور حقوقی سازمان خود خواهند پرداخت. بنابراین هم‌ترازی حقوق و مزایای قضاات نظامی با قضاات دادگستری به هیچ وجه تبعیض ناروا محسوب نمی‌شود و نمی‌توان آن را مغایر با بند (۳) اصل (۹) قانون اساسی دانست.

ب) ذیل تبصره‌ی ماده (۱۱) در صدد رفع هرگونه تبعیض ناروا میان قضاات نظامی و قضاات دادگستری است و بدین معناست که در هم‌ترازی قضاات نظامی، معافیت مالیاتی آنان نیز باید محاسبه شود و دریافتی آنان باید با لحاظ دریافتی قضاات دادگستری پس از کسر مالیات هم‌تراز شود. طبق ماده (۹۱) قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳ مجلس شورای اسلامی، درآمد حقوق پرسنل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران اعم از نظامی و انتظامی مشمول پرداخت مالیات نیست. بر این اساس قضاات نظامی که از نیروهای مسلح انتخاب شده و توسط رئیس قوه‌ی

قضائیه برای آنان ابلاغ صادر می‌شود، چون بخشی از حقوق خود را از سوی نیروهای مسلح دریافت می‌کنند، از پرداخت مالیات آن معاف هستند. حال چنانچه در پرداخت بخش دیگر از حقوق و مزایای آنان که از سوی قوه قضائیه پرداخت می‌شود، معافیت مالیاتی آنان مدّ نظر قرار نگیرد، در عمل حقوق و مزایای آنان از حقوق و مزایای قضات دادگستری بیشتر می‌شود. لذا ذیل این ماده در جهت رفع این تبعیض، پرداخت میزان هم‌ترازی را با لحاظ کسر مالیاتی دانسته است که از قضات دادگستری انجام می‌شود. بر این اساس، ذیل این ماده را نمی‌توان دارای ابهام دانست و در واقع در راستای بند (۹) اصل (۳) قانون اساسی در خصوص رفع تبعیضات ناروا تصویب شده است.

ج) در حال حاضر حقوق و مزایای قضات نیروهای مسلح هم‌تراز با قضات دادگاه‌های دادگستری پرداخت می‌شود؛ بدین‌نحو که حقوق و مزایای اشتغال در نیروهای مسلح را دریافت می‌کنند و مابه‌التفاوت حقوقشان نسبت به قضات دادگستری را از قوه قضائیه دریافت می‌کنند. بنابراین هم‌ترازی مذکور در تبصره‌ی این ماده، موجب افزایش هزینه‌های عمومی نمی‌شود و لذا این تبصره، با اصل (۷۵) قانون اساسی که طرح‌های قانونی را در صورت افزایش هزینه‌های عمومی، نیازمند تعیین محل تأمین آن می‌داند، مغایرتی ندارد.

نظر شورای نگهبان

تبصره ماده (۱۱)، ... که به افزایش هزینه عمومی می‌انجامد و طریق پیش‌بینی شده در ماده (۱۳۷)، هزینه‌های مذکور را تأمین نمی‌نماید، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی می‌باشند.

ماده ۱۲- دادگاه‌های نظامی که به موجب این قانون تشکیل می‌شوند، عبارتند از:

الف- دادگاه نظامی دو

ب- دادگاه نظامی یک

پ- دادگاه تجدید نظر نظامی

ت- دادگاه نظامی دو زمان جنگ

ث- دادگاه نظامی یک زمان جنگ

ج- دادگاه تجدید نظر نظامی زمان جنگ

دیدگاه مغایرت

الف) مطابق بند نخست اصل (۱۵۸) قانون اساسی، ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری از

وظایف رئیس قوه قضائیه است. از آنجا که دادگاه‌های تجدید نظر مذکور در ماده (۱۲) این مصوبه، دادگاه‌های جدیدی هستند که در حال حاضر وجود ندارند، طبق اصل مزبور، تشکیل آنها باید با موافقت رئیس قوه قضائیه صورت پذیرد؛ این در حالی است که این مصوبه در قالب «طرح» از سوی نمایندگان مجلس ارائه شده است و موافقت رئیس قوه قضائیه در این خصوص جلب نشده است. بنابراین ماده مزبور از این حیث که وظیفه‌ی ایجاد تشکیلات در قوه قضائیه را در مورد دادگاه‌های تجدید نظر نظامی از رئیس قوه قضائیه سلب کرده است، مغایر بند نخست اصل (۱۵۸) قانون اساسی است.

ب) بر اساس اصل (۷۵) قانون اساسی، طرح‌های قانونی نمایندگان، چنانچه به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه‌های عمومی بیانجامد، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه‌ی جدید معلوم شده باشد. بر اساس بند (پ) این ماده، دادگاه‌های تجدید نظر به تشکیلات سازمان قضایی نیروهای مسلح اضافه شده است. به بیان دیگر، قبلاً مرجع تجدید نظر آرای سازمان قضایی، دادگاه نظامی یک و دیوان عالی کشور بود که طبق این ماده، از این پس دادگاه تجدید نظر، مرجع تجدید نظر برخی از این آراء خواهد بود. با توجه به اینکه تشکیل این مرجع نیازمند به‌کارگیری قضات جدید، استفاده از مکان مستقل و تشکیلات اداری جدید است، تأسیس این مرجع دارای بار مالی است. از آنجا که این مصوبه در قالب «طرح» از سوی نمایندگان به مجلس ارائه شده است و این ماده منجر به افزایش هزینه‌های عمومی می‌شود و با این وجود، طریق تأمین این هزینه‌ها در این مصوبه مشخص نشده است،^(۱) ماده (۱۲) مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) مطابق اصل (۷۱) قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند. همچنین طبق اصل (۱۵۹) قانون اساسی، تشکیل دادگاه‌ها بر اساس قانون است. بنابراین نمایندگان مجلس می‌توانند در قالب «طرح»، تشکیل دادگاه‌هایی را به تصویب برسانند و این امر با ایرادی همراه نیست. در واقع این اقدام نمایندگان

۱. گفتنی است گرچه در ماده (۱۳۷) این مصوبه، منابع مالی حاصل از هزینه‌های دادرسی به شرح مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ را به عنوان محل تأمین بار مالی این مصوبه دانسته است، ولی شورای نگهبان پیش‌بینی این محل را رافع ایراد مغایرت این مصوبه با اصل (۷۵) قانون اساسی ندانسته است و لذا برخی مواد این مصوبه را که منجر به افزایش هزینه‌ی عمومی یا کاهش درآمد عمومی می‌شود، مغایر با اصل (۷۵) اعلام کرده است. جهت ملاحظه‌ی جزئیات نظرات اعضای شورای نگهبان در این خصوص، به استدلال‌های مطرح‌شده ذیل ماده (۱۳۷) این نوشتار مراجعه شود.

منافاتی با بند نخست اصل (۱۵۸) قانون اساسی ندارد؛ زیرا رئیس قوه قضائیه می‌تواند اقدام به ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری کند و در عرض رئیس قوه، نمایندگان مجلس هم می‌توانند گاه در قالب طرح‌های مصوب مجلس، تأسیس دادگاه‌هایی را پیش‌بینی کنند. به بیان دیگر، نمایندگان مجلس ممنوعیتی برای ارائه طرح‌های قانونی ندارند و ممنوعیتی که در این خصوص وجود دارد، ممنوعیت ارائه لوایح قضایی است که طبق بند (۲) اصل (۱۵۸)، این لوایح صرفاً باید از سوی رئیس قوه قضائیه ارائه شوند و دولت خود رأساً نمی‌تواند این لوایح را ارائه کند. بنابراین ماده‌ی مزبور از حیث ایجاد تشکیلات در دادگستری، مغایرتی با بند نخست اصل (۱۵۸) قانون اساسی ندارد.

ب) در حال حاضر، تجدید نظر آرای سازمان قضایی از طریق دادگاه نظامی یک و دیوان عالی کشور انجام می‌شود و اضافه شدن دادگاه تجدید نظر در بند (پ) این ماده، تغییری در این روند ایجاد نمی‌کند و صرفاً از لحاظ ساختاری یک واحد به این مجموعه اضافه می‌شود. به عبارت دیگر با تصویب این ماده، تنها اقدام جدیدی که این دادگاه‌ها انجام می‌دهند، رسیدگی به برخی پرونده‌هایی است که در حال حاضر، دیوان عالی مرجع تجدید نظر آنها است. بر این اساس، تشکیل این دادگاه‌ها برای قوه قضائیه، مستلزم صرف هزینه‌ی جدیدی نیست و این قوه می‌تواند با بودجه‌ی فعلی خود مبادرت به این امر کند. با این وصف، تشکیل این دادگاه‌ها منجر به افزایش هزینه‌ی عمومی کشور نمی‌شود تا از حیث عدم تعیین محل برای تأمین هزینه‌های آن در این مصوبه، این ماده با اصل (۷۵) قانون اساسی مغایر باشد.

نظر شورای نگهبان

... بند (پ) ماده (۱۲)، ... که به افزایش هزینه عمومی می‌انجامد و طریق پیش‌بینی شده در ماده (۱۳۷) هزینه‌های مذکور را تأمین نمی‌نماید، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی می‌باشند.

ماده ۱۵- هرگاه دادگاه نظامی دو، اخذ نظر مشاور را ضروری بداند می‌تواند تقاضای مشاور نماید. در این صورت، حسب مورد رئیس سازمان قضایی استان مربوط و در مرکز، رئیس سازمان قضایی مکلف است از میان قضات دادگاه‌ها نسبت به تعیین و اعزام مشاور اقدام نماید. مشاور مکلف است پرونده را به طور دقیق مطالعه و بررسی کند و حداکثر ظرف پنج روز پس از ختم رسیدگی، نظر مشروح و مستدل خود را به طور کتبی اعلام نماید. تخلف مشاور از این امر موجب محکومیت انتظامی تا درجه سه است. تبصره- چنانچه مشاور ظرف مهلت مقرر، نظر مشورتی خود را به دادگاه تسلیم نکند،

قاضی دادگاه خود تصمیم مقتضی را اتخاذ می‌کند و در هر صورت دادگاه مکلف است حداکثر ظرف یک هفته از پایان مدت مقرر یا وصول نظر مشاور، مبادرت به انشای رأی نماید.

دیدگاه مغایرت

الف) اطلاق محکومیت انتظامی مشاور در فرض تخلف از اعلام نظر کتبی خود ظرف مدت مقرر، نسبت به مواردی که رسیدگی و اعلام نظر در مدت پنج روز برای او ممکن نیست و به بیان دیگر مشاور در این مدت، عذر داشته باشد، واجد ایراد شرعی است.

ب) مطابق بند (۳) اصل (۱۵۸) قانون اساسی، استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت قضات از وظایف رئیس قوه قضائیه است. از آنجا که بر اساس ماده (۱۵) این مصوبه، صلاحیت تعیین و اعزام مشاور از میان قضات دادگاه‌ها به رئیس سازمان قضایی محول شده است، این ماده مغایر بند (۳) اصل (۱۵۸) قانون اساسی خواهد بود. به بیان دیگر، تغییر محل مأموریت قضات بر عهده رئیس قوه قضائیه است و اعطای این صلاحیت به رئیس سازمان قضایی به معنای سلب این صلاحیت از رئیس قوه قضائیه و مغایر با اصل مزبور خواهد بود. همچنین، اطلاق عبارت «از میان قضات دادگاه‌ها» در این ماده بدین معنا است که رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح می‌تواند از قضات خارج از سازمان قضایی نیروهای مسلح نیز افرادی را به عنوان مشاور تعیین کند که این امر مغایر با اصول اداری و مدیریتی و صلاحیت‌های رئیس قوه قضائیه در این خصوص نیز خواهد بود.

ج) تصویب این ماده را نمی‌توان بدین معنا دانست که رئیس قوه قضائیه هنگام صدور حکم قضات سازمان قضایی نیروهای مسلح، به طور کلی پذیرفته است که این افراد بتوانند به عنوان مشاور نیز تعیین شوند. تغییر محل خدمت و مأموریت قضات که طبق بند (۳) اصل (۱۵۸) در صلاحیت رئیس قوه قضائیه گذاشته شده است، بدین معناست که رئیس قوه قضائیه باید به صورت موردی و برای هر فرد، ابلاغی مجزا با محل خدمت مشخص تعیین کند و این امر نمی‌تواند به طور کلی صورت پذیرد. بنابراین ماده مزبور از حیث سلب صلاحیت تعیین محل مأموریت قضات از رئیس قوه قضائیه و اعطای آن به رئیس سازمان قضایی، مغایر با بند (۳) اصل (۱۵۸) است. همچنین حکم مشاوره‌ی مذکور در این ماده را نیز نمی‌توان یک مأموریت عادی محسوب کرد و آن را به عنوان تغییر محل مأموریت محسوب نکرد؛ زیرا ممکن است بررسی پرونده‌ای، مدت زمان بسیاری از وقت یک قاضی مشاور را بگیرد و او نتواند در محل خدمت خود ایفای وظیفه کند. بر این اساس، این اقدام در واقع تغییر محل مأموریت قضات محسوب می‌شود و لذا طبق اصل مزبور در صلاحیت رئیس قوه قضائیه است.

د) مطابق اصل (۱۴۱) قانون اساسی رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و کارمندان دولت نمی توانند بیش از یک شغل دولتی داشته باشند و داشتن هر نوع شغل دیگر ممنوع است. تعیین حکم مشاوره در این ماده برای قضات، در واقع شغلی جدید محسوب می شود که تصدی آن از سوی قضات به منزله تصدی شغل دوم است و از این رو، این ماده از این حیث، مغایر با اصل (۱۴۱) قانون اساسی است.

ه) اطلاق عبارت «در هر صورت دادگاه مکلف است حداکثر ظرف یک هفته از پایان مدت مقرر یا وصول نظر مشاور، مبادرت به انشای رأی نماید»، مغایر با موازین شرع است؛ زیرا ممکن است قاضی برای کشف حقیقت نیاز به صرف زمان بیشتری داشته باشد و از لحاظ صدور حکم به قطعیت نرسیده باشد. بر این اساس، الزام قاضی به انشای رأی ظرف مدت یک هفته در تبصره‌ی این ماده، مغایر با موازین شرع است. همچنین لزوم اخذ نظر مشاور در این ماده بدین معنا است که قاضی در خصوص موضوع یک پرونده، دارای ابهام بوده است و ممکن است رفع این ابهام منوط به تحقیقات بیشتر و یا تصحیح شیوه‌ی تحقیقات باشد. بنابراین قرار دادن مهلت یک هفته برای این قاضی به خصوص در مواردی که مشاور از ارائه‌ی نظر استنکاف کرده است، مغایر با موازین شرع است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) در این ماده، الزام مشاور به اعلام نظر مشروح و مستدل خود حداکثر ظرف پنج روز منوط به ختم رسیدگی شده است. بر این اساس، اگر مشاور عذری در این خصوص داشته باشد، ختم رسیدگی را اعلام نمی دارد تا ملزم به ارائه‌ی نظر خود باشد. همچنین اگر پس از ختم رسیدگی، عذر موجهی برای عدم اعلام نظر مشاور وجود داشته باشد، همچون سایر موارد سلب مسئولیت کیفری، مشاور نیز به محکومیت مذکور در این ماده محکوم نخواهد شد. بنابراین در این ماده قرار دادن مدت پنج روز برای ارائه‌ی نظر مشاور، مغایرتی با موازین شرعی ندارد.

ب) با توجه به اینکه ابلاغ قضات سازمان قضایی نیروهای مسلح توسط رئیس قوه‌ی قضائیه صادر می شود، تصویب این ماده بدین معنا خواهد بود که رئیس قوه‌ی قضائیه پذیرفته است که در حین صدور ابلاغ قضایی آنها، حکم مأموریت مشاوره‌ای آنها در موارد لزوم را نیز پذیرفته و در واقع صادر کرده است. به بیان دیگر حکم مأموریت این افراد به طور کلی توسط رئیس قوه‌ی قضائیه صادر شده است و تعیین قضات مربوطه به طور موردی بر عهده‌ی رئیس سازمان قضایی گذاشته شده است. بنابراین ماده‌ی مزبور در خصوص تعیین محل خدمت قضات از رئیس قوه‌ی قضائیه سلب صلاحیت نکرده است و از این جهت، مغایرتی با بند (۳) اصل (۱۵۸) قانون اساسی ندارد. همچنین تعیین این مشاوران «از میان قضات دادگاه‌ها» بدین معنا نیست که رئیس سازمان

قضایی می‌تواند از قضات هر دادگاهی، از جمله دادگاه‌های خارج از سازمان قضایی نیز استفاده کند، بلکه دادگاه‌های مذکور در این ماده، منصرف به دادگاه‌های سازمان قضایی نیروهای مسلح است. بنابراین این ماده از این حیث نیز مغایر با اصول اداری و مدیریتی قوه قضائیه و صلاحیت‌های رئیس قوه قضائیه نیست.

ج) تعیین مشاور طبق این ماده، به معنای تغییر محل مأموریت قضات نیست، بلکه قضات مذکور، در عین داشتن ابلاغ قضایی، شأنی مشورتی نیز دارا هستند که در موارد لزوم از مشورت آنها استفاده خواهد شد. به بیان دیگر، مأموریت مشورتی مذکور در این ماده، صرفاً ارجاعی قضایی است و نمی‌توان آن را به معنای تغییر محل مأموریت قضات دانست تا بتوان آن را از حیث سلب یکی از صلاحیت‌های رئیس قوه قضائیه، مندرج در بند (۳) اصل (۱۵۸) قانون اساسی مغایر با این اصل دانست.

د) مشاوره‌ی مذکور در این ماده، مأموریت و فعالیتی قضایی است که در برخی موارد به قضات سازمان قضایی نیروهای مسلح سپرده می‌شود. به بیان دیگر طبق این ماده، برخی از اقدامات قضایی قضات در قالب مشاوره به سایر قضات انجام می‌شود. بنابراین مشاوره‌ی مذکور در این ماده، شغلی جدید محسوب نمی‌شود تا بتوان آن را از حیث ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل، مغایر با اصل (۱۴۱) قانون اساسی دانست.

نظر شورای نگهبان

در ماده (۱۵)، تعیین و اعزام مشاور از میان قضات دادگاه‌ها از سوی رئیس سازمان قضایی، بدون ابلاغ رئیس قوه قضائیه، مغایر بند (۳) اصل (۱۵۸) قانون اساسی شناخته شد. همچنین تبصره این ماده نسبت به موردی که بدون اخذ نظر مشاور، برای قاضی، صدور رأی امکان‌پذیر نباشد، خلاف موازین شرع شناخته شد.

ماده ۱۷- در صورتی که تعداد اعضای دادگاه نظامی یک یا دادگاه تجدید نظر نظامی به حد نصاب لازم نرسد، رئیس سازمان قضایی با تفویض اختیار از سوی رئیس قوه قضائیه، می‌تواند قضات دادگاه‌های مزبور را از میان قضات دادگاه‌های نظامی یک و یا تجدید نظر همان استان و یا با ابلاغ مأموریت موقت از سایر استان‌ها تأمین نماید. تبصره- در صورت نیاز، قضات موضوع این ماده با پیشنهاد رئیس سازمان قضایی و تصویب رئیس قوه قضائیه از میان قضات دادگاه‌های کیفری یک یا تجدید نظر استان مربوط تأمین می‌شود.

دیدگاه مغایرت

الف) تغییر محل مأموریت قضات طبق بند (۳) اصل (۱۵۸) قانون اساسی در صلاحیت رئیس قوهی قضائیه است. با عنایت به اینکه قضاوت از مناصب پیامبران و جانشینان آنان است که در زمان غیبت حضرت ولی عصر (اروحنه له الفداء)، ولی فقیه جامع الشرایط، مدیریت آن را به شخص رئیس قوهی قضائیه تفویض کرده است، رئیس قوهی قضائیه صرفاً خود می‌تواند نسبت به استخدام قضات و عزل و نصب آنها و تغییر محل خدمت آنها اقدام کند و نمی‌تواند آن را به شخص دیگری تفویض کند. به بیان دیگر، این وظیفهی رئیس قوهی قضائیه قائم به شخص است و قابل تفویض نیست. از این رو، مادهی مزبور که تأمین قضات مذکور را قابل تفویض به رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح دانسته است، از حیث غیر قابل تفویض بودن صلاحیت رئیس قوهی قضائیه مندرج در بند (۳) اصل (۱۵۸)، مغایر با این اصل است. همچنین از حکم مقرر در ذیل اصل (۱۶۰) قانون اساسی که بیان می‌دارد: «رئیس قوهی قضائیه می‌تواند اختیارات تام مالی و اداری و نیز اختیارات استخدامی غیر قضات را به وزیر دادگستری تفویض کند»، این مفهوم مخالف برداشت می‌شود که رئیس قوهی قضائیه صرفاً در خصوص استخدام غیر قضات، می‌تواند صلاحیت خود را تفویض کند و در خصوص امور استخدامی و شغلی قضات چنین اختیاری را دارا نیست.

ب) مطابق اصل (۱۶۴) قانون اساسی تغییر محل خدمت یا مأموریت قضات توسط رئیس قوهی قضائیه باید به «اقتضای مصلحت جامعه» و «پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل» انجام شود. بر این اساس، مادهی مزبور که در تغییر محل مأموریت قضات، رعایت قیود اصل (۱۶۴) را لازم ندانسته است و رئیس قوهی قضائیه را به طور مطلق صاحب صلاحیت دانسته است، مغایر با این اصل است. همچنین تأمین قضات این دادگاه‌ها در صورت به حد نصاب نرسیدن اعضای آن به معنای موقت بودن مأموریت آنها نیست و حتی در مواردی که ابلاغ مأموریت موقت صادر می‌شود نیز ممکن است این مأموریت به اندازه‌ای باشد (مثلاً شش ماه) که از لحاظ عرفی به معنای تغییر محل مأموریت باشد. بر این اساس، نمی‌توان تأمین قضات مذکور در این ماده را به معنای صدور ابلاغ مأموریت کوتاه‌مدت قلمداد کرد و آن را خارج از شمول عنوان «تغییر محل مأموریت» مذکور در اصل (۱۶۴) دانست.

ج) طبق بند (۳) اصل (۱۵۸) قانون اساسی، تغییر محل مأموریت و تعیین مشاغل قضات در صلاحیت رئیس قوهی قضائیه است و این صلاحیت، مقید به پیشنهاد شخص دیگری نشده است. به بیان دیگر، به‌جز قیود مصرح در اصل (۱۶۴) قانون اساسی، رئیس قوهی قضائیه در این خصوص اختیار تام دارد و نمی‌توان آن را مقید به امور دیگری کرد. در تبصره‌ی این ماده، تأمین قضات مورد نیاز از سوی رئیس قوهی قضائیه منوط به «پیشنهاد رئیس سازمان قضایی» شده است،

در حالی که رئیس قوه قضائیه طبق بند (۳) اصل (۱۵۸) رأساً می‌تواند نسبت به این امر مبادرت ورزد. بر این اساس، تبصره‌ی این ماده از حیث محدود کردن صلاحیت رئیس قوه قضائیه، مغایر با بند (۳) اصل (۱۵۸) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) بر اساس ذیل بند (۳) اصل (۱۵۸) قانون اساسی، صلاحیت رئیس قوه قضائیه در خصوص عزل و نصب قضات و «تغییر محل مأموریت» آنها مقید به «قانون» است. بر این اساس، اگر قانون مشخص کند که رئیس قوه قضائیه می‌تواند این صلاحیت را در مواردی به شخص دیگری تفویض کند، با عنایت به تصریح ذیل این بند به عبارت «طبق قانون»، رئیس قوه قضائیه مانعی برای این امر نخواهد داشت. بنابراین، ماده‌ی مزبور را نمی‌توان از حیث پیش‌بینی امکان تفویض صلاحیت تغییر محل مأموریت قضات مذکور در این ماده از سوی رئیس قوه قضائیه به رئیس سازمان قضایی، مغایر با بند (۳) اصل (۱۵۸) دانست.

ب) تأمین قضات مذکور در این ماده، صرفاً در مواردی است که جلسات دادگاه از لحاظ اعضا به حد نصاب نرسد که در این حالت رئیس قوه قضائیه می‌تواند با صادر کردن ابلاغ مأموریت موقت برای برخی قضات موجب برگزار شدن این جلسات شود. بنابراین تأمین قضات در این ماده از طریق مأموریت‌های کوتاه‌مدت صورت می‌پذیرد که در واقع به معنای تغییر محل مأموریت قضات نیست تا نیازمند رعایت قیود مصرّح در اصل (۱۶۴) قانون اساسی، یعنی «به اقتضای مصلحت جامعه» و «پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل» باشد.

دیدگاه ابهام

در این ماده مشخص نیست منظور از «تأمین قضات» و «ابلاغ مأموریت موقت»، صرفاً مأموریت‌های کوتاه‌مدت و برای برخی جلسات است یا اینکه این مأموریت ولو موقت، ممکن است به اندازه‌ای طولانی باشد که در عرف به معنای تغییر محل مأموریت محسوب شود. چنانچه این عبارات به معنای تغییر محل مأموریت قضات باشد، این ماده از حیث عدم لزوم رعایت قیود اصل (۱۶۴)، مغایر با این اصل خواهد بود. لذا ابتدا باید این ابهام مصوبه برطرف شود تا بتوان در خصوص آن اظهار نظر کرد.

نظر شورای نگهبان

در ماده (۱۷)، تفویض اختیار از سوی رئیس قوه قضائیه، مغایر اصل (۱۵۸) قانون اساسی شناخته شد. همچنین اطلاق صدور ابلاغ مأموریت موقت از سایر استان‌ها، مغایر اصل (۱۶۴)

قانون اساسی می‌باشد. به علاوه در تبصره این ماده، منوط نمودن تأمین قضاات مورد نیاز از میان قضاات دادگاه کیفری یک یا تجدید نظر استان مربوط به پیشنهاد رئیس سازمان قضایی، مغایر بند (۳) اصل (۱۵۸) قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۱۸- هرگاه در محلی دادگاه نظامی دو تشکیل نشده یا بالاتصدی باشد و یا تشکیل شده ولی با تراکم پرونده روبرو باشد، دادگاه نظامی یک حسب ارجاع، به پرونده‌هایی که در صلاحیت دادگاه نظامی دو است نیز رسیدگی می‌نماید. در این صورت دادگاه مزبور با تصدی یکی از اعضاء تشکیل می‌شود.

تبصره- هرگاه در استانی دادگاه نظامی یک یا تجدید نظر نظامی تشکیل نشده یا بالاتصدی باشد یا به جهاتی از قبیل ردّ دادرس، امکان رسیدگی در استان فراهم نبوده و اعزام قاضی مأمور نیز مقدور نباشد، رسیدگی به پرونده‌های مربوط، حسب مورد در نزدیک‌ترین حوزه قضایی به عمل می‌آید.

دیدگاه مغایرت

مطابق اصل (۱۴۱) قانون اساسی رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و کارمندان دولت نمی‌توانند بیش از یک شغل دولتی داشته باشند. ممنوعیت جمع مشاغل مصرّح در اصل (۱۴۱)، ایجاب می‌کند که قضاتی که در دادگاه نظامی یک به قضاوت اشتغال دارند، در دادگاه نظامی دو قضاوت نکنند. بنابراین ماده (۱۸) از حیث پیش‌بینی دو شغل برای یک نفر، مغایر با اصل (۱۴۱) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

رسیدگی به پرونده‌های دادگاه نظامی دو توسط قضاات دادگاه نظامی یک، تنها در صورتی است که در محلی دادگاه نظامی دو تشکیل نشده یا بالاتصدی است و بنا به تصریح ماده (۱۸) حسب ارجاع و به شکل موردی خواهد بود. در واقع، این نوع اختیار برای قضاات دادگاه‌های نظامی یک، نوعی صلاحیت اضافی محسوب می‌شود، نه اینکه وی دو شغل و دو پست سازمانی را تصدی کرده باشد. بر این اساس، این ماده از حیث ممنوعیت جمع مشاغل دولتی مغایرتی با اصل (۱۴۱) قانون اساسی ندارد.

نظر شورای نگهبان

ماده (۱۸)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۲۰- در صورت ضرورت، برای رسیدگی به جرائم ارتكابی نظامیان که در صلاحیت سازمان قضایی است، بنا به پیشنهاد فرمانده کل ارتش یا سپاه یا فرمانده نیروی انتظامی و موافقت رئیس سازمان قضایی، شعبه یا شعبی از دادسرای نظامی در محل استقرار تیپ‌های مستقل رزمی و بالاتر و یا رده هم‌تراز آنها در سایر نیروها برای مدت معین تشکیل می‌شود. تأمین محل مناسب و امکانات مورد نیاز به‌عهده همان یگان است.

دیدگاه مغایرت

مطابق بند (۱) اصل (۱۵۸) قانون اساسی، ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری، از جمله وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه است. این در حالی است که در ماده (۲۰) این مصوبه، تشکیل شعب دادسرا و دادگاه در محل استقرار تیپ‌های مستقل رزمی و بالاتر و یا رده‌ی هم‌تراز آنها در سایر نیروها برای مدت معین را منوط به موافقت رئیس سازمان قضایی کرده است. بر این اساس، این ماده از حیث سلب صلاحیت از رئیس قوه قضائیه، مغایر با بند (۱) اصل (۱۵۸) قانون اساسی است. همچنین تصریح این ماده به تشکیل شعبه یا شعبی از دادسرای نظامی در محل‌های مزبور به معنای ایجاد شعب جدید است، نه اینکه صرف انتقال شعب موجود را مد نظر داشته باشد.

دیدگاه عدم مغایرت

این ماده صرفاً در خصوص استقرار برخی از شعب موجود دادسرای نظامی در محل‌های مذکور است، نه اینکه شعب جدیدی با موافقت رئیس سازمان قضایی تشکیل شوند. به بیان دیگر، بر اساس این ماده در صورت موافقت رئیس سازمان قضایی، صرفاً مکان تشکیل این شعب به محل‌های مذکور انتقال می‌یابد و تشکیلات جدیدی در دادگستری ایجاد نمی‌شود. بر این اساس، ماده‌ی مزبور در راستای سلب صلاحیت از رئیس قوه قضائیه نیست و از این جهت، با بند (۱) اصل (۱۵۸) قانون اساسی ناظر بر صلاحیت رئیس قوه قضائیه در ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری مغایرتی ندارد.

نظر شورای نگهبان

در ماده (۲۰)، منوط نمودن امر به پیشنهاد فرماندهان مرقوم و موافقت رئیس سازمان قضایی، مغایر اصل (۱۵۸) قانون اساسی می‌باشد.

ماده ۲۱- در زمان جنگ، دادگاه‌های نظامی زمان جنگ با پیشنهاد رئیس سازمان قضایی و تصویب رئیس قوه قضائیه، به تعداد مورد نیاز و به منظور رسیدگی به جرائم مربوط به جنگ،

در محل قرارگاه‌های عملیاتی، مراکز استان‌ها یا سایر مناطق مورد نیاز تشکیل می‌شود.

تبصره ۱- رسیدگی به جرائم مذکور در بندهای (ب) و (پ) ماده (۲۲) این قانون که توسط غیر نظامیان در زمان جنگ در مناطق جنگی ارتکاب یابد و جرائم ارتكابی ساکنان سرزمین‌هایی که در زمان جنگ تحت تصرف نیروهای مسلح ایران در می‌آید علیه نیروهای مسلح خودی و جرائم نظامیان خودی علیه ساکنان مناطق یادشده نیز در صلاحیت دادگاه‌های نظامی زمان جنگ است.

تبصره ۲- حوزه قضایی دادگاه‌های نظامی زمان جنگ، حسب مقتضیات و شرایط جنگی، با پیشنهاد رئیس سازمان قضایی و تصویب رئیس قوه قضائیه تعیین می‌شود.

تبصره ۳- تشخیص زمان جنگ بر عهده شورای عالی امنیت ملی می‌باشد.

تبصره ۴- دادگاه‌های نظامی دو، نظامی یک و تجدید نظر نظامی تا هنگام تشکیل دادگاه‌های نظامی زمان جنگ، حسب مورد برابر مقررات دادرسی زمان جنگ، به جرائم مربوط به جنگ رسیدگی می‌کنند.

دیدگاه مغایرت

الف) مطابق بند (۱) اصل (۱۵۸) قانون اساسی، ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری از جمله وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه است. در ماده (۲۱) تشکیل دادگاه‌های نظامی زمان جنگ، منوط به پیشنهاد رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح و تصویب رئیس قوه قضائیه شده است که این امر بدین معناست که رئیس قوه قضائیه ابتدائاً نمی‌تواند اقدام به این امر کند. از این جهت، این ماده از حیث منحصر کردن صلاحیت رئیس قوه قضائیه به پیشنهاد رئیس سازمان قضایی، مغایر با اصل (۱۵۸) است. تبصره (۲) این ماده که تعیین حوزه‌های قضایی مذکور را به پیشنهاد رئیس سازمان قضایی دانسته است نیز به دلیل محدود کردن اختیار رئیس قوه قضائیه مغایر با اصل مزبور است.

ب) مطابق اصل (۱۷۲) قانون اساسی، محاکم نظامی برای رسیدگی به جرائم مربوط به «وظایف خاص نظامی یا انتظامی» اعضای ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مطابق قانون تشکیل می‌شوند. بر اساس حکم تبصره (۱) این ماده، «دادگاه‌های نظامی زمان جنگ» صلاحیت رسیدگی به این موارد را خواهند داشت: «جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی» و «جرائم مربوط به امور جنگی مرتبط با اقدامات عملیاتی، گرچه محل وقوع آن خارج از مناطق عملیاتی باشد» که توسط غیرنظامیان در مناطق جنگی ارتکاب می‌یابد، کلیه «جرائم ارتكابی ساکنان سرزمین‌هایی که در زمان جنگ تحت تصرف نیروهای مسلح ایران در می‌آید علیه نیروهای خودی» و کلیه «جرائم نظامیان خودی علیه ساکنان مناطق یادشده». این در حالی است

که مطابق اصل (۱۷۲) قانون اساسی، محاکم نظامی صرفاً صلاحیت رسیدگی به جرائم نظامیان را دارا هستند. بنابراین دو مورد نخست که رسیدگی به جرائم غیر نظامیان را در صلاحیت دادگاه نظامی قرار داده است، مغایر با اصل (۱۷۲) قانون اساسی است. اطلاق مورد سوم آن نیز که رسیدگی به کلیه جرائم نظامیان را در صلاحیت دادگاه نظامی قرار داده است، به دلیل اینکه جرائم غیر نظامی افراد نظامی را نیز شامل می‌شود، مغایر با اصل مزبور است. به بیان دیگر، جرائم غیر نظامی این افراد طبق این اصل در حیطه‌ی محاکم نظامی نیست و باید در سایر دادگاه‌های ذیصلاح به آنها رسیدگی شود.

ج) حکم تبصره (۳) ماده (۲۱) که «تشخیص زمان جنگ» را بر عهده‌ی «شورای عالی امنیت ملی» گذاشته است، با توجه بند (۵) اصل (۱۱۰) قانون اساسی که «اعلان جنگ و صلح» را از وظایف و اختیارات مقام رهبری دانسته است، مغایر این بند از اصل (۱۱۰) قانون اساسی است. همچنین نمی‌توان قائل به تفکیک جنگ به «جنگ رسمی» و «غیر رسمی» شد و صرفاً اعلان نوع رسمی آن را در صلاحیت مقام رهبری دانست؛ زیرا اگر جنگی وجود داشته باشد مشمول اطلاق «اعلان جنگ» مندرج در بند (۵) اصل (۱۱۰) خواهد بود و نیز هر اقدام مسلحانه همچون آشوب‌ها را ولو به طور گسترده نمی‌توان جنگ محسوب کرد.

دیدگاه عدم مغایرت

از آنجا که ممکن است در بخشی از کشور «جنگ داخلی» صورت پذیرد (مثلاً جنگ با منافقین در کردستان) و نتوان آن را از زمره‌ی جنگ‌های رسمی دانست که مقام رهبری اعلان جنگ کنند، تشخیص زمان جنگ بودن این موارد غیر رسمی توسط شورای عالی امنیت ملی را نمی‌توان مغایر با بند (۵) اصل (۱۱۰) قانون اساسی دانست. به بیان دیگر، صلاحیت اعلان جنگ مذکور در این بند برای مقام رهبری مربوط به جنگ‌های رسمی علیه ایران است و تشخیص زمان جنگ‌های داخلی را نمی‌توان صرفاً در صلاحیت مقام رهبری دانست. بر این اساس، تبصره (۳) این ماده را در خصوص جنگ‌های غیر رسمی نمی‌توان مغایر با بند (۵) اصل (۱۱۰) قانون اساسی دانست.

نظر شورای نگهبان

در ماده (۲۱)، منوط کردن تشکیل دادگاه‌های مذکور به پیشنهاد رئیس سازمان قضایی، مغایر بند یک اصل (۱۵۸) قانون اساسی شناخته شد. همچنین در تبصره یک این ماده، رسیدگی به جرائم ارتکاب‌یافته از سوی غیر نظامیان در زمان جنگ در مناطق جنگی، جرائم ارتكابی ساکنان سرزمین‌هایی که در زمان جنگ تحت تصرف نیروهای مسلح ایران در می‌آید و اطلاق جرائم نظامیان خودی علیه ساکنان مناطق یادشده، مغایر اصل (۱۷۲) قانون اساسی می‌باشد. به علاوه در

تبصره (۲) این ماده، منوط نمودن اقدام رئیس قوه قضائیه به پیشنهاد رئیس سازمان قضایی، مغایر بند یک اصل (۱۵۸) قانون اساسی شناخته شد. مضافاً اینکه تبصره (۳) ماده (۲۱) نیز مغایر بند (۵) اصل (۱۱۰) قانون اساسی می‌باشد.

ماده ۲۲- جرائم مربوط به جنگ که توسط نظامیان ارتکاب می‌یابد و در دادگاه زمان جنگ رسیدگی می‌شود، عبارتند از:

الف- کلیه جرائم ارتكابی در مناطق عملیاتی

ب- جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی

پ- جرائم مربوط به امور جنگی مرتبط با اقدامات عملیاتی، گرچه محل وقوع آن خارج از مناطق عملیاتی باشد.

دیدگاه مغایرت

الف) مطابق اصل (۱۷۲) قانون اساسی، محاکم نظامی برای رسیدگی به جرائم مربوط به «وظایف خاص نظامی یا انتظامی» اعضای ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مطابق قانون تشکیل می‌شوند. با این وجود، بندهای (الف) و (ب) ماده (۲۲) رسیدگی به «کلیه جرائم ارتكابی در مناطق عملیاتی» و «جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی» که توسط نظامیان ارتکاب می‌یابد را در صلاحیت «دادگاه زمان جنگ» قرار داده است. با این وصف، از آنجا که این بندها، صلاحیت دادگاه نظامی را به جرائم غیر مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی توسعه داده است، مغایر با اصل مزبور است.

ب) بند (پ) ماده (۲۲)، شامل موارد غیر مربوط به وظایف خاص نظامی نیز می‌شود. به بیان دیگر ممکن است فرد نظامی در جریان اقدامات عملیاتی مربوط به امور جنگی مرتکب یک رفتار غیر مربوط به وظایف خاص نظامی خود مثل سرقت شود. در این حالت با توجه به اینکه جرم او جرم خاص نظامی نیست، محکمه‌ی نظامی که طبق اصل (۱۷۲) صرفاً صالح به رسیدگی به جرائم مربوط به «وظایف خاص نظامی یا انتظامی» است، صلاحیت رسیدگی به جرم مذکور را ندارد. بنابراین اطلاق این ماده در خصوص موارد غیر مربوط به وظایف نظامی، مغایر با اصل (۱۷۲) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

هر چند بندهای (الف) و (ب) این ماده، صلاحیت محاکم نظامی را در خصوص جرائم غیر مربوط

به وظایف خاص نظامی و انتظامی توسعه داده است و از این جهت، مغایر با اصل (۱۷۲) قانون اساسی است، ولی بند (پ) این ماده که «جرائم مربوط به امور جنگی مرتبط با اقدامات عملیاتی» را ذکر کرده است، در واقع از جمله‌ی جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی محسوب می‌شود و لذا بند اخیر را نمی‌توان از حیث توسعه‌ی صلاحیت محاکم نظامی مغایر با اصل (۱۷۲) دانست.

نظر شورای نگهبان

عموم بندهای (الف) و (ب) ماده (۲۲)، مغایر اصل (۱۷۲) قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۲۶- پس از انحلال دادرها و دادگاه‌های نظامی زمان جنگ، پرونده‌های مربوط حسب مورد در دادرها و دادگاه‌های نظامی صالح، برابر مقررات دادرسی زمان صلح رسیدگی می‌شود.
تبصره- دادگاه‌های نظامی زمان جنگ، با پیشنهاد رئیس سازمان قضایی و تصویب رئیس قوه قضائیه منحل می‌شوند.

دیدگاه مغایرت

مطابق بند (۱) اصل (۱۵۸) قانون اساسی، ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری، از جمله‌ی صلاحیت‌های رئیس قوه‌ی قضائیه است. با این وجود، تبصره‌ی ماده (۲۶) انحلال دادگاه‌های نظامی زمان جنگ را به پیشنهاد رئیس سازمان قضایی منوط کرده است که این امر موجب ایجاد محدودیت برای رئیس قوه‌ی قضائیه در انحلال این دادگاه‌ها بدون پیشنهاد رئیس سازمان قضایی است. بر این اساس، این تبصره به دلیل محدود کردن صلاحیت رئیس قوه‌ی قضائیه در این زمینه، مغایر با بند (۱) اصل (۱۵۸) قانون اساسی است. بدیهی است که «انحلال» نوعی دخل و تصرف در «ایجاد تشکیلات قضایی» است و نمی‌توان «انحلال تشکیلات» را جدای از «ایجاد تشکیلات» دانست. از این رو، انحلال دادگاه‌ها نیز به موجب قانون اساسی در صلاحیت رئیس قوه‌ی قضائیه است.

دیدگاه عدم مغایرت

بند (۱) اصل ۱۵۸ قانون اساسی، «ایجاد تشکیلات» لازم در دادگستری را از جمله صلاحیت‌های رئیس قوه‌ی قضائیه دانسته است. با عنایت به اینکه تبصره‌ی ماده (۲۶) صرفاً به «انحلال» دادگاه نظامی اشاره کرده است، این تبصره ناظر به ایجاد تشکیلات توسط رئیس قوه‌ی قضائیه نیست و لذا مغایرتی با بند (۱) اصل (۱۵۸) قانون اساسی ندارد.

نظر شورای نگهبان

در تبصره ماده (۲۶)، منوط کردن تصویب رئیس قوه قضائیه به پیشنهاد رئیس سازمان قضایی، مغایر اصل (۱۵۸) قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۲۸- رسیدگی به جرائم زیر در صلاحیت سازمان قضایی است:

الف- جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی اعضای نیروهای مسلح، به جز جرائم در مقام ضابط دادگستری

ب- جرائم در حین انجام وظیفه و یا در محل خدمت اعضای نیروهای مسلح، به جز جرائم در مقام ضابط دادگستری

پ- جرائم اعضای نیروهای مسلح علیه امنیت داخلی و خارجی کشور در زمان خدمت و نیز تا پنج سال پس از خاتمه خدمت

ت- کلیه جرائم مربوط به مواد مخدر و روانگردانها، ارتكابی توسط اعضای نیروهای مسلح

ث- جرائم کارکنان وزارت اطلاعات در صورتی که با وظایف خاص آنان یا اطلاعات طبقه‌بندی‌شده جمهوری اسلامی ایران مرتبط باشد.

ج- جرائم اسرای ایرانی عضو نیروهای مسلح در مدت اسارت و همچنین جرائم اسرای بیگانه در مدت اسارت آنان در ایران

چ- جرائم خاص مرتبط با وظایف انتظامی کارکنان یگان‌های حفاظت سازمان‌های مشمول دستورالعمل تشکیل یگان‌های حفاظت دستگاه‌های کشوری مصوب فرماندهی کل قوا

ح- کلیه جرائم کارکنان نیروهای مسلح با جایگاه نوزده به بالا به استثنای جرائم بر ضد حقوق و تکالیف خانواده

تبصره ۱- منظور از جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی، جرائمی است که اعضای نیروهای مسلح به سبب خدمت یا در ارتباط مستقیم با وظایف و مسئولیت‌هایی که طبق قانون و مقررات بر عهده آنان است مرتکب شوند.

تبصره ۲- رهایی از خدمت مانع رسیدگی به جرائم زمان اشتغال در دادگاه نظامی نمی‌شود.

تبصره ۳- جرم در مقام ضابط دادگستری، جرمی است که ضابطان در حین انجام وظایف قانونی خود در ارتباط با جرائم مشهود و یا در راستای اجرای دستور مقام قضایی دادگستری مرتکب می‌شوند.

دیدگاه مغایرت

الف) بر اساس اصل (۱۷۲) قانون اساسی محاکم نظامی تنها صالح به رسیدگی به جرائم مربوط به «وظایف خاص نظامی یا انتظامی» اعضای ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هستند و رسیدگی به جرائم عمومی این افراد در صلاحیت محاکم عمومی است. همچنین مطابق اصل (۱۵۹) قانون اساسی مرجع رسمی تظلمات و شکایات، دادگستری است و لذا محاکم نظامی صرفاً در خصوص جرائم مذکور در اصل (۱۷۲) صلاحیت رسیدگی دارند و رسیدگی به سایر موارد باید در دادگستری صورت پذیرد. بر این اساس، از آنجا که عبارت «جرائم در حین انجام وظیفه و یا در محل خدمت اعضای نیروهای مسلح» در بند (ب) این ماده، شامل رسیدگی به جرائم عمومی این افراد به وسیله محاکم نظامی نیز می‌شود، عموم بند مذکور علاوه بر مغایرت با اصل (۱۷۲) قانون اساسی، مغایر با اصل (۱۵۹) قانون اساسی نیز است.

ب) بند (پ) این ماده که «جرائم اعضای نیروهای مسلح علیه امنیت داخلی و خارجی کشور در زمان خدمت و نیز تا پنج سال پس از خاتمه خدمت» را در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح قرار داده است، مغایر با اصل (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی است؛ زیرا صدر این بند کلیه جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی که توسط نیروهای مسلح به وقوع می‌پیوندد را در صلاحیت این سازمان دانسته است، در حالی که عموم این بند شامل جرائم عمومی این افراد نیز می‌شود و لذا این بند با توجه به دلایل مذکور در ذیل بند (ب) این ماده، از حیث توسعه صلاحیت سازمان قضایی و تضییق صلاحیت دادگستری، مغایر با اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی است. همچنین ذیل این بند که جرائم تا پنج سال پس از خاتمه خدمت این افراد را نیز در صلاحیت محاکم نظامی قرار داده است از این حیث که این افراد دیگر نظامی محسوب نمی‌شوند و وظیفه‌ی خاص نظامی و انتظامی انجام نمی‌دهند، مغایر با اصول مزبور است.

ج) از آنجا که بر اساس بند (ت) این ماده، رسیدگی به کلیه جرائم مربوط به مواد مخدر و روانگردان‌ها که توسط اعضای نیروهای مسلح ارتکاب یافته است را در صلاحیت محاکم نظامی قرار گرفته است و ارتکاب این جرائم، به هیچ وجه مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی این افراد نمی‌شود، این بند با توجه به دلایل مذکور در ذیل بند (ب) این ماده، از حیث توسعه صلاحیت سازمان قضایی و تضییق صلاحیت دادگستری مغایر با اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی است. همچنین روشن است که در این بند، منظور از جرائم مربوط به مواد مخدر و روانگردان‌ها، جرائمی است که توسط نیروهای مسلح ارتکاب می‌یابند؛ مثلاً خرید و فروش مواد مخدر و روانگردان توسط این افراد، نه اینکه این افراد در ارتباط با این جرائم، مرتکب یک جرم (مثلاً شلیک به فرد بی‌گناه در اثنای درگیری با قاچاقچیان مواد مخدر) شوند. بنابراین عمومیت و

شمول این بند در خصوص کلیه جرائم مواد مخدر و روانگردان‌ها دارای ایراد است، نه اینکه صرفاً در خصوص موارد غیر خاص نظامی و انتظامی دارای ایراد باشد.

د) مطابق اصل (۱۷۲) قانون اساسی، محاکم نظامی تنها صالح به رسیدگی به جرائم مربوط به «وظایف خاص نظامی یا انتظامی» اعضای ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هستند. بنابراین از آنجا که در بند (ث)، رسیدگی به جرائم کارکنان وزارت اطلاعات نیز در صلاحیت محاکم نظامی قرار گرفته است، این بند با توجه به دلایل مذکور در ذیل بند (ب) این ماده از حیث توسعه صلاحیت سازمان قضایی و تضییق صلاحیت دادگستری، مغایر با اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی است.

هـ) در بند (ج) این ماده، اطلاق رسیدگی به «جرائم اسرای ایرانی عضو نیروهای مسلح در مدت اسارت» توسط سازمان قضایی که جرائم غیر مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی آنها را نیز شامل می‌شود، با توجه به دلایل مذکور در ذیل بند (ب) این ماده، از حیث توسعه صلاحیت سازمان قضایی و تضییق صلاحیت دادگستری مغایر با اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی است. همچنین ذیل این بند که رسیدگی به «جرائم اسرای بیگانه در مدت اسارت آنان در ایران» را در صلاحیت سازمان قضایی قرار داده است نیز مغایر با اصول مزبور است؛ زیرا طبق اصل (۱۷۲)، محاکم نظامی تنها صالح به رسیدگی به جرائم نیروهای مسلح ایرانی هستند و جرائم سایر افراد از جمله اسرای بیگانه - اگرچه نظامی باشند - در عموم صلاحیت دادگستری است.

و) هر چند صلاحیت سازمان قضایی نسبت به رسیدگی به «جرائم اسرای ایرانی عضو نیروهای مسلح در مدت اسارت و همچنین جرائم اسرای بیگانه در مدت اسارت آنان در ایران» بر اساس قانون تعیین حدود صلاحیت دادرها و دادگاه‌های نظامی کشور مصوب ۱۳۷۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام است،^(۱) ولی ذکر آن در بند (ج) ماده (۲۸) مغایر با اصل (۱۱۲) قانون اساسی و نظریه‌ی تفسیری شورای نگهبان^(۲) در خصوص این اصل است. بر اساس این نظریه‌ی

۱. «ماده ۲- جرائمی که اسرای ایرانی عضو نیروهای مسلح در مدت اسارت مرتکب شده‌اند و نیز جرائم اسرای بیگانه در مدت اسارتشان در کشور در سازمان قضایی نیروهای مسلح رسیدگی می‌شود.» این مصوبه در اجرای بند هشتم اصل یکصد و دهم قانون اساسی در جلسه روز پنجشنبه مورخ ۱۳۷۳/۵/۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسیده است.

۲. نظریه‌ی تفسیری شماره ۵۳۱۸ مورخ ۱۳۷۲/۷/۲۴ شورای نگهبان: «هیچ‌یک از مراجع قانون‌گذاری حق رد و ابطال و نقض و فسخ مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام را ندارد؛ اما در صورتی که مصوبه مجمع مصلحت مربوط به اختلاف نظر شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی بود مجلس پس از گذشت زمان معتدّبه که تغییر مصلحت موجه باشد حق طرح و تصویب قانون مغایر را دارد و در مواردی که موضوع به عنوان معضل از طرف مقام معظم رهبری به مجمع ارسال شده باشد در صورت استعلام از مقام رهبری و عدم مخالفت معظم‌له موضوع قابل طرح در مجلس شورای اسلامی می‌باشد.»

تفسیری، هیچ‌یک از مراجع قانون‌گذاری حق رد، ابطال، نقض و فسخ مصوبه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام را ندارند. این در حالی است که با تصویب این بند، در واقع مصوبه‌ی مجمع نسخ می‌شود. به بیان دیگر، ممکن است مجمع بخواهد از این حکم عدول کند که با تصویب این بند، مفاد آن لازم‌الاجراء می‌شود و عدول مجمع، تأثیری در حذف این صلاحیت سازمان قضایی نخواهد داشت.

ز) کارکنان یگان‌های حفاظتی مذکور در بند (چ) این ماده، در نهادها و سازمان‌های متعددی از قبیل منابع طبیعی، سازمان جنگل‌ها، گمرک، راه آهن جمهوری اسلامی ایران، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و وزارت نفت فعالیت می‌کنند که طبق بند (۲-۴) دستورالعمل تشکیل یگان‌های حفاظت دستگاه‌های کشوری مصوب ۱۳۷۹/۴/۵ که به تصویب مقام معظم رهبری رسیده است، «مقررات اداری و استخدامی کارکنان یگان‌ها (به غیر از کارکنان نیروهای مسلح)، مقررات جاری دستگاه می‌باشد.» بر این اساس، کارکنان این یگان‌ها لزوماً کارکنان نیروهای مسلح نیستند و لذا اطلاق صلاحیت رسیدگی سازمان قضایی به جرائم افرادی از این یگان‌ها که غیر نظامی و غیر انتظامی هستند، با توجه به دلایل مذکور در ذیل بند (ب) این ماده، از حیث توسعه‌ی صلاحیت سازمان قضایی و تضییق صلاحیت دادگستری مغایر با اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی است. همچنین به‌صرف این‌که این افراد مسلح هستند را نمی‌توان بدین معنا دانست که این افراد، نیروی مسلح به معنای مصطلح محسوب شوند؛ چه آنکه نیروهای مسلح به لحاظ اصطلاحی به برخی نهادهای نظامی اطلاق می‌شود.

افزون بر آن، در مواردی که افراد این یگان‌ها، عضو نیروهای مسلح باشند نیز با توجه به این‌که تمامی اقدامات آنها نظامی محسوب نمی‌شود، عموم عبارت «جرائم مرتبط با وظایف انتظامی» در این بند، شامل موارد غیر مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی آنها نیز می‌شود و لذا این بند از این حیث نیز مغایر با اصول مزبور است.

ح) از آنجا که بر اساس بند (ج) این ماده، کلیه جرائم کارکنان نیروهای مسلح با جایگاه نوزده به بالا به استثنای جرائم بر ضد حقوق و تکالیف خانواده، در صلاحیت محاکم نظامی قرار گرفته است، عموم این بند که شامل بسیاری از جرائم غیر مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی این افراد می‌شود، با توجه به دلایل مذکور در ذیل بند (ب) از حیث توسعه‌ی صلاحیت سازمان قضایی و تضییق صلاحیت دادگستری، مغایر با اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی است.

ط) همان‌طور که در بررسی بندهای مختلف این ماده بیان شد، صلاحیت سازمان قضایی در رسیدگی به جرائم مذکور در ماده (۲۸)، در موارد بسیاری از حیث توسعه‌ی صلاحیت سازمان قضایی و تضییق صلاحیت دادگستری، مغایر با اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی است. هر چند

این موارد توسط امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری مجاز دانسته شده‌اند و بر اساس این اجازه‌ها که خود طبق اختیارات ولایت مطلقه فقیه مذکور در اصل (۵۷) بوده‌اند، رسیدگی سازمان قضایی دارای ایراد نیست، ولی تصویب آنها در قالب قانون دارای ایراد خواهد بود؛ زیرا این اجازه‌ها برای صلاحیت این سازمان صادر شده است و به مجلس برای قانون‌گذاری در این زمینه اجازه‌ای اعطا نشده است. مؤید این امر آن است که ممکن است مقام رهبری قصد عدول از این اجازه‌ها را داشته باشند و لذا مجلس شورای اسلامی بدون کسب اجازه از مقام رهبری نمی‌تواند در این خصوص قانون‌گذاری کند. بر این اساس، ضمن پذیرش صلاحیت سازمان قضایی در رسیدگی به این موارد، تصویب آنها در قالب قانون همچنان مغایر با اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی است.

ی) منظور اصل (۱۷۲) قانون اساسی از «جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی»، جرائمی است که صرفاً افراد نظامی می‌توانند مرتکب شوند؛ مانند فرار از خدمت، تمرّد، لغو دستور و گزارش خلاف واقع. به بیان دیگر، جرائمی را که سایر افراد غیر نظامی نیز می‌توانند مرتکب شوند، «جرائم عمومی» هستند که اگر یک فرد نظامی مرتکب آنها شد، نمی‌توان آن را در زمره‌ی موارد مذکور اصل (۱۷۲) قانون اساسی دانست. به عنوان مثال، در صورتی که یک فرد نظامی مرتکب قتل شود، با توجه به اینکه ارتکاب قتل منحصر به افراد نظامی نیست، جرم او جرم عمومی محسوب می‌شود که طبق مفاد اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) باید در دادگاه‌های عمومی به آنها رسیدگی کرد. با توجه به مباحث مزبور، تبصره (۱) ماده (۲۸) که جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی را جرائمی می‌داند که «به سبب خدمت یا در ارتباط مستقیم با وظایف» ارتکاب می‌یابند، با توجه به اینکه جرائم عمومی نظامیان را نیز شامل می‌شود، مغایر با اصل (۱۷۲) و همچنین اصل (۱۵۹) در خصوص تضییق صلاحیت دادگستری است؛ زیرا عبارات «به سبب» و «در ارتباط مستقیم» مفید این معنا است که اگر فردی نظامی در راستای خدمت خود مرتکب یک جرم عمومی شود، جرم او نظامی محسوب شود؛ مثلاً اگر یک نظامی در جهت انجام وظیفه‌ی خود، مرتکب قتل فردی شود یا اینکه در حین مأموریت بر اثر گرسنگی اقدام به سرقت کند، هر چند در این موارد جرائم او در زمره‌ی جرائم عمومی قرار می‌گیرد ولی با توجه به عبارات مزبور، سازمان قضایی صالح به رسیدگی به این جرائم است. بر این اساس، عبارات «به سبب» و «در ارتباط مستقیم» که سبب توسعه‌ی صلاحیت سازمان قضایی و تضییق صلاحیت دادگستری می‌شود، مغایر با اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی است.

ک) مطابق ذیل اصل (۱۷۲) قانون اساسی به جرائم عمومی افراد نظامی باید در محاکم عمومی رسیدگی شود. مستثنی کردن جرائم عمومی از رسیدگی محاکم نظامی در این اصل به این علت

بوده است که صدر ماده یعنی جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی، محدود به مواردی شود که صرفاً توسط افراد نظامی قابل ارتکاب است. به بیان دیگر، چنانچه این استثنا در ذیل اصل بیان نمی‌شد، امکان برداشت وسیع‌تری از جرائم خاص نظامی و انتظامی وجود داشت و هر آنچه در راستای انجام مأموریت نظامی رخ می‌داد را می‌توانستیم نظامی محسوب کنیم. بر این اساس، ذکر عبارات «به سبب» و «در ارتباط» در تبصره (۱) این ماده که جرائم عمومی نظامیان همچون قتل و سرقت در راستای انجام وظیفه‌ی نظامی را نیز شامل می‌شود، از جهت توسعه‌ی صلاحیت سازمان قضایی و تضییق صلاحیت دادگستری، مغایر با اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی است.

ل) اصل برابری افراد در برابر دادگاه ایجاب می‌کند که همه‌ی افراد سوای از جنس، طبقه، شغل و غیره در یک نوع دادگاه محاکمه شوند. بر این اساس اصل (۱۵۹) قانون اساسی، مرجع رسمی تظلم‌خواهی را دادگستری دانسته است. اصل (۱۷۲) قانون اساسی که برای رسیدگی به جرائم خاص نظامیان، دادگاه نظامی را که دادگاهی اختصاصی است، پیش‌بینی کرده است یک استثنا است و در موارد استثنا باید به قدر متیقن آن اکتفا کرد. بنابراین چنانچه در خصوص نظامی یا عمومی بودن یک جرم شک شود، باید به اصل آن که رسیدگی در محاکم عمومی است رجوع کرد. بر این اساس، در خصوص جرائمی که صرفاً توسط نظامیان قابل ارتکاب نیستند باید آنها را در زمره‌ی جرائم عمومی محسوب کرد و لذا عبارات «به سبب» و «در ارتباط» مذکور در تبصره (۱) ماده (۲۸) که جرائم عمومی نظامیان را نیز شامل می‌شود، از حیث توسعه‌ی صلاحیت سازمان قضایی و تضییق صلاحیت دادگستری، مغایر با اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی است. در تأیید این استدلال می‌توان گفت که یکی از دلایل وضع اصل (۱۵۹) قانون اساسی که مرجع رسمی تظلمات را دادگستری می‌داند و همچنین تصریح ذیل اصل (۱۷۲) به رسیدگی به جرائم عمومی نظامیان در محاکم عمومی، سوء استفاده بیش از حد رژیم گذشته در محاکمه‌ی ناعادلانه افراد غیر نظامی در محاکم نظامی بوده است که توجه به این دلایل مفید این معنا است که در تفسیر جرائم مربوط به وظایف خاص نظام و انتظامی، باید برداشت محدود وجود داشته باشد.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) هر چند در بند (ت) این ماده، عموم عبارت کلیه‌ی جرائم مربوط به مواد مخدر و روانگردان‌ها که توسط نیروهای مسلح ارتکاب می‌یابند، از حیث توسعه‌ی صلاحیت محاکم نظامی و تضییق صلاحیت دادگستری مغایر با اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی است ولی ارتکاب تمامی این جرائم را نمی‌توان مغایر با اصول مزبور دانست؛ زیرا در برخی موارد ممکن است نیروهای مسلح در ارتباط با جرائم مربوط به مواد مخدر و روانگردان‌ها، مرتکب یک جرم خاص نظامی شوند؛ مثلاً در جریان کشف این مواد، اهمال و سستی از خود نشان دهند یا اینکه از دستور

مافوق خود سرپیچی کنند. لذا رسیدگی سازمان قضایی به برخی از جرائم مذکور در این بند را نمی‌توان مغایر با اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی دانست.

ب) اگرچه اطلاق عبارت «جرائم اسرای بیگانه در مدت اسارت آنان در ایران» که در ذیل بند (ج) این ماده آمده است، از حیث شمول آن بر جرائم افراد غیر نظامی و جرائم غیر مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی این افراد، مستلزم توسعه‌ی صلاحیت محاکم نظامی و تضییق صلاحیت دادگستری و مغایر با اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی است ولی ارتکاب تمامی این جرائم را نمی‌توان مغایر با اصول مزبور دانست؛ زیرا ممکن است یک جرم خاص نظامی توسط اسرای بیگانه‌ی نظامی رخ دهد که رسیدگی به آن طبق اصل (۱۷۲) قانون اساسی در صلاحیت محاکم قضایی است.

ج) طبق نظریه‌ی تفسیری شماره ۵۳۱۸ مورخ ۱۳۷۲/۷/۲۴ شورای نگهبان از اصل (۱۱۲) قانون اساسی، «هیچ یک از مراجع قانون‌گذاری حق رد و ابطال و نقض و فسخ مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام را ندارد. ...» با عنایت به اینکه بند (ج) ماده‌ی مزبور همان حکم مندرج در قانون تعیین حدود صلاحیت دادرسی و دادگاه‌های نظامی کشور مصوب ۱۳۷۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام را در خصوص «جرائم اسرای ایرانی عضو نیروهای مسلح در مدت اسارت و همچنین جرائم اسرای بیگانه در مدت اسارت آنان در ایران» مقرر کرده است، بند (ج) را نمی‌توان به منزله‌ی ابطال یا نقض یا فسخ مصوبه‌ی مجمع دانست. بر این اساس، بند مزبور را نمی‌توان مغایر با اصل (۱۱۲) و نظریه‌ی تفسیری شورای نگهبان در خصوص این اصل دانست.

د) با عنایت به اینکه کارکنان یگان‌های حفاظت، همگی مسلح و دارای سلاح هستند، از لحاظ نوع فعالیت، از جمله‌ی نیروهای مسلح محسوب می‌شوند و لذا رسیدگی سازمان قضایی به جرائم خاص مرتبط با وظایف انتظامی آنها مطابق با اصل (۱۷۲) قانون اساسی است. بر این اساس، بند (ج) ماده‌ی مزبور را نمی‌توان از حیث توسعه‌ی صلاحیت محاکم نظامی و تضییق صلاحیت دادگستری، مغایر با اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی دانست.

ه) علی‌رغم اینکه اصل (۱۷۲)، محاکم نظامی را تنها صالح به رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی نیروهای مسلح دانسته است ولی با توجه به برخی اجازه‌هایی که مقام رهبری طبق اختیارات ولایت مطلقه فقیه مذکور در اصل (۵۷)، صادر کرده‌اند، این صلاحیت توسعه یافته است. از آنجا که موارد توسعه‌ی صلاحیت مذکور در بندهای این ماده بر اساس این اجازه‌ها بوده است، لذا این بندها را نمی‌توان مغایر با اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی دانست.

و) جرم نظامی و انتظامی، جرمی است که یک فرد نظامی در راستای مأموریت و جهت انجام وظیفه‌ی نظامی خود، مرتکب می‌شود، نه اینکه لزوماً فقط یک فرد نظامی بتواند مرتکب یک جرم

شود. به عنوان مثال، اگر فردی نظامی در راستای مبارزه با اشرار، مرتکب قتل یک فرد بی‌گناه شود، از آنجا که این قتل در جهت انجام وظیفه‌ی نظامی او رخ داده است، جرم او جرمی نظامی محسوب می‌شود و طبق اصل (۱۷۲) قانون اساسی، سازمان قضایی نیروهای مسلح، صلاحیت رسیدگی به آن را دارد. در اصل (۱۷۲) نیز به «جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی» تصریح شده است، نه اینکه به «جرائم خاص نظامی یا انتظامی» اکتفا شده باشد. بنابراین تبصره (۱) ماده (۲۸) از حیث ذکر عبارات «به سبب خدمت» و «در ارتباط مستقیم» مطابق با اصل (۱۷۲) قانون اساسی است و جرائم عمومی نظامیان (مانند ارتکاب قتل بدون ارتباط با مأموریت و با اسلحه سازمانی) را مدّ نظر ندارد.

همچنین عبارت «به سبب» در این بند بدین معنا نیست که هر امری که به سبب مأموریت رخ دهد، مثلاً سرقت در اثر گرسنگی در حین مأموریت، موجب نظامی محسوب شدن جرم شود، بلکه منظور از سبب در این بند، سبب عرفی است؛ بدین معنا که عرف تشخیص دهد جرمی که به وقوع پیوسته است به‌نحوی در ارتباط با وضعیت خاص نظامی فرد و در راستای ایفاء وظیفه‌ی او بوده است. افزون بر آن، تعیین مصادیق جرم نظامی که به سبب یا در ارتباط مستقیم با وظایف نظامی رخ می‌دهند باید در قانون مجازات این نیروها معین شود و اگر در آنجا نسبت به مصادیق، ایرادی وجود داشته باشد، ایرادات مربوطه بیان می‌شود. در این مصوبه که مربوط به دادرسی نیروهای مسلح است، معیاری کلی بیان شده است که نمی‌توان آن را دارای ایراد دانست. همچنین باید توجه داشت که تبصره (۱) ماده (۱) قانون دادرسی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴/۲/۲۲ مصوب مجلس شورای اسلامی نیز «منظور از جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی» را جرائمی می‌داند که «اعضای نیروهای مسلح در ارتباط با وظایف و مسئولیت‌های نظامی و انتظامی که طبق قانون و مقررات به عهده آنان است مرتکب گردند». این ماده که به عبارت «ارتباط با وظایف» تصریح کرده است نیز سابقاً به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

ز) چنانچه منظور اصل (۱۷۲) قانون اساسی از «جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی»، جرائمی همچون فرار از خدمت، تمرّد، لغو دستور و گزارش خلاف واقع باشد که صرفاً توسط یک فرد نظامی قابل تحقق است، تشکیل یک سازمان برای رسیدگی به این جرائم آن هم طبق قانون اساسی، فاقد دلیل خواهد بود؛ زیرا گستره‌ی این جرائم بسیار محدود است و برخی از این رفتارها نیز تخلف محسوب می‌شوند که هیئت‌های انضباطی به آنها رسیدگی می‌کنند. بنابراین منظور قانون اساسی را نمی‌توان به جرائمی که صرفاً توسط افراد نظامی قابل ارتکاب است محدود دانست، بلکه منظور از جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی، هر جرمی است که در راستا و در جهت انجام وظیفه‌ی نظامی رخ می‌دهد. لذا ذکر عبارات «به سبب» و «در ارتباط

مستقیم» در تبصره (۱) این ماده را نمی‌توان سبب توسعه‌ی صلاحیت محاکم نظامی و تضییق صلاحیت دادگستری و مغایر با اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی دانست. همچنین برخی رفتارهای مجرمانه که خاص نظامی بیان می‌شوند را نیز نمی‌توان صرفاً قابل ارتکاب توسط نظامیان دانست؛ مثلاً گزارش خلاف واقع یا تمرّد ممکن است از سوی یک کارمند غیر نظامی نیز رخ دهد. بنابراین این معیار که «جرمی نظامی است که صرفاً توسط نظامیان قابل ارتکاب است»، ملاک مناسبی برای ترسیم چارچوب این مفهوم نیست.

ح) تصریح ذیل اصل (۱۷۲) قانون اساسی به رسیدگی به جرائم عمومی نظامیان در محاکم عمومی را نمی‌توان به معنای برداشت مضیق از عبارت جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی مذکور در این اصل و به تبع آن مغایرت عبارات «به سبب» و «در ارتباط» مذکور در تبصره (۱) این ماده با اصل مزبور دانست. از آنجا که جرائمی که در راستای انجام وظایف نظامی نیستند، موارد بسیاری را شامل می‌شوند، قانون‌گذار اساسی درصدد استثنا کردن این موارد بوده است و این به معنای برداشت مضیق از صدر اصل (۱۷۲) نیست. مثلاً ممکن است فرد نظامی مرتکب جرائم قتل، سرقت، خیانت در امانت، کلاهبرداری و جرائمی دیگر شود که در راستای انجام وظیفه‌ی نظامی او نباشد که در این صورت، دادگاه عمومی صالح به رسیدگی به این جرائم است. بنابراین استثنای ذیل اصل (۱۷۲) صرفاً بدین معناست که غیر از آنچه در صدر این اصل ذکر شده است، سایر موارد در صلاحیت رسیدگی محاکم عمومی است.

نظر شورای نگهبان

در ماده (۲۸)، عموم بند (ب)، عموم صدر بند (پ)، قسمت اخیر بند (پ)، بند (ت)، بند (ث)، عموم صدر بند (ج) نسبت به غیر موارد مذکور در اصل (۱۷۲) قانون اساسی و ذیل بند (ج)، مغایر اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی می‌باشد.

به‌علاوه بند (چ) این ماده، چون شامل کلیه افراد ولو افراد غیر نظامی و غیر انتظامی نیز می‌گردد اشکال دارد. همچنین چون عموم جرائم مرتبط شامل جرائم غیر موارد مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی هم می‌شود، اشکال دارد.

مضافاً بر این اطلاق صدر بند (ح) این ماده، نسبت به مواردی که لازمه خدمت مقامات مذکور نیست نیز می‌گردد، مغایر اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی می‌باشد.

همچنین در تبصره یک این ماده، اطلاق آن به سبب خدمت یا در ارتباط مستقیم شامل جرائم غیر مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی هم می‌شود، اشکال دارد.

...

بدیهی است در خصوص صلاحیت محاکم سازمان قضایی نیروهای مسلح، در مواردی که امام

علیه‌الرحمه و مقام معظم رهبری مدظله‌العالی اجازه فرمودند، مادامی که از آن عدول نشده، کماکان به قوت خود باقی است.

ماده ۳۰- چنانچه نظامیان غیر ایرانی در داخل و یا خارج از قلمرو حاکمیت ایران، مرتکب جرائم اقدام علیه نظام جمهوری اسلامی ایران یا امنیت داخلی و خارجی، تمامیت ارضی و یا استقلال کشور گردند و به موجب قانون، دادگاه‌های ایران صلاحیت رسیدگی به آن جرائم را داشته باشند، به اتهام آنان در دادسرا و دادگاه نظامی تهران رسیدگی می‌شود.

دیدگاه مغایرت

بر اساس اصل (۱۷۲) قانون اساسی، محاکم نظامی تنها صالح به رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضای ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هستند و رسیدگی به جرائم عمومی این افراد در صلاحیت محاکم عمومی است. همچنین مطابق اصل (۱۵۹) قانون اساسی مرجع رسمی تظلمات و شکایات، دادگستری است و لذا محاکم نظامی صرفاً در خصوص جرائم مذکور در اصل (۱۷۲) صلاحیت رسیدگی دارند و سایر موارد باید در دادگستری رسیدگی شود. ماده (۳۰) از دو جهت مغایر با اصول مزبور است: نخست اینکه مفاد اصل (۱۷۲) با توجه به تصریح آن بر «اعضای ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» صرفاً در خصوص نظامیان ایرانی است و ماده (۳۰) که در خصوص نظامیان غیر ایرانی است را نمی‌توان مشمول حکم این اصل دانست. از سوی دیگر در ماده (۳۰) به جرائم اشاره شده است که لزوماً از جمله‌ی وظایف خاص نظامی یا انتظامی مندرج در اصل (۱۷۲) قانون اساسی محسوب نمی‌شوند. با توجه به این دو جهت، جرائم نظامیان غیر ایرانی مشمول حکم اصل (۱۷۲) قانون اساسی نیست و رسیدگی به جرایم این افراد باید طبق عموم اصل (۱۵۹) در محاکم عمومی دادگستری انجام شود. بر این اساس، حکم این ماده، مغایر با اصول (۱۵۹) و (۱۷۲) قانون اساسی است.

نظر شورای نگهبان

ماده (۳۰) در خصوص نظامیان غیر ایرانی، مغایر اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۳۱- اعضای نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران عبارتند از:

الف- کارکنان ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران

ب- کارکنان ارتش جمهوری اسلامی ایران

پ- کارکنان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و اعضای بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

ت- کارکنان وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح

ث- کارکنان نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران

ج- کارکنان سازمان‌های حفاظت اطلاعات، عقیدتی سیاسی و نمایندگی ولی فقیه نیروهای مسلح

چ- کارکنان سازمان‌های وابسته به نیروهای مسلح

ح- کارکنان وظیفه از تاریخ شروع خدمت تا پایان آن

خ- محصلان موضوع قوانین استخدامی نیروهای مسلح، مراکز آموزش نظامی و انتظامی در داخل و خارج از کشور و نیز مراکز آموزش وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح
د- کسانی که به طور موقت در خدمت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران هستند و طبق قوانین استخدامی نیروهای مسلح در مدت مزبور از اعضای نیروهای مسلح محسوب می‌شوند.

تبصره ۱- جرائم در ارتباط با وظایف خاص نظامی و انتظامی کارکنان مذکور که در سازمان‌های دیگر خدمت می‌کنند در دادگاه‌های نظامی رسیدگی می‌شود.

تبصره ۲- مقصود از اعضای بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در این ماده، آن دسته از اعضای بسیج می‌باشند که با حکم رسمی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به انجام مأموریت می‌پردازند و حین انجام مأموریت مرتکب جرم می‌شوند.

دیدگاه مغایرت

الف) مطابق اصل (۱۷۲) قانون اساسی «برای رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضای ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می‌گردد.» از آنجا که وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح جزء نیروهای نظامی مصرح در اصل (۱۷۲) قانون اساسی نیست، اطلاق رسیدگی به جرائم آنها در دادگاه‌های نظامی، مغایر اصل مذکور است. به بیان دیگر، از آنجا که تمامی اعضای وزارت دفاع، نیروهای نظامی ارتش و سپاه نیستند، اطلاق رسیدگی به جرائم آنها طبق بند (ت) این ماده که افراد

غیر نظامی را نیز شامل می‌شود،^(۱) مغایر با اصل (۱۷۲) قانون اساسی است. همچنین صرف پشتیبانی و تأمین قطعات مورد نیاز نیروهای مسلح توسط وزارت دفاع را نمی‌توان موجب نظامی محسوب کردن وزارت دفاع دانست؛ کما اینکه سازمان‌های دیگری نیز وجود دارند که به شکل مستقیم یا غیر مستقیم در حال خدمت‌رسانی به نیروهای مسلح هستند. به بیان دیگر، وزارت دفاع دارای شخصیت حقوقی مستقلی از نیروهای مسلح است و پشتیبانی این وزارت از نیروهای مسلح را نمی‌توان به معنای نظامی بودن آن دانست.

ب) از آنجا که نیروهای مسلح دارای سازمان‌های وابسته بسیاری از جمله سازمان‌های اقتصادی، کشاورزی و... هستند که وظیفه‌ی آنها انجام اموری غیر نظامی است، کارکنان این سازمان‌ها را نمی‌توان افراد نظامی محسوب کرد. به عنوان مثال کارکنان تالارهای پذیرایی یا فروشگاه‌های زنجیره‌ای که به کارکنان نیروهای مسلح خدمت ارائه می‌دهند را حتی عرفاً نمی‌توان افراد نظامی محسوب کرد. بر این اساس، بند (ج) ماده‌ی مزبور که «کارکنان سازمان‌های وابسته به نیروهای مسلح» را از جمله اعضای نیروهای مسلح دانسته است و به تبع آن بیان داشته که به جرائم این افراد طبق بند (الف) ماده (۲۸)، در محاکم نظامی رسیدگی می‌شود، مغایر با اصل (۱۷۲) قانون اساسی است. طبق این اصل، محاکم نظامی صرفاً به جرائم خاص نظامی یا انتظامی اعضای ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی رسیدگی می‌کنند.

ج) انجام برخی امور در نیروهای مسلح ممکن است نیازمند به‌کارگیری افرادی در این نیروها شود که به طور موقت این امور را انجام دهند. این افراد را نمی‌توان به هیچ‌وجه نیروی مسلح محسوب کرد. به عنوان مثال ممکن است برای تعمیرات یکی از ساختمان‌های مربوط به نیروهای مسلح، افرادی برای مدتی کوتاه به خدمت گرفته شوند. بر این اساس، بند (د) این ماده که مستخدمان موقت در خدمت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران را نیز از جمله‌ی اعضای نیروهای مسلح محسوب کرده و طبق بند (الف) ماده (۲۸)، رسیدگی به جرائم آنها را در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح دانسته است، مغایر با اصل (۱۷۲) قانون اساسی است. طبق این اصل، محاکم نظامی صرفاً به جرائم خاص نظامی یا انتظامی اعضای ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی رسیدگی می‌کنند.

د) مطابق اصل (۱۷۲) قانون اساسی، محاکم نظامی برای رسیدگی به جرائم مربوط به «وظایف خاص نظامی یا انتظامی» اعضای ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مطابق قانون تشکیل می‌شوند. اطلاق تبصره (۲) این ماده که رسیدگی به ارتکاب جرائم حین انجام

۱. طبق بند (الف) ماده (۲۸) این مصوبه، رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی اعضای نیروهای مسلح در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح است که ماده (۳۱) به احصای این اعضا پرداخته است.

مأموریت اعضای بسیج سپاه پاسداران را در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح دانسته است، مغایر با اصل (۱۷۲) قانون اساسی است؛ زیرا اطلاق آن، جرائم غیر مربوط به وظایف خاص نظامی این افراد را نیز شامل می‌شود که رسیدگی به آنها در صلاحیت محاکم عمومی یا دیگر محاکم صالح است.

دیدگاه ابهام

بند (ج) ماده (۳۱)، کارکنان عقیدتی سیاسی و نمایندگی ولی فقیه نیروهای مسلح را از جمله نیروهای مسلح دانسته است که طبق ماده (۲۸)، رسیدگی به جرائم آنها در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح است. با توجه به اینکه طبق حکم حکومتی مقام رهبری، رسیدگی به جرائم روحانیون، در صلاحیت دادگاه ویژه روحانیت است و برخی از کارکنان سازمان عقیدتی سیاسی و نمایندگی ولی فقیه نیروهای مسلح، روحانی هستند، مشخص نیست که رسیدگی به جرائم آنها در صلاحیت کدام مرجع خواهد بود. اگر منظور این بند، سلب صلاحیت از دادگاه ویژه روحانیت باشد که صلاحیت آن بر اساس حکم حکومتی است، این بند مغایر با اصل (۵۷) قانون اساسی در خصوص اختیارات ناشی از ولایت مطلقه فقیه است. بنابراین ابتدا باید ابهام این بند برطرف شود تا بتوان در خصوص آن اظهار نظر کرد.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) به‌رغم اینکه در اصل (۱۷۲) قانون اساسی به عبارت «وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح» تصریح نشده است ولی به دلیل اینکه این وزارتخانه وظیفه‌ی پشتیبانی از نیروهای مسلح را بر عهده دارد و اغلب کارکنان آن را نیز افراد نیروهای مسلح (ارتش و سپاه) تشکیل می‌دهند، این وزارتخانه نیز عرفاً از جمله‌ی نیروهای مسلح محسوب می‌شود و لذا رسیدگی به جرائم کارکنان این وزارتخانه در دادگاه‌های نظامی را نمی‌توان مغایر با اصل (۱۷۲) قانون اساسی دانست. همچنین، با توجه به دلایل مزبور، صرف قرار گرفتن این وزارتخانه در قوه‌ی مجریه را نمی‌توان به معنای غیر نظامی بودن آن دانست، بلکه همچون نیروی انتظامی که تحت نظر وزارت کشور فعالیت می‌کند، این وزارتخانه نیز وزارتخانه‌ای نظامی است که تحت نظر دولت اقدام به فعالیت می‌کند. ضمناً باید توجه داشت که چنانچه تفسیری که از نیروهای مذکور در اصل (۱۷۲) به‌عمل می‌آید، تفسیری لفظی باشد، افرادی همچون اعضای بسیج را نیز نمی‌توان نظامی محسوب کرد. بنابراین از نیروهای مذکور در این اصل باید برداشتی صورت پذیرد که ناظر به تمامی افرادی باشد که به‌نوعی از نیروهای مسلح محسوب می‌شوند.

ب) طبق اصل (۱۷۲) قانون اساسی، محاکم نظامی صلاحیت رسیدگی به جرائم «اعضای ارتش،

نیروی انتظامی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را بر عهده دارند. به بیان دیگر در این اصل به اعضا اشاره شده است، نه اینکه لزوماً اعضای آن نظامی باشند. بنابراین اعضای سازمان‌های تابعه نیروهای مسلح (مندرج در بند (ج) این ماده) نیز از جمله اعضای آن سازمان محسوب می‌شوند و لذا رسیدگی به جرائم آنها در صلاحیت محاکم نظامی خواهد بود. بر این اساس، بند (ج) ماده‌ی مزبور که به تبع بند (الف) ماده (۲۸)، رسیدگی به جرائم کارکنان سازمان‌های وابسته به نیروهای مسلح را در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح قرار داده است، مغایر اصل (۱۷۲) قانون اساسی نیست.

ج) منظور بند (د) این ماده از «کسانی که به طور موقت در خدمت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران هستند»، با توجه به عبارت «طبق قوانین استخدامی نیروهای مسلح در مدت مزبور از اعضای نیروهای مسلح محسوب می‌شوند» افرادی است که به استخدام نیروهای مسلح در آمده باشند. به عنوان مثال می‌توان به افرادی اشاره کرد که به مدت یک‌سال به طور پیمانی به استخدام این نیروها در می‌آیند تا در ادامه در صورت احراز شرایط لازم، تبدیل وضعیت شوند. بر این اساس، این بند، هرگونه به‌کارگیری نیرو در نیروهای مسلح را مدّ نظر ندارد و افرادی همچون کارگرا و مهندسان ساختمانی که در مدتی کوتاه، اقدام به انجام برخی امور این نیروها می‌کنند را نمی‌توان منظور این ماده دانست. این افراد در واقع افرادی هستند که به طور پروژه‌ای با نیروهای مسلح همکاری می‌کنند و طبق قوانین استخدامی به عضویت این نیروها در نیامده‌اند. بر این اساس، بند (د) این ماده را نمی‌توان شامل این افراد دانست و به تبع، رسیدگی به جرائم آنها را نیز نمی‌توان در سازمان قضایی نیروهای مسلح دانست. بر این اساس، بند (د) را نمی‌توان مغایر با اصل (۱۷۲) قانون اساسی دانست.

د) بند (ج) ماده (۳۱) که کارکنان عقیدتی سیاسی و نمایندگی ولی فقیه نیروهای مسلح را از جمله نیروهای مسلح دانسته و صلاحیت رسیدگی به جرائم آنها را طبق ماده (۲۸) در صلاحیت سازمان قضایی دانسته است، در مقام نفی صلاحیت از دادگاه ویژه روحانیت نیست، بلکه تشخیص مرجع صالح رسیدگی به جرائم این افراد در مقام عمل بر اساس قواعد تعارض مراجع صالح صورت می‌پذیرد که اگر دادگاه ویژه روحانیت صالح به این امر باشد، رسیدگی به جرائم آنها در این دادگاه محقق خواهد شد. همچنان‌که ممکن است در سایر جایگاه‌های نیروهای مسلح، افراد روحانی دارای سِمَت باشند که اشاره سایر بندهای این ماده به رسیدگی به جرائم نیروهای مسلح در سازمان قضایی به این معنا نخواهد بود که تحت هر شرایطی رسیدگی به جرائم تمامی اعضای آن - حتی اشخاص روحانی - در این سازمان انجام می‌شود. لذا بند (ج) این ماده که رسیدگی به جرائم کارکنان عقیدتی سیاسی و نمایندگی ولی فقیه نیروهای مسلح را در صلاحیت سازمان قضایی دانسته است نمی‌توان از حیث نفی صلاحیت دادگاه ویژه روحانیت، مغایر با

حکم حکومتی مقام رهبری^(۱) و ولایت مطلقه فقیه مندرج در اصل (۵۷) قانون اساسی دانست.

نظر شورای نگهبان

اطلاق بند (چ) ماده (۳۱)، چون اشخاصی غیر از اعضای دستگاه‌های مذکور در اصل (۱۷۲) قانون اساسی را نیز شامل می‌شود، مغایر اصل (۱۷۲) قانون اساسی می‌باشد. همچنین در تبصره (۲) این ماده، اطلاق این جرم نسبت به غیر موارد مشمول اصل (۱۷۲) قانون اساسی اشکال دارد.

ماده ۳۳- هرگاه رسیدگی به اتهام فردی در صلاحیت دادگاه نظامی باشد لکن با توجه به اوضاع و احوال و کیفیت ارتکاب، در عمل با رسیدگی به جرم دیگر همان متهم که در صلاحیت سایر مراجع قضایی است ملازمه داشته باشد، به آن جرم نیز در دادگاه نظامی رسیدگی می‌شود.

دیدگاه مغایرت

بر اساس اصل (۱۷۲) قانون اساسی، محاکم نظامی تنها صالح به رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضای ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هستند و رسیدگی به جرائم عمومی این افراد در صلاحیت محاکم عمومی است. همچنین مطابق اصل (۱۵۹) قانون اساسی مرجع رسمی تظلمات و شکایات، دادگستری است و لذا محاکم نظامی صرفاً در خصوص جرائم مذکور در اصل (۱۷۲) صلاحیت رسیدگی دارند و سایر موارد باید در محاکم عمومی دادگستری رسیدگی شود. از آنجا که ماده (۳۳) صراحتاً سایر جرائم اعضای نیروهای مسلح را نیز در صلاحیت این سازمان قرار داده است، این ماده از حیث توسعه‌ی صلاحیت سازمان قضایی و تضییق صلاحیت دادگستری، مغایر با اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی است.

نظر شورای نگهبان

مواد (۳۳)، (۳۴) و (۳۵)، مغایر اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی می‌باشند.

۱. این دادگاه در سال ۱۳۶۶ با صدور حکم انتصاب حاکم شرع دادگاه ویژه روحانیت و دادستان آن توسط امام خمینی (ره)، به‌طور رسمی تأسیس شد و مقام معظم رهبری نیز در سال ۱۳۶۸ با صدور حکم انتصاب دادستان این دادگاه، وجود آن را لازم دانسته و همچنین آیین‌نامه آن در سال ۱۳۶۹ به تصویب ایشان رسیده که در سال ۱۳۸۴ نیز اصلاحاتی بر آن اعمال شده است. جهت مشاهده اطلاعات بیشتر رک: دریاباری، سید محمد زمان، (۱۳۸۳)، دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

ماده ۳۴- در جرائمی از قبیل رشاء و ارتشاء که تحقق آن منوط به فعل دو یا چند نفر است، در صورتی که رسیدگی به اتهام یکی از متهمان در صلاحیت دادگاه نظامی باشد، به اتهام کلیه متهمان در دادگاه نظامی رسیدگی می‌شود.

دیدگاه مغایرت

بر اساس اصل (۱۷۲) قانون اساسی محاکم نظامی تنها صالح به رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضای ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هستند و رسیدگی به جرائم عمومی این افراد در صلاحیت محاکم عمومی است. همچنین مطابق اصل (۱۵۹) قانون اساسی مرجع رسمی تظلمات و شکایات، دادگستری است و لذا محاکم نظامی صرفاً در خصوص جرائم مذکور در اصل (۱۷۲) صلاحیت رسیدگی دارند و سایر موارد باید در دادگستری رسیدگی شود. از آنجا که ماده (۳۴) رسیدگی به جرائم افراد غیر نظامی که در جرم رشاء و ارتشاء شرکت داشته‌اند را نیز در صلاحیت سازمان قضایی داخل کرده است، این ماده از حیث توسعه‌ی صلاحیت سازمان قضایی و تضییق صلاحیت دادگستری، مغایر با اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی است. به علاوه، در اغلب موارد، وقوع جرائم رشاء و ارتشاء توسط نظامیان، مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی نیروهای مسلح نیست تا در محاکم نظامی قابل رسیدگی باشد، بلکه به این جرایم نیز ولو از سوی نظامیان ارتکاب یافته باشد، باید در محاکم عمومی رسیدگی شود. از این لحاظ نیز این ماده، مغایر با اصول مزبور خواهد بود.

نظر شورای نگهبان

مواد (۳۳)، (۳۴) و (۳۵)، مغایر اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی می‌باشند.

ماده ۳۵- در مورد جرائم گروه مجرمانه سازمان‌یافته، در صورتی که رسیدگی به جرائم تشکیل‌دهنده جمعیت، اداره‌کننده یا طراح یا سازماندهی‌کننده آن در صلاحیت دادگاه نظامی باشد، به اتهام همه متهمان در دادگاه نظامی رسیدگی می‌شود.

دیدگاه مغایرت

بر اساس اصل (۱۷۲) قانون اساسی، محاکم نظامی تنها صالح به رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضای ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هستند و رسیدگی به جرائم عمومی این افراد در صلاحیت محاکم عمومی است. همچنین

مطابق اصل (۱۵۹) قانون اساسی مرجع رسمی تظلمات و شکایات، دادگستری است و لذا محاکم نظامی صرفاً در خصوص جرائم مذکور در اصل (۱۷۲) صلاحیت رسیدگی دارند و سایر موارد باید در محاکم عمومی دادگستری رسیدگی شود. از آنجا که ماده (۳۵) رسیدگی به جرائم افراد غیر نظامی که مرتکب جرائم سازمان‌یافته می‌شوند را در صلاحیت سازمان قضایی دانسته است، این ماده از حیث توسعه‌ی صلاحیت سازمان قضایی و تضییق صلاحیت دادگستری، مغایر با اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی است. به علاوه، باید توجه داشت که بسیاری از جرائم سازمان‌یافته توسط نظامیان را نیز نمی‌توان مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی نیروهای مسلح دانست و لذا در این موارد نیز نمی‌توان دادگاه‌های نظامی را صالح به رسیدگی به این جرایم قلمداد کرد. از این لحاظ نیز اطلاق این ماده از جهت تسری به کلیه‌ی جرایم سازمان‌یافته‌ی نظامیان، مغایر با اصول مزبور خواهد بود.

نظر شورای نگهبان

مواد (۳۳)، (۳۴) و (۳۵)، مغایر اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی می‌باشند.

ماده ۳۹- مأموران زیر پس از کسب مهارت‌های لازم و اخذ کارت مربوط ضابط نظامی می‌باشند:

الف- مأموران دژبان نیروهای مسلح

ب- مأموران حفاظت اطلاعات نیروهای مسلح در چهارچوب مأموریت‌ها و وظایف قانونی

پ- مأموران بازرسی و قضایی نیروهای مسلح

ت- فرماندهان، افسران و درجه‌داران آموزش‌دیده نیروی انتظامی

ث- افسران و درجه‌داران نیروهای مسلح در جرائم مشهود در صورت عدم حضور سایر ضابطان نظامی

ج- مقامات و مأمورانی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محوله، ضابط نظامی محسوب می‌شوند.

تبصره ۱- رؤسا، معاونان و مأموران زندان‌ها و بازداشتگاه‌های نظامی در امور مربوط به زندانیان نظامی و همچنین مأموران حفاظت اطلاعات وزارت اطلاعات نسبت به جرائم کارکنان وزارت مزبور که در صلاحیت رسیدگی سازمان قضایی است، ضابط نظامی محسوب می‌شوند.

تبصره ۲- کارکنان وظیفه، ضابط نظامی محسوب نمی‌شوند، اما تحت نظارت ضابطان مربوط در این مورد انجام وظیفه می‌کنند و مسئولیت اقدامات انجام‌شده در این رابطه با ضابطان نظامی است و این مسئولیت نافی مسئولیت کارکنان وظیفه نیست.

تبصره ۳- اجرای تصمیمات و دستورهای مراجع قضایی عمومی در یگان‌های نظامی و انتظامی به‌عهده ضابطان نظامی مربوط است.

دیدگاه مغایرت

الف) مطابق اصل (۱۷۲) قانون اساسی برای رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضای ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می‌گردد. از آنجا که کارکنان وزارت اطلاعات جزء نیروهای مسلح محسوب نمی‌شوند و در اصل (۱۷۲) قانون اساسی به این افراد اشاره‌ای نشده است، رسیدگی به جرائم این افراد در محاکم نظامی مغایر با اصل مذکور است. بر این اساس، تبصره (۱) ماده (۳۹) که رسیدگی به جرائم کارکنان وزارت مزبور را در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح دانسته است، از حیث توسعه‌ی صلاحیت سازمان قضایی، مغایر با اصل (۱۷۲) قانون اساسی است.

ب) مطابق اصل (۱۵۶) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت است. طبق اصل (۵۷) نیز قوه قضائیه، قوه‌ای مستقل از سایر قوا است. با این وصف، تبصره (۳) ماده (۳۹) این مصوبه که اجرای تصمیمات و دستورهای مراجع قضایی عمومی در یگان‌های نظامی و انتظامی را به‌عهده ضابطان نظامی مربوط دانسته است، از حیث محدود کردن اختیارات دادگستری، بر خلاف استقلال قوه قضائیه و مغایر با اصول مزبور است؛ زیرا این تبصره مراجع دادگستری را ملزم به تعیین ضابط نظامی کرده است و به‌نوعی از قضات دادگستری سلب اختیار کرده است.

ج) صدر ماده (۳۹)، صرفاً کسب مهارت‌های لازم و اخذ کارت مربوط را برای ضابطان نظامی کافی دانسته است، در حالی که یکی از شرایط شرعی برای ضابطان، شرط وثاقت و مورد اعتماد قاضی بودن آنها است. بنابراین این ماده از حیث فقدان این شرایط، مغایر با موازین شرع است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) اینکه شخصی به عنوان ضابط نظامی انجام وظیفه کند بدین معنا نیست که آن شخص الزاماً جزء نیروهای مسلح باشد، بلکه قانون عادی است که می‌تواند مشخص کند چه کسانی به عنوان ضابط نظامی می‌توانند فعالیت کنند. از این رو، تبصره (۱) ماده که مأموران حفاظت اطلاعات وزارت اطلاعات را جزء ضابطان نظامی قرار داده است، نمی‌توان از این حیث که کارکنان وزارت اطلاعات

از جمله‌ی نیروهای مسلح مذکور در اصل (۱۷۲) نیستند، مغایر با این اصل دانست. به علاوه، در این تبصره تصریح شده است که این مأموران نسبت به جرائمی از کارکنان وزارت اطلاعات، ضابط محسوب می‌شوند که آن جرائم در صلاحیت رسیدگی سازمان قضایی باشد. بنابراین این تبصره، جرائم کارکنان این وزارت را در صلاحیت سازمان قضایی قرار نداده است تا از حیث توسعه‌ی صلاحیت رسیدگی سازمان قضایی، مغایر با اصل (۱۷۲) قانون اساسی باشد، بلکه صرفاً در موارد صلاحیت سازمان قضایی، این نیروها را ضابط محسوب کرده است. ممکن است طبق حکم مقام رهبری، رسیدگی به جرائم کارکنان این وزارت در صلاحیت سازمان قضایی قرار گیرد که در این فرض، این ماده، مأموران حفاظت اطلاعات این وزارت را در این خصوص ضابط دانسته است. بنابراین این تبصره را نمی‌توان مغایر با اصل (۱۷۲) قانون اساسی دانست.

ب) هر چند مطابق قانون اساسی قوه‌ی قضائیه، قوه‌ای مستقل است ولی این بدین معنا نیست که نتوان برای فعالیت آن، قانون‌گذاری کرد. به بیان دیگر، مجلس شورای اسلامی که طبق اصل (۷۱) می‌تواند در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی قانون وضع کند، می‌تواند تا جایی که صلاحیت‌های قوه‌ی قضائیه را سلب نکند، شیوه‌ی اعمال صلاحیت قوه‌ی قضائیه را بر اساس قانون مشخص کند. تعیین ضابط دادگستری که تحت نظر قوه‌ی قضائیه و مراجع قضایی فعالیت می‌کند نیز طبق قانون مشخص می‌شود و همچنان‌که قانون‌گذار نیروی انتظامی را به عنوان ضابط عام و برخی نیروها از جمله بسیج و وزارت اطلاعات را به عنوان ضابط خاص معرفی کرده است، در تبصره (۳) این ماده نیز ضابطین نظامی را در جرائم مربوط به یگان‌های نظامی و انتظامی، به عنوان ضابط خاص دادگستری معرفی کرده است. بنابراین تبصره (۳) این ماده را نمی‌توان در مقام نقض استقلال قوه‌ی قضائیه دانست و از این جهت آن را مغایر با اصول (۵۷) و (۱۵۶) قانون اساسی قلمداد کرد.

ج) با توجه به اینکه این مصوبه بخشی از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ خواهد شد و با عنایت به اینکه در ماده (۳۰) این قانون، وثاقت و مورد اعتماد بودن ضابطان، شرط دانسته شده است، ضوابط ماده (۳۰) قانون آیین دادرسی کیفری در خصوص ضابطان نظامی نیز جاری خواهد بود. بنابراین نمی‌توان ماده (۳۹) این مصوبه را از حیث عدم اشاره به شرایط مزبور، مغایر با موازین شرع دانست.

نظر شورای نگهبان

ماده (۳۹)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۴۲- در موارد ضروری که به تشخیص قاضی رسیدگی‌کننده، انجام تحقیقات مقدماتی، جمع‌آوری دلایل، بررسی صحنه جرم یا انجام کارشناسی به ضابطان یا کارشناسان خارج از یگان محول می‌شود، فرمانده یگان محل وقوع جرم، مکلف به همکاری با آنان است. همچنین وی می‌تواند به منظور رعایت مقررات و نظامات راجع به اسرار نظامی، یک نفر نماینده برای همراهی با مأموران یا کارشناسان معرفی نماید.

دیدگاه مغایرت

ذیل ماده (۴۲) که اختیار تعیین نماینده را برای فرماندهی یگان به منظور رعایت مقررات و نظامات راجع به اسرار نظامی قرار داده است، از این حیث که ممکن است این اختیار موجب اختلال در امر تحقیقات مقدماتی و جمع‌آوری دلایل و در نهایت موجب ایجاد خدشه در امر قضا شود، مغایر با موازین شرع است؛ چه آنکه ممکن است نماینده‌ی اعزامی، انجام تحقیقات را مغایر با اسرار نظامی بداند و مانع تحقیقات قضایی شود. همچنین باید به اینکه نیز توجه داشت که در این ماده به طور کلی به این اختیار فرماندهی یگان محل وقوع جرم اشاره شده است و بنابراین نمی‌توان پذیرفت که در صورت اختلاف نظر میان نماینده‌ی اعزامی فرمانده و کارشناسان در خصوص تنافی تحقیقات با اسرار نظامی، حل اختلاف با قاضی پرونده باشد.

دیدگاه عدم مغایرت

ذیل ماده (۴۲) که به معرفی نماینده جهت رعایت مقررات و نظامات راجع به اسرار نظامی اشاره کرده است، به نقش «همراهی» او نیز تصریح کرده است. بنابراین این نماینده نمی‌تواند مانع انجام تحقیقات شود و صرفاً در راستای حفظ اسرار نظامی نکاتی را خاطرنشان می‌سازد. همچنین با توجه به اینکه در این ماده به تکلیف فرماندهی یگان به همکاری با کارشناسان یا ضابطان خارج از یگان، تصریح شده است، یقیناً نماینده‌ی او نمی‌تواند در انجام این تکلیف کوتاهی کند؛ ضمن آنکه طبق ماده (۷) این مصوبه نیز «تخلف از مقررات مواد (۵)، (۴۲)، (۴۳)، (۴۹) و تبصره (۳) ماده (۳۹) این قانون، به حکم دادگاه نظامی، موجب محکومیت به انفصال از شغل از سه ماه تا یک سال یا محرومیت از خدمات دولتی از سه ماه تا شش ماه می‌شود.» همچنین باید توجه داشت که در مواردی که انجام تحقیقات با حفظ اسرار نظامی در تنافی باشد، این امر باید به اطلاع قاضی پرونده برسد و قاضی پرونده است که در نهایت در این خصوص تصمیم مقتضی را اتخاذ می‌کند. بر این اساس، ذیل ماده‌ی مزبور که به ارسال نماینده جهت حفظ اسرار نظامی اشاره کرده است، نمی‌تواند به معنای ایجاد اختلال در روند تحقیقات قضایی تلقی شود تا ایراد مغایر با موازین شرع در خصوص آن صادق باشد.

نظر شورای نگهبان

ماده (۴۲)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۴۴- فرماندهان و مسئولان نظامی و انتظامی مکلفند به محض اطلاع از وقوع جرم در حوزه مسئولیت خود، مراتب را به مرجع قضایی صالح گزارش کنند. متخلف از مقررات این ماده به مجازات جرم کتمان حقیقت مقرر در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح محکوم می‌شود.

تبصره- تعرفه خدمتی متهمان مشتمل بر اطلاعاتی از قبیل تاریخ استخدام یا اعزام، آموزش‌های طی‌شده، تاریخ ترفیعات، وضعیت تأهل، تنبیهات، تشویقات، محل‌های خدمت، مشاغل خدمتی، سوابق کیفری، سوابق پزشکی، وضع خاص اجتماعی و نظریه فرماندهی، توسط مقامات فوق به مراجع قضایی ارسال می‌شود.

دیدگاه مغایرت

مطابق اصل (۲۲) قانون اساسی، حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند. بر این اساس، حکم مقرر در تبصره‌ی ماده (۴۴) مبنی بر ارسال تعرفه‌ی خدمتی متهمان با توجه به ذکر عبارت «از قبیل» در آن، هرگونه اطلاعاتی را شامل می‌شود که ممکن است ارتباطی با پرونده‌ی قضایی متهم نداشته باشد. بنابراین این ماده از حیث افشای اطلاعات غیر ضرور متهم، به نوعی تعرض به حقوق او محسوب می‌شود و از این جهت، مغایر با اصل (۲۲) قانون اساسی است. با عنایت به امکان سوء استفاده از این اطلاق، باید در آن تصریح شود که ارسال اطلاعات مزبور، مقید به موارد مرتبط با پرونده است و هر اطلاعاتی را شامل نمی‌شود.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) در تبصره‌ی این ماده صرفاً به ارسال اطلاعاتی از متهم اشاره شده است که ممکن است در بررسی پرونده مؤثر باشد و مشخص است که ارسال این‌گونه اطلاعات، هیچ‌گونه تعرضی به حقوق متهم محسوب نمی‌شود. بنابراین تبصره‌ی مزبور را نمی‌توان از حیث تعرض به حقوق متهم، مغایر با اصل (۲۲) قانون اساسی دانست که حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص را از تعرض مصون می‌داند.

ب) مواردی که در تبصره‌ی این ماده به عنوان تعرفه‌ی خدمتی متهمان مشخص شده و حکم به

ارسال آن برای مقامات قضایی شده است، منصرف به مواردی است که احتمالاً در بررسی پرونده تأثیرگذار است و اطلاعات غیرمرتبط را شامل نمی‌شود. بنابراین مفاد این تبصره را از حیث شمول آن بر اطلاعات غیر مرتبط با پرونده، نمی‌توان دارای ایراد دانست.

نظر شورای نگهبان

اطلاق تبصره ماده (۴۴)، چون شامل اموری می‌شود که تحقیق و رسیدگی منوط به آن موارد نمی‌باشد، اشکال دارد و باید به مواردی که احتمالاً در تصمیم‌گیری قاضی مؤثر باشند، مقید گردد.

ماده ۴۵- ریاست و نظارت بر ضابطان نظامی از حیث وظایفی که به عنوان ضابط برعهده دارند، با دادستان نظامی است. سایر قضات دادسرا و دادگاه نظامی نیز در اموری که به ضابطان ارجاع می‌دهند، حق نظارت و ارائه تعلیمات لازم را دارند. تبصره- ارجاع امر از سوی مقام قضایی به مأموران یا مقاماتی که حسب قانون، ضابط تلقی نمی‌شوند، موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است.

دیدگاه مغایرت

مطابق اصل (۱۵۶) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت است. طبق اصل (۵۷) نیز قوه قضائیه، قوه‌ای مستقل از سایر قوا معرفی شده است. بر این اساس، حکم مقرر در تبصره ماده (۴۵) که ارجاع امر از سوی مقام قضایی به مأموران یا مقاماتی که حسب قانون، ضابط تلقی نمی‌شوند را موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار می‌داند، بدین معنا است که قضات صرفاً می‌توانند به ضابطان نظامی ارجاع دهند و ارجاع به ضابطان غیر نظامی، موجب محکومیت آنان است. لذا این تبصره از حیث محدود کردن اختیارات قضات، بر خلاف استقلال قوه قضائیه و مغایر با اصول مزبور است.

دیدگاه عدم مغایرت

همان‌طور که ذیل ماده (۳۹) این مصوبه بیان شد، هر چند قوه قضائیه، قوه‌ای مستقل است ولی این بدین معنا نیست که نتوان برای شیوه‌ی فعالیت آن، قانون‌گذاری کرد. تعیین ضابطین نیز بر اساس قانون صورت می‌پذیرد و قانون‌گذار می‌تواند در برخی موارد، ضابط خاص تعیین کند. در تبصره‌ی این ماده نیز تأکید شده است که قضات صرفاً باید به کسانی ارجاع دهند که قانوناً ضابط محسوب می‌شوند و اجازه‌ی ارجاع امور به هر شخصی را دارا نیستند. بنابراین تبصره‌ی این ماده را

نمی‌توان در مقام نقض استقلال قوه‌ی قضائیه دانست و آن را مغایر با اصول (۵۷) و (۱۵۶) قانون اساسی تلقی کرد.

نظر شورای نگهبان

ماده (۴۵)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۴۹- قضات سازمان قضایی می‌توانند در یگان‌های نظامی و انتظامی با اطلاع فرمانده یگان یا رئیس یا مسئول قسمت مربوط، تحقیقات و اقدامات لازم را درباره جرائمی که در صلاحیت آنان است خود یا از طریق ضابطان نظامی انجام دهند. مسئولان و فرماندهان نظامی و انتظامی در این رابطه مکلف به همکاری می‌باشند.

دیدگاه مغایرت

اطلاق لزوم اطلاع دادن به فرماندهی یگان یا رئیس یا مسئول قسمت مربوطه در این ماده از جهت شمول آن نسبت به مواردی که فرمانده یا رئیس یا مسئول مربوطه، خود شخصاً در پرونده دخیل بوده و یا اطلاع دادن موجب لوث شدن قضیه شود، خلاف مسائل امنیتی است و لذا این ماده از این جهت، خلاف موازین شرع است.

دیدگاه عدم مغایرت

موضوع حکم ماده (۴۹) شامل فرماندهی یگان یا رئیس یا مسئول قسمت مربوطه که خود در پرونده دخیل هستند نیست و منصرف از این افراد است. به عبارت دیگر، فرض این است که کسانی از جرم واقع شده اطلاع می‌یابند که متهم نیستند و لذا ماده‌ی مذکور را نمی‌توان از حیث مغایرت با مسائل امنیتی، مغایر با موازین شرعی دانست.

نظر شورای نگهبان

ماده (۴۹)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۵۰- در مواردی که رسیدگی به امری از نظر علمی، فنی، مالی، نظامی و یا سایر جهات نیاز به کارشناسی داشته باشد، مرجع رسیدگی‌کننده از کارشناس یا هیئت کارشناسی کسب نظر می‌نماید.

تبصره ۱- در مواردی که موضوع کارشناسی از امور نظامی باشد یا به تشخیص مرجع قضایی، اظهار نظر کارشناسان نیروهای مسلح ضروری باشد، نیروهای مسلح مکلفند نسبت به تأمین کارشناسان مورد نیاز و پرداخت هزینه کارشناسی اقدام نمایند.

تبصره ۲- نحوه تعیین کارشناس، تعداد و ترکیب هیئت‌های کارشناسی، پرداخت هزینه و سایر مقررات مربوط، به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط ستاد کل نیروهای مسلح با همکاری سازمان قضایی تهیه می‌شود و به تصویب فرماندهی کل قوا می‌رسد.

دیدگاه مغایرت

الف) بر اساس اصل (۸۵) قانون اساسی، صلاحیت قانون‌گذاری به مجلس اعطا شده است و مجلس نمی‌تواند این صلاحیت خویش را به شخص یا هیئتی واگذار کند. با این وصف، تبصره (۲) ماده (۵۰) که تعیین «سایر مقررات مربوط» را به صورت مطلق به آیین‌نامه محول کرده است، مغایر با اصل (۸۵) است؛ زیرا بسیاری از ضوابط مربوط به مفاد این تبصره، نظیر نحوه تجدید نظر نسبت به آرای کارشناسان، نحوه‌ی اخذ تصمیم و... اموری دارای ماهیت تقنینی هستند که طبق اصل (۸۵) باید توسط مجلس تعیین شوند و مجلس نمی‌تواند صلاحیت تعیین آنها را در قالب تصویب آیین‌نامه به غیر واگذار کند.

ب) مطابق اصل (۵۷) قانون اساسی، قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه‌ی مقننه، قوه‌ی مجریه و قوه‌ی قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول مقرر در قانون اساسی اعمال می‌گردند. بر این اساس، با توجه به اینکه حکم مقرر در ذیل تبصره (۲) ماده (۵۰) مبنی بر تصویب آیین‌نامه توسط فرماندهی کل قوا، به معنای الزام مقام مافوق (مقام رهبری) به تصویب آیین‌نامه است، این مصوبه مغایر با اصل (۵۷) قانون اساسی است.

ج) در صدر ماده (۵۰) رسیدگی به اموری که از نظر علمی، فنی، مالی و نظامی نیاز به کارشناس دارد بر عهده‌ی هیئت کارشناسی قرار گرفته است. در تبصره (۲) این ماده، نحوه‌ی تعیین کارشناس، تعداد و ترکیب هیئت‌های کارشناسی و... به تصویب آیین‌نامه‌ای محول شده است که توسط ستاد کل نیروهای مسلح تهیه خواهد شد. از آنجا که این ستاد تنها در امور نظامی صاحب صلاحیت است، مکلف کردن آن به وضع آیین‌نامه در سایر امور مذکور در صدر ماده (۵۰)، یعنی امور فنی و علمی واجد ایراد است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) تبصره (۲) ماده (۵۰) الزامی برای مقام رهبری ایجاد نکرده است تا از حیث نقض سلسله مراتب

مذکور در اصل (۵۷) مغایر با این اصل باشد. ذکر عبارت به تصویب فرماندهی کل قوا می‌رسد در این ماده بدین معنا است که این آیین‌نامه مشروط به تصویب فرماندهی کل قوا لازم‌الاجرا می‌شود و در غیر این صورت، معتبر نخواهد بود، نه اینکه فرماندهی کل قوا را ملزم به تصویب آن کرده باشد.

ب) هر چند ستاد کل نیروهای مسلح در امور نظامی دارای صلاحیت است ولی با توجه به اینکه آیین‌نامه‌ی مذکور در تبصره (۲) این ماده، در نهایت امر به تصویب مقام رهبری می‌رسد و به بیان دیگر، در صورت تصویب ایشان لازم‌الاجرا خواهد بود، شمول مفاد آن بر امور غیر نظامی، با توجه به اختیارات حکومتی ولی فقیه مندرج در اصل (۵۷)، دارای ایراد نخواهد بود.

دیدگاه ابهام

عبارت «سایر مقررات مربوط» در تبصره (۲) به دلیل اینکه مشخص نیست ناظر بر امور تقنینی نیز می‌شود یا صرفاً مقررات مربوط به آیین‌نامه‌ی اجرایی قانون را مد نظر دارد، دارای ابهام است. از آنجا که اگر منظور از آن، تعیین ضوابط و امور تقنینی باشد، این ماده از حیث واگذاری وضع قانون به مرجعی غیر از مجلس، مغایر با اصل (۸۵) خواهد بود، ابتدا باید این ابهام برطرف شود تا بتوان در خصوص مغایرت یا عدم مغایرت آن با قانون اساسی اظهار نظر کرد.

نظر شورای نگهبان

در تبصره (۲) ماده (۵۰)، «سایر مقررات مربوط» ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد. همچنین شمول تبصره، نسبت به تعیین تکلیف در موارد غیر نظامی، اشکال دارد.

ماده ۵۱- احضار متهمان نظامی و متهمان وزارت اطلاعات از طریق فرمانده یا مسئول مافوق انجام می‌گیرد، اما در موارد ضروری یا در صورتی که به متهم در یگان مربوطه دسترسی نباشد، احضار از محل اقامت صورت می‌گیرد و مراتب به اطلاع فرمانده یا مسئول مافوق می‌رسد.

تبصره ۱- نحوه احضار و جلب فرماندهان و مسئولان نیروهای مسلح بر اساس دستورالعملی است که به تصویب فرماندهی کل قوا می‌رسد.

تبصره ۲- ابلاغ احضاریه توسط مأموران ابلاغ در محل اقامت، بدون استفاده از لباس رسمی و با ارائه کارت شناسایی انجام می‌شود.

دیدگاه مغایرت

الف) حکم تبصره (۱) ماده (۵۱) در خصوص تصویب دستورالعمل نحوه‌ی احضار و جلب

فرماندهان و مسئولان نیروهای مسلح توسط فرماندهی کل قوا، چون به معنای الزام مقام رهبری به تصویب این دستورالعمل است، مغایر با اصل (۵۷) قانون اساسی است که قوای سه‌گانه را زیر نظر ولایت مطلقه فقیه و امامت امت می‌داند.

ب) مطابق اصل (۱۷۲) قانون اساسی برای رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضای ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می‌شود. از آنجا که کارکنان وزارت اطلاعات جزء نیروهای مسلح محسوب نمی‌شوند و در اصل (۱۷۲) قانون اساسی به این افراد اشاره‌ای نشده است، رسیدگی به جرائم این افراد در محاکم نظامی مغایر با اصل مذکور است. با عنایت به اینکه ماده‌ی مزبور به احضار متهمان وزارت اطلاعات اشاره کرده است و طبق اصل (۱۷۲)، رسیدگی به جرائم آنها در صلاحیت سازمان قضایی نیست، این ماده از حیث توسعه‌ی صلاحیت سازمان قضایی، مغایر با اصل مزبور است.

همچنین این استدلال را نمی‌توان پذیرفت که این ماده به صلاحیت سازمان قضایی اشاره‌ای نمی‌کند و صرفاً در خصوص بحث احضار متهمان وزارت اطلاعات است؛ زیرا ممکن است موارد خلاف اصل (۱۷۲) در ماده (۲۸) این مصوبه که در خصوص صلاحیت سازمان قضایی است، توسط مجلس شورای اسلامی حذف شود و ذکر عبارت متهمان وزارت اطلاعات در این ماده، به معنای صلاحیت سازمان قضایی برای رسیدگی به جرائم آنها برداشت شود.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) تبصره (۱) این ماده، در صدد الزام مقام رهبری به تصویب دستورالعمل مذکور در آن نیست، بلکه تصویب آن را از جمله‌ی اختیارات مقام رهبری می‌داند. دستورالعمل مزبور قبلاً توسط مقام معظم رهبری ابلاغ شده است^(۱) که در این قانون جهت تأکید و به منظور آشنایی افرادی که از آن مطلع نیستند، این تبصره تصویب شده است. بنابراین تبصره‌ی مزبور را نمی‌توان از حیث نقض سلسله مراتب مربوط به مقام رهبری، مغایر با اصل (۵۷) قانون اساسی دانست.

ب) این ماده، در صدد اعطای صلاحیت رسیدگی به جرائم کارکنان وزارت اطلاعات به سازمان قضایی نیروهای مسلح نیست، بلکه بیان می‌دارد در صورتی که رسیدگی به جرائم کارکنان وزارت اطلاعات در صلاحیت سازمان قضایی قرار گیرد، به صورت مقرر در این ماده عمل شود؛ به عنوان مثال، در صورتی که طبق حکم مقام رهبری، احضار متهمان آن باید با تشریفات خاصی صورت پذیرد. لذا این ماده در صدد توسعه‌ی صلاحیت سازمان قضایی و اصل (۱۷۲) قانون اساسی

۱. «دستورالعمل نحوه احضار و جلب فرماندهان و مسئولین نیروهای مسلح» مصوب مورخ ۱۳۸۴/۹/۱ مقام معظم رهبری.

نیست. افزون بر آن در این ماده، اشاره‌ای به سازمان قضایی نیروهای مسلح نشده است و صرفاً به چگونگی احضار متهمان وزارت اطلاعات پرداخته است. لذا اگر رسیدگی به جرائم آنها در صلاحیت دادگاه‌های عمومی نیز باشد، باید طبق تشریفات این ماده، آنها را احضار کرد. بنابراین، این امر نیز حاکی از عدم مغایرت این ماده با اصل (۱۷۲) قانون اساسی است.

نظر شورای نگهبان

ماده (۵۱)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۵۲- هرگاه ابلاغ احضاریه به علت معلوم نبودن محل اقامت متهم ممکن نباشد و این امر به طریق دیگری هم مقدور نباشد با موافقت رئیس سازمان قضایی استان یا معاون وی، متهم یک نوبت به وسیله یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار کشوری یا محلی و با درج مهلت یک ماه از تاریخ نشر آگهی، احضار می‌شود. چنانچه متهم پس از انقضای مهلت مقرر حضور نیابد، رسیدگی طبق مقررات ادامه می‌یابد.

تبصره- در جرم فرار از خدمت، ابلاغ احضاریه به آخرین نشانی محل اقامت متهم که در پرونده کارگزینی وی موجود است، ابلاغ قانونی محسوب می‌شود و رسیدگی بر طبق مقررات و بدون رعایت تشریفات نشر آگهی ادامه می‌یابد.

دیدگاه مغایرت

الف) منوط کردن احضار متهم توسط نشر آگهی در ماده (۵۲) به موافقت رئیس سازمان قضایی استان یا معاون وی، موجب محدود کردن قاضی در رسیدگی به پرونده است و از این جهت، مغایر با موازین شرع است. به بیان دیگر، اگر قاضی تشخیص دهد که نشر آگهی در احقاق عدالت مؤثر است، نمی‌توان او را از این اقدام منع کرد. از این رو، محدود کردن قاضی توسط رئیس سازمان قضایی یا معاون وی دارای ایراد است.

ب) طبق ماده (۵۳) این مصوبه «در صورتی که به تشخیص قاضی پرونده به لحاظ مصالح نیروهای مسلح، حیثیت اجتماعی متهم، عفت و یا امنیت عمومی، ذکر درجه یا موضوع اتهام و یا نتیجه عدم حضور در احضارنامه و یا روزنامه به مصلحت نباشد، درجه یا موضوع اتهام و یا نتیجه عدم حضور ذکر نمی‌شود.» مفاد این ماده حاکی از آن است که اصل بر آن است که مشخصات، درجه و موضوع اتهام باید در آگهی درج شود، مگر در موارد خلاف مصلحت. با توجه به عدم اثبات جرائم این افراد و امکان تبرئه‌ی آنها، درج این موارد در آگهی با عنایت به ایراد خدشه به

آبرو و حیثیت افراد، مغایر با اصل (۲۲) قانون اساسی خواهد بود. طبق این اصل حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) با عنایت به اینکه احضار افراد از طریق آگهی ممکن است به حیثیت و آبروی افراد خدشه وارد سازد، در این ماده، تشخیص ضرورت این اقدام به موافقت رئیس سازمان قضایی یا معاون وی واگذار شده است. بنابراین، مفاد این ماده را از حیث منوط کردن نظر قاضی به این موافقت، نمی‌توان مغایر با موازین شرع دانست.

ب) طبق ماده‌ی مزبور احضار افراد از طریق آگهی محدود به مواردی است که ابلاغ احضاریه ممکن نباشد، نه اینکه در هر پرونده‌ای بتوان از این طریق اقدام کرد. ضمن آنکه طبق ماده (۵۳) این مصوبه، در موارد خلاف مصلحت، درجه و موضوع اتهام نیز درج نمی‌شود. بنابراین این شیوه‌ی احضار منوط به موارد ناچاری است و برای حفظ آبروی افراد نیز ضوابطی برای آن قرار داده شده است. با این اوصاف، این ماده را نمی‌توان به معنای تعرض به حیثیت و آبروی افراد و مغایر با اصل (۲۲) قانون اساسی دانست.

نظر شورای نگهبان

ماده (۵۲)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۵۴- در زمان جنگ، صدور قرار بازداشت موقت با رعایت مقررات مندرج در این قانون در موارد زیر الزامی است:

الف- جرائم موجب مجازات محارب یا مفسد فی الارض

ب- جرائم عمدی علیه امنیت داخلی و خارجی موجب مجازات تعزیری درجه پنج و بالاتر

پ- شورش مسلحانه

ت- لغو دستور حرکت به طرف دشمن یا محاربان و مفسدان یا در ناحیه‌ای با شرایط جنگی و یا محدودیت‌های ضروری اعلام شده

ث- ایراد ضرب و یا جرح عمدی با سلاح، نسبت به مافوق

ج- قتل عمدی

چ- فرار از جبهه

ح- فرار از محل مأموریت یا منطقه درگیری در جریان عملیات علیه عوامل خرابکار،

ضد انقلاب، شرار و قاچاقچیان مسلح

خ- فرار همراه با سلاح گرم یا توسط هواپیما، بالگرد، کشتی، ناوچه، تانک و وسایل موتوری جنگی یا مجهز به سلاح جنگی

د- فرار به سوی دشمن

ذ- فرار با تبانی یا توطئه

ر- سرقت سلاح و مهمات و وسایل نظامی در هنگام اردو کشتی یا مأموریت آماده باش یا عملیات رزمی یا در منطقه جنگی در صورت اخلاف در مأموریت یگان و یا حمل سلاح ظاهر یا مخفی توسط یک یا چند نفر از مرتکبان در حین سرقت

ز- تخریب، آتش زدن، از بین بردن و اتلاف عمدی تأسیسات، ساختمانها، استحکامات نظامی، کشتی، هواپیما و امثال آنها، انبارها، راهها، وسایل دیگر ارتباطی و مخابراتی یا الکترونیکی، مراکز نگهداری اسناد طبقه بندی شده مورد استفاده نیروهای مسلح، وسایل دفاعی، تمام یا قسمتی از ملزومات جنگی، مهمات و مواد منفجره اعم از اینکه مرتکب شخصاً اقدام نماید یا دیگری را وادار به آن کند.

تبصره- در مواردی که مجازات قانونی جرم حبس باشد، مدت بازداشت موقت نباید از حداقل مجازات قانونی آن جرم تجاوز کند.

دیدگاه مغایرت

بر اساس اصل (۱۷۲) قانون اساسی، برای رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضای ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می گردد. از آنجا که اطلاق برخی از جرائم مذکور در بندهای (الف)، (ب)، (ج)، (ر) و (ز)، شامل جرائم غیر نظامی نیز می شود، ماده (۵۴) از حیث توسعه صلاحیت سازمان قضایی مغایر اصل (۱۷۲) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

این ماده در مقام تعیین صلاحیت برای سازمان قضایی نیروهای مسلح نیست، بلکه مواردی را ذکر کرده است که در صورتی که در صلاحیت سازمان قضایی باشد، ارتکاب آنها موجب الزامی بودن قرار بازداشت موقت است. به عنوان مثال قتل عمدی مذکور در بند (ج) صرفاً در صورتی که در صلاحیت این سازمان قرار داشته باشد، مثلاً به عنوان وظیفه خاص نظامی ارتکاب یافته باشد، ملاحظه این ماده است. همچنین در خصوص مواردی که نمی توان آنها را مربوط به وظیفه خاص نظامی دانست، تعیین تکلیف آن باید در ماده (۲۸) که درباره صلاحیت است انجام شود که در

صورت صالح بودن سازمان قضایی، در رسیدگی به آنها باید قرار بازداشت موقت را الزاماً صادر کرد. بنابراین ماده‌ی مزبور در مقام تعیین صلاحیت سازمان قضایی و توسعه‌ی آن نیست و لذا نمی‌توان آن را مغایر با اصل (۱۷۲) قانون اساسی دانست.

نظر شورای نگهبان

تذکر: در بند (ح) ماده (۵۴)، واژه «شرار» باید به «اشرار» اصلاح گردد.

ماده ۶۲- وکلای دارای تابعیت خارجی نمی‌توانند برای دفاع در دادگاه نظامی حاضر شوند، مگر اینکه در تعهدات بین‌المللی به این موضوع تصریح شده باشد.

دیدگاه ابهام

عبارت «تعهدات بین‌المللی» در این ماده دارای ابهام است. توضیح آنکه مشخص نیست این تعهدات صرفاً شامل معاهدات بین‌المللی است که جمهوری اسلامی ایران آنها را پذیرفته است یا شامل آن دسته از تعهدات بین‌المللی نیز می‌شود که به ادعای برخی مراجع بین‌المللی به دلیل عرفی شدن و یا قاعده‌ی آمره بودن، جزء تعهدات بین‌المللی همه کشورها هستند. چنانچه منظور این ماده، معاهدات اخیر نیز باشد، با توجه به اینکه ممکن است این معاهدات بر خلاف شرع و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران باشد، اطلاق عبارت «تعهدات بین‌المللی» مذکور در این ماده دارای ایراد خواهد بود. لذا ابتدا باید این ابهام برطرف شود تا بتوان در خصوص آن اظهار نظر کرد.

دیدگاه عدم مغایرت

منظور از تعهدات بین‌المللی در این ماده، تعهداتی است که توسط جمهوری اسلامی ایران پذیرفته شده است و به تصویب مجلس و تأیید شورای نگهبان رسیده است، نه اینکه هرگونه تعهد بین‌المللی را مدّ نظر داشته باشد. به بیان دیگر، جمهوری اسلامی ایران صرفاً تعهداتی را می‌پذیرد که صراحتاً آن را پذیرفته باشد. بر این اساس، تعهدات بین‌المللی در این ماده، مشتمل بر تعهداتی نمی‌شود که ممکن است مغایر با شرع یا قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران باشد و ماده‌ی مزبور را نمی‌توان از این حیث دارای ایراد دانست.

نظر شورای نگهبان

ماده (۶۲)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۶۶- در جرم فرار از خدمت تا زمانی که استمرار آن قطع نشده است، رسیدگی غیابی صورت نمی‌گیرد.

دیدگاه مغایرت

حکم مقرر در ماده (۶۶) مبنی بر عدم رسیدگی غیابی به جرم فرار از خدمت، ممکن است موجب تجرّی سایر نظامیان و فرار آنها نیز بشود. بر این اساس، از آنجا که این امر سبب ایجاد خدشه در نظم و امنیت کشور خواهد شد، اطلاق حکم این ماده که این فرض را نیز شامل می‌شود، مغایر با موازین شرع است. به بیان دیگر، ممکن است عدم رسیدگی به جرم فرار، موجب فراگیر شدن این امر میان نظامیان شود که با توجه به تضعیف نظام، این امر مغایر با موازین شرع خواهد بود.

دیدگاه عدم مغایرت

فرار از خدمت جرم، خلاف شرع (به معنای تخطی از احکام اولیه اسلام) نیست، بلکه ممکن است در حکومت اسلامی در شرایطی با توجه به مقتضیات جامعه، مصلحت ایجاد کند که این عمل جرم‌انگاری شود. بنابراین قانون‌گذار که خود واضح این جرم‌انگاری است، خود نیز می‌تواند تشخیص دهد که رسیدگی غیابی به این جرم صورت نپذیرد. از این رو، چنین حکمی را نمی‌توان مغایر با موازین شرع دانست.

نظر شورای نگهبان

ماده (۶۶)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۶۸- رسیدگی در دادگاه نظامی زمان جنگ، غیر علنی است مگر آنکه دادگاه، علنی بودن آن را ضروری تشخیص دهد.

دیدگاه مغایرت

الف) مطابق اصل (۱۶۵) قانون اساسی، محاکمات علنی انجام می‌شود و حضور افراد در این دادگاه‌ها بلامانع است، مگر آنکه به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی، طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد. از آنجا که در ماده (۶۸)، بر خلاف این اصل قانون اساسی، اصل بر غیر علنی بودن محاکمات دادگاه نظامی گذاشته شده است، این ماده مغایر با نص صریح اصل (۱۶۵) قانون اساسی است. افزون بر آن،

طبق این اصل، تشخیص غیر علنی بودن محاکمات بر عهده‌ی قاضی دادگاه است که به صورت موردی انجام می‌شود و قانون نمی‌تواند به طور کلی رسیدگی به موضوعی را غیر علنی بداند. (ب) اصل (۱۶۵) قانون اساسی که اصل را بر علنی بودن محاکمات دانسته است، اطلاق داشته و هرگونه محاکمه را شامل می‌شود. بنابراین این اطلاق، محاکمات نظامی را نیز شامل می‌شود و نمی‌توان محاکمات نظامی را منصرف از اصل (۱۶۵) قانون اساسی محسوب کرد.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) اصل (۱۶۵) قانون اساسی مطلق نیست و طبق ذیل آن، در برخی موارد می‌توان محاکمات را به طور غیر علنی برگزار کرد. از آنجا که مواردی که در دادگاه نظامی زمان جنگ رسیدگی می‌شود، غالباً امنیتی محسوب می‌شوند، ماده (۶۸)، اصل را در این دادگاه‌ها بر غیرعلنی بودن آنها گذاشته و البته علنی بودن را نیز ممکن دانسته است. لذا ماده‌ی مزبور را نمی‌توان مغایر با اصل (۱۶۵) قانون اساسی دانست.

ب) اصل (۱۶۵) قانون اساسی منصرف از محاکمات نظامی است و لذا ماده (۶۸) این مصوبه را از این حیث که اصل را بر غیر علنی بودن محاکمات نظامی در زمان جنگ گذاشته است، نمی‌توان مغایر با اصل (۱۶۵) قانون اساسی دانست. از آنجا که یکی از دلایل تشکیل دادگاه‌های نظامی که به طور اختصاصی به برخی جرائم رسیدگی می‌کنند، رعایت موارد امنیتی و محرمانه در خصوص امور نظامی بوده است، در رسیدگی‌های آن نیز باید اصل را بر غیر علنی بودن محاکمات آن دانست و در مواردی که این محاکمات منافاتی با محرمانگی امور نظامی نداشته باشد، می‌توان اقدام به برگزاری علنی جلسات آن کرد.

نظر شورای نگهبان

در ماده (۶۸)، از آنجا که بر اساس اصل (۱۶۵) قانون اساسی، اصل بر برگزاری محاکمات به صورت علنی است، مگر اینکه به تشخیص دادگاه علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد، لذا این ماده، مغایر اصل (۱۶۵) قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۷۴- علاوه بر اشخاصی که مطابق مقررات مربوط، حق درخواست اعاده دادرسی دارند، رئیس سازمان قضایی نیز حق درخواست اعاده دادرسی نسبت به احکام قطعی دادگاه‌های نظامی را دارد.

دیدگاه مغایرت

طبق موازین شرع، در قضاوت، اصل بر یک مرحله‌ای بودن آن است؛ یعنی زمانی که قاضی به پرونده‌ای رسیدگی و حکم خود را صادر می‌کند هیچ کس حق دخالت در رأی صادره از سوی وی را ندارد و اگر شخصی رأی قاضی را پس از صدور آن بدون جهت تغییر دهد، خلاف شرع رفتار کرده است. در حال حاضر که اکثر قضات مأذون هستند، چنانچه در شرایط استثنایی اجازه‌ی درخواست اعاده‌ی دادرسی به اشخاصی داده شود باید به قدر متیقن آن موارد اکتفا کرد. به عنوان نمونه در قوانین به امکان درخواست اعاده‌ی دادرسی از طرف رئیس قوه‌ی قضائیه اشاره شده است که آن هم مقید به شرایطی همچون خلاف شرع بین بودن رأی دادگاه است، نه اینکه هر زمانی که رئیس قوه‌ی قضائیه اراده کرد بتواند اعاده‌ی دادرسی را درخواست کند.^(۱) لذا از آنجا که در ماده (۷۴) حق درخواست اعاده‌ی دادرسی نسبت به احکام قطعی دادگاه‌های نظامی را به طور مطلق و بدون هیچ قید و شرطی به رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح داده است، این ماده خلاف موازین شرع است.

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به اینکه در حال حاضر اغلب قضات، قاضی واجد شرایط شرعی نیستند، بلکه قاضی مأذون هستند نسبت به رسیدگی آنها می‌توان مقرراتی را وضع کرد. اعاده‌ی دادرسی نیز از جمله‌ی این مقررات است که قانون‌گذار می‌تواند نسبت به رسیدگی‌های قضایی وضع کند. در اینجا نیز قانون‌گذار تشخیص داده است که رئیس سازمان قضایی می‌تواند درخواست اعاده‌ی دادرسی کند. لذا ماده‌ی مزبور از حیث قرار دادن این صلاحیت، مغایرتی با موازین شرع و نیز قانون اساسی ندارد. همچنین تصریح صدر ماده (۷۴) به عبارت «مطابق مقررات مربوط» بدین مفهوم است که رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح نیز نمی‌تواند در هر زمانی که اراده کرد، درخواست اعاده دادرسی دهد، بلکه درخواست ایشان مقید به مواردی است که در دیگر قوانین ذکر شده است. به بیان دیگر، جهات دادرسی در قوانین مشخص است و رئیس سازمان قضایی صرفاً بر اساس آن جهات است که می‌تواند درخواست اعاده دادرسی کند.

۱. ماده (۴۷۷) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس: «ماده ۴۷۷- در صورتی که رئیس قوه قضائیه، رأی قطعی صادره از هر یک از مراجع قضایی را خلاف شرع بین تشخیص دهد، با تجویز اعاده دادرسی، پرونده را به دیوان عالی کشور ارسال تا در شعبی خاص که توسط رئیس قوه قضائیه برای این امر تخصیص می‌یابد رسیدگی و رأی قطعی صادر نماید. شعب خاص مذکور مبتنیاً بر خلاف شرع بین اعلام شده، رأی قطعی قبلی را نقض و رسیدگی مجدد اعم از شکلی و ماهوی به عمل می‌آورند و رأی مقتضی صادر می‌نمایند.»

دیدگاه ابهام

از آنجا که در ماده (۷۴) مشخص نیست حق درخواست اعاده دادرسی رئیس سازمان قضایی، مقید به جهات قانونی اعاده دادرسی است یا اینکه در هر شرایطی حق اعاده دادرسی به ایشان اعطا شده است، این ماده دارای ابهام است. با توجه به اینکه چنانچه این حق مقید نباشد، این ماده از حیث نقض قطعیت آراء محاکم، مغایر با موازین شرع خواهد بود، ابتدا باید این ابهام برطرف شود تا بتوان در خصوص آن اظهار نظر کرد.

نظر شورای نگهبان

ماده (۷۴)، از این حیث که جهات اعاده دادرسی و اینکه این حق تا چه حدی است مشخص نمی‌باشد، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.

ماده ۷۵- در صورتی که مجازات مندرج در حکم دادگاه به لحاظ وضعیت خاص خدمتی محکوم‌علیه مانند محرومیت از ترفیع کارکنان بازنشسته، قابل‌اجراء نباشد، دادستان نظامی مطابق ضوابط، حسب مورد حق درخواست تجدید نظر یا فرجام را دارد. در این صورت مرجع تجدید نظر یا فرجام جهت تعیین مجازات دیگر اقدام می‌کند.

دیدگاه مغایرت

ذکر عبارت «مجازات دیگر» در ذیل ماده (۷۵) بدین معنا است که هرگونه مجازات دیگری را می‌توان در خصوص محکوم‌علیه جاری دانست، در حالی که تعیین مجازات باید بر اساس مقررات قانونی صورت پذیرد و هر مجازات دیگری را نمی‌توان برای محکوم‌علیه تعیین کرد. بر این اساس، ذیل ماده‌ی مزبور از حیث مقید نبودن عبارت «مجازات دیگر» به «قانون»، مغایر با اصل (۳۶) قانون اساسی است. طبق این اصل، حکم به مجازات باید به موجب قانون باشد.

دیدگاه عدم مغایرت

منظور از عبارت «مجازات دیگر» در ذیل این ماده، هر مجازاتی است که دادگاه بتواند بر اساس قانون برای محکوم‌علیه مشخص کند. به بیان دیگر، این عبارت هرگونه واکنش و تنبیهی را مد نظر نداشته است، بلکه منصرف به مجازات‌هایی است که در قانون مشخص شده است. لذا ماده‌ی مزبور را نمی‌توان از حیث عدم تصریح به عبارت «قانون»، مغایر با اصل (۳۶) قانون اساسی دانست.

نظر شورای نگهبان

تذکر: در سطر آخر ماده (۷۵)، پس از واژه «مجازات»، واژه «قانونی» اضافه شود.

ماده ۷۷- پس از قطعیت آراء دادگاه‌ها، قاضی اجرای احکام مکلف است خلاصه‌ای از رأی را به یگان مربوط ابلاغ نماید.
تبصره- مفاد این ماده در مورد قرارهای نهایی دادرسی نیز توسط بازپرس لازم‌الاجراء است.

دیدگاه مغایرت

حکم مقرر در ماده (۷۷) مبنی بر ارسال خلاصه‌ی رأی به یگان مربوط توسط قاضی اجرای احکام، در مواردی که پرونده مربوط به مسائل امنیتی است یا به هر دلیل دیگر برخلاف مصالح باشد، مغایر با موازین شرع است.

دیدگاه عدم مغایرت

ارسال خلاصه‌ی رأی به یگان مربوطه تنها از این باب است که فرماندهی یگان و اشخاص صالح دیگر از سابقه‌ی فرد خاطی اطلاع داشته باشند تا در پُست‌هایی که این افراد مجدداً به خدمت گمارده می‌شوند، دقت نظر بیشتری وجود داشته باشد و از وقوع جرم‌های مشابه جلوگیری شود. لذا حکم این ماده، مغایرتی با موازین شرع ندارد.

نظر شورای نگهبان

ماده (۷۷)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۸۰- متهمان و محکومان دادرسی و دادگاه‌های نظامی با رعایت مقررات اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور در بازداشتگاه‌های رسمی و زندان‌های مستقل نگهداری می‌شوند. اداره بازداشتگاه‌ها و زندان‌های نظامی بر عهده دژبان نیروهای مسلح است. سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور بر اداره بازداشتگاه‌ها و زندان‌های نظامی نظارت دارد. نگهداری محکومان و متهمان در یک مکان ممنوع است.

دیدگاه مغایرت

بر اساس بند (۴) اصل (۱۵۶) قانون اساسی، کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین

و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام از جمله وظایف قوه قضائیه است. همچنین بر اساس بند (۵) اصل مذکور، اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین نیز بر عهده این نهاد گذارده شده است. بر اساس بندهای مزبور که اجرای حدود و اصلاح مجرمین را در صلاحیت قوه قضائیه قرار داده است، اداره بازداشتگاه‌ها و زندان‌ها بر عهده قوه قضائیه است و نهاد دیگری نمی‌تواند متولی این امر باشد. با این وصف، در ماده (۸۰) این مصوبه، اداره بازداشتگاه‌ها و زندان‌های نظامی بر عهده دژبان نیروهای مسلح قرار داده شده و مقرر شده که سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور - که متولی اداره امور زندانیان در قوه قضائیه است - صرفاً بر اداره آنها نظارت دارد. بر این اساس، از آنجا که در این مصوبه، اداره بازداشتگاه‌ها و زندان‌های نظامی به نهادی غیر از قوه قضائیه واگذار شده است، این مصوبه با بندهای (۴) و (۵) اصل (۱۵۶) قانون اساسی در تضاد است.

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به اینکه در ماده (۸۰) تصریح شده است که بازداشتگاه‌ها و زندان‌های نظامی «با رعایت مقررات اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور» فعالیت می‌کنند و این سازمان بر فعالیت آنها نظارت دارد، این ماده صلاحیت قوه قضائیه در اجرای حدود و اصلاح مجرمین (مذکور در بندهای (۴) و (۵) اصل (۱۵۶) قانون اساسی) را نقض نکرده است و از این جهت، نمی‌توان آن را مغایر با قانون اساسی دانست. به بیان دیگر، قوه قضائیه می‌تواند با وضع قواعد و نظارتی که بر اداره بازداشتگاه‌ها دارد، متولی اداره آن را نیروهای مسلح قرار دهد و این امر، نافی صلاحیت قوه قضائیه در این خصوص نیست.

نظر شورای نگهبان

در ماده (۸۰)، اداره بازداشتگاه‌ها و زندان‌های نظامی از سوی دژبان نیروهای مسلح، مغایر بندهای (۴) و (۵) اصل (۱۵۶) قانون اساسی شناخته شد. ماده (۸۱) نیز مبنیاً بر اشکال مذکور، واجد ایراد است. همچنین ماده (۸۴) با توجه به اشکال مزبور باید اصلاح گردد.

ماده ۸۱- اداره بازداشتگاه‌ها و زندان‌های نظامی در هر استان یا شهرستان با تشخیص ستاد کل نیروهای مسلح بر عهده یکی از دژبان‌های نیروهای مسلح است.

دیدگاه مغایرت

ماده (۸۱) با توجه به اینکه در راستای مفاد ماده (۸۰) تدوین شده است و بر اساس آن اداره‌ی

بازداشتگاه‌ها و زندان‌های نظامی بر عهده‌ی دژبان‌های نیروی مسلح قرار داده شده است، این ماده نیز از حیث نقض صلاحیت قوه‌ی قضائیه در خصوص وظیفه‌ی اجرای حدود و نیز اصلاح مجرمین، مغایر با بندهای (۴) و (۵) اصل (۱۵۶) قانون اساسی است.

نظر شورای نگهبان

در ماده (۸۰)، اداره بازداشتگاه‌ها و زندان‌های نظامی از سوی دژبان نیروهای مسلح، مغایر بندهای (۴) و (۵) اصل (۱۵۶) قانون اساسی شناخته شد. ماده (۸۱) نیز مبنیاً بر اشکال مذکور، واجد ایراد است. همچنین ماده (۸۴) با توجه به اشکال مزبور باید اصلاح گردد.

ماده ۸۴- شیوه اداره بازداشتگاه‌ها و زندان‌های موضوع این فصل بر اساس آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور است. نحوه نظارت این سازمان بر بازداشتگاه‌ها و زندان‌های مزبور و سایر مقررات اختصاصی مربوط به اداره این بازداشتگاه‌ها و زندان‌ها، برابر آیین‌نامه‌ای است که ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط ستاد کل نیروهای مسلح با همکاری سازمان قضایی و سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

دیدگاه مغایرت

با توجه به مباحث مطرح ذیل ماده (۸۰) این مصوبه، ماده (۸۴) نیز صرفاً «نظارت» بر بازداشتگاه‌ها و زندان‌های نظامی را برعهده‌ی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی می‌داند و نه اداره‌ی آنها را. بنابراین این ماده نیز از حیث نقض صلاحیت قوه‌ی قضائیه در خصوص وظیفه‌ی اجرای حدود و اصلاح مجرمین، مغایر با بندهای (۴) و (۵) اصل (۱۵۶) قانون اساسی است.

نظر شورای نگهبان

در ماده (۸۰)، اداره بازداشتگاه‌ها و زندان‌های نظامی از سوی دژبان نیروهای مسلح، مغایر بندهای (۴) و (۵) اصل (۱۵۶) قانون اساسی شناخته شد. ماده (۸۱) نیز مبنیاً بر اشکال مذکور، واجد ایراد است. همچنین ماده (۸۴) با توجه به اشکال مزبور باید اصلاح گردد.

ماده ۸۷- به منظور سیاست‌گذاری و تدوین راهبردهای ملی، برنامه‌ریزی میان‌مدت و بلندمدت و تدوین آیین‌نامه‌های لازم برای توسعه و ارتقای دادرسی الکترونیکی و

نظارت بر حُسن اجرای آنها، «شورای راهبری دادرسی الکترونیکی» که در این بخش به اختصار شورا نامیده می‌شود به ریاست رئیس قوه قضائیه و عضویت افراد زیر تشکیل می‌شود:

- الف- رئیس مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه (دبیر شورا)
- ب- معاون حقوقی قوه قضائیه
- پ- رئیس دیوان عالی کشور
- ت- دادستان کل کشور
- ث- رئیس دیوان عدالت اداری
- ج- رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح
- چ- رئیس سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور
- ح- رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
- خ- رئیس سازمان بازرسی کل کشور
- د- رئیس سازمان پزشکی قانونی کشور
- ذ- معاون آموزش و تحقیقات قوه قضائیه
- ر- معاون راهبردی قوه قضائیه
- ز- مسئول حفاظت و اطلاعات قوه قضائیه
- ژ- وزیر دادگستری
- س- وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات
- ش- فرمانده نیروی انتظامی کشور
- ص- یک نفر نماینده مجلس به انتخاب کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی به عنوان عضو ناظر
- ض- سه نفر به انتخاب رئیس قوه قضائیه
- تبصره ۱- ...

دیدگاه مغایرت

الف) در مواردی که نمایندگان مجلس جهت انجام وظایف نظارتی این نهاد به عنوان عضو ناظر در شوراهایی تعیین می‌شوند، انتخاب آنها باید از سوی مجلس شورای اسلامی صورت پذیرد که متشکل از کلیه نمایندگان است، نه اینکه از سوی کمیسیون‌های مجلس این انتخاب محقق شود. به بیان دیگر، وظایف نظارتی مجلس که در اصول متعدد قانون اساسی بدان تصریح شده است، متعلق به کلیه نمایندگان مجلس است و نمی‌توان آن را محدود به یک کمیسیون دانست.

لذا بند (ص) ماده (۸۷) که عضو ناظر مجلس در شورای راهبری دادرسی الکترونیکی را به انتخاب کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس می‌داند، مغایر با اصول نظارتی مجلس شورای اسلامی است.

ب) طبق اصل (۵۷) قانون اساسی قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران از یکدیگر مستقل هستند. با توجه به اینکه طبق این ماده، برخی از اعضای شورای راهبری دادرسی الکترونیکی از وزرای قوه مجریه هستند و با عنایت به اینکه ریاست این شورا با رئیس قوه قضائیه است، پیش‌بینی عضویت وزرا در این شورا به معنای نقض استقلال قوه مجریه است و لذا این ماده از این حیث، مغایر با استقلال قوای مندرج در اصل (۵۷) قانون اساسی است.

ج) مطابق بند اول اصل (۱۵۸) قانون اساسی، ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسئولیت‌های اصل (۱۵۶) از وظایف رئیس قوه قضائیه است. در ماده (۸۷) این مصوبه، برخی از افرادی که به عنوان عضو در شورای راهبری دادرسی الکترونیکی ذکر شده‌اند (مانند بندهای «ب»، «ذ» و «ر»)، معاونین رئیس قوه قضائیه هستند. از آنجا که ممکن است رئیس قوه قضائیه خواستار ایجاد چنین معاونت‌هایی در ساختار قوه قضائیه نباشد یا حذف آنها را لازم بداند، ذکر این بندها به معنای الزام به وجود این معاونت‌ها از سوی مجلس در قوه قضائیه محسوب می‌شود. از این جهت، با توجه به اینکه صلاحیت ایجاد تشکیلات در قوه قضائیه در اختیار رئیس قوه قضائیه است و نه مجلس، این ماده مغایر با بند اول اصل (۱۵۸) خواهد بود.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) همان‌طور که قانون، وظایف و اختیارات وزرای دولت را مشخص می‌کند، الزام آنها به عضویت در برخی شوراهای نیز می‌تواند معین کند و این امر لزوماً به معنای تداخل وظایف قوا محسوب نمی‌شود. این ماده نیز حضور وزرایی را در شورای راهبری دادرسی الکترونیکی لازم دانسته است که وظایفشان مرتبط با این شورا است. لذا این ماده را نمی‌توان به معنای نقض استقلال قوه مجریه و در تغایر با اصل (۵۷) قانون اساسی در خصوص استقلال قوا دانست.

ب) ذکر برخی معاونین قوه قضائیه در این ماده به عنوان اعضای شورای راهبری دادرسی الکترونیکی بدین معنا نیست که رئیس قوه قضائیه ملزم به ایجاد چنین معاونت‌هایی در قوه قضائیه است، بلکه با توجه به اینکه در حال حاضر چنین معاونت‌هایی درون قوه قضائیه وجود دارد در این ماده به آنها اشاره شده است و در آینده نیز اگر رئیس قوه قضائیه مایل به تداوم آنها بود، معاونین مربوطه عضو این شورا خواهند بود. به بیان دیگر در صورتی که چنین معاونت‌هایی در ساختار وجود نداشته باشد، عضویت آنها در این شورا نیز سالبه‌ی به انتفای موضوع خواهد بود. بنابراین این ماده در مقام ایجاد تشکیلات برای قوه قضائیه نیست و از این جهت، مغایرتی با بند (۱) اصل (۱۵۸) که ایجاد تشکیلات در قوه قضائیه را در صلاحیت رئیس این قوه می‌داند ندارد.

نظر شورای نگهبان

در بند (ص) ماده (۸۷)، انتخاب نماینده به عنوان ناظر باید از سوی مجلس شورای اسلامی صورت گیرد و آلاً اشکال دارد.

ماده ۸۸- به منظور ساماندهی پرونده‌ها و اسناد قضایی و ارائه بهتر خدمات قضایی و دستیابی روزآمد به آمار و گردش کار قضایی در سراسر کشور و همچنین ارائه آمار و اطلاعات دقیق و تفصیلی در خصوص جرائم، متهمان، بزه‌دیدگان و مجرمان و سایر اطلاعات قضایی، «مرکز ملی داده‌های قوه قضائیه» در مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه راه‌اندازی می‌شود.

تبصره ۱- نحوه و میزان دسترسی مراجع ذی‌صلاح قضایی به اطلاعات این مرکز به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط شورا تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

تبصره ۲- اسناد، مدارک و اطلاعات این مرکز به موجب آیین‌نامه‌ای که ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون به تصویب شورا و تأیید رئیس قوه قضائیه می‌رسد، در اختیار مراکز علمی، پژوهشکده‌ها و پژوهشگران قرار می‌گیرد. استفاده از اسناد، مدارک و اطلاعات مزبور نباید موجب هتک حرمت و حیثیت اشخاص شود. انتشار اطلاعات مربوط به هویت افراد مرتبط با دادرسی از قبیل نام، نام خانوادگی، کد پستی و کد ملی آنان جز در مواردی که آیین‌نامه فوق‌الذکر تجویز کند، ممنوع است.

دیدگاه مغایرت

الف) مطابق اصل (۲۲) قانون اساسی، حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند. از آنجا که طبق این ماده، اطلاعات خصوصی و شخصی افراد در اختیار کارمندان «مرکز ملی داده‌های قوه قضائیه» قرار می‌گیرد، این افراد باید امانت‌دار و مورد وثوق باشند؛ زیرا در صورت عدم وثاقت این افراد، این اطلاعات که مربوط به حیثیت اشخاص است، ممکن است منتشر و باعث خدشه‌دار شدن آبروی افراد شود. لذا عدم ذکر شرط وثاقت برای کارکنان این مرکز مزبور به جهت پیش‌گفته، مغایر با اصل (۲۲) قانون اساسی است. ضمناً باید توجه داشت که خدشه‌دار شدن حیثیت افراد، به‌منزله‌ی از بین رفتن امنیت قضایی آنان نیز خواهد بود که با توجه به تصریح بند (۱۴) اصل (۳) قانون اساسی به «ایجاد امنیت قضایی عادلانه»، عدم ذکر شرط وثاقت در این ماده، مغایر با این اصل نیز خواهد بود.

ب) از آنجا که پرونده‌های قضایی، حاوی اطلاعات خصوصی افراد و همچنین برخی آمار و اطلاعات مجرمانه هستند، در اختیار دیگران گذاشتن آنها منوط به رعایت موازین شرعی است. از آنجا که در تبصره (۲) این ماده، تعیین این ضوابط به آیین‌نامه واگذار شده است، باید در این ماده تصریح شود که این ضوابط باید بر اساس موازین شرعی تعیین شوند. در غیر این صورت، این ماده از حیث عدم ذکر این قید، مغایر با موازین شرع است. همچنین باید توجه داشت که هر چند در قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی پنجم توسعه^(۱) در خصوص انتشار برخط آرای قضایی به رعایت حفظ حریم خصوصی اشخاص اشاره شده است، ولی این قانون، با توجه به موقتی بودن آن شامل اطلاعات این ماده نمی‌شود و لذا ذکر قید «رعایت حریم خصوصی» در آن قانون را نمی‌توان موجب رفع مغایرت این ماده با موازین شرع دانست.

ج) با توجه به شخصی و مجرمانه بودن بسیاری از اطلاعات قضایی، در اختیار دیگران گذاشتن آنها منوط به تعیین ضابطه‌هایی است که باید توسط قانون صورت پذیرد. به بیان دیگر، با توجه به اهمیت این اطلاعات، ضوابط آن باید توسط قانون معین شود و نمی‌توان آن را به آیین‌نامه محول کرد. بر این اساس، تبصره (۲) ماده‌ی مزبور که امری تقنینی را به آیین‌نامه محول کرده است، مغایر با اصل (۸۵) قانون اساسی است که صلاحیت قانون‌گذاری را برای مجلس شورای اسلامی و غیر قابل تفویض به غیر می‌داند.

د) بر اساس اصل (۷۵) قانون اساسی، طرح‌های قانونی و پیشنهادهای و اصلاحاتی که نمایندگان درخصوص لوایح قانونی عنوان می‌کنند، چنانچه به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه‌های عمومی بیانجامد، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه‌ی جدید معلوم شده باشد. به‌رغم اینکه تشکیل مرکز ملی داده‌های قوه‌ی قضائیه، در قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی پنجم توسعه^(۲) ذکر شده است، ولی با توجه به اینکه این مرکز تاکنون

۱. جزء (۴) بند (د) ماده (۲۱۱) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰) مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۲۵: «ماده ۲۱۱-»

الف- ...

د- به منظور گسترش فرهنگ حقوقی و قضایی، اصلاح رفتار حقوقی و قضایی مردم، نهادینه‌سازی فرهنگ قانون‌مداری و نیز در راستای پیشگیری از وقوع جرائم و کاهش دعاوی حقوقی، اقدامات ذیل انجام می‌شود:

۱- ...

۴- قوه قضائیه مکلف است تا سال دوم برنامه ترتیبی اتخاذ نماید که ضمن حفظ حریم خصوصی اشخاص، آراء صادره از سوی محاکم به صورت برخط (آنلاین)، در معرض تحلیل و نقد صاحب‌نظران و متخصصان قرار گیرد.

۵- ...»

۲. جزء (۱) بند (ج) ماده (۲۱۱) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰) مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۲۵: «ماده ۲۱۱-»

تشکیل نشده است و بودجه‌ای نیز برای آن پیش‌بینی نشده است، تشکیل آن برای دولت ایجاد هزینه می‌کند و لذا از آنجا که این مصوبه در قالب «طرح» از سوی نمایندگان به مجلس ارائه شده است و این ماده نیز منجر به افزایش هزینه‌های عمومی می‌شود و با این حال، طریق تأمین هزینه‌های اجرایی آن در این مصوبه مشخص نشده است،^(۱) ماده (۸۸) مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است. در واقع، قوانین برنامه، یک قانون بالادستی محسوب می‌شوند که مقررات آن در صورتی که نیازمند بودجه باشد، باید منابع آن در قوانین بودجه‌ی سالیانه در نظر گرفته شود که این امر تاکنون برای این مرکز پیش‌بینی نشده است و لذا ایجاد آن برای دولت هزینه‌زا است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) فرض بر آن است که کارمندان قوه‌ی قضائیه افرادی مورد وثوق هستند که کارکنان مرکز ملی داده‌های قوه‌ی قضائیه نیز از جمله‌ی این افراد خواهند بود. لذا با توجه به این فرض مسلّم، نیازی به قید شرط «وثاقت» برای این افراد در این ماده وجود ندارد. بر این اساس، ماده‌ی مزبور را نمی‌توان از این حیث که زمینه‌ساز ایجاد خدشه به حیثیت افراد می‌شود، مغایر با اصل (۲۲) قانون اساسی دانست.

ب) با توجه به اینکه در جزء (۴) بند (د) ماده (۲۱۱) قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی پنجم توسعه، انتشار برخاسته از آرای قضایی منوط به رعایت حفظ حریم خصوصی اشخاص شده است، در اختیار



الف- ...

ح- به منظور افزایش سرعت و کارایی در ارائه خدمات حقوقی و قضایی، قوه قضائیه مکلف است اقدامات زیر را برای توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات انجام دهد:

۱- سامانه‌های عملیاتی و توسعه سطح استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات به‌ویژه سامانه مدیریت پرونده‌های قضایی، راه‌اندازی مرکز ملی داده‌های قوه قضائیه، اجراء و تکمیل سامانه مدیریت امنیت اطلاعات، عرضه خدمات حقوقی الکترونیک به مردم، استفاده از فناوری اطلاعات در برقراری ارتباط بین مراجع قضایی و سایر نهادهای تابعه یا مرتبط از قبیل سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، سازمان زندان‌ها، سازمان پزشکی قانونی راه‌اندازی، گسترش و ارتقاء یابد.

۲- ...»

۱. گفتنی است گرچه در ماده (۱۳۷) این مصوبه، منابع مالی حاصل از هزینه‌های دادرسی به شرح مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ را به عنوان محل تأمین بار مالی این مصوبه دانسته است، ولی شورای نگهبان پیش‌بینی این محل را رافع ایراد مغایرت این مصوبه با اصل (۷۵) قانون اساسی ندانسته است و لذا برخی مواد این مصوبه را که منجر به افزایش هزینه‌ی عمومی یا کاهش درآمد عمومی می‌شود، مغایر با اصل (۷۵) اعلام کرده است. جهت ملاحظه‌ی جزئیات نظرات اعضای شورای نگهبان در این خصوص، به استدلال‌های مطرح‌شده ذیل ماده (۱۳۷) این نوشتار مراجعه شود.

دیگران قرار گذاشتن اطلاعات قضایی مذکور در ماده (۸۸)، مقید به رعایت حفظ حریم خصوصی اشخاص است. بر این اساس، آیین‌نامه‌ی آن نیز با رعایت این قانون تصویب خواهد شد. بنابراین رعایت این شرط در تصویب آیین‌نامه‌ی مذکور در تبصره (۲) این ماده، مفروض است و نیازی به تصریح به رعایت ضوابط شرعی در آن نیست و از این جهت، این تبصره، مغایرتی با موازین شرعی ندارد.

ج) با عنایت به اینکه تشکیل مرکز ملی داده‌های قوه‌ی قضائیه قبلاً در قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی پنجم توسعه تصریح شده است، ذکر آن در ماده (۸۸) این مصوبه، موضوعی جدید نیست که منجر به افزایش هزینه‌های عمومی دولت شود. به بیان دیگر در این قانون صرفاً بر مفاد قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی پنجم تأکید شده است و لذا این ماده را نمی‌توان از حیث افزایش هزینه‌ی عمومی دولت و عدم تأمین محل برای آن، مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی دانست.

نظر شورای نگهبان

ذیل ماده (۸۸)، با توجه به مصون بودن حیثیت اشخاص باید قید گردد که این امر از سوی افراد موثق انجام پذیرد، و آلا مغایر اصل (۲۲) قانون اساسی است.

همچنین در قسمت اخیر تبصره (۲) این ماده، ضابطه را باید قانون معین نماید و تعیین آن توسط آیین‌نامه، مغایر اصل (۸۵) قانون اساسی می‌باشد.

... ماده (۸۸)، ... که به افزایش هزینه عمومی می‌انجامد و طریق پیش‌بینی شده در ماده (۱۳۷) هزینه‌های مذکور را تأمین نمی‌نماید، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی می‌باشند.

ماده ۸۹- کلیه دستگاه‌های تابعه قوه قضائیه، نظیر دیوان عدالت اداری، سازمان بازرسی کل کشور، سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، سازمان پزشکی قانونی، سازمان قضایی نیروهای مسلح و مراجع ذی‌ربط در عفو و بخشودگی و سجل کیفری و روزنامه رسمی جمهوری اسلامی، موظفند کلیه اطلاعات خود را در مرکز ملی داده‌های قوه قضائیه قرار دهند و آنها را روزآمد نگه دارند.

تبصره ۱- نحوه دسترسی به اطلاعات محرمانه و سرّی در مرکز ملی داده‌های قوه قضائیه به موجب آیین‌نامه‌ای است که به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

تبصره ۲- مراجع انتظامی و سایر ضابطان و دستگاه‌ها، هیئت‌ها و کمیسیون‌های ذی‌ربط موظفند اطلاعات مرتبط با امور قضایی خود را در مرکز ملی داده‌های قوه قضائیه قرار دهند و آنها را روزآمد نگه دارند.

دیدگاه مغایرت

تبصره (۱) ماده (۸۹) که نحوه‌ی دسترسی به اطلاعات محرمانه و سرّی را به موجب آیین‌نامه‌ای می‌داند که به تصویب رئیس قوه‌ی قضائیه می‌رسد نیز همچون تبصره (۲) ماده (۸۸) مغایر با اصل (۸۵) قانون اساسی است؛ زیرا این آیین‌نامه نیز مشتمل بر ضوابطی خواهد بود که جنبه‌ی تقنینی دارد و طبق اصل (۸۵) قانون اساسی، اقدام به آن در صلاحیت مجلس شورای اسلامی و غیر قابل تفویض به غیر است. بر این اساس، تعیین این ضوابط نیز باید توسط «قانون» مصوب مجلس انجام شود.

دیدگاه عدم مغایرت

آیین‌نامه‌ی مذکور در تبصره (۱) ماده (۸۹)، آیین‌نامه‌ای است که ضوابط اجرایی نحوه‌ی دسترسی به اطلاعات محرمانه و سرّی در آن تعیین می‌شود و نه ضوابط قانونی آن. به عبارت دیگر، نحوه‌ی دسترسی به اطلاعات محرمانه و سرّی، امری اجرایی است که رئیس قوه‌ی قضائیه آن را در چهارچوب قوانین مربوطه مشخص می‌کند. در این ماده نیز به جهت منضبط کردن این اختیار، اشاره شده است که آیین‌نامه‌ی آن باید تهیه و تصویب شود. بر این اساس، آیین‌نامه‌ی مذکور در این تبصره، جنبه‌ی تقنینی و ضابطه‌گذاری ندارد و لذا تصویب آن توسط رئیس قوه‌ی قضائیه مغایر با اصل (۸۵) قانون اساسی نیست.

نظر شورای نگهبان

در تبصره یک ماده (۸۹)، ظاهراً منظور از آیین‌نامه، آیین‌نامه اجرایی بوده که باید مطابق با قانون باشد. بنابراین تبصره مذکور باید با رعایت این امر اصلاح شود.

ماده ۹۰- قوه قضائیه موظف است به منظور ساماندهی ارتباطات الکترونیکی بین محاکم، ضابطان و دستگاه‌های تابعه خود و نیز سایر اشخاص حقیقی و حقوقی که در جریان دادرسی به اطلاعات آنها نیاز است، «شبکه ملی عدالت» را با به‌کارگیری تمهیدات امنیتی مطمئن از قبیل امضای الکترونیکی راه‌اندازی کند.

تبصره ۱- دستگاه‌های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی موظفند سامانه‌های الکترونیکی لازم برای تأمین اطلاعات یا ارتباطات مورد نیاز مراجع قضایی را با دستور مقام قضایی صالح از طریق شبکه ملی عدالت فراهم آورند. مستتکف از مفاد این تبصره، مشمول ماده

(۵۷۶) قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵^(۱) است.

تبصره ۲- بخش خصوصی موظف است اطلاعات فوق را با دستور مقام قضایی صالح از طریق شبکه ملی عدالت در اختیار قوه قضائیه قرار دهد. حدود اختیارات و صلاحیت مقام قضایی به موجب آیین‌نامه‌ای است که به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

دیدگاه مغایرت

الف) مطابق اصل (۵۷) قانون اساسی، قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران مستقل از یکدیگرند. با این وصف، حکم مقرر در تبصره (۱) ماده (۹۰) مبنی بر الزام دستگاه‌های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی به فراهم نمودن سامانه‌های الکترونیکی لازم با دستور مقام قضایی صالح، به نوعی تداخل وظایف قوا محسوب می‌گردد که مغایر با استقلال قوای مذکور در اصل (۵۷) قانون اساسی است. به عبارت دیگر مقام صالح قضایی تنها در موارد خاص و به شکل موردی می‌تواند از اطلاعات اشخاص حقیقی و حقوقی که در جریان دادرسی به اطلاعات آنها نیاز است استفاده کند، نه اینکه قوه‌ی مجریه را ملزم به فراهم کردن سامانه‌های الکترونیکی کند. در این خصوص، مجلس خود می‌تواند در قالب قانون، این دستگاه‌ها را ملزم کند، نه اینکه این الزام را در صلاحیت مقام صالح قضایی قرار دهد.

ب) تعیین حدود اختیارات و صلاحیت مقام قضایی در اخذ اطلاعات از بخش خصوصی، امری تقنینی است که باید طبق قانون مشخص شود. بر این اساس، تبصره (۲) این ماده که این امر را به موجب آیین‌نامه‌ی مصوب رئیس قوه‌ی قضائیه می‌داند، مغایر با اصل (۸۵) قانون اساسی است که قانون‌گذاری را در صلاحیت مجلس شورای اسلامی و غیر قابل تفویض به غیر می‌داند.

ج) بر اساس اصل (۷۵) قانون اساسی، طرح‌های قانونی و پیشنهادهای و اصلاحاتی که نمایندگان درخصوص لوایح قانونی عنوان می‌کنند، چنانچه به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه‌های عمومی بیانجامد، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه‌ی جدید معلوم شده باشد. هر چند شبکه‌ی ملی عدالت پیش‌تر توسط رئیس قوه‌ی قضائیه افتتاح و راه‌اندازی شده است، اما با توجه به وسعتی که برای این شبکه در ماده (۹۰) در نظر گرفته شده است، توسعه‌ی این شبکه مستلزم منابع مالی است که منجر به افزایش

۱. ماده (۵۷۶) قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم- تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲: «ماده ۵۷۶- چنانچه هر یک از صاحب‌منصبان و مستخدمین و مأمورین دولتی و شهرداری‌ها در هر رتبه و مقامی که باشند از مقام خود سوء استفاده نموده و از اجرای اوامر کتبی دولتی یا اجرای قوانین مملکتی و یا اجرای احکام یا اوامر مقامات قضایی یا هر گونه امری که از طرف مقامات قانونی صادر شده باشد جلوگیری نماید به انفصال از خدمات دولتی از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد.»

هزینه‌های عمومی می‌شود. بر این اساس، از آنجا که این مصوبه در قالب «طرح» از سوی نمایندگان به مجلس ارائه شده است و این ماده منجر به افزایش هزینه‌های عمومی می‌شود و با این حال، طریق تأمین این هزینه‌ها در این مصوبه مشخص نشده است،^(۱) ماده (۹۰) مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است.

د) حکم تبصره (۱) ماده (۹۰) مبنی بر تکلیف دستگاه‌های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی به فراهم‌آوردن «سامانه‌های الکترونیکی لازم برای تأمین اطلاعات یا ارتباطات مورد نیاز مراجع قضایی» با توجه به اینکه مستلزم هزینه برای این دستگاه‌ها است، منجر به افزایش هزینه‌های عمومی می‌شود و لذا تبصره‌ی این ماده نیز با توجه به عدم پیش‌بینی محلی برای تأمین این هزینه‌ها، مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است که طرح‌های قانونی را در صورتی قابل طرح در مجلس می‌داند که در صورت افزایش هزینه‌های عمومی، محل تأمین منابع آن تعیین شده باشد.

ه) تشکیل شبکه‌ی ملی عدالت توسط قوه‌ی قضائیه بر اساس بودجه‌ی در اختیار این قوه انجام شده است و با توجه به عدم الزام قوه‌ی قضائیه به این امر، این قوه می‌تواند نسبت به ادامه‌ی کار منصرف شود و بودجه‌ای را که به آن اختصاص می‌داده است، برای امر دیگری مصرف کند. اما با تصویب این ماده، قوه‌ی قضائیه ملزم به حفظ، ارتقا و روزآمد نگه‌داشتن شبکه‌ی ملی عدالت می‌شود و لذا باید برای این کار، بودجه‌ی متناسب اختصاص یابد. اختصاص این بودجه نیز باید با ردیفی مشخص در قانون بودجه صورت پذیرد که این امر، یعنی تحمیل بار مالی برای دولت. بر این اساس، این ماده از حیث افزایش ایجاد بار مالی برای دولت و عدم پیش‌بینی محل برای تأمین آن، مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است که طرح‌های قانونی را در صورت افزایش هزینه‌های عمومی، نیازمند تعیین محل تأمین می‌داند.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) مطابق بند (۵) اصل (۱۵۶) قانون اساسی، اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین از وظایف قوه‌ی قضائیه است. از آنجا که الزام دستگاه‌های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی به فراهم کردن سامانه‌های الکترونیکی به نوعی باعث پیشگیری از وقوع جرم

۱. گفتنی است گرچه در ماده (۱۳۷) این مصوبه، منابع مالی حاصل از هزینه‌های دادرسی به شرح مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ را به عنوان محل تأمین بار مالی این مصوبه دانسته است، ولی شورای نگهبان پیش‌بینی این محل را رافع ایراد مغایرت این مصوبه با اصل (۷۵) قانون اساسی ندانسته است و لذا برخی مواد این مصوبه را که منجر به افزایش هزینه‌ی عمومی یا کاهش درآمد عمومی می‌شود، مغایر با اصل (۷۵) اعلام کرده است. جهت ملاحظه‌ی جزئیات نظرات اعضای شورای نگهبان در این خصوص، به استدلال‌های مطرح‌شده ذیل ماده (۱۳۷) این نوشتار مراجعه شود.

می‌شود، اقدام مقام قضایی طبق این ماده، بر اساس وظیفه‌ی ذاتی قوه‌ی قضائیه انجام می‌پذیرد و بنابراین تبصره (۱) این ماده که این موضوع را ذکر کرده است، مغایر با استقلال قوای مندرج در اصل (۵۷) قانون اساسی نیست.

ب) با عنایت به اینکه «شبکه ملی عدالت» قبلاً توسط رئیس قوه‌ی قضائیه افتتاح شده است و هم‌اکنون نیز فعالیت دارد، ذکر تشکیل آن در این ماده به معنای ایجاد هزینه‌ی جدید برای قوه‌ی قضائیه نیست و بر این اساس، موجب افزایش هزینه‌ی عمومی نمی‌شود تا بتوان آن را مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی دانست؛ چون طبق این اصل، طرح‌های قانونی در صورتی که افزایش هزینه‌های عمومی را موجب شوند، نیازمند تعیین محل تأمین هستند. شورای نگهبان نیز در رویه‌ی خود تا کنون، در خصوص مواردی که از قبل وجود داشته‌اند و در مصوبه‌ی جدید به تشکیل آنها اشاره شده است، ایراد مغایرت با اصل (۷۵) اعلام نمی‌کرده است؛ زیرا این موارد در هر حال از بودجه‌ی کشور استفاده می‌کرده‌اند و تشکیل آنها در قانون، بار مالی جدیدی برای دولت ایجاد نمی‌کرده است.

دیدگاه ابهام

در این ماده، مشخص نیست که آیا حکم به تشکیل «شبکه ملی عدالت»، دامنه‌ی فعالیت شبکه‌ی ملی عدالت فعلی را توسعه می‌دهد یا خیر؛ چه آنکه در صورتی که این حکم ناظر بر توسعه‌ی این شبکه باشد، با عنایت به اینکه این توسعه منجر به افزایش هزینه‌های عمومی می‌شود که محلی نیز در این مصوبه برای تأمین این هزینه‌ها تعیین نشده است، این مصوبه با اصل (۷۵) قانون اساسی مغایرت پیدا خواهد کرد. از این رو، ابتدا باید این ابهام برطرف شود تا بتوان در خصوص مغایرت یا عدم مغایرت آن با قانون اساسی اظهار نظر کرد.

نظر شورای نگهبان

در تبصره یک ماده (۹۰)، الزام دستگاه‌های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی به فراهم نمودن سامانه‌های الکترونیکی لازم با دستور مقام قضایی صالح، مغایر اصل (۵۷) قانون اساسی شناخته شد. در تبصره (۲) این ماده، تعیین حدود اختیارات و صلاحیت مقام قضایی به موجب آیین‌نامه، مغایر اصل (۸۵) قانون اساسی می‌باشد. ... ماده (۹۰) و تبصره یک آن، ... که به افزایش هزینه عمومی می‌انجامد و طریق پیش‌بینی شده در ماده (۱۳۷) هزینه‌های مذکور را تأمین نمی‌نماید، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی می‌باشند.

ارائه کند و آنها را روزآمد نگه دارد.

الف- اهداف، وظایف، سیاست‌ها، خط مشی‌ها و ساختار کلان مدیریتی و اجرایی قوه قضائیه به همراه معرفی مسئولان و شرح وظایف و نحوه ارتباط با آنان

ب- نشانی، شماره تماس و پیوند به تارنمای (وبسایت) تمامی معاونت‌ها و دادگستری‌های استان‌ها، دستگاه‌های تابعه قوه قضائیه، وزارت دادگستری، کانون‌های وکلای دادگستری و کارشناسان رسمی دادگستری

پ- کلیه قوانین لازم‌الاجراء، آراء وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور و آراء هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، بخشنامه‌های رئیس قوه قضائیه و نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه

ت- آراء صادره از سوی محاکم به صورت برخط (آنلاین) برای تحلیل و نقد صاحب‌نظران و متخصصان با حفظ حریم خصوصی اشخاص

ث- خدمات معاضدت قضایی به مقامات ذیصلاح سایر کشورها بر پایه اسناد و معاهده‌های همکاری حقوقی بین‌المللی و اطلاعات راجع به خدمات حقوقی و قضایی به اتباع سایر کشورها

ج- آموزش آسان و قابل درک عمومی چگونگی اقامه دعوی برای شهروندان

چ- اطلاعات پژوهشی و علمی حقوقی- قضایی

دیدگاه مغایرت

با عنایت به اینکه ممکن است انتشار برخی پرونده‌های قضایی خلاف عفت عمومی باشد یا اینکه پرونده‌ای جنبه امنیتی و محرمانگی داشته باشد، انتشار اطلاعات این پرونده‌ها خلاف موازین شرع خواهد بود. بر این اساس، اطلاق بند (ت) این ماده که این پرونده‌ها را نیز شامل می‌شود، مغایر با موازین شرع است.

دیدگاه عدم مغایرت

بند (ت) این ماده که به انتشار آرای قضایی اشاره کرده است منصرف از مواردی است که خلاف عفت عمومی یا امنیت ملی باشد. به بیان دیگر، این بند مواردی را منظور می‌دارد که امکان انتشار آنها وجود داشته باشد و البته باید با رعایت حریم خصوصی افراد صورت پذیرد. لذا این بند اطلاق نداشته و مغایر با موازین شرع نیست.

نظر شورای نگهبان

اطلاق بند (ت) ماده (۹۱)، نسبت به مواردی که ارائه اطلاعات مذکور در آراء، خلاف عفت

عمومی یا امنیت ملی باشد، اشکال دارد.

- ماده ۹۲- قوه قضائیه موظف است برای دادگستری استان‌های سراسر کشور و دستگاه‌های تابعه قوه قضائیه، تارنمای (وبسایت) اختصاصی راه‌اندازی کند و مراجع مزبور موظفند اطلاعات ذیل را در آن ارائه کنند و آن‌ها را روزآمد نگه دارند:
- الف- نمودار تشکیلاتی دادگاه‌ها به تفکیک تخصص و سلسله مراتب قضایی، به همراه معرفی مسئولان و شرح وظایف و نحوه ارتباط با آنان
- ب- نشانی و شماره تماس دادگاه‌ها، سایر دستگاه‌های تابعه قوه قضائیه و مراجع انتظامی در سطح استان
- پ- پیوند به تارنماهای سایر مراجع قضایی و دستگاه‌های ذی‌ربط
- ت- کلیه اطلاعات مورد نیاز برای محاسبه هزینه دادرسی، مانند بهای منطقه‌ای املاک
- ث- آموزش آسان و قابل درک عمومی چگونگی اقامه دعوی برای شهروندان
- ج- سمینارها یا نشست‌های الکترونیکی استانی قضایی زنده یا ضبط‌شده
- چ- اطلاعات پژوهشی و علمی حقوقی- قضایی

دیدگاه مغایرت

بر اساس اصل (۷۵) قانون اساسی، طرح‌های قانونی و پیشنهادهای و اصلاحاتی که نمایندگان درخصوص لوایح قانونی عنوان می‌کنند، چنانچه به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه‌های عمومی بیانجامد، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه‌ی جدید معلوم شده باشد. حکم ماده (۹۲) مبنی بر تکلیف به راه‌اندازی «تارنمای (وبسایت) اختصاصی برای دادگستری استان‌های سراسر کشور و دستگاه‌های تابعه قوه قضائیه» توسط قوه قضائیه، به‌رغم اینکه این تارنماهای اختصاصی هم‌اکنون وجود دارند و بخشی از اطلاعات مذکور در این ماده را هم ارائه می‌کنند، لیکن با توجه به اینکه اجرای این حکم مستلزم برخی هزینه‌ها نظیر اجاره خطوط و طراحی شبکه‌های خاص است و محل تأمین اعتبار این هزینه‌ها نیز در این مصوبه مشخص نشده است،^(۱) مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است.

۱. گفتنی است گرچه در ماده (۱۳۷) این مصوبه، منابع مالی حاصل از هزینه‌های دادرسی به شرح مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ را به عنوان محل تأمین بار مالی این مصوبه دانسته است، ولی شورای نگهبان پیش‌بینی این محل را رافع ایراد مغایرت این مصوبه با اصل (۷۵) قانون اساسی ندانسته است و لذا برخی مواد این مصوبه را که منجر به افزایش هزینه‌ی عمومی یا کاهش درآمد عمومی می‌شود، مغایر با اصل (۷۵) اعلام کرده است.

دیدگاه عدم مغایرت

با عنایت به اینکه در قوانین مربوط به دولت الکترونیک، راه‌اندازی تارنماهای اختصاصی از وظایف دستگاه‌های حکومتی برشمرده شده است و برای آن نیز بودجه اختصاص داده شده است و همچنین با توجه به اینکه دستگاه‌های مذکور در این ماده، این تارنماها را راه‌اندازی کرده‌اند، اشاره‌ی این ماده به راه‌اندازی این تارنماها، هزینه‌ی جدیدی برای دولت ایجاد نمی‌کند. بر این اساس، این ماده را نمی‌توان مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی دانست که طرح‌های قانونی را در صورت افزایش هزینه‌های عمومی، نیازمند تعیین محل تأمین می‌داند.

نظر شورای نگهبان

... ماده (۹۲)، ... که به افزایش هزینه عمومی می‌انجامد و طریق پیش‌بینی شده در ماده (۱۳۷) هزینه‌های مذکور را تأمین نمی‌نماید، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی می‌باشند.

ماده ۹۳- در هر مورد که به موجب قوانین آیین دادرسی و سایر قوانین و مقررات موضوعه اعم از حقوقی و کیفری، سند، مدرک، نوشته، برگه اجراییه، اوراق رأی، امضاء، اثر انگشت، ابلاغ اوراق قضایی، نشانی و مانند آن لازم باشد، صورت الکترونیکی یا محتوای الکترونیکی آن حسب مورد با رعایت سازوکارهای امنیتی مذکور در مواد این قانون و تبصره‌های آن کافی و معتبر است.

تبصره ۱- در کلیه مراحل تحقیق و رسیدگی حقوقی و کیفری و ارائه خدمات الکترونیک قضایی، نمی‌توان صرفاً به لحاظ شکل یا نحوه تبادل اطلاعات الکترونیکی از اعتبار بخشیدن به محتوا و آثار قانونی آن خودداری نمود. قوه قضائیه موظف است سامانه‌های امنیتی لازم را جهت تبادل امن اطلاعات و ارتباطات بین اصحاب دعوی، کارشناسان، دفاتر خدمات الکترونیک قضایی، ضابطان و مراجع قضایی و سازمان‌های وابسته به قوه قضائیه ایجاد نماید.

تبصره ۲- قوه قضائیه می‌تواند جهت طرح و پیگیری امور قضایی مراجعان موضوع این قانون در فضای مجازی نسبت به ایجاد دفاتر خدمات الکترونیک قضایی و جهت هماهنگی فعالیت دفاتر، نسبت به ایجاد کانون دفاتر خدمات الکترونیک قضایی با استفاده



جهت ملاحظه‌ی جزئیات نظرات اعضای شورای نگهبان در این خصوص، به استدلال‌های مطرح‌شده ذیل ماده (۱۳۷) این نوشتار مراجعه شود.

از ظرفیت بخش خصوص اقدام نماید. دفاتر خدمات الکترونیک قضایی می‌توانند از بین دفاتر اسناد رسمی و غیر آن انتخاب یا تأسیس شوند. آیین‌نامه اجرایی این ماده ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط شورا تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

تبصره ۳- مراجعان به قوه قضائیه موظفند پست الکترونیکی و شماره تلفن همراه خود را در اختیار قوه قضائیه قرار دهند و در صورت عدم دسترسی به پست الکترونیک، مرکز آمار موظف است برای شهروندان و متقاضیان امکانات لازم برای دسترسی به پست الکترونیکی ملی قضایی جهت امور قضایی ایجاد کند.

دیدگاه مغایرت

الف) بر اساس اصل (۷۵) قانون اساسی، طرح‌های قانونی و پیشنهادهای و اصلاحاتی که نمایندگان درخصوص لوایح قانونی عنوان می‌کنند، چنانچه به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه‌های عمومی بیانجامد، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه‌ی جدید معلوم شده باشد. طبق تبصره (۱) این ماده، قوه‌ی قضائیه موظف به ایجاد سامانه‌های امنیتی لازم شده است که این امر نیازمند اختصاص هزینه است. بر این اساس، از آنجا که این مصوبه در قالب «طرح» از سوی نمایندگان به مجلس ارائه شده است و این تبصره، منجر به افزایش هزینه‌های عمومی می‌شود و با وجود این، طریق تأمین هزینه‌های این ماده در این مصوبه مشخص نشده است،^(۱) این تبصره مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است.

همچنین باید توجه داشت که این ماده، صورت الکترونیکی یا محتوای الکترونیکی موارد مذکور در آن را کافی و معتبر دانسته است، نه اینکه طبق آن، به طور کلی این امور از شکل فیزیکی به شکل الکترونیکی تغییر پیدا کنند. بنابراین نمی‌توان تصویب این ماده را به معنای حذف امور فیزیکی و کاهش هزینه‌های قوه‌ی قضائیه و به تبع آن، عدم مغایرت آن با اصل (۷۵) دانست.

ب) حکم ذیل تبصره (۳) ماده (۹۳) مبنی بر تکلیف به ایجاد امکانات لازم برای دسترسی شهروندان و متقاضیان به «پست الکترونیکی ملی قضایی» توسط «مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه

۱. گفتنی است گرچه در ماده (۱۳۷) این مصوبه، منابع مالی حاصل از هزینه‌های دادرسی به شرح مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ را به عنوان محل تأمین بار مالی این مصوبه دانسته است، ولی شورای نگهبان پیش‌بینی این محل را رافع ایراد مغایرت این مصوبه با اصل (۷۵) قانون اساسی ندانسته است و لذا برخی مواد این مصوبه را که منجر به افزایش هزینه‌ی عمومی یا کاهش درآمد عمومی می‌شود، مغایر با اصل (۷۵) اعلام کرده است. جهت ملاحظه‌ی جزئیات نظرات اعضای شورای نگهبان در این خصوص، به استدلال‌های مطرح‌شده ذیل ماده (۱۳۷) این نوشتار مراجعه شود.

قضائیه»، به دلیل ایجاد بار مالی و عدم تعیین منابع مالی آن، مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است؛ زیرا طبق این اصل طرح‌های قانونی، در صورت افزایش هزینه‌های عمومی، نیازمند تعیین محل تأمین هزینه‌ها است.

دیدگاه عدم مغایرت

افزون بر اینکه حکم مذکور در تبصره (۱) این ماده در قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی پنجم توسعه وجود دارد و ذکر آن در این ماده، موضوع جدیدی نیست که نیازمند بار مالی جدید برای دولت باشد،^(۱) بر اساس حکم مذکور در ماده (۹۳) اموری که قبلاً به شکل فیزیکی انجام می‌شده است، از این پس به شکل الکترونیکی انجام خواهد پذیرفت که این امر نه تنها برای قوه‌ی قضائیه بار مالی جدید ایجاد نمی‌کند، بلکه منجر به کاهش هزینه‌های این قوه نیز می‌شود. به عنوان نمونه، ابلاغ فیزیکی حکم یا اظهارنامه توسط مأمور ابلاغ، دارای هزینه است که با اجرای این ماده و تبدیل این فرآیند به شیوه‌ی الکترونیکی، فرآیند رسیدگی به پرونده‌های قضایی با هزینه‌ی کمتری انجام خواهد شد. بنابراین تبصره (۱) ماده (۹۳) منجر به افزایش هزینه‌ای نمی‌شود تا عدم تعیین محل برای تأمین هزینه‌ها در آن، مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی باشد.

نظر شورای نگهبان

... تبصره (۳) ماده (۹۳)، ... که به افزایش هزینه عمومی می‌انجامد و طریق پیش‌بینی شده در ماده (۱۳۷) هزینه‌های مذکور را تأمین نمی‌نماید، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی می‌باشند.

ماده ۹۴- به منظور حفظ صحت و تمامیت، اعتبار و انکارناپذیری اطلاعات مبادله‌شده میان شهروندان و محاکم قضایی، قوه قضائیه موظف است تمهیدات امنیتی مطمئن برای امضای الکترونیکی، احراز هویت و احراز اصالت را فراهم آورد.
تبصره- قوه قضائیه موظف است مرکز صدور گواهی ریشه برای امضای الکترونیکی را جهت ایجاد ارتباطات و مبادله اطلاعات امن راه‌اندازی نماید.

۱. مطابق جزء (۱) بند (ح) ماده (۲۱۱) قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۲۵، «اجرا و تکمیل سامانه مدیریت امنیت اطلاعات» از وظایف قوه‌ی قضائیه بر شمرده شده است. استدلال مربوطه که در خصوص جدید نبودن حکم این ماده است، در خصوص ماده (۸۸) این مصوبه نیز ارائه شد که در مقابل نیز استدلال‌هایی در رد آن مطرح شده است. جهت مشاهده‌ی این استدلال‌ها به ماده (۸۸) این نوشتار مراجعه شود.

دیدگاه مغایرت

هر چند مرکزی برای صدور گواهی ریشه در وزارت صنعت، معدن و تجارت وجود دارد، ولی این مرکز مربوط به امور تجاری است و در تبصره‌ی این ماده نیز تصریح شده است که مرکز صدور گواهی ریشه در قوه‌ی قضائیه «راه‌اندازی» شود که حاکی از جدید بودن این مرکز است. ایجاد «مرکز صدور گواهی ریشه» در تبصره‌ی این ماده نیاز به هزینه دارد که بار مالی برای دولت را موجب می‌شود. بر این اساس، از آنجا که این مصوبه در قالب «طرح» از سوی نمایندگان به مجلس ارائه شده است و با وجود این، طریق تأمین این هزینه‌ها در این مصوبه مشخص نشده است،^(۱) این تبصره مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است.

نظر شورای نگهبان

... تبصره ماده (۹۴) که به افزایش هزینه عمومی می‌انجامد و طریق پیش‌بینی شده در ماده (۱۳۷) هزینه‌های مذکور را تأمین نمی‌نماید، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی می‌باشند.

ماده ۹۵- مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه موظف است به منظور اجراء و توسعه خدمات پرداخت الکترونیکی هزینه‌های دادرسی و سایر پرداخت‌های مربوط به دادرسی و اجرای حکم توسط شهروندان، اقدام و راهنمایی لازم را به عمل آورد. تبصره- در راستای ترغیب شهروندان به بهره‌برداری از دادرسی الکترونیکی، در مرحله بدوی هزینه دادرسی آنان پنج درصد (۵٪) و حداکثر تا سقف ده میلیون ریال کمتر خواهد بود.

دیدگاه مغایرت

بر اساس اصل (۷۵) قانون اساسی، طرح‌های قانونی و پیشنهادهای اصلاحاتی که نمایندگان درخصوص لوایح قانونی عنوان می‌کنند، چنانچه به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه‌های عمومی بیانجامد، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران کاهش درآمد یا

۱. گفتنی است گرچه در ماده (۱۳۷) این مصوبه، منابع مالی حاصل از هزینه‌های دادرسی به شرح مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ را به عنوان محل تأمین بار مالی این مصوبه دانسته است، ولی شورای نگهبان پیش‌بینی این محل را رافع ایراد مغایرت این مصوبه با اصل (۷۵) قانون اساسی ندانسته است و لذا برخی مواد این مصوبه را که منجر به افزایش هزینه‌ی عمومی یا کاهش درآمد عمومی می‌شود، مغایر با اصل (۷۵) اعلام کرده است. جهت ملاحظه‌ی جزئیات نظرات اعضای شورای نگهبان در این خصوص، به استدلال‌های مطرح‌شده ذیل ماده (۱۳۷) این نوشتار مراجعه شود.

تأمین هزینه‌ی جدید معلوم شده باشد. حکم تبصره‌ی ماده (۹۵) مبنی بر ایجاد تخفیف در هزینه‌ی دادرسی شهروندانی که از دادرسی الکترونیکی بهره‌برداری می‌کنند، باعث کاهش درآمدهای عمومی از این محل می‌شود. بر این اساس، از آنجا که این مصوبه در قالب «طرح» از سوی نمایندگان به مجلس ارائه شده است و حکم این ماده منجر به کاهش درآمدهای عمومی می‌شود و با وجود این، طریق جبران این درآمدها مشخص نشده است،^(۱) این تبصره مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است.

همچنین نمی‌توان کاهش هزینه‌های سنتی دادرسی را عاملی برای کاهش هزینه‌های عمومی دانست و به تبع آن قائل به عدم کاهش درآمدهای عمومی توسط این تبصره شد؛ زیرا کاهش درآمد طبق این تبصره با توجه به تخفیف‌هایی که داده می‌شود، قطعی است، حال آنکه جبران آن توسط کاهش هزینه‌های سنتی دادرسی مشکوک است و از این رو، نمی‌توان با تمسک به این امر مشکوک، این تبصره را از حیث کاهش درآمد عمومی، مغایر با اصل (۷۵) ندانست.

دیدگاه عدم مغایرت

به‌رغم کاهش درآمدهای ناشی از ارائه‌ی تخفیف در هزینه‌ی دادرسی طبق تبصره‌ی ماده (۹۵)، با توجه به اینکه استفاده از دادرسی الکترونیکی منجر به کاهش هزینه‌های مختلفی از دولت می‌شود، این ماده در راستای توسعه‌ی دولت الکترونیک، استفاده از این نوع دادرسی را مشمول تخفیف دانسته است. لذا با توجه به صرفه‌جویی‌های ناشی از حذف دادرسی سنتی، این تبصره در مجموع منجر به کاهش درآمد عمومی نمی‌شود و بر این اساس نمی‌توان آن را مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی دانست که طرح‌های قانونی را در صورت کاهش درآمدهای عمومی، نیازمند تعیین نحوه‌ی جبران می‌داند.

نظر شورای نگهبان

ماده (۹۵)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. گفتنی است گرچه در ماده (۱۳۷) این مصوبه، منابع مالی حاصل از هزینه‌های دادرسی به شرح مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ را به عنوان محل تأمین بار مالی این مصوبه دانسته است، ولی شورای نگهبان پیش‌بینی این محل را رافع ایراد مغایرت این مصوبه با اصل (۷۵) قانون اساسی ندانسته است و لذا برخی مواد این مصوبه را که منجر به افزایش هزینه‌ی عمومی یا کاهش درآمد عمومی می‌شود، مغایر با اصل (۷۵) اعلام کرده است. جهت ملاحظه‌ی جزئیات نظرات اعضای شورای نگهبان در این خصوص، به استدلال‌های مطرح‌شده ذیل ماده (۱۳۷) این نوشتار مراجعه شود.

ماده ۱۰۳- چنانچه جرم رایانه‌ای در صلاحیت دادگاه‌های ایران در محلی کشف یا گزارش شود، ولی محل وقوع آن معلوم نباشد، دادرسی محل کشف مکلف است تحقیقات مقدماتی را انجام دهد. در صورتی که محل وقوع جرم مشخص نشود، دادرسی پس از اتمام تحقیقات مبادرت به صدور قرار می‌کند و دادگاه مربوط نیز رأی مقتضی را صادر می‌کند.

دیدگاه ابهام

در ذیل ماده (۱۰۳) مشخص نیست که آیا پس از صدور قرار مجرمیت، دادگاه مستقیماً اقدام به رسیدگی و صدور رأی می‌کند یا اینکه همچون سایر جرایم، پس از صدور قرار مجرمیت، ابتدا باید کیفرخواست تهیه شود و سپس دادگاه مبادرت به رسیدگی و صدور رأی می‌کند. بنابراین مناسب است پس از صدور قرار ذکر شود که پس از طی فرایند معین در آیین دادرسی، دادگاه مربوطه نیز اقدام به رسیدگی می‌کند.

دیدگاه عدم ابهام

این ماده در مقام مشخص کردن دادرسی و دادگاه صالح در خصوص مواردی است که محل وقوع جرم رایانه‌ای مشخص نباشد و بر این اساس، در ذیل آن ذکر شده است که دادگاه مربوط به دادرسی محل کشف، صالح به رسیدگی است. به بیان دیگر، این ماده در مقام بیان فرایند صدور قرار و کیفرخواست و سایر موارد معین در آیین دادرسی نیست و لذا عدم اشاره آن به این فرایندها واجد ایراد و ابهام نیست.

نظر شورای نگهبان

تذکر: در ماده (۱۰۳) با توجه به اینکه تصمیمات مربوط به مراحل بعد از صدور قرار تا رسیدگی دادگاه مشخص نمی‌باشد، باید روشن شود.

ماده ۱۰۵- ارائه‌دهندگان خدمات دسترسی موظفند داده‌های ترافیک را حداقل تا شش ماه پس از ایجاد حفظ نمایند و اطلاعات کاربران را حداقل تا شش ماه پس از خاتمه اشتراک نگهداری کنند.

تبصره ۱- داده ترافیک، هرگونه داده‌ای است که سامانه‌های رایانه‌ای در زنجیره ارتباطات رایانه‌ای و مخابراتی تولید می‌کنند تا امکان ردیابی آنها از مبدأ تا مقصد وجود داشته باشد. این داده‌ها شامل اطلاعاتی از قبیل مبدأ، مسیر، تاریخ، زمان، مدت و حجم ارتباط و نوع خدمات مربوطه می‌شود.

تبصره ۲- اطلاعات کاربر، هرگونه اطلاعات راجع به کاربر خدمات دسترسی از قبیل نوع خدمات، امکانات فنی مورد استفاده و مدت زمان آن، هویت، نشانی جغرافیایی یا پستی یا (IP)، شماره تلفن و سایر مشخصات فردی را شامل می‌شود.

دیدگاه مغایرت

مطابق اصل (۱۵) قانون اساسی، «زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران، فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد». بر این اساس، از آنجا که تبصره‌ی (۲) این ماده، از واژه «IP» استفاده شده است و معادل فارسی آن قید نشده است، این تبصره مغایر با اصل (۱۵) قانون اساسی است.

نظر شورای نگهبان

در این طرح برخی واژه‌های بیگانه نظیر «IP» در تبصره (۲) ماده (۱۰۵)، آمده، لازم است معادل فارسی آنها ذکر گردد و الّا مغایر اصل (۱۵) قانون اساسی می‌باشد.

ماده ۱۰۹- تفتیش و توقیف داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی به موجب دستور قضایی و در مواردی به‌عمل می‌آید که ظنّ قوی به کشف جرم یا شناسایی متهم یا ادله جرم وجود دارد.

دیدگاه مغایرت

با توجه به وجوب حفظ امنیت کشور، در جرائم امنیتی در مواردی که احتمال عقلایی به کشف جرم یا شناسایی متهم یا ادله جرم وجود داشته باشد، قاضی می‌تواند دستور تحقیق و پیگیری دهد. با این حال، در این ماده، صدور دستور تفتیش و توقیف داده‌ها منحصر به مواردی شده است که «ظنّ قوی» در خصوص موضوع وجود داشته باشد. لذا این ماده از حیث عدم شمول آن بر مواردی که در جرائم امنیتی، احتمال عقلایی به کشف جرم یا شناسایی متهم یا ادله جرم وجود داشته باشد، مغایر با موازین شرع است.

دیدگاه عدم مغایرت

منظور از ظنّ قوی در این ماده، هر احتمال قوی است که در خصوص کشف جرم یا شناسایی متهم یا ادله جرم وجود داشته باشد. بر این اساس، در هر پرونده‌ای اگر قاضی با توجه به جمیع جهات آن، از جمله امنیتی بودن جرم ارتكابی، احتمال قوی به کشف جرم یا شناسایی متهم یا ادله

جرم دهد، می‌تواند دستور پیگیری و تحقیق در خصوص موضوع را بدهد. بنابراین ماده‌ی مزبور که تفتیش و توقیف داده‌ها را منوط به وجود ظن قوی کرده است، موارد احتمال قوی را نیز شامل می‌شود و نمی‌توان آن را مغایر با موازین شرع دانست. همچنین روشن است که به صرف احتمال ولو احتمال ضعیف، نمی‌توان حریم خصوصی اشخاص را مورد تعرض قرار داد. در قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ مجلس شورای اسلامی نیز مفاد این ماده، عیناً وجود دارد که به تأیید شورای نگهبان نیز رسیده است.^(۱)

نظر شورای نگهبان

ماده (۱۰۹)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۱۱۰- تفتیش و توقیف داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی در حضور متصرفان قانونی یا اشخاصی که به نحوی آنها را تحت کنترل قانونی دارند، نظیر متصدیان سامانه‌ها انجام می‌شود. در غیر این صورت، قاضی با ذکر دلایل، دستور تفتیش و توقیف بدون حضور اشخاص مذکور را صادر می‌کند.

دیدگاه ابهام

در این ماده عبارت «در غیر این صورت» مبهم است و به جایی از ماده بر نمی‌گردد؛ زیرا مشخص نیست در چه مواردی قاضی بدون حضور اشخاص مذکور می‌تواند دستور تفتیش و توقیف داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی را صادر کند. آیا منظور از آن، موارد خلاف مصلحت است که قاضی بدون حضور این اشخاص دستور تفتیش یا توقیف را صادر می‌کند یا در مواردی که این اشخاص به دلایلی از جمله بیماری، امکان حضور ندارند، قاضی می‌تواند این دستور را صادر کند. بنابراین ابتدا باید این ابهام ماده برطرف شود تا بتوان در خصوص آن اظهار نظر کرد.

نظر شورای نگهبان

در ماده (۱۱۰)، عبارت «در غیر این صورت ...» ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.

۱. ماده (۳۶) قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸/۳/۵ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۳۶- تفتیش و توقیف داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی به موجب دستور قضایی و در مواردی به عمل می‌آید که ظن قوی به کشف جرم یا شناسایی متهم یا ادله جرم وجود داشته باشد.»

ماده ۱۱۳- در توقیف داده‌ها، با رعایت تناسب، نوع، اهمیت و نقش آنها در ارتکاب جرم، به روش‌هایی از قبیل چاپ داده‌ها، کپی‌برداری یا تصویربرداری از تمام یا بخشی از داده‌ها، غیر قابل دسترس کردن داده‌ها با روش‌هایی از قبیل تغییر گذرواژه یا رمزنگاری و ضبط حامل‌های داده عمل می‌شود.

دیدگاه مغایرت

مطابق اصل (۱۵) قانون اساسی، «زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران، فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد.» بر این اساس، از آنجا که در این ماده از واژه «کپی‌برداری» استفاده شده و معادل فارسی آن قید نشده است، این ماده، مغایر با اصل مزبور است.

نظر شورای نگهبان

در این طرح، برخی واژه‌های بیگانه نظیر ... «کپی‌برداری» در ماده (۱۱۳)، ... آمده، لازم است معادل فارسی آنها ذکر گردد و الا مغایر اصل (۱۵) قانون اساسی می‌باشد.

ماده ۱۱۴- در شرایط زیر سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی توقیف می‌شوند:

الف- داده‌های ذخیره‌شده به سهولت در دسترس نباشد یا حجم زیادی داشته باشد.

ب- تفتیش و تجزیه و تحلیل داده‌ها بدون سامانه سخت‌افزاری امکان‌پذیر نباشد.

پ- متصرف قانونی سامانه رضایت داده باشد.

ت- کپی‌برداری از داده‌ها به لحاظ فنی امکان‌پذیر نباشد.

ث- تفتیش در محل باعث آسیب داده‌ها شود.

ج- سایر شرایطی که قاضی تشخیص دهد.

دیدگاه مغایرت

الف) شرایط توقیف سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی، امری تقنینی و واجد ماهیت قانون‌گذاری است که مجلس شورای اسلامی باید ضوابط آن را معین کند و قاضی را نمی‌توان در این خصوص دارای صلاحیت دانست. بر این اساس، از آنجا که اصل (۸۵) قانون اساسی، قانون‌گذاری را در صلاحیت مجلس شورای اسلامی قرار داده است و آن را غیر قابل تفویض به غیر می‌داند، بند (ج) این ماده که یکی از شرایط توقیف سامانه‌های رایانه‌ای را تشخیص قاضی دانسته است، مغایر با اصل مزبور است. در فرایند تأیید قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ مجلس شورای اسلامی نیز

این بند در مصوبه‌ی نخست مجلس وجود داشت که با توجه به ایراد شورای نگهبان نسبت به آن، در اصلاحیه‌ی مجلس، این بند حذف شد.^(۱)

ب) با عنایت به اینکه اقدامی که قاضی طبق این ماده انجام می‌دهد یعنی توقیف سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی، دخل و تصرف در اموال دیگران است، اقدام او به منزله‌ی مجازات اشخاص است و بنابراین طبق اصل (۳۶) قانون اساسی که حکم به مجازات را به موجب قانون می‌داند، ضوابط این مجازات نیز باید توسط قانون مشخص شود. بر این اساس، بند (ج) این ماده که تشخیص این شرایط را بر عهده‌ی قاضی گذاشته است، از حیث عدم تعیین این ضوابط توسط قانون، مغایر با اصل مزبور است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) با عنایت به اینکه کلیه‌ی شرایطی که برای توقیف سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی لازم است، قابل احصا و پیش‌بینی نیست، شخص قاضی که بر اساس وجود شایستگی، این منصب را عهده‌دار شده است، می‌تواند تشخیص دهد که این سامانه‌ها باید توقیف شوند. بر این اساس بند (ج) که تشخیص قاضی را در این خصوص به عنوان یکی از بندهای قانونی ذکر کرده است، خود یکی از شرایط قانونی است و لذا این بند را نمی‌توان از این حیث که مفاد آن تقنینی است و باید توسط مجلس پیش‌بینی شود، مغایر با اصل (۸۵) قانون اساسی دانست.

ب) توقیف سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی که در این اصل بدان اشاره شده است، مجازات نیست، بلکه اقدامی تأمینی برای انجام تحقیقات قضایی است. به بیان دیگر، این ماده حکم به ضبط این سامانه‌ها به عنوان مجازات نکرده است، بلکه صرفاً شرایط توقیف آنها را ذکر کرده است. بنابراین، این ماده را نمی‌توان به منزله‌ی مجازات اشخاص دانست تا لازم باشد ضوابط آن توسط قانون معین شود. از این جهت، بند (ج) مغایرتی با اصل (۳۶) قانون اساسی که حکم به مجازات را به موجب قانون می‌داند ندارد.

۱. ماده (۴۱) لایحه جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۷/۱۰/۱۵ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۴۱- در هر یک از موارد زیر

سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی توقیف خواهد شد:

الف) داده‌های ذخیره‌شده به سهولت در دسترس نبوده یا حجم زیادی داشته باشد.

ب) تفتیش و تجزیه و تحلیل داده‌ها بدون سامانه سخت‌افزاری امکان‌پذیر نباشد.

ج) متصرف قانونی سامانه رضایت داده باشد.

د) تصویربرداری (کپی‌برداری) از داده‌ها به لحاظ فنی امکان‌پذیر نباشد.

ه) تفتیش در محل باعث آسیب داده‌ها شود.

و) سایر شرایطی که قاضی تشخیص دهد.»

بند (۹) نظر شماره ۸۷/۳۰/۳۱۷۷ مورخ ۱۳۸۷/۱۲/۲۶ شورای نگهبان در خصوص لایحه فوق: «۹- اطلاق بند (و)

ماده (۴۱) در مواردی که قانون وجود ندارد، مغایر اصل (۸۵) قانون اساسی شناخته شد.»

نظر شورای نگهبان

بند (ج) ماده (۱۱۴)، از این حیث که این شرایط باید به موجب قانون مشخص گردد، مغایر اصل (۸۵) قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۱۱۷- توقیف داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی که موجب ایراد لطمه جانی یا خسارات مالی شدید به اشخاص یا اخلال در ارائه خدمات عمومی شود، ممنوع است.

دیدگاه مغایرت

الف) با عنایت به اینکه ممکن است مصالح اهمی وجود داشته باشد که در عین ورود خسارت شدید به اشخاص، رعایت آنها نسبت به این خسارت‌ها، لزوم بیشتری داشته باشد، (به عنوان مثال، امنیت کشور مستلزم عدم ارائه خدمات اینترنتی باشد)، اطلاق ممنوعیت توقیف داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای طبق این ماده که این موارد اهم را نیز شامل می‌شود، مغایر با موازین شرع است.

ب) بر اساس اصل (۴۰) قانون اساسی، هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله‌ی اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد. بر این اساس، اطلاق ممنوعیت توقیف داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی در این ماده، از جهت اینکه ممکن است در مواردی مصلحت یا منفعت عمومی قوی‌تری وجود داشته باشد و این ممنوعیت موجب خدشه به آن منافع و مصالح عمومی شود، مغایر با اصل مزبور است.

دیدگاه عدم مغایرت

ممنوعیت توقیف داده‌ها یا سامانه‌ها در این ماده، اعمال حق اشخاص نیست که موجب اضرار به غیر شود؛ بنابراین این ماده را نمی‌توان مغایر با اصل (۴۰) قانون اساسی دانست که اعمال حقی که موجب اضرار به غیر می‌شود را ممنوع دانسته است. در نقطه‌ی مقابل، این ماده در راستای اصل (۴۰) قانون اساسی است؛ زیرا آنچه را که موجب ایراد لطمه‌ی جانی یا خسارات مالی شدید به اشخاص یا اخلال در ارائه‌ی خدمات عمومی می‌شود ممنوع دانسته است.

نظر شورای نگهبان

در ماده (۱۱۷)، اطلاق ممنوعیت نسبت به مواردی که امر اهمی نظیر امنیت کشور در میان باشد، خلاف موازین شرع شناخته شد.

ماده ۱۲۱- کنترل محتوای در حال انتقال ارتباطات غیر عمومی در سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی مطابق مقررات راجع به کنترل ارتباطات مخابراتی مقرر در آیین دادرسی کیفری است.

تبصره- دسترسی به محتوای ارتباطات غیر عمومی ذخیره‌شده، نظیر پست الکترونیکی یا پیامک، در حکم کنترل و مستلزم رعایت مقررات مربوط است.

دیدگاه مغایرت

مطابق اصل (۱۵) قانون اساسی، «زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران، فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد.» بر این اساس، از آنجا در این ماده از واژه‌ی «پست الکترونیکی» استفاده شده و معادل فارسی آن قید نشده است، این ماده مغایر با اصل مزبور است.

نظر شورای نگهبان

در این طرح، برخی واژه‌های بیگانه نظیر «پست الکترونیکی» در ماده (۱۲۱) ... آمده، لازم است معادل فارسی آنها ذکر گردد و الا مغایر اصل (۱۵) قانون اساسی می‌باشد.

ماده ۱۲۲- به منظور حفظ صحت و تمامیت، اعتبار و انکارناپذیری ادله الکترونیکی جمع‌آوری‌شده، لازم است از آنها مطابق آیین‌نامه موضوع ماده (۱۲۷) این قانون نگهداری و مراقبت به‌عمل آید.

دیدگاه مغایرت

در این ماده، نگهداری و مراقبت از ادله‌ی الکترونیکی جمع‌آوری‌شده مطابق با آیین‌نامه‌ی موضوع ماده (۱۲۷) مقرر شده است. با عنایت به اینکه در ماده (۱۲۷) تعیین شرایط و چگونگی جمع‌آوری و استنادپذیری ادله‌ی الکترونیکی، اموری تقنینی هستند که باید توسط قانون مشخص شوند، نه به وسیله‌ی آیین‌نامه و لذا ماده (۱۲۷) از حیث واگذاری این امر به آیین‌نامه مغایر با اصل (۸۵) قانون اساسی است که قانون‌گذاری را در صلاحیت مجلس شورای اسلامی و غیر قابل تفویض به غیر می‌داند، ماده (۱۲۲) نیز مبنیاً بر آن ماده، دارای ایراد خواهد بود.

نظر شورای نگهبان

در ماده (۱۲۷)، واگذاری شرایط و چگونگی جمع‌آوری و استنادپذیری ادله الکترونیکی به آیین‌نامه،

مغایر اصل (۸۵) قانون اساسی شناخته شد و ماده (۱۲۲) نیز مبنیاً بر ایراد مذکور، اشکال دارد.

ماده ۱۲۴- کلیه مقررات مندرج در این بخش، علاوه بر جرائم رایانه‌ای شامل سایر جرائمی که ادله الکترونیکی در آنها مورد استناد قرار می‌گیرند نیز می‌شود.

دیدگاه مغایرت

مطابق اصل (۱۵) قانون اساسی، «زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران، فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد». بر این اساس، از آنجا در این ماده از واژه‌ی بیگانه‌ی «الکترونیکی» استفاده شده و معادل فارسی آن قید نشده است، این ماده مغایر با اصل مزبور است.

نظر شورای نگهبان

در این طرح، برخی واژه‌های بیگانه نظیر «الکترونیکی» در ماده (۱۲۴) و ... آمده، لازم است معادل فارسی آنها ذکر گردد و الا مغایر اصل (۱۵) قانون اساسی می‌باشد.

ماده ۱۲۵- به منظور ارتقای همکاری‌های بین‌المللی در زمینه جرائم رایانه‌ای، وزارت دادگستری موظف است با همکاری وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، اقدامات لازم را در زمینه تدوین لوایح و پیگیری امور مربوط جهت پیوستن ایران به اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای و معاهدات راجع به همکاری و معاضدت دوجانبه یا چندجانبه قضایی انجام دهد.

دیدگاه مغایرت

الف) مطابق اصل (۱۶۰) قانون اساسی، وزیر دادگستری مسئولیت کلیه مسائل مربوط به روابط قوه قضائیه با قوه مجریه و قوه مقننه و نیز با وجود شرایط مذکور در این اصل، اختیارات مالی، اداری و استخدامی غیرقضات را بر عهده دارد. از آنجا که وظایف وزیر دادگستری در این اصل، به طور حصری مشخص شده است، امکان واگذاری صلاحیت‌های دیگر به وی وجود ندارد. لذا واگذاری مسئولیت‌های مذکور در این ماده به وزیر دادگستری که فراتر از مسئولیت‌های مقرر در اصل (۱۶۰) قانون اساسی است، با قانون اساسی مغایرت دارد. این اقدامات را قوه قضائیه یا دولت خود می‌توانند با توجه به صلاحیت‌های خود عهده‌دار شوند.

ب) مطابق بند (۲) اصل (۱۵۸) قانون اساسی، تهیهی لوایح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی از جمله وظایف و اختیارات رئیس قوهی قضائیه است. از این رو، با توجه به اینکه لوایح مربوط به جرائم رایانه‌ای، لوایح قضایی محسوب می‌شوند، این لوایح باید توسط قوهی قضائیه تهیه شوند و لذا واگذاری مسئولیت تهیهی آنها به وزارت دادگستری و وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات در این ماده، مغایر با اصل مزبور است.

دیدگاه عدم مغایرت

لوايح مذکور در این ماده، لزوماً لوایح قضایی نیستند و بنابراین نمی‌توان تهیهی آنها را صرفاً در اختیار رئیس قوهی قضائیه دانست. تهیهی لوایح و اقدامات دیگر مذکور در این ماده، همچون پیگیری امور مربوط جهت پیوستن ایران به اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای و معاهدات راجع به همکاری و معاضدت دوجانبه یا چندجانبه قضایی، اقداماتی هستند که دولت نیز می‌تواند در خصوص آنها اقدام کند. بنابراین این ماده را نمی‌توان مغایر با بند (۲) اصل (۱۵۸) قانون اساسی دانست که تهیهی لوایح قضایی را در صلاحیت رئیس قوهی قضائیه می‌داند.

نظر شورای نگهبان

در ماده (۱۲۵)، از آنجا که وظایف وزیر دادگستری در قانون اساسی به نحو حصر تصریح گردیده است، انجام اقدامات مذکور در این ماده از سوی وزیر دادگستری، مغایر اصل (۱۶۰) قانون اساسی می‌باشد.

ماده ۱۲۷- شرایط و چگونگی جمع‌آوری و استنادپذیری ادله الکترونیکی به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط وزیر دادگستری با همکاری وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات تهیه می‌شود و پس از تأیید رئیس قوه قضائیه به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

دیدگاه مغایرت

الف) مطابق اصل (۸۵) قانون اساسی، مجلس نمی‌تواند اختیار قانون‌گذاری را به شخص یا هیئتی واگذار کند. شرایط و چگونگی جمع‌آوری و استنادپذیری ادله الکترونیکی که تعیین آنها در ماده (۱۲۷) به آیین‌نامه واگذار شده است، اموری هستند که به خصوص با توجه به لزوم رعایت موازین شرعی در آن، باید در قالب «قانون» مشخص شوند. به بیان دیگر با توجه به اینکه تعیین این ضوابط جنبه‌ی تقنینی دارد، نمی‌توان آنها را در قالب آیین‌نامه که مربوط به ساماندهی

امور اجرایی است، مشخص کرد. بنابراین این ماده، از این جهت که شرایط و چگونگی جمع‌آوری و استنادپذیری ادله‌ی الکترونیکی را به آیین‌نامه مصوب هیئت وزیران واگذار کرده است، مغایر با اصل (۸۵) قانون اساسی است که قانون‌گذاری را در صلاحیت مجلس شورای و غیر قابل تفویض به غیر می‌داند.

ب) اطلاق تصویب آیین‌نامه‌ی مزبور در قسمت اخیر این ماده از سوی هیئت وزیران، در مواردی که مفاد این آیین‌نامه، جنبه‌ی قضایی دارد، مغایر اصل (۱۵۸) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

آیین‌نامه‌ی مذکور در این ماده، آیین‌نامه‌ی اجرایی است که افزون بر موارد قضایی، موارد فنی مربوط به شرایط و چگونگی جمع‌آوری و استنادپذیری ادله‌ی الکترونیکی را نیز در بر دارد. بر این اساس، در این ماده، به تهیه‌ی آن با همکاری وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات اشاره شده است و علاوه بر تأیید رئیس قوه‌ی قضائیه، نیازمند تصویب هیئت وزیران نیز دانسته شده است. لذا آیین‌نامه‌ی مذکور را نمی‌توان صرفاً آیین‌نامه‌ی قضایی دانست که تهیه و تصویب آن در صلاحیت انحصاری رئیس قوه‌ی قضائیه باشد.

نظر شورای نگهبان

در ماده (۱۲۷)، واگذاری شرایط و چگونگی جمع‌آوری و استنادپذیری ادله الکترونیکی به آیین‌نامه، مغایر اصل (۸۵) قانون اساسی شناخته شد و ماده (۱۲۲) نیز مبنیاً بر ایراد مذکور، اشکال دارد. به‌علاوه اطلاق تصویب آیین‌نامه مزبور در قسمت اخیر این ماده از سوی هیئت وزیران در مواردی که آیین‌نامه مربوط جنبه قضایی دارد، مغایر اصل (۱۵۸) قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۱۳۰- در صورت وجود دلیل کافی دایر بر توجه اتهام به شخص حقوقی و در صورت اقتضاء، منحصرأ صدور قرارهای تأمینی زیر امکان‌پذیر است. این قرارها ظرف ده روز پس از ابلاغ، قابل اعتراض در دادگاه صالح است.

الف- قرار ممنوعیت انجام بعضی از فعالیت‌های شغلی که زمینه ارتکاب مجدد جرم را فراهم می‌کند.

ب- قرار منع تغییر ارادی در وضعیت شخص حقوقی از قبیل انحلال، ادغام و تبدیل که باعث دگرگونی یا از دست دادن شخصیت حقوقی آن شود. تخلف از این ممنوعیت علاوه بر بطلان عملیات حقوقی، موجب یک یا دو نوع از مجازات‌های درجه هفت یا هشت برای مرتکب است.

دیدگاه مغایرت

در بند (ب) ماده (۱۳۰)، تخلف از قرار ممنوعیت تغییر ارادی در وضعیت شخص حقوقی را موجب بطلان عملیات حقوقی معرفی کرده است. با توجه به اینکه این قرار قاضی نمی‌تواند در صحت عملیات حقوقی، مؤثر باشد، حکم به بطلان عملیات حقوقی در این ماده، مغایر با موازین شرع است. توضیح آنکه در صورتی که فردی اهلیت قانونی برای انجام عملیات حقوقی داشته باشد و آن عملیات حقوقی نیز بدون اشکال منعقد شده باشد، این عملیات صحیح است و صرف نهی قاضی نمی‌تواند موجب بطلان آن عملیات شود. به عنوان مثال، چنانچه بیعی به طور صحیح واقع شود، حتی اگر یکی از طرفین از انجام این عقد منع شده باشد، این منع تکلیفی، تأثیری در صحت عقد ندارد. به بیان دیگر، هر چند قانون‌گذار می‌تواند فرد را از انجام معامله بازدارد ولی نمی‌تواند معامله‌ای که به صورت صحیح واقع شده است را باطل قلمداد کند.

دیدگاه عدم مغایرت

همان‌طور که قانون‌گذار می‌تواند با توجه به وجود برخی دلایل، اشخاص حقیقی را ممنوع‌المعامله یا ممنوع‌الخروج کند، اشخاص حقوقی را نیز می‌تواند از انجام عملیات حقوقی منع کند. یکی از مواردی که قانون‌گذار اشخاص حقوقی را از انجام عملیات حقوقی منع کرده است، وجود قرار منع تغییر ارادی در وضعیت شخص حقوقی است که از سوی قاضی صادر شده باشد. همچنین در این ماده تصریح قانون‌گذار به بطلان عملیات حقوقی در صورت تخلف از این قرار، حاکی از آن است که یکی از شرایط صحت معامله را فقدان این قرار دانسته است. بنابراین در صورت انجام معامله با توجه به فقدان شرط قانون‌گذار، معامله‌ی انجام‌شده از ابتدا صحیح منعقد نشده است. لذا ماده‌ی مزبور از حیث اشاره به بطلان عملیات حقوقی با ایرادی مواجه نیست.

نظر شورای نگهبان

در بند (ب) ماده (۱۳۰)، اطلاق «بطلان عملیات حقوقی» نسبت به مواردی که عامل، اختیار قانونی برای اعمال این امر را دارد، تحقق آن با صرف نهی قاضی، خلاف موازین شرع است.

ماده ۱۳۵- اظهارات نماینده قانونی شخص حقوقی علیه شخص حقوقی اقرار محسوب نمی‌شود و اتیان سوگند نیز متوجه او نیست.

دیدگاه مغایرت

نماینده‌ی قانونی مذکور در این ماده، افراد تصمیم‌گیر شخص حقوقی همچون مدیرعامل و

متولی شخص حقوقی را نیز شامل می‌شود. هر چند ممکن است اظهارات برخی از نمایندگان شخص حقوقی که صرفاً در محدوده‌ی مشخص برای دفاع از شخص حقوقی اقدام می‌کنند را نتوان اقرار علیه شخص حقوقی محسوب کرد ولی اظهارات این افراد تصمیم‌گیر با توجه به نقشی که در اداره‌ی شخص حقوقی دارند، اقرار علیه شخص حقوقی محسوب می‌شود. بنابراین اطلاق این ماده که این افراد اصلی و تصمیم‌گیر در خصوص شخص حقوقی را نیز شامل می‌شود، مغایر با موازین شرع است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) منظور از نماینده‌ی قانونی در این ماده، صرفاً افرادی هستند که از طرف شخص حقوقی به عنوان نماینده برای دفاع از شخص حقوقی معرفی می‌شوند. با توجه به اینکه این افراد صرفاً برای دفاع از شرکت معرفی می‌شوند و از متولیان شرکت محسوب نمی‌شوند، اظهارات آنها علیه شرکت را نمی‌توان اقرار محسوب کرد. اظهارات این افراد در واقع می‌تواند با توجه به نوع ابراز در زمره‌ی دلایل دیگر محسوب شود ولی نمی‌توان آن را اقرار محسوب کرد. بر این اساس، این ماده که اظهارات نماینده‌ی قانونی شخص حقوقی را به معنای اقرار علیه شخص حقوقی نمی‌داند، مغایرتی با موازین شرعی ندارد.

ب) با توجه به اینکه یک شخص حقوقی ممکن است از افراد مختلف تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر تشکیل شده باشد، اظهارات هر یک از آنان را نمی‌توان به معنای اقرار علیه کلیت شخص حقوقی دانست. به عنوان مثال حتی اگر مدیرعامل یک شرکت، اظهاراتی علیه شرکت داشته باشد، به دلیل اینکه آن شرکت، هیئت مدیره نیز دارد، اظهارات او را نمی‌توان از جانب تمامی اعضای اصلی شرکت دانست و به این دلیل نمی‌توان آن را اقرار محسوب کرد. در این فرض، مدیرعامل صرفاً می‌تواند در خصوص رفتار خود اقرار کند و اظهارات او را نمی‌توان به معنای اقرار علیه شرکت دانست. بنابراین در این ماده به‌درستی اظهارات نماینده قانونی شخص حقوقی، اقرار علیه شخص حقوقی محسوب نشده است و لذا این ماده را نمی‌توان دارای ایراد دانست.

نظر شورای نگهبان

ماده (۱۳۵)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۱۳۶- سایر مقررات آیین دادرسی کیفری در مورد اشخاص حقوقی مطابق مقررات این قانون است.

دیدگاه ابهام

در این ماده مشخص نیست منظور از سایر مقررات آیین دادرسی در مورد اشخاص حقوقی، چه مقرراتی است و به چه شیوه‌ای باید مطابق مقررات این قانون باشد. به نظر می‌رسد که این ماده دارای اشکال عبارتی است و در راستای شفافیت و وضوح باید اصلاح شود.

نظر شورای نگهبان

ماده (۱۳۶)، اشکال عبارتی دارد و باید اصلاح گردد.

ماده ۱۳۷- بار مالی این قانون از محل هزینه‌های دادرسی به شرح مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ تأمین خواهد شد.

دیدگاه مغایرت

الف) بر اساس اصل (۷۵) قانون اساسی، طرح‌های قانونی و پیشنهادهای و اصلاحاتی که نمایندگان در خصوص لوایح قانونی عنوان می‌کنند، چنانچه به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه‌های عمومی بیانجامد، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه‌ی جدید معلوم شده باشد. از آنجا که این مصوبه در قالب «طرح» از سوی نمایندگان به مجلس ارائه شده است و برخی مواد آن (همچون مواد مربوط به ایجاد تشکیلات جدید در سازمان قضایی نیروهای مسلح، ایجاد مرکز ملی داده‌های قوه قضائیه، ایجاد شبکه‌ی ملی عدالت، ایجاد سامانه‌های الکترونیکی و ...)، منجر به افزایش هزینه‌های عمومی می‌شود، باید محل تأمین این هزینه‌ها در این مصوبه مشخص شود. ماده (۱۳۷) که خود به داشتن بار مالی این قانون معترف است، محل هزینه‌های دادرسی مندرج در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ را به عنوان محل تأمین هزینه‌های این مصوبه معرفی کرده است. از آنجا که محل این هزینه‌ها از قبل نیز وجود داشته است و درآمد ناشی از آن به خزانه واریز می‌شده و محل مصرف آن نیز مشخص بوده است، این محل، منبع جدیدی نیست تا بتواند هزینه‌های اجرایی این مصوبه را پوشش دهد. بر این اساس، مواد مختلف این مصوبه که افزایش هزینه‌های عمومی را در پی دارد،^(۱) با توجه به عدم ذکر محل مناسب و مکفی برای تأمین این هزینه‌ها، مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی خواهند بود. به این نکته نیز باید توجه داشت که ذکر عبارت «از محل هزینه‌های دادرسی» در این ماده را نمی‌توان به معنای مشخص کردن

۱. تبصره‌ی ماده (۱۱)، بند (پ) ماده (۱۲)، ماده (۸۸)، ماده (۹۰) و تبصره (۱) آن، ماده (۹۲)، تبصره (۳) ماده (۹۳) و تبصره‌ی ماده (۹۴).

محل تأمین هزینه‌های این طرح دانست؛ زیرا همان‌گونه که شورای نگهبان در یکی از نظریه‌های تفسیری خود در خصوص اصل (۷۵) بیان داشته است،^(۱) صرف اشاره‌ی کلی به برخی عبارات مانند «محل صرفه‌جویی» نمی‌تواند طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه‌ی جدید باشد و باید به طور واضح و مشخص، ردیف بودجه‌ای که به این امر اختصاص می‌یابد، مشخص شود تا مقصود قانون‌گذار اساسی از اصل (۷۵) محقق شود.

ب) هر چند قانون آیین دادرسی مذکور در این ماده مصوب اسفند ۱۳۹۲ است و برای درآمدهای ناشی از هزینه‌های دادرسی آن در قانون بودجه ۱۳۹۳، ردیف‌هایی مشخص نشده است، ولی هزینه‌های دادرسی طبق قوانین قبلی نیز وجود داشته که محل مصرف آنها در بودجه مشخص بوده است. بنابراین این محل را در واقع نمی‌توان محل جدیدی دانست که هزینه‌های این مصوبه‌ی مجلس را تحت پوشش قرار دهد. حتی چنانچه این محل، درآمدهای جدیدی نیز به همراه داشته باشد، مشخص نیست که بتواند هزینه‌های این مصوبه مجلس را جبران کند. بنابراین مواد مختلف این مصوبه که منجر به افزایش هزینه‌ی عمومی می‌شود، از این حیث که محل تأمین منابع مالی آن در این مصوبه مشخص نشده است، مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است که طرح‌های قانونی را در صورت افزایش هزینه‌های عمومی، نیازمند تعیین محل تأمین هزینه می‌داند.

ج) بر اساس اصل (۹۴) قانون اساسی، شورای نگهبان موظف است کلیه‌ی مصوبات مجلس شورای اسلامی را از نظر انطباق بر موازین اسلام و قانون اساسی مورد بررسی قرار دهد. از آنجا که وظیفه‌ی تطبیق مصوبات مجلس با قانون اساسی بر عهده‌ی شورای نگهبان است، احراز اینکه طبق اصل (۷۵)، مصوبه‌ی ارائه‌شده در قالب «طرح»، منجر به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه‌ی عمومی می‌شود و نیز اینکه طریق تأمین آن معلوم باشد، با شورای نگهبان خواهد بود. چنانچه احراز این امر، مربوط به مجلس باشد، مجلس می‌تواند در طرح‌های خود، صرفاً به محلی ولو صوری اشاره کند و شورای نگهبان نیز دیگر نمی‌تواند هیچ مصوبه‌ای را مغایر با اصل (۷۵) اعلام دارد. شورای نگهبان بر اساس این وظیفه باید با بررسی و فحص دقیقی که نسبت به این امر می‌کند، احراز کند که آیا هزینه‌های جدید (یا کاهش درآمدهای) ناشی از مصوبه‌ی مجلس، دارای محل مشخص برای تأمین این هزینه‌ها (یا جبران کاهش درآمدها) هست یا خیر. به بیان دیگر شورای نگهبان نمی‌تواند در صورت اشاره‌ی کلی مجلس به یک محل، بدون آنکه به صحیح بودن

۱. نظریه‌ی تفسیری شماره ۹۱/۳۰/۴۹۷۴۹ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۳ شورای نگهبان: «درج عبارت از «محل صرفه‌جویی»، به‌نحو مطلق و برای مدت نامحدود و بدون تعیین محل و همچنین درج عبارت «پیش‌بینی در بودجه سنواتی»، بدون تأمین منبع و نیز درج عبارت‌های «از محل اعتبارات مصوب مربوط» و «از محل اعتبارات مصوب دستگاه» اگر مستلزم بار مالی جدید بوده، طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید مذکور در اصل (۷۵) قانون اساسی محسوب نمی‌گردد.»

محل تعیین شده و کافی بودن منابع آن محل برای تأمین هزینه‌ها علم پیدا کند، اصل را بر کفایت محل تعیین شده در مصوبه‌ی مجلس بگذارد و صرفاً در مواردی که عدم کفایت اثبات شود، مصوبه را مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی اعلام کند. با توجه به این موضوع، از آنجا که محل تعیین شده برای تأمین بار مالی این مصوبه برای شورای نگهبان معلوم نیست، مجلس باید ولو به طور اجمال، میزان درآمدهای ناشی از هزینه‌ی دادرسی و نیز هزینه‌های این مصوبه را اعلام دارد تا کافی و متناسب بودن این دو امر برای شورای نگهبان احراز شود. در غیر این صورت با توجه به اینکه محل هزینه‌های دادرسی مذکور در این ماده، منبع مالی جدیدی نیست و نمی‌تواند در مقام تأمین هزینه‌های این مصوبه، واقعی و کافی تلقی شود، مواد مختلف این مصوبه که منجر به افزایش هزینه عمومی می‌شود، مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی خواهد بود.

همچنین باید توجه داشت که عبارت «معلوم شده باشد» در اصل (۷۵) قانون اساسی، با توجه به نوع بیان آن که مجهول است، مفید این معنا است که محل تأمین هزینه‌ها چه برای نمایندگان مجلس و چه برای شورای نگهبان که وظیفه‌ی مطابقت مصوبات با قانون اساسی را دارد باید امری معلوم باشد، نه اینکه این امر صرفاً برای نمایندگان معلوم باشد. به بیان دیگر، شورای نگهبان نیز باید در طول مجلس، این امر را احراز کند. لذا احراز مشخص بودن محل جبران را صرفاً نمی‌توان با نمایندگان مجلس دانست.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) منبع مالی مشخص شده در این ماده (= هزینه‌های دادرسی مذکور در قانون آیین دادرسی مصوب ۱۳۹۲)، منبع مالی جدیدی است که قبلاً در قوانین برای آن مصارفی مشخص نشده است؛ زیرا در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، هزینه‌های جدیدی برای دادرسی منظور شده است که در قانون سابق وجود نداشته است. به بیان دیگر، هزینه‌های دادرسی مذکور در این قانون، نسبت به هزینه‌های قانون سابق، میزان بیشتری دارد که در نتیجه، درآمدهای ناشی از آن نیز بیشتر از درآمدهای حاصل از قانون قبلی است. افزون بر آن، با توجه به اینکه در قانون بودجه سال ۱۳۹۳ برای درآمد حاصل از این هزینه‌ها، محل مصرف مشخص تعیین نشده است، محل مذکور در این ماده، بلامصرف بوده و در نتیجه، محل جدیدی برای تأمین هزینه‌ها محسوب می‌شود. بنابراین، این ماده که تأمین بار مالی هزینه‌های اجرایی این مصوبه را از محل وجوه حاصل از هزینه‌های دادرسی می‌داند، نمی‌توان از حیث نامعلوم بودن محل تأمین این هزینه‌ها، مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی دانست.

ب) در مواردی که مجلس شورای اسلامی محلی را برای جبران بار مالی مصوبه‌ای که در قالب «طرح» ارائه شده است، معین می‌کند، اصل بر آن است که آن منبع، معلوم است و کفاف هزینه‌های

اجرائی آن طرح را نیز می‌دهد و لذا نامعلوم بودن منبع و ناکافی بودن آن برای تأمین بار مالی آن طرح مصوب، نیازمند دلیل است. در این حالت شورای نگهبان در صورتی می‌تواند این مصوبه را از حیث مشخص نبودن محل تأمین هزینه‌ها، مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی اعلام کند که عدم کفایت آن منبع را احراز کند. بر این اساس، در مواردی که محل تأمین هزینه‌های یک طرح، از سوی مجلس مشخص شده باشد، احراز مجلس برای شورای نگهبان حجت است، مگر اینکه شورای نگهبان بر خلاف آن، واقعی نبودن آن محل یا ناکافی بودن آن برای تأمین هزینه‌های طرح را احراز کند. در ماده (۱۳۷) این مصوبه نیز مجلس ضمن اذعان به هزینه‌دار بودن اجرای این مصوبه، اقدام به تعیین محل برای تأمین بار مالی آن کرده است. بر این اساس، به صرف شک در خصوص واقعی بودن محل تعیین شده برای تأمین هزینه‌ها یا کافی بودن آن، نمی‌توان این ماده را مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی دانست.

همچنین باید توجه داشت که نظریه‌ی تفسیری شورای نگهبان در خصوص اصل (۷۵) که اشاره‌ی کلی به برخی موارد مانند «محل صرفه‌جویی» را به معنای طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه‌ی جدید نمی‌داند، مربوط به جایی است که برای شورای نگهبان احراز شود که این محل، کفایت هزینه‌ها را نمی‌کند و در موارد مشکوک، صرف تعیین محل برای تأمین هزینه‌ها توسط مجلس، کافی به مقصود خواهد بود.

ج) با عنایت به اینکه در اصل (۷۵) قانون اساسی در خصوص طرح‌های قانونی که به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه‌ی عمومی می‌انجامد، تصریح شده است که این طرح‌ها در صورتی «قابل طرح» در مجلس است که طریق جبران آن «معلوم شده باشد»، در صورتی که این محل تأمین توسط مجلس مشخص شده باشد، شورای نگهبان نمی‌تواند آن را مغایر با اصل (۷۵) اعلام کند. دقت در عبارات «در صورتی قابل طرح در مجلس است» و «معلوم شده باشد» در این اصل نشان می‌دهد که منظور این اصل، معلوم شدن محل تأمین برای نمایندگان مجلس است و نه شورای نگهبان؛ زیرا مطرح شدن این طرح‌های قانونی در مجلس نیازمند موافقت ابتدایی شورای نگهبان نیست. بر این اساس، ماده‌ی مزبور نیز که به محل تأمین بار مالی این مصوبه اشاره کرده است، نشان می‌دهد که محل تأمین بار مالی طرح برای مجلس معلوم بوده است و لذا این ماده را نمی‌توان مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی دانست.

دیدگاه ابهام

از آنجا که مشخص نیست بار مالی این مصوبه از محل هزینه‌های دادرسی به شرح مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ تأمین خواهد شد یا خیر، این ماده ابهام دارد. با عنایت به اینکه در صورت عدم تأمین بار مالی این مصوبه از محل مزبور، مواد مختلفی از این مصوبه که

منجر به افزایش هزینه‌های عمومی می‌شود، مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی خواهند بود، این ابهام باید از طرف مجلس شورای اسلامی در قالب شفاف کردن هزینه‌ها و درآمدها برطرف شود تا بتوان در خصوص آن اظهار نظر کرد.

نظر شورای نگهبان

تبصره ماده (۱۱)، بند (پ) ماده (۱۲)، ماده (۸۸)، ماده (۹۰) و تبصره یک آن، ماده (۹۲)، تبصره (۳) ماده (۹۳) و تبصره ماده (۹۴) که به افزایش هزینه عمومی می‌انجامند و طریق پیش‌بینی شده در ماده (۱۳۷) هزینه‌های مذکور را تأمین نمی‌نماید، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی می‌باشند.

ماده ۱۳۸- از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، قوانین موقتی محاکمات جزایی (آیین دادرسی کیفری) مصوب ۱۲۹۱/۵/۳۰، ماده واحده قانون راجع به تجویز دادرسی غیابی در امور جنایی مصوب ۱۳۳۹/۳/۲، قانون دادرسی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴/۲/۲۲ به‌جز مواد (۴)، (۸) و (۹) این قانون، قانون تعیین حدود صلاحیت دادرسی و دادگاه‌های نظامی کشور مصوب ۱۳۷۳/۵/۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام، قانون تفسیر ماده (۳) «قانون تعیین حدود صلاحیت دادرسی و دادگاه‌های نظامی کشور مصوب ۱۳۷۳/۵/۶» مصوب ۱۳۷۴/۶/۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام، قانون تشکیل دادگاه‌های کیفری (یک و دو) و شعب دیوان عالی کشور مصوب ۱۳۶۸/۴/۲۰، قانون تجدیدنظر آراء دادگاه‌ها مصوب ۱۳۷۲/۵/۱۶، ماده (۱) از قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷/۸/۱۰، و اصلاحات و الحاقات بعدی آنها و سایر قوانین در موارد مغایر، ملغی است.

دیدگاه مغایرت

بر اساس بند (۸) اصل (۱۱۰) قانون اساسی، حل معضلات نظام که از طرق عادی قابل حل نیست، از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام، بر عهده‌ی مقام رهبری است. از آنجا که «قانون تعیین حدود صلاحیت دادرسی و دادگاه‌های نظامی کشور مصوب ۱۳۷۳/۵/۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام» و «قانون تفسیر ماده (۳) قانون مذکور مصوب ۱۳۷۴/۶/۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام»، به عنوان معضل در مجمع تشخیص مصلحت نظام، مطرح شده و مقررات آن به تصویب رسیده است (نه به عنوان رفع اختلاف بین شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی)، نسخ قوانین

مذکور با توجه به نظریه‌ی تفسیری شورای نگهبان از اصل (۱۱۲) که این امر را نیازمند استعلام از مقام رهبری و عدم مخالفت معظم‌له می‌داند،^(۱) مغایر با بند (۸) اصل (۱۱۰) قانون اساسی است.

نظر شورای نگهبان

در ماده (۱۳۸)، نسخ قانون تعیین حدود صلاحیت دادسراها و دادگاه‌های نظامی کشور مصوب ۱۳۷۳/۵/۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام و قانون تفسیر ماده (۳) قانون مذکور مصوب ۱۳۷۴/۶/۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام، با توجه به اینکه موارد مزبور به عنوان معضل، مطرح و مقررات آن به تصویب رسیده است، مغایر بند (۸) اصل (۱۱۰) قانون اساسی شناخته شد.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۳/۵/۱۹ (مرحله دوم)^(۲)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۶/۱۹

ماده ۳- رئیس سازمان قضایی علاوه بر ریاست اداری و نظارت بر کلیه سازمان‌های قضایی استان‌ها، ریاست شعبه اول دادگاه تجدید نظر نظامی استان تهران را نیز بر عهده دارد و می‌تواند یک نفر قائم‌مقام و به تعداد لازم معاون داشته باشد.

تبصره- ایجاد تشکیلات قضایی و اداری در سازمان قضایی و انتصاب قضات سازمان و همچنین تغییر سِمَت یا محل خدمت آنان با رعایت اصل یکصد و شصت و چهارم (۱۶۴) قانون اساسی به تشخیص رئیس قوه قضائیه است. رئیس سازمان قضایی می‌تواند پیشنهادهای خود را در موارد مزبور به رئیس قوه قضائیه ارائه نماید.

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به اضافه شدن عبارت «با رعایت اصل یکصد و شصت و چهارم (۱۶۴) قانون اساسی»

۱. نظریه‌ی تفسیری شماره ۵۳۱۸ مورخ ۱۳۷۲/۷/۲۴ شورای نگهبان: «هیچ‌یک از مراجع قانون‌گذاری حق رد و ابطال و نقض و فسخ مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام را ندارد؛ اما در صورتی که مصوبه مجمع مصلحت مربوط به اختلاف نظر شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی بود مجلس پس از گذشت زمان معتدّیه که تغییر مصلحت موجه باشد حق طرح و تصویب قانون مغایر را دارد و در مواردی که موضوع به عنوان معضل از طرف مقام معظم رهبری به مجمع ارسال شده باشد در صورت استعلام از مقام رهبری و عدم مخالفت معظم‌له، موضوع قابل طرح در مجلس شورای اسلامی می‌باشد.»

۲. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، با تصویب مجلس شورای اسلامی، طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی، مطابق اصل (۸۵) قانون اساسی به صورت آزمایشی به تصویب کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی رسیده است.

به تبصره‌ی این ماده، ابهام شورای نگهبان در خصوص مغایرت احتمالی مفاد این تبصره (= تغییر سِمَت قضات یا محل خدمت آنها) با اصل (۱۶۴) برطرف شده است و این ماده، از جهات دیگر نیز دارای ایراد نیست.

نظر شورای نگهبان

ماده (۳)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۷- تخلف از مقررات مواد (۵)، (۴۲)، (۴۳)، (۴۹) و تبصره (۳) ماده (۳۹) این قانون، به حکم دادگاه نظامی، موجب محکومیت به انفصال از شغل از سه ماه تا یکسال می‌شود.

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به حذف محکومیت «محرومیت از خدمات دولتی از سه ماه تا شش ماه» از این ماده، ابهام شورای نگهبان در خصوص ماهیت «محرومیت از خدمات دولتی» و محدوده‌ی این محرومیت برطرف شده و این ماده، از جهات دیگر نیز با ایرادی مواجه نیست.

نظر شورای نگهبان

ماده (۷)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده (۱۵) و تبصره آن حذف می‌شود.

دیدگاه عدم مغایرت

ایرادهای پیشین شورای نگهبان نسبت به ماده (۱۵)، با توجه به حذف این ماده در مصوبه‌ی اصلاحی، سالبه به انتفای موضوع است.

نظر شورای نگهبان

با توجه به حذف ماده (۱۵)، بررسی موضوع از حیث مغایرت با قانون اساسی و موازین شرع، سالبه به انتفای موضوع است.

ماده ۱۷- با انتخاب رئیس سازمان قضایی استان عضویت مستشاران دادگاه تجدید نظر نظامی در دادگاه نظامی یک استان بلامانع است.

دیدگاه مغایرت

بر اساس بند (۳) اصل (۱۵۸) قانون اساسی، «استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنان و مانند اینها از امور اداری»، بر عهده‌ی رئیس قوه قضائیه است. بر این اساس، حکم مقرر در ماده (۱۷) اصلاحی مبنی بر اعطای اختیار عضویت مستشاران دادگاه تجدید نظر نظامی در دادگاه نظامی یک استان به رئیس سازمان قضایی، به نوعی واگذاری اعطای سِمَت قضایی و تغییر سِمَت قضات به رئیس سازمان قضایی است و حال آنکه این امر طبق قانون اساسی، در صلاحیت رئیس قوه‌ی قضائیه است. بنابراین ماده‌ی مزبور از حیث سلب این صلاحیت از رئیس قوه‌ی قضائیه، مغایر با بند (۳) اصل (۱۵۸) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) با توجه به اصلاح کلی که در ماده (۱۷) انجام شده است و نیز با عنایت به حذف تبصره‌ی آن، ایرادهای پیشین شورای نگهبان در خصوص مغایرت این ماده با اصول (۱۵۸) و (۱۶۴) قانون اساسی برطرف شده است و این ماده، با ایرادی مواجه نیست.

ب) در دادگاه‌های عمومی، صدور حکم مستشاری قضات دادگاه تجدید نظر توسط رئیس قوه‌ی قضائیه صورت می‌پذیرد، ولی تعیین شعبه‌ی محل خدمت این قضات بر عهده‌ی رئیس دادگستری استان‌ها است. در خصوص سازمان قضایی نیز به همین شیوه، رئیس سازمان قضایی می‌تواند شعبه‌ی محل خدمت مستشاران تجدید نظر را مشخص کند. با توجه به هم‌ترازی دادگاه تجدید نظر نظامی با دادگاه کیفری یک نظامی، عضویت مستشاران تجدید نظر در دادگاه کیفری یک، اعطای سِمَت و تغییر محل خدمت آنها محسوب نمی‌شود تا این ماده از حیث سلب این اختیار از رئیس قوه‌ی قضائیه و واگذاری آن به رئیس سازمان قضایی، مغایر با بند (۳) اصل (۱۵۸) قانون اساسی باشد.

نظر شورای نگهبان

ماده (۱۷)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۲۰- در صورت ضرورت، برای رسیدگی به جرائم ارتكابی نظامیان که در صلاحیت

سازمان قضایی است، با تصویب رئیس قوه قضائیه، شعبه یا شعبی از دادرسی نظامی در محل استقرار تیپ‌های مستقل رزمی و بالاتر و یا رده هم‌تراز آنها در سایر نیروها برای مدت معین تشکیل می‌شود. تأمین محل مناسب و امکانات مورد نیاز به عهده یگان مربوطه است.

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به اینکه در سطر دوم ماده (۲۰) اصلاحی، عبارت «با تصویب رئیس قوه قضائیه» جایگزین عبارت «بنا به پیشنهاد فرمانده کل ارتش یا سپاه یا فرمانده نیروی انتظامی و موافقت رئیس سازمان قضایی» شده است، ایراد شورای نگهبان در خصوص مغایرت ماده (۲۰) با بند (۱) اصل (۱۵۸) از حیث سلب صلاحیت از رئیس قوه قضائیه نسبت به ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری، برطرف شده است و این ماده، از جهات دیگر نیز با ایرادی مواجه نیست.

نظر شورای نگهبان

ماده (۲۰)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۲۱- در زمان جنگ دادگاه‌های نظامی زمان جنگ با تصویب رئیس قوه قضائیه، به تعداد مورد نیاز و به منظور رسیدگی به جرائم مربوط به جنگ با رعایت ماده (۲۲) این قانون در محل قرارگاه‌های عملیاتی، مراکز استان‌ها یا سایر مناطق مورد نیاز تشکیل می‌شود.

...

تبصره ۲- حوزه قضایی دادگاه‌های نظامی زمان جنگ، حسب مقتضیات و شرایط جنگی با تصویب رئیس قوه قضائیه تعیین می‌شود.

تبصره ۴- ...

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به حذف عبارت «با پیشنهاد رئیس سازمان قضایی» از صدر ماده (۲۱) اصلاحی و همچنین از تبصره (۲) آن، ایراد شورای نگهبان در خصوص محدود کردن صلاحیت رئیس قوه قضائیه در اتخاذ تصمیم نسبت به تشکیلات لازم در دادگستری، مذکور در بند (۱) اصل (۱۵۸)، از این ماده برطرف شده است. همچنین با حذف تبصره‌های (۱) و (۳) از این ماده، ایرادهای شورای نگهبان نسبت به این تبصره‌ها نیز سالبه به انتفای موضوع است.

نظر شورای نگهبان

ماده (۲۱)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۲۲- جرائم مربوط به جنگ که توسط نظامیان ارتکاب می‌یابد و در دادگاه زمان جنگ رسیدگی می‌شود، عبارتند از:

الف- کلیه جرائم ارتكابی در مناطق عملیاتی در حدود صلاحیت سازمان قضایی

ب- جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی در حدود صلاحیت سازمان قضایی

پ- جرائم مربوط به امور جنگی مرتبط با اقدامات عملیاتی، گرچه محل وقوع آن خارج از مناطق عملیاتی باشد.

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به اضافه شدن عبارت «در حدود صلاحیت سازمان قضایی» در انتهای بندهای (الف) و (ب) این ماده، ایراد شورای نگهبان در خصوص مغایرت این بندها با اصل (۱۷۲) قانون اساسی از جهت توسعه‌ی صلاحیت اعطایی در این اصل به محاکم نظامی در رسیدگی به جرائم، برطرف شده است و این ماده، از جهات دیگر نیز با ایرادی مواجه نیست.

نظر شورای نگهبان

ماده (۲۲)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۲۶- پس از انحلال دادسرا و دادگاه‌های نظامی زمان جنگ، پرونده‌های مربوط حسب مورد در دادسرا و دادگاه‌های نظامی صالح برابر مقررات دادرسی زمان صلح رسیدگی می‌شود.

تبصره- دادگاه‌های نظامی زمان جنگ، با تصویب رئیس قوه قضائیه منحل می‌شوند.

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به حذف عبارت «با پیشنهاد رئیس سازمان قضایی» از تبصره‌ی ماده (۲۶) در این مصوبه‌ی اصلاحی، ایراد شورای نگهبان در خصوص محدود کردن صلاحیت رئیس قوه‌ی قضائیه در اتخاذ تصمیم نسبت به تشکیلات لازم در دادگستری، مذکور در بند (۱) اصل (۱۵۸)، برطرف شده است و این ماده، از جهات دیگر نیز با ایرادی مواجه نیست.

نظر شورای نگهبان

ماده (۲۶)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۲۸- به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی اعضای نیروهای مسلح به جز جرائم در مقام ضابط دادگستری در سازمان قضایی رسیدگی می شود.

تبصره ۱- رسیدگی به جرائمی که امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری اجازه فرموده اند در دادگاه ها و دادرهای سازمان قضایی نیروهای مسلح رسیدگی شود، مادامی که از آن عدول نشده در صلاحیت این سازمان است.

تبصره ۲- منظور از جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی، جرائمی است که اعضای نیروهای مسلح در ارتباط با وظایف و مسئولیت های نظامی و انتظامی که طبق قانون و مقررات به عهده آنان است مرتکب گردند.

تبصره ۳- رهایی از خدمت مانع رسیدگی به جرائم زمان اشتغال در دادگاه نظامی نمی شود.

تبصره ۴- جرم در مقام ضابط دادگستری، جرمی است که ضابط آن در حین انجام وظایف قانونی خود در ارتباط با جرائم مشهود و یا در راستای اجرای دستور مقام قضایی دادگستری مرتکب می شوند.

دیدگاه عدم مغایرت

عمده ی ایرادهای شورای نگهبان نسبت به بندها و تبصره های این ماده، مربوط به مغایرت آن با اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی از جهت توسعه ی صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح (دادگاه های نظامی) و تضییق صلاحیت دادگستری بود. با توجه به حذف عبارات مورد ایراد در مصوبه ی اصلاحی و اضافه شدن تبصره (۱) به این ماده مطابق نظر شورای نگهبان، ایرادهای شورای نگهبان نسبت به این مصوبه برطرف شده است و از جهات دیگر نیز این ماده با ایرادی مواجه نیست.

نظر شورای نگهبان

تذکر: در تبصره (۴) ماده (۲۸)، واژه «ضابط آن» به «ضابطان» اصلاح شود.

ماده (۳۰)، ماده (۳۱) و تبصره های آن، ماده (۳۳)، (۳۴) و (۳۵) حذف می شوند.

دیدگاه عدم مغایرت

ایرادهای پیشین شورای نگهبان نسبت به مواد (۳۰)، (۳۱)، (۳۳)، (۳۴) و (۳۵)، با توجه به حذف این مواد، سالبه به انتفای موضوع است.

نظر شورای نگهبان

با توجه به حذف مواد (۳۰)، (۳۱)، (۳۳)، (۳۴) و (۳۵) در مصوبه‌ی اصلاحی، بررسی موضوع از حیث مغایرت با قانون اساسی و موازین شرع، سالبه به انتفای موضوع است.

ماده ۴۴- فرماندهان و مسئولان نظامی و انتظامی مکلفند به محض اطلاع از وقوع جرم در حوزه مسئولیت خود، مراتب را به مرجع قضایی صالح گزارش کنند. متخلف از مقررات این ماده به مجازات جرم کتمان حقیقت مقرر در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح محکوم می‌شود.

تبصره- تعرفه خدمتی متهمان مانند سوابق کیفری، انضباطی، تشویقات، آموزش‌های طی شده، سوابق پزشکی و سایر اموری که می‌تواند در تصمیم مقام قضایی مؤثر باشد به مراجع قضایی ارسال می‌شود.

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به مقید شدن تبصره‌ی ماده (۴۴) به عبارت «سایر اموری که می‌تواند در تصمیم مقام قضایی مؤثر باشد»، ایراد پیشین شورای نگهبان در خصوص اطلاق حکم این تبصره و عدم تقیید به موارد مؤثر در تصمیم‌گیری قضایی، برطرف شده است و از جهات دیگر نیز این تبصره با ایرادی مواجه نیست.

نظر شورای نگهبان

ماده (۴۴)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۵۰- در مواردی که رسیدگی به امری از نظر علمی، فنی، مالی، نظامی و یا سایر جهات نیاز به کارشناسی داشته باشد، مرجع رسیدگی‌کننده از کارشناس یا هیئت کارشناسی کسب نظر می‌نماید.

...

تبصره ۲- شرایط و نحوه تعیین کارشناس در موارد مربوط به امور نظامی، تعداد و ترکیب هیئت‌های کارشناسی، نحوه رسیدگی به تخلفات و پرداخت هزینه آنان به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط ستاد کل نیروهای مسلح با همکاری سازمان قضایی تهیه می‌شود و به تصویب فرماندهی کل قوا می‌رسد.

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به حذف عبارت «سایر مقررات مربوط» از این ماده و جایگزینی عبارت «نحوه رسیدگی به تخلفات» در آن و همچنین با توجه به اضافه شدن عبارت «در موارد مربوط به امور نظامی»، ابهام پیشین شورای نگهبان در خصوص عبارت «سایر مقررات مربوط» و همچنین ایراد این شورا در خصوص شمول آن بر موارد غیر نظامی برطرف شده است و از جهات دیگر نیز این ماده با ایرادی مواجه نیست.

نظر شورای نگهبان

ماده (۵۰)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۵۴- در زمان جنگ، صدور قرار بازداشت موقت با رعایت مقررات مندرج در این قانون در موارد زیر الزامی است:

...

ح- فرار از محل مأوریت یا منطقه درگیری در جریان عملیات علیه عوامل خرابکار، ضد انقلاب، شرار و قاچاقچیان مسلح

...

دیدگاه مغایرت

با توجه به تذکر پیشین شورای نگهبان در خصوص واژه «شرار» که باید به «اشرار» اصلاح شود و با عنایت به عدم اصلاح آن توسط مجلس، این تذکر مجدداً اعلام شود.

نظر شورای نگهبان

تذکر: در بند (ح) ماده (۵۴)، واژه «شرار» به «اشرار» اصلاح گردد.

ماده (۶۸) حذف می‌شود.

دیدگاه عدم مغایرت

ایراد پیشین شورای نگهبان نسبت به ماده (۶۸)، با توجه به حذف این ماده، سالبه به انتفای موضوع است.

نظر شورای نگهبان

با توجه به حذف ماده (۶۸)، بررسی موضوع از حیث مغایرت با قانون اساسی و موازین شرع، سالبه به انتفای موضوع است.

ماده ۷۴- علاوه بر اشخاص مندرج در ماده (۴۷۵) قانون آیین دادرسی کیفری، رئیس سازمان قضایی نیز نسبت به احکام قطعی دادگاه‌های نظامی حق درخواست اعاده دادرسی را دارد.

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به جایگزین شدن عبارت «اشخاص مندرج در ماده (۴۷۵) قانون آیین دادرسی کیفری» به جای عبارت «اشخاصی که مطابق مقررات مربوط، حق درخواست اعاده دادرسی دارند» در این ماده، ابهام شورای نگهبان در خصوص مشخص نبودن جهات اعاده‌ی دادرسی و حدود آن (مذکور در ماده (۴۷۵) قانون آیین دادرسی کیفری) برطرف شده است و از جهات دیگر نیز این ماده با ایرادی مواجه نیست.

نظر شورای نگهبان

ماده (۷۴)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۷۵- در صورتی که مجازات مندرج در حکم دادگاه به لحاظ وضعیت خاص خدمتی محکوم‌علیه مانند محرومیت از ترفیع کارکنان بازنشسته، قابل اجراء نباشد، دادستان نظامی مطابق ضوابط، حسب مورد حق درخواست تجدید نظر یا فرجام را دارد. در این صورت مرجع تجدید نظر یا فرجام جهت تعیین مجازات قانونی دیگر اقدام می‌کند.

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به اضافه شدن واژه‌ی «قانونی» بعد از واژه‌ی «مجازات» در این ماده، تذکر شورای نگهبان که مربوط به لزوم اضافه شدن این واژه بود، اعمال شده است و این ماده از جهات دیگر نیز

با ایرادی مواجه نیست.

نظر شورای نگهبان

ماده (۷۵)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۸۰- متهمان و محکومان دادرسی و دادگاه‌های نظامی با رعایت مقررات اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور در بازداشتگاه‌های رسمی و زندان‌های مستقل از سایر متهمان و زندانیان نگهداری می‌شوند. نگهداری محکومان و متهمان در یک مکان ممنوع است.

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به حذف مفاد مربوط به اداره‌ی بازداشتگاه‌ها و زندان‌های متهمان و محکومان دادگاه‌های نظامی توسط دژبان نیروهای مسلح از این ماده و واگذاری اداره‌ی این بازداشتگاه‌ها و زندان‌ها به سازمان زندان‌های قوه‌ی قضائیه، ایراد شورای نگهبان پیرامون نقض صلاحیت قوه‌ی قضائیه در این خصوص برطرف شده است و از جهات دیگر نیز این ماده با ایرادی مواجه نیست.

نظر شورای نگهبان

ماده (۸۰)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده (۸۱) حذف می‌شود.

دیدگاه عدم مغایرت

ایراد پیشین شورای نگهبان نسبت به ماده (۸۱)، با توجه به حذف این ماده، سالبه به انتفای موضوع است.

نظر شورای نگهبان

با توجه به حذف ماده (۸۱)، بررسی موضوع از حیث مغایرت با قانون اساسی و موازین شرع، سالبه به انتفای موضوع است.

ماده ۸۴- نحوه نگهداری محکومان و متهمان دادرها و دادگاه‌های نظامی با رعایت آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور برابر آیین‌نامه‌ای است که ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور با همکاری سازمان قضایی تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

دیدگاه مغایرت

تصریح این ماده به لزوم رعایت آیین‌نامه‌ی اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور در خصوص نحوه نگهداری محکومان و متهمان دادرها و دادگاه‌های نظامی، موجب محدود شدن صلاحیت‌های رئیس قوه قضائیه در این خصوص خواهد شد؛ زیرا ممکن است رئیس قوه قضائیه خواهان درج مقرراتی متفاوت در آیین‌نامه‌ی مربوطه باشد که این ماده، اختیار وی را در این خصوص محدود می‌کند. لذا ماده‌ی مزبور از حیث محدود کردن صلاحیت رئیس قوه قضائیه در خصوص تصویب آیین‌نامه‌ی نحوه نگهداری محکومان و متهمان دادرها و دادگاه‌های نظامی، مغایر با اصل (۱۵۷) قانون اساسی است. طبق این اصل، رئیس قوه قضائیه توسط مقام رهبری برای انجام مسئولیت‌های قوه قضائیه در کلیه امور قضایی و اداری و اجرایی تعیین می‌شود و بر این اساس، در راستای انجام این مسئولیت، صلاحیت آیین‌نامه‌گذاری در حیطه‌ی امور مربوط به قوه قضائیه را دارد.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) با توجه به اینکه این ماده مبنیاً بر اشکال ماده‌ی (۸۰) این مصوبه دارای ایراد دانسته شده بود و با عنایت به اصلاح ماده (۸۰) و عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی و نیز با توجه به حذف مفاد مربوط به تهیه آیین‌نامه توسط ستاد کل نیروهای مسلح از آن، این ماده نیز دارای ایراد نخواهد بود.

ب) ذکر عبارت «با رعایت آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور» در این ماده، بدین معنا نیست که رئیس قوه قضائیه لزوماً باید مقررات این آیین‌نامه را در آیین‌نامه‌ی نحوه نگهداری محکومان و متهمان دادرها و دادگاه‌های نظامی لحاظ کند، بلکه بدین معنا است که در تهیه این آیین‌نامه، به آیین‌نامه‌ی سازمان زندان‌ها نیز توجه شود تا تبعیض ناروایی میان زندانیان نظامی و زندانیان غیر نظامی وجود نداشته باشد. بر این اساس، ذکر عبارت با رعایت آیین‌نامه در این ماده به معنای غیر قابل تغییر بودن مفاد آن توسط رئیس قوه قضائیه نیست و از این جهت نمی‌توان این ماده را در مقام تحدید اختیارات مدیریتی رئیس قوه قضائیه

دانست. بر این اساس، این ماده مغایرتی با مفاد اصل (۱۵۷) قانون اساسی در خصوص مسئولیت رئیس قوه قضائیه و مدیریت وی بر کلیه امور قضایی و اداری و اجرایی این قوه ندارد.

نظر شورای نگهبان

ماده (۸۴)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۸۷- به منظور سیاست‌گذاری و تدوین راهبردهای ملی، برنامه‌ریزی میان‌مدت و بلندمدت و تدوین آیین‌نامه‌های لازم برای توسعه و ارتقای دادرسی الکترونیکی و نظارت بر حسن اجرای آنها، «شورای راهبری دادرسی الکترونیکی» که در این بخش به اختصار شورا نامیده می‌شود به ریاست رئیس قوه قضائیه و عضویت افراد زیر تشکیل می‌شود:

الف- ...

ص- یک نفر نماینده عضو کمیسیون قضایی و حقوقی به انتخاب مجلس شورای اسلامی

به عنوان عضو ناظر

ض- ...

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به اینکه در بند (ص) این ماده، به جای عبارت «به انتخاب کمیسیون قضایی و حقوقی» عبارت «به انتخاب مجلس شورای اسلامی» ذکر شده است، ایراد شورای نگهبان در خصوص مغایرت این بند با اصول نظارتی مجلس شورای اسلامی برطرف شده است و این ماده با ایرادی مواجه نیست.

نظر شورای نگهبان

ماده (۸۷)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۸۸- به منظور ساماندهی پرونده‌ها و اسناد قضایی و ارائه بهتر خدمات قضایی و دستیابی روزآمد به آمار و گردش کار قضایی در سراسر کشور و همچنین ارائه آمار و اطلاعات دقیق و تفصیلی در خصوص جرائم، متهمان، بزه‌دیدگان و مجرمان و سایر اطلاعات قضایی، «مرکز ملی داده‌های قوه قضائیه» در مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه

قضائیه با استفاده از افراد موثق راه‌اندازی می‌شود.

تبصره ۱- نحوه و میزان دسترسی مراجع ذی‌صلاح قضایی به اطلاعات این مرکز به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط شورا تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

تبصره ۲- اسناد، مدارک و اطلاعات این مرکز با رعایت قوانین و مقررات به موجب آیین‌نامه‌ای که ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون به تصویب شورا و تأیید رئیس قوه قضائیه می‌رسد، در اختیار مراکز علمی، پژوهشکده‌ها و پژوهشگران قرار می‌گیرد. استفاده از اسناد، مدارک و اطلاعات مزبور نباید موجب هتک حرمت و حیثیت اشخاص شود. انتشار اطلاعات مربوط به هویت افراد مرتبط با دادرسی از قبیل نام، نام خانوادگی، کد پستی و کد ملی آنان جز در مواردی که قانون تجویز کند، ممنوع است.

دیدگاه مغایرت

مطابق اصل (۱۵) قانون اساسی، «زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد.» بر این اساس، از آنجا که در تبصره (۲) این ماده از واژه‌های بیگانه‌ی «کد پستی» و «کد ملی» استفاده شده است و معادل فارسی آنها قید نشده است، این ماده مغایر با اصل مزبور است.

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به اضافه شدن عبارت «با استفاده از افراد موثق» قبل از کلمه‌ی «راه‌اندازی» در سطر آخر ماده (۸۸) و همچنین عبارت «با رعایت قوانین و مقررات» بعد از عبارت «این مرکز» در سطر اول تبصره (۲) و جایگزین شدن واژه‌ی «قانون» به جای عبارت «آیین‌نامه فوق‌الذکر» در سطر آخر، ایرادهای شورای نگهبان در خصوص لزوم استفاده از افراد موثق و نیز تعیین ضوابط توسط قانون برطرف شده است و از جهات دیگر نیز این ماده با ایرادی مواجه نیست.

نظر شورای نگهبان

تذکر: در تبصره (۲) ماده (۸۸)، واژه‌های «کد پستی» و «کد ملی»، با توجه به اصل (۱۵) قانون اساسی باید اصلاح گردد.

ماده ۸۹- کلیه دستگاه‌های تابعه قوه قضائیه، نظیر دیوان عدالت اداری، سازمان بازرسی کل کشور، سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، سازمان ثبت اسناد و املاک

کشور، سازمان پزشکی قانونی، سازمان قضایی نیروهای مسلح و مراجع ذی‌ربط در عفو و بخشودگی و سجل کیفری و روزنامه رسمی جمهوری اسلامی موظفند کلیه اطلاعات خود را در مرکز ملی داده‌های قوه قضائیه قرار دهند و آنها را روزآمد نگه دارند.

تبصره ۱ - آیین‌نامه اجرایی نحوه دسترسی به اطلاعات محرمانه و سری در مرکز ملی داده‌های قوه قضائیه توسط آن قوه تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

تبصره ۲ - مراجع انتظامی و سایر ضابطان و دستگاه‌ها، هیئت‌ها و کمیسیون‌های ذی‌ربط موظفند اطلاعات مرتبط با امور قضایی خود را در مرکز ملی داده‌های قوه قضائیه قرار دهند و آنها را روزآمد نگه دارند.

دیدگاه مغایرت

حکم مقرر در تبصره (۱) این ماده در خصوص تعیین نحوه دسترسی به اطلاعات محرمانه و سری نیازمند «قانون» است و نمی‌توان به موجب آیین‌نامه، حد و مرز دسترسی به این اطلاعات را معین کرد. به بیان دیگر مقررات‌گذاری در این زمینه، مشتمل بر تعیین ضوابطی است که جنبه‌ی تقنینی دارد و بر اساس اصل (۸۵) قانون اساسی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی و غیر قابل تفویض به غیر است. از این رو، تعیین این ضوابط باید توسط مجلس شورای اسلامی و با تصویب «قانون» صورت پذیرد. بر این اساس، به‌رغم جایگزینی «آیین‌نامه اجرایی» به جای «آیین‌نامه» در تبصره (۱) این ماده، با توجه به اینکه قانونی برای این آیین‌نامه تصویب نشده است، نمی‌توان مغایرت این مصوبه با اصل (۸۵) قانون اساسی را برطرف‌شده دانست.

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به اضافه شدن عبارت «آیین‌نامه اجرایی» در ابتدای تبصره (۱) این ماده و حذف عبارت «به‌موجب آیین‌نامه‌ای» از آن، ایراد شورای نگهبان در خصوص لزوم ذکر آیین‌نامه‌ی اجرایی که باید مطابق با قانون باشد، برطرف شده است. همچنین تصریح این تبصره به «آیین‌نامه اجرایی» حاکی از آن است که تهیه این آیین‌نامه بر اساس قوانین مربوط به آن صورت می‌پذیرد. به بیان دیگر، در تهیه‌ی این آیین‌نامه ضوابط قانونی مربوط به نحوه دسترسی به اطلاعات محرمانه و سری رعایت خواهند شد. لذا این ماده را نمی‌توان مغایر با اصل (۸۵) قانون اساسی دانست.

نظر شورای نگهبان

ماده (۸۹)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۹۰- قوه قضائیه موظف است به منظور ساماندهی ارتباطات الکترونیکی بین محاکم، ضابطان و دستگاه‌های تابعه خود و نیز سایر اشخاص حقیقی و حقوقی که در جریان دادرسی به اطلاعات آنها نیاز است، «شبکه ملی عدالت» را با به کارگیری تمهیدات امنیتی مطمئن از قبیل امضای الکترونیکی راه اندازی کند.

تبصره- مراجع قضایی می‌توانند استعلامات قضایی و کسب اطلاعات لازم را از طریق شبکه ملی عدالت به عمل آورند. در این صورت دستگاه‌های دولتی، نهادهای عمومی غیر دولتی و شخصیت‌های حقوقی بخش خصوصی موظفند پاسخ لازم را از طریق شبکه مزبور اعلام کنند.

مستکف از مفاد این تبصره مشمول ماده (۵۷۶) قانون مجازات اسلامی- کتاب پنجم تعزیرات مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ است.

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به حذف مفاد تبصره (۱) پیشین که طبق آن دستگاه‌های دولتی و نهادهای عمومی غیر دولتی به فراهم کردن سامانه‌های الکترونیکی، الزام شده بودند و با عنایت به اصلاح متن تبصره‌ی کنونی که طی آن، این دستگاه‌ها صرفاً از طریق شبکه‌ی ملی عدالت باید پاسخ لازم را اعلام کنند، ایراد پیشین شورای نگهبان در خصوص تداخل وظایف قوا (مغایرت با اصل ۵۷) برطرف شده است. همچنین با توجه به حذف تبصره (۲) از این ماده، ایراد شورای نگهبان در خصوص آن تبصره نیز سالبه به انتفای موضوع است.

نظر شورای نگهبان

ماده (۹۰)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۹۱- قوه قضائیه موظف است اطلاعات زیر را از طریق «درگاه ملی قوه قضائیه» ارائه کند و آنها را روزآمد نگه دارد.

الف- ...

ت- آراء صادره از سوی محاکم در صورتی که به تشخیص قاضی اجرای احکام، خلاف عفت عمومی یا امنیت ملی نباشد به صورت برخط (آنلاین) برای تحلیل و نقد صاحب‌نظران و متخصصان با حفظ حریم خصوصی اشخاص

ث- ...

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به افزودن عبارت «در صورتی که به تشخیص قاضی اجرای احکام، خلاف عفت عمومی یا امنیت ملی نباشد» در بند (ت) ماده (۹۱)، ایراد شورای نگهبان که همین موضوع را در بر می‌گرفت، برطرف شده است و از جهات دیگر نیز این ماده با ایرادی مواجه نیست.

نظر شورای نگهبان

ماده (۹۱)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۱۰۳- چنانچه جرم رایانه‌ای در صلاحیت دادگاه‌های ایران در محلی کشف یا گزارش شود، ولی محل وقوع آن معلوم نباشد، دادرسی محل کشف مکلف است تحقیقات مقدماتی را انجام دهد. در صورتی که محل وقوع جرم مشخص نشود، دادسرا پس از اتمام تحقیقات مبادرت به صدور قرار و در صورت اقتضا صدور کیفرخواست می‌کند و دادگاه مربوط نیز رأی مقتضی را صادر می‌کند.

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به افزودن عبارت «در صورت اقتضاء صدور کیفرخواست» به این ماده، تذکر شورای نگهبان در این خصوص اعمال شده است و این ماده با ایرادی مواجه نیست.

نظر شورای نگهبان

ماده (۱۰۳)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۱۰۵- ارائه‌دهندگان خدمات دسترسی موظفند داده‌های ترافیک را حداقل تا شش ماه پس از ایجاد حفظ نمایند و اطلاعات کاربران را حداقل تا شش ماه پس از خاتمه اشتراک نگهداری کنند.

تبصره ۱- ...

تبصره ۲- اطلاعات کاربر، هرگونه اطلاعات راجع به کاربر خدمات دسترسی از قبیل نوع خدمات، امکانات فنی مورد استفاده و مدت زمان آن، هویت، نشانی جغرافیایی یا پستی یا قرارداد اینترنت (IP)، شماره تلفن و سایر مشخصات فردی را شامل می‌شود.

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به افزودن عبارت «قرارداد اینترنت» در تبصره (۲) ماده (۱۰۵)، ایراد شورای نگهبان در خصوص لزوم استفاده از زبان فارسی در اسناد رسمی (مطابق با اصل ۱۵ قانون اساسی) برطرف شده است.

نظر شورای نگهبان

ماده (۱۰۵)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۱۱۰- تفتیش و توقیف داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی در حضور متصرفان قانونی یا اشخاصی که به نحوی آنها را تحت کنترل قانونی دارند، نظیر متصدیان سامانه‌ها انجام می‌شود. در صورت عدم حضور یا امتناع از حضور این افراد، قاضی با ذکر دلایل، دستور تفتیش و توقیف بدون حضور اشخاص مذکور را صادر می‌کند.

دیدگاه مغایرت

اطلاق حکم مقرر در ماده (۱۱۰) اصلاحی، در خصوص امکان تفتیش و توقیف داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی «در صورت عدم حضور یا امتناع از حضور» متصرفان قانونی یا اشخاصی که به نحوی این سامانه را تحت کنترل قانونی خود دارند، مغایر با موازین شرع است؛ زیرا چنانچه تفتیش و توقیف داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی، ضروری و فوری نباشد، عدم حضور یا امتناع از حضور این افراد، نمی‌تواند مجوزی برای تفتیش و توقیف این موارد باشد؛ چه آنکه ممکن است متصرفان قانونی یا اشخاصی که به نحوی داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی را تحت کنترل دارند، اطلاعات شخصی و خصوصی در سامانه‌های رایانه‌ای داشته باشند و عدم حضور یا امتناع آنها نیز موجه باشد. بنابراین عبارت «در صورت عدم حضور یا امتناع این افراد از حضور» باید مقید به مواردی شود که فرد دارای عذر موجهی نبوده است یا اینکه تفتیش و توقیف این داده‌ها یا سامانه‌ها، ضروری و فوری باشد.

نظر شورای نگهبان

در ماده (۱۱۰)، اطلاق «عدم حضور یا امتناع از حضور»، در صورتی که تفتیش ضروری و فوری نباشد، اشکال شرعی دارد.

ماده ۱۱۳- در توقیف داده‌ها، با رعایت تناسب، نوع، اهمیت و نقش آنها در ارتکاب جرم، به روش‌هایی از قبیل چاپ داده‌ها، تصویربرداری از تمام یا بخشی از داده‌ها، غیر قابل دسترس کردن داده‌ها با روش‌هایی از قبیل تغییر گذرواژه یا رمزنگاری و ضبط حامل‌های داده عمل می‌شود.

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به حذف واژه‌ی «کپی‌برداری» از متن ماده (۱۱۳)، ایراد شورای نگهبان در خصوص مغایرت این ماده با اصل (۱۵) قانون اساسی از جهت استفاده از واژگان بیگانه برطرف شده است و از جهات دیگر نیز این ماده با ایرادی مواجه نیست.

نظر شورای نگهبان

ماده (۱۱۳)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۱۱۴- در شرایط زیر سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی توقیف می‌شوند:

- الف- داده‌های ذخیره‌شده به سهولت در دسترس نباشد یا حجم زیادی داشته باشد.
- ب- تفتیش و تجزیه و تحلیل داده‌ها بدون سامانه سخت‌افزاری امکان‌پذیر نباشد.
- پ- متصرف قانونی سامانه رضایت داده باشد.
- ت- تصویربرداری از داده‌ها به لحاظ فنی امکان‌پذیر نباشد.
- ث- تفتیش در محل باعث آسیب داده‌ها شود.

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه حذف بند (ج) از این ماده (= سایر شرایطی که قاضی تشخیص دهد)، ایراد شورای نگهبان نسبت به این بند، سالبه به انتفای موضوع است. همچنین با عنایت به جایگزین شدن عبارت «تصویربرداری» به جای عبارت «کپی‌برداری» در بند (ت)، ایراد شورای نگهبان در خصوص مغایرت این ماده با اصل (۱۵) قانون اساسی از جهت استفاده از واژگان بیگانه برطرف شده است و از جهات دیگر نیز این ماده با ایرادی مواجه نیست.

نظر شورای نگهبان

ماده (۱۱۴)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۱۱۷- توقیف داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی که موجب ایراد لطمه جانی یا خسارات مالی شدید به اشخاص یا اخلال در ارائه خدمات عمومی شود ممنوع است، مگر اینکه توقیف برای اجرای موضوع اهم نظیر حفظ امنیت کشور ضرورت داشته باشد.

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به اضافه شدن عبارت «مگر اینکه توقیف برای اجرای موضوع اهم نظیر حفظ امنیت کشور ضرورت داشته باشد» در انتهای این ماده، ایراد شورای نگهبان در خصوص اطلاق حکم ممنوعیت مذکور در این ماده، برطرف شده است و از جهات دیگر نیز این ماده با ایرادی مواجه نیست.

نظر شورای نگهبان

ماده (۱۱۷)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۱۲۱- کنترل محتوای در حال انتقال ارتباطات غیر عمومی در سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی مطابق مقررات راجع به کنترل ارتباطات مخابراتی مقرر در آیین دادرسی کیفری است.

تبصره- دسترسی به محتوای ارتباطات غیر عمومی ذخیره‌شده، نظیر پیام‌نگار (ایمیل) یا پیامک در حکم کنترل و مستلزم رعایت مقررات مربوط است.

دیدگاه عدم مغایرت

با عنایت به جایگزین شدن واژه‌ی «پیام‌نگار (ایمیل)» به جای واژه‌ی «پست الکترونیکی» در تبصره‌ی این ماده، ایراد شورای نگهبان در خصوص مغایرت این ماده با اصل (۱۵) قانون اساسی از جهت استفاده از واژگان بیگانه برطرف شده است و این ماده با ایرادی مواجه نیست.

نظر شورای نگهبان

ماده (۱۲۱)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده (۱۲۵) حذف می‌شود.

دیدگاه عدم مغایرت

ایراد پیشین شورای نگهبان نسبت به ماده (۱۲۵)، با توجه به حذف این ماده، سالبه به انتفای موضوع است.

نظر شورای نگهبان

با توجه به حذف ماده (۱۲۵)، بررسی موضوع از حیث مغایرت با قانون اساسی و موازین شرع، سالبه به انتفای موضوع است.

ماده ۱۲۷- آیین‌نامه اجرایی مربوط به چگونگی جمع‌آوری و استنادپذیری ادله الکترونیکی ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط وزیر دادگستری با همکاری وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

دیدگاه مغایرت

الف) یکی از ایرادهای پیشین شورای نگهبان در خصوص ماده (۱۲۷)، مغایرت آن با اصل (۸۵) قانون اساسی از جهت تقنینی بودن امور مربوط به چگونگی جمع‌آوری و استنادپذیری ادله الکترونیکی بود که بیان شد این امور نمی‌تواند در قالب آیین‌نامه ساماندهی شود. با توجه به اینکه مجلس در ماده (۱۲۷) اصلاحی، صرفاً با جایگزینی عبارت «آیین‌نامه اجرایی» به جای «آیین‌نامه» درصدد رفع این ایراد برآمده است، ایراد مغایرت این مصوبه با اصل (۸۵) قانون اساسی همچنان باقی مانده است؛ زیرا تعیین امور مربوط به چگونگی جمع‌آوری و استنادپذیری ادله الکترونیکی، نیازمند ضابطه‌گذاری و تقنین است که باید توسط خود مجلس به انجام رسد و سپس آیین‌نامه‌ی اجرایی در راستای آن مصوبه‌ی مجلس تهیه شود. بر این اساس، این ماده همچنان از حیث واگذاری قانون‌گذاری به رئیس قوه قضائیه، مغایر با اصل (۸۵) قانون اساسی است. ماده (۱۲۲) این مصوبه نیز مبنیاً بر این ایراد، همچنان دارای ایراد خواهد بود.

ب) همان‌طور که در بخشی از ایراد شورای نگهبان نسبت به ماده (۱۲۷) بیان شد، «اطلاق تصویب آیین‌نامه مزبور در قسمت اخیر این ماده از سوی هیئت وزیران در مواردی که آیین‌نامه مربوط جنبه قضایی دارد، مغایر اصل (۱۵۸) قانون اساسی شناخته شد.» به بیان دیگر، بخشی از آیین‌نامه‌ی مصرح در این مصوبه، جنبه‌ی قضایی دارد که باید به تصویب رئیس قوه قضائیه برسد و بخش‌های دیگر آن که مربوط به قوه مجریه است، باید به تصویب هیئت وزیران برسد. لذا

ذیل این ماده‌ی اصلاحی، از این حیث که آیین‌نامه‌گذاری در موارد مربوط به قوه‌ی مجریه را به رئیس قوه‌ی قضائیه واگذار کرده است، تداخل در وظایف قوا است و مغایر با اصل (۵۷) قانون اساسی در خصوص استقلال قوا از یکدیگر است.

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به حذف عبارت «به تصویب هیئت وزیران برسد» از انتهای این ماده و اضافه شدن «تصویب» رئیس قوه‌ی قضائیه، ایراد شورای نگهبان در خصوص قضایی بودن این آیین‌نامه و لزوم تصویب آن توسط رئیس قوه‌ی قضائیه برطرف شده و این ماده با ایرادی مواجه نیست. ضمن اینکه باید توجه داشت که این آیین‌نامه مربوط به چگونگی جمع‌آوری و استنادپذیری ادله‌ی الکترونیکی است و لذا مفاد آن، کاملاً قضایی است و بر این اساس، نمی‌توان صرفاً بخش‌هایی از آن را منوط به تصویب رئیس قوه‌ی قضائیه دانست.

نظر شورای نگهبان

قسمت اول اشکال بند (۲۸) قبلی این شورا در خصوص مغایرت ماده (۱۲۷) با اصل (۸۵) قانون اساسی کماکان به قوت خود باقی است.

ماده ۱۳۰- در صورت وجود دلیل کافی دایر بر توجه اتهام به شخص حقوقی و در صورت اقتضاء، منحصراً صدور قرارهای تأمینی زیر امکان‌پذیر است. این قرارها ظرف ده روز پس از ابلاغ، قابل اعتراض در دادگاه صالح است.

الف- قرار ممنوعیت انجام بعضی از فعالیت‌های شغلی که زمینه ارتکاب مجدد جرم را فراهم می‌کند.

ب- قرار منع تغییر ارادی در وضعیت شخص حقوقی از قبیل انحلال، ادغام و تبدیل که باعث دگرگونی یا از دست دادن شخصیت حقوقی آن شود. تخلف از این ممنوعیت موجب یک یا دو نوع از مجازات‌های تعزیری درجه هفت یا هشت برای مرتکب است و اقدامات انجام‌شده برخلاف قرار مزبور فاقد اثر قانونی است.

دیدگاه مغایرت

ایراد پیشین شورای نگهبان به بند (ب) ماده (۱۳۰)، مغایرت اطلاق آن با موازین شرع از جهت باطل اعلام کردن عملیات حقوقی شرکت در هنگام صدور قرار منع تغییر ارادی شخص حقوقی بود. در این مصوبه‌ی اصلاحی، مجلس با تغییر عبارت «بطلان عملیات حقوقی» به عبارت «فاقد اثر

قانونی»، درصدد رفع این ایراد برآمده است، حال آنکه چنین تغییری موجب تغییر مفاد آن نمی‌شود. به بیان دیگر، یکی از مهمترین آثار قانونی معامله، صحت و نفوذ معامله است و بدین لحاظ در صورتی که معامله‌ای فاقد اثر قانونی دانسته شود، در واقع آن معامله باطل فرض شده است. بر این اساس، ایراد پیشین شورا در خصوص مغایرت شرعی اطلاق حکم مقرر در این بند، نسبت به مواردی که عامل، اختیار قانونی برای تغییر در وضعیت شخص حقوقی دارد، همچنان پابرجا است.

نظر شورای نگهبان

در بند (ب) ماده (۱۳۰)، علی‌رغم اصلاح به عمل آمده، اشکال سابق این شورا کماکان به قوت خود باقی است.

ماده ۱۳۶- در مواردی که مقررات ویژه‌ای برای دادرسی جرائم اشخاص حقوقی مقرر شده است مطابق مقررات عمومی آیین دادرسی کیفری که در مورد این اشخاص قابل اجراء است اقدام می‌شود.

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به اصلاح کلی به عمل آمده در ماده (۱۳۶)، اشکال عبارتی که در مصوبه‌ی پیشین وجود داشت، در این مصوبه‌ی اصلاحی برطرف شده و از جهات دیگر نیز این ماده با ایرادی مواجه نیست.

نظر شورای نگهبان

ماده (۱۳۶)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۱۳۷- دولت موظف است به تکالیف مقرر در اجرای احکام مواد (۸۸)، (۹۰) و (۹۲) تا (۹۴) با توجه به بندهای (ح) و (ف) ماده (۲۱۱)^(۱) در مدت باقی‌مانده قانون

۱. بند (ح) و (ف) ماده (۲۱۱) قانون برنامه پنج‌ساله توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰) مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۲۵: «ماده ۲۱۱-

الف- ...

ح- به منظور افزایش سرعت و کارایی در ارائه خدمات حقوقی و قضایی، قوه قضائیه مکلف است اقدامات زیر را برای توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات انجام دهد:

برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران اقدام نماید. بار مالی اضافی ناشی از اجرای این قانون از محل افزایش درآمدهای قانون آیین دادرسی کیفری تأمین می‌گردد.

دیدگاه مغایرت

الف) هر چند برخی مفاد مواد (۸۸)، (۹۰) و (۹۲) تا (۹۴) این مصوبه در قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی پنجم توسعه نیز مقرر شده است ولی الزام دولت به اقدام در خصوص بندهای (ح) و (ف) ماده (۲۱۱) قانون برنامه پنجم، نمی‌تواند مغایرت مواد این مصوبه با اصل (۷۵) قانون اساسی را از حیث عدم تعیین محل تأمین هزینه‌های اجرایی آن، برطرف کند؛^(۱) زیرا قوانین برنامه، قوانینی کلی هستند که تکالیفی کلی را مشخص می‌کند و تا وقتی که برای آنها بودجه‌ی مشخصی پیش‌بینی نشود، امکان اجرای عملی آنها وجود ندارد. بر همین اساس بوده است که شورای نگهبان تا کنون در لوایح برنامه، اصلاحات و پیشنهادهای نمایندگان را در صورت داشتن بار مالی، مغایر با اصل (۷۵) اعلام نمی‌کرده است. بر این اساس، تا وقتی که اعتباری برای این برنامه‌ها، در قوانین بودجه‌ی سالانه پیش‌بینی نشود، نمی‌توان آن برنامه‌ها را لازم‌الاجراء دانست. در این ماده نیز علی‌رغم اشاره به قانون برنامه، تا زمانی که به طور مشخص در قانون بودجه برای این امور، بودجه‌ای اختصاص داده نشود، نمی‌توان آنها را قابل اجرا دانست و ایراد مغایرت با اصل (۷۵) طرح‌های قانونی را نیز نمی‌توان با این توجیه، برطرف‌شده تلقی کرد. با این توضیح، درج عبارتی همچون «از محل قانون برنامه» را نمی‌توان محل تأمین هزینه‌های اجرایی «طرح‌های مصوب» دانست و لذا مفاد ماده (۱۳۷) اصلاحی را نیز نمی‌توان به عنوان تأمین‌کننده‌ی هزینه‌های اجرایی این مصوبه پذیرفت. از این رو، مواد (۸۸)، (۹۰) و (۹۲) تا (۹۴) این مصوبه، همچنان از حیث

→

۱- سامانه‌های عملیاتی و توسعه سطح استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات به‌ویژه سامانه مدیریت پرونده‌های قضایی، راه‌اندازی مرکز ملی داده‌های قوه قضائیه، اجراء و تکمیل سامانه مدیریت امنیت اطلاعات، عرضه خدمات حقوقی الکترونیک به مردم، استفاده از فناوری اطلاعات در برقراری ارتباط بین مراجع قضایی و سایر نهادهای تابعه یا مرتبط از قبیل سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، سازمان زندان‌ها، سازمان پزشکی قانونی راه‌اندازی، گسترش و ارتقاء باید.

۲- سازمان ثبت اسناد و املاک کشور مکلف است به‌منظور ارتقاء ضریب امنیت در اسناد مالکیت، کاهش پرونده‌های مرتبط با اسناد در محاکم قضایی، رقومی نمودن اقلام اطلاعاتی سند و اجرایی نمودن ثبت نوین با استفاده از فناوری اطلاعات، نسبت به تعویض اسناد مالکیت اقدام کند.

...

ف- دولت در طول برنامه، اعتبارات لازم برای اجرای تکالیف مقرر در این ماده را در قالب بودجه سنواتی پیش‌بینی می‌نماید.

۱. جهت مشاهده‌ی جزئیات بیشتر، به استدلال‌های مطرح در مرحله‌ی اول، ذیل مواد مربوطه مراجعه شود.

افزایش هزینه‌های عمومی و عدم پیش‌بینی محل تأمین این هزینه‌ها، با اصل (۷۵) قانون اساسی مغایرت دارند.

ب) هر چند در متن ماده (۱۳۷) اصلاحی مقرر شده که «بار مالی اضافی ناشی از اجرای این قانون از محل افزایش درآمدهای قانون آیین دادرسی کیفری تأمین می‌گردد»، ولی افزایش درآمدهای قانون آیین دادرسی کیفری امری ثابت شده نیست؛ زیرا قبلاً نیز هزینه‌های دادرسی وجود داشته و درآمد ناشی از آن به خزانه واریز می‌شده و محل مصرف آن نیز مشخص بوده است و در حال حاضر نیز باید این هزینه‌ها به خزانه واریز شوند. بر این اساس، محل افزایش درآمدهای قانون آیین دادرسی کیفری را نمی‌توان منبع جدیدی دانست. ضمن اینکه بند (پ) ماده (۱۲) این مصوبه در خصوص ایجاد دادگاه تجدید نظر نظامی با توجه به افزایش هزینه‌های عمومی و عدم تعیین محل تأمین هزینه‌های آن، همچنان مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است که طرح‌های قانونی را در صورت افزایش هزینه‌های عمومی، نیازمند تعیین محل تأمین هزینه‌ها می‌داند.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) با توجه به تصریح ماده (۱۳۷) اصلاحی به الزام دولت برای اقدام در خصوص بندهای (ح) و (ف) ماده (۲۱۱) قانون برنامه‌ی پنجم در مدت باقی‌مانده‌ی اجرای این قانون، که مربوط به مواد (۸۸)، (۹۰) و (۹۲) تا (۹۴) این مصوبه هستند و برخی از تکالیف آن در مواد این مصوبه تکرار شده‌اند، قانون برنامه از حالت کلی آن خارج شده و به طور مصداقی برای آن تکلیف معین شده است. بر این اساس، دولت موظف است در راستای اجرای این مقررات برنامه پنجم، در بودجه‌ی سال ۱۳۹۴ خود، برای این امور بودجه اختصاص دهد. این قانون نیز عملاً از سال ۱۳۹۴ اجرایی می‌شود و لذا مواد (۸۸)، (۹۰) و (۹۲) تا (۹۴) که از حیث افزایش هزینه‌های عمومی و عدم پیش‌بینی محل تأمین هزینه‌های آن مغایر با اصل (۷۵) اعلام شده بود، در حال حاضر با ایرادی مواجه نیستند.

در خصوص ماده (۱۱) این مصوبه یعنی هم‌ترازی حقوق و مزایای قضات نظامی با قضات دادگستری نیز، چون در حال حاضر حقوق و مزایای این افراد از بودجه پرداخت می‌شود، اساساً حکم ماده (۱۱) متضمن امر جدیدی نیست تا هزینه‌ی جدیدی ایجاد کرده باشد و نیازمند تعیین محل تأمین هزینه باشد. لذا این ماده نیز مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی نیست.

درباره بند (پ) ماده (۱۲) این مصوبه یعنی ایجاد دادگاه تجدید نظر نظامی نیز باید به چند نکته توجه کرد: نخست اینکه با توجه به وجود دادگاه‌های کیفری یک که برخی امور تجدید نظر را انجام می‌دهند، تشکیل دادگاه تجدید نظر نظامی باعث می‌شود تا بخشی از تشکیلات دادگاه‌های کیفری یک به این دادگاه انتقال یابد و لذا هزینه‌ی جدیدی از این جهت برای دولت ایجاد نخواهد شد.

از سوی دیگر در ماده (۱۳۷) اصلاحی بیان شده است که بار مالی اضافی ناشی از اجرای این قانون از محل افزایش درآمدهای قانون آیین دادرسی کیفری تأمین می‌شود. بر این اساس، چنانچه ایجاد دادگاه‌های تجدید نظر نظامی مستلزم هزینه‌ی جدیدی برای دولت هم باشد، با مشخص شدن محل تأمین این هزینه‌ها در ماده (۱۳۷) اصلاحی، ایراد مغایرت این مصوبه با اصل (۷۵) قانون اساسی برطرف شده است.

ب) در تصویب قوانین برنامه‌ی توسعه نیز باید بودجه‌ی مقررات آن مدّ نظر قرار گیرد و صرفاً در حالتی می‌توان اقدام به تهیه برنامه کرد که بودجه‌ی آن ولو به طور تخمینی محاسبه شود. شورای نگهبان نیز باید موادی از قوانین برنامه را که توسط نمایندگان مجلس به لایحه اضافه شده‌اند، از حیث عدم افزایش هزینه عمومی و کاهش درآمد عمومی مورد بررسی قرار دهد؛ زیرا در اصل (۷۵) قانون اساسی به کلیه طرح‌ها و پیشنهادها و اصلاحاتی که نمایندگان در خصوص لوایح قانونی عنوان می‌کنند، اشاره شده است و قوانین برنامه از آن مستثنی نشده‌اند. بر این اساس، نمی‌توان قوانین برنامه را قوانینی کلی دانست که اصل (۷۵) در آنها لازم‌الرعايه نباشد و سپس تکرار مفاد قوانین برنامه در طرح‌های قانونی نمایندگان را با ایراد اصل (۷۵) مواجه کرد و تأیید آنها را مستلزم پیش‌بینی محل تأمین بودجه‌ی آنها دانست؛ بلکه باید گفت با تصویب قوانین برنامه، مفاد مصوبات آن لازم‌الاجراء هستند و نمایندگان مجلس می‌توانند بدون الزام به پیش‌بینی محل تأمین بودجه‌ی آنها، در سایر مصوبات خود آنها را تشریح و تبیین کنند. بر این اساس، ماده‌ی مزبور که به الزام دولت به اجرای برخی مقررات قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی پنجم توسعه حکم کرده و محل تأمین بودجه‌ی لازم برای اجرای آن را از بودجه‌ی مقرر شده برای اجرای برنامه‌ی پنجم تعیین کرده است، در واقع هزینه‌ای جدید ایجاد نکرده است تا نیازمند تعیین محل تأمین هزینه باشد. از این رو، مواد (۸۸)، (۹۰) و (۹۲) تا (۹۴) این مصوبه را نمی‌توان مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی دانست.

نظر شورای نگهبان

ماده (۱۳۷)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۱۳۸- از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، ماده واحده قانون راجع به تجویز دادرسی غیابی در امور جنایی مصوب ۱۳۳۹/۳/۲، قانون دادرسی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴/۲/۲۲ به‌جز مواد (۴)، (۸) و (۹) آن قانون، قانون تشکیل دادگاه‌های کیفری (یک و دو) و شعب دیوان عالی کشور مصوب ۱۳۶۸/۴/۲۰

قانون تجدیدنظر آرای دادگاه‌ها مصوب ۱۳۷۲/۵/۱۶، مواد (۷۵۶) الی (۷۷۹) الحاقی مورخ ۱۳۸۸/۳/۵ به قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) و ماده (۵۶۹) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ و اصلاحات و الحاقات بعدی آنها ملغی است. این ماده پس از لازم الاجراء شدن در ماده (۵۷۰) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ ادغام می‌شود.

دیدگاه مغایرت

بر اساس اصل (۹۴) قانون اساسی، کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی باید به شورای نگهبان فرستاده شود تا از نظر انطباق بر موازین اسلام و قانون اساسی بررسی شوند. ادغام مواد مصوب مجلس شورای اسلامی در یکدیگر به نوعی قانون‌گذاری محسوب می‌شود که نیازمند اظهار نظر شورای نگهبان در خصوص مغایرت یا عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی است؛ ضمن اینکه اساساً مشخص نیست نحوه‌ی این ادغام به چه صورت انجام خواهد شد تا شورای نگهبان بتواند نسبت به آن، نفیاً یا اثباتاً اعلام نظر کند. بر این اساس، مجلس باید به هر نحو که مصلحت می‌داند ماده (۱۳۸) را با ماده (۵۷۰) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ ادغام کند و سپس متن ادغام‌شده را به شورای نگهبان ارسال کند تا شورای نگهبان بر اساس اصل (۹۴) قانون اساسی نسبت به متن جدید اظهار نظر کند.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) با توجه به حذف «قانون تعیین حدود صلاحیت دادرها و دادگاه‌های نظامی کشور مصوب ۱۳۷۳/۵/۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام» و «قانون تفسیر ماده (۳) قانون مذکور مصوب ۱۳۷۴/۶/۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام» از این ماده، ایراد شورای نگهبان در خصوص عدم امکان نقض مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام توسط مجلس، به لحاظ مغایرت این اقدام با بند (۸) اصل (۱۱۰) قانون اساسی، برطرف شده و این ماده با ایرادی مواجه نیست.

ب) عبارت «ادغام می‌شود» در این ماده جزئی از این مصوبه است و بدین معنا است که ماده (۱۳۸) این مصوبه در ماده (۵۷۰) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ ادغام‌شده محسوب می‌شوند، نه اینکه بعداً این مواد در یکدیگر ادغام شوند. بنابراین ماده‌ی مزبور را نمی‌توان از حیث موکول کردن قانون‌گذاری به آینده و عدم بررسی آن در شورای نگهبان، مغایر با اصل (۹۴) قانون اساسی دانست.

نظر شورای نگهبان

در ماده (۱۳۸)، متن ادغام‌شده ارسال تا اظهار نظر ممکن گردد.

ماده ۱۳۹- این قانون با رعایت ترتیب شماره مواد به عنوان بخش‌های هفتم، هشتم، نهم و دهم قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ الحاق و بخش هفتم قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ به عنوان بخش یازدهم تعیین می‌شود و مقررات هر دو قانون از تاریخ ۱۳۹۴/۴/۱ لازم الاجراء است.

تبصره- در اجرای حکم این ماده، شماره مواد این قانون و بخش هفتم قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ در زمان ابلاغ به دولت تعیین و اصلاح می‌شود.

نظر شورای نگهبان

لازم است مفاد قسمت اول ماده (۱۳۹)، با اصلاحاتی که در اجرای اشکالات معموله در این نامه انجام می‌شود، اعمال و همزمان به این شورا ارسال گردد.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۳/۷/۸ (مرحله سوم)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۷/۳۰

ماده ۵۹۸- به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی اعضای نیروهای مسلح به‌جز جرائم در مقام ضابط دادگستری در سازمان قضایی رسیدگی می‌شود.

...

تبصره ۴- جرم در مقام ضابط دادگستری، جرمی است که ضابطان در حین انجام وظایف قانونی خود در ارتباط با جرائم مشهود و یا در راستای اجرای دستور مقام قضایی دادگستری مرتکب می‌شوند.

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به جایگزین شدن واژه‌ی «ضابطان» به‌جای عبارت «ضابط آن» در تبصره (۴) این ماده، تذکر شورای نگهبان در این خصوص اعمال شده است و از جهات دیگر نیز این ماده با ایرادی مواجه نیست.

نظر شورای نگهبان

ماده (۵۹۸)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

- ماده ۶۲۴- در زمان جنگ، صدور قرار بازداشت موقت با رعایت مقررات مندرج در این قانون در موارد زیر الزامی است:
- الف- ...
- ح- فرار از محل مأموریت یا منطقه درگیری در جریان عملیات علیه عوامل خرابکار، ضد انقلاب، اشرار و قاچاقچیان مسلح
- خ- ...

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به جایگزین شدن واژه‌ی «اشرار» به جای واژه «شرار»، تذکر شورای نگهبان در این خصوص اعمال شده است و این ماده از جهات دیگر نیز با ایرادی مواجه نیست.

نظر شورای نگهبان

ماده (۶۲۴)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۶۵۸- به منظور ساماندهی پرونده‌ها و اسناد قضایی و ارائه بهتر خدمات قضایی و دستیابی روزآمد به آمار و گردش کار قضایی در سراسر کشور و همچنین ارائه آمار و اطلاعات دقیق و تفصیلی در خصوص جرائم، متهمان، بزه‌دیدگان و مجرمان و سایر اطلاعات قضایی، «مرکز ملی داده‌های قوه قضائیه» در مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه با استفاده از افراد موثق راه‌اندازی می‌شود.

تبصره ۱- ...

تبصره ۲- اسناد، مدارک و اطلاعات این مرکز با رعایت قوانین و مقررات به موجب آیین‌نامه‌ای که ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط شورا تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد، در اختیار مراکز علمی، پژوهشکده‌ها و پژوهشگران قرار می‌گیرد. استفاده از اسناد، مدارک و اطلاعات مزبور نباید موجب هتک حرمت و حیثیت اشخاص شود. انتشار اطلاعات مربوط به هویت افراد مرتبط با دادرسی از قبیل نام، نام خانوادگی، شماره پستی و شماره ملی آنان جز در مواردی که قانون تجویز کند، ممنوع است.

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به جایگزین شدن عبارت‌های «شماره پستی» و «شماره ملی» به جای عبارت‌های «کد پستی» و «کد ملی» در تبصره (۲) این ماده، ایراد شورای نگهبان در خصوص مغایرت این ماده با اصل (۱۵) قانون اساسی از جهت استفاده از واژگان بیگانه برطرف شده است و از جهات دیگر نیز این ماده با ایرادی مواجه نیست.

نظر شورای نگهبان

ماده (۶۵۸)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۶۸۰- تفتیش و توقیف داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی در حضور متصرفان قانونی یا اشخاصی که به نحوی آنها را تحت کنترل قانونی دارند، نظیر متصدیان سامانه‌ها انجام می‌شود. در صورت عدم حضور یا امتناع از حضور آنان، چنانچه تفتیش یا توقیف ضرورت داشته باشد یا فوریت امر اقتضاء کند، قاضی با ذکر دلایل، دستور تفتیش و توقیف بدون حضور اشخاص مذکور را صادر می‌کند.

دیدگاه عدم مغایرت

با عنایت به اضافه شدن عبارت «چنانچه تفتیش یا توقیف ضرورت داشته باشد یا فوریت امر اقتضاء کند» به این مصوبه‌ی اصلاحی، ایراد شورای نگهبان در خصوص مغایرت شرعی اطلاق حکم کلی مقرر در مصوبه‌ی پیشین با موازین شرع، در مواردی که تفتیش و توقیف ضرورت یا فوریت نداشته باشد، برطرف شده است و از جهات دیگر نیز این ماده با ایرادی مواجه نیست.

نظر شورای نگهبان

ماده (۶۸۰)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۶۹۲- آیین‌نامه اجرایی نحوه نگهداری و مراقبت از ادله الکترونیکی جمع‌آوری شده ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط وزیر دادگستری با همکاری وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

دیدگاه عدم مغایرت

این ماده که قبلاً با شماره ماده (۱۲۲) تصویب شده بود، با توجه به ایرادی که ماده (۱۲۷) داشت،

مبنیاً بر آن، دارای ایراد دانسته شده بود. در حال حاضر، ماده (۶۹۷) این مصوبه (ماده ۱۲۷ سابق) حذف شده است و قسمت عمده‌ی مفاد آن به‌جز بحث استنادپذیری ادله‌ی الکترونیکی به این ماده انتقال یافته است و مفاد قبلی ماده (۱۲۲) نیز تغییر یافته است. با توجه به اینکه ایراد پیشین شورای نگهبان، ناظر بر مغایرت این مصوبه با اصل (۸۵) قانون اساسی از جهت تقنینی بودن امر «استنادپذیری» و ناموجه بودن تعیین تکلیف این موضوع در قالب آیین‌نامه بود و با عنایت به اینکه در این ماده، موضوع «استنادپذیری ادله الکترونیکی» حذف شده است و صرفاً تعیین نحوه‌ی نگهداری و مراقبت از ادله‌ی الکترونیکی جمع‌آوری شده به «آیین‌نامه‌ی اجرایی» محول شده است، ایراد پیشین شورا در این خصوص برطرف شده است.

نظر شورای نگهبان

ماده (۶۹۲)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده (۶۹۷) و تبصره آن حذف شد.

دیدگاه عدم مغایرت

ایراد پیشین شورای نگهبان نسبت به ماده‌ی مزبور (ماده ۱۲۷ سابق)، با توجه به حذف این ماده، سالبه به انتفای موضوع است.

نظر شورای نگهبان

با توجه به حذف ماده (۶۹۷)، بررسی موضوع از حیث مغایرت با قانون اساسی و موازین شرع، سالبه به انتفای موضوع است.

ماده ۷۰۰- در صورت وجود دلیل کافی دایر بر توجه اتهام به شخص حقوقی و در صورت اقتضاء، منحصراً صدور قرارهای تأمینی زیر امکان‌پذیر است. این قرارها ظرف ده روز پس از ابلاغ، قابل اعتراض در دادگاه صالح است.

الف- قرار ممنوعیت انجام بعضی از فعالیت‌های شغلی که زمینه ارتکاب مجدد جرم را فراهم می‌کند.

ب- قرار منع تغییر ارادی در وضعیت شخص حقوقی از قبیل انحلال، ادغام و تبدیل که باعث دگرگونی یا از دست دادن شخصیت حقوقی آن شود. تخلف از این ممنوعیت موجب یک یا دو نوع از مجازات‌های تعزیری درجه هفت یا هشت برای مرتکب است.

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به حذف عبارت «و اقدامات انجام شده برخلاف قرار مزبور، فاقد اثر قانونی است»، از انتهای بند (ب) این ماده، ایراد شرعی شورای نگهبان که نسبت به این قسمت از ماده بود، برطرف شده است و از جهات دیگر نیز این ماده با ایرادی مواجه نیست.

نظر شورای نگهبان

ماده (۷۰۰)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۱۳۸- از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، ماده واحده قانون راجع به تجویز دادرسی غیابی در امور جنایی مصوب ۱۳۳۹/۳/۲، قانون دادرسی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴/۲/۲۲ به‌جز مواد (۴)، (۸) و (۹) آن قانون، قانون تشکیل دادگاه‌های کیفری (یک و دو) و شعب دیوان عالی کشور مصوب ۱۳۶۸/۴/۲۰، قانون تجدیدنظر آرای دادگاه‌ها مصوب ۱۳۷۲/۵/۱۶، مواد (۷۵۶) الی (۷۷۹) الحاقی مورخ ۱۳۸۸/۳/۵ به قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) و ماده (۵۶۹) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ و اصلاحات و الحاقات بعدی آنها ملغی است.

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به حذف عبارت «این ماده پس از لازم‌الاجراء شدن در ماده (۵۷۰) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ ادغام می‌شود» از انتهای این ماده، ایراد شورای نگهبان که در خصوص این قسمت از ماده بود، برطرف شده است و از جهات دیگر نیز این ماده با ایرادی مواجه نیست.

نظر شورای نگهبان

ماده (۷۰۸)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس در خصوص طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی، با توجه به اصلاحات به‌عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

قانون اصلاح موادی از قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور

مصوب ۱۳۹۳/۷/۱۵

درباره‌ی قانون

طرح «دائمی شدن قانون اصلاح موادی از قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۸۷» توسط تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به قصد پایان دادن به اجرای آزمایشی این قانون و دائمی کردن مفاد آن با قید یک فوریت تقدیم مجلس شد. در مقدمه‌ی توجیهی این طرح، ضرورت ارائه‌ی آن به صورت زیر تبیین شده است: «قانون اصلاح موادی از قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور در اجرای اصل هشتاد و پنجم (۸۵) قانون اساسی، برای سه سال و به صورت آزمایشی در تاریخ ۱۳۸۷/۴/۱۷ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. سه سال اجرای آزمایشی این قانون، در حال پایان یافتن است و بررسی‌ها نشان می‌دهد که اجرای آن، نتایج مطلوبی داشته و یا زمینه را برای اقدامات اثربخش فراهم کرده است. برخی نتایج آن عبارت است از: نظارت‌های قبل، حین و بعد از انجام بر معاملات، مناقصه‌ها و مزایده‌ها، همکاری بهتر دستگاه‌های نظارتی و نیز اطلاع‌رسانی فعالیت‌ها به شیوه مناسب‌تر. از این رو ضروری است این قانون اصلاحی، به استناد اصل هشتاد و پنجم (۸۵) قانون اساسی و قسمت آخر تبصره (۱) ماده (۱۶۸) آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی (اصلاحی ۱۳۸۷/۹/۲۶) به موجب ماده واحده زیر، بدون تغییر، با قید یک فوریت به تصویب برسد و دائمی شود.»

پس از اعلام وصول این طرح در مجلس شورای اسلامی، نمایندگان به فوریت بررسی این طرح در مجلس رأی ندادند. بر این اساس، این طرح برای رسیدگی به صورت عادی و یک شوری در تاریخ ۱۳۹۱/۴/۷ به کمیسیون قضایی و حقوقی، به عنوان کمیسیون اصلی ارسال شد که کمیسیون مزبور، آن را در جلسات متعدد با اصلاحاتی در عنوان و متن به تصویب رساند و گزارش آن را به مجلس ارائه کرد. نمایندگان مجلس شورای اسلامی پس از در دستور قرار گرفتن بررسی این طرح در صحن علنی مجلس، در نهایت در تاریخ ۱۳۹۳/۲/۱۷ با انجام اصلاحاتی در عنوان و متن، آن را با عنوان «طرح اصلاح موادی از قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور» به تصویب رساندند و برای طی روند قانونی مذکور در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۳۲/۱۰۵۵۴ مورخ ۱۳۹۳/۲/۲۲ به شورای نگهبان ارسال کردند. شورای نگهبان در مورخ ۱۳۹۳/۲/۳۱ با تشکیل جلسه و بررسی این مصوبه، مفاد آن را در برخی موارد دارای ابهام و در برخی موارد مغایر با اصول قانون اساسی از جمله اصل (۵۴)، (۵۵)، (۵۷)، (۵۸)، (۶۰)، (۷۶)،

(۸۷)، (۹۰)، (۱۵۶)، (۱۶۱)، (۱۷۳) و (۱۷۴) تشخیص داد و آن را برای اصلاح به مجلس بازگرداند. نظر شورای نگهبان در این خصوص، طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۸۴۸ مورخ ۱۳۹۳/۳/۵ به مجلس اعلام شد. کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس در بررسی مجدد برای رفع ایرادات شورای نگهبان، اصلاحاتی را در مواد مورد اشکال و ابهام، اعمال و در تاریخ ۱۳۹۳/۴/۱۷ گزارش آن را به مجلس ارائه کرد که نمایندگان مجلس در جلسه‌ی علنی مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۹ آن را به تصویب رساندند. مصوبه‌ی اصلاحی مجلس طی نامه‌ی شماره ۳۲/۲۹۴۳۶ مورخ ۱۳۹۳/۴/۳۱ برای اظهار نظر به شورای نگهبان ارسال شد. پس از وصول مصوبه‌ی اصلاحی به شورای نگهبان، این شورا با تشکیل جلسه در تاریخ ۱۳۹۳/۵/۱۵، همچنان در یک مورد ایراد مغایرت با قانون اساسی را در این مصوبه باقی دانست و ضمن اعلام نظر خویش طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۷۲۴ مورخ ۱۳۹۳/۵/۱۹، آن را برای رفع ایراد باقی‌مانده به مجلس برگشت داد. نمایندگان مجلس شورای اسلامی برای رفع ایرادهای شورای نگهبان، این بار در جلسه‌ی علنی مورخ ۱۳۹۳/۷/۱۵ اصلاحات لازم را در مواد واجد ایراد اعمال کردند و مصوبه‌ی اصلاحی را طی نامه‌ی شماره ۳۲/۴۸۴۸۸ مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۰ به شورای نگهبان ارسال کردند. شورای نگهبان نیز بررسی مصوبه‌ی اصلاحی را در دستور جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۳۰ خود قرار داد که اعضای شورا پس از بحث و بررسی نسبت به مصوبه‌ی اصلاحی، ایرادهای پیشین شورا را برطرف‌شده تشخیص دادند و با اعلام عدم مغایرت مفاد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی، نظر خویش را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۳۲۱ مورخ ۱۳۹۳/۷/۳۰ به مجلس شورای اسلامی اعلام کردند.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۳/۲/۱۷ (مرحله نخست)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۲/۳۱

ماده ۱- در ماده (۱) قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۶۰/۷/۱۹ و

اصلاحیه مورخ ۱۳۷۵/۵/۷ آن،^(۱) کلمه «رئیس» قبل از عبارت «قوه قضائیه» اضافه و یک

تبصره به شرح زیر به آن الحاق می‌شود:

تبصره- نظارت و بازرسی از نظر این قانون عبارت است از مجموعه فعالیت‌های مستمر

۱. ماده (۱) قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۶۰/۷/۱۹ (اصلاحی ۱۳۷۵/۵/۷): «ماده ۱- به منظور نظارت بر حسن جریان امور و اجراء صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری و در اجرای اصل (۱۷۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سازمانی به نام «سازمان بازرسی کل کشور» که در این قانون به اختصار «سازمان» نامیده می‌شود زیر نظر قوه قضائیه و با اختیارات و وظایف مندرج در این قانون تشکیل می‌شود».

و منظم و هدف‌دار به منظور جمع‌آوری اطلاعات لازم درباره مراحل قبل، حین و بعد از اقدامات دستگاه‌های مشمول ماده (۲)^(۱) این قانون، تجزیه و تحلیل آنها، تطبیق عملکرد دستگاه با اهداف و تکالیف قانونی و ارائه پیشنهادهای مناسب در جهت حُسن جریان امور.

دیدگاه مغایرت

الف) طبق تبصره‌ی ماده (۱)، نظارت و بازرسی مشتمل بر «... جمع‌آوری اطلاعات لازم درباره مراحل قبل، حین و بعد از اقدامات دستگاه‌ها...» است. از آنجا که نظارت و بازرسی مرتبط با مرحله‌ی قبل از اقدامات دستگاه‌ها به منزله‌ی توسعه قلمرو نظارت به نظارت پیشینی یا قبلی است، این تبصره مغایر با قانون اساسی است؛ زیرا پذیرش این نوع نظارت برای سازمان بازرسی کل کشور به معنای لزوم کسب اجازه‌ی دستگاه‌های مشمول بازرسی از سازمان بازرسی برای انجام کلیه‌ی اقداماتشان است که این امر، منجر به دخالت این سازمان در امور این دستگاه‌ها خواهد شد؛ در حالی که طبق اصل (۵۷) قانون اساسی، قوای سه‌گانه مستقل از یکدیگرند و حق دخالت در وظایف یکدیگر را ندارند. بنابراین، تبصره‌ی مزبور از آن جهت که مستلزم دخالت یکی از سازمان‌های زیر مجموعه‌ی قوه قضائیه؛ یعنی سازمان بازرسی کل کشور در امور دستگاه‌های دیگر قوا است، مغایر با اصل فوق مبنی بر استقلال عملکردی قوا است.

ب) استناد به اطلاق حق نظارت مقرر در اصل (۱۷۴) قانون اساسی برای سازمان بازرسی کل کشور به منظور توجیه جمع‌آوری اطلاعات درباره‌ی مرحله‌ی قبل از اقدام دستگاه‌ها صحیح نیست؛ زیرا نظارت وقتی معنا پیدا می‌کند که اقدامی قبلاً انجام شده باشد و سپس نسبت به صحت آن اقدام، نظارت صورت پذیرد. در واقع، نظارت مقرر در اصل فوق برای سازمان بازرسی تنها ناظر به جمع‌آوری اطلاعات لازم «بعد» از اقدام دستگاه‌ها است؛ در حالی که این تبصره، جمع‌آوری اطلاعات لازم درباره مرحله‌ی «قبل» از اقدام دستگاه‌ها را نیز برای سازمان بازرسی به

۱. ماده (۲) قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۶۰/۷/۱۹: «ماده ۲- وظایف سازمان به شرح زیر می‌باشد:

الف- بازرسی مستمر کلیه وزارتخانه‌ها و ادارات و نیروهای نظامی و انتظامی و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آنها و دفاتر اسناد رسمی و مؤسسات عام‌المنفعه و نهادهای انقلابی و سازمان‌هایی که تمام یا قسمتی از سرمایه یا سهام آنان متعلق به دولت است یا دولت به نحوی از انحاء بر آنها نظارت یا کمک می‌نماید و کلیه سازمان‌هایی که شمول این قانون نسبت به آنها مستلزم ذکر نام آنها است بر اساس برنامه منظم.

ب- ...

رسمیت شناخته است. بنابراین این تبصره، به جهت توسعه‌ی صلاحیت پیش‌بینی شده برای سازمان بازرسی کل کشور در اصل (۱۷۴) قانون اساسی، مغایر با قانون اساسی است.

ج) هر چند بند (۳) اصل (۱۵۶) قانون اساسی یکی از وظایف قوه‌ی قضائیه را به طور مطلق، نظارت بر حسن اجرای قوانین بیان می‌کند، لکن موضوع اصل (۱۵۶)، «نظارت» و موضوع اصل (۱۷۴)، «بازرسی» است و استناد به اطلاق صلاحیت نظارتی در اصل (۱۵۶)، موجب اثبات این صلاحیت برای سازمان بازرسی نیست. ضمن آنکه صلاحیت نظارت مقرر در بند (۳) اصل (۱۵۶) به قوه‌ی قضائیه اعطا شده است نه سازمان بازرسی. از این‌رو، نظارت قبلی بر اقدام دستگاه‌ها توسط سازمان بازرسی را نمی‌توان با استناد به اطلاق بند (۳) اصل (۱۵۶) توجیه کرد. بنابراین، اعطای صلاحیت نظارتی پیشینی به سازمان بازرسی کل کشور، مغایر اصل (۱۵۶) قانون اساسی است.

د) اگرچه عبارت «نظارت بر حسن اجرای قوانین» در بند (۳) اصل (۱۵۶) قانون اساسی اطلاق دارد؛ لکن با استناد به اطلاق این عبارت نمی‌توان برای قوه‌ی قضائیه صلاحیت نظارت بر مقدمات اجرای قوانین را ثابت دانست؛ بلکه طبق عبارت مذکور، صلاحیت قوه‌ی قضائیه تنها نظارت بر قوانین اجرا شده است نه نظارت بر مراحل مقدماتی اقدام دستگاه‌ها در راستای اجرای قانون. بنابراین، از آنجا که اطلاق عبارت مذکور را نمی‌توان مستمسک تجویز نظارت قبلی یا پیشینی سازمان بازرسی کل کشور قرار داد، نظارت پیشینی این سازمان بر مراحل مقدماتی اقدام دستگاه‌ها، توسعه‌ی صلاحیت مقرر در اصل (۱۷۴) قانون اساسی برای این سازمان و مغایر با این اصل است.

ه) مراد از وظیفه‌ی «حسن اجرا» در اصل (۱۵۶) قانون اساسی و قوانین عادی برای قوه‌ی قضائیه، مطابقت اجرای قانون با مفاد قوانین است؛ بنابراین قانون ابتدا باید توسط دستگاه‌ها اجرا شود و بعد از آن با بررسی و جمع‌آوری اطلاعات لازم، موافق یا خلاف مفاد قانون بودن اجرای قانون توسط دستگاه‌ها احراز شود. به عبارت دیگر، نظارت تنها بعد از اجرای قانون قابل تصور است؛ لذا سازمان بازرسی کل کشور، تنها بعد از اجرای قانون می‌تواند حسن اجرای قانون (مطابقت اجرا با قانون) را بررسی کند. بر این اساس، تجویز نظارت قبلی برای سازمان بازرسی کل کشور، مغایر صلاحیت نظارتی اعطا شده به سازمان بازرسی کل کشور بر اساس اصل (۱۷۴) قانون اساسی است؛ زیرا صلاحیت نظارتی مقرر در این اصل محدود به نظارت حینی و پسینی است.

و) اگرچه بند (۵) اصل (۱۵۶) قانون اساسی «اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین» را به‌عنوان یکی از وظایف قوه‌ی قضائیه مقرر می‌دارد، لیکن پیشگیری اساساً به بحث حاضر در باب سازمان بازرسی کل کشور ارتباطی ندارد؛ بلکه به‌عنوان یکی از وظایف قوه‌ی قضائیه، توسط سازمان زندان‌ها یا معاونت پیشگیری از جرم اتخاذ می‌شود؛ بنابراین با استناد به وظیفه‌ی پیشگیری قوه‌ی قضائیه که توسط سازمان زندان‌ها یا معاونت پیشگیری این قوه اتخاذ

می‌شود، نمی‌توان وجود صلاحیت نظارت قبلی را برای سازمان بازرسی کل کشور اثبات کرد. از این‌رو، اعطای این صلاحیت به سازمان مزبور مغایر اصل (۱۷۴) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) اضافه شدن کلمه «رئیس» به متن ماده (۱) مصوبه‌ی مزبور، بر اساس اصل (۱۷۴) قانون اساسی است؛ زیرا مطابق این اصل، سازمان بازرسی کل کشور زیر نظر رئیس قوه‌ی قضائیه تشکیل می‌شود.

ب) تبصره‌ی ذیل ماده (۱) این مصوبه، متضمن معنای نظارت قبلی یا پیشینی نیست؛ زیرا متعلق عبارت «مراحل قبل، حین و بعد از اقدامات دستگاه‌ها» جمع‌آوری اطلاعات است و نه نظارت و بازرسی. از آنجا که عمل جمع‌آوری اطلاعات، به مراحل قبل از اقدامات دستگاه‌ها قابل تسری است و این موضوع، متفاوت از نظارت و بازرسی قبل از اقدامات عملی دستگاه‌ها است؛ از این‌رو، ماده‌ی مزبور مغایرتی با اصل (۵۷) قانون اساسی مبنی بر استقلال قوا و نیز محدوده‌ی صلاحیت نظارتی سازمان بازرسی کل کشور، مقرر در اصل (۱۷۴) قانون اساسی ندارد.

ج) طبق بند (۳) اصل (۱۵۶) از جمله وظایف قوه‌ی قضائیه، نظارت بر حسن اجرای قوانین است. در راستای انجام این وظیفه، مطابق اصل (۱۷۴) قانون اساسی، سازمان بازرسی کل کشور نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری صلاحیت دارد. از طرفی، لازمه‌ی نظارت بر «حسن اجرا» آن است که نسبت به مقدمات کار دستگاه‌های فوق نیز اطلاع و نظارت داشته باشد. بنابراین، منظور از عبارت «مراحل قبل» در تبصره‌ی مزبور، نظارت بر مقدمات کار دستگاه‌های فوق است نه دخالت در امور این دستگاه‌ها. از این‌رو، این تبصره مغایرتی با اصل (۵۷) قانون اساسی مبنی بر استقلال قوا ندارد.

د) اقدامات دستگاه‌های مشمول این مصوبه، الزاماً اقداماتی دفعی و فاقد مقدمه یا مؤخره نیست. مقدمات اقدامات مذکور نیز به نوبه خود اقدامی مستقل تلقی می‌شود که البته در مقام سنجش این اعمال نسبت به یکدیگر یکی مقدمه اقدام و دیگری خود اقدام است. بنابراین، جمع‌آوری اطلاعات در رابطه با اقدامات مقدماتی به‌عنوان عملی مستقل، فاقد ایراد است و مغایرتی با اصل استقلال قوا به نحو مقرر در اصل (۵۷) قانون اساسی ندارد.

هـ) تبصره‌ی این ماده صرفاً ناظر به جمع‌آوری اطلاعات است و انجام اقدام دیگری را توسط سازمان بازرسی کل کشور تجویز نکرده است. بر این اساس، ملاحظاتی که در عمل در رابطه با تداخل در وظایف قوا وجود دارد، منتفی است. از این‌رو، حکم مقرر در این تبصره مغایرتی با اصل (۵۷) قانون اساسی مبنی بر استقلال قوا ندارد.

و) طبق بند (۳) اصل (۱۵۶) قانون اساسی یکی از وظایف قوه قضائیه، نظارت بر حسن اجرای قوانین است. اطلاق این وظیفه، متضمن امکان نظارت و جمع‌آوری اطلاعات حتی در مرحله اقدامات مقدماتی دستگاه‌ها پیش از اقدام اصلی است؛ بر این اساس، از آنجا که سازمان بازرسی کل کشور به منظور انجام این وظیفه در اصل (۱۷۴) قانون اساسی ایجاد شده است، حکم مقرر در تبصره ماده مزبور مبنی بر جمع‌آوری اطلاعات لازم درباره‌ی مرحله قبل از اقدام دستگاه‌ها توسط این سازمان، به معنای دخالت در فرایند اجرای وظایف این دستگاه‌ها نبوده و مغایر با استقلال قوای مصرّح در اصل (۵۷) قانون اساسی نیست.

ز) طبق بند (۳) اصل (۱۵۶) قانون اساسی یکی از وظایف قوه قضائیه، نظارت بر حسن اجرای قوانین است. نظارت بر مراحل و اقدامات مقدماتی مربوط به اقدام اصلی، لازمه‌ی نظارت بر حسن اجرای قوانین است و اساساً بدون نظارت قبلی، تحقق نظارت بر حسن اجرای قوانین میسر نخواهد بود. بنابراین، پیش‌بینی نظارت پیشینی بر عملکرد دستگاه‌ها در تبصره‌ی این ماده مغایرتی با استقلال قوای مقرر در اصل (۵۷) قانون اساسی نخواهد داشت؛ زیرا شرط معمول نظارت آن است که پیش از انجام عمل بتوان در رابطه با مقدمات آن نیز مبادرت به جمع‌آوری اطلاعات کرد.

ح) بند (۵) اصل (۱۵۶) قانون اساسی «اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین» را به عنوان یکی از وظایف قوه قضائیه دانسته است. بر این اساس، وظیفه‌ی پیشگیری قوه قضائیه متضمن صلاحیت بر نظارت قبلی این قوه در جریان امور و تضمین حسن انجام آن عمل است که این وظیفه طبق اصل (۱۷۴) قانون اساسی، بر عهده‌ی سازمان بازرسی کل کشور قرار داده شده است. بنابراین این نوع نظارت، به معنای دخالت در امور سایر دستگاه‌ها و نقض استقلال قوای مقرر در اصل (۵۷) قانون اساسی نیست.

دیدگاه ابهام

از آنجا که در این تبصره، معلوم نیست متعلّق عبارت «مراحل قبل ... اقدامات دستگاه‌ها» چه چیزی است و شامل چه اموری می‌شود، تبصره‌ی مزبور واجد ابهام است.

نظر شورای نگهبان

با توجه به اینکه وظیفه سازمان بازرسی نظارت بر حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری است، از آنجا که روشن نیست در تبصره الحاقی به ماده (۱) منظور از مراحل قبل چه اموری است، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.

ماده ۲- ماده (۲) قانون^(۱) به شرح زیر اصلاح می‌شود:

- ۱- در صدر ماده: عبارت «و اختیارات» بعد از کلمه «وظایف» اضافه می‌شود.
- ۲- در سطر اول بند (الف): عبارت «و نظارت» بعد از کلمه «بازرسی» و عبارت «و امور اداری و مالی دادگستری، سازمان‌ها و دستگاه‌های تابعه قوه قضائیه» بعد از کلمه «ادارات» اضافه می‌شود.
- ۳- در بند (ب): عبارت «کمیسیون اصول هشتاد و هشتم (۸۸) و نودم (۹۰) قانون اساسی»، به عبارت «کمیسیون اصل نودم (۹۰) قانون اساسی و یا نماینده» تغییر می‌کند.
- ۴- در بند (ج): عبارت «وزارت امور اقتصادی و دارایی» حذف و عبارت «وزیر ذی‌ربط» جایگزین می‌شود و عبارت «اصول هشتاد و هشتم (۸۸) و نودم (۹۰)» به «اصل نودم (۹۰)» تغییر می‌یابد.

۱. ماده (۲) قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۶۰/۷/۱۹ (اصلاحی ۱۳۷۵/۵/۷): «ماده ۲- وظایف سازمان به شرح زیر می‌باشد:

الف- بازرسی مستمر کلیه وزارتخانه‌ها و ادارات و نیروهای نظامی و انتظامی و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آنها و دفاتر اسناد رسمی و مؤسسات عام‌المنفعه و نهادهای انقلابی و سازمان‌هایی که تمام یا قسمتی از سرمایه یا سهام آنان متعلق به دولت است یا دولت به نحوی از انحاء بر آنها نظارت یا کمک می‌نماید و کلیه سازمان‌هایی که شمول این قانون نسبت به آنها مستلزم ذکر نام آنها است بر اساس برنامه منظم.

ب- انجام بازرسی‌های فوق‌العاده حسب‌الامر مقام معظم رهبری و یا به دستور رئیس قوه قضائیه و یا درخواست رئیس جمهور و یا کمیسیون اصول ۸۸ و ۹۰ قانون اساسی مجلس شورای اسلامی و یا بنا به تقاضای وزیر یا مسئول دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط و یا هر موردی که به نظر رئیس سازمان ضروری تشخیص داده شود.

ج- اعلام موارد تخلف و نارسایی‌ها و سوء جریانات اداری و مالی در خصوص وزارتخانه‌ها و نهادهای انقلاب اسلامی و بنیادها به رئیس جمهور و در خصوص مؤسسات و شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت به وزیر ذی‌ربط و در مورد شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به وزیر کشور و در خصوص مؤسسات غیردولتی کمک‌گیر از دولت به وزارت امور اقتصادی و دارایی و در خصوص سوء جریانات اداری و مالی مراجع قضایی و واحدهای تابعه دادگستری به رئیس قوه قضائیه و در موارد ارجاعی کمیسیون اصول ۸۸ و ۹۰ قانون اساسی نتیجه بازرسی به آن کمیسیون اعلام خواهد شد.

د- در صورتی که گزارش بازرسی حاکی از سوء جریان مالی یا اداری باشد رئیس سازمان یک نسخه از آن را با دلایل و مدارک برای تعقیب و مجازات مرتکب مستقیماً به مرجع قضایی صالح و مراجع اداری و انضباطی مربوطه منعکس و تا حصول نتیجه نهایی پیگیری خواهد کرد.

در تمام موارد فوق‌الذکر رئیس سازمان تصویر گزارش بازرسی را جهت استحضار و پیگیری برای رئیس قوه قضائیه ارسال خواهد نمود.

تبصره- گزارش‌های بازرسی در ارتباط با آیین‌نامه و تصویب‌نامه و بخشنامه و دستورالعمل‌های صادره و شکایات اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی که حاکی از تشخیص تخلف در موارد فوق‌الذکر باشد جهت رسیدگی و صدور رأی به دیوان عدالت اداری ارسال می‌گردد. رسیدگی به این‌گونه موارد به طور فوق‌العاده و خارج از نوبت خواهد بود.

۵- بند (د) به شرح زیر اصلاح می‌شود:

د- در مواردی که گزارش بازرسی متضمن اعلام وقوع جرمی است، چنانچه جرم دارای حیثیت عمومی باشد، رئیس سازمان یا مقامات مأذون از طرف وی یک نسخه از گزارش را با دلایل و مدارک مربوط برای تعقیب و مجازات مرتکب به مرجع صالح قضایی ارسال و موضوع را تا حصول نتیجه نهایی پیگیری نمایند و در مورد تخلفات اداری، انضباطی و انتظامی مستقیماً مراتب را به مراجع ذی‌ربط منعکس نموده و پیگیری لازم را به عمل آورند. مراجع رسیدگی‌کننده مکلفند وقت رسیدگی و جهت حضور را به اطلاع سازمان بازرسی کل کشور برسانند.

۶- متن زیر به عنوان تبصره (۱) به بند (د) الحاق و تبصره قبلی به تبصره (۲) تبدیل می‌شود.

تبصره ۱- در مورد جرائم منتهی به ورود خسارت به اموال دولتی و حقوق عمومی و تضییع آنها، دادستان ضمن تعقیب کیفری متهم یا متهمان در دادگاه صالح، در صورت احراز ورود خسارت و ضرر و زیان، رأساً جبران آن را بدون پرداخت هزینه دادرسی از دادگاه درخواست می‌نماید.

دستگاه‌های ذی‌ربط موظف به همکاری با دادستان در جمع‌آوری دلایل و مدارک و پیگیری موضوع می‌باشند.

۷- متن زیر به عنوان بند (ه) و تبصره آن اضافه می‌گردد:

ه- در مواردی که گزارش بازرسی متضمن اعلام تخلف اداری مدیران کل ادارات و مقامات بالاتر تا سطح وزرا و هم‌تراز آنان است که مشمول قانون رسیدگی به تخلفات اداری هستند، سازمان گزارش را برای رسیدگی به هیئت تخلفات اداری نهاد ریاست جمهوری ارسال و تا حصول نتیجه پیگیری می‌کند. در خصوص پرونده‌های مطروحه در رابطه با مقامات فوق، هیئت رسیدگی بدوی و تجدیدنظر مزبور با عضویت یک نفر از قضات منصوب رئیس قوه قضائیه تشکیل می‌شود و خارج از نوبت طبق قانون هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری به موضوع رسیدگی می‌کند. جلسات هیئت با حضور عضو قضایی اعتبار دارد.

رئیس هیئت موظف است ضمن نظارت بر ثبت پرونده و تعیین اوقات رسیدگی، مراتب را به عضو قاضی و نماینده سازمان جهت حضور اعلام نماید.

تبصره- رسیدگی به تخلفات مقامات و کارکنان قوای قضائیه و مقننه، نیروهای مسلح، شورای نگهبان و دستگاه‌های زیر نظر مقام معظم رهبری از شمول این ماده مستثنی است.

۸- بند زیر به عنوان بند «و» اضافه می‌شود:

و- سازمان مجاز است در نظارت و بازرسی از نیروهای نظامی، انتظامی، امنیتی و شرکت‌ها و مؤسسات تابعه از نیروهای بازنشسته واجد شرایط و متخصص مراجع مذکور استفاده کند. آیین‌نامه اجرایی این بند با پیشنهاد سازمان به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

دیدگاه مغایرت

الف) بند (۲) ماده‌ی مزبور، علاوه بر اختیار «بازرسی»، صلاحیت «نظارت» را برای سازمان بازرسی کل کشور پیش‌بینی کرده است؛ در حالی که تنها صلاحیتی که طبق اصل (۱۷۴) قانون اساسی برای این سازمان مقرر شده، «بازرسی» است. بنابراین از آنجا که پیش‌بینی صلاحیت «نظارت» برای سازمان بازرسی به معنای توسعه‌ی صلاحیت مقرر در اصل (۱۷۴) برای این سازمان است، بند (۲) این ماده مغایر اصل مزبور است.

ب) «نظارت» صرف آگاهی از فرایند یک اقدام نیست؛ بلکه به معنای ملاحظه کردن است و شرط ملاحظه، مشاهده به صورت حضوری است. به عبارت دیگر، نظارت مطرح در قوانین، مشتمل بر مراقبت از قانون با بررسی عملکردها و انطباق آن با الزامات قانونی مرتبط و در صورت لزوم ارائه‌ی تذکر به متخلف به منظور رعایت کردن مفاد قانون است. بنابراین از آنجا که طبق این معنا، نظارت مستلزم دخالت سازمان بازرسی کل کشور در امور سایر دستگاه‌ها است، بند (۲) ماده‌ی مزبور مغایر استقلال قوای مقرر در اصل (۵۷) قانون اساسی است.

ج) هرچند بر اساس بند (۳) اصل (۱۵۶) قانون اساسی، قوه قضائیه صلاحیت نظارتی دارد، لکن این امر متضمن ایجاد صلاحیت برای سازمان بازرسی کل کشور نیست. بر اساس اصل (۱۷۴) قانون اساسی نیز، این سازمان تنها بخشی از وظایف قوه قضائیه را در زمینه بازرسی بر عهده دارد؛ بنابراین از آنجا که پیش‌بینی صلاحیت نظارت برای سازمان بازرسی به معنای توسعه‌ی صلاحیت مقرر در اصل (۱۷۴) برای این سازمان است، بند (۲) این ماده مغایر اصل مزبور می‌باشد.

د) در رویه‌ی شورای نگهبان^(۱) حضور نظارتی نمایندگان در دستگاه‌های مرتبط با سایر قوا واجد ایراد دانسته شده است؛ زیرا صرف حضور نماینده‌ی مجلس در جلسه دستگاه‌های مرتبط با سایر قوا زمینه اختلال در فعالیت‌های این دستگاه‌ها را فراهم می‌آورد. از این رو، بند (۲) این ماده که صلاحیت نظارتی را برای سازمان بازرسی کل کشور مقرر داشته، مغایر با اصل (۵۷) قانون اساسی مبنی بر استقلال قوا است.

۱. رجوع کنید به: بند (۱) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۲۰۹۲ مورخ ۱۳۹۲/۸/۵ شورای نگهبان در خصوص «طرح عضویت و لغو عضویت نمایندگان مجلس شورای اسلامی در برخی از شوراهای عالی، شوراهای مجامع و سایر هیئت‌ها» که مقرر داشته: «تعیین عضو ناظر در ستاد و شورای مذکور در جز (۹) بند (الف) و جز (۷) بند (ب) ماده (۱)، ... مغایر اصول (۵۷)، (۶۰) و (۱۳۸) قانون اساسی شناخته شد.»

هـ) در بند (۳) ماده (۲)، تجویز درخواست نماینده‌ی مجلس از سازمان بازرسی کل کشور برای انجام بازرسی‌های فوق العاده از دستگاه‌های اجرایی مغایر اصل (۵۷) قانون اساسی است؛ زیرا طبق اصل (۱۷۴) قانون اساسی، سازمان بازرسی زیر نظر قوه‌ی قضائیه است و تنها از رئیس آن قوه دستور انجام بازرسی می‌گیرد؛ بنابراین پیش‌بینی درخواست نماینده‌ی مجلس از آن سازمان برای انجام نظارت در این بند، منجر به مداخله‌ی قوه‌ی مقننه در وظایف قوه‌ی قضائیه و نقض استقلال قوای مقرر در اصل (۵۷) قانون اساسی است.

و) وضعیت درخواست نماینده‌ی مجلس از سازمان بازرسی کل کشور برای انجام بازرسی‌های فوق العاده از دستگاه‌های اجرایی، متفاوت از درخواست رئیس جمهور در این خصوص است؛ زیرا رئیس جمهور در واقع با درخواست بازرسی از دستگاه‌های زیرمجموعه خودش تقاضای بازرسی از خود را مطرح می‌کند و این امر مستلزم تداخل قوا نیست؛ لکن درخواست نماینده علی‌الاصول مرتبط با بازرسی از سایر نهادها و دستگاه‌ها است و نه بازرسی از خود. بنابراین از آنجا که این درخواست مستلزم دخالت نماینده در وظایف سایر قوا و نقض اصل استقلال است، بند (۳) این مصوبه مغایر با اصل (۵۷) قانون اساسی است.

ز) در بند (۳) ماده (۲)، انجام بازرسی‌های فوق العاده به درخواست نماینده‌ی مجلس، مغایر با اصول مربوط به وظایف و اختیارات نمایندگان مجلس مقرر در قانون اساسی است. توضیح آنکه صلاحیت نظارتی نمایندگان مجلس در چارچوب اصول (۸۸) و (۸۹) قانون اساسی احصا و مشخص شده است؛ و از آنجا که صلاحیت نظارت از طریق اجازه به طرح درخواست رسیدگی از سازمان بازرسی کل کشور جزء مصادیق برشمرده از شیوه‌های نظارت نمایندگان مجلس در این اصول نیست، بند مزبور مغایر با اصول فوق‌الذکر است؛ زیرا در مواردی که قانون‌گذار اساسی قصد داشته برای نمایندگان مجلس به صورت مستقل، حق نظارت و اظهار نظر قائل شود، به طور صریح این موارد را (مانند حق سؤال، استیضاح، اظهار نظر) ذکر کرده است.

ح) هر شخص و مرجع قانونی نمی‌تواند درخواست انجام بازرسی‌های فوق‌العاده از دستگاه‌های اجرایی توسط سازمان بازرسی را داشته باشد، بلکه طبق قانون اساسی تنها ولی فقیه (بر اساس اصول (۵) و (۵۷) قانون اساسی در باب ولایت مطلقه فقیه)، رئیس قوه‌ی قضائیه (طبق اصل (۱۷۴) قانون اساسی) و رئیس سازمان بازرسی صلاحیت چنین درخواستی را دارند. بنابراین از آنجا که بند (۳) این ماده برای رئیس جمهور، کمیسیون اصل (۹۰) قانون اساسی و نمایندگان مجلس چنین صلاحیتی را پیش‌بینی کرده است، این بند مغایر با اصل استقلال قوای مقرر در اصل (۵۷) قانون اساسی است؛ زیرا این امر به معنای دخالت در وظایف یکی از سازمان‌های زیر نظر قوه‌ی قضائیه است. آنچه صحیح است آن است که در این موارد، لازم است مراجع و افراد مذکور

درخواست خود را به رئیس قوه قضائیه تقدیم کنند و بازرسی حسب دستور و صلاحدید ایشان صورت پذیرد.

ط) با توجه به اینکه در بند (۳) این ماده از فعل «می‌تواند» استفاده نشده و نیز کلمه «انجام» در این بند، متضمن معنای الزام سازمان بازرسی برای انجام بازرسی‌های فوق‌العاده است، درخواست رئیس جمهور و کمیسیون اصل (۹۰) قانون اساسی از سازمان بازرسی کل کشور برای انجام بازرسی‌های فوق‌العاده از دستگاه‌های اجرایی حتی در مواردی که درخواست مربوط به حیطه اختیارات آنها باشد، در صورتی که به معنای الزام سازمان بازرسی به انجام بازرسی باشد، مغایر اصل (۵۷) قانون اساسی مبنی بر استقلال قوا است؛ زیرا طبق اصول (۵۷) و (۱۷۴) قانون اساسی، سازمان بازرسی تنها در موارد درخواست ولی فقیه، رئیس قوه قضائیه و رئیس سازمان بازرسی کل کشور ملزم به بازرسی است و این درخواست در سایر موارد باید از طریق رئیس قوه قضائیه و حسب دستور ایشان صورت پذیرد. بنابراین الزام سازمان بازرسی به تبعیت از درخواست رئیس جمهور و کمیسیون اصل (۹۰) قانون اساسی در این بند، مغایر اصل (۵۷) قانون اساسی است.

ی) با توجه به اینکه بر اساس اصل (۱۷۴) قانون اساسی، سازمان بازرسی کل کشور زیر نظر رئیس قوه قضائیه است، الزام این سازمان نسبت به ارسال گزارش به کمیسیون اصل (۹۰) قانون اساسی در بند (۴) این ماده، به معنای دخالت در وظایف قوه قضائیه و مغایر اصل (۵۷) مبنی بر استقلال قوا است. با توجه به اینکه این سازمان زیر نظر رئیس قوه قضائیه است لازم است گزارش تهیه شده ابتدا به وی داده شود و در صورت صلاحدید ایشان، آن گزارش به کمیسیون مزبور ارسال شود.

ک) حذف عبارت «...در تمام موارد فوق‌الذکر رئیس سازمان تصویر گزارش بازرسی را جهت استحضار به رئیس قوه قضائیه ارسال خواهد نمود» از بند (د) ماده (۲) بدین معناست که سازمان بازرسی دیگر ملزم به ارسال گزارش بازرسی به رئیس قوه قضائیه نیست؛ در حالی که طبق اصل (۱۷۴) قانون اساسی، سازمان بازرسی کل کشور زیر نظر رئیس قوه قضائیه است و ارسال گزارش بازرسی برای ایشان الزامی است. از این رو، حذف عبارت مذکور و اعطای استقلال به این سازمان در مقابل قوه قضائیه موجب محدود شدن اختیارات رئیس قوه قضائیه و مغایر اصل (۱۷۴) قانون اساسی است.

ل) در صورتی که تخلفات موضوع بند (ه) الحاقی به ماده (۲) این مصوبه، ماهیت قضایی داشته باشد، رسیدگی به آن تنها در صلاحیت قوه قضائیه است نه هیئت تخلفات اداری؛ بنابراین، نقش آفرینی ارکان غیرقضایی در آن، مغایر اصول (۶۱) و (۱۵۹) قانون اساسی است؛ زیرا طبق این اصول، رسیدگی به دعاوی دارای ماهیت قضایی تنها در صلاحیت قوه قضائیه و دادگاه‌های دادگستری است.

م) تخلفات موضوع بند (هـ) الحاقی به ماده (۲) این مصوبه، ماهیت اداری - اجرایی دارد و از آنجا که بر اساس اصل (۶۰) قانون اساسی که مقرر می‌دارد: «اعمال قوه مجریه از طریق رئیس جمهور و وزرا» است، حضور عضو قاضی منصوب رئیس قوه قضائیه در هیئت رسیدگی به این تخلفات، مغایر این اصل و به نوعی دخالت دادن قوه قضائیه در وظایف و صلاحیت‌های قوه مجریه تلقی می‌شود که از این جهت، مغایر با اصل (۵۷) قانون اساسی است.

ن) چنانچه تخلفات موضوع بند (هـ) الحاقی به ماده (۲) این مصوبه، ماهیت اداری داشته باشد، حضور قاضی در هیئت رسیدگی به این تخلفات صحیح نیست؛ زیرا مستفاد از اصل (۶۱) قانون اساسی آن است که اعمال قوه قضائیه توسط قضات تنها در مواردی است که دعوا ماهیت قضایی داشته و در دادگاه‌های دادگستری اقامه شده باشد. بنابراین از آنجا که در بند مزبور حضور یک نفر از قضات منصوب رئیس قوه قضائیه در هیئت رسیدگی به تخلفات اداری پیش‌بینی شده است، این بند مغایر صلاحیت اعطا شده به قضات دادگستری بر اساس اصل (۶۱) قانون اساسی است.

س) حکم مقرر در انتهای بند (هـ) الحاقی به ماده (۲) این مصوبه مبنی بر اینکه «جلسات هیئت با حضور عضو قضایی اعتبار دارد»، مغایر اصول (۶۱) و (۱۵۹) قانون اساسی است؛ توضیح آنکه در فرض قضایی بودن ماهیت رسیدگی در هیئت تخلفات اداری، لازم است حکم قاضی در موضوع مورد رسیدگی، مؤثر، فصل الخطاب و ملاک عمل قرار گیرد؛ در حالی که عبارت مذکور تنها اعتبار جلسات این هیئت را منوط به حضور قاضی کرده است؛ در این صورت، حتی در صورتی که نظر قاضی مخالف نظر سایر اعضای «غیرقاضی» هیئت مذکور باشد، حکم نهایی معتبر تلقی شده است. بنابراین از آنجا که در این بند به فصل الخطاب بودن نظر عضو قاضی در حکم نهایی توجه نشده، بند مزبور مغایر اصول (۶۱) و (۱۵۹) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) قانون‌گذار در تبصره (۱) ماده (۱) این مصوبه، منظور از «نظارت و بازرسی» را مشخص کرده است و این دو کلمه، فاقد ابهام است. حال اگر شخصی از این دو واژه سوء برداشت کرده و در مقام اجرا، امر دیگری را انجام می‌دهد، تلازمی با وجود ابهام در این دو کلمه ندارد.

ب) در بند (۲) این ماده، نظارت تنها به معنای آگاهی از فرایند انجام اقدامات توسط دستگاه‌ها است و در واقع، به معنای نظارت اطلاعاتی یا استطلاعی است. بنابراین، اضافه نمودن صلاحیت نظارت برای سازمان بازرسی کل کشور در بند مزبور، به معنای تجویز مداخله این سازمان در امور سایر دستگاه‌ها و نقض استقلال قوای مقرر در اصل (۵۷) قانون اساسی نیست. ضمن آنکه اضافه

نمودن صلاحیت نظارت برای این سازمان به این معنایی که گفته شد، موجب توسعه‌ی صلاحیت سازمان بازرسی مقرر در اصل (۱۷۴) قانون اساسی نیست.

ج) وظیفه‌ی سازمان بازرسی کل کشور، تنها «بازرسی» نیست، بلکه «نظارت» نیز جزء وظایف آن سازمان است؛ زیرا وظیفه‌ی نظارت بر حسن اجرای قوانین که در بند (۳) اصل (۱۵۶) برای قوه‌ی قضائیه مقرر شده از طریق این سازمان انجام می‌شود. به عبارت دیگر، قوه‌ی قضائیه صلاحیت و تکلیف بر نظارت خود بر دستگاه‌های مشمول را به واسطه‌ی سازمان بازرسی اعمال می‌کند. بنابراین، نفی صلاحیت نظارت برای سازمان بازرسی به معنای نفی یکی از صلاحیت‌ها و وظایف مقرر در قانون اساسی برای این سازمان است. از این‌رو، پیش‌بینی صلاحیت نظارت در کنار بازرسی برای این سازمان منطبق بر اصول (۱۵۶) و (۱۷۴) قانون اساسی بوده و موجب نقض استقلال قوا مقرر در اصل (۵۷) قانون اساسی نیست.

د) با توجه به اینکه در ماده (۱) این مصوبه، نظارت سازمان بازرسی در «مرحله‌ی قبل از اقدام دستگاه‌ها» واجد ابهام شناخته شد، دلیلی بر ایراد اشکال بر اضافه شدن نظارت در بند (۲) این ماده وجود ندارد؛ زیرا با رفع ابهام از ماده (۱) این مصوبه توسط مجلس، دیگر ایرادی متوجه این بند نخواهد بود.

ه) در وضع عنوان «سازمان بازرسی کل کشور» در قانون اساسی، هرچند تنها از عبارت «سازمان بازرسی» استفاده شده است، لیکن با توجه به بند (۳) اصل (۱۵۶) قانون اساسی، این عنوان هر دو مفهوم بازرسی و نظارت را شامل می‌شود؛ از این‌رو، اعطای صلاحیت نظارتی به سازمان بازرسی هرچند منطبق با عنوان این سازمان نیست؛ لکن بر مبنای محتوای صلاحیت سازمان بر اساس اصل (۱۵۶) و (۱۷۴) قانون اساسی است، انطباق دارد. ضمن آنکه اعطای صلاحیت نظارتی به این سازمان در این مصوبه در راستای ذیل اصل (۱۷۴) است که مقرر داشته «حدود اختیارات و وظایف این سازمان را قانون معین می‌کند». بنابراین، پیش‌بینی صلاحیت نظارتی برای این سازمان منطبق با اصول مذکور بوده و فاقد ایراد است.

و) طلب و جواز انجام یک فعل، مستلزم طلب و جواز انجام مقدمات لازم‌ه‌اش نیز می‌باشد؛ بنابراین اگر سازمان بازرسی کل کشور، در راستای انجام وظیفه‌ی قوه‌ی قضائیه در باب نظارت بر حسن اجرای قوانین، ملزم به بازرسی است، مقدمه‌ی لازم‌ه‌ی آن؛ یعنی نظارت نیز چنانچه به نحوی انجام پذیرد که متضمن دخالت در انجام وظایف سایر قوا نباشد، فاقد اشکال است.

ز) دلیل حضور مؤثر دستگاه‌های نظارتی مانند سازمان بازرسی در مرحله‌ی قبل از اجرای قانون آن است که از آثار و پیامدهای اعمال و جریان‌های فاسد جلوگیری شود. به ویژه چنانچه در این فرایند، اقدامات مقدماتی قبل از اقدام اصلی، خود به صورت مستقل، مستلزم رعایت قانون

باشد؛ مثل رعایت قوانین مربوط به شفافیت، رعایت حق برابری مردم و ...، این اقدامات نیز باید توسط سازمان بازرسی کنترل شود. بنابراین، تجویز نظارت برای سازمان بازرسی در بند (۲) این ماده، منطبق با اصول (۱۵۶) و (۱۷۴) قانون اساسی بوده و موجب نقض استقلال قوا مقرر در اصل (۵۷) قانون اساسی نیست.

ح) اگر چه طبق اصول (۵۷) و (۱۷۴) قانون اساسی، سازمان بازرسی در موارد درخواست ولی فقیه، رئیس قوه قضائیه و رئیس سازمان بازرسی کل کشور ملزم به بازرسی است، لکن مستفاد از کلمه «درخواست» در بند (۳) ماده (۲) آن است که این سازمان در قبال درخواست سایر مراجع و مقامات قانونی، از جمله درخواست رئیس جمهور و کمیسیون اصل (۹۰) قانون اساسی برای انجام بازرسی‌های فوق‌العاده از دستگاه‌های اجرایی از قدرت انتخاب برخوردار است؛ بدین معنا که در این موارد نسبت به انجام درخواست و بازرسی دارای اختیار بوده و می‌تواند در صورت صلاحدید نسبت به بازرسی اقدام نکند. بنابراین از آنجا که در بند مزبور، سازمان بازرسی ملزم به بازرسی بنا به درخواست رئیس جمهور و کمیسیون اصل (۹۰) قانون اساسی نشده است، بند (۳) ماده (۲) این مصوبه، ناقض اصل (۵۷) قانون اساسی ناظر بر اصل استقلال قوا نیست.

ط) درخواست رئیس جمهور برای انجام بازرسی‌های فوق‌العاده از دستگاه‌های اجرایی توسط سازمان بازرسی به معنای دخالت قوه مجریه در یکی از سازمان‌های قوه قضائیه و نقض اصل استقلال قوا نیست؛ زیرا اولاً رئیس جمهور تنها در خصوص دستگاه‌های زیرمجموعه خود امکان درخواست دارد نه دستگاه‌های مرتبط با سایر قوا و ثانیاً درخواست رئیس جمهور الزامی را برای سازمان بازرسی برای انجام امر بازرسی ایجاد نمی‌کند. از این‌رو، پیش‌بینی صلاحیت برای رئیس جمهور برای درخواست بازرسی مقرر در بند (۳) این ماده، با اصل (۵۷) راجع به اصل استقلال قوا مغایرتی ندارد.

ی) هرچند بر اساس اصل (۱۷۴) قانون اساسی، سازمان بازرسی کل کشور زیر نظر رئیس قوه قضائیه است، لیکن مستفاد از عبارت «زیر نظر»، آن است که رئیس سازمان توسط رئیس قوه قضائیه تعیین می‌شود و بنابراین این سازمان بدون آنکه الزامی به اطلاع‌رسانی مداوم و مستمر به رئیس قوه قضائیه داشته باشد فعالیت می‌کند. بنابراین، حذف عبارت «...در تمام موارد فوق‌الذکر رئیس سازمان تصویر گزارش بازرسی را جهت استحضار به رئیس قوه قضائیه ارسال خواهد نمود» از ماده‌ی مزبور، مغایرتی با اصل (۱۷۴) قانون اساسی ندارد.

ک) حذف عبارت «...در تمام موارد فوق‌الذکر رئیس سازمان تصویر گزارش بازرسی را جهت استحضار به رئیس قوه قضائیه ارسال خواهد نمود» از بند (د) ماده (۲) فاقد اشکال است؛ زیرا اطلاق اصل (۱۷۴) قانون اساسی مبنی بر لزوم تبعیت سازمان بازرسی از رئیس قوه قضائیه این

حق و اختیار را به رئیس قوه قضائیه اعطا می‌کند که حسب صلاحدید، تصویر گزارش بازرسی را از سازمان تحت نظر خود درخواست کند. بر این اساس حذف این عبارت، مغایرتی با اصل (۱۷۴) قانون اساسی ندارد.

ل) در اجرای وظایفی که به موجب قانون بر عهده‌ی سازمان بازرسی گذارده شده است، میزانی از استقلال اداری لحاظ شده است؛ کما اینکه در سایر سازمان‌های زیر نظر قوه قضائیه نظیر سازمان ثبت اسناد نیز چنین استقلالی وجود دارد؛ بنابراین، عدم الزام به اطلاع‌رسانی و ارسال تصویر گزارش بازرسی منطبق بر استقلال اداری این سازمان است. ضمن آنکه عدم ارسال گزارش به معنای استقلال مطلق این سازمان از قوه قضائیه و عدم امکان مطالبه‌ی تصویر گزارش بازرسی توسط رئیس قوه قضائیه نیست. از این‌رو، حذف عبارت «...در تمام موارد فوق‌الذکر رئیس سازمان تصویر گزارش بازرسی را جهت استحضار به رئیس قوه قضائیه ارسال خواهد نمود» از ماده مزبور، مغایرتی با اصل (۱۷۴) قانون اساسی ندارد.

م) همان‌طور که در بند (هـ) ماده (۲) این مصوبه، حضور عضو قاضی در هیئت‌های تخلفات اداری مورد تصریح واقع شده است، در چند مورد نظیر هیئت‌های تخلفات مالیاتی، کمیسیون‌های حل اختلافات و بسیاری از شوراها نیز حضور عضو قاضی پیش‌بینی شده است. در واقع، ابلاغ رئیس قوه قضائیه برای حضور عضو قاضی در این موارد، برای امر قضاوت نیست تا گفته شود به دلیل اداری بودن ماهیت رسیدگی این هیئت، در وظایف قوه مجریه مداخله شده و اصل (۵۷) مبنی بر استقلال قوا نقض شده است، بلکه ابلاغ مزبور برای آن است که به دلیل اهمیت موضوع، نظر کسی که در مسائل قضایی تخصص دارد در رسیدگی به این تخلفات مورد توجه قرار بگیرد.

ن) فعالیت هیئت رسیدگی به تخلفات اداری مقرر در بند (هـ) ماده (۲) این مصوبه، اجرایی نیست، بلکه اداری است و از این حیث مشمول اصل ۶۰ قانون اساسی و صلاحیت انحصاری قوه مجریه در پرداختن به مسائل اجرایی نبوده و در نتیجه قوه قضائیه هم می‌تواند در فعالیت‌های آن مشارکت داشته باشد. بنابراین حکم مقرر در این بند مبنی بر حضور عضو قاضی در هیئت مذکور به معنای نقض استقلال قوا مقرر در اصل (۵۷) قانون اساسی و مغایر با اصل (۶۰) قانون اساسی نیست.

س) ماهیت کارویژه‌ی هیئت رسیدگی به تخلفات اداری مقرر در بند (هـ) ماده (۲) این مصوبه، شبه قضایی است و لذا عناصر و خصوصیات از کارویژه‌ی اداری و اشتغال قضایی را به صورت همزمان در بر دارد. از این‌رو، حکم مقرر در این بند مبنی بر حضور عضو قاضی در هیئت مذکور به معنای نقض استقلال قوا مقرر در اصل (۵۷) قانون اساسی نیست.

ع) هیئت رسیدگی به تخلفات اداری مقرر در بند (هـ) ماده (۲) این مصوبه، توسط قانون

مصوب مجلس شورای اسلامی تشکیل شده است و همین قانون می‌تواند ترکیب آن را تعیین کند. بنابراین تعیین عضو قاضی در هیئت مذکور به معنای نقض استقلال قوا مقرر در اصل (۵۷) قانون اساسی نیست.

ف) در بند (هـ) ماده (۲) این مصوبه، تعیین عضو قاضی با هدف پرداختن به امر قضاوت نیست، بلکه این شخص، تنها به‌عنوان یک عضو هیئت حل اختلاف، مشابه سایر اعضا، دیدگاه‌های خود را مطرح می‌کند و بدین ترتیب مسائل حقوقی- قضایی این هیئت‌ها توسط این شخص نظارت خواهد داشت تا چارچوب‌های حقوقی در رسیدگی به مضمون یک پرونده، در جریان رسیدگی هیئت رعایت شود؛ اما در نهایت، تصمیم‌گیری با اکثریت اعضای هیئت است و از این حیث ایرادی متوجه در اقلیت بودن رأی عضو قاضی و حضور وی در هیئت نیست.

دیدگاه ابهام

الف) حکم مقرر در بند (۲) این ماده مبنی بر اضافه شدن لفظ «و نظارت» به «بازرسی» این سؤال را به وجود آورده که مراد از «نظارت» چیست؟ چنانچه مراد از نظارت، بازرسی است که صلاحیت بازرسی بر اساس قانون پیشین با تصریح در استفاده از لفظ «بازرسی»، به سازمان بازرسی کل کشور اعطا شده بود و اگر مراد از آن امر دیگری است، باید مشخص شود که منظور چیست تا بتوان نسبت به مغایرت یا عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی اظهار نظر کرد. ضمن آنکه اگر منظور از نظارت و بازرسی دو مقوله‌ی متفاوت است، باید هر دو معنا به روشنی تبیین و تصریح شود؛ بنابراین، بند مزبور از این جهت دارای ابهام است.

ب) در بند (۳) ماده (۲) این مصوبه معلوم نیست که آیا انجام رسیدگی و بازرسی توسط سازمان بازرسی کل کشور، نسبت به همه‌ی مراجع و مقامات درخواست‌کننده‌ی رسیدگی و بازرسی، الزامی است یا صرفاً نسبت به رهبری، ریاست قوه‌ی قضائیه و ریاست سازمان بازرسی کل کشور، الزامی است و نسبت به سایرین جنبه‌ی اختیاری دارد. از این حیث، بند مزبور واجد ابهام است و نمی‌توان از جهت مغایرت یا عدم مغایرت آن با قانون اساسی اظهار نظر کرد.

ج) اگر چه طبق اصل (۱۷۴) قانون اساسی، سازمان بازرسی زیر نظر رئیس قوه‌ی قضائیه است، لکن حذف عبارت «...در تمام موارد فوق‌الذکر رئیس سازمان تصویر گزارش بازرسی را جهت استحضار به رئیس قوه قضائیه ارسال خواهد نمود» از بند (د) ماده (۲) این ابهام را به وجود آورده که این سازمان دیگر الزامی به ارسال گزارش بازرسی به رئیس قوه‌ی قضائیه ندارد. بنابراین از آنجا که مشخص نیست حذف این عبارت، به معنای سلب حق و اختیار از ریاست قوه‌ی قضائیه در مطالبه‌ی تصویر گزارش‌های تهیه شده در سازمان بازرسی است یا فاقد این اثر می‌باشد، این بند از مصوبه، دارای ابهام است.

نظر شورای نگهبان

- در بند (ب) ماده (۲) اصلاحی موضوع بند (۳) ماده (۲)، انجام بازرسی‌های فوق‌العاده به درخواست نماینده مجلس، مغایر اصل (۵۷) قانون اساسی و اصول مربوط به وظایف و اختیارات نماینده شناخته شد. همچنین درخصوص رئیس جمهور و کمیسیون اصل (۹۰) قانون اساسی حتی در مواردی که درخواست مربوط به حیطه اختیارات آنها باشد، در صورتی که به معنای الزام سازمان بازرسی به انجام بازرسی باشد، اشکال دارد و این درخواست با این وصف باید از طریق رئیس قوه قضائیه و حسب دستور ایشان صورت پذیرد.
- در بند (ج) ماده (۲) اصلاحی موضوع بند (۴) ماده (۲)، الزام ارسال گزارش به کمیسیون اصل نودم (۹۰) قانون اساسی، مغایر اصول (۵۷) و (۱۷۴) قانون اساسی شناخته شد.
- در بند (هـ) الحاقی به ماده (۲) موضوع بند (۷) ماده (۲)، عضویت یک نفر قاضی منصوب رئیس قوه قضائیه، با توجه به ماهیت غیرقضایی کار این هیئت، مغایر اصول (۵۷) و (۶۰) قانون اساسی شناخته شد.
- تذکر: در بند (هـ) الحاقی به ماده (۲) موضوع بند (۷) ماده (۲)، عنوان قانون نیازمند اصلاح است.

ماده ۵- ماده (۶) قانون و تبصره آن^(۱) به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده ۶- گزارش‌های سازمان در مراجع قضایی و هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری، انضباطی و انتظامی، خارج از نوبت و حداکثر ظرف مدت سه ماه مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. چنانچه رسیدگی به پرونده‌ها بیش از مدت معین نیاز به وقت داشته باشد، مراجع مذکور باید جهات و دلایل آن را در پرونده درج و تصریح نمایند. آراء صادره مراجع قضایی با درخواست سازمان بازرسی کل کشور و موافقت دادستان ذی‌ربط و آراء صادره هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری، انضباطی و انتظامی با

۱. ماده (۶) قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۶۰/۷/۱۹ (اصلاحی ۱۳۷۵/۵/۷): «ماده ۶- گزارش‌های سازمان در مراجع قضایی و هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری خارج از نوبت رسیدگی شده و آراء صادره مراجع قضایی با درخواست سازمان بازرسی کل کشور و موافقت دادستان کل کشور و آراء صادره هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری با درخواست سازمان مذکور در مراجع ذی‌صلاح ظرف مدت ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر بوده و این رسیدگی نیز خارج از نوبت خواهد بود.

تبصره- هرگاه بازرسی که دارای پایه قضایی است ضمن بازرسی در حدود مقررات قانونی به حکمی برخورد نماید که آن را خلاف بین شرع یا قانون تشخیص دهد گزارش مستدل آن را از طریق رئیس سازمان برای اطلاع دادستان کل کشور تهیه و ارسال می‌دارد. دادستان کل در صورتی که آن را از مصادیق بند (۲) ماده (۱۸) قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳/۴/۱۵ تشخیص دهد، اقدام قانونی را معمول می‌دارد.»

درخواست سازمان مذکور در مراجع ذیصلاح ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر بوده و این رسیدگی نیز خارج از نوبت خواهد بود.

تبصره- هرگاه بازرس دارای پایه قضایی ضمن بازرسی در حدود مقررات قانونی، به حکمی برخورد کند که آن را خلاف بین شرع یا قانون تشخیص دهد، گزارش مستدل آن را از طریق رئیس سازمان برای رئیس قوه قضائیه ارسال می‌کند تا رئیس قوه طبق قانون، اقدام قانونی را به عمل آورد.

دیدگاه ابهام

الف) طبق ماده (۱۸) قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۸۵،^(۱) تنها در مواردی که به تشخیص رئیس قوه قضائیه رأی دادگاه، خلاف بین شرع باشد پرونده برای رسیدگی مجدد به مرجع صالح ارجاع می‌شود و در مواردی که حکم دادگاه خلاف قانون باشد، رئیس قوه قضائیه چنین اختیاری را ندارد. بر این اساس، از آنجا که در این تبصره مشخص نیست در مواردی که بازرس حکمی را خلاف قانون تشخیص دهد، رئیس قوه قضائیه اختیار انجام چه اقدامی را دارد و آیا این اختیار شامل اختیاری که ماده (۱۸) قانون اصلاح

۱. ماده (۱۸) قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۸۵/۱۰/۲۴: «ماده ۱۸- آرای غیرقطعی و قابل تجدیدنظر یا فرجام، همان است که در قانون آیین دادرسی ذکر گردیده، تجدیدنظر یا فرجام‌خواهی طبق مقررات آیین دادرسی مربوط انجام خواهد شد. آرای قطعی دادگاه‌های عمومی و انقلاب، نظامی و دیوان عالی کشور، جز از طریق اعاده دادرسی و اعتراض ثالث به نحوی که در قوانین مربوط مقرر گردیده، قابل رسیدگی مجدد نیست، مگر در مواردی که رأی به تشخیص رئیس قوه قضائیه، خلاف بین شرع باشد که در این صورت، این تشخیص به عنوان یکی از جهات اعاده دادرسی محسوب و پرونده حسب مورد به مرجع صالح برای رسیدگی ارجاع می‌شود.
- تبصره ۱- مراد از خلاف بین شرع، مغایرت رأی صادره با مسلمات فقه است و در موارد اختلاف نظر بین فقها ملاک عمل نظر ولی فقیه و یا مشهور فقها خواهد بود.
- تبصره ۲- چنانچه دادستان کل کشور، رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح و رؤسای کل دادگستری استان‌ها مواردی را خلاف بین شرع تشخیص دهند، مراتب را به رئیس قوه قضائیه اعلام خواهند نمود.
- تبصره ۳- آراء خلاف بین شرع شعب تشخیص، در یکی از شعب دیوان عالی کشور رسیدگی می‌شود.
- تبصره ۴- پرونده‌هایی که قبل از لازم‌الاجراء شدن این قانون به شعب تشخیص وارد شده است، مطابق مقررات زمان ورود رسیدگی می‌شود. پس از رسیدگی به پرونده‌های موجود، شعب تشخیص منحل می‌شود.
- تبصره ۵- آرائی که قبل از لازم‌الاجراء شدن این قانون قطعیت یافته است، حداکثر ظرف سه ماه و آرائی که پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون قطعیت خواهد یافت، حداکثر ظرف یک ماه از تاریخ قطعیت قابل رسیدگی مجدد مطابق مواد این قانون می‌باشد.
- تبصره ۶- از تاریخ تصویب این قانون، ماده (۲) قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه مصوب ۱۳۷۸/۱۲/۸ و سایر قوانین مغایر لغو می‌شود.»

قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، در موارد خلاف بین شرع بودن حکم دادگاه، به رئیس قوه قضائیه داده می‌شود یا خیر، تبصره‌ی مزبور دارای ابهام است.

ب) در ماده (۱۸) قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۸۵، اختیار رئیس قوه قضائیه تنها مربوط به مواردی است که آرای صادره «خلاف بین شرع» باشد؛ در حالی که ظاهر تبصره‌ی این ماده آن است که در مواردی نیز که آرای صادره «خلاف قانون» باشد، رئیس قوه قضائیه دارای چنین اختیاری است. بنابراین از آنجا که منظور از احکام «خلاف قانون» در تبصره‌ی این ماده مشخص نشده، تبصره‌ی مزبور واجد ابهام است.

دیدگاه عدم مغایرت و ابهام

در تبصره‌ی این ماده مقرر نشده است که رئیس قوه قضائیه همان اقدامی را که در خصوص احکام خلاف بین شرع در فرض اعاده‌ی دادرسی انجام می‌دهد، در رابطه با احکام خلاف قانون نیز انجام دهد، بلکه تنها بیان شده در صورت خلاف قانون تشخیص دادن حکم، این موضوع به اطلاع رئیس قوه قضائیه رسانده می‌شود تا ایشان «طبق قانون، اقدام قانونی را به عمل آورد». در این سیاق، اقدام قانونی، اعم از فرایند اتخاذی در زمینه احکام خلاف بین شرع توسط رئیس قوه و موارد دیگر از قبیل رسیدگی به تخلف قضات است. این مسئله مغایرتی با صلاحیت‌های مقرر برای رئیس قوه قضائیه در ماده (۱۸) قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۸۵ ندارد.

نظر شورای نگهبان

در تبصره ماده (۶) اصلاحی موضوع ماده (۵)، با توجه به اینکه در قانون آیین دادرسی کیفری، اختیار رئیس قوه قضائیه مربوط به مواردی است که آراء صادره خلاف بین شرع باشد. منظور از خلاف قانون در این تبصره روشن نیست.

ماده ۶- تبصره (۱) ماده (۸)^(۱) به شرح زیر اصلاح می‌شود:

۱. ماده (۸) قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۶۰/۷/۱۹: «ماده ۸- کلیه مسئولان ذی‌ربط در وزارتخانه‌ها و ادارات و سازمان‌ها و مؤسسات و واحدهای مشمول این قانون مکلفند اسناد و اطلاعات و مدارک مورد لزوم در تحقیقات را بدون هرگونه فوت وقت در اختیار بازررس یا بازرسان اعزامی قرار داده و همکاری لازم را مبذول دارند.

تبصره ۱- تخلف از تکلیف مندرج در این ماده موجب حبس جنحه‌ای از سه ماه تا شش ماه یا انفصال موقت از خدمات دولت تا یک سال خواهد بود.

تبصره ۲- ...»

تبصره ۱- تخلف از تکلیف مندرج در این ماده، موجب حبس از سه ماه و یک روز تا شش ماه یا انفصال موقت از خدمات دولتی و عمومی از سه ماه تا یک سال خواهد بود.

دیدگاه مغایرت

در تبصره (۱) این ماده با توجه به اینکه تخلف از تکلیف ماده (۸) جرم تلقی شده است، جرم‌انگاری نسبت به «عدم همکاری لازم» با توجه به مشخص نبودن حدود و نوع همکاری، اشکال دارد؛ زیرا روشن نیست که مراد از «همکاری» چیست و چه مصادیقی را شامل می‌شود. به عبارت دیگر، جرم‌انگاری مذکور در این تبصره، مطلق و کلی است و مصادیق زیادی را شامل می‌شود.

دیدگاه عدم مغایرت

لزوم صدور حکم توسط دادگاه در عبارت تبصره (۱) این ماده، مفروض بوده و نیازی به تصریح به آن در این ماده نیست. بنابراین تبصره‌ی مزبور مغایرتی با صلاحیت‌های مقرر برای قوه قضائیه بر اساس اصل (۱۵۹) قانون اساسی که مرجع تظلمات و شکایات را دادگستری معرفی می‌نماید، ندارد.

دیدگاه ابهام

اطلاق تبصره (۱) این ماده در خصوص حکم به مجازات متخلف از تکلیف مندرج در این ماده به نحوی است که صدور حکم توسط سازمان بازرسی را به ذهن متبادر می‌کند. از آنجا که طبق اصول (۶۱)، (۱۵۶) و (۱۵۹) قانون اساسی، رسیدگی و صدور حکم منحصرأ در صلاحیت دادگاه‌های دادگستری است، لازم است برای دفع توهم مزبور، به صدور و اجرای حکم توسط دادگاه صالح تصریح شود. بنابراین اطلاق این تبصره از این جهت دارای ابهام است.

نظر شورای نگهبان

در تبصره یک ماده (۸) اصلاحی موضوع ماده (۶)، با توجه به اینکه تخلف از تکلیف ماده (۸) قانون به‌عنوان جرم تلقی شده است، جرم‌انگاری نسبت به «عدم همکاری لازم» با توجه به مشخص نبودن حدود و نوع همکاری، اشکال دارد.

ماده ۸- تبصره زیر به ماده (۱۰) قانون^(۱) الحاق می‌شود:

تبصره- عدم اجرای پیشنهادهای قانونی سازمان بدون عذر موجه با رسیدگی و احراز در دادگاه صالح، مشمول مجازات مقرر در تبصره (۱) ماده (۸) قانون می‌باشد.

دیدگاه مغایرت

در تبصره‌ی الحاقی، اطلاق مجرمانه تلقی کردن کلیه‌ی ترک فعل‌های مأموران دستگاه‌ها نسبت به پیشنهادهای سازمان بازرسی کل کشور، در مورد دستگاه‌هایی که اقدامات آنها تخلف از مواد قانونی نیست، از این جهت که مستلزم دخالت سازمان بازرسی کل کشور در حیطه‌ی وظایف و صلاحیت‌های این دستگاه‌ها است، مغایر اصل (۵۷) قانون اساسی در باب استقلال قوا است. به عبارت دیگر، در مواردی که اقدام یک دستگاه، خلاف قانون نباشد، سازمان بازرسی صلاحیت ارائه‌ی پیشنهاد به آن دستگاه را ندارد تا عدم اجرای پیشنهاد توسط آن دستگاه، مشمول مجازات مقرر در این تبصره باشد. بر این اساس، عدم اجرای پیشنهاد سازمان بازرسی تنها در صورتی مشمول مجازات مزبور است که اقدامات دستگاه ذی‌ربط غیرقانونی باشد.

دیدگاه عدم مغایرت

اطلاق تبصره این ماده را نمی‌توان موجب نقض اصل استقلال قوا، مقرر در اصل (۵۷) قانون اساسی دانست؛ زیرا بنا به تصریح این تبصره، پیشنهاد سازمان بازرسی «قانونی» است؛ به عبارت دیگر، قانون حق ارائه چنین پیشنهادی را به این سازمان داده است. بنابراین در صورت عدم اجرای پیشنهاد «قانونی» سازمان و نداشتن عذر موجه، با رسیدگی در دادگاه صالح، دستگاه ذی‌ربط مشمول و مستحق مجازات مقرر در این تبصره است. بنابراین از آنجا که قانون حق ارائه‌ی چنین پیشنهادی را به سازمان بازرسی کل کشور داده، این پیشنهاد را نمی‌توان به معنای مداخله‌ی این سازمان در امور سایر دستگاه‌ها و نقض اصل (۵۷) قانون اساسی دانست.

دیدگاه ابهام

در این تبصره، تخلف از پیشنهادهای قانونی سازمان بازرسی کل کشور جرم تلقی شده است؛ در حالی که مشخص نیست مراد از «پیشنهادهای قانونی» چیست و چه مصادیقی را شامل می‌شود؛

۱. ماده (۱۰) قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۶۰/۷/۱۹: «ماده ۱۰- وزیر یا مسئول دستگاه مربوط موظف است از تاریخ دریافت گزارش هیئت بازرسی حداکثر ظرف ده روز عملیات اجرایی را جهت انجام پیشنهادهای مندرج در گزارش مزبور، شروع و مفاد جریان کار را مرتباً به اطلاع سازمان برساند. سازمان موظف است تا حصول نتیجه نهایی، جریان امر را پیگیری نماید.»

از این‌رو، با توجه به جرم‌انگاری و تعیین مجازات انجام‌شده در این تبصره، عنوان «پیشنهادهای قانونی» دارای ابهام است و لازم است عنوان مجرمانه مورد نظر دقیقاً معین شود.

نظر شورای نگهبان

با توجه به جرم‌انگاری و تعیین مجازات در تبصره الحاقی به ماده (۱۰) موضوع ماده (۸)، عنوان «پیشنهادهای قانونی» دارای ابهام است و لازم است عنوان مجرمانه دقیقاً معین شود تا اظهار نظر گردد.

به علاوه، اطلاق تبصره نسبت به مواردی که عدم اجرای پیشنهاد حاوی تخلف از مقررات قانونی نیست، مغایر اصل (۵۷) قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۹- ماده (۱۱) قانون^(۱) به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۱۱- سازمان می‌تواند در موارد زیر نیز اقدام کند:

الف- بهره‌گیری از توان تشکلهای غیردولتی مردم‌نهاد و اشخاص واجد شرایط در بخش‌های علمی و تخصصی، صنفی و مردمی به منظور انجام وظایف محوله؛

ب- ایجاد هماهنگی‌های لازم، مستمر و منظم با مسئولان دستگاه‌های نظارتی کشور با حفظ استقلال و اختیارات قانونی و ذاتی هر دستگاه به منظور ارتقاء کیفی و کمی و افزایش اثربخشی اقدامات نظارتی و پرهیز از کارهای موازی و غیر ضرور و تقویت مدیریت کشور و ارائه گزارش نتایج حاصله به رؤسای قوای سه‌گانه؛

ج- معرفی نماینده به مجامع، شوراها و کمیسیون‌ها و کمیته‌های مالی، معاملاتی و اعتباری دستگاه‌های مشمول بازرسی، به‌عنوان ناظر بدون حق رأی برای انجام وظیفه نظارتی؛

تبصره- مسئولان ذی‌ربط موظفند زمان تشکیل جلسات مجامع و شوراهای مورد نظر را به اطلاع سازمان برسانند.

د- ارائه گزارش‌های نظارتی هشداردهنده به‌هنگام به مقامات مسئول جهت پیشگیری از وقوع جرم، تخلف و سوء جریانات احتمالی؛

ه- اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی عمومی از طریق رسانه‌های عمومی به منظور ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد، با رعایت قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴.

۱. ماده (۱۱) قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۶۰/۷/۱۹: «ماده ۱۱- از تاریخ اجرای این قانون، سازمان کنونی بازرسی کل کشور، منحل و کلیه اسناد و اوراق و مدارک و اموال و اعتبارات و تعهدات و کارکنان آن در اختیار سازمان قرار می‌گیرد.»

دیدگاه مغایرت

الف) اگرچه حکم مقرر در بند (ب) این ماده مبنی بر ایجاد هماهنگی‌های لازم، مستمر و منظم با مسئولان دستگاه‌های نظارتی کشور مقید به لزوم حفظ استقلال و اختیارات ذاتی هر دستگاه شده است، لکن از آنجا که این امر در نهایت منجر به خدشه‌دار شدن استقلال قوا و وظایف و اختیارات سایر نهادهای نظارتی خواهد شد، بند مزبور مغایر با اصل (۵۷) قانون اساسی مبنی بر رعایت استقلال قوا است؛ زیرا پیش‌بینی حق ایجاد هماهنگی با مسئولان دستگاه‌های نظارتی کشور برای سازمان بازرسی بدین معناست که آن دستگاه‌ها در اجرای وظایف نظارتی خود باید با این سازمان هماهنگ شوند. بر همین اساس، شورای نگهبان در موارد مشابه از جمله در خصوص ماده (۱۹۶)^(۱) لایحه برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران و ماده (۷)^(۲) طرح عضویت و لغو عضویت نمایندگان مجلس شورای اسلامی در برخی از شوراهای عالی، شوراها، مجامع و سایر هیئت‌ها، تشکیل شورای دستگاه‌های نظارتی کشور را مغایر اصول متعدد قانون اساسی از جمله اصل (۵۷) دانسته است.

۱. ماده (۱۹۶) لایحه برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۹/۱۷: «ماده ۱۹۶- به منظور تقویت نهادهای نظارتی کشور، کارآمد نمودن نظام نظارت، حذف اقدامات موازی، شفاف‌سازی، ایجاد هماهنگی، ارتقاء بهره‌وری و تقویت مدیریت کشور، شورای دستگاه‌های نظارتی کشور متشکل از دو نفر از مسئولین نظارتی هر قوه با انتخاب رئیس قوه با حفظ استقلال دستگاه‌ها و انجام وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های قانونی هر یک از آنها در حدود مقرر در قانون اساسی تشکیل می‌شود. دستورالعمل اجرایی این ماده مشتمل بر نحوه تشکیل جلسات شورا، نحوه تصمیم‌گیری و نحوه پیگیری تصمیمات، ظرف شش ماه اول برنامه به پیشنهاد اعضاء شورا و با توافق سران قوا تعیین می‌گردد».

متن نظر شماره ۸۹/۳۰/۴۰۹۶۸ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۶ شورای نگهبان در خصوص این مصوبه: «در ماده (۱۹۶)، تشکیل شورای دستگاه‌های نظارتی کشور، مغایر اصول (۵۴)، (۵۵)، (۵۷)، (۶۰)، (۷۶)، (۸۷)، (۹۰) و بند (۳) اصل (۱۵۶) و اصول (۱۶۱)، (۱۷۳) و (۱۷۴) قانون اساسی شناخته شد».

۲. ماده (۷) طرح عضویت و لغو عضویت نمایندگان مجلس شورای اسلامی در برخی از شوراهای عالی، شوراها، مجامع و سایر هیئت‌ها مصوب ۱۳۹۲/۷/۱۷: «ماده ۷- به منظور ایجاد هماهنگی برای کارآمد نمودن نظام نظارت، ارتقای بهره‌وری و تقویت مدیریت کشور، شورای دستگاه‌های نظارتی کشور متشکل از دو نفر از مسئولین نظارتی هر قوه با انتخاب رئیس قوه، با حفظ استقلال هر یک از قوا در حدود مقرر در قانون اساسی تشکیل می‌شود. شورای مذکور وظیفه نظارت بر فرایند تولید آمارهای پایه و شاخص‌های کلان کشور که توسط مرکز آمار ایران تهیه می‌شود را نیز عهده‌دار است».

متن نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۲۰۹۲ مورخ ۱۳۹۲/۸/۵ شورای نگهبان در خصوص این مصوبه: «در ماده (۷)، تشکیل شورای دستگاه‌های نظارتی، همان‌طور که قبلاً از جمله در خصوص ماده (۱۹۶) قانون برنامه پنج‌ساله توسعه اعلام گردیده، مغایر اصول (۵۴)، (۵۵)، (۵۷)، (۶۰)، (۷۶)، (۸۷)، (۹۰) و بند (۳) اصل (۱۵۶) و اصول (۱۶۱)، (۱۷۳) و (۱۷۴) قانون اساسی شناخته شد».

ب) در بند (ج) این ماده، معرفی نماینده به مجامع، شوراهای، کمیسیون‌ها و کمیته‌های مالی، معاملاتی و اعتباری توسط سازمان بازرسی کل کشور به‌عنوان ناظر، مغایر صلاحیت‌های پیش‌بینی شده در اصل (۱۷۴) قانون اساسی برای سازمان بازرسی کل کشور است.

ج) الزام مسئولان ذی‌ربط در تبصره بند (ج) این ماده، نسبت به مطلع کردن سازمان بازرسی کل کشور از زمان تشکیل جلسات مجامع و شوراهای مورد نظر باعث نقض استقلال قوا مقرر در اصل (۵۷) قانون اساسی است؛ زیرا طبق این اصل، قوا مستقل از یکدیگرند و از جمله آثار این استقلال آن است که یک قوه نتواند قوه دیگر را به انجام امری الزام کند؛ در حالی که بند مزبور، مسئولان ذی‌ربط در تبصره را ملزم نموده تا زمان تشکیل جلسات مجامع و شوراهای خود را به سازمان بازرسی که زیر نظر قوه قضائیه است، اطلاع دهند.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) از آنجا که در بند (ب) این ماده، پیش‌بینی حق ایجاد هماهنگی‌های لازم، مستمر و منظم با مسئولان دستگاه‌های نظارتی کشور برای سازمان بازرسی محدود و مشروط به آن شده است که استقلال و اختیارات ذاتی هر دستگاه حفظ شود، استقلال قوای مقرر در اصل (۵۷) قانون اساسی خدشه‌دار نخواهد شد. ضمن آنکه پیش‌بینی این حق در راستای جلوگیری از اقدامات نظارتی موازی و غیرضروری دستگاه‌ها بوده و به معنای دخالت این سازمان در وظایف سایر دستگاه‌های نظارتی نیست. بنابراین نمی‌توان بند مزبور را مغایر اصل (۵۷) قانون اساسی دانست.

ب) هر چند معرفی نماینده به‌عنوان ناظر از سوی سازمان بازرسی کل کشور در بند (ج) این ماده اطلاق دارد و متضمن نظارت بر قبل و بعد از اقدامات دستگاه‌ها است، لکن از آنجا که نظارت قبل از اقدام، مقدمه‌ی نظارت بعد از آن است، مغایرتی با صلاحیت نظارتی سازمان بازرسی مقرر در (۱۷۴) قانون اساسی ندارد.

نظر شورای نگهبان

- در بند (ب) ماده (۱۱) اصلاحی موضوع ماده (۹)، واگذاری ایجاد هماهنگی‌های لازم، مستمر و منظم به سازمان بازرسی کل کشور، همان‌طور که قبلاً در موارد مشابه از جمله در خصوص ماده (۷) طرح عضویت و لغو عضویت نمایندگان مجلس شورای اسلامی در برخی از شوراهای عالی، شوراهای مجامع و سایر هیئت‌ها و ماده (۱۹۶) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه اعلام گردیده، مغایر اصول (۵۴)، (۵۵)، (۵۷)، (۶۰)، (۷۶)، (۸۷) و (۹۰) و بند (۳) اصل (۱۵۶) و اصول (۱۶۱)، (۱۷۳) و (۱۷۴) قانون اساسی شناخته شد

- در بند (ج) ماده (۱۱) اصلاحی و تبصره آن موضوع ماده (۹)، معرفی نماینده به مجامع،

شوراها و کمیسیون‌ها و کمیته‌های مالی، معاملاتی و اعتباری به‌عنوان ناظر، مغایر اصل (۱۷۴) قانون اساسی شناخته شد.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۳/۴/۲۹ (مرحله دوم)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۵/۱۵

ماده ۱- در ماده (۱) قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۶۰/۷/۱۹ و اصلاحیه مورخ ۱۳۷۵/۵/۷ آن، کلمه «رئیس» قبل از عبارت «قوه قضائیه» اضافه و یک تبصره به شرح زیر به آن الحاق می‌شود:

تبصره- نظارت و بازرسی از نظر این قانون عبارت است از مجموعه فعالیت‌های مستمر و منظم و هدف‌دار به منظور جمع‌آوری اطلاعات لازم درباره مراحل حین و بعد از اقدامات دستگاه‌های مشمول ماده (۲) این قانون، تجزیه و تحلیل آنها، تطبیق عملکرد دستگاه با اهداف و تکالیف قانونی و ارائه پیشنهادهای مناسب در جهت حسن جریان امور. سازمان بازرسی همچنین می‌تواند قبل از اقدامات دستگاه‌های مذکور نیز اطلاعات لازم را جمع‌آوری کند.

دیدگاه مغایرت

الف) اگرچه با حذف کلمه «قبل» در عبارت «.... به منظور جمع‌آوری اطلاعات لازم درباره مراحل قبل، حین و بعد....» ابهام قبلی شورای نگهبان موضوعاً منتفی شده است، لیکن اضافه شدن عبارت «سازمان بازرسی همچنین می‌تواند قبل از اقدامات دستگاه‌های مذکور نیز اطلاعات لازم را جمع‌آوری کند» به انتهای تبصره‌ی این ماده، صلاحیت جمع‌آوری اطلاعات، قبل از اتخاذ اقدام را مجدداً به سازمان بازرسی کل کشور اعطا کرده است. از آنجا که این امر در بسیاری از موارد موجب دخالت این سازمان در امور سایر دستگاه‌ها است، حکم مقرر در انتهای این تبصره مغایر اصل (۵۷) قانون اساسی ناظر بر اصل استقلال قوا است.

ب) هرچند در عبارت اضافه شده به ذیل تبصره‌ی ماده (۱)، کلمه «می‌تواند» استفاده شده است، اما این لفظ مفید معنای تخییر برای دستگاه‌های مشمول قانون نیست، بلکه به سازمان بازرسی کل کشور صلاحیتی را اعطا می‌کند که پذیرش آن برای سایر دستگاه‌ها ضروری و لازم است. از این رو، اعطای این صلاحیت نظارتی به سازمان بازرسی کل کشور در مرحله قبل از اقدام دستگاه‌ها، مغایر با اصول (۵۷) و (۱۷۴) قانون اساسی است.

ج) صلاحیت نظارتی مذکور در اصل (۱۷۴) قانون اساسی برای سازمان بازرسی، مربوط به

بعد از اقدام دستگاه‌ها است. از این‌رو، جمع‌آوری اطلاعات به عنوان مقدمه‌ی نظارت نیز قهراً ناظر به مرحله‌ی بعد از اقدام است نه قبل از آن؛ بنابراین پیش‌بینی صلاحیت جمع‌آوری اطلاعات، قبل از اقدامات دستگاه‌ها، به نوعی توسعه‌ی صلاحیت نظارتی این سازمان و مغایر با اصل (۱۷۴) قانون اساسی است. ضمن آنکه انجام نظارت حینی و پسینی این سازمان، هیچ‌گونه ملازمه‌ای با جمع‌آوری اطلاعات قبل از اقدام دستگاه‌های اداری ندارد.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) در این تبصره با حذف کلمه «قبل» در عبارت «...جمع‌آوری اطلاعات لازم درباره مراحل قبل، حین و بعد از اقدامات دستگاه‌ها...»، بازرسی و نظارت قبل از اقدام دستگاه‌ها به منظور جمع‌آوری اطلاعات منتفی شده است و بدین ترتیب، سازمان بازرسی کل کشور در مرحله‌ی قبل از اقدام دستگاه‌ها، نه حق نظارت دارد و نه حق بازرسی. بر اساس عبارت اضافه شده در ذیل تبصره، این سازمان تنها صلاحیتی که در این مرحله دارد، درخواست در اختیار قرار دادن اطلاعات از اقدام آتی دستگاه‌ها است، بدون آنکه به بازرسی و یا نظارت مبادرت کند. بنابراین عبارت اضافه شده به انتهای تبصره‌ی این ماده، به معنای نظارت و دخالت این سازمان در مرحله‌ی قبل از اقدام دستگاه‌های اداری نبوده و این تبصره از این جهت مغایرتی با اصل (۵۷) و (۱۷۴) قانون اساسی ندارد؛ زیرا از طرفی، خدشه‌ای به اصل استقلال قوا، مذکور در اصل (۵۷) وارد نمی‌کند و از طرف دیگر، برای سازمان بازرسی، نظارتی فراتر از حق نظارت مذکور در اصل (۱۷۴) پیش‌بینی نشده است.

ب) وجود صلاحیت نظارتی برای سازمان بازرسی کل کشور، حین و بعد از اقدامات دستگاه‌ها مستلزم در اختیار داشتن مجموعه‌ای از اطلاعات از مرحله‌ی قبل از اقدام است تا امکان بازرسی و نظارت حین و بعد از اقدام فراهم شود؛ ضمن آنکه حذف کلمه «مراحل قبل» و اضافه شدن عبارت ذیل تبصره، مؤید آن است که مراد از «اطلاعات لازم»، اطلاعات لازم برای انجام بازرسی‌های حین و بعد از اقدام دستگاه‌ها است. بر این اساس، حکم مقرر در ذیل تبصره‌ی این ماده، موجب توسعه‌ی صلاحیت نظارتی پیش‌بینی شده در اصل (۱۷۴) قانون اساسی برای این سازمان نیست؛ زیرا شرط لازم برای بازرسی و نظارت حینی و پسینی، نظارت پیشینی است و قلمرو این اصل به بازرسی حینی و پسینی محدود نمی‌شود.

ج) از آنجا که عبارت ذیل تبصره این ماده، صرفاً جمع‌آوری اطلاعات را مقرر داشته و اتخاذ اقدام دیگری را توسط سازمان بازرسی کل کشور تجویز نمی‌کند، ملاحظات و نگرانی‌هایی که به لحاظ واقعی و در عمل در رابطه با تداخل وظایف قوا وجود دارد، منتفی می‌شود؛ به دلیل اینکه نظارت صرف، امکان ایجاد اختلال را فراهم نمی‌آورد.

دیدگاه ابهام

ذیل تبصره‌ی ماده (۱) برای سازمان بازرسی کل کشور صلاحیت جمع‌آوری اطلاعات را در مرحله‌ی قبل از اقدام دستگاه‌ها مقرر داشته است؛ لیکن از آنجا که مشخص نشده صلاحیت مذکور جزء وظیفه‌ی نظارتی این سازمان است یا از لوازم یا مقدمات آن و همچنین حدود و میزان آن نیز مشخص نشده است، این تبصره دارای ابهام است.

نظر شورای نگهبان

ماده (۱)، مغایر با قانون اساسی و موازین شرع شناخته نشد.

ماده ۲- ماده (۲) قانون به شرح زیر اصلاح می‌شود:

۱- ...

۳- بند (۳) ماده (۲) حذف شد.

۴- بند (۴) ماده (۲) حذف شد.

۵- ...

۷- متن زیر به عنوان بند (ه) و تبصره آن اضافه می‌گردد:

ه- در مواردی که گزارش بازرسی متضمن اعلام تخلف اداری مدیران کل ادارات و مقامات بالاتر تا سطح وزرا و هم‌تراز آنان است که مشمول قانون رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان هستند، سازمان گزارش را برای رسیدگی به هیئت تخلفات اداری نهاد ریاست جمهوری ارسال و تا حصول نتیجه پیگیری می‌کند. در خصوص پرونده‌های مطروحه در رابطه با مقامات فوق، هیئت رسیدگی بدوی و تجدیدنظر مزبور با عضویت یک نفر از قضات منصوب رئیس قوه قضائیه تشکیل می‌شود و خارج از نوبت طبق قانون رسیدگی به تخلفات اداری به موضوع رسیدگی می‌کند.

[عبارت «جلسات هیئت با حضور عضو قضایی اعتبار دارد» از انتهای پاراگراف فوق،

حذف شد.]

...

دیدگاه مغایرت

از آنجا که به صراحت بند (ه) این ماده، رسیدگی هیئت مذکور، ماهیت اداری دارد نه قضایی، حکم مقرر در این بند مبنی بر لزوم حضور قاضی منصوب رئیس قوه‌ی قضائیه در هیئت رسیدگی بدوی و تجدیدنظر، متضمن تداخل قوا و در تغایر با اصل (۵۷) قانون اساسی است؛ زیرا این امر به منزله‌ی دخالت قوه‌ی قضائیه در فعالیت سایر قوا است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) حکم مقرر در بند (هـ) این ماده مبنی بر لزوم تشکیل هیئت رسیدگی بدوی و تجدیدنظر با عضویت یک نفر از قضات منصوب رئیس قوه قضائیه به معنای دخالت قوه قضائیه در سایر دستگاه‌ها و نقض اصل استقلال قوای مقرر در اصل (۵۷) قانون اساسی نیست؛ زیرا اگرچه این قاضی، منصوب از طرف رئیس قوه قضائیه است، لکن در صورتی که آن قاضی، خارج از وقت اداری و به‌طور اختیاری در هیئت رسیدگی حضور داشته باشد، این امر مغایرتی با اصل مذکور ندارد.

ب) با عنایت به حذف بند (۳) از ماده (۲) این مصوبه، ایراد قبلی شورا مبنی بر مغایرت تجویز انجام بازرسی‌های فوق‌العاده از دستگاه‌های اجرایی زیر مجموعه قوه مجریه یا قوه قضائیه به درخواست نمایندگان مجلس به جهت مغایرت با اصل استقلال قوای مقرر در اصل ۷۵ قانون اساسی، موضوعاً منتفی شده است.

ج) با عنایت به حذف بند (۳) از ماده (۲) این مصوبه، ایراد قبلی شورا مبنی بر مغایرت این بند با قانون اساسی از جهت الزام سازمان بازرسی به انجام بازرسی به درخواست رئیس جمهور و یا کمیسیون اصل (۹۰) قانون اساسی، موضوعاً منتفی شده است.

د) با عنایت به حذف بند (۴) از ماده (۲) این مصوبه، ایراد قبلی شورا مبنی بر مغایرت این بند با اصل (۵۷) و اصل (۱۷۴) قانون اساسی، از جهت الزام سازمان بازرسی به ارسال گزارش به کمیسیون اصل (۹۰) قانون اساسی، موضوعاً منتفی شده است.

هـ) با توجه به اینکه در بند (هـ) الحاقی به ماده (۲) این مصوبه، اولاً عبارت «رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان» جایگزین عبارت «تخلفات اداری» شده و ثانیاً عبارت «جلسات هیئت با حضور عضو قضایی اعتبار دارد» از ذیل این بند حذف شده است، ایراد قبلی شورا مبنی بر مغایرت این بند با اصول (۵۷) و ۶۰ قانون اساسی، از جهت لزوم عضویت یک نفر قاضی منصوب رئیس قوه قضائیه در هیئت تخلفات اداری، برطرف شده است.

نظر شورای نگهبان

تذکر: در بند (هـ) الحاقی به ماده (۲) موضوع بند (۷) ماده (۲)، از آنجا که عنوان این هیئت‌ها، «هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری» است نه «هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان»، نیازمند اصلاح عبارتی است.

ماده ۶- ...

تبصره- هرگاه بازرسی دارای پایه قضایی ضمن بازرسی در حدود مقررات قانونی، به حکمی برخورد کند که آن را خلاف بین شرع تشخیص دهد، گزارش مستدل آن را از طریق رئیس سازمان برای رئیس قوه قضائیه ارسال می کند تا رئیس قوه طبق قانون، اقدام قانونی را به عمل آورد.

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به اینکه در تبصره‌ی ماده (۶) اصلاحی، اختیار رئیس قوه‌ی قضائیه تنها اختصاص به مواردی پیدا کرده است که آراء صادره خلاف بین شرع باشد و کلمه «قانون» از این ماده حذف شده است، ایراد قبلی شورا مبنی بر عدم سازگاری این کلمه با قانون آیین دادرسی کیفری و روشن نبودن منظور از آن کلمه، موضوعاً منتفی شده است.

نظر شورای نگهبان

ماده (۵)، مغایر با قانون اساسی و موازین شرع شناخته نشد.

ماده ۶- تبصره (۱) ماده (۸) به شرح زیر اصلاح می شود:

تبصره ۱- تخلف از تکلیف مندرج در این ماده، در خصوص عدم همکاری در ارائه اسناد و مدارک مورد نیاز، موجب حبس از سه ماه و یک روز تا شش ماه یا انفصال موقت از خدمات دولتی و عمومی از سه ماه تا یک سال خواهد بود.

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به اینکه در تبصره‌ی مزبور، نوع عدم همکاری، «عدم همکاری در ارائه اسناد و مدارک مورد نیاز» بیان شده است، ابهام قبلی شورا مبنی بر مشخص نبودن حدود جرم‌انگاری انجام شده در این تبصره، برطرف شده است.

دیدگاه ابهام

ایراد سابق شورا در مورد جرم‌انگاری فعل «همکاری» بود و نه معلوم نبودن متعلق آن؛ در واقع ایراد بر مبهم و موسّع بودن مفهوم همکاری است؛ زیرا قلمرو آن مشخص و معلوم نیست. بنابراین از آنجا که در تبصره‌ی مزبور، حدود و ثغور این همکاری تعیین نشده است، ابهام قبلی شورا کماکان به قوت خود باقی است.

نظر شورای نگهبان

ماده (۶)، مغایر با قانون اساسی و موازین شرع شناخته نشد.

ماده ۸- تبصره زیر به ماده (۱۰) قانون^(۱) الحاق می‌شود:

تبصره- در مواردی که پیشنهاد های سازمان برای جلوگیری از وقوع جرم، تکرار تخلف یا سوء جریان امور باشد و مسئول مربوطه بدون عذر موجه از انجام آن استنکاف نماید با رسیدگی و احراز در دادگاه صالح مشمول مجازات مقرر در تبصره (۱) ماده (۸) این قانون می‌باشد.

دیدگاه مغایرت

اطلاق حکم به مجازات در تبصره‌ی مزبور نسبت به مواردی که عدم اجرای پیشنهاد حاوی تخلف از مقررات قانونی نیست، مستلزم دخالت سازمان بازرسی در امور اجرایی سایر دستگاه‌ها و مغایر اصل (۵۷) قانون اساسی است. توضیح آنکه در صورتی که یک دستگاه از پیشنهادی که متضمن الزام قانونی است تخلف کند، عمل آن دستگاه، جرم و قابل مجازات است؛ لیکن نمی‌توان عمل نکردن به پیشنهاد کارشناسی سازمان بازرسی را در مواردی که تخلفی از مقررات نشده است، جرم و قابل مجازات دانست. بر این اساس، از آنجا که پیش‌بینی مجازات در این گونه موارد، موجب الزام دستگاه‌ها به قبول پیشنهاد سازمان بازرسی است و این امر، نوعی مداخله‌ی سازمان در امور اجرایی سایر دستگاه‌ها را موجب می‌شود، این تبصره همچنان مغایر اصل (۵۷) قانون اساسی است و ایراد قبلی شورا در این خصوص کماکان به قوت خود باقی است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) اطلاق حکم مقرر در این تبصره مبنی بر پیش‌بینی مجازات در موارد عدم پذیرش پیشنهاد سازمان بازرسی توسط دستگاه‌ها، مغایرتی با اصل (۵۷) قانون اساسی ندارد؛ زیرا پیش‌بینی مجازات در این تبصره، تنها در مواردی است که سازمان بازرسی، تخلف دستگاه از «مقررات» را محرز و ثابت دانسته و آن دستگاه به پیشنهاد سازمان بازرسی مبنی بر توقف تخلف اعتنا نکرده

۱. ماده (۱۰) قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۶۰/۷/۱۹: «ماده ۱۰- وزیر یا مسئول دستگاه مربوط موظف است از تاریخ دریافت گزارش هیئت بازرسی حداکثر ظرف ده روز عملیات اجرایی را جهت انجام پیشنهاد های مندرج در گزارش مزبور، شروع و مفاد جریان کار را مرتباً به اطلاع سازمان برساند. سازمان موظف است تا حصول نتیجه نهایی، جریان امر را پیگیری نماید.»

باشد، نه مواردی که تخلفی از مقررات انجام نگرفته است. بنابراین، تبصره‌ی مزبور در راستای وظیفه نظارتی سازمان بازرسی کل کشور است و متضمن نقض اصل استقلال قوا نیست.

ب) با عنایت به اینکه تبصره‌ی اصلاحی، حدود پیشنهادات سازمان را مشخص کرده و بیان داشته که پیشنهادهای این سازمان برای جلوگیری از وقوع جرم، تکرار تخلف یا سوء جریان امور است، ابهام قبلی شورا مبنی بر معلوم نبودن عنوان «پیشنهادهای قانونی» برطرف شده است.

نظر شورای نگهبان

علی‌رغم اصلاح به عمل آمده در تبصره الحاقی به ماده (۱۰) موضوع ماده (۸)، ایراد قبلی این شورا در خصوص فراز اخیر بند (۷)^(۱) رفع نشده و کماکان به قوت خود باقی است.

ماده ۹- ماده (۱۱) قانون به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۱۱- سازمان می‌تواند در موارد زیر نیز اقدام کند:

الف- ...

ب- بند (ب) ماده (۱۱) اصلاحی موضوع ماده (۹) حذف شد.

ج- با بهره‌گیری از فناوری‌های روز و هرگونه ابزار مناسب دیگر بر عملکرد شوراها و کمیسیون‌های مالی، معاملاتی و اعتباری دستگاه‌های مشمول بازرسی و انجام مناقصات و مزایده‌ها نظارت کند.

د- ...

دیدگاه عدم مغایرت

الف) با توجه به حذف بند (ب) ماده (۱۱) اصلاحی موضوع ماده (۹)، ایراد قبلی شورا مبنی بر دخالت سازمان بازرسی در امور سایر دستگاه‌ها موضوعاً منتفی شده است.

ب) با عنایت به اینکه بند (ج) ماده (۱۱) اصلاحی، جایگزین بند سابق شده است، ایراد قبلی شورا نسبت به این بند که ناظر بر محتوای بند پیشین بود (= الزام مسئولان ذی‌ربط به مطلع کردن سازمان بازرسی کل کشور از زمان تشکیل جلسات مجامع و شوراهای مورد نظر)، موضوعاً منتفی شده است؛ ضمن آنکه به مفاد بند (ج) کنونی نیز از جهت مغایرت با موازین شرع و قانون اساسی ایرادی وارد نیست.

۱. بند (۷) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۸۴۸ مورخ ۱۳۹۳/۳/۵ شورای نگهبان: «۷- ... اطلاق تبصره نسبت به مواردی که عدم اجرای پیشنهاد حاوی تخلف از مقررات قانونی نیست، مغایر اصل (۵۷) قانون اساسی شناخته شد.

نظر شورای نگهبان

ماده (۹)، مغایر با قانون اساسی و موازین شرع شناخته نشد.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۳/۷/۱۵ (مرحله سوم)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۷/۳۰

ماده ۲- ماده (۲) قانون به شرح زیر اصلاح می‌شود:

۱- ...

۷- متن زیر به عنوان بند (ه) و تبصره آن اضافه می‌گردد:

ه- در مواردی که گزارش بازرسی متضمن اعلام تخلف اداری مدیران کل ادارات و مقامات بالاتر تا سطح وزرا و همتراز آنان است که مشمول قانون رسیدگی به تخلفات اداری هستند، سازمان گزارش را برای رسیدگی به هیئت تخلفات اداری نهاد ریاست جمهوری ارسال و تا حصول نتیجه پیگیری می‌کند. در خصوص پرونده‌های مطروحه در رابطه با مقامات فوق، هیئت رسیدگی بدوی و تجدیدنظر مزبور با عضویت یک نفر از قضات منصوب رئیس قوه قضائیه تشکیل می‌شود و خارج از نوبت طبق قانون رسیدگی به تخلفات اداری به موضوع رسیدگی می‌کند.

رئیس هیئت موظف است ضمن نظارت بر ثبت پرونده و تعیین اوقات رسیدگی، مراتب را به عضو قاضی و نماینده سازمان جهت حضور اعلام نماید.

...

دیدگاه مغایرت

از آنجا که به صراحت بند (ه) این ماده، رسیدگی هیئت مذکور، ماهیت اداری دارد نه قضایی، حکم مقرر در این بند مبنی بر لزوم حضور قاضی منصوب از سوی رئیس قوه قضائیه در هیئت رسیدگی بدوی و تجدیدنظر، متضمن تداخل قوا و مغایر با اصل (۵۷) قانون اساسی است؛ زیرا این امر به منزله دخالت قوه قضائیه در امور مربوط به قوه مجریه است.

دیدگاه عدم مغایرت

از آنجا که عبارت «هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان» به «هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری» تغییر کرده است، تذکر قبلی شورا مبنی بر اشکال در عنوان این هیئت‌ها برطرف شده و این مصوبه دارای اشکال نمی‌باشد.

نظر شورای نگهبان

ماده (۲)، مغایر با قانون اساسی و موازین شرع شناخته نشد.

ماده ۸- تبصره زیر به ماده (۱۰) قانون الحاق می‌شود:

تبصره- در مواردی که پیشنهاد های سازمان برای جلوگیری از وقوع جرم، تکرار تخلف یا سوء جریان امور باشد و عدم اجرای آنها موجب انجام عمل غیرقانونی شود و مسئول مربوطه از انجام آن استنکاف نماید با رسیدگی و احراز در دادگاه صالح مشمول مجازات مقرر در تبصره (۱) ماده (۸) این قانون می‌باشد.

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به اضافه شدن عبارت «عدم اجرای آنها موجب انجام عمل غیرقانونی شود» به تبصره‌ی این ماده، ایراد قبلی شورا برطرف شده است؛ زیرا ایراد شورا ناظر بر اطلاق حکم به مجازات مأموران دستگاه‌ها در صورت عدم ترتیب اثر به پیشنهاد سازمان بازرسی در این تبصره بود که حتی شامل مواردی هم می‌شد که عدم اجرای پیشنهاد سازمان بازرسی، مستلزم تخلف مأمور از مقررات قانونی نبود. از این رو، اضافه شدن عبارت مزبور به این ماده، ایراد شورا را برطرف کرده است و این ماده، با ایراد دیگری نیز مواجه نیست.

نظر شورای نگهبان

ماده (۸)، مغایر با قانون اساسی و موازین شرع شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه مجلس در خصوص طرح اصلاح موادی از قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

قانون استفاده متوازن از امکانات کشور برای ارتقای سطح مناطق

کمتر توسعه یافته

مصوب ۱۳۹۳/۷/۳۰

درباره‌ی قانون

طرح «استفاده متوازن از امکانات کشور برای ارتقای سطح مناطق کمتر توسعه یافته» در ابتدا با عنوان «طرح اصلاح ماده (۱۸۰) قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران و افزایش سهم توسعه مناطق کمتر توسعه یافته از دو درصد (۲٪) به چهار درصد (۴٪) منابع عمومی دولت» توسط تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی با قید دو فوریت تقدیم مجلس شورای اسلامی شد. در مقدمه‌ی توجیهی این طرح، ضرورت ارائه‌ی این طرح و فوریت آن چنین بیان شده است: توسعه مناطق کمتر توسعه یافته کشور برای توسعه متوازن کشور و جلوگیری از تمرکز جمعیت در کلان شهرها و ایجاد مشکلات فراوان و شغل‌های کاذب و از بین رفتن کشاورزی و تولید بسیار ضروری است. امروز متأسفانه مناطق برخوردار هر روز غنی تر می‌شوند و مناطق کمتر توسعه یافته هر روز ضعیف تر. نعمت وجود ماده (۱۸۰) قانون برنامه‌ی پنج ساله‌ی پنجم توسعه‌ی جمهوری اسلامی ایران کمک مؤثری برای توسعه مناطق محروم است، اما میزان عقب ماندگی و آسیب‌های وارده به مناطق کمتر توسعه یافته به حدی است که با دو درصد (۲٪) منابع عمومی دولت هدف ماده (۱۸۰) تاکنون محقق نشده و محقق هم نخواهد شد. لذا بر آن شدیم پیشنهاد افزایش دو درصد (۲٪) به چهار درصد (۴٪) برای یک سال باقی مانده از قانون برنامه‌ی پنجم را به مجلس محترم ارائه بدهیم. امید است نمایندگان محترم با تصویب این پیشنهاد کمک مؤثری به توسعه مناطق محروم و کمتر توسعه یافته بنمایند. لذا این طرح با قید دو فوریت تقدیم مجلس شورای اسلامی می‌گردد.

دو فوریت این طرح در جلسه‌ی ۱۳۹۳/۷/۲۷ مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید و برای رسیدگی به کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات به عنوان کمیسیون اصلی ارسال شد که این کمیسیون، مفاد این طرح را در همان روز با اصلاحاتی به تصویب رساند و گزارش خود را به مجلس ارائه کرد. این طرح در تاریخ ۱۳۹۳/۷/۳۰ در صحن علنی مجلس مطرح شد و با اصلاحاتی به تصویب نمایندگان رسید و برای طی روند قانونی مذکور در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۱۷/۵۱۵۹۳ مورخ ۱۳۹۳/۸/۳ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۳۰، مفاد آن را فاقد مغایرت با قانون اساسی و

موازين شرع دانست و نظر خود در اين خصوص را طي نامه‌ي شماره ۹۳/۱۰۲/۲۳۵۴ مورخ ۱۳۹۳/۸/۴ به مجلس شوراي اسلامي اعلام کرد.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۳/۷/۳۰

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۷/۳۰

ماده واحده- در راستای تحقق اصل چهل و هشتم (۴۸) قانون اساسی و سیاست‌های کلی و جهت حصول به اهداف چشم‌انداز و به‌منظور استفاده متوازن از امکانات کشور و توزیع عادلانه و رفع تبعیض و ارتقای سطح مناطق کم‌توسعه‌یافته و تحقق پیشرفت و عدالت، دولت مکلف است در توزیع منابع عمومی و یارانه سود تسهیلات به نحوی عمل نماید که فاصله شاخص برخورداری شهرستان‌های کمتر از سطح متوسط کشور در شاخص‌های زیر، سالانه حداقل ده درصد (۱۰٪) به سطح متوسط کشوری نزدیک شود. بدین منظور دولت مکلف است سه درصد (۳٪) از اعتبارات بودجه عمومی دولت را در قالب ردیف مشخص تحت همین عنوان تعیین کند و طی جدولی که در آن سهم هر استان بر اساس شاخص‌های نرخ بیکاری، آب شرب شهری و روستایی، آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، بهسازی روستاها، راه و زیرساخت‌های جاده‌ای، سرانه‌های عمران شهری و درآمد شهرداری‌ها مشخص می‌گردد، در قانون بودجه درج نماید. سهم هر شهرستان برای بهبود شاخص‌های مذکور همراه با دستورالعمل توزیع پروژه‌ها و طرح‌های موارد فوق، همزمان با ابلاغ اعتبارات استانی توسط معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور به استان ابلاغ می‌شود تا با تصویب کمیته برنامه‌ریزی شهرستان به طرح‌ها و پروژه‌های موضوع شاخص‌های فوق اختصاص یابد.

دیدگاه مغایرت

الف) حکم مقرر در این مصوبه مبنی بر تکلیف دولت به تعیین سه درصد (۳٪) از اعتبارات بودجه‌ی عمومی دولت در قالب ردیف مشخص برای اهداف مقرر در این مصوبه، متضمن ماهیت بودجه‌ای و موجب تغییر در ارقام بودجه است؛ زیرا بر اساس این مصوبه، سهم دو درصد (۲٪) از اعتبارات بودجه‌ی عمومی دولت موضوع ماده (۱۸۰) قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی پنجم توسعه مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۲۵^(۱) به سه درصد (۳٪) افزایش یافته است. از این‌رو، با توجه به اینکه طبق

۱. ماده (۱۸۰) قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی پنجم توسعه‌ی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰) مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۲۵:

اصل (۵۲) قانون اساسی، تهیه‌ی بودجه بر عهده‌ی دولت است نه مجلس، اقدام به تغییر در ارقام بودجه توسط نمایندگان مجلس، مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است. در واقع، اگر مجلس مجاز باشد با وضع هر قانون، محل مصرف بخشی از منابع عمومی کشور را تعیین کند، صلاحیت دولت در تهیه‌ی بودجه‌ی کل کشور، سالبه به انتفای موضوع خواهد شد.

ب) حکم مقرر در این مصوبه مبنی بر تکلیف دولت به تعیین سه درصد (۳٪) از اعتبارات بودجه‌ی عمومی دولت در قالب ردیف مشخص باعث کاهش بودجه‌ی سایر ردیف‌های مصوب از جمله طرح‌های زیرسازی که انجام آن فوریت دارد می‌شود. لذا این مصوبه از حیث کاهش درآمد دولت در سایر ردیف‌ها با منطق برنامه‌ریزی برای تخصیص بودجه توسط دولت مغایرت دارد.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) این مصوبه، مغایرتی با اصل (۵۲) قانون اساسی در خصوص صلاحیت دولت در تهیه‌ی بودجه‌ی سالانه‌ی کل کشور ندارد؛ زیرا این مصوبه اساساً در مقام بیان نحوه و ترتیب بودجه‌ریزی کل کشور برای دولت است. توضیح اینکه در حال حاضر بر اساس ماده (۱۸۰) قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی پنجم توسعه مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۲۵، باید معادل دو درصد (۲٪) از اعتبارات بودجه‌ی عمومی دولت در قالب ردیف‌های مشخص برای مصارف معین در بودجه‌ی سنواتی در اختیار معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور قرار گیرد تا در راستای تحقق اصل چهل و هشتم (۴۸) قانون اساسی، سیاست‌های کلی و جهت حصول به اهداف چشم‌انداز و به منظور استفاده متوازن از امکانات کشور و توزیع عادلانه و رفع تبعیض و ارتقای سطح مناطق کمترتوسعه‌یافته، توزیع و هزینه شود. این مصوبه، سهم دو درصد (۲٪) از اعتبارات بودجه‌ی عمومی دولت را به سهمی سه درصدی (۳٪) از اعتبارات بودجه‌ی عمومی دولت تبدیل می‌کند که این حکم، ماهیت سیاست‌گذاری و تقنین برای بودجه‌ریزی دارد. به عبارت دیگر، این مصوبه ناظر به جابجایی و تغییر در ارقام بودجه نیست، بلکه صرفاً در مورد تهیه‌ی بودجه‌ی کل کشور،



«ماده ۱۸۰- در راستای تحقق اصل چهل و هشتم (۴۸) قانون اساسی، سیاست‌های کلی و جهت حصول به اهداف چشم‌انداز و به منظور استفاده متوازن از امکانات کشور و توزیع عادلانه و رفع تبعیض و ارتقای سطح مناطق کمترتوسعه‌یافته و تحقق پیشرفت و عدالت، دولت مکلف است در توزیع منابع عمومی و یارانه سود تسهیلات به نحوی عمل نماید که فاصله شاخص برخورداری شهرستان‌های با کمتر از سطح متوسط کشور در پایان برنامه چهارم در بخش‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیربنایی و امنیتی در هر سال برنامه حداقل ده درصد (۱۰٪) به سطح یادشده نزدیک شود.

معادل دو درصد (۲٪) از اعتبارات بودجه عمومی دولت در قالب ردیف‌های مشخص برای مصارف معین در بودجه سنواتی در اختیار معاونت قرار می‌گیرد تا در راستای تحقق اهداف فوق توزیع و هزینه شود.»

سیاست‌گذاری و قاعده‌گذاری با رویکرد عدالت‌محور کرده است. در نتیجه، این مصوبه نه تنها مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی نیست، بلکه در راستای اجرای اصل (۴۸) قانون اساسی نیز است. ب) از آنجا که این مصوبه در مقام سیاست‌گذاری و قاعده‌گذاری در مورد تهیه بودجه‌ی کل کشور است، نمی‌توان حکم مقرر در این مصوبه مبنی بر تکلیف دولت به تعیین سه درصد (۳٪) از اعتبارات بودجه‌ی عمومی دولت در قالب ردیف مشخص را به معنای کاهش درآمد دولت در سایر ردیف‌ها تلقی کرد. به عبارت دیگر، این مصوبه در مقام بیان سیاست حاکم بر بودجه‌ریزی برای سال‌های آتی و اصلاح قانون برنامه است. ضمن آنکه این مصوبه، برخی از پرداخت‌های قانونی به موجب قوانین بودجه‌ی سال‌های آتی را تعیین کرده است و منجر به حذف برخی از ارقام بودجه سال جاری یا کاهش درآمد دولت در سایر ردیف‌ها نمی‌شود. به علاوه، هنوز اعتبارات مصوب بودجه‌ی سال‌های بعد تعیین نشده است تا بتوان ادعا کرد که این مصوبه، منجر به کاهش برخی از اعتبارات بودجه‌ی عمومی دولت می‌شود.

نظر شورای نگهبان

ماده واحده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه‌ی مجلس در خصوص طرح دوفوریتی استفاده متوازن از امکانات کشور برای ارتقای سطح مناطق کمتر توسعه یافته، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

قانون اصلاح ماده (۵) قانون بیمه اجتماعی کارگران ساختمانی

مصوب ۱۳۹۳/۹/۱۶

درباره‌ی قانون

طرح «اصلاح ماده (۵) قانون بیمه اجتماعی کارگران ساختمانی»، توسط تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در راستای حمایت از تولید در حوزه ساختمان و مسکن، ابتدائاً با عنوان «طرح اصلاح قانون بیمه اجتماعی کارگران ساختمانی» تقدیم مجلس شد. در مقدمه‌ی توجیهی این طرح آمده است: «هرچند بیمه کارگران ساختمانی اقدام ارزشمندی تلقی می‌شود، منتها تأمین هزینه‌های این نوع حمایت از نیروی کار نباید به قیمت افزایش هزینه‌های تولید خصوصاً در تولید ساختمان و مسکن باشد و عملاً با کاهش تولید، زمینه بیکاری نیروی کار را فراهم کند. دریافت بیست درصد (۲۰٪) هزینه‌ی بیمه‌ی سهم کارفرما از محل افزایش هزینه‌های دریافت پروانه ساختمانی، منجر به کاهش ساخت و ساز شده و یک اقدام ضد تولیدی به حساب می‌آید. اقدام مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۹۲ مبنی بر تأمین سهم بیست درصدی (۲۰٪) کارفرما از محل عوارض متمرکز شهرداری‌ها و دهیاری‌ها و حذف ارتباط حق بیمه کارگران ساختمانی با پروانه، باعث شد تا ضمن اینکه هم مردم ناچار به پرداخت هزینه‌های اضافی برای دریافت پروانه ساختمانی نشوند و هم با افزایش ساخت و ساز، شهرداری‌ها هم منتفع شوند. از آنجا که اصلاح انجام شده فقط مربوط به سال ۱۳۹۲ است و نیاز به دائمی شدن این اصلاحات در قانون ذی‌ربط است، لذا این طرح تقدیم مجلس شورای اسلامی می‌گردد.»

این طرح برای رسیدگی به صورت یک شوری به کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی به عنوان کمیسیون اصلی ارسال شد که کمیسیون مزبور، طرح مذکور را در مورخ ۱۳۹۳/۲/۲۸ با اصلاحاتی در عنوان و متن به تصویب رساند و گزارش آن را به مجلس ارائه کرد. طرح مزبور، در تاریخ ۱۳۹۳/۶/۲ در صحن علنی مجلس مطرح و با اصلاحاتی به تصویب رسید و برای طی روند قانونی مذکور در اصل (۹۴) قانون اساسی، به موجب نامه‌ی شماره ۴۲۷/۳۸۳۶۴ مورخ ۱۳۹۳/۶/۵ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان در تاریخ ۱۳۹۳/۶/۱۹ با تشکیل جلسه و بررسی مفاد این مصوبه، آن را از جهتی مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی و از جهت دیگر واجد ابهام تشخیص داد و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۰۰۲ مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۹ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. مجلس شورای اسلامی برای رفع ایرادهای شورای نگهبان، در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۱۶ اصلاحاتی را در این مصوبه اعمال و آن را طی

نامه‌ی شماره ۴۲۷/۴۸۶۹۶ مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۲ برای اظهار نظر مجدد به شورای نگهبان ارسال کرد. بررسی مصوبه‌ی اصلاحی در دستور کار جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۳۰ شورای نگهبان قرار گرفته که پس از بحث و بررسی، شورای نگهبان ایراد مغایرت با اصل (۷۵) قانون اساسی را همچنان وارد دانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۳۴۳ مورخ ۱۳۹۳/۸/۳ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. در نهایت، مجلس در جلسه‌ی علنی مورخ ۱۳۹۳/۹/۱۶ اصلاحات لازم برای برطرف کردن این ایراد شورا را در مصوبه، اعمال و آن را طی نامه‌ی شماره ۴۲۷/۶۴۶۲۹ مورخ ۱۳۹۳/۹/۱۹ جهت اظهار نظر به شورای نگهبان ارسال کرد. شورای نگهبان در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۹/۲۶ ایراد پیشین را برطرف شده دانست و نظر خود مبنی بر مغایرت نداشتن مفاد این لایحه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۳۰۶۳ مورخ ۱۳۹۳/۹/۲۶ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۳/۶/۲ (مرحله نخست)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۶/۱۹

ماده واحده- ماده (۵) قانون بیمه اجتماعی کارگران ساختمانی مصوب ۱۳۸۷/۱۲/۱۴ و

تبصره‌های آن به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۵- سازمان تأمین اجتماعی مکلف است هفت درصد (۷٪) حق بیمه را از کارگران ساختمانی دارای پروانه مهارت و اشتغال مشمول ماده (۱) این قانون^(۱) و بیست درصد (۲۰٪) سهم کارفرما را که معادل دوازده درصد (۱۲٪) مجموع عوارض و درآمد ناشی از صدور پروانه ساختمان به شهرداری می‌باشد از مالک دریافت و کارگران مذکور را بیمه نماید.

تبصره ۱- مابه‌التفاوت ناشی از اجرای این حکم جهت پوشش بیست درصد (۲۰٪) حق بیمه سهم کارفرما تمامی کارگران ساختمانی بعد از اعلام سازمان تأمین اجتماعی و پس از تأیید وزارت کشور از محل عوارض موضوع بندهای (ج) و (د) ماده (۳۸) قانون

۱. ماده (۱) قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی مصوب ۱۳۸۶/۸/۹: «ماده ۱- کارگران شاغل در کارهای ساختمانی اعم از ایجاد یا توسعه ساختمان، تجدید بنا، تعمیرات اساسی و یا تخریب مربوط به ساختمان و به ترتیب مندرج در این قانون با نام‌نویسی و اخذ کد ملی نزد سازمان تأمین اجتماعی بیمه می‌شوند. تبصره- کارگران شاغل در کارهای ساختمانی تا زمان تحت پوشش قرار گرفتن به موجب این قانون، کماکان از حیث خدمات مشمول قانون بیمه اجباری کارگران ساختمانی مصوب ۱۳۵۲ و اصلاحات بعدی آن هستند و در صورت احراز شرایط از مزایای قانون یادشده برخوردار خواهند شد.»

مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷/۲/۱۷^(۱) از طریق سازمان امور مالیاتی کشور تأمین و به حساب سازمان تأمین اجتماعی واریز می‌شود.

تبصره ۲- در صورت درخواست متقاضی دریافت پروانه، سازمان تأمین اجتماعی مکلف است حق بیمه کارگران ساختمانی را بر مبنای حق بیمه سهم کارفرما در زمان صدور پروانه ساختمانی تا مدت سه سال و بدون دریافت سود، تقسیط کند. ترتیب پرداخت حق بیمه از طرف دارنده پروانه به منزله رسید پرداخت حق بیمه و اخذ پروانه است. در هر حال صدور پایان کار منوط به ارائه مفاصاحساب می‌باشد. تأخیر در پرداخت اقساط حق بیمه مشمول جریمه مانند تأخیر پرداخت سایر حق بیمه‌ها می‌شود.

تبصره ۳- سازمان تأمین اجتماعی مکلف است گزارش عملکرد خود را هر سه ماه یکبار به کمیسیون‌های بهداشت و درمان، اجتماعی و برنامه و بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی ارائه کند.

تبصره ۴- مساجد و تکایا، حسینیه‌ها، دارالقرآن‌ها و مراکز مذهبی اقلیت‌های دینی مصرح در قانون اساسی از پرداخت بیست درصد (۲۰٪) سهم کارفرما معاف بوده و سهم کارفرما از محل تبصره (۱) این ماده تأمین می‌شود.

دیدگاه مغایرت

الف) طبق اصل (۷۵) قانون اساسی، طرح‌های قانونی و یا اصلاحاتی که نمایندگان در خصوص لوایح قانونی عنوان می‌کنند و به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه‌ی عمومی می‌انجامد، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه‌ی جدید نیز معلوم شده باشد. ماده‌ی مزبور، سازمان تأمین اجتماعی را مکلف کرده است که معادل دوازده درصد (۱۲٪) مجموع عوارض و درآمد ناشی از صدور پروانه ساختمان را از مالکان ساختمان‌ها دریافت و به عنوان بیست درصد (۲۰٪) سهم کارفرما جهت بیمه اجتماعی کارگران ساختمانی منظور کند. از آنجا که اطلاق حکم مربوط به مالکان ساختمان‌ها در این مصوبه، شامل ساختمان‌های تحت تملک

۱. بندهای (ج) و (د) ماده (۳۸) قانون مالیات بر ارزش‌افزوده مصوب ۱۳۸۷/۲/۱۷: «ماده ۳۸- نرخ عوارض شهرداری‌ها و دهیاری‌ها در رابطه با کالا و خدمات مشمول این قانون، علاوه بر نرخ مالیات موضوع ماده (۱۶) این قانون، به شرح زیر تعیین می‌گردد:

الف- ...

ج- انواع بنزین و سوخت هواپیما، ده درصد (۱۰٪)

د- نفت سفید و نفت گاز، ده درصد (۱۰٪) و نفت کوره پنج درصد (۵٪).

تبصره ۱- ...»

دولت نیز می‌شود، بر اساس این مصوبه، دولت نیز ملزم به پرداخت حق بیمه اجتماعی مذکور در این ماده به تأمین اجتماعی بابت اخذ پروانه‌ی ساختمان‌های دولتی می‌شود. از این جهت، این مصوبه در موارد مربوط به پروانه‌ی ساختمانی ساختمان‌های دولتی، مستلزم ایجاد هزینه‌ی جدید برای دولت است که با توجه به اینکه در این مصوبه، هیچ اشاره‌ای به محل و نحوه‌ی تأمین این هزینه‌ی جدید برای دولت نشده است، مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است.

ب) وفق تبصره (۱) ماده‌ی مزبور، مبالغی که از محل اخذ عوارض موضوع بندهای (ج) و (د) ماده (۳۸) قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷/۲/۱۷ دریافت می‌شود برای جبران کسری بیست درصد (۲۰٪) سهم کارفرما که در ماده (۵) اصلاحی، جهت بیمه کارگران ساختمانی پیش‌بینی شده است، پرداخت خواهد شد؛ این در صورتی است که مطابق ماده (۳۹) قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷/۲/۱۷،^(۱) محل مصرف این درآمدها که همان شهرداری‌ها و

۱. ماده (۳۹) قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷/۲/۱۷: «ماده ۳۹- مؤدیان مکلفند عوارض و جرائم متعلق موضوع ماده (۳۸) این قانون را به حساب‌های رابطی که بنا به درخواست سازمان امور مالیاتی کشور و توسط خزانه‌داری کل کشور افتتاح می‌گردد و از طریق سازمان امور مالیاتی کشور اعلام می‌گردد، واریز نمایند. سازمان امور مالیاتی کشور موظف است عوارض وصولی هر ماه را تا پانزدهم ماه بعد به ترتیب زیر به حساب شهرداری محل و یا تمرکز وجوه حسب مورد واریز نماید:

الف) ...

ب) عوارض وصولی بندهای (ب)، (ج) و (د) ماده (۳۸) به حساب تمرکز وجوه به نام وزارت کشور. تبصره ۱- سه درصد (۳٪) از وجوه واریزی که به حساب‌های موضوع این ماده واریز می‌گردد، در حساب مخصوص نزد خزانه به نام سازمان امور مالیاتی کشور واریز می‌شود و معادل آن از محل اعتبار اختصاصی که در قوانین بودجه سنواتی منظور می‌گردد در اختیار سازمان مزبور که وظیفه شناسایی، رسیدگی، مطالبه و وصول این عوارض را عهده‌دار می‌باشد، قرار خواهد گرفت تا برای خرید تجهیزات، آموزش و تشویق کارکنان و حسابرسی هزینه نماید. وجوه پرداختی به استناد این بند به عنوان پاداش وصولی از شمول مالیات و کلیه مقررات مغایر مستثنا است. تبصره ۲- حساب تمرکز وجوه قیدشده در این ماده توسط خزانه‌داری کل کشور به نام وزارت کشور افتتاح می‌شود. وجوه واریزی به حساب مزبور (به استثناء نحوه توزیع مذکور در قسمت‌های اخیر بند الف) این ماده و تبصره (۱) ماده (۳۸) این قانون) به نسبت بیست درصد (۲۰٪) کلان‌شهرها (شهرهای بالای یک میلیون نفر جمعیت) بر اساس شاخص جمعیت، شصت درصد (۶۰٪) سایر شهرها بر اساس شاخص کمتر توسعه‌یافتگی و جمعیت و بیست درصد (۲۰٪) دهیاری‌ها بر اساس شاخص جمعیت، تحت نظر کارگروهی متشکل از نمایندگان معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور و وزارت امور اقتصادی و دارایی و وزارت کشور و یک نفر ناظر به انتخاب کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی مطابق آیین‌نامه اجرایی که به پیشنهاد مشترک وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت کشور و شورای عالی استان‌ها به تصویب هیئت وزیران می‌رسد توزیع و توسط شهرداری‌ها و دهیاری‌ها هزینه می‌شود. هرگونه برداشت از حساب تمرکز وجوه به‌جز پرداخت به شهرداری‌ها و دهیاری‌ها و وجوه موضوع ماده (۳۷)، تبصره‌های (۲) و (۳) ماده (۳۸) این قانون و تبصره (۱) این ماده ممنوع می‌باشد. وزارت کشور موظف است گزارش عملکرد وجوه دریافتی را هر سه ماه یک‌بار به شورای عالی استان‌ها و کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی ارائه نماید.»

دهیاری‌ها هستند، قبلاً تعیین شده است. تعیین طریق تأمین هزینه‌های جدید طرح از محلی که قبلاً نحوه‌ی مصرف آن مشخص شده است، محل واقعی برای جبران هزینه‌های این طرح نیست. بنابراین تبصره‌ی مزبور، از آن جهت که نمی‌تواند هزینه‌های اجرای این طرح را از محلی که سابقاً محل مصرف آن مشخص شده است تأمین کند، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی است.

ج) مطابق با ماده (۳۹) قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷، عوارض و درآمدهای موضوع بندهای (ج) و (د) ماده (۳۸) قانون مذکور، هم‌اکنون جزء درآمدهای شهرداری‌ها و دهیاری‌ها است. افزودن مصرف جدید از طریق تبصره (۱) ماده (۵) اصلاحی برای این ردیف منجر به تقلیل درآمد نهادهای مذکور و به عبارت دیگر، کاهش درآمدهای عمومی مقرر در اصل (۷۵) می‌شود. بر این اساس، از آنجا که در این مصوبه، محل جبران و تأمین کاهش این درآمدهای عمومی تعیین نشده است، این مصوبه مغایر با مفاد اصل (۷۵) قانون اساسی است.

د) این استدلال که قانون‌گذار می‌تواند منابعی را که سابقاً و به موجب قانون، محل مصرف آنها را تعیین کرده است، بعداً و به موجب قانون لاحق تغییر یا تعدیل کند تنها در خصوص لوایح - از جمله لایحه بودجه - و از سوی دولت قابل پذیرش است و مجلس نمی‌تواند به موجب طرح، منابعی را که قبلاً توسط قانون، محل مصرف آنها مشخص شده است تغییر دهد؛ زیرا مطابق با اصل (۷۵) قانون اساسی، کاهش و یا تغییر محل مصرف منابع مالی از طریق طرح‌ها و یا پیشنهادهای نمایندگان مجلس در خصوص لوایح، منجر به ایجاد بار مالی برای دولت می‌شود. بنابراین، اقدام مجلس به موجب تبصره (۱)، مبنی بر تغییر محل مصرف عوارض موضوع بندهای (ج) و (د) ماده (۳۸) قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷/۲/۱۷ به جبران مابه‌التفاوت ناشی از اجرای حکم این قانون جهت پوشش (۲۰٪) سهم بیمه کارفرما، که قبلاً محل مصرف آنها به موجب ماده (۳۹) قانون مالیات بر ارزش افزوده ۱۳۸۷ مشخص شده است، مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است.

ه) مطابق تبصره (۲) این مصوبه، در صورت درخواست متقاضی دریافت پروانه، سازمان تأمین اجتماعی مکلف است حق بیمه‌ی کارگران ساختمانی را بر مبنای حق بیمه‌ی سهم کارفرما در زمان صدور پروانه ساختمانی تا مدت سه سال و بدون دریافت سود، تقسیط کند. با توجه به تورم سالانه و افزایش هرساله دستمزد کارگران که مطابق با ماده (۶) قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی مصوب ۱۳۸۶، مبنای دریافت حق بیمه است، پیش‌بینی تقسیط حق بیمه‌ی کارگران ساختمانی تا مدت سه سال و بدون دریافت سود، باعث کاهش درآمد سازمان تأمین اجتماعی - که یک نهاد عمومی است - می‌شود. این مصوبه از آن جهت که محل جبران این کاهش درآمد عمومی را معین و معلوم نکرده است، مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است.

و) مطابق اصل (۵۷) قانون اساسی قوای سه‌گانه‌ی جمهوری اسلامی ایران زیر نظر ولایت مطلقه‌ی امر و امامت امت اِعمال می‌گردند و از یکدیگر مستقل هستند. بر اساس اصول قانون اساسی از جمله اصول (۱۳۷) و (۱۲۲)، دولت (رئیس جمهور و وزرا) تنها در برابر مجلس - و نه نمایندگان و یا کمیسیون‌های مجلس - مسئول و پاسخگو هستند. با این وجود، تبصره (۳) این مصوبه، سازمان تأمین اجتماعی را مکلف کرده است که گزارش عملکرد خود را هر سه ماه یکبار به کمیسیون‌های بهداشت و درمان، اجتماعی و برنامه و بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی ارائه کند. بر این اساس، الزام سازمان تأمین اجتماعی به ارائه گزارش به کمیسیون‌های مجلس شورای اسلامی در این مصوبه، مغایر با اصل استقلال قوا موضوع اصل (۵۷) قانون اساسی و سایر اصول مربوط به وظایف مجلس شورای اسلامی است. شورای نگهبان نیز پیش‌تر، در برخی نظرات خود، ارائه‌ی گزارش از سوی افرادی غیر از وزیر و یا رئیس جمهور به مجلس شورای اسلامی را مغایر با اصل (۵۷) قانون اساسی تلقی نموده و از سوی دیگر اخذ گزارش را تنها در صلاحیت خود مجلس دانسته است و نه نمایندگان یا کمیسیون‌های آن.^(۱)

ز) مطابق با موازین شرع، اهل کتاب در مقابل پرداخت جزیه و با رعایت شرط عدم تبلیغ و گسترش اماکن دینی، می‌توانند تحت حمایت حکومت اسلامی زندگی کنند. با این حال، در تبصره (۴) این مصوبه، مراکز مذهبی اقلیت‌های دینی مصرح در قانون اساسی را از پرداخت بیست درصد (۲۰٪) سهم کارفرما معاف کرده است. این تبصره نه تنها تبلیغ و توسعه‌ی مراکز دینی اقلیت‌ها را محدود نکرده است، بلکه با تأمین سهم کارفرمای ساختمان‌های دینی آنها و ارائه‌ی تخفیف، زمینه‌ی گسترش و تبلیغ اقلیت‌های مذکور را فراهم کرده است. لذا تبصره‌ی مزبور، از این جهت که به توسعه‌ی مراکز دینی اقلیت‌ها منجر می‌شود مغایر با موازین شرع است.

ح) تبصره (۴) این مصوبه، مراکز مذهبی اسلامی و همچنین اقلیت‌های دینی را از پرداخت بیست درصد (۲۰٪) سهم کارفرما برای بیمه‌ی کارگران ساختمانی معاف کرده است. بر این اساس، از آنجا که معافیت مقرر در این تبصره، منجر به تقلیل درآمد عمومی دولت می‌شده است، مجلس

۱. به عنوان مثال، شورای نگهبان در نظر شماره ۸۹/۳۰/۴۰۹۶۸ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۶ راجع به ماده (۱۵۹) لایحه برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۹/۱۷ چنین بیان کرده است: «بند (و) ماده (۱۵۹)، از آنجا که وزرا و رئیس جمهور در مقابل مجلس مسئول هستند، الزام استانداران به ارسال نسخه‌ای از بودجه و برنامه‌های مصوب استانی و شهرستانی به نمایندگان استان به صورت هرساله و نیز هر سه ماه یکبار ارسال گزارش پیشرفت آن، مغایر اصل (۵۷) قانون اساسی است.» همچنین شورای نگهبان در نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۸۴۸ مورخ ۱۳۹۳/۳/۵ در خصوص طرح اصلاح موادی از قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۹۳/۲/۱۷، الزام ارسال گزارش از سوی سازمان بازرسی کل کشور به کمیسیون اصل نودم (۹۰) مجلس را مغایر اصل (۵۷) قانون اساسی تشخیص داده است.

در این مصوبه، منبع مالی برای جبران کاهش درآمد عمومی را از محل تبصره (۱) این مصوبه تعیین کرده است؛ این در حالی است که سابقاً در قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷، برای منبع تعیین شده در تبصره (۱)، مصارف هزینه‌ای مشخص شده است و لذا این منبع، نمی‌تواند محل جبران کاهش درآمد (۲۰٪) سهم بیمه کارفرما در این مصوبه باشد. در نتیجه، ارجاع محل جبران کاهش درآمد موضوع تبصره (۴) به تبصره (۱)، مبنیاً بر اشکال وارد بر تبصره (۱)، اشکال دارد و از این جهت، این تبصره نیز مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) این مصوبه اشعار می‌دارد که معادل (۱۲٪) عوارض ناشی از صدور پروانه‌ی ساختمانی به عنوان (۲۰٪) سهم بیمه‌ی کارفرما جهت بیمه‌ی کارگران ساختمانی در نظر گرفته می‌شود. واضح است که عوارض ساختمانی مذکور از کسانی اخذ می‌شود که اقدام به ساخت ساختمان می‌کنند. لذا همه‌ی اشخاص از جمله دولت در تصمیم به احداث ساختمان - که مستلزم پرداخت سهم بیمه‌ی کارفرما است - مختار هستند و در صورتی اقدام خواهند کرد که منابع مالی آن را تأمین کرده باشند. به عبارت دیگر، بر اساس این مصوبه، دولت الزامی به احداث ساختمان و پرداخت هزینه‌ی عوارض ساختمانی نخواهد داشت. در واقع دولت برای تخمین بودجه‌ی احداث ساختمان‌های مورد نیاز خود، همه‌ی هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم، اعم از هزینه‌ی مصالح، مزد کارگر، مالیات، کسورات قانونی و ... را در نظر گرفته و سپس درخواست بودجه می‌کند و پس از اخذ مجوزهای قانونی و تأمین اعتبار آن، اقدامات اجرایی را شروع می‌کند. بنابراین، طرح مزبور هزینه‌ای را به دولت تحمیل نکرده است که بخواهیم محل تأمین آن هزینه‌ها را مطابق با اصل (۷۵) قانون اساسی معلوم و معین کنیم. لذا این مصوبه از این جهت، مغایرتی با اصل (۷۵) ندارد.

ب) مجلس شورای اسلامی می‌تواند به موجب قانون لاحق، قوانین عادی سابق را نسخ، تعدیل و یا اصلاح کند. مجلس شورای اسلامی به موجب قانون عادی مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷، محل مصرف درآمد حاصل از دریافت عوارض موضوع بندهای (ج) و (د) ماده (۳۸) همان قانون را برای شهرداری‌ها و دهیاری‌ها مشخص کرده است. با این حال، مجلس می‌تواند به موجب مصوبه‌ی فعلی، بخشی از مصارف این درآمد را تعدیل و در محل سهم بیست درصد سهم بیمه‌ی کارفرما جهت بیمه کارگران ساختمانی مصرف کند. استثنای این موضوع، قانون بودجه است که مجلس نمی‌تواند از طریق قانون عادی، محل مصارف ردیف‌های بودجه را تغییر دهد؛ زیرا ردیف‌های بودجه باید در محل خود، مصرف شوند و تغییر یا تعدیل آنها از طریق طرح مجلس، مستلزم تعیین محل جبران تقلیل درآمد و یا تأمین هزینه‌ی جدید است. بنابراین تبصره (۱) ماده‌ی

مزبور، از آن جهت که در هزینه‌های بودجه‌ای مصوب نهادهای مذکور تغییری ایجاد نمی‌کند، موضوع تقلیل درآمد در آن منتفی است و در نتیجه رعایت شرایط موضوع اصل (۷۵) قانون اساسی، یعنی تعیین محل برای جبران کاهش درآمد نیز در مورد آن منتفی خواهد بود و از این جهت، این مصوبه مغایرتی با اصل مذکور نخواهد داشت.

ج) هر چند که اعمال تبصره (۲) این مصوبه و پیش‌بینی تقسیط حق بیمه‌ی کارگران ساختمانی تا مدت سه سال و بدون دریافت سود، باعث کاهش درآمد سازمان تأمین اجتماعی - که یک نهاد عمومی است - می‌شود، لیکن این تقلیل درآمد بر اساس تبصره (۱) این مصوبه که محل تأمین مابه‌التفاوت ناشی از اجرای این حکم را مشخص کرده است، جبران خواهد شد. به عبارت دیگر، با توجه به اینکه در تبصره (۱) این مصوبه مقرر شده که برای جبران کاهش درآمد ناشی از تقسیط سهم کارفرما از درآمد حاصل از عوارض موضوع بندهای (ج) و (د) ماده (۳۸) قانون مالیات بر ارزش‌افزوده مصوب ۱۳۸۷/۲/۱۷ برداشت شود، مغایرتی با اصل (۷۵) قانون اساسی ندارد.

د) اعمال تبصره (۲) این مصوبه و دریافت اقساطی (۲۰٪) سهم بیمه‌ی کارفرما از متقاضیان صدور پروانه ساختمانی در طول سه سال و بدون دریافت سود، تنها باعث کاهش سود سازمان تأمین اجتماعی خواهد شد و تأثیری در سهم بیمه‌ی کارفرما به عنوان درآمد این مصوبه ندارد و از این جهت منجر به تقلیل درآمد (۲۰٪) سهم بیمه‌ی کارفرما نخواهد شد تا لازم باشد بر اساس اصل (۷۵) قانون اساسی، محل جبران کاهش درآمد، معلوم و معین شود. لذا تبصره‌ی مذکور مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی نیست. ضمناً با توجه به اینکه ارائه‌ی خدمات تأمین اجتماعی در همان سال اول و برای همه بیمه‌گذاران نیست، به نظر می‌رسد که حتی در این خصوص کاهش سودی نیز برای سازمان تأمین اجتماعی قابل تصور نیست.

ه) قانون‌گذار به موجب مصوبه‌ی مزبور، محل و منبع تأمین (۲۰٪) سهم بیمه‌ی کارفرما جهت بیمه کارگران ساختمانی را از معادل (۱۲٪) عوارض ناشی از صدور پروانه ساختمانی تعیین کرده است. همین قانون‌گذار این اختیار را دارد که در تبصره (۲)، نحوه‌ی دریافت این درآمد را به صورت اقساطی مشخص کند. لذا تعیین شیوه‌ی دریافت و وصول درآمد به موجب یک مصوبه، منجر به تقلیل درآمد و یا افزایش هزینه نخواهد بود تا بخواهیم محل تأمین درآمد و یا کاهش هزینه‌ها را مطابق با اصل (۷۵) قانون اساسی معلوم کنیم. بنابراین تبصره (۲) مصوبه، مغایرتی با قانون اساسی ندارد.

و) همان‌گونه که در قانون بودجه‌ی سالانه کل کشور پیش‌بینی می‌شود که گزارش عملکرد دستگاه‌ها به کمیسیون‌های تخصصی مجلس ارائه شود، در تبصره (۳) این مصوبه نیز مقرر شده است که برای سنجش بازخورد این قانون، سازمان تأمین اجتماعی گزارش عملکرد خود را در این

زمینه به کمیسیون‌های مربوطه ارائه دهد. صرف ارائه‌ی این گزارش‌ها به معنای دخالت در امور سایر قوا و نقض استقلال آنها نیست تا ایراد مغایرت با اصل (۵۷) قانون اساسی به وجود آید. در حقیقت آنچه از گزارش عملکرد در این‌گونه موارد مستفاد می‌شود، با مفهوم پاسخگویی که وزرا و رئیس‌جمهور در مقابل مجلس دارند ملازمه‌ای ندارد. لذا تبصره‌ی مزبور از این جهت مغایرتی با اصل (۵۷) قانون اساسی و دیگر اصول قانون اساسی در خصوص وظایف مجلس نخواهد داشت.

ز) اقلیت‌های مذهبی نیز در بسیاری از قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی به عنوان اتباع جمهوری اسلامی ایران همانند سایر شهروندان مسلمان از حقوق و معافیت‌های قانونی برخوردار شده‌اند. بنابراین، به نظر می‌رسد که معافیت پیش‌بینی شده در تبصره‌ی (۴) این مصوبه برای مراکز مذهبی اقلیت‌های دینی به عنوان بخشی از شهروندان جمهوری اسلامی ایران، مغایرتی با موازین شرع ندارد.

دیدگاه ابهام

بر خلاف مراکز مذهبی مسلمانان، که مصادیق آن در تبصره (۴) ماده (۵) اصلاحی، جهت استفاده از معافیت مذکور در این تبصره، به صورت روشن مشخص شده است، مراکز مذهبی اقلیت‌های دینی به صورت مطلق ذکر شده و مصادیق آن نامشخص است. لذا این تبصره از این جهت واجد ابهام است و مشخص نیست که آیا مراکز مذهبی تنها شامل مراکز آموزش اصول دینی و مذهبی آنان است و یا شامل کلیسا، کنیسه و عبادتگاه‌های آنها نیز می‌شود؟ از آنجا که در صورت شمول معافیت تبصره (۴) به عبادتگاه‌های اقلیت‌های دینی، این مصوبه خلاف موازین شرع است، لازم است که مجلس، ابهام این تبصره را از این جهت برطرف کند تا امکان اظهار نظر شورای نگهبان نسبت به آن وجود داشته باشد.

نظر شورای نگهبان

- نظر به اینکه در تبصره (۱) ماده (۵) اصلاحی، درآمدهایی که از قبل پیش‌بینی و محل مصرف آن نیز تعیین شده را برای جبران مابه‌التفاوت ناشی از اجرای این ماده منظور نموده، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی شناخته شد.

- در تبصره (۴) ماده (۵) اصلاحی، عبارت «مراکز مذهبی اقلیت‌های دینی» با توجه به اینکه مصادیق مراکز دینی و تبلیغی مسلمانان به نحو روشن مشخص شده است، ابهام دارد. علاوه بر این، برداشت از محل تبصره (۱) دارای همان اشکال وارده بر تبصره‌ی مذکور است.

- تذکر: ماده (۵) اصلاحی در خصوص عبارت «بیست درصد (۲۰٪) سهم کارفرما که معادل دوازده درصد (۱۲٪) مجموع عوارض و درآمد ناشی از صدور پروانه ساختمان به شهرداری

می‌باشد»، به اصلاح عبارتی نیاز دارد. همچنین در این ماده، در همه موارد پروانه توسط شهرداری تعیین نمی‌گردد که باید تعیین تکلیف گردد.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۳/۷/۱۶ (مرحله دوم)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۷/۳۰

ماده ۵- سازمان تأمین اجتماعی مکلف است هفت درصد (۷٪) حق بیمه را از کارگران ساختمانی دارای پروانه مهارت و اشتغال مشمول ماده (۱) این قانون و معادل دوازده درصد (۱۲٪) مجموع عوارض و درآمد ناشی از صدور پروانه ساختمان به شهرداری و دیگر مراکز صدور پروانه ساختمانی را که به عنوان سهم کارفرما می‌باشد از مالک دریافت و کارگران مذکور را بیمه نماید.

تبصره ۱- حذف شد.

تبصره ۲-

تبصره ۳-

تبصره ۴- مراکز دینی از قبیل مساجد و تکایا، حسینیه‌ها و دارالقرآن‌ها از پرداخت بیست درصد (۲۰٪) سهم کارفرما معاف بوده و سهم کارفرما از محل ماده (۵) قانون تأمین می‌شود.

دیدگاه مغایرت

الف) مجلس در این ماده‌ی اصلاحی مقرر کرده که (۲۰٪) سهم بیمه‌ی کارفرما جهت بیمه کارگران ساختمانی از مبلغی معادل (۱۲٪) مجموع عوارض و درآمد ناشی از صدور پروانه ساختمان تأمین شود. از آنجا که مبلغ مذکور نمی‌تواند تأمین‌کننده‌ی کلیه‌ی سهم کارفرماها برای بیمه‌ی کارگران ساختمانی باشد، این مصوبه باعث افزایش هزینه‌ی عمومی برای سازمان تأمین اجتماعی می‌شود که بر این اساس، موظف شده است همه‌ی کارگران ساختمانی را بیمه کند. قانون‌گذار در مصوبه‌ی پیشین خود، به موجب تبصره (۱)، طریق تأمین مابه‌التفاوت هزینه‌ی لازم برای پرداخت سهم بیمه‌ی کارفرمایان نسبت به دریافتی ناشی از عوارض پروانه‌ی ساختمانی را از محل عوارض موضوع بندهای (ج) و (د) ماده (۳۸) قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷/۲/۱۷ معین کرده بود که شورای نگهبان به استناد اینکه محل مصرف عوارض موضوع بندهای (ج) و (د) ماده (۳۸) قانون ارزش افزوده ۱۳۸۷، قبلاً و به موجب ماده (۳۹) همین قانون، مشخص شده است، تعیین طریق تأمین هزینه‌های تبصره (۱) از محل‌های مذکور را مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی تشخیص داد. مجلس نیز برای رفع ایراد شورای نگهبان تبصره‌ی مزبور را

حذف کرد. با حذف این تبصره اگرچه اشکال تبصره (۱) منتفی شده است، لیکن از آن جهت که همچنان طُرُق تأمین هزینه‌ی ناشی از مابه‌التفاوت پوشش (۲۰٪) سهم بیمه کارفرما در ماده (۵) برای بیمه کلیه‌ی کارگران ساختمانی، معلوم و معین نشده است، ایراد مغایرت با اصل (۷۵) قانون اساسی همچنان به قوت خود باقی است.

ب) مجلس در تبصره (۴) اصلاحی ماده (۵)، عبارت «مراکز دینی اقلیت‌های مذهبی» را حذف کرد و ابهام سابق شورای نگهبان در خصوص اطلاق عبارت مذکور در شمول آن نسبت به مراکز آموزش دینی و عبادتگاه‌های اقلیت‌ها را برطرف کرد. بنابراین تبصره‌ی مزبور از این جهت ابهامی ندارد.

ج) مجلس در تبصره (۴) مصوبه‌ی فعلی، طریق تأمین هزینه‌های ناشی از معافیت مراکز دینی از پرداخت (۲۰٪) سهم بیمه کارفرما را منابع مقرر در ماده (۵) این مصوبه اعلام کرده است؛ یعنی مقرر شده که از (۱۲٪) عوارض دریافتی از مالکان ساختمان، هزینه‌های ناشی از معافیت مراکز دینی از پرداخت سهم بیمه‌ی کارفرما تأمین شود. این در حالی است که منبع درآمدی مقرر در ماده (۵)، (۲۰٪) سهم بیمه‌ی کارفرما جهت بیمه‌ی کارگران ساختمانی را نیز پوشش کامل نمی‌دهد. به همین جهت، ارجاع طریق تأمین هزینه‌های ناشی از معافیت مراکز دینی در تبصره (۴)، به محل تعیین‌شده برای تأمین هزینه‌های ماده (۵)، رافع ایراد مغایرت این تبصره با اصل (۷۵) قانون اساسی، یعنی لزوم تعیین طریق تأمین افزایش هزینه‌های جدید نیست و تبصره‌ی مزبور مبنیاً بر اشکال وارد بر ماده (۵)، مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است. به عبارت دیگر، از آنجا که حکم مقرر در تبصره (۴) موجب افزایش هزینه‌ی عمومی برای دولت می‌شود، با عنایت به اینکه طریق واقعی برای تأمین هزینه‌های این تبصره، معلوم و مشخص نشده است، این تبصره مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است.

نظر شورای نگهبان

- علی‌رغم حذف تبصره (۱) ماده (۵)، مغایرت ماده مذکور با اصل (۷۵) قانون اساسی کماکان به قوت خود باقی است.

- تذکر: با توجه به اصلاحی که در ماده (۵) به عمل آمده است، عبارت «بیشتر درصد (۲۰٪)» در تبصره (۴) ماده (۵)، نیاز به اصلاح عبارتی دارد.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۳/۹/۱۶ (مرحله سوم)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۹/۲۶

ماده ۵- سازمان تأمین اجتماعی مکلف است با دریافت هفت درصد (۷٪) حق بیمه سهم

بیمه‌شده از کارگر و پانزده درصد (۱۵٪) مجموع عوارض صدور پروانه (از مالک) نسبت به تداوم پوشش بیمه تمام کارگران ساختمانی اقدام کند. در صورت عدم تأمین منابع لازم جهت گسترش پوشش بیمه‌ای کارگران با تصویب هیئت وزیران، افزایش سقف مجموع عوارض تا بیست درصد (۲۰٪) بلامانع است.

تبصره ۱- ...

تبصره ۴- مراکز دینی از قبیل مساجد و تکایا، حسینیه‌ها و دارالقرآن‌ها از پرداخت سهم کارفرما معاف بوده و سهم کارفرما از محل ماده (۵) قانون تأمین می‌شود.

دیدگاه مغایرت

الف) ایراد شورای نگهبان به مصوبه‌ی پیشین مجلس، ناظر بر عدم کفایت مبلغ معادل (۱۲٪) عوارض دریافتی شهرداری به عنوان (۲۰٪) سهم بیمه‌ی کارفرما جهت پوشش کلیه‌ی کارگران ساختمانی بود که از این جهت، به دلیل عدم تأمین کامل بار مالی، مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی شناخته شد. مجلس شورای اسلامی در این مصوبه‌ی اصلاحی، به منظور رفع ایراد شورای نگهبان و تعیین محل برای تأمین کامل هزینه‌های جدید، ضمن افزایش مبلغ دریافتی از مالکان ساختمان از دوازده درصد (۱۲٪) به پانزده درصد (۱۵٪) مجموع عوارض صدور پروانه‌ی ساختمان، به هیئت وزیران نیز اجازه داده تا در صورت عدم تأمین منابع لازم برای اجرای این قانون، سقف سهمیه‌ی دریافتی از مالکان را تا بیست درصد (۲۰٪) مجموع عوارض صدور پروانه افزایش دهد. با این وجود، در ماده (۵) سابق تنها به پوشش بیمه‌ی کارگران «دارای پروانه مهارت و اشتغال» اشاره شده بود، لیکن در مصوبه‌ی اصلاحی با حذف شرط داشتن «پروانه مهارت و اشتغال»، مطلقاً کارگران (اعم از کارگران دارای پروانه مهارت و غیر آن) را مشمول خدمات بیمه‌ای کرده‌اند. این امر موجب افزایش قابل توجه تعداد کارگران متقاضی و افزایش هزینه‌ی خدمات بیمه‌ای می‌شود که حاکی از عدم تکافوی منابع مالی ماده‌ی مذکور جهت تأمین اعتبار لازم برای اجرای این مصوبه و پوشش بیمه‌ای کلیه‌ی کارگران ساختمانی است. از سوی دیگر، افزایش تعداد واجدان شرایط بیمه‌ی کارگران ساختمانی، به تبع موجب افزایش هزینه‌ی مشارکتی دولت در سهم (۳٪) خود به موجب تبصره‌ی ماده (۶) قانون بیمه اجتماعی کارگران ساختمانی مصوب ۱۳۸۶^(۱) می‌شود که محل تأمین هزینه‌های جدید مشخص نشده است. لذا این مصوبه‌ی اصلاحی نیز همچنان مستلزم

۱. تبصره‌ی ماده (۶) قانون بیمه اجتماعی کارگران ساختمانی مصوب ۱۳۸۶: «تبصره- دولت مکلف است معادل سه درصد (۳٪) مأخذ کسر حق بیمه موضوع این ماده به عنوان سهم مشارکت خود به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت نماید. همچنین با توجه به تعداد افراد تحت پوشش، همه‌ساله با اعلام سازمان تأمین اجتماعی سهم مشارکت خود را در بودجه کل کشور منظور و به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت نماید.»

ایجاد هزینه‌های جدید برای دولت است که محل مشخص شده برای تأمین این هزینه‌های جدید، کفایت لازم برای پوشش آنها را ندارد و با این منبع، نمی‌توان همه‌ی کارگران ساختمانی مشمول این مصوبه را بیمه کرد. از این جهت، این مصوبه، همچنان مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است.

ب) ماده‌ی اصلاحی مزبور، به هیئت وزیران این اختیار را تفویض کرده است که در صورت عدم تأمین منابع لازم، بتواند سقف سهمیه‌ی دریافتی از مالکان ساختمانی را تا (۲۰٪) مجموع عوارض ناشی از صدور پروانه‌ی ساختمانی افزایش دهد. اصل (۵۱) قانون اساسی، اختیار تعیین میزان دریافت هرگونه عوارض از جمله عوارض صدور پروانه‌ی ساختمانی را از مصادیق تقنین و از وظایف مجلس شورای اسلامی دانسته است. مجلس شورای اسلامی نیز به موجب اصل (۸۵) قانون اساسی، تنها می‌تواند تصویب اساسنامه‌های سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت را به دولت تفویض کند. بنابراین، ماده‌ی مزبور، از آن جهت که اختیار قانون‌گذاری در غیر از موارد اصل (۸۵) را به دولت تفویض کرده است، مغایر با اصول (۵۱) و (۸۵) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) ایراد پیشین شورای نگهبان مبنی بر عدم تأمین منابع کافی برای اجرای این مصوبه، با اصلاح ماده (۵) و افزایش مبلغ دریافتی از مالکان ساختمانی از دوازده درصد (۱۲٪) به پانزده درصد (۱۵٪) مجموع عوارض ناشی از صدور پروانه و همچنین اجازه‌ی امکان افزایش سهم مذکور تا بیست درصد (۲۰٪) به هیئت وزیران در صورت عدم تکافو، برطرف شده است. لذا با کافی بودن منابع مالی مقرر در این مصوبه‌ی اصلاحی برای تأمین هزینه‌های اجرای این مصوبه، ایراد مغایرت با اصل (۷۵) قانون اساسی برطرف شده است؛ ضمن آنکه منابع مالی پیش‌بینی شده، سهم (۳٪) دولت برای بیمه‌ی کارگران ساختمانی را نیز پوشش خواهد داد و از این جهت مغایرتی با اصل ۷۵ قانون اساسی ندارد. لازم به توضیح است که در موارد اصلاح مصوبه و افزایش منابع مالی توسط مجلس در پی ایراد اصل (۷۵) از سوی شورای نگهبان، اصل بر این است که منابع پیش‌بینی شده در مصوبه‌ی اصلاحی مجلس، کارشناسی شده است و جهت تأمین هزینه‌های جدید کافی می‌باشد.

ب) طبق اصل (۵۱) قانون اساسی وضع هرگونه «مالیات» در کشور در اختیار مجلس شورای اسلامی است و ماهیت تقنینی دارد. اما همان‌گونه که در ماده (۵) اصلاحی به صراحت قید گردیده، وجوهی که به منظور بیمه‌ی کارگران ساختمانی در ازای صدور پروانه‌ی ساختمانی از مالکان دریافت خواهد شد، «عوارض» محسوب می‌شود و از آنجا که این عوارض همان سهم بیمه‌ی کارفرما (در اینجا مالک) است که باید برای بیمه‌ی کارگران ساختمانی پرداخت می‌کردند، ماهیت و مصادیق مالیات نخواهد داشت؛ لذا این مصوبه مغایرتی با اصل (۵۱) قانون اساسی ندارد؛ ضمن آنکه اعطای

مجوز افزایش میزان این عوارض تا سقف (۲۰٪) به هیئت وزیران نیز مغایرتی با اصل (۸۵) قانون اساسی ندارد؛ چون واگذاری چنین اختیاری به هیئت وزیران، تفویض قانون‌گذاری محسوب نمی‌شود. لازم به ذکر است که همان‌طور که شورای شهر و شهرداری اجازه‌ی وضع و اخذ عوارض را دارند، مجلس نیز می‌تواند چنین مجوزی را به موجب قانون به هیئت وزیران اعطا کند.

نظر شورای نگهبان

ماده واحده و تبصره‌های آن، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه مجلس در خصوص طرح اصلاح ماده (۵) قانون بیمه اجتماعی کارگران ساختمانی، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

قانون جامع حدنگار (کاداستر) کشور

مصوب ۱۳۹۳/۱۱/۱۲

درباره‌ی قانون

طرح «جامع حدنگار (کاداستر) کشور»، توسط تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در راستای حمایت از اجرای کامل حدنگاری اراضی و املاک و پیشگیری از پدیده زمین‌خواری در کشور، ابتدائاً با عنوان «طرح جامع کاداستر» تقدیم مجلس شد. در مقدمه‌ی توجیهی این طرح آمده است: «بر اساس ماده (۱۵۶) قانون ثبت اسناد و املاک کشور، اجرای طرح کاداستر تنها برای هفت درصد (۷٪) از املاک کشور یعنی املاک شهری در نظر گرفته شده و از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۸۶ به املاک شهری بیست استان کشور گسترش داده شده است. عدم شمولیت این قانون برای نود و سه درصد (۹۳٪) املاک و اراضی کشور تحت عنوان کاداستر ملکی یا حقوقی، کاداستر ملکی زراعی، کاداستر مالی (مالیاتی) و کاداستر سیاسی (جغرافیایی، آبی و جامع) و همچنین نبود تکالیف قانونی و تعاملات بین سازمانی با سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، موجب شده تا از یک‌سو عملیات اجرایی آن به صورت جزئی و همراه با تعلل انجام پذیرد و از سوی دیگر اراضی بسیاری تحت پدیده‌ی زمین‌خواری از بین برود. لذا با توجه به مباحث فوق‌الذکر طرح ذیل با قید یک فوریت ارائه می‌شود.»

این طرح در تاریخ ۱۳۸۷/۱۲/۴ در دوره هشتم مجلس شورای اسلامی اعلام وصول شد، لیکن بررسی و تصویب آن تا پایان این دوره از مجلس به نتیجه نرسید. لذا در ابتدای شکل‌گیری مجلس نهم در تاریخ ۱۳۹۱/۴/۱۲، تعدادی از نمایندگان با استناد به ماده (۱۴۰) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، رسیدگی به این طرح معوقه را مجدداً از هیئت رئیسه مجلس تقاضا کردند. بر این اساس، این مصوبه جهت بررسی به صورت یک شوری به کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی به عنوان کمیسیون اصلی ارسال شد. کمیسیون مزبور، این طرح را در تاریخ ۱۳۹۲/۹/۲۸ با اصلاحاتی در عنوان و متن به تصویب رساند و گزارش آن را به مجلس ارائه کرد. این طرح، در تاریخ ۱۳۹۳/۴/۳ در صحن علنی مجلس مطرح و با اصلاحاتی به تصویب رسید و برای طی روند قانونی مذکور در اصل (۹۴) قانون اساسی، به موجب نامه‌ی شماره ۲۵/۲۳۰۳۷ مورخ ۱۳۹۳/۴/۸ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان در تاریخ ۱۳۹۳/۴/۱۱ با تشکیل جلسه و بررسی مفاد این مصوبه، برخی از مواد آن را مغایر با اصول قانون اساسی و در برخی موارد واجد ابهام تشخیص داد و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۴۶۱

مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. مجلس شورای اسلامی برای رفع ایراد شورای نگهبان، در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۶/۵ اصلاحاتی را در مصوبه‌ی پیشین خویش اعمال و مصوبه‌ی اصلاحی را طی نامه‌ی شماره ۲۵/۳۹۰۰۴ مورخ ۱۳۹۳/۶/۹ برای اظهار نظر مجدد به شورای نگهبان ارسال کرد. بررسی مصوبه‌ی اصلاحی در دستور کار جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۹ شورای نگهبان قرار گرفت که پس از بحث و بررسی، شورای نگهبان ایراد مغایرت با قانون اساسی را در دو مورد همچنان پابرجا دانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۰۰۳ مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۹ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. این بار مجلس برای تأمین نظر شورای نگهبان، در جلسه‌ی علنی مورخ ۱۳۹۳/۹/۱۶ اصلاحاتی را در مصوبه، اعمال و آن را طی نامه‌ی شماره ۲۵/۶۴۶۲۵ مورخ ۱۳۹۳/۹/۱۹ جهت اظهار نظر به شورای نگهبان ارسال کرد. شورای نگهبان در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۹/۲۶ همچنان ایراد مغایرت این مصوبه با اصل (۷۵) قانون اساسی را وارد دانست و نظر خود در این خصوص را به موجب نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۰/۳۰۶۲ مورخ ۱۳۹۳/۹/۲۶ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. در نهایت، مجلس در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۱۲ آخرین اصلاحات لازم برای رفع ایراد شورای نگهبان را در مصوبه‌ی خویش اعمال و آن را طی نامه‌ی شماره ۲۵/۷۹۱۰۰ مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۱۵ جهت اظهار نظر به شورای نگهبان ارسال کرد. در این مرحله، شورای نگهبان در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۲۹، پس از بررسی مواد اصلاحی، آنها را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی تشخیص نداد. لذا نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۳۶۲۴ مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۲۹ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۳/۴/۳ (مرحله نخست)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۴/۱۱

ماده ۲- سازمان،^(۱) متولی اجرای حدنگاری، صدور مالکیت حدنگار، ایجاد و بهره‌برداری نظام جامع و سایر تکالیف مندرج در این قانون است.

دیدگاه مغایرت

الف) اطلاق وظایف مقرر در ماده (۲) برای سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، مشتمل بر

۱. بر اساس بند (۷) از ماده (۱) این مصوبه‌ی مجلس شورای اسلامی، مقصود از «سازمان» در این مصوبه، «سازمان ثبت اسناد و املاک کشور» می‌باشد.

اموری است که در صلاحیت نهادها و دستگاه‌های دولتی دیگر است؛ این در حالی است که سازمان ثبت اسناد و املاک کشور صلاحیت و امکانات لازم برای ایفای وظایفی را که در این ماده بدان سپرده شده است ندارد. از سوی دیگر، اجرای وظایف مذکور مستلزم همکاری و پاسخگویی نهادهای دیگر در مقابل سازمان ثبت اسناد و املاک کشور است که این موضوع از مصادیق تداخل وظایف قوا و مغایر با اصل استقلال قوا، موضوع اصل (۵۷) قانون اساسی است.

ب) وظیفه‌ی حدنگاری موضوع ماده (۲)، امری اجرایی و ناظر به تشخیص نوع کاربری املاک و اراضی است که متولی آن دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط است؛ به عنوان مثال حدنگاری اراضی جنگلی و یا نظامی، در راستای وظایف سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور و نهادهای نظامی است. بنابراین از آن جهت که سازمان ثبت اسناد و املاک کشور جزء قوه‌ی قضائیه است، نمی‌تواند تولیت این امور را بر عهده گیرد؛ ضمن اینکه در مصوبه‌ی مجلس، قلمرو حدنگاری به کل کشور توسعه یافته است و این مسئله به معنای تداخل وظایف سازمان ثبت اسناد و املاک کشور با وظایف سایر دستگاه‌ها و نهادهای ذی‌ربط، از جمله نهادهای نظامی و اجرایی است. بنابراین، اعطای صلاحیت اجرای حدنگاری به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور از آن جهت که موجب تداخل در وظایف سایر قوا از جمله نهادهای اجرایی و همچنین نهادهای تحت نظر رهبری می‌باشد، مغایر اصل استقلال قوا، موضوع اصل (۵۷) قانون اساسی و دخالت در وظایف و اختیارات فرماندهی کل قوا، موضوع اصل (۱۱۰) قانون اساسی می‌باشد.

ج) آنچه در صلاحیت سازمان ثبت اسناد و املاک کشور است، تنظیم و صدور سند املاک است که سازمان این وظیفه را بر اساس اطلاعات ارائه شده از سوی نهادها و اشخاص، انجام می‌دهد؛ بنابراین این سازمان نمی‌تواند اجرای حدنگاری را - که موضوعی فراتر از وظیفه‌ی صدور سند و در صلاحیت دستگاه‌های دیگر می‌باشد - بر عهده گیرد. بر این اساس، از آنجا که در این مصوبه، صلاحیتی بیش از ثبت اطلاعات و صدور سند برای سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در نظر گرفته شده است، مغایر با اصل (۵۷) قانون اساسی مبنی بر استقلال وظایف و صلاحیت‌های قوای سه‌گانه از یکدیگر است.

د) اجرای حدنگاری و وظایف موضوع ماده (۲)، افزایش هزینه‌ی عمومی برای دولت را در پی دارد؛ زیرا لازمه‌ی انجام این کار، تدارک امکانات و هزینه‌ی لازم برای سازمان ثبت اسناد و املاک کشور می‌باشد که باید در این مصوبه، محل تأمین منابع آن تعیین می‌شد، حال آنکه چنین پیش‌بینی در این مصوبه انجام نشده و لذا این مصوبه، مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است؛ زیرا مطابق با اصل (۷۵) قانون اساسی، طرح‌های قانونی نمایندگان چنانچه مستلزم افزایش هزینه‌ی عمومی باشد، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن، طریق تأمین هزینه‌ی

جدید مشخص شده باشد. بر این اساس، از آنجا که مصوبه‌ی حدنگار هم به صورت طرح قانونی از سوی نمایندگان به مجلس ارائه شده است، عدم پیش‌بینی محل تأمین هزینه‌های اجرایی آن در این مصوبه، آن را در تغایر با مفاد اصل (۷۵) قرار می‌دهد. منبع مالی تعیین‌شده در مواد بعدی این مصوبه، از جمله در ماده (۱۵) مصوبه^(۱) نیز نمی‌تواند به عنوان منبع تأمین مالی برای این طرح قلمداد شود؛ زیرا تأمین هزینه‌ی موضوع ماده (۱۵) ناظر به زمانی است که طرح حدنگاری اجرا شده و مالک تنها تقاضای دریافت نقشه‌ها را دارد؛ لذا همچنان اصل هزینه اجرای طرح حدنگاری، در این مصوبه تأمین نشده است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) موضوع حدنگاری به عنوان یکی از وظایف سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، در اصلاحات سال ۱۳۵۱ قانون ثبت، پیش‌بینی شده و در آن قانون مقرر شده که تشخیص حدود و موقعیت و نقشه‌ی املاک واقع در محدوده شهرها و حومه‌ی آنها، باید به صورت کاداستر تهیه شود. این قانون بعد از انقلاب نیز اجرا شده و در زمره‌ی قوانین مغایر با قانون اساسی یا شرع شناخته نشده است. بنابراین، حدنگاری موضوعی بیش از تعیین حدود و ثغور مشخصات جغرافیایی املاک و اراضی نیست و از این جهت، حدنگاری از لحاظ ماهیتی، همان وظایف کنونی سازمان است که به صورت الکترونیک اجرا می‌شود.

ب) کاداستر که به حدنگاری ترجمه شده است، چیزی جز تعیین حدود املاک بر اساس طول و عرض جغرافیایی نیست. پیش از این، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور بر اساس عوامل طبیعی به تعیین حدود و ثغور اراضی و صدور سند برای آنها اقدام می‌کرد، اما از آن جهت که عوامل طبیعی معمولاً در اثر گذشت زمان یا سایر عوامل طبیعی تغییر می‌کرد و این مسئله منشأ مشکلاتی در این خصوص بود، هم‌اکنون، حدود املاک و اراضی به طریق الکترونیکی تعیین و ثبت می‌شود که به آن حدنگاری گفته می‌شود. بنابراین، حدنگاری در صلاحیت سازمان ثبت اسناد است که به صورت الکترونیکی صورت می‌پذیرد.

ج) هرچند که فعالیت سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در ارتباط با موضوع حدنگاری، ماهیت اجرایی دارد و نیازمند تجهیزات و امکانات اجرایی است، اما این امر به معنای دخالت در وظایف اجرایی قوه‌ی مجریه و نهادهای وابسته به آن نیست؛ زیرا تنها قوه‌ی مجریه نیست که انجام

۱. ماده (۱۵) طرح جامع حدنگار (کاداستر) کشور مصوب ۱۳۹۳/۴/۳ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۵- سازمان مکلف است در صورت تقاضا، نقشه‌های حدنگار را در قبال وصول هزینه به مالک یا قائم مقام وی یا دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط ارائه کند.»

امور اجرایی را برعهده دارد، بلکه قوه‌ی قضائیه هم در راستای وظایف خود، اموری از سنخ اجرا را بر عهده دارد. بنابراین، اجرای حدنگاری توسط سازمان اسناد و املاک کشور، مغایرتی با اصول قانون اساسی، از جمله اصل (۵۷) قانون اساسی نخواهد داشت.

د) اجرای وظایف حدنگاری، صدور سند و ... دارای بار مالی است که محل تأمین و منابع لازم برای آن به صورت کلی، در مواد بعدی این مصوبه، از جمله در ماده (۱۷)^(۱) تعیین و مشخص شده است. همچنین مطابق با ماده (۱۵) مصوبه، سازمان در قبال وصول هزینه، نقشه‌های حدنگار را به مالک یا قائم مقام وی یا دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط ارائه می‌کند که از این طریق نیز هزینه‌ی اجرای طرح حدنگار تأمین خواهد شد؛ لذا از این جهت، بار مالی این مصوبه تأمین می‌شود و بنابراین این مصوبه، مغایرتی با اصل (۷۵) قانون اساسی ندارد.

نظر شورای نگهبان

ماده (۲)، مغایر با قانون اساسی و موازین شرع شناخته نشد.

ماده ۳- سازمان مکلف است ظرف مدت پنج سال از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، حدنگاری را به نحوی به انجام برساند که موقعیت و حدود کلی املاک و اراضی داخل مرزهای جغرافیایی کشور اعم از دولتی و غیردولتی و همچنین موقعیت و حدود کلیه کوه‌ها، مراتع، جنگل‌ها، دریاها، دریاچه‌ها، تالاب‌ها، اراضی مستحدث ساحلی، مسیل‌های دایر و متروکه و جزایر کشور، مشخص و تثبیت شود و امکان بهره‌برداری از نقشه‌ها و سایر اطلاعات توصیفی و ثبتی کلیه املاک و اراضی کشور، به صورت نقشه و اسناد مالکیت حدنگار در نظام جامع میسر گردد، به گونه‌ای که هیچ نقطه‌ای از کشور بدون نقشه و اسناد مالکیت حدنگار نباشد.

تبصره- کلیه دستگاه‌ها مکلف به همکاری با سازمان جهت اجرای حدنگاری می‌باشند.

۱. ماده (۱۷) طرح جامع حدنگار (کاداستر) کشور مصوب ۱۳۹۳/۴/۳ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۷- به منظور اجرای تکالیف مقرر در این قانون، شامل ایجاد واحدهای ثبتی و تجهیز آنها به فناوری نظام جامع، ایجاد زیرساخت‌های لازم، صدور اسناد مالکیت حدنگار، ماشینی کردن (مکانیزاسیون) خدمات ثبتی، توسعه نظام جامع، داده‌آمایی و بایگانی (آرشیو) الکترونیک سوابق ثبتی و تکمیل بانک اطلاعاتی مرتبط، تکمیل مرکز ملی داده‌های ثبتی، پاسخ‌آنی و الکترونیک به استعلامات ثبتی و ثبت‌آنی معاملات و ساخت، توسعه، تجهیز و تعمیر واحدهای اداری و آموزش، تأمین و ترغیب نیروی انسانی مورد نیاز، کلیه درآمدهای خدمات ثبتی سازمان به حساب خزانه‌داری کل کشور واریز و همه‌ساله پنجاه درصد (۵۰٪) آن ذیل ردیف مستقل در بودجه سنواتی کشور پیش‌بینی می‌شود و به سازمان تخصیص می‌یابد.»

دیدگاه مغایرت

الف) تکلیف سازمان ثبت اسناد و املاک کشور به اینکه ظرف مدت پنج سال از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این مصوبه، حدنگاری را به نحوی خاص به انجام برساند، متضمن بار مالی و هزینه‌ی اجرایی بسیاری برای این سازمان و به تبع، برای دولت است. بنابراین، از آنجا که اولاً این مصوبه، به موجب طرح قانونی نمایندگان به مجلس تقدیم شده است؛ ثانیاً در این مصوبه، طریق تأمین هزینه‌های اجرایی انجام این تکلیف برای سازمان ثبت مشخص نشده است، ماده (۳)، مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است که شرایط مزبور را برای امکان تصویب طرح قانونی نمایندگان در مجلس لازم می‌شمارد.

ب) سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، صلاحیت اعمال بخشی از وظایفی را که در ماده (۳) مصوبه برای این سازمان در زمینه‌ی حدنگاری مشخص شده است ندارد؛ زیرا اعمال این وظیفه در خصوص دستگاه‌های واجد صلاحیت در دیگر قوا، موجب نقض اصل استقلال دستگاه‌ها در قوای سه‌گانه از یکدیگر می‌شود. به عنوان مثال، این سازمان، صلاحیت ورود و اتخاذ تصمیم در خصوص پادگان‌ها، مراعات، جنگل‌ها و بسیاری موارد متعلق به سایر مراجع و نهادهای مرتبط از جمله سازمان نیروهای مسلح و سازمان جنگل‌ها، مراعات و آبخیزداری کشور را ندارد. به همین دلیل سایر نهادها و دستگاه‌های مرتبط، اساساً تکلیفی به پاسخگویی و یا همکاری با سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در خصوص حدنگاری ندارند و می‌توانند در باب صدور جواز و فراهم نمودن شرایط حدنگاری در حدود مورد تصرف و اقتدار خودشان از همکاری با سازمان ثبت امتناع ورزند. در نتیجه صلاحیت الزامی اعطا شده به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و همچنین الزام سایر نهادها به پاسخگویی به درخواست‌های سازمان ثبت که در تبصره ماده (۳) اشاره شده است، مغایر با اصل استقلال قوا موضوع اصل (۵۷) قانون اساسی است.

ج) این استدلال که «مفاد ماده (۱۷) مصوبه، بار مالی این طرح را تأمین کرده است» نیز قابل پذیرش نیست؛ زیرا منابع مالی پیش‌بینی شده در ماده (۱۷)، نه تنها هزینه‌های اجرایی این مصوبه را کفایت نمی‌کند، بلکه خود، مستلزم ایجاد هزینه‌های جدید است.^(۱)

نظر شورای نگهبان

نظر به اینکه مواد (۳)، (۵)، (۶)، ماده (۷) و تبصره یک آن، مواد (۱۰)، (۱۱) و (۱۶) موجب افزایش هزینه عمومی می‌گردند و طریق پیش‌بینی شده در ماده (۱۷) علاوه بر اینکه جبران هزینه‌های

۱. برای توضیح بیشتر در خصوص این استدلال، بنگرید به: استدلال‌های مطرح‌شده در بخش «دیدگاه مغایرت»، ذیل ماده (۱۷) همین مصوبه.

مذکور را نمی‌نماید، خود دارای بار مالی است، فلذا مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی می‌باشند.

ماده ۴- سازمان مکلف است ظرف مدت مذکور در ماده (۳)، نظام جامع را به نحوی ایجاد کند و مورد بهره‌برداری قرار دهد که علاوه بر اطلاعات نقشه‌ها و اسناد مالکیت حدنگار، در برگیرنده اطلاعات مربوط به پلاک و بخش ثبتی ملک، آدرس دقیق پستی آن، کد انحصاری ملک، مشخصات کامل مالک یا مالکان و کد ملی یا شناسه ملی و آدرس دقیق پستی اقامتگاه و یا محل سکونت آنها و مشخصات فردی انتقال‌دهندگان و انتقال‌گیرندگان ملک و محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های آن باشد.

دیدگاه مغایرت

مطابق با اصل (۱۵) قانون اساسی، کلیه‌ی مدارک و اسناد رسمی باید بر اساس زبان فارسی تنظیم و نگارش شوند. بر این اساس، استعمال واژه‌ی غیرفارسی «کد» در ماده (۴)، مغایر با اصل (۱۵) قانون اساسی بوده و لازم است که مجلس جهت رفع مغایرت، معادل فارسی آن را ذکر نماید.

دیدگاه عدم مغایرت

در ماده (۴)، واژه‌ی «شناسه» در کنار واژه‌ی «کد» در عبارت «کد ملی یا شناسه ملی»، به عنوان عبارت هم‌معنای آن ذکر شده است که از این جهت، مغایرت این مصوبه با اصل (۱۵) قانون اساسی را برطرف می‌کند. بنابراین، تنها کافی است که واژه‌ی «کد» داخل پرانتز قرار داده شود.

نظر شورای نگهبان

تذکر: در ماده (۴)، واژه «کد» با توجه به اصل (۱۵) قانون اساسی باید اصلاح شود.

ماده ۵- سازمان مکلف است کلیه اقدامات حقوقی و ثبتی انجام‌شده بر املاک موضوع این قانون اعم از تغییرات، انتقالات، تعهدات، معاملات، اعم از قطعی، شرطی و معاملات دیگر، تجمیع، افراز، تفکیک، اصلاحات و غیره را که به صورت رسمی انجام می‌شوند در نظام جامع به طور آنی ثبت کند و پس از تکمیل بهره‌برداری از نظام جامع، کلیه استعلامات ثبتی را به صورت آنی و الکترونیک پاسخ دهد.

دیدگاه مغایرت

الف) تکلیف سازمان ثبت اسناد و املاک کشور به ثبت کلیه اقدامات حقوقی و ثبتی انجام شده بر املاک موضوع این مصوبه، متضمن بار مالی و هزینه اجرای برای این سازمان و به تبع، برای دولت است. بنابراین، از آنجا که از یک سو این مصوبه، به موجب طرح قانونی نمایندگان به مجلس تقدیم شده است و از سوی دیگر، در این مصوبه طریق تأمین هزینه‌های اجرایی تکلیف مذکور در ماده (۵)، مشخص نشده است، ماده (۵) مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است که شرایط مزبور را برای امکان تصویب طرح قانونی نمایندگان در مجلس لازم می‌شمارد.

ب) این استدلال که «مفاد ماده (۱۷) مصوبه، بار مالی این طرح را تأمین کرده است» نیز قابل پذیرش نیست؛ زیرا منابع مالی پیش‌بینی شده در ماده (۱۷)، نه تنها هزینه‌های اجرایی این مصوبه را کفایت نمی‌کند، بلکه خود، مستلزم ایجاد هزینه‌های جدید است.^(۱)

نظر شورای نگهبان

نظر به اینکه مواد (۳)، (۵)، (۶)، ماده (۷) و تبصره یک آن، مواد (۱۰)، (۱۱) و (۱۶) موجب افزایش هزینه عمومی می‌گردند و طریق پیش‌بینی شده در ماده (۱۷) علاوه بر اینکه جبران هزینه‌های مذکور را نمی‌نماید، خود دارای بار مالی است، فلذا مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی می‌باشند.

ماده ۶- سازمان مکلف به تجهیز کلیه ادارات ثبت کشور به نرم‌افزارهای مورد استفاده در نظام جامع و افزایش قابلیت‌های آنها با رعایت معیارها و استانداردهای فنی لازم است.

دیدگاه مغایرت

در ماده (۶)، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور مکلف شده است که کلیه ادارات ثبت کشور را به نرم‌افزارهای مورد استفاده در نظام جامع و افزایش قابلیت‌های آنها، با رعایت معیارها و استانداردهای فنی لازم تجهیز نماید. با توجه به اینکه انجام این تکلیف برای سازمان و به تبع آن برای دولت، متضمن بار مالی و هزینه‌های اجرایی است که محل تأمین منابع آن در این مصوبه، معلوم نشده است و با عنایت به اینکه این مصوبه، به صورت طرح قانونی از سوی نمایندگان در مجلس مطرح شده و بدین لحاظ باید مطابق مفاد اصل (۷۵) قانون اساسی، طریق تأمین هزینه‌های

۱. برای توضیح بیشتر در خصوص این استدلال، بنگرید به: استدلال‌های مطرح شده در بخش «دیدگاه مغایرت»، ذیل ماده (۱۷) همین مصوبه.

اجرائی آن مشخص می‌شود؛ از این رو ماده (۶) به جهت عدم پیش‌بینی محل تأمین هزینه‌های اجرائی آن، در تغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی می‌باشد.

دیدگاه عدم مغایرت

تجهیز ادارات ثبت کشور به نرم‌افزارهای مورد استفاده در نظام جامع و افزایش قابلیت‌های آنها، کاری است که بخشی از آن قبلاً در سازمان ثبت اسناد و املاک کشور انجام شده و بخشی نیز در حال انجام است؛ لذا این مورد، هزینه‌ای را به سازمان تحمیل نخواهد کرد تا این ماده، مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی باشد.

نظر شورای نگهبان

نظر به اینکه مواد (۳)، (۵)، (۶)، ماده (۷) و تبصره یک آن، مواد (۱۰)، (۱۱) و (۱۶) موجب افزایش هزینه عمومی می‌گردند و طریق پیش‌بینی شده در ماده (۱۷) علاوه بر اینکه جبران هزینه‌های مذکور را نمی‌نماید، خود دارای بار مالی است، فلذا مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی می‌باشند.

ماده ۷- سازمان مکلف است دفاتر موضوع قانون ثبت اسناد و املاک و قانون دفاتر اسناد رسمی و مقررات مرتبط با آنها را به صورت الکترونیک و به نحوی که صحت، تمامیت، اعتبار و انکارناپذیری آن تأمین شده باشد، در زیرمجموعه مرکز داده‌ها، نظام جامع و سامانه‌های مرتبط، ساماندهی و ایجاد کند. همچنین سازمان مکلف است امکان اتصال دفاتر اسناد رسمی به سامانه‌های مرتبط مذکور و بهره‌برداری از آنها به نحوی که امکان ثبت برخط (آن‌لاین) اسناد و معاملات و پاسخ‌آنی و الکترونیک به استعلامات ثبتی ایجاد شود، فراهم کند. با ایجاد دفاتر الکترونیک مذکور، ثبت در دفاتر فیزیکی منتفی و دفاتر الکترونیک جایگزین دفاتر موجود می‌شود.

تبصره ۱- سازمان مکلف است در راستای الکترونیک کردن دفتر ثبت اسناد رسمی، به نحوی برنامه‌ریزی کند که دفاتر اسناد رسمی، نسخه الکترونیک پشتیبان و غیرقابل تغییر کلیه اسنادی را که به وسیله سردفتر از طریق سامانه الکترونیک سازمان تنظیم می‌شود، بایگانی کنند. همچنین دفاتر اسناد رسمی مکلفند از کلیه اسنادی که در سامانه الکترونیک سازمان تنظیم می‌شود نسخه‌ای چاپی با امضای شخص یا اشخاص ذی‌ربط به عنوان پشتیبان تهیه و بایگانی کنند.

تبصره ۲- ادارات ثبت اسناد و املاک مکلفند نسخه چاپ‌شده اسناد مالکیت حدنگار صادرشده را به عنوان پشتیبان نگهداری نمایند.

دیدگاه مغایرت

در صدر ماده (۷)، تکلیف سازمان ثبت اسناد و املاک کشور نسبت به ساماندهی و ایجاد نسخه الکترونیک دفاتر موضوع قانون ثبت اسناد و املاک، قانون دفاتر اسناد رسمی و مقررات مرتبط با آنها در زیرمجموعه مرکز داده‌ها، نظام جامع و سامانه‌های مرتبط و همین‌طور تکلیف مقرر در تبصره (۱) ماده (۷)، در باب برنامه‌ریزی، جهت تهیه و بایگانی نسخه الکترونیک پشتیبان، متضمن بار مالی برای این سازمان و به تبع، ایجاد هزینه‌های جدید برای دولت خواهد بود. بر این اساس، از آنجا که محل تأمین منابع برای این هزینه‌ها در این مصوبه، پیش‌بینی نشده است، و با عنایت به اینکه این مصوبه، به صورت طرح قانونی از سوی نمایندگان به مجلس تقدیم شده است، این ماده مغایر با مفاد اصل (۷۵) قانون اساسی است که تصویب طرح‌های دارای بار مالی را به تعیین طریق تأمین هزینه‌ها مشروط می‌کند.

نظر شورای نگهبان

- نظر به اینکه مواد (۳)، (۵)، (۶)، ماده (۷) و تبصره یک آن، مواد (۱۰)، (۱۱) و (۱۶) موجب افزایش هزینه عمومی می‌گردند و طریق پیش‌بینی شده در ماده (۱۷) علاوه بر اینکه جبران هزینه‌های مذکور را نمی‌نماید، خود دارای بار مالی است، فلذا مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی می‌باشند.
- تذکر: در ماده (۷)، عبارت «دفاتر فیزیکی» به اصلاح عبارتی نیاز دارد.

ماده ۹- کلیه دستگاه‌ها مکلفند تمام مستندات و اطلاعات توصیفی املاک متعلق به خود یا تحت اداره خود از جمله مشخصات ثبتی، کاربری، نام بهره‌بردار و نقشه‌های مختصات جغرافیایی املاک مذکور را حداکثر ظرف مدت دو سال از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون تهیه نموده و جهت صدور سند مالکیت حدنگار در اختیار سازمان قرار دهند.

دیدگاه مغایرت

الف) عموم عبارت «کلیه دستگاه‌ها مکلفند» در صدر ماده (۹) مصوبه، مشتمل بر ارائه‌ی اسناد و اطلاعات از سوی کلیه دستگاه‌ها، از جمله نهادهای نظامی و امنیتی به سازمان ثبت اسناد و املاک است. بدین جهت، عموم این تکلیف برای نهادهای مذکور از آنجا که این نهادها تحت فرماندهی و اختیارات مقام معظم رهبری هستند، مغایر با اصل (۱۱۰) قانون اساسی در خصوص اختیارات و صلاحیت‌های مقام رهبری و فرماندهی کل قوا است و به همین لحاظ، به دلیل دخالت در صلاحیت‌های ولی فقیه، مغایر با موازین شرع است.

ب) اطلاق عبارت ماده‌ی (۹) در خصوص تکلیف کلیه‌ی دستگاه‌ها به ارائه «تمام مستندات و اطلاعات توصیفی املاک متعلق به خود یا تحت اداره خود»، شامل مصادیق مختلف اطلاعات، از جمله اطلاعات محرمانه و دارای طبقه‌بندی نهادها و دستگاه‌های امنیتی، نظامی و اطلاعاتی می‌شود. بر این اساس، از آنجا که این الزام به معنای تجویز ارائه و انتشار اسناد و اطلاعات دارای طبقه‌بندی به غیر است و این امر، مغایر با مصالح کشور و نظام جمهوری اسلامی ایران است، اطلاق این ماده خلاف موازین شرع است.

ج) هر چند که نیروهای مسلح، هم بر اساس بند (۶) ماده (۱) مصوبه - که دستگاه‌های مشمول را «کلیه دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و دستگاه‌های موضوع مواد (۲)، (۳)، (۴) و (۵) قانون محاسبات عمومی کشور» معرفی می‌نماید - و هم بر اساس تبصره‌ی ذیل ماده (۱۰) مصوبه - که انتشار اطلاعات نظامی و امنیتی را منوط به موافقت مراجع ذی‌ربط می‌داند - از شمول عبارت «کلیه دستگاه‌ها» در ماده (۹) خارج شده‌اند، لیکن ایراد مغایرت اطلاق عبارت «مستندات و اطلاعات» در صدر این ماده با موازین شرع، از جهت شمول آن بر انواع مصادیق اطلاعات طبقه‌بندی شده‌ی سایر نهادها و دستگاه‌ها، همچنان باقی است؛ چه آنکه انتشار و افشای اطلاعات طبقه‌بندی شده‌ی این دستگاه‌ها نیز می‌تواند موجبات تضعیف کيان نظام جمهوری اسلامی و تقویت دشمنان و بیگانگان و یا تسلط ایشان بر مسلمانان را فراهم آورد. از این جهت، ماده (۹) مغایر با موازین شرع است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) تکلیف دستگاه‌ها به ارائه مستندات و اطلاعات توصیفی املاک متعلق به خود یا تحت اداره‌ی خود، تنها شامل برخی اطلاعات نظیر مشخصات ثبتی، نوع کاربری، نام بهره‌بردار و نقشه‌های مختصات جغرافیایی است که این قبیل اطلاعات، مستلزم افشای داده‌های دارای طبقه‌بندی نیست؛ لذا ماده (۹)، مغایرتی با موازین شرعی از جهت فراهم آوردن موجبات تضعیف نظام جمهوری اسلامی نخواهد داشت.

ب) نهادها و دستگاه‌های مشمول حکم ماده (۹)، در بند (۶) ماده (۱) تعیین شده‌اند که عبارتند از «کلیه دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و دستگاه‌های موضوع مواد (۲)، (۳)، (۴) و (۵) قانون محاسبات عمومی کشور». بر این اساس، دستگاه‌های مشمول، منصرف از دستگاه‌های نظامی و امنیتی هستند که احیاناً اطلاعات آنها در بخش املاک نیز دارای طبقه‌بندی حفاظتی است؛ ضمن اینکه تبصره‌ی ذیل ماده (۱۰) مصوبه، انتشار اطلاعات نظامی و امنیتی را منوط به موافقت مراجع ذی‌ربط می‌داند؛ از این رو، حکم مندرج در ماده (۹) مغایرتی با اصول قانون اساسی و موازین شرع ندارد.

ج) تهیه نمودن اطلاعات مرتبط با مراکز نظامی و اراضی آن به سازمان ثبت اسناد و املاک، نه تنها مغایر قانون اساسی و شرع نیست، بلکه عدم اجرای این مهم، مستلزم نقض حقوق سایر اشخاص حقیقی و حقوقی از جمله حقوق همسایگان این مراکز خواهد بود؛ لذا الزام به تهیه و ارائه‌ی اطلاعات مطرح در این ماده، مغایر قانون اساسی و شرع نیست، بلکه از جهت حفظ حقوق مالکیت افراد، موافق با موازین شرع و قانون اساسی است.

نظر شورای نگهبان

- عموم ماده (۹)، مبنی بر مکلف نمودن دستگاه‌ها نسبت به اینکه تمام خصوصیات املاک متعلق به خود را اعلام نمایند، در مواردی که موضوع دارای جنبه امنیتی باشد، اشکال شرعی دارد.
- تذکر: در سطر دوم ماده (۹)، بعد از واژه «کاربری»، ویرگول ذکر شود.

ماده ۱۰- سازمان نقشه‌برداری کشور و سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح مکلفند به موجب درخواست سازمان، نسبت به عکس‌برداری و تهیه نقشه مورد نیاز بر اساس مقیاس‌ها و استانداردهای لازم اقدام کنند.
تبصره- سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح مکلف است عکس‌ها و نقشه‌های املاک و اماکن نیروهای مسلح و مناطق مرزی را با همکاری سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تهیه نماید. انتشار اطلاعات نظامی و امنیتی در نقشه‌های ثبتی بدون موافقت مراجع ذی‌ربط ممنوع است.

دیدگاه مغایرت

الف) بر اساس بند (۴) اصل (۱۱۰) قانون اساسی، مقام رهبری، وظیفه فرماندهی کل نیروهای مسلح را بر عهده دارد. سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح نیز جزء نیروهای مسلح و تحت نظر رهبری تلقی می‌شود. بنابراین، الزام سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح به عکس‌برداری و تهیه نقشه در صورت درخواست سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، بدون کسب اذن و تأمین نظر مقام رهبری مغایر، اصل (۱۱۰) قانون اساسی است.

ب) مطابق با اصل (۷۵) قانون اساسی، طرح و یا پیشنهادها و اصلاحات نمایندگان مجلس در خصوص لوایح که منجر به کاهش درآمد و یا افزایش هزینه‌ی عمومی دولت می‌شود، در صورتی قابل طرح در مجلس است که طریق تأمین هزینه‌های مزبور و یا جبران تقلیل درآمد مشخص و معلوم باشد. با این وصف، مکلف کردن سازمان نقشه‌برداری کشور و سازمان جغرافیایی نیروهای

مسلح به عکس‌برداری و تهیه نقشه در صورت درخواست سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در صدر ماده (۲۰)، از دو فرض خارج نیست: یا این تکلیف از طریق انعقاد قرارداد و پرداخت هزینه این کار توسط سازمان ثبت اسناد و املاک کشور محقق می‌گردد و یا اینکه سازمان‌های مذکور خود باید اقدام به عکس‌برداری و تهیه نقشه نمایند. این امر در هر دو حالت مزبور، برای سازمان ثبت و یا برای سازمان نقشه‌برداری کشور و سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، مستلزم هزینه و در نتیجه متضمن بار مالی برای دولت است. لذا ماده‌ی مزبور از آن جهت که طریق تأمین این هزینه‌ها را در این طرح مصوب، مشخص نکرده است، مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است.

ج) اطلاق عکس‌برداری و تهیه‌ی نقشه توسط سازمان نقشه‌برداری کشور و سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح در ماده (۱۰)، شامل مناطق نظامی، امنیتی و یا مناطقی که بر اساس مصالح نظام جمهوری اسلامی نباید از آنها عکس‌برداری و یا نقشه‌برداری کرد نیز می‌شود. بنابراین از آنجا که این امر می‌تواند منجر به تضعیف کیان جمهوری اسلامی ایران و یا زمینه‌ساز تضعیف بنیه‌ی نظامی و امنیتی کشور و در نتیجه تقویت دشمنان و بیگانگان در مواجهه با جمهوری اسلامی ایران شود، مغایر با موازین شرع است.

د) تبصره‌ی ذیل ماده (۱۰)، انتشار اطلاعات نظامی و امنیتی در نقشه‌های ثبتی را بدون موافقت مراجع ذی‌ربط ممنوع کرده است، لیکن این ممنوعیت تنها به انتشار نقشه‌های ثبتی محدود شده و نسبت به نگهداری اصل نقشه‌ها ممنوعیتی مقرر نشده است. این در حالی است که در مواردی نگهداری نقشه‌های نظامی و امنیتی نیز مغایر با مصالح نظامی و امنیتی کشور است. بنابراین، اطلاق نگهداری نقشه‌ها توسط سازمان ثبت و اسناد، نسبت به نقشه‌های امنیتی و اطلاعاتی در مواردی که نگهداشتن آنها مغایر با مصالح امنیتی نظام است، از آن جهت که زمینه‌ی تضعیف کیان اسلامی و تقویت دشمنان را فراهم می‌آورد، مغایر با موازین شرع است و بر این اساس لازم است که نگهداری آنها نیز منوط به موافقت مراجع ذی‌ربط باشد.

ه) مطابق با اصل (۱۴۷) قانون اساسی، دولت باید در زمان صلح از افراد و تجهیزات فنی ارتش در کارهای امدادی، آموزشی، تولیدی و جهاد سازندگی با رعایت کامل موازین عدل اسلامی استفاده کند تا حدی که به آمادگی رزمی ارتش آسیبی وارد نیاید. با این وصف، اطلاق حکم مقرر در صدر ماده (۱۰) مبنی بر الزام سازمان نقشه‌برداری کشور و سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح به عکس‌برداری و تهیه نقشه در صورت درخواست سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، از آن جهت که ممکن است به آمادگی رزمی ارتش آسیب وارد کند، مغایر با اصل (۱۴۷) قانون اساسی است. بنابراین باید اطلاق ماده‌ی مزبور در خصوص تهیه عکس‌برداری و نقشه توسط نیروهای مسلح، مقید به ذیل اصل (۱۴۷) قانون اساسی شود تا به آمادگی رزمی ارتش آسیبی وارد نشود.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، زیرمجموعه و وابسته‌ی به وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح است و از این حیث، از نهادهای اجرایی کشور ذیل قوه‌ی مجریه محسوب می‌شود. بنابراین، این سازمان از دامنه‌ی نهادهای تحت نظر فرماندهی کل قوا محسوب نمی‌شود تا وضع تکلیف برای آن بدون کسب نظر مقام رهبری، مغایر با اصل (۱۱۰) قانون اساسی قلمداد شود.

ب) در تبصره‌ی ذیل ماده (۱۰) مقرر شده که انتشار اطلاعات نظامی و امنیتی در نقشه‌های ثبتی بدون موافقت مراجع ذی‌ربط ممنوع است. بر این اساس، این احتمال که عکس‌برداری و نقشه‌برداری منجر به تضعیف بنیه‌ی نظامی و در نتیجه تقویت دشمنان جمهوری اسلامی ایران و بیگانگان شود، وجود ندارد. لذا این ماده از این جهت، مغایرتی با موازین شرع ندارد.

ج) یکی از وظایف سازمان نقشه‌برداری کشور و سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، عکس‌برداری و تهیه نقشه برای سازمان‌ها و نهادهای دیگر است که این موضوع نیز در صورت درخواست سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، به عنوان یک وظیفه و به صورت مجانی انجام می‌شود. بنابراین اجرای موضوع ماده (۱۰)، متضمن بار مالی برای سازمان ثبت اسناد و املاک کشور نخواهد بود تا این مصوبه مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی باشد.

د) ممنوعیت انتشار اطلاعات نظامی و امنیتی در نقشه‌های ثبتی بدون موافقت مراجع ذی‌ربط که در ماده (۱۰) آمده است، فاقد ابهام است؛ زیرا این ممنوعیت یا در قوانین مربوطه جرم‌انگاری شده و مجازات آن نیز تعیین و تصریح شده است و یا در صورتی که این ممنوعیت جرم‌انگاری نشده باشد، بر اساس اصول کلی و عمومات مربوط به قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲، به عنوان یک تخلف اداری و انتظامی در استنکاف از انجام وظیفه قابل رسیدگی است. بنابراین ماده‌ی مزبور از این جهت، ابهامی ندارد که زمینه‌ی تضییع حقوق افراد را فراهم کند.

دیدگاه ابهام

با توجه به اینکه مشخص نیست «ممنوعیت» انتشار اطلاعات نظامی و امنیتی در نقشه‌های ثبتی بدون موافقت مراجع ذی‌ربط، مفید در معنای جرم‌انگاری است یا نوعی تخلف اداری و انتظامی محسوب می‌شود، این مصوبه دارای ابهام است. در هر صورت، باید مجازات و ضمانت اجرای آن به صراحت در این مصوبه تعیین شود تا زمینه‌ی تضییع حقوق و آزادی‌های مردم به جهت نامشخص بودن نوع و میزان ضمانت اجرای نقض این حکم فراهم نشود. ضمن اینکه ممنوعیت ماده (۱۰)، مشمول ضمانت اجرای ماده (۵۰۱) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵^(۱)

۱. ماده (۵۰۱) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ مجلس
←

نخواهد بود؛ زیرا ماده (۵۰۱) ناظر به افشا و انتشار اسناد محرمانه و سرّی دولتی است و نه انتشار اطلاعات نظامی و امنیتی که موضوع ماده (۱۰) این مصوبه است.

نظر شورای نگهبان

- ماده (۱۰)، باید به قسمت اخیر اصل (۱۴۷) قانون اساسی مقید گردد و آلا مغایر اصل مذکور می‌باشد. همچنین اطلاق تجویز گرفتن عکس و نقشه، در مواردی که خلاف مسائل امنیتی و نظامی باشد، اشکال دارد.

- نظر به اینکه مواد (۳)، (۵)، (۶)، ماده (۷) و تبصره یک آن، مواد (۱۰)، (۱۱) و (۱۶) موجب افزایش هزینه عمومی می‌گردند و طریق پیش‌بینی شده در ماده (۱۷) علاوه بر اینکه جبران هزینه‌های مذکور را نمی‌نماید، خود دارای بار مالی است، فلذا مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی می‌باشند.

ماده ۱۱- سازمان مکلف است ظرف مهلت پنج سال پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون کلیه اسناد مالکیت دفترچه‌ای را به اسناد مالکیت حدنگار تبدیل کند. برای این منظور کلیه دارندگان اسناد مالکیت دفترچه‌ای اعم از دستگاه‌ها و اشخاص خصوصی مکلفند در زمان‌بندی مشخصی که در هر منطقه به وسیله سازمان اعلام می‌شود، سند خود را به سازمان ارائه کنند.

تبصره- پس از اتمام مهلت پنج ساله مذکور و در صورت عدم مراجعه، دستگاه‌ها مجاز به ارائه خدمات مرتبط به اسناد مالکیت، به دارندگان اسناد مالکیت دفترچه‌ای نمی‌باشند.

دیدگاه مغایرت

الف) در این ماده، تکلیف مقرر برای سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در خصوص تبدیل کلیه اسناد مالکیت دفترچه‌ای به اسناد مالکیت حدنگار، متضمن بار مالی برای سازمان ثبت اسناد و املاک و به تبع ایجاد هزینه‌های جدید برای دولت است؛ این در حالی است که محل تأمین منابع این هزینه‌ها در این مصوبه - که به صورت طرح از سوی نمایندگان مجلس ارائه شده- پیش‌بینی نشده است و در هیچ جای این مصوبه نیز مقرر نشده است که ارائه‌ی این خدمات در قبال اخذ هزینه و تأمین مالی از سوی دستگاه‌ها و اشخاص ذی‌حق صورت گیرد؛ ضمن اینکه، اصل در



شورای اسلامی: «ماده ۵۰۱- هر کس نقشه‌ها یا اسرار یا اسناد و تصمیمات راجع به سیاست داخلی یا خارجی کشور را عالماً و عامداً در اختیار افرادی که صلاحیت دسترسی به آنها را ندارند قرار دهد یا از مفاد آن مطلع کند، به نحوی که متضمن نوعی جاسوسی باشد، نظر به کیفیت و مراتب جرم به یک تا ده سال حبس محکوم می‌شود.»

ارائه‌ی خدمات از سوی نهادها و سازمان‌های دولتی بر «مجانی بودن» است. بنابراین، ماده (۱۱) به جهت عدم تعیین منابع مالی برای تأمین هزینه‌های اجرای آن، مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است که مقرر می‌دارد طرح‌های قانونی نمایندگان که مستلزم ایجاد هزینه‌های جدید برای دولت است، تنها در صورتی قابل طرح در مجلس است که طریق تأمین این هزینه‌ها مشخص شده باشد.

ب) منابع و درآمدهای پیش‌بینی شده در دیگر مواد این مصوبه، از جمله ماده (۱۵)^(۱) نیز ایراد مغایرت ماده (۱۱) با اصل (۷۵) قانون اساسی را برطرف نمی‌کند؛ زیرا هزینه‌های دریافتی موضوع ماده (۱۵) این مصوبه، پس از اجرای حکم مقرر در این ماده مبنی بر تبدیل کلیه‌ی اسناد مالکیت دفترچه‌ای به اسناد مالکیت حدنگار و صرفاً در قبال ارائه‌ی نقشه‌های حدنگار به متقاضیان پیش‌بینی شده است و لذا تأمین‌کننده هزینه‌های تبدیل اسناد مالکیت دفترچه‌ای به اسناد مالکیت حدنگار نیست.

ج) اطلاق حکم به «عدم ارائه خدمات مرتبط به اسناد مالکیت» به دستگاه‌ها و اشخاصی که در مهلت پنج سال برای تبدیل اسناد مالکیت دفترچه‌ای به اسناد مالکیت حدنگار به سازمان ثبت مراجعه نکرده‌اند، چون ممکن است در برخی موارد مانع استیفای حقوق مالکانه‌ی مشروع اشخاص (مانند حق فروش، ساخت و ...) یا سلب‌کننده‌ی اسباب و زمینه‌های لازم به منظور تصرفات مالکانه‌ی مشروع از مالکان املاک شود، مغایر با موازین شرع است.

د) هر چند که به نظر می‌رسد منظور از عدم ارائه‌ی خدمات نسبت به دستگاه‌ها و اشخاصی که در مهلت مقرر برای تبدیل اسناد مالکیت رجوع نکرده‌اند، خدمات دولتی و حاکمیتی به صاحبان این اسناد، نظیر حق ساخت یا تغییر کاربری، حق فروش دفترخانه‌ای یا رهن یا اخذ وام بانکی است، نه اینکه کلیه‌ی حقوق مالکانه آنها - از جمله حق فروش به صورت شخصی و غیررسمی - را از آنها سلب کند، اما به هر حال، همین سلب جزئی حق و ایجاد مانع برای استیفای تام از حقوق مالکانه‌ی اشخاص نیز مغایر با موازین شرعی است.

ه) در تبصره‌ی ماده (۱۱)، عدم ارائه خدمات به اسناد مالکیت دفترچه‌ای پس از اتمام مهلت پنج‌ساله، به معنای الغای اعتبار مالکانه از سند رسمی دفترچه‌ای است که این امر موجبات اضرار به صاحبان اسناد مذکور را فراهم می‌آورد. از این جهت، با توجه به ممنوعیت اضرار به غیر در موازین شریعت، تبصره‌ی مذکور مغایر با موازین شرع است.

و) تبصره‌ی ماده (۱۱) با تحقق دو شرط، ارائه خدمات به دستگاه‌ها و اشخاص را مجاز

۱. ماده (۱۵) طرح جامع حدنگار (کاداستر) کشور مصوب ۱۳۹۳/۴/۳ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۵- سازمان مکلف است در صورت تقاضا، نقشه‌های حدنگار را در قبال وصول هزینه به مالک یا قائم مقام وی یا دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط ارائه کند.»

نمی‌داند: اول گذشت پنج سال از لازم‌الاجرا شدن این قانون و دوم اینکه دستگاه‌ها و اشخاص در طول مدت پنج سال، برای تبدیل اسناد خود به سازمان ثبت اسناد و املاک مراجعه نکنند. بنابراین، عطفِ واژه‌ی «در صورت عدم مراجعه» پس از عبارت «پس از اتمام مهلت پنج‌ساله مذکور»، بدین معنا نیست که اشخاص پس از مهلت پنج‌ساله، در صورتی که به سازمان مراجعه کنند، می‌توانند از خدمات دستگاه‌ها بهره‌مند شوند؛ زیرا در این صورت، ذکر مهلت در تبصره‌ی مذکور، لغو و بیهوده خواهد بود و میان مالکینی که قبل از مهلت پنج‌ساله برای تبدیل اسناد به سازمان مراجعه می‌کنند و اشخاصی که بعد از مهلت مذکور مراجعه کرده‌اند، تفاوتی وجود نخواهد داشت. بنابراین، مطابق ظاهر تبصره‌ی ماده (۱۱)، دستگاه‌ها و اشخاصی که در مهلت پنج سال، برای تبدیل اسناد به سازمان مراجعه نکرده‌اند، از کلیه‌ی خدمات مرتبط با سند مالکیت محروم خواهند شد و برای ایشان اسناد مالکیت حدنگار صادر نخواهد شد، که این موضوع خلاف موازین شرعی است.

ز) اطلاق واژه‌ی «دستگاه‌ها» در تبصره‌ی ماده (۱۱)، شامل دادگاه‌های صالح دادگستری نیز می‌شود که در نتیجه به موجب این اطلاق، دادگاه‌ها نیز پس از مهلت پنج سال، مجاز به ارائه خدمات به اسناد مالکیت دفترچه‌ای - از جمله اعتبار دلالت این اسناد بر مالکیت - نخواهند بود. این رویکرد، با توجه به اینکه مستلزم نقض حقوق مالکانه‌ی مشروع افراد است، با موازین شرعی مغایرت دارد.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) هر چند که مکلف نمودن سازمان ثبت به تبدیل اسناد مالکیت دفترچه‌ای به اسناد مالکیت حدنگار متضمن هزینه و بار مالی برای این سازمان است، لیکن سازمان می‌تواند این هزینه را از محل خدماتی که در همین خصوص به دستگاه‌ها و اشخاص ارائه می‌نماید، تأمین نماید؛ زیرا اولاً در این مصوبه مقرر نشده است که این وظیفه توسط سازمان به صورت مجانی انجام پذیرد؛ ثانیاً در ماده (۱۵) این مصوبه مقرر شده که سازمان ثبت در قبال ارائه‌ی این خدمات، هزینه‌ی آن را از متقاضیان وصول کند. بنابراین، ماده‌ی مزبور از این جهت مغایرتی با اصل (۷۵) قانون اساسی ندارد.

ب) عدم ارائه‌ی خدمات مرتبط با اسناد مالکیت در تبصره‌ی ماده (۱۱)، ناظر بر خدمات جزئی دولتی و حاکمیتی، نظیر حق فروش دفترخانه‌ای یا رهن یا اخذ وام بانکی و ... است و صاحبان این اسناد می‌توانند سایر حقوق مالکانه‌ی خود، نظیر فروش ملک به صورت شخصی را استیفا نمایند. بنابراین، از این جهت که استیفای حقوق مالکانه پس از مهلت پنج‌سال برای دارندگان اسناد مالکیت دفترچه‌ای، به صورت کلی منتفی نیست، این مصوبه مغایرتی با موازین شرعی ندارد.

ج) تبصره‌ی این ماده که مقرر می‌دارد پس از اتمام مهلت پنج‌ساله، در صورت عدم مراجعه‌ی

دارندگان اسناد مالکیت دفترچه‌ای به منظور تبدیل این اسناد به اسناد مالکیت حدنگار، دستگاه‌ها مجاز به ارائه خدمات مرتبط با اسناد مالکیت به دارندگان اسناد مالکیت دفترچه‌ای نمی‌باشند، به این معنا است که بعد از اتمام مهلت پنج‌ساله، چنانچه مالکین اسناد دفترچه‌ای قصد بهره‌مندی از خدمات دولتی و حاکمیتی مرتبط با مایملک خود، نظیر استیفای حق ساخت یا تغییر کاربری، حق فروش دفترخانه‌ای یا رهن یا اخذ وام بانکی را داشته باشند، ابتدا باید مبادرت به تهیه اسناد مالکیت حدنگار نموده و سپس از حق استیفای حقوق مالکانه‌ی خود بهره‌مند گردند. به عبارت دیگر، حق استیفای حقوق مالکانه قبل از اتمام مهلت پنج‌ساله، مطلق و بدون شرط است، لیکن بعد از انقضای مهلت پنج‌ساله، مشروط به مراجعه به سازمان و تهیه اسناد مالکیت حدنگار خواهد بود؛ لذا مشروط نمودن حق استیفای کامل مالکان املاک مزبور، مغایرتی با موازین شرع ندارد.

د) هر چند که در تبصره‌ی ماده (۱۱)، واژه‌ی «دستگاه‌ها» به صورت مطلق استعمال شده است، اما این اطلاق به موجب بند (۶) ماده (۱) فصل اول مصوبه - که دستگاه‌ها را تعریف می‌نماید - تخصیص خورده است؛ بدین معنا که به موجب بند مذکور، منظور از «دستگاه‌ها» کلیه‌ی دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و دستگاه‌های موضوع مواد (۲)، (۳)، (۴) و (۵) قانون محاسبات عمومی کشور است. بر این اساس، «دادگاه‌ها» از شمول این اطلاق خارج هستند و به موجب تبصره‌ی مذکور، اسناد مالکیت دفترچه‌ای بعد از مهلت پنج سال همچنان دارای اعتبار در دادگاه‌ها خواهند بود و تنها از شمول خدمات دولتی و حاکمیتی، مانند فروش دفترخانه‌ای، رهن و اخذ وام بانکی و ... خارج هستند.

دیدگاه ابهام

الف) تبصره‌ی ماده (۱۱) نسبت به فرآیندی که بعد از اتمام مهلت پنج‌ساله برای مالکان دارای سند دفترچه‌ای اتخاذ خواهد شد، ساکت است. به عبارت دیگر، این مصوبه مشخص نمی‌کند که چه سرنوشتی در انتظار مالکانی است که در مدت پنج سال نسبت به تبدیل سند دفترچه‌ای املاک خود به سند حدنگار به سازمان ثبت مراجعه ننموده‌اند؛ آیا این عدم مراجعه، موجب محرومیت آنها از خدمات دستگاه‌های دولتی است یا اینکه باید جریمه بدهند یا اینکه مجدداً به منظور تبدیل سند خود به سازمان ثبت مراجعه کنند یا اینکه وضعیت دیگری دارند. از این حیث، این مصوبه دارای ابهام است و نمی‌توان نسبت به مغایرت یا عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی اظهار نظر کرد.

ب) در تبصره‌ی ماده (۱۱)، عطف عبارت «در صورت عدم مراجعه»، بعد از عبارت «پس از اتمام مهلت پنج‌ساله»، در دو معنا می‌تواند ظهور داشته باشد: اول اینکه مهلت پنج‌ساله، غایت و حد نهایی زمان مراجعه برای تبدیل اسناد مالکیت دفترچه‌ای به اسناد مالکیت حدنگار است و پس از آن، دستگاه‌ها به دارندگان اسناد مالکیت دفترچه‌ای هیچ‌گونه خدماتی ارائه نخواهند کرد که این

موضوع از جهت اینکه فرد را از حقوق مالکانه محروم می‌کند، مغایر با موازین شرع است؛ معنای دوم عبارت، ظهور در این دارد که پس از مهلت پنج‌ساله، به دارندگان اسناد مالکیت دفترچه‌ای تنها در صورتی خدمات ارائه می‌شود که برای تبدیل اسناد، به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور مراجعه کنند که در این صورت، این مصوبه مغایرتی با موازین شرعی ندارد. با این وصف، از آنجا که به سبب نوع نگارش عبارت، این مصوبه مبهم است، امکان اظهار نظر نسبت به مغایرت یا عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی وجود ندارد.

نظر شورای نگهبان

- نظر به اینکه مواد (۳)، (۵)، (۶)، ماده (۷) و تبصره یک آن، مواد (۱۰)، (۱۱) و (۱۶) موجب افزایش هزینه‌ی عمومی می‌گردند و طریق پیش‌بینی شده در ماده (۱۷) علاوه بر اینکه جبران هزینه‌های مذکور را نمی‌نماید خود دارای بار مالی است، فلذا مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی می‌باشند.

- در تبصره ماده (۱۱)، مقصود از «عدم مراجعه» روشن گردد تا اظهار نظر ممکن شود. علاوه بر این، الغای حقوق مالکانه اشخاص به عللی که در ماده و تبصره آمده، خلاف موازین شرع شناخته شد.

ماده ۱۳- در مواردی که اسناد مالکیت موجود با اطلاعات و نقشه‌های حدنگار مغایرت داشته و این امر ناشی از اشتباهات ثبتی باشد و خللی به حقوق هم‌جواران وارد نکند، هیئت نظارت ثبت استان (موضوع ماده (۶) قانون ثبت اسناد و املاک^(۱)) با رعایت موازین قانونی و با اخذ توضیح از ذی‌نفع و دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط و مجری طرح حدنگار (کاداستر) در شهرستان مربوط، نسبت به موضوع رسیدگی و مبادرت به صدور رأی می‌نماید. رأی صادرشده قطعی است.

تبصره ۱- در صورتی که مغایرت مذکور در این ماده موجب کاهش حقوق صاحب سند شود و وی اعتراض نداشته باشد، مطابق ماده (۱۲)^(۲) عمل می‌شود.

۱. ماده (۶) قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۵۱: «ماده ۶- برای رسیدگی به کلیه اختلافات و اشتباهات مربوط به امور ثبت اسناد و املاک در مقر هر دادگاه استان، هیئتی بنام نظارت مرکب از رئیس ثبت استان یا قائم مقام او و دو نفر از قضات دادگاه استان به انتخاب وزیر دادگستری تشکیل می‌شود. هیئت مزبور به کلیه اختلافات و اشتباهات مربوط به امور ثبتی در حوزه قضایی استان رسیدگی می‌نماید. برای این هیئت یک عضو علی‌البدل از قضات دادگستری یا کارمندان ثبت مرکز استان از طرف وزیر دادگستری تعیین خواهد شد»

۲. ماده (۱۲) طرح جامع حدنگار (کاداستر) کشور مصوب ۱۳۹۳/۴/۳ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۲- چنانچه ملک دارای سند رسمی مالکیت به نام متقاضی باشد و اطلاعات مندرج در درخواست و اسناد پیوست آن، با اطلاعات

تبصره ۲- در استان‌هایی که ایجاد شعبه یا شعب دیگر از هیئت نظارت ثبت استان ضرورت داشته باشد رئیس سازمان، آن شعبه یا شعب را با همان ترکیب اعضاء و اختیارات تأسیس می‌کند. همچنین در صورت ضرورت با پیشنهاد رئیس سازمان و تصویب رئیس قوه قضائیه شعبه یا شعب دیگری از شورای عالی ثبت با همان ترکیب اعضاء و اختیارات ایجاد می‌شود و یکی از مدیران کل مسلط به امور ثبتی با حکم رئیس سازمان جایگزین معاون املاک یا اسناد سازمان در شعب جدید آن شورا می‌گردد.

دیدگاه مغایرت

الف) مطابق با اصل (۱۳۹) قانون اساسی، صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر مورد موکول به تصویب هیئت وزیران است. تبصره (۱) ماده (۱۳) مقرر می‌دارد: «در صورتی که مغایرت مذکور در این ماده موجب کاهش حقوق صاحب سند شود و وی اعتراض نداشته باشد، مطابق ماده (۱۲) عمل می‌شود». صاحب سند می‌تواند شخص غیر دولتی و یا دولتی باشد. در خصوص رضایت شخص غیر دولتی به کاهش حقوق اشکالی وارد نیست، لیکن در مواردی که صاحب سند، دولت باشد، دستگاه ذی‌ربط صلاحیت ندارد که بدون طی تشریفات مقرر در اصل (۱۳۹) قانون اساسی به کاهش حقوق خود که حقوق دولت و عموم جامعه است رضایت دهد و مصالحه کند. بنابراین از آنجا که در این تبصره، شرط ارجاع مسئله به هیئت وزیران در خصوص صلح املاک دولتی رعایت نشده است، مغایر با اصل (۱۳۹) قانون اساسی است. لازم به ذکر است که تبصره‌ی مزبور اطلاق داشته و موارد دیگر علاوه بر اشتباه ثبتی نظیر صلح اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری را نیز در بر می‌گیرد.

ب) سیاق تبصره (۱) ماده (۱۳) در برخی از مواردی، حتی نسبت به اشخاص غیر دولتی نیز واجد ایراد شرعی است. توضیح آنکه در برخی موارد صاحب سند غیر از مالک واقعی ملک است. در این گونه موارد، مطابق این تبصره، در صورتی که صاحب سند به کاهش حقوق رضایت دهد، به نام او سند حدنگار صادر می‌شود، با اینکه ممکن است مالک حقیقی نسبت به کاهش حقوق راضی نباشد. بنابراین با صدور سند جدید، حق موجود و مفروض مالک حقیقی، توسط کسی که سند در اختیار اوست، ساقط شده است؛ ضمن اینکه برای فردی غیر از مالک حقیقی نیز سند حدنگار صادر شده است.

ج) مطابق با بند (۱) اصل (۱۵۶) قانون اساسی، «رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت



نظام جامع یکسان بوده و مغایرتی نداشته و درخواست معارضی نیز در مالکیت و یا حدود اربعه یا حقوق متعلق به ملک، از سوی غیر، واصل نشده باشد سند مالکیت حدنگار برای آن ملک صادر می‌شود.»

از امور حسبه که قانون معین می‌کند»، از وظایف قوه قضائیه است که انجام این وظایف نیز مطابق با اصل (۱۵۷) قانون اساسی، از مسئولیت‌های انحصاری رئیس قوه قضائیه است. رسیدگی به اختلافات ثبتی و حل و فصل آنها نیز از مصادیق وظایف مقرر برای قوه قضائیه است که مسئولیت قضایی و اداری و اجرایی آن بر عهده رئیس قوه قضائیه است. بر این اساس، تبصره (۲) ماده (۱۳) که تشکیل شعبه یا شعب دیگری از شورای عالی ثبت را به پیشنهاد رئیس سازمان ثبت منوط دانسته است، از آن جهت که وظیفه رئیس قوه قضائیه را به رئیس سازمان ثبت تفویض کرده، مغایر با اصل (۱۵۷) و بند (۱) اصل (۱۵۶) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) منظور از «کاهش حقوق» در تبصره (۱) ماده (۱۳)، مواردی است که میان اسناد مالکیت موجود با اطلاعات و نقشه‌های حدنگار، مغایرت وجود داشته باشد و مطابق صریح ماده (۱۳)، این امر ناشی از اشتباهات ثبتی باشد؛ بدین معنا که نتایج حاصله از روش سنتی و دستی در خصوص یک ملک - مثلاً مقدار مساحت، طول و عرض جغرافیایی، حق ارتفاق و...- تطابق نداشته و این واقعیت کاشف از این است که نتیجه روش سنتی، اشتباه (اشتباه ثبتی) بوده است و از اساس حقی در آن مورد برای صاحب سند وجود نداشته است. به همین خاطر در ادامه‌ی ماده به این نکته اشاره می‌کند که این مغایرت و عدم تطابق‌های ناشی از اشتباه ثبتی، خللی به حقوق هم‌جواران وارد نمی‌کند. بنابراین اشتباهات مزبور و کاهش حقوق ناشی از آن در این ماده و تبصره‌ی آن، به معنای تضییع حقوق صاحب سند و در نتیجه مصالحه نسبت به آنها نیست تا بخواهیم در خصوص اسناد دولتی شروط مندرج در اصل (۱۳۹) قانون اساسی را اعمال کنیم. از این رو، با توجه به اینکه تبصره‌ی مزبور در مقام صلح، ارجاع به داوری و یا طرح دعوا نسبت به املاک دولتی نیست، مغایرتی با اصل (۱۳۹) قانون اساسی ندارد.

ب) در تبصره (۱) ماده (۱۳)، در فرضی که صاحب سند به کاهش حقوق، در حالی رضایت می‌دهد که صاحب واقعی ملک نیست و در این حال، برای او سند حدنگار صادر می‌شود، ایراد مغایرت با شرع وجود ندارد؛ زیرا صدور سند برای صاحب سند به معنای نادیده گرفتن حقوق مالک حقیقی نیست و در هر شرایطی مالک حقیقی می‌تواند جهت برخورداری از حقوق مالکانه‌ی خود در محاکم صالح، طرح دعوی کند و هرگاه این امکان برای او فراهم شد و مالکیت خود را به اثبات رساند، سند جدید به نام او صادر می‌شود و می‌تواند از حقوق مالکانه خود بهره‌برداری کند. از سوی دیگر، صدور سند جدید حدنگار به معنای تصدیق مالکیت صاحب سند و یا ایجاد مالکیت نیست، بلکه صرفاً تبدیل سند مالکیت دفترچه‌ای به سند مالکیت حدنگار، با جزئیات و اطلاعات مشابه می‌باشد. لذا از آنجا که اصل سند فی حد ذاته، موجد، مثبت یا مؤید حق مالکیت

نیست، تبدیل سند نیز به طریق اولی، فاقد این خصایص بوده و بنابراین، مفاد تبصره (۱) ماده (۱۳) از جهت عدم قابلیت لغو مالکیت مالک حقیقی، مغایر با موازین شرع نیست.

ج) اگرچه مستند به بند (۱) اصل ۱۵۶ و اصل (۱۵۷) قانون اساسی، رئیس قوه قضائیه مسئولیت وظایف مقرر برای قوه قضائیه از جمله «رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبه که قانون معین می‌کند» را دارد، لیکن اولاً امور مرتبط با شورای عالی ثبت، در قانون اساسی به صراحت و به طور مشخص به رئیس قوه قضائیه واگذار نشده است؛ ثانیاً به طور کلی تشکیل شعب عالی ثبت، ماهیتی اداری داشته و طبیعت آن قضایی نیست؛ ثالثاً پیشنهاد تشکیل شعب توسط رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور از جهت ارتباط موضوعی با وظایف رئیس سازمان ثبت، امری منطقی بوده و ماهیتی اداری و شکلی دارد و همچنان مسئولیت ماهیتی و تصمیم‌گیری در این زمینه بر عهده رئیس قوه قضائیه خواهد بود. بنابراین، پیش‌بینی پیشنهاد تشکیل شعب شورای عالی ثبت از سوی رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک در این مصوبه، مغایرتی با اصول (۱۵۶) و (۱۵۷) قانون اساسی ندارد و منافی اختیارات رئیس قوه قضائیه نیست.

نظر شورای نگهبان

ماده (۱۳)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۱۴- هرگاه بین مالکان مجاور در مورد مساحت، حدود و حقوق املاک مندرج در سند اختلاف باشد، در صورتی که با یکدیگر به صورت رسمی مصالحه کنند، می‌توانند درخواست خود را به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم نمایند. اداره مذکور پس از تنظیم صورت‌مجلس اصلاحی مکلف به ثبت اصلاحات در نظام جامع و صدور اسناد جدید است.

تبصره ۱- در مواردی که بین مالکان، مجبور یا ورشکسته‌ای باشد تنظیم صورت‌مجلس اصلاحی، ثبت در نظام جامع و صدور سند جدید منوط به صدور حکم قطعی از دادگاه است.

تبصره ۲- در صورتی که ملک ثبت‌شده در بازداشت یا رهن بوده یا ممنوع‌المعامله باشد، اجرای حکم این ماده منوط به موافقت رسمی ذی‌نفع است.

تبصره ۳- در مواردی که برای ملک، معارضی وجود داشته یا بین مالکان مجاور در مورد مساحت، حدود و حقوق املاک اختلاف باشد و با یکدیگر به توافق نرسند، صدور سند مالکیت حدنگار تا وصول حکم قطعی مرجع صالح، متوقف می‌شود.

دیدگاه مغایرت

ماده (۱۴) مقرر می‌دارد «هرگاه بین مالکان مجاور ... اختلاف باشد، در صورتی که با یکدیگر به صورت رسمی مصالحه کنند، می‌توانند درخواست خود را به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم نمایند». در این ماده، اطلاق واژه‌ی «مالکان» شامل مواردی که مالک، دولتی است نیز می‌شود. بدین لحاظ، در فرضی که طرف مصالح یا متصالح، دستگاه دولتی است، باید شرط موافقت و تصویب هیئت وزیران نسبت به این مصالحه مطابق با صدر اصل (۱۳۹) قانون اساسی رعایت شود. بر این اساس، عدم ذکر شرط مذکور در ماده (۱۴)، مغایر با اصل (۱۳۹) قانون اساسی است که مقرر می‌دارد: «صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی... در هر مورد موکول به تصویب هیئت وزیران است».

دیدگاه عدم مغایرت

قید «رسمی» در عبارت «در صورتی که با یکدیگر به صورت رسمی مصالحه کنند»، به طور ضمنی تأمین‌کننده‌ی شرط تصویب هیئت وزیران - مفاد اصل (۱۳۹) قانون اساسی - در موارد صلح اموال عمومی و دولتی است؛ زیرا سند در صورتی رسمی محسوب می‌شود که نزد مرجع قانونی و مطابق با قانون تنظیم شده باشد. بنابراین مصالحه‌ی رسمی منوط به ثبت در دفاتر اسناد رسمی است و این دفاتر نیز در خصوص اموال عمومی و دولتی، باید بر اساس مصوبه‌ی قانونی هیئت وزیران به ثبت مصالحه مبادرت کنند و در صورت فقدان این مصوبه از سوی هیئت وزیران، اقدام به ثبت رسمی اسناد دولتی نخواهند کرد؛ چه آنکه در غیر این صورت، از آنجا که ثبت آنها مطابق قانون نبوده است، سند رسمی تلقی نخواهد شد. در نتیجه عبارت «به صورت رسمی» در این ماده، ناظر بر رعایت شرایط قانونی از جمله شرط مندرج در اصل (۱۳۹) قانون اساسی است و از این جهت، ماده‌ی مزبور مغایرتی با اصل مذکور ندارد.

نظر شورای نگهبان

ماده (۱۴) مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۱۵- سازمان مکلف است در صورت تقاضا، نقشه‌های حدنگار را در قبال وصول هزینه به مالک یا قائم‌مقام وی یا دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط ارائه کند.

دیدگاه مغایرت

در ماده (۱۵)، میزان، شرایط و ضوابط دریافت هزینه از مالکان املاک متقاضی نقشه‌های حدنگار

مشخص نشده و صرفاً به اخذ هزینه در قبال ارائه‌ی نقشه‌های حدنگار اشاره شده است؛ حال آنکه موضوع وصول هزینه در این ماده، مستلزم تعیین میزان هزینه بر اساس ضوابط مشخص است. تعیین ضوابط دریافت این هزینه‌ها و نیز تعیین مرجع برای تنظیم آیین‌نامه‌ی اجرایی بر طبق این ضوابط مقرر، موضوعی تقنینی و از مصادیق قانون‌گذاری است که طبق اصل (۸۵) قانون اساسی در اختیار مجلس شورای اسلامی و غیر قابل واگذاری به غیر است. بنابراین عدم تعیین ضابطه و همچنین عدم تعیین مرجع صالح وضع آیین‌نامه برای وصول هزینه‌ها در این مصوبه، مغایر با مفاد اصل (۸۵) قانون اساسی است که مجلس را قانون‌گذار و مرجع تعیین ضابطه معرفی می‌کند.

نظر شورای نگهبان

در ماده (۱۵)، از آنجا که ضابطه تعیین هزینه یا مقدار آن معین نشده است، مغایر اصل (۸۵) قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۱۶- سازمان مکلف است در راستای اجرای وظایف محوله در این قانون، اقدام به اصلاح ساختار و جذب نیروی انسانی مورد نیاز در چهارچوب قوانین نماید و کلیه ادارات ثبت را به فناوری نظام جامع مجهز کند.

دیدگاه مغایرت

اصلاح ساختار، جذب نیروی انسانی و تجهیز ادارات ثبت به فناوری نظام جامع، نیازمند صرف هزینه‌های مالی و تدارک امکانات لازم برای سازمان ثبت اسناد و املاک است که این امر به معنای افزایش هزینه‌های عمومی برای دولت می‌باشد. بر این اساس، با توجه به مفاد اصل (۷۵) قانون اساسی، چون این مصوبه به صورت طرح قانونی از سوی نمایندگان به مجلس ارائه شده، لازم بود که نمایندگان مجلس، طریق تأمین بار مالی و هزینه‌های اجرایی این مصوبه را مشخص می‌کردند؛ حال آنکه در این مصوبه، چنین امری پیش‌بینی نشده است. از این رو، ماده (۱۶) مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

در ماده (۱۶)، مقرر شده است که اصلاح ساختار سازمان ثبت اسناد و املاک، جذب نیروی انسانی و تجهیز ادارات این سازمان به فناوری نظام جامع، «در چهارچوب قوانین» انجام می‌شود. بر این اساس، به تبع، تأمین هزینه‌ها و امکانات مورد نیاز برای این امور نیز در چهارچوب قوانین تأمین خواهد شد. بنابراین، این ماده مغایرتی با اصل (۷۵) قانون اساسی ندارد.

نظر شورای نگهبان

نظر به اینکه مواد (۳)، (۵)، (۶)، ماده (۷) و تبصره یک آن، مواد (۱۰)، (۱۱) و (۱۶) موجب افزایش هزینه عمومی می‌گردند و طریق پیش‌بینی شده در ماده (۱۷) علاوه بر اینکه جبران هزینه‌های مذکور را نمی‌نماید، خود دارای بار مالی است، فلذا مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی می‌باشند.

ماده ۱۷- به منظور اجرای تکالیف مقرر در این قانون، شامل ایجاد واحدهای ثبتی و تجهیز آنها به فناوری نظام جامع، ایجاد زیرساخت‌های لازم، صدور اسناد مالکیت حدنگار، ماشین‌کردن (مکانیزاسیون) خدمات ثبتی، توسعه نظام جامع، داده‌آمایی و بایگانی (آرشیو) الکترونیک سوابق ثبتی و تکمیل بانک اطلاعاتی مرتبط، تکمیل مرکز ملی داده‌های ثبتی، پاسخ‌آنی و الکترونیک به استعلامات ثبتی و ثبت‌آنی معاملات و ساخت، توسعه، تجهیز و تعمیر واحدهای اداری و آموزش، تأمین و ترغیب نیروی انسانی مورد نیاز، کلیه درآمدهای خدمات ثبتی سازمان به حساب خزانه‌داری کل کشور واریز و همه‌ساله پنجاه درصد (۵۰٪) آن ذیل ردیف مستقل در بودجه سنواتی کشور پیش‌بینی می‌شود و به سازمان تخصیص می‌یابد.

دیدگاه مغایرت

الف) مطابق با اصل (۷۵) قانون اساسی، طرح‌های نمایندگان که منجر به افزایش هزینه‌های عمومی دولت می‌شود در صورتی قابل طرح در مجلس است که طریق تأمین هزینه‌های جدید مشخص و معلوم باشد. ماده‌ی مزبور از دو جهت مغایر اصل مذکور است: اول اینکه تکالیف مقرر در این ماده، در خصوص اجرای نظام جامع حدنگاری و وظایف مرتبط با آن، مستلزم هزینه‌های جدید برای دولت است و از آن جهت که محل و منبع تأمین این هزینه‌ها در این طرح مصوب، تعیین و مشخص نشده است، مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است؛ دوم اینکه محل تعیین‌شده برای تأمین هزینه‌های اجرای این قانون، یعنی پنجاه درصد (۵۰٪) درآمد ناشی از ارائه‌ی خدمات ثبتی، از آن جهت که مطابق با ماده (۵۱) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰^(۱) به حساب

۱. ماده (۵۱) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰: «ماده ۵۱- بندهای زیر به عنوان بندهای (ص)، (ق)، (ر)، (ش) و (ت) به ماده (۱) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳/۱۲/۲۸ الحاق می‌شوند:

ص- تعرفه ثبت اسناد رسمی قطعی از قبیل اسناد بیع، صلح، هبه و وکالت برای فروش به استثنای معاملات با حق

خزانه‌داری کل کشور واریز می‌شود و هر سال به موجب قانون بودجه، محل مصرف آن مشخص شده است، نمی‌تواند به عنوان طریق جدید و مکفی برای تأمین واقعی هزینه‌های جدید سازمان محسوب شود. لذا از این جهت که در ماده‌ی مزبور، محل واقعی برای تأمین هزینه‌های جدید مشخص و معین نشده است، این مصوبه مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است.

ب) آن قسمت از ماده (۱۷) که اشعار می‌دارد: «همه ساله پنجاه درصد (۵۰٪) از درآمدهای ناشی از خدمات ثبتی، ذیل ردیف مستقل در بودجه سنواتی کشور پیش‌بینی ... و به سازمان تخصیص می‌یابد»، مغایر اصل (۵۲) قانون اساسی است؛ زیرا مطابق این اصل، تهیه و تنظیم



استرداد انواع خودروهای سبک و سنگین اعم از سواری و غیر سواری و ماشین‌آلات راهسازی و کشاورزی و موتورسیکلت ساخت و مونتاژ داخل و ساخت خارج از نصاب‌های مذکور در بند (الف) ماده (۱) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳/۱۲/۲۸ به مآخذ ده در هزار برای خودروها و موتورسیکلت‌های ساخت داخل و مونتاژ داخل و بیست در هزار برای خودروها و موتورسیکلت‌های ساخت خارج بر اساس جداول تعیین‌شده وزارت امور اقتصادی و دارایی که هرساله به تجویز تبصره‌های (۱) و (۲) ماده (۹) قانون اجازه وصول مالیات غیرمستقیم از برخی کالاها و خدمات مصوب ۱۳۷۴/۷/۱۶، ملاک وصول مالیات نقل و انتقال خودروها و موتورسیکلت‌های مذکور قرار می‌گیرد، تغییر می‌یابد. در صورتی که به هر علت بهای فروش یا ارزش سیف (C.I.F) ماشین‌آلات مذکور در جداول فوق‌الذکر قید نشده باشد، تعیین بهای آن برای وصول حق‌الثبت با وزارت امور اقتصادی و دارایی است.

ق- به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اجازه داده می‌شود بهای اوراق و دفاتر مصرفی سازمان مذکور را به میزان قیمت تمام‌شده آنها وصول و به خزانه‌داری کل واریز نماید. همچنین بهای اوراق مصرفی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور که چاپ آنها بر عهده وزارت امور اقتصادی و دارایی است بر اساس قیمت‌های تمام‌شده آنها توسط هیئت متشکل از وزیر امور اقتصادی و دارایی و رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور یا نمایندگان آنها تعیین و پس از وصول به خزانه‌داری کل واریز می‌گردد.

ر- سازمان ثبت اسناد و املاک کشور موظف است جریمه نقدی مقرر در بند (۲) ماده (۳۸) قانون دفاتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۵۴/۴/۲۵ در خصوص سردفتران و دفتریاران دفاتر اسناد رسمی و همچنین جریمه نقدی مربوط به تخلفات سردفتران ازدواج و طلاق را بر اساس تعرفه‌ای که به تصویب هیئت وزیران می‌رسد وصول و به حساب درآمد عمومی واریز نماید.

ش- سازمان ثبت اسناد و املاک کشور موظف است درآمد حاصل از فروش اطلاعات نقشه‌برداری ثبتی (کاداستر) را بر اساس تعرفه‌ای که به تصویب هیئت وزیران می‌رسد وصول و به حساب درآمد عمومی واریز نماید. اعتبار مورد نیاز جهت تدارک و تجهیز و توسعه طرح نقشه‌برداری ثبتی (کاداستر)، در لوایح بودجه کل کشور پیش‌بینی و بر اساس آیین‌نامه اجرایی که توسط سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد، قابل هزینه خواهد بود.

ت- سازمان ثبت اسناد و املاک کشور موظف است تقاضای اشتغال به شغل مشاورین املاک و خودرو را بررسی و نسبت به تطبیق وضع آنها که تا تاریخ تصویب این قانون به شغل مذکور اشتغال دارند، طبق مقررات اقدام و در قبال صدور یا تمدید پروانه اشتغال، بر اساس تعرفه‌ای که به تصویب هیئت وزیران می‌رسد مبالغی وصول و به حساب درآمد عمومی (نزد خزانه‌داری کل) واریز نماید.»

بودجه‌ی سالانه‌ی کشور در صلاحیت دولت است که برای رسیدگی و تصویب به مجلس تسلیم می‌شود؛ در حالی که مجلس در این ماده، دولت را موظف کرده است که سالانه معادل پنجاه درصد (۵۰٪) درآمد ناشی از خدمات ثبتی را به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اختصاص دهد. این حکم مجلس، علاوه بر اینکه ماهیت بودجه‌ریزی داشته و جزء اختیارات دولت است، ابتکار عمل در نحوه‌ی ارائه‌ی لایحه بودجه را که وفق قانون اساسی در اختیار دولت است، از دولت سلب می‌کند یا حداقل آن را تضییق می‌کند. از این جهت، این ماده مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است.

نظر شورای نگهبان

نظر به اینکه مواد (۳)، (۵)، (۶)، ماده (۷) و تبصره یک آن، مواد (۱۰)، (۱۱) و (۱۶) موجب افزایش هزینه عمومی می‌گردند و طریق پیش‌بینی شده در ماده (۱۷) علاوه بر اینکه جبران هزینه‌های مذکور را نمی‌نماید، خود دارای بار مالی است، فلذا مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی می‌باشند.

ماده ۱۸- سازمان موظف است سالانه گزارش عملکرد خود را در اجرای این قانون به مجلس شورای اسلامی ارائه کند.

دیدگاه مغایرت

بر اساس اصل (۵۷) قانون اساسی، قوای سه‌گانه جمهوری اسلامی ایران مستقل از یکدیگر صلاحیت خویش را اعمال می‌کنند. با توجه به اینکه سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، زیرمجموعه‌ی قوه‌ی قضائیه است، تکلیف مقرر در این ماده برای این سازمان مبنی بر ارائه‌ی گزارش سالانه‌ی عملکرد خود در راستای اجرای این مصوبه به مجلس شورای اسلامی، بدون تقیید این تکلیف به اجازه‌ی رئیس قوه قضائیه، مغایر اصل استقلال قوا به نحو مقرر در اصل (۵۷) قانون اساسی است. به علاوه، اگرچه سازمان ثبت اسناد و املاک کشور بر اساس قانون عادی - و نه قانون اساسی - زیرمجموعه‌ی قوه‌ی قضائیه قرار داده شده است و علی‌الاصول می‌توان با توسل به قانون عادی، وظایفی را برای این سازمان در رابطه با سایر قوا تعیین کرد، لیکن قانون عادی نیز باید این وظایف را با رعایت اصول قانون اساسی از جمله در خصوص رعایت اصل استقلال قوا در دستگاه‌های زیرمجموعه‌ی قوا تعیین کند. بنابراین قانون عادی نمی‌تواند حقوق، تکالیف و یا ایجاد یک صلاحیت اضافی برای دستگاه‌های زیرمجموعه‌ی یک قوه را قطع نظر از اصل استقلال قوا و سایر اصول قانون اساسی مقرر کند. بر این اساس، تکلیف سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

به ارائه‌ی گزارش به مجلس شورای اسلامی در این ماده، مغایر اصل (۵۷) قانون اساسی است. در این خصوص، رویه‌ی شورای نگهبان نیز مؤید این استدلال است؛ مثلاً شورا در یکی از نظرات خود الزام ارائه‌ی گزارش از سوی سازمان بازرسی کل کشور به مجلس را مغایر اصل (۵۷) قانون اساسی تشخیص داد.^(۱)

دیدگاه عدم مغایرت

الف) کارکرد سازمان ثبت اسناد و املاک کشور قضایی نیست، بلکه اداری و اجرایی است؛ لذا این سازمان هر چند هم‌اینک طبق قانون عادی، به قوه‌ی قضائیه وابسته است اما به صورت ذاتی، جزء قوه‌ی قضائیه تلقی نمی‌شود و از نظر اداری مستقل از قوه‌ی قضائیه عمل می‌کند. این استقلال اداری سازمان، مفید این معناست که مشمول احکام و وضعیت مرتبط با استقلال قوا به نحو مقرر در قانون اساسی نباشد. بنابراین، الزام این سازمان به ارائه‌ی گزارش سالانه‌ی عملکرد خویش به مجلس، نیازی به کسب اجازه از رئیس قوه‌ی قضائیه ندارد و اخلالی به استقلال قوه‌ی قضائیه وارد نمی‌آورد.

ب) قانون اساسی، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور را زیرمجموعه‌ی قوه‌ی قضائیه قلمداد نکرده است، بلکه این سازمان بر اساس قانون عادی زیرمجموعه‌ی قوه‌ی قضائیه قرار گرفته است. بدین لحاظ با توسل به همین قانون عادی نیز می‌توان وظایفی را برای این سازمان در رابطه با سایر قوا تعیین نمود. بنابراین، تکلیف سازمان ثبت اسناد و املاک کشور به ارائه‌ی گزارش عملکرد خود به مجلس شورای اسلامی به موجب قانون عادی، مغایر با اصل استقلال قوا موضوع اصل (۵۷) قانون اساسی نیست. همچنین قیاس سازمان بازرسی کل کشور و تسری ایراد شورای نگهبان در ارتباط با مغایرت ارائه‌ی گزارش این سازمان به مجلس با اصل (۵۷) قانون اساسی، به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور قابل پذیرش نیست؛ زیرا این دو سازمان از این جهت که سازمان بازرسی کل کشور به موجب اصل (۱۷۴) قانون اساسی و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور به موجب قانون عادی، زیر نظر قوه‌ی قضائیه هستند، احکام متفاوتی دارند. بدین جهت ارائه‌ی گزارش از سوی سازمان بازرسی کل کشور به مجلس شورای اسلامی، از آنجا که این سازمان به صراحت قانون اساسی زیر نظر قوه‌ی قضائیه است، مغایر استقلال قوه‌ی قضائیه نسبت به قوه‌ی مقننه است و حال آنکه این حکم نسبت به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، به جهت عدم چنین تصریحی در قانون اساسی فاقد اشکال است.

۱. بند (۳) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۸۴۸ مورخ ۱۳۹۳/۳/۵ شورای نگهبان در خصوص طرح اصلاح موادی از قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۹۳/۲/۳۱.

نظر شورای نگهبان

ماده (۱۸)، مغایر قانون اساسی و موازین شرع شناخته نشد.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۳/۶/۵ (مرحله دوم)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۶/۱۹

ماده ۴- سازمان مکلف است ظرف مدت مذکور در ماده (۳)، نظام جامع را به نحوی ایجاد کند و مورد بهره‌برداری قرار دهد که علاوه بر اطلاعات نقشه‌ها و اسناد مالکیت حدنگار، در برگیرنده اطلاعات مربوط به پلاک و بخش ثبتی ملک، آدرس دقیق پستی آن، کد انحصاری ملک، مشخصات کامل مالک یا مالکان و شناسه (کد) ملی یا شناسه ملی و آدرس دقیق پستی اقامتگاه و یا محل سکونت آنها و مشخصات فردی انتقال‌دهندگان و انتقال‌گیرندگان ملک و محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های آن باشد.

دیدگاه عدم مغایرت

مجلس شورای اسلامی در این ماده‌ی اصلاحی، کلمه «شناسه» را جایگزین واژه‌ی غیر فارسی «کد» کرده است. بدین ترتیب، ایراد سابق شورای نگهبان، مبنی بر مغایرت ماده (۴) با اصل (۱۵) قانون اساسی از جهت استعمال واژه‌ی غیر فارسی در متون و اسناد رسمی، برطرف شده است.

نظر شورای نگهبان

ماده (۴)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۵- سازمان مکلف است کلیه اقدامات حقوقی و ثبتی انجام شده بر املاک موضوع این قانون اعم از تغییرات، انتقالات، تعهدات، معاملات، اعم از قطعی، شرطی و معاملات دیگر، تجمیع، افراز، تفکیک، اصلاحات و غیره را که به صورت رسمی انجام می‌شوند در نظام جامع به طور آنی ثبت کند و پس از تکمیل بهره‌برداری از نظام جامع، کلیه استعلامات ثبتی را به صورت آنی و الکترونیک پاسخ دهد.

دیدگاه مغایرت

ایراد سابق شورای نگهبان نسبت به ماده (۵) این بود که تکلیف سازمان ثبت اسناد و املاک کشور به انجام اقدامات مقرر در این ماده، متضمن هزینه و بار مالی برای این سازمان است که

محل و منبعی برای تأمین این هزینه‌ها مشخص نشده است. در این مصوبه‌ی اصلاحی، مجلس شورای اسلامی بدون اینکه این ایراد را نسبت به این ماده برطرف کند، محل تأمین این هزینه‌ها را همچنان به موجب ماده (۱۷) اصلاحی تعیین کرده است که محل مزبور نیز به دلایل پیش گفته در ماده (۱۷)، نمی‌تواند طریق تأمین هزینه‌های اجرایی این قانون محسوب شود. لذا این ماده همچنان با اصل (۷۵) قانون اساسی مغایر است.

نظر شورای نگهبان

اشکال بند (۵) این شورا^(۱) در خصوص پنجاه درصد (۵۰٪) مذکور در ماده (۱۷) کماکان به قوت خود باقی است. علاوه بر این در ماده (۵)، درآمدی پیش‌بینی نشده است تا بار مالی مربوط را تأمین کند. بنابراین اشکال سابق این شورا به طور کامل رفع نشده است.

ماده ۹- کلیه دستگاه‌ها مکلفند تمام مستندات و اطلاعات توصیفی املاک متعلق به خود یا تحت اداره خود از جمله مشخصات ثبتی، کاربری، نام بهره‌بردار و نقشه‌های مختصات جغرافیایی املاک مذکور را با رعایت جنبه‌های امنیتی، حداکثر ظرف مدت دو سال از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون تهیه نموده و جهت صدور سند مالکیت حدنگار در اختیار سازمان قرار دهند.

تبصره- آیین‌نامه اجرایی مربوط به مصادیق جنبه‌های امنیتی ظرف مدت شش ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط وزارتخانه‌های اطلاعات، کشور، دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، دادگستری و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تهیه می‌شود و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

دیدگاه مغایرت

اطلاق موضوع ماده‌ی مزبور مبنی بر تکلیف دستگاه‌ها به ارائه‌ی تمامی مستندات و اطلاعات توصیفی املاک متعلق به خود، شامل املاک نهادهایی که زیر نظر مقام معظم رهبری اداره می‌شوند نیز می‌شود. از این جهت، تکلیف این نهادها به ارائه‌ی اطلاعات املاک خود، مغایر با موازین شرع است. ضمن اینکه در تهیه‌ی آیین‌نامه اجرایی این ماده، نامی از نماینده رهبری به عنوان یکی از اعضای

۱. بند (۵) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۴۶۱ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸ شورای نگهبان در خصوص طرح جامع حدنگار (کاداستر) کشور مصوب ۱۳۹۳/۴/۳: «۵- نظر به اینکه مواد (۳)، (۵)، (۶)، ماده (۷) و تبصره یک آن، مواد (۱۰)، (۱۱) و (۱۶) موجب افزایش هزینه عمومی می‌گردند و طریق پیش‌بینی شده در ماده (۱۷) علاوه بر اینکه جبران هزینه‌های مذکور را نمی‌نماید، خود دارای بار مالی است، فلذا مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی می‌باشند.»

تهیه‌کننده‌ی آیین‌نامه نیامده است. بنابراین، املاک نهادهایی که زیر نظر مقام معظم رهبری اداره می‌شوند، از جهت رعایت امور امنیتی باید از شمول این ماده مستثنی شوند.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) منظور از اماکن و املاک امنیتی، مواردی است که مخفی بوده و افشای مشخصات جغرافیایی آنها محل امنیت نظام جمهوری اسلامی ایران است. این در حالی است که دفتر مقام معظم رهبری و همچنین نهادهای تحت امر ایشان مخفی نبوده و محل آنها نیز مشخص و معلوم است. بدین جهت این موارد از شمول مصادیق اماکن و املاک امنیتی خارج خواهند شد. همچنین مطابق با تبصره‌ی این ماده، آیین‌نامه‌ی مربوط به مصادیق جنبه‌های امنیتی توسط وزارتخانه‌های اطلاعات، کشور، دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، دادگستری و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تهیه می‌شود. بدین ترتیب، آن دسته از املاک نهادهایی که تحت نظارت مقام معظم رهبری اداره می‌شوند در صورتی که جزء مصادیق امنیتی باشند، توسط نهادهای مزبور در آیین‌نامه اجرایی لحاظ خواهند شد؛ ضمن اینکه بسیاری از این املاک توسط نیروهای مسلح و به ویژه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی حفاظت می‌شوند. بنابراین، این ماده ناظر به رعایت مسائل امنیتی در خصوص املاک و ساختمان‌های تحت اداره مقام معظم رهبری و حتی املاک سایر نهادها و سازمان‌ها نیز خواهد بود و از این جهت مغایرتی با موازین شرع ندارد.

ب) مجلس در مصوبه‌ی اصلاحی خود، عبارت «با رعایت جنبه‌های امنیتی» را به ماده (۹) اضافه کرده است. همچنین به موجب تبصره‌ی الحاقی به این ماده، تهیه‌ی آیین‌نامه اجرایی در خصوص مصادیق جنبه‌های امنیتی را تصریح کرده است. بدین ترتیب، ایراد پیشین شورای نگهبان، مبنی بر مغایر شرع بودن عموم ماده (۹) سابق، در خصوص تکلیف کلیه‌ی دستگاه‌ها به ارائه‌ی مستندات و اطلاعات توصیفی املاک خود در مواردی که ارائه‌ی این مستندات و اطلاعات دارای جنبه امنیتی بوده و موجب تضعیف نظام جمهوری اسلامی ایران در مقابل دشمنان می‌شود، برطرف شده است.

نظر شورای نگهبان

ماده (۹)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۱۰- سازمان نقشه‌برداری کشور و سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح مکلفند حسب مورد با رعایت مصالح امنیتی و نظامی در حدی که به آمادگی رزمی نیروهای مسلح آسیب وارد نکند به درخواست سازمان، نقشه‌های مورد نیاز را تهیه و تحویل نمایند.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) مجلس شورای اسلامی در اصلاح این ماده، عبارت «در حدی که به آمادگی رزمی نیروهای مسلح آسیب وارد نکند» را به ماده‌ی مزبور اضافه کرده است و بدین ترتیب ایراد پیشین شورای نگهبان در خصوص مغایرت اطلاق ماده‌ی سابق با اصل (۱۴۷) قانون اساسی را برطرف کرده است. بنابراین، با تقیید این ماده به شرط مندرج در اصل (۱۴۷) قانون اساسی، ماده‌ی مزبور مغایرتی با اصل مذکور ندارد.

ب) مجلس شورای اسلامی در این ماده‌ی اصلاحی، با اضافه کردن عبارت «با رعایت مصالح امنیتی و نظامی»، سازمان نقشه‌برداری کشور و سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح را مکلف به ارائه‌ی نقشه‌های مورد نیاز سازمان ثبت اسناد و املاک کشور کرده است. لذا با تقیید این ماده به «رعایت مصالح امنیتی و نظامی»، ایراد سابق شورای نگهبان مبنی بر مغایرت اطلاق ماده‌ی سابق با شرع از جهت شمول آن بر اماکن امنیتی و نظامی که افشای اطلاعات آنها موجب تضعیف نظام جمهوری اسلامی می‌شود، برطرف شده است.

نظر شورای نگهبان

ماده (۱۰)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۱۱- سازمان مکلف است ظرف مهلت پنج سال پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون، کلیه اسناد مالکیت دفترچه‌ای را به اسناد مالکیت حدنگار تبدیل کند. برای این منظور کلیه دارندگان اسناد مالکیت دفترچه‌ای اعم از دستگاه‌ها و اشخاص خصوصی مکلفند در زمان‌بندی مشخصی که در هر منطقه به وسیله سازمان اعلام می‌شود، سند خود را به سازمان ارائه کنند.

تبصره- پس از اتمام مهلت پنج‌ساله مذکور، ارائه هرگونه خدمات ثبتی به اشخاص منوط به تعویض اسناد مالکیت دفترچه‌ای می‌باشد.

دیدگاه عدم مغایرت

ایراد و ابهام پیشین شورای نگهبان نسبت به این ماده، از آن جهت بود که مشخص نبود در صورت عدم مراجعه‌ی دارندگان اسناد مالکیت دفترچه‌ای پس از گذشت مهلت پنج‌سال، حقوق مالکانه‌ی این افراد چه می‌شود؟ مجلس برای برطرف کردن این ابهام، با اصلاح تبصره‌ی ماده (۱۱)، بیان کرده که ارائه‌ی هرگونه خدمات ثبتی به اشخاص پس از این مهلت پنج‌ساله، منوط به

تعویض اسناد مالکیت دفترچه‌ای است. از این رو، ابهام مستفاد از ماده‌ی سابق که می‌توانست مَفْهِم الغای کامل حقوق مالکانه افراد و در نتیجه مغایرت آن با موازین شرع باشد، برطرف شده است.

نظر شورای نگهبان

ماده (۱۱)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۱۵- سازمان مکلف است در صورت تقاضا، نقشه‌های حدنگار را در قبال وصول هزینه مطابق تعرفه قانونی به مالک یا قائم مقام وی یا دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط ارائه کند.

دیدگاه عدم مغایرت

شورای نگهبان در ایراد سابق خود، از آن جهت که تعیین ضوابط و میزان هزینه‌های دریافتی از متقاضیان نقشه‌های حدنگار را مشخص نکرده بود، ماده (۱۵) را مغایر با اصل (۸۵) قانون اساسی تشخیص داد. مجلس در راستای رفع این مغایرت، در ماده (۱۵) اصلاحی، عبارت «مطابق تعرفه قانونی» را به این ماده اضافه کرده است و به این طریق با قید «قانونی بودن» بر لزوم تعیین این تعرفه‌ها توسط مقامات صلاحیتدار قانونی تأکید کرده است. بنابراین، این ماده‌ی اصلاحی، از این جهت مغایرتی با اصل (۸۵) قانون اساسی ندارد.

نظر شورای نگهبان

ماده (۱۵)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۱۷- به منظور اجرای تکالیف مقرر در این قانون، شامل ایجاد واحدهای ثبتی و تجهیز آنها به فناوری نظام جامع، ایجاد زیرساخت‌های لازم، صدور اسناد مالکیت حدنگار، ماشینی کردن (مکانیزاسیون) خدمات ثبتی، توسعه نظام جامع، داده‌آمایی و بایگانی (آرشیو) الکترونیک سوابق ثبتی و تکمیل بانک اطلاعاتی مرتبط، تکمیل مرکز ملی داده‌های ثبتی، پاسخ‌آنی و الکترونیک به استعلامات ثبتی و ثبت‌آنی معاملات و ساخت، توسعه، تجهیز و تعمیر واحدهای اداری و آموزش، تأمین و ترغیب نیروی انسانی مورد نیاز، کلیه درآمدهای خدمات ثبتی سازمان به حساب خزانه‌داری کل کشور واریز و همه‌ساله پنجاه درصد (۵۰٪) آن ذیل ردیف مستقل در بودجه ستوانی کشور پیش‌بینی می‌شود و به سازمان تخصیص می‌یابد.

به علاوه دولت مکلف است نسبت به اجرای تکالیف مقرر در مواد (۳)، (۵)، (۶)، (۷)، (۱۰)، (۱۱) و (۱۶) این قانون با توجه به بند (و) ماده (۴۶) قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه^(۱) اقدام نماید. بار مالی اضافه اجرای این قانون از محل درآمدهای مواد (۵) و (۱۵) این قانون تأمین می‌شود.

دیدگاه مغایرت

در ماده (۱۷) اصلاحی، مجلس شورای اسلامی برای برطرف کردن ایراد مغایرت این مصوبه با اصل (۷۵) قانون اساسی و تأمین هزینه‌های اجرایی تکالیف مندرج در مواد (۳)، (۵)، (۶)، (۷)، (۱۰)، (۱۱) و (۱۶) این طرح، با اضافه کردن پاراگرافی به ذیل این ماده، محل تأمین این هزینه‌ها را مواد (۵) و (۱۵) این قانون ذکر کرده است. این در حالی است که ماده (۵) خود ماده‌ای هزینه‌ای و متضمن بار مالی برای دولت است و لذا درآمدی از آن حاصل نمی‌شود که به عنوان محل تأمین هزینه‌های جدید اجرای این قانون تلقی شود. از سوی دیگر، ایراد پیشین شورای نگهبان نسبت به خود ماده (۱۷) نیز کماکان به قوت خود باقی است؛ زیرا متن ماده (۱۷) در خصوص اختصاص پنجاه درصد از درآمدهای ناشی از خدمات ثبتی برای اجرای این طرح، در این ماده‌ی اصلاحی نیز همچنان بدون تغییر تکرار شده است. توضیح اینکه ایراد پیشین شورا در این خصوص، از آن جهت بود که درآمدهای ناشی از خدمات ثبتی، بر اساس ماده (۵۱) قانون تنظیم مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰، کلاً به خزانه‌داری کل واریز می‌شود و هر ساله و به موجب قانون بودجه، محل مصرف آن مشخص و معین می‌شود. از این جهت، پیش‌بینی این منبع درآمدی، نمی‌تواند محل واقعی و مکفی برای تأمین هزینه‌های جدید باشد. بنابراین، با توجه به اینکه از این جهت

۱. بند (و) ماده (۴۶) قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰) مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۲۵: «ماده ۴۶- به منظور بسط خدمات دولت الکترونیک، صنعت فناوری اطلاعات، سواد اطلاعاتی و افزایش بهره‌وری در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اقدامات زیر انجام می‌شود:
الف- ...

و- سازمان ثبت اسناد و املاک کشور مکلف است:

۱- با همکاری و هماهنگی سازمان نقشه‌برداری کشور و همکاری سایر دستگاه‌های ذی‌ربط تا پایان برنامه نسبت به ایجاد پایگاه اطلاعات حقوقی املاک و تکمیل طرح حدنگاری (کاداستر) اقدام نماید.
۲- در راستای توسعه سامانه یکپارچه ثبت اسناد رسمی و املاک، نسبت به الکترونیکی نمودن کلیه مراحل نقل و انتقالات، ثبت اسناد رسمی و املاک تا پایان سال دوم برنامه اقدام نماید.
۳- نسبت به تکمیل پایگاه داده اطلاعات شرکت‌ها و مؤسسات ثبت‌شده و بر اساس الگو و استانداردهای اعلام‌شده توسط معاونت با ذکر مشخصات سهامداران، اعضای هیئت مدیره و شماره کد ملی آنها و نیز شناسه یکتا و با قابلیت جست‌وجو و دسترسی همگانی تا پایان سال اول برنامه اقدام نماید.»

اصلاحی در ماده (۱۷) انجام نشده است، همچنان این ماده به دلیل عدم تأمین هزینه‌های اجرای این قانون به طور واقعی، با اصل (۷۵) قانون اساسی مغایرت دارد و اضافه شدن پاراگراف انتهایی به این ماده نیز، به دلیل پیش گفته، رافع این ایراد نیست.

نظر شورای نگهبان

اشکال بند (۵) این شورا^(۱) در خصوص پنجاه درصد (۵۰٪) مذکور در ماده (۱۷) کماکان به قوت خود باقی است. علاوه بر این در ماده (۵)، درآمدی پیش‌بینی نشده است تا بار مالی مربوطه را تأمین کند. بنابراین اشکال سابق به طور کامل رفع نشده است.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۳/۹/۱۶ (مرحله سوم)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۹/۲۶

ماده ۱۷- در اجرای ماده (۱۲) قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب

۱۳۹۰/۸/۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام^(۲) از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون،

۱. بند (۵) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۴۶۱ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸ شورای نگهبان در خصوص طرح جامع حدنگار (کاداستر) کشور مصوب ۱۳۹۳/۴/۳: «۵- نظر به اینکه مواد (۳)، (۵)، (۶)، ماده (۷) و تبصره یک آن، مواد (۱۰)، (۱۱) و (۱۶) موجب افزایش هزینه عمومی می‌گردند و طریق پیش‌بینی شده در ماده (۱۷) علاوه بر اینکه جبران هزینه‌های مذکور را نمی‌نماید، خود دارای بار مالی است، فلذا مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی می‌باشند.»

۲. ماده (۱۲) قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۹۰/۸/۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام: «ماده ۱۲- سازمان ثبت اسناد و املاک کشور موظف است:

الف- ظرف دو سال نسبت به تکمیل و اجرای طرح حدنگاری (کاداستر) و سایر ترتیبات قانونی لازم اقدام و اطلاعات لازم را در پایگاه اطلاعاتی مربوط وارد نماید. حدود دسترسی اشخاص به این پایگاه را آیین‌نامه اجرایی مشخص می‌کند.

آیین‌نامه اجرایی توسط وزارت دادگستری و با همکاری سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و وزارتخانه‌های اطلاعات و دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

ب- ظرف یک سال پایگاه اطلاعات اشخاص حقوقی را ایجاد نماید.

تبصره ۱- ورود اطلاعات پایگاه اطلاعاتی مذکور در بند (ب) راجع به آن دسته از اشخاص حقوقی که در سایر مراجع به ثبت رسیده یا می‌رسند حسب مورد بر عهده دستگاه ثبت‌کننده است.

تبصره ۲- آیین‌نامه اجرایی بند (ب) و تبصره (۱) آن توسط وزارت دادگستری و با همکاری سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و وزارت کشور تهیه می‌شود و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

ج- ظرف یک سال شبکه و پایگاه اطلاعاتی مشترک بین دفاتر اسناد رسمی و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور را راه‌اندازی نماید، به نحوی که ثبت و تبادل کلیه وقایع دفاتر اسناد رسمی و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور از

همه‌ساله صد درصد درآمدهای مازاد بر درآمدهای وصولی سازمان در سال ۱۳۹۳ جهت تأمین هزینه‌های ناشی از اجرای تکالیف مقرر در این قانون با ایجاد ردیف اعتباری خاص به سازمان اختصاص می‌یابد.

دیدگاه مغایرت

الف) مجلس برای برطرف کردن ایراد پیشین شورای نگهبان مبنی بر مغایرت ماده (۱۷) با اصل (۷۵) قانون اساسی، در این مصوبه‌ی اصلاحی با استناد به ماده (۱۲) قانون ارتقاء سلامت نظام اداری، محل تأمین هزینه‌های اجرای این قانون را صد درصد درآمدهای مازاد بر درآمدهای وصولی سازمان ثبت در سال ۱۳۹۳ تعیین کرده است. با وجود این باید گفت که اولاً محل مذکور که درآمد سازمان ثبت اسناد و املاک کشور محسوب می‌شود، منبع درآمدی جدیدی برای این سازمان نیست؛ چه آنکه قبلاً محل مصرف این درآمدها یا حداقل بخشی از آنها به موجب قوانین، مشخص و معین شده است. مجلس باید برای تأمین هزینه‌های جدیدی که به واسطه‌ی اجرایی شدن طرح جامع حدنگار کشور برای سازمان ایجاد می‌شود، منبع جدیدی را که محل مصرفی برای آن پیش‌بینی نشده است، مشخص و معین کند که چنین نکرده است. ثانیاً ماده (۱۲) قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد، منبع درآمدی محسوب نمی‌شود تا بخواهیم آن را به عنوان منبع تأمین هزینه‌های جدید تعیین کنیم. ثالثاً تعیین درآمد مازاد بر درآمدهای وصولی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور به دلیل نوسانات احتمالی درآمدی، نمی‌تواند یک منبع مشخص، معلوم و مکفی برای تأمین هزینه‌های اجرای این قانون باشد. رابعاً در خصوص هزینه‌های سال جاری نیز منبع و محل تأمین مشخصی برای اجرای این طرح پیش‌بینی نشده است. بنابراین، ماده‌ی مزبور، از آن جهت که محل تأمین هزینه‌های جدید اجرای این قانون را مشخص و معین نکرده است، همچنان مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است.

ب) مطابق با اصل (۵۲) قانون اساسی، بودجه‌ی کل کشور به صورت سالانه توسط دولت تنظیم و تهیه می‌شود و برای تصویب به مجلس شورای اسلامی ارائه می‌شود. بر این اساس، مطابق این اصل از قانون اساسی، ابتکار تهیه و تنظیم بودجه بر عهده‌ی دولت است. با وجود این، ماده‌ی (۱۷) اصلاحی دولت را ملزم کرده است که هرساله ردیفی خاص را در بودجه به عنوان ردیف درآمدهای تأمین‌کننده موضوع هزینه‌های ناشی از اجرای این قانون تعیین کند و معادل صد درصد مازاد درآمد سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در سال ۱۳۹۳ را در آن پیش‌بینی کند. بر این اساس،



طریق نظام متمرکز مذکور تسهیل گردد.»

الزام مقرر در این ماده اصلاحی برای دولت به تعیین ردیفی خاص و دائمی در قانون بودجه‌ی کل کشور، از آن جهت که صلاحیت دولت را در تهیه و تنظیم بودجه‌ی سالانه کل کشور محدود می‌کند، مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

ماده (۱۷) اصلاحی، محل تأمین هزینه‌های اجرای این قانون را صد درصد درآمدهای مازاد بر درآمدهای وصولی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در سال ۱۳۹۳ تعیین کرده است که در ردیف جداگانه در بودجه سالانه کل کشور پیش‌بینی می‌شود. به عبارت دیگر، در این ماده مقرر شده که پس از اینکه هزینه‌ی محل‌های تعیین‌شده از درآمدهای وصولی سازمان ثبت بدانها تخصیص پیدا کرد، مازاد بر آن هزینه‌ها که هیچ‌گونه محل مصرفی ندارد، به عنوان منبع تأمین هزینه‌های اجرایی این قانون اختصاص یابد. از سوی دیگر، اختصاص بخشی از منابع موجود در بودجه‌ی سالانه به هزینه‌های جدید، ضرورتاً به معنای تقلیل درآمد بودجه در ردیف‌های از پیش مقرر شده نیست؛ زیرا ممکن است این درآمدها بیش از هزینه‌های از قبل مقرر شده باشد و لذا پیش‌بینی مازاد آن به عنوان درآمد جدید در راستای تأمین هزینه‌های جدید، می‌تواند طریق تأمین هزینه‌ی جدید تلقی شود. بر این اساس، ماده (۱۷) اصلاحی، ایراد مغایرت این مصوبه با اصل (۷۵) قانون اساسی را برطرف کرده است.

نظر شورای نگهبان

- اطلاق ماده (۱۷)، که شامل غیر از درآمدهای ایجاد شده توسط این قانون نیز می‌گردد، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی شناخته شد. همچنین در خصوص هزینه‌های مربوط به سال جاری نیز تکلیف امر روشن نگردیده است.

- ظاهراً به تذکرات این شورا توجه نشده است.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۳/۱۱/۱۲ (مرحله چهارم)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۱۱/۲۹

ماده ۱۷- این قانون از تاریخ ۱۳۹۴/۱/۱ لازم‌الاجراء است و صد درصد (۱۰۰٪) درآمد ناشی از اجرای آن جهت تأمین هزینه‌های ناشی از اجرای تکالیف مقرر در قانون با ایجاد ردیف خاص به سازمان اختصاص می‌یابد.

دیدگاه عدم مغایرت

ماده (۱۷) اصلاحی، منبع تأمین هزینه‌های اجرای این قانون را از محل درآمدهای ناشی از اجرای این قانون دانسته است. از این رو، با توجه به اینکه محل درآمدی پیش‌بینی شده برای تأمین هزینه‌های اجرای این قانون، منبعی جدید محسوب می‌شود، ایراد پیشین شورای نگهبان در خصوص مغایرت این مصوبه با اصل (۷۵) قانون اساسی از جهت عدم تأمین واقعی هزینه‌های اجرایی این قانون، برطرف شده است. همچنین با تعیین تاریخ اجرای این قانون از سال آینده، ایراد مربوط به عدم تعیین تکلیف وضعیت هزینه‌های سال جاری این مصوبه نیز برطرف شده است.

نظر شورای نگهبان

ماده (۱۷)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه مجلس در خصوص طرح جامع حدنگار (کاداستر) کشور، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

قانون اصلاح قانون تعاونی نمودن تولید و یکپارچه شدن اراضی در حوزه

عمل شرکت‌های تعاونی روستایی

مصوب ۱۳۹۳/۱۱/۱۵

درباره‌ی قانون

طرح «اصلاح قانون تعاونی نمودن تولید و یکپارچه شدن اراضی در حوزه عمل شرکت‌های تعاونی روستایی» را تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در راستای تطبیق موضوع «قانون تعاونی نمودن تولید و یکپارچه شدن اراضی در حوزه عمل شرکت‌های تعاونی روستایی مصوب ۱۳۴۹/۱۲/۲۴» با مقررات جمهوری اسلامی ایران و همچنین افزایش بهره‌وری در بخش کشاورزی و توجه به نیازهای جدید در این حوزه، با قید یک فوریت، به مجلس شورای اسلامی تقدیم کردند. در مقدمه‌ی توجیهی این طرح، ضرورت ارائه‌ی این طرح و فوریت آن به شرح زیر آمده است: «نظر به اینکه واحد بهره‌برداری کشاورزی در ایران بسیار کوچک بوده و اقتصادی نمی‌باشد و بهره‌برداری برای عملیات کاشت و داشت و برداشت متحمل صرف وقت زیاد و پرداخت هزینه‌های اضافی می‌گردد و به علت انفرادی کشت و کار نمودن و کوچک بودن قطعات، امکان استفاده مطلوب از ماشین‌آلات و ادوات کشاورزی و تکنولوژی فنی نمی‌باشد، با توجه به اهمیت موضوع و به لحاظ دستیابی به کشاورزی پایدار و به دلیل عنایت خاصی که مجلس شورای اسلامی به بخش کشاورزی و کشاورزان مملکت دارد، به منظور جلوگیری از ضرر و زیان بیشتر این طرح با یک فوریت تقدیم می‌گردد.»

این طرح که یک فوریت آن در تاریخ ۱۳۸۲/۱/۲۷ در مجلس به تصویب رسیده بود، در تاریخ ۱۳۸۲/۶/۲ در صحن علنی مجلس مطرح و با اصلاحاتی به تصویب رسید و برای طی روند قانونی مذکور در اصل (۹۴) قانون اساسی به موجب نامه‌ی شماره ۳۹۴۳۸ مورخ ۱۳۸۲/۶/۵ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان در جلسه‌ی مورخ ۱۳۸۲/۶/۱۲ این مصوبه را بررسی کرد و مفاد آن را در مواردی مغایر با موازین شرع و قانون اساسی تشخیص داد و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۸۲/۳۰/۴۱۶۱ مورخ ۱۳۸۲/۶/۱۸ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. مجلس شورای اسلامی برای رفع ایراد شورای نگهبان، در جلسه‌ی مورخ ۱۳۸۲/۱۰/۲۳ اصلاحات لازم را در این مصوبه اعمال کرد و مصوبه‌ی اصلاحی را طی نامه‌ی شماره ۷۷۹۷۲ مورخ ۱۳۸۲/۱۰/۲۵ برای اظهار نظر به شورای نگهبان ارسال کرد. بررسی مصوبه‌ی اصلاحی در دستور کار جلسه‌ی مورخ ۱۳۸۲/۱۱/۱۴ شورای نگهبان قرار گرفت که پس از بحث و بررسی اعضا راجع

به آن، اصلاحات انجام شده در ماده (۵) این مصوبه در جهت رفع مغایرت آن با اصل (۷۵) قانون اساسی، ناکافی و واجد ابهام دانسته شد و در خصوص ماده (۷)، ایراد پیشین شورا همچنان پابرجا دانسته شد. نظر شورای نگهبان در این خصوص، طی نامه‌ی شماره ۸۲/۳۰/۶۵۵۶ مورخ ۱۳۸۲/۱۱/۱۵ به مجلس شورای اسلامی اعلام شد. پس از آن، مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۸۳/۱/۲۵، با اصرار بر متن مصوبه‌ی قبلی خود در خصوص مواد (۵) و (۷)، آنها را عیناً به تصویب رساند و این مصوبه را جهت اجرای موضوع اصل (۱۱۲) قانون اساسی طی نامه‌ی شماره ۴۹۶۵ مورخ ۱۳۸۳/۱/۳۰ به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال کرد. مجمع نیز پس از تشکیل جلسه در تاریخ ۱۳۸۴/۴/۱۱ راجع به این مصوبه، با استناد به مصوبه‌ی مورخ ۱۳۸۳/۵/۲۴ خود و همچنین با استناد به نظریه‌ی تفسیری شورای نگهبان از اصل (۱۱۲) قانون اساسی در خصوص غیر قابل بررسی بودن مصوبات مبهم شناخته شده توسط شورای نگهبان در مجمع تشخیص مصلحت نظام، ورود ماهوی به موضوع این مصوبه را منتفی اعلام کرد و آن را طی نامه‌ی شماره ۸۴۳۹۱-۹۷۰۰/ح مورخ ۱۳۸۴/۴/۲۱ جهت طی مراحل قانونی و رفع ابهام از مصوبه به مجلس برگشت داد. این موضوع تا سال ۱۳۹۳ در مجلس شورای اسلامی مسکوت ماند تا اینکه مجلس در تاریخ ۱۳۹۳/۱۱/۱۵ به منظور رفع ایرادهای شورای نگهبان، با اصلاحاتی آن را به تصویب رساند و مصوبه‌ی اصلاحی را طی نامه‌ی شماره ۳۳۹/۸۰۵۸۴ مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۲۱ جهت اظهار نظر به شورای نگهبان ارسال کرد. اعضای شورای نگهبان در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۲۹ خود، پس از بررسی مفاد مصوبه‌ی اصلاحی، ایرادهای پیشین خود نسبت به این مصوبه را برطرف شده دانستند و نظر خود مبنی بر عدم مغایرت مفاد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۳۶۲۵ مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۲۹ به مجلس شورای اسلامی اعلام کردند.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۲/۶/۲ (مرحله نخست)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۲/۶/۹، ۱۳۸۲/۶/۱۲

ماده ۳- در ماده (۱) قانون، اصلاحات زیر به عمل آمد:

در سطر دوم، کلمه «دهات» به «روستاهای» تغییر یافت.

در سطر دوم بعد از کلمه «شرکت‌ها»، عبارت «و سایر کشاورزان» اضافه گردید.

...

در سطر پانزدهم، عبارت «همچنین استقبال کشاورزان از» حذف و عبارت «موافقت

صاحبان حداقل دو سوم اراضی مورد نظر اعضای شرکت‌های تعاونی تولید روستایی و

سایر کشاورزان» اضافه گردید.

تبصره (۱) ماده (۱) حذف گردید.

در سطر پانزدهم و شانزدهم، عبارت «تعاونی نمودن تولید در حوزه عمل شرکت‌های تعاونی روستایی» حذف گردید.

...

[با توجه به اصلاحات مزبور، ماده (۱) به شرح ذیل اصلاح شده است:

ماده ۱- به منظور یکپارچه کردن قطعات اراضی زراعی زارعین داوطلب عضو شرکت‌های تعاونی روستایی در هر یک از روستاهای حوزه عمل آن شرکت‌ها و سایر کشاورزان در جهت امکان حداکثر بهره‌برداری از منابع آب و خاک کشور از طریق تأسیس شبکه‌های نوین آبیاری و تسطیح اراضی زراعی و احداث راه‌های ارتباطی بین روستاها و آشنا ساختن اعضای شرکت‌های تعاونی مزبور و سایر کشاورزان با اصول و شیوه‌های جدید کاشت و داشت و برداشت و استفاده صحیح از وسایل و ماشین‌آلات کشاورزی متناسب با شرایط محلی با رعایت نظام تعاون و احیای اراضی بایر و مسلوب‌المنفعه و موات و همچنین فراهم نمودن امکانات و تسهیلات بیشتر برای توسعه و بهبود و ایجاد صنایع دستی و تبدیل فرآورده‌های دامی و زراعی و گسترش فعالیت‌های مفید غیر کشاورزی در حوزه عمل این شرکت‌ها اراضی کشاورزی در سایر مناطق و بالنتیجه فراهم شدن موجبات افزایش تولید و درآمد سرانه سکنه روستاها و تأمین رشد مداوم اقتصادی کشور، به وزارت جهاد کشاورزی اجازه داده می‌شود با رعایت اصل مالکیت فردی کشاورزان و تأمین حقوق ناشی از آن به تدریج و متناسب با امکانات و مقادورات دولت و موافقت صاحبان حداقل دو سوم اراضی مورد نظر اعضاء شرکت تعاونی تولید روستایی و سایر کشاورزان برنامه یکپارچه کردن اراضی زراعی و حائز شرایط، برنامه مذکور را به مورد اجرا بگذارد.]

دیدگاه مغایرت

الف) مطابق با موازین شرع، مالکیت خصوصی اشخاص محترم بوده و هرگونه دخل و تصرف در اموال دیگران باید با رضایت مالک آن صورت پذیرد. با توجه به اصلاحات صورت گرفته در ماده (۱)، به وزارت جهاد کشاورزی اجازه داده شده است تا با موافقت صاحبان حداقل دو سوم اراضی مورد نظر اعضاء شرکت تعاونی تولید روستایی و سایر کشاورزان برنامه یکپارچه کردن اراضی زراعی و حائز شرایط، اقدامات مذکور در این ماده را در جهت یکپارچه‌سازی قطعات اراضی اجرا کند. حکم ماده‌ی مزبور که تصرف در اراضی مزبور را با موافقت صاحبان حداقل دو

سوم اراضی مجاز دانسته است، حق مالکیت دو دسته از مالکین اراضی را مخدوش کرده است: نخست حقوق مالکانه‌ی صاحبان اراضی عضو شرکت که موافق این امر نبوده‌اند و دوم حقوق مالکانه‌ی «سایر کشاورزانی» که عضو شرکت تعاونی نیستند ولی مشمول برنامه‌ی یکپارچه کردن اراضی زراعی شده‌اند. افراد دسته‌ی نخست هر چند عضو این تعاونی شده‌اند ولی در حین عضویت و تشکیل این تعاونی، به یکپارچه‌سازی اذن نداده‌اند و لذا اکثریت افراد نمی‌توانند در خصوص این موضوع از جانب آنها تصمیم‌گیری کنند. دسته‌ی دوم نیز به‌طور کلی عضو این تعاونی نبوده و هیچ‌گونه اذنی برای این امر نداده‌اند. بنابراین، ماده‌ی مزبور به دلیل خدشه‌دار کردن حق مالکیت این افراد، مغایر با موازین شرع و اصل تسلیط مسلمانان بر اموال خود است. لازم به توضیح است در صورتی که مصلحت نظام اسلامی ایجاب کند که چنین حکم غیر شرعی به تصویب برسد باید موضوع در مجمع تشخیص مصلحت نظام بررسی شود و شورای نگهبان نمی‌تواند به استناد مصلحت عمومی نظام اسلامی آن را تأیید کند.

ب) عقد شرکت از لحاظ موازین شرعی، عقدی جایز است و لذا اعضای شرکت می‌توانند اقدام به فسخ آن کنند. در فرض ماده‌ی مزبور، اگرچه اعضای شرکت ممکن است از ابتدا موافقت دو سوم اعضا را برای تصویب و اجرای امور پذیرفته باشند ولی با توجه به اینکه عقد شرکت، عقد لازم نیست، می‌توانند نسبت به فسخ عقد خود اقدام کنند. بر این اساس، ماده‌ی مزبور که موافقت دو سوم اعضای تعاونی را در هر صورت موجب اجرای اقدامات مذکور برای همه‌ی اعضا می‌داند، از حیث مخدوش کردن حقوق مالکانه‌ی این افراد که خواهان فسخ عقد شرکت هستند، مغایر با موازین شرع است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) مطابق با اصل (۴۴) قانون اساسی یکی از پایه‌های نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، بخش تعاونی است. این شرکت‌ها دارای مقرراتی هستند که افراد با اطلاع از این شرایط و مقررات، عضویت در شرکت را می‌پذیرند. از آنجا که افراد در حین عضویت به طور ضمنی پذیرفته‌اند که موافقت اکثریت یا دو سوم اعضا برای تصویب امور مربوط به شرکت تعاونی کافی است، حکم مقرر در ماده‌ی مزبور که تصرف در اراضی را بر اساس موافقت صاحبان حداقل دو سوم اراضی دانسته است، مغایر با موازین شرع نیست.

ب) حکم مذکور در این ماده از جمله‌ی قواعد آمره است که حکومت در راستای رعایت برخی مصالح از جمله خودکفا شدن و عدم وابستگی به محصولات کشاورزی خارجی، انجام آن را با رعایت حقوق مالکانه‌ی کشاورزان لازم دانسته است. بنابراین در این ماده، رضایت اعضای تعاونی و سایر کشاورزان غیر عضو ملاک عمل نیست تا عدم رضایت آنها به معنای مغایرت این ماده با موازین شرع باشد. بر این اساس، ماده‌ی مزبور مغایرتی با موازین شرعی ندارد.

نظر شورای نگهبان

ماده (۳) موضوع اصلاح ماده (۱) قانون، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۴- در ماده (۲) پاراگراف دوم سطر دوم، عبارت «کمیسیون‌های اصلاحات ارضی و تعاون روستایی و دارایی و استخدام مجلسین» حذف و به جای آن عبارت «کمیسیون‌های کشاورزی، آب و منابع طبیعی و اقتصادی مجلس شورای اسلامی» اضافه گردید.
[با توجه به اصلاحات مزبور، ماده (۲) به شرح ذیل اصلاح شده است:

ماده ۲- وزارت جهاد کشاورزی مجاز است به منظور ترویج و توسعه فعالیت‌های غیر کشاورزی در روستاها، واحد سازمانی لازم را به وجود آورد. واحد سازمان مزبور مشمول قوانین و مقررات استخدامی کشور نیست و با داشتن شخصیت حقوقی و استقلال کامل مالی به صورت بازرگانی و طبق مقررات اساسنامه‌ای که به پیشنهاد وزارت جهاد کشاورزی به تصویب کمیسیون‌های کشاورزی، آب و منابع طبیعی و اقتصادی مجلس شورای اسلامی خواهد رسید اداره می‌شود.]

دیدگاه مغایرت

مطابق با اصل (۸۵) قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی می‌تواند تصویب دائمی اساسنامه‌ی سازمان‌ها، شرکت‌ها، مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیون‌های ذی‌ربط در مجلس واگذار کند و یا اجازه‌ی تصویب آنها را به دولت بدهد. به موجب اصلاحات صورت‌گرفته در این ماده، اساسنامه‌ی سازمانی که برای توسعه و ترویج فعالیت‌های غیر کشاورزی در روستا تأسیس می‌شود با پیشنهاد وزارت جهاد کشاورزی به تصویب کمیسیون‌های کشاورزی، آب و منابع طبیعی و اقتصادی مجلس شورای اسلامی خواهد رسید؛ این در حالی است که اختیار تصویب اساسنامه‌ی مزبور به این کمیسیون‌ها، به صراحت و به موجب مصوبه‌ای جداگانه از طرف مجلس شورای اسلامی، تفویض نشده است. لذا ماده‌ی اصلاحی مزبور از این جهت که تصویب اساسنامه‌ی یک سازمان دولتی را بدون مصوبه‌ی موردی مجلس بر عهده‌ی کمیسیون گذاشته است، مغایر با اصل (۸۵) قانون اساسی است. این استدلال بر اساس این دیدگاه است که چنانچه قانون مصوب قبل از انقلاب مورد اصلاح مجلس شورای اسلامی قرار گیرد، شورای نگهبان می‌تواند نسبت به احکام مندرج در آن قانون از جهت ماهوی ورود کرده و نسبت به مواد آن قانون از جهت مغایرت یا عدم مغایرت با موازین شرع و اصول قانون اساسی، اظهار نظر کند؛ چه آنکه در قوانین اصلاحی، هر چند که ممکن است صرفاً برخی از عبارات و

اسامی مندرج در قانون پیشین تغییر کند، لیکن به تبع تغییر عبارات مذکور، حکم ماده نیز تغییر می‌کند که به مثابه‌ی یک قانون و حکم جدید است و از این جهت، قابل ارزیابی از جهت مغایرت یا عدم مغایرت با قانون اساسی و موازین شرع است.

دیدگاه عدم مغایرت

اصلاحات صورت گرفته در ماده‌ی مزبور تنها در خصوص جایگزین کردن برخی از عبارات و اصطلاحات از جمله تغییر اسم «کمیسیون‌های اصلاحات ارضی و تعاون روستایی و دارایی و استخدام مجلسین» به «کمیسیون‌های کشاورزی، آب و منابع طبیعی و اقتصادی مجلس شورای اسلامی» است که این تغییر اسم، متضمن هیچ حکم خاص دیگری در این مصوبه نیست؛ زیرا مجلس شورای اسلامی اساساً در مقام تصویب احکام مندرج در این قانون نبوده است. به بیان دیگر مطابق با این مصوبه‌ی مجلس، صرفاً برخی از کلمات و اصطلاحات این قانون تغییر پیدا کرده است، لیکن اصل مصوبه هنوز مورد بررسی قرار نگرفته است تا بخواهیم حکم ماده‌ی مزبور را نسبت به مغایرت یا عدم مغایرت آن با موازین شرع و یا قانون اساسی بررسی کنیم. بنابراین، تغییرات ایجادشده در این ماده، تنها شکلی بوده و لذا نمی‌توان آن را مغایر با اصول قانون اساسی و از جمله اصل (۸۵) دانست.

نظر شورای نگهبان

مطابق اصل (۸۵) قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی می‌تواند تصویب دائمی اساسنامه سازمان‌ها و یا شرکت‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت را به کمیسیون‌های ذی‌ربط واگذار کند. لکن با توجه به اصلاحاتی که بر اساس ماده (۴) مصوبه در ماده (۲) قانون، به عمل آمده است، اساسنامه موضوع آن به پیشنهاد وزارت جهاد کشاورزی به تصویب کمیسیون‌های کشاورزی، آب و منابع طبیعی و اقتصادی مجلس شورای اسلامی می‌رسد؛ لذا ماده (۴) از این جهت، مغایر اصل (۸۵) قانون اساسی شناخته شد.

-
- ماده ۵- در ماده (۳) سطر دوم، عبارت «که در حوزه عمل شرکت‌های موضوع ماده (۱) ...» تا انتهای ماده حذف گردید و بعد از عبارت «متعلق به دولت را» عبارت «به منظور بهبود، کمک و تقویت شرکت‌های تعاونی تولید روستایی مجاناً واگذار نماید» اضافه گردید.
- [با توجه به اصلاحات مزبور، ماده (۳) به شرح ذیل اصلاح شده است:
- ماده ۳- وزارت جهاد کشاورزی می‌تواند تمام یا قسمتی از اراضی دایر و بایر و موات و

مسلوب‌المنفعه متعلق به دولت را به منظور بهبود، کمک و تقویت شرکت‌های تعاونی تولید روستایی مجاناً واگذار نماید.]

دیدگاه مغایرت

با توجه به تغییرات اعمال‌شده در ماده (۳)، به وزارت جهاد کشاورزی این اختیار داده شده است که بتواند تمام یا قسمتی از اراضی دایر و بایر و موات و مسلوب‌المنفعه متعلق به دولت را به صورت مجانی واگذار کند. همچنین با عنایت به حذف عبارت «که در حوزه عمل شرکت‌های موضوع ماده (۱) ...» از این ماده، محدوده‌ی این اراضی نسبت به قانون فعلی، توسعه یافته است. از آنجا که دولت با واگذاری اموال خود که اصولاً در مقابل عوض است، دارای درآمد می‌شود، این واگذاری بلاعوض که بیش از میزان معین قانون فعلی است، موجب کاهش درآمدهای عمومی دولت خواهد شد. لذا این ماده از آن جهت که طریق جبران این تقلیل درآمد را مشخص نکرده است، مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است. مطابق با این اصل، طرح‌های قانونی نمایندگان چنانچه منجر به کاهش درآمد عمومی دولت شود در صورتی قابل طرح در مجلس است که طریق جبران تقلیل درآمد نیز در آن مشخص شده باشد.

نظر شورای نگهبان

در ماده (۵) مصوبه، با توجه به حذف عبارت «که در حوزه عمل شرکت‌های موضوع ماده (۱) ...»، محدوده اراضی دایر و بایر و موات و مسلوب‌المنفعه متعلق به دولت که وزارت جهاد کشاورزی می‌تواند مجاناً به شرکت‌های موضوع آن واگذار نماید نسبت به قانون، توسعه یافته که موجب تقلیل درآمد عمومی است؛ لذا از این جهت، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۶- ماده (۶) قانون حذف و ماده ذیل جایگزین آن گردید:

ماده ۶- وزارت جهاد کشاورزی در اجرای این قانون، نقشه جامع و یکپارچه‌شده اراضی را به تعداد قطعات مناسب در محدوده ثبتی روستا و یا روستاها و مزارع مورد عمل شرکت و اراضی سایر کشاورزان تهیه و حدود و ثغور قطعات سابق و فعلی را در نقشه نمودار و همراه با موافقت کلیه مالکین به اداره ثبت محل ارسال دارد. واحد ثبتی مکلف است، حسب مراجعه نماینده وزارت جهاد کشاورزی با تطبیق نقشه ترسیمی با وضع موجود محل، سوابق ثبتی و احراز موافقت مالکین، نسبت به تأیید نقشه مزبور اقدام و بر مبنای آن و با رعایت مقررات ثبت از جهت حفظ حقوق اشخاص بدون دریافت هرگونه هزینه (مالیات، عوارض، حقوق دولتی و غیره) نسبت به صدور سند مالکیت اقدام نماید.

دیدگاه مغایرت

تکالیف و فعالیت‌های اجرایی مقرر در ماده‌ی مزبور مبنی بر تهیه‌ی نقشه جامع اراضی یکپارچه‌شده به همراه تعیین حدود و ثغور قطعات سابق و فعلی و همچنین صدور سند مالکیت بدون دریافت هرگونه هزینه از ذی‌نفعان، مستلزم افزایش هزینه‌های عمومی برای دولت است. از آنجا که در این ماده، محل تأمین این هزینه‌ها مشخص نشده است، این مصوبه مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است. طبق این اصل، طرح‌های نمایندگان و یا اصلاحات آنها در خصوص لوایح که منجر به کاهش عمومی درآمد دولت می‌شود، در صورتی قابل طرح در مجلس است که طریق جبران این کاهش درآمد مشخص و معین شده باشد.

نظر شورای نگهبان

در ماده (۶) دستگاه‌های دولتی مکلف به انجام اقداماتی متعدد بدون دریافت هرگونه هزینه شده‌اند. این امر موجب تقلیل درآمد عمومی است؛ لذا این ماده از این جهت، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۷- ماده ذیل به عنوان ماده (۷) به این قانون الحاق گردید:

ماده ۷- هرگونه تفکیک، افراز و تقسیم اراضی اعضای شرکت‌های تعاونی تولید موضوع این قانون و اراضی سایر کشاورزان ناشی از هرگونه عوامل قهری و ارادی به مساحت کمتر از حد نصاب فنی و اقتصادی ممنوع می‌باشد. در صورت فوت هر یک از اعضا یا سایر کشاورزان موضوع این قانون سهمیه وراثت طبق قوانین موضوعه به صورت سهم مشاع از قطعات مذکور تعیین و بهره‌برداری از این گونه اراضی بایستی مشاعاً صورت پذیرد. تبصره- تعیین مساحت قطعات فنی و اقتصادی در مناطق مختلف کشور به عهده وزارت جهاد کشاورزی است.

دیدگاه مغایرت

الف) ماده‌ی مزبور، هرگونه تفکیک، افراز و تقسیم اراضی اعضای شرکت‌های تعاونی تولید و اراضی سایر کشاورزان به مساحت کمتر از حد نصاب فنی و اقتصادی را ممنوع کرده است؛ این در حالی است که مطابق با موازین شرعی، هر یک از شرکای سهم مشاعی و یا وراثت یک سهم، می‌توانند سهم خود را از مالکیت مشاعی، افراز کنند. بنابراین، منع تفکیک و افراز سهم مشاعی در این ماده که مغایر با حقوق مالکانه‌ی افراد است، مغایر با موازین شرعی است. همچنین از آنجا که در این ماده به عدم تفکیک، افراز و تقسیم اراضی تصریح شده است، منظور از آن هرگونه افراز

ولو در چارچوب شرکت است. بنابراین نمی‌توان منظور از تقسیم و افراز این ماده را صرفاً مواردی دانست که به منظور خارج شدن از شرکت و خدشه‌دار کردن نصاب لازم شرکت صورت می‌پذیرد و لذا بر اساس آن، افراز قانونی و ثبتی را در چارچوب عملیات شرکت ممکن دانست و این ماده را خلاف شرع محسوب نکرد. به بیان دیگر، تصریح بر عدم افراز و تقسیم در این ماده بدین معناست که نمی‌توان اقدام به ثبت افراز و تقسیم سهام مشاعی ولو در چارچوب عملیاتی شرکت کرد و لذا این سلب حقوق مالکانه، مغایر با موازین شرع خواهد بود.

ب) حکم مقرر در ذیل ماده (۷) الحاقی، مبنی بر الزام بهره‌برداری مشاعی از اراضی، مغایر با حقوق شرعی مالک در انتفاع از زمین است؛ زیرا مالک می‌تواند بهره‌برداری از زمین را غیر مشاعی تعیین کند. به عنوان مثال ممکن است مالک در بذرافشانی، آبیاری و نگهداری از کشت خواهان اقدامات مشاعی باشد ولی در برداشت آن، تمایلی به برداشت مشاعی نداشته باشد و در قرارداد خود با شرکت، این امر را غیر مشاعی تعیین کند. همچنین بحث عدم تفکیک و افراز تلازمی با بحث بهره‌برداری مشاعی ندارد و ایراد مغایرت شرعی در خصوص منع تفکیک و افراز در این ماده را نمی‌توان در خصوص بهره‌برداری مشاعی کافی به مقصود دانست؛ زیرا ممکن است قانون‌گذار در عین پذیرش امکان افراز و تقسیم اراضی، به دلایلی قائل به الزام به بهره‌برداری مشاعی باشد که همان‌طور که ذکر شد این امر مغایر با موازین شرعی است.

ج) بر اساس اصل (۸۵) قانون اساسی، قانون‌گذاری در صلاحیت مجلس شورای اسلامی بوده و مجلس نمی‌تواند آن را به دیگری واگذار کند. به موجب تبصره‌ی این ماده، تعیین مساحت قطعات فنی و اقتصادی در مناطق مختلف کشور به عهده‌ی وزارت جهاد کشاورزی گذاشته شده است. این در حالی است که تعیین مساحت قطعات فنی و اقتصادی و بیان شرایط آنها به دلیل اینکه ممکن است سبب ایجاد معضلاتی در جامعه شود، مستلزم تعیین ضوابط و قواعدی است که باید توسط قانون‌گذار صورت پذیرد. بنابراین، تبصره‌ی مزبور، از آن جهت که بدون تعیین ضابطه، وزارت جهاد کشاورزی را در خصوص تعیین مساحت فنی و اقتصادی صالح دانسته است، مغایر اصل (۸۵) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) حکم ممنوعیت افراز و تفکیک در این ماده، ناظر به افراز و تفکیک سهام به گونه‌ای است که موجب جدا شدن اراضی و استقلال شرکا و در نتیجه از بین رفتن شرکت تعاونی شود؛ زیرا تشکیل تعاونی و سودآور بودن آن منوط به عدم جدایی اراضی شرکا از سایر اراضی است، لیکن هر یک از شرکا می‌تواند سهام خود را افراز و تفکیک کند و برای سهم مفروز خود سند رسمی مالکیت تهیه کند. به بیان دیگر، افراز سهام مشاعی و ثبت در سند رسمی، منافاتی با شراکتی عمل

کردن اعضای تعاونی نخواهد داشت. لذا ممنوعیت مزبور ناظر به نفی حقوق مالک در افراز و تفکیک سهام خود نیست و از این جهت این مصوبه مغایرتی با موازین شرع ندارد.

ب) با توجه به اینکه الزام به بهره‌برداری مشاعی مذکور در ذیل این ماده به تبع ممنوعیت تفکیک و افراز اراضی درج شده است، مغایر دانستن بحث ممنوعیت تفکیک و افراز، کافی به مقصود است و در صورتی که مجلس این بحث را اصلاح کند، به تبع آن الزامی برای بهره‌برداری مشاعی وجود نخواهد داشت. بر این اساس، الزام به بهره‌برداری ذیل ماده را نمی‌توان ایرادی جداگانه دانست و لزومی به بیان آن توسط شورای نگهبان نیست.

ج) شرکت به معنای یک مجموعه واحد است که در راستای مصالحی تشکیل شده است. شرکت تعاونی مذکور نیز با توجه به وجود دلایل فنی و اقتصادی تشکیل شده است و لذا اعضای آن نمی‌توانند انجام برخی امور مربوط به اراضی خود را خارج از مقررات شرکت و به طور جداگانه انجام دهند. به عنوان مثال در صورتی که برداشت محصولات اراضی به طریق مکانیزه صورت پذیرد، این امر در صورتی مقرون به صرفه خواهد بود که برای زمینی با حد نصاب خاصی انجام شود و لذا برخی از اعضا نمی‌توانند خواستار برداشت محصول به شکل سنتی باشند. بنابراین حتی در فرض افراز اراضی که سهم هر عضو به طور جداگانه ثبت و مشخص باشد، بهره‌برداری می‌تواند به طور مشاعی باشد و این برداشت به دلیل قرار گرفتن اراضی در شرکت تعاونی، منافاتی با حقوق ماکانه افراد نخواهد داشت. لذا ذیل ماده (۷) الحاقی از حیث اشاره به الزام به بهره‌برداری مشاعی، مغایرتی با موازین شرعی ندارد.

د) تعیین مساحت فنی و اقتصادی قطعات اراضی، موضوع تبصره‌ی این ماده، مقوله‌ای کارشناسی است که این ماده آن را در صلاحیت وزارت جهاد کشاورزی دانسته است. به بیان دیگر، موضوع صلاحیت وزارت جهاد کشاورزی در تعیین مساحت‌ها از نوع تهیه‌ی آیین‌نامه‌ی اجرایی است و نمی‌تواند از مصادیق تقنین و قانون‌گذاری باشد. لذا تبصره‌ی ماده‌ی مزبور مغایرتی با اصل (۸۵) قانون اساسی ندارد که بر صلاحیت و انحصار مجلس در تقنین و قانون‌گذاری تصریح می‌کند.

نظر شورای نگهبان

ماده (۷) الحاقی، از این نظر که تفکیک و افراز سهام مالکین مشاع را در مورد اعضای تعاونی‌ها و در مورد سایر کشاورزان در صورتی که هر یک از سهام کمتر از نصاب مقرر باشد، منع کرده است، مغایر شرع شناخته شد.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۲/۱۰/۲۳ (مرحله دوم)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۲/۱۱/۱۴

ماده ۴- در ماده (۲) پاراگراف دوم سطر دوم، عبارت «کمیسیون‌های اصلاحات ارضی و تعاون روستایی و دارایی و استخدام مجلسین» حذف و به جای آن عبارت «هیئت وزیران» اضافه گردید.

[با توجه به اصلاح مزبور، ماده (۲) به شرح ذیل اصلاح شده است:

ماده ۲- وزارت جهاد کشاورزی مجاز است به منظور ترویج و توسعه فعالیت‌های غیر کشاورزی در روستاها، واحد سازمانی لازم را به وجود آورد. واحد سازمان مزبور مشمول قوانین و مقررات استخدامی کشور نیست و با داشتن شخصیت حقوقی و استقلال کامل مالی به صورت بازرگانی و طبق مقررات اساسنامه‌ای که به پیشنهاد وزارت جهاد کشاورزی به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید اداره می‌شود.]

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به حذف عبارت «کمیسیون‌های کشاورزی، آب و منابع طبیعی و اقتصادی مجلس شورای اسلامی» و اضافه شدن عبارت «هیئت وزیران» به جای آن، ایراد سابق شورای نگهبان در خصوص مغایرت این ماده با اصل (۸۵) در خصوص اعطای صلاحیت تصویب دائمی اساسنامه‌ی سازمان مذکور در این ماده به کمیسیون‌های داخلی مجلس برطرف شده است و این مصوبه از جهات دیگر نیز واجد ایراد نیست.

نظر شورای نگهبان

ماده (۴) موضوع اصلاح ماده (۲) قانون، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۵- در دو سطر اول، عبارت «شرکت‌های موضوع ماده (۱) ...» حذف و عبارت «شرکت‌های تعاونی تولید» جایگزین گردید:

[با توجه به اصلاحات مزبور، ماده (۳) به شرح ذیل اصلاح شده است:

ماده ۳- وزارت جهاد کشاورزی می‌تواند تمام یا قسمتی از اراضی دایر و بایر و موات و مسلوب‌المنفعه متعلق به دولت را در حوزه عمل شرکت‌های تعاونی تولید به منظور بهبود، کمک و تقویت شرکت‌های تعاونی تولید روستایی مجاناً واگذار نماید.]

دیدگاه مغایرت

الف) شرکت‌های موضوع ماده (۱) مذکور در قانون فعلی، شرکت‌های تعاونی روستایی هستند که طبق ماده (۵) این مصوبه، حذف شده و «شرکت‌های تعاونی تولید» جایگزین آنها شده‌اند. با توجه به اینکه حوزه‌ی عمل شرکت‌های تعاونی روستایی محدود به برخی روستاها و اراضی مجاور آنها بوده است، واگذاری مجانی آنها طبق قانون فعلی محدود به برخی اراضی است؛ در حالی که حوزه‌ی عمل شرکت‌های تعاونی تولید که طبق مصوبه‌ی جاری، ملاک واگذاری مجانی است، بسیار گسترده‌تر از حوزه‌ی عمل شرکت‌های تعاونی روستایی است. لذا با توجه به این توسعه که واگذاری مجانی آنها منجر به کاهش درآمد عمومی دولت می‌شود، ایراد پیشین شورای نگهبان در خصوص مغایرت این ماده با اصل (۷۵) قانون اساسی به قوت خود باقی است. طبق این اصل، طرح‌هایی که منجر به کاهش درآمد دولت می‌شوند، نیازمند تعیین محل جبران آن است و این مصوبه که در قالب طرح ارائه شده است نیز محل جبران آن را تعیین نکرده است.

ب) این استدلال که کاهش درآمد دولت، ناشی از واگذاری مجانی اراضی و اموال دولت زمانی محقق می‌شود که اموال و اراضی مزبور در معرض فروش و یا درخواست مشتری باشد و لذا این ماده منجر به کاهش درآمد عمومی دولت نمی‌شود، صحیح نیست؛ زیرا حتی با پذیرش استدلال مزبور، باز هم واگذاری اراضی در این ماده اطلاق داشته و شامل آن دسته از اراضی که در معرض فروش یا درخواست مشتری باشند نیز می‌شود. افزون بر آن، واگذاری مجانی اراضی هر چند در حال حاضر موجب کاهش درآمد عمومی دولت نشود ولی با توجه به اینکه دولت بخشی از سرمایه خود را از دست می‌دهد، منجر به کاهش درآمد بالقوه او می‌شود. با توجه به این نکات، این ماده از آنجا که موجب کاهش درآمد عمومی دولت می‌شود، همچنان مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) با توجه به اضافه شدن عبارت «در حوزه عمل شرکت‌های تعاونی تولید» به این ماده، توسعه‌ای که مصوبه‌ی پیشین در خصوص واگذاری اراضی به طور مجانی داشت، در این ماده‌ی اصلاحی حذف شده است و لذا این ماده منجر به کاهش درآمد عمومی دولت نمی‌شود. بر این اساس، ایراد شورای نگهبان در خصوص اصل (۷۵) برطرف شده است. طبق این اصل، طرح‌هایی که منجر به کاهش درآمد دولت می‌شوند، نیازمند تعیین محل جبران آن است.

ب) واگذاری تمام یا قسمتی از اراضی مزبور به صورت مجانی به شرکت‌های تعاونی تولید، هر چند نسبت به شرکت‌های تعاونی روستایی (مذکور در قانون فعلی) دارای محدوددهی بیشتری باشند، موجب تقلیل درآمد دولت نمی‌شود. توضیح اینکه، تقلیل درآمد عمومی دولت زمانی قابل

تصور است که اراضی و اموال دولت در معرض فروش باشند که در این صورت واگذاری این اموال و اراضی به صورت مجانی، باعث کاهش درآمد عمومی دولت از محل فروش این اراضی می‌شود، لیکن در خصوص واگذاری مجانی اراضی موات و مسلوب‌المنفعه که مشتری نداشته و بلااستفاده هستند، موجبی برای کاهش درآمد دولت وجود ندارد. بر این اساس، ماده‌ی مزبور را نمی‌توان مغایر با اصل (۷۵) دانست که طرح‌های قانونی را در صورت کاهش درآمد عمومی، نیازمند تعیین محل تأمین آن می‌داند.

دیدگاه ابهام

در این ماده مشخص نیست حیطه‌ی عمل شرکت‌های تعاونی تولید (اضافه‌شده توسط این مصوبه) چه تفاوتی با حیطه‌ی عمل شرکت‌های تعاونی روستایی (مذکور در ماده (۱) قانون فعلی) دارد؛ چنانچه حیطه‌ی عمل شرکت‌های تعاونی تولید از حیطه‌ی عمل شرکت‌های تعاونی روستایی گسترده‌تر باشد، این ماده منجر به واگذاری مجانی اراضی بیشتری نسبت به قانون فعلی می‌شود که موجب کاهش درآمد عمومی دولت خواهد شد. لذا با توجه به امکان مغایرت این قانون با اصل (۷۵) قانون اساسی، ابتدا باید این ابهام برطرف شود تا بتوان در خصوص مغایرت یا عدم مغایرت آن با قانون اساسی اظهار نظر کرد.

نظر شورای نگهبان

ایراد دوم شورا از اینکه از حیطه عمل شرکت‌های تعاونی تولید معلوم نیست منطبق بر شرکت‌های موضوع ماده (۱) قانون مزبور می‌شود و یا متفاوت با آن است، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.

ماده ۶- ماده (۶) قانون حذف و ماده ذیل جایگزین آن گردید:

ماده ۶- وزارت جهاد کشاورزی در اجرای این قانون، نقشه جامع و یکپارچه‌شده اراضی را به تعداد قطعات مناسب در محدوده ثبتی روستا و یا روستاها و مزارع مورد عمل شرکت و اراضی سایر کشاورزان تهیه و حدود و ثغور قطعات سابق و فعلی را در نقشه نمودار و همراه با موافقت کلیه مالکین به اداره ثبت محل ارسال دارد. واحد ثبتی مکلف است، حسب مراجعه نماینده وزارت جهاد کشاورزی با تطبیق نقشه ترسیمی با وضع موجود محل، سوابق ثبتی و احراز موافقت مالکین، نسبت به تأیید نقشه مزبور اقدام و بر مبنای آن و با رعایت مقررات ثبت از جهت حفظ حقوق اشخاص بدون دریافت هرگونه هزینه (مالیات، عوارض، حقوق دولتی و غیره) نسبت به صدور سند مالکیت اقدام نماید.

تقلیل درآمد متصوره در این ماده با کاهش هزینه‌های دولت در امر تولید از قبیل کاهش مصرف آب، انرژی، نیروی انسانی، ماشین‌آلات و نهاده‌های کشاورزی و نیز استفاده بهینه از آنها و افزایش تولید ناشی از یکپارچه‌سازی اراضی که مآلاً به کاهش هزینه‌های عمومی می‌انجامد، جبران می‌گردد.

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به اینکه در ماده‌ی اصلاحی، «کاهش هزینه‌های دولت در امر تولید» به عنوان «طریق» جبران کاهش هزینه‌های ناشی از احکام این ماده تعیین شده است، ایراد پیشین شورای نگهبان در خصوص کاهش درآمد عمومی توسط این ماده و مغایرت آن با اصل (۷۵) قانون اساسی برطرف شده است و این مصوبه، از جهات دیگر نیز با ایرادی مواجه نیست.

نظر شورای نگهبان

ماده (۶) موضوع اصلاح ماده (۶) قانون، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۷- ماده ذیل به عنوان ماده (۷) به این قانون الحاق گردید:

ماده ۷- هرگونه تفکیک، افراز و تقسیم اراضی اعضای شرکت‌های تعاونی تولید موضوع این قانون و اراضی سایر کشاورزان ناشی از هرگونه عوامل قهری و ارادی به مساحت کمتر از حد نصاب فنی و اقتصادی ممنوع می‌باشد. در صورت فوت هر یک از اعضا یا سایر کشاورزان موضوع این قانون سهمیه وراثت طبق قوانین موضوعه به صورت سهم مشاع از قطعات مذکور تعیین و بهره‌برداری از این‌گونه اراضی بایستی مشاعاً صورت پذیرد.

تبصره- تعیین مساحت قطعات فنی و اقتصادی با حفظ حقوق حق‌السهم مشاع در مناطق مختلف کشور به عهده وزارت جهاد کشاورزی است.

دیدگاه مغایرت

هر چند در تبصره‌ی این ماده، عبارت «با حفظ حقوق حق‌السهم مشاع» اضافه شده است، ولی این امر ایراد شورای نگهبان در خصوص غیر شرعی بودن ممنوعیت افراز و تفکیک اراضی مالکینی که سهم آنها از حد نصاب فنی و اقتصادی کمتر است را برطرف نکرده و لذا این ماده، همچنان مغایر با موازین شرع است.

نظر شورای نگهبان

ایراد چهارم شورا به قوت خود باقی است.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۳/۱/۲۵ (مرحله سوم - مصوبه اصراری)

تاریخ بررسی در مجمع تشخیص مصلحت نظام: ۱۳۸۴/۴/۱۱

رئیس محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام

مصوبه مجلس شورای اسلامی در خصوص طرح اصلاح قانون تعاونی نمودن تولید و یکپارچه شدن اراضی در حوزه عمل شرکت‌های تعاونی روستایی که مورد ایراد شورای محترم نگهبان قرار گرفته بود، مجدداً در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۸۳/۱/۲۵ مجلس شورای اسلامی مطرح و نظر قبلی مجلس در مورد ماده (۵) و ماده (۷) الحاقی عیناً تصویب گردید. ...

نظر مجمع تشخیص مصلحت نظام

طرح اصلاح قانون تعاونی نمودن تولید و یکپارچه شدن اراضی در حوزه عمل شرکت‌های تعاونی روستایی (اختلافی میان مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان) در جلسه مورخ ۱۳۸۴/۴/۱۱ شورای مجمع تشخیص مصلحت نظام مورد رسیدگی حقوقی قرار گرفت و مقرر شد طرح مذکور جهت طی مراحل قانونی و رفع ابهامات شورای نگهبان به مجلس شورای اسلامی ارجاع گردد.

شایان ذکر است بر اساس مصوبه مورخ ۱۳۸۳/۵/۲۴ مجمع و تفسیر شورای نگهبان از اصل (۱۱۲) قانون اساسی، کلیه طرح‌ها و لوایح اختلافی چنانچه با ابهام شورای نگهبان مواجه شود، جهت رفع ابهام به مجلس شورای اسلامی عودت داده می‌شود.^(۱)

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۳/۱۱/۱۵ (مرحله چهارم)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۱۱/۲۹

ماده (۵) به شرح ذیل اصلاح می‌شود:

۱. نامه‌ی شماره ۸۴۳۹۱-۹۷۰۰/ح مورخ ۱۳۸۴/۴/۲۱ دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

ماده ۵- ماده (۳) قانون به شرح زیر جایگزین می‌گردد:

«ماده ۳- وزارت جهاد کشاورزی می‌تواند حق بهره‌برداری تمام یا قسمتی از اراضی دایر و بایر و موات و مسلوب‌المنفعه متعلق به دولت که در حوزه عمل شرکت‌های تعاونی تولید روستایی یا مجاور آن باشد را به منظور بهبود، کمک و تقویت شرکت‌های تعاونی تولید روستایی با رعایت تبصره (۲) ماده (۹) قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی مصوب ۱۳۸۹/۸/۲۳ و اصلاحات بعدی،^(۱) واگذار کند.»

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به اینکه در این مصوبه‌ی اصلاحی، «حق بهره‌برداری» از اراضی مذکور با رعایت قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی، به جای «واگذاری مجانی» این اراضی قید شده است، ابهام پیشین شورای نگهبان در خصوص میزان افزایش محدوده‌ی اراضی که واگذاری مجانی آنها موجب کاهش درآمد عمومی دولت می‌شد، برطرف شده است و لذا این ماده، مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی نیست.

نظر شورای نگهبان

ماده (۵) موضوع اصلاح ماده (۳) قانون، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. تبصره (۲) ماده (۹) قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی مصوب ۱۳۸۹/۸/۲۳: «ماده ۹- وزارت جهاد کشاورزی مکلف است با همکاری سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در اجراء قوانین و مقررات مربوط، با تهیه حدنگاری (کاداستر) و نقشه‌های مورد نیاز، نسبت به تثبیت مالکیت دولت بر منابع ملی و اراضی موات و دولتی و با رعایت حریم روستاها و همراه با رفع تداخلات ناشی از اجراء مقررات موازی اقدام و حداکثر تا پایان برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، سند مالکیت عرصه‌ها را به نمایندگی از سوی دولت اخذ و ضمن اعمال مدیریت کارآمد، نسبت به حفاظت و بهره‌برداری از عرصه و اعیانی منابع ملی و اراضی یادشده بدون پرداخت هزینه‌های دادرسی در دعاوی مربوطه اقدام نماید.

تبصره ۱- ...

تبصره ۲- با تصویب این قانون، انتقال قطعی مالکیت دولت در واگذاری اراضی ملی، دولتی و موات به متقاضیانی که از تاریخ ابلاغ این قانون به بعد شروع به تشکیل پرونده درخواست اراضی می‌نمایند ممنوع بوده و قوانین مغایر لغو می‌گردد، لکن صدور سند مالکیت اعیانی احداثی پیش‌بینی شده در طرح مصوب و پس از اجراء کامل طرح و تأیید هیئت نظارت مندرج در قانون اصلاح ماده (۳۳) اصلاحی قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع کشور مصوب ۱۳۸۶/۴/۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام، بلامانع بوده و بهره‌برداری از اراضی مذکور به صورت اجاره، حق بهره‌برداری و یا حق انتفاع و در قالب طرح مصوب، مجاز می‌باشد.

تبصره ۳- ...»

ماده (۷) طرح حذف شد.

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به حذف ماده (۷) از این مصوبه، ایراد پیشین شورای نگهبان نسبت به این ماده، سالبه به انتفای موضوع است.

نظر شورای نگهبان

با توجه به حذف ماده (۷)، بررسی موضوع از حیث مغایرت با قانون اساسی و موازین شرع، سالبه به انتفای موضوع است

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه مجلس در خصوص طرح اصلاح قانون تعاونی نمودن تولید و یکپارچه شدن اراضی در حوزه عمل شرکت‌های تعاونی روستایی، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت

مصوب ۱۳۹۳/۱۲/۴

درباره‌ی قانون

طرح «الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت» توسط تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و در راستای رفع برخی از مشکلات در لوایح بودجه‌ی سالانه از جهت ذکر احکام دائمی در این لوایح، تقدیم مجلس شد. عنوان اولیه‌ی این طرح در هنگام تقدیم به مجلس، «طرح الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت و اصلاحات و الحاقان بعدی آن» بود. در مقدمه‌ی توجیهی این طرح آمده است: «به منظور پالایش قانون بودجه سالانه‌ی کل کشور از احکام غیر بودجه‌ای و احکام دائمی که همواره در روند رسیدگی به لوایح بودجه‌ی سالانه کل کشور ایجاد مشکل نموده است، طرح ذیل تقدیم می‌گردد.»

این طرح برای رسیدگی به صورت یک شوری به کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی به عنوان کمیسیون اصلی ارسال شد که کمیسیون مزبور، طرح مذکور را در مورخ ۱۳۹۳/۸/۶ با اصلاحاتی در عنوان و متن به تصویب رساند و گزارش آن را به مجلس ارائه کرد. طرح مزبور، در تاریخ ۱۳۹۳/۹/۱۹ در صحن علنی مجلس مطرح و با اصلاحاتی به تصویب رسید و برای طی روند قانونی مذکور در اصل (۹۴) قانون اساسی، به موجب نامه‌ی شماره ۴۸۸/۶۶۴۱۲ مورخ ۱۳۹۳/۹/۲۹ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان با تشکیل جلسات متعدد در تاریخ‌های ۱۳۹۳/۹/۱۲، ۱۳۹۳/۹/۱۹، ۱۳۹۳/۱۰/۱۰ و ۱۳۹۳/۱۰/۱۷ این طرح را بررسی و مفاد این مصوبه را در مواردی مغایر با موازین شرع و قانون اساسی تشخیص داد و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰/۳۲۸۴ مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۲۱ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. مجلس شورای اسلامی برای رفع ایراد شورای نگهبان، در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۱۵ اصلاحات لازم را در این مصوبه اعمال و آن را طی نامه‌ی شماره ۴۸۸/۸۰۵۱۳ مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۲۱ برای اظهار نظر مجدد به شورای نگهبان ارسال کرد. بررسی مصوبه‌ی اصلاحی در دستور کار جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۲۹ شورای نگهبان قرار گرفت که پس از بحث و بررسی اعضا راجع به آن، در نهایت در چند مورد، ایرادهای پیشین شورا همچنان پابرجا و رفع نشده تشخیص داده شد. نظر شورای نگهبان در این خصوص، طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰/۳۶۲۳ مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۲۹ به مجلس شورای اسلامی اعلام شد. با اعاده‌ی این مصوبه به مجلس شورای اسلامی، این بار مجلس در جلسه‌ی علنی مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۴ مجدداً اصلاحات لازم برای برطرف شدن ایرادهای شورای

نگهبان را در مصوبه، اعمال کرد و آن را طی نامه‌ی شماره ۴۸۸/۸۴۰۸۷ مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۴ جهت اظهار نظر به شورای نگهبان ارسال کرد. شورای نگهبان در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۶، پس از بررسی مصوبه‌ی اصلاحی، ایرادهای پیشین خود به این مصوبه را برطرف شده دانست و نظر خود مبنی بر مغایرت نداشتن مفاد این لایحه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۳۶۸۹ مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۶ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۳/۹/۱۹ (مرحله نخست)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۹/۱۲، ۱۳۹۳/۹/۱۹، ۱۳۹۳/۱۰/۱۰ و ۱۳۹۳/۱۰/۱۷

ماده ۱-

الف- به منظور تعیین رابطه مالی و نحوه تسویه حساب بین دولت (خزانه‌داری کل کشور) و وزارت نفت از طریق شرکت تابعه ذی‌ربط، معادل سهمی از ارزش نفت (نفت خام، میعانات گازی و خالص گاز طبیعی) صادراتی و مبالغ حاصل از فروش داخلی که در قوانین بودجه سنواتی تعیین می‌گردد، به‌عنوان سهم آن شرکت بابت کلیه مصارف سرمایه‌ای و هزینه‌ای شرکت مزبور از جمله بازپرداخت بدهی و تعهدات شامل تعهدات سرمایه‌ای و بیع متقابل و جبران خسارات زیست‌محیطی و آلودگی‌های ناشی از فعالیت‌های نفتی خالص درآمد و هزینه‌های ناشی از عملیات صادرات با احتساب هزینه‌های حمل و بیمه (سیف) تعیین می‌شود. این سهم، از نظر مالیاتی با نرخ صفر محاسبه می‌شود.

وزارت نفت از طریق شرکت تابعه ذی‌ربط موظف است از محل سهم خود از درصدهای مذکور و سایر منابع، قراردادهای لازم را با شرکت‌های عملیاتی تولید نفت و گاز بر اساس قیمت تمام‌شده و در چهارچوب بودجه عملیاتی پس از مبادله موافقتنامه با معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور منعقد نماید.

۱- ...

دیدگاه مغایرت

الف) مجلس شورای اسلامی، بر اساس بند (الف) ماده (۱)، دولت را مکلف کرده است که معادل سهمی از ارزش نفت صادراتی و مبالغ حاصل از فروش داخلی را به عنوان سهم شرکت تابعه ذی‌ربط وزارت نفت، بابت کلیه مصارف سرمایه‌ای و هزینه‌ای شرکت مزبور تعیین کند و به نحو مذکور ردیف و محل اعتبارات شرکت تابعه را تعیین و تخصیص دهد. در حقیقت از سیاق

نگارش این بند این گونه استفاده می‌گردد که عمل قانون‌گذار در اینجا ماهیت بودجه‌نویسی دارد، نه قانون‌گذاری؛ این در حالی است که مطابق اصل (۵۲) قانون اساسی، بودجه‌ی سالانه‌ی کل کشور به ترتیبی که در قانون مقرر می‌شود از طرف «دولت» تهیه و برای رسیدگی و تصویب به مجلس شورای اسلامی تسلیم می‌گردد. بنابراین از آن جهت که در این طرح مصوب، به موجب بند (الف)، در حقیقت نمایندگان مجلس به جای دولت، اقدام به تهیه، تعیین و تنظیم ردیف بودجه و تخصیص منابع مالی شرکت تابعه وزارت نفت کرده‌اند، این بند از مصوبه، مغایر اصل (۵۲) قانون اساسی است.

ب) در بند (الف) ماده (۱) این مصوبه، اختصاص سهمی از ارزش نفت (نفت خام، میعانات گازی و خالص گاز طبیعی) صادراتی و مبالغ حاصل از فروش داخلی که در قوانین بودجه سنواتی تعیین می‌گردد، به عنوان سهم شرکت تابعه ذی‌ربط وزارت نفت، از جهت عدم تصریح به واریز به خزانه کل کشور، مغایر با اصل (۵۳) قانون اساسی است؛ زیرا مطابق این اصل، کلیه‌ی دریافت‌های دولت می‌بایست در حساب‌های خزانه‌داری کل کشور متمرکز شود.

ج) مطابق اصل (۷۵) قانون اساسی، اگر طرح‌های قانونی نمایندگان منجر به تقلیل درآمد عمومی گردد، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران کاهش درآمد معلوم شده باشد. با این حال، بند (الف) ماده (۱) این مصوبه که به صورت طرح تقدیم مجلس شده است، اشعار می‌دارد که مالیات آنچه که تحت عنوان سهمی از ارزش نفت صادراتی و مبالغ حاصل از فروش داخلی به عنوان سهم شرکت تابعه ذی‌ربط وزارت نفت، بابت کلیه‌ی مصارف سرمایه‌ای و هزینه‌ای شرکت مزبور تعیین شده، با نرخ صفر محاسبه می‌شود. این حکم، در حقیقت به معنای معاف نمودن این شرکت از پرداخت مالیات است که در عمل منجر به تقلیل درآمد عمومی می‌شود و از آنجا که در این مصوبه، طریق جبران این کاهش درآمد مشخص نشده است، این بند از مصوبه با اصل (۷۵) قانون اساسی مغایرت دارد.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) آنچه در بند (الف) ماده (۱) مصوبه مزبور آمده، بودجه‌نویسی، تخصیص منابع مالی دولت و تعیین میزان اعتبارات ردیف‌های بودجه نیست، بلکه تعیین قالب ثابت برای نحوه و روش بودجه‌نویسی و تخصیص اعتبارات از سوی دولت به صورت تعیین سهمی از ارزش معادل است. در واقع همان‌گونه که در اصل (۵۲) قانون اساسی نیز مورد تأکید قرار گرفته، دولت باید بودجه سالانه کل کشور را به ترتیبی که در «قانون»، از جمله قانون برنامه و بودجه کشور ۱۳۵۱، مقرر است تهیه و تنظیم کند. آنچه در این بند مورد اشاره قرار گرفته، همان ترتیبات قانونی موضوع اصل (۵۲) است که به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است. بنابراین، بند مزبور، از آن

جهت که ماهیت آن، بودجه‌نویسی و تخصیص منابع مالی دولت نیست و صلاحیت دولت در تهیه و تنظیم بودجه سنواتی را محدود نکرده است، مغایرتی با اصل (۵۲) قانون اساسی ندارد.

ب) مطابق اصل (۵۱) قانون اساسی، وضع هرگونه مالیات و همچنین موارد معافیت و بخشودگی و تخفیف مالیاتی به موجب «قانون» است. تقلیل درآمد دولت از محل اخذ مالیات زمانی قابل تصور است که نهادی به موجب قانون سابق و دائمی، مکلف به پرداخت مالیات بوده و هم اکنون و به موجب طرح لاحق از پرداخت مالیات معاف شود. نتیجه‌ی چنین طرحی کاهش درآمد عمومی دولت و الزام به تعیین محل جبران آن به موجب اصل (۷۵) قانون اساسی خواهد بود. از آنجا که در بودجه‌ی سنواتی سال‌های گذشته‌ی کل کشور، سهم شرکت تابعه ذی‌ربط وزارت نفت از ارزش نفت صادراتی و مبالغ حاصل از فروش داخلی، معاف از مالیات بوده و از این سهم، مالیاتی اخذ نمی‌شده است، لذا عملاً درآمدی نیز از این باب برای کشور و دولت حاصل نمی‌گردیده تا هم‌اینک با معافیت مندرج در بند (الف) ماده (۱) این مصوبه، درآمدهای عمومی دولت کاهش یابد. بنابراین، محاسبه‌ی صفر مالیاتی برای سهم این شرکت‌ها از ارزش نفت صادراتی و مبالغ حاصل از فروش داخلی، منجر به تقلیل درآمد عمومی نشده و عدم تعیین طریق جبران کاهش درآمد در بند مذکور، مغایرتی با اصل (۷۵) قانون اساسی ندارد. از سوی دیگر، مجلس شورای اسلامی مطابق با اصل (۵۱) قانون اساسی، صلاحیت اعطای معافیت مالیاتی به افراد و شرکت‌ها را با تصویب قانون دارا است؛ لذا اعطای معافیت به شرکت‌های مزبور نیز به موجب این مصوبه‌ی قانونی، فاقد اشکال است.

نظر شورای نگهبان

بند (الف) ماده (۱)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۱-

الف- ...

۱- قیمت نفت صادراتی از مبادی اولیه، قیمت معاملاتی یک بشکه نفت صادراتی از مبادی اولیه در هر محموله است و قیمت نفت صادراتی عرضه‌شده در بورس، متوسط قیمت صادراتی از مبادی اولیه در یک ماه شمسی است و همچنین برای نفت تحویلی به پالایشگاه‌های داخلی و مجتمع‌های پتروشیمی اعم از دولتی و خصوصی، نود و پنج درصد (۹۵٪) متوسط بهای محموله‌های صادراتی نفت مشابه در هر ماه شمسی است.

۲- ...

دیدگاه ابهام

مطابق با اصل (۵۳) قانون اساسی کلیه دریافت‌های دولت در حساب‌های خزانه‌داری کل متمرکز می‌شود و همه پرداخت‌ها نیز باید در حدود اعتبارات و به موجب قانون انجام گیرد. عبارت «شرکت تابعه ذی‌ربط وزارت نفت» از جهت مصداق و مفهوم، واجد ابهام است؛ زیرا اطلاق واژه‌ی «شرکت» شامل شرکت‌های تابعه وزارت نفت - موضوع ماده (۴) قانون نفت مصوب ۱۳۶۶/۷/۹^(۱) - که تاکنون اساسنامه‌ی آنها به تصویب نرسیده است نیز می‌شود و از این جهت، ماهیت این شرکت‌ها و روابط مالی آنها با دولت مشخص نیست؛ چه آنکه در صورتی که ماهیت شرکت‌های مذکور، غیر دولتی باشد، تعیین رابطه‌ی مالی آنها با دولت و پرداخت سهم آنها از طریق خزانه‌داری کل، مغایر اصل (۵۳) قانون اساسی است. لذا باید ماهیت شرکت‌های تابعه مشخص شود تا بتوان نسبت به رابطه‌ی مالی تعریف‌شده در جزء (۱) بند (الف) این مصوبه، از جهت مغایرت یا عدم مغایرت با اصل (۵۳) قانون اساسی اظهار نظر کرد.

نظر شورای نگهبان

جزء (۱) بند (الف) ماده (۱)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۱-

الف- ...

۴- تبصره بند (ب) ماده (۱) قانون هدفمندکردن یارانه‌ها^(۲) به شرح زیر اصلاح می‌شود:

۱. ماده (۴) قانون نفت مصوب ۱۳۶۶/۷/۹: «ماده ۴- وزارت نفت برای انجام عملیات نفتی و بهره‌برداری در سراسر کشور و فلات قاره و دریاها می‌تواند شرکت‌هایی را تأسیس نماید. اساسنامه‌های شرکت‌های نفت و گاز و پتروشیمی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی به مورد اجرا گذارده خواهد شد. تصویب اساسنامه‌های سایر شرکت‌ها با هیئت وزیران خواهد بود.

تبصره- وزارت نفت مکلف است از تاریخ تصویب این قانون، اساسنامه‌های شرکت‌های نفت، گاز و پتروشیمی را ظرف مدت یک سال جهت تصویب به مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید.»

۲. تبصره بند (ب) ماده (۱) قانون هدفمندکردن یارانه‌ها مصوب ۱۳۸۸/۱۰/۱۵: «ماده ۱- دولت مکلف است با رعایت این قانون، قیمت حامل‌های انرژی را اصلاح کند:

الف- ...

ب- میانگین قیمت فروش داخلی گاز طبیعی به‌گونه‌ای تعیین شود که به تدریج تا پایان برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، معادل حداقل هفتاد و پنج درصد (۷۵٪) متوسط قیمت گاز طبیعی صادراتی پس از کسر هزینه‌های انتقال، مالیات و عوارض شود.

تبصره- جهت تشویق سرمایه‌گذاری، قیمت خوراک واحدهای صنعتی، پالایشی و پتروشیمی برای مدت حداقل ده

←

تبصره- وزارت نفت مکلف است قیمت خوراک گاز و خوراک مایع تحویلی به واحدهای صنعتی، پالایشی و پتروشیمی‌ها را با رعایت معیارهای زیر تعیین کند:

۱- متناسب با معدل وزنی درآمد حاصل از فروش گاز و یا مایع تحویلی برای سایر مصارف داخلی، صادراتی و وارداتی، قیمت محصول با حفظ قابلیت رقابت‌پذیری محصولات تولیدی در بازارهای بین‌المللی و بهبود متغیرهای کلان اقتصادی

۲- ایجاد انگیزش و امکان جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی

۳- اعمال تخفیف پلکانی تا سی درصد (۳۰٪) با انعقاد قرارداد بلندمدت برای واحدهایی که بتوانند جهت تأمین مواد اولیه واحدهای پتروشیمی داخلی که محصولات میانی و نهایی تولید می‌کنند و زنجیره ارزش افزوده را افزایش دهند. در این قرارداد بنگاه‌هایی که در مناطق کمتر توسعه‌یافته راه‌اندازی می‌شوند، از تخفیف بیشتری برخوردار می‌گردند.

در صورت قطع یا کاهش خوراک گاز و خوراک مایع واحدهای مشمول این تبصره خارج از قرارداد و با اراده دولت، وزارت نفت مکلف است برابر ماده (۲۵) قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار مصوب ۱۳۹۰/۱۱/۱۶^(۱) خسارت وارده را از محل خوراک تحویلی در مراحل بعدی جبران کند.



سال پس از تصویب این قانون، هر متر مکعب حداکثر شصت و پنج درصد (۶۵٪) قیمت سبد صادراتی در مبدأ خلیج فارس (بدون هزینه انتقال) تعیین می‌گردد.»

۱. ماده (۲۵) قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار مصوب ۱۳۹۰/۱۱/۱۶: «ماده ۲۵- در زمان کمبود برق، گاز یا خدمات مخابرات، واحدهای تولیدی صنعتی و کشاورزی نباید در اولویت قطع برق یا گاز یا خدمات مخابرات قرار داشته باشند و شرکت‌های عرضه‌کننده برق، گاز و خدمات مخابرات موظفند هنگام عقد قرارداد با واحدهای تولیدی اعم از صنعتی، کشاورزی و خدماتی، وجه التزام قطع برق یا گاز یا خدمات مخابرات را در متن قرارداد پیش‌بینی کنند. هرگاه دولت به دلیل کمبودهای مقطعی به شرکت‌های عرضه‌کننده برق یا گاز یا خدمات مخابرات دستور دهد موقتاً جریان برق یا گاز یا خدمات مخابراتی واحدهای تولیدی متعلق به شرکت‌های خصوصی و تعاونی را قطع کنند، موظف است نحوه جبران خسارت‌های وارده به این شرکت‌ها ناشی از تصمیم فوق را نیز تعیین و اعلام کند. آیین‌نامه اجرایی این ماده توسط وزارتخانه‌های صنعت، معدن و تجارت، جهاد کشاورزی، نفت، نیرو و ارتباطات و فناوری اطلاعات تهیه می‌شود و ظرف سه ماه پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

تبصره ۱- در زمان‌های اضطراری که قطع برق یا گاز واحدهای مسکونی، جان شهروندان را به خطر اندازد، شورای تأمین استان محل ایجاد اضطرار می‌تواند برای حداکثر دو روز که قابل تمدید است، حکم این ماده را نقض کند و دستور دهد بدون تعیین نحوه جبران خسارت‌های وارده، برق یا گاز واحدهای تولیدی قطع شود. در جلسه تصمیم‌گیری در این باره، باید نمایندگان اتاق‌های مرکز استان برای استماع نظراتشان دعوت شوند.

تبصره ۲- شرکت‌های عرضه‌کننده برق و گاز موظفند ضمن هماهنگی با شرکت‌های بیمه، امکان خرید بیمه‌نامه پوشش‌دهنده خسارات ناشی از قطع برق یا گاز را برای واحدهای تولیدی مشترک خود فراهم آورند.»

در خرید محصولات پتروشیمی توسط یا به دستور دولت، قیمت بورس مبنای عمل است و یارانه مورد نظر دولت برای مصرف‌کنندگان داخلی در اختیار دستگاه ذی‌ربط قرار می‌گیرد.

آیین‌نامه این تبصره مشتمل بر تخفیفات پلکانی و نحوه جبران خسارت، دامنه صنایع مشمول و چهارچوب قراردادهای بلندمدت و سایر ضوابط مربوطه توسط وزارتخانه‌های نفت، صنعت، معدن و تجارت و امور اقتصادی و دارایی حداکثر ظرف مدت شش ماه پس از ابلاغ این قانون تهیه می‌شود و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

دیدگاه مغایرت

بند (۳) مصوبه‌ی مزبور به وزارت نفت این اختیار را داده است که جهت تعیین قیمت خوراک گاز و خوراک مایع تحویلی به واحدهای صنعتی، پالایشی و پتروشیمی‌ها، تا سقف سی درصد (۳۰٪) برای واحدهایی که مواد اولیه‌ی واحدهای پتروشیمی داخلی را تأمین می‌کنند، تخفیف پلکانی اعمال کند، ضمن اینکه پیش‌بینی شده است که اعمال چنین تخفیفی برای بنگاه‌هایی که در مناطق کمترتوسعه‌یافته راه‌اندازی می‌شوند، بیشتر خواهد بود. با توجه به اینکه اعمال تخفیفات مزبور، منجر به کاهش درآمد عمومی دولت می‌شود، مطابق با اصل (۷۵) قانون اساسی، باید در این مصوبه طریق جبران کاهش درآمدهای مزبور مشخص و معلوم بشود. از آنجا که طریق جبران این کاهش درآمد دولت، معین و معلوم نشده است، این مصوبه مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

طبق بند (ب) ماده (۱) قانون هدفمندکردن یارانه‌ها مصوب ۱۳۸۸/۱۰/۱۵، مقرر شده است که میانگین قیمت فروش داخلی گاز طبیعی باید به‌گونه‌ای تعیین شود که به تدریج تا پایان برنامه‌ی پنجم توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، معادل حداقل هفتاد و پنج درصد (۷۵٪) متوسط قیمت گاز طبیعی صادراتی، پس از کسر هزینه‌های انتقال، مالیات و عوارض شود. این بند از قانون هدفمندکردن یارانه‌ها، در واقع مبنای تعیین قیمت گاز طبیعی را مشخص کرده است. آنچه در بند (۳) مصوبه‌ی مزبور، مبنی بر امکان اعمال تخفیف پلکانی تا سی درصد (۳۰٪) برای برخی واحدهای صنعتی، پالایشی و پتروشیمی پیش‌بینی شده است، در حقیقت تنظیم ضوابطی است برای دادن مشوق‌های انگیزشی به برخی فعالیت‌های صنعتی که قبلاً نیز وجود داشته و در این مصوبه اصلاح گردیده است. لذا این موضوع تأثیری در تقلیل درآمد عمومی دولت نخواهد داشت. ضمن اینکه کاهش درآمد دولت، زمانی قابل تصور است که از درآمد بالفعل دولت، میزانی کاسته شود؛ این در حالی است که این اعمال تخفیف و تعیین قیمت در این ماده،

خود منشأ درآمد اولیه‌ی دولت است. بنابراین، اعمال تخفیفات موضوع بند (۳) ماده‌ی مزبور، اساساً منجر به کاهش درآمد دولت نمی‌شود تا بخواهیم مطابق با حکم اصل (۷۵) قانون اساسی، محل جبران این تقلیل درآمد دولت را معین و مشخص کنیم. لذا ماده‌ی مزبور مغایرتی با اصل (۷۵) قانون اساسی ندارد.

نظر شورای نگهبان

جزء (۴) بند (الف) ماده (۱)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۱- ...

ب- وزارت نفت از طریق شرکت دولتی تابعه ذی‌ربط، مکلف است دریافتی‌های حاصل از صادرات نفت خام و میعانات گازی اعم از صادرات هر سال و سال‌های قبل به هر صورت را پس از کسر بازپرداخت تعهدات بیع متقابل به‌عنوان علی‌الحساب پرداخت‌های موضوع این ماده بلافاصله از طریق حساب‌های مورد تأیید بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به حساب‌های مربوط در خزانه‌داری کل کشور واریز نماید.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلف است از وجوه حاصله هر ماه به‌طور متناسب، سهم وزارت نفت از طریق شرکت دولتی تابعه ذی‌ربط (با احتساب بازپرداخت‌های بیع متقابل)، سهم صندوق توسعه ملی و سهم درآمد عمومی دولت را که به‌موجب قانون تعیین می‌شود، پس از فروش مبالغ ارزی به نرخ‌ی که ضوابط آن را شورای پول و اعتبار مشخص می‌کند به حساب مربوط نزد خزانه‌داری کل کشور و مازاد آن را به حساب ذخیره ارزی واریز نماید.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلف است سهم وزارت نفت از طریق شرکت دولتی تابعه ذی‌ربط را به حساب‌های آن شرکت مورد تأیید خزانه‌داری کل کشور در داخل و مورد تأیید آن بانک در خارج از کشور برای پرداخت به پیمانکاران، سازندگان و عرضه‌کنندگان مواد و تجهیزات مربوط به‌طرف قرارداد و هزینه‌های جاری ارزی شرکت واریز و برای قراردادهای تسهیلات مالی خارجی توثیق نماید.

ج- ...

دیدگاه مغایرت

الف) بند (ب) این مصوبه، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران را مکلف کرده است که سهم وزارت نفت از طریق شرکت دولتی تابعه ذی‌ربط را به حساب‌های آن شرکت واریز و برای

قراردادهای تسهیلات مالی خارجی توثیق نماید. توثیق برای تسهیلات مالی خارجی مستلزم انعقاد قرارداد با اشخاص خارجی است. مطابق با اصل (۷۷) قانون اساسی، عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادهای و موافقتنامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد. بنابراین، از آنجا که بند مزبور، بدون تصویب مجلس شورای اسلامی، به بانک مرکزی صلاحیت انعقاد قرارداد خارجی اعطا کرده است، مغایر با اصل (۷۷) قانون اساسی است.

ب) مطابق بند (۱) اصل (۱۱۰) قانون اساسی، تعیین سیاست‌های کلی نظام پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام با مقام معظم رهبری است. به موجب بند (۱-۲۲) سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه،^(۱) سالانه می‌بایست حداقل ۲۰ درصد از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز و فرآورده‌های نفتی به صندوق توسعه ملی واریز شود؛ این در حالی است که صدر بند (ب) ماده (۱) این مصوبه، سهم صندوق توسعه ملی را صرفاً از محل دریافتی‌های حاصل از صادرات نفت خام و میعانات گازی دانسته است. بنابراین با توجه به عدم تصریح به واریز بخشی از منابع حاصل از فرآورده‌های نفت (که این فرآورده‌ها به جز نفت خام و میعانات گازی هستند) به عنوان سهم صندوق ملی، بند (ب) ماده (۱) این مصوبه، مغایر با سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه مصوب ۱۳۸۷ و در نتیجه مغایر با بند (۱) اصل (۱۱۰) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) تکلیف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به توثیق تسهیلات مالی خارجی شرکت تابعه ذی‌ربط وزارت نفت، ناظر بر انجام قراردادهای تجاری و اجرایی است و نمی‌توان آنها را مقاوله‌نامه، عهدنامه و یا قرارداد بین‌المللی موضوع اصل (۷۷) قانون اساسی محسوب کرد تا نیازمند تصویب مجلس شورای اسلامی باشد؛ زیرا قراردادهای بین‌المللی موضوع اصل (۷۷) قانون اساسی، مشتمل بر تعهدات کلی و گسترده میان دولت‌ها است. بنابراین، توثیق مالی تسهیلات خارجی در بند مزبور، ماهیت قرارداد بین‌المللی ندارد تا واگذاری انجام آن به بانک مرکزی، مغایرتی با اصل (۷۷) قانون اساسی داشته باشد.

۱. مقام معظم رهبری در بخش مربوط به امور اقتصادی سیاست‌های کلی برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه که در تاریخ ۱۳۸۷/۱۰/۲۱ ابلاغ گردید، ذیل بند (الف) این سیاست‌ها در خصوص نفت و گاز ابلاغ فرمودند: «۲۲- تغییر نگاه به نفت و گاز و درآمدهای حاصل از آن، از منبع تأمین بودجه عمومی به «منابع و سرمایه‌های زاینده اقتصادی» و ایجاد صندوق توسعه ملی با تصویب اساسنامه آن در مجلس شورای اسلامی در سال اول برنامه پنجم و برنامه‌ریزی برای استفاده از مزیت نسبی نفت و گاز در زنجیره صنعتی و خدماتی و پایین‌دستی وابسته بدان با رعایت: ۱-۲۲- واریز سالانه حداقل ۲۰ درصد از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز و فرآورده‌های نفتی به صندوق توسعه ملی. ۲-۲۲-...»

ب) آنچه در صدر بند (ب) ماده (۱) این مصوبه در خصوص تکلیف وزارت نفت جهت واریز سهم صندوق توسعه ملی از محل دریافتی‌های حاصل از صادرات نفت خام و میعانات گازی آمده است نافی تکلیف مندرج در سایر مقررات از جمله بند (۱-۲۲) سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه مصوب ۱۳۸۷، پیرامون لزوم واریز حداقل ۲۰ درصد از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز و فرآورده‌های نفتی به صندوق توسعه ملی نیست؛ ضمن اینکه مقصود بند مزبور، در واقع تصریح به این نکته است که پالایشگاه‌هایی که نفت خام و میعانات گازی خوراک تحویلی خود را به بهای نود و پنج درصد (۹۵٪) قیمت تحویلی روی کشتی (فوب) در خلیج فارس از شرکت تابعه ذی‌ربط وزارت نفت خریداری می‌کنند، بابت این خرید (نه صادرات)، مشمول احکام مربوط به پرداخت به حساب صندوق توسعه ملی نمی‌باشند. بنابراین بند (ب) ماده (۱)، تغییری با سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه مصوب ۱۳۸۷ و به تبع، با بند (۱) اصل (۱۱۰) قانون اساسی ندارد.

نظر شورای نگهبان

بند (ب) ماده (۱)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۱- ...

د- پالایشگاه‌هایی که نفت خام و میعانات گازی خوراک تحویلی خود را به بهای نود و پنج درصد (۹۵٪) قیمت تحویلی روی کشتی (فوب) خلیج فارس از شرکت تابعه ذی‌ربط وزارت نفت خریداری می‌کنند، مشمول احکام مربوط به پرداخت سهمی از ارزش صادرات فرآورده‌های تولیدی خود به حساب صندوق توسعه ملی نمی‌باشند.

دیدگاه مغایرت

طبق بند (د) این مصوبه، پالایشگاه‌هایی که نفت خام و میعانات گازی خوراک تحویلی خود را به بهای نود و پنج درصد (۹۵٪) قیمت تحویلی روی کشتی (فوب) خلیج فارس از شرکت تابعه ذی‌ربط وزارت نفت خریداری می‌کنند، از واریز حداقل ۲۰ درصد از منابع حاصل از صادرات فرآورده‌های تولیدی خود به حساب صندوق توسعه ملی مستثنا شده‌اند. این در حالی است که به موجب بند (۱-۲۲) سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه مصوب ۱۳۸۷،^(۱) سالانه می‌بایست حداقل ۲۰ درصد از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز و فرآورده‌های نفتی به صندوق توسعه ملی واریز شود. بنابراین، از آنجا که فرآورده‌های تولیدی پالایشگاه‌ها شامل فرآورده‌های صادراتی

۱. در این زمینه، بنگرید به پاورقی پیشین.

آنها نیز می‌شود و در سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه، استثنایی در این خصوص پیش‌بینی نشده است، اطلاق حکم بند (د) این مصوبه که پالایشگاه‌ها را از پرداخت حداقل بیست درصد (۲۰٪) منابع حاصل از صادرات فرآورده‌های نفتی به صندوق توسعه ملی معاف می‌کند، مغایر سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه و در نتیجه مغایر با بند (۱) اصل (۱۱۰) قانون اساسی است که تعیین سیاست‌های کلی نظام را بر عهده‌ی مقام رهبری دانسته است.

دیدگاه عدم مغایرت

مطابق با بند (۱-۲۲) سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه مصوب ۱۳۸۷، باید سالانه حداقل بیست درصد (۲۰٪) از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز و فرآورده‌های نفتی به صندوق توسعه ملی واریز شود. مستفاد از بند مزبور آن است که کسر میزان بیست درصد (۲۰٪) و واریز به صندوق توسعه ملی، باید از مجموع و کل صادرات نفت و گاز و فرآورده‌های نفتی کشور محاسبه و انجام گیرد. کل صادرات نفت و گاز و فرآورده‌های نفتی نیز شامل مجموع محصولات صادراتی شرکت‌ها و از جمله پالایشگاه‌های نفتی در کشور است. لذا منظور از بند مزبور، کسر میزان بیست درصد (۲۰٪) از محصولات شرکت‌ها و پالایشگاه‌ها به صورت جداگانه نیست. بند (د) نیز بر این موضوع تأکید می‌کند که فرآورده‌های تولیدی پالایشگاه به صورت جداگانه مشمول حکم بند (۱-۲۲) سیاست‌های کلی برنامه توسعه پنجم، نمی‌شود. بنابراین، حکم مزبور، تنها یک بار و نسبت به کل صادرات محصولات نفتی کشور اعمال می‌شود و این‌گونه نیست که میزان بیست درصد (۲۰٪) سهم صندوق توسعه ملی، یک بار به صورت جداگانه از فرآورده‌های نفتی و صادراتی پالایشگاه‌ها کسر و یک بار نیز از کل محصولات نفتی وزارت نفت کسر گردد. بنابراین بند (د) ماده (۱) مصوبه، از این جهت مغایرتی با بند (۱-۲۲) سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه و در نتیجه بند (۱) اصل (۱۱۰) قانون اساسی نخواهد داشت.

نظر شورای نگهبان

در بند (د) ماده (۱)، از آنجا که فرآورده‌های تولیدی شامل فرآورده‌های صادراتی هم می‌شوند، مغایر بند (۱-۲۲) سیاست‌های کلی برنامه پنجم و بالتجیه مغایر بند (۱) اصل (۱۱۰) قانون اساسی می‌باشد.

ماده ۱- ...

و- در راستای اجرای بودجه عملیاتی، وزارت نفت از طریق شرکت‌های دولتی تابعه ذی‌ربط موظف است موافقتنامه‌های طرح‌های سرمایه‌ای از محل سهم خود را از

درصدهای مندرج در بودجه‌های سنواتی و سایر منابع، با معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور مبادله و گزارش عملکرد تولید نفت و گاز را به تفکیک هر میدان در مقاطع سه‌ماهه به وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور و کمیسیون‌های برنامه و بودجه و محاسبات و انرژی مجلس شورای اسلامی ارائه نماید.

دیدگاه مغایرت

مطابق اصل (۵۷) قانون اساسی قوای سه‌گانه جمهوری اسلامی ایران از یکدیگر مستقل هستند. همچنین بر اساس اصول قانون اساسی از جمله اصول (۱۳۷) و (۱۲۲)، دولت (رئیس جمهور و وزرا) تنها در برابر مجلس و نه کمیسیون‌ها و یا نمایندگان مجلس، مسئول و پاسخگو هستند. این در حالی است که بند (و) ماده (۱) این مصوبه، وزارت نفت را ملزم به ارائه‌ی گزارش عملکرد تولید نفت و گاز به تفکیک هر میدان در مقاطع سه‌ماهه به کمیسیون‌های برنامه و بودجه و محاسبات و انرژی مجلس شورای اسلامی کرده است. بر این اساس، الزام وزارت نفت و شرکت‌های دولتی تابعه به ارائه‌ی گزارش به کمیسیون‌های مجلس شورای اسلامی در این مصوبه، مغایر با اصل استقلال قوا موضوع اصل (۵۷) قانون اساسی و سایر اصول قانون اساسی است که دولت را صرفاً در مقابل «مجلس» پاسخگو می‌داند.

دیدگاه عدم مغایرت

همان‌گونه که در قانون بودجه‌ی سالانه، گزارش عملکردها به کمیسیون‌های تخصصی ارائه می‌شود، در این مصوبه نیز تکلیف وزارت نفت به ارائه‌ی گزارش عملکرد خود به کمیسیون‌های مجلس شورای اسلامی، صرفاً جنبه اطلاع‌ی داشته و به معنای نظارت بر دولت و سازمان‌های تابعه‌ی آن و پاسخگویی دولت در مقابل کمیسیون‌های مجلس و در نتیجه نقض استقلال قوا نیست. از این رو بند (و) ماده (۱)، از این جهت مغایرتی با اصل (۵۷) قانون اساسی که بر استقلال قوای سه‌گانه تأکید می‌کند، ندارد. همچنین اگر ارائه‌ی گزارش به کمیسیون‌های مجلس به منزله‌ی نظارت مجلس از طریق کمیسیون‌های مزبور باشد، این امر نیز منطبق با اصول قانون اساسی و در راستای نظارت مجلس خواهد بود.

نظر شورای نگهبان

بند (و) ماده (۱)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۱- ...

ز- مالیات بر ارزش افزوده و عوارض آب، برق و گاز با توجه به مالیات و عوارض مندرج در صورت حساب (قبوض) مصرف کنندگان و همچنین نفت تولیدی و فرآورده های وارداتی، فقط یک بار در انتهای زنجیره تولید و توزیع آنها توسط شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده های نفتی ایران (شرکت های پالایش نفت) و شرکت های دولتی تابع ذی ربط وزارت نفت و شرکت های گاز استانی و شرکت های تابع ذی ربط وزارت نیرو و شرکت های توزیع برق، آب و فاضلاب شهری و روستایی استانی بر مبنای قیمت فروش داخلی محاسبه و دریافت می شود. مالیات مزبور به حساب درآمد عمومی نزد خزانه داری کل کشور واریز و عوارض طبق ماده (۳۹) قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷ با اصلاحات بعدی آن،^(۱) توسط سازمان امور مالیاتی کشور واریز می گردد. مبنای قیمت فروش برای محاسبه عوارض آلاینده گی موضوع تبصره (۱) ماده (۳۸) قانون مالیات بر ارزش افزوده،^(۲) قیمت فروش فرآورده به مصرف کننده نهایی در داخل کشور است. پالایشگاه ها و واحدهای پتروشیمی آلاینده نیز مشمول پرداخت عوارض آلاینده گی هستند.

۱. ماده (۳۹) قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷/۲/۱۷: «ماده ۳۹- مؤدیان مکلفند عوارض و جرائم متعلق موضوع ماده (۳۸) این قانون را به حساب های رابطی که بنا به درخواست سازمان امور مالیاتی کشور و توسط خزانه داری کل کشور افتتاح می گردد و از طریق سازمان امور مالیاتی کشور اعلام می گردد، واریز نمایند ...»
۲. تبصره (۱) ماده (۳۸) قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷/۲/۱۷: «ماده ۳۸- نرخ عوارض شهرداری ها و دهیاری ها در رابطه با کالا و خدمات مشمول این قانون، علاوه بر نرخ مالیات موضوع ماده (۱۶) این قانون، به شرح زیر تعیین می گردد:

...

تبصره ۱- واحدهای تولیدی آلاینده محیط زیست که استانداردها و ضوابط حفاظت از محیط زیست را رعایت نمی نمایند، طبق تشخیص و اعلام سازمان حفاظت محیط زیست (تا پانزدهم اسفندماه هر سال برای اجرا در سال بعد)، همچنین پالایشگاه های نفت و واحدهای پتروشیمی، علاوه بر مالیات و عوارض متعلق موضوع این قانون، مشمول پرداخت یک درصد (۱٪) از قیمت فروش به عنوان عوارض آلاینده گی می باشند. حکم ماده (۱۷) این قانون و تبصره های آن به عوارض آلاینده گی موضوع این ماده قابل تسری نمی باشد. واحدهایی که در طی سال نسبت به رفع آلاینده گی اقدام نمایند، با درخواست واحد مزبور و تأیید سازمان حفاظت محیط زیست از فهرست واحدهای آلاینده خارج می گردند. در این صورت، واحدهای یادشده از اول دوره مالیاتی بعد از تاریخ اعلام توسط سازمان مزبور به سازمان امور مالیاتی کشور، مشمول پرداخت عوارض آلاینده گی نخواهند شد. واحدهایی که در طی سال بنا به تشخیص و اعلام سازمان حفاظت محیط زیست به فهرست واحدهای آلاینده محیط زیست اضافه گردند، از اول دوره مالیاتی بعد از تاریخ اعلام توسط سازمان حفاظت محیط زیست مشمول پرداخت عوارض آلاینده گی خواهند بود. عوارض موضوع این تبصره در داخل حریم شهرها به حساب شهرداری محل استقرار واحد تولیدی و در خارج از حریم شهرها به حساب تمرکز وجوه موضوع تبصره (۲) ماده (۳۹) واریز می شود تا بین دهیاری های همان شهرستان توزیع گردد.»

مشترکین خانگی روستایی و چاه‌های کشاورزی از پرداخت عوارض برق معاف می‌باشند. وزارت نیرو موظف است در قبوض مربوطه برق آن را اعمال نماید.

تبصره ۱- وجوه واریزی به عنوان عوارض سهم شهرداری‌ها و دهیاری‌ها، درآمد دولت نبوده و صد درصد (۱۰۰٪) آن بر اساس احکام قانون مالیات بر ارزش افزوده به صورت ماهانه به حساب‌های ذی‌ربط واریز می‌شود.

تبصره ۲- سازمان امور مالیاتی، خزانه‌داری کل کشور و وزارت کشور مکلفند به ترتیب، گزارش وصول درآمد، دریافتی‌ها و عملکرد موضوع این بند را در مقاطع سه‌ماهه به شورای عالی استان‌ها و کمیسیون‌های اقتصادی، برنامه و بودجه و محاسبات و شوراها و امور داخلی کشور مجلس شورای اسلامی ارائه کنند.

دیدگاه مغایرت

الف) مجلس شورای اسلامی به موجب بند مزبور، مبنای قیمت فروش برای محاسبه عوارض آلاینده‌گی موضوع تبصره (۱) ماده (۳۸) قانون مالیات بر ارزش افزوده را قیمت فروش فرآورده به مصرف‌کننده‌ی نهایی در داخل کشور تعیین کرده است، حال آنکه تعیین مبنای قیمت برای اخذ مالیات، یک موضوع مرتبط با بودجه‌نویسی است و ماهیت بودجه‌ای دارد. بودجه‌ی سالانه کل کشور نیز مطابق اصل (۵۲) قانون اساسی، به ترتیبی که در قانون مقرر می‌شود باید از طرف دولت تهیه و برای رسیدگی و تصویب به مجلس شورای اسلامی تسلیم گردد. بر این اساس، از آنجا که به موجب این بند، نمایندگان مجلس با تعیین مبنای قیمت برای اخذ مالیات، به امر بودجه‌نویسی ورود کرده‌اند، و بودجه‌نویسی هم مطابق اصل (۵۲) قانون اساسی در صلاحیت دولت است، مفاد این بند مغایر با قانون اساسی است.

ب) تبصره (۲) بند مزبور، سازمان امور مالیاتی، خزانه‌داری کل کشور و وزارت کشور را مکلف به ارائه‌ی گزارش وصول درآمد، دریافتی‌ها و عملکرد موضوع این بند در مقاطع سه‌ماهه به شورای عالی استان‌ها کرده است، حال آنکه مطابق با اصل (۱۰۱) قانون اساسی، وظیفه‌ی شورای عالی استان‌ها، مشارکت در تهیه‌ی برنامه‌های عمرانی، رفاهی استان‌ها و نظارت بر اجرای هماهنگ آنها است. به عبارت دیگر مستفاد از این اصل، صرفاً نظارت بر برنامه‌های عمرانی، رفاهی و... در سطح استان‌ها در حدود وظایف شورای عالی استان است. بر این اساس الزام دولت (سازمان امور مالیاتی، خزانه‌داری کل کشور و وزارت کشور) به ارائه‌ی گزارش به شورای عالی استان‌ها و اعمال نظارت آنها بر دولت، مغایر با اصل (۱۰۱) قانون اساسی است.

ج) مطابق اصل (۵۷) قانون اساسی قوای سه‌گانه جمهوری اسلامی ایران از یکدیگر مستقل هستند. همچنین بر اساس اصول قانون اساسی از جمله اصل (۱۲۲) و (۱۳۷)، دولت (رئیس

جمهور و وزرا) تنها در برابر مجلس و نه کمیسیون‌ها و یا نمایندگان مجلس، مسئول و پاسخگو هستند. با این وجود، در تبصره (۲) بند (ز) این مصوبه، دولت (سازمان امور مالیاتی، خزانه‌داری کل کشور و وزارت کشور) مکلف شده است که گزارش‌های مربوط به وصول درآمد، دریافتی‌ها و عملکرد موضوع بند (ز) را در مقاطع سه‌ماهه به کمیسیون‌های اقتصادی، برنامه و بودجه و محاسبات و شوراها و امور داخلی مجلس شورای اسلامی ارائه کند. از این جهت، تکلیف و الزام مقرر در این بند برای دولت نسبت به ارائۀ گزارش به کمیسیون‌های مجلس شورای اسلامی، مغایر با اصل استقلال قوا موضوع اصل (۵۷) قانون اساسی و سایر اصول قانون اساسی است که دولت را صرفاً در مقابل «مجلس» پاسخگو می‌داند.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) مجلس شورای اسلامی مطابق با بند (ز)، مبنای قیمت فروش برای محاسبه‌ی عوارض آلاینده‌ی موضوع تبصره (۱) ماده (۳۸) قانون مالیات بر ارزش افزوده را قیمت فروش فرآورده به مصرف‌کننده‌ی نهایی در داخل کشور تعیین کرده است. این تعیین مبنای قیمت برای محاسبه‌ی عوارض آلاینده‌ی، موضوعی مرتبط با امر بودجه نیست؛ زیرا آنچه در بودجه‌نویسی مطرح است تخصیص منابع و درآمدهای دولت به ردیف‌های تعیین‌شده است. این در حالی است که در بند مزبور، تنها یک معیار و ضابطه برای محاسبه‌ی عوارض آلاینده‌ی تعیین شده و به تخصیص منابع نپرداخته است. لذا بند مذکور، از این جهت که به تخصیص منابع و بودجه‌نویسی نپرداخته است، مغایرتی با اصل (۵۲) قانون اساسی ندارد. ضمن اینکه، این موضوع نیز تکرار بند (ز) تبصره (۲) قانون بودجه ۱۳۹۳ است^(۱) و دولت قبلاً آن را در لایحه‌ی بودجه به تصویب رسانده است.

ب) آنچه در تبصره (۲) بند (ز) ماده (۱) در خصوص الزام سازمان امور مالیاتی، خزانه‌داری کل کشور و وزارت کشور به ارائۀ گزارش وصول درآمد، دریافتی‌ها و عملکرد به شورای عالی استان‌ها پیش‌بینی شده است، ارتباط مستقیمی با وظایف و مسئولیت‌های نظارتی شورای عالی

۱. بند (ز) تبصره (۲) قانون بودجه سال ۱۳۹۳ کل کشور مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۶: «ز- مالیات بر ارزش‌افزوده و عوارض آب، برق و گاز با توجه به مالیات و عوارض مندرج در صورت‌حساب (قبوض) مصرف‌کنندگان و همچنین نفت تولیدی و فرآورده‌های وارداتی، فقط یک بار در انتهای زنجیره تولید و توزیع آنها توسط شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی (شرکت‌های پالایش نفت) و شرکت‌های دولتی تابعه ذی‌ربط وزارت نفت و شرکت‌های گاز استانی و شرکت‌های تابعه ذی‌ربط وزارت نیرو و شرکت‌های توزیع آب و برق استانی بر مبنای قیمت فروش داخلی محاسبه و دریافت می‌شود. مالیات مزبور به حساب درآمد عمومی نزد خزانه‌داری کل کشور واریز و عوارض طبق ماده (۳۹) قانون مالیات بر ارزش‌افزوده مصوب ۱۳۸۷/۲/۱۷ توسط سازمان امور مالیاتی کشور واریز می‌گردد. همچنین مبنای قیمت فروش برای محاسبه عوارض آلاینده‌ی موضوع تبصره (۱) ماده (۳۸) قانون مالیات بر ارزش افزوده، قیمت فروش فرآورده به مصرف‌کننده نهایی در داخل کشور است.»

استان‌ها بر نهادها و سازمان‌های حکومتی ندارد، بلکه در واقع این امر به واسطه‌ی حکم مقرر در بند (ز) و تبصره (۱) این بند و در جهت نظارت شورای عالی استان‌ها بر واریز بخشی از وجوه حاصل از عوارض و ... به‌عنوان سهم شهرداری‌ها و دهداری‌ها است. ضمن اینکه گزارش مذکور صرفاً از باب اطلاع و در راستای نظارت شورای عالی استان‌ها و ایجاد امکان، جهت برنامه‌ریزی‌های آینده در سطح استان مقرر شده است. بنابراین، تبصره (۲) بند (ز) ماده‌ی (۱)، تعابیری با اصل (۱۰۱) قانون اساسی و سایر اصول مربوط به وظایف شوراهای ندارد.

ج) همان‌گونه که در قانون بودجه‌ی سالانه، گزارش عملکرد دستگاه‌های دولتی به کمیسیون‌های تخصصی مجلس ارائه می‌شود، تکلیف وزارت نفت، سازمان امور مالیاتی کشور، خزانه‌داری کل کشور و وزارت کشور در بند (و) و تبصره (۲) بند (ز) این مصوبه در خصوص ارائه‌ی گزارش عملکرد خود به کمیسیون‌های داخلی مجلس و شورای عالی استان‌ها صرفاً جنبه‌ی اطلاعی داشته و به معنای نظارت بر دولت و سازمان‌های تابعه‌ی آن و پاسخگویی دولت در مقابل کمیسیون‌های مجلس و یا شورای عالی استان‌ها نیست تا شائبه‌ی نقض استقلال قوا به وجود آید. لذا تبصره (۲) بند مزبور، از این جهت مغایرتی با اصل (۵۷) قانون اساسی که بر استقلال قوای سه‌گانه تأکید می‌کند، ندارد. همچنین اگر ارائه‌ی گزارش به کمیسیون‌های داخلی مجلس به منزله‌ی نظارت مجلس از طریق کمیسیون‌های مزبور باشد، این امر نیز منطبق با اصول قانون اساسی و در راستای نظارت مجلس خواهد بود و از این جهت نیز این مصوبه مغایرتی با قانون اساسی نخواهد داشت.

نظر شورای نگهبان

بند مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۱- ...

بند الحاقی (۱) به ماده (۱) - دولت مکلف است سالانه معادل ریالی حداقل یک میلیارد دلار از محل فروش میعانات گازی به شرکت‌های پتروشیمی و پالایشگاه‌های داخلی در قالب بودجه عمومی را به نرخ روز محاسبه و برای توسعه حمل و نقل کشور به وزارت راه و شهرسازی اختصاص دهد.

این منابع در قالب ردیف‌های مستقل و مشخص در قوانین بودجه سنواتی درج و وجوه دریافتی به‌صورت ماهانه به این وزارتخانه پرداخت می‌شود. وزارت راه و شهرسازی مکلف است وجوه دریافتی را جهت توسعه و نگهداری راه‌ها، توسعه بنادر و راه‌های روستایی و توسعه حمل و نقل ریلی کشور هزینه کند. اعتبار موضوع این ماده در ردیف‌های مستقلی برای کمک به ردیف‌های بودجه سالانه پیوست قانون جهت اهداف مذکور منظور می‌شود.

دیدگاه مغایرت

این بند الحاقی، بدون در نظر گرفتن نوسانات بودجه‌ای و تغییرات اختصاصی، به صورت دائمی (هر سال) دولت را مکلف کرده است که معادل ریالی حداقل یک میلیارد دلار از محل فروش میعانات گازی به شرکت‌های پتروشیمی و پالایشگاه‌های داخلی را در قالب بودجه عمومی، به نرخ روز محاسبه و برای توسعه‌ی حمل و نقل کشور به وزارت راه و شهرسازی اختصاص دهد. در حقیقت از سیاق نگارش این بند، این گونه استفاده می‌گردد که عمل قانون‌گذار در اینجا ماهیت بودجه‌نویسی دارد و نه قانون‌گذاری. این در حالی است که مطابق اصل (۵۲) قانون اساسی، تهیه‌ی بودجه‌ی سالانه کل کشور به ترتیبی که در قانون مقرر می‌شود از جمله صلاحیت‌های دولت است و مجلس صرفاً حق رسیدگی و تصویب لایحه‌ی تقدیمی دولت به مجلس را دارد. بنابراین از آنجا در این بند الحاقی، در حقیقت نمایندگان مجلس اقدام به تعیین ردیف بودجه و تخصیص منابع مالی کرده‌اند، این مصوبه مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

آنچه در بند (۱) الحاقی به ماده (۱) آمده، بودجه‌نویسی، تخصیص منابع مالی دولت و تعیین میزان اعتبارات ردیف‌های بودجه نیست، بلکه تعیین قالب ثابت برای نحوه و روش بودجه‌نویسی و تخصیص اعتبارات از سوی دولت به صورت تعیین سهمی از ارزش معادل است. در واقع همان گونه که در اصل (۵۲) قانون اساسی نیز مورد تأکید قرار گرفته، دولت بودجه‌ی سالانه کل کشور را به ترتیبی که در قانون، از جمله قانون برنامه و بودجه کشور ۱۳۵۱، مقرر است تهیه و تنظیم می‌کند. آنچه در این بند مورد اشاره قرار گرفته، همان ترتیبات قانونی موضوع اصل (۵۲) است که به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است. ضمن اینکه بند (۱) الحاقی، بر اختصاص سالانه معادل ریالی حداقل یک میلیارد دلار به امر توسعه حمل و نقل کشور از طرف دولت به صورت پیش‌بینی در «بودجه سنواتی» تأکید کرده است. بنابراین، بند مزبور، از آن جهت که ماهیت آن، بودجه‌نویسی و تخصیص منابع مالی دولت نیست و صلاحیت دولت در تهیه و تنظیم بودجه سنواتی را محدود نکرده است، مغایرتی با اصل (۵۲) قانون اساسی ندارد.

نظر شورای نگهبان

... همچنین بند الحاقی یک به ماده مذکور [= ماده (۱)]، مغایر اصل (۵۲) قانون اساسی شناخته

شد.

ماده ۱- ...

بند الحاقی (۲) به ماده (۱)- دولت مکلف است با اتخاذ تدابیر لازم و رعایت قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی، سهم برداشت ایران از نفت خام، میعانات گازی و گاز از مخازن مشترک را تا ده سال آینده از زمان تصویب این قانون حداقل به میزان برداشت کشورهای دارای مخازن مشترک برساند. همچنین دولت مکلف است طی مدت مذکور ظرفیت تولید محصولات پتروشیمی را به حداقل یکصد میلیون تن در سال و ظرفیت پالایش نفت خام و میعانات گازی در داخل کشور را به حداقل پنج میلیون بشکه در روز افزایش دهد.

دیدگاه مغایرت

بند الحاقی (۲)، دولت را مکلف کرده است ضمن افزایش سهم برداشت ایران از نفت خام، میعانات گازی و گاز از مخازن مشترک، ظرفیت تولید محصولات پتروشیمی را به حداقل یکصد میلیون تن در سال و ظرفیت پالایش نفت خام و میعانات گازی در داخل کشور را به حداقل پنج میلیون بشکه در روز افزایش دهد. روشن است که این تکلیف مستلزم حجم گسترده‌ی عملیات عمرانی و توسعه‌ای در میادین نفتی و گازی و پالایشگاهی است که این امر نیز نیاز به سرمایه‌گذاری و توان مالی هنگفتی دارد که انجام آن، مآلاً افزایش هزینه‌های عمومی دولت را موجب می‌شود. بر این اساس، با توجه به اینکه مطابق با اصل (۷۵) قانون اساسی، طرح‌های نمایندگان که منجر به افزایش هزینه‌های عمومی دولت می‌شود در صورتی قابل طرح در مجلس است که طرق تأمین هزینه‌های آنها معلوم و مشخص شده باشد، مفاد این بند الحاقی، مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است؛ زیرا این مصوبه، به صورت «طرح» از سوی نمایندگان به مجلس تقدیم شده است و در آن، طرق تأمین منابع مالی و هزینه‌های اجرایی این مصوبه نیز مشخص نشده است.

دیدگاه عدم مغایرت

آنچه در بند الحاقی (۲) در خصوص الزام دولت جهت افزایش سهم برداشت ایران از نفت خام، میعانات گازی و گاز از مخازن مشترک و افزایش ظرفیت تولید محصولات پتروشیمی و ظرفیت پالایش نفت خام و میعانات گازی در داخل کشور پیش‌بینی شده است با قید رعایت قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی، صورت گرفته که لازمه‌ی آن استفاده از سرمایه‌گذاری شرکت‌های غیردولتی و انعقاد قرارداد با بخش خصوصی داخلی و خارجی در قالب عقود مختلف از جمله بیع متقابل است. ضمن اینکه اجرای موضوع این بند در چشم‌انداز ده‌ساله، نه تنها بار مالی برای دولت ندارد بلکه سود بالایی را نیز عاید دولت خواهد کرد.

بنابراین بند مزبور منجر به افزایش هزینه‌های دولت نمی‌شود تا بخواهیم محل تأمین هزینه‌های اجرایی آن را معلوم کنیم. لذا این بند، مغایرتی با اصل (۷۵) قانون اساسی ندارد.

نظر شورای نگهبان

بند الحاقی (۲) به ماده (۱)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۴- شرکت‌های دولتی موضوع مواد (۴) و (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری^(۱) و شرکت‌های دولتی موضوع بند (۳) ماده (۱۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی^(۲)، به استثنای بانک‌ها و بیمه‌های دولتی و سازمان‌های

۱. ماده (۴) و (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸: «ماده ۴ - شرکت دولتی: بنگاه اقتصادی است که به موجب قانون برای انجام قسمتی از تصدی‌های دولت به موجب سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی، ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری جزو وظایف دولت محسوب می‌گردد ایجاد و بیش از پنجاه درصد (۵۰٪) سرمایه و سهام آن متعلق به دولت می‌باشد. هر شرکت تجاری که از طریق سرمایه‌گذاری وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی و شرکت‌های دولتی منفرداً یا مشترکاً ایجاد شده مادام که بیش از پنجاه درصد (۵۰٪) سهام آن منفرداً یا مشترکاً متعلق به واحدهای سازمانی فوق‌الذکر باشد شرکت دولتی است.

تبصره ۱- تشکیل شرکت‌های دولتی تحت هر یک از عناوین فوق‌الذکر صرفاً با تصویب مجلس شورای اسلامی مجاز است. همچنین تبدیل شرکت‌هایی که سهام شرکت‌های دولتی در آنها کمتر از پنجاه درصد (۵۰٪) است با افزایش سرمایه به شرکت دولتی ممنوع است.

تبصره ۲- شرکت‌هایی که به حکم قانون یا دادگاه صالح ملی و یا مصادره شده و شرکت دولتی شناخته شده یا می‌شوند شرکت دولتی تلقی می‌گردند.

تبصره ۳- احکام «شرکت‌های دولتی» که در این قانون ذکر شده بر کلیه شرکت‌هایی که شمول قوانین و مقررات عمومی بر آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است نیز اعمال خواهد شد.

ماده ۵- دستگاه اجرایی: کلیه وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی، مؤسسات یا نهادهای عمومی غیردولتی، شرکت‌های دولتی و کلیه دستگاه‌هایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر و یا تصریح نام است از قبیل شرکت ملی نفت ایران، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، بانک مرکزی، بانک‌ها و بیمه‌های دولتی، دستگاه اجرایی نامیده می‌شوند.»

۲. بند (۳) ماده (۱۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۸: «ماده ۱۸- جهت تسهیل امر واگذاری بنگاه‌های مشمول واگذاری، از زمان تصویب فهرست بنگاه‌ها توسط هیئت واگذاری اقدامات زیر انجام می‌شود:

...

۳- به هیئت واگذاری اجازه داده می‌شود در اساسنامه و مقررات حاکم بر شرکت‌های قابل واگذاری به بخش غیردولتی (صرفاً در مدت یک سال و قابل تمدید تا دو سال) در قالب قانون تجارت در جهت تسهیل در واگذاری و اداره شرکت‌ها، اصلاحات لازم را انجام دهد. در دوره زمانی مذکور این شرکت‌ها مشمول مقررات حاکم بر شرکت‌های دولتی نیستند.»

توسعه‌ای، شامل سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران، سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران، شرکت ملی صنایع پتروشیمی و شرکت شهرک‌های کشاورزی، مشمول مقررات مواد (۳۱)، (۳۹) و (۷۶) قانون محاسبات عمومی کشور^(۱) می‌باشند و تمام درآمدهای حاصل از فروش

۱. مواد (۳۱)، (۳۹) و (۷۶) قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶/۶/۱: «ماده ۳۱- ذی‌حساب مأموری است که به موجب حکم وزارت امور اقتصادی و دارایی از بین مستخدمین رسمی واجد صلاحیت به منظور اعمال نظارت و تأمین هماهنگی لازم در اجرای مقررات مالی و محاسباتی در وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و دستگاه‌های اجرایی محلی و مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی به این سمت منصوب می‌شود و انجام سایر وظایف مشروحه زیر را به عهده خواهد داشت:

۱- نظارت بر امور مالی و محاسباتی و نگاهداری و تنظیم حساب‌ها بر طبق قانون و ضوابط و مقررات مربوط و صحت و سلامت آنها

۲- نظارت بر حفظ اسناد و دفاتر مالی

۳- نگاهداری و تحویل و تحول وجوه و نقدینه‌ها و سپرده‌ها و اوراق بهادار

۴- نگاهداری حساب اموال دولتی و نظارت بر اموال مذکور.

تبصره ۱- ذی‌حساب زیر نظر رئیس دستگاه اجرایی وظایف خود را انجام می‌دهد.

تبصره ۲- ذی‌حساب مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی موضوع ماده (۵) این قانون در مورد وجوهی که از محل درآمد عمومی دریافت می‌دارند، با حکم وزارت امور اقتصادی و دارایی و با موافقت آن دستگاه منصوب خواهند شد.

ماده ۳۹- وجوهی که از محل درآمدها و سایر منابع تأمین اعتبار منظور در بودجه کل کشور وصول می‌شود و همچنین درآمدهای شرکت‌های دولتی به استثنای بانک‌ها و مؤسسات اعتباری و شرکت‌های بیمه باید به حساب‌های خزانه که در بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران افتتاح می‌گردد تحویل شود. خزانه مکلف است ترتیب لازم را بدهد که شرکت‌های دولتی بتوانند در حدود بودجه مصوب از وجوه خود استفاده نمایند.

تبصره- در مورد شرکت‌های دولتی که قسمتی از سهام آنها به بخش غیردولتی (خصوصی و تعاونی) متعلق باشد در صورتی که اساسنامه آنها با هر یک از مواد این قانون مغایر باشد با موافقت صاحبان سهام مذکور قابل اجرا می‌باشد و در غیر این صورت مواد این قانون نسبت به سهام مربوط به بخش دولتی لازم‌الاجرا است.

ماده ۷۶- برای وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و شرکت‌های دولتی (به استثناء بانک‌ها و شرکت‌های بیمه و مؤسسات اعتباری) و واحدهای تابعه آنها در مرکز و شهرستان‌ها حسب مورد از طرف خزانه و یا نمایندگی خزانه در استان‌ها در بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و سایر بانک‌های دولتی که از طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نمایندگی داشته باشند، به تعداد مورد نیاز حساب‌های بانکی برای پرداخت‌های مربوط افتتاح خواهد شد. استفاده از حساب‌های مزبور در مورد وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی با امضاء مشترک ذی‌حساب و یا مقام مجاز از طرف او و لااقل یک نفر دیگر از مقامات مسئول و مجاز دستگاه مربوط به معرفی خزانه و یا نمایندگی خزانه در استان به عمل خواهد آمد و کلیه پرداخت‌های دستگاه‌های نامبرده منحصرأ از طریق حساب‌های مجاز خواهد بود. استفاده از حساب‌های بانکی شرکت‌های دولتی با امضاء مشترک مقامات مذکور در اساسنامه آنها و ذی‌حساب شرکت یا مقام مجاز از طرف او ممکن خواهد بود.

تبصره- مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی موضوع ماده (۵) این قانون مادامی که از محل درآمد عمومی وجهی

←

کالا و خدمات آنها به حساب‌های معرفی‌شده از سوی خزانه‌داری کل کشور واریز می‌شود تا حسب مورد طبق احکام و مقررات قانونی مربوط هزینه شود. عدم رعایت مفاد ماده (۷۶) قانون محاسبات عمومی کشور در مورد حساب‌هایی که خلاف مقررات مذکور گشایش یافته است، تصرف غیر قانونی در اموال عمومی محسوب می‌شود. بانک‌های عامل حسب اعلام بانک مرکزی و خزانه‌داری کل کشور موظفند نسبت به بستن حساب‌هایی که خلاف مقررات مذکور افتتاح شده‌اند، اقدام کنند.

دیدگاه مغایرت

الف) مطابق اصل (۵۳) قانون اساسی، کلیه‌ی دریافت‌های دولت در حساب‌های خزانه‌داری کل کشور متمرکز می‌شود و پرداخت‌ها نیز در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام می‌گیرد. ماده (۴) این مصوبه نیز در حکمی کلی همه‌ی شرکت‌های دولتی موضوع مواد (۴) و (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و شرکت‌های دولتی موضوع بند (۳) ماده (۱۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی را مشمول مقررات مواد (۳۱)، (۳۹) و (۷۶) قانون محاسبات عمومی کشور قرار داده است، تا تمام درآمدهای حاصل از فروش کالا و خدمات آنها به حساب‌های معرفی‌شده از سوی خزانه‌داری کل کشور واریز شود. با این وجود، در این ماده، برخی نهادها همچون بانک‌ها و بیمه‌های دولتی و سازمان‌های توسعه‌ای شامل سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران، سازمان صنایع کوچک و شرکت‌های صنعتی ایران، شرکت ملی صنایع پتروشیمی و شرکت شهرک‌های کشاورزی را از شمول حکم این ماده، استثنا کرده است. این امر بدین معنا است که این دستگاه‌ها و شرکت‌های دولتی از شمول مقررات مربوط به واریز درآمدهایشان به خزانه‌داری کل کشور مستثنا هستند که این امر بر خلاف مفاد اصل (۵۳) قانون اساسی است که هیچ‌گونه استثنایی برای دستگاه‌های دولتی قائل نشده است. البته بانک‌ها و بیمه‌های دولتی با توجه به اینکه سرمایه‌ی آنها در واقع همان وجوه مردم در نزد آنها است، هم اکنون نیز از واریز درآمدهایشان به خزانه‌داری کل کشور به موجب مواد (۳۹) و (۷۶) قانون محاسبات عمومی کشور مستثنا هستند، اما در خصوص بقیه‌ی شرکت‌های مذکور در این ماده، به این دلیل که این‌گونه شرکت‌ها دولتی بوده و سرمایه‌ی آنها متعلق به دولت است، نمی‌توان آنها را از اصل واریز دریافت‌ها و درآمدهایشان به خزانه‌داری



دریافت می‌دارند در مورد وجوه مذکور مشمول مقررات این ماده خواهند بود و وجوه اعتباراتی که در قانون بودجه کل کشور برای این قبیل دستگاه‌ها به تصویب می‌رسد، توسط خزانه و یا نمایندگی خزانه در استان منحصراً از طریق حساب‌های بانکی مذکور قابل پرداخت می‌باشد.»

کل کشور مستثنا کرد. همچنین اگرچه سازمان‌های توسعه‌ای، فاقد تعریف قانونی مشخصی هستند، لیکن از آنجا که اصولاً به سازمان‌هایی گفته می‌شود که به ارائه خدمات توسعه‌ای و نوسازی صنایع مختلف می‌پردازند و در بدنه‌ی حاکمیت و در قالب شرکت‌های دولتی ایجاد شده و فعالیت می‌کنند، کاملاً دولتی محسوب می‌شوند و عدم واریز درآمدهای این سازمان‌ها به خزانه‌ی کل کشور، مغایر اصل (۵۳) قانون اساسی تلقی می‌شود.

ب) مطابق اصل (۵۵) قانون اساسی، دیوان محاسبات باید به کلیه‌ی حساب‌های وزارتخانه‌ها، مؤسسات، شرکت‌های دولتی و سایر دستگاه‌هایی که به نحوی از انحاء از بودجه کل کشور استفاده می‌کنند، به ترتیبی که قانون مقرر می‌دارد رسیدگی یا حسابرسی کند تا هیچ هزینه‌ای از اعتبارات مصوب تجاوز نکرده و هر وجهی در محل خود به مصرف رسیده باشد. ماده (۴) این مصوبه با مستثنا کردن سازمان‌های توسعه‌ای، شامل سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران، سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران، شرکت ملی صنایع پتروشیمی و شرکت شهرک‌های کشاورزی از واریز درآمدهایشان به خزانه‌داری کل کشور، به نوعی باعث معافیت آنها از رسیدگی یا حسابرسی توسط دیوان محاسبات نیز شده است که از این جهت نیز این مصوبه با اصل (۵۵) قانون اساسی مغایر است.

دیدگاه عدم مغایرت

سازمان‌های توسعه‌ای شامل سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران، سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران، شرکت ملی صنایع پتروشیمی و شرکت شهرک‌های کشاورزی که در ماده (۴) از آنها یاد شده است، «شرکت» محسوب می‌شوند که واجد شخصیت حقوقی مستقل از دولت هستند و به معنای واقعی کلمه، «دولت» محسوب نمی‌شوند، تا بخواهیم آنها را به موجب اصل (۵۳) قانون اساسی ملزم به واریز درآمدهایشان به خزانه‌داری کل کشور کنیم. بنابراین، حکم مقرر در ماده (۴) در خصوص مستثنا کردن این سازمان‌ها از واریز درآمدهایشان به خزانه‌ی کل کشور، مغایرتی با اصل (۵۳) قانون اساسی ندارد.

دیدگاه ابهام

استفاده از عنوان «شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران» در ماده‌ی مزبور، به واسطه عدم تصویب اساسنامه مربوط و نامشخص بودن وضعیت حقوقی و قانونی و همچنین روابط مالی این شرکت با دولت، واجد ابهام است؛ چه آنکه در صورتی که ماهیت شرکت مذکور، غیردولتی باشد، تعیین رابطه‌ی مالی آنها با خزانه‌داری کل کشور، مغایر اصول قانون اساسی است. لذا باید ماهیت شرکت

ملی صنایع پتروشیمی ایران مشخص شود تا بتوان نسبت به رابطه مالی آن با دولت و در نتیجه مغایرت یا عدم مغایرت ماده‌ی مزبور با اصول قانون اساسی اظهار نظر کرد.

نظر شورای نگهبان

در ماده (۴)، عنوان «شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران»، همان ابهام معموله این شورا در خصوص لایحه بودجه سال‌های قبل کل کشور را دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.

ماده ۶- به دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری اجازه داده می‌شود واحدهای خدماتی و رفاهی و مجتمع‌های فرهنگی، هنری و مازاد ورزشی را از طریق برگزاری مزایده به اشخاص صاحب صلاحیت بخش‌های خصوصی، تعاونی، شهرداری‌ها و دهیاری‌ها با اولویت بخش تعاونی در شرایط برابر و در اماکن ورزشی در شرایط مساوی با اولویت فدراسیون‌های ورزشی، رده‌های مقاومت بسیج و هیئت‌های ورزشی استانی و شهرستانی به صورت اجاره واگذار نماید. نظارت بر کاربری و استانداردهای بهره‌برداری و خدمات‌رسانی این مؤسسات و همچنین رعایت حقوق صرف‌کننده به عنوان بخشی از قرارداد فی‌مابین بر عهده دستگاه اجرایی مربوط است. معادل وجوه حاصل از اجرای این ماده بر اساس ردیف‌های درآمد- هزینه‌ای که در قوانین بودجه سنواتی به صورت ملی یا استانی پیش‌بینی می‌شود، به دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط ملی یا استانی اختصاص می‌یابد تا در قالب مبادله موافقتنامه با معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور هزینه شود.

آیین‌نامه اجرایی این ماده شامل نحوه واگذاری، تعیین و واریز وجوه اجاره‌بها به درآمدهای عمومی نزد خزانه‌داری کل کشور، نحوه تعیین صلاحیت شرکت‌ها و ارائه خدمات به مصرف‌کنندگان با پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی و معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور به تصویب هیئت وزیران می‌رسد. تبصره- درآمد اماکن ورزشی اجاره داده‌شده صرفاً برای ورزش همان شهرستان هزینه می‌شود و انتقال و هزینه آن در شهرستان دیگر ممنوع است.

دیدگاه مغایرت

الف) مطابق با اصل (۵۲) قانون اساسی، بودجه‌ی سالانه کل کشور به ترتیبی که در قانون مقرر می‌شود از طرف دولت تهیه و برای رسیدگی و تصویب به مجلس شورای اسلامی تسلیم می‌گردد. ماده‌ی مزبور، به دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری اجازه داده

است که واحدهای خدماتی و رفاهی و مجتمع‌های فرهنگی، هنری و مازاد ورزشی خود را از طریق برگزاری مزایده به اشخاص صاحب صلاحیت بخش‌های خصوصی، تعاونی، شهرداری‌ها و دهیاری‌ها به صورت اجاره واگذار نمایند. همچنین تبصره‌ی این ماده نیز اشعار داشته که درآمد حاصل از اجاره‌ی اماکن ورزشی باید برای ورزش همان شهرستان هزینه شود. بر این اساس، با توجه به اینکه موضوع اجاره‌ی اماکن ورزشی و تخصیص منابع آن، امری است که ماهیت بودجه‌نویسی دارد و لذا مطابق با اصل (۵۲) قانون اساسی، انجام آن در صلاحیت دولت است، این مصوبه‌ی مجلس که این صلاحیت را از دولت اخذ و آن را به مجلس داده است، مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است. لازم به توضیح است که استفاده از عبارت «اجازه داده می‌شود» در صدر این ماده و همچنین مفاد تبصره که به صراحت الزام در تخصیص هزینه به ورزش شهرستان دارد، به معنای اختیاری بودن حکم مقرر در این ماده برای دولت نیست تا این گونه استدلال کنیم که مجلس در مقام تحمیل اقدامات بودجه‌ای به دولت نبوده و در نتیجه، ماده‌ی مزبور مغایرتی با اصل (۵۲) ندارد، بلکه در حقیقت مجلس در این طرح مصوب، در مقام تعیین صلاحیت برای دستگاه‌های اجرایی (دولت) در امر واگذاری اماکن ورزشی بوده است که از این جهت، این اقدام مجلس، محدودکننده‌ی صلاحیت دولت در تهیه و تنظیم بودجه‌ی سالانه‌ی کل کشور است.

ب) مستفاد از بند (۱) قسمت (الف) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی ابلاغی سال ۱۳۸۴^(۱) آن است که دولت موظف است هرگونه فعالیت (شامل تداوم فعالیت‌های قبلی و بهره‌برداری از آن) را که مشمول عناوین صدر اصل (۴۴) نباشد، حداکثر تا پایان برنامه پنج‌ساله چهارم (سالیانه حداقل ۲۰ درصد کاهش فعالیت) به بخش‌های تعاونی و خصوصی و عمومی غیردولتی واگذار کند. این در حالی است که در ماده‌ی مزبور، از یک طرف با استفاده از عبارت «اجازه داده می‌شود»، دولت و مجریان این قانون را در واگذاری یا عدم واگذاری فعالیت‌های اقتصادی مرقوم در آن مخیر کرده و از طرف دیگر با پیش‌بینی اجازه‌ی اجاره‌ی اماکن مزبور و نه

۱. بند (۱) قسمت (الف) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ابلاغی مورخ ۱۳۸۴/۳/۱ مقام معظم رهبری: «الف - سیاست‌های کلی توسعه بخش‌های غیردولتی و جلوگیری از بزرگ شدن بخش دولتی: ۱- دولت حق فعالیت اقتصادی جدید خارج از موارد صدر اصل (۴۴) را ندارد و موظف است هرگونه فعالیت (شامل تداوم فعالیت‌های قبلی و بهره‌برداری از آن) را که مشمول عناوین صدر اصل (۴۴) نباشد، حداکثر تا پایان برنامه پنج‌ساله چهارم (سالیانه حداقل ۲۰ درصد کاهش فعالیت) به بخش‌های تعاونی و خصوصی و عمومی غیردولتی واگذار کند. با توجه به مسئولیت نظام در حُسن اداره کشور، تداوم و شروع فعالیت ضروری، خارج از عناوین صدر اصل (۴۴) توسط دولت بنا به پیشنهاد هیئت وزیران و تصویب مجلس شورای اسلامی برای مدت معین مجاز است. اداره و تولید محصولات نظامی، انتظامی و اطلاعاتی نیروهای مسلح و امنیتی که جنبه محرمانه دارد، مشمول این حکم نیست.»

واگذاری آنها، بر خلاف سیاست‌های مزبور مبنی بر لزوم واگذاری این گونه فعالیت‌ها عمل نموده است. بنابراین ماده (۶) از این حیث، مغایر با سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی ابلاغی مقام معظم رهبری و در نتیجه مغایر با بند (۱) اصل (۱۱۰) قانون اساسی است. مطابق با بند (۱) اصل (۱۱۰) قانون اساسی، تعیین سیاست‌های کلی نظام پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام با مقام معظم رهبری است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) ذیل ماده‌ی مزبور، پیشنهاد آیین‌نامه اجرایی این ماده را که مشتمل بر نحوه‌ی واگذاری، تعیین و واریز وجوه اجاره‌بها به درآمدهای عمومی است با وزارت امور اقتصادی و دارایی و معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور دانسته که در نهایت باید به تصویب هیئت وزیران برسد. به عبارت دیگر، قانون‌گذار اجرا و سازوکار عملیاتی نمودن اجازه‌ی ناشی از این ماده، جهت اجاره‌ی اماکن مزبور را به اراده‌ی دولت واگذار کرده است. لذا تصویب این ماده علاوه بر اینکه تکلیف قطعی برای دولت ایجاد نمی‌کند باعث محدود شدن صلاحیت دولت در تهیه و تنظیم بودجه سالانه کل کشور نخواهد بود. بنابراین این ماده، مغایرتی با اصل (۵۲) قانون اساسی و صلاحیت دولت در تنظیم بودجه‌ی سالانه ندارد.

ب) اگرچه کاربرد عبارت «اجازه داده می‌شود» در متن لوایح بودجه‌ی سنواتی به معنای تصویب امری است که دولت تقاضا داده و در نتیجه برای دولت تکلیف‌آور است، اما استفاده از این عبارت در طرح‌ها و سایر مصوبات عادی، به معنای تخییر و اختیار است و متضمن الزام و تکلیف نیست. بنابراین ماده‌ی مزبور با عبارت «اجازه داده می‌شود» به دولت اختیار داده است که موضوع واگذاری اماکن را اجرا کند و از این جهت تکلیفی را متوجه دولت نکرده است و همچنان اجرا و تخصیص منابع در اختیار دولت است. لذا این ماده مغایرتی با اصل (۵۲) قانون اساسی که بر صلاحیت دولت در تهیه و تنظیم بودجه‌ی سالانه تأکید می‌کند، ندارد.

ج) هر چند که مطابق بند (۱) قسمت (الف) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ابلاغی ۱۳۸۴، دولت موظف شده است فعالیت‌های اقتصادی خود را حداکثر تا برنامه پنج‌ساله چهارم (سالانه حداقل ۲۰ درصد کاهش فعالیت) به بخش‌های تعاونی و خصوصی و عمومی غیردولتی واگذار کند، لیکن موضوع این مصوبه در اجاره دادن اماکن ورزشی در راستای تلاش برای یافتن بهترین راهکار به منظور کاهش تصدی‌گری دولت در مواردی است که بنا به دلایلی همانند فقدان صرفه‌ی اقتصادی و نبود داوطلب، امکان واگذاری برخی فعالیت‌های اقتصادی به بخش‌های غیردولتی وجود ندارد. بنابراین اجاره دادن مراکز مزبور با توجه به این شرایط، بهترین جایگزین برای واگذاری فعالیت‌های اقتصادی است که تأمین‌کننده حداکثری

اهداف مورد انتظار سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی است. لذا واگذاری اماکن ورزشی به صورت اجاره در ماده‌ی مزبور، با بند (۱) قسمت (الف) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی ابلاغی مقام معظم رهبری و مآلاً بند (۱) اصل (۱۱۰) قانون اساسی مغایرتی ندارد.

نظر شورای نگهبان

- تبصره ماده (۶)، مغایر اصل (۵۲) قانون اساسی شناخته شد.
- تذکر: در ماده (۶)، واژه «صرف‌کننده» به «مصرف‌کننده» اصلاح شود.

ماده ۷- به وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی ملی و واحدهای تابع آنها در استان‌ها، اجازه داده می‌شود در صورت نیاز به تغییر محل یا ضرورت تبدیل به احسن، درخواست تغییر کاربری اموال غیرمتقول خود را با هماهنگی وزارت امور اقتصادی و دارایی و واحدهای تابع استانی حسب مورد به دبیرخانه کمیسیون موضوع ماده (۵) قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران مصوب ۱۳۵۱ و اصلاحات بعدی آن^(۱) در هر یک از استان‌های ذی‌ربط ارسال کنند. کمیسیون موظف است در صورت عدم مغایرت با طرح‌های توسعه شهری با تشخیص دبیرخانه کمیسیون ماده (۵) ظرف مدت یک ماه پس از تاریخ تحویل درخواست، با بررسی موقعیت محل و املاک هم‌جوار و رعایت ضوابط قانونی، نسبت به صدور مجوز تغییر کاربری پس از دستور پرداخت عوارض قانونی توسط دستگاه اقدام و مصوبه کمیسیون را به دستگاه متقاضی ابلاغ نماید. استانداران موظفند بر حسن اجرای این حکم نظارت و هر سه ماه یک‌بار عملکرد آن را به وزارتخانه‌های کشور و امور اقتصادی و دارایی، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور و شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان هر یک از استان‌ها گزارش کنند. این دستگاه‌ها موظفند پس از فروش املاک مذکور از طریق مزایده عمومی، وجوه

۱. ماده (۵) قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران مصوب ۱۳۵۱/۱۲/۲۲ با اصلاحات بعدی: «ماده ۵- بررسی و تصویب طرح‌های تفصیلی شهری و تغییرات آنها در هر استان به وسیله کمیسیونی به ریاست استاندار (و در غیاب وی معاون عمرانی استانداری) و با عضویت شهردار و نمایندگان وزارت مسکن و شهرسازی، وزارت جهاد کشاورزی و سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و صنایع دستی و همچنین رئیس شورای اسلامی شهر ذی‌ربط و نماینده سازمان نظام مهندسی استان (با تخصص معماری یا شهرسازی) بدون حق رأی انجام می‌شود. تغییرات نقشه‌های تفصیلی اگر بر اساس طرح جامع شهری مؤثر باشد باید به تأیید مرجع تصویب‌کننده طرح جامع (شورای عالی شهرسازی و معماری ایران یا مرجع تعیین‌شده از طرف شورای عالی) برسد. تبصره ۱- ...»

حاصله را به درآمد عمومی نزد خزانه‌داری کل کشور واریز نمایند. خزانه‌داری کل کشور مکلف است یک هفته پس از مبادله موافقتنامه و ابلاغ تخصیص از سوی معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور، معادل وجوه واریز شده را در اختیار دستگاه اجرایی ذی‌ربط قرار دهد تا صرف جایگزینی ملک فروخته‌شده با رعایت ماده (۳۲) این قانون یا تکمیل طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای نیمه‌تمام مصوب در همان شهرستان و در سقف درآمد حاصله نماید.

تبصره- ...

دیدگاه مغایرت

الف) مطابق با اصل (۵۳) قانون اساسی، کلیه دریافت‌های دولت در حساب‌های خزانه‌داری کل متمرکز می‌شود و همه پرداخت‌ها نیز در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام می‌گیرد. مستفاد از «قانون» در این اصل نیز قانون بودجه و یا لوایح مصوب دولتی است. این در حالی است که ماده‌ی مزبور، خزانه‌داری کل کشور را ملزم کرده است معادل وجوه حاصله از فروش املاک مذکور در این ماده را به دستگاه اجرایی ذی‌ربط به منظور جایگزینی ملک فروخته‌شده با تکمیل طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای نیمه‌تمام مصوب در همان شهرستان و در سقف درآمد حاصله پرداخت کند. بر این اساس، ماده‌ی مزبور از آن جهت که دولت (خزانه‌داری کل کشور) را به پرداخت خارج از ضوابط قانون بودجه مکلف کرده است، مغایر با اصل (۵۳) قانون اساسی است.

ب) آنچه در این مصوبه در خصوص ارائه‌ی مجوز به وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی ملی و واحدهای تابع آنها در استان‌ها جهت درخواست تغییر کاربری اموال غیرمنقول خود مقرر شده است، به نوعی تعیین تکلیف نمودن برای دولت و وزارتخانه‌های آن است. این در حالی است که طبق اصل (۶۰) قانون اساسی اعمال قوه مجریه (جز در اموری که در قانون اساسی مستقیماً بر عهده رهبری گذارده شده) از طریق رئیس جمهور و وزرا است. واژه «اعمال» که در اصل (۶۰) مورد اشاره قرار گرفته، به معنی هرگونه تصدی و عملیات دولت است که قاعدتاً می‌بایست در اختیار خود قوه‌ی مجریه باشد و قوه‌ی مقننه نمی‌تواند در آن ورود و تعیین تکلیف کند. بنابراین اعطای مجوز جهت انجام امور اجرایی در این طرح نمایندگان، از آنجا که تداعی‌کننده‌ی دخالت مجلس در وظایف دولت است، با اصل (۶۰) قانون اساسی در تضاد است.

دیدگاه عدم مغایرت

هر چند مطابق با اصل (۶۰) قانون اساسی، اعمال قوه مجریه می‌بایست از طریق رئیس جمهور

و وزرا انجام پذیرد، لیکن مطابق اصل (۱۳۳) قانون اساسی، حدود اختیارات هر یک از وزرا (که در حقیقت اختیارات همان وزارتخانه است) را قانون تعیین می‌کند. بنابراین تکلیف قانونی مندرج در ماده (۷) مبنی بر اجازه به وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی ملی و واحدهای تابع آنها در استان‌ها جهت درخواست تغییر کاربری اموال غیرمنقول خود، وفق این اصل و به موجب قانون تدوین و تصویب شده و از این جهت تغایری با اصل (۶۰) قانون اساسی ندارد.

نظر شورای نگهبان

فراز دوم ماده (۷)، نظر به اینکه طبق اصل (۵۳) قانون اساسی باید همه پرداخت‌ها در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام بگیرد، بنابراین از این حیث مخالف اصل مرقوم است.

ماده ۱۱-

الف- به منظور تشویق و جلب سرمایه‌گذاران حقیقی و حقوقی بخش غیردولتی و تعاونی‌های تولیدی و تشکل‌های آب‌بران و شرکت‌های سهامی زراعی و شهرک‌های کشاورزی در امر لایروبی و احداث آب‌بندان‌ها، سدهای لاستیکی، تسریع در احداث، تکمیل و تجهیز طرح‌های شبکه‌های فرعی آبیاری و زهکشی، اجرای عملیات آب و خاک کشاورزی و روش‌های نوین آبیاری و بهینه‌سازی مصرف آب و انرژی، دستگاه‌های اجرایی ملی و استانی از محل اعتبارات طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای مربوط ذیل برنامه‌های مربوط، اعتبارات مورد نیاز احداث و تکمیل طرح‌های موصوف را به میزان تا هشتاد و پنج درصد (۸۵٪) به‌عنوان سهم دولت به‌صورت بلاعوض و مابقی به‌عنوان سهم بهره‌برداران به‌صورت نقدی یا تأمین کارگر یا تهاتر زمین یا کالای مورد نیاز در اجرای طرح پرداخت نمایند. مناطق محروم و بهره‌بردارانی که در احداث شبکه‌های اصلی آبیاری و زهکشی مشارکت نموده باشند از پرداخت سهم نقدی مشارکت در احداث شبکه‌های فرعی آبیاری و زهکشی معافند.

آیین‌نامه اجرایی این بند شامل نحوه تأمین و سهم کمک بلاعوض و اولویت‌های اجرایی و منطقه‌ای با پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های جهاد کشاورزی و نیرو و معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

ب- یک درصد (۱٪) از درآمد حاصل از صادرات نفت خام و گاز طبیعی و میعانات گازی، در راستای اهداف زیر به مدیریت عرضه و تقاضای آب کشور اختصاص می‌یابد و ارقام آن در بودجه سنواتی پیش‌بینی می‌شود:

- ۱- شیرین سازی و انتقال آب از دریاها به مناطق مرکزی
- ۲- ایجاد تأسیسات تولید همزمان برق، آب و نیز ایجاد زیرساخت‌های مربوط به استقرار مراکز جمعیتی، صنعتی و تجاری در سواحل کشور
- ۳- مدیریت و انتقال آب‌های مرزی
- ۴- تفکیک شبکه‌های آب آشامیدنی از مصارف غیرشرب و بهداشتی
- ۵- بهسازی شبکه‌های انتقال و توزیع جهت جلوگیری از تلفات و هدرروی آب‌ها
- ۶- افزایش بهره‌وری و کاهش مصارف آب کشاورزی
- ۷- اجرای سدهای مرزی و واردات آب از کشورهای هم‌جوار و اجرای طرح‌های مشترک آبی
- ۸- تولید یا خرید آب استحصالی پساب تصفیه‌شده از سرمایه‌گذاران اعم از داخلی و خارجی و آب مازاد ناشی از صرفه‌جویی حق‌آبه‌داران در بخش‌های مصرف
- ۹- تضمین خرید آب و خدمات مربوط به روش ساخت، راه‌اندازی و انتقال (BOT) یا ساخت، مالکیت و بهره‌برداری (BOO) توسط بخش خصوصی غیردولتی.
- ج- کشاورزانی که در اثر حوادث غیرمترقبه از جمله خشکسالی خسارت دیده‌اند و قادر به پرداخت حق بیمه اجتماعی در موعد مقرر نشده‌اند، از پرداخت جریمه برای مدت معذوریت معاف می‌باشند. همچنین جریمه دیرکرد تسهیلات بانکی پرداختی به کشاورزان بخشوده می‌شود.

دیدگاه مغایرت

الف) مطابق اصل (۷۵) قانون اساسی، در طرح‌هایی که نمایندگان ارائه می‌دهند چنانچه به افزایش هزینه عمومی بینجامد، می‌بایست طریق تأمین هزینه‌های جدید معلوم و معین شود. این در حالی است که احکام مقرر در این مصوبه که به صورت طرح از سوی نمایندگان به مجلس ارائه شده است، به رغم افزایش هزینه‌های عمومی، فاقد منابع مشخص و کافی برای تأمین این هزینه‌ها است. توضیح آنکه در بند (الف) ماده (۱۱)، الزام دستگاه‌های اجرایی ملی و استانی به پرداخت تا هشتاد و پنج درصد (۸۵٪) هزینه‌ی مورد نیاز احداث و تکمیل طرح‌های عمرانی به صورت بلاعوض و نیز معاف نمودن مناطق محروم و برخی بهره‌برداران دیگر از پرداخت سهم نقدی مشارکت، مستلزم افزایش هزینه‌های عمومی برای دولت است. همچنین در بند (ج) ماده (۱۱) معافیت کشاورزانی که در اثر حوادث غیرمترقبه متحمل خسارت شده‌اند از پرداخت حق بیمه و جریمه و همچنین در بند (ب) ماده (۱۱)، تکلیف دولت به تخصیص یک درصد (۱٪) از درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز به مدیریت عرضه و تقاضای آب کشور نیز مستلزم افزایش

هزینه‌های عمومی دولت است که لازم است طریق تأمین این هزینه‌ها، در این مصوبه به صورت روشن و دقیق پیش‌بینی شود. با وجود این، آنچه به عنوان منبع برای تأمین هزینه‌ها در این مصوبه پیش‌بینی شده عبارت است از: «اعتبارات طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای»، که این منبع، از آنجا که در قوانین بودجه‌ی سنواتی دارای محل مصرف مشخص است نمی‌تواند محل واقعی برای تأمین هزینه‌های اجرایی این مصوبه قلمداد شود. بر این اساس، ماده‌ی مزبور، مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است

ب) هدف اصلی تهیه‌ی لایحه بودجه سالانه، تعیین دخل و خرج یکساله‌ی کشور بر مبنای اولویت‌های مشخص است که مطابق اصل (۵۲) قانون اساسی توسط دولت تهیه می‌شود. این در حالی است که به موجب این ماده‌ی مصوب از این طرح، دولت به صورت دائمی ملزم شده است که برخی از منابع خود را به پرداخت تا هشتاد و پنج درصد (۸۵٪) هزینه‌ی مورد نیاز احداث و تکمیل برخی طرح‌های عمرانی، آن هم به صورت بلاعوض اختصاص دهد (به موجب بند (الف) ماده (۱۱)) و یک درصد (۱٪) از درآمد حاصل از صادرات نفت خام و گاز طبیعی و میعانات گازی را نیز به مدیریت عرضه و تقاضای آب کشور اختصاص دهد (به موجب بند (ب) ماده (۱۱)). این احکام به روشنی، بر بودجه‌ای بودن عبارات این ماده دلالت دارد و گویای آن است که این احکام دارای ماهیت بودجه‌ای است. بنابراین، از آنجا که طبق اصل (۵۲) قانون اساسی، بودجه‌نویسی از صلاحیت‌های دولت است، نه مجلس، این مصوبه که اختیارات بودجه‌ای دولت را محدود کرده است، مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است.

ج) مطابق با اصل (۵۳) قانون اساسی، همه پرداخت‌های دولت باید در حدود اعتبارات مصوب و به موجب قانون انجام گیرد. به عبارت دیگر، کلیه‌ی تخصیص منابع از سوی دولت باید به صورت سالانه و به موجب قانون بودجه صورت پذیرد. این در حالی است که مجلس شورای اسلامی در ماده (۱۱) به صورت دائمی اقدام به تخصیص منابع و پرداخت کمک‌های بلاعوض تا میزان هشتاد و پنج درصد (۸۵٪) برای احداث و تکمیل طرح‌ها و همچنین پرداخت یک درصد (۱٪) از درآمدهای حاصل از صادرات نفت و گاز به مدیریت عرضه و تقاضای آب کشور کرده است. بر این اساس، ماده (۱۱) از آن جهت که به پرداخت دائمی و تخصیص منابع مالی دولت و خارج از فرآیند قانون بودجه، اقدام کرده است، مغایر با اصل (۵۳) قانون اساسی است.

د) مطابق با اصل (۱۵) قانون اساسی، زبان و خط رسمی اسناد، مکاتبات و متون رسمی باید به خط و زبان فارسی باشد. از این جهت، درج عبارات انگلیسی (BOT) و (BOO) در جزء (۹) بند (ب) ماده (۱۱)، مغایر اصل (۱۵) قانون اساسی است و پیشنهاد می‌شود که تلفظ آنها به صورت خط فارسی یعنی بی.او.تی و بی.او.او نگاشته شود.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) در بند (الف) ماده (۱۱)، با توجه به اینکه تکلیف دولت به پرداخت هشتاد و پنج درصد (۸۵٪) هزینه‌ی مورد نیاز احداث و تکمیل برخی طرح‌های عمرانی به صورت بلاعوض مستلزم بار مالی برای دولت بوده است، نمایندگان مجلس به صراحت، محل تأمین هزینه‌های اجرایی آن را در این مصوبه مشخص کرده‌اند و بیان کرده‌اند که از محل «اعتبارات طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای مربوط ذیل برنامه‌های مربوط» هزینه‌های اجرایی این مصوبه تأمین شود. ضمن اینکه مستفاد از این اعتبارات، منابع مالی است که قبلاً مشخص و به تصویب رسیده‌اند. بنابراین، ماده‌ی مزبور مغایرتی با اصل (۷۵) قانون اساسی ندارد.

ب) در قسمت (الف) ماده (۱۱)، دولت مکلف به پرداخت تا هشتاد و پنج درصد (۸۵٪) هزینه‌ی مورد نیاز احداث و تکمیل طرح‌های عمرانی به صورت بلاعوض از محل اعتبارات طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای شده است. از آنجا که تعیین این اعتبارات، مصوب مجلس شورای اسلامی است، در نتیجه پرداخت‌های مذکور از خزانه‌داری کل کشور برای مصارف مشخص‌شده در این بند نیز در حدود قانون و مصوبات صورت خواهد گرفت. بنابراین، بند مزبور، مغایرتی با اصل (۵۳) قانون اساسی که بر لزوم ابتدای همه‌ی پرداخت‌های دولت در حدود اعتبارات مصوب و به موجب قانون تأکید می‌کند، ندارد.

ج) با توجه به اینکه ترجمه‌ی فارسی عبارات (BOT) و (BOO) به ترتیب به صورت «ساخت، راه‌اندازی و انتقال» و «ساخت، مالکیت و بهره‌برداری» در جزء (۹) بند (ب) ماده (۱۱) آورده شده است، به نظر می‌رسد که موضوع اصل (۱۵) قانون اساسی در خصوص رعایت زبان فارسی در متون و اسناد رسمی انجام شده است و ماده‌ی مزبور از این جهت مغایرتی با اصل (۱۵) قانون اساسی ندارد.

نظر شورای نگهبان

بند (الف) ماده (۱۱)، مغایر اصول (۵۲)، (۵۳) و (۷۵) قانون اساسی شناخته شد. همچنین بند (ب) این ماده، مغایر اصول (۵۲) و (۷۵) قانون اساسی می‌باشد. به علاوه بند (ج) این ماده نیز مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی است.

ماده ۱۲- به وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات اجازه داده می‌شود با تصویب هیئت وزیران درصدی از درآمدهای حاصل از تکالیف مقرر در پروانه اپراتورها را جهت تحقق اهداف و برنامه‌های خدمات عمومی اجباری و پایه با اولویت روستایی و شهرهای زیر ده

هزار نفر جمعیت، از محل ردیف‌های پیش‌بینی شده در قوانین بودجه سنواتی به صورت درآمد- هزینه و در صورت لزوم با استفاده از مشارکت اپراتورها به مصرف برساند. به منظور تحقق اهداف این ماده و توسعه بخش ارتباطات و فناوری اطلاعات و تحقق دولت الکترونیک، به وزارتخانه مذکور اجازه داده می‌شود منابع یادشده را بر اساس مفاد موافقتنامه متبادله در طرح‌های توسعه‌ای و کمک‌های فنی و اعتباری هزینه کند.

دیدگاه مغایرت

الف) در ماده‌ی مزبور به وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات اجازه داده شده است که جهت تحقق اهداف و برنامه‌های خدمات عمومی اجباری و پایه، با اولویت روستایی و شهرهای زیر ده هزار نفر، هرساله درصدی از درآمدهای حاصل از تکالیف مقرر در پروانه اپراتورها را و در صورت لزوم با مشارکت اپراتورها به مصرف برساند. بدین لحاظ با توجه به اینکه اولاً تخصیص بخشی از درآمدهای دولت (حاصل از تکالیف مقرر در پروانه اپراتورها)، ماهیت بودجه‌ای دارد که باید به صورت سالانه در بودجه سنواتی و توسط دولت تعیین و تخصیص یابد؛ ثانیاً نمایندگان مجلس در این ماده، به صورت دائمی، یک امر بودجه‌ای را تصویب کرده و دولت را مکلف به لحاظ آن کرده‌اند، این مصوبه از جهت ایجاد محدودیت در اختیارات و صلاحیت‌های دولت در تنظیم و تهیه بودجه‌ی سنواتی، مغایر با اصل (۵۳) قانون اساسی است؛ چه آنکه اصل (۵۳) تأکید می‌کند که تهیه و تنظیم لایحه بودجه‌ی سنواتی در صلاحیت و اختیار دولت است.

ب) مطابق با اصل (۱۵) قانون اساسی، اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با زبان و خط فارسی باشد. از این جهت، استعمال واژه‌ی غیرفارسی «اپراتور» در ماده (۱۲)، مغایر با اصل (۱۵) قانون اساسی است. بنابراین، لازم است که معادل فارسی آن جهت رفع مغایرت ذکر گردد.

دیدگاه عدم مغایرت

آنچه در ماده (۱۲) مبنی بر اعطای مجوز به وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات جهت مصرف درصدی از درآمدهای حاصل از تکالیف مقرر در پروانه اپراتورها جهت تحقق اهداف و برنامه‌های خدمات عمومی اجباری و پایه، پیش‌بینی شده است واجد ماهیت بودجه‌نویسی نیست؛ زیرا مطابق این مصوبه، تحقق حکم مقرر در آن، مشروط به گنجانده شدن این موضوع در ردیف‌های بودجه‌ی سنواتی است که توسط دولت تهیه و تنظیم می‌شود. لذا از آن جهت که تخصیص این منابع به موجب ردیف‌های مشخص بودجه توسط دولت صورت خواهد گرفت، این ماده با اصل (۵۲) قانون اساسی مغایرتی ندارد.

نظر شورای نگهبان

در ماده (۱۲)، معادل فارسی واژه «اپراتور» ذکر گردد و الا مغایر اصل (۱۵) قانون اساسی می‌باشد.

ماده ۱۶- به وزارت آموزش و پرورش اجازه داده می‌شود درآمدهایی را که بر اساس قوانین مصوب دریافت می‌کند به استثنای درآمدهای موضوع ماده (۷) این قانون، به حساب درآمد اختصاصی که توسط خزانه‌داری کل کشور افتتاح می‌شود، واریز نماید. مازاد درآمدهای اختصاصی ادارات کل آموزش و پرورش استان‌ها در سقف اعتباراتی که برای این منظور در قوانین بودجه سنواتی پیش‌بینی می‌شود، حسب مورد به همان اداره کل آموزش و پرورش استان که درآمد کسب کرده است، اختصاص می‌یابد.

دیدگاه مغایرت

الف) در ماده‌ی مزبور، مقرر گردیده که به صورت دائمی، مازاد درآمدهای اختصاصی ادارات کل آموزش و پرورش استان‌ها در سقف اعتباراتی که برای این منظور در قوانین بودجه سنواتی پیش‌بینی می‌شود، حسب مورد به همان اداره کل آموزش و پرورش استان که درآمد را کسب کرده است، اختصاص یابد. این تکلیف قانونی واجد ماهیت بودجه‌ای است و از طرفی نیز موجب الزام دولت به رعایت تخصیص مزبور و پرداخت درآمد مازاد به ادارات کل آموزش و پرورش استان می‌شود. این در حالی است که مطابق اصل (۵۲) قانون اساسی، بودجه‌ی کل کشور باید توسط دولت و به صورت سالانه و نه دائمی تهیه شود و سپس به تصویب مجلس برسد. بنابراین، ماده‌ی مزبور از آنجا که از یک سو ماهیت بودجه‌ای دارد و از سوی دیگر با الزام دولت به رعایت مفاد آن، باعث محدود شدن اختیارات دولت در تهیه‌ی لوایح سالانه‌ی بودجه می‌شود، با اصل (۵۲) قانون اساسی مغایر است.

ب) ماده‌ی مزبور اشعار می‌دارد که وجوهی که مازاد درآمد اختصاصی ادارات کل آموزش و پرورش استان است می‌بایست حسب مورد به همان اداره کل آموزش و پرورش استان که کسب درآمد کرده است پرداخت گردد. این حکم از آن جهت که پرداخت‌های دولت به آموزش و پرورش را خارج از قانون بودجه‌ی سالانه و بر اساس قانون عادی و به صورت دائمی مقرر می‌کند، مغایر با اصل (۵۳) قانون اساسی است؛ زیرا مطابق اصل (۵۳) قانون اساسی مقرر شده که همه‌ی پرداخت‌های دولت باید در حدود اعتبارات مصوب و به موجب قانون انجام گیرد، که منظور از «قانون» هم در این اصل از قانون اساسی، قانون بودجه‌ی سالانه کل کشور است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) حکم مقرر در ذیل ماده‌ی (۱۶) مبنی بر پرداخت مازاد درآمدهای اختصاصی ادارات کل آموزش و پرورش استان به خود این ادارات، در حقیقت ناظر بر درآمدی است که این ادارات اضافه‌تر از درآمدهای پیش‌بینی شده در قوانین مصوب کسب کرده‌اند. از این جهت، اختصاص این درآمد به خود این ادارات و اختیار مصرف آن به آنها، تغییری با اصل (۵۲) قانون اساسی نداشته و ماهیت بودجه‌ای ندارد. به بیان دیگر، این مقرر تدبیری است جهت تشویق ادارات آموزش و پرورش به درآمدزایی بیشتر که به هیچ‌وجه باعث محدودیت در صلاحیت بودجه‌نویسی دولت نخواهد شد. بنابراین، ماده‌ی مزبور از آن جهت که ماهیت بودجه‌ای نداشته و باعث تحدید اختیارات دولت در تهیه‌ی بودجه سنواتی نمی‌شود، مغایر اصل (۵۲) قانون اساسی نیست.

ب) بر اساس ماده (۱۶)، مازاد درآمدهای اختصاصی ادارات کل آموزش و پرورش استان در سقف اعتباراتی که برای این منظور در قوانین بودجه سنواتی پیش‌بینی می‌شود به خودشان پرداخت می‌گردد. مطابق با اصل (۵۳) قانون اساسی همه‌ی پرداخت‌های دولت باید در حدود اعتبارات مصوب و به موجب قانون صورت گیرد. با توجه به اینکه پرداخت‌های مازادی که به موجب ماده (۱۶) به ادارات کل آموزش و پرورش استان صورت می‌گیرد، اضافه درآمد اختصاصی خود آنها است و اصولاً خارج از اعتبارات مصوب و پیش‌بینی شده‌ی دولت در قانون بودجه است، حکم ماده (۱۶) مغایرتی با اصل (۵۳) قانون اساسی ندارد.

نظر شورای نگهبان

اطلاق ماده (۱۶)، مغایر اصل (۵۲) قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۱۷- دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی دارای مجوز از شورای گسترش آموزش عالی وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سایر مراجع قانونی ذی‌ربط مجازند برای پروژه‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای دارای مجوز موضوع ماده (۳۲) این قانون که از محل درآمد عمومی تأمین اعتبار شده‌اند، حداکثر تا سقف اعتبار باقیمانده پروژه‌های طرح در برنامه‌های توسعه، نسبت به اخذ تسهیلات از بانک‌های دولتی بر اساس تضمین و تأیید معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور مبنی بر درج اعتبارات مورد نیاز برای بازپرداخت اصل و فرع تسهیلات دریافتی در لوایح بودجه سال‌های بعد اقدام کنند. دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی مجازند برای تکمیل پروژه‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای در

دست اجرا که با تصویب و تأیید هیئت امناء و از محل درآمد اختصاصی تأمین اعتبار گردیده‌اند تا سقف درآمد اختصاصی سال قبل نسبت به اخذ تسهیلات از بانک‌های دولتی اقدام و با تنفس یکساله نسبت به بازپرداخت اقساط از محل درآمد اختصاصی خود اقدام کنند. در هر صورت مانده اصل و فرع تسویه‌نشده وام‌های دریافتی نباید از سقف عملکرد درآمد اختصاصی سال گذشته بیشتر شود.

تبصره- درآمد اختصاصی ناشی از فعالیت‌های درمانی بیمارستان‌های غیر هیئت امنایی دانشگاه‌های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی مشمول این حکم نمی‌شود.

دیدگاه مغایرت

الف) مطابق با اصل (۵۲) قانون اساسی تهیه و تدوین بودجه از صلاحیت‌های دولت است. آنچه در ماده‌ی مزبور مقرر شده از جمله دائمی کردن تکلیف ارائه‌ی تسهیلات به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی از محل بانک‌های دولتی و الزام به درج اعتبارات مورد نیاز برای بازپرداخت اصل و فرع این تسهیلات در لوایح بودجه سال‌های بعد، علاوه بر اینکه ماهیت بودجه‌ای دارد، صلاحیت ذاتی و مستقل دولت در امر تدوین و تهیه بودجه را نیز خدشه‌دار کرده و باعث محدود شدن اختیارات دولت در تهیه‌ی لوایح بودجه شده است؛ زیرا دائمی کردن امور بودجه‌ای که هر سال نیازمند اتخاذ سیاست‌های مالی متفاوتِ انقباضی یا انبساطی است، محدود کردن اختیارات دولت در امر بودجه و تخصیص اعتبارات است. بنابراین، ماده‌ی مزبور از آن جهت که مشتمل بر احکام بودجه‌ای است و صلاحیت دولت در تهیه‌ی بودجه را نیز محدود کرده است، مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است.

ب) در ماده (۱۷) الزام معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور به تضمین و تأیید تسهیلات اخذشده توسط دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی و همچنین الزام بانک‌های دولتی به اعطای تسهیلات به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی به واسطه‌ی احتمال عدم بازپرداخت اقساط وام‌ها، منجر به افزایش هزینه‌های دولت می‌شود که مطابق با اصل (۷۵) قانون اساسی باید طریق تأمین هزینه‌های جدید معلوم و مشخص شوند. لذا از آن جهت که محل منابع تأمین بار مالی این ماده تعیین نشده است، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی است.

نظر شورای نگهبان

ماده (۱۷)، مغایر اصل (۵۲) قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۱۹- به هریک از وزارتخانه‌های نفت و نیرو از طریق شرکت‌های تابعه ذی‌ربط اجازه داده می‌شود مبلغی را که طبق قوانین بودجه سنواتی در قبوض گاز و برق برای هر واحد مسکونی و تجاری تعیین می‌گردد، اخذ و صرفاً جهت بیمه خسارات مالی و جانی اعم از فوت و نقص عضو و جبران هزینه‌های پزشکی ناشی از انفجار، آتش‌سوزی و مسمومیت مشترکین شهری و روستایی و سکونتگاهی عشایری گاز و برق از طریق شرکت‌های بیمه با برگزاری مناقصه اقدام کنند.

دیدگاه مغایرت

الف) مطابق با اصل (۵۲) قانون اساسی تهیه و تنظیم بودجه در صلاحیت دولت است. ماده‌ی مزبور، به وزارتخانه‌های نفت و نیرو اجازه داده است که مبلغی از قبوض آب و برق اخذ و جهت بیمه مشترکین روستایی و عشایری مصرف کنند. این دریافت‌ها و مصرف درآمدها از طریق وزارتخانه‌های مذکور یک امر بودجه‌ای است که تعیین تکلیف راجع به آنها ابتدائاً در صلاحیت دولت است. از این جهت، تخصیص درآمدهای دولت که در اینجا از طریق طرح مصوب مجلس شورای اسلامی صورت گرفته است، از آن جهت که اختیار دولت در تهیه و تنظیم سالانه‌ی بودجه را محدود می‌کند، مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است.

ب) ماده (۱۹) به هر یک از وزارتخانه‌های نفت و نیرو اجازه داده است که مبلغی را از قبوض آب و برق اخذ و به منظور بیمه‌ی خسارات مالی و جانی مشترکین شهری و روستایی و سکونتگاهی عشایری مصرف کنند. این در حالی است که مطابق با اصل (۵۳) قانون اساسی کلیه‌ی درآمدهای دولت باید در خزانه‌داری کل کشور متمرکز شود و پس از آن در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون به نهادهای مربوطه پرداخت گردد. بر این اساس، از آنجا که در ماده‌ی مزبور اجازه‌ی مصرف درآمدهای دولت را به وزارتخانه‌های مذکور، بدون واریز این درآمدها به خزانه‌داری کل کشور داده است، از جهت نقض فرآیند واریز درآمدها به خزانه و سپس پرداخت هزینه‌ها از خزانه مطابق قانون و در حدود اعتبارات مصوب، مغایر با اصل (۵۳) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

این ماده به وزارتخانه‌های نفت و نیرو اجازه داده است که مبلغی را از قبوض آب و برق اخذ کنند که مطابق با بودجه‌ی سنواتی تعیین شده باشند. به عبارت دیگر، این اخذ مبالغ و سپس مصرف آن درآمد از سوی وزارتخانه‌های نیرو و نفت باید بر اساس قانون بودجه‌ی سنواتی و به میزان مقرر در این قانون انجام شود. بنابراین، اختیارات مزبور در خصوص اخذ مبالغ و مصرف آنها برای بیمه‌ی مشترکین، مطابق قانون بودجه و در نتیجه بر اساس اصل (۵۳) قانون اساسی

صورت می‌گیرد. لذا ماده‌ی مزبور، مبتنی بر فرآیند بودجه‌نویسی و منطبق با اصول (۵۲) و (۵۳) قانون اساسی تنظیم و تصویب شده است و از این جهت، مغایرتی با اصول مذکور ندارد.

نظر شورای نگهبان

ماده (۱۹)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۲۰- شرکت‌های بیمه‌ای مکلفند معادل دو درصد (۲٪) از اصل حق بیمه شخص ثالث دریافتی از بیمه‌گذار را طی جدولی که بر اساس فروش بیمه (پرتفوی) هر یک از شرکت‌ها تعیین می‌شود و به تصویب شورای عالی بیمه می‌رسد به صورت ماهانه به درآمد عمومی نزد خزانه‌داری کل کشور واریز کنند. وجوه واریزی از محل اعتباری که سالانه در قوانین بودجه پیش‌بینی می‌شود در اختیار نیروی انتظامی قرار می‌گیرد تا بر اساس موافقتنامه متبادله با معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور در امور منجر به کاهش تصادفات هزینه شود. بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران موظف به نظارت بر اجرای این ماده است. وجوه واریزی شرکت‌های بیمه‌ای موضوع این ماده توسط شرکت‌های بیمه‌ای به‌عنوان هزینه‌های قابل قبول مالیاتی تلقی می‌شود. وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است خسارات بدنی وارده به راننده وسایل نقلیه مسبب حادثه را تحت پوشش بیمه شخص ثالث قرار دهد.

دیدگاه مغایرت

پیش‌بینی صورت گرفته در ماده (۲۰) مبنی بر پرداخت معادل دو درصد (۲٪) از اصل حق بیمه‌ی شخص ثالث دریافتی از بیمه‌گذار به نیروی انتظامی، از محل اعتباری که سالانه در قوانین بودجه پیش‌بینی می‌شود، دارای ماهیت بودجه‌ای است؛ زیرا تخصیص منبع و تعیین محل مصرف آن یک امر بودجه‌ای است که مطابق با اصل (۵۲) قانون اساسی در اختیار دولت است. بنابراین، ماده‌ی مزبور از آن جهت که باعث ایجاد محدودیت در اختیارات دولت جهت تنظیم لایحه‌ی بودجه‌ی سالانه می‌شود، مغایر اصل (۵۲) قانون اساسی است. مطابق این اصل، بودجه‌ی سالانه‌ی کل کشور می‌بایست از طرف دولت تهیه و به مجلس تقدیم گردد.

دیدگاه عدم مغایرت

طبق ماده‌ی مزبور، اعتبار پرداخت دو درصد (۲٪) حق بیمه‌ی مقرر به حساب نیروی انتظامی، می‌بایست در بودجه‌ی سنواتی پیش‌بینی شود. بنابراین از آنجا که این تخصیص اعتبار و تعیین

محل مصرف آن بر اساس قانون بودجه سنواتی انجام می‌شود و در اختیار دولت است، این مصوبه مغایرتی با اصل (۵۲) قانون اساسی ندارد. در حقیقت این ماده با تأکید بر لزوم پیش‌بینی یک اعتبار مستقل در بودجه‌ی سالانه جهت واگذاری وجوه مزبور به نیروی انتظامی، اشکال وارده مبنی بر داشتن ماهیت بودجه‌ای را برطرف کرده است.

نظر شورای نگهبان

ماده (۲۰)، مغایر اصل (۵۲) قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۲۱- مددجویان تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی کشور و واحدهای مسکن احدثی مرکز خدمات حوزه‌های علمیه برای اساتید و طلاب و روحانیون غیر شاغل فاقد مسکن که قبلاً از این مزایا استفاده نکرده‌اند از پرداخت هزینه‌های صدور پروانه ساختمانی، عوارض شهرداری و هزینه‌های انشعاب آب و فاضلاب و برق و گاز برای یک بار تا سقف الگوی مصرف معافند. همچنین فضاهای اصلی مساجد، حسینیه‌ها، مؤسسات قرآنی، دارالقرآن‌ها، حوزه‌های علمیه، گلزارهای شهدا، امامزاده‌ها، خانه‌های عالم روستاها و اماکن مذهبی اقلیت‌های دینی مصرح در قانون اساسی علاوه بر معافیت فوق از پرداخت هزینه مصارف ماهانه معاف می‌باشند. این حکم شامل اماکن تجاری وابسته به آنها نیست. اعتبارات موارد مذکور در قوانین بودجه سنواتی جهت پرداخت به دستگاه‌های ارائه‌کننده خدمات موضوع این ماده تأمین می‌شود.

دیدگاه مغایرت

الف) مطابق با اصل (۷۵) قانون اساسی طرح‌های نمایندگان که منجر به تقلیل درآمد و یا افزایش هزینه عمومی دولت می‌شود، در صورتی قابل طرح در مجلس می‌باشد که طریق جبران کاهش درآمد و یا تأمین هزینه‌های جدید معلوم شده باشد. در این مصوبه، در ماده (۲۱)، مددجویان تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی کشور و واحدهای مسکن احدثی مرکز خدمات حوزه‌های علمیه برای اساتید و طلاب و روحانیون غیر شاغل فاقد مسکن که قبلاً از این مزایا استفاده نکرده‌اند را از پرداخت هزینه‌های صدور پروانه ساختمانی، عوارض شهرداری و هزینه‌های انشعاب آب و فاضلاب و برق و گاز معاف کرده است. با این وصف، از آنجا که این معافیت باعث کاهش درآمدهای عمومی دولت شده و از طرفی نمایندگان مجلس، نحوه‌ی جبران کاهش درآمدهای عمومی را در این طرح خود پیش‌بینی نکرده‌اند، این

مصوبه با اصل (۷۵) قانون اساسی مغایرت دارد.

ب) مطابق با اصل (۵۲) قانون اساسی، بودجه‌ی سالانه کل کشور به ترتیبی که در قانون مقرر می‌شود باید از طرف دولت تهیه و برای رسیدگی و تصویب به مجلس شورای اسلامی تسلیم شود. هرگونه تغییر در ارقام بودجه نیز تابع مراتب مقرر در قانون خواهد بود. مستفاد از اصل مزبور آن است که بودجه باید ویژگی‌هایی داشته باشد: نخست آنکه چون سیاست‌های مالی دولت بسته به شرایط اقتصادی در حال تغییر است، بودجه‌نویسی و هر آنچه ماهیت بودجه‌ای دارد، باید به صورت سالانه تنظیم و تهیه شود؛ دوم آنکه بودجه باید بر اساس قانون بودجه‌نویسی که در آن چگونگی تهیه و تنظیم بودجه و بودجه‌نویسی بیان شده است، تنظیم شود؛ سوم آنکه تنظیم بودجه و بودجه‌نویسی از اختیارات و صلاحیت‌های دولت است. بر این اساس، الزام دولت به اعطای معافیت از عوارض ناشی از صدور پروانه و انشعاب آب و فاضلاب و برق و گاز و همچنین تکلیف دولت بر پیش‌بینی اعتبارات لازم برای اجرای این ماده در بودجه‌های سنواتی، با توجه به ماهیت بودجه‌ای این موضوعات، مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است. به عبارت دیگر، چون در ماده‌ی مزبور مجلس شورای اسلامی با ارائه‌ی این طرح، در امر تنظیم بودجه و اختیار بودجه‌نویسی دولت ورود کرده و به صورت دائمی موضوعاتی واجد ماهیت بودجه‌ای را به تصویب رسانده است، این ماده مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) آنچه نمایندگان مجلس در ماده (۲۱) در راستای معافیت برخی از اشخاص و نهادها از پرداخت عوارض ناشی از صدور پروانه و انشعاب آب و فاضلاب و برق و گاز مقرر کرده‌اند، باعث تقلیل درآمد عمومی نمی‌شود؛ زیرا موضوع تقلیل درآمد عمومی زمانی مطرح است که در گذشته به موجب قانون، درآمدی برای دولت وجود داشته و هم اکنون طرح جدید، مانع از کسب آن درآمد شده است. این در حالی است که در خصوص این مصوبه هنوز هیچ درآمد قطعی برای دولت وجود ندارد تا با این معافیت، کاهش یابد. بنابراین از آن جهت که این معافیت، موجب تقلیل درآمد عمومی دولت نمی‌شود، مشمول حکم موضوع اصل (۷۵) قانون اساسی و در نتیجه مغایرت با آن قرار نخواهد گرفت. این معافیت از عوارض، همانند اقدام مجلس در اعطای معافیت از مالیات برای اشخاص است که مطابق با اصل (۵۱) قانون اساسی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است.

ب) مطابق با اصل (۵۲) قانون اساسی بودجه سالانه کشور باید از سوی دولت به ترتیبی که در قانون مقرر است تهیه و تنظیم شود. اطلاق «قانون» در اصل (۵۲)، شامل هر قانونی می‌شود که در آن ترتیبات، کلیات و روش بودجه‌نویسی بیان شده باشد. آنچه در ماده‌ی مزبور مبنی بر معافیت برخی از اشخاص و نهادها از پرداخت عوارض و حق انشعاب یا الزام دولت به پیش‌بینی اعتبارات

در این خصوص مقرر گردیده است، مصداق ترتیبات و نحوه‌ی تنظیم بودجه است که به موجب قانون اساسی در قانون عادی باید وضعیت آنها مشخص شود. در واقع این مصوبه در راستای سیاست‌گذاری بودجه به تصویب مجلس رسیده است، نه تهیه و تنظیم بودجه؛ لذا در این مصوبه، مجلس به تعیین ارقام و مبالغ و تخصیص آنها در محل‌های خاص، که امری بودجه‌ای است، اقدام نکرده است تا بخواهیم ماهیت آن را بودجه‌ای بدانیم و در نتیجه از آن جهت که در صلاحیت دولت است، این مصوبه را مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی قلمداد کنیم. ماده‌ی مزبور ناظر بر سیاست‌گذاری و وضع قواعد حاکم بر نحوه‌ی بودجه‌نویسی است که با صلاحیت دولت در اصل (۵۲) قانون اساسی مغایرتی ندارد.

نظر شورای نگهبان

فراز اول ماده (۲۱)، از حیث تقلیل درآمد عمومی، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۲۲- به سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور اجازه داده می‌شود زندانیانی که به مرخصی اعزام می‌شوند یا در زندان‌های باز، مؤسسات صنعتی، کشاورزی و خدماتی اشتغال دارند و محکومان واجد شرایط را تحت نظارت و مراقبت الکترونیکی قرار دهد. برخورداری زندانیان از امتیاز مذکور و نیز صدور حکم نظارت و مراقبت الکترونیکی علاوه بر سپردن تأمین‌های مندرج در قانون آیین دادرسی کیفری منوط به تودیع ودیعه بابت تجهیزات مربوطه است. خسارت احتمالی وارده به تجهیزات مذکور از ناحیه استفاده‌کنندگان از محل ودیعه‌های مأخوذه تأمین می‌شود. تعرفه استفاده از تجهیزات مذکور هر سال توسط هیئت وزیران تعیین و توسط سازمان مذکور از استفاده‌کننده اخذ و به حساب درآمد عمومی نزد خزانه‌داری کل کشور واریز می‌گردد. دولت مکلف است صد درصد (۱۰۰٪) وجوه حاصله را از محل اعتباری که سالانه در بودجه پیش‌بینی می‌شود، بابت هزینه‌های جاری به استثنای هزینه‌های پرسنلی به سازمان یادشده اختصاص داده و پرداخت کند. زندانیانی که به تشخیص قاضی ناظر زندان یا اجرای حکم یا رئیس زندان و مؤسسه مربوط، قادر به پرداخت تمام یا بخشی از وجوه مزبور نباشند، از پرداخت آن بخش از هزینه معاف می‌باشند. آیین‌نامه اجرایی این ماده به پیشنهاد وزیر دادگستری به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

دیدگاه مغایرت

الف) مطابق با اصل (۵۲) قانون اساسی، تهیه و تنظیم بودجه‌ی سنواتی بر عهده‌ی دولت است.

از این جهت، حکم مقرر در ماده (۲۲) مبنی بر تکلیف دولت به اختصاص و پرداخت دائمی صد درصد (۱۰۰٪) وجوه حاصله از استفاده‌کنندگان از تجهیزات مراقبت الکترونیکی، به سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور بابت هزینه‌های جاری این سازمان، از مصادیق تخصیص منابع مالی است که ماهیت بودجه‌ای دارد و طبق اصل (۵۲) باید ابتکار عمل در میزان و نحوه انعکاس آن در بودجه‌ی سالانه در اختیار دولت باشد. لذا این ماده به علت ایجاد محدودیت در صلاحیت بودجه‌نویسی دولت و نقض انحصار تهیه و تدوین بودجه توسط دولت، با اصل (۵۲) قانون اساسی مغایرت دارد.

ب) مطابق با اصل (۷۵) قانون اساسی، طرح‌هایی که منجر به کاهش درآمد یا افزایش هزینه‌های عمومی دولت می‌شوند در صورتی قابل طرح در مجلس است که طریق جبران یا تأمین هزینه‌های جدید در طرح مشخص شده باشد. با این وصف، ماده (۲۲) این مصوبه، به لحاظ عدم رعایت مفاد اصل (۷۵) مغایر با این اصل از قانون اساسی است؛ زیرا اولاً این مصوبه به صورت «طرح» از سوی نمایندگان مجلس ارائه شده است؛ ثانیاً حکم مقرر در ماده (۲۲) مبنی بر معاف کردن زندانیان بی‌بضاعت از پرداخت تمام یا بخشی از تعرفه‌ی استفاده از تجهیزات مراقبت الکترونیکی مذکور در این ماده، منجر به کاهش درآمدهای عمومی دولت می‌شود؛ ثالثاً در این مصوبه، نحوه‌ی جبران کاهش درآمدهای عمومی ناشی از اجرای حکم ماده (۲۲) مشخص نشده است.

ج) واگذاری تهیه آیین‌نامه‌ی اجرایی ماده (۲۲) به وزیر دادگستری و تصویب آن به هیئت وزیران، با توجه به اشتغال این ماده بر برخی امور قضایی، مغایر با قانون اساسی است. توضیح اینکه مطابق با اصل (۱۵۷) قانون اساسی، مسئولیت انجام کلیه‌ی امور قضایی و اداری و اجرایی قوه‌ی قضائیه بر عهده‌ی رئیس قوه قضائیه است. از جمله لوازم این مسئولیت رئیس قوه‌ی قضائیه، تهیه و تصویب آیین‌نامه‌های مربوط به امور قضایی و اداری و اجرایی این قوه است که نمی‌توان انجام آن را در صلاحیت مرجع دیگری قرار داد. مفاد ماده (۲۲) علاوه بر اینکه مشتمل بر برخی امور اجرایی مرتبط با دولت است، در بردارنده‌ی امور قضایی از جمله صدور حکم نظارت و مراقبت الکترونیکی و سپردن تأمین‌های مندرج در قانون آیین دادرسی کیفری نیز هست. همچنین سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور که مخاطب و مجری اصلی حکم مقرر در این ماده است، زیرمجموعه‌ی قوه‌ی قضائیه است که اداره‌ی امور اجرایی و قضایی آن در صلاحیت این قوه است. بر این اساس، با توجه به اینکه قاعداً تهیه و تصویب آیین‌نامه‌ی اجرایی این ماده در امور قضایی باید در صلاحیت رئیس قوه قضائیه باشد، از آنجا که در ماده‌ی مزبور، به صورت مطلق تهیه‌ی آیین‌نامه‌ی اجرایی این ماده را بر عهده‌ی وزیر دادگستری و تصویب آن را در

صلاحیت هیئت وزیران قرار داده است، این حکم نسبت به امور قضایی، مغایر با اصل (۱۵۷) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) با توجه به اینکه تاکنون در نظام جمهوری اسلامی ایران سابقه‌ی اخذ وجه از زندانیان جهت اجرای احکام مزبور در این ماده وجود نداشته است، اعطای معافیت به زندانیانی که قادر به پرداخت تمام یا بخشی از این وجه را ندارند، کاهش درآمد برای دولت محسوب نمی‌شود تا بخواهیم در این طرح به استناد اصل (۷۵) قانون اساسی، محل جبران این تقلیل درآمد را معلوم و معین کنیم. ضمن اینکه از جهت شرعی و قانونی امکان اخذ چنین وجهی از زندانیان بی‌بضاعت و معسر وجود ندارد. لذا اساساً حکم مقرر در این ماده، مغایرتی با اصل (۷۵) قانون اساسی ندارد.

ب) مفاد ماده‌ی مزبور، امور مرتبط با تخصیص بودجه و تأمین منابع و چگونگی پرداخت و کمک به اجرای بودجه‌ی مصوب آن است. بدین لحاظ، این موضوع یک امر غیر قضایی، اجرایی و مرتبط با وظایف دولت و هیئت وزیران است. بنابراین، تهیه و تصویب آیین‌نامه‌ی اجرایی آن نیز در صلاحیت دولت و هیئت وزیران است. لذا پیش‌بینی پیشنهاد آیین‌نامه‌ی اجرایی ماده‌ی مزبور توسط وزیر دادگستری و تصویب این آیین‌نامه توسط هیئت وزیران، مغایرتی با اصل (۱۵۷) قانون اساسی ندارد.

نظر شورای نگهبان

- در ماده (۲۲)، تکلیف دولت به اینکه صد درصد (۱۰۰٪) وجوه حاصله در بودجه سالانه، از محل اعتباری که در بودجه سالانه پیش‌بینی می‌شود بابت هزینه‌ها اختصاص داده و پرداخت شود، مغایر اصل (۵۲) قانون اساسی شناخته شد. همچنین اطلاق تصویب آیین‌نامه توسط هیئت دولت نسبت به امور قضایی، مغایر اصل (۱۵۷) قانون اساسی است.

- تذکر: در ماده (۲۲)، عبارت «تودیع ودیعه» به «تودیع وثیقه» اصلاح گردد.

ماده ۲۳- درآمدهای حاصل از ارائه خدمات و اجازه استفاده از امکانات بازارچه‌های مشترک مرزی به حساب درآمد عمومی نزد خزانه‌داری کل کشور واریز می‌شود تا متناسب با وجوه حاصله توسط هر استان در اختیار استانداری مربوط قرار گیرد و به نسبتی معین از اعتبارات هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای که سالانه در قوانین بودجه پیش‌بینی می‌شود، صرف امور مربوط به بازارچه‌ها گردد. آیین‌نامه اجرایی این

ماده شامل نوع و نرخ تعرفه و هزینه کرد درآمد به پیشنهاد وزارت کشور و تأیید معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

دیدگاه مغایرت

الف) مفاد ماده (۲۳) این طرح در خصوص الزام دائمی دولت به تخصیص و پرداخت درآمدهای حاصل از ارائه خدمات و اجازه‌ی استفاده از امکانات بازارچه‌های مشترک مرزی به استانداری‌ها به منظور هزینه در امور مربوط به بازارچه‌ها، دارای ماهیت بودجه‌ای است که تعیین تکلیف راجع به آن باید در لوایح بودجه سالانه‌ی کل کشور انجام شود. از این جهت، این مصوبه، مغایر اصل (۵۲) قانون اساسی است؛ زیرا مطابق این اصل، وظیفه‌ی تهیه و پیش‌بینی احکام بودجه‌ی سنواتی بر عهده‌ی دولت است، نه مجلس. به عبارت دیگر، بر اساس اصل (۵۲) قانون اساسی، مجلس نمی‌تواند مقدم بر دولت اقدام به بودجه‌نویسی کند، بلکه مجلس صرفاً بررسی‌کننده‌ی لایحه‌ی تهیه‌شده از سوی دولت است. لذا ماده‌ی مزبور از این جهت که صلاحیت دولت در تهیه بودجه و بودجه‌نویسی را محدود کرده است، مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است.

ب) مطابق با اصل (۵۳) پرداخت‌های دولت باید در حدود اعتبارات مصوب و به موجب قانون باشد. با این حال، ماده (۲۳) اشعار می‌دارد که درآمدهای حاصل از ارائه خدمات و اجازه‌ی استفاده از امکانات بازارچه‌های مشترک مرزی، بدون اینکه حدود اعتبارات و ردیف آنها و میزان و سقف اعتبارات آن به موجب قانون مشخص و معین شود، به استانداری هر استان تعلق گیرد و به حساب استانداری‌ها واریز شود. بر این اساس، این ماده از جهت عدم رعایت مفاد اصل (۵۳) قانون اساسی با این اصل مغایرت دارد.

دیدگاه عدم مغایرت

ماده (۲۳) با اصل (۵۳) قانون اساسی در تغایر نیست؛ زیرا این ماده تأکید می‌کند که پرداخت درآمدهای حاصل از ارائه خدمات و اجازه‌ی استفاده از امکانات بازارچه‌های مشترک مرزی به استانداری‌ها باید بر مبنای نسبتی معین از اعتبارات هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای که سالانه در قوانین بودجه پیش‌بینی می‌شود، باشد. به عبارت دیگر، در واقع این اعتبارات هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای، مصداق اعتبارات مصوب است. لذا از آنجا که در این ماده پرداخت درآمدهای حاصل از ارائه خدمات و امکانات بازارچه‌های مشترک مرزی به استانداری‌ها در حدود اعتبارات مصوب و از ناحیه‌ی قانون مصوب مجلس است، مغایرتی با اصل (۵۳) قانون اساسی ندارد.

نظر شورای نگهبان

ماده (۲۳)، مغایر اصل (۵۲) قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۲۴- در اجرای احکام صادره از محاکم حقوقی در رابطه با محکومیت یا استرداد اموال منقول و غیرمنقول در اختیار نیروهای مسلح با تأیید ستاد کل نیروهای مسلح از ردیف اعتباری دستگاه اجرایی محکوم‌علیه برداشت می‌شود.

دیدگاه مغایرت

مطابق با اصل (۱۵۶) قانون اساسی، رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبیّه که قانون معین می‌کند، بر عهده قوه قضائیه است. با این وصف، حکم مقرر در ماده (۲۴) که اجرای احکام صادره از محاکم حقوقی در رابطه با محکومیت یا استرداد اموال منقول و غیرمنقول مربوط به نیروهای مسلح را منوط به تأیید ستاد کل نیروهای مسلح کرده است، مغایر با اصل (۱۵۶) قانون اساسی است. توضیح آنکه، هر چند که حکم مزبور در مواردی که اجرای احکام صادره منافی مسائل امنیتی و نظامی است، صحیح به نظر می‌رسد، لیکن اطلاق این حکم در شرط بودن تأیید ستاد کل نیروهای مسلح در تمامی موارد، از جمله در مواردی که اجرای احکام صادره از محاکم حقوقی، ارتباطی با مسائل امنیتی و نظامی نداشته باشد، مغایر با اصل (۱۵۶) قانون اساسی است؛ زیرا این امر موجب محدودیت صلاحیت قوه قضائیه در اجرای احکام قضایی می‌شود که مغایر با وظایف ذاتی مقرر برای قوه قضائیه در اصل (۱۵۶) قانون اساسی است.

نظر شورای نگهبان

در ماده (۲۴)، اطلاق منوط نمودن اجرای احکام صادره از محاکم حقوقی به تأیید ستاد کل نیروهای مسلح، مغایر اصل (۱۵۶) قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۲۵- افزایش اعتبار هر یک از طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای تا معادل ده درصد (۱۰٪) از محل صرفه‌جویی در اعتبارات هزینه‌ای هر دستگاه مجاز است. اعمال این حکم در مورد اعتبارات دستگاه‌ها و دارندگان ردیف منوط به پیشنهاد دستگاه‌های ذی‌ربط و تأیید معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور در سقف کل اعتبارات طرح است.

مانده وجوه مصرف نشده اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای آن دسته از طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی که عملیات اجرایی آن پایان نیافته تا زمان اتمام طرح یا پروژه به سال مالی بعد منتقل می‌شود تا به مصرف همان طرح و پروژه برسد. دستگاه‌های اجرایی مکلفند طرح‌ها و پروژه‌های مذکور را مطابق با برنامه زمان‌بندی اولیه به اتمام برسانند. دستورالعمل حسابداری مربوط به منظور نگهداری حساب‌ها در اجرای ماده (۱۲۸) قانون محاسبات عمومی کشور^(۱) توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی و دیوان محاسبات کشور تهیه می‌گردد.

دیدگاه مغایرت

الف) پیش‌بینی صورت‌گرفته در ذیل ماده (۲۵)، مبنی بر انتقال مانده وجوه مصرف نشده اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای برخی از طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی که عملیات اجرایی آن پایان نیافته است به سال مالی بعد و همچنین تصمیم‌گیری در مورد این موضوع، ماهیت بودجه‌ای داشته و بر اساس اصل (۵۲) قانون اساسی باید به صورت سالانه در لایحه بودجه توسط دولت پیشنهاد شود. بر این اساس، این ماده از آن جهت که در امور بودجه‌ای ورود کرده و بدین طریق صلاحیت و اختیارات دولت در تنظیم و تهیه ابتدایی بودجه را محدود کرده است، مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است.

ب) مطابق با اصل (۵۵) قانون اساسی، دیوان محاسبات کشور وظیفه نظارت، رسیدگی و حسابرسی به کلیه حساب‌های دولت و نهادهای وابسته به بودجه‌ای دولت و همچنین ارائه گزارش تفریغ سالانه بودجه به مجلس شورای اسلامی را بر عهده دارد. از سوی دیگر، مطابق اصل (۱۳۸) قانون اساسی، هیئت وزیران و یا هر یک از وزیران صلاحیت وضع آیین‌نامه و صدور بخشنامه در حیطه مسئولیت خویش را دارند. با این حال، مجلس در ماده‌ی مزبور، دیوان محاسبات را مکلف به تهیه دستورالعمل حسابداری برای هزینه‌های موضوع این ماده کرده است! از آنجا که واژه‌ی «تهیه» ظهور در «تصویب» دستورالعمل دارد، این مصوبه مغایر اصول (۵۵) و (۱۳۸) قانون اساسی است؛ زیرا طبق اصل (۵۵) قانون اساسی، صلاحیت دیوان محاسبات کشور کاملاً مشخص و احصاء شده است و نمی‌توان به موجب قانون عادی، وظیفه‌ی جدیدی برای این نهاد تعیین کرد. با این وصف، تصویب دستورالعمل الزام‌آور مقرر در این ماده، با توجه به اینکه خارج از صلاحیت دیوان محاسبات محسوب می‌شود، مغایر با اصل (۵۵) قانون اساسی است. در

۱. ماده (۱۲۸) قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶/۶/۱: «ماده ۱۲۸- نمونه اسنادی که برای پرداخت هزینه‌ها مورد قبول واقع می‌شود و همچنین مدارک و دفاتر و روش نگهداری حساب با موافقت وزارت دارایی و تأیید دیوان محاسبات کشور تعیین می‌شود و دستورالعمل‌های اجرایی این قانون از طرف وزارت مزبور ابلاغ خواهد شد.»

مقابل، از آنجا که اصولاً تصویب و صدور چنین دستورالعملی در اختیار و صلاحیت وزارت اقتصاد و دارایی است که مطابق با اصل (۱۳۸) قانون اساسی باید توسط وزیر اقتصاد انجام شود، واگذاری این مسئولیت به غیر، مغایر با اصل (۱۳۸) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

هر چند مطابق اصل (۱۳۸) قانون اساسی، وضع آیین‌نامه و تصویب‌نامه، حسب مورد در اختیار هر یک از وزیران و هیئت وزیران است، اما آنچه در ذیل ماده (۲۵) آمده است در حقیقت تهیه دستورالعمل حسابرسی (و نه آیین‌نامه) است که موضوعی فنی و اجرایی محسوب می‌شود و نیاز به نظر کارشناسان خبره و با تجربه در این زمینه دارد که دیوان محاسبات کشور، از این جهت، نهاد مناسبی برای انجام این مسئولیت است. از سوی دیگر، احصاء صورت‌گرفته در اصل (۵۵) قانون اساسی به معنای نفی صلاحیت دیوان محاسبات کشور در اظهار نظر کارشناسی و تهیه دستورالعمل اجرایی، مانند آنچه در این ماده آمده است، نیست. واژه «تهیه» در این ماده نیز حاکی از آن است که چنین دستورالعملی هیچ‌گونه الزامی برای اشخاص ثالث ایجاد نمی‌کند و الزام‌آور بودن آن نیز منوط به تصویب مراجع ذیصلاح است. بر این اساس، واگذاری مسئولیت تهیه دستورالعمل مقرر در این ماده به دیوان محاسبات کل کشور، مغایرتی با اصول (۵۵) و (۱۳۸) قانون اساسی ندارد.

نظر شورای نگهبان

فراز دوم ماده (۲۵)، مغایر اصل (۵۲) قانون اساسی می‌باشد. همچنین از آنجا که واژه «تهیه» ظهور در تصویب دستورالعمل توسط مرجع مذکور دارد، دخالت دیوان محاسبات کشور در تصویب دستورالعمل، مغایر اصل (۵۵) قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۲۷- به منظور تشویق خیرین برای شرکت در اجرای طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای، به دستگاه‌های اجرایی مجری طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای مندرج در پیوست شماره (۱) قوانین بودجه سنواتی و طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای استانی مصوب شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان‌ها اجازه داده می‌شود تمام یا بخشی از اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای هر طرح را برای تأمین سود و کارمزد تسهیلات دریافتی خیرین از شبکه بانکی و مؤسسات مالی و اعتباری که به منظور اجرای همان طرح در اختیار دستگاه اجرایی ذی‌ربط قرار می‌گیرد، پرداخت و به هزینه قطعی منظور نمایند. تسهیلات اعطایی، توسط خیرین تضمین می‌شود و معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی

رئیس جمهور موظف است برای بازپرداخت سود و کارمزد تسهیلات باقی مانده طرح‌های خاتمه یافته، ردیف اعتباری مشخصی را در لوایح بودجه سنواتی پیش‌بینی کند. آیین‌نامه اجرایی این ماده مشتمل بر چگونگی اطلاع‌رسانی دستگاه اجرایی در مورد طرح‌ها، پذیرش خیرین متقاضی مشارکت، سازوکارهای واریز تسهیلات دریافتی توسط خیرین و مصرف آنها توسط دستگاه اجرایی برای پرداخت به پیمانکاران، به پیشنهاد معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

دیدگاه مغایرت

حکم مقرر در ذیل ماده (۲۷) مبنی بر موظف نمودن معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور به پیش‌بینی ردیف اعتباری مشخص در لوایح بودجه سنواتی برای بازپرداخت سود و کارمزد تسهیلات باقی مانده طرح‌های خاتمه یافته، واجد بار مالی برای دولت است و اجرای آن برای دولت هزینه‌های جدیدی را ایجاد می‌کند که طریق تأمین این هزینه‌ها در این مصوبه، مشخص و معین نشده است. از این جهت، این مصوبه مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است که تصریح می‌کند طرح‌های قانونی نمایندگان در صورتی که به افزایش هزینه‌ی عمومی بینجامد، می‌بایست متضمن راهکار تأمین این هزینه‌ها نیز باشد.

دیدگاه عدم مغایرت

حکم مقرر در ماده (۲۷) این طرح مبنی بر موظف نمودن معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور به پیش‌بینی ردیف اعتباری مشخص در لوایح بودجه‌ی سنواتی برای بازپرداخت سود و کارمزد تسهیلات باقی مانده طرح‌های خاتمه یافته، در واقع راهکاری است که با هدف تشویق خیرین برای شرکت در اجرای طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای دستگاه‌های اجرایی به تصویب رسیده است. از این رو، این حکم نه تنها باعث افزایش هزینه‌های عمومی نمی‌شود، بلکه به نوعی باعث کاهش هزینه‌های پرداختی دولت برای طرح‌های موضوع این ماده نیز خواهد شد. بنابراین، اساساً در این مصوبه، موضوع حکم مقرر در اصل (۷۵) قانون اساسی در خصوص لزوم تعیین طریق تأمین هزینه‌ها، سالبه به انتفاء موضوع است و از این جهت، این مصوبه تغایری با اصل مزبور ندارد.

نظر شورای نگهبان

ماده (۲۷)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۲۸- معاونت‌های امور زنان و خانواده و علمی و فناوری ریاست جمهوری و شورای تخصصی توسعه فعالیت‌های قرآنی شورای عالی انقلاب فرهنگی مجازند فعالیت‌های اجرایی خود را در راستای تحقق اهداف و سیاست‌های مورد نظر از طریق دستگاه‌های اجرایی در چهارچوب تفاهم‌نامه فی‌مابین از محل اعتبارات پیش‌بینی‌شده مربوط به خود در قوانین بودجه سنواتی به انجام رسانند. شورای توسعه فرهنگ قرآنی و معاونت امور زنان و خانواده موظفند گزارش عملکرد این ماده را از دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط اخذ و هر شش ماه یک‌بار به مجلس شورای اسلامی تقدیم کنند.

دیدگاه مغایرت

طبق اصل (۵۷) قانون اساسی، قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران که شامل قوه‌ی مقننه نیز می‌شود زیر نظر ولایت مطلقه‌ی امر و امامت امت عمل می‌نمایند؛ بنابراین مصوبات نمایندگان مجلس نباید با مصوبات مقام رهبری تغایر داشته باشد. با توجه به اینکه اساسنامه‌ی شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب مقام معظم رهبری رسیده و مطابق این اساسنامه حدود وظایف و اختیارات این شورا مشخص شده و در آن تکلیفی مبنی بر ارائه‌ی گزارش به مجلس مورد پیش‌بینی قرار نگرفته است، حکم مقرر در ماده (۲۸) این مصوبه، در خصوص موظف نمودن شورای تخصصی توسعه‌ی فرهنگ قرآنی شورای عالی انقلاب فرهنگی به ارائه‌ی گزارش عملکرد خود در مقاطع شش‌ماهه به مجلس شورای اسلامی بلاوجه بوده و مغایر اصل (۵۷) قانون اساسی محسوب می‌شود.

دیدگاه عدم مغایرت

از آنجا که در صدر ماده (۲۸) این طرح، امکان بهره‌مندی شورای تخصصی توسعه‌ی فعالیت‌های قرآنی شورای عالی انقلاب فرهنگی از بودجه‌ی سالانه‌ی کل کشور مورد پیش‌بینی قرار گرفته، موظف نمودن شورای مزبور به ارائه‌ی گزارش عملکرد خود به مجلس شورای اسلامی، در واقع اخذ توضیح از بابت چگونگی هزینه‌کرد این بودجه است. از این رو، ماده (۲۸) تغایری با اصل (۵۷) قانون اساسی، که بر استقلال قوا زیر نظر ولایت امر تأکید می‌کند، ندارد.

نظر شورای نگهبان

ماده (۲۸)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۲۹- به وزارت نیرو و شرکت‌های تابعه اجازه داده می‌شود، خرید آب استحصالی و پساب تصفیه‌شده از سرمایه‌گذاران اعم از داخلی و خارجی، آب مازاد ناشی از صرفه‌جویی حقابه‌داران در بخش‌های مصرف و هزینه‌های انتقال آب توسط بخش غیردولتی را حسب مورد با قیمت توافقی یا با پرداخت یارانه بر اساس دستورالعمل مصوب شورای اقتصاد، تضمین کنند.

دیدگاه مغایرت

مطابق اصل (۷۵) قانون اساسی، در طرح‌هایی که با افزایش هزینه‌ی عمومی برای دولت همراه باشد، مجلس می‌بایست طریق تأمین این هزینه‌های جدید و راهکار تأمین آنها را نیز مشخص کند. با این وصف، حکم مقرر در ماده (۲۹) این مصوبه که در قالب «طرح» به مجلس ارائه شده است، مغایر با مفاد اصل (۷۵) قانون اساسی است؛ زیرا حکم مقرر در این ماده مبنی بر اجازه به وزارت نیرو و شرکت‌های تابعه‌ی آن جهت تضمین خرید آب استحصالی و پساب تصفیه‌شده از سرمایه‌گذاران و نیز آب مازاد ناشی از صرفه‌جویی حقابه‌داران در بخش‌های مصرف و هزینه‌های انتقال آب توسط بخش غیردولتی، امری است که باعث افزایش هزینه‌های عمومی دولت می‌شود و بنابراین لازم بود که طریق تأمین هزینه‌های مزبور نیز در این مصوبه معین و مشخص می‌شد تا ایراد مغایرت با اصل (۷۵) متوجه این مصوبه نمی‌شد. همچنین باید توجه داشت که استفاده از عبارت «اجازه داده می‌شود» در صدر ماده (۲۹)، به معنای مخیر بودن دولت در اجرای مفاد این ماده نیست، کما اینکه در ذیل ماده‌ی مورد بحث نیز که پرداخت هزینه‌های اجرای این ماده را بر اساس دستورالعمل مصوب شورای اقتصاد در نظر گرفته است، باعث ایجاد نوعی تکلیف قانونی برای دولت می‌شود و قرینه‌ای بر آن است که منظور از عبارت «اجازه داده می‌شود»، الزام و وظیفه‌ی دولت در اجرای این ماده است، نه تخییر قانونی.

دیدگاه عدم مغایرت

هر چند که حکم مقرر در ماده (۲۹) این مصوبه، در خصوص دادن اجازه به وزارت نیرو و شرکت‌های تابعه آن جهت تضمین خرید آب استحصالی و پساب تصفیه‌شده و آب مازاد ناشی از صرفه‌جویی حقابه‌داران و هزینه‌های انتقال آب توسط بخش غیردولتی، موجب افزایش هزینه‌های عمومی دولت می‌شود، لیکن عبارت «اجازه داده می‌شود» در این مصوبه، به معنای اختیار دولت در اجرای ماده‌ی مزبور است و لذا از آن جهت که دولت برای اجرای این ماده هیچ‌گونه تکلیفی ندارد، الزامی به تعیین طریق تأمین هزینه‌های آن برای مجلس نیست و از این جهت تغایری با اصل (۷۵) قانون اساسی ندارد. به بیان دیگر این مصوبه در عمل و در صورت مخالفت دولت با اجرای آن، باعث افزایش هزینه‌های عمومی نخواهد شد.

نظر شورای نگهبان

ماده (۲۹)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۳۰- به منظور تنظیم مناسب بازار، افزایش سطح رقابت، ارتقای بهره‌وری شبکه توزیع و شفاف‌سازی فرایند توزیع کالا و خدمات، دولت مکلف است با رعایت قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی، قیمت‌گذاری را به کالاهای و خدمات عمومی و انحصاری و کالاهای اساسی یارانه‌ای و ضروری محدود کند. تبصره ۱- دستورالعمل نحوه تعیین کالاهای اساسی، انحصاری و خدمات عمومی و فهرست و قیمت این کالاهای و خدمات به پیشنهاد کارگروهی متشکل از نمایندگان وزارتخانه‌های صنعت، معدن و تجارت، جهاد کشاورزی، امور اقتصادی و دارایی، نیرو، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور و حسب مورد وزارتخانه ذی‌ربط، به تصویب شورای اقتصاد می‌رسد.

تبصره ۲- در اجرای این ماده، چنانچه قیمت فروش کالا یا خدمات کمتر از قیمت روز تکلیف شود، مابه‌التفاوت قیمت روز و تکلیفی باید همزمان تعیین و از محل اعتبارات و منابع مصوب دولت در سال اجرا پرداخت شود و یا از محل بدهی اشخاص ذی‌ربط به دولت با تصویب هیئت وزیران تهاتر گردد.

دیدگاه مغایرت

الف) مطابق اصل (۸۵) قانون اساسی، مجلس نمی‌تواند اختیار قانون‌گذاری را به شخص یا هیئتی واگذار کند. در تبصره (۱) ماده (۳۰) این مصوبه، مقرر شده است که دستورالعمل نحوه تعیین کالاهای اساسی، انحصاری و خدمات عمومی و ... به تصویب شورای اقتصاد برسد. با توجه به اینکه تعیین کالاهای و خدمات عمومی و انحصاری و کالاهای اساسی یارانه‌ای و ضروری، نیازمند تعیین ضابطه و از مصادیق تقنین است، واگذاری تعیین این‌گونه موارد بدون تعیین هرگونه ضابطه مشخص به دولت از سوی مجلس، مصداق تفویض قانون‌گذاری به غیر محسوب می‌شود و از این جهت، مغایر اصل (۸۵) قانون اساسی است.

ب) پیش‌بینی صورت‌گرفته در تبصره (۲) ماده (۳۰) مبنی بر الزام دولت به تعیین قیمت تکلیفی و پرداخت مابه‌التفاوت قیمت روز و تکلیفی به تولیدکنندگان و ارائه‌کنندگان خدمات از محل اعتبارات و منابع مصوب دولت در سال اجرا و یا از محل تهاتر بدهی اشخاص ذی‌ربط به دولت به جهت

نوسانات قیمت در هر سال و تغییر مابه‌التفاوت مزبور، موجب افزایش هزینه‌های عمومی دولت می‌شود و از آنجا که محل تعیین‌شده برای تأمین هزینه‌های آن، یعنی محل اعتبارات و منابع مصوب دولت، محل معین و معلومی که حاکی از کفایت اعتبارات برای تأمین هزینه‌های این مصوبه باشد، نیست، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی است. مطابق این اصل، در طرح‌هایی که با افزایش هزینه‌ی عمومی همراه باشد می‌بایست طریق مکفی برای تأمین هزینه‌های جدید معلوم و معین شود.

ج) آنچه در انتهای تبصره (۲) ماده (۳۰) این مصوبه، در خصوص امکان تهاتر مابه‌التفاوت قیمت روز و تکلیفی با بدهی اشخاص ذی‌ربط به دولت مورد پیش‌بینی قرار گرفته است، مغایر اصل (۵۳) قانون اساسی محسوب می‌شود. توضیح اینکه مطابق اصل مزبور می‌بایست کلیه‌ی دریافت‌های دولت در حساب‌های خزانه‌داری کل متمرکز شود و همه پرداخت‌ها نیز در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام گیرد. این در حالی است که با پیش‌بینی امکان تهاتر در این مصوبه، الزام ناشی از این اصل جهت واریز مطالبات دولت به خزانه نادیده گرفته می‌شود.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) از آنجا که در تبصره (۲) ماده (۳۰) این طرح، مقرر شده است هزینه‌های لازم جهت پرداخت مابه‌التفاوت قیمت روز و تکلیفی به تولیدکنندگان و ارائه‌کنندگان، از محل اعتبارات و منابع مصوب دولت در سال اجرا پرداخت شده و یا از محل بدهی اشخاص ذی‌ربط به دولت با تصویب هیئت وزیران تهاتر گردد، مصوبه‌ی مزبور تغییری با اصل (۷۵) قانون اساسی ندارد؛ زیرا طریق تأمین هزینه‌های جدید ناشی از این مصوبه، از محل اعتبارات و منابع دولت و یا تهاتر بدهی اشخاص به دولت، تعیین و مشخص شده است.

ب) حکم مقرر در انتهای تبصره (۲) ماده (۳۰) این مصوبه، در خصوص امکان تهاتر مابه‌التفاوت قیمت روز و تکلیفی با بدهی اشخاص ذی‌ربط به دولت، تغییری با اصل (۵۳) قانون اساسی ندارد. در واقع مطابق اصل مزبور، می‌بایست کلیه‌ی دریافت‌های دولت در حساب‌های خزانه‌داری کل متمرکز شود، در حالی که با پیش‌بینی امکان تهاتر در این مصوبه، عملاً دریافتی برای دولت محقق نمی‌شود که الزامی برای واریز آن به خزانه مطرح گردد.

نظر شورای نگهبان

تبصره (۲) ماده (۳۰)، هم از حیث پرداخت از محل‌های مذکور و هم از جهت تهاتر، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۳۲- پیشنهاد طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای جدید در لوایح بودجه سنواتی با رعایت موارد زیر امکان‌پذیر است:

الف- ...

ج- موافقتنامه‌هایی که برای انطباق میزان اعتبارات سالانه طرح‌ها با قوانین بودجه سنواتی مبادله می‌شوند، جنبه اصلاحی داشته و نباید موجب افزایش اهداف و تعداد پروژه‌های طرح شوند. موارد استثنا که منجر به تغییر حجم عملیات یا تعداد پروژه‌ها می‌شوند با پیشنهاد دستگاه اجرایی ذی‌ربط و تأیید معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور و تصویب هیئت وزیران با رعایت مفاد بند (الف) این ماده بلامانع است.

د- مبادله موافقتنامه‌های طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای محرمانه و بخش دفاع تابع دستورالعملی است که به پیشنهاد وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور به تأیید هیئت وزیران می‌رسد.

ه- معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور موظف است خلاصه‌ای از گزارش‌های توجیهی طرح‌هایی که از منابع عمومی تأمین مالی می‌شود، به استثنای طرح‌های دفاعی و امنیتی را یک سال پس از تصویب از طریق وبگاه خود در دسترس عموم کارشناسان و پژوهشگران قرار دهد.

و- ...

دیدگاه مغایرت

الف) مطابق با اصل (۵۲) قانون اساسی، بودجه‌ی سالانه‌ی کل کشور توسط دولت تهیه و در مجلس به تصویب می‌رسد و هرگونه تغییر در احکام بودجه، باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد. بر این اساس، حکم مقرر در ذیل بند (ج) ماده (۳۲) این مصوبه مبنی بر امکان تغییر حجم عملیات یا تعداد پروژه‌ها با پیشنهاد دستگاه اجرایی ذی‌ربط و تأیید معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور و تصویب هیئت وزیران، با توجه به اینکه موجب تغییر در احکام بودجه می‌شود و با این وجود، تصویب مجلس در خصوص آنها لازم دانسته نشده است، مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است؛ چه آنکه حجم عملیات و تعداد پروژه‌ها در قوانین بودجه‌ی سنواتی به صورت دقیق مشخص می‌شود و تغییر آن بدون اجازه‌ی مجلس بر خلاف اصل قانونی بودن بودجه و مفاد اصل (۵۲) قانون اساسی است.

ب) مطابق اصل (۱۵) قانون اساسی، نگارش اسناد و مکاتبات و متون رسمی باید با زبان و خط فارسی باشد. بنابراین استفاده از واژه‌ی بیگانه‌ی «پروژه» در بند (ه) ماده (۳۲) این مصوبه، مغایر اصل مزبور تلقی می‌شود و باید معادل فارسی آن ذکر شود.

ج) بر اساس بند (۴) اصل (۱۱۰) قانون اساسی، فرماندهی کل نیروهای مسلح بر عهده‌ی مقام رهبری است. بنابراین، اقتضای انجام صحیح این وظیفه‌ی خطیر، اشراف و اطلاع معظم‌له از کلیه‌ی شئون نیروهای مسلح است. از این جهت، حکم مقرر در بند (د) ماده (۳۲) این مصوبه که مبادله‌ی موافقتنامه در خصوص طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای محرمانه و بخش دفاع را تنها نیازمند تأیید هیئت وزیران دانسته است، مغایر با صلاحیت‌های فرماندهی کل نیروهای مسلح است؛ زیرا امور مرتبط به بخش دفاع و یا نیروهای مسلح باید با اجازه و اذن رهبری انجام گیرد و لذا نادیده گرفته شدن این در بند (د) ماده (۳۲)، مغایر با بند (۴) اصل (۱۱۰) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) آنچه در ذیل بند (ج) ماده (۳۲) این مصوبه در خصوص امکان تغییر حجم عملیات یا تعداد پروژه‌ها با پیشنهاد دستگاه اجرایی ذی‌ربط و تأیید معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور و تصویب هیئت وزیران آمده است، فاقد ماهیت بودجه‌ای است و لذا انجام آن نیازی به تصویب مجلس شورای اسلامی ندارد؛ زیرا آنچه در این بند مورد تصویب قرار گرفته، مربوط به تغییر حجم عملیات یا تعداد پروژه‌ها بدون اخذ هرگونه مبلغ اضافی است و بنابراین نیازی به تصویب توسط مجلس ندارد. از این جهت مصوبه‌ی مزبور مغایرتی با اصل (۵۲) قانون اساسی ندارد.

ب) هر چند که واژه‌ی «پروژه»، یک کلمه‌ی غیر فارسی است، لیکن این واژه به دلیل کثرت طولانی استعمال در زبان و ادبیات فارسی، به یک کلمه‌ی فارسی تبدیل شده و از مصادیق کلمات غیر فارسی محسوب نمی‌شود که بخواهیم استعمال آن را در متون رسمی مغایر با اصل (۱۵) قانون اساسی بدانیم.

ج) حکم مقرر در بند (د) ماده (۳۲) این مصوبه در خصوص مبادله‌ی موافقتنامه‌های طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای محرمانه و بخش دفاع طبق دستورالعملی که به پیشنهاد وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور به تأیید هیئت وزیران می‌رسد، هیچ‌گونه تغایری با بند (۴) اصل (۱۱۰) قانون اساسی ندارد؛ زیرا مبادله‌ی موافقتنامه‌های موضوع این ماده، واجد ماهیت شکلی است، نه ماهوی و به همین دلیل، فاقد طبقه‌بندی خاصی است و به همین جهت، در بودجه‌ی سالانه‌ی کل کشور نیز درج می‌شود.

دیدگاه ابهام

آنچه در بند (ج) ماده (۳۲) این مصوبه در مورد لزوم رعایت بند (الف) این ماده آمده است، به

جهت نامشخص بودن لزوم اخذ مصوبه‌ی مجلس در خصوص تغییر حجم عملیات یا تعداد پروژه‌ها واجد ابهام است. توضیح آنکه با توجه به اینکه تغییر حجم عملیات و یا تعداد پروژه‌ها موجب تغییر اعتبارات مصوب بودجه‌ای می‌شود، مطابق اصل (۵۲) قانون اساسی، انجام این تغییرات، نیازمند مصوبه‌ی اصلاحی مجلس در خصوص قانون بودجه است. حال در صورتی که منظور از لزوم رعایت بند (الف)، عدم الزام به اخذ مصوبه‌ی مجلس در هنگام تغییر حجم عملیات یا تعداد پروژه‌ها باشد، این مصوبه مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است. بنابراین، باید منظور از لزوم رعایت بند (الف) در بند (ج) ماده (۳۲) مشخص شود تا بتوان نسبت به مغایرت و یا عدم مغایرت این بند با اصل (۵۲) قانون اساسی اظهار نظر کرد.

نظر شورای نگهبان

در بند (هـ) ماده (۳۲)، معادل فارسی واژه‌ی «وبگاه» ذکر گردد و آلا مغایر اصل (۱۵) قانون اساسی می‌باشد.

ماده ۳۳-

الف- ...

ب- هرگاه در طول اجرای بودجه وظایف و اختیارات از دستگاهی به دستگاه دیگر یا از محلی به محل دیگر واگذار شود، آن بخش از اعتبارات هزینه‌ای دستگاه که با توجه به واگذاری وظایف، هزینه‌کرد آن توسط دستگاه موضوعیت ندارد با پیشنهاد معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور و تصویب هیئت وزیران به استان‌ها یا دستگاه‌های دیگر حسب مورد واگذار می‌شود.

ج- ...

دیدگاه مغایرت

مطابق با اصل (۵۲) قانون اساسی، بودجه‌ی سالانه‌ی کل کشور توسط دولت تهیه و به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد. بر این اساس، حکم مقرر در بند (ب) ماده (۳۳) این مصوبه مبنی بر تجویز واگذاری اعتبارات هزینه‌ای یک دستگاه به دستگاهی دیگر یا از محلی به محل دیگر، بدون طی تشریفات مقرر در اصل (۵۲)، مغایر با قانون اساسی است؛ زیرا واگذاری اعتبارات هزینه‌ای یک دستگاه به دستگاهی دیگر یا از محلی به محل دیگر، موجب تغییر اعتبارات و ارقام مقرر در بودجه می‌شود که مطابق اصل (۵۲) اساسی باید این امر، پس از پیشنهاد دولت به تصویب

مجلس نیز برسد. از این رو، اجرای حکم مقرر در بند (ب) ماده (۳۳)، صرفاً با پیشنهاد معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور و تصویب هیئت وزیران، مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

آنچه در بند (ب) ماده (۳۳) این مصوبه در خصوص امکان واگذاری اعتبارات هزینه‌ای یک محل یا دستگاه به محل یا دستگاهی دیگر با پیشنهاد معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور و تصویب هیئت وزیران آمده، تغایری با اصل (۵۲) قانون اساسی ندارد؛ زیرا در واقع اصل این اعتبارات یک بار به تصویب مجلس رسیده و در اینجا صرفاً ترتیبات مصرف این بودجه، در صورت عدم امکان هزینه‌کرد آن توسط آن دستگاه، مورد حکم قرار گرفته است که این موضوع مذکور، تغییر در ارقام بودجه و یا ماهیت بودجه‌ای ندارد که بخواهد به تصویب مجلس برسد.

نظر شورای نگهبان

بند (ب) ماده (۳۳)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۳۵-

۱- ...

۵- حساب‌های دریافت منابع عمومی دولت، حساب خزانه‌داری کل کشور محسوب شده و دستگاه‌های اجرایی وصول‌کننده منابع، صاحب حساب تلقی نمی‌شوند. حق برداشت از حساب‌های یادشده به عهده صاحبان امضاهای مجاز خزانه‌داری کل کشور در مرکز و خزانه معین استان در استان‌ها می‌باشد و هیچ مرجع دیگری حق برداشت از حساب‌های یادشده را ندارد. برداشت از حساب‌های پرداخت دستگاه‌های اجرایی با رعایت قانون نحوه پرداخت محکوم‌به دولت و عدم تأمین و توقیف اموال دولتی مصوب ۱۳۶۵/۸/۱۵^(۱) امکان‌پذیر است.

۱. ماده واحده قانون نحوه پرداخت محکوم‌به دولت و عدم تأمین و توقیف اموال دولتی مصوب ۱۳۶۵/۸/۱۵: «ماده واحده- وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی که درآمد و مخارج آنها در بودجه کل کشور منظور می‌گردد، مکلفند وجوه مربوط به محکوم‌به دولت در مورد احکام قطعی دادگاه‌ها و اوراق لازم‌الاجراء ثبتی و دفاتر اسناد رسمی و یا اجرای دادگاه‌ها و سایر مراجع قانونی را با رعایت مقررات از محل اعتبار مربوط به پرداخت تعهدات بودجه مصوب ←

دیدگاه مغایرت

مطابق اصل (۵۳) قانون اساسی، کلیه‌ی دریافت‌های دولت باید در حساب‌های خزانه‌داری کل کشور متمرکز شود. با این حال، در بند (۵) ماده (۳۵) اشعار داشته است که حساب‌های دریافت منابع عمومی دولت، حساب خزانه‌داری کل کشور محسوب می‌شود. با توجه به اینکه مطابق با اصل (۵۳) قانون اساسی، حساب خزانه‌داری کل کشور دارای تعریف و مصداق مشخصی است، همسان‌سازی حساب‌های دریافت منابع عمومی دولت با حساب خزانه‌داری کل کشور، مغایر با اصل مزبور است. بنابراین، ماده‌ی مزبور از آن جهت که حساب‌های دریافت منابع عمومی دولت را حساب خزانه‌داری کل کشور دانسته و اجازه‌ی واریز دریافت‌های دولتی را به حساب‌های دریافت منابع عمومی دولت تجویز کرده است، مغایر با اصل (۵۳) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

آنچه در بند (۵) ماده (۳۵) در خصوص همسان بودن حساب‌های دریافت منابع عمومی دولت با حساب خزانه‌داری کل کشور مقرر شده است تغییری با اصل (۵۳) قانون اساسی ندارد؛ زیرا این اصل، حساب‌های خزانه‌داری کل را تعریف نکرده و مصادیق آن نیز شناسایی و بیان نشده است. در این موارد، تعریف و یا تعیین مصادیق بر عهده‌ی قانون‌گذار عادی است. قانون‌گذار نیز به موجب این مصوبه در مقام بیان حساب‌های دریافت منابع عمومی دولت به عنوان یکی از مصادیق حساب خزانه‌داری کل کشور است. بنابراین، بند مزبور از این جهت که به بیان مصداق حساب خزانه‌داری کل پرداخته، مغایرتی با اصل (۵۳) قانون اساسی ندارد.



سال‌های قبل منظور در قانون بودجه کل کشور و در صورت عدم وجود و عدم امکان تأمین از محل‌های قانونی دیگر در بودجه سال بعد خود، منظور و پرداخت نمایند. اجرای دادگستری و ادارات ثبت اسناد و املاک و سایر مراجع قانونی دیگر مجاز به توقیف اموال منقول و غیرمنقول وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی که اعتبار و بودجه لازم را جهت پرداخت محکوم‌به ندارند تا تصویب و ابلاغ بودجه یک سال و نیم بعد از سال صدور حکم نخواهند بود. ضمناً دولت از دادن هرگونه تأمین در زمان مذکور معاف می‌باشد. چنانچه ثابت شود وزارتخانه و مؤسسات یادشده با وجود تأمین اعتبار از پرداخت محکوم‌به استتکاف نموده‌اند، مسئول یا مسئولین مستتکف و متخلف توسط محاکم صالحه به یک سال انفصال از خدمات دولتی محکوم خواهند شد و چنانچه متخلف به وسیله استتکاف سبب وارد شدن خسارت بر محکوم‌له شده باشد، ضامن خسارت وارده می‌باشد.

تبصره ۱- دستگاه مدعی‌علیه با تقاضای مدعی باید تضمین بانکی لازم را به عنوان تأمین مدعی‌به به دادگاه بپردازد. در صورتی که دعوی یا مقداری از خواسته رد شود، به حکم دادگاه تضمین یا مبلغ مانده به دستگاه مدعی‌علیه رد خواهد شد.

تبصره ۲- تبصره (۵۳) قانون بودجه سال ۱۳۵۷ و تبصره (۱۸) قانون بودجه سال ۱۳۳۴ لغو می‌شود.»

نظر شورای نگهبان

بند (۵) ماده (۳۵)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۳۶- به دولت اجازه داده می‌شود اقدامات زیر را به عمل آورد:

الف- واگذاری طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای جدید و نیمه‌تمام و تکمیل‌شده و آماده بهره‌برداری در قالب قراردادها و شرایط مورد تصویب شورای اقتصاد با تعیین نحوه تأمین مالی دوره ساخت (فاینانس)، پرداخت هزینه‌های بهره‌برداری یا خرید خدمات در مدت قرارداد با رعایت استانداردهای اجرای کیفیت خدمات و نهایتاً واگذاری طرح پس از دوره قرارداد به بخش غیردولتی با حفظ کاربری

ب- واگذاری طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای نیمه‌تمام و تکمیل‌شده که خدمات آنها قابل عرضه توسط بخش غیردولتی است به صورت نقد و اقساط به بخش غیردولتی با حفظ کاربری

ج- این بند حذف شده است.

د- واگذاری مالکیت، حق بهره‌برداری و یا بهره‌برداری طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای قابل واگذاری و نیز اموال منقول و غیرمنقول و حقوق مالی مازاد بر نیاز دولت با حفظ کاربری.

تبصره ۱- درآمد دولت ناشی از اجرای احکام این ماده پس از واریز به خزانه‌داری کل کشور و از محل ردیف خاصی که برای این منظور در قوانین بودجه سنواتی پیش‌بینی می‌شود و نیز اعتبار ردیف‌های مربوط به طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای در قالب تسهیلات و وجوه اداره‌شده شامل یارانه، سود و کارمزد و یا تسهیلات و کمک و سایر روش‌های تأمین مالی مورد تصویب شورای اقتصاد به طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و یا تبدیل به احسن نمودن تجهیزات سرمایه‌ای و اموال غیرمنقول در قالب موافقتنامه متبادله با معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور قابل اختصاص است.

تبصره ۲- کمک‌های بلاعوض موضوع این ماده، درآمد اشخاص تلقی نمی‌شود و مشمول پرداخت مالیات بر درآمد نیست.

دیدگاه مغایرت

مطابق با اصل (۵۲) قانون اساسی، تهیه و تنظیم لایحه بودجه و پیشنهاد مندرجات آن در اختیار و صلاحیت دولت است که سپس برای تصویب نهایی به مجلس تقدیم می‌شود.

پیش‌بینی‌های صورت گرفته در قالب بندهای مختلف ماده (۳۶) که بر مبنای آن به دولت اجازه‌ی دائمی داده شده است برخی اقدامات از جمله واگذاری طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای جدید و نیمه‌تمام و تکمیل شده و آماده بهره‌برداری به بخش غیردولتی یا پرداخت هزینه‌های بهره‌برداری یا خرید خدمات در مدت قرارداد و واگذاری طرح پس از دوره قرارداد به بخش غیردولتی و یا واگذاری طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای نیمه‌تمام و تکمیل شده که خدمات آنها قابل عرضه توسط بخش غیر دولتی است به صورت نقد و اقساط به بخش غیردولتی یا واگذاری مالکیت، حق بهره‌برداری و یا بهره‌برداری طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای قابل واگذاری و نیز اموال منقول و غیر منقول و حقوق مالی مازاد بر نیاز دولت را انجام دهد و همچنین آنچه در تبصره (۱) این ماده، در خصوص تخصیص درآمد دولت ناشی از اجرای احکام این ماده به طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و یا تبدیل به احسن نمودن تجهیزات سرمایه‌ای و اموال غیرمنقول، مقرر گردیده است، همگی واجد ماهیت بودجه‌ای هستند که باید به صورت سالانه در بودجه‌ی سنواتی، ابتدائاً توسط دولت پیشنهاد شود و سپس برای تصویب به مجلس شورای اسلامی ارائه شود. اما در حال حاضر، دولت به استناد این ماده و بدون طی تشریفات مقرر در اصل (۵۲) قانون اساسی، می‌تواند اقدامات مالی مزبور را انجام دهد و از تنظیم این موارد - که بخش مهمی از فعالیت مالی و اقتصادی دولت را در بر می‌گیرد- در قالب بودجه‌ی سالانه خودداری کند. از این رو، ماده‌ی مزبور از این جهت که به دولت اجازه می‌دهد بخش مهمی از فعالیت‌ها و اقدامات بودجه‌ای را خارج از لایحه‌ی بودجه‌ی سالانه، تنظیم و اعمال کند، مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

اصل (۵۲) قانون اساسی اشعار می‌دارد که بودجه‌ی سنواتی، توسط دولت و به ترتیبی که در «قانون» پیش‌بینی شده است، تنظیم می‌شود. به عبارت دیگر، سیاست‌گذاری و نحوه‌ی بودجه‌ریزی توسط «قانون» تعیین می‌شود و دولت بر اساس آن نسبت به بودجه‌ریزی و تخصیص منابع اقدام می‌کند. موضوع ماده‌ی مزبور در خصوص اعطای مجوز دائمی به دولت به منظور انجام برخی اقدامات و فعالیت‌های مالی و تخصیص منابع نیز ماهیت بودجه‌ریزی ندارد و تنها مشتمل بر تعیین نحوه‌ی بودجه‌ریزی و برخی سیاست‌های ناظر بر بودجه توسط دولت است و اختیار تخصیص و تعیین منابع و ردیف‌های بودجه را همچنان در اختیار دولت حفظ کرده است. بنابراین، ماده‌ی مزبور از مصادیق ترتیبات «قانونی» مندرج در اصل (۵۲) قانون اساسی است و از آن جهت که بدون ورود مصداقی به تعیین ارقام بودجه، صرفاً اقدام به سیاست‌گذاری و ترسیم خطوط کلی پیرامون نحوه‌ی نگارش بودجه اقدام کرده است، مغایرتی با اصل (۵۲) قانون اساسی ندارد.

نظر شورای نگهبان

ماده (۳۶)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۳۷-

الف- ...

ی-

۱- مازاد درآمد اختصاصی دستگاه‌های اجرایی در سقف اعتباراتی که برای این منظور در قوانین بودجه سنواتی پیش‌بینی می‌شود، حسب مورد به همان دستگاه اجرایی که درآمد را کسب کرده است، اختصاص می‌یابد تا طبق موافقتنامه متبادله با معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور هزینه شود.

۲- طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای دانشگاهی که در قوانین بودجه سالانه کشور، ذیل ردیف‌های وزارت راه و شهرسازی ذکر می‌شود، مشمول تسهیلات قانونی موضوع مقررات مربوط به دانشگاه‌ها برای اجرای طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای دانشگاهی وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است.

دیدگاه مغایرت

الف) جزء (۱) بند (ی) ماده (۳۷) این مصوبه که بیان می‌کند مازاد درآمد اختصاصی دستگاه‌های اجرایی نسبت به اعتبارات مصوب، به همان دستگاه اجرایی که درآمد را کسب کرده اختصاص می‌یابد، مغایر با اصل (۵۳) قانون اساسی است. توضیح اینکه مطابق اصل مزبور می‌بایست کلیه دریافت‌های دولت در حساب‌های خزانه‌داری کل متمرکز شود و کلیه پرداخت‌های دولت نیز باید به موجب قانون و در حدود اعتبارات مصوب انجام شود. این در حالی است که با اختصاص مازاد درآمد اختصاصی دستگاه‌های اجرایی به خودشان، تکلیف قانونی جهت واریز دریافت‌های دولت به خزانه و همچنین میزان اعتبارات پرداختی به همان دستگاه اجرایی که باید به موجب قانون صورت پذیرد، نادیده گرفته می‌شود.

ب) مطابق با اصل (۵۲) قانون اساسی، بودجه‌ی سالانه‌ی کل کشور توسط دولت تهیه و به تصویب مجلس می‌رسد. در جزء (۱) بند (ی) ماده (۳۷) این مصوبه، دولت مکلف شده است که مازاد درآمد اختصاصی دستگاه‌های اجرایی را به همان دستگاه‌های اجرایی اختصاص دهد تا در همان محل به مصرف برسد. با توجه به اینکه این‌گونه درآمدها نیز بخشی از درآمد کل کشور محسوب می‌شود، لزوماً می‌بایست در قانون بودجه‌ی سالیانه تکلیف آنها مشخص شود. بنابراین،

اختصاص مازاد درآمد اختصاصی دستگاه‌های اجرایی به همان دستگاه بدون پیش‌بینی در قانون بودجه‌ی سنواتی کشور، مغایر اصل (۵۲) قانون اساسی است.

نظر شورای نگهبان

جزء یک بند (ی) و همچنین بند (ل) ماده (۳۷)، مغایر اصول (۵۲) و (۵۳) قانون اساسی می‌باشند.

ماده ۳۷-

الف- ...

ک- دستگاه‌های اجرایی دارای ردیف در قوانین بودجه سنواتی موظفند تا پایان اردیبهشت هر سال بر اساس اعتبار ابلاغی اعم از هزینه‌ای، مالی و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای جدید، متن پیشنهادی موافقتنامه مربوط را بر اساس الزامات قوانین برنامه‌های توسعه و قوانین بودجه سنواتی و سایر قوانین و مقررات مربوط در چهارچوب فرم‌ها، شرایط و دستورالعمل‌های ابلاغی معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور ارائه نمایند. معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور موظف است در صورت موافقت با متن پیشنهادی، ظرف مدت پانزده روز نسبت به امضای موافقتنامه و ابلاغ آن اقدام نماید و در صورت عدم موافقت با متن پیشنهادی، ظرف مدت پانزده روز نسبت به اصلاح و ابلاغ موافقتنامه نهایی که لازم‌الاجراء است، به نحوی که مغایر قانون نباشد، اقدام کند.

تبصره- ...

دیدگاه مغایرت

الف) بر اساس بند (ک) ماده (۳۷)، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور موظف است در صورت موافقت با متن پیشنهادی دستگاه‌های اجرایی، ظرف مدت پانزده روز نسبت به امضای موافقتنامه و ابلاغ آن اقدام نماید، در غیر این صورت، باید ظرف مدت پانزده روز نسبت به اصلاح و ابلاغ موافقتنامه نهایی که لازم‌الاجراء است اقدام کند. از آنجا که معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور ملزم به اصلاح و ابلاغ موافقتنامه نهایی و لازم‌الاجراء، بدون اخذ رضایت دستگاه‌های اجرایی (به عنوان طرف دوم موافقتنامه) شده است، این مصوبه واجد اشکال شرعی است.

ب) استفاده از واژه‌ی غیرفارسی «فرم» در بند (ک) ماده (۳۷) این مصوبه، مغایر با اصل (۱۵) قانون اساسی محسوب می‌شود؛ زیرا وفق اصل (۱۵) قانون اساسی، نگارش اسناد و مکاتبات و

متون رسمی باید با زبان و خط فارسی باشد. از این رو، باید معادل فارسی کلمه‌ی «فرم» در این مصوبه ذکر شود.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) با توجه به اینکه در بند (ک) ماده (۳۷)، اصلاح و ابلاغ موافقتنامه نهایی توسط معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور به شرط عدم مغایرت با قانون تجویز شده است، مصوبه‌ی مزبور تغییری با موازین شرعی ندارد.

ب) استفاده از واژه‌ی «فرم» در بند (ک) ماده (۳۷)، تغییری با اصل (۱۵) قانون اساسی ندارد؛ زیرا واژه مزبور به دلیل کثرت استعمال در زبان فارسی، هم‌اینگ جزء واژه‌های زبان فارسی محسوب می‌شود.

نظر شورای نگهبان

بند (ک) ماده (۳۷)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۳۷-

الف- ...

ل- مازاد درآمدهای استانی نسبت به ارقام مصوب در سقف اعتباراتی که برای این منظور در قوانین بودجه سنواتی پیش‌بینی می‌شود با اعلام خزانه‌داری کل کشور در مقاطع سه‌ماهه توسط معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور توزیع می‌شود. پنجاه درصد (۵۰٪) از مازاد درآمدهای استان‌های توسعه‌یافته و صد درصد (۱۰۰٪) مازاد درآمد سایر استان‌ها به خود همان استان به نسبت هشتاد درصد (۸۰٪) تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و بیست درصد (۲۰٪) اعتبارات هزینه‌ای اختصاص می‌یابد و مابقی اعتبار استان‌های توسعه‌یافته در اختیار معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور قرار می‌گیرد تا در راستای تعادل‌بخشی و ارتقای شاخص‌های توسعه‌یافتگی بین استان‌های توسعه‌نیافته توزیع شود.

دیدگاه مغایرت

الف) پیش‌بینی صورت‌گرفته در بند (ل) ماده (۳۷) مبنی بر توزیع مازاد درآمدهای استانی توسط معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور و همچنین اختصاص پنجاه درصد (۵۰٪) از مازاد درآمدهای استان‌های توسعه‌یافته و صد درصد (۱۰۰٪) مازاد درآمد سایر استان‌ها به

خود همان استان‌ها، درآمدهای دولت محسوب می‌شود و باید وفق اصل (۵۳) قانون اساسی به حساب خزانه‌داری کل کشور واریز شود. با این حال، تخصیص مازاد درآمدهای مزبور به خود همان استان‌ها، بدون حکم به لزوم واریز این درآمدها به حساب‌های خزانه‌داری کل کشور، مغایر با اصل (۵۳) قانون اساسی است که مقرر می‌دارد کلیه دریافت‌های دولت باید در حساب‌های خزانه‌داری کل متمرکز شود.

ب) مطابق با اصل (۵۲) قانون اساسی، بودجه‌ی سالانه‌ی کل کشور توسط دولت تنظیم و جهت تصویب به مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌شود. آنچه در بند (ل) ماده (۳۷) این مصوبه در خصوص تکلیف دولت به اختصاص پنجاه درصد (۵۰٪) از مازاد درآمدهای استان‌های توسعه‌یافته و صد درصد (۱۰۰٪) مازاد درآمد سایر استان‌ها به خود همان استان‌ها مورد پیش‌بینی قرار گرفته است، ماهیت بودجه‌ای دارد و باید مطابق با قانون بودجه‌ی سالیانه تعیین تکلیف شود. بنابراین، بند مزبور از آن جهت که بدون رعایت تشریفات قانون بودجه، تخصیص مازاد درآمدها به همان استان را تجویز کرده است، مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است.

ج) با توجه به اینکه صدور اجازه‌ی توزیع مازاد درآمدهای استانی توسط معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور در بند (ل) ماده (۳۷) این مصوبه، از مصادیق امر تفنین است، این بند مغایر با اصل (۸۵) قانون اساسی است؛ زیرا بر اساس این اصل، تقنین از شئون مجلس شورای اسلامی و غیرقابل واگذاری به غیر است.

نظر شورای نگهبان

جزء یک بند (ی) و همچنین بند (ل) ماده (۳۷)، مغایر اصول (۵۲) و (۵۳) قانون اساسی می‌باشند.

ماده ۳۷-

الف - ...

م- به منظور تأمین منابع ارزی مورد نیاز طرح‌های دارای توجیه فنی، اقتصادی، مالی و زیست‌محیطی به شرکت‌های دولتی اجازه داده می‌شود در حدود ارقام مقرر در قوانین بودجه سنواتی حسب مورد نسبت به صدور اوراق صکوک و یا اوراق مشارکت ارزی در بازارهای مالی داخلی و خارجی با رعایت ضوابط بانک مرکزی و در سقف مقرر در قوانین برنامه‌های توسعه اقدام کنند. صدور اوراق یادشده منوط به تأیید بانک یادشده و معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور بوده و بازپرداخت و تضمین اصل و سود این اوراق با شرکت‌های مربوط است. صدور اوراق مشارکت یا صکوک اسلامی با

سود تشویقی منوط به تأیید شورای پول و اعتبار است. در اجرای این بند رعایت ماده (۸۷) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت^(۱) الزامی است.

تبصره- چنانچه شرکتی که اوراق مذکور را به فروش رسانده است در زمان سررسید به هر دلیلی نتواند تعهدات سررسیدشده خود را بپردازد، خزانه‌داری کل کشور مجاز است معادل تعهدات مذکور را از حساب تمرکز وجوه درآمدی آن شرکت نزد خود برداشت و تعهدات سررسیدشده را پرداخت کند.

دیدگاه مغایرت

بر اساس بند (۱) قسمت (الف) سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی، ابلاغی مورخ ۱۳۸۴/۳/۱ مقام معظم رهبری، دولت موظف است هرگونه فعالیت (شامل تداوم فعالیت‌های قبلی و بهره‌برداری از آن) را که مشمول عناوین صدر اصل (۴۴) نباشد، حداکثر تا پایان برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی چهارم (سالیانه حداقل ۲۰ درصد کاهش فعالیت) به بخش‌های تعاونی و خصوصی و عمومی غیردولتی واگذار کند. این در حالی است که در بند (م) ماده (۳۷) این مصوبه به شرکت‌های دولتی جهت صدور اوراق صکوک و یا اوراق مشارکت ارزی در بازارهای مالی داخلی و خارجی به منظور تأمین منابع ارزی مورد نیاز برخی طرح‌ها اجازه داده شده است. بنابراین مصوبه‌ی مزبور به دلیل توسعه‌ی فعالیت‌های شرکت‌های دولتی، بر خلاف سیاست‌های اصل (۴۴) قانون اساسی بوده و از این مغایر با بند (۱) اصل (۱۱۰) قانون اساسی است. بر اساس بند یک اصل (۱۱۰) قانون اساسی، یکی از وظایف مقام رهبری، تعیین سیاست‌های کلی نظام، پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام است.

دیدگاه عدم مغایرت

آنچه در بند (م) ماده (۳۷) این مصوبه در خصوص اعطای مجوز به شرکت‌های دولتی جهت صدور اوراق صکوک و یا اوراق مشارکت ارزی در بازارهای مالی داخلی و خارجی مورد پیش‌بینی قرار گرفته است، به دلیل اینکه صرفاً شامل فعالیت‌های مجاز بوده، تغایری با سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی نداشته و در نتیجه مغایرتی با بند (۱) اصل (۱۱۰) قانون اساسی ندارد.

۱. ماده (۸۷) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷: «ماده ۸۷- شرکت‌های دولتی موضوع ماده (۲) این قانون مکلفند که تمام طرح‌ها و پروژه‌های سرمایه‌گذاری از محل منابع داخلی بیش از هشت میلیارد (۸,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال خود را برای یک بار به تأیید شورای اقتصاد برسانند.»

نظر شورای نگهبان

بند (م) ماده (۳۷)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۳۷-

الف - ...

س- هزینه خدمات مدیریت طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، سازمان مجری ساختمان‌ها و تأسیسات دولتی و عمومی، شرکت ساخت و توسعه زیربنای حمل و نقل کشور، سازمان توسعه برق ایران، شرکت توسعه منابع آب و نیروی ایران، شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی، شرکت مادر تخصصی حمل و نقل ریلی کشور وابسته به وزارت کشور حداکثر تا دو و نیم درصد (۲/۵٪) اعتبارات ذی‌ربط با احتساب اعتبارات تخصیص‌یافته از منابع بودجه عمومی کشور، توسط معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور تعیین می‌شود.

شورای برنامه‌ریزی استان حداقل هشت درصد (۸٪) از اعتبارات عمرانی استان‌ها را در اختیار بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان و شهرستان قرار می‌دهد تا صرف اجرای طرح‌های عمران و بهسازی روستاهای استان شود.

دیدگاه مغایرت

مطابق با اصل (۵۲) قانون اساسی، بودجه‌ی سالانه‌ی کل کشور به ترتیبی که در قانون مقرر می‌شود از طرف دولت، تهیه و برای رسیدگی و تصویب به مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌گردد. با توجه به اینکه احکام مقرر در بند (س) ماده (۳۷) مبنی بر تعیین هزینه‌ی خدمات مدیریت طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای برخی بنیادها، سازمان‌ها و شرکت‌ها حداکثر تا دو و نیم درصد (۲/۵٪) اعتبارات ذی‌ربط با احتساب اعتبارات تخصیص‌یافته از منابع بودجه‌ی عمومی کشور، توسط معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور، و همچنین اختصاص حداقل هشت درصد (۸٪) از اعتبارات عمرانی استان به بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان و شهرستان از طرف شورای برنامه‌ریزی استان، ماهیت بودجه‌ای دارد، باید این احکام در ضمن لایحه‌ی بودجه‌ی سالانه کل کشور توسط دولت پیشنهاد شود و سپس به تصویب مجلس برسد؛ حال آنکه در این مصوبه، این احکام بدون طی این تشریفات، با ارائه‌ی طرح قانونی از سوی نمایندگان به تصویب مجلس رسیده است. از این جهت، این مصوبه به دلیل ایجاد محدودیت در صلاحیت دولت برای تهیه و تنظیم لایحه بودجه، مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است. به علاوه، احکام دائمی مندرج

در این بند در خصوص تخصیص اعتبارات با اصل سالانه بودن بودجه نیز در تغایر است و از این جهت نیز این مصوبه مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

آنچه در بند (س) ماده (۳۷) در خصوص تعیین هزینه‌ی خدمات مدیریت طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای برخی بنیادها، سازمان‌ها و شرکت‌ها توسط معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور آمده است و همچنین حکم مقرر در این بند در خصوص الزام شورای برنامه‌ریزی استان به پرداخت حداقل هشت درصد (۸٪) از اعتبارات عمرانی استان‌ها به بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان و شهرستان جهت مصرف در اجرای طرح‌های عمران و بهسازی روستاها، فاقد ماهیت بودجه‌ای است و لذا قابل تغییر و اصلاح به وسیله‌ی مجلس است. بنابراین این مصوبه تغایری با اصل (۵۲) قانون اساسی که بر صلاحیت دولت در تهیه و تنظیم بودجه تأکید می‌کند، ندارد.

نظر شورای نگهبان

همچنین فراز اول و دوم بند (س) این ماده [= ماده (۳۷)]، مغایر اصل (۵۲) قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۳۷-

الف- ...

ع- به دولت اجازه داده می‌شود به منظور پیش‌آگاهی، پیشگیری، امدادرسانی، بازسازی و نوسازی مناطق آسیب‌دیده از حوادث غیر مترقبه از جمله سیل، زلزله، سرمازدگی، تگرگ، طوفان، آتش‌سوزی، گرد و غبار، پیشروی آب دریا، آفت‌های فراگیر محصولات کشاورزی و بیماری‌های همه‌گیر انسانی و دامی و حیات وحش و مدیریت خشکسالی، تنخواه‌گردان موضوع ماده (۱۰) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰^(۱) را به سه درصد (۳٪) و اعتبارات موضوع ماده (۱۲) قانون تشکیل سازمان

۱. ماده (۱۰) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷: «ماده ۱۰- به دولت اجازه داده می‌شود برای پیش‌آگاهی‌ها، پیشگیری، امدادرسانی، بازسازی و نوسازی مناطق آسیب‌دیده از حوادث غیرمترقبه از جمله سیل، زلزله، سرمازدگی، تگرگ، طوفان، پیشروی آب دریا، آفت‌های فراگیر محصولات کشاورزی و اپیدمی‌های دامی، اعتبار مورد نیاز را در لوائح بودجه سالانه منظور نماید.

مدیریت بحران کشور مصوب ۱۳۸۷^(۱) را به دو درصد (۲٪) افزایش دهد. اعتبارات مذکور با پیشنهاد وزارت کشور و تأیید معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور (ظرف ده روز) و تصویب هیئت وزیران قابل هزینه است. از ابتدای سال ۱۳۹۵ بخشی از اعتبارات مذکور به ترتیب و میزانی که در قوانین بودجه سنواتی تعیین می‌شود به صورت هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای به جمعیت هلال احمر و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اختصاص می‌یابد تا در جهت آمادگی و مقابله با حوادث و سوانح هزینه گردد.

دیدگاه مغایرت

بند (ع) ماده (۳۷) به دولت اجازه داده است که برای برخی از امور و حوادث غیرمترقبه، تنخواه‌گردان موضوع ماده (۱۰) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰ را به سه درصد (۳٪) و اعتبارات موضوع ماده (۱۲) قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور مصوب ۱۳۸۷ را به دو درصد (۲٪) افزایش دهد. این تغییر در ارقام تنخواه‌گردان، ماهیت بودجه‌ای دارد که پیشنهاد تغییر در آن، طبق تشریفات مقرر در اصل (۵۲) قانون اساسی، ابتدائاً در صلاحیت دولت است و پس از آن، نیازمند تصویب در مجلس است. بنابراین، از آن جهت که مجلس با تصویب این بند در قالب «طرح قانونی»، صلاحیت دولت در تنظیم و تهیه بودجه‌ی سنواتی را محدود کرده و خود اقدام به تنظیم بودجه کرده است، مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است.



سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و وزارت کشور با هماهنگی دستگاه‌های ذی‌ربط کمک‌های بلاعوض را برای پرداخت خسارت دیدگان به طریقی تعیین می‌کنند که سهم اعتبار اقدامات بیمه در جبران خسارت ناشی از حوادث غیرمترقبه یادشده نسبت به کمک‌های بلاعوض، سالانه افزایش یابد و با پوشش بیمه‌ای کامل به تدریج کمک‌های بلاعوض حذف شوند.

به دولت اجازه داده می‌شود در صورت وقوع حوادث غیرمترقبه از جمله خشکسالی، سیل و مانند آنها تا معادل یک درصد (۱٪) از بودجه عمومی هر سال را از محل افزایش تنخواه‌گردان خزانه موضوع ماده (۱) این قانون تأمین و هزینه نماید. تنخواه مذکور حداکثر تا پایان همان سال از محل صرفه‌جویی در اعتبارات عمومی و یا اصلاح بودجه سالانه تسویه خواهد شد.

آیین‌نامه اجرایی این ماده بنا به پیشنهاد مشترک سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و وزارت کشور به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

۱. ماده (۱۲) قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور مصوب ۱۳۸۷/۲/۳۱: «ماده ۱۲- به دولت اجازه داده می‌شود در صورت وقوع حوادث طبیعی و سوانح پیش‌بینی نشده معادل یک و دو دهم درصد (۱/۲٪) از بودجه عمومی هر سال را از محل افزایش تنخواه‌گردان خزانه تأمین کند تا به صورت اعتبارات خارج از شمول با پیشنهاد شورای عالی و تأیید رئیس جمهور هزینه گردد.»

دیدگاه عدم مغایرت

آنچه در بند (ع) ماده (۳۷) در خصوص امکان تغییر در ارقام تنخواه گردان آمده، فاقد ماهیت بودجه‌ای است و لذا قابل تغییر و اصلاح به وسیله‌ی مجلس است. بنابراین این مصوبه تغایری با اصل (۵۲) قانون اساسی که بر صلاحیت دولت در تهیه و تنظیم بودجه تأکید می‌کند، ندارد.

نظر شورای نگهبان

بند (ع) ماده (۳۷)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۳۷-

الف- ...

ف- تصویب‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها، تغییر تشکیلات، تغییر ضرایب، جداول حقوقی و طبقه‌بندی مشاغل و افزایش مبنای حقوقی، اعطای مجوز هر نوع استخدام و به‌کارگیری نیرو و مصوبات هیئت امنای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی که متضمن بار مالی برای دولت و صندوق‌های بازنشستگی و دستگاه‌های اجرایی باشد، در صورتی قابل طرح و تصویب و اجرا است که بار مالی ناشی از آن در گذشته محاسبه و در قانون بودجه کل کشور یا منابع داخلی دستگاه اجرایی ذی‌ربط تأمین شده باشد. اقدام دستگاه اجرایی برخلاف این حکم، تعهد زائد بر اعتبار محسوب می‌شود.

دولت مکلف است نسبت به پرداخت حداقل مستمری به افراد بازمانده تحت تکفل والدین شهید فوت‌شده (نامادری)، خواهران مجرد، خواهران و برادران معلول (محجور) توسط بنیاد شهید و امور ایثارگران اقدام نماید.

دولت مکلف است به جانبازان و آزادگان غیرحالت اشتغال معسر، فاقد درآمد که بر اساس قوانین نیروهای مسلح مشمول دریافت حقوق وظیفه نمی‌باشند تا زمانی که فاقد شغل و درآمد باشند ماهیانه کمک‌معیشت معادل حداقل حقوق کارکنان دولت پرداخت کند.

اعتبار مورد نیاز همه‌ساله در قوانین بودجه پیش‌بینی می‌شود.

دیدگاه مغایرت

بر اساس اصل (۷۵) قانون اساسی طرح‌هایی که منجر به افزایش هزینه‌ی عمومی دولت می‌شود باید طریق تأمین هزینه‌های جدید معلوم شده و راهکار تأمین این هزینه‌ها مشخص شود. با این وصف، فراز دوم بند (ف) ماده (۳۷) این طرح که دولت را مکلف به پرداخت حداقل مستمری به افراد بازمانده تحت تکفل والدین شهید فوت‌شده (نامادری)، خواهران مجرد، خواهران و برادران معلول (محجور)

نموده است و همچنین حکم مقرر در فراز سوم بند مزبور مبنی بر تکلیف دولت به پرداخت ماهیانه کمک‌معیشت به جانبازان و آزادگان غیرحالت اشتغال معسر فاقد درآمد، چون موجب افزایش هزینه‌های عمومی دولت می‌شود، باید متضمن طریق تأمین این هزینه‌ها نیز می‌شد، که با توجه به عدم تعیین طریق تأمین این هزینه‌ها در این مصوبه، این بندها مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی خواهد بود.

نظر شورای نگهبان

فراز دوم و سوم بند (ف) این ماده، دارای ابهام فراوان بوده و نیازمند اصلاح عبارتی است و نیز مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی می‌باشد.

ماده ۳۷-

الف- ...

بند الحاقی- بنیاد مکلف است حسب مورد و با تشخیص کمیسیون پزشکی بنیاد و یا مراجع قانونی به والدین و همسران شهدایی که به دلیل کهولت سن و یا بیماری‌های صعب‌العلاج نیاز به نگهداری دارند، در صورتی که نسبت به نگهداری فرد یا افراد یادشده در میان خانواده اقدام نمایند نسبت به پرداخت حق نگهداری به میزان سی درصد (۳۰٪) حقوق کارکنان دولت اقدام نماید.

دیدگاه مغایرت

در بند الحاقی به ماده (۳۷) این طرح، بنیاد مکلف شده است تحت شرایطی به والدین و همسران شهدایی که به دلیل کهولت سن و یا بیماری‌های صعب‌العلاج نیاز به نگهداری دارند، مبلغی را تحت عنوان «حق نگهداری» به میزان سی درصد (۳۰٪) حقوق کارکنان دولت پرداخت نماید. این حکم چون باعث افزایش هزینه‌های عمومی دولت می‌شود، لازم بود که طبق مفاد اصل (۷۵) قانون اساسی، طریق تأمین این هزینه‌ها در این مصوبه بیان می‌شد. بر این اساس، از آن جهت که طریق تأمین هزینه‌های ناشی از اجرای حکم مقرر در این بند، مشخص و معین نشده است، این بند الحاقی مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است.

نظر شورای نگهبان

بند الحاقی به این ماده [= ماده (۳۷)] نیز مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۳۹- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی موظف است اقدامات لازم برای درمان فوری و بدون قید و شرط مصدومان حوادث و سوانح رانندگی در همه واحدهای بهداشتی و درمانی دولتی و غیردولتی و همچنین در مسیر اعزام به مراکز تخصصی و مراجعات ضروری بعدی را به عمل آورد. برای تأمین بخشی از منابع لازم جهت ارائه خدمات تشخیصی و درمانی به این مصدومان، معادل ده درصد (۱۰٪) از حق بیمه پرداختی شخص ثالث، سرنشین و مازاد به طور مستقیم طی قبض جداگانه به حساب درآمدهای اختصاصی نزد خزانه‌داری کل کشور به نام وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی واریز می‌شود. توزیع این منابع بین دانشگاه‌های علوم پزشکی توسط وزارتخانه مذکور با تأیید معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور بر اساس عملکرد واحدهای یادشده بر مبنای تعرفه‌های مصوب هر سه ماه یکبار صورت می‌گیرد. وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی موظف است هزینه‌کرد اعتبارات مذکور را هر شش ماه یکبار به بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران و معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور و کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی گزارش کند. بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران مسئول حُسن اجرای این ماده است.

دیدگاه مغایرت

پیش‌بینی صورت‌گرفته در ماده (۳۹) این مصوبه مبنی بر واریز معادل ده درصد (۱۰٪) از حق بیمه‌ی پرداختی شخص ثالث، سرنشین و مازاد به طور مستقیم طی قبض جداگانه به حساب درآمدهای اختصاصی نزد خزانه‌داری کل کشور به نام وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، امری است که ماهیت بودجه‌ای دارد و باید در لایحه‌ی بودجه‌ی سالیانه توسط دولت، منظور و تصویب شود و مطابق اصل (۵۳) قانون اساسی، تخصیص یابد؛ حال آنکه در این مصوبه، این تخصیص به موجب این ماده از طرح قانون الحاق برخی از مواد به مقررات مالی دولت انجام گرفته است که مغایر با مفاد اصل (۵۳) است. توضیح آنکه اصل (۵۳) قانون اساسی مقرر می‌دارد که همه‌ی پرداخت‌ها باید در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام گیرد. منظور از «اعتبارات مصوب به موجب قانون» در اصل (۵۳)، اعتباراتی است که دولت به موجب قانون بودجه‌ی سنواتی پیش‌بینی کرده و مجلس آن را تصویب نموده است. بر این اساس، نمی‌توان امر تخصیص بودجه به دستگاه‌ها را در قالب قوانینی غیر از بودجه مقرر کرد.

نظر شورای نگهبان

ماده (۳۹)، از آن جهت که طبق اصل (۵۳) باید همه پرداخت‌ها در حدود اعتبارات مصوب به

موجب قانون انجام گیرد، مغایر اصل مذکور می‌باشد.

ماده ۴۳- به سازمان انرژی اتمی ایران اجازه داده می‌شود به کارکنان شاغل در سازمان انرژی اتمی ایران، شرکت‌های تابع و دستگاه‌های وابسته که در معرض اشعه و مواد پرتوزا می‌باشند با تأیید کمیسیون تشخیص پرتوکاری سازمان، طبق قانون حفاظت در برابر اشعه و آیین‌نامه اجرایی و دستورالعمل مربوط، فوق‌العاده کار با اشعه در دوران اشتغال پرداخت کند.

دیدگاه مغایرت

آنچه در ماده (۴۳) در خصوص دادن اجازه به سازمان انرژی اتمی ایران برای پرداخت فوق‌العاده کار با اشعه در دوران اشتغال به کارکنان شاغل این سازمان و شرکت‌ها و دستگاه‌های وابسته آمده، موجب افزایش هزینه‌های عمومی برای دولت است که با توجه به عدم تعیین طریق تأمین این هزینه‌ها در این مصوبه، این ماده مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است. مطابق با این اصل، طرح‌های نمایندگان که متضمن افزایش هزینه‌های برای دولت است، در صورتی قابل طرح در مجلس است که طریق تأمین این هزینه‌ها مشخص و معین شده باشد.

دیدگاه عدم مغایرت

حکم مقرر در ماده (۴۳) در خصوص دادن اجازه به سازمان انرژی اتمی ایران برای پرداخت فوق‌العاده کار با اشعه به برخی کارکنان، به دلیل اینکه امکان چنین پرداختی در گذشته و به موجب قانون حفاظت در برابر اشعه و آیین‌نامه اجرایی و دستورالعمل آن وجود داشته و در ماده‌ی مزبور صرفاً ضابطه‌مند شده است، موجب بار مالی جدیدی برای دولت نیست تا بخواهیم عدم تأمین منبع برای هزینه‌های مزبور در این مصوبه را در تغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی بدانیم.

نظر شورای نگهبان

ماده (۴۳)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۴۶- به وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی اجازه داده می‌شود با رعایت اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات مربوط، اموال منقول و غیرمنقول مازاد خود را به فروش برسانند و وجوه حاصل را به درآمد عمومی کشور نزد خزانه‌داری کل واریز کنند. معادل

وجوه واریزی از محل اعتبارات ردیف‌های متفرقه مربوط در اختیار دستگاه اجرایی ذی‌ربط حسب مورد ملی یا استانی قرار می‌گیرد تا صرف اجرای طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای نیمه‌تمام مصوب و تجمیع ساختمان‌های اداری نمایند.

دیدگاه مغایرت

الف) مطابق با اصل (۵۲) قانون اساسی، بودجه‌ی سالانه‌ی کل کشور به ترتیبی که در قانون مقرر می‌شود از طرف دولت تهیه و برای رسیدگی و تصویب به مجلس شورای اسلامی تسلیم می‌گردد. بر اساس ماده (۴۶) این مصوبه، معادل وجوه واریزی از محل اعتبارات مذکور در این ماده، در اختیار دستگاه اجرایی ذی‌ربط حسب مورد ملی یا استانی قرار می‌گیرد تا صرف مصارف مقرر در این مصوبه شود. با توجه به اینکه موضوع حکم مقرر در این ماده، واجد ماهیت بودجه‌ای است، این موضوع وفق اصل (۵۲) قانون اساسی باید توسط دولت و به صورت سالیانه در لایحه‌ی بودجه‌ی کل کشور ملحوظ و به مجلس برای تصویب پیشنهاد شود. بنابراین، ماده‌ی مزبور از این جهت که با تخصیص اعتبارات خارج از قانون بودجه، صلاحیت و اختیارات دولت در تخصیص اعتبارات را محدود کرده است، مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است.

ب) آنچه در ماده (۴۶) در خصوص در اختیار قرار دادن معادل وجوه واریزی از محل اعتبارات مذکور مورد پیش‌بینی قرار گرفته، مغایر با اصل (۵۳) قانون اساسی است؛ زیرا مطابق با این اصل، همه‌ی پرداخت‌های دولت باید در حدود اعتبارات مصوب و به موجب قانون (بودجه) انجام گیرد. بنابراین، ماده‌ی مزبور، از آن جهت که خارج از قانون بودجه و همچنین بدون تعیین سقف و میزان اعتبارات پرداختی، اقدام به تخصیص اعتبارات کرده است، مغایر با اصل (۵۳) قانون اساسی است.

نظر شورای نگهبان

ماده (۴۶)، از جهت در اختیار قرار دادن معادل وجوه واریزی از محل اعتبارات مذکور، مغایر اصول (۵۲) و (۵۳) قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۴۷- علاوه بر افزایش قانونی نرخ مالیات بر ارزش افزوده، صرفاً یک واحد درصد در هر سال به عنوان مالیات سلامت به نرخ مالیات بر ارزش افزوده سهم دولت اضافه و همزمان با دریافت، مستقیماً به ردیف درآمدی که برای این منظور در قوانین بودجه سنواتی پیش‌بینی می‌شود، واریز می‌گردد. صد درصد (۱۰۰٪) منابع دریافتی از طریق

ردیف یا ردیف‌هایی که برای این منظور در قوانین بودجه سنواتی پیش‌بینی می‌شود، به پیشگیری و پوشش کامل درمان افراد ساکن در روستاها و شهرهای دارای بیست هزار نفر جمعیت و پایین‌تر و جامعه عشایری (در چارچوب نظام ارجاع) اختصاص می‌یابد و پس از تحقق هدف مذکور نسبت به تکمیل و تأمین تجهیزات بیمارستانی و مراکز بهداشتی و درمانی با اولویت بیمارستان‌های مناطق توسعه‌نیافته، مصارف هیئت امنای ارزی و ارتقای سطح بیمه بیماران صعب‌العلاج و افراد تحت پوشش نهادهای حمایتی خارج از روستاها و شهرهای بالای بیست هزار نفر جمعیت اقدام شود.

هرگونه پرداخت هزینه‌های پرسنلی نظیر حقوق و مزایا، اضافه کار، کمک‌های رفاهی، پاداش، فوق‌العاده‌های مأموریت، کارانه، بهره‌وری، مدیریت، نوبت‌کاری، دیون و مانند آن و هزینه‌های اداری نظیر اقلام مصرفی اداری و تأمین اثاثیه و منصوبات اداری از این محل ممنوع می‌باشد.

دیدگاه مغایرت

بودجه‌ی سالانه‌ی کل کشور می‌بایست به ترتیبی که در قانون مقرر می‌شود از طرف دولت تهیه و برای رسیدگی و تصویب به مجلس شورای اسلامی تسلیم شود. حکم مقرر در ماده (۴۷) طرح الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، مبنی بر افزایش یک واحد درصد در هر سال به عنوان مالیات سلامت به نرخ مالیات بر ارزش‌افزوده سهم دولت و واریز همزمان و مستقیم آن به ردیف درآمدی که برای این منظور در قوانین بودجه‌ی سنواتی پیش‌بینی می‌شود جهت مصرف در امر پیشگیری و درمان افراد موضوع آن ماده، به دلیل اینکه واجد ماهیت بودجه‌نویسی است باید از طرف دولت و در قانون بودجه‌ی سالانه‌ی کل کشور منظور گردد. بنابراین، ماهیت ماده‌ی مزبور بودجه‌ای بوده و از آن جهت که مجلس شورای اسلامی اقدام به تعیین و تصویب آن کرده است، صلاحیت و اختیارات دولت در تعیین بودجه کل کشور را محدود کرده است که این موضوع مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است.

نظر شورای نگهبان

ماده (۴۷)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۴۹- دولت موظف است بیمه پایه سلامت را به صورت اجباری و همگانی برای آحاد جامعه برقرار نماید.

حق بیمه سلامت خانوار به شرح زیر سهمی از درآمد سرپرست خانوار خواهد بود:

۱- خانوارهای روستاییان و عشایر، افراد تحت پوشش بیمه سلامت همگانی و اقشار نیازمند تحت پوشش نهادهای حمایتی و مؤسسات خیریه معادل هفت درصد (۷٪) حداقل حقوق و دستمزد مشمولان قانون کار. صد درصد (۱۰۰٪) حق بیمه اقشار نیازمند از بودجه عمومی دولت تأمین می‌شود. میزان مشارکت خانوارهای روستایی و افراد تحت پوشش بیمه سلامت همگانی (موضوع بند (الف) ماده (۳۸) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه)^(۱) بر اساس شناسایی اقشار نیازمند توسط وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و مبتنی بر آیین‌نامه‌ای که به پیشنهاد شورای عالی بیمه و تصویب هیئت وزیران می‌رسد تعیین می‌شود.

۲- خانوارهای کارکنان کشوری و لشکری شاغل و بازنشسته معادل هفت درصد (۷٪) حقوق و مزایای مستمر. بخشی از حق بیمه مشمولان این بند از بودجه عمومی دولت تأمین خواهد شد. آیین‌نامه نحوه توزیع این درصد بین کارمند، کارفرما و سهم دولت به پیشنهاد شورای بیمه به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

۳- مشمولان تأمین اجتماعی مطابق قانون تأمین اجتماعی

۴- سهم خانوارهای سایر اقشار متناسب با گروه‌های درآمدی به پیشنهاد شورای عالی بیمه سلامت کشور و تصویب هیئت وزیران.

تبصره ۱- دستگاه‌های اجرایی مکلفند حق بیمه پایه سلامت سهم کارمندان، بازنشستگان و موظفان را از حقوق ماهانه کسر و به همراه سهم دستگاه مربوطه و ظرف مدت یک ماه به حساب سازمان بیمه سلامت ایران واریز کنند.

مطالبات سازمان بیمه سلامت ایران از دستگاه‌های اجرایی، اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی، سازمان‌ها و مؤسسات غیردولتی، بابت حق بیمه‌های ناشی از عدم اجرای این قانون و سایر قوانین مرتبط با بیمه همگانی خدمات درمانی کشور که علی‌رغم اعلام

۱. بند (الف) ماده (۳۸) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵: «ماده ۳۸- به منظور توسعه کمی و کیفی بیمه‌های سلامت، دستیابی به پوشش فراگیر و عادلانه خدمات سلامت و کاهش سهم مردم از هزینه‌های سلامت به سی درصد (۳۰٪) از طرق مختلف مانند اصلاح ساختار صندوق‌ها، مدیریت منابع، متناسب نمودن تعرفه‌ها، استفاده از منابع داخلی صندوق‌ها و در صورت لزوم از محل کمک دولت در قالب بودجه سنواتی و در طول برنامه اقدامات زیر انجام می‌شود:

الف- دولت مکلف است سازوکارهای لازم برای بیمه همگانی و اجباری پایه سلامت را تا پایان سال اول برنامه تعیین و ابلاغ نموده و زمینه‌های لازم را در قالب بودجه‌های سنواتی برای تحت پوشش قرار دادن آحاد جامعه فراهم نماید.

ب- ...»

بدهی ظرف مدت یک ماه نسبت به پرداخت بدهی اقدام نمی‌نمایند، در حکم مطالبات مستند به اسناد لازم‌الاجراء بوده و طبق مقررات ماده (۵۰) قانون تأمین اجتماعی^(۱) وصول خواهد شد.

تبصره ۲- دولت مکلف است تا پایان برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون نسبت به ایجاد وحدت رویه در ارائه خدمات کلیه سازمان‌ها و صندوق‌های ارائه‌دهنده بیمه خدمات درمان اقدام کند.

تبصره ۳- پرداخت حق بیمه پایه درمان سلامت و حق بیمه سهم کارفرمایی طلاب و روحانیون غیرشاغل تحت پوشش مراکز خدمات حوزه‌های علمیه، بسیجیان غیرشاغل معسر، ده بیست و هفتم حق بیمه رانندگان حمل و نقل عمومی، بیست بیست و هفتم حق بیمه خادمان ثابت مساجد و کارگران باربر (حمال) که فاقد هرگونه بیمه پوششی می‌باشند و همچنین هزینه‌های معیشت طلاب و روحانیون غیرشاغل تحت پوشش مراکز خدمات حوزه‌های علمیه بر عهده دولت است.

تبصره ۴- عقد قرارداد و هرگونه پرداخت مازاد بر تعرفه تعیین‌شده برای آن دسته از خدمات تشخیصی، بهداشتی و درمانی که از بسته بیمه پایه سلامت اعلام می‌شود توسط شرکت‌های بیمه‌های تجاری و سازمان بیمه سلامت با اشخاص حقیقی و حقوقی تحت هر عنوان ممنوع است.

دیدگاه مغایرت

الف) مطابق با اصل (۷۵) قانون اساسی، طرح‌های نمایندگان مجلس که متضمن افزایش هزینه‌های عمومی برای دولت است در صورتی قابل طرح در مجلس خواهد بود که طریق تأمین هزینه‌های جدید در آن تعیین و به صورت دقیق مشخص شده باشد. با این وصف، الزام دولت در بند (۱) ماده (۴۹) این مصوبه به تأمین حق بیمه‌ی اقشار نیازمند از بودجه‌ی عمومی، با توجه به این واقعیت که میزان آن حتی نسبت به پیش‌بینی صورت‌گرفته در جزء (۱) بند (د) ماده (۳۸)

۱. ماده (۵۰) قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴/۴/۳: «ماده ۵۰- مطالبات سازمان بابت حق بیمه و خسارات تأخیر و جریمه‌های نقدی که ناشی از اجرای این قانون یا قوانین سابق بیمه‌های اجتماعی و قانون بیمه‌های اجتماعی روستاییان باشد، همچنین هزینه‌های انجام‌شده طبق مواد (۶۶) و (۹۰) و خسارات مذکور در مواد (۹۸) و (۱۰۰) این قانون در حکم مطالبات مستند به اسناد لازم‌الاجراء بوده و طبق مقررات مربوط به اجرای مفاد اسناد رسمی به‌وسیله مأمورین اجرای سازمان قابل وصول می‌باشد. آیین‌نامه اجرایی این ماده حداکثر ظرف شش ماه از تاریخ تصویب این قانون از طرف سازمان تهیه و پس از تصویب وزارت رفاه اجتماعی و وزارت دادگستری به موقع اجرا گذارده خواهد شد. تا تصویب آیین‌نامه مزبور مقررات این ماده توسط مأمورین اجرای احکام محاکم دادگستری بر اساس آیین‌نامه ماده (۳۵) قانون بیمه‌های اجتماعی اجرا خواهد شد.»

قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی پنجم توسعه‌ی جمهوری اسلامی ایران^(۱) نیز بیشتر است، همچنین تکلیف دولت به پرداخت حق بیمه‌ی برخی اقشار جامعه و همچنین پرداخت هزینه‌های معیشت طلاب و روحانیون غیرشاغل و نیز پیش‌بینی صورت‌گرفته در ذیل بند (۱) این مصوبه مبنی بر تعیین میزان مشارکت خانوارهای روستایی و افراد تحت پوشش بیمه‌ی سلامت همگانی توسط وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، همگی مستلزم تحمیل بار مالی بسیار به دولت و افزایش هزینه‌های عمومی آن می‌شود. بنابراین، از آن جهت که در این ماده منابع لازم برای تأمین این هزینه‌ها معلوم و به صورت دقیق مشخص و تعیین نشده است، این مصوبه مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است.

ب) بند (۴) اصل (۳) قانون اساسی بر تقویت روح تحقیق و پژوهش تأکید می‌کند و بند (۹) اصل مزبور نیز یکی از پایه‌های نظام جمهوری اسلامی را رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه دانسته است. با این وصف، تبصره (۳) ماده (۴۹) در مورد پرداخت هزینه‌های معیشت طلاب و روحانیون غیرشاغل از طرف دولت، موجب ایجاد تبعیض ناروا در میان طلاب مزبور و سایر پژوهشگران و محققان غیر روحانی خواهد شد. از این جهت، مفاد این تبصره، مغایر با بند (۹) اصل (۳) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

زمانی یک طرح موجد تغییرات مالی (تقلیل درآمد یا افزایش هزینه) برای دولت است که آن طرح، درآمدها و یا هزینه‌های دولت را که در سایر قوانین از جمله قانون بودجه، مسلم و مصوب شده است تقلیل یا افزایش دهد. اما در صورتی که مجلس شورای اسلامی به صورت کلی وظایف

۱. جزء (۱) بند (د) ماده (۳۸) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵: «ماده ۳۸- به منظور توسعه کمی و کیفی بیمه‌های سلامت، دستیابی به پوشش فراگیر و عادلانه خدمات سلامت و کاهش سهم مردم از هزینه‌های سلامت به سی درصد (۳۰٪) از طرق مختلف مانند اصلاح ساختار صندوق‌ها، مدیریت منابع، متناسب نمودن تعرفه‌ها، استفاده از منابع داخلی صندوق‌ها و در صورت لزوم از محل کمک دولت در قالب بودجه سنواتی و در طول برنامه اقدامات زیر انجام می‌شود:
الف- ...

د- حق بیمه پایه سلامت خانوار به شرح زیر، سهمی از درآمد سرپرست خانوار خواهد بود:
۱- خانوارهای روستاییان و عشایر و اقشار نیازمند تحت پوشش نهادهای حمایتی و مؤسسات خیریه معادل پنج درصد (۵٪) حداقل حقوق و دستمزد مشمولان قانون کار در سال‌های اول، دوم و سوم برنامه و شش درصد (۶٪) حداقل حقوق و دستمزد مشمولان قانون کار در سال‌های چهارم و پنجم برنامه صد درصد (۱۰۰٪) حق بیمه اقشار نیازمند از بودجه عمومی دولت تأمین می‌شود.

۲- «...»

و تکالیف دولت را منطبق بر «اصول قانون اساسی» تصویب کند، چنانچه حتی اجرای آن وظایف مستلزم هزینه و بار مالی باشد، نمی‌توان به استناد اصل (۷۵) قانون اساسی، مجلس را به تعیین منابع برای جبران بار مالی در آن مصوبه ملزم کرد. در این موارد دولت خود باید برای اجرای آن وظایف مصوب، تدبیر و اندیشه کند و در بودجه‌های سنواتی، منابع مالی لازم را در ضمن ردیف‌های مربوط تخصیص دهد. بر این اساس، آنچه در بندها و تبصره‌های مختلف ماده (۴۹) پیش‌بینی شده است، از آنجا که در واقع الزام دولت به انجام تکالیفی است که در قانون اساسی مورد تأکید قرار گرفته است و دولت طبق مفاد این ماده مکلف است وظایف خود را (نه الزاماً در سال جاری) انجام دهد و برای انجام آن منابع مالی لازم را هم در نظر بگیرد، مغایرتی با اصل (۷۵) قانون اساسی ندارد که بر تعیین منابع مالی هزینه‌های جدید در طرح‌های نمایندگان تأکید می‌کند.

دیدگاه ابهام

عبارت «هزینه‌های معیشت» در تبصره (۳) ماده (۴۹) این مصوبه، از جهت شمول و گستره‌ی آن واجد ابهام است. در صورتی که منظور از هزینه‌ی معیشت، هزینه‌ی کلیه‌ی امور زندگی فرد باشد، به‌گونه‌ای که فرد نیازی به شغل نداشته و دولت مکلف باشد تمام هزینه‌های او را - به ویژه در مواردی که فرد توانایی کسب درآمد داشته باشد - پرداخت کند، خلاف موازین شرع است. بنابراین، باید منظور از هزینه‌های معیشت و شمول آن در این ماده مشخص شود تا بتوان در خصوص مغایرت و یا عدم مغایرت آن با موازین شرع اظهار نظر کرد.

نظر شورای نگهبان

- ماده (۴۹)، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی شناخته شد. همچنین در تبصره (۳) این ماده، منظور از عبارت «هزینه‌های معیشت» روشن نیست؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.
- تذکر: در تبصره (۳) ماده (۴۹)، «مراکز خدمات حوزه‌های علمیه» به «مرکز خدمات حوزه‌های علمیه» اصلاح شود.

ماده ۵۴- درآمدهای ناشی از وصول جریمه‌های موضوع قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی مصوب ۱۳۶۷^(۱) که از متخلفان در موارد زیر اخذ می‌شود، به حساب

۱. مواد (۱) الی (۸) قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی مصوب ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام: «ماده ۱- ایجاد مؤسسات پزشکی غیرمجاز توسط اشخاص فاقد صلاحیت از نظر تخصصی جرم بوده و متخلف به مجازات‌های زیر محکوم می‌گردد: مرتبه اول- تعطیل مؤسسه و ضبط کلیه ملزومات مؤسسه به نفع
↵



دولت. مرتبه دوم- علاوه بر مجازات‌های مرتبه اول، جریمه نقدی به میزان یک میلیون تا ده میلیون ریال و اعلام نام در جراید. مرتبه سوم- علاوه بر مجازات‌های مرتبه دوم، زندان از شش ماه تا یک سال.

ماده ۲- ایجاد مؤسسه پزشکی توسط افراد متخصص بدون پروانه کار جرم بوده و متخلف به مجازات‌های زیر محکوم می‌گردد: مرتبه اول- تعطیل مؤسسه، توبیخ کتبی و درج در پرونده پزشکی. مرتبه دوم- علاوه بر مجازات‌های مرتبه اول، جریمه نقدی به میزان یکصد هزار تا یک میلیون ریال. مرتبه سوم- علاوه بر مجازات‌های مرتبه اول، جریمه نقدی به میزان یک میلیون تا ده میلیون ریال و ضبط اموال مؤسسه به نفع دولت.

ماده ۳- خودداری بیمارستان‌ها از پذیرش و ارائه خدمات اولیه لازم به بیماران اورژانس جرم محسوب شده و متخلف به مجازات‌های زیر محکوم می‌گردد: مرتبه اول- جریمه نقدی از یکصد هزار تا پانصد هزار ریال، توبیخ کتبی و درج در پرونده پزشکی. مرتبه دوم- جریمه نقدی پانصد هزار تا یک میلیون ریال، لغو پروانه مسئول فنی مؤسسه، توبیخ کتبی و درج در پرونده پزشکی. مرتبه سوم- جریمه نقدی از مبلغ یک میلیون تا پنج میلیون ریال، لغو پروانه مسئول فنی مؤسسه، لغو پروانه تأسیس، توبیخ کتبی و درج در پرونده پزشکی.

ماده ۴- ایجاد و یا ارائه خدمات مازاد بر احتیاج به منظور سودجویی و یا دخل و تصرف در صورت حساب و دریافت اضافه از نرخ‌های اعلام شده از ناحیه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی جرم محسوب شده و متخلف به مجازات‌های زیر محکوم می‌گردد: مرتبه اول- جریمه نقدی به میزان دو برابر اضافه دریافتی از بیماران، توبیخ کتبی و درج در پرونده پزشکی. مرتبه دوم- جریمه نقدی به میزان پنج برابر اضافه دریافتی از بیماران، لغو پروانه مسئول فنی، توبیخ کتبی و درج در پرونده پزشکی. مرتبه سوم- جریمه نقدی به میزان ده برابر اضافه دریافتی از بیماران، لغو پروانه مسئول فنی، لغو پروانه تأسیس، توبیخ کتبی و درج در پرونده پزشکی.

تبصره- میزان حق‌العلاج بیماران از طریق وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اعلام خواهد شد.

ماده ۵- به‌کارگیری کلیه متخصصین و صاحبان حرفه‌های پزشکی و پیراپزشکی که فاقد مجوز قانونی کار، صادره از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی باشند، در مؤسسات پزشکی جرم محسوب شده و متخلف به مجازات‌های زیر محکوم می‌شود: مرتبه اول- جریمه نقدی به میزان یکصد هزار ریال تا پانصد هزار ریال، توبیخ کتبی و درج در پرونده پزشکی. مرتبه دوم- علاوه بر مجازات‌های مرتبه اول، لغو پروانه مسئول فنی. مرتبه سوم- علاوه بر مجازات‌های مرتبه دوم، لغو پروانه تأسیس.

ماده ۶- صاحبان حرفه‌های پزشکی و پیراپزشکی فاقد مجوزهای قانونی کار مندرج در ماده (۵) که در محل غیرمجاز به کار مشغول شده‌اند به مجازات‌های زیر محکوم خواهند شد: مرتبه اول- درج تخلف در پرونده پزشکی و اعزام به محل کار قانونی. مرتبه دوم- علاوه بر مجازات‌های مرتبه اول، جریمه نقدی به میزان پانصد هزار تا پنج میلیون ریال به تناسب. مرتبه سوم- علاوه بر مجازات‌های مرتبه دوم، محکومیت به اضافه خدمت در محل کار قانونی حداکثر تا دو برابر مدت قانونی.

ماده ۷- به‌کارگیری افراد فاقد صلاحیت حرفه‌ای در مؤسسات پزشکی جرم محسوب شده و متخلف به مجازات‌های زیر محکوم خواهد شد: مرتبه اول- جریمه نقدی به میزان پانصد هزار تا یک میلیون ریال، توبیخ کتبی و درج در پرونده پزشکی. مرتبه دوم- علاوه بر مجازات‌های مرتبه اول، لغو پروانه مسئول فنی. مرتبه سوم- علاوه بر مجازات‌های مرتبه دوم، لغو پروانه تأسیس.

تبصره- افراد فاقد صلاحیت شاغل نیز به مراجع ذیصلاح قضایی جهت برخورد قانونی معرفی خواهند گردید.

ماده ۸- ترک مؤسسه پزشکی توسط مسئول فنی و پزشک کشیک و سایر کادرهای تخصصی در ساعت مقرر، تعطیل غیرموجه مطب و یا مؤسسه پزشکی بدون اطلاع سازمان نظام پزشکی و نپذیرفتن درصدی از بیماران بیمه



- درآمد- هزینه‌ای که در قانون بودجه مشخص می‌گردد واریز می‌شود تا بر اساس موافقتنامه مبادله‌شده با معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور هزینه شود:
- الف- ایجاد مؤسسه پزشکی غیر مجاز توسط اشخاص فاقد صلاحیت
- ب- ایجاد مؤسسه پزشکی توسط افراد متخصص بدون پروانه
- ج- خودداری بیمارستان‌ها از پذیرش و ارائه خدمات اولیه به بیماران اورژانس
- د- ایجاد یا ارائه خدمات مازاد بر نیاز به منظور سودجویی
- ه- به‌کارگیری متخصصان و صاحبان حرف پزشکی و پیراپزشکی فاقد مجوز قانونی کار
- و- به‌کارگیری افراد فاقد صلاحیت حرفه‌ای در مؤسسات پزشکی
- ز- ترک مؤسسه پزشکی توسط مسئول فنی در ساعات مقرر
- ح- فعالیت متخصصان و صاحبان حرف پزشکی و پیراپزشکی فاقد مجوز قانونی.

دیدگاه مغایرت

الف) پیش‌بینی صورت‌گرفته در ماده (۵۴) در خصوص لزوم واریز درآمدهای ناشی از وصول جریمه‌های موضوع قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی مصوب ۱۳۶۷ به حساب درآمد- هزینه‌ای به منظور هزینه‌ی آن طبق موافقتنامه مبادله‌شده با معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور، واجد ماهیت بودجه‌نویسی و تخصیص منابع و درآمدها است. بر این اساس، با توجه به اینکه مطابق با اصل (۵۲) قانون اساسی، بودجه‌ی سالانه‌ی کشور باید از طرف دولت تهیه و تنظیم شود و سپس برای تصویب، به مجلس تقدیم شود، این مصوبه از جهت ورود ابتدایی نمایندگان مجلس به امر بودجه‌نویسی و دخالت در صلاحیت و اختیارات دولت در این امر و محدود کردن این صلاحیت دولت، مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است.

ب) قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی مصوب ۱۳۶۷، مصوبه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام است. بر این اساس، از آنجا که مطابق با اصل (۱۱۲) قانون اساسی و نظریه‌ی تفسیری شماره ۵۳۱۸ شورای نگهبان از این اصل،^(۱) هیچ‌یک از مراجع قانون‌گذاری حق تغییر در



که وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تعیین می‌نماید، جرم محسوب شده و متخلف به مجازات‌های زیر محکوم می‌گردد: مرتبه اول- توبیخ کتبی و درج در پرونده پزشکی. مرتبه دوم- علاوه بر مجازات مرتبه اول، جریمه نقدی به میزان یکصد هزار تا پانصد هزار ریال. مرتبه سوم- علاوه بر مجازات‌های مرتبه دوم، لغو پروانه مسئول فنی.»

۱. نظریه‌ی تفسیری شماره ۵۳۱۸ مورخه ۱۳۷۲/۷/۲۴ شورای نگهبان: «هیچ یک از مراجع قانون‌گذاری حق رد و ابطال و نقض و فسخ مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام را ندارد؛ اما در صورتی که مصوبه مجمع مصلحت مربوط به اختلاف نظر شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی بود، مجلس پس از گذشت زمان معتدّیه که تغییر مصلحت



مصوبه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام را ندارند، ماده (۵۴) مغایر با اصل (۱۱۲) قانون اساسی است؛ زیرا در این ماده، علاوه بر اینکه متضمن برخی تغییرات در متن مصوبه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام است، بیان شده است که درآمدهای حاصل از مجازات این‌گونه تخلفات به حساب درآمد- هزینه‌ای که در قانون بودجه مشخص می‌گردد، واریز شود تا بر اساس موافقتنامه مبادله‌شده با معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور هزینه شود. این در حالی است که طبق ماده (۱۲) قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی،^(۱) کلیه درآمدهای حاصل از مجازات‌های این قانون می‌بایست به خزانه‌ی کل واریز شود. از این رو، با توجه به اینکه حکم ماده‌ی مزبور، متضمن برخی تغییرات در مفاد مصوبه‌ی مجمع و همچنین تغییر محل مصرف وجوهای حاصل از آن شده است، این مصوبه با اصل (۱۱۲) قانون اساسی و نظریه‌ی تفسیری شورای نگهبان از این اصل در تضاد است.

ج) مطابق اصل (۵۳) قانون اساسی کلیه‌ی پرداخت‌های دولت باید از طریق خزانه‌داری کل و در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون (= قانون بودجه) انجام گیرد. با این وصف، هر چند در ماده (۵۴)، منطبق با اصل (۵۳) پیش‌بینی شده است که درآمد ناشی از وصول جریمه‌های موضوع قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی، بر اساس قانون بودجه به حساب درآمد- هزینه‌ای واریز می‌شود، لیکن چون نحوه‌ی هزینه‌کرد و محل مصرف آن را به عهده‌ی معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور گذاشته است، با اصل (۵۳) قانون اساسی در تضاد است؛ چه اینکه مطابق با قسمت اخیر ماده (۵۴)، هزینه‌کرد این درآمدهای دولت، بدون در نظر گرفتن و یا پیش‌بینی در قانون بودجه‌ی سنواتی و حدود اعتبارات صورت می‌گیرد. لذا ماده‌ی مزبور از این جهت که هزینه‌کرد درآمدها را به موجب قانون بودجه‌ی سنواتی ندانسته است، مغایر با اصل (۵۳) قانون اساسی است.

نظر شورای نگهبان

ماده (۵۴)، از آنجا که محل مصرف مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام را تغییر داده است،



موجه باشد، حق طرح و تصویب قانون مغایر را دارد. و در مواردی که موضوع به عنوان معضل از طرف مقام معظم رهبری به مجمع ارسال شده باشد در صورت استعلام از مقام رهبری و عدم مخالفت معظم‌له، موضوع قابل طرح در مجلس شورای اسلامی می‌باشد.»

۱. ماده (۱۲) قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی مصوب ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام: «ماده ۱۲- کلیه درآمدهای حاصل از مجازات‌های این قانون به خزانه واریز می‌شود و وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است اعتبارات مورد نیاز جهت اجرای این قانون را مطابق تشخیص وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از محل وجوه جرایم در اختیار وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی قرار دهد.»

مغایر اصل (۱۱۲) قانون اساسی و نظریه تفسیری شماره ۵۳۱۸ مورخ ۱۳۷۲/۷/۲۴ این شورا می‌باشد. همچنین مصرف درآمدهای مذکور در این ماده، باید مقید به بودجه سالانه گردد و آلا مغایر اصل (۵۳) قانون اساسی شناخته شد.

ماده الحاقی ۱- به منظور تمرکززدایی و افزایش اختیارات در جهت توسعه و عمران و توازن منطقه‌ای استان اقدامات زیر صورت می‌گیرد:

الف- بودجه سالانه استان شامل منابع استانی اعم از درآمد استانی، درآمد اختصاصی، واگذاری دارایی‌های مالی و سرمایه‌ای و سهم از منابع ملی و همچنین مصارف استانی اعم از اعتبارات هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و مالی، هر کدام به صورت سرجمع در قوانین بودجه سنواتی درج می‌شود. توزیع «دستگاه- برنامه» اعتبارات هزینه‌ای و توزیع سرجمع اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای شهرستان‌ها مطابق ضوابط مندرج در این قانون بر عهده شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان است.

تبصره- اعتبار پروژه‌هایی که ماهیت استانی داشته و یا در چند شهرستان قرار می‌گیرند به طور مستقیم و توسط شورا به صورت مجزا تعیین می‌شود.

ب- ...

و- پس از تعیین سقف تخصیص اعتبارات توسط کمیته تخصیص اعتبار استانی موضوع ماده (۷۷) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران،^(۱) تنفیذ شده در ماده (۸۳) قانون برنامه چهارم توسعه،^(۲) تخصیص اعتبار هزینه‌ای بر حسب دستگاه، برنامه و فصول و تخصیص اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای توسط واحد استانی معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور بر حسب طرح و پروژه تعیین و ابلاغ می‌شود.

۱. ماده (۷۷) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷: «ماده ۷۷- کمیته تخصیص اعتبار استانی مرکب از معاون عمرانی استاندار، رئیس سازمان برنامه و بودجه استان و مدیرکل امور اقتصادی و دارایی استان تشکیل می‌شود و بر اساس گزارش خزانه معین استان نسبت به تعیین سقف تخصیص اعتبارات جاری دستگاه‌های اجرایی استان و اعتبارات عمرانی بر حسب فصول تصمیم‌گیری می‌کند. تبصره- ...»

۲. ماده (۸۳) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱: «ماده ۸۳- مواد (۷۰)، (۷۱)، (۷۷) و (۱۸۱) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ و اصلاحیه‌های آن برای دوره برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۸-۱۳۸۴) تنفیذ می‌گردد.»

تبصره ۱- کمیته تخصیص استانی و واحد استانی معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور مکلفند در هر مقطع از ابلاغ تخصیص برای موارد سه‌گانه موضوع بند (ب) این ماده، سهم تخصیص طرح‌های عمرانی هر شهرستان را در سرجمع تخصیص هر موضوع، معادل سهم اعتبارات موضوع اعتبار شهرستان در سر جمع تخصیص، رعایت کند.

تبصره ۲- معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور می‌تواند متناسب با افزایش سهم اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای استان‌ها، وظایف و اختیارات خود را به واحدهای مستقل استانی خود، تفویض کند.

ز- ...

ط- در هر استان، خزانه معین استان وابسته به خزانه‌داری کل و زیر نظر اداره کل امور اقتصادی و دارایی استان تشکیل می‌شود. خزانه‌داری کل موظف است برای هر یک از خزانه‌های معین استان، یک حساب به عنوان «حساب خزانه‌داری کل» (خزانه معین استان) در مرکز استان افتتاح کند و در ابتدای هر سال نیز میزان تنخواه‌گردان هر استان را متناسب با اعتبارات مصوب هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای آن استان محاسبه و حداکثر تا بیستم فروردین ماه به «حساب خزانه‌داری کل» (خزانه معین استان) واریز کند.

ی- ...

دیدگاه مغایرت

الف) موضوع بند (الف) ماده‌ی الحاقی (۱)، مشتمل بر لزوم درج بودجه‌ی سالانه‌ی استان‌ها، شامل منابع استانی اعم از درآمد استانی، درآمد اختصاصی، واگذاری دارایی‌های مالی و سرمایه‌ای و سهم از منابع ملی و همچنین مصارف استانی اعم از اعتبارات هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و مالی، هر کدام به صورت سرجمع در قوانین بودجه‌ی سنواتی، ماهیت بودجه‌ای داشته و به نوعی مکلف نمودن دولت به تهیه‌ی بودجه سنواتی بر اساس مصوبه‌ی نمایندگان مجلس است که منجر به ایجاد محدودیت در صلاحیت بودجه‌نویسی دولت می‌شود و از این جهت مغایر اصل (۵۲) قانون اساسی است؛ زیرا طبق این اصل از قانون اساسی بودجه‌ی سالانه‌ی کل کشور به ترتیبی که در قانون مقرر می‌شود، با ابتکار عمل دولت تهیه می‌شود و سپس برای رسیدگی و تصویب به مجلس شورای اسلامی تسلیم می‌گردد.

ب) به موجب بند (الف) ماده الحاقی (۱)، کلیه‌ی درآمدها و هزینه‌های (مصارف) استانی به صورت سرجمع در قوانین بودجه‌ی سنواتی درج می‌شود. به عبارت دیگر رقم کلی این موارد بدون اینکه به صورت مشخص تعیین شود که از این ارقام کلی برای چه اموری و به چه میزان

اختصاص خواهد یافت، در بودجه‌ی سنواتی پیش‌بینی خواهد شد. این در حالی است که مطابق ذیل اصل (۵۳) قانون اساسی که اشعار می‌دارد: «... همه پرداخت‌ها در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام می‌گیرد»، موارد درآمد و هزینه باید به صورت مشخص از جهت ردیف، میزان اعتبار و سقف اعتبارات در قانون بودجه‌ی سنواتی تعیین شود. بر این اساس بند مزبور، از این جهت که صرفاً به ذکر ردیف‌های کلی اشاره می‌کند، به‌گونه‌ای که کل منابع درآمدی و کل هزینه‌های یک استان را در بر می‌گیرد و همچنین اختیار تعیین موارد درآمد و مصرف را به دستگاه‌های استانی واگذار می‌کند، مغایر اصل (۵۳) قانون اساسی است.

ج) طبق اصل (۱۲۶) قانون اساسی، رئیس جمهور مسئولیت امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی کشور را مستقیماً بر عهده دارد و می‌تواند اداره‌ی آنها را به عهده‌ی دیگری بگذارد. با این وصف، پیش‌بینی صورت گرفته در تبصره (۲) بند (و) ماده الحاقی (۱) مبنی بر امکان تفویض وظایف و اختیارات معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور به واحدهای مستقل استانی، آن هم بدون نیاز به موافقت رئیس جمهور، با اصل (۱۲۶) قانون اساسی در تضاد است؛ زیرا اختیارات معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور در این خصوص، واجد ماهیت مستقلی نیست، بلکه امری تفویضی از سوی رئیس جمهور است که تفویض مجدد آن به دیگری منوط به اذن تفویض‌کننده‌ی اصلی است. بنابراین تبصره (۲) بند (و) ماده الحاقی (۱)، از آن جهت که امکان تفویض مسئولیت امور برنامه و بودجه توسط معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی را - به ویژه در مواردی که رئیس جمهور چنین اختیاری را به معاونت برنامه‌ریزی نداده است - به واحدهای مستقل استانی تفویض کرده است، مغایر با اصل (۱۲۶) قانون اساسی است.

د) مطابق اصل (۵۳) قانون اساسی کلیه‌ی دریافت‌های دولت باید در حساب‌های خزانه‌داری کل متمرکز شود. بر این اساس، پیش‌بینی تشکیل خزانه‌ی معین در هر استان در بند (ط) ماده الحاقی (۱) با هدف واریز تنخواه‌گردان هر استان متناسب با اعتبارات مصوب هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای آن استان، مغایر اصل (۵۳) قانون اساسی مبنی بر تمرکز دریافت‌های دولتی در حساب‌های خزانه‌داری کل است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) صلاحیت دولت در تهیه‌ی بودجه بر اساس اصل (۵۲) قانون اساسی، تعیین ردیف‌های بودجه، تخصیص منابع و نحوه‌ی هزینه‌کرد اعتبارات است که در اصطلاح به آن بودجه‌ریزی می‌گویند. آنچه در ذیل بند (الف) ماده‌ی الحاقی (۱) در خصوص درج کلیه‌ی درآمدها و هزینه‌های استانی به صورت سرجمع در قوانین بودجه‌ی سنواتی پیش‌بینی شده است در واقع تعیین کیفیت و نحوه‌ی تنظیم قانون بودجه است و دخالتی در نحوه و ماهیت دخل و خرج

بودجه‌ی سالانه‌ی استان‌ها ندارد. به بیان دیگر بند مزبور، در مقام ارائه‌ی بیان نحوه‌ی بودجه‌نویسی و تنظیم بودجه است، نه نحوه‌ی کسب درآمدها یا هزینه‌کرد اعتبارات و بودجه‌ریزی. لذا بند مذکور از آن جهت که متعزّض صلاحیت دولت در امر بودجه‌ریزی نشده و تنها به کیفیت و سیاست‌های بودجه‌نویسی اشاره دارد، اختیارات دولت در خصوص تهیه‌ی بودجه‌ی سنواتی را سلب یا محدود نکرده و از این جهت مغایرتی با اصول (۵۲) و (۵۳) قانون اساسی ندارد.

ب) پیش‌بینی صورت‌گرفته در تبصره (۲) بند (و) ماده الحاقی (۱) مبنی بر امکان تفویض وظایف و اختیارات معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور به واحدهای مستقل استانی، در حدود اختیاراتی است که این معاونت از آن برخوردار است و تفویض چنین اختیاراتی در بین مقامات اجرایی امری مرسوم و معمول است. به بیان دیگر آنچه در اصل (۱۲۶) قانون اساسی در مورد امکان تفویض اختیارات و مسئولیت‌های رئیس جمهور در امور برنامه و بودجه پیش‌بینی شده، یک اذن کلی است که بر اساس آن می‌توان با واسطه یا بدون واسطه، مسئولیت‌های رئیس جمهور را در این خصوص به دیگران تفویض کرد و وجود واسطه یا عدم آن، ایرادی به اصل جواز تفویض وارد نمی‌کند. از این رو، تفویض اختیار امور بودجه از سوی معاونت برنامه‌ریزی ریاست جمهوری به واحدهای مستقل استانی، مغایرتی با اصل (۱۲۶) قانون اساسی، که بر مسئولیت رئیس جمهور در خصوص برنامه و بودجه و جواز تفویض اختیار آن به دیگری اشاره می‌کند، ندارد.

ج) آنچه در بند (ط) ماده الحاقی (۱) در خصوص لزوم تشکیل خزانه‌ی معین استان یا به عبارتی، حساب خزانه‌داری کل در استان مطرح شده است، در حقیقت حسابی است که در خزانه‌داری کل و وابسته به آن افتتاح می‌شود و منظور، آن نیست که حساب مستقلی از خزانه‌ی کل تشکیل شود. بر این اساس، این حساب همچنان متعلق به خزانه‌داری کل است و واریز تنخواه‌گردان هزینه‌ای و سرمایه‌ای هر استان در آن منطبق با پرداخت درآمدهای دولت در حساب متمرکز خزانه‌ی کل بر اساس اصل (۵۳) قانون اساسی است. از این رو، حکم مقرر در بند مزبور از جهت تشکیل و افتتاح حساب خزانه‌داری کل (خزانه معین استان)، مغایرتی با موضوع تمرکز دریافت‌ها و پرداخت‌های دولت در حساب خزانه‌داری کل کشور، موضوع اصل (۵۳) قانون اساسی ندارد.

دیدگاه ابهام

از آنجا که مفهوم پیش‌بینی صورت‌گرفته درباره‌ی درج کلیه‌ی «درآمدها و هزینه‌های استانی به صورت سرجمع در قوانین بودجه‌ی سنواتی» در بند (الف) ماده الحاقی (۱) مشخص نیست، این بند واجد ابهام است. در واقع مشخص نیست که آیا بند مزبور، شامل کل منابع درآمدی و کل

هزینه‌های یک استان شده و باعث واگذاری اختیار تعیین موارد درآمد و مصرف به دستگاه‌های استانی می‌شود یا صرفاً یک امر شکلی در خصوص ترتیب تهیه بودجه‌ی سنواتی است؟ در صورتی که منظور، واگذاری اختیار کل منابع درآمدی و مصرف آن باشد، این موضوع امری بودجه‌ای است که تعیین آن وفق اصل (۵۲) قانون اساسی بر عهده‌ی دولت است و لذا چون مصوبه‌ی کنونی موجب تحدید صلاحیت دولت در تهیه و تنظیم بودجه می‌شود، این مصوبه مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی خواهد بود. بنابراین، باید از این ماده، رفع ابهام شود تا بتوان نسبت به مغایرت و یا عدم مغایرت آن با اصل (۵۲) قانون اساسی اظهار نظر کرد.

نظر شورای نگهبان

ماده‌ی الحاقی (۱)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده الحاقی ۳- به منظور تحقق شاخص عدالت در سلامت و کاهش سهم هزینه‌های مستقیم مردم به حداکثر معادل سی درصد (۳۰٪) هزینه‌های سلامت، ایجاد دسترسی عادلانه مردم به خدمات بهداشتی و درمانی، کمک به تأمین هزینه‌های تحمل‌ناپذیر درمان، پوشش دارو، درمان بیماران خاص و صعب‌العلاج، تقلیل وابستگی گردش امور واحدهای بهداشتی و درمانی به درآمد اختصاصی و کمک به تربیت، تأمین و پایداری نیروی انسانی متخصص مورد نیاز، ده درصد (۱۰٪) خالص کل وجوه حاصل از اجرای قانون هدفمندکردن یارانه‌ها علاوه بر اعتبارات بخش سلامت، افزوده و به حساب درآمد اختصاصی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی واریز می‌شود.

دیدگاه مغایرت

بر اساس اصل (۵۲) قانون اساسی، تهیه و تنظیم بودجه در صلاحیت دولت است که با ارائه‌ی لایحه‌ی بودجه به مجلس محقق می‌شود. به رغم این امر، در ماده الحاقی (۳) این مصوبه، دولت مکلف شده است که هر سال علاوه بر اعتباراتی که برای بخش سلامت پیش‌بینی می‌کند، به صورت دائمی ده درصد (۱۰٪) از خالص کل وجوه حاصل از اجرای قانون هدفمندکردن یارانه‌ها را به حساب درآمد اختصاصی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی واریز کند. با توجه به اینکه الزام دولت به تخصیص منابع در این ماده، امری بودجه‌ای است که وفق اصل (۵۲) قانون اساسی در صلاحیت دولت است، این مصوبه به دلیل تحدید صلاحیت تنظیم و تهیه‌ی لایحه‌ی بودجه توسط دولت، مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

اصل (۵۲) قانون اساسی تأکید می‌کند که تهیه‌ی بودجه‌ی سالانه‌ی کل کشور بر عهده‌ی دولت است و باید به ترتیبی باشد که «قانون» مشخص کرده است. بنابراین آنچه در ماده‌ی الحاقی (۳) در خصوص تکلیف دولت مبنی بر واریز ده درصد (۱۰٪) از خالص کل وجوه حاصل از اجرای قانون هدفمندکردن یارانه‌ها به حساب درآمد اختصاصی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی پیش‌بینی شده، در واقع تدوین یک «ترتیب قانونی» در خصوص نحوه و شکل بودجه‌نویسی و از مصادیق ترتیبات قانونی مقرر در اصل (۵۲) است که دولت باید بر اساس آن، لایحه‌ی بودجه را تهیه کند. بنابراین، این مصوبه مغایرتی با مفاد اصل (۵۲) ندارد.

نظر شورای نگهبان

ماده‌ی الحاقی (۳)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده الحاقی ۴- ماده (۷۰) قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران و تبصره آن^(۱) به شرح زیر اصلاح می‌شود:

بیست درصد (۲۰٪) سهمیه ورود به بیست و پنج درصد (۲۵٪) افزایش یافت. حد نصاب آخرین فرد پذیرفته‌شده برای وزارتخانه‌های بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و علوم، تحقیقات و فناوری هفتاد درصد (۷۰٪) تعیین می‌شود.

دیدگاه مغایرت

مطابق اصل (۷۵) قانون اساسی، طرح‌های نمایندگان که با افزایش هزینه‌ی عمومی همراه هستند، در صورتی قابل طرح در مجلس است که طریق تأمین هزینه‌های جدید معلوم شده باشد. از طرفی افزایش سهمیه‌ی ایثارگران جهت ورود به دانشگاه‌ها از بیست درصد (۲۰٪) به بیست و

۱. ماده (۷۰) قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران مصوب ۱۳۸۶/۴/۳: «ماده ۷۰- وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و کلیه دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی و دستگاه‌های اجرایی مشمول ماده (۲) این قانون موظفند در اعطای سهمیه‌های ورود به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، بورس‌های تحصیلی داخل و خارج از کشور، فرصت‌های مطالعاتی و دوره‌های دکترای تخصصی بیست درصد (۲۰٪) از سهمیه را به همسر و فرزندان شاهد، جانبازان، آزادگان و همسر و فرزندان آزادگان و همسر و فرزندان جانبازان بالای بیست و پنج درصد (۲۵٪) اختصاص دهند.

تبصره - کسب حداقل هفتاد درصد (۷۰٪) حد نصاب شرایط علمی و امتیاز پذیرفته‌شدگان برای رشته‌ها و مقاطع تحصیلی الزامی می‌باشد. این میزان در خصوص رشته‌های پزشکی هشتاد درصد (۸۰٪) حد نصاب شرایط علمی می‌باشد.»

پنج درصد (۲۵٪) و کاهش حد نصاب آخرین فرد پذیرفته‌شده برای وزارتخانه‌های بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و علوم، تحقیقات و فناوری از هشتاد درصد (۸۰٪) به هفتاد درصد (۷۰٪)، باعث افزایش امکان ورود افراد واجد شرایط به مؤسسات آموزش عالی و در نتیجه منجر به افزایش هزینه‌های عمومی به منظور پرداخت شهریه و سایر هزینه‌های تحصیلی آنان توسط دولت (بنیاد شهید و امور ایثارگران) می‌شود. بر این اساس، از آنجا که در این مصوبه، طریق تأمین این‌گونه هزینه‌ها پیش‌بینی نشده و به صورت مشخص و دقیق تعیین نشده است، این ماده مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

آنچه در ماده‌ی الحاقی (۴) درباره‌ی افزایش سهمیه‌ی ایثارگران جهت ورود به دانشگاه‌ها از بیست درصد (۲۰٪) به بیست و پنج درصد (۲۵٪) و کاهش حد نصاب آخرین فرد پذیرفته‌شده از هشتاد درصد (۸۰٪) به هفتاد درصد (۷۰٪) مورد پیش‌بینی قرارگرفته است، باعث افزایش هزینه‌های عمومی دولت نخواهد شد؛ زیرا به علت گذشت مدت قابل توجهی از زمان دفاع مقدس، تعداد واجدین شرایط استفاده از این‌گونه سهمیه‌ها نیز کاهش یافته و لذا بودجه‌ی سالانه‌ی تخصیص‌یافته به این امر کاملاً جذب نمی‌گردد. بنابراین، از آنجا که نتیجه‌ی این مصوبه لزوماً به معنای افزایش تعداد مشمولین ایثارگر به دانشگاه‌ها نیست، هزینه‌های عمومی دولت در این خصوص افزایش نخواهد یافت. بر این اساس، مفاد این ماده، مغایرتی با اصل (۷۵) قانون اساسی ندارد. لازم به توضیح است که افزایش تعداد افراد ایثارگر متقاضی و پذیرفته‌شده به دانشگاه‌ها بر اساس این مصوبه، به معنای الزام دولت به افزایش بودجه و هزینه‌های عمومی نیست، بلکه در واقع دولت می‌بایست تکلیف خود را در اینجا بر اساس بودجه‌ی سنوات گذشته انجام دهد؛ یعنی همان بودجه‌ی سابق را به افراد پذیرفته‌شده‌ی بیشتری اختصاص دهد. فارغ از این استدلال‌ات، تحصیل در بسیاری از دانشگاه‌ها و مراکز ملّی نظر این مصوبه، به صورت رایگان انجام می‌پذیرد؛ لذا اصولاً اجرای این مصوبه در عمل هزینه‌ای را برای دولت به دنبال نخواهد داشت.

دیدگاه ابهام

ماده‌ی الحاقی (۴) به واسطه نامشخص بودن امکان افزایش یا کاهش تعداد ورودی‌های ایثارگر به دانشگاه‌ها و به تبع آن نامشخص بودن احتمال افزایش هزینه‌های عمومی، دارای ابهام است. در صورتی که تصویب و اجرای این مصوبه موجب افزایش واقعی مشمولین ایثارگر و در نتیجه افزایش هزینه‌های عمومی دولت شود، از آنجا که طریق تأمین هزینه‌های جدید در این مصوبه تعیین نشده است، این مصوبه مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است. از این رو، باید این ابهام

مصوبه برطرف شود تا بتوان نسبت به مغایرت یا عدم مغایرت ماده‌ی مزبور با اصل (۷۵) قانون اساسی اظهار نظر کرد.

نظر شورای نگهبان

ماده‌ی الحاقی (۴)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده الحاقی ۵- هرگونه تولید و واردات و عرضه کالاها و خدمات آسیب‌رسان به سلامت و داروهای با احتمال سوء مصرف، مشمول عوارض خاص تحت عنوان عوارض سلامت می‌باشد. فهرست خدمات و اقدامات و کالاهای آسیب‌رسان به سلامت و داروهای با احتمال سوء مصرف توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و درصد عوارض (حداکثر ده درصد ارزش کالا) برای این کالاها در ابتدای هر سال توسط کارگروهی با مسئولیت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و با عضویت وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی، تعاون، کار و رفاه اجتماعی و صنعت، معدن و تجارت و معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور تعیین و ابلاغ می‌شود. صد درصد (۱۰۰٪) مبلغ وصولی پس از واریز به خزانه و مبادله موافقتنامه به صورت درآمد- هزینه در اختیار دستگاه‌های اجرایی مربوطه قرار می‌گیرد.

دیدگاه مغایرت

الف) ماده‌ی مزبور دولت را مکلف کرده است که کل مبلغ مأخوذه بابت ده درصد (۱۰٪) عوارض ناشی از هرگونه تولید و واردات و عرضه کالاها و خدمات آسیب‌رسان به سلامت و داروهای با احتمال سوء مصرف را در اختیار دستگاه‌های اجرایی مربوطه قرار دهد. نمایندگان در این ماده به نوعی اقدام به بودجه‌نویسی و تخصیص دائمی منابع به محل‌های مشخص کرده‌اند و بدین طریق صلاحیت دولت در بودجه‌نویسی را محدود کرده‌اند. از این رو، این مصوبه مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است؛ زیرا مطابق با این اصل، صلاحیت تهیه و تنظیم بودجه‌ی سالانه‌ی کشور، ابتدائاً بر عهده‌ی دولت و به موجب ترتیبات قانونی است. لازم به توضیح است که آنچه تحت عنوان «ترتیبات قانونی» در اصل (۵۲) قانون اساسی مورد اشاره قرار گرفته است ناظر به شکل و نحوه‌ی تنظیم بودجه و کلیات بودجه‌نویسی است؛ در حالی که پیش‌بینی صورت گرفته در این ماده، عین بودجه‌نویسی است و در حقیقت نوعی تنظیم بودجه محسوب می‌شود.

ب) مطابق با اصل (۵۳) قانون اساسی، کلیه‌ی پرداخت‌های دولت باید در حدود اعتبارات مصوب و به موجب «قانون» انجام پذیرد. واضح است که منظور از «قانون» در اصل (۵۳) نیز قانون

بودجه‌ی سالانه است. بر این اساس، ذیل ماده الحاقی (۵) که پرداخت دائمی صد درصد (۱۰۰٪) مبلغ وصولی بابت عوارض سلامت به دستگاه‌های اجرایی مربوط را بدون در نظر گرفتن و پیش‌بینی در قانون بودجه‌ی سنواتی تجویز کرده است. از آن جهت که پرداخت‌های مذکور را به موجب قانون بودجه پیش‌بینی نکرده است، مغایر با اصل (۵۳) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

مطابق با اصل (۵۲) قانون اساسی، تهیه و تنظیم بودجه از سوی دولت باید بر اساس ترتیبات قانونی انجام پذیرد. بر این اساس، حکم مقرر در ماده الحاقی (۵) در خصوص الزام دولت به پرداخت صد درصد (۱۰۰٪) مبلغ وصولی بابت عوارض سلامت به دستگاه‌های اجرایی مربوطه، در واقع مصداق «ترتیبات قانونی» موضوع اصل مزبور است که دولت ملزم است بر اساس آن، بودجه‌ی سالانه را تنظیم و به مجلس تقدیم کند. از این رو، ماده‌ی مزبور از این جهت مغایرتی با اصل (۵۲) قانون اساسی ندارد.

نظر شورای نگهبان

ماده‌ی الحاقی (۵)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده الحاقی ۶- علاوه بر موارد مندرج در بندهای ماده (۱۳) قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران^(۱) که توسط دستگاه‌های اجرایی و صندوق‌های ذی‌ربط پرداخت می‌شود، دولت مکلف است مابه‌التفاوت خدمات بهداشت و درمان ایثارگران برای کلیه هزینه‌های مرتبط تا سقف صد درصد (۱۰۰٪) اعتبارات مورد نیاز را توسط بنیاد شهید و امور ایثارگران تأمین و پرداخت کند.

تبصره- ماده (۴) قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران^(۲) حذف می‌شود.

۱. ماده (۱۳) قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران مصوب ۱۳۸۶/۴/۳: «ماده ۱۳-

الف- تأمین صد درصد (۱۰۰٪) هزینه بهداشتی درمانی به صورت بیمه سلامت، بیمه همگانی، بیمه مکمل و بیمه خاص (خدماتی که مشمول قوانین بیمه همگانی و تکمیلی نمی‌گردند) خانواده شاهد، جانبازان، آزادگان و افراد تحت تکفل آنان بر عهده دولت بوده و اعتبارات آن هر ساله در قوانین بودجه سنواتی منظور می‌گردد. تبصره ۱- ...

ب- تا پایان قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران صد درصد (۱۰۰٪) هزینه‌های درمانی ایثارگران شاغل و بازنشسته و افراد تحت تکفل آنان به عهده دستگاه اجرایی و صد درصد (۱۰۰٪) هزینه‌های درمانی ایثارگران غیرشاغل و افراد تحت تکفل آنان به عهده بنیاد شهید و امور ایثارگران است.»

۲. ماده (۴) قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران مصوب ۱۳۸۶/۴/۳: «ماده ۴- میزان تسهیلات بانکی این فصل

دیدگاه مغایرت

مطابق اصل (۷۵) قانون اساسی، طرح‌های نمایندگان که منجر به افزایش هزینه‌های عمومی دولت می‌شود، در صورتی قابل طرح در مجلس است که طریق تأمین هزینه‌های جدید مشخص و معلوم گردد. بر این اساس با توجه به اینکه حکم مقرر در ماده‌ی الحاقی (۶) در خصوص تکلیف دولت به تأمین صد درصد (۱۰۰٪) اعتبارات مورد نیاز جهت پرداخت مابه‌التفاوت خدمات بهداشت و درمان ایثارگران برای کلیه‌ی هزینه‌های مرتبط، منجر به ایجاد بار مالی و افزایش هزینه‌های دولت (بنیاد شهید و امور ایثارگران) می‌شود و با عنایت به اینکه در این مصوبه، محل تأمین هزینه‌های جدید ناشی از این حکم، مشخص و معلوم نشده است، این ماده مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است.

نظر شورای نگهبان

ماده‌ی الحاقی (۶)، از حیث افزایش بار مالی و عدم تأمین منبع، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی شناخته شد.

ماده الحاقی ۱۱- صندوق توسعه ملی موظف است از منابع ورودی به صندوق توسعه ملی در هر سال:

الف- ده درصد (۱۰٪) را جهت پرداخت تسهیلات به بخش‌های خصوصی و تعاونی و بنگاه‌های اقتصادی متعلق به مؤسسات عمومی غیردولتی به طرح‌های دارای توجیه فنی، زیست‌محیطی و مالی و اهلیت متقاضی به صورت پرداخت و بازپرداخت ریالی در بخش آب، کشاورزی، صنایع تبدیلی و تکمیلی، منابع طبیعی و محیط‌زیست و صادرات محصولات کشاورزی در بانک‌های دولتی و خصوصی داخلی و صندوق مهر امام رضا (ع) سپرده‌گذاری کند. سود سپرده‌گذاری و اقساط وصولی مجدداً جهت پرداخت تسهیلات طرح‌های موضوع این بند اختصاص می‌یابد. تبدیل ارز به ریال موضوع این بند زیر نظر بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران صورت می‌گیرد.

ب- ده درصد (۱۰٪) را جهت پرداخت تسهیلات به بخش‌های خصوصی و تعاونی و



برای هر یک از مشمولان به ازای هر واحد مسکونی، یکصد و بیست میلیون (۱۲۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال در شهرهای با بیش از یک میلیون نفر جمعیت و در سایر شهرها و روستاها یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال می‌باشد. افزایش سطح تسهیلات موضوع این ماده در سال‌های آتی، بر اساس نرخ تورم به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.»

بنگاه‌های اقتصادی متعلق به مؤسسات عمومی غیردولتی به طرح‌های دارای توجیه فنی، زیست‌محیطی و مالی و اهلیت متقاضی به صورت پرداخت و بازپرداخت ریالی در بخش صنعت، معدن، گردشگری و صادرات کالاهای صنعتی و معدنی به استثنای بخش ساخت مسکن در بانک‌های دولتی و خصوصی داخلی و صندوق مهر امام رضا (ع) سپرده‌گذاری کند. سود سپرده‌گذاری و اقساط وصولی مجدداً جهت پرداخت تسهیلات طرح‌های موضوع این بند اختصاص می‌یابد. تبدیل ارز به ریال موضوع این بند زیر نظر بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران صورت می‌گیرد.

تبصره ۱- پنج درصد (۵٪) از منابع این ماده با سیاست‌گذاری شورای عالی اشتغال و با معرفی کمیته امداد امام خمینی (ره)، سازمان بهزیستی و سایر دستگاه‌های اجرایی مرتبط جهت پرداخت تسهیلات اشتغال‌زایی و کمک به توسعه کسب و کارهای خرد، کوچک و متوسط تخصیص می‌یابد و بانک‌های عامل مکلفند علاوه بر منابع مذکور، حداکثر تا یک برابر آن را از محل منابع داخلی پرداخت کنند. بانک عامل مجاز است با اخذ تعهد محضری پرداخت مبلغ نقدی هدفمندی یارانه‌ها را به عنوان ضمانت بپذیرد و همچنین پانزده درصد (۱۵٪) از منابع مذکور به طرح‌های مربوط به افراد اینارگر اختصاص می‌یابد.

تبصره ۲- به منظور ساماندهی تولید و افزایش بهره‌وری تولید گوشت قرمز سالم و عرضه مناسب به بازار مصرف در قالب طرح پرواربندی دام عشایر با اصلاح و افزایش بهره‌وری زنجیره تأمین و تولید، یک درصد (۱٪) از منابع بند (ب) این ماده به صورت یک‌جا در اختیار بانک کشاورزی قرار می‌گیرد تا با معرفی صندوق حمایت از توسعه سرمایه‌گذاری عشایر و تشکلهای عشایری به صورت تسهیلات به طرح‌های سرمایه‌گذاری و پرواربندی عشایر و تشکلهای مربوطه پرداخت شود.

دیدگاه مغایرت

الف) موارد مندرج در ماده الحاقی (۱۱) و بندها و تبصره‌های آن در خصوص لزوم اختصاص درصدی از منابع ورودی به صندوق توسعه ملی به مصارف مختلف، از جمله اختصاص ده درصد (۱۰٪) جهت پرداخت تسهیلات به بخش‌های خصوصی و تعاونی و بنگاه‌های اقتصادی متعلق به مؤسسات عمومی غیردولتی به طرح‌های دارای توجیه فنی، زیست‌محیطی و مالی و اهلیت متقاضی به صورت پرداخت و بازپرداخت ریالی در بخش آب، کشاورزی، صنایع تبدیلی و تکمیلی، منابع طبیعی و محیط‌زیست و صادرات محصولات کشاورزی در بند (الف) یا اختصاص ده درصد (۱۰٪) جهت پرداخت تسهیلات به بخش‌های خصوصی و تعاونی و بنگاه‌های اقتصادی متعلق به مؤسسات عمومی غیردولتی به طرح‌های دارای توجیه فنی، زیست‌محیطی و مالی و

اهلیت متقاضی به صورت پرداخت و بازپرداخت ریالی در بخش صنعت، معدن، گردشگری و صادرات کالاهای صنعتی و معدنی در بند (ب) و در نهایت تخصیص پنج درصد (۵٪) از منابع این ماده جهت پرداخت تسهیلات اشتغالزایی و کمک به توسعه کسب و کارهای خرد، کوچک و متوسط در تبصره (۱)، همگی واجد ماهیت بودجه‌ای هستند که باید وفق اصل (۵۲) قانون اساسی توسط دولت در ضمن لایحه‌ی بودجه ذکر گردند؛ چه آنکه مطابق با اصل (۵۲) قانون اساسی، ابتکار عمل در ارائه‌ی بودجه و تهیه و تنظیم بودجه‌ی کشور، به صورت سالانه (و نه دائمی) بر عهده‌ی دولت است. بنابراین، این ماده، از آن جهت که به صورت دائمی دولت را مکلف به تخصیص منابع به نحو مقرر در این مصوبه کرده است، در حقیقت اقدام به بودجه‌ریزی کرده و بر این اساس، صلاحیت دولت در تهیه و تنظیم بودجه‌های سالانه را محدود کرده است؛ در نتیجه این مصوبه مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است. لازم به توضیح است که صندوق توسعه‌ی ملی جزء دارایی‌های دولت است و هرگونه تخصیص اعتباری از منابع صندوق باید به موجب قانون بودجه‌ی سنواتی و با پیشنهاد دولت صورت گیرد.

ب) در بندهای (الف) و (ب) ماده‌ی الحاقی (۱۱) مقرر شده است که بخشی از منابع صندوق توسعه‌ی ملی علاوه بر سپرده‌گذاری در بانک‌های دولتی و خصوصی در صندوق مهر امام رضا (ع) نیز سپرده‌گذاری شود و از این طریق به بخش‌های مقرر در این ماده، تسهیلات پرداخت شود. این در حالی است که طبق حکم تبصره (۳) بند (ط) ماده (۸۴) قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی پنجم توسعه مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام،^(۱) «اعطای کلیه تسهیلات صندوق صرفاً از طریق عاملیت بانک‌های دولتی و غیردولتی خواهد بود». بنابراین، از آنجا که صندوق مهر امام رضا (ع) داخل در عنوان بانک (اعم از دولتی و یا خصوصی) نیست، تخصیص منابع و تسهیلات صندوق توسعه‌ی ملی به صندوق مهر امام رضا (ع)، مغایر با مصوبه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام است و از این جهت، بندهای مذکور با اصل (۱۱۲) قانون اساسی و نظریه‌ی تفسیری شورای نگهبان در خصوص

۱. ماده (۸۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵: «ماده ۸۴- صندوق توسعه ملی که در این ماده صندوق نامیده می‌شود با هدف تبدیل بخشی از عواید ناشی از فروش نفت و گاز و میعانات گازی و فرآورده‌های نفتی به ثروت‌های ماندگار، مولد و سرمایه‌های زاینده اقتصادی و نیز حفظ سهم نسل‌های آینده از منابع نفت و گاز و فرآورده‌های نفتی تشکیل می‌شود.

صندوق در تهران مستقر است و در تهران و سایر نقاط کشور شعبه‌ای نخواهد داشت. اموال و دارایی‌های این صندوق متعلق به دولت جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. این ماده در حکم اساسنامه صندوق است.

الف- ...

ط- مصارف صندوق:

...

تبصره ۳- اعطای کلیه تسهیلات صندوق صرفاً از طریق عاملیت بانک‌های دولتی و غیردولتی خواهد بود.»

این اصل، مغایر هستند؛ زیرا مطابق نظریه‌ی تفسیری شماره ۵۳۱۸ مورخ ۱۳۷۲/۷/۲۴ شورای نگهبان، هیچ‌یک از مراجع قانون‌گذاری حق رد و ابطال و نقض و فسخ مصوبه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام را ندارند.

دیدگاه عدم مغایرت

صندوق توسعه‌ی ملی واجد شخصیت حقوقی مستقل از دولت است و مطابق با ماده (۸۴) قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی پنجم توسعه مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵، دارای منابع و مصارف مشخصی است. در نتیجه، نیازی به آوردن جزئیات منابع درآمدی، هزینه‌ها و تخصیص منابع آن در بودجه‌ی سنواتی نیست. از این رو، حکم مقرر در ماده الحاقی (۱۱) و بندها و تبصره‌های آن مبنی بر لزوم اختصاص درصدی از منابع ورودی به صندوق توسعه‌ی ملی به مصارف مختلف، مغایرتی با اصل (۵۲) قانون اساسی که بر تخصیص منابع و درآمدهای دولت از طریق قانون بودجه‌ی سالانه تأکید می‌کند، ندارد.

نظر شورای نگهبان

در ماده الحاقی (۱۱)، از آنجا که طبق تبصره (۳) بند (ط) ماده (۸۴) قانون برنامه پنجم توسعه مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام، اعطای تسهیلات صرفاً از طریق عاملیت بانک‌های دولتی و خصوصی خواهد بود، اعطای تسهیلات از طریق صندوق مهر امام رضا (علیه‌السلام)، مغایر اصل (۱۱۲) و نظریه تفسیری شماره ۵۳۱۸ مورخ ۱۳۷۲/۷/۲۴ این شورا شناخته شد.

ماده الحاقی ۱۲- دستگاه‌های اجرایی مشمول ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری مجازند به منظور توسعه ورزش همگانی و قهرمانی و توسعه زیرساخت‌های ورزش و امور جوانان در قالب قوانین بودجه سنواتی یک درصد (۱٪) از بودجه خود به استثنای فصول (۱) و (۶) هزینه‌ای و هزینه‌های مستقیم را که طی دستورالعملی توسط وزارت ورزش و امور جوانان و معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور تهیه و ابلاغ می‌گردد، هزینه کنند.

تبصره ۱- سی درصد (۳۰٪) از این اعتبار، صرف توسعه فضاهای ورزشی مدارس می‌شود.
تبصره ۲- سی درصد (۳۰٪) از این اعتبار برای تکمیل فضاها و اماکن ورزشی در اختیار وزارت ورزش و جوانان قرار می‌گیرد. حداقل سی درصد (۳۰٪) منابع موضوع این تبصره، صرف توسعه ورزش در روستاها می‌شود.

دیدگاه مغایرت

الف) مطابق با اصل (۵۲) قانون اساسی، تهیه و تنظیم بودجه‌ی کشور به صورت سالانه (و نه دائمی) بر عهده‌ی دولت است. با این وصف، حکم مقرر در ماده‌ی الحاقی (۱۲) در خصوص اعطای اجازه به دستگاه‌های اجرایی مشمول ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری برای اختصاص یک درصد (۱٪) از بودجه‌ی خود در راستای توسعه‌ی ورزش همگانی و قهرمانی و توسعه‌ی زیرساخت‌های ورزش و امور جوانان و همچنین تکلیف در خصوص کیفیت مصرف اعتبارات آن (از جمله صرف سی درصد (۳۰٪) از این اعتبار جهت توسعه‌ی فضاهای ورزشی مدارس و در اختیار قرار دادن سی درصد (۳۰٪) از آن برای تکمیل فضاها و اماکن ورزشی در اختیار وزارت ورزش و جوانان)، ماهیت بودجه‌ای داشته و از آنجا که تخصیص منابع و محل و مقدار مصارف آن را مشخص کرده است، بودجه‌ریزی محسوب می‌شود. بر این اساس، این مصوبه‌ی نمایندگان مجلس، از آن جهت که در امر بودجه، ورود کرده و دولت را به صورت دائمی ملزم به تخصیص منابع و اعتبارات به شرح مقرر در این مصوبه کرده و در نتیجه صلاحیت دولت در اصل (۵۲) قانون اساسی در خصوص ابتکار عمل در تهیه و تنظیم بودجه را محدود کرده است، مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است. گفتنی است که هر چند مجلس می‌تواند اولویت‌های بودجه‌ای خود را در هنگام بررسی لایحه‌ی بودجه تقدیمی دولت در مجلس شورای اسلامی لحاظ نماید، اما نمی‌تواند به صورت مستقل و با تصویب قانون در امر بودجه‌ریزی دخالت کند.

ب) ماده‌ی الحاقی (۱۱)، یک درصد (۱٪) از بودجه‌ی دستگاه‌های اجرایی را به منظور توسعه‌ی ورزش همگانی و قهرمانی و توسعه‌ی زیرساخت‌های ورزش و امور جوانان اختصاص داده است. اطلاق این ماده از جهت شمول آن به توسعه‌ی ورزش بانوان که مشتمل بر ارتکاب موارد غیرشرعی است، خلاف موازین شرع می‌باشد.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) حکم مقرر در ماده‌ی الحاقی (۱۲) مبنی بر اعطای مجوز به دستگاه‌های اجرایی جهت اختصاص یک درصد (۱٪) از بودجه‌ی خود در راستای توسعه‌ی ورزش همگانی و قهرمانی و توسعه‌ی زیرساخت‌های ورزش و امور جوانان، در واقع بیان همان «ترتیبات قانونی» مصرح در اصل (۵۲) قانون اساسی است که دولت باید آن ترتیبات را در تهیه و تنظیم لوایح بودجه‌ی سنواتی لحاظ کند. بر این اساس، این مصوبه‌ی مجلس، مغایرتی با مفاد اصل (۵۲) قانون اساسی ندارد. از سوی دیگر، تخصیص کلی منابع و تعیین اولویت‌های بودجه توسط مجلس، بودجه‌ریزی محسوب نمی‌شود، بلکه صرفاً تأکیدی بر نحوه‌ی تخصیص بودجه‌های سنواتی توسط دولت است. بنابراین، ماده الحاقی (۱۲)، مغایرتی با اصل (۵۲) قانون اساسی ندارد.

ب) اصل حکم این ماده و اطلاق آن، مبنی بر اختصاص یک درصد (۱٪) از بودجه دستگاه‌های اجرایی به منظور توسعه ورزش همگانی و قهرمانی و توسعه زیرساخت‌های ورزش و امور جوانان، مغایرتی با موازین شرعی ندارد.

نظر شورای نگهبان

ماده‌ی الحاقی (۱۲)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده الحاقی ۱۳- شرکت‌های آب و فاضلاب استان‌ها می‌توانند به منظور اجرا و تکمیل پروژه‌های آبرسانی و شبکه‌های جمع‌آوری و تصفیه فاضلاب شهرها علاوه بر هزینه‌های معین شده، اعتبار مورد نیاز را با تصویب شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان حسب مورد به عنوان پیش‌دریافت از متقاضیان اشتراک آب و فاضلاب دریافت و از یک سال بعد با احتساب نرخ سود اوراق مشارکت از طریق قبوض مشترکین مستهلک نمایند.

دیدگاه مغایرت

ماده‌ی مزبور، به شرکت‌های آب و فاضلاب استان‌ها اجازه داده است تا اعتبار مورد نیاز برای اجرای طرح‌های خود را به عنوان پیش‌دریافت از متقاضیان اشتراک، دریافت کنند و از یک سال بعد با احتساب نرخ سود اوراق مشارکت از طریق قبوض مشترکین مستهلک نمایند. از آنجا که پیش‌بینی پرداخت سود، بابت مبلغ پیش‌دریافت «ربا» محسوب می‌شود، این ماده از این جهت خلاف موازین شرع است.

دیدگاه عدم مغایرت

آنچه در این ماده مورد پیش‌بینی قرار گرفته است قراردادی است که به موجب آن متقاضیان اشتراک آب و فاضلاب مبالغی را تحت عنوان پیش‌پرداخت به شرکت‌های آب و فاضلاب استان‌ها پرداخت می‌نمایند و این شرکت‌ها نیز با انجام فعالیت‌های اقتصادی و عمرانی، صاحبان سرمایه را در سود اکتسابی شریک می‌کنند. به بیان دیگر، شرکت‌های مزبور (دولت) طبق این مصوبه با انعقاد یک قرارداد مشارکتی به دولت اجازه می‌دهند که با سرمایه‌های مجموعی آنها به فعالیت اقتصادی بپردازد و از محل سود ناشی از آن، به متقاضیان، خدمات آبرسانی و تصفیه‌ی فاضلاب ارائه کند. بر این اساس، موضوع این ماده منطبق با قرارداد مشارکت و معیارهای عقلی و عرفی منعقد می‌شود و از این جهت، مغایرتی با موازین شرع ندارد.

دیدگاه ابهام

ماده‌ی مزبور، اجازه‌ی دریافت نوعی پیش‌پرداخت از متقاضیان اشتراک آب و فاضلاب را به شرکت‌های مربوطه داده است، ولی ماهیت این «پیش‌پرداخت» مشخص نیست که آیا نوعی مشارکت است یا بیع یا قرض یا سلم و...؟ در صورتی که این پیش‌پرداخت مبتنی بر قرارداد مشارکت یا سایر قراردادهای شرعی باشد، این مصوبه مغایرتی با موازین شرع نخواهد داشت، اما در صورتی که این پیش‌پرداخت به عنوان قرض به دولت داده شود و دولت نیز نسبت به ارائه‌ی خدمات متقابل بر اساس سود حاصله از این قرض اقدام نماید، این امر به معنای «ریا» است که گرفتن و دادن آن، مغایر با موازین شرع است. لذا باید ابهام مذکور در این مصوبه برطرف شود تا بتوان در خصوص مغایرت یا عدم مغایرت این ماده با موازین شرع اظهار نظر کرد.

نظر شورای نگهبان

ماده‌ی الحاقی (۱۳)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده الحاقی ۱۶- کلیه دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و دستگاه‌های موضوع ماده (۵۰) قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۱) مصوب ۱۳۸۴/۸/۱۵^(۱) مکلفند علاوه بر اعتبارات پژوهشی که ذیل دستگاه در قوانین بودجه سالیانه منظور شده است، یک درصد (۱٪) از اعتبارات تخصیص‌یافته هزینه‌ای به استثنای فصول (۱) و (۶) و در مورد شرکت‌های دولتی از هزینه‌های غیر عملیاتی را برای امور پژوهشی و توسعه فناوری هزینه کنند. تبصره- دستگاه‌های مذکور ضمن رعایت چهارچوب نقشه جامع علمی کشور و اولویت‌های تحقیقاتی دستگاه ذی‌ربط که به تصویب شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری می‌رسد مکلفند نحوه هزینه‌کرد این ماده را هر شش ماه یک‌بار به شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری و مرکز آمار ایران گزارش دهند. شورای عالی علوم، تحقیقات

۱. ماده (۵۰) قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۱) مصوب ۱۳۸۴/۸/۱۵: «ماده ۵۰- همه دستگاه‌هایی که در جداول قوانین بودجه سنواتی برای آنها اعتبار منظور شده است و شکل حقوقی آنها منطبق با تعاریف مذکور در مواد (۲)، (۳)، (۴) و (۵) قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶/۶/۱ نیست، از لحاظ اجرای مقررات قانون یاد شده صرفاً به مدت دو سال در حکم مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی به شمار می‌آیند. آیین‌نامه نظارت بر نحوه هزینه و مصرف نمودن اعتبارات دولتی دستگاه‌های موضوع این ماده، بنا به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و وزارت امور اقتصادی و دارایی به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.»

و فناوری موظف است گزارش عملکرد این ماده را به طور سالانه حداکثر تا پایان مردادماه به مجلس شورای اسلامی ارائه کند. همچنین مرکز آمار ایران مکلف است سالانه اطلاعات مربوط به هزینه‌کرد تحقیق و توسعه را منتشر نماید.

دیدگاه مغایرت

حکم مقرر در ماده‌ی الحاقی (۱۶) مبنی بر اختصاص یک درصد (۱٪) از اعتبارات تخصیص‌یافته هزینه‌ای برای امور پژوهشی و توسعه‌ی فناوری، امری است که ماهیت بودجه‌ای دارد و مطابق با اصل (۵۲) قانون اساسی در صلاحیت دولت است؛ چه آنکه وفق اصل (۵۲) ابتکار عمل در خصوص تهیه و تنظیم احکام بودجه‌ی سالیانه، در صلاحیت دولت است که ضمن تقدیم لایحه به مجلس انجام می‌شود. بر این اساس، اقدام نمایندگان مجلس در الزام دستگاه‌های اجرایی به تخصیص منابع و تعیین ردیف بودجه به طریق مذکور در این ماده، از جهت محدود کردن صلاحیت دولت در تهیه و تنظیم بودجه‌ی سنواتی، مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است.

نظر شورای نگهبان

ماده‌ی الحاقی (۱۶)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده الحاقی ۱۸- به خزانه‌داری کل کشور اجازه داده می‌شود معادل درآمد اخذشده از برگزاری آزمون‌های سازمان سنجش آموزش کشور در سال را به عنوان پیش‌پرداخت در اختیار سازمان سنجش آموزش کشور قرار داده و در سال بعد تسویه نماید.

دیدگاه مغایرت

الف) در ماده‌ی الحاقی (۱۸) به خزانه‌داری کل کشور اجازه داده شده که معادل درآمد اخذشده از برگزاری آزمون‌های سازمان سنجش آموزش کشور در هر سال را به عنوان پیش‌پرداخت در اختیار سازمان مزبور قرار دهد. این حکم، مغایر با اصل (۵۳) قانون اساسی است؛ زیرا مطابق با اصل (۵۳) قانون اساسی، کلیه‌ی پرداخت‌های دولت از محل خزانه‌داری کل باید بر اساس قانون بودجه و در حدود اعتبارات مصوب باشد، حال آنکه در این ماده اجازه داده شده که درآمد اخذشده از برگزاری آزمون‌ها بدون تصویب قانون و گنجانده شدن در قانون بودجه‌ی سنواتی، به عنوان پیش‌پرداخت در اختیار سازمان سنجش قرار گیرد.

ب) مطابق با اصل (۵۲) قانون اساسی، تهیه و تنظیم بودجه‌ی سنواتی بر عهده‌ی دولت است. مستفاد از این اصل آن است که اولاً امور تهیه و تنظیم امور بودجه‌ای ابتدائاً در اختیار دولت است

و ثانیاً موارد بودجه باید به صورت سالانه و نه دائمی در قانون بودجه به تصویب برسد. بر این اساس، حکم ماده‌ی الحاقی (۱۸) مبنی بر اعطای مجوز به خزانه‌داری کل کشور جهت پرداخت معادل درآمد اخذشده از برگزاری آزمون‌های سازمان سنجش به عنوان پیش‌پرداخت به این سازمان، چون واجد ماهیت بودجه‌ای است، باید ابتدا توسط دولت در ضمن لایحه‌ی بودجه و مقید به بازه‌ی زمانی یکساله تنظیم شود و سپس برای تصویب به مجلس بیاید. بنابراین، تصویب این حکم در ضمن طرح قانونی نمایندگان مجلس، آن هم به صورت حکمی دائمی در قانونی غیر از قانون بودجه، مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است.

نظر شورای نگهبان

ماده‌ی الحاقی (۱۸)، مغایر اصل (۵۳) قانون اساسی شناخته شد.

ماده الحاقی ۱۹- به صندوق توسعه ملی اجازه داده می‌شود ده درصد (۱۰٪) از منابع ورودی هر سال صندوق را نزد بانک‌های تخصصی، سپرده‌گذاری نماید. مبلغ مذکور از سوی بانک‌های عامل با معرفی وزارتخانه‌های صنعت، معدن و تجارت و جهاد کشاورزی در قالب تأمین سرمایه در گردش واحدهای تولیدی و صادراتی خصوصی و تعاونی و بنگاه‌های اقتصادی وابسته به مؤسسات عمومی غیردولتی به صورت تسهیلات ارزی پرداخت می‌شود.

دیدگاه مغایرت

پیش‌بینی صورت گرفته در ماده‌ی الحاقی (۱۹) مبنی بر اعطای مجوز به صندوق توسعه‌ی ملی جهت سپرده‌گذاری ده درصد (۱۰٪) از منابع ورودی هر سال این صندوق نزد بانک‌های تخصصی با هدف ارائه‌ی تسهیلات ارزی در قالب تأمین سرمایه در گردش واحدهای تولیدی و صادراتی خصوصی و تعاونی و بنگاه‌های اقتصادی وابسته به مؤسسات عمومی غیردولتی، واجد ماهیت بودجه‌ای است که باید مطابق اصل (۵۲) قانون اساسی توسط دولت به صورت احکام سالیانه در ضمن لایحه‌ی بودجه کل کشور تهیه و تنظیم شود و سپس برای تصویب به مجلس شورای اسلامی بیاید. بر این اساس، این مصوبه‌ی مجلس از آن جهت که یک حکم با ماهیت بودجه‌ای را به صورت دائمی در قانونی غیر از قانون بودجه‌ی کل کشور به تصویب رسانده است و در نتیجه صلاحیت دولت در تهیه و تنظیم لایحه بودجه‌ی سنواتی را محدود کرده است، مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است. لازم به توضیح است که اعتبارات صندوق توسعه‌ی ملی از درآمدهای دولت بوده و مصرف آنها باید از سوی دولت و مطابق با بودجه‌ی سنواتی انجام گیرد.

دیدگاه عدم مغایرت

صندوق توسعه ملی بر اساس ماده (۸۴) قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی پنجم توسعه‌ی مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵ و در راستای تبدیل بخشی از عواید ناشی از فروش نفت و گاز و میعانات گازی و فرآورده‌های نفتی به ثروت‌های ماندگار، مولد و سرمایه‌های زاینده‌ی اقتصادی و نیز حفظ سهم نسل‌های آینده از منابع نفت و گاز و فرآورده‌های نفتی تشکیل شده است. لذا این صندوق دارای شخصیت و ماهیت مستقل از دولت بوده و وظایف خاصی را بر اساس همین قانون بر عهده دارد. بند (ط) ماده (۸۴) قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی پنجم توسعه، مصارف این صندوق را تعیین کرده است که مطابق با تبصره (۳) این بند، اعطای تسهیلات از طریق عاملیت بانک‌های دولتی و غیردولتی تجویز شده است. بر این اساس، حکم مقرر در ماده‌ی الحاقی (۱۹) مبنی بر اعطای مجوز به صندوق توسعه ملی جهت سپرده‌گذاری ده درصد (۱۰٪) از منابع ورودی هر سال این صندوق نزد بانک‌های تخصصی، منطبق با مصارف قانونی صندوق بوده و از این جهت مغایرتی با اصل (۵۲) قانون اساسی ندارد. به عبارت دیگر، از آن جهت که مصرف اعتبارات صندوق توسعه ملی، به موجب قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی پنجم توسعه، مشخص و تعیین شده، تخصیص اعتبارات و درآمدهای آن خارج از ضوابط و قانون بودجه‌ی سنواتی است و در نتیجه موضوع اصل (۵۲) قانون اساسی قرار نمی‌گیرد.

نظر شورای نگهبان

ماده‌ی الحاقی (۱۹)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده الحاقی ۲۰- به وزارت کشور (سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها) اجازه داده می‌شود بیست درصد (۲۰٪) از سهم شهرداری‌ها و دهیاری‌ها از عوارض موضوع قانون مالیات بر ارزش افزوده را که در اختیار آن وزارتخانه قرار می‌گیرد، برای کمک و تأمین ماشین‌آلات خدماتی و عمرانی شهرهای زیر پنجاه هزار نفر جمعیت و دهیاری‌ها هزینه نماید. وزارت کشور مکلف است در مقاطع شش‌ماهه گزارش عملکرد این ماده را به معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور و کمیسیون‌های عمران و برنامه و بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی گزارش کند.

دیدگاه مغایرت

مطابق با اصل (۵۲) قانون اساسی، تهیه و تنظیم بودجه در صلاحیت دولت است که به صورت سالانه و با تقدیم لایحه به مجلس انجام می‌شود. با این وجود، مجلس شورای اسلامی با تصویب

این ماده از طرح الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، رأساً و بدون اینکه دولت پیشنهادی داده باشد، به وزارت کشور اجازه داده است که بیست درصد (۲۰٪) سهم شهرداری‌ها و دهیاری‌ها از عوارض موضوع قانون مالیات بر ارزش افزوده را برای کمک و تأمین ماشین‌آلات خدماتی و عمرانی شهرهای زیر پنجاه هزار نفر جمعیت و دهیاری‌ها هزینه کند. بر این اساس، از آنجا که مفاد این ماده به واسطه تعیین نوع مصرف بخشی از درآمدهای عمومی، دارای ماهیت بودجه‌ای است که باید توسط دولت و به صورت یک حکم سالیانه تنظیم و جهت تصویب به مجلس تقدیم شود، اقدام مجلس در تصویب این حکم بودجه‌ای، به صورت دائمی و به موجب قانونی غیر از قانون بودجه، مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

آنچه در این ماده مورد پیش‌بینی قرار گرفته در واقع تأکید مجدد بر ضوابط و قوانینی است که در سابق در خصوص لزوم تخصیص بیست درصد (۲۰٪) از عوارض موضوع قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷، برای کمک به تأمین ماشین‌آلات خدماتی و عمرانی شهرهای زیر پنجاه هزار نفر جمعیت و دهیاری‌ها وجود داشته است. این ماده به منظور بهبود فرایند جذب و هزینه‌کرد، صرفاً مجوز دریافت آن از شهرداری‌ها و دهیاری‌های سراسر کشور را به وزارت کشور (سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها) داده است، لیکن تغییری در نوع درآمد و هزینه‌ی آن به عمل نیامده است. لذا تصویب آن توسط نمایندگان مجلس مغایرتی با اصل (۵۲) قانون اساسی ندارد.

نظر شورای نگهبان

ماده‌ی الحاقی (۲۰)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده الحاقی ۲۳-

الف- به منظور توسعه و پیشرفت حوزه‌های علمیه با رعایت معماری اسلامی و ایرانی در سراسر کشور اقدامات زیر صورت می‌پذیرد:

۱- حداکثر ظرف مدت شش ماه پس از تصویب این قانون، طرح جامع توسعه فضای فیزیکی حوزه‌های علمیه در سراسر کشور بالاخص در مناطقی از کشور که فاقد حوزه بوده و امکان راه‌اندازی و توسعه آن وجود دارد، به پیشنهاد مراکز مدیریت حوزه‌های علمیه به تصویب کمیسیون موضوع ماده (۳۲) این قانون می‌رسد.

به منظور تأمین اعتبار احداث و توسعه فضاهای فیزیکی برنامه احداث مراکز و مدارس علمیه در قوانین بودجه سنواتی ذیل فصل آموزش در اعتبارات تملک دارایی‌های

- سرمایه‌ای استانی و ملی و اعتبارات مورد نیاز پیش‌بینی گردد.
- ۲- دستگاه بهره‌بردار فضاهای احداثی مراکز مدیریت حوزه علمیه هستند که در موافقتنامه مربوطه درج می‌گردد. زمین مورد نیاز این فضاها حسب طرح جامع مصوب دریافت خدمات شهری توسط دولت تأمین می‌شود.
- ۳- فضای احداثی از پرداخت عوارض ساخت و ساز (بر و کف) و هزینه‌های مصرف و حق انشعاب آب، برق، گاز و فاضلاب معاف می‌باشند.
- ب- حوزه‌های علمیه و مراکز خدمات حوزه‌های علمیه از تسهیلات، مزایا و امکاناتی که برای مراکز آموزشی و پژوهشی تعیین شده یا می‌شود، برخوردار هستند.

دیدگاه مغایرت

الف) مطابق اصل (۷۵) قانون اساسی، طرح‌های قانونی نمایندگان که منجر به تقلیل درآمد عمومی می‌شود، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران کاهش درآمد نیز معلوم و معین شده باشد. با این وصف، جزء (۲) بند (الف) ماده‌ی الحاقی (۲۳) که مقرر می‌کند زمین مورد نیاز جهت احداث فضای فیزیکی حوزه‌های علمیه می‌بایست توسط دولت تأمین شود و همچنین جزء (۳) بند (الف) همین ماده که مقرر می‌کند این فضاهای احداثی از پرداخت عوارض ساخت و ساز (بر و کف) و هزینه‌های مصرف و حق انشعاب آب، برق، گاز و فاضلاب معاف هستند، مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است؛ زیرا تأمین زمین از سوی دولت و معافیت از پرداخت عوارض ساخت و ساز و اخذ انشعابات، همگی منجر به کاهش درآمدهای عمومی دولت می‌شود که لازم بود در این ماده، به صورت طریق جبران این تقلیل درآمد دولت، معین و مشخص می‌شد، حال آنکه در این مصوبه چنین چیزی پیش‌بینی نشده است.

ب) حکم مقرر در جزء (۱) بند (الف) ماده‌ی الحاقی (۲۳) مبنی بر لزوم پیش‌بینی اعتبارات مورد نیاز در قوانین بودجه‌ی سنواتی ذیل فصل آموزش در اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای استانی و ملی، به منظور تأمین اعتبار احداث و توسعه‌ی فضاهای فیزیکی برنامه‌ی احداث مراکز و مدارس علمیه، حکمی است که ماهیت بودجه‌ای دارد و باید مطابق با اصل (۵۲) قانون اساسی، با صلاحدید دولت، به صورت حکمی سالیانه در ضمن لایحه‌ی بودجه‌ی کل کشور گنجانده شود و برای تصویب به مجلس تقدیم شود. بنابراین، ماده‌ی مزبور از آنجا که به موجب یک حکم دائمی دولت را ملزم به پیش‌بینی اعتبارات مورد نیاز در این خصوص کرده و در نتیجه صلاحیت دولت در تهیه و تنظیم بودجه‌ی سالیانه را سلب یا حداقل محدود کرده است، مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است.

ج) بند (۴) اصل (۳) قانون اساسی بر تقویت روح تحقیق و پژوهش تأکید می‌کند و بند (۹)

این اصل نیز یکی از پایه‌های نظام جمهوری اسلامی را رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه دانسته است. بر این اساس، از آنجا که موضوع جزء (۱) بند (الف) این ماده‌ی الحاقی، در خصوص توسعه‌ی فضای فیزیکی حوزه‌های علمیه در سراسر کشور، مستلزم ایجاد تبعیض در میان نهادهای مشابه علمی- تحقیقاتی می‌شود و با توزیع ناعادلانه‌ی امکانات، انگیزه‌ی تحقیق و پژوهش را کاهش می‌دهد، مغایر بندهای (۴) و (۹) اصل (۳) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) تأمین زمین مورد نیاز جهت احداث فضای فیزیکی حوزه‌های علمیه توسط دولت، به علت عدم تأثیر مستقیم در تقلیل درآمد عمومی، تغایری با اصل (۷۵) قانون اساسی ندارد. در حقیقت از آنجا که فروش زمین‌های مورد نظر برای دولت منع قانونی دارد و دولت قادر به کسب درآمد از این طریق نیست، واگذاری آن جهت احداث حوزه‌های علمیه باعث کاهش درآمدهای عمومی نخواهد شد تا بخواهیم عدم تعیین طریق جبران این کاهش درآمد را مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی بدانیم.

ب) حکم مجلس در این ماده الحاقی مبنی بر لزوم پیش‌بینی اعتبارات مورد نیاز احداث و توسعه فضاهای فیزیکی برنامه‌ی احداث مراکز و مدارس علمیه در قوانین بودجه‌ی سنواری ذیل فصل آموزش در اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای استانی و ملی، بودجه‌نویسی محسوب نمی‌شود؛ زیرا نمایندگان مجلس در اینجا اقدام به تخصیص منابع و درآمدهای دولت نکرده‌اند و تنها شیوه و سیاست کلی در خصوص تأمین بودجه و اعتبارات آموزشی را به دولت ارائه داده‌اند. لذا ماده‌ی مزبور از آن جهت که ماهیت بودجه‌ریزی ندارد، مغایرتی با اصل (۵۲) قانون اساسی که بودجه‌ریزی را در صلاحیت دولت می‌داند، ندارد.

ج) پیشنهاد طرح جامع توسعه‌ی فضای فیزیکی حوزه‌های علمیه در سراسر کشور توسط مراکز مدیریت حوزه‌های علمیه و تصویب آن در کمیسیون موضوع ماده (۳۲)، در جزء (۱) بند (الف) این ماده، موجب ایجاد تبعیضات ناروا بین مراکز علمی و تحقیقاتی نخواهد شد؛ زیرا این‌گونه اقدامات از طرف دولت برای سایر مراکز از جمله دانشگاه‌ها نیز صورت می‌گیرد. از این رو، این مصوبه متضمن تبعیض ناروا نیست و مغایرتی با بندهای (۴) و (۹) اصل (۳) قانون اساسی ندارد.

دیدگاه ابهام

بند (۱) ماده‌ی مزبور اشعار می‌دارد که طرح جامع توسعه‌ی فضای فیزیکی حوزه‌های علمیه در سراسر کشور به پیشنهاد مراکز مدیریت حوزه‌های علمیه به تصویب کمیسیون موضوع ماده (۳۲) این قانون می‌رسد. این در حالی است که چنین کمیسיוنی در ماده (۳۲) این مصوبه ذکر نشده است! بر این

اساس با توجه به مبهم بودن ماهیت و وظایف این کمیسیون، این مصوبه دارای ابهام است و نمی‌توان راجع به مغایرت یا عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی اظهار نظر کرد.

نظر شورای نگهبان

جزء یک بند (الف) ماده الحاقی (۲۳)، منظور از «کمیسیون موضوع ماده (۳۲) این قانون» روشن نیست؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد. همچنین اجزاء (۲) و (۳) این بند، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی می‌باشد.

ماده الحاقی ۲۴- به منظور مشارکت بخش غیردولتی در توسعه فضاهای فرهنگی، دینی و قرآنی و حوزوی و همچنین اماکن قرآنی همجوار و متعلق به مساجد و کانون‌های فرهنگی و قرآنی، دولت موظف است طرح مشارکتی توسعه این‌گونه فضاها را در صورتی که حداقل پنجاه درصد (۵۰٪) از هزینه‌های احداث توسط بخش غیردولتی تأمین شود در قوانین بودجه سنواتی درج نماید. آیین‌نامه اجرایی این ماده به پیشنهاد مشترک معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور و وزارتخانه‌های ورزش و جوانان و فرهنگ و ارشاد اسلامی به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

دیدگاه مغایرت

الف) ماده‌ی مزبور، دولت را مکلف کرده است که در صورت تأمین پنجاه درصد (۵۰٪) از هزینه‌های احداث فضاهای فرهنگی، دینی و قرآنی و حوزوی توسط بخش غیردولتی، بقیه‌ی مخارج احداث این فضاها را در بودجه‌ی سنواتی سالانه لحاظ کند. با توجه به اینکه مشارکت دولت در احداث این فضاها، منجر به ایجاد هزینه‌های جدید برای دولت می‌شود، لازم بود که مطابق با اصل (۷۵) قانون اساسی، طریق تأمین این هزینه‌ها معلوم و مشخص می‌شد. اما با توجه به عدم پیش‌بینی این موضوع در این طرح قانونی، این مصوبه مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است.

ب) موضوع مقرر در ماده‌ی الحاقی (۲۴) مبنی بر مشارکت دولت در احداث فضاهای فرهنگی، قرآنی و الزام دولت به پیش‌بینی اعتبارات لازم در این خصوص در قوانین بودجه‌ی سنواتی، اساساً موضوعی است که ماهیت بودجه‌ای دارد و بنابراین، مطابق با اصل (۵۲) قانون اساسی، پیش‌بینی آن در ضمن لایحه‌ی بودجه از وظایف و اختیارات دولت است. بر این اساس، اقدام مجلس در تصویب این ماده به موجب طرح قانونی، از آن جهت که دخالت در بودجه‌نویسی است و موجب تحدید صلاحیت دولت در تهیه‌ی بودجه‌ی سالانه می‌شود، مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

طبق اصل (۷۵) قانون اساسی، طرح‌های نمایندگان چنانچه منجر به افزایش هزینه‌های دولت یا کاهش درآمد دولت شود باید متضمن طریق تأمین هزینه یا طریق جبران کاهش درآمد باشد. زمانی یک طرح موجب تغییرات مالی (تقلیل درآمد یا افزایش هزینه) برای دولت است که آن طرح، درآمد و یا هزینه‌ی دولت که در قوانین دیگر (از جمله قانون بودجه)، مسلم و مصوب شده است را تقلیل یا افزایش دهد. اما در صورتی که مجلس شورای اسلامی به صورت کلی وظایف و تکالیف دولت را منطبق بر اصول قانون اساسی، در ضمن قانون عادی تصویب کند که اجرای آن وظایف، مستلزم هزینه و بار مالی باشد، نمی‌توان با استناد به اصل (۷۵) قانون اساسی، مجلس را ملزم به تعیین منابع جهت رفع بار مالی کرد. در این موارد دولت خود باید برای اجرای وظایف مصوب قانون، تدبیر و اندیشه کند و در بودجه‌های سنواتی منابع مالی آن را در ردیف‌های مربوط تخصیص دهد. تکلیف دولت به مشارکت در توسعه‌ی فضاهای مورد اشاره در ماده‌ی الحاقی (۲۴) نیز در واقع الزام دولت به انجام تکالیفی است که در قانون اساسی مورد تأکید قرار گرفته است و دولت طبق مفاد این ماده مکلف شده است وظایف خود را (نه الزاماً در سال جاری، بلکه در تمامی سال‌ها) انجام دهد و برای انجام آن، منابع مالی لازم را هم در نظر بگیرد. به علاوه، مشارکت دولت در توسعه‌ی فضاهای فرهنگی و قرآنی مطابق با ماده‌ی مزبور، منوط به تأمین اعتبارات آن در بودجه‌ی سنواتی است. از این رو، این ماده، مغایرتی با قانون اساسی ندارد.

نظر شورای نگهبان

ماده‌ی الحاقی (۲۴)، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی شناخته شد.

ماده الحاقی ۲۷- تحصیل ایثارگران، رزمندگان، حافظان کل قرآن کریم و قاریان ممتاز کشوری و مشمولان بند (ک) ماده (۲۰) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران^(۱) در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و مؤسسات پژوهشی رایگان است. هزینه‌های مربوط به دانشگاه پیام نور، دانشگاه‌های علمی- کاربردی و دوره‌های

۱. بند (ک) ماده (۲۰) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵: «ماده ۲۰- ... ک- شهریه دانشجویان جانباز بیست و پنج درصد (۲۵٪) و بالاتر و فرزندان آنان، فرزندان شاهد، آزادگان و فرزندان آنان و دانشجویان تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی از محل اعتبارات ردیف مستقل معاونت تأمین شود.»

شبانه و همچنین مراکز آموزشی و پژوهشی غیردولتی از طریق دستگاه‌های ذی‌ربط اعم از بنیاد شهید و امور ایثارگران، سازمان بهزیستی کشور، کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان اوقاف و امور خیریه در ابتدای هر نیمسال تحصیلی از محل اعتبارات پیش‌بینی شده در قانون بودجه سنواتی پرداخت می‌شود. کمک‌هزینه تحصیلی اعم از شهریه ثابت و متغیر پرداختی توسط بنیاد شهید و امور ایثارگران به ایثارگران، رزمندگان و افراد مشمول خانواده آنها که در واحدهای بین‌الملل داخل یا خارج دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی پذیرفته می‌شوند، معادل شهریه پرداختی پذیرفته‌شدگان رشته‌ها و مقاطع مشابه در واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی و واحدهای دانشگاهی داخلی، تعیین و پرداخت می‌گردد و باقی‌مانده شهریه توسط دانشجو اعم از ایثارگر یا خانواده وی تأمین و پرداخت می‌شود.

آیین‌نامه اجرایی این ماده ظرف مدت دو ماه از تاریخ تصویب این قانون به پیشنهاد دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط با تأیید معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

دیدگاه مغایرت

مطابق با اصل (۷۵) قانون اساسی، طرح‌های نمایندگان که منجر به افزایش هزینه‌های عمومی دولت می‌شود در صورتی قابل طرح در مجلس است که طریق تأمین هزینه‌های جدید مشخص و معلوم شود. پیش‌بینی دائمی تحصیل رایگان ایثارگران، رزمندگان، حافظان کل قرآن کریم و قاریان ممتاز کشوری و مشمولان بند (ک) ماده (۲۰) قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی پنجم توسعه‌ی جمهوری اسلامی ایران در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و مؤسسات پژوهشی در ماده‌ی مزبور، افزایش هزینه‌های عمومی دولت را در پی دارد که با توجه به عدم تعیین طریق تأمین این هزینه‌ها در این مصوبه، این ماده با مفاد اصل (۷۵) قانون اساسی در تضاد است. لازم به ذکر است که مطابق با نظریه‌ی تفسیری شورای نگهبان از اصل (۷۵) قانون اساسی،^(۱) ذکر عبارت «پیش‌بینی در بودجه سنواتی» نیز نمی‌تواند رافع ایراد مغایرت این گونه طرح‌ها با اصل (۷۵) قانون اساسی تلقی گردد.

۱. بند (۱) نظریه‌ی تفسیری شماره ۹۱/۳۰/۴۹۷۴۹ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۳ شورای نگهبان: «۱- درج عبارت «از محل صرفه‌جویی» به نحو مطلق و برای مدت نامحدود و بدون تعیین محل و همچنین درج عبارت «پیش‌بینی در بودجه سنواتی» بدون تأمین منبع و نیز درج عبارت‌های «از محل اعتبارات مصوب مربوط» و «از محل اعتبارات مصوب دستگاه»، اگر مستلزم بار مالی جدید بوده، طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید مذکور در اصل (۷۵) قانون اساسی محسوب نمی‌گردد.»

دیدگاه عدم مغایرت

حکم مقرر در ماده‌ی الحاقی (۲۷) در خصوص تحصیل رایگان دانشجویان مدّ نظر در این مصوبه، مغایرتی با اصل (۷۵) قانون اساسی ندارد؛ زیرا نمایندگان مجلس با عبارت «از محل اعتبارات پیش‌بینی‌شده در قانون بودجه سنواتی»، نحوه‌ی تأمین هزینه‌های اجرایی این مصوبه را مشخص و معلوم کرده‌اند. به عبارت دیگر، ذکر عبارت «از محل اعتبارات پیش‌بینی‌شده»، ناظر بر این مفهوم است که این اعتبارات قبلاً در بودجه‌ی سنواتی مشخص و معین شده است، در غیر این صورت، یعنی اگر اعتبارات محل مزبور تعیین نشده بود، قانون‌گذار از عبارت «پیش‌بینی در بودجه سنواتی» استفاده می‌کرد. بنابراین، این ماده از آن جهت که در آن محل تأمین هزینه‌های جدید دولت مشخص و معلوم شده است، مغایرتی با اصل (۷۵) قانون اساسی ندارد.

نظر شورای نگهبان

اطلاق ماده‌ی الحاقی (۲۷)، نسبت به بعد از سال‌های برنامه، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی شناخته شد.

ماده الحاقی ۲۸- قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران به شرح زیر اصلاح می‌شود:
الف- در بند (۱) تبصره (۱) ذیل بند (ز) ماده (۳) قانون،^(۱) عبارت «بیست و پنج درصد (۲۵٪) و بالاتر» حذف و عبارت «با اولویت درصد جانبازی» جایگزین می‌شود.
ب- در بند (۲) تبصره (۱) ذیل بند (ز) ماده (۳)،^(۲) عبارت «پایان قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه» حذف می‌شود.

۱. بندهای تبصره (۱) ذیل بند (ز) ماده (۳) قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران مصوب ۱۳۸۶/۴/۳: «ماده ۳- خدمات مسکن با استفاده از روش‌های ذیل ارائه می‌گردد:

الف- ...

ز- معافیت از هزینه‌های آماده‌سازی زمین، خدمات و تسهیلات مهندسی و شهری که حسب مورد به ایثارگران واجد شرایط تعلق می‌گیرد.

تبصره ۱- مشمولان دریافت خدمات مسکن عبارتند از:

۱- همسران، فرزندان و والدین شهدا، اسرا و مفقودالانرها، جانبازان بیست و پنج درصد (۲۵٪) و بالاتر و آزادگانی که فاقد مسکن بوده یا دارای مسکن نامناسب می‌باشند.

۲- تا پایان قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، فرزندان جانبازان هفتاد درصد (۷۰٪) و بالاتر فاقد مسکن در صورتی که قبلاً از زمین یا مسکن دولتی استفاده نکرده‌اند.»

۲. بنگرید به پاورقی پیشین.

ج- در ماده (۳ مکرر) قانون،^(۱) تغییرات زیر صورت می‌پذیرد:

۱- پاراگراف اول به شکل زیر تغییر می‌کند:

دولت موظف است در هر سال تعداد یکصد هزار نفر از جانبازان با اولویت درصد جانبازی، آزادگان و فرزندان شهدا، فرزندان جانبازان هفتاد درصد (۷۰٪)، همسران و والدین شهدا، تسهیلات خرید یا ساخت مسکن اعطاء نماید.

۲- پاراگراف دوم به شرح زیر تغییر می‌کند:

مبلغ تسهیلات مزبور به ازاء هر واحد مسکونی در هر سال (از سال ۱۳۹۳) نسبت به سال قبل بر اساس نرخ تورم و جمعیت شهر و روستا تعیین و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

نرخ این تسهیلات چهار درصد (۴٪) و بازپرداخت آن بیست‌ساله بدون رعایت الگوی مصرف و نوساز بودن مسکن است.

دیدگاه مغایرت

الف) مفاد ماده‌ی الحاقی (۲۸) به چند صورت منجر به افزایش هزینه‌های عمومی دولت می‌شود: نخست، بند (الف) این ماده به علت جایگزینی عبارت «با اولویت درصد جانبازی» به جای عبارت «بیست و پنج درصد (۲۵٪) و بالاتر» در بند (۱) تبصره (۱) ذیل بند (ز) ماده (۳) قانون جامع خدمات رسانی به ایثارگران، موجب افزایش هزینه‌های عمومی دولت می‌شود؛ زیرا

۱. ماده (۳ مکرر) قانون جامع خدمات رسانی به ایثارگران مصوب ۱۳۸۶/۴/۳: «ماده ۳ مکرر- دولت موظف است در اجرای بند (ل) ماده (۴۴) قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۹۱ به تعداد یکصد هزار نفر از جانبازان بیست و پنج درصد (۲۵٪) و بالاتر، آزادگان و فرزندان شهدا، فرزندان جانبازان بالای هفتاد درصد (۷۰٪)، همسران و والدین شهدا تسهیلات خرید یا ساخت مسکن اعطاء نماید. مبلغ تسهیلات مزبور به ازای هر واحد مسکونی در شهرهای بیش از یک میلیون نفر، چهارصد و پنجاه میلیون (۴۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال، مراکز استان‌ها سیصد و پنجاه میلیون (۳۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال، سایر شهرها دویست و پنجاه میلیون (۲۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال و برای روستاها یکصد و پنجاه میلیون (۱۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال با نرخ چهار درصد (۴٪) و بازپرداخت بیست‌ساله بدون رعایت الگوی مصرف و نوساز بودن مسکن تعیین می‌گردد.

دولت موظف است نسبت به تضمین، پیش‌بینی و پرداخت مابه‌التفاوت سود بانکی تا سقف نرخ مصوب نظام بانکی بانک‌های عامل اقدام نماید.

بانک‌های عامل موظفند نسبت به ارزیابی ملک، محاسبه و اخذ تضمین‌های بازپرداخت لازم به میزان اصل تسهیلات و سود سهم ایثارگر (چهار درصد) اقدام نمایند.

تبصره- دولت مکلف است به جانبازان و آزادگان و خانواده شهدای دارای مسکن ناتمام و نامناسب که قبلاً از وام‌های کمتر از سقف وام مصوب در سال ۱۳۹۰ استفاده کرده‌اند، مابه‌التفاوت آن را با همان وثیقه قبل یا وثیقه جدید پرداخت نماید.»

این بند، محدودیت تا «بیست و پنج درصد (۲۵٪)» برای دریافت خدمات مسکن موضوع ماده (۳) قانون جامع خدمات رسانی به ایثارگران را حذف و صرفاً اولویت درصد جانبازی را جایگزین آن کرده است و در نتیجه، دامنه‌ی شمول این خدمات را به جانبازان زیر بیست و پنج درصد (۲۵٪) نیز گسترش داده است. دوم، در بند (ب) ماده‌ی مزبور، حذف عبارت «پایان قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه» از بند (۲) تبصره (۱) ذیل بند (ز) ماده (۳) قانون جامع خدمات رسانی به ایثارگران، از این جهت که محدودیت استفاده‌ی فرزندان جانبازان هفتاد درصد (۷۰٪) و بالاتر فاقد مسکن را از دریافت خدمات مسکن لغو کرده و استفاده از این خدمات را دائمی می‌کند، هزینه‌های عمومی دولت را افزایش داده است. سوم، مطابق قسمت نخست ماده (۳ مکرر)، دولت موظف شده است که در سال ۱۳۹۱ به تعداد یکصد هزار نفر از جانبازان بیست و پنج درصد (۲۵٪) و بالاتر، آزادگان و فرزندان شهدا، فرزندان جانبازان بالای هفتاد درصد (۷۰٪)، همسران و والدین شهدا، تسهیلات خرید یا ساخت مسکن اعطاء کند که در حال حاضر به موجب جزء (۱) بند (ج) ماده‌ی الحاقی (۲۸)، عبارت «سال ۱۳۹۱» به «هر سال» اصلاح و عبارت «جانبازان با اولویت درصد جانبازی» نیز جایگزین عبارت «جانبازان بیست و پنج درصد (۲۵٪) و بالاتر» شده است؛ لذا حکم مزبور از جهت اینکه اولاً تکلیف مورد اشاره برای دولت را از یک سال به دائم تبدیل کرده است و ثانیاً از جهت اینکه دامنه‌ی شمول جانبازان را از جانبازان بیست و پنج درصد (۲۵٪) و بالاتر به کلیه‌ی جانبازان افزایش داده، موجب افزایش هزینه‌های عمومی برای دولت شده است. چهارم، در ماده (۳ مکرر)، مبلغ تسهیلات اعطایی به ازای هر واحد مسکونی در شهرهای بیش از یک میلیون نفر، چهارصد و پنجاه میلیون (۴۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال، مراکز استان‌ها سیصد و پنجاه میلیون (۳۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال، سایر شهرها دویست و پنجاه میلیون (۲۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال و برای روستاها یکصد و پنجاه میلیون (۱۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تعیین گردیده بوده که در اصلاحات جدید و به موجب جزء (۲) بند (ج) ماده‌ی الحاقی (۲۸)، مبلغ تسهیلات مزبور به ازاء هر واحد مسکونی در هر سال (از سال ۱۳۹۳) نسبت به سال قبل بر اساس نرخ تورم و جمعیت شهر و روستا تعیین خواهد شد. در حقیقت با توجه به اینکه نرخ تورم به صورت مستمر در حال افزایش است و این افزایش در اعتبارات بودجه‌ی سنواتی سال تصویب این قانون (۱۳۹۳) پیش‌بینی نگردیده، این بند، حداقل نسبت به سال ۱۳۹۳ دارای بار مالی و افزایش هزینه‌ی عمومی برای دولت است. با این اوصاف، از آنجا که مطابق با اصل (۷۵) قانون اساسی طرح‌هایی که منجر به افزایش هزینه‌های عمومی برای دولت می‌شود، در صورتی قابل طرح در مجلس است که طریق تأمین هزینه‌های جدید معلوم و مشخص شده باشد، ماده‌ی مزبور به جهت عدم تعیین طریق تأمین این هزینه‌ها در این مصوبه، مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است.

ب) طبق اصل (۱۵) قانون اساسی، نگارش اسناد و مکاتبات و متون رسمی باید با زبان و خط فارسی باشد. بنابراین استفاده از واژه‌ی فرانسوی «پاراگراف» در بند (ج) ماده‌ی مزبور، مغایر اصل (۱۵) قانون اساسی است که باید معادل فارسی آن جایگزین شود.

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به اینکه امکان افزایش مبلغ تسهیلات اعطایی مسکن متناسب با نرخ تورم به نسبت سال قبل، در ماده (۴) قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران پیش‌بینی شده است، حکم جزء (۲) بند (ج) ماده‌ی الحاقی (۲۸) در این خصوص، در عمل ایجاد بار مالی جدیدی برای دولت نمی‌کند، و در واقع حکم مقرر در این ماده‌ی الحاقی، بر همان حکم مقرر در ماده (۴) قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران تأکید کرده است. بنابراین این مصوبه از این جهت، مغایرتی با اصل (۷۵) قانون اساسی ندارد.

نظر شورای نگهبان

- بندهای (الف)، (ب) و همچنین جزء یک بند (ج) ماده الحاقی (۲۸)، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی شناخته شد.

- تذکر: در بند (ج) ماده الحاقی (۲۸)، معادل فارسی واژه «پاراگراف» ذکر گردد.

ماده الحاقی ۲۹- کارفرمایان و کشاورزان کارگاه‌های کشاورزی تحت شمول نظام صنفی کشاورزان با هر متر از زمین، مشمول قانون معافیت از پرداخت سهم بیمه کارفرمایی که حداکثر پنج نفر کارگر دارند مصوب ۱۳۶۱/۱۲/۱۶ و اصلاحات بعدی آن می‌باشند. اعتبار لازم بابت اجرای این حکم از محل بیست درصد (۲۰٪) ردیف درآمدی ۱۶۰۱۳۲ مندرج در قوانین بودجه سنواتی با عنوان «درآمد حاصل از اخذ عوارض از واردات میوه و سبزیجات» تأمین و به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت می‌شود.

دیدگاه مغایرت

الف) مطابق قانون مصوب مجلس شورای اسلامی کارفرمایانی که حداکثر پنج نفر کارگر دارند از پرداخت سهم بیمه‌ی خود معاف بوده و دولت سهم بیمه‌ی آنان را پرداخت می‌کند. نمایندگان مجلس این معافیت را در ماده‌ی مزبور به کارفرمایان و کشاورزان کارگاه‌های کشاورزی تحت شمول نظام صنفی کشاورزان نیز تعمیم داده و در عمل باعث افزایش هزینه‌های عمومی برای دولت شده‌اند. مطابق با اصل (۷۵) قانون اساسی طرح‌هایی که متضمن بار مالی برای دولت هستند،

می‌بایست در آنها منبع مکفی برای تأمین هزینه‌های دولت معلوم و مشخص شود. هر چند ماده‌ی مزبور محل بیست درصد (۲۰٪) ردیف درآمدی ۱۶۰۱۳۲ مندرج در قوانین بودجه‌ی سنواتی را به عنوان طریق تأمین افزایش هزینه‌ها تعیین کرده است، لیکن با توجه به اینکه این محل قبلاً نیز به همین شکل و به همین میزان اعتبار وجود داشته و محل مصرف آن نیز به موجب قانون بودجه مشخص شده است، برای تأمین اعتبار توسعه‌ی این معافیت به کارفرمایان و کشاورزان، ناکافی است. از این رو، ماده‌ی الحاقی (۲۹)، مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است.

ب) ماده‌ی الحاقی (۲۹) مقرر داشته که اعتبار لازم بابت اجرای حکم این مصوبه، از محل بیست درصد (۲۰٪) ردیف درآمدی ۱۶۰۱۳۲ مندرج در قوانین بودجه سنواتی با عنوان «درآمد حاصل از اخذ عوارض از واردات میوه و سبزیجات» تأمین و به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت خواهد شود. این موضوع، امری واجد ماهیت بودجه‌ای است که تنظیم آن مطابق با اصل (۵۲) قانون اساسی، به صورت یک حکم سالانه و نه دائمی در صلاحیت دولت است. بنابراین ماده‌ی مزبور از آنجا که یک موضوع بودجه‌ای و در صلاحیت دولت را به صورت دائمی به دولت تکلیف می‌کند و در نتیجه صلاحیت دولت در تهیه و تنظیم بودجه سالانه را بدین طریق محدود می‌کند، مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

هر چند ماده‌ی الحاقی (۲۹) دایره‌ی شمول قانون «معافیت از پرداخت سهم بیمه کارفرمایی که حداکثر پنج نفر کارگر دارند» را افزایش داده و به کارفرمایان و کشاورزان کارگاه‌های کشاورزی تحت شمول نظام صنفی کشاورزان تعمیم داده است و این افزایش شمول به صورت منطقی باعث افزایش مسئولیت دولت در پرداخت سهم بیمه‌ی کارفرمایان و به تبع آن باعث ایجاد بار مالی و افزایش هزینه‌های عمومی دولت خواهد شد، لیکن قانون‌گذار در ادامه‌ی ماده‌ی مزبور طریق تأمین اعتبار اجرای حکم مذکور را از محل بیست درصد (۲۰٪) ردیف درآمدی ۱۶۰۱۳۲ مندرج در قوانین بودجه‌ی سنواتی با عنوان «درآمد حاصل از اخذ عوارض از واردات میوه و سبزیجات» تعیین و مشخص کرده است. بنابراین ماده‌ی مزبور چون محل تأمین هزینه‌های جدید ناشی از این مصوبه را نیز مشخص و معلوم کرده است، مغایرتی با اصل (۷۵) قانون اساسی ندارد.

نظر شورای نگهبان

ماده‌ی الحاقی (۲۹)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده الحاقی ۳۰- یک تبصره به شرح زیر به ماده (۶) قانون تأسیس و نحوه اداره کتابخانه‌های عمومی کشور مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۱۷ مجلس شورای اسلامی^(۱) الحاق می‌شود:

تبصره- در صورت امتناع هر یک از شهرداری‌ها از تأدیه نیم درصد (۰/۵٪) مذکور، وزارت امور اقتصاد و دارایی (خزانه‌داری کل کشور) مکلف است بر اساس فهرست اعلامی از طرف دبیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، مبالغ مربوطه را از سر جمع اعتبارات مربوط به درآمد شهرداری‌ها (سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور) و یا درآمد موضوع مواد (۳۸) و (۳۹) قانون مالیات بر ارزش افزوده^(۲) از سهم همان شهر کسر و نسبت به پرداخت آن در وجه کتابخانه‌های عمومی همان شهر اقدام کند.

دیدگاه مغایرت

مطابق با ماده‌ی مزبور، در صورتی که هر یک از شهرداری‌ها از تأدیه مبلغ نیم درصد (۰/۵٪) موضوع ماده (۶) قانون تأسیس و نحوه‌ی اداره‌ی کتابخانه‌های عمومی کشور امتناع کنند،

۱. ماده (۶) قانون تأسیس و نحوه اداره کتابخانه‌های عمومی کشور مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۱۷: «ماده ۶- شهرداری‌ها مکلفند همه‌ساله حداقل نیم درصد (۰/۵٪) از درآمدهای خود را به منظور اداره امور کتابخانه‌ها در اختیار انجمن‌های کتابخانه‌های عمومی شهر مربوطه قرار دهند.»

۲. مواد (۳۸) و (۳۹) قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷/۲/۱۷: «ماده ۳۸- نرخ عوارض شهرداری‌ها و دهیاری‌ها در رابطه با کالا و خدمات مشمول این قانون، علاوه بر نرخ مالیات موضوع ماده (۱۶) این قانون، به شرح زیر تعیین می‌گردد:

الف- کلیه کالاها و خدمات مشمول نرخ ماده (۱۶) این قانون یک و نیم درصد (۱/۵٪)

ب- انواع سیگار و محصولات دخانی سه درصد (۳٪)

ج- انواع بنزین و سوخت هواپیما ده درصد (۱۰٪)

د- نفت سفید و نفت گاز ده درصد (۱۰٪) و نفت کوره پنج درصد (۵٪)

تبصره ۱- ...

ماده ۳۹- مؤدیان مکلفند عوارض و جرایم متعلق موضوع ماده (۳۸) این قانون را به حساب‌های رابطی که بنا به درخواست سازمان امور مالیاتی و توسط خزانه‌داری کل افتتاح می‌گردد و از طریق سازمان امور مالیاتی اعلام می‌گردد واریز نمایند. سازمان امور مالیاتی موظف است عوارض وصولی هر ماه را تا پانزدهم ماه بعد به ترتیب زیر به حساب شهرداری محل و یا تمرکز وجوه حسب مورد واریز نماید.

الف- عوارض وصولی بند (الف) ماده (۳۸) در مورد مؤدیان داخل حریم شهرها به حساب شهرداری محل و در مورد مؤدیان خارج از حریم شهرها به حساب تمرکز وجوه وزارت کشور به منظور توزیع بین دهیاری‌های همان شهرستان بر اساس شاخص جمعیت و میزان کمتر توسعه‌یافتگی

ب- عوارض وصولی بندهای (ب)، (ج)، (د) ماده (۳۸) به حساب تمرکز وجوه به نام وزارت کشور

تبصره ۱- ...»

وزارت امور اقتصاد و دارایی (خزانه‌داری کل کشور) مکلف است رأساً اقدام به کسر از سرجمع اعتبارات مربوط به درآمد شهرداری‌ها و یا درآمد موضوع مواد (۳۸) و (۳۹) قانون مالیات بر ارزش افزوده، جهت واریز به حساب کتابخانه‌های عمومی کند؛ این در حالی است که رسیدگی به دیون اشخاص حقوقی عمومی غیر دولتی مانند شهرداری‌ها نسبت به دولت، حتی در مواردی که اصل آن دیون به موجب قانون ثابت و مسلم باشد، در صلاحیت مراجع دادگستری قوه قضائیه است و دولت نمی‌تواند، به ویژه در موارد اختلاف در مقدار دیون، رأساً اقدام به تقاص طلب خود کند. طبق اصل (۱۵۶) قانون اساسی، رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعديات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات، جزء وظایف قوه قضائیه محسوب می‌شود. همچنین اصل (۱۵۹) قانون اساسی نیز بر صلاحیت محاکم دادگستری به عنوان مرجع رسمی برای رسیدگی به کلیه تظلمات و شکایات تأکید می‌کند. از این رو، ماده‌ی مزبور از آن جهت که رسیدگی به دعاوی مالی دولت در مقابل نهادهای غیردولتی را در صلاحیت دولت دانسته است، مغایر با اصول (۱۵۶) و (۱۵۹) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

الزام وزارت امور اقتصاد و دارایی (خزانه‌داری کل کشور) جهت کسر از سرجمع اعتبارات مربوط به درآمد شهرداری‌ها (سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور) و یا درآمد موضوع مواد (۳۸) و (۳۹) قانون مالیات بر ارزش افزوده، در صورت امتناع شهرداری‌ها از تأدیه مبلغ نیم درصد (۰/۵٪) موضوع ماده (۶) قانون تأسیس و نحوه اداره کتابخانه‌های عمومی کشور، در حقیقت مبین نحوه وصول یک حق ثابتی است که شهرداری‌ها از تأدیه آن امتناع می‌کنند. به بیان دیگر، پرداخت مبلغ نیم درصد (۰/۵٪) توسط شهرداری‌ها حقی است که قانون برای کتابخانه‌های عمومی در نظر گرفته و باید از سوی شهرداری‌ها به نهاد کتابخانه‌ها پرداخت شود. ماده‌ی مزبور، به عنوان قانون، حق استیفای این عوارض را در موارد امتناع شهرداری‌ها از پرداخت آن، به وزارت امور اقتصادی و دارایی واگذار کرده است. از این رو، صلاحیت دولت جهت کسر مبلغ نیم درصد از سرجمع اعتبارات مربوط به درآمد شهرداری‌ها، در مواردی که شهرداری از پرداخت آن امتناع می‌کند، قانونی است و ماده‌ی مزبور از این جهت مغایرتی با اصول (۱۵۶) و (۱۵۹) قانون اساسی که رسیدگی به دعاوی را در صلاحیت قوه قضائیه و مراجع دادگستری می‌داند، ندارد. لازم به توضیح است که شورای نگهبان، مصوباتی با همین ماهیت را پیش‌تر نیز مورد تأیید قرار داده است؛ از جمله می‌توان به روشی که سازمان تأمین اجتماعی در موارد مشابه اتخاذ نموده و رأساً و بدون حکم قضایی برخی مطالبات معوق خود را وصول می‌کند، اشاره کرد.

نظر شورای نگهبان

ماده‌ی الحاقی (۳۰)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده الحاقی ۳۱- دولت مکلف است تا پایان تکالیف تعیین شده ذیل، علاوه بر دریافت نرخ گاز، به ازای مصرف هر متر مکعب گاز طبیعی ده درصد (۱۰٪) بهای گاز مصرفی به استثنای خوراک پتروشیمی‌ها را به عنوان عوارض از مشترکین دریافت و به حساب خزانه‌داری کل کشور واریز کند.

الف- هشتاد درصد (۸۰٪) وجوه دریافتی صرفاً برای احداث تأسیسات و خطوط لوله گازرسانی به شهرها و روستاها، با اولویت مناطق سردسیر، نفت‌خیز، گازخیز و استان‌هایی که برخورداری آنها از گاز کمتر از متوسط کشور است، توسط شرکت ملی گاز ایران، هزینه می‌شود.

تبصره- شرکت ملی گاز ایران مکلف است خسارت وارده به معابر عمومی روستاها ناشی از عملیات گازرسانی را از محل منابع این بند جبران نماید.

ب- بیست درصد (۲۰٪) از منابع مذکور به تأمین و استانداردسازی سامانه گرمایشی و سرمایشی مدارس با اولویت مدارس روستاها، تجهیزات آموزشی و کمک آموزشی مدارس و هنرستان‌ها در قالب ردیف مشخص در قوانین بودجه سنواتی و با مبادله موافقتنامه با معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور به سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور اختصاص یابد.

تبصره- منابع مذکور به عنوان درآمد شرکت تابعه ذی‌ربط وزارت نفت محسوب نمی‌شود و مشمول مالیات نیست.

دیدگاه مغایرت

مطابق اصل (۵۲) قانون اساسی بودجه‌ی سالانه‌ی کل کشور باید از طرف دولت تهیه و برای تصویب به مجلس تقدیم گردد؛ این در حالی است که به موجب ماده‌ی مزبور، دولت مکلف شده است به ازای مصرف هر مترمکعب گاز طبیعی، ده درصد (۱۰٪) بهای گاز مصرفی را تحت عنوان عوارض از مشترکین دریافت نموده و از این مبلغ، هشتاد درصد (۸۰٪) را صرفاً برای احداث تأسیسات و خطوط لوله گازرسانی به شهرها و روستاهای مورد اشاره در این ماده و بیست درصد (۲۰٪) را به تأمین و استانداردسازی سامانه‌ی گرمایشی و سرمایشی برخی مدارس به مصرف برساند. از آنجا که این موضوع واجد ماهیت بودجه‌ای است و در راستای بودجه‌نویسی و تنظیم بودجه ارزیابی می‌شود، تهیه و تصویب آن به موجب «طرح» از سوی نمایندگان، باعث ایجاد

محدودیت در صلاحیت مقرر شده برای دولت در اصل (۵۲) قانون اساسی در زمینه‌ی تهیه و تنظیم لایحه‌ی بودجه‌ی سنواتی می‌شود و از این جهت، این مصوبه را در تغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی قرار می‌دهد.

دیدگاه ابهام

استفاده از عنوان «شرکت ملی گاز ایران» در بند (الف) ماده‌ی الحاقی (۳۱) و تبصره‌ی آن به واسطه عدم تصویب اساسنامه‌ی مربوط به این شرکت تا کنون و در نتیجه نامشخص بودن وضعیت حقوقی و قانونی و همچنین روابط مالی این شرکت با دولت، واجد ابهام است. در صورتی که ماهیت شرکت مذکور، غیر دولتی باشد، تعیین رابطه‌ی مالی مربوط به شرکت‌های دولتی برای آنها و حکم به پرداخت خسارت وارده به معابر عمومی روستاها از منابع دولتی، مغایر اصول متعدد قانون اساسی از جمله اصل (۵۳) است، که حاکم بر روابط مالی و بودجه‌ای دولت است. از این رو، باید ماهیت شرکت ملی گاز ایران مشخص شود تا بتوان نسبت به رابطه‌ی مالی آن با دولت و در نتیجه مغایرت یا عدم مغایرت ماده‌ی مزبور با اصول قانون اساسی اظهار نظر کرد.

نظر شورای نگهبان

در بند (الف) ماده الحاقی (۳۱) و تبصره آن، عنوان «شرکت ملی گاز ایران»، همان ابهام معموله این شورا در خصوص لایحه بودجه سال‌های قبل کل کشور را دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.

ماده الحاقی ۳۲-

الف- حذف شد.

ب- درآمد حاصل از طرح‌های تحقیقاتی و پژوهشی دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی و آموزش عالی دارای مجوز قطعی از وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی که در چهارچوب نقشه جامع علمی کشور انجام می‌شود با تأیید شورای پژوهشی مؤسسه پژوهشی یا آموزشی مربوطه، مشمول مالیات با نرخ صفر می‌باشد. دستورالعمل اجرایی این ماده حداکثر ظرف مدت شش ماه پس از تصویب این قانون توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی با همکاری دبیرخانه ستاد راهبری اجرای نقشه جامع علمی کشور و وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تهیه و ابلاغ می‌شود.

تبصره- دستگاه‌ها و مراکز پژوهشی موضوع این ماده مکلفند هر ساله گزارش این

طرح‌ها را به وزارتخانه‌های بهداشت، درمان و آموزش پزشکی یا علوم، تحقیقات و فناوری ارائه و وزارتخانه‌های مذکور نیز این گزارش‌ها را به کمیسیون‌های آموزش، تحقیقات و فناوری و برنامه و بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی تقدیم کنند.

دیدگاه مغایرت

حکم مقرر در بند (ب) ماده‌ی الحاقی (۳۲) مبنی بر محاسبه‌ی دائمی مالیات با نرخ صفر برای درآمدهای حاصل از طرح‌های تحقیقاتی و پژوهشی دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی و آموزش عالی، باعث کاهش درآمدهای عمومی دولت ناشی از اخذ مالیات می‌شود که لازم است مطابق با اصل (۷۵) قانون اساسی، طریقی برای جبران این کاهش درآمد در این مصوبه پیش‌بینی شود؛ زیرا اصل (۷۵) قانون اساسی تصریح می‌کند طرح‌های نمایندگان که به تقلیل درآمد عمومی دولت می‌انجامد در صورتی قابل طرح در مجلس است که طریقی جبران کاهش درآمد در آن معلوم شده باشد. بر این اساس، ماده‌ی مزبور از این جهت که متضمن کاهش درآمدهای دولت است و طریقی جبران کاهش این درآمد در آن مشخص و معلوم نشده است، مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است.

نظر شورای نگهبان

بند (ب) ماده‌ی الحاقی (۳۲)، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی شناخته شد.

ماده الحاقی ۳۳- شرکت‌های مشمول اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی که واگذار شده و یا در حال واگذاری می‌باشند و یا در فهرست واگذاری قرار گرفته یا می‌گیرند، موظفند برای ایثارگران شاغل در زمان واگذاری، از قوانین و مقررات مربوط به ایثارگران تبعیت نمایند.

دیدگاه مغایرت

حکم مقرر در ماده‌ی الحاقی (۳۳) در خصوص موظف نمودن شرکت‌های مشمول اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی به تبعیت از قوانین و مقررات مربوط به ایثارگران جهت استفاده‌ی ایثارگران شاغل در زمان واگذاری از مزایای ایثارگری، در خصوص شرکت‌هایی که در گذشته واگذار شده‌اند، خلاف موازین شرعی است؛ زیرا در خصوص واگذاری‌های که در گذشته انجام گرفته، چنین شرطی وجود نداشته و شرعاً امکان الزام شرکت‌های سابق به رعایت ضوابط مزبور، که بعد از محقق شدن واگذاری تصویب شده‌اند، وجود ندارد. از این رو، چنین شرطی از آن جهت

که باعث ایجاد برخی هزینه‌ها به شرکت‌های قبلی می‌شود، خلاف موازین شرع است و حکم این ماده، قابل عطف بماسبق به شرکت‌های واگذارشده‌ی قبلی نخواهد بود.

نظر شورای نگهبان

در ماده‌ی الحاقی (۳۳)، در صورتی که چنین حکمی در خصوص واگذاری‌های قبلی وجود نداشته است، خلاف موازین شرع می‌باشد.

ماده الحاقی ۴۲- به منظور نگهداری راه‌های کشور و تلاش در جهت تثبیت تعرفه حق دسترسی شبکه ریلی و کمک به احداث، توسعه ظرفیت و بهسازی خطوط، ناوگان و شبکه حمل و نقل ریلی برون‌شهری و نگهداری راه‌های کشور با هدف صرفه‌جویی در مصرف سوخت، کاهش آلاینده‌ی محیط زیست و کاهش تلفات ناشی از تصادفات جاده‌ای، بیست درصد (۲۰٪) قیمت نفت و گاز (گازوئیل) به‌استثنای مصارف بخش کشاورزی به عنوان عوارض توسط شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران محاسبه و دریافت می‌شود.

منابع حاصله به حساب خاصی نزد خزانه‌داری کل کشور واریز و در قالب ردیف‌هایی که در قوانین بودجه سنواتی مشخص می‌شود به نسبت مساوی به توسعه، بهسازی خطوط و ناوگان شبکه حمل و نقل ریلی و نگهداری راه‌ها پس از مبادله موافقتنامه بین دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط با معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور اختصاص می‌یابد.

دیدگاه مغایرت

مطابق با اصل (۵۲) قانون اساسی تهیه و تنظیم بودجه‌ی سنواتی در صلاحیت دولت است. در ماده‌ی مزبور، مقرر شده که درآمد حاصله از بیست درصد (۲۰٪) قیمت نفت و گاز (گازوئیل) که به عنوان عوارض اخذ می‌شود به توسعه، بهسازی خطوط و ناوگان شبکه حمل و نقل ریلی و نگهداری راه‌ها اختصاص یابد. این موضوع از آن جهت که تخصیص منابع و درآمدهای دولت است، ماهیت بودجه‌ای دارد و بنابراین مطابق با اصل (۵۲) قانون اساسی باید به صورت یک حکم سالانه و نه دائمی در لایحه‌ی بودجه‌ی کل کشور توسط دولت تهیه و برای تصویب به مجلس تقدیم شود. بنابراین، ماده‌ی مذکور از این جهت که به صورت دائمی دولت را ملزم به انجام بودجه‌ریزی به نحو مقرر در این مصوبه می‌کند و در نتیجه صلاحیت دولت در تهیه و تنظیم بودجه‌ی سنواتی را محدود می‌کند، مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است.

نظر شورای نگهبان

ماده‌ی الحاقی (۴۲)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده الحاقی ۴۳- شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان یک درصد (۱٪) از سرجمع کل اعتبارات و تملک دارایی سرمایه‌ای استان را به منظور احداث و توسعه و تجهیز به پایگاه‌های حوزه‌های مقاومت بسیج اختصاص دهد.

دیدگاه مغایرت

ماده‌ی الحاقی (۴۳)، به صورت دائمی دولت را مکلف کرده که هر ساله یک درصد (۱٪) از سرجمع کل اعتبارات و تملک دارایی سرمایه‌ای استان را به منظور احداث و توسعه و تجهیز به پایگاه‌های حوزه‌های مقاومت بسیج اختصاص دهد. این موضوع، ماهیت بودجه‌ای دارد که در نتیجه باید به صورت یک حکم سالانه و نه دائمی، به موجب لایحه‌ی بودجه کل کشور توسط دولت تهیه و برای تصویب به مجلس تقدیم شود. بر این اساس، از آنجا که ماده‌ی مذکور، به صورت دائمی دولت را ملزم به انجام بودجه‌ریزی به نحو مقرر در این ماده کرده و در نتیجه، صلاحیت دولت را در تهیه و تنظیم بودجه‌ی سنواتی محدود کرده است، مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است که تهیه و تنظیم بودجه‌ی سنواتی را در صلاحیت دولت می‌داند.

نظر شورای نگهبان

ماده‌ی الحاقی (۴۳)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده الحاقی ۴۴- دولت مکلف است برای گسترش، تکمیل و پوشش کامل دیجیتالی شبکه‌های تلویزیونی کشور توسط سازمان صدا و سیما در مدت زمان شش ساله، نسبت به پیش‌بینی اعتبار لازم در قوانین بودجه سنواتی اقدام کند.

دیدگاه مغایرت

مطابق اصل (۷۵) قانون اساسی، طرح‌هایی که منجر به افزایش هزینه‌های عمومی شود، در صورتی در مجلس قابل طرح است که طریق تأمین این هزینه‌ی جدید معلوم شده باشد. بر این اساس، حکم مقرر در ماده الحاقی (۴۴) ناظر بر الزام دولت به پیش‌بینی اعتبار لازم برای سازمان صدا و سیما در قوانین بودجه‌ی سنواتی، به منظور گسترش، تکمیل و پوشش کامل دیجیتالی

شبکه‌های تلویزیونی کشور، از آنجا که باعث افزایش هزینه‌های عمومی دولت می‌شود، لازم بود که مطابق مفاد اصل (۷۵)، محل تأمین این هزینه‌ها نیز در طرح معلوم می‌شد که با عدم تعیین این محل، این مصوبه در تغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است. همچنین مطابق با نظریه‌ی تفسیری شورای نگهبان از اصل (۷۵) قانون اساسی،^(۱) عباراتی همچون «پیش‌بینی در قوانین بودجه سنواتی» نمی‌تواند تأمین‌کننده‌ی مقصود قانون‌گذار اساسی از وضع اصل (۷۵) باشد و بنابراین، ذکر این عبارت در ماده‌ی الحاقی (۴۴) نیز محل تأمین هزینه‌های این طرح محسوب نمی‌شود و جهت رفع ایراد مغایرت با اصل (۷۵) قانون اساسی کارایی ندارد.

نظر شورای نگهبان

ماده‌ی الحاقی (۴۴)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده الحاقی ۴۵- دولت مکلف است:

الف- حداقل دو درصد (۲٪) از اعتبارات بودجه عمومی کشور را برای برنامه‌های تقویت بنیه دفاعی در لوایح بودجه سالانه منظور نماید.

ب- برای تأمین سامانه‌های راداری و کمک‌ناوبری مدافعان هوایی پایگاه پدافند هوایی مهاجمان ده درصد (۱۰٪) از درآمد حاصل از عوارض عبور هواپیماهای غیرنظامی و پنجاه درصد (۵۰٪) درآمد حاصل از عبور هواپیماهای نظامی را که درآمد حاصل از ترانزیت هوایی است به حساب اعتباری ۱۱۲۰۰۰ ارتش واریز کند.

پ- بدهی خود به کلیه بازنشستگان نیروهای مسلح را با احتساب مابه‌التفاوت آن هر سال در بودجه سنواتی پیش‌بینی نماید.

دیدگاه مغایرت

الف) مکلف نمودن دولت به اختصاص دو درصد (۲٪) از اعتبارات بودجه‌ی عمومی کشور برای برنامه‌های تقویت بنیه‌ی دفاعی در لوایح بودجه‌ی سالانه، پیش‌بینی بدهی دولت به کلیه بازنشستگان نیروهای مسلح با احتساب مابه‌التفاوت آن در بودجه‌ی سنواتی و همچنین اختصاص

۱. بند (۱) نظریه‌ی تفسیری شماره ۹۱/۳۰/۴۹۷۴۹ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۳ شورای نگهبان: «۱- درج عبارت «از محل صرفه‌جویی»، به نحو مطلق و برای مدت نامحدود و بدون تعیین محل و همچنین درج عبارت «پیش‌بینی در بودجه سنواتی» بدون تأمین منبع و نیز درج عبارت‌های «از محل اعتبارات مصوب مربوط» و «از محل اعتبارات مصوب دستگاه»، اگر مستلزم بار مالی جدید بوده، طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید مذکور در اصل (۷۵) قانون اساسی محسوب نمی‌گردد.»

سالانه ده درصد (۱۰٪) از درآمد حاصل از عوارض عبور هواپیماهای غیرنظامی و پنجاه درصد (۵۰٪) درآمد حاصل از عبور هواپیماهای نظامی برای تأمین سامانه‌های راداری و کمک‌ناوبری مدافعان هوایی پایگاه پدافند هوایی مهاجمان در بندهای (الف)، (ب) و (پ) این ماده، همگی اموری هستند که ماهیت بودجه‌ای دارند و بنابراین، مطابق با اصل (۵۲) قانون اساسی، تعیین و تنظیم آنها به موجب لایحه‌ی بودجه به صورت احکام سالانه در صلاحیت دولت است. با این وصف، بندهای مزبور از آن جهت که به صورت دائمی دولت را ملزم به بودجه‌ریزی به نحو مقرر در این مصوبه کرده، صلاحیت دولت در تهیه و تنظیم بودجه‌ی سنواتی را محدود کرده‌اند که از این جهت، مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی هستند.

ب) مطابق با اصل (۷۵) قانون اساسی، طرح‌های قانونی که نمایندگان به مجلس ارائه می‌کنند، چنانچه منجر به کاهش درآمد و یا افزایش هزینه‌های عمومی دولت شود، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران تقلیل درآمد و یا تأمین هزینه‌ی جدید، معلوم شده باشد. بر این اساس، حکم مقرر در بند (الف) ماده‌ی الحاقی (۴۵) ناظر بر اختصاص حداقل دو درصد (۲٪) از اعتبارات بودجه‌ی عمومی کشور برای برنامه‌های تقویت بنیه‌ی دفاعی، چون باعث کاهش درآمد دولت می‌شود، لازم بود که محل جبران این کاهش درآمد نیز در این ماده مشخص می‌شد. همچنین در بند (ب) و (پ) این ماده نیز الزام دولت به تأمین سامانه‌های راداری و کمک‌ناوبری مدافعان هوایی پایگاه پدافند هوایی مهاجمان و الزام دولت به پرداخت دیون خود در مواردی که اعتبار کافی وجود نداشته باشد، چون باعث افزایش هزینه‌های عمومی می‌شود، لازم بود که طریقی برای تأمین این هزینه‌ها در این مصوبه پیش‌بینی می‌شد که با عدم پیش‌بینی این موارد، این ماده مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است. لازم به ذکر است که محل‌های درآمدی پیش‌بینی‌شده در این مصوبه، یعنی ده درصد (۱۰٪) از درآمد حاصل از عوارض عبور هواپیماهای غیرنظامی و پنجاه درصد (۵۰٪) درآمد حاصل از عبور هواپیماهای نظامی، به موجب قوانین سابق دارای مصرف مشخصی هستند و از این جهت نمی‌تواند طریق مکفی برای تأمین هزینه‌های بندهای (ب) و (پ) این ماده محسوب شود. بنابراین، بندهای (الف)، (ب) و (پ) این ماده، مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است.

ج) این استدلال که اجرای بند (الف) از آن جهت که مرتبط با حفظ امنیت مردم و نظام اسلامی است، واجب شرعی محسوب می‌شود و در نتیجه به استناد اصل (۴) قانون اساسی آن را به عنوان یک امر شرعی، حاکم بر اصل (۷۵) قانون اساسی بدانیم و حکم به تأیید بند (الف) با وجود مغایرت آن با اصل (۷۵) دهیم، قابل پذیرش نیست؛ زیرا در صورت وجوب اجرای بند (الف)، دولت خود می‌بایست اقدام به ارائه‌ی لایحه‌ی مورد نظر به مجلس می‌کرد.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) مطابق اصل (۴) قانون اساسی «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است...» بر این اساس، با توجه به اینکه برنامه‌های تقویت بنیه دفاعی و تأمین سامانه‌های راداری و کمک‌ناوبری به واسطه‌ی ارتباطی که با امنیت کشور و مردم دارد، شرعاً امری واجب و مورد تأکید اسلام است، اجرای بند (الف) ماده‌ی الحاقی (۴۵) واجب شرعی است و بدین لحاظ، هر چند که عدم پیش‌بینی طریق تأمین هزینه‌های اجرای این بند در این طرح نمایندگان، با اصل (۷۵) مغایرت دارد، لیکن این مغایرت در فرض مذکور، مغایرت اصل (۷۵) با یک امر واجب شرعی است و از آنجا که مطابق با اصل (۴) قانون اساسی، موازین شرعی بر عموم و اطلاق اصول قانون اساسی حاکم است، مغایرت مزبور قابل پذیرش نیست.

ب) در بند (پ) ماده‌ی الحاقی (۴۵)، مکلف کردن دولت به پیش‌بینی بدهی خود به کلیه‌ی بازنشستگان نیروهای مسلح با احتساب مابه‌التفاوت آن در بودجه‌ی سنواتی، به معنای حکم به تکلیف جدیدی نیست که نتیجه‌ی آن، افزایش هزینه‌های عمومی برای دولت باشد، بلکه در واقع تأکید بر این نکته است که دولت بدهی خود را که قبلاً ثابت شده و مسجل و قانونی است در بودجه‌ی سال آینده و در صورت عدم کفایت درآمدها در سال‌های بعد پیش‌بینی کند. از این رو، بند (پ) متضمن افزایش هزینه‌های دولت نیست و در نتیجه، مغایرت آن با اصل (۷۵) موضوعاً منتفی است.

نظر شورای نگهبان

بندهای (الف) و (ب) ماده الحاقی (۴۵)، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی می‌باشد.

ماده الحاقی ۴۷- در کلیه دستگاه‌های اجرایی، کمک‌هزینه فوت و ازدواج ۶۵۰۰ امتیاز و حساب پس‌انداز کارکنان دولت (سهام دولت) ۱۵۰۰ امتیاز تعیین و پرداخت می‌شود.

دیدگاه مغایرت

حکم مقرر در ماده‌ی الحاقی (۴۷) ناظر بر الزام کلیه‌ی دستگاه‌های اجرایی به افزایش حساب پس‌انداز کارکنان دولت (سهام دولت) به ۱۵۰۰ امتیاز و پرداخت وجوه مربوط به آن، واجد بار مالی برای دولت است و باعث افزایش هزینه‌های عمومی دولت می‌شود که با توجه به عدم تعیین

محل تأمین هزینه‌های مزبور در این مصوبه، این ماده در تغایر با مفاد اصل (۷۵) قانون اساسی قرار خواهد گرفت؛ زیرا مطابق با اصل (۷۵) قانون اساسی، طرح‌های نمایندگان که متضمن ایجاد هزینه‌ی جدید برای دولت شود، در صورتی قابل طرح در مجلس است که طریق تأمین هزینه‌های جدید نیز مشخص و معلوم شده باشد.

دیدگاه ابهام

از آنجا که مشخص نیست در این مصوبه، افزایش حساب پس‌انداز کارکنان دولت (سهم دولت) به ۱۵۰۰ امتیاز، واقعاً عدد صحیحی است یا اینکه درج این رقم، ناشی از غلط تاییبی است و منظور، ۱۵۰ امتیاز بوده است، این ماده واجد ابهام است. در صورتی که تغییر حساب پس‌انداز کارکنان دولت از ۱۵۰ امتیاز به ۱۵۰۰ امتیاز مد نظر باشد، چون این افزایش امتیاز، منجر به الزام دولت به تأمین اعتبارات مورد نیاز و در نتیجه افزایش هزینه‌های عمومی دولت می‌شود، به دلیل عدم تعیین طریق تأمین این هزینه‌ها در این مصوبه، این ماده مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است. بنابراین، باید این ابهام رفع گردد تا بتوان نسبت به مغایرت یا عدم مغایرت ماده‌ی مزبور با اصل (۷۵) قانون اساسی اظهار نظر کرد.

نظر شورای نگهبان

در ماده‌ی الحاقی (۴۷)، در صورت افزایش حساب پس‌انداز کارکنان دولت (سهم دولت) به ۱۵۰۰ امتیاز، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی می‌باشد.

ماده‌ی الحاقی ۵۲- به منظور تأمین اعتبار برای پرداخت تسهیلات به زندانیان نیازمند در محکومیت‌های مالی مانند دیه و امثال آن که ناشی از قتل و یا جرح غیرعمدی است و محکومین مالی نیازمند غیرکلاهبرداری، مبلغی که در قوانین بودجه سالانه تعیین می‌شود از محل وجوه قرض‌الحسنه بانک‌ها اختصاص می‌یابد و در اختیار ستاد مردمی رسیدگی به امور دیه و کمک به زندانیان نیازمند قرار می‌گیرد تا با نظارت وزارت دادگستری اقدام کند. آیین‌نامه اجرایی پرداخت تسهیلات مذکور توسط وزارت دادگستری و ستاد دیه تهیه می‌شود و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد. دولت مکلف است نسبت به تضمین تسهیلات اعطایی این ماده اقدام نماید.

دیدگاه مغایرت

در ماده‌ی الحاقی (۵۲)، محل تأمین اعتبار برای پرداخت تسهیلات به زندانیان نیازمند در

محکومیت‌های مالی، «وجوه قرض الحسنه بانک‌ها» تعیین شده است. با توجه به اینکه عموم عبارت «بانک‌ها» در این ماده، شامل بانک‌های خصوصی نیز می‌شود و با عنایت به اینکه الزام بانک‌های خصوصی به تأمین اعتبار جهت پرداخت تسهیلات به زندانیان نیازمند به ویژه در مواردی که این بانک‌ها رضایت به این امر ندارند، موجب تحدید مالکیت خصوصی آنها می‌شود، این مصوبه از این جهت خلاف موازین شرع است.

دیدگاه عدم مغایرت

تأسیس بانک‌های خصوصی در جمهوری اسلامی ایران منوط به رعایت قوانین پولی و بانکی و همچنین مقررات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و تبعیت بانک‌ها از این قوانین و مقررات است. از این رو، الزام بانک‌های خصوصی به تأمین اعتبار تسهیلات به زندانیان نیازمند از محل وجوه قرض الحسنه‌ای که مردم نزد این بانک‌ها سپرده‌گذاری کرده‌اند، دقیقاً در راستای مقررات مالی و بانکی کشور است که این مقررات برای همه‌ی بانک‌ها از جمله بانک‌های خصوصی لازم‌الرعايه است؛ ضمن اینکه یکی از منابع بانک‌ها وجوه قرض الحسنه است که بانک‌ها مکلفند این منابع را در محل‌های تعریف‌شده به مصرف برسانند. با این وصف، حکم ماده‌ی مزبور مبنی بر الزام بانک‌های خصوصی به تأمین اعتبار از محل منابع قرض الحسنه خود، مغایرتی با موازین شرع ندارد.

دیدگاه ابهام

الف) عبارت «محکومین مالی نیازمند غیرکلاهبرداری» در ماده‌ی الحاقی (۵۲)، حکم این ماده را نسبت به شمول سایر جرایم مالی مشابه کلاهبرداری، با ابهام مواجه کرده است. توضیح اینکه، ماده‌ی مزبور تنها محکومین مالی نیازمند غیرکلاهبرداری را از شمول حکم و اخذ تسهیلات استثناء کرده است؛ این در حالی است که جرایم مالی مشابه کلاهبرداری مانند اختلاس، ارتشا، تصرف در اموال دولتی و ... نیز از جهاتی با جرم کلاهبرداری مشابه هستند که مشخص نیست آیا حکم این ماده، شامل آنها نیز می‌شود یا خیر؟ چنانچه این عبارت را صرفاً در خصوص عنوان خاص «کلاهبرداری» صادق بدانیم، شمول حکم این ماده در خصوص امکان دریافت تسهیلات نسبت به مرتکبان جرایم مالی مشابه کلاهبرداری و عدم امکان دریافت این تسهیلات در مرتکبان عنوان خاص «کلاهبرداری»، مستلزم تبعیض ناروا میان این افراد و ناعادلانه به نظر می‌رسد و از این جهت مغایر با بند (۹) اصل (۳) قانون اساسی است که بر رفع تبعیضات ناروا در جمهوری اسلامی ایران تأکید می‌کند. از این رو، باید این ابهام مصوبه برطرف شود تا بتوان نسبت به مغایرت یا عدم مغایرت این ماده با قانون اساسی اظهار نظر کرد.

ب) حرف ربط «و» در عبارت «قتل و یا جرح غیرعمدی»، از این جهت که آیا صفت «غیرعمدی» تنها مختص به «جرح» بوده و یا هم شامل «قتل» و هم «جرح» است، ایجاد ابهام کرده است؛ چه آنکه در صورتی که صفت غیرعمدی تنها به جرح برگردد، شمول قتل‌های عمدی در حکم اخذ تسهیلات مالی از سوی دولت به عنوان محکومین نیازمند مالی، خلاف موازین شرع است؛ به ویژه اینکه، حکم قتل‌های عمدی، قصاص خواهد بود و پرداخت تسهیلات مالی به محکومین آنها، وجاهت شرعی و قانونی ندارد؛ زیرا در این گونه قتل‌ها و در صورت عدم اجرای قصاص و اخذ دیه و یا مابه‌ازای مالی، قاتل باید مبلغ مزبور را به اولیای دم پرداخت کند. از این جهت، باید حرف «و» در عبارت «ناشی از قتل و یا جرح غیرعمدی» حذف گردد تا ابهام مذکور و در نتیجه احتمال مغایرت آن با موازین شرع برطرف گردد.

نظر شورای نگهبان

در ماده‌ی الحاقی (۵۲)، حرف (و) از عبارت «قتل و یا جرح غیرعمدی» حذف گردد. همچنین لازم است در این ماده نسبت به جرایم غیرکلاهبرداری امثال ارتشاء، اختلاس، سرقت، خیانت در امانت تعیین تکلیف شود.

ماده الحاقی ۵۳- به منظور برقراری عدالت آموزشی و اجرای اصل سی‌ام (۳۰) قانون اساسی و تجهیز کلیه آموزشگاه‌های آموزش و پرورش با اولویت مناطق محروم و روستاها، آستان قدس رضوی و آن دسته از مؤسسات و بنگاه‌های اقتصادی زیرمجموعه نیروهای مسلح و ستاد اجرایی فرمان امام و سایر دستگاه‌های اجرایی که تا زمان تصویب این قانون مالیات پرداخت نکرده‌اند، موظف به پرداخت مالیات مستقیم و مالیات بر ارزش افزوده می‌باشند؛ منابع حاصله صرفاً جهت توسعه عدالت آموزشی در اختیار وزارت آموزش و پرورش قرار می‌گیرد تا بر اساس آیین‌نامه‌ای که به این منظور تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد، هزینه نماید.

دیدگاه مغایرت

الف) ماده‌ی الحاقی (۵۳)، کلیه‌ی منابع آستان قدس رضوی را مشمول پرداخت مالیات مستقیم و مالیات بر ارزش افزوده کرده است. اطلاق این حکم شامل کلیه‌ی درآمدهای آستان از جمله موقوفات، نذورات، کمک‌های نقدی و غیر نقدی نیز می‌شود. با توجه به نظر امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) مبنی بر معاف بودن این گونه درآمدها از پرداخت

مالیات،^(۱) حکم ماده‌ی مزبور نسبت به شمول پرداخت مالیات از همه‌ی منابع آستان قدس رضوی، خلاف حکم ولی فقیه و در نتیجه مغایر با موازین شرع است.

ب) مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) متناسب با وضعیت هر یک از مؤسسات و بنگاه‌های اقتصادی مذکور در ماده الحاقی (۵۳)، از جمله آستان قدس رضوی و مؤسسات و بنگاه‌های اقتصادی زیرمجموعه نیروهای مسلح و ستاد اجرایی فرمان امام (ره)، ضوابط خاصی را تدبیر و ابلاغ فرموده‌اند که بر مبنای این ضوابط، بخشی از درآمدهای این گونه مؤسسات از پرداخت مالیات معافند و بخشی دیگر مشمول پرداخت مالیات می‌شوند.^(۲) اطلاق موجود در این ماده مبنی بر لزوم

۱. «بر طبق سوابق موجود، در سال ۱۳۶۵ و در پی ارائه لایحه مالیات‌های مستقیم که در آن نام آستان قدس رضوی از ردیف سازمان‌هایی که مشمول معافیت مالیاتی بودند حذف گردیده بود، حضرت امام خمینی(ره) شفاهاً مقرر فرمودند «آستان قدس رضوی مالیات ندهد و به جناب آقای نخست‌وزیر هم گفته شود از آستان قدس نباید مالیات بگیرند» و در نتیجه در قانون مالیات‌های مستقیم مصوب سال ۱۳۶۶ مجلس شورای اسلامی موضوع عدم پرداخت مالیات آستان قدس رضوی و شرکت‌های وابسته مسکوت ماند. به همین دلیل ایشان در مورخ ۱۳۶۸/۱/۲۰ نیز کتباً خطاب به نخست‌وزیر وقت تأکید فرمودند که «همان‌طور که قبلاً گفته‌ام آستان قدس رضوی و شرکت‌ها و مؤسسات وابسته از پرداخت هرگونه مالیاتی معاف می‌باشند». (صحیفه امام، جلد ۲۱، صص ۳۴۷ و ۳۴۸) در سال ۱۳۸۰ و در پی تصویب لایحه اصلاح موادی از قانون مالیات‌های مستقیم در مجلس شورای اسلامی که در آن بر معافیت مالیاتی «موقوفات، نذورات، پذیره، کمک‌های دریافتی نقدی و غیرنقدی» آستان قدس رضوی تأکید شده، لکن درآمدهای حاصل از فعالیت‌های اقتصادی آن مشمول مالیات گردیده بود، شورای نگهبان «اتفاق عدم معافیت مالیاتی ... نسبت به مواردی که حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) نظر به معافیت داده‌اند، نظیر آستان قدس رضوی» را «خلاف شرع و مغایر اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی» شناخت. (نظریه شماره ۸۰/۲۱/۳۰۲۹ مورخ ۱۳۸۰/۱۰/۱۸) در نهایت و پس از چند دور رفت و برگشت مصوبه، متن کنونی ماده (۱۳۹) اصلاحی قانون مالیات‌های مستقیم از نظر شورای نگهبان، مغایر موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد. در وضعیت کنونی و بر اساس بند (الف) ماده اخیرالذکر، «موقوفات، نذورات، پذیره، کمک‌های دریافتی نقدی و غیرنقدی» آستان قدس رضوی به صراحت از معافیت مالیاتی برخوردارند و در مورد شمول مالیات به درآمدهای حاصل از فعالیت‌های اقتصادی آن، در تبصره (۴) ماده فوق‌الذکر چنین مقرر شده است که این امر «بر اساس نظر مقام معظم رهبری انجام می‌گیرد». لازم به ذکر است که در ماده (۳) الحاقی به قانون مالیات‌های مستقیم (موضوع ماده (۱) لایحه اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم و اصلاحات بعدی آن که هم‌اکنون در حال تصویب در مجلس شورای اسلامی است) چنین پیش‌بینی شده بود که «در مواردی که به استناد فرامین و مجوزهای حضرت امام خمینی(ره) یا مقام معظم رهبری اشخاصی نظیر آستان‌های مقدس و ... و شرکت‌های وابسته به اشخاص مذکور و سایر اشخاص از معافیت مالیاتی بهره‌مند شده‌اند از تاریخ اجرای این اصلاحیه نسبت به کلیه فعالیت‌های اقتصادی خود مطابق این قانون مشمول پرداخت مالیات خواهند شد» که دفتر مقام معظم رهبری نظر ایشان را چنین اعلام نمود که: «در مورد آستان‌های مقدس در ماده (۱۳۹) قانون و تبصره‌های آن تعیین تکلیف گردیده و لذا نیاز به حکم جدیدی ندارد». (بخشی از گزارش مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده شورای نگهبان) در خصوص طرح الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، شماره ۹۳۰۷۰۲۴ مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۹، صص ۶-۷؛ قابل دسترسی در: <http://yon.ir/74tC>)

۲. «ب- درخصوص مکلف‌نمودن مؤسسات و بنگاه‌های اقتصادی زیرمجموعه نیروهای مسلح» به پرداخت مالیات
←

پرداخت مالیات مستقیم و مالیات بر ارزش افزوده شامل کلیه‌ی درآمدهای ناشی از هرگونه فعالیت اقتصادی این مؤسسات می‌شود. لذا اطلاق حکم مزبور، حداقل نسبت به برخی از مصادیق درآمدهای این‌گونه مؤسسات و بنگاه‌های اقتصادی با نظر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در تعارض است. در نتیجه ماده‌ی مزبور از آن جهت که فرمان ولی‌فقیه را نسبت به شمول پرداخت مالیات از مؤسسات مزبور، توسعه داده است، مغایر با اصول (۵۷) و (۱۱۰) قانون اساسی محسوب می‌شود؛ زیرا طبق اصل (۵۷) قانون اساسی قوای سه‌گانه‌ی حاکم در جمهوری اسلامی ایران زیر نظر ولایت مطلقه‌ی امر و امامت امت عمل می‌نمایند و تصمیمات و عملکرد آنها نباید با تدابیر معظم‌له مغایرت داشته باشد. همچنین نیروهای مسلح وفق اصل (۱۱۰) قانون اساسی تحت تدابیر رهبری به عنوان فرماندهی کل قوا عمل می‌کنند که از این جهت نیز قوانین و مقررات حاکم بر نیروهای مسلح نباید با تدابیر ایشان در فرماندهی کل قوا مغایرت داشته باشد.

دیدگاه ابهام

با توجه به ضوابط تعیین‌شده توسط مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، وضعیت آستان قدس



مستقیم و مالیات بر ارزش افزوده لازم به ذکر است که در ماده (۳) الحاقی به قانون مالیات‌های مستقیم (موضوع ماده (۱) لایحه اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم و اصلاحات بعدی آن که هم‌اکنون در حال تصویب در مجلس شورای اسلامی است) چنین پیش‌بینی شده بود که «در مواردی که به استناد فرامین و مجوزهای حضرت امام خمینی (ره) یا مقام معظم رهبری اشخاصی نظیر ... و قرارگاه‌های سازندگی و شرکت‌های وابسته به اشخاص مذکور و سایر اشخاص از معافیت مالیاتی بهره‌مند شده‌اند از تاریخ اجرای این اصلاحیه نسبت به کلیه فعالیت‌های اقتصادی خود مطابق این قانون مشمول پرداخت مالیات خواهند شد» که دفتر مقام معظم رهبری نظر ایشان را چنین اعلام نمود: «درخصوص مالیات قرارگاه‌های سازندگی و شرکت‌های وابسته به آنها نیز فرمان و مجوز خاصی از سوی مقام معظم رهبری مدظله‌العالی صادر نشده است».

ج- درخصوص مکلف‌نمودن «ستاد اجرایی فرمان امام» به پرداخت مالیات مستقیم و مالیات بر ارزش افزوده، بر طبق سوابق موجود، فعالیت‌های اقتصادی این ستاد و شرکت‌های تابعه از سال ۱۳۸۳ و بر اساس رهنمود مورخ ۱۳۸۰/۱۰/۱۵ مقام معظم رهبری* همانند سایر بنگاه‌های اقتصادی مشمول تأدیه مالیات بوده و این ستاد مالیات‌های قانونی خود اعم از مستقیم و اخیراً ارزش افزوده را پرداخت کرده و می‌کند.

* «اینجانب علی‌الاصول با لغو هرگونه امتیاز خاص برای نهادها و بنیادها موافقم. صرفاً دغدغه هزینه‌های مأموریتی این دستگاه‌ها مانند جانبازان عزیز و خانواده‌های معظم شهیدان و محرومان و مستضعفان ذهن اینجانب را مشغول می‌کند و اگر این امر به نحو مناسب در بودجه عمومی پیش‌بینی شود و این دستگاه‌ها به ویژه آموزشی و فرهنگی، در امور وظایف خود دچار کمبود نشوند با لغو معافیت مالیاتی آنها موافقم و از آن حمایت می‌کنم.»

(بخشی از گزارش مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده شورای نگهبان) در خصوص طرح الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، شماره ۹۳۰۷۰۲۴ مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۹، صص ۷-۸؛ قابل دسترسی در:

<http://yon.ir/74tC>

رضوی و آن دسته از مؤسسات و بنگاه‌های اقتصادی زیرمجموعه نیروهای مسلح و ستاد اجرایی فرمان امام (ره) نسبت به پرداخت و یا عدم پرداخت مالیات مستقیم و ارزش افزوده یکسان نیست و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) متناسب با وضعیت هر یک ضوابط خاصی را تدبیر و ابلاغ فرموده‌اند. به عنوان مثال، طبق ضوابط تعیین شده توسط مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) برخی از درآمدهای آستان قدس رضوی از جمله نذورات، صدقات، موقوفات و... به صورت کلی از پرداخت مالیات معاف هستند و همچنین فعالیت‌های مؤسسات و بنگاه‌های اقتصادی زیرمجموعه ستاد اجرایی فرمان امام (ره) مشمول مالیات بوده و در حال حاضر نیز اقدام به پرداخت مالیات می‌کنند. لذا اطلاق حکم این ماده در خصوص پرداخت مالیات مستقیم و مالیات بر ارزش افزوده از مؤسسات مذکور محل ابهام است. ماده‌ی مزبور باید به صراحت و بر اساس ضوابط تعیین شده توسط مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) تنظیم شود تا بتوان نسبت به مغایرت یا عدم مغایرت آن با اصول (۵۷) و (۱۱۰) قانون اساسی اظهار نظر کرد.

نظر شورای نگهبان

در ماده الحاقی (۵۳)، چون وضعیت مؤسسات و بنگاه‌های اقتصادی مذکور یکسان نیست، باید طبق ضوابط تعیین شده توسط مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) که در نامه‌های شماره ۱/۲۲۶۶۳ مورخ ۱۳۹۲/۱/۲۱ دفتر مقام معظم رهبری، شماره ۵/۶۰۶۱۷ مورخ ۱۳۹۳/۹/۱۷ معاونت نظارت و حسابرسی دفتر مقام معظم رهبری و شماره ۷۰/۱۴۹۲/س/م مورخ ۱۳۹۳/۹/۱۷ رئیس ستاد فرمان اجرایی حضرت امام (رحمه‌الله علیه) ذکر گردیده، اصلاح شود و آلا مغایر اصول (۵۷) و (۱۱۰) قانون اساسی می‌باشد.

ماده الحاقی ۵۶- وزارتخانه‌های نیرو، نفت و ارتباطات و فناوری اطلاعات مکلفند نسبت به تأمین آب، برق، گاز و امکانات مخابراتی شهرک‌ها و نواحی صنعتی و مناطق ویژه اقتصادی تا درب واحدهای صنعتی و معدنی مستقر در شهرک‌ها و نواحی صنعتی و معدنی و منطقه ویژه اقتصادی اقدام کنند.

معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور موظف است اعتبار مورد نیاز را در لوایح بودجه سنواتی به این منظور پیش‌بینی کند.

دیدگاه مغایرت

الف) مطابق با اصل (۷۵) قانون اساسی، طرح‌های نمایندگان مجلس در صورتی که منجر به

افزایش هزینه‌های عمومی شود باید متضمن طریق تأمین این هزینه‌های جدید باشد تا امکان طرح آن در مجلس وجود داشته باشد. با این وصف، از یک سو مکلف کردن وزارتخانه‌های نیرو، نفت و ارتباطات و فناوری اطلاعات در ماده‌ی الحاقی (۵۶) به تأمین آب، برق، گاز و امکانات مخابراتی شهرک‌ها و نواحی صنعتی و مناطق ویژه‌ی اقتصادی تا درب واحدهای صنعتی و معدنی مستقر در این مراکز، منجر به افزایش هزینه‌های عمومی دولت می‌شود که باید مطابق اصل (۷۵) طریق تأمین این هزینه‌ها در این مصوبه پیش‌بینی می‌شد. از سوی دیگر با توجه به عدم پیش‌بینی طریق تأمین هزینه‌های ناشی از این مصوبه و نیز با توجه به نظریه‌ی تفسیری شورای نگهبان از اصل (۷۵) قانون اساسی،^(۱) محل پیش‌بینی‌شده در این ماده یعنی ذکر عبارت «پیش‌بینی اعتبار لازم برای این مصوبه در لوایح بودجه سنواتی» هم نمی‌تواند طریق تأمین هزینه‌های جدید و برآورده‌کننده‌ی مقصود قانون‌گذار اساسی از انشای اصل (۷۵) قانون اساسی محسوب شود. بر این اساس، ماده‌ی مزبور از این جهت، مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است.

ب) مطابق با اصل (۵۲) قانون اساسی، تهیه و تنظیم بودجه‌ی سالانه و ابتکار عمل در ارائه‌ی آن در صلاحیت دولت است. بنابراین، موضوع مقرر در این ماده ناظر بر تأمین آب، برق، گاز و امکانات مخابراتی شهرک‌ها و نواحی صنعتی و مناطق ویژه‌ی اقتصادی و نحوه یا حتی لزوم پیش‌بینی اعتبار مورد نیاز در این موارد در لوایح بودجه سنواتی به منظور پرداخت هزینه‌های این موارد، علی‌الاصول باید در صلاحیت دولت باشد؛ زیرا این موارد همگی واجد ماهیت بودجه‌ای است. بر این اساس، ماده‌ی مزبور از این جهت که با طرح نمایندگان مجلس به تصویب رسیده و به نوعی اختیار بودجه‌ریزی را به نمایندگان داده است، مغایر و تحدیدکننده‌ی صلاحیت دولت در تهیه و تنظیم بودجه‌ی سالانه است و از این جهت، مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است.

نظر شورای نگهبان

ماده‌ی الحاقی (۵۶)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. بند (۱) نظریه‌ی تفسیری شماره ۹۱/۳۰/۴۹۷۴۹ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۳ شورای نگهبان: «۱- درج عبارت «از محل صرفه‌جویی»، به نحو مطلق و برای مدت نامحدود و بدون تعیین محل و همچنین درج عبارت «پیش‌بینی در بودجه سنواتی» بدون تأمین منبع و نیز درج عبارت‌های «از محل اعتبارات مصوب مربوط» و «از محل اعتبارات مصوب دستگاه»، اگر مستلزم بار مالی جدید بوده، طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید مذکور در اصل (۷۵) قانون اساسی محسوب نمی‌گردد.»

ماده الحاقی ۵۷- کلیه بانک‌ها موظفند مانده وجوه اداره‌شده و یارانه سود تسهیلاتی را که حداکثر یک سال از تاریخ واریز به حساب بانک عامل گذشته و به متقاضیان پرداخت نشده با احتساب سود سپرده دوره ماندگاری وجوه نزد بانک، به حساب ردیف درآمدی که در قانون بودجه منظور می‌شود، واریز کنند. به کمیته‌ای مرکب از معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور، وزیر امور اقتصادی و دارایی، صنعت، معدن و تجارت و جهاد کشاورزی و رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اجازه داده می‌شود وجوه لازم را از طریق معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور برای اجرای طرح‌های کشاورزی و منابع طبیعی، صنعت، معدن و تجارت و یا افزایش سرمایه بانک‌های دولتی پس از تصویب مرجع قانونی ذی‌ربط و یا پرداخت وجوه اداره‌شده جهت توسعه و تبدیل زمین‌های شیب‌دار به باغات مثمر، توسعه عملیات آبخیزداری، جنگل‌کاری، احیاء جنگل‌ها و توسعه عملیات آب و خاک کشاورزی اختصاص دهد.

دیدگاه مغایرت

الف) پیش‌بینی ماده‌ی مزبور، مبنی بر الزام بانک‌ها به واریز هر ساله مانده‌وجوه اداره‌شده و یارانه‌ی سود تسهیلاتی که حداکثر یک سال از تاریخ واریز به حساب بانک عامل گذشته و به متقاضیان پرداخت نشده با احتساب سود سپرده دوره ماندگاری وجوه نزد بانک به حساب ردیف درآمدی که در قانون بودجه منظور می‌شود، جهت اجرای طرح‌های کشاورزی و منابع طبیعی، صنعت، معدن و تجارت و یا افزایش سرمایه‌ی بانک‌های دولتی پس از تصویب مرجع قانونی ذی‌ربط و یا پرداخت وجوه اداره‌شده جهت توسعه و تبدیل زمین‌های شیب‌دار به باغات مثمر، توسعه عملیات آبخیزداری، جنگل‌کاری، احیاء جنگل‌ها و توسعه عملیات آب و خاک کشاورزی، ماهیت بودجه‌ای داشته و تهیه و تنظیم این احکام در صلاحیت دولت است. لذا، ماده‌ی مزبور از این جهت که به نمایندگان اختیار بودجه‌ریزی داده است و در نتیجه صلاحیت دولت در تهیه و تنظیم بودجه‌ی سالانه را محدود کرده است، مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است. مطابق با این اصل، تهیه و تنظیم بودجه سالانه در صلاحیت دولت است.

ب) ماده‌ی مزبور بانک‌ها را ملزم به واریز سود سپرده دوره ماندگاری وجوه مورد نظر به حساب مشخص‌شده در قانون بودجه کرده است. از آنجا که ممکن است به علت انجام نگرفتن هرگونه فعالیت اقتصادی با مبالغ مزبور، لاجرم هیچ‌گونه سودی به این‌گونه سپرده‌ها تعلق نگیرد، پرداخت الزامی سود از سوی بانک‌ها مغایر با موازین شرع است. زیرا مطابق با موازین شرعی، سود شرعی باید ناشی از فعالیت‌های اقتصادی مشروع مانند مضاربه، جعاله و... باشد.

دیدگاه عدم مغایرت

بانک‌ها اصولاً از سپرده‌هایی که در اختیار دارند برای انجام فعالیت‌های اقتصادی بهره برده و از سود حاصله منتفع می‌شوند. بنابراین فرض بر این است که بانک‌ها از محل سپرده‌های مورد نظر ماده‌ی مزبور و به واسطه فعالیت‌های اقتصادی، منفعتی را به دست می‌آورند و طبق این ماده مکلف‌اند بخشی از آن را در اختیار صاحب سپرده (دولت) قرار دهند تا دولت نیز بتواند به طرح‌های مشخص شده اختصاص دهد. بنابراین، حکم ماده‌ی مزبور مغایرتی با شرع ندارد و ناشی از فعالیت‌های اقتصادی بانک‌ها از محل سپرده‌ها می‌باشد.

نظر شورای نگهبان

ماده‌ی الحاقی (۵۷)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده الحاقی ۵۸- صندوق تأمین اجتماعی موظف است کارگزاران و پیمانکاران حقیقی و افراد حقوقی و سایر افرادی که به عنوان کارگر یا تحت هر عنوان دیگر طرف قرارداد مخابرات روستایی بوده و می‌باشند را پس از واریز حق بیمه سهم کارگر توسط کارگزار و پیمانکار (کارگر) و تا زمان فروش سهام مدیریتی بر اساس قانون تأمین اجتماعی و قانون کار تحت پوشش بیمه قرار دهند. در هر صورت وزارتخانه‌های ارتباطات و فناوری اطلاعات، تعاون، کار و رفاه اجتماعی و امور اقتصادی و دارایی، ملزم به رفع مشکلات اجرای بند (۶۴) قانون بودجه سال ۱۳۹۱ کل کشور^۱ مرتبط با کارگزاران مخابرات روستایی هستند و شرکت متولی (شرکت مخابرات ایران) مکلف به استمرار بیمه و قرارداد مستقیم با کارگران، پیمانکاران و کارگزاران روستایی تا زمان بازنشستگی طبق شرایط و ضوابط مقرر در قانون کار می‌باشند. رعایت شرایط و ضوابط مقرر در قانون کار مانع از استمرار پرداخت حق بیمه موضوع این ماده نمی‌شود.

۱. بند (۶۴) قانون بودجه سال ۱۳۹۱ کل کشور مصوب ۱۳۹۱/۲/۳۰: «بند ۶۴- صندوق تأمین اجتماعی موظف است کارگزاران و پیمانکاران مخابرات روستایی موضوع جزء (و) بند (۱۶) قانون بودجه سال ۱۳۸۹ کل کشور را پس از واریز حق بیمه سهم کارگر توسط کارگزار و پیمانکار و تا زمان فروش سهام مدیریتی بر اساس قانون تأمین اجتماعی تحت پوشش بیمه قرار دهد. حق بیمه سهم کارفرما برای این مدت و برابر مدت کارکرد آنان بر عهده دولت است و مبلغ آن در کارگروهی متشکل از وزیران ارتباطات و فناوری اطلاعات و تعاون، کار و رفاه اجتماعی و سازمان حسابرسی تعیین و به عنوان مطالبات صندوق تأمین اجتماعی از دولت منظور می‌شود و از محل پرداخت اقساط فروش سهام شرکت مخابرات ایران به بخش خصوصی پرداخت و تسویه می‌گردد.»

دیدگاه مغایرت

الف) مطابق با موازین شرع، مالکیت خصوصی اشخاص محترم است و نمی‌توان بدون ضرورت و یا توافق، این مالکیت را محدود و یا در آن تصرف کرد. شرکت مخابرات ایران نیز پس از واگذاری سهام خود، به یک شرکت خصوصی تبدیل شده است. با این حال، در ماده‌ی الحاقی (۵۸)، شرکت مخابرات ایران را مکلف کرده است که در هر صورت تا زمان بازنشستگی، بیمه و قرارداد مستقیم با کارگران، پیمانکاران و کارگزاران روستایی خود را حفظ کند. اطلاق حکم مزبور و الزام شرکت خصوصی مخابرات به استمرار پرداخت بیمه و حفظ قرارداد مستقیم با کارکنان خویش، از آن جهت که موجب تحدید مالکیت خصوصی اشخاص و اضرار به غیر می‌شود، خلاف موازین شرع است.

ب) مطابق با اصل (۷۵) قانون اساسی، طرح‌های نمایندگان که منجر به افزایش هزینه‌ی عمومی دولت می‌شود، در صورتی قابل طرح در مجلس است که طریق تأمین هزینه‌های جدید معلوم و مشخص شده باشد. مکلف نمودن صندوق تأمین اجتماعی به تحت پوشش بیمه قرار دادن کارگزاران، پیمانکاران حقیقی و افراد حقوقی و سایر افرادی که به عنوان کارگر یا تحت هر عنوان دیگر طرف قرارداد مخابرات روستایی بوده‌اند، مستلزم افزایش هزینه‌های عمومی ناشی از لزوم پرداخت سه درصد (۳٪) حق بیمه‌ی سهم دولت، موضوع ماده (۲۸) قانون تأمین اجتماعی^(۱) است. بنابراین، ماده‌ی مزبور، از آن جهت که طریق تأمین افزایش هزینه‌های جدید را مشخص و معلوم نکرده است، مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است.

دیدگاه ابهام

ماده‌ی مزبور شرکت مخابرات را مکلف به استمرار بیمه و قرارداد مستقیم با کارگران، پیمانکاران و کارگزاران روستایی تا زمان بازنشستگی، طبق شرایط و ضوابط مقرر در قانون کار کرده و مقرر کرده است که «رعایت شرایط و ضوابط مقرر در قانون کار مانع از استمرار پرداخت حق بیمه موضوع این ماده نمی‌شود». اطلاق حکم مقرر در این ماده از این جهت که مشخص

۱. ماده (۲۸) قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴/۴/۳: «ماده ۲۸- منابع درآمد سازمان به شرح زیر می‌باشد:

۱- حق بیمه از اول مهرماه تا پایان سال ۱۳۵۴ به میزان بیست و هشت درصد (۲۸٪) مزد یا حقوق است که هفت درصد (۷٪) آن به عهده بیمه‌شده و هجده درصد به عهده کارفرما و سه درصد (۳٪) به وسیله دولت تأمین خواهد شد.

۲- درآمد حاصل از وجوه و ذخایر و اموال سازمان.

۳- وجوه حاصل از خسارات و جریمه‌های نقدی مقرر در این قانون.

۴- کمک‌ها و هدایا.

تبصره ۱- ... »

نیست شرکت مخابرات ایران تا چه زمان ملزم به پرداخت حق بیمه است، ابهام دارد. به عبارت دیگر مشخص نیست که آیا شرکت مخابرات، پس از اتمام رابطه‌ی قراردادی (به هر دلیل) با کارگر، همچنان ملزم به پرداخت حق بیمه است یا خیر؟ در صورتی که شرکت مخابرات، پس از اتمام رابطه‌ی قراردادی کارگر، همچنان ملزم به پرداخت و استمرار بیمه باشد، این موضوع متضمن تحدید مالکیت بخش خصوصی و اضرار به غیر و در نتیجه خلاف موازین شرع است. لذا باید ابهام مذکور از جهت مشخص شدن انتهای زمان پرداخت بیمه توسط شرکت مخابرات برطرف شود تا بتوان نسبت به مغایرت و یا عدم مغایرت ماده‌ی مزبور با موازین شرع، اظهار نظر کرد.

نظر شورای نگهبان

ماده‌ی الحاقی (۵۸)، از این جهت که مشخص نیست آیا پس از اتمام قرارداد به هر دلیل الزام به پرداخت حق بیمه وجود دارد یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۳/۱۱/۱۵ (مرحله دوم)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۱۱/۲۹

ماده ۱-

الف - ...

ج- شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران و شرکت‌های پالایش نفت داخلی و شرکت‌های پتروشیمی موظف‌اند در پایان هر ماه بهای خوراک نفت خام و میعانات گازی دریافتی خود و همچنین خوراک معادل فرآورده‌های شرکت‌های پتروشیمی تحویلی به شرکت ملی پالایش و پخش را به قیمت مذکور در جزء (۲) بند (الف) این ماده محاسبه و به خزانه‌داری کل کشور واریز نمایند.

وزارت نفت از طریق شرکت‌های تابعه ذی‌ربط، مکلف است وجوه مربوط به سهم دولت از بهای خوراک پالایشگاه‌ها و شرکت‌های پایین‌دستی پتروشیمی را وصول و ماهانه به خزانه‌داری کل کشور واریز نماید. در صورت عدم واریز، در پایان هر ماه خزانه‌داری کل کشور مبالغ مربوط به ماه قبل را از حساب‌های شرکت‌های پالایش و پخش و پتروشیمی به صورت علی‌الحساب برداشت می‌کند. در صورت عدم واریز بهای خوراک پالایشگاه‌ها و پتروشیمی‌ها به حساب خزانه‌داری کل کشور، وزارت امور اقتصادی و دارایی (خزانه‌داری کل کشور) مکلف است با اعلام وزارت نفت رأساً نسبت به برداشت از حساب شرکت‌های بدهکار و واریز آن به حساب خزانه‌داری کل کشور اقدام کند.

تبصره- ...

بند (د) ماده (۱) حذف می‌شود.

ه- ...

بند الحاقی (۱) به ماده (۱) حذف می‌شود.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) با حذف بند (د) ماده (۱) این مصوبه، ایراد سابق شورای نگهبان مبنی بر مغایرت حکم معافیت پالایشگاه‌ها از پرداخت حداقل بیست درصد (۲۰٪) منابع حاصل از صادرات فرآورده‌های نفتی به صندوق توسعه ملی، با بند (۱-۲۲) سیاست‌های کلی برنامه‌ی پنجم و مآلاً مغایرت با بند (۱) اصل (۱۱۰) قانون اساسی، سالبه به انتفای موضوع شده است. همچنین با توجه به حذف بند الحاقی (۱) به ماده (۱)، ایراد قبلی شورا نسبت به این بند نیز منتفی شده است.

ب) با توجه به اضافه شدن عبارت «شرکت‌های پایین‌دستی پتروشیمی» به فراز دوم بند (ج) ماده (۱) اصلاحی، تذکر قبلی شورای نگهبان در خصوص اصلاح عبارت «شرکت‌های پتروشیمی» و تبدیل آن به «شرکت‌های پایین‌دستی پتروشیمی»، جامه‌ی عمل پوشانده شده است.

نظر شورای نگهبان

ماده (۱)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده از سوی مجلس، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۴- شرکت‌های دولتی موضوع مواد (۴) و (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و شرکت‌های دولتی موضوع بند (۳) ماده (۱۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی، به استثنای بانک‌ها و بیمه‌های دولتی و سازمان‌های توسعه‌ای شامل سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران، سازمان صنایع کوچک و شرکت‌های صنعتی ایران، وزارت نفت از طریق شرکت دولتی تابعه ذی‌ربط و شرکت شهرک‌های کشاورزی، مشمول مقررات مواد (۳۱)، (۳۹) و (۷۶) قانون محاسبات عمومی کشور می‌باشند و تمام درآمدهای حاصل از فروش کالا و خدمات آنها به حساب‌های معرفی شده از سوی خزانه‌داری کل کشور واریز می‌شود تا حسب مورد طبق احکام و مقررات قانونی مربوط هزینه شود. عدم رعایت مفاد مواد (۷۶) قانون محاسبات عمومی کشور در مورد حساب‌هایی که خلاف مقررات مذکور گشایش یافته است، تصرف غیر قانونی در اموال عمومی محسوب می‌شود.

بانک‌های عامل حسب اعلام بانک مرکزی و خزانه‌داری کل کشور موظفند نسبت به بستن حساب‌هایی که خلاف مقررات مذکور افتتاح شده‌اند، اقدام کنند.

دیدگاه عدم مغایرت

مجلس شورای اسلامی با اصلاح ماده (۴) و جایگزین کردن عبارت «وزارت نفت از طریق شرکت دولتی تابعه ذی‌ربط» به جای عبارت «شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران»، ایراد سابق شورای نگهبان، مبنی بر ابهام در ماهیت «شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران» به جهت عدم تصویب اساسنامه‌ی مربوط به این شرکت و نامشخص بودن وضعیت حقوقی و قانونی و همچنین روابط مالی آن با دولت را برطرف کرده است.

نظر شورای نگهبان

ماده (۴)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده از سوی مجلس، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۶- به دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری اجازه داده می‌شود واحدهای خدماتی و رفاهی مجتمع‌های فرهنگی، هنری و مازاد ورزشی را از طریق برگزاری مزایده به اشخاص صاحب صلاحیت بخش‌های خصوصی، تعاونی، شهرداری‌ها و دهیاری‌ها با اولویت بخش تعاونی در شرایط برابر و در اماکن ورزشی در شرایط مساوی با اولویت فدراسیون‌های ورزشی، رده‌های مقاومت بسیج و هیئت‌های ورزشی استانی و شهرستانی به صورت اجاره واگذار نماید. نظارت بر کاربری و استانداردهای بهره‌برداری و خدمات‌رسانی این مؤسسات و همچنین رعایت حقوق مصرف‌کننده به عنوان بخشی از قرارداد فی‌مابین بر عهده دستگاه اجرایی مربوط است. معادل وجوه حاصل از اجرای این ماده بر اساس ردیف‌های درآمد هزینه‌ای که در قوانین بودجه سنواتی به صورت ملی یا استانی پیش‌بینی می‌شود، به دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط ملی یا استانی اختصاص می‌یابد تا در قالب مبادله موافقتنامه با معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور هزینه شود.

آیین‌نامه اجرایی این ماده شامل نحوه واگذاری، تعیین و واریز وجوه اجاره‌بها به درآمدهای عمومی نزد خزانه‌داری کل کشور، نحوه تعیین صلاحیت شرکت‌ها و ارائه خدمات به مصرف‌کنندگان با پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی و معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

تبصره ماده (۶)، حذف می‌شود.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) با توجه به حذف تبصره‌ی ماده (۶)، ایراد پیشین شورای نگهبان نسبت به این ماده، منتفی شده است.

ب) با توجه به اینکه در ماده (۶) اصلاحی، واژه «صرف کننده» به «مصرف کننده» اصلاح شده، تذکر قبلی شورا در این خصوص نیز اصلاح شده است.

نظر شورای نگهبان

ماده (۶)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده از سوی مجلس، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۷- به وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی ملی و واحدهای تابع آنها در استان‌ها اجازه داده می‌شود در صورت نیاز به تغییر محل یا ضرورت تبدیل به احسن، درخواست تغییر کاربری اموال غیر منقول خود را با هماهنگی وزارت امور اقتصادی و دارایی و واحدهای تابع استانی حسب مورد به دبیرخانه کمیسیون موضوع ماده (۵) قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران مصوب ۱۳۵۱ و اصلاحات بعدی آن در هر یک از استان‌های ذی‌ربط ارسال کنند. کمیسیون موظف است در صورت عدم مغایرت با طرح‌های توسعه شهری با تشخیص دبیرخانه کمیسیون ماده (۵) ظرف مدت یک ماه پس از تاریخ تحویل درخواست، با بررسی موقعیت محل و املاک هم‌جوار و رعایت ضوابط قانونی، نسبت به صدور مجوز تغییر کاربری پس از دستور پرداخت عوارض قانونی توسط دستگاه اقدام و مصوبه کمیسیون را به دستگاه متقاضی ابلاغ نماید.

استانداران موظفند بر حُسن اجرای این حکم نظارت و هر سه ماه یک‌بار عملکرد آن را به وزارتخانه‌های کشور و امور اقتصادی و دارایی، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور و شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان هر یک از استان‌ها گزارش کنند. این دستگاه‌ها موظفند پس از فروش املاک مذکور از طریق مزایده عمومی، وجوه حاصله را به درآمد عمومی نزد خزانه‌داری کل کشور واریز نمایند. خزانه‌داری کل کشور مکلف است یک هفته پس از مبادله موافقتنامه و ابلاغ تخصیص از سوی معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور، معادل وجوه واریز شده را در سقف اعتبارات مندرج در بودجه سنواتی در اختیار دستگاه اجرایی ذی‌ربط قرار دهد تا صرف جایگزینی ملک فروخته شده با

رعایت ماده (۳۲) این قانون یا تکمیل طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای نیمه‌تمام مصوب در همان شهرستان و در سقف درآمد حاصله نماید.
تبصره - ...

دیدگاه عدم مغایرت

شورای نگهبان، ماده (۷) سابق را از این جهت که دولت را مکلف کرده بود خارج از ضوابط قانون بودجه‌ی سنواتی، معادل وجوه حاصله از فروش املاک مذکور در این ماده را به دستگاه اجرایی ذی‌ربط پرداخت کند، مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی تشخیص داد. مجلس جهت رفع ایراد مذکور، عبارت «در سقف اعتبارات مندرج در بودجه سنواتی» را به فراز دوم ماده (۷) اصلاحی، اضافه کرده است و بنابراین، مغایرت این ماده با اصل (۵۲) قانون اساسی برطرف شده است.

نظر شورای نگهبان

ماده (۷)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده از سوی مجلس، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده (۱۱) حذف می‌شود.

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به حذف ماده (۱۱) در این مصوبه‌ی اصلاحی مجلس شورای اسلامی، ایرادهای وارد بر بندهای (الف)، (ب) و (ج) این ماده، سالبه به انتفای موضوع شده است.

نظر شورای نگهبان

با توجه به اصلاحات به عمل آمده از سوی مجلس، تغایر ماده (۱۱) با موازین شرع و قانون اساسی منتفی شد.

ماده ۱۲- به وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات اجازه داده می‌شود با تصویب هیئت وزیران درصدی از درآمدهای حاصل از تکالیف مقرر در پروانه کارورها (اپراتورها) را جهت تحقق اهداف و برنامه‌های خدمات عمومی اجباری و پایه با اولویت روستایی و

شهرهای زیر ده هزار نفر جمعیت از محل ردیف‌های پیش‌بینی شده در قوانین بودجه سنواتی به صورت درآمد- هزینه و در صورت لزوم با استفاده از مشارکت اپراتورها به مصرف برساند. به منظور تحقق اهداف این ماده و توسعه بخش ارتباطات و فناوری اطلاعات و تحقق دولت الکترونیک، به وزارتخانه مذکور اجازه داده می‌شود منابع یادشده را بر اساس مفاد موافقتنامه متبادله در طرح‌های توسعه‌ای و کمک‌های فنی و اعتباری هزینه کند.

دیدگاه عدم مغایرت

مجلس در اصلاحیه‌ی ماده (۱۲)، عبارت «کارورها (اپراتورها)» را جایگزین واژه‌ی «اپراتور» کرده است و بدین ترتیب ایراد سابق شورای نگهبان در خصوص مغایرت این ماده با اصل (۱۵) قانون اساسی از جهت به کار بردن واژه‌ی غیرفارسی «اپراتور» برطرف شده است.

نظر شورای نگهبان

ماده (۱۲)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده از سوی مجلس، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده (۱۶) حذف می‌شود.

دیدگاه عدم مغایرت

با عنایت به حذف ماده (۱۶) این مصوبه، ایراد پیشین شورای نگهبان به این ماده، سالبه به انتفای موضوع است.

نظر شورای نگهبان

با توجه به اصلاحات به عمل آمده از سوی مجلس، تغایر ماده (۱۶) با موازین شرع و قانون اساسی منتفی شد.

ماده (۱۷) حذف می‌شود.

دیدگاه عدم مغایرت

با عنایت به حذف ماده (۱۷) این مصوبه، ایراد پیشین شورای نگهبان به این ماده، منتفی شده است.

نظر شورای نگهبان

با توجه به اصلاحات به عمل آمده از سوی مجلس، تغایر ماده (۱۷) با موازین شرع و قانون اساسی منتفی شد.

ماده (۲۰) حذف می‌شود.

دیدگاه عدم مغایرت

با عنایت به حذف ماده (۲۰) این مصوبه، ایراد پیشین شورای نگهبان به این ماده، سالبه به انتفای موضوع است.

نظر شورای نگهبان

با توجه به اصلاحات به عمل آمده از سوی مجلس، تغایر ماده (۲۰) با موازین شرع و قانون اساسی منتفی شد.

ماده ۲۱-

فراز اول ماده (۲۱) حذف و فراز دوم آن به شرح زیر اصلاح می‌شود.
فضاهای اصلی مساجد، حسینیه‌ها، مؤسسات قرآنی، دارالقرآن‌ها، حوزه‌های علمیه، گلزارهای شهدا، امامزاده‌ها، خانه‌های عالم روستاها و اماکن مذهبی اقلیت‌های دینی مصرح در قانون اساسی از پرداخت هزینه مصارف ماهانه و عوارض مربوطه و حق انشعاب آب، فاضلاب، برق و گاز و همچنین هزینه‌های صدور پروانه ساختمانی و عوارض شهرداری معاف می‌باشند. این حکم شامل اماکن تجاری وابسته به آنها نیست.
اعتبارات موارد مذکور در قوانین بودجه سنواتی جهت پرداخت به دستگاه‌های ارائه‌کننده خدمات موضوع این ماده تأمین می‌شود.

دیدگاه مغایرت

مطابق اصل (۷۵) قانون اساسی، طرح‌های قانونی که نمایندگان مطرح می‌کنند چنانچه به تقلیل درآمد عمومی منجر شود، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران کاهش درآمد معلوم شده باشد. مجلس شورای اسلامی در مصوبه‌ی اصلاحی خود، عبارت «عوارض مربوطه و حق انشعاب آب، فاضلاب، برق و گاز و همچنین هزینه‌های صدور پروانه ساختمانی و

عوارض شهرداری» را به فراز دوم ماده (۲۱) اصلاحی اضافه کرده است. بدین ترتیب مجلس، ضمن اینکه موضوع جدیدی را مطرح کرده که در بررسی قبلی مورد توجه نبوده، باعث توسعه‌ی معافیت پیش‌بینی شده سابق به صورت دائمی و در نتیجه تقلیل درآمد عمومی دولت نیز شده است. از این رو، این ماده از آن جهت که طریق جبران کاهش درآمد مزبور را تعیین و مشخص نکرده است، مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است. معافیت مذکور در ماده (۲۱) سابق، «برای یک‌بار تا سقف الگوی مصرف» بود، لیکن در این ماده‌ی اصلاحی، این محدودیت برای معافیت برداشته شده است. همچنین با توجه به نظریه‌ی تفسیری شورای نگهبان در خصوص اصل (۷۵) قانون اساسی،^(۱) وجود عبارت «اعتبارات موارد مذکور در قوانین بودجه‌ی سنواتی جهت پرداخت به دستگاه‌های ارائه‌کننده خدمات موضوع این ماده تأمین می‌شود»، طریق جبران تقلیل درآمد عمومی برای رفع مغایرت با اصل (۷۵) قانون اساسی محسوب نمی‌شود.

دیدگاه ابهام

عبارت «اماکن مذهبی اقلیت‌های دینی» در ماده (۲۱) اصلاحی، واجد ابهام است؛ زیرا مشخص نیست که آیا منظور از اماکن مذهبی، تنها شامل اماکن مذهبی مشهور مانند کلیسا و کنیسه است و یا شامل سایر اماکن اقلیت‌های دینی نیز می‌شود. در صورتی که اماکن مذهبی شامل هر مکانی باشد که در آن فعالیت دینی و مذهبی اقلیت‌ها انجام می‌شود، اعطای معافیت به آنها مغایر با موازین شرع است. از این رو، باید مفهوم و مصادیق اماکن مذهبی اقلیت‌های دینی، مشخص شود تا بتوان نسبت به مغایرت و یا عدم مغایرت آن با موازین شرع اظهار نظر کرد.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) با توجه به حذف فراز اول ماده (۲۱) سابق، ایراد مغایرت این قسمت از ماده با اصل (۷۵) قانون اساسی، سالبه به انتفای موضوع است.

ب) آنچه نمایندگان در ماده (۲۱) اصلاحی در خصوص معافیت فضاهای اصلی که واجد کاربری فرهنگی - مذهبی برای مسلمانان و سایر اماکن مذهبی اقلیت‌های دینی مصرح در قانون اساسی از پرداخت هزینه‌ی مصارف ماهانه و عوارض مربوطه و حق انشعاب آب، فاضلاب، برق و

۱. بند (۱) نظریه‌ی تفسیری شماره ۹۱/۳۰/۴۹۷۴۹ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۳ شورای نگهبان: «۱- درج عبارت «از محل صرفه‌جویی» به نحو مطلق و برای مدت نامحدود و بدون تعیین محل و همچنین درج عبارت «پیش‌بینی در بودجه سنواتی» بدون تأمین منبع و نیز درج عبارت‌های «از محل اعتبارات مصوب مربوط» و «از محل اعتبارات مصوب دستگاه»، اگر مستلزم بار مالی جدید بوده، طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید مذکور در اصل (۷۵) قانون اساسی محسوب نمی‌گردد.»

گاز و همچنین هزینه‌های صدور پروانه ساختمانی و عوارض شهرداری مقرر کرده‌اند، به هیچ‌وجه باعث تقلیل درآمد عمومی نمی‌شود؛ زیرا اصولاً تاکنون هیچ درآمد قطعی در این خصوص وجود نداشته تا با وضع این مقرره کاهش یابد. علاوه بر این، باید توجه داشت که این معافیت‌ها در بودجه‌ی سنواتی چند سال اخیر نیز مورد پیش‌بینی و اقدام قرار گرفته و لذا معافیت جدیدی محسوب نمی‌شوند تا مستلزم کاهش درآمد دولت شود و لازم باشد به موجب اصل (۷۵) قانون اساسی، طریق جبران این کاهش درآمدها در این مصوبه تعیین شود. بنابراین، اصلاح انجام گرفته در ماده (۲۱) اصلاحی، مغایرتی با اصل (۷۵) قانون اساسی ندارد.

ج) عبارت «اماکن مذهبی اقلیت‌های دینی»، منصرف به کلیسا و کنیسه و در واقع اماکن دینی شناخته شده و رسمی آنهاست. ضمن اینکه، قانون‌گذار در قوانین بودجه از جمله بودجه سال ۱۳۹۳ با همین عبارت «اماکن مذهبی»، آنها را از پرداخت مالیات معاف کرده است. بنابراین، عبارت مزبور، از این جهت ابهامی ندارد و تنها شامل اماکن مذهبی شناخته شده آنها مانند کلیسا و کنیسه و... است.

نظر شورای نگهبان

در ماده (۲۱)، علی‌رغم اصلاح به عمل آمده، اشکال سابق این شورا کماکان به قوت خود باقی است و عبارت ذیل مصوبه، رافع این ایراد نمی‌باشد.

ماده ۲۲- به سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور اجازه داده می‌شود زندانیانی که به مرخصی اعزام می‌شوند یا در زندان‌های باز، مؤسسات صنعتی و کشاورزی و خدماتی اشتغال دارند و محکومان واجد شرایط را تحت نظارت و مراقبت الکترونیکی قرار دهد. برخورداری زندانیان از امتیاز مذکور و نیز صدور حکم نظارت و مراقبت الکترونیکی علاوه بر سپردن تأمین‌های مندرج در قانون آیین دادرسی کیفری منوط به تودیع وثیقه بابت تجهیزات مربوطه است. خسارت احتمالی وارده به تجهیزات مذکور از ناحیه استفاده‌کنندگان از محل ودیعه‌های مأخوذه تأمین می‌شود. تعرفه استفاده از تجهیزات مذکور هر سال توسط هیئت وزیران تعیین و توسط سازمان مذکور از استفاده‌کننده اخذ و به حساب درآمد عمومی نزد خزانه‌داری کل کشور واریز می‌گردد.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) ماده (۲۲) سابق، ماهیت بودجه‌ای داشت و با تکلیف دولت به اختصاص و پرداخت دائمی صد درصد (۱۰۰٪) وجوه حاصله از محل اعتباری که سالانه در بودجه‌ی پیش‌بینی می‌شود، بابت هزینه‌های جاری سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، صلاحیت و اختیار دولت

در تهیه و تنظیم بودجه‌ی سنواتی را محدود کرده بود و از این جهت مغایر با اصل مزبور تشخیص داده شد. با حذف عبارت «دولت مکلف است صد درصد (۱۰۰٪) وجوه حاصله را از محل اعتباری که سالانه در بودجه پیش‌بینی می‌شود، بابت هزینه‌های جاری سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور و...» در این مصوبه‌ی اصلاحی، مغایرت این مصوبه با اصل (۵۲) قانون اساسی، منتفی شده است.

ب) ماده (۲۲) سابق مسئولیت تهیه و تصویب امور قضایی از جمله صدور حکم نظارت و مراقبت الکترونیکی و سپردن تأمین‌های مندرج در قانون آیین دادرسی کیفری را بر عهده‌ی وزیر دادگستری و تصویب هیئت وزیران قرار داده بود و از این جهت مغایر با اصل (۱۵۷) قانون اساسی شناخته شد. با حذف عبارت «آیین‌نامه اجرایی این ماده به پیشنهاد وزیر دادگستری به تصویب هیئت وزیران می‌رسد» در این مصوبه‌ی اصلاحی، مغایرت این مصوبه با اصل (۱۵۷) قانون اساسی نیز منتفی شده است.

ج) ماده (۲۲) سابق، با اعطای معافیت به زندانیان بی‌بضاعت از پرداخت تمام یا بخشی از تعرفه‌ی استفاده از تجهیزات مذکور در ماده (۲۲) و سایر وجوه مزبور در این مصوبه، موجب کاهش درآمدهای عمومی دولت شده بود و از آن جهت که محل جبران این تقلیل درآمد تعیین و مشخص نشده بود، مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی تشخیص داده شد. با حذف این معافیت از ذیل این ماده‌ی اصلاحی، این ایراد نیز منتفی شده است.

د) شورای نگهبان در تذکر خود در خصوص ماده (۲۲)، درخواست جایگزینی عبارت «تودیع وثیقه» به جای «تودیع ودیعه» را کرده بود که این تذکر نیز در اصلاح ماده‌ی مزبور مورد توجه و اعمال قرار گرفته است.

نظر شورای نگهبان

ماده (۲۲)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده از سوی مجلس، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده (۲۳) حذف می‌شود.

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به حذف ماده (۲۳) از این مصوبه، ایراد پیشین شورای نگهبان نسبت به این ماده، منتفی شده است.

نظر شورای نگهبان

با توجه به اصلاحات به عمل آمده از سوی مجلس، تغایر ماده (۲۳) با موازین شرع و قانون اساسی منتفی شد.

ماده ۲۴- محکوم‌به احکام صادره در اجرای احکام صادره از محاکم حقوقی در رابطه با محکومیت یا استرداد اموال منقول و غیرمنقول در اختیار نیروهای مسلح با رعایت کلیه مهلت‌های قانونی مقرر، از محل حساب مربوط به اعتبار پرداخت بدهی‌های معوق نیروهای مسلح موضوع اعتبار ردیف ۵-۱۱۱۱۰۰ قانون بودجه قابل برداشت می‌باشد. در صورت عدم کفایت موجودی حساب مذکور، ستاد کل نیروهای مسلح مکلف است ظرف مدت چهل و پنج روز پس از ابلاغ نسبت به معرفی اموال یا حساب جایگزین اقدام کند. تبصره- پس از انقضای مهلت فوق، مرجع قضایی می‌تواند نسبت به توقیف و برداشت محکوم‌به از محل سایر حساب‌های محکوم‌علیه اصلی اقدام نماید.

دیدگاه عدم مغایرت

مطابق با اصل (۱۵۶) قانون اساسی، رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حلّ و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبیّه که قانون معین می‌کند، بر عهده‌ی قوه‌ی قضائیه است. ماده (۲۴) سابق، اجرای احکام صادره از محاکم حقوقی در رابطه با محکومیت یا استرداد اموال منقول و غیر منقول در اختیار نیروهای مسلح را منوط به تأیید ستاد کل نیروهای مسلح کرده بود و از این جهت مغایر با اصل (۱۵۶) قانون اساسی شناخته شد. مجلس شورای اسلامی در اصلاحیه‌ی خود، شرط تأیید اجرای احکام صادره توسط ستاد کل نیروهای مسلح را حذف کرده است و بدین ترتیب مغایرت این مصوبه با اصل (۱۵۶) قانون اساسی برطرف شده است.

نظر شورای نگهبان

ماده (۲۴)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده از سوی مجلس، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۲۵- افزایش اعتبار هر یک از طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای تا معادل ده درصد (۱۰٪) از محل صرفه‌جویی در اعتبارات هزینه‌ای هر دستگاه مجاز است. اعمال

این حکم در مورد اعتبارات دستگاه‌ها و دارندگان ردیف منوط به پیشنهاد دستگاه‌های ذی‌ربط و تأیید معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور در سقف کل اعتبارات طرح است.

مانده وجوه مصرف‌نشده اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای آن دسته از طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی که عملیات اجرایی آن پایان نیافته، در پایان هر سال مالی پس از واریز به خزانه می‌تواند با درج در بودجه به سال‌های بعد منتقل شود تا به مصرف همان طرح و پروژه برسد.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) ماده (۲۵) سابق، ماهیت بودجه‌ای داشت و با تکلیف دولت به انتقال مانده وجوه مصرف‌نشده اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای برخی از طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی که عملیات اجرایی آن پایان نیافته به سال مالی بعد و همچنین تصمیم‌گیری در مورد انتقال این مانده وجوه مصرف‌نشده به سال مالی بعد، صلاحیت و اختیار دولت در تهیه و تنظیم بودجه‌ی سنواتی را محدود کرده بود و از این جهت مغایر با اصل (۵۲) تشخیص داده شد. با توجه به اضافه شدن عبارت «در پایان هر سال مالی پس از واریز به خزانه می‌تواند با درج در بودجه به سال‌های بعد منتقل شود» به فراز دوم ماده (۲۵) اصلاحی، که حاکی از توجه مقنن به اصل سالانه بودن بودجه و تنظیم آن توسط دولت است، مغایرت مصوبه‌ی اصلاحی با اصل (۵۲) قانون اساسی منتفی شده است.

ب) ماده (۲۵) سابق، دیوان محاسبات را مکلف به تهیه‌ی دستورالعمل حسابداری برای هزینه‌های موضوع این ماده کرده بود که با توجه به ظهور واژه‌ی «تهیه» در «تصویب» دستورالعمل، آن مصوبه، مغایر با اصل (۵۵) قانون اساسی در خصوص صلاحیت‌های انحصاری دیوان محاسبات شناخته شد. با حذف عبارت «دستورالعمل حسابداری مربوط، به منظور نگهداری حساب‌ها در اجرای ماده (۱۲۸) قانون محاسبات عمومی کشور توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی و دیوان محاسبات کشور تهیه می‌گردد»، در این مصوبه‌ی اصلاحی، مغایرت این مصوبه با اصل (۵۵) قانون اساسی نیز برطرف شده است.

نظر شورای نگهبان

ماده (۲۵)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده از سوی مجلس، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

تبصره (۲) ماده (۳۰) حذف می‌شود.

دیدگاه عدم مغایرت

با عنایت به حذف تبصره (۲) ماده (۳۰) در این مصوبه‌ی اصلاحی، ایراد پیشین شورا به این تبصره، منتفی شده است.

نظر شورای نگهبان

با توجه به اصلاحات به عمل آمده از سوی مجلس، تغایر تبصره (۲) ماده (۳۰) با موازین شرع و قانون اساسی منتفی شد.

ماده ۳۲- پیشنهاد طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای جدید در لوایح بودجه سنواتی با رعایت موارد زیر امکان‌پذیر است:

الف- ...

ه- معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور موظف است خلاصه‌ای از گزارش‌های توجیهی طرح‌هایی که از منابع عمومی تأمین مالی می‌شود، به استثنای طرح‌های دفاعی و امنیتی را یک سال پس از تصویب از طریق وبگاه (وبسایت) خود در دسترس عموم کارشناسان و پژوهشگران قرار دهد.

و- ...

دیدگاه مغایرت

جایگزین کردن واژه‌ی «وبگاه (وبسایت)» به جای کلمه‌ی «وبگاه» در بند (ه) ماده (۳۲) اصلاحی، برطرف‌کننده‌ی ایراد سابق شورای نگهبان در خصوص تغایر این بند با اصل (۱۵) قانون اساسی نیست؛ زیرا عبارت «وبگاه (وبسایت)» نیز انگلیسی و غیر فارسی محسوب می‌شود.

نظر شورای نگهبان

در بند (ه) ماده (۳۲)، اشکال سابق این شورا کماکان به قوت خود باقی است.

ماده ۳۷-

الف- ...

بند (ی) ماده (۳۷) حذف می‌شود.

ک- ...

بند (ل) ماده (۳۷) حذف می‌شود.

م- ...

بند (س) ماده (۳۷) حذف می‌شود.

ع- ...

ف- تصویب‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها، تغییر تشکیلات، تغییر ضرایب، جداول حقوقی و طبقه‌بندی مشاغل و افزایش مبنای حقوقی، اعطای مجوز هر نوع استخدام و به‌کارگیری نیرو و مصوبات هیئت امنای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی که متضمن بار مالی برای دولت و صندوق‌های بازنشستگی و دستگاه‌های اجرایی باشد، در صورتی قابل طرح و تصویب و اجرا است که بار مالی ناشی از آن در گذشته محاسبه و در قانون بودجه کل کشور یا منابع داخلی دستگاه اجرایی ذی‌ربط تأمین شده باشد. اقدام دستگاه اجرایی بر خلاف این حکم، تعهد زائد بر اعتبار محسوب می‌شود.

فرازهای دوم و سوم بند (ف) ماده (۳۷) حذف می‌شود.

ص- ...

بند الحاقی به ماده (۳۷) حذف می‌شود.

دیدگاه عدم مغایرت

با عنایت به حذف بندهای (ی) و (ل) و همچنین فرازهای دوم و سوم بند (س) و بند الحاقی به ماده (۳۷) در این مصوبه‌ی اصلاحی، ایرادهای پیشین شورای نگهبان نسبت به این بندها، سالبه به انتفای موضوع شده است.

نظر شورای نگهبان

ماده (۳۷)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده از سوی مجلس، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۳۹- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی موظف است اقدامات لازم برای درمان فوری و بدون قید و شرط مصدومان حوادث و سوانح رانندگی در همه واحدهای بهداشتی و درمانی دولتی و غیردولتی و همچنین در مسیر اعزام به مراکز تخصصی و مراجعات ضروری بعدی را به عمل آورد. برای تأمین بخشی از منابع لازم جهت ارائه خدمات تشخیصی و درمانی به این مصدومان، معادل ده درصد (۱۰٪) از حق بیمه پرداختی شخص ثالث، سرنشین و مازاد به طور مستقیم طی قبض جداگانه به حساب

درآمدهای اختصاصی نزد خزانه‌داری کل کشور در چهارچوب اعتبارات مصوب بودجه سنواتی به نام وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی واریز می‌شود. توزیع این منابع بین دانشگاه‌های علوم پزشکی توسط وزارتخانه مذکور با تأیید معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور بر اساس عملکرد واحدهای یادشده بر مبنای تعرفه‌های مصوب هر سه ماه یک‌بار صورت می‌گیرد. وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی موظف است هزینه‌کرد اعتبارات مذکور را هر شش ماه یک‌بار به بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران و معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور و کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی گزارش کند. بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران مسئول حسن اجرای این ماده است.

دیدگاه عدم مغایرت

در اظهار نظر پیشین شورای نگهبان، این ماده از جهت عدم تصریح به انجام پرداخت‌های موضوع این قانون به میزان اعتبارات مصوب در قانون بودجه، مغایر با اصل (۵۳) قانون اساسی تشخیص داده شد که این ایراد با اضافه شدن عبارت «در چهارچوب اعتبارات مصوب بودجه سنواتی» در این مصوبه‌ی اصلاحی، برطرف شده است.

نظر شورای نگهبان

ماده (۳۹)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده از سوی مجلس، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده (۴۶) حذف می‌شود.

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به حذف ماده (۴۶) از این مصوبه، ایراد پیشین شورای نگهبان به این ماده، موضوعاً منتفی می‌باشد.

نظر شورای نگهبان

با توجه به اصلاحات به عمل آمده از سوی مجلس، تغایر ماده (۴۶) با موازین شرع و قانون اساسی منتفی شد.

متن ماده (۴۹) به استثنای تبصره (۳) حذف شد و تبصره (۳) به عنوان ماده (۴۹) به شرح زیر اصلاح گردید:

ماده ۴۹- به دولت اجازه داده می‌شود از محل ردیف‌هایی که در قوانین بودجه سنواتی پیش‌بینی می‌گردد حق بیمه سهم کارفرما، بیمه درمانی و هزینه حمایتی طلاب و کمک به رزمندگان معسر دارای بیش از یک سال سابقه حضور داوطلبانه در جبهه‌ها، جانبازان معسر بین پنج درصد (۵٪) تا بیست و چهار درصد (۲۴٪) جانبازان بسیجی و وظیفه غیرشاغل نیازمند را پرداخت کند.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) ماده (۴۹) سابق با تکلیف دولت به پرداخت حق بیمه‌ی برخی اقشار جامعه و همچنین پرداخت هزینه‌های معیشت طلاب و روحانیون غیر شاغل، موجب افزایش هزینه‌های عمومی دولت بود و از آن جهت که طریق تأمین این هزینه‌های جدید در این مصوبه تعیین نشده بود، مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی شناخته شد. مجلس با حذف این ماده و اصلاح و جایگزین کردن تبصره (۳) سابق به عنوان ماده (۴۹)، تکلیف دولت به انجام هزینه‌های حمایتی را به «اختیار» دولت واگذار کرده و طریق تأمین هزینه‌های مزبور را نیز به صورت پیش‌بینی در محل ردیف‌های قوانین بودجه‌ی سنواتی تعیین کرده است. بنابراین، با توجه به اصلاحات به عمل آمده در این مصوبه، ایرادهای پیشین شورا به این ماده برطرف شده است.

ب) مجلس شورای اسلامی عبارت «هزینه‌های حمایتی» را جایگزین عبارت «هزینه‌های معیشت» در این مصوبه کرده است و از این طریق، ابهام شورای نگهبان در خصوص گستره و شمول عبارت مزبور را برطرف کرده است.

نظر شورای نگهبان

ماده (۴۹)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده از سوی مجلس، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده (۵۴) حذف می‌شود.

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به حذف ماده (۵۴) از این مصوبه، ایراد پیشین شورای نگهبان نسبت به این ماده، سالبه به انتفای موضوع شده است.

نظر شورای نگهبان

با توجه به اصلاحات به عمل آمده از سوی مجلس، تغایر ماده (۵۴) با موازین شرع و قانون اساسی منتفی شد.

ماده الحاقی (۶) به شرح زیر اصلاح گردید:

ماده الحاقی ۶- در اجرای بندهای ماده (۱۳) قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران، دولت مکلف است مابه‌التفاوت خدمات بهداشتی و درمانی ایثارگران برای کلیه هزینه‌های مرتبط را که مطابق ضوابط آن دستگاه قابل پرداخت نیست و در تعهد صندوق‌های بیمه درمانی نمی‌باشد، از اعتبارات مربوطه آن دستگاه کسر و جهت پرداخت به مشمولین به حساب بنیاد شهید و امور ایثارگران اضافه نماید.
تبصره- ماده (۴) قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران حذف می‌شود.
تبصره ماده الحاقی (۶) به صورت ماده مستقلی به عنوان ماده الحاقی (۶) مکرر درج می‌شود.

دیدگاه مغایرت

مطابق اصل (۷۵) قانون اساسی، طرح‌های نمایندگان چنانچه منجر به افزایش هزینه‌های عمومی دولت شود، در صورتی قابل طرح در مجلس است که منابع مالی تأمین هزینه‌های جدید مشخص و معلوم گردد. حکم مقرر در این ماده‌ی اصلاحی در خصوص تکلیف دولت به کسر مابه‌التفاوت خدمات بهداشتی و درمانی ایثارگران برای کلیه هزینه‌های مرتبط که بنا بر دلایلی قابل پرداخت نیست، همچنان باعث افزایش هزینه‌های دولت می‌شود که مجلس برای برطرف کردن ایراد مغایرت آن با اصل (۷۵) قانون اساسی، محل تأمین این هزینه‌ها را از طریق «اعتبارات مربوط آن دستگاه» تعیین کرده است؛ حال آنکه به دلیل فقدان ردیف مشخص در بودجه‌ی دستگاه‌ها برای پرداخت مابه‌التفاوت خدمات بهداشتی و درمانی ایثارگران، این محل نمی‌تواند رافع مغایرت این مصوبه با اصل (۷۵) قانون اساسی باشد. بنابراین، اشکال سابق شورا در خصوص مغایرت ماده الحاقی (۶) با اصل (۷۵) قانون اساسی، علی‌رغم اصلاحات صورت‌گرفته در این ماده، همچنان باقی است.

دیدگاه عدم مغایرت

مجلس شورای اسلامی با حذف عبارت «علاوه بر موارد...» و جایگزین کردن عبارت «در اجرای بندهای...» و همچنین اضافه شدن عبارت «اعتبارات مربوطه آن دستگاه»، بر این نکته تأکید می‌کند که پرداخت مابه‌التفاوت و هزینه‌های مرتبط قبلاً در محل اعتبارات مربوطه آن دستگاه تخصیص یافته است و این ماده تنها بر اجرای قانون مصوب پیشین دلالت دارد. لذا افزایش هزینه‌ها و یا کاهش

درآمدهای دولت و در نتیجه لزوم تعیین محل تأمین هزینه‌ها یا طریقه‌ی جبران کاهش درآمدها، موضوع اصل (۷۵) قانون اساسی، اساساً منتفی خواهد بود.

نظر شورای نگهبان

ماده‌ی الحاقی (۶)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده از سوی مجلس، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده الحاقی ۱۱- صندوق توسعه ملی موظف است از منابع ورودی به صندوق توسعه ملی در هر سال:

الف- ده درصد (۱۰٪) را جهت پرداخت تسهیلات به بخش‌های خصوصی و تعاونی و بنگاه‌های اقتصادی متعلق به مؤسسات عمومی غیردولتی به طرح‌های دارای توجیه فنی، زیست‌محیطی و مالی و اهلیت متقاضی به صورت پرداخت و بازپرداخت ریالی در بخش آب، کشاورزی، صنایع تبدیلی و تکمیلی، منابع طبیعی و محیط زیست و صادرات محصولات کشاورزی در بانک‌های دولتی و خصوصی داخلی سپرده‌گذاری کند. سود سپرده‌گذاری و اقساط وصولی مجدداً جهت پرداخت تسهیلات طرح‌های موضوع این بند اختصاص می‌یابد. تبدیل ارز به ریال موضوع این بند زیر نظر بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران صورت می‌گیرد.

ب- ده درصد (۱۰٪) را جهت پرداخت تسهیلات به بخش‌های خصوصی و تعاونی و بنگاه‌های اقتصادی متعلق به مؤسسات عمومی غیردولتی به طرح‌های دارای توجیه فنی، زیست‌محیطی و مالی و اهلیت متقاضی به صورت پرداخت و بازپرداخت ریالی در بخش صنعت، معدن، گردشگری و صادرات کالاهای صنعتی و معدنی به استثنای بخش ساخت مسکن در بانک‌های دولتی و خصوصی داخلی سپرده‌گذاری کند. سود سپرده‌گذاری و اقساط وصولی مجدداً جهت پرداخت تسهیلات طرح‌های موضوع این بند اختصاص می‌یابد. تبدیل ارز به ریال موضوع این بند زیر نظر بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران صورت می‌گیرد.

تبصره ۱- ...

دیدگاه عدم مغایرت

شورای نگهبان ماده الحاقی (۱۱) سابق را مغایر اصل (۱۱۲) قانون اساسی و نظریه‌ی تفسیری شماره ۵۳۱۸ شورای نگهبان از این اصل شناخته بود؛ زیرا در ماده الحاقی (۱۱) امکان اعطای تسهیلات موضوع این ماده از طریق صندوق مهر امام رضا (علیه‌السلام) - که اساساً بانک محسوب

نمی‌شود- میسر شده بود که با توجه به اینکه چنین امری در تبصره (۳) بند (ط) ماده (۸۴) قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی پنجم توسعه مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام^(۱) پیش‌بینی نشده بود، این مصوبه مغایر با اصل (۱۱۲) قانون اساسی و نظریه‌ی تفسیری شورای نگهبان از این اصل تشخیص داده شد. در حال حاضر، با توجه به حذف عبارت «صندوق مهر امام رضا (علیه‌السلام)» از بندهای (الف) و (ب) این ماده‌ی الحاقی، ایراد پیشین شورا برطرف شده است.

نظر شورای نگهبان

ماده‌ی الحاقی (۱۱)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده از سوی مجلس، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده الحاقی (۱۸) حذف می‌شود.

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به حذف ماده‌ی الحاقی (۱۸) از این مصوبه، ایراد پیشین شورای نگهبان به این ماده، موضوعاً منتفی شده است.

نظر شورای نگهبان

با توجه به اصلاحات به عمل آمده از سوی مجلس، تغییر ماده‌ی الحاقی (۱۸) با موازین شرع و قانون اساسی منتفی شد.

۱. تبصره (۳) بند (ط) ماده (۸۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵: «ماده ۸۴- صندوق توسعه ملی که در این ماده صندوق نامیده می‌شود با هدف تبدیل بخشی از عواید ناشی از فروش نفت و گاز و میعانات گازی و فرآورده‌های نفتی به ثروت‌های ماندگار، مولد و سرمایه‌های زاینده اقتصادی و نیز حفظ سهم نسل‌های آینده از منابع نفت و گاز و فرآورده‌های نفتی تشکیل می‌شود. صندوق در تهران مستقر است و در تهران و سایر نقاط کشور شعبه‌ای نخواهد داشت. اموال و دارایی‌های این صندوق متعلق به دولت جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. این ماده در حکم اساسنامه صندوق است.

الف- ...

ط- مصارف صندوق:

...

تبصره ۳- اعطای کلیه تسهیلات صندوق صرفاً از طریق عاملیت بانک‌های دولتی و غیردولتی خواهد بود.»

ماده الحاقی ۲۳-

الف- به منظور توسعه و پیشرفت حوزه‌های علمیه با رعایت معماری اسلامی و ایرانی در سراسر کشور اقدامات زیر صورت می‌پذیرد:

۱- حداکثر ظرف مدت شش ماه پس از تصویب این قانون، طرح جامع توسعه فضای فیزیکی حوزه‌های علمیه در سراسر کشور بالاخص در مناطقی از کشور که فاقد حوزه بوده و امکان راه‌اندازی و توسعه آن وجود دارد، به پیشنهاد مراکز مدیریت حوزه‌های علمیه از طریق سازوکار مندرج در ماده (۳۲) این قانون می‌رسد.

به منظور تأمین اعتبار احداث و توسعه فضاهای فیزیکی برنامه احداث مراکز و مدارس علمیه در قوانین بودجه‌ای سنواتی ذیل فصل آموزش در اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای استانی و ملی، اعتبارات مورد نیاز پیش‌بینی گردد.

اجزای (۲) و (۳) بند (الف) ماده الحاقی (۲۳) حذف می‌شود.

ب- ...

دیدگاه عدم مغایرت

الف) مجلس شورای اسلامی در مصوبه‌ی اصلاحی خود، عبارت «از طریق سازوکار مندرج در» را به ماده (۲۳) الحاقی اضافه و عبارت «به تصویب کمیسیون» را حذف کرده است و بدین طریق ایراد شورای نگهبان در خصوص ابهام این مصوبه از جهت ارجاع به «کمیسیون موضوع ماده (۳۲) این قانون» را رفع کرده است. با این حال جهت رفع اشکال عبارتی بند (۱)، باید واژه‌ی «تصویب» به ذیل بند مزبور اضافه گردد.

ب) با توجه به حذف اجزای (۱) و (۲) بند (الف) این ماده‌ی الحاقی، ایرادهای پیشین شورای نگهبان نسبت به این اجزاء، موضوعاً منتفی شده است.

نظر شورای نگهبان

- ماده‌ی الحاقی (۲۳)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده از سوی مجلس، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

- تذکر: فراز اول جزء یک بند (الف) ماده الحاقی (۲۳)، اشکال عبارتی دارد و ظاهراً باید واژه «تصویب» به آن اضافه شود.

ماده الحاقی (۲۴) حذف می‌شود.

دیدگاه عدم مغایرت

با عنایت به حذف ماده‌ی الحاقی (۲۴) از این مصوبه، ایراد پیشین شورای نگهبان به این ماده، سالبه به انتفای موضوع است.

نظر شورای نگهبان

با توجه به اصلاحات به عمل آمده از سوی مجلس، تغایر ماده‌ی الحاقی (۲۴) با موازین شرع و قانون اساسی منتفی شد.

ماده الحاقی (۲۷) حذف می‌شود.**دیدگاه عدم مغایرت**

با عنایت به حذف ماده‌ی الحاقی (۲۷) از این مصوبه، ایراد پیشین شورای نگهبان به این ماده، سالبه به انتفای موضوع است.

نظر شورای نگهبان

با توجه به اصلاحات به عمل آمده از سوی مجلس، تغایر ماده‌ی الحاقی (۲۷) با موازین شرع و قانون اساسی منتفی شد.

ماده الحاقی ۲۸- قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران به شرح زیر اصلاح می‌شود:
الف- در بند (۱) تبصره (۱) ذیل بند (ز) ماده (۳) قانون، عبارت «بیست و پنج درصد (۲۵٪) و بالاتر» حذف و عبارت «با اولویت درصد جانبازی در سقف بودجه سنواتی» جایگزین می‌شود.

بند (ب) ماده الحاقی (۲۸) حذف می‌شود.

ج- در ماده (۳ مکرر) قانون، تغییرات زیر صورت می‌پذیرد:

جزء (۱) بند (ج) ماده الحاقی (۲۸) حذف می‌شود.

۲- فراز دوم به شرح زیر تغییر می‌کند:

مبلغ تسهیلات مزبور به ازاء هر واحد مسکونی در هر سال (از سال ۱۳۹۳) نسبت به سال قبل بر اساس نرخ تورم و جمعیت شهر و روستا تعیین و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد. نرخ این تسهیلات چهار درصد (۴٪) و بازپرداخت آن بیست‌ساله بدون رعایت الگوی مصرف و نوساز بودن مسکن است.

دیدگاه عدم مغایرت

(الف) ماده‌ی الحاقی (۲۸) سابق به دلیل توسعه‌ی دامنه‌ی ارائه‌ی خدمات به جانبازان زیر بیست و پنج درصد (۲۵٪) در بند (الف)، لغو محدودیت فرزندان جانبازان هفتاد و پنج درصد (۷۵٪) و بالاتر از دریافت دائمی خدمات مسکن در بند (ب) و تکلیف دولت به ارائه‌ی دائمی تسهیلات خرید یا ساخت مسکن به خانواده‌ی جانبازان بیست و پنج درصد (۲۵٪) و بالاتر و همسران و والدین شهدا در جزء یک بند (ج)، دارای بار مالی و افزایش هزینه‌ی عمومی برای دولت بود و از آن جهت که طریق تأمین این هزینه‌های جدید در این ماده، مشخص و معین نشده بود، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی شناخته شد. مجلس شورای اسلامی در اصلاحیه‌ی خود، محل تأمین هزینه‌ی جدید ناشی از بند (الف) را «در سقف بودجه سنواتی» تعیین کرده و بند (ب) و جزء (۱) بند (ج) را نیز حذف کرده است. بر این اساس، مجلس شورای اسلامی در بند (الف) با محدود کردن این هزینه‌ها به قانون بودجه‌ی سنواتی، ایراد مغایرت این بند با اصل (۷۵) را برطرف کرده است. ایراد وارد بر بندهای (ب) و جزء (۱) بند (ج) نیز با حذف این اجزاء، سالبه به انتفای موضوع شده است.

(ب) مجلس شورای اسلامی در بند (ج) این مصوبه‌ی اصلاحی، واژه‌ی غیر فارسی «پاراگراف» را با واژه‌ی «فراز» جایگزین کرده است و بدین ترتیب ایراد مغایرت با اصل (۱۵) قانون اساسی را برطرف کرده است.

نظر شورای نگهبان

ماده‌ی الحاقی (۲۸)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده از سوی مجلس، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده الحاقی ۳۱- دولت مکلف است تا پایان تکالیف تعیین شده ذیل، علاوه بر دریافت نرخ گاز، به ازای مصرف هر متر مکعب گاز طبیعی ده درصد (۱۰٪) بهای گاز مصرفی به استثنای خوراک پتروشیمی‌ها را به عنوان عوارض از مشترکین دریافت و به حساب خزانه‌داری کل کشور واریز کند.

الف- هشتاد درصد (۸۰٪) وجوه دریافتی صرفاً برای احداث تأسیسات و خطوط لوله گازرسانی به شهرها و روستاها، با اولویت مناطق سردسیر، نفت‌خیز، گازخیز و استان‌هایی که برخورداری آنها از گاز کمتر از متوسط کشور است، توسط وزارت نفت از طریق شرکت دولتی تابعه ذی‌ربط، هزینه می‌شود.

تبصره- وزارت نفت از طریق شرکت دولتی تابعه ذی‌ربط مکلف است خسارت وارده به

معابر عمومی روستاها ناشی از عملیات گازرسانی را از محل منابع این بند جبران نماید.

ب- ...

دیدگاه عدم مغایرت

مجلس شورای اسلامی، در بند (الف) و تبصره‌ی ماده‌ی الحاقی (۳۱)، عبارت «وزارت نفت از طریق شرکت دولتی تابعه ذی‌ربط» را جایگزین «شرکت ملی گاز ایران» در مصوبه‌ی پیشین کرده است. از این رو، ابهام شورای نگهبان در خصوص «شرکت ملی گاز ایران» از جهت عدم تصویب اساسنامه‌ی آن و مشخص نبودن روابط مالی آن با دولت، برطرف گردیده است.

نظر شورای نگهبان

ماده‌ی الحاقی (۳۱)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده از سوی مجلس، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

بند (ب) ماده الحاقی (۳۲) و تبصره ذیل آن حذف می‌شود.

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به حذف بند (ب) ماده‌ی الحاقی (۳۲) و تبصره‌ی ذیل آن از این مصوبه، ایراد پیشین شورای نگهبان نسبت به این ماده، موضوعاً منتفی شده است.

نظر شورای نگهبان

با توجه به اصلاحات به عمل آمده از سوی مجلس، تغایر ماده‌ی الحاقی (۳۲) با موازین شرع و قانون اساسی منتفی شد.

ماده الحاقی ۳۳- شرکت‌های مشمول اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی که واگذار شده و یا در حال واگذاری می‌باشند و یا در فهرست واگذاری قرار گرفته یا می‌گیرند، موظفند برای ایثارگران شاغل در زمان واگذاری، از قوانین و مقررات مربوط به ایثارگران تبعیت نمایند.
توضیح: حکم ماده الحاقی (۳۳) در قوانین بودجه سنواتی ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ سابقه دارد.

دیدگاه مغایرت

مجلس شورای اسلامی در مصوبه‌ی اصلاحی خود جهت رفع مغایرت ماده‌ی الحاقی (۳۳)

سابق با موازین شرع، توضیح داده است که «حکم ماده الحاقی (۳۳) در قوانین بودجه‌ی سنواتی ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ سابقه دارد»، تا شمول حکم موضوع این ماده، مبنی بر الزام شرکت‌های مشمول اصل (۴۴) قانون اساسی که قبلاً واگذار شده‌اند، به تبعیت از قوانین و مقررات مربوط به ایثارگران، را رفع کند. لیکن همچنان اطلاق حکم مذکور، نسبت به شرکت‌هایی که قبل از سال ۱۳۹۲ واگذار شده‌اند، باقی و مغایر با شرع است؛ زیرا در خصوص واگذاری‌های که در گذشته انجام گرفته، چنین شرطی وجود نداشته و شرعاً امکان الزام شرکت‌های سابق به رعایت ضوابط مزبور، که بعد از محقق شدن واگذاری تصویب شده‌اند، وجود ندارد. از این رو، چنین شرطی از آن جهت که باعث ایجاد برخی هزینه‌ها به شرکت‌های قبلی می‌شود، خلاف موازین شرع است و حکم این ماده، قابل عطف به‌ماسبق به شرکت‌های واگذارشده‌ی قبلی نخواهد بود.

دیدگاه عدم مغایرت

شورای نگهبان اطلاق حکم ماده‌ی الحاقی (۳۳) سابق را نسبت به الزام شرکت‌هایی که قبلاً و در راستای اجرای اصل (۴۴) قانون اساسی واگذار شده بودند، در تبعیت از قوانین و مقررات ایثارگران، مغایر شرع تشخیص داده بود. مجلس شورای اسلامی برای رفع این مغایرت و اینکه شرکت‌های قبل از این قانون نیز ملزم به رعایت و تبعیت قوانین و مقررات ایثارگران می‌باشند، به شورای نگهبان توضیح داده است که: «حکم ماده الحاقی (۳۳) در قوانین بودجه سنواتی ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ سابقه دارد». بنابراین با توجه به اینکه حکم مزبور در ماده‌ی الحاقی مورد بحث در سنوات گذشته نیز مسبوق به سابقه بوده، در نتیجه شمول حکم این ماده به شرکت‌های سابق، الزام جدیدی نبوده است.

نظر شورای نگهبان

ماده‌ی الحاقی (۳۳)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده از سوی مجلس، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده الحاقی ۴۵- دولت موظف است حداقل دو درصد (۲٪) از درآمدهای عمومی را در ردیف‌های تقویت بنیه دفاعی، در لوایح بودجه سنواتی منظور نماید.
بند (ب) ماده الحاقی (۴۵) حذف می‌شود.

دیدگاه مغایرت

مطابق با اصل (۷۵) قانون اساسی، طرح‌های نمایندگان چنانچه به افزایش هزینه‌های عمومی منجر شود، باید متضمن طریق تأمین هزینه‌های جدید باشد تا قابل طرح در مجلس شورای

اسلامی باشد. با این وصف، از آنجا که اختصاص حداقل دو درصد (۲٪) از درآمدهای عمومی کشور در ردیف‌های تقویت بنیه‌ی دفاعی در لوایح بودجه‌ی سنواتی، موجب بار مالی و باعث افزایش هزینه‌های عمومی برای دولت می‌شود، لازم است که مجلس در این مصوبه، طریق تأمین این هزینه‌ها را مشخص کند. جایگزینی عبارت «درآمد عمومی» در مصوبه‌ی اصلاحی کنونی به جای «اعتبارات بودجه عمومی کشور» در مصوبه‌ی پیشین نیز نمی‌تواند مغایرت این مصوبه با اصل (۷۵) را برطرف کند؛ چون همچنان طریق تأمین هزینه‌های اجرایی این مصوبه مشخص نشده است. بنابراین، این ماده از جهت عدم تعیین طریق تأمین هزینه‌های موضوع آن، همچنان مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به حذف بند (ب) ماده الحاقی (۴۵) از این مصوبه، ایراد پیشین شورای نگهبان نسبت به این بند، موضوعاً منتفی شده است.

نظر شورای نگهبان

علی‌رغم اصلاح به عمل آمده در بند (الف) ماده الحاقی (۴۵)، اشکال سابق این شورا کماکان به قوت خود باقی است.

ماده الحاقی ۴۷- در کلیه دستگاه‌های اجرایی، کمک‌هزینه فوت و ازدواج ۶۵۰۰ امتیاز و حساب پس‌انداز کارکنان دولت (سهم دولت) ۱۵۰ امتیاز تعیین و پرداخت می‌شود.

دیدگاه عدم مغایرت

مجلس شورای اسلامی در اصلاحیه‌ی ماده‌ی الحاقی (۴۷) با تصحیح اشتباه خود، عدد (۱۵۰) را جایگزین عدد (۱۵۰۰) کرده است. بدین ترتیب ایراد سابق شورای نگهبان در خصوص عدم تعیین طریق تأمین هزینه‌های ناشی از افزایش سهم دولت از (۱۵۰) امتیاز به (۱۵۰۰) امتیاز در این مصوبه، برطرف شده است و بر این اساس، این ماده هم‌اینک مغایرتی با اصل (۷۵) قانون اساسی ندارد.

نظر شورای نگهبان

ماده‌ی الحاقی (۴۷)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده از سوی مجلس، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده‌ی الحاقی (۵۲) - به منظور تأمین اعتبار برای پرداخت تسهیلات به زندانیان نیازمند در محکومیت‌های مالی مانند دیه و امثال آن که ناشی از قتل یا جرح غیرعمدی است و محکومین مالی نیازمند غیر از موارد محکومیت ناشی از کلاهبرداری، ارتشا، اختلاس، سرقت، خیانت در امانت مبلغی که در قوانین بودجه سالانه تعیین می‌شود از محل وجوه قرض‌الحسنه بانک‌ها اختصاص می‌یابد و در اختیار ستاد مردمی رسیدگی به امور دیه و کمک به زندانیان نیازمند قرار می‌گیرد تا با نظارت وزارت دادگستری اقدام کند. آیین‌نامه اجرایی پرداخت تسهیلات مذکور توسط وزارت دادگستری و ستاد دیه تهیه می‌شود و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد. دولت مکلف است نسبت به تضمین تسهیلات اعطایی این ماده اقدام نماید.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) مجلس شورای اسلامی در اصلاح ماده‌ی مزبور، حرف «و» از عبارت «قتل و یا جرح غیرعمدی» را حذف نموده است و بدین ترتیب ابهام شورای نگهبان نسبت به مصوبه‌ی پیشین در خصوص اینکه آیا صفت «غیرعمدی» تنها به «جرح» اختصاص دارد و یا شامل «قتل» نیز می‌شود را برطرف کرده است؛ زیرا در صورتی که صفت غیرعمدی تنها به جرح برمی‌گشت، شمول قتل‌های عمدی در حکم اخذ تسهیلات مالی از سوی دولت به عنوان محکومین نیازمند مالی، خلاف موازین شرع بود. لذا، ماده‌ی مزبور با توجه به اصلاح صورت گرفته، مبهم نبوده و از این جهت نیز مغایرتی با موازین شرع ندارد.

ب) مجلس شورای اسلامی در این مصوبه‌ی اصلاحی، عبارت «از موارد محکومیت ناشی از کلاهبرداری، ارتشا، اختلاس، سرقت، خیانت در امانت» را جایگزین عبارت «غیر کلاهبرداری» در مصوبه‌ی پیشین کرده است و بدین ترتیب ابهام شورای نگهبان، در خصوص جرایم مالی غیر از کلاهبرداری مانند ارتشا، اختلاس و ... از جهت شبهه‌ی مغایرت با بند (۹) اصل (۳) قانون اساسی (ایجاد تبعیض ناروا و غیرعادلانه میان مجرمان مشابه)، از طریق ارائه‌ی تسهیلات به آنها را برطرف کرده است.

دیدگاه ابهام

هر چند مجلس شورای اسلامی با اضافه کردن عبارت «از موارد محکومیت ناشی از کلاهبرداری، ارتشا، اختلاس، سرقت، خیانت در امانت»، بخشی از ابهام در خصوص شمول حکم ماده‌ی مزبور را برطرف کرده است، لیکن همچنان ابهام شمول حکم این ماده برای برخی از جرایم مالی مشابه مانند پولشویی، جعل، قاچاق و ... باقی است؛ زیرا برخورداری محکومین نیازمند

این‌گونه جرایم از تسهیلات مالی دولت نسبت به جرایم مشابه و ذکرشده در این ماده، مستلزم تبعیض ناروا و ناعادلانه و در نتیجه مغایرت با بند (۹) اصل (۳) قانون اساسی خواهد بود.

نظر شورای نگهبان

ماده‌ی الحاقی (۵۲)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده از سوی مجلس، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده الحاقی ۵۳- به منظور برقراری عدالت آموزشی و اجرای اصل سی‌ام (۳۰) قانون اساسی و تجهیز کلیه آموزشگاه‌های آموزش و پرورش با اولویت مناطق محروم و روستاها، آستان قدس رضوی و آن دسته از مؤسسات و بنگاه‌های اقتصادی زیرمجموعه نیروهای مسلح و ستاد اجرایی فرمان امام و سایر دستگاه‌های اجرایی که تا زمان تصویب این قانون مالیات پرداخت نکرده‌اند، به استثنای مواردی که اذن ولی فقیه وجود دارد، موظف به پرداخت مالیات مستقیم و مالیات بر ارزش افزوده می‌باشند. منابع حاصله صرفاً جهت توسعه عدالت آموزشی در اختیار وزارت آموزش و پرورش قرار می‌گیرد تا بر اساس آیین‌نامه‌ای که به این منظور تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد، هزینه نماید.

دیدگاه عدم مغایرت

مجلس شورای اسلامی با اضافه کردن عبارت «به استثنای مواردی که اذن ولی فقیه وجود دارد»، به بعد از عبارت «مالیات پرداخت نکرده‌اند»، ایراد سابق شورای نگهبان نسبت به مغایرت این مصوبه با اصول (۵۷) و (۱۱۰) قانون اساسی، از جهت اطلاق حکم پرداخت مالیات مستقیم برای کلیه نهادها و مؤسساتی که مطابق با اوامر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) معاف از مالیات هستند (مثل آن دسته از درآمدهای آستان قدس رضوی که ناشی از موقوفات، نذورات و هدایا است) را برطرف کرده است.

نظر شورای نگهبان

ماده‌ی الحاقی (۵۳)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده از سوی مجلس، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده الحاقی ۵۵- وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح مکلف است بر اساس نظر ستاد کل نیروهای مسلح نسبت به تهیه طرح جامع نحوه استقرار نیروهای مسلح در سطح کشور متناسب با اندازه و نوع تهدیدات و شرایط زیست محیطی، به منظور رعایت پراکندگی در استقرار تأسیسات حساس و حیاتی و صنایع دفاعی و همچنین انتقال پادگان‌های مراکز نظامی و کارخانه‌های بزرگ صنعتی دفاعی از شهرهای بزرگ به ویژه تهران پس از تصویب فرماندهی کل نیروهای مسلح اقدام نماید.

دولت مجاز است نسبت به تأمین و واگذاری تسهیلات اعتباری، بانکی، زمین، تغییر کاربری در چهارچوب مقررات و طرحهای جامع و تفصیلی و ایجاد حریم جهت تأسیسات مورد نیاز اقدامات لازم را به عمل آورد. اعتبارات دریافتی از منابع بانکی از محل فروش اماکن منتقل شده بازپرداخت می‌شود.

دیدگاه عدم مغایرت

شورای نگهبان در مرحله‌ی نخست بررسی این مصوبه، در خصوص ماده الحاقی (۵۵)، طی تذکری از مجلس خواست که عبارت اخیر فراز اول را به این نحو اصلاح کند: «که پس از تصویب فرماندهی کل نیروهای مسلح اقدام نمایند». حال با جایگزین شدن عبارت «پس از تصویب فرماندهی کل نیروهای مسلح اقدام نماید» به جای عبارت «اقدام و به تصویب فرماندهی کل نیروهای مسلح برساند»، به تذکره شورا ترتیب اثر داده شده است.

نظر شورای نگهبان

ماده‌ی الحاقی (۵۵)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده از سوی مجلس، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده الحاقی ۵۸- صندوق تأمین اجتماعی موظف است کارگزاران و پیمانکاران حقیقی و افراد حقوقی و سایر افرادی که به عنوان کارگر یا تحت هر عنوان دیگر طرف قرارداد مخابرات روستایی بوده و می‌باشند را پس از واریز حق بیمه سهم کارگر توسط کارگزار و پیمانکار (کارگر) و تا زمان فروش سهام مدیریتی بر اساس قانون تأمین اجتماعی و قانون کار تحت پوشش بیمه قرار دهند. در هر صورت وزارتخانه‌های ارتباطات و فناوری اطلاعات، تعاون، کار و رفاه اجتماعی و امور اقتصادی و دارایی، ملزم به رفع مشکلات اجرای بند (۶۴) قانون بودجه سال ۱۳۹۱ کل کشور مرتبط با کارگزاران مخابرات روستایی هستند و شرکت متولی (شرکت مخابرات ایران) مکلف به استمرار

بیمه و قرارداد مستقیم با کارگران، پیمانکاران و کارگزاران روستایی تا زمان بازنشستگی طبق شرایط و ضوابط مقرر در قانون کار می‌باشند.

دیدگاه عدم مغایرت

مجلس شورای اسلامی در این مصوبه‌ی اصلاحی، عبارت «رعایت شرایط و ضوابط مقرر در قانون کار مانع از استمرار پرداخت حق بیمه موضوع این ماده نمی‌شود» را از انتهای ماده الحاقی (۵۸) حذف کرده است و بدین ترتیب، ابهام شورای نگهبان مبنی بر مشخص نبودن وضعیت پرداخت حق بیمه‌ی کارگران و اشخاص طرف قرارداد مخابرات روستایی، پس از اتمام قرارداد و شرایط مشابه مانند اخراج و ... را که در مصوبه‌ی پیشین بود برطرف کرده است. بنابراین، پرداخت حق بیمه‌ی کارگزاران، پیمانکاران و سایر اشخاصی که با شرکت مخابرات روستایی رابطه‌ی قراردادی دارند، تا زمان فروش سهام مدیریتی، بر اساس قانون تأمین اجتماعی و قانون کار خواهد بود. بر این اساس، با توجه به تغییرات صورت گرفته، این مصوبه، مغایرتی با موازین شرع و قانون اساسی ندارد.

نظر شورای نگهبان

ماده‌ی الحاقی (۵۸)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده از سوی مجلس، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۳/۱۲/۴ (مرحله سوم)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۱۲/۶

ماده ۲۱- فضاهای اصلی مساجد، حسینیه‌ها، مؤسسات قرآنی، دارالقرآن‌ها، حوزه‌های علمیه، گلزارهای شهدا، امامزاده‌ها، خانه‌های عالم روستاها و اماکن مذهبی اقلیت‌های دینی مصرح در قانون اساسی از پرداخت هزینه فاضلاب و هزینه مصارف ماهانه آب، برق و گاز معاف می‌باشند. این حکم شامل اماکن تجاری وابسته به آنها نیست. اعتبارات موارد مذکور در قوانین بودجه سنواتی جهت پرداخت به دستگاه‌های ارائه‌کننده خدمات موضوع این ماده تأمین می‌شود.

دیدگاه مغایرت

مجلس شورای اسلامی جهت رفع مغایرت ماده (۲۱) پیشین با اصل (۷۵) قانون اساسی، عبارت

«عوارض مربوطه و حق انشعاب آب، فاضلاب، برق و گاز و همچنین هزینه‌های صدور پروانه ساختمانی و عوارض شهرداری» را از شمول معافیت مقرر در این ماده حذف کرده است. با این وجود، هر چند با اصلاحات صورت گرفته، اعطای معافیت از پرداخت هزینه فاضلاب و هزینه مصارف ماهانه آب، برق و گاز این اماکن منطبق با حکمی مشابه در قوانین بودجه‌ی سال‌های ۱۳۹۲^(۱) و ۱۳۹۳^(۲) شده است، لیکن در قوانین مزبور این اعطای معافیت برای اماکنی همچون گلزارهای شهدا و خانه‌های عالم پیش‌بینی نشده است. بنابراین، اعطای معافیت برای گلزارهای شهدا و خانه‌های عالم همچنان منجر به تقلیل درآمد عمومی دولت می‌شود که مطابق با اصل (۷۵) قانون اساسی، لازم بود که در این مصوبه طریق جبران این کاهش درآمد دولت مشخص و تعیین می‌شد. بنابراین، ماده‌ی اصلاحی (۲۱)، از آن جهت که محل جبران کاهش درآمد دولت ناشی از اعطای معافیت به گلزارهای شهدا و خانه‌های عالم را مشخص نکرده است، همچنان مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

مجلس شورای اسلامی با اصلاح ماده‌ی مزبور و حذف عبارت «عوارض مربوطه و حق انشعاب آب، فاضلاب، برق و گاز و همچنین هزینه‌های صدور پروانه ساختمانی و عوارض شهرداری»، حکم این مصوبه را منطبق با حکمی مشابه در قوانین بودجه‌ی سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ کرده است و بنابراین، ایراد مغایرت این مصوبه با اصل (۷۵) قانون اساسی برطرف شده است؛ چه آنکه این معافیت‌ها به موجب قانون بودجه که لایحه‌ی آن از سوی دولت به مجلس ارائه شده و در مجلس به تصویب رسیده است، پیش‌بینی شده است و لذا موضوع تعیین محل جبران کاهش درآمد در خصوص آن منتفی خواهد بود.

نظر شورای نگهبان

ماده (۲۱)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده از سوی مجلس، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. بند (۶۶) قانون بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور: «۶۶- هزینه مصرف با رعایت الگوی مصرف و حق انشعاب برق، آب و گاز برای حوزه‌های علمیه، مساجد، حسینیه‌ها و دارالقرآن‌ها و اماکن دینی اقلیت‌های دینی مصرح در قانون اساسی رایگان است.»

۲. بند (ع) تبصره (۲) قانون بودجه سال ۱۳۹۳ کل کشور: «ع- هزینه مصرف با رعایت الگوی مصرف (متناسب با مساحت فضاها و اصلی) و حق انشعاب برق، آب و گاز برای حوزه‌های علمیه، مساجد، دارالقرآن‌ها، حسینیه‌ها و اماکن دینی اقلیت‌های دینی مصرح در قانون اساسی رایگان است.»

ماده ۳۲- پیشنهاد طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای جدید در لوایح بودجه سنواتی با رعایت موارد زیر امکان‌پذیر است:

الف-

ه- معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور موظف است خلاصه‌ای از گزارش‌های توجیهی طرح‌هایی که از منابع عمومی تأمین مالی می‌شود، به استثنای طرح‌های دفاعی و امنیتی را یک سال پس از تصویب از طریق پایگاه مجازی اطلاع‌رسانی خود در دسترس عموم کارشناسان و پژوهشگران قرار دهد.

و- ...

دیدگاه عدم مغایرت

مجلس شورای اسلامی در این مصوبه‌ی اصلاحی، عبارت «پایگاه مجازی اطلاع‌رسانی» را جایگزین واژه‌ی غیر فارسی «وبگاه (وبسایت)» در مصوبه‌ی پیشین کرده است. بدین ترتیب، ایراد مغایرت این مصوبه با اصل (۱۵) قانون اساسی، برطرف شده است.

نظر شورای نگهبان

ماده (۳۲)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده از سوی مجلس، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده الحاقی ۲۳-

الف- به منظور توسعه و پیشرفت حوزه‌های علمیه با رعایت معماری اسلامی و ایرانی در سراسر کشور حداکثر ظرف مدت شش ماه پس از تصویب این قانون، طرح جامع توسعه فضای فیزیکی حوزه‌های علمیه در سراسر کشور بالاخص در مناطقی از کشور که فاقد حوزه بوده و امکان راه‌اندازی و توسعه آن وجود دارد، به پیشنهاد مراکز مدیریت حوزه‌های علمیه از طریق سازوکار مندرج در ماده (۳۲) این قانون به تصویب می‌رسد. همچنین برنامه احداث مراکز و مدارس علمیه در قوانین بودجه سنواتی ذیل فصل آموزش درج و اعتبارات مربوطه پیش‌بینی می‌شود.

ب- ...

دیدگاه عدم مغایرت

شورای نگهبان در اظهار نظر پیشین خود نسبت به این ماده، ضمن تذکری در خصوص فراز

اول بند (الف) ماده الحاقی (۲۳) سابق، اضافه نمودن واژه «تصویب» را جهت رفع اشکال نگارشی، ضروری دانسته بود. حال با توجه به اضافه شدن واژه مزبور، این تذکره شورا مورد توجه قرار گرفته و این مصوبه، اصلاح شده است و از جهات دیگر نیز این مصوبه‌ی اصلاحی، با ایرادی مواجه نیست.

نظر شورای نگهبان

ماده‌ی الحاقی (۲۳)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده از سوی مجلس، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

بند (الف) ماده الحاقی (۴۵) حذف می‌شود.

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به حذف بند (الف) ماده‌ی الحاقی (۴۵)، اشکال سابق شورای نگهبان نسبت به این بند، موضوعاً منتفی شده است.

نظر شورای نگهبان

با توجه به اصلاحات به عمل آمده از سوی مجلس، تغایر بند (الف) ماده‌ی الحاقی (۴۵) با موازین شرع و قانون اساسی منتفی شد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه مجلس در خصوص طرح الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

قانون بودجه سال ۱۳۹۴ کل کشور مصوب ۱۳۹۳/۱۲/۲۴

درباره‌ی قانون

رئیس جمهوری اسلامی ایران، در راستای اجرای اصل (۵۲) قانون اساسی، لایحه «بودجه سال ۱۳۹۴ کل کشور» مصوب هیئت وزیران را به موجب نامه‌ی شماره ۱۰۶۹۶۹ مورخ ۱۳۹۳/۹/۱۵ به رئیس مجلس شورای اسلامی تقدیم کرد. این لایحه در جلسه‌ی علنی مورخ ۱۳۹۳/۹/۱۶ اعلام وصول گردید و به صورت یک شوری، جهت بررسی به کمیسیون تلفیق به عنوان کمیسیون اصلی و کلیه‌ی کمیسیون‌های تخصصی و کمیسیون ویژه حمایت از تولید ملی و نظارت بر اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی به عنوان کمیسیون‌های فرعی، ارجاع شد. لایحه‌ی بودجه سال ۱۳۹۴ کل کشور با اصلاحاتی در کمیسیون‌های مزبور و در نهایت در کمیسیون تلفیق به تصویب رسید و گزارش آن به مجلس ارائه شد. مجلس شورای اسلامی نیز در تاریخ ۱۳۹۳/۱۲/۱۲، مفاد این لایحه را با اصلاحاتی تصویب و طی نامه‌ی شماره ۵۳۵/۸۶۹۲۰ مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۱۳ برای جری مراحل قانونی مقرر در اصل (۹۴) قانون اساسی به شورای نگهبان ارسال کرد. شورای نگهبان با بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۱۳، موادی از این مصوبه را مغایر با اصول قانون اساسی، از جمله اصول (۱۵)، (۵۲)، (۵۳) و (۱۱۰) تشخیص داد و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۳۸۵۰ مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۱۹ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. مجلس شورای اسلامی برای رفع ایرادهای شورای نگهبان، در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۲۴ اصلاحاتی را در این مصوبه، اعمال و آن را طی نامه‌ی شماره ۵۳۵/۹۰۱۲۸ مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۲۴ برای اظهار نظر مجدد به شورای نگهبان ارسال کرد. اعضای شورای نگهبان در این مرحله، بدون تشکیل جلسه، پس از بررسی مفاد مواد اصلاحی، ایرادهای پیشین شورا نسبت به این مصوبه را برطرف شده دانستند و نظر خود مبنی بر مغایرت نداشتن مفاد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۳۹۰۸ مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۲۵ به مجلس شورای اسلامی اعلام کردند.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۳/۱۲/۱۲ (مرحله نخست)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۱۲/۱۳ (جلسات صبح و عصر)

ماده واحده- بودجه سال ۱۳۹۴ کل کشور از حیث منابع بالغ بر هشت میلیون و چهارصد

و چهل و نه هزار و پانصد و نود و نه میلیارد و هشتصد و چهار میلیون (۸,۴۴۹,۵۹۹,۸۰۴,۰۰۰,۰۰۰) ریال و از حیث مصارف بالغ بر هشت میلیون و چهارصد و چهل و نه هزار و پانصد و نود و نه میلیارد و هشتصد و چهار میلیون (۸,۴۴۹,۵۹۹,۸۰۴,۰۰۰,۰۰۰) ریال به شرح زیر است:

الف - ...

ب- بودجه شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت از لحاظ درآمدها و سایر منابع تأمین اعتبار بالغ بر پنج میلیون و نهصد و هفتاد هزار و پانصد و نود و شش میلیارد و نهصد و هشتاد و هشت میلیون (۵,۹۷۰,۵۹۶,۹۸۸,۰۰۰,۰۰۰) ریال و از حیث هزینه‌ها و سایر پرداخت‌ها بالغ بر پنج میلیون و نهصد و هفتاد هزار و پانصد و نود و شش میلیارد و نهصد و هشتاد و هشت میلیون (۵,۹۷۰,۵۹۶,۹۸۸,۰۰۰,۰۰۰) ریال. به دولت اجازه داده می‌شود نسبت به ابلاغ مبلغ دو میلیون و دویست هزار و سیصد و شصت و هفت میلیارد و یکصد و هفتاد و یک میلیون (۲,۲۰۰,۳۶۷,۱۷۱,۰۰۰,۰۰۰) ریال از منابع عمومی دولت متناسب با مبالغ مصوب اقدام کند. یکصد و شصت و دو هزار و چهارصد و پنجاه میلیارد (۱۶۲,۴۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال (مابه‌التفاوت سقف ابلاغی تا اعتبار مصوب) به شرح زیر در شش ماهه دوم سال ۱۳۹۴ و صرفاً پس از اطمینان از تحقق منابع و متناسب با روند واریزی به خزانه، قابل ابلاغ به مصارف مصوب است: اعتبارات هزینه‌ای یکصد و هفده هزار میلیارد (۱۱۷,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال. اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای سی و پنج هزار میلیارد (۳۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال. اعتبارات تملک دارایی‌های مالی ده هزار و چهارصد و پنجاه میلیارد (۱۰,۴۵۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال.

اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای استانی، دو درصد (۲٪) از محل صادرات نفت خام برای مناطق نفت‌خیز و محروم کشور و اعتبارات موضوع ماده واحده قانون استفاده متوازن از امکانات کشور برای ارتقاء سطح مناطق کمتر توسعه‌یافته مصوب ۱۳۹۳/۷/۳۰^(۱) مشمول کاهش اعتبار نیست.

۱. ماده واحده قانون استفاده متوازن از امکانات کشور برای ارتقای سطح مناطق کمتر توسعه‌یافته مصوب ۱۳۹۳/۷/۳۰: «ماده واحده- در راستای تحقق اصل چهل و هشتم (۴۸) قانون اساسی و سیاست‌های کلی و جهت حصول به اهداف چشم‌انداز و به منظور استفاده متوازن از امکانات کشور و توزیع عادلانه و رفع تبعیض و ارتقای سطح مناطق کمتر توسعه‌یافته و تحقق پیشرفت و عدالت، دولت مکلف است در توزیع منابع عمومی و یارانه سود تسهیلات به نحوی عمل نماید که فاصله شاخص برخورداری شهرستان‌های کمتر از سطح متوسط کشور در شاخص‌های زیر، سالانه حداقل ده درصد (۱۰٪) به سطح متوسط کشوری نزدیک شود.

حداقل معادل سیصد هزار میلیارد (۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال باید به طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای اختصاص یابد که در مقاطع سه‌ماهه و به تناسب، تخصیص پیدا می‌کند.

دیدگاه مغایرت

الف) مطابق با اصل (۵۳) قانون اساسی، همه پرداخت‌ها و تخصیص‌های مالی دولت باید در حدود اعتبارات مصوب و به موجب قانون (= قانون بودجه‌ی سنواتی) و از منابع موجود و محقق، صورت گیرد. با وجود این، در فراز دوم بند (ب) ماده واحده، تخصیص مبلغ یکصد و شصت و دو هزار و چهارصد و پنجاه میلیارد (۱۶۲,۴۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال (مابه‌التفاوت سقف ابلاغی تا اعتبار مصوب) از بودجه‌ی سنواتی کشور در شش‌ماهه‌ی دوم سال ۱۳۹۴ را صرفاً پس از اطمینان از تحقق منابع، قابل ابلاغ به مصارف مصوب دانسته است؛ این در حالی است که اصل (۵۳) قانون اساسی، ناظر بر تخصیص منابع قطعی و موجود دولت است. به عبارت دیگر، درآمدها و هزینه‌های دولت باید در سند بودجه‌ی سالانه‌ی کشور توسط دولت و به صورت قطعی پیش‌بینی و در مجلس به تصویب برسد. بنابراین، تعیین مبلغ مزبور و مشروط کردن مصرف آن به تحقق منابع مالی احتمالی در آینده، مغایر با اصل (۵۳) قانون اساسی است.

ب) مطابق با اصل (۵۳) قانون اساسی، همه پرداخت‌ها و تخصیص‌های دولت باید در حدود اعتبارات مصوب، به موجب قانون (= قانون بودجه‌ی سنواتی) صورت گیرد. بر همین اساس، دولت باید هزینه‌ها و پرداخت‌های خود را بر اساس ردیف‌های اعتباری مشخص، تخصیص و محل مصارف آنها را نیز معلوم و مشخص کند. اما مجلس در بند (ب) این مصوبه، محل مصرف مبلغ یکصد و شصت و دو هزار و چهارصد و پنجاه میلیارد (۱۶۲,۴۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال را به صورت کلی، «مصارف مصوب» دانسته است. از این جهت، تعیین محل مصرف به صورت کلی و مطلق و عدم تعیین ردیف‌های تخصیصی و میزان و نوع مصرف آن، مغایر با اصل (۵۳) قانون اساسی است.

ج) مطابق با اصل (۵۲) قانون اساسی، بودجه‌ی سالانه‌ی کل کشور، به ترتیبی که در قانون



بدین‌منظور دولت مکلف است سه درصد (۳٪) از اعتبارات بودجه‌ی عمومی دولت را در قالب ردیف مشخص تحت همین عنوان تعیین کند و طی جدولی که در آن سهم هر استان بر اساس شاخص‌های نرخ بیکاری، آب شرب شهری و روستایی، آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، بهسازی روستاها، راه و زیرساخت‌های جاده‌ای، سرانه‌های عمران شهری و درآمد شهرداری‌ها مشخص می‌گردد، در قانون بودجه درج نماید.

سهم هر شهرستان برای بهبود شاخص‌های مذکور همراه با دستورالعمل توزیع پروژه‌ها و طرح‌های موارد فوق، همزمان با ابلاغ اعتبارات استانی توسط معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور به استان ابلاغ می‌شود تا با تصویب کمیته برنامه‌ریزی شهرستان به طرح‌ها و پروژه‌های موضوع شاخص‌های فوق اختصاص یابد.»

مقرر می‌شود، از طرف دولت تهیه و برای رسیدگی و تصویب به مجلس شورای اسلامی تسلیم می‌گردد. مستفاد از این اصل آن است که بودجه‌ی کل کشور به صورت «سالانه» و به موجب «لایحه‌ی بودجه» تخصیص می‌یابد. بر این اساس، حکم مقرر در فراز دوم بند (ب) این مصوبه، که مبلغ یکصد و شصت و دو هزار و چهارصد و پنجاه میلیارد (۱۶۲,۴۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال از بودجه‌ی کشور را تنها در شش ماهه دوم سال ۱۳۹۴ و صرفاً پس از اطمینان از تحقق منابع آن، قابل ابلاغ به مصارف مصوب دانسته است، مغایر با اصل مزبور است؛ زیرا حکم مذکور به این معنا است که بخشی از بودجه‌ی سالانه‌ی کل کشور پس از گذشت شش ماه و از طریق یک مصوبه‌ی دیگر مجلس، غیر از لایحه‌ی بودجه، تخصیص خواهد یافت که این موضوع با سالانه بودن بودجه‌ی کل کشور و انحصار تخصیص منابع در قانون بودجه و به تبع، اصل (۵۲) قانون اساسی مغایرت دارد.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) آنچه در فراز دوم بند (ب) این مصوبه در خصوص منوط کردن مصرف بخشی از بودجه در شش ماهه‌ی دوم سال به اطمینان از تحقق منابع آن، پیش‌بینی شده است، مغایرتی با اصل (۵۳) قانون اساسی، که بر تخصیص منابع بر اساس قانون بودجه تأکید می‌کند، ندارد؛ زیرا اولاً یکی از ویژگی‌های لوایح بودجه آن است که حداقل تخصیص بخشی از اعتبارات آن به جهت تردید در تأمین و تحقق منابع مالی آنها، مشروط و غیر قطعی است که این موضوع در قوانین بودجه‌ی سال‌های گذشته نیز امری متداول و مرسوم بوده است؛ ثانیاً مشروط نمودن اختصاص مبلغ مزبور به تحقق منابع آن، به نوعی باعث ایجاد انضباط مالی برای دولت و دستگاه‌های مربوطه و حتی‌الامکان مانع از تحقق کسری بودجه در ردیف‌های تعیین شده می‌شود؛ زیرا با پیش‌بینی محل مصرف منابع و اعتبارات احتمالی، تکلیف دولت نسبت به آن بخش از درآمدهایی که مازاد بر بودجه‌ی قطعی است، مشخص می‌شود و این‌گونه نیست که دولت بتواند در صورت تحقق منابع احتمالی، هرگونه که بخواهد آن را به مصرف برساند.

ب) در فراز دوم بند (ب) این مصوبه، محل مصرف مبلغ مذکور در آن را «مصارف مصوب» دانسته است. منظور از مصارف مصوب نیز، ردیف‌هایی است که به موجب قانون بودجه مشخص شده است و دولت باید در صورت کسری بودجه، منبع مزبور را بالنسبه در میان ردیف‌های مذکور تقسیم کند و نمی‌تواند بیش از سقف مصوب آن ردیف در بودجه‌ی سنواتی، اعتبار تخصیص دهد، مگر اینکه کلیه اعتبارات ردیف‌های بودجه‌ی سالانه تخصیص یافته باشد تا بتوان به نسبت به همه‌ی ردیف‌ها مبلغی را اضافه کرد. بنابراین، محل مصرف مبلغ مزبور در بند (ب) مشخص و منطبق با قانون بودجه‌ی سالانه است و از این جهت مغایرتی با اصل (۵۳) قانون اساسی که بر تخصیص منابع دولت در قانون و به موجب مصارف مشخص تأکید می‌کند، ندارد.

نظر شورای نگهبان

بند (ب) ماده واحده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

تبصره ۱- این قانون با رعایت قوانین و مقررات ذی‌ربط قابل اجرا می‌باشد و وصول منابع و تعهد و پرداخت از محل مصارف این قانون (در حدود وصولی منابع) صرفاً با رعایت سازوکار موضوع ماده (۳۰) قانون برنامه و بودجه مصوب ۱۳۵۱/۱۲/۱۰^(۱) و مفاد بندهای (و)، (ز)، (ک)، (ت) و (خ) ماده (۲۲۴) و ماده (۱۷۹) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵^(۲) لازم‌الرعایه می‌باشد.

۱. ماده (۳۰) قانون برنامه و بودجه مصوب ۱۳۵۱/۱۲/۱۰: «ماده ۳۰- کلیه اعتبارات جاری و عمرانی که در بودجه عمومی دولت به تصویب می‌رسد بر اساس گزارش‌های اجرایی بودجه و پیشرفت عملیات در دوره‌های معین شده توسط کمیته‌ای مرکب از نمایندگان وزارت دارایی و سازمان تخصیص داده می‌شود. نحوه تخصیص اعتبارات فوق‌الذکر و دوره‌های آن به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که بنا به پیشنهاد وزارت دارایی و سازمان به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.»
۲. بندهای (و)، (ز)، (ک)، (ت) و (خ) ماده (۲۲۴) و ماده (۱۷۹) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵: «ماده ۲۲۴- قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب سال ۱۳۸۰ و اصلاحات و الحاقات بعدی آن با اصلاحات و الحاقات زیر برای دوره برنامه پنجم تنفیذ می‌شود:
الف- ...

و- کلیه اعتبارات هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و مالی و کمک‌ها و سایر اعتبارات و ردیف‌های مندرج در جداول قوانین بودجه سنواتی به شرح عناوین و ارقام جداول مذکور فقط در حدود وصولی درآمدها و سایر منابع عمومی به شرح عناوین و ارقام مندرج در جداول مربوط قوانین یادشده بر اساس مفاد موافقتنامه‌های متبادله دستگاه با معاونت و در حدود ابلاغ و تخصیص اعتبار از سوی معاونت، قابل تعهد، پرداخت و هزینه است.
ز- در کلیه موارد قانونی، انجام تعهد و هرگونه پرداخت و کمک مالی توسط دستگاه‌های اجرایی، فقط بر اساس مفاد موافقتنامه و بعد از تخصیص و در حدود آن مجاز است. همچنین در کلیه موارد قانونی هرگونه کمک غیر نقدی و واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای و مالی از جمله عین، منفعت و مشابه آن شامل اموال منقول و غیرمنقول و نیز رد دیون، مطالبات، حقوق و مانند آن در قالب فرم‌ها، شرایط و دستورالعمل‌های ابلاغی معاونت مجاز است. نسخه‌ای از این فرم‌ها ضمیمه موافقتنامه اعتبارات هزینه‌ای دستگاه خواهد شد. احکام این بند در خصوص نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی در حدود اعتبارات مندرج در قانون و مابه‌ازا یا معوض آن لازم‌الاجرا است. شرایط موضوع این بند نباید مغایر قانون باشد.

ح- ...

ک- ایجاد و تحمیل هرگونه بار مالی مازاد بر ارقام مندرج در قوانین بودجه سنواتی توسط کلیه دستگاه‌های اجرایی از جمله دستگاه‌های مباشر دولت در موارد مختلف از قبیل خرید تضمینی و هزینه‌های تبعی خرید، جبران زیان، تفاوت قیمت، تنظیم بازار، یارانه نهاده‌ها و غیر آن، ایفاء تعهدات خاص، کالاهای اساسی، جایزه صادراتی و مانند آن که از اعتبارات عمومی استفاده می‌شود، ممنوع است. مسئولیت اجرای این حکم به عهده بالاترین مقام دستگاه اجرایی و یا مقامات مجاز و مدیران مالی مربوط است. تخلف از این حکم و سایر موارد، تعهد زائد بر اعتبار محسوب و مشمول مجازات مربوط می‌شود.

ل- ...

کلیه دستگاه‌های اجرایی که تکالیفی برای آنها در این قانون منظور شده است، موظفند گزارش عملکرد خود را در موعد قانونی مقرر به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور



ت- کلیه تصویب‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها، تغییرات تشکیلات، تغییر ضرایب، جداول حقوقی و طبقه‌بندی مشاغل و افزایش مبناء حقوقی، اعطاء مجوز هر نوع استخدام و به‌کارگیری نیرو و همچنین مصوبات هیئت‌های امنا که متضمن بار مالی برای دولت باشد در صورتی قابل طرح و تصویب و اجرا است که بار مالی ناشی از آن در گذشته محاسبه و در قانون بودجه کل کشور یا منابع داخلی دستگاه اجرایی ذی‌ربط تأمین شده باشد. اقدام دستگاه اجرایی بر خلاف این حکم، تعهد زائد بر اعتبار محسوب می‌شود.

ث-...

خ- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلف است در طول برنامه، فروش مبالغ ارزی مذکور در احکام و ردیف‌های قوانین بودجه سنواتی را به‌گونه‌ای انجام دهد که تا تاریخ تصویب ترازنامه سال بعد آن بانک، خالص دارایی‌های خارجی نسبت به پایان سال قبل از این محل افزایش نیابد.

ذ-...

تبصره- اجرای احکام بندهای (و)، (ز)، (ن) و (ذ) در خصوص دانشگاه‌ها، مؤسسات، مراکز آموزش عالی و تحقیقاتی با رعایت ماده (۲۰) این قانون خواهد بود.

«ماده ۱۷۹- به‌منظور تمرکززدایی و افزایش اختیارات در جهت توسعه و عمران استان‌ها، نظام درآمد- هزینه استانی به شرح زیر ساماندهی می‌گردد:

الف- بودجه سالانه استانی شامل منابع استانی اعم از درآمد استانی، درآمد اختصاصی، واگذاری دارایی‌های مالی و سرمایه‌ای و سهم از منابع ملی و همچنین مصارف استانی اعم از اعتبارات هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و مالی، هرکدام به صورت سرجمع در قوانین بودجه سنواتی درج می‌گردد. توزیع «دستگاه- برنامه» اعتبارات هزینه‌ای و توزیع سرجمع اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای شهرستان‌ها برعهده شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان است. تبصره- اعتبار پروژه‌هایی که ماهیت استانی داشته و یا در چند شهرستان قرار می‌گیرند به طور مستقیم و توسط شورا به صورت مجزا تعیین می‌گردد.

ب- سند بودجه سالانه استان که تعهدات شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان و معاونت را مشخص می‌نماید در قالب قراردادی تنظیم و بین رئیس شورا و معاونت مبادله می‌گردد. قالب قرارداد مذکور و دستورالعمل مربوط توسط معاونت تهیه و ابلاغ می‌شود.

ج- در هر استان، خزانه معین استان وابسته به خزانه‌داری کل و زیر نظر اداره کل امور اقتصادی و دارایی استان تشکیل می‌شود. خزانه‌داری کل موظف است برای هریک از خزانه‌های معین استان یک حساب به عنوان «حساب خزانه‌داری کل» (خزانه معین استان) در مرکز استان افتتاح نماید و در ابتدای هر سال نیز میزان تنخواه‌گردان هر استان را متناسب با اعتبارات مصوب هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای آن استان محاسبه و حداکثر تا بیستم فروردین‌ماه به «حساب خزانه‌داری کل» (خزانه معین استان) واریز نماید.

د- به منظور تخصیص اعتبارات استانی در اختیار استان با لحاظ وضعیت تحقق درآمدها، سیاست‌ها و خط مشی‌های کلی ناظر بر بودجه عمومی دولت، کمیته تخصیص اعتبارات استان با مسئولیت استاندار و عضویت معاون برنامه‌ریزی استان و رئیس سازمان امور اقتصادی و دارایی استان تشکیل می‌شود.

ه- به تناسب واگذاری و اجرای فعالیت‌ها و طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای ملی به استانی، معاونت علاوه بر اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای مذکور در طول سال بخش مربوط از اعتبارات هزینه‌ای دستگاه‌های اجرایی ملی با تشخیص معاونت به استان‌ها منتقل می‌شود.

ارائه کنند. سازمان مذکور موظف است گزارش کامل هر یک از تبصره‌ها و اجزاء و جداول و پیوست‌های این قانون را که از دستگاه‌ها دریافت می‌کند، حداکثر ظرف مدت یک ماه پس از پایان هر شش ماه، برای کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات و سایر کمیسیون‌های ذی‌ربط مجلس شورای اسلامی به صورت کتبی و رسمی ارسال کند.

دیدگاه مغایرت

الف) این تبصره، وصول منابع و تعهد و پرداخت از محل مصارف قانون بودجه (در حدود وصولی منابع) را صرفاً با رعایت سازوکار موضوع ماده (۳۰) قانون برنامه و بودجه مصوب ۱۳۵۱/۱۲/۱۰، امکان‌پذیر دانسته است. در ماده‌ی مزبور نیز، حضور نمایندگان وزارت امور اقتصادی و دارایی در تصمیم‌گیری جهت تخصیص اعتبارات جاری و عمرانی که در بودجه‌ی عمومی دولت به تصویب می‌رسد، ضروری دانسته شده است. این در حالی است که مطابق اصل (۱۲۶) قانون اساسی رئیس جمهور مستقیماً مسئولیت امور برنامه و بودجه را بر عهده دارد و می‌تواند در صورت لزوم، این مسئولیت را به دیگری واگذار کند. از این جهت، دخالت سایر دستگاه‌ها و نمایندگان آنان از جمله نمایندگان وزارت امور اقتصادی و دارایی در تخصیص اعتبارات جاری و عمرانی بودجه، بدون اذن رئیس‌جمهور فاقد وجاهت قانونی است و بدین لحاظ، تبصره‌ی (الف)، با اصل (۱۲۶) قانون اساسی مغایرت دارد.

ب) الزام موجود در این تبصره، مبنی بر رعایت سازوکار موضوع ماده (۳۰) قانون برنامه و بودجه مصوب ۱۳۵۱/۱۲/۱۰ و مفاد بند (و) ماده (۲۲۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹، در خصوص وصول منابع و تعهد و پرداخت از محل مصارف قانون بودجه‌ی سال ۱۳۹۴، از جهت تعارض در مرجع تخصیص اعتبارات، واجد اشکال است. توضیح اینکه در ماده (۳۰) قانون برنامه و بودجه، وظیفه‌ی تخصیص کلیه اعتبارات به کمیته‌ای مرکب از نمایندگان وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی داده شده است، در حالی که بر اساس بند (و) ماده (۲۲۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه، این وظیفه مستقلاً به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی سپرده شده است. بنابراین، حکم مقرر در تبصره (۱) این مصوبه که رعایت هر دو این قوانین را در خصوص وصول منابع و تعهد و پرداخت از محل مصارف لازم دانسته است، حکمی متعارض است که لازم است این تعارض در خصوص مرجع تخصیص اعتبارات برطرف گردد.

نظر شورای نگهبان

در تبصره (۱)، الزام به حضور نماینده وزارت امور اقتصادی و دارایی در تصمیم‌گیری بر

اساس ماده (۳۰) قانون برنامه و بودجه، مغایر اصل (۱۲۶) قانون اساسی شناخته شد. همچنین بین ماده (۳۰) قانون مذکور و ماده (۲۲۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، از جهت مرجع تخصیص اعتبارات تعارض وجود دارد.

تبصره ۲-

الف- ...

ب- سهم صندوق توسعه ملی موضوع بند (ب) ماده (۱) قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲)،^(۱) بیست درصد (۲۰٪) تعیین می‌شود.
در راستای اجرای قسمت اخیر جزء (۱) بند (ح) ماده (۸۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران،^(۲) بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران موظف است

۱. بند (ب) ماده (۱) قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲) مصوب ۱۳۹۳/۹/۱۹:

«ماده ۱ - ...

الف- ...

ب- وزارت نفت از طریق شرکت دولتی اصلی تابعه ذی‌ربط، مکلف است دریافتی‌های حاصل از صادرات نفت خام و میعانات گازی اعم از صادرات هر سال و سال‌های قبل به هر صورت را پس از کسر بازپرداخت تعهدات بیع متقابل به عنوان علی‌الحساب پرداخت‌های موضوع این ماده بلافاصله از طریق حساب‌های مورد تأیید بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به حساب‌های مربوط در خزانه‌داری کل کشور واریز نماید.
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلف است از وجوه حاصله هر ماه به طور متناسب، سهم وزارت نفت از طریق شرکت دولتی تابعه ذی‌ربط (با احتساب بازپرداخت‌های بیع متقابل)، سهم صندوق توسعه ملی و سهم درآمد عمومی دولت را که به موجب قانون تعیین می‌شود، پس از فروش مبالغ ارزی به نرخ‌ی که ضوابط آن را شورای پول و اعتبار مشخص می‌کند به حساب مربوط نزد خزانه‌داری کل کشور و مازاد آن را به حساب ذخیره ارزی واریز نماید. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلف است سهم وزارت نفت از طریق شرکت دولتی تابعه ذی‌ربط را به حساب‌های آن شرکت مورد تأیید خزانه‌داری کل کشور در داخل و مورد تأیید آن بانک در خارج از کشور برای پرداخت به پیمانکاران، سازندگان و عرضه‌کنندگان مواد و تجهیزات مربوط به طرف قرارداد و هزینه‌های جاری و تعهدات ارزی شرکت واریز و برای قراردادهای تسهیلات مالی خارجی توثیق نماید.»

۲. جزء (۱) بند (ح) ماده (۸۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵: «ماده ۸۴- صندوق توسعه ملی که در این ماده «صندوق» نامیده می‌شود با هدف تبدیل بخشی از عواید ناشی از فروش نفت و گاز و میعانات گازی و فرآورده‌های نفتی به ثروت‌های ماندگار، مولد و سرمایه‌های زاینده اقتصادی و نیز حفظ سهم نسل‌های آینده از منابع نفت و گاز و فرآورده‌های نفتی تشکیل می‌شود.
صندوق در تهران مستقر است و در تهران و سایر نقاط کشور شعبه‌ای نخواهد داشت. اموال و دارایی‌های این صندوق متعلق به دولت جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. این ماده در حکم اساسنامه صندوق است.

الف- ...

ح- منابع صندوق:

بیست درصد (۲۰٪) ارزش صادرات گاز طبیعی پس از کسر ارزش گاز طبیعی وارداتی را به حساب صندوق توسعه ملی واریز کند. مبلغ واریزی از ماه یازدهم سال محاسبه و تسویه می‌شود.

دیدگاه مغایرت

الف) طبق بند (ب) این تبصره، سهم صندوق توسعه ملی از صادرات نفت خام، میعانات گازی و گاز طبیعی بیست درصد (۲۰٪) تعیین شده است که این موضوع خلاف سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و در نتیجه اصل (۱۱۰) قانون اساسی است. توضیح اینکه، صدر مصوبه‌ی مزبور بر اساس بند (ب) ماده (۱) قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲)، که بانک مرکزی را مکلف نموده از وجوه حاصله از صادرات «نفت خام و میعانات گازی» هر ماهه به طور متناسب، سهم صندوق توسعه ملی را به موجب قانون تعیین کند، سهم صندوق توسعه ملی را از محل مورد اشاره، بیست درصد (۲۰٪) تعیین کرده است. همچنین ذیل مصوبه‌ی مزبور در راستای اجرای قسمت اخیر جزء (۱) بند (ح) ماده (۸۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه، که یکی از منابع صندوق توسعه ملی را وجوه حاصل از صادرات نفت (نفت خام، میعانات گازی، گاز و فرآورده‌های نفتی) و به موجب قانون بودجه دانسته است، بانک مرکزی را موظف نموده که بیست درصد (۲۰٪) ارزش صادرات گاز طبیعی را پس از کسر ارزش گاز طبیعی وارداتی به حساب صندوق توسعه ملی واریز کند. این در حالی است که اولاً، به موجب بند (۱) - (۲۲) سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه^(۱) می‌بایست سالانه، حداقل بیست درصد (۲۰٪) از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز و فرآورده‌های نفتی به صندوق توسعه ملی واریز گردد؛ ثانیاً، مطابق بند (۱۸) سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی^(۲) سهم صندوق توسعه ملی از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز با هدف کمک به قطع وابستگی بودجه به نفت، می‌بایست به صورت سالانه افزایش یابد؛ ثالثاً، در قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه، بر اساس جزء (۳) بند (ح)

→

۱- حداقل معادل بیست درصد (۲۰٪) از منابع حاصل از صادرات نفت (نفت خام و میعانات گازی، گاز و فرآورده‌های نفتی) در سال‌های برنامه و تعیین مبلغ آن در قوانین بودجه سنواتی.

۲- ...»

۱. بند (۲۲-۱) سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه، ابلاغی مقام معظم رهبری مورخ ۱۳۸۷/۱۰/۲۱: «۱-۲۲- واریز سالانه حداقل بیست درصد (۲۰٪) از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز و فرآورده‌های نفتی به صندوق توسعه ملی.»

۲. بند (۱۸) سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، ابلاغی مقام معظم رهبری مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۲۹: «۱۸- افزایش سالانه سهم صندوق توسعه ملی از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز تا قطع وابستگی بودجه به نفت.»

ماده (۸۴)^(۱) مقرر شده است که سهم صندوق توسعه ملی از منابع حاصل از صادرات نفت (نفت خام و میعانات گازی، گاز و فرآورده‌های نفتی) و ارزش صادرات تهاتری این اقلام، هر سال به میزان سه واحد درصد افزایش یابد. بر همین مبنا سهم صندوق توسعه ملی در نهایت و در سال ۱۳۹۳ با مراعات قواعد مزبور به بیست و شش درصد (۲۶٪) افزایش یافته بود که اصولاً در بودجه‌ی سال ۱۳۹۴ باید به بیست و نه درصد (۲۹٪) افزایش یابد. این در صورتی است که در بند (ب) این تبصره، علاوه بر اینکه افزایشی برای سهم صندوق توسعه ملی پیش‌بینی نشده، سهم آن از بیست و شش درصد (۲۶٪) در سال ۱۳۹۳ به بیست درصد (۲۰٪) در سال ۱۳۹۴ کاهش یافته است. بنابراین مصوبه‌ی مزبور، از این حیث برخلاف بند (۱۸) سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بوده و به تبع مغایر بند (۱) اصل (۱۱۰) قانون اساسی محسوب می‌گردد؛ زیرا مطابق این بند از اصل (۱۱۰)، تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام، جزء وظایف و اختیارات رهبری محسوب می‌شود.

ب) مطابق بند (۱-۲۲) سیاست‌های کلی برنامه‌ی پنجم توسعه، ابلاغی ۱۳۸۷، می‌بایست سالانه حداقل بیست درصد (۲۰٪) از منابع حاصل از صادرات «نفت»، «گاز» و «فرآورده‌های نفتی» به صندوق توسعه ملی واریز گردد. این در حالی است که در بند (ب) این مصوبه - که موضوع بند (ب) ماده (۱) قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲) نیز می‌شود - صرفاً سهم صندوق توسعه ملی از صادرات «نفت خام»، «میعانات گازی» و «گاز طبیعی» مورد توجه واقع شده و هیچ اشاره‌ای به «فرآورده‌های نفتی» که در سیاست‌های کلی برنامه‌ی پنجم توسعه بدان تصریح شده، نگردیده است. بنابراین عدم ذکر اختصاص سهم صندوق توسعه ملی از درآمدهای حاصل از صادرات «فرآورده‌های نفتی» در این مصوبه، مغایر با بند (۱-۲۲) سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه و به تبع، مغایر بند (۱) اصل (۱۱۰) قانون اساسی است که تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران را از وظایف و اختیارات رهبری مقرر کرده است.

۱. جزء (۳) بند (ح) ماده (۸۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵: «ماده

۸۴-...

ح- منابع صندوق:

۱- حداقل معادل بیست درصد (۲۰٪) از منابع حاصل از صادرات نفت (نفت خام و میعانات گازی، گاز و فرآورده‌های نفتی) در سال‌های برنامه و تعیین مبلغ آن در قوانین بودجه سنواتی.

۲- حداقل بیست درصد (۲۰٪) ارزش صادرات تهاتری اقلام فوق‌الذکر.

۳- افزایش سهم واریزی از منابع بندهای (۱) و (۲) هر سال به میزان سه واحد درصد.

۴- ...»

ج) جزء پایانی بند (ب) تبصره (۲) این مصوبه، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران را موظف کرده است که بیست درصد (۲۰٪) ارزش صادرات گاز طبیعی را پس از کسر ارزش گاز طبیعی وارداتی به حساب صندوق توسعه ملی واریز کند، حال آنکه بند (۱-۲۲) سیاست‌های کلی برنامه‌ی پنجم توسعه ابلاغی ۱۳۸۷، واریز وجوه حاصل از صادرات گاز طبیعی به حساب صندوق توسعه ملی را به صورت مطلق ذکر کرده است. بنابراین، از آنجا که واردات و صادرات گاز طبیعی - به جز در خصوص تهاتر - ارتباطی با یکدیگر نداشته تا بتوان چنین قیدی را مطرح نمود، مصوبه‌ی مجلس در خصوص اختصاص سهم صندوق توسعه ملی پس از کسر گاز وارداتی از حیث اطلاق آن در غیر تهاتر، به واسطه‌ی اینکه منجر به کاهش سهم صندوق توسعه ملی می‌شود، مغایر بند مزبور از سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه و به تبع آن مغایر بند (۱) اصل (۱۱۰) قانون اساسی است که تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران را از وظایف و اختیارات رهبری مقرر کرده است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) با توجه به اینکه حکم مقرر در بند (۱۸) سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در خصوص افزایش سالانه‌ی سهم صندوق توسعه ملی از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز، به صورت کلی بوده و نحوه‌ی افزایش و نوع آن مورد پیش‌بینی قرار نگرفته است و همچنین با امعان نظر به این واقعیت که بودجه‌ی سال ۱۳۹۴ در کل، نسبت به بودجه‌ی سال ۱۳۹۳ افزایش یافته و این افزایش در مجموع شامل سهم صندوق توسعه ملی نیز می‌شود، لذا مفاد بند (ب) این تبصره، که در آن سهم صندوق توسعه ملی از صادرات نفت خام، میعانات گازی و گاز طبیعی بیست درصد (۲۰٪) تعیین شده نیز، به تناسب افزایش یافته است. بدین جهت بند مزبور، تغایری با بند (۱-۲۲) سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه و در نتیجه بند (۱) اصل (۱۱۰) قانون اساسی ندارد. در واقع هدف تدوین‌کنندگان بند (۱۸) سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با مصوبه‌ی مورد بحث که افزایش سالانه‌ی سهم صندوق توسعه ملی بوده است، محقق شده و مغایرتی از این باب وجود نخواهد داشت.

ب) اگرچه مطابق بند (۱-۲۲) سیاست‌های کلی برنامه‌ی پنجم توسعه، می‌بایست سالانه حداقل بیست درصد (۲۰٪) از منابع حاصل از صادرات «نفت»، «گاز» و «فرآورده‌های نفتی» به صندوق توسعه ملی واریز شود، اما آنچه در بند (ب) این تبصره، مورد حکم واقع شده، تعیین تکلیف در خصوص سهم صادرات گاز طبیعی است و چون اشاره‌ای به بحث صادرات نفت نشده، عدم ذکر اختصاص سهم صندوق توسعه ملی از درآمدهای حاصل از صادرات «فرآورده‌های نفتی» در آن، تغایری با بند (۱-۲۲) سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه ندارد. به عبارت دیگر،

قانون‌گذار در این بند در مقام حصر منابع تأمین سهم صندوق توسعه ملی به «صادرات گاز طبیعی» نبوده و از این جهت مفهومی ندارد تا بخواهیم سهم صندوق توسعه ملی را از «فرآورده‌های نفتی» خارج کنیم. بنابراین، بند (ب) این مصوبه، از این جهت که نافی سهم صندوق توسعه ملی از فرآورده‌های نفتی نیست، مغایر با بند (۱-۲۲) سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه و به تبع آن بند (۱) اصل (۱۱۰) قانون اساسی نخواهد بود.

دیدگاه ابهام

بر اساس بند (۱-۲۲) سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه ابلاغی ۱۳۸۷، می‌بایست سالانه حداقل بیست درصد (۲۰٪) از منابع حاصل از صادرات «نفت»، «گاز» و «فرآورده‌های نفتی» به صندوق توسعه ملی واریز گردد. در بند (ب) تبصره (۲) این مصوبه نیز صرفاً سهم صندوق توسعه ملی از صادرات «نفت خام»، «میعانات گازی» و «گاز طبیعی» مورد توجه قرار گرفته است. بر همین اساس، این مصوبه از آن جهت که مشخص نیست آیا موارد مزبور در بند (ب)، شامل «فرآورده‌های نفتی» نیز می‌شود یا خیر، واجد ابهام است. در صورتی که بند مزبور، شامل فرآورده‌های نفتی نشود، مغایر با بند (۱-۲۲) سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه و در نتیجه اصل (۱۱۰) قانون اساسی خواهد بود و در غیر این صورت، مغایرتی با سیاست‌های کلی مزبور و اصل (۱۱۰) قانون اساسی نخواهد داشت. بنابراین، باید شمول یا عدم شمول حکم این مصوبه بر فرآورده‌های نفتی به عنوان منبع صندوق توسعه ملی در این بند روشن شود تا بتوان نسبت به مغایرت یا عدم مغایرت آن با اصل (۱۱۰) قانون اساسی، اظهار نظر کرد.

نظر شورای نگهبان

بند (ب) تبصره (۲)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

تبصره ۲-

الف- ...

ح- واردات و فروش فرآورده‌های نفتی با رعایت کیفیت و استانداردهای عرضه هر فرآورده در کشور در حدود قوانین و مقررات مربوط توسط بخش خصوصی مجاز است. در هر صورت مسئولیت تأمین و تنظیم بازار با در نظر گرفتن تولیدات داخلی و زیرساخت‌های موجود، با وزارت نفت است. عرضه بنزین و نفت‌گاز وارداتی در داخل کشور، بدون یارانه و با احتساب سود متعارف می‌باشد.

دیدگاه مغایرت

اصل (۵۲) قانون اساسی اشعار می‌دارد که بودجه‌ی سالانه‌ی کل کشور به ترتیبی که در قانون مقرر می‌شود از طرف دولت تهیه و برای رسیدگی و تصویب به مجلس شورای اسلامی تسلیم می‌شود. مفهوم بودجه در قانون اساسی نیز ناظر بر تعیین هزینه‌ها و درآمدهای سالانه‌ی دولت و تخصیص اعتبارات در ردیف‌های مصوب است. این در حالی است که آنچه در بند (ح) در خصوص مجاز دانستن واردات و فروش فرآورده‌های نفتی توسط بخش خصوصی مقرر شده، اساساً ارتباطی با ماهیت و مفهوم بودجه و درآمد و هزینه‌ی سالانه‌ی دولت ندارد، بلکه صرفاً ناظر بر تبیین دائمی بخشی از مقررات است. بر این اساس، تصویب بند (ح) در ضمن قانون بودجه‌ی کل کشور، از این جهت که ماهیت آن بودجه‌ای نیست، مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

پیش‌بینی صورت گرفته در بند (ح) در خصوص مجاز دانستن واردات و فروش فرآورده‌های نفتی توسط بخش خصوصی، تغایری با اصل (۵۲) قانون اساسی ندارد؛ زیرا گنجاندن حکم مزبور در قانون بودجه به معنای آن است که مدت اعتبار این حکم، فقط یک سال (در طول اجرای قانون بودجه‌ی سال ۱۳۹۴) است و دائمی محسوب نمی‌شود تا بخواهیم آن را مغایر با ماهیت سالانه بودن قانون بودجه بدانیم. بنابراین، بند مزبور از این حیث مغایرتی با اصل (۵۲) قانون اساسی ندارد.

نظر شورای نگهبان

بند (ح) تبصره (۲)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

تبصره ۲-

الف- ...

ی- شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران مکلف است نسبت به نوسازی و توسعه شبکه خطوط لوله انتقال نفت خام و میعانات گازی و فرآورده‌های نفتی و تأمین منابع مالی سهم دولت در توسعه پالایشگاه‌ها و زیرساخت‌های تأمین، ذخیره‌سازی و توزیع فرآورده اقدام کند و منابع مورد نیاز را از محل افزایش پنج درصد (۵٪) به قیمت هر لیتر فرآورده‌های نفتی تأمین و پس از واریز به خزانه‌داری کل کشور تا سقف پانزده هزار میلیارد (۱۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال به مصرف برساند. این منابع جزء درآمد شرکت محسوب نمی‌شود و مشمول مالیات با نرخ صفر می‌باشد.

دیدگاه ابهام

استفاده از عنوان «شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران» در بند (ی) تبصره (۲)، به واسطه‌ی عدم تصویب اساسنامه‌ی شرکتی با این نام و نامشخص بودن وضعیت حقوقی و قانونی و همچنین روابط مالی این شرکت با دولت، واجد ابهام است. در صورتی که ماهیت شرکت مذکور، غیردولتی باشد، تعیین رابطه‌ی مالی آن با خزانه‌داری کل کشور، مغایر اصل (۵۳) قانون اساسی است که در خصوص نحوه‌ی دریافت‌ها و پرداخت‌های «دولت» تعیین تکلیف کرده است. از این رو باید ماهیت شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران ایران مشخص شود تا بتوان نسبت به رابطه‌ی مالی آن با دولت و مغایرت یا عدم مغایرت این مصوبه با اصل (۵۳) اساسی اظهار نظر کرد.

نظر شورای نگهبان

بند (ج) تبصره (۲)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

تبصره ۲-

الف- ...

ک- در اجرای ماده (۱۵) قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور، منابع موضوع این ماده با احتساب باقی‌مانده مبالغ بند (ق) تبصره (۲)^(۱) و بند (هـ)

۱. بند (ق) تبصره (۲) قانون بودجه سال ۱۳۹۳ کل کشور مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۶: «تبصره ۲-...

الف- ...

ق- در سال ۱۳۹۳ اجازه داده می‌شود:

۱- وزارت نفت از طریق شرکت‌های دولتی تابعه ذی‌ربط برای اجرای طرح‌های نفت و گاز از جمله افزایش ظرفیت تولید نفت خام و گاز با اولویت مخازن مشترک و افزایش ظرفیت پالایش نفت خام و میعانات گازی و محصولات پتروشیمی، رشد صادرات فرآورده‌های نفتی و جلوگیری از سوختن گازهای همراه نفت و جایگزینی گاز داخلی یا وارداتی به جای فرآورده‌های نفتی ذی‌ربط تا سقف یکصد میلیارد (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) دلار به صورت ارزی یا معادل ریالی آن با رعایت قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم (۴۴) قانون اساسی اقدام به سرمایه‌گذاری به روش بیع متقابل، ساخت، بهره‌برداری و تحویل (BOT) و یا روش‌های موضوع بند (ب) ماده (۲۱۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران با تضمین خرید محصول، اجازه به فروش داخلی یا صادرات برای بلندمدت (حداقل ده سال) قرارداد منعقد و یا مجوزهای لازم را برای سرمایه‌گذاری صادر نماید و همچنین به منظور اجرای طرح‌های بهینه‌سازی، کاهش گازهای گلخانه‌ای و کاهش مصرف انرژی در بخش‌های مختلف از جمله صنعت (با اولویت صنایع انرژی‌بر) و حمل و نقل عمومی و ریلی درون و برون‌شهری، ساختمان، توسعه استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر، گسترش استفاده از CNG (با اولویت شهرهای بزرگ و مسیر

تبصره (۱۱)^(۱) قانون بودجه سال ۱۳۹۳ کل کشور تا سقف پنجاه میلیارد

راه‌های اصلی بین شهری) و تولید خودروهای کم‌مصرف، به وزارت نفت اجازه داده می‌شود با رعایت قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی با متقاضیان و سرمایه‌گذاران بخش خصوصی و عمومی با اولویت استفاده از تجهیزات ساخت داخل، قرارداد منعقد نماید.

توجیه فنی و اقتصادی و زیست‌محیطی، زمان‌بندی اجرا و بازپرداخت و سقف تعهد دولت در هر یک از طرح‌ها با پیشنهاد وزارت نفت به تصویب شورای اقتصاد می‌رسد.

تعهد بازپرداخت اصل سرمایه‌گذاری‌های موضوع این بند به عهده دولت بوده و شرکت ملی نفت ایران منابع ناشی از صادرات سوخت صرفه‌جویی حاصل‌شده (نفت خام معادل) را در هر پروژه پس از اعلام وزارت نفت در سال‌های سررسید به سرمایه‌گذار پرداخت و همزمان به حساب بدهکار دولت (خزانه‌داری کل کشور) منظور و تسویه حساب می‌نماید.

به شرکت‌های تابعه و وابسته وزارت نفت اجازه داده می‌شود با رعایت قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی با سرمایه‌گذار بخش غیردولتی مشارکت نمایند.

طرح‌های موضوع این بند تا سقف تعهد دولت تا پانصد میلیون (۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰) دلار یا معادل ریالی آن به تأیید وزیر نفت و بیش از آن با پیشنهاد وزیر نفت به تأیید شورای اقتصاد می‌رسد.

۲- قیمت نفت خام و میعانات گازی برای واحدهای جدید پالایش و یا توسعه کمی واحدهای موجود غیر دولتی در داخل بین نود درصد (۹۰٪) تا نود و پنج درصد (۹۵٪) قیمت صادراتی تحویل روی کشتی (فوب) خلیج فارس بر اساس دستورالعملی که توسط وزارت نفت اعلام می‌شود برای حداقل ده سال پس از بهره‌برداری تعیین می‌گردد.

۳- قیمت پایه خوراک گاز واحدهای پتروشیمی در چهارچوب قانون هدفمندکردن یارانه‌ها به‌گونه‌ای تعیین می‌گردد که از سیزده (۱۳) سنت در هر متر مکعب کمتر نشود. همچنین به منظور تحریک و تشویق واحدهای پتروشیمی و فعالان اقتصادی به توسعه سرمایه‌گذاری در صنایع تکمیلی و پایین‌دست و اشتغال‌زایی بیشتر با اولویت مناطق کمتر توسعه‌یافته و رعایت مکان‌یابی وزارت نفت، قیمت خوراک گاز را به صورت پلکانی به‌گونه‌ای تخفیف دهد که نرخ بازده داخلی ارزی سرمایه‌گذار تا سی درصد (۳۰٪) باشد. آیین‌نامه اجرایی تخفیف پلکانی بر اساس شاخص‌های ترکیبی فوق‌ظرف مدت سه ماه پس از تصویب این قانون توسط وزارت نفت تهیه می‌شود و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.»

۱. بند (ه) تبصره (۱۱) قانون بودجه سال ۱۳۹۳ کل کشور مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۶: «تبصره ۱۱- ...

الف- ...

ه- به وزارت نیرو اجازه داده می‌شود:

۱- به منظور اجرای طرح‌های افزایش بازدهی نیروگاه‌ها با اولویت نصب بخش بخار در نیروگاه‌های چرخه (سیکل) ترکیبی، توسعه استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر، کاهش تلفات، بهینه‌سازی و صرفه‌جویی در مصرف سوخت مایع، جایگزینی مصرف برق به جای گاز یا فرآورده‌های نفتی در مناطقی که توجیه اقتصادی دارد و افزایش سهم صادرات برق تا سقف یکصد و بیست هزار میلیارد (۱۲۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال به روش بیع متقابل، با سرمایه‌گذاران بخش‌های خصوصی و عمومی با اولویت استفاده از تجهیزات ساخت داخل قرارداد منعقد نماید. دولت مکلف است در قبال این تعهد، سوخت صرفه‌جویی‌شده یا معادل آن نفت خام را با محاسبه میزان صرفه‌جویی حاصله در مدت حداکثر دو سال به سرمایه‌گذاران تحویل نماید.

۲- برای اجرای طرح‌های آب و فاضلاب، بهینه‌سازی و صرفه‌جویی مصرف آب، مهار و بهره‌برداری از آب‌های



(۵۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) دلار و پانصد هزار میلیارد (۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تعیین می‌شود. همچنین در راستای اجرای مفاد بند (الف) ماده (۱) قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲)^(۱) موضوع مبادله موافقتنامه با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، وزارت نفت از طریق شرکت‌های دولتی تابعه ذی‌ربط در سال ۱۳۹۴ موظف است موافقتنامه‌های طرح‌های سرمایه‌ای مربوط را با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور مبادله کند.

دیدگاه مغایرت

الف) این بند به «قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور» استناد کرده است، در حالی که شورای نگهبان پیش‌تر، مصوبه‌ی مذکور را واجد ایراد شرعی و قانون اساسی دانسته است و تاکنون، مجلس شورای اسلامی اصلاحات لازم جهت رفع مغایرت با قانون اساسی و شرع را انجام نداده است تا به تأیید نهایی شورای نگهبان برسد. لذا اساساً مصوبه‌ی مزبور، در حال حاضر مراحل قانونی را به منظور اخذ تأییدیه‌ی شورای نگهبان و امضاء رئیس‌جمهور و انتشار در روزنامه رسمی طی نکرده است تا اطلاق «قانون» به آن صحیح باشد.

ب) ماده (۱۵) مصوبه‌ی مجلس در خصوص لایحه‌ی رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای

→

مشترک و مرزی، اجرای طرح‌های جمع‌آوری و دفع بهداشتی فاضلاب و طرح‌هایی که به مدیریت تقاضای آب می‌انجامد و زهکشی اراضی کشاورزی، تا سقف ده میلیارد (۱۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) دلار یا معادل ریالی آن به روش بیع متقابل یا ساخت و بهره‌برداری و تحویل (BOT) و سایر روش‌های مشابه موضوع بند (ب) ماده (۲۱۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران و تضمین خرید آب با سرمایه‌گذار خصوصی یا تعاونی قرارداد منعقد یا مجوز صادر نماید.»

۱. بند (الف) ماده (۱) قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲) مصوب ۱۳۹۳/۱۲/۴: «ماده ۱-»

الف- به منظور تعیین رابطه مالی و نحوه تسویه حساب بین دولت (خزانه‌داری کل کشور) و وزارت نفت از طریق شرکت تابعه ذی‌ربط، معادل سهمی از ارزش نفت (نفت خام، میعانات گازی و خالص گاز طبیعی) صادراتی و مبالغ حاصل از فروش داخلی که در قوانین بودجه سنواتی تعیین می‌گردد، به عنوان سهم آن شرکت بابت کلیه مصارف سرمایه‌ای و هزینه‌ای شرکت مزبور از جمله بازپرداخت بدهی و تعهدات شامل تعهدات سرمایه‌ای و بیع متقابل و جبران خسارات زیست‌محیطی و آلودگی‌های ناشی از فعالیت‌های نفتی خالص درآمد و هزینه‌های ناشی از عملیات صادرات با احتساب هزینه‌های حمل و بیمه (سیف) تعیین می‌شود. این سهم، از نظر مالیاتی با نرخ صفر محاسبه می‌شود. وزارت نفت از طریق شرکت تابعه ذی‌ربط موظف است از محل سهم خود از درصدهای مذکور و سایر منابع، قراردادهای لازم را با شرکت‌های عملیاتی تولید نفت و گاز بر اساس قیمت تمام‌شده و در چهارچوب بودجه عملیاتی پس از مبادله موافقتنامه با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور منعقد نماید.»

نظام مالی کشور از جهات مختلف، با ایراد شرعی و قانون اساسی شورای نگهبان مواجه شد^(۱) که این ایرادها هنوز برطرف نشده است. بنابراین، استناد به این ماده در بند (ک) تبصره (۲) و مقرر

۱. شورای نگهبان در بند (۴) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۳۸۱۱ مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۱۶ در خصوص ماده (۱۵) لایحه رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور مصوب ۱۳۹۳/۱۱/۷ مجلس شورای اسلامی، بدین شرح اظهار نظر کرد: «۴- در ماده (۱۵)، در مواردی که معادل فارسی واژگانی نظیر «سوآپ» و... وجود دارد ذکر گردد و الّا مغایر اصل (۱۵) قانون اساسی می‌باشد. همچنین اطلاق ماده در خصوص تأمین منابع مالی خارجی پس از انقضای تاریخ مذکور در بند (الف) ماده (۸۲) قانون برنامه پنجم توسعه مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام، خلاف موازین شرع شناخته شد. به علاوه تبصره (۳) این ماده، از جهت عدم رعایت اصل عدم تضمین بازگشت تعهدات ایجادشده دولت، مغایر اصل (۱۱۲) قانون اساسی است. مضافاً بر این، تصویب آیین‌نامه اجرایی بند الحاقی به این ماده از سوی شورای اقتصاد، مغایر اصل (۱۳۸) قانون اساسی شناخته شد.» گفتنی است ماده (۱۵) مصوبه‌ی فوق‌الذکر که مورد ایراد شورا واقع شد، چنین مقرر کرده بود: «ماده ۱۵- به وزارتخانه‌های نفت و نیرو و سایر وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و شرکت‌های تابعه و وابسته به آنها حسب مورد اجازه داده می‌شود تا با رعایت قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم (۴۴) قانون اساسی و تا سقف مبالغی که با پیشنهاد وزارتخانه‌های مربوطه در قوانین بودجه سنواتی درج می‌شود با استفاده از انواع روش‌های سرمایه‌گذاری از جمله بیع متقابل، ساخت، بهره‌برداری و تحویل (B.O.T) تأمین منابع مالی، ساخت و بهره‌برداری، طرح و ساخت کلید در دست، ساخت، بهره‌برداری و مالکیت و سایر روش‌های مصرح در قوانین و مقررات در موارد زیر که به افزایش تولید یا ارتقای کیفیت یا صرفه‌جویی در مصرف کالا یا خدمت یا زمان یا بهبود محیط زیست می‌انجامد با سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان خارجی و بخش غیردولتی داخلی، با اولویت بخش خصوصی و یا تعاونی حسب مورد قرارداد رازی یا ربالی منعقد و یا مجوز سرمایه‌گذاری برای آنان صادر کنند. در مواردی که سرمایه‌گذاری یا اقدامات بخش‌های خارجی و عمومی غیردولتی، خصوصی یا تعاونی داخلی به تولید یا ارتقای کیفیت یا صرفه‌جویی در کالا یا خدمت یا زمان یا بهبود کیفیت محیط زیست بیانجامد وزارتخانه‌های مذکور و سازمان‌ها و شرکت‌های تابعه و وابسته به آنها مجازند در صورت نیاز منافع حاصله را حسب مورد به قیمت‌های صادراتی یا وارداتی (برای سوخت) با نرخ ارز بازار آزاد و برای سایر موارد با قیمت‌های غیر یارانه‌ای با عقد قرارداد از آنها خریداری یا اصل و سود سرمایه‌گذاری را طبق قرارداد منعقد به آنها پرداخت کنند و در صورت تمایل، سرمایه‌گذار می‌تواند نسبت به فروش آنها در داخل یا خارج اقدام نماید.

الف- ...

تبصره ۳- تعهد بازپرداخت اصل و سود سرمایه‌گذاری طرح‌های موضوع این ماده در مواردی که عواید و منابع حاصل از اجرای آنها به حساب درآمد عمومی واریز می‌شود و یا به صرفه‌جویی در مصرف سوخت و کاهش هزینه‌های عمومی می‌انجامد در سقف و ترتیبی که به تصویب شورای اقتصاد می‌رسد به عهده دولت است و وزارت نفت موظف است منابع ناشی از افزایش تولید یا صرفه‌جویی نفت خام، میعانات گازی و گاز و فرآورده‌های نفتی را از محل افزایش درآمد یا کاهش واردات حسب مورد به قیمت‌های صادراتی و وارداتی (برای سوخت) و در سایر موارد به قیمت‌های غیر یارانه‌ای به صورت مستقیم یا از طریق شرکت دولتی تابعه ذی‌ربط طبق قرارداد به سرمایه‌گذار که به روش‌های رقابتی انتخاب گردیده پرداخت کند و همزمان به حساب بدهکار دولت (خزانه‌داری کل کشور) منظور و تسویه حساب کند.

تبصره ۴- ...

نمودن برخی احکام در اجرای آن، به تبع ایرادهای وارد بر ماده (۱۵)، واجد اشکال شرعی و مغایرت با اصول قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

استناد به قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور در بند (ک) تبصره (۲)، به دلیل اینکه مصوبه‌ی مزبور در کل به تصویب مجلس رسیده و مواد متعدد آن نیز از طرف شورای نگهبان تأیید شده است، فاقد اشکال است. به بیان دیگر استناد به آن در اینجا با این فرض صورت گرفته که ایرادهای شورای نگهبان برطرف و اشکالات مطروحه اصلاح می‌شود. لذا چنین استنادی مغایرتی با اصول قانون اساسی نخواهد داشت.

نظر شورای نگهبان

از آنجا که در موارد متعدد در این مصوبه، از جمله بند (ک) تبصره (۲)، به قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور استناد شده است که هنوز مصوبه مرقوم به تصویب نهایی نرسیده و اساساً اطلاق «قانون» به آن نمی‌شود، اشکال دارد. همچنین ماده (۱۵) این مصوبه نیز مورد ایراد این شورا قرار گرفته است؛ قبل از رفع اشکال مذکور، استناد به آن ایراد دارد.

تبصره ۲-

الف- ...

ن- افزایش درآمد حاصل از صادرات نفت خام و میعانات گازی نسبت به درآمد پیش‌بینی شده در ردیف‌های شماره ۲۱۰۱۰۱ و ۲۱۰۱۰۹ جدول شماره (۵) این قانون، مازاد منابع ارزی تا سقف یکصد و پنجاه هزار میلیارد (۱۵۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال پس از کسر سهم شرکت دولتی تابعه ذی‌ربط وزارت نفت، صندوق توسعه ملی و دو درصد (۲٪) توسعه مناطق نفت‌خیز و گازخیز و مناطق محروم، به ردیف درآمدی شماره ۲۱۰۱۱۰ جدول شماره (۵) این قانون واریز و مازاد بر آن پس از کسر سهم صندوق توسعه ملی به حساب ذخیره ارزی واریز می‌گردد.

دیدگاه مغایرت

مطابق بند (۱-۲۲) سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه ابلاغی ۱۳۸۷، می‌بایست سالانه حداقل بیست درصد (۲۰٪) از منابع حاصل از صادرات «نفت»، «گاز» و «فرآورده‌های نفتی» به صندوق توسعه ملی واریز گردد. بند (ن) تبصره (۲)، کسر سهم صندوق توسعه ملی را تنها از

افزایش درآمد حاصل از صادرات «نفت خام» و «میعانات گازی» مورد پیش‌بینی قرار داده است و در آن به کسر سهم صندوق توسعه ملی از «فرآورده‌های نفتی» اشاره‌ای نکرده است. بنابراین، بند مزبور، به دلیل تضییق دامنه‌ی شمول بند (۱-۲۲) سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه، مغایر با این سیاست‌ها و به تبع مغایر با بند (۱) اصل (۱۱۰) قانون اساسی است که بر تعیین سیاست‌های کلی نظام توسط مقام رهبری تأکید می‌کند.

دیدگاه ابهام

بر اساس بند (۱-۲۲) سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه ابلاغی ۱۳۸۷، می‌بایست سالانه حداقل بیست درصد (۲۰٪) از منابع حاصل از صادرات نفت، گاز و فرآورده‌های نفتی به صندوق توسعه ملی واریز گردد. در بند (ن) تبصره (۲)، صرفاً کسر سهم صندوق توسعه ملی را از صادرات «نفت خام» و «میعانات گازی» مورد توجه قرار داده است. بنابراین با توجه به اینکه مشخص نیست آیا «نفت خام» و «میعانات گازی» در بند (ن) تبصره (۲) این لایحه، شامل «فرآورده‌های نفتی» نیز می‌شود یا خیر؟ واجد ابهام است. در صورتی که بند مزبور، شامل فرآورده‌های نفتی نشود، مغایر با بند (۱-۲۲) سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه و در نتیجه اصل (۱۱۰) قانون اساسی خواهد بود و در غیر این صورت، چنین مغایرتی نخواهد بود. بنابراین، باید شمول یا عدم شمول حکم این مصوبه بر فرآورده‌های نفتی به عنوان منبع صندوق توسعه ملی در بند (ن) روشن شود تا بتوان نسبت به مغایرت یا عدم مغایرت آن با اصل (۱۱۰) قانون اساسی اظهار نظر کرد.

نظر شورای نگهبان

بند (ن) این تبصره [= تبصره (۲)]، از این حیث که روشن نیست آیا از فرآورده‌های نفتی صادراتی، سهم صندوق توسعه ملی اخذ می‌گردد یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.

تبصره ۲-

الف- ...

س- به وزارت نفت از طریق شرکت دولتی تابعه ذی‌ربط و وزارت نیرو اجازه داده می‌شود نسبت به تأسیس شرکت گاز استان البرز و شرکت آب و فاضلاب روستایی این استان اقدام کند.

دیدگاه مغایرت

اصل (۵۲) قانون اساسی مقرر کرده است که بودجه‌ی سالانه‌ی کل کشور به ترتیبی که در قانون مقرر می‌شود از طرف دولت تهیه و برای رسیدگی و تصویب به مجلس شورای اسلامی تسلیم می‌شود. مفهوم و ماهیت بودجه در قانون اساسی نیز ناظر بر تعیین هزینه‌ها و درآمدهای سالانه‌ی دولت و تخصیص اعتبارات در ردیف‌های مصوب است. بر این اساس، اعطای مجوز به دولت جهت تأسیس شرکت گاز استان البرز و شرکت آب و فاضلاب روستایی این استان، در بند (س) تبصره (۲)، که یک حکم کلی و دائمی است، ارتباطی با هزینه و درآمدهای دولت و مفهوم و ماهیت بودجه ندارد. در واقع این موضوع باید از طریق قوانین عادی و به صورت دائمی به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد. بنابراین، تصویب بند مزبور، که ماهیت بودجه‌ای ندارد، در لایحه بودجه‌ی سنواتی، مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است.

نظر شورای نگهبان

از آنجا که بند (س) و بند الحاقی (۷) این تبصره [= تبصره (۲)]، ماهیت بودجه‌ای ندارند، مغایر اصل (۵۲) قانون اساسی شناخته شدند.

تبصره ۲-

الف- ...

ع- وزارت نفت مکلف است از محل درآمد حاصل از فروش فرآورده‌های نفتی کشف‌شده اعم از قاچاق یا عرضه خارج از شبکه به ازای کشف و تحویل هر لیتر مواد کشف‌شده نفتی قابل توزیع در شبکه رسمی مصرف به نرخ زمان کشف پس از کسر ده درصد (۱۰٪) هزینه بالاسری (پس از واریز به حساب خزانه‌داری کل کشور) تا سقف ده هزار میلیارد (۱۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال به حساب خاصی نزد خزانه‌داری کل کشور واریز کند تا هشت هزار میلیارد (۸,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال آن بر اساس طرح توزیع ستاد کل نیروهای مسلح و وزارت اطلاعات و مبادله موافقتنامه با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، جهت تقویت بنیه دفاعی و امنیتی اختصاص یابد. ستاد کل نیروهای مسلح می‌تواند تا ده درصد (۱۰٪) از وجوه حاصله را به یگان کاشف و کاشفین اعم از دفاعی و امنیتی اختصاص دهد. تا سقف دو هزار میلیارد (۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال از منابع این بند در اختیار وزارت آموزش و پرورش قرار می‌گیرد تا به منظور تأمین هزینه‌های سوخت و آب و برق واحدهای آموزشی و پرورشی و پردیس‌های استانی

مراکز تربیت معلم «دانشگاه فرهنگیان» هزینه نماید. در صورتی که احکام نهایی فرآورده‌های نفتی کشف‌شده در مراجع رسیدگی، مبنی بر برائت متهم یا متهمان از اتهام وارده باشد، اعتبار لازم جهت استرداد بهای فرآورده‌های فروخته‌شده حسب اظهار مالک و تأیید مرجع رسیدگی‌کننده در همان سال توسط ستاد کل نیروهای مسلح از حساب مذکور تأمین می‌شود. دستورالعمل اجرایی این بند توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور با همکاری وزارتخانه‌های نفت و امور اقتصادی و دارایی، ستاد کل نیروهای مسلح و ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز تهیه می‌شود و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

دیدگاه مغایرت

الف) مطابق با موازین شرع، مالکیت اشخاص محترم بوده و کسی نمی‌تواند در اموال دیگران دخل و تصرف کند. صدر بند (ع)، وزارت نفت را ملزم به هزینه‌کرد درآمد حاصل از فروش فرآورده‌های نفتی کشف‌شده کرده است و این اجازه را داده است که وزارت نفت اموال دیگران را بدون اجازه آنان و بدون محکومیت قطعی از سوی مراجع قضایی صالح بفروشد و در آنها دخل و تصرف کند. در واقع لازم است که در فرآورده‌های نفتی کشف‌شده تا زمان تعیین تکلیف آن در مراجع صالح، تصرف نشود و چنانچه نگهداری آن مشکل باشد پس از فروش، وجه آن در حساب خاصی نگهداری شود تا در فرض برائت متهم یا متهمان از اتهام انتسابی، به آنها بازگردانده شود. بنابراین، بند مزبور از این جهت که مغایر اصل سلطه و مالکیت اشخاص است، با موازین شرعی مغایرت دارد.

ب) مطابق اصل (۳۶) قانون اساسی، حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد. همچنین بر اساس اصل (۴۷) قانون اساسی مالکیت اشخاص که از راه مشروع باشد، محترم است. این در حالی است که به موجب بند (ع)، وزارت نفت مکلف شده است که قبل از رسیدگی قضایی و نهایی شدن مجرمیت متهمان، اموال کشف‌شده از آنان را به فروش رسانده و هزینه کند که این فروش و هزینه‌کرد خود نوعی مجازات محسوب می‌شود. بنابراین، حکم بند مزبور، از این جهت که بدون حکم و از طریق غیر از دادگاه صالح، مالکیت اشخاص را نقض و به نوعی مجازات را بر آنها اعمال می‌کند، مغایر با اصل قانونی بودن مجازات، موضوع اصل (۳۶) و محترم بودن مالکیت افراد موضوع اصل (۴۷) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

حکم مقرر در صدر بند (ع) تبصره (۲) در خصوص فروش فرآورده‌های نفتی کشف‌شده و

الزام وزارت نفت به هزینه‌کرد درآمد حاصله قبل از رسیدگی مراجع قضایی و صدور حکم قطعی، از این جهت است که مأموران متصدی کشف این ارقام با فرض قاچاق بودن یا عرضه‌ی آنها خارج از شبکه‌ی رسمی، اقدام به توقیف و مصادره‌ی آنها نموده‌اند. در این موارد، به نوعی فرض بر این است که غیرقانونی بودن این اموال یقینی است، ضمن اینکه در ذیل بند مزبور نیز با پیش‌بینی امکان استرداد وجوه به صاحبان اموال در صورت صدور احکام نهایی مبنی بر براءة متهم یا متهمان از اتهام وارده، به نوعی حقوق متهمان و صاحبان این اموال در این خصوص تضمین شده است. بنابراین، بند مزبور مغایرتی با موازین شرعی و اصول (۳۶) و (۴۷) قانون اساسی ندارد.

نظر شورای نگهبان

صدر بند (ع) این تبصره [= تبصره (۲)] نیز با توجه به اینکه تصرف در اموال دیگران بدون اجازه آنان شرعاً جایز نیست، اشکال دارد. لذا لازم است که در فرآورده‌های نفتی کشف‌شده تا زمان تعیین تکلیف آن، تصرف نشود و چنانچه نگهداری آن مشکل باشد پس از فروش، وجه آن در حساب خاصی نگهداری تا در فرض براءة متهم یا متهمان به آنها بازگردانده شود. همچنین این قسمت از بند مرقوم، مغایر اصول (۳۶) و (۴۷) قانون اساسی شناخته شد.

تبصره ۲- ...

بند الحاقی ۱- ...

بند الحاقی ۲- به صندوق توسعه ملی اجازه داده می‌شود به منظور پرداخت تسهیلات برای اجرای طرح‌های توسعه‌ای در میادین مشترک نفتی و گازی که به تصویب شورای اقتصاد رسیده مبلغ چهار میلیارد و هشتصد میلیون (۴,۸۰۰,۰۰۰,۰۰۰) دلار در بانک‌ها سپرده‌گذاری نماید.

این تسهیلات با معرفی شرکت دولتی تابعه ذی‌ربط وزارت نفت توسط بانک‌های عامل به سازندگان و پیمانکاران خصوصی و تعاونی طرف قرارداد با این شرکت پرداخت می‌شود.

دیدگاه مغایرت

حکم مقرر در این بند مبنی بر اعطای مجوز به صندوق توسعه‌ی ملی جهت سپرده‌گذاری مبلغ چهار میلیارد و هشتصد میلیون (۴,۸۰۰,۰۰۰,۰۰۰) دلار در بانک‌ها، با هدف تأسیس این صندوق مبنی بر تغییر نگاه به نفت و گاز و درآمدهای حاصل از آن، از منابع تأمین بودجه عمومی به منابع

و سرمایه‌های زاینده‌ی اقتصادی که در بند (۲۲) سیاست‌های کلی برنامه پنجم ابلاغی ۱۳۸۷ مورد تأکید قرار گرفته است، همخوانی ندارد. کما اینکه بند (۱۸) سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ابلاغی ۱۳۹۲ نیز بر لزوم افزایش سهم صندوق توسعه‌ی ملی از منابع حاصل از نفت و گاز تا قطع وابستگی بودجه به نفت اشاره دارد. بنابراین بند مزبور، از این جهت که با روح حاکم بر سیاست‌های کلی ابلاغی مقام رهبری و هدف تأسیس صندوق توسعه‌ی ملی مطابقت ندارد، واجد اشکال و مغایر با بند (۱) اصل (۱۱۰) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

آنچه در این بند، مبنی بر اعطای مجوز به صندوق توسعه‌ی ملی جهت سپرده‌گذاری مبلغ چهار میلیارد و هشتصد میلیون (۴,۸۰۰,۰۰۰,۰۰۰) دلار در بانک‌ها مورد پیش‌بینی قرار گرفته، در واقع به منظور پرداخت تسهیلات برای اجرای طرح‌های توسعه‌ای در میادین مشترک نفتی و گازی بوده که این هدف کاملاً با اهداف و مصارف صندوق که در بند (ط) ماده (۸۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه^(۱) و بند (۲۲) سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه^(۲) همخوانی دارد و مغایرتی از این جهت با سیاست‌های کلی نظام و اصل (۱۱۰) قانون اساسی ندارد.

۱. بند (ط) ماده (۸۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵: «ماده ۸۴- ...

ط- مصارف صندوق:

۱- اعطای تسهیلات به بخش‌های خصوصی، تعاونی و بنگاه‌های اقتصادی متعلق به مؤسسات عمومی غیردولتی برای تولید و توسعه سرمایه‌گذاری‌های دارای توجیه فنی، مالی و اقتصادی.

۲- ...

تبصره ۱- ...

تبصره ۲- اعطای تسهیلات موضوع این ماده فقط به صورت ارزی است و سرمایه‌گذاران استفاده‌کننده از این تسهیلات اجازه تبدیل ارز به ریال در بازار داخلی را ندارند.

تبصره ۳- اعطای کلیه تسهیلات صندوق صرفاً از طریق عاملیت بانک‌های دولتی و غیردولتی خواهد بود.»

۲. بند (۲۲) سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه، ابلاغی مقام معظم رهبری مورخ ۱۳۸۷/۱۰/۲۱: «۲۲- تغییر نگاه به نفت و گاز و درآمدهای حاصل از آن، از منبع تأمین بودجه عمومی به «منابع و سرمایه‌های زاینده اقتصادی» و ایجاد صندوق توسعه ملی با تصویب اساسنامه آن در مجلس شورای اسلامی در سال اول برنامه پنجم و برنامه‌ریزی برای استفاده از مزیت نسبی نفت و گاز در زنجیره صنعتی و خدماتی و پایین‌دستی وابسته بدان با رعایت:

۱- ۲۲- ...

۲- ۲۲- ارائه تسهیلات از منابع صندوق توسعه ملی به بخش‌های خصوصی، تعاونی و عمومی غیردولتی با هدف تولید و توسعه سرمایه‌گذاری در داخل و خارج کشور با در نظر گرفتن شرایط رقابتی و بازدهی مناسب اقتصادی

۳- ۲۲- ...»

نظر شورای نگهبان

بند الحاقی (۲) به تبصره (۲)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

تبصره ۲- ...

بند الحاقی ۶- مطالبات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و بانک‌های تجاری بابت اصل و سود تسهیلات به شرکت دولتی تابعه ذی‌ربط وزارت نفت، به مدت دو سال امهال می‌شود. هزینه‌های امهال به عهده شرکت مذکور است.

دیدگاه مغایرت

اصل (۵۲) قانون اساسی اشعار می‌دارد که بودجه‌ی سالانه‌ی کل کشور به ترتیبی که در قانون مقرر می‌شود از طرف دولت تهیه و برای رسیدگی و تصویب به مجلس شورای اسلامی تسلیم می‌شود. مفهوم و ماهیت «بودجه» در قانون اساسی نیز ناظر بر تعیین هزینه‌ها و درآمدهای سالانه‌ی دولت است. بر این اساس، حکم مقرر در بند الحاقی (۶) این مصوبه مبنی بر امهال دوساله‌ی مطالبات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و بانک‌های تجاری بابت اصل و سود تسهیلات پرداختی به شرکت دولتی تابعه‌ی ذی‌ربط وزارت نفت، به دلیل اینکه ناظر به یک حکم کلی و دائمی - فراتر از یک سال- است، با اصل سالانه‌بودن بودجه در تضاد است. به علاوه، امهال مطالبات بانک‌ها آن هم به مدت دو سال، ارتباطی با دخل و خرج یکساله کشور و ماهیت و مفهوم بودجه ندارد. لذا بند مزبور از این جهت مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

پیش‌بینی صورت‌گرفته در این بند مبنی بر امهال مطالبات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و بانک‌های تجاری بابت اصل و سود تسهیلات پرداختی به شرکت دولتی تابعه‌ی ذی‌ربط وزارت نفت، از این جهت که پرداخت هزینه‌های امهال را بر عهده‌ی شرکت قرار داده است و برای دولت درآمد تعیین کرده است، واجد ماهیت بودجه‌ای است. لذا ذکر آن در قانون بودجه، از این جهت توجیه‌پذیر بوده و تغایری با اصل (۵۲) قانون اساسی ندارد.

نظر شورای نگهبان

بند الحاقی (۶) به تبصره (۲)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

تبصره ۲- ...

بند الحاقی ۷- وزارت نفت از طریق شرکت دولتی تابعه ذی‌ربط خود با رعایت سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی، در تأمین دانش فنی متانل به بنزین (MTG)، متانل به پلی‌پروپیلن (MTPP)، گاز به مایع (GTL)، اسمز معکوس (RO) و غشاهای نانویی مورد نیاز صنعت گاز و پتروشیمی کشور مشارکت نماید به‌گونه‌ای که حداقل یک واحد تولیدی توجیه‌پذیر در موارد مذکور در کشور استقرار یابد.

دیدگاه مغایرت

مفاد بند الحاقی (۷) این مصوبه، مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است؛ زیرا اصل (۵۲) قانون اساسی بیان می‌کند که بودجه‌ی سالانه کل کشور به ترتیبی که در قانون مقرر می‌شود از طرف دولت تهیه و برای رسیدگی و تصویب به مجلس شورای اسلامی تسلیم می‌شود. مفهوم و ماهیت «بودجه» در قانون اساسی نیز ناظر بر تعیین هزینه‌ها و درآمدهای سالانه‌ی دولت و تخصیص اعتبارات در ردیف‌های مصوب است. بر این اساس، مفاد این بند که ناظر بر اعطای مجوز به وزارت نفت از طریق شرکت دولتی تابعه ذی‌ربط جهت مشارکت در تأمین دانش فنی برخی فعالیت‌ها در حوزه صنایع نفت است، از آن جهت که ارتباطی با موضوع بودجه و درآمد و هزینه‌های سالانه‌ی دولت ندارد، فاقد ماهیت بودجه‌ای و در نتیجه مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی محسوب می‌شود. لذا لازم است این‌گونه موارد، تحت قوانین مستقل به تصویب مجلس برسد.

نظر شورای نگهبان

- از آنجا که بند (س) و بند الحاقی (۷) این تبصره [= تبصره (۲)]، ماهیت بودجه‌ای ندارند، مغایر اصل (۵۲) قانون اساسی شناخته شدند.

- تذکر: در بند الحاقی (۷) به تبصره (۲)، بعد از عبارت «تأمین دانش فنی»، واژه «تبدیل» اضافه شود.

تبصره ۳-

الف- در راستای اجرای تبصره (۱) بندهای (الف) و (ب) ماده (۳) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۷/۳/۲۵ و

اصلاحات بعدی آن،^(۱) وزارت امور اقتصادی و دارایی مجاز است از طریق سازمان خصوصی سازی تا پایان سال ۱۳۹۴ کلیه سهام، سهم الشرکه، حق تقدم ناشی از سهام و سهم الشرکه، حقوق مالکانه، حق بهره برداری و مدیریت دولت را در بنگاه های گروه های یک و دو ماده (۲) قانون مذکور^(۲) و شرکت مادر تخصصی (هلدینگ) خلیج فارس و

۱. بندهای (الف) و (ب) ماده (۳) قانون اجرای سیاست های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۷/۳/۲۵: «ماده ۳- قلمرو فعالیت های اقتصادی دولت به شرح زیر تعیین می شود:

الف- مالکیت، سرمایه گذاری و مدیریت برای دولت در آن دسته از بنگاه های اقتصادی که موضوع فعالیت آنها مشمول گروه یک ماده (۲) این قانون است، اعم از طرح های تملک دارایی های سرمایه ای، تأسیس مؤسسه و یا شرکت دولتی، مشارکت با بخش های خصوصی و تعاونی و بخش عمومی غیر دولتی، به هر نحو و به هر میزان ممنوع است.

تبصره ۱- دولت مکلف است سهم، سهم الشرکه، حق تقدم ناشی از سهام و سهم الشرکه، حقوق مالکانه، حق بهره برداری و مدیریت خود را در شرکت ها، بنگاه ها و مؤسسات دولتی و غیردولتی که موضوع فعالیت آنها جزء گروه یک ماده (۲) این قانون است، تا پایان قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به بخش های خصوصی، تعاونی و عمومی غیردولتی واگذار نماید.

تبصره ۲-...

ب- دولت مکلف است هشتاد درصد (۸۰٪) از ارزش مجموع سهام بنگاه های دولتی در هر فعالیت مشمول گروه دو ماده (۲) این قانون به استثناء راه و راه آهن را به بخش های خصوصی، تعاونی و عمومی غیردولتی واگذار نماید. تبصره ۱- دولت مجاز است به منظور حفظ سهم بهینه بخش دولتی در فعالیت های گروه دو ماده (۲) این قانون با توجه به حفظ حاکمیت دولت، استقلال کشور، عدالت اجتماعی و رشد و توسعه اقتصادی به میزانی سرمایه گذاری نماید که سهم دولت از بیست درصد (۲۰٪) ارزش این فعالیت ها در بازار بیشتر نباشد.

تبصره ۲-...

۲. ماده (۲) قانون اجرای سیاست های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۷/۳/۲۵: «ماده ۲- فعالیت های اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران شامل تولید، خرید و یا فروش کالاها و یا خدمات به سه گروه زیر تقسیم می شود:

گروه یک- تمامی فعالیت های اقتصادی به جز موارد مذکور در گروه دو و سه این ماده.

گروه دو- فعالیت های اقتصادی مذکور در صدر اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی به جز موارد مذکور در گروه سه این ماده.

گروه سه- فعالیت ها، مؤسسات و شرکت های مشمول این گروه عبارتند از:

۱) شبکه های مادر مخابراتی و امور واگذاری بسامد (فرکانس)

۲) شبکه های اصلی تجزیه و مبادلات و مدیریت توزیع خدمات پایه پستی

۳) تولیدات محرمانه یا ضروری نظامی، انتظامی و امنیتی به تشخیص فرماندهی کل نیروهای مسلح

۴) شرکت ملی نفت ایران و شرکت های استخراج و تولید نفت خام و گاز

۵) معادن نفت و گاز

۶) بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بانک ملی ایران، بانک سپه، بانک صنعت و معدن، بانک توسعه صادرات، بانک کشاورزی، بانک مسکن و بانک توسعه تعاون

حقوق مالکانه و حق بهره‌برداری از کلیه معادن در حال بهره‌برداری فعال و غیرفعال و نیز باطله‌های قابل فروش موجود در معادن متعلق به دولت و شرکت‌ها و سازمان‌های دولتی از جمله سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران و شرکت‌های تابعه و وابسته به آن سازمان به بخش‌های خصوصی و تعاونی با اولویت تعاونی از طریق بورس، فرابورس و مزایده واگذار و منابع حاصل را به ردیف‌های شماره (۳۱۰۵۰۲) جدول شماره (۵) این قانون واریز کند.

دیدگاه مغایرت

مطابق بند (۱) قسمت (الف) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی ابلاغی مورخ ۱۳۸۴/۳/۱ مقام معظم رهبری،^(۱) دولت حق فعالیت اقتصادی جدید خارج از موارد صدر اصل (۴۴) را ندارد و موظف است هرگونه فعالیت (شامل تداوم فعالیت‌های قبلی و بهره‌برداری از آن) را که مشمول عنوان صدر اصل (۴۴) نباشد، حداکثر تا پایان برنامه‌ی پنج‌ساله چهارم (سالیانه حداقل ۲۰ درصد کاهش فعالیت) به بخش‌های تعاونی و خصوصی و عمومی غیردولتی واگذار کند. این در حالی است که در بند (الف) تبصره‌ی (۳) این مصوبه، در مقام ذکر اشخاصی که سهام و سهم‌الشرکه‌ی موضوع این بند به آنها واگذار می‌شود، تنها به «بخش‌های تعاونی و خصوصی»

→

(۷) بیمه مرکزی و شرکت بیمه ایران

(۸) شبکه‌های اصلی انتقال برق

(۹) سازمان هواپیمایی کشوری و سازمان بنادر و کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران

(۱۰) سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی

(۱۱) رادیو و تلویزیون.

تشخیص، انطباق و طبقه‌بندی فعالیت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی موضوع این ماده با هر یک از سه گروه به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی ظرف شش ماه به تصویب هیئت وزیران می‌رسد و در مورد بند (۳) گروه سه، مصوبه هیئت وزیران باید به تصویب فرماندهی کل نیروهای مسلح برسد.

۱. بند (۱) قسمت (الف) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ابلاغی مورخ ۱۳۸۴/۳/۱

مقام معظم رهبری: «الف- سیاست‌های کلی توسعه بخش‌های غیردولتی و جلوگیری از بزرگ شدن بخش دولتی:

۱- دولت حق فعالیت اقتصادی جدید خارج از موارد صدر اصل (۴۴) را ندارد و موظف است هرگونه فعالیت (شامل تداوم فعالیت‌های قبلی و بهره‌برداری از آن) را که مشمول عنوان صدر اصل (۴۴) نباشد، حداکثر تا پایان برنامه پنج‌ساله چهارم (سالیانه حداقل ۲۰ درصد کاهش فعالیت) به بخش‌های تعاونی و خصوصی و عمومی غیر دولتی واگذار کند. با توجه به مسئولیت نظام در حسن اداره کشور، تداوم و شروع فعالیت ضروری، خارج از عنوان صدر اصل (۴۴) توسط دولت بنا به پیشنهاد هیئت وزیران و تصویب مجلس شورای اسلامی برای مدت معین مجاز است. اداره و تولید محصولات نظامی، انتظامی و اطلاعاتی نیروهای مسلح و امنیتی که جنبه محرمانه دارد، مشمول این حکم نیست.»

اشاره شده و ذکری از «بخش‌های عمومی غیردولتی» نشده است. لذا بند مزبور، از این حیث که با سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی ابلاغی مقام معظم رهبری منطبق نیست، دارای اشکال بوده و در نتیجه مغایر بند (۱) اصل (۱۱۰) قانون اساسی محسوب می‌گردد که تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران را پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام، جزء وظایف و اختیارات رهبری برشمرده است.

دیدگاه عدم مغایرت

حکم مقرر در بند (۱) قسمت (الف) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی در خصوص واگذاری برخی از فعالیت‌های اقتصادی به بخش‌های تعاونی، خصوصی و عمومی غیردولتی، لزوماً به معنای تقسیم مساوی واگذاری‌ها به هر سه بخش مزبور و در هر مصوبه‌ای نیست، بلکه در واقع اجازه‌ای است که دولت می‌تواند به استناد آن و بر اساس مصالح کشور واگذاری‌های خود را به هر کدام از آنها یا به هر سه بخش انجام دهد. به بیان دیگر، مقصود از ذکر نام سه بخش مزبور در سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی، مشخص نمودن اشخاص واجد صلاحیت در این رابطه است؛ یعنی واگذاری فعالیت‌ها نباید خارج از این سه بخش صورت پذیرد. به همین علت بند (الف) تبصره (۳) مصوبه بودجه که صرفاً «بخش‌های تعاونی و خصوصی» را جهت واگذاری سهام و سهم‌الشرکه‌ی موضوع این بند مشخص نموده و لزومی به ذکر نام «بخش‌های عمومی غیردولتی» ندیده است، مغایرتی با سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی و ملاً تغایری با بند (۱) اصل (۱۱۰) قانون اساسی ندارد.

نظر شورای نگهبان

بند (الف) تبصره (۳)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

تبصره ۳-

الف- ...

ج- به دولت اجازه داده می‌شود بدهی‌های خود به بخش‌های خصوصی و تعاونی و پیمانکاران، شهرداری‌ها، صندوق‌های بیمه‌ای، صنایع دفاعی و مصارف جدول (۱۸) را با اولویت پرداخت رد دیون و تعهدات و بدهی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، مطالبات و دیون ایثارگران، جانبازان، آزادگان، خانواده شهدا و مطالبات شاغلان و بازنشستگان ارتش جمهوری اسلامی ایران از محل منابع حاصل از واگذاری سهام، سهم‌الشرکه، حق بهره‌برداری و بهره مالکانه موضوع این تبصره و ردیف شماره (۹)-

۱۰۱۰۰۰) جدول شماره (۸) این قانون پس از تأیید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور با اعلام سازمان حسابرسی و یا ذی‌حساب دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط حسب مورد بدون الزام به رعایت ماده (۲۹) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی^(۱) پرداخت و یا تسویه و سپس تهاتر کند.

واگذاری تهاتری باید با رعایت اصل پنجاه و سوم (۵۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (گردش خزانه) انجام شود و قیمت سهام تهاتر شده نباید از قیمت پایه بورس و یا پایه مزایده کمتر باشد.

پرداخت مطالبات و دیون ایثارگران، جانبازان، آزادگان و خانواده معظم شهدا مشمول تأیید سازمان حسابرسی نمی‌شود و با تأیید ذی‌حساب و رئیس دستگاه اجرایی و تأیید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور انجام می‌پذیرد.

دیدگاه مغایرت

در جزء (۲) بند (د) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ابلاغی مورخ ۱۳۸۴/۳/۱ مقام معظم رهبری،^(۲) تحت عنوان «مصارف درآمدهای حاصله از واگذاری» برای

۱. ماده (۲۹) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۷/۳/۲۵: «ماده ۲۹- با توجه به بند (د) سیاست‌های کلی، وجوه حاصل از واگذاری‌های موضوع این قانون از جمله شرکت‌های مادر تخصصی و عملیاتی به حساب خاصی نزد خزانه‌داری کل کشور واریز و در موارد زیر مصرف می‌شود:
 - ۱- ایجاد خوداتکایی برای خانواده‌های مستضعف و محروم و تقویت تأمین اجتماعی
 - ۲- اختصاص سی درصد (۳۰٪) از درآمدهای حاصل از واگذاری به تعاونی‌های فراگیر ملی به منظور فقرزدایی، شامل تخفیف‌های موضوع ماده (۳۴) این قانون
 - ۳- ایجاد زیربنای اقتصادی با اولویت مناطق کمتر توسعه‌یافته
 - ۴- اعطاء تسهیلات (وجوه اداره شده) برای تقویت تعاونی‌ها و نوسازی و بهسازی بنگاه‌های اقتصادی غیردولتی با اولویت بنگاه‌های واگذار شده و نیز برای سرمایه‌گذاری بخش‌های غیر دولتی در توسعه مناطق کمتر توسعه‌یافته و تقویت منابع بانک توسعه تعاون
 - ۵- مشارکت شرکت‌های دولتی با بخش‌های غیر دولتی تا سقف چهل و نه درصد (۴۹٪) به منظور توسعه اقتصادی مناطق کمتر توسعه‌یافته
 - ۶- تکمیل طرح‌های نیمه تمام شرکت‌های دولتی با رعایت فصل پنجم این قانون
 - ۷- ایفاء وظایف حاکمیتی دولت در حوزه‌های نوین با فناوری پیشرفته و پرخطر
 - ۸- بازسازی ساختاری، تعدیل نیروی انسانی و آماده‌سازی بنگاه‌ها جهت واگذاری.
 - تبصره ۱- اعتبارات بندهای فوق در قوانین بودجه سالانه در جدولی واحد درج خواهد شد.
 - تبصره ۲- آیین‌نامه اجرایی این ماده ظرف مدت سه ماه از تصویب این قانون توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی با همکاری سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و وزارت تعاون تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.
۲. جزء (۲) بند (د) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ابلاغی مورخ ۱۳۸۴/۳/۱

هزینه‌ی وجوه حاصل از واگذاری‌های موضوع سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی، محل‌های شش‌گانه‌ای تعیین گردیده است. ماده (۲۹) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی که در تاریخ ۱۳۸۷/۳/۲۵ به تصویب مجلس رسیده است نیز در راستای اجرایی شدن سیاست‌های کلی مقرر در جزء (۲) بند (د) اصل (۴۴) قانون اساسی وضع شده است. بر این اساس، حکم مقرر در بند (ج) تبصره (۳) این مصوبه که به دولت اجازه داده است بدهی‌های خود به بخش‌های خصوصی و تعاونی و پیمانکاران، شهرداری‌ها، صندوق‌های بیمه‌ای، صنایع دفاعی و برخی مصارف دیگر را با اولویت رد دیون و تعهدات و بدهی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، مطالبات و دیون ایثارگران، جانبازان، آزادگان، خانواده شهدا و مطالبات شاغلان و بازنشستگان ارتش جمهوری اسلامی ایران، از منابع حاصل از واگذاری سهام، سهم‌الشکره، حق بهره‌برداری و بهره‌ی مالکانه (وجوه حاصل از واگذاری‌های موضوع سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی)، بدون الزام به رعایت ماده (۲۹) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی بپردازد، در حقیقت مجوزی برای عدم رعایت جزء (۲) بند (د) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی به دولت داده است. از این رو، حکم بند (ج) تبصره (۳) در تغایر با سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی قلمداد می‌شود؛ چه آنکه اطلاق مصارف پیش‌بینی شده در این بند از تبصره (۳) بودجه، خارج از دایره‌ی تعیین‌شده در سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری است. بنابراین این مصوبه از آن جهت که برخی از محل‌های مصرف برای درآمدهای حاصل از واگذاری‌های موضوع این بند را خارج از مصادیق جزء (۲) بند (د)



مقام معظم رهبری: «د- سیاست‌های کلی واگذاری:

۱-...

۲- مصارف درآمدهای حاصله از واگذاری:

وجوه حاصل از واگذاری سهام بنگاه‌های دولتی به حساب خاصی نزد خزانه‌داری کل کشور واریز و در قالب برنامه‌ها و بودجه‌های مصوب به ترتیب زیر مصرف می‌شود:

۱-۲- ایجاد خوداتکایی برای خانواده‌های مستضعف و محروم و تقویت تأمین اجتماعی.

۲-۲- اختصاص سی درصد (۳۰٪) از درآمدهای حاصل از واگذاری به تعاونی‌های فراگیر ملی به منظور فقرزدایی.

۳-۲- ایجاد زیربنای اقتصادی با اولویت مناطق کمتر توسعه‌یافته.

۴-۲- اعطای تسهیلات (وجوه اداره‌شده) برای تقویت تعاونی‌ها و نوسازی و بهسازی بنگاه‌های اقتصادی غیر دولتی با اولویت بنگاه‌های واگذارشده و نیز برای سرمایه‌گذاری بخش‌های غیر دولتی در توسعه مناطق کمتر توسعه‌یافته.

۵-۲- مشارکت شرکت‌های دولتی با بخش‌های غیردولتی تا سقف چهل و نه درصد (۴۹٪) به منظور توسعه اقتصادی مناطق کمتر توسعه‌یافته.

۶-۲- تکمیل طرح‌های نیمه‌تمام شرکت‌های دولتی با رعایت بند (الف) این سیاست‌ها.

سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی تعیین کرده است و همچنین از آن جهت که دولت را ملزم به رعایت ماده (۲۹) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) نکرده و در نتیجه، به صورت تلویحی بر عدم رعایت سیاست‌های کلی نظام در خصوص اصل (۴۴) قانون اساسی، تأکید کرده است، با بند (۱) اصل (۱۱۰) قانون اساسی که ناظر بر صلاحیت تعیین سیاست‌های کلی نظام توسط رهبری است، مغایر است.

دیدگاه عدم مغایرت

حکم مقرر در این بند، در خصوص دادن اجازه به دولت جهت بازپرداخت بدهی‌های خود به بخش‌های خصوصی و تعاونی و پیمانکاران، شهرداری‌ها، صندوق‌های بیمه‌ای، صنایع دفاعی و برخی مصارف دیگر از منابع حاصل از واگذاری سهام، سهم‌الشركه، حق بهره‌برداری و بهره‌ی مالکانه، به این دلیل که منطبق با برخی از مصادیق بند (۲) قسمت (د) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی، از جمله ایجاد خوداتکایی برای خانواده‌های مستضعف و محروم و تقویت تأمین اجتماعی و ... است، تغایری با بند (۱) اصل (۱۱۰) قانون اساسی ندارد.

نظر شورای نگهبان

- نظر به اینکه جزء (۲) بند (د) سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی مصارف وجوه حاصله را مشخص نموده است، لذا اطلاق بند (ج) تبصره (۳)، مغایر بند مذکور و بالتجیه مغایر بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی شناخته شد.

- تذکر: در بند (ج) تبصره (۳)، عبارت «پرداخت رد دیون» نیازمند اصلاح عبارتی است.

تبصره ۳-

الف- ...

د- هزینه کارشناسی از محل منابع حاصل از واگذاری‌ها توسط سازمان خصوصی‌سازی قابل تأمین و پرداخت است.

دیدگاه مغایرت

در جزء (۲) بند (د) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ابلاغی مورخ ۱۳۸۴/۳/۱ مقام معظم رهبری،^(۱) تحت عنوان «مصارف درآمدهای حاصله از واگذاری» برای

۱. برای آگاهی از مفاد جزء (۲) بند (د) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بنگرید به پاورقی پیشین.

هزینه‌ی وجوه حاصل از واگذاری‌های موضوع سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی محل‌های شش‌گانه‌ای تعیین گردیده است. بر این اساس، پیش‌بینی صورت گرفته در بند (د) تبصره (۳) مبنی بر قابل پرداخت بودن هزینه‌ی کارشناسی از محل منابع حاصل از واگذاری‌ها، به این دلیل که پرداخت این هزینه‌ها جزء «مصارف درآمدهای حاصله از واگذاری» موضوع جزء (۲) بند (د) سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی محسوب نمی‌شود، برخلاف سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی است و از این جهت، مغایر با بند (۱) اصل (۱۱۰) قانون اساسی است که تعیین سیاست‌های کلی نظام را از جمله صلاحیت‌های رهبری شمرده است.

دیدگاه عدم مغایرت

پرداخت هزینه‌ی کارشناسی از محل منابع حاصل از واگذاری‌ها که در بند (د) این تبصره، پیش‌بینی شده است، جزء لوازم ضروری هرگونه واگذاری است و بدون آن عملاً امکان اجرای فرایندهای مربوطه وجود نخواهد داشت. پس این مصوبه از این حیث تغییری با جزء (۲) بند (د) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی ندارد و لاجرم مغایرتی با بند (۱) اصل (۱۱۰) قانون اساسی نیز نخواهد داشت.

نظر شورای نگهبان

بند (د) تبصره (۳)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

تبصره ۳-

الف- ...

ل- درآمد اماکن ورزشی اجاره داده شده موضوع ماده (۵) قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲)،^(۱) صرفاً برای ورزش همان شهرستان

۱. ماده (۵) قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲) مصوب ۱۳۹۳/۹/۱۹:

«ماده ۵- به دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری اجازه داده می‌شود واحدهای خدماتی و رفاهی و مجتمع‌های فرهنگی، هنری و مازاد ورزشی را از طریق برگزاری مزایده به اشخاص صاحب صلاحیت بخش‌های خصوصی، تعاونی، شهرداری‌ها و دهیاری‌ها با اولویت بخش تعاونی در شرایط برابر و در اماکن ورزشی در شرایط مساوی با اولویت فدراسیون‌های ورزشی، رده‌های مقاومت بسیج و هیئت‌های ورزشی استانی و شهرستانی به صورت اجاره واگذار نماید. نظارت بر کاربری و استانداردهای بهره‌برداری و خدمات‌رسانی این مؤسسات و همچنین رعایت حقوق مصرف‌کننده به عنوان بخشی از قرارداد فی‌مابین بر عهده دستگاه اجرایی مربوط است. معادل وجوه حاصل از اجرای این ماده بر اساس ردیف‌های درآمد- هزینه‌ای که در قوانین بودجه

هزینه می‌شود و انتقال و هزینه آن به شهرستان دیگر ممنوع است.

دیدگاه مغایرت

مطابق اصل (۵۳) قانون اساسی همه‌ی پرداخت‌های دولت باید در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون (= قانون بودجه‌ی سنواتی) انجام گیرد. به بیان دیگر در واقع آنچه اصل (۵۳) قانون اساسی مدّ نظر دارد توجه به این نکته است که همه‌ی هزینه‌های کشور می‌بایست در سند بودجه‌ی سالانه‌ی کشور به صورت دقیق و با ذکر ردیف و سقف مشخص پیش‌بینی شود. بر همین اساس، حکم مقرر در بند (ل) تبصره (۳) مبنی بر لزوم هزینه‌ی درآمد اماکن ورزشی اداره شده برای ورزش همان شهرستان، به دلیل اینکه فاقد ردیف بوده و سقف، میزان و مبلغ آن نیز نامشخص است، مغایر اصل (۵۳) قانون اساسی محسوب می‌شود.

نظر شورای نگهبان

بند (ل) این تبصره [= تبصره (۳)]، از حیث فقدان ردیف و مشخص نبودن سقف، مغایر اصل (۵۳) قانون اساسی شناخته شد.

تبصره ۳-

الف- ...

ف- کارفرمایان بخش‌های خصوصی و تعاونی مکلفند در مجموعه‌های بیش از هزار واحد مسکونی که در سال ۱۳۹۴ نسبت به عقد قرارداد ساخت آنها اقدام می‌کنند، بر اساس برآورد اداره اوقاف و امور خیریه هزینه‌های احداث مسجد و خانه عالم را تأمین و یا رأساً نسبت به احداث آن اقدام کنند.

دولت موظف است در مجموعه‌های بیش از هزار واحد مسکونی، واحدهای آموزشی، فرهنگی، پاسگاه و کلاتری، مدرسه و پایگاه بسیج احداث کند.



سنواتی به صورت ملی یا استانی پیش‌بینی می‌شود، به دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط ملی یا استانی اختصاص می‌یابد تا در قالب مبادله موافقتنامه با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور هزینه شود.

آیین‌نامه اجرایی این ماده شامل نحوه واگذاری، تعیین و واریز وجوه اجاره‌بها به درآمدهای عمومی نزد خزانه‌داری کل کشور، نحوه تعیین صلاحیت شرکت‌ها و ارائه خدمات به مصرف‌کنندگان با پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.»

دیدگاه مغایرت

الف) مطابق اصل (۵۳) قانون اساسی همه پرداخت‌ها و هزینه‌های دولت باید در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون (= قانون بودجه سنواتی) انجام گیرد. عبارت «حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون» در این اصل به معنای تعیین هزینه‌ها، محل مصارف و تعیین ردیف‌های اعتباری مربوطه به صورت مشخص و با تعیین میزان و مبلغ آنها در قانون بودجه‌ی سنواتی است. بر این اساس، ملزم نمودن دولت در ذیل بند (ف) تبصره (۳)، به احداث واحدهای آموزشی، فرهنگی، پاسگاه و کلاتری، مدرسه و پایگاه بسیج در مجموعه‌های بیش از هزار واحد مسکونی به دلیل اینکه فاقد ردیف اعتباری مشخص و تعیین میزان هزینه‌ها است، مغایر اصل (۵۳) قانون اساسی است.

ب) مطابق با اصل (۷۵) قانون اساسی، طرح‌های قانونی و پیشنهادها و اصلاحاتی که نمایندگان مجلس در لوایح اعمال می‌کنند چنانچه منجر به افزایش هزینه‌های عمومی دولت شود، در صورتی قابل طرح در مجلس است که طُرُق تأمین این هزینه‌ها مشخص شود. با این وصف، از آنجا که از سویی حکم مقرر در ذیل بند (ف) تبصره (۳) این مصوبه، که دولت را به احداث واحدهای آموزشی، فرهنگی، پاسگاه و کلاتری، مدرسه و پایگاه بسیج ملزم کرده، به موجب پیشنهاد نمایندگان مجلس به لایحه‌ی دولت الحاق شده است و از سوی دیگر، برای این حکم که موجب افزایش هزینه‌های عمومی دولت می‌شود، محل و منبعی برای تأمین این هزینه‌ها مشخص نشده است، بند (ف) تبصره (۳) مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

الزام دولت در ذیل بند (ف) تبصره (۳) به احداث واحدهای آموزشی، فرهنگی، پاسگاه و کلاتری، مدرسه و پایگاه بسیج در مجموعه‌های بیش از هزار واحد مسکونی، تغایری با اصل (۵۳) قانون اساسی ندارد؛ زیرا محل تأمین و ردیف هزینه‌ی احداثات مزبور از محل بودجه‌ای است که در این لایحه جهت ساخت واحدهای مسکونی به دولت تعلق گرفته است. بر این اساس، دیگر نیازی به ذکر ردیف‌های جدید در این مصوبه نیست.

نظر شورای نگهبان

فراز دوم بند (ف) این تبصره [= تبصره (۳)]، مغایر اصل (۵۳) قانون اساسی می‌باشد.

ص- مطالبات سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران و سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران موضوع بند (الف) ماده (۱۹) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷^(۱) و بند (ج) ماده (۸) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱^(۲) بابت واگذاری‌های قبل از ابلاغ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی به مبلغ سه هزار و سیصد میلیارد (۳,۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال از محل فروش اموال سهام، سهم‌الشرکه، اموال بنگاه‌ها یا منابع حاصل از فروش آنها تأمین کند و برای سرمایه‌گذاری در مناطق کمتر توسعه‌یافته و حوزه‌های نوین با فناوری پیشرفته و تکمیل طرح‌های نیمه‌تمام به حساب سازمان ذی‌ربط واریز می‌شود.

فراز الحاقی- به سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران اجازه داده می‌شود با استفاده از منابع داخلی خود، تسهیلات ریالی و ارزی در قالب تسهیلات تأمین مالی خارجی (فاینانس)، بیع متقابل (بای‌بک)، خرید محصول (بای‌پروداکت) و سایر روش‌های تأمین مالی نسبت به سرمایه‌گذاری تبدیل گاز طبیعی به فرآورده تا جمع سه میلیون تن در مناطق کمتر توسعه‌یافته کشور اقدام کند تا ضمن ایجاد ارزش افزوده، زمینه سرمایه‌گذاری‌های پایین‌دستی توسط بخش خصوصی فراهم شود.

۱. بند (الف) ماده (۱۹) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷: «ماده ۱۹- درآمدهای ناشی از فروش سهام شرکت‌ها، فروش دارایی‌ها، اجاره شرکت‌ها و کلیه قراردادهای موضوع این فصل در دوره مالی مورد نظر پس از واریز به خزانه به صورت زیر هزینه می‌شود: الف- پنجاه درصد (۵۰٪) با اولویت پرداخت بدهی شرکت قابل فروش به منظور اصلاح ساختار شرکت‌های در حال فروش و بهسازی و آماده‌سازی شرکت‌ها برای فروش و توسعه صنعتی به حساب شرکت‌های مادر ذی‌ربط. ب- ...»

۲. بند (ج) ماده (۸) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱: «ماده ۸- وجوه حاصل از فروش سهام شرکت‌های دولتی در حساب خاصی نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به نام خزانه‌داری کل کشور، متمرکز و به حساب‌های مربوط منتقل می‌گردد: الف- ...»

ج- معادل هفتاد درصد (۷۰٪) به حساب شرکت مادر تخصصی ذی‌ربط برای موارد ذیل:

۱- پرداخت دیون شرکت مادر تخصصی به دولت (وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی و خزانه‌داری کل کشور)

۲- آماده‌سازی، بهسازی و اصلاح ساختار شرکت‌های دولتی برای واگذاری

۳- کمک به تأمین هزینه‌های تعدیل نیروی انسانی و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای (مهارتی) کارکنان شرکت‌های قابل واگذاری

۴- کمک به توانمندسازی بخش‌های خصوصی و تعاونی در فعالیت‌های اقتصادی در قالب بودجه‌های سنویتی

۵- تکمیل طرح‌های نیمه‌تمام و سرمایه‌گذاری در چارچوب بودجه مصوب.»

دیدگاه مغایرت

بر مبنای بند (الف) ماده (۸۲) قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی پنجم توسعه مصوب ۱۳۸۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام،^(۱) دولت صرفاً مجاز به استفاده از روش‌های بیع متقابل و تسهیلات مالی خارجی (فاینانس) در طول برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی پنجم توسعه است. این در حالی است که به موجب فراز الحاقی این مصوبه، به سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران اجازه داده شده است که به منظور سرمایه‌گذاری در تبدیل گاز طبیعی به فرآورده، علاوه بر استفاده از برخی منابع از جمله منابع داخلی خود، تسهیلات ریالی و ارزی در قالب تسهیلات تأمین مالی خارجی (فاینانس)، بیع متقابل (بای‌بک) و خرید محصول (بای‌پروداکت)، از سایر «روش‌های تأمین مالی» نیز استفاده کند. از آنجا که اطلاق این فراز الحاقی، منجر به توسعه‌ی شمول آن به غیر از منابع مندرج در مصوبه‌ی مجمع می‌شود، مغایر با مصوبه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام و در نتیجه مغایر با اصل (۱۱۲) قانون اساسی و نظریه‌ی تفسیری شورای نگهبان از این اصل می‌باشد. مطابق این اصل و نظریه‌ی شماره ۵۳۱۸ مورخه ۱۳۷۲/۷/۲۴ شورای نگهبان،^(۲) هیچ‌یک از مراجع قانون‌گذاری حق رد و ابطال و نقض و فسخ مصوبه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام را ندارند.

دیدگاه عدم مغایرت

شورای نگهبان در هنگام بررسی لایحه‌ی برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی پنجم توسعه، از آن جهت که فاینانس (روش تأمین مالی) را مشتمل بر روش‌های ربوی می‌داند، مصوبه مربوط به قانون برنامه‌ی پنجم را مغایر با شرع تشخیص داد که در نهایت با اصرار مجلس شورای اسلامی بر مصوبه‌ی مزبور، روش تأمین مالی (فاینانس) در مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسید. آنچه در فراز الحاقی

۱. بند (الف) ماده (۸۲) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵: «ماده ۸۲- الف- استفاده دستگاه‌های اجرایی از تسهیلات مالی خارجی در طول برنامه در قالب قوانین بودجه سنواتی مجاز است. سهمیه‌های باقیمانده تسهیلات مصوب بیع متقابل و تسهیلات مالی خارجی (فاینانس) مربوط به برنامه‌های سوم و چهارم (با رعایت ضوابط اسلامی از جمله تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام) در طول برنامه پنجم نیز به قوت خود باقی است.

ب- ...»

۲. نظریه‌ی تفسیری شماره ۵۳۱۸ مورخ ۱۳۷۲/۷/۲۴ شورای نگهبان: «هیچ یک از مراجع قانون‌گذاری حق رد و ابطال و نقض و فسخ مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام را ندارد؛ اما در صورتی که مصوبه مجمع مصلحت مربوط به اختلاف نظر شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی بود، مجلس پس از گذشت زمان معتدبه که تغییر مصلحت موجه باشد حق طرح و تصویب قانون مغایر را دارد و در مواردی که موضوع به عنوان معضل از طرف مقام معظم رهبری به مجمع ارسال شده باشد در صورت استعلام از مقام رهبری و عدم مخالفت معظم‌له، موضوع قابل طرح در مجلس شورای اسلامی می‌باشد.»

به بند (ص) تبصره (۳) در خصوص اعطای مجوز به سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران جهت استفاده از «سایر روش‌های تأمین مالی» آمده، غیر منطبق با مصوبه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام نیست. توضیح آنکه، مصادیق «سایر روش‌های دیگر» از دو حالت خارج نیست؛ یا شامل روش‌های مشروع و غیر ربوی است که این موضوع منطبق با قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران است و ایرادی نسبت به آن وارد نیست و یا اینکه منظور از «سایر روش‌های دیگر»، روش‌های تأمین مالی غیر مشروع و ربوی است که در حالت اخیر، روش‌های مزبور از مصادیق روش تأمین مالی (فاینانس) هستند که به‌کارگیری آنها به موجب قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی پنجم توسعه مجمع تشخیص مصلحت نظام به صورت موقت در طول اجرای برنامه‌ی پنجم توسعه تجویز شده است. بنابراین، این فراز الحاقی در مصوبه‌ی بودجه، ضمن اینکه ابهامی از این جهت ندارد، مغایرتی با مصوبه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام و در نتیجه اصل (۱۱۲) قانون اساسی و نظریه‌ی تفسیری شماره ۵۳۱۸ مورخ ۱۳۷۲/۷/۲۴ شورای نگهبان در خصوص اصل (۱۱۲) ندارد.

دیدگاه ابهام

در فراز الحاقی بند (ص)، به سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران اجازه داده شده تا از سایر روش‌های تأمین مالی جهت سرمایه‌گذاری در تبدیل گاز طبیعی به فرآورده استفاده کند. در این فراز، عبارت «روش‌های تأمین مالی»، از این جهت که مشخص نیست آیا شامل روش‌های تأمین مالی ربوی و غیر مشروع نیز می‌شود یا نه، واجد ابهام است و لذا اظهار نظر در خصوص آن ممکن نیست؛ زیرا اگر اطلاق عبارت مزبور، شامل روش‌های تأمین مالی ربوی و یا غیرشرعی باشد، این فراز الحاقی مغایر با موازین شرع است و در غیر این صورت، این مصوبه مغایرتی با موازین شرعی ندارد. لذا ابتدا باید این ابهام مصوبه برطرف شود تا بتوان نسبت به مغایرت و یا عدم مغایرت آن با موازین شرع اظهار نظر کرد.

نظر شورای نگهبان

در فراز الحاقی به بند (ص) این تبصره [= تبصره (۳)]، عبارت «سایر روش‌های تأمین مالی» از این جهت که مشخص نیست آیا شامل موارد غیر مشروع هم می‌شود یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.

تبصره ۳- ...

بند الحاقی ۱- ...

بند الحاقی ۲- وزارت راه و شهرسازی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، شهرداری‌ها و بخش‌داری‌ها موظفند بنا بر درخواست سازمان بسیج مستضعفان در شهرک‌ها و شهرهای جدید، اراضی مناسب را با در نظر گرفتن طرح‌های تفصیلی و هادی مصوب، با رعایت ماده (۶۹) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷،^(۱) جهت احداث حوزه‌های مقاومت بسیج و سالن‌های ورزشی صالحین پس از آماده‌سازی بدون اخذ هزینه در اختیار سازمان بسیج قرار دهند.

دیدگاه مغایرت

الف) مطابق با اصل (۵۲) قانون اساسی، بودجه‌ی سالانه کشور باید توسط دولت تهیه و تنظیم و برای تصویب به مجلس تسلیم شود. بر اساس این اصل، صرفاً آنچه مشمول تعریف بودجه‌ی سالانه‌ی کل کشور و ناظر بر هزینه-درآمد یکساله‌ی دولت است، باید در مصوبه‌ی بودجه لحاظ شود. حکم مقرر در بند الحاقی (۲) به تبصره (۳) در خصوص الزام وزارت راه و شهرسازی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، شهرداری‌ها و بخش‌داری‌ها به واگذاری اراضی مورد درخواست بسیج به این نهاد پس از آماده‌سازی و بدون اخذ هزینه، به دلیل اینکه جزء دخل و خرج سالانه‌ی کشور محسوب نمی‌گردد، فاقد ماهیت بودجه‌ای است و نباید در قالب بودجه‌ی سنواری گنجانده شود، بلکه باید در مصوبه‌ای غیر از بودجه، به تصویب مجلس برسد. بنابراین این بند، از این جهت مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است.

ب) مطابق با اصل (۷۵) قانون اساسی، طرح‌های قانونی و پیشنهادها و اصلاحاتی که نمایندگان مجلس در لوایح اعمال می‌کنند چنانچه منجر به کاهش درآمد عمومی دولت شود، در صورتی قابل طرح در مجلس است که محل جبران کاهش آن درآمدها مشخص شود. بر این اساس، حکم مقرر در بند الحاقی (۲) به تبصره (۳) مبنی بر تکلیف وزارت راه و شهرسازی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، شهرداری‌ها و بخش‌داری‌ها به واگذاری اراضی مورد درخواست بسیج به

۱. ماده (۶۹) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷: «ماده ۶۹- کلیه اراضی، املاک و ابنیه‌ای که برای استفاده وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی از جمله مؤسساتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام یا تصریح نام یا تابع مقررات و قوانین خاص است به یکی از طرق قانونی تملک شده است و یا به نام آن وزارتخانه، مؤسسه خریداری شده یا می‌شود متعلق به دولت بوده و در اسناد مالکیت آنها نام دولت جمهوری اسلامی ایران به عنوان مالک با حق استفاده وزارتخانه یا مؤسسه مربوط درج می‌گردد. تغییر دستگاه بهره‌بردار در هر مورد به عهده هیئت وزیران می‌باشد. کلیه اسناد، سوابق، مدارک موجود مرتبط با این اموال در اختیار وزارت امور اقتصادی و دارایی (اداره کل اموال دولتی) قرار می‌گیرد و در خصوص واگذاری حق استفاده از ساختمان‌های مازاد دستگاه‌های مذکور مطابق بند (ب) ماده (۸۹) این قانون اقدام خواهد شد.»

این نهاد پس از آماده‌سازی و بدون اخذ هزینه، چون اولاً به موجب پیشنهاد نمایندگان مجلس به لایحه‌ی بودجه الحاق شده است؛ ثانیاً اجرای این حکم، در عمل منجر به کاهش درآمد دولت می‌شود و ثالثاً طریقی برای جبران این کاهش درآمد دولت در این مصوبه‌ی مجلس در نظر گرفته نشده است، مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است.

ج) مطابق اصل (۵۳) قانون اساسی همه پرداخت‌های دولت باید در حدود اعتبارات مصوب، به موجب قانون انجام گیرد. عبارت «حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون» در این اصل به معنای تعیین هزینه‌ها، محل مصارف و تعیین ردیف‌های اعتباری مربوطه به صورت مشخص و با تعیین میزان و مبلغ آنها در مصوبه‌ی بودجه‌ی سالانه است. با این وصف، از آنجا که حکم مقرر در بند الحاقی (۲) به تبصره (۳) مبنی بر الزام وزارت راه و شهرسازی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، شهرداری‌ها و بخشدارهای به واگذاری اراضی مورد درخواست سازمان بسیج به این نهاد، به‌رغم داشتن هزینه برای دولت جهت آماده‌سازی این اراضی، فاقد ردیف بودجه و تعیین اعتبار مشخص در این مصوبه است، مغایر با اصل (۵۳) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) حکم مقرر در بند الحاقی (۲) به تبصره (۳) در خصوص الزام وزارت راه و شهرسازی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، شهرداری‌ها و بخشدارهای به واگذاری اراضی مورد درخواست سازمان بسیج به این نهاد، هزینه‌ای برای دولت ندارد؛ چه آنکه در این مصوبه، صرفاً موضوع انتقال زمین به سازمان بسیج مدّ نظر بوده است. بر این اساس، این حکم نیازی به گنجانیدن ردیف و یا اعتباری مشخص در قانون بودجه ندارد. بنابراین مصوبه‌ی مزبور از این جهت، تغایری با اصل (۵۳) قانون اساسی که بر تعیین اعتبارات مصوب و ذکر ردیف هزینه‌ها در قانون بودجه تأکید می‌کند، ندارد.

ب) مکلف نمودن وزارت راه و شهرسازی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، شهرداری‌ها و بخشدارهای به واگذاری اراضی مورد درخواست سازمان بسیج به این نهاد در بند الحاقی (۲) به تبصره (۳)، در واقع انتقال یک مال از یک نهاد دولتی به یک نهاد دولتی دیگر است که از این جهت باعث کاهش درآمد عمومی دولت نمی‌شود. بنابراین حکم مقرر در این مصوبه، نیازی به پیش‌بینی طریق جبران کاهش درآمد توسط نمایندگان مجلس نداشته است تا بخواهیم عدم تعیین طریق جبران کاهش درآمد در این مصوبه را مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی بدانیم.

نظر شورای نگهبان

– بند الحاقی (۲) به تبصره (۳)، مغایر اصول (۵۲) و (۵۳) قانون اساسی است.

- تذکر: در بند الحاقی (۲) به تبصره (۳)، واژه «مستضعفان» به «مستضعفین» اصلاح شود.

تبصره ۵-

و- ...

ز- به منظور تحقق بخشی از اهداف مندرج در قانون حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان و تجاری‌سازی نوآوری و اختراعات مصوب ۱۳۸۹/۸/۵ به ویژه تبصره (۲) ماده (۵) قانون مذکور،^(۱) معادل ریالی مبلغ سیصد میلیون (۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰) دلار از محل صندوق توسعه ملی بابت حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان اختصاص می‌یابد. مبلغ ارزی مذکور برای صندوق توسعه ملی بازگشت از منابع محسوب می‌شود. تبدیل دلار به ریال موضوع این بند زیر نظر بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران صورت می‌گیرد.

دیدگاه مغایرت

مطابق با اصل (۵۲) قانون اساسی، بودجه‌ی سالانه کل کشور باید توسط دولت تهیه و تنظیم و برای تصویب به مجلس تسلیم شود. بر اساس این اصل، صرفاً آنچه مشمول تعریف بودجه‌ی سالانه کل کشور و مشتمل بر هزینه-درآمد یکساله‌ی دولت است باید در لایحه‌ی بودجه لحاظ شود. با این وصف، پیش‌بینی صورت‌گرفته در بند (ز) تبصره (۵)، در خصوص اختصاص معادل

۱. تبصره (۲) ماده (۵) قانون حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان و تجاری‌سازی نوآوری و اختراعات مصوب ۱۳۸۹/۸/۵: «ماده ۵- به منظور کمک به تجاری‌سازی نوآوری‌ها و اختراعات و شکوفاسازی و کاربردی نمودن دانش فنی از طریق ارائه کمک و تسهیلات قرض‌الحسنه و تسهیلات بدون اخذ هرگونه تضمین و مشارکت با اختیار بخشش تمام یا بخشی از سهم مشارکت به شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان، صندوقی تحت عنوان صندوق نوآوری و شکوفایی وابسته به شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری و زیر نظر رئیس شورا تأسیس می‌شود. منابع مالی صندوق شامل کمک‌های دولت، اعتبارات مندرج در بودجه سالانه، هرگونه کمک و سرمایه‌گذاری اشخاص حقیقی و حقوقی و شرکت‌های دولتی وابسته و تابع، نهادهای عمومی غیر دولتی و شهرداری‌ها و شرکت‌های وابسته و تابع می‌باشد.

بانک‌ها نیز می‌توانند بخشی از منابع تسهیلات موضوع صندوق یادشده را تأمین نمایند. به منظور تأمین منابع مالی صندوق، دولت موظف است از سال سوم به بعد در لایحه بودجه، حداقل نیم درصد (۰/۵٪) از منابع بودجه عمومی خود را جهت کمک به این صندوق در نظر بگیرد.

تبصره ۱- ...

تبصره ۲- سرمایه اولیه صندوق نوآوری و شکوفایی به میزان سی هزار میلیارد (۳۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال به تدریج حداکثر ظرف سه سال از محل صندوق توسعه ملی یا حساب ذخیره ارزی تأمین می‌گردد.

تبصره ۳- ...»

ریالی مبلغ سیصد میلیون دلار از محل صندوق توسعه ملی بابت حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان، به این دلیل که فاقد ماهیت بودجه‌ای است، مغایر اصل (۵۲) قانون اساسی محسوب می‌شود. توضیح اینکه، صندوق توسعه ملی دارای اساسنامه و به تبع آن هیئت امنا است و تصمیم‌گیری در خصوص نحوه اختصاص منابع آن بر مبنای سازوکار پیش‌بینی شده در اساسنامه و توسط هیئت امنا صورت می‌گیرد و نیازی به درج آن در بودجه‌ی سنواتی نیست. به عبارت دیگر، منابع صندوق توسعه ملی ارتباطی با بودجه‌ی عمومی دولت ندارد و نباید در قانون بودجه‌ی سالانه که متکفل تعیین حدود و ثغور درآمدها و هزینه‌های سالانه‌ی کشور است تعیین تکلیف شود. بنابراین چون موضوع این بند، جزء دخل و خرج سالانه‌ی کشور محسوب نمی‌گردد، ماهیت بودجه‌ای نداشته و تصویب آن در قانون بودجه، مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است.

نظر شورای نگهبان

همان‌طور که هر ساله به استحضار عالی رسید، در بودجه کل کشور مواردی که فاقد ماهیت بودجه‌ای است، منظور می‌گردد که همواره از طرف این شورا مورد اشکال قرار گرفته است. اگرچه با تصویب قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲)، مقداری از این اشکالات رفع گردیده، اما به لحاظ طرح بودن مصوبه مرقوم، کل اشکال مربوطه مرتفع نشده است. شایسته است دولت و مجلس ترتیبی اتخاذ نمایند تا موارد مذکور به صورت لایحه قانونی مورد بررسی و تصویب قرار گیرند.

تبصره ۵- ...

ی- در سال ۱۳۹۴ طرح‌های نیمه‌تمام تولیدی و اقتصادی بخش خصوصی و تعاونی که از حساب ذخیره ارزی، تسهیلات ارزی دریافت کرده‌اند و در حال حاضر به دلیل عوامل غیرارادی امکان انجام تعهدات خود را ندارند، می‌توانند با رعایت ماده (۸۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران^(۱) و مقررات صندوق توسعه ملی باقی‌مانده تسهیلات خود را از این صندوق دریافت کنند.

۱. ماده (۸۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵: «ماده ۸۴- صندوق توسعه ملی که در این ماده صندوق نامیده می‌شود با هدف تبدیل بخشی از عواید ناشی از فروش نفت و گاز و میعانات گازی و فرآورده‌های نفتی به ثروت‌های ماندگار، مؤلف و سرمایه‌های زاینده اقتصادی و نیز حفظ سهم نسل‌های آینده از منابع نفت و گاز و فرآورده‌های نفتی تشکیل می‌شود. صندوق در تهران مستقر است و در تهران و سایر نقاط کشور شعبه‌ای نخواهد داشت. اموال و دارایی‌های این



صندوق متعلق به دولت جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. این ماده در حکم اساسنامه صندوق است.

الف- ارکان صندوق عبارتند از:

۱- هیئت امناء

۲- هیئت عامل

۳- هیئت نظارت

ب- هیئت امناء به عنوان بالاترین رکن صندوق، دارای وظایف و اختیارات زیر است:

۱- راهبری، تعیین سیاست‌ها و خط مشی‌ها

۲- تصویب شرایط و نحوه اعطاء تسهیلات برای تولید و سرمایه‌گذاری به بخش‌های خصوصی، تعاونی و عمومی غیردولتی

۳- تصویب نظامنامه‌ها، برنامه‌های راهبردی، بودجه سالانه، صورت‌های مالی و گزارش عملکرد صندوق

۴- انتخاب رئیس و سایر اعضاء هیئت عامل مطابق بندهای (د) و (ه)

۵- عزل رئیس و اعضاء هیئت عامل با پیشنهاد هر یک از اعضاء هیئت امناء و تصویب هیئت امناء

۶- اتخاذ تصمیم درباره ارجاع دعاوی به داوری و صلح دعاوی با رعایت اصل یکصد و سی و نهم (۱۳۹) قانون اساسی

۷- تعیین انواع فعالیت‌های مورد قبول و واجد اولویت پرداخت تسهیلات در بخش‌ها و زیربخش‌های تولیدی و خدماتی زاینده و با بازده مناسب اقتصادی

۸- تعیین حداقل نرخ بازده مورد انتظار از منابع صندوق و همچنین نرخ بازده مورد قبول طرح‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری برای پرداخت تسهیلات و تعیین نرخ سهم مشارکت در طرح‌های سرمایه‌گذاری به نحوی که میانگین این نرخ‌ها کمتر از متوسط نرخ بازده سپرده‌های بانک مرکزی در بازارهای خارجی نباشد.

ج- هیئت امناء

ترکیب اعضاء هیئت امناء به شرح زیر است:

۱- رئیس جمهور (رئیس هیئت امناء)

۲- معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور (دبیر هیئت امناء)

۳- وزیر امور اقتصادی و دارایی

۴- وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی

۵- وزیر نفت

۶- رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

۷- رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران به عنوان عضو ناظر و بدون حق رأی

۸- رئیس اتاق تعاون ایران به عنوان عضو ناظر و بدون حق رأی

۹- دو نفر نماینده از کمیسیون‌های اقتصادی و برنامه و بودجه و محاسبات به انتخاب مجلس شورای اسلامی

۱۰- دادستان کل کشور

تبصره ۱- جلسات هیئت امناء حداقل سالی دو بار تشکیل می‌شود.

تبصره ۲- جلسات هیئت امناء با حداقل دو سوم اعضاء صاحب رأی رسمیت یافته و تصمیمات آن با حداقل پنج رأی اتخاذ می‌گردد.

تبصره ۳- رؤسای هیئت عامل و هیئت نظارت بدون حق رأی می‌توانند در جلسات هیئت امناء شرکت نمایند.

تبصره ۴- هرگونه تصمیم هیئت امناء در مورد تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی صندوق و نیز انتصاب رئیس و اعضاء هیئت عامل در روزنامه رسمی کشور و نیز یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار به انتخاب هیئت امناء، درج می‌گردد.





- تبصره ۵- دستور جلسه، تاریخ و محل جلسات هیئت امناء توسط دبیر هیئت امناء تعیین و حداقل پانزده روز قبل از تشکیل جلسه برای اعضاء هیئت ارسال می‌شود.
- تبصره ۶- بودجه ستاد صندوق به تصویب هیئت امناء می‌رسد.
- د- به منظور اداره امور صندوق در چهارچوب مفاد اساسنامه و مصوبات هیئت امناء، هیئت عامل مرکب از پنج نفر از افراد صاحب‌نظر، با تجربه و خوش‌نام در امور اقتصادی، حقوقی، مالی، بانکی و برنامه‌ریزی با حداقل ده سال سابقه مرتبط و مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد توسط هیئت امناء انتخاب و با حکم رئیس جمهور منصوب می‌شوند و دارای وظایف و اختیارات زیر می‌باشند:
- ۱- پیشنهاد فعالیت‌های مورد قبول و واجد اولویت پرداخت تسهیلات در بخش‌ها و زیربخش‌های تولیدی و خدماتی زاینده و با بازده مناسب اقتصادی به هیئت امناء
 - ۲- پیشنهاد موارد سرمایه‌گذاری در بازارهای پولی و مالی بین‌المللی و داخلی به هیئت امناء
 - ۳- تعیین چهارچوب قراردادهای عاملیت با بانک‌های عامل و تعیین مسئولیت‌ها و اختیارات بانک عامل در چهارچوب این قراردادها
 - ۴- برقراری نظام حسابرسی داخلی و استقرار نظام کنترل‌های داخلی مناسب
 - ۵- تأیید صورت‌های مالی ارزی و ریالی و ارائه آن به هیئت امناء
 - ۶- ارائه پیشنهاد به هیئت امناء در خصوص نظامنامه‌ها و شرایط و نحوه اعطای تسهیلات
 - ۷- اتخاذ تصمیم نسبت به هرگونه اقدامی به نام صندوق در محدوده وظایف و اهداف مندرج در اساسنامه به جز آنچه تصمیم درباره آنها به صراحت در حوزه صلاحیت هیئت امناء یا رئیس هیئت عامل است مگر اینکه به هیئت عامل تفویض شده باشد.
 - ۸- اتخاذ تصمیم راجع به کلیه اموری که توسط رئیس هیئت عامل در محدوده اختیارات خود در دستور کار هیئت عامل قرار می‌گیرد.
 - ۹- اجرای مصوبات هیئت امناء
 - ۱۰- پیشنهاد ارجاع دعاوی به داوری، تعیین داور و صلح دعاوی به هیئت امناء
 - ۱۱- افتتاح یا بستن حساب‌های ارزی در نزد بانک مرکزی و معرفی صاحبان امضای مجاز از بین اعضاء هیئت عامل، رئیس و سایر مدیران صندوق
 - ۱۲- انعقاد قرارداد با مشاور معتبر بین‌المللی در امور سرمایه‌گذاری و مهندسی مالی برای ارزیابی، بهبود و ارتقاء عملکرد صندوق.
 - ۱۳- سایر موارد ارجاعی از سوی هیئت امناء
- تبصره ۱- برکناری و قبول استعفای اعضاء هیئت عامل مشروط به تأیید دو سوم اعضاء صاحب رأی هیئت امناء خواهد بود.
- تبصره ۲- اعضاء هیئت عامل باید تمام‌وقت بوده و هیچ‌گونه فعالیت اقتصادی و شغل دیگری به استثناء تدریس نداشته باشند. اعضاء هیئت عامل مشمول حکم مندرج در اصل یکصد و چهل و دوم (۱۴۲) قانون اساسی می‌باشند.
- تبصره ۳- دوره تصدی هیئت عامل پنج سال بوده و انتخاب مجدد اعضاء بلامانع است.
- تبصره ۴- کلیه اوراق بهادار، چک‌ها، سفته‌ها، بروات، قراردادها و سایر اسناد تعهدآور با امضای دو عضو از سه عضو هیئت عامل که توسط این هیئت تعیین می‌شوند همراه با مهر صندوق معتبر خواهد بود.
- تبصره ۵- تصمیمات هیئت عامل با حداقل سه رأی نافذ است.





- هـ- رئیس هیئت عامل که بالاترین مقام اجرایی صندوق است از بین اعضای هیئت عامل توسط هیئت امناء انتخاب و با حکم رئیس جمهور منصوب می‌شود. رئیس هیئت عامل دارای وظایف و اختیارات زیر می‌باشد:
- ۱- ابلاغ و صدور دستور اجرای تصمیمات هیئت عامل و نظارت بر حسن اجرای آن
 - ۲- تعیین دستور جلسه و اداره جلسات هیئت عامل
 - ۳- اداره صندوق در چهارچوب مصوبات هیئت عامل و هیئت امناء
 - ۴- تهیه و تنظیم طرح‌ها و برنامه‌های اجرایی در حیطه فعالیت‌های موضوع صندوق
 - ۵- تهیه و تنظیم برنامه، بودجه، صورت‌های مالی صندوق و پیش‌نویس گزارش هیئت عامل به هیئت امناء
 - ۶- اداره امور داخلی صندوق، به‌کارگیری نیروی انسانی و انجام هزینه‌های جاری و اداری صندوق
 - ۷- تهیه و تنظیم گزارش عملکرد صندوق برای ارائه به هیئت عامل حداقل هر سه ماه یک بار
 - ۸- نمایندگی صندوق در برابر اشخاص ثالث و کلیه مراجع داخلی و خارجی اعم از قضایی، اداری، ثبتی و مشابه آنها با حق توکیل به غیر ولو به طور مکرر
 - ۹- اقامه یا دفاع از دعاوی یا شکایات مربوط به امور صندوق اعم از حقوقی و کیفری با کلیه اختیارات مربوط به امور دادرسی به جز حق مصالحه و ارجاع امر به داوری
 - ۱۰- سایر امور ارجاعی از سوی هیئت عامل
- و- به منظور حصول اطمینان از تحقق اهداف صندوق و نظارت مستمر بر عملیات جاری آن و جلوگیری از هرگونه انحراف احتمالی از مفاد اساسنامه، خط مشی‌ها و سیاست‌ها، هیئت نظارت با ترکیب رئیس دیوان محاسبات کشور، رئیس سازمان حسابرسی کشور، رئیس سازمان بازرسی کل کشور تشکیل می‌شود.
- تبصره ۱- نظارت این هیئت نافی وظایف قانونی دستگاه‌های نظارتی نظیر دیوان محاسبات و بازرسی کل کشور نخواهد بود.
- تبصره ۲- هیئت نظارت دارای رئیس، نایب رئیس و دبیر خواهد بود که در اولین جلسه هیئت نظارت انتخاب خواهند شد.
- ز- وظایف هیئت نظارت:
- ۱- رسیدگی به صورت‌ها و گزارش‌های مالی صندوق و تهیه گزارش‌های موردی و ادواری برای هیئت امناء و مجلس شورای اسلامی
 - ۲- رسیدگی به صورت ریز دارایی‌ها، مطالبات، تعهدات و خلاصه حساب‌های صندوق و گواهی آنها برای انتشار در روزنامه رسمی کشور
 - ۳- رسیدگی به عملکرد صندوق از لحاظ انطباق با موازین قانونی و اساسنامه و اهداف صندوق.
- این هیئت در ایفاء وظایف خود و بدون مداخله در امور جاری، کلیه اسناد و دارایی‌ها و حساب‌های صندوق را مورد رسیدگی قرار داده و می‌تواند به اطلاعات و مدارک و مستندات صندوق که لازم می‌داند دسترسی داشته باشد. این هیئت موظف است گزارش نظارتی خود را هر شش ماه یک‌بار به هیئت امناء و مجلس شورای اسلامی ارائه دهد.
- تبصره- هیئت نظارت می‌تواند برای حسابرسی از عملکرد صندوق از خدمات اشخاص حقیقی و حقوقی صاحب صلاحیت استفاده نماید.
- ح- منابع صندوق:
- ۱- حداقل معادل بیست درصد (۲۰٪) از منابع حاصل از صادرات نفت (نفت خام و میعانات گازی، گاز و فرآورده‌های نفتی) در سال‌های برنامه و تعیین مبلغ آن در قوانین بودجه سنواتی
 - ۲- حداقل بیست درصد (۲۰٪) ارزش صادرات تهاتری اقلام فوق‌الذکر
 - ۳- افزایش سهم واریزی از منابع بندهای (۱) و (۲) هر سال به میزان سه واحد درصد





- ۴- پنجاه درصد (۵۰٪) مانده نقدی حساب ذخیره ارزی در پایان سال ۱۳۸۹ و سال‌های بعد
- ۵- منابع قابل تحصیل از بازارهای پولی بین‌المللی با مجوز هیئت امناء با رعایت قوانین مربوط
- ۶- سود خالص صندوق طی سال مالی
- ۷- درآمد حاصل از سود موجودی حساب صندوق در بانک مرکزی، معادل میانگین نرخ سود سپرده‌های بانک مرکزی در بازارهای خارجی با محاسبه و پرداخت هر سه ماه یک‌بار
- ۸- بیست درصد (۲۰٪) منابع موضوع جزء (د) بند (۴) قانون بودجه سال ۱۳۸۹ کل کشور
- تبصره ۱- بازپرداخت اصل و سود تسهیلات پرداختی از محل صندوق توسعه ملی به حساب صندوق واریز و مجدداً در جهت اهداف صندوق به کار گرفته می‌شود.
- تبصره ۲- حساب‌های صندوق فقط نزد بانک مرکزی نگهداری خواهد شد.
- ط- مصارف صندوق:
- ۱- اعطای تسهیلات به بخش‌های خصوصی، تعاونی و بنگاه‌های اقتصادی متعلق به مؤسسات عمومی غیردولتی برای تولید و توسعه سرمایه‌گذاری‌های دارای توجیه فنی، مالی و اقتصادی
- ۲- اعطای تسهیلات صادرات خدمات فنی و مهندسی به شرکت‌های خصوصی و تعاونی ایرانی که در مناقصه‌های خارجی برنده می‌شوند از طریق منابع خود یا تسهیلات سندیکایی
- ۳- اعطای تسهیلات خرید به طرف‌های خریدار کالا و خدمات ایرانی در بازارهای هدف صادراتی کشور
- ۴- سرمایه‌گذاری در بازارهای پولی و مالی خارجی
- ۵- اعطای تسهیلات به سرمایه‌گذاران خارجی با در نظر گرفتن شرایط رقابتی و بازدهی مناسب اقتصادی به منظور جلب و حمایت از سرمایه‌گذاری در ایران با رعایت اصل هشتماد (۸۰) قانون اساسی می‌باشد.
- ۶- تأمین هزینه‌های صندوق
- تبصره ۱- استفاده از منابع صندوق برای اعتبارات هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و بازپرداخت بدهی‌های دولت به هر شکل ممنوع است.
- تبصره ۲- اعطای تسهیلات موضوع این ماده فقط به صورت ارزی است و سرمایه‌گذاران استفاده‌کننده از این تسهیلات اجازه تبدیل ارز به ریال در بازار داخلی را ندارند.
- تبصره ۳- اعطای کلیه تسهیلات صندوق صرفاً از طریق عاملیت بانک‌های دولتی و غیردولتی خواهد بود.
- ی- سایر مقررات:
- ۱- سهم عاملیت بانک‌ها در شرایط رقابتی متناسب با نرخ کارمزد و توان تخصصی و کارشناسی بانک‌ها توسط هیئت عامل تعیین می‌شود.
- ۲- سهم صندوق از منابع موضوع جزء (۱) و (۲) بند (ح) این ماده ماهانه توسط بانک مرکزی به حساب صندوق واریز و در پایان سال مالی با توجه به قطعی شدن منابع تسویه می‌شود.
- ۳- پرداخت تسهیلات از محل منابع صندوق بدون تأیید توجیه فنی، اقتصادی، مالی و اهلیت متقاضی توسط بانک عامل ممنوع است و در حکم تصرف غیرقانونی در اموال عمومی خواهد بود. ارزیابی گزارش‌های توجیه فنی، اقتصادی و مالی و احراز کفایت بازدهی طرح‌های سرمایه‌گذاری با لحاظ عامل خطرپذیری، به میزانی که از نرخ سود تسهیلات مورد انتظار اعلام‌شده توسط هیئت امناء کمتر نباشد به عهده بانک عامل و به مثابه تضمین بانک عامل در بازپرداخت اصل و سود تسهیلات به صندوق است.
- صندوق، منابع مورد نیاز طرح‌های سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی، آب و منابع طبیعی را از طریق بانک عامل یا



دیدگاه مغایرت

مطابق با اصل (۵۲) قانون اساسی، بودجه‌ی سالانه‌ی کشور توسط دولت تهیه و تنظیم و برای تصویب به مجلس تسلیم می‌شود. بر اساس این اصل، صرفاً آنچه مشمول تعریف بودجه‌ی سالانه کل کشور و مشتمل بر هزینه-درآمد یکساله‌ی دولت است باید در لایحه‌ی بودجه لحاظ شود. بدین لحاظ، حکم مقرر در بند (ی) تبصره (۵) در خصوص امکان دریافت باقی‌مانده‌ی تسهیلات طرح‌های نیمه‌تمام تولیدی و اقتصادی بخش خصوصی و تعاونی از صندوق توسعه‌ی ملی، به این دلیل که فاقد ماهیت بودجه‌ای است، مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است. توضیح اینکه، صندوق توسعه‌ی ملی دارای اساسنامه و به تبع آن هیئت امانا است و تصمیم‌گیری در خصوص



صندوق حمایت از توسعه سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی به صورت ارزی و با سود انتظاری کمتر در اختیار سرمایه‌گذاران بخش قرار می‌دهد.

۴- مجموع تسهیلات اختصاص‌یافته از منابع صندوق با عاملیت بانک‌ها به مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و شرکت‌های تابعه و وابسته در هر حال نباید بیش از بیست درصد (۲۰٪) منابع صندوق باشد.

تبصره ۱- از نظر این ماده مؤسسات و شرکت‌ها در صورتی غیر عمومی محسوب می‌شوند که حداقل هشتاد درصد (۸۰٪) سهام یا سهم‌الشرکه آنها مستقیم و یا با واسطه اشخاص حقوقی متعلق به اشخاص حقیقی باشد.

مؤسسات و شرکت‌هایی که اکثریت مطلق سهام آنها متعلق به مؤسسات عمومی و عام‌المنفعه نظیر موقوفات، صندوق‌های بیمه‌ای و بازنشستگی و مؤسسات خیریه عمومی است از نظر این ماده در حکم مؤسسات و شرکت‌های وابسته به نهادهای عمومی غیردولتی هستند.

تبصره ۲- بنگاه‌های اقتصادی که صرف‌نظر از نوع مالکیت بیش از بیست درصد (۲۰٪) اعضاء هیئت مدیره آنها توسط مقامات دولتی تعیین می‌شوند از نظر این ماده دولتی محسوب می‌گردند و پرداخت از منابع صندوق به آنها ممنوع است.

تبصره ۳- صندوق موظف است در توزیع منابع بین بخش‌های اقتصادی و استان‌ها، توازن منطقه‌ای را مدنظر قرار دهد.

۵- سال مالی صندوق از اول فروردین ماه هر سال تا پایان اسفندماه همان سال است.

۶- صندوق در امور اداری، استخدامی، مالی و معاملاتی تابع این اساسنامه و قوانین مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و سیاست‌های پولی و ارزی می‌باشد. آیین‌نامه‌های لازم به پیشنهاد هیئت امنای صندوق به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید و طبق اصل یکصد و سی و هشتم (۱۳۸) قانون اساسی اقدام خواهد شد.

۷- رئیس هیئت عامل صندوق توسعه ملی موظف است هر شش ماه یکبار میزان منابع و مصارف و محل مصارف صندوق را به هیئت امناء، هیئت نظارت و مجلس شورای اسلامی گزارش نماید.

۸- هیئت نظارت در صورت برخورد با تخلف و جرم در اجرای احکام این ماده، حسب مورد مراتب را به مراجع صالحه اعلام می‌دارد.

۹- ترازنامه و حساب سود و زیان صندوق به همراه گزارش و اظهار نظر هیئت نظارت باید حداقل پانزده روز قبل از تشکیل جلسه به هیئت امناء تسلیم گردد.

۱۰- صدور هرگونه ضمانت‌نامه و پرداخت هرگونه تسهیلات از محل منابع صندوق فقط از طریق بانک‌های عامل اعم از دولتی یا غیردولتی و صندوق حمایت از توسعه سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی انجام می‌شود.

۱۱- تغییر در اساسنامه و انحلال صندوق تنها با تصویب مجلس شورای اسلامی است.»

نحوه‌ی اختصاص منابع آن بر مبنای سازوکار پیش‌بینی شده در اساسنامه و توسط هیئت امانا صورت می‌گیرد و نیازی به درج آن در بودجه‌ی سنواتی نیست. به عبارت دیگر، منابع صندوق توسعه‌ی ملی ارتباطی با بودجه‌ی عمومی دولت ندارد و نباید در قانون بودجه‌ی سالانه که متکفل تعیین حدود و ثغور درآمدها و هزینه‌های سالانه‌ی کشور است تعیین تکلیف شود. بنابراین چون موضوع این بند، جزء دخل و خرج سالانه‌ی کشور محسوب نمی‌گردد، ماهیت بودجه‌ای نداشته و تصویب آن در مصوبه‌ی بودجه، مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

حکم مقرر در بند (ی) تبصره (۵) در خصوص امکان دریافت باقی‌مانده‌ی تسهیلات طرح‌های نیمه‌تمام تولیدی و اقتصادی بخش خصوصی و تعاونی از صندوق توسعه‌ی ملی، تغییری با اصل (۵۲) قانون اساسی ندارد؛ زیرا اگرچه طبق اساسنامه‌ی صندوق، تصمیم‌گیری در خصوص نحوه‌ی اختصاص منابع توسط هیئت امانا انجام می‌شود، اما چون منابع صندوق در حقیقت جزء درآمدهای عمومی کشور محسوب می‌شود، می‌بایست در مجلس و طی لایحه‌ی بودجه در خصوص چگونگی هزینه‌کرد و تخصیص منابع آن تصمیم‌گیری شود. بنابراین حکم مزبور، دارای ماهیت بودجه‌ای بوده و گنجانیدن آن در قانون بودجه‌ی سالانه کل کشور، فاقد اشکال مغایرت با اصل (۵۲) قانون اساسی است.

نظر شورای نگهبان

بند (ی) تبصره (۵)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

تبصره ۵- ...

ک- به صندوق توسعه ملی اجازه داده می‌شود که در سال ۱۳۹۴ نسبت به اعطای تسهیلات ارزی به سرمایه‌گذاران بخش‌های خصوصی یا تعاونی برای طرح‌های توسعه‌ای بالادستی نفت و گاز با اولویت میدان‌های مشترک با تضمین وزارت نفت و بدون انتقال مالکیت نفت و گاز موجود در مخازن و تولیدی از آنها اقدام کند.

دیدگاه مغایرت

مطابق با اصل (۵۲) قانون اساسی، بودجه‌ی سالانه کشور باید توسط دولت تهیه و تنظیم و برای تصویب به مجلس تسلیم شود. بر اساس این اصل، صرفاً آنچه مشمول تعریف بودجه

سالانه‌ی کل کشور و مشتمل بر هزینه- درآمد یکساله‌ی دولت است باید در لایحه‌ی بودجه لحاظ شود. بر این اساس، آنچه در بند (ک) تبصره (۵) مصوبه‌ی بودجه سال ۱۳۹۴ کل کشور آمده است، با مفاد اصل (۵۲) همخوانی ندارد؛ زیرا این بند از تبصره (۵)، به صندوق توسعه‌ی ملی اجازه داده است که نسبت به اعطای تسهیلات ارزی به سرمایه‌گذاران بخش‌های خصوصی یا تعاونی برای برخی طرح‌های نفت و گاز اقدام کند، این در حالی است که مطابق با اساسنامه‌ی صندوق توسعه ملی، تصمیم‌گیری در خصوص نحوه‌ی اختصاص منابع صندوق، توسط هیئت امنا صورت می‌گیرد. بنابراین از آنجا که تخصیص منابع صندوق توسعه‌ی ملی ارتباطی با بودجه‌ی عمومی دولت ندارد و نباید در قانون بودجه‌ی سالانه که متکفل تعیین حدود و ثغور درآمدها و هزینه‌های سالانه‌ی کشور است، تعیین تکلیف شود، مفاد بند (ک) تبصره (۵)، مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

حکم مقرر در بند (ک) تبصره (۵) در خصوص اعطای تسهیلات ارزی به سرمایه‌گذاران بخش‌های خصوصی یا تعاونی برای برخی طرح‌های نفت و گاز از سوی صندوق توسعه‌ی ملی، تغایری با اصل (۵۲) قانون اساسی ندارد؛ زیرا اگرچه طبق اساسنامه‌ی صندوق، تصمیم‌گیری در خصوص نحوه‌ی اختصاص منابع توسط هیئت امنا انجام می‌شود، لیکن چون منابع صندوق در حقیقت جزء درآمدهای عمومی کشور محسوب می‌شود می‌بایست در مجلس و طی لایحه‌ی بودجه در خصوص چگونگی هزینه‌کرد و تخصیص منابع آن تصمیم‌گیری شود. بنابراین، حکم مزبور در بند (ک) تبصره (۵)، واجد ماهیت بودجه‌ای بوده و گنجانیدن آن در قانون بودجه‌ی سالانه‌ی کل کشور، در راستای مفاد اصل (۵۲) قانون اساسی است.

نظر شورای نگهبان

بند (ک) تبصره (۵)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

تبصره ۵- ...

ل- به صندوق توسعه ملی در سال ۱۳۹۴ اجازه داده می‌شود تا نسبت به اعطای تسهیلات ارزی به سرمایه‌گذاران بخش خصوصی و یا تعاونی برای طرح‌های توسعه‌ای شقوق مختلف حمل و نقل بدون انتقال مالکیت و با معرفی وزارت راه و شهرسازی و تضمین سازمان‌ها و شرکت‌های تابعه و ذی‌ربط این وزارتخانه در قبال اخذ حق دسترسی تا استهلاك اصل سرمایه و سود آن از استفاده‌کنندگان اقدام کند.

دیدگاه مغایرت

مطابق با اصل (۵۲) قانون اساسی، بودجه‌ی سالانه‌ی کشور توسط دولت تهیه و تنظیم و برای تصویب به مجلس تسلیم می‌شود. بر اساس این اصل، صرفاً آنچه مشمول تعریف بودجه سالانه‌ی کل کشور و مشتمل بر هزینه-درآمد یکساله‌ی دولت است باید در لایحه‌ی بودجه لحاظ شود. این در حالی است که در بند (ل) تبصره (۵)، به صندوق توسعه‌ی ملی اجازه داده شده تا نسبت به اعطای تسهیلات ارزی به سرمایه‌گذاران بخش خصوصی و یا تعاونی برای طرح‌های توسعه‌ای حمل و نقل اقدام کند که این امر ارتباطی با بودجه‌ی کل کشور ندارد؛ چه آنکه طبق اساسنامه‌ی صندوق توسعه‌ی ملی، تصمیم‌گیری در خصوص نحوه‌ی اختصاص منابع این صندوق توسط هیئت امانت انجام می‌شود و اصولاً منابع صندوق ارتباطی با بودجه‌ی عمومی دولت ندارد و در سرجمع درآمد کشور محاسبه نمی‌شود. لذا احکام مربوط به صندوق توسعه‌ی ملی اساساً نباید در قانون بودجه‌ی سالانه تعیین تکلیف شود. بدین لحاظ، بند (ل) تبصره (۵)، با مفاد اصل (۵۲) قانون اساسی مغایرت دارد.

دیدگاه عدم مغایرت

حکم مقرر در بند (ل) تبصره (۵) در خصوص اعطای مجوز به صندوق توسعه‌ی ملی جهت اعطای تسهیلات ارزی به سرمایه‌گذاران بخش خصوصی و یا تعاونی برای طرح‌های توسعه‌ای حمل و نقل، تغایری با اصل (۵۲) قانون اساسی ندارد؛ زیرا اگرچه طبق اساسنامه‌ی صندوق، تصمیم‌گیری در خصوص نحوه‌ی اختصاص منابع توسط هیئت امانت صندوق انجام می‌شود، اما چون منابع صندوق در حقیقت جزء درآمدهای عمومی کشور محسوب می‌شود، چگونگی هزینه‌کرد و تخصیص منابع آن باید در مجلس و طی لایحه‌ی بودجه مشخص شود. بنابراین، گنجاندن احکام مربوط به صندوق توسعه‌ی ملی در قانون بودجه‌ی سالانه‌ی کل کشور، مطابق با مفاد اصل (۵۲) قانون اساسی است.

نظر شورای نگهبان

بند (ل) تبصره (۵)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

تبصره ۵- ...

بند الحاقی ۱- به منظور آبرسانی به روستاها معادل ریالی مبلغ پانصد میلیون (۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰) دلار به صورت تسهیلات از محل صندوق توسعه ملی در اختیار دولت قرار می‌گیرد تا در سال ۱۳۹۴ هزینه کند. این مبلغ طی هشت سال از محل عواید حاصل از اجرای این طرح‌ها به صندوق توسعه ملی بازپرداخت می‌شود.

دیدگاه مغایرت

الف) مطابق با اصل (۵۲) قانون اساسی، بودجه‌ی سالانه کشور توسط دولت تهیه و تنظیم و برای تصویب به مجلس تسلیم می‌شود. بر اساس این اصل، صرفاً آنچه مشمول تعریف بودجه‌ی سالانه کل کشور و مشتمل بر هزینه-درآمد یکساله‌ی دولت است باید در لایحه‌ی بودجه لحاظ شود. با این وصف، حکم مقرر در بند الحاقی (۱) به تبصره (۵)، در خصوص دادن تسهیلات آبرسانی به روستاها از محل صندوق توسعه‌ی ملی، از آن جهت که فاقد ماهیت بودجه‌ای است، مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است. توضیح اینکه، صندوق توسعه‌ی ملی دارای اساسنامه و به تبع آن هیئت امنا است و تصمیم‌گیری در خصوص نحوه‌ی اختصاص منابع آن بر مبنای سازوکار پیش‌بینی شده در اساسنامه و توسط هیئت امنا صورت می‌گیرد و نیازی به درج آن در بودجه‌ی سنواتی نیست. به عبارت دیگر، منابع صندوق توسعه‌ی ملی ارتباطی با بودجه‌ی عمومی دولت ندارد و نباید در قانون بودجه‌ی سالانه که متکفل تعیین حدود و ثغور درآمدها و هزینه‌های سالانه‌ی کشور است، تعیین تکلیف شود. بدین لحاظ چون موضوع این بند، جزء دخل و خرج سالانه‌ی کشور محسوب نمی‌گردد، ماهیت بودجه‌ای نداشته و تصویب آن در مصوبه‌ی بودجه، مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است.

ب) در بند الحاقی (۱) به تبصره (۵) مقرر شده است که به منظور آبرسانی به روستاها معادل ریالی مبلغ پانصد میلیون دلار به صورت تسهیلات از محل صندوق توسعه‌ی ملی در اختیار دولت قرار گیرد. این در حالی است که مطابق بند (۲-۲۲) سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه^(۱)، منابع صندوق توسعه‌ی ملی صرفاً به بخش‌های خصوصی، تعاونی و عمومی غیردولتی تعلق می‌گیرد. بنابراین بند الحاقی مزبور، به این دلیل که برخلاف تصریح سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری، بخشی از منابع صندوق را در قالب تسهیلات در اختیار دولت قرار می‌دهد با سیاست‌های مزبور، مغایر بوده و در نتیجه مغایر بند (۱) اصل (۱۱۰) قانون اساسی محسوب می‌شود؛ زیرا مطابق این بند از اصل (۱۱۰)، تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام، جزء صلاحیت‌های رهبری است.

دیدگاه عدم مغایرت

حکم مقرر در بند الحاقی (۱) به تبصره (۵) در خصوص ارائه‌ی تسهیلات آبرسانی به روستاها

۱. بند (۲-۲۲) سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه، ابلاغی مقام معظم رهبری مورخ ۱۳۸۷/۱۰/۲۱: «۲-۲۲- ارائه تسهیلات از منابع صندوق توسعه ملی به بخش‌های خصوصی، تعاونی و عمومی غیردولتی با هدف تولید و توسعه سرمایه‌گذاری در داخل و خارج کشور با در نظر گرفتن شرایط رقابتی و بازدهی مناسب اقتصادی.»

از محل صندوق توسعه ملی، تغایری با اصل (۵۲) قانون اساسی ندارد؛ زیرا اگرچه طبق اساسنامه‌ی صندوق، تصمیم‌گیری در خصوص نحوه‌ی اختصاص منابع توسط هیئت امانا این صندوق اتخاذ می‌شود، اما چون منابع صندوق در حقیقت جزء درآمدهای عمومی کشور محسوب می‌شود می‌بایست در مجلس و طی مصوبه‌ی بودجه در خصوص چگونگی هزینه‌کرد و تخصیص منابع آن تصمیم‌گیری شود. از این رو، حکم مذکور در بند الحاقی (۱) به تبصره (۵)، ماهیت بودجه‌ای دارد و گنجاندن آن در قانون بودجه‌ی سالانه، مغایرتی با اصل (۵۲) قانون اساسی ندارد.

نظر شورای نگهبان

بند الحاقی (۱) به تبصره (۵)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

تبصره ۶-

الف- ...

د- به شهرداری‌های کشور و سازمان‌های وابسته به آنها اجازه داده می‌شود به طور مشترک یا انفرادی با مجوز بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و با تأیید وزارت کشور (سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها) تا سقف هفتاد هزار میلیارد (۷۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال اوراق مشارکت و صکوک اسلامی با تضمین خود با بازپرداخت اصل و سود آن با رعایت قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت و آیین‌نامه اجرایی آن توسط شهرداری‌ها منتشر کنند. حداقل پنجاه درصد (۵۰٪) از سقف اوراق موضوع این بند به طرح‌های قطار شهری اختصاص می‌یابد. مجوز فروش اوراق مشارکت سنوات گذشته تا سقف تعیین‌شده سال صدور در سال ۱۳۹۴ نافذ است.

ه- تضمین بازپرداخت اصل و سود اوراق مشارکت برای اجرای طرح‌های قطار شهری به نسبت پنجاه درصد (۵۰٪) دولت و پنجاه درصد (۵۰٪) شهرداری‌ها با نرخ مالیاتی صفر است و تضمین پنجاه درصد (۵۰٪) سهم دولت بر عهده سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور می‌باشد.

دیدگاه مغایرت

مطابق با اصل (۵۲) قانون اساسی، بودجه‌ی سالانه کشور باید توسط دولت تهیه و تنظیم و برای تصویب به مجلس تسلیم شود. بر اساس این اصل، صرفاً آنچه مشمول تعریف بودجه سالانه‌ی کل کشور و مشتمل بر هزینه-درآمد یکساله‌ی دولت است باید در لایحه‌ی بودجه لحاظ

شود. با این وصف، حکم مقرر در بند (هـ) تبصره (۶)، مبنی بر تضمین بازپرداخت اصل و سود اوراق مشارکت برای اجرای طرح‌های قطار شهری از طرف دولت و شهرداری‌ها ارتباطی با دخل و خرج سالانه‌ی کشور ندارد که ذکر آن در مصوبه‌ی بودجه توجیه‌پذیر باشد؛ لذا این بند از این مصوبه به دلیل فقدان ماهیت بودجه‌ای، مغایر اصل (۵۲) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

حکم مقرر در بند (هـ) تبصره (۶) در خصوص تضمین بازپرداخت اصل و سود اوراق مشارکت برای اجرای طرح‌های قطار شهری از طرف دولت و شهرداری‌ها، در حقیقت توضیحات بند (د) تبصره (۶) بوده و به نوعی تضمین‌کننده‌ی تأمین بخشی از درآمدهای کشور (بودجه شهرداری‌ها و سازمان‌های وابسته به آنها) است. بنابراین از آنجا که این مصوبه به صورت کلی مرتبط با دخل و خرج سالانه‌ی کشور است می‌توان آن را واجد ماهیت بودجه‌ای دانست و گنجاندن آن در مصوبه‌ی بودجه را مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی ندانست. به بیان دیگر بند (هـ) به یک معنا در حکم قبض و بسط بودجه‌ی سالانه‌ی کشور بوده و تصویب آن در ضمن مصوبه‌ی بودجه، اشکالی را به وجود نمی‌آورد.

نظر شورای نگهبان

بندهای (د) و (هـ) تبصره (۶)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

تبصره ۶-

الف- ...

ط- دولت مجاز است اسناد خزانه اسلامی با حفظ قدرت خرید را با سررسید یک تا سه سال به صورت بی‌نام و یا بانام، صادر کند و به منظور تسویه بدهی مسجل خود بابت طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و مابه‌التفاوت قیمت تمام‌شده برق و آب با قیمت تکلیفی فروش آن در سنوات قبل به شرکت‌های برق و آب مطابق ماده (۲۰) قانون محاسبات عمومی کشور^(۱) به قیمت اسمی تا سقف پنجاه هزار میلیارد (۵۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال به طلبکاران غیردولتی واگذار نماید. اسناد مزبور از

۱. ماده (۲۰) قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶/۶/۱: «ماده ۲۰- تسجیل عبارت است از تعیین میزان بدهی قابل پرداخت به موجب اسناد و مدارک اثبات‌کننده بدهی.»

پرداخت هرگونه مالیات معاف بوده و به عنوان ابزار مالی موضوع قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴/۹/۱ محسوب شده و با امضای وزیر امور اقتصادی و دارایی صادر می‌شود.

۱- دولت به منظور تأمین اعتبار اسناد مزبور در زمان سررسید، ردیف خاصی را در لایحه بودجه سنواتی پیش‌بینی می‌کند. در صورت عدم وجود یا تکافوی اعتبار مصوب در بودجه عمومی دولت، اسناد خزانه اسلامی در سررسید، توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی از محل درآمد عمومی همان سال قابل تأمین و پرداخت است. این حکم تا زمان تسویه اسناد یادشده به قوت خود باقی است.

۲- ...

دیدگاه مغایرت

الف) مطابق با اصل (۵۲) قانون اساسی، بودجه‌ی سالانه کشور توسط دولت تهیه و تنظیم و برای تصویب به مجلس تسلیم می‌شود. بر اساس این اصل، صرفاً آنچه مشمول تعریف بودجه‌ی سالانه‌ی کل کشور و مشتمل بر هزینه-درآمد یکساله‌ی دولت است باید در لایحه‌ی بودجه لحاظ شود. آنچه در جزء (۱) بند (ط) تبصره (۶) در خصوص الزام دولت به پیش‌بینی ردیفی خاص در لایحه‌ی بودجه‌ی سنواتی به منظور تأمین اعتبار اسناد موضوع این بند، مورد حکم قرار گرفته، به دلیل اینکه اعتبار حکم این بند بیش از یک سال و به صورت کلی در خصوص لوایح بودجه‌ی سنواتی سال‌های بعد است، ماهیت غیر بودجه‌ای داشته و با اصل سالانه بودن قانون بودجه و به تبع، اصل (۵۲) قانون اساسی مغایرت دارد.

ب) مطابق با اصل (۷۵) قانون اساسی، طرح‌های قانونی و پیشنهادها و اصلاحاتی که نمایندگان مجلس در لوایح اعمال می‌کنند چنانچه منجر به افزایش هزینه‌های عمومی دولت شود، در صورت قابل طرح در مجلس است که طریق تأمین این هزینه‌ها مشخص شود. در جزء (۱) بند (ط) تبصره (۶)، که به موجب پیشنهاد نمایندگان مجلس به لایحه اضافه گردیده است، دولت ملزم به پیش‌بینی ردیف خاصی در لوایح بودجه‌ی سنواتی به منظور تأمین اعتبار اسناد موضوع این بند شده است. این حکم در عمل منجر به افزایش هزینه‌های عمومی دولت خواهد شد و از آنجا که طریق تأمین این هزینه‌ها در این مصوبه پیش‌بینی نشده است، این مصوبه مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

حکم مقرر در جزء (۱) بند (ط) تبصره (۶) در خصوص الزام دولت به پیش‌بینی ردیف خاص در لایحه‌ی بودجه‌ی سنواتی به منظور تأمین اعتبار اسناد موضوع این بند، به علت نداشتن ماهیت بودجه‌ای

اصولاً نمی‌بایست طی احکام بودجه‌ی سنواتی مصوب گردد؛ بنابراین در درجه‌ی اول گنجانده شدن این جزء در این مصوبه، طبق اصل (۵۲) قانون اساسی با اشکال مواجه است. حال اگر این مصوبه را مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی تلقی کنیم به صورت ضمنی پذیرفته‌ایم که قرار گرفتن آن در بودجه‌ی سنواتی بدون اشکال است. توضیح اینکه، در خصوص بررسی مصوبه‌ی بودجه، احراز مغایرت با اصل (۷۵) فرع بر اصل (۵۲) قانون اساسی است؛ زیرا در احکام بودجه از آنجا که ردیف و محل اعتبار هزینه‌ها و کاهش درآمدها مشخص است، این احکام مغایرتی با اصل (۷۵) قانون اساسی ندارند، مگر اینکه بپذیریم که می‌توان احکام دائمی (غیر بودجه‌ای) که دارای بار مالی برای دولت است را در لایحه‌ی بودجه به تصویب رساند. بنابراین وارد کردن ایراد اصل (۷۵) به احکام بودجه، مساوی با پذیرش ذکر احکام غیر بودجه‌ای در مصوبه‌ی بودجه است. از این رو ایراد مغایرت با اصل (۷۵) قانون اساسی در خصوص احکام بودجه، سالبه به انتفاء موضوع خواهد بود.

نظر شورای نگهبان

همان‌طور که هر ساله به استحضار عالی رسید، در بودجه کل کشور مواردی که فاقد ماهیت بودجه‌ای است، منظور می‌گردد که همواره از طرف این شورا مورد اشکال قرار گرفته است. اگرچه با تصویب قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲)، مقداری از این اشکالات رفع گردیده، اما به لحاظ طرح بودن مصوبه مرقوم، کل اشکال مربوطه مرتفع نشده است. شایسته است دولت و مجلس ترتیبی اتخاذ نمایند تا موارد مذکور به صورت لایحه قانونی مورد بررسی و تصویب قرار گیرند.

تبصره ۶-

الف- ...

ک- دولت مجاز است جهت تسویه مطالبات قطعی اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی و تعاونی از دولت و شرکت‌های دولتی تا سقف ده هزار میلیارد (۱۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال «اوراق تنزیل بدهی» منتشر نماید. اوراق مزبور از پرداخت هرگونه مالیات معاف بوده و به عنوان ابزار مالی موضوع قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران محسوب و با امضای وزیر امور اقتصادی و دارایی صادر می‌شود. اوراق مزبور قابل معامله در بازار ثانویه است. آیین‌نامه اجرایی نحوه انتشار اوراق تنزیل بدهی، بازپرداخت، سود و تضمین آن حسب مورد توسط دولت و شرکت‌های دولتی ذی‌ربط، ظرف مدت سه ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، به

پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

دیدگاه ابهام

بند (ک) تبصره (۶) به دولت اجازه داده است، جهت تسویه‌ی مطالبات قطعی اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی و تعاونی از دولت و شرکت‌های دولتی تا سقف ده هزار میلیارد ریال «اوراق تنزیل بدهی» منتشر نماید. این بند، از آن جهت که مفهوم «اوراق تنزیل بدهی» مشخص نیست و در سایر قوانین و مقررات نیز تعریفی از آن صورت نگرفته است، واجد ابهام است؛ زیرا چنانچه ماهیت اوراق تنزیل بدهی، نوعی اسکناس باشد که به میزان کمتر از دین طلبکاران به آنها پرداخت می‌شود، یا ناظر بر بیع «کالی به کالی» یا «دین به دین» باشد، از آن جهت که مشمول معامله‌ی ربوی یا باطل می‌شود، این مصوبه مغایر با موازین شرع خواهد بود. بنابراین، باید مفهوم و تعریف «اوراق تنزیل بدهی» مشخص گردد تا بتوان نسبت به مغایرت یا عدم مغایرت این بند با موازین شرع اظهار نظر کرد.

نظر شورای نگهبان

در بند (ک) تبصره (۶)، منظور از «اوراق تنزیل بدهی» روشن نیست و باید تعریف شود تا اظهار نظر ممکن گردد.

تبصره ۷-

الف- ...

ب- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مجاز است نسبت به چاپ و انتشار ایران‌چک بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در سقف مصوب شورای پول و اعتبار و با مسدود نمودن معادل ریالی آن تحت نظارت هیئت اندوخته اسکناس، موضوع ماده (۲۱) قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۸،^(۱) اقدام کند.

۱. ماده (۲۱) قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۸: «ماده ۲۱- ...

الف- هیئت نظارت اندوخته اسکناس عهده‌دار نظارت بر حسن اجرای مفاد ماده (۵) این قانون از طریق تحویل و نگاهداری اسکناس‌های چاپ‌شده و همچنین نگاهداری حساب دارایی‌های موضوع ماده (۵) و صورت جواهرات سلطنتی و تنظیم مقررات مربوط به نمایش و نظارت بر ورود و خروج آنها از خزانه بانک و به علاوه نظارت در معدوم کردن اسکناس‌هایی که باید از جریان خارج شود می‌باشد.

ب- ...»

ج- ...

ه- به سازمان‌های توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران (ایمیدرو)، گسترش و نوسازی صنایع ایران (ایدرو)، شرکت‌های دولتی تابعه ذی‌ربط وزارت نفت (پتروشیمی و نفت) و سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای اجازه داده می‌شود به منظور تقویت سرمایه‌گذاری و توسعه فعالیت‌های بخش خصوصی و تعاونی برای تأمین و تولید ماشین‌آلات و تجهیزات صنعت، معدن، نفت، گاز و پتروشیمی و بومی‌سازی تکنولوژی و بازسازی و نوسازی ماشین‌آلات مبلغ چهار هزار میلیارد (۴,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال از محل منابع داخلی خود در قالب وجوه اداره‌شده یا یارانه سود و کارمزد تسهیلات بر اساس قراردادهای منعقد شده در اختیار بانک‌های عامل قرار دهد تا در چهارچوب دستورالعمل وزارتخانه‌های صنعت، معدن و تجارت، راه و شهرسازی و نفت (حسب مورد) و مقررات قانونی مربوطه در اختیار متقاضیان واجد شرایط بخش‌های غیردولتی قرار گیرد.

دیدگاه مغایرت

الف) مطابق با اصل (۵۲) قانون اساسی، بودجه‌ی سالانه‌ی کشور توسط دولت تهیه و تنظیم و برای تصویب به مجلس تسلیم می‌شود. بر اساس این اصل، صرفاً آنچه مشمول تعریف بودجه‌ی سالانه‌ی کل کشور و مشتمل بر هزینه-درآمد یکساله‌ی دولت است باید در لایحه‌ی بودجه لحاظ شود. حکم مقرر در بند (ب) تبصره (۷)، در ارتباط با مجاز بودن بانک مرکزی نسبت به چاپ و انتشار ایران‌چک است. چاپ و انتشار ایران‌چک اقدامی است مستمر و دائمی که صرفاً مختص به یک سال خاص نیست، بلکه هر سال و بر اساس نیاز کشور و به منظور مدیریت منابع مالی کشور انجام می‌شود. بنابراین، تصویب حکمی دائمی در ضمن مصوبه‌ی بودجه‌ی سالانه، موضوعی غیر بودجه‌ای است که ذکر آن در قانون بودجه‌ی کل کشور، مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است. این موضوع نیاز به یک قانون دائمی دارد و نمی‌توان آن را در خلال لایحه‌ی بودجه‌ی سنواتی که اختصاص به درآمدها و هزینه‌های یک سال کشور دارد، گنجاند.

ب) با توجه به تصریح اصل (۱۵) قانون اساسی، کلیه‌ی متون و اسناد رسمی باید به زبان و خط فارسی باشد. از این رو، استعمال واژه‌ی غیر فارسی «تکنولوژی» در بند (ه) تبصره (۷)، مغایر با اصل (۱۵) قانون اساسی است و باید معادل فارسی آن، یعنی «فناوری» جایگزین شود.

دیدگاه عدم مغایرت

اعطای مجوز به بانک مرکزی در بند (ب) تبصره (۷) جهت چاپ و انتشار ایران‌چک در سقف

مصوب شورای پول و اعتبار که با مسدود نمودن معادل ریالی آن صورت می‌گیرد، ابزاری برای مدیریت منابع مالی کشور و کاهش تورم در طول سال مالی دولت و متناسب با شرایط اقتصادی سالانه‌ی کشور است. این امر، موضوعی بودجه‌ای است و لذا ذکر آن در ضمن مصوبه‌ی بودجه، مغایرتی با ویژگی سالانه بودن بودجه و اصل (۵۲) قانون اساسی ندارد.

نظر شورای نگهبان

در بند (هـ) تبصره (۷)، معادل فارسی واژه «تکنولوژی» ذکر گردد و الا مغایر اصل (۱۵) قانون اساسی است.

تبصره ۸-

الف- به نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران اجازه داده می‌شود نسبت به صدور و تعویض گواهینامه‌های رانندگی عادی به هوشمند اقدام و به ازای هر کارت دویست هزار (۲۰۰,۰۰۰) ریال دریافت کند. درآمد حاصله به حساب ردیف درآمدی ۱۴۰۱۵۱ جدول شماره (۵) این قانون واریز می‌شود و معادل وجوه واریزی از محل اعتبار ردیف ۷۵ - ۵۳۰۰۰۰ جدول شماره (۹) این قانون در اختیار نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران قرار می‌گیرد تا بابت هزینه صدور گواهینامه رانندگی هوشمند، توسعه و تجهیز مراکز صدور گواهینامه رانندگی و تقویت نیروی انتظامی به مصرف برسد.

دیدگاه مغایرت

مطابق اصل (۵۳) قانون اساسی همه‌ی پرداخت‌های دولت باید در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون (= قانون بودجه) انجام گیرد. عبارت «حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون» در این اصل به معنای تعیین هزینه‌ها، محل مصارف و تعیین ردیف‌های اعتباری مربوطه به صورت مشخص و با تعیین میزان، مبلغ و سقف این هزینه‌ها در قانون بودجه‌ی کل کشور است. بند (الف) تبصره (۸) این مصوبه، به نیروی انتظامی اجازه داده است که دویست هزار ریال به ازای صدور و تعویض گواهینامه‌های رانندگی عادی به هوشمند دریافت و به حساب ردیف درآمدی ۱۴۰۱۵۱ واریز کند و متعاقب آن، معادل وجوه واریزی از محل اعتبار ردیف ۷۵ - ۵۳۰۰۰۰، جهت هزینه در فعالیت‌های مرتبط با این نیرو از خزانه دریافت کند. بدین لحاظ هر چند در این بند، ردیف اعتباری این موضوع مشخص شده است، لیکن چون سقف و میزان این هزینه‌ها از ردیف مربوطه (ردیف ۷۵ - ۵۳۰۰۰۰) مشخص نیست، این مصوبه مغایر با اصل (۵۳) است؛ زیرا ردیف مزبور، دارای چند منبع درآمدی بوده و در صورتی که سقف هزینه برای نیروی انتظامی در این خصوص،

مشخص نشود، دیگر نمی‌توان ردیف مزبور را یک ردیف مصوب و مشخص برای برداشت وجوه و پرداخت به نیروی انتظامی دانست. از این جهت، این بند مغایر با اصل (۵۳) قانون اساسی است. در واقع آنچه اصل (۵۳) قانون اساسی مدّ نظر دارد توجه به این نکته است که درآمدها و هزینه‌های کشور می‌بایست در سند بودجه‌ی سالانه‌ی کشور توسط دولت به صورت دقیق پیش‌بینی و در مجلس به صورت قطعی به تصویب برسد و ذکر ردیف‌های کلی و عدم تعیین سقف دقیق برداشت از محل‌های مذکور، واجد اشکال است.

دیدگاه عدم مغایرت

پیش‌بینی صورت‌گرفته در بند (الف) تبصره (۸) مبنی بر اعطای مجوز به نیروی انتظامی جهت دریافت دویست هزار ریال به ازای صدور و تعویض گواهینامه‌های رانندگی عادی به هوشمند و واریز معادل آن در حساب مشخص‌شده جهت هزینه در فعالیت‌های مرتبط با این نیرو، با توجه به ماهیت هزینه‌های درآمدی که میزان دقیق آن قابل تشخیص نیست، تغییری با اصل (۵۳) قانون اساسی ندارد. در حقیقت میزان این‌گونه درآمدها متغیر بوده و بستگی به تعداد مراجعه‌کنندگان جهت دریافت خدمات موضوع این مصوبه دارد و لذا امکان تخمین یک عدد مشخص و به تبع آن تعیین سقف هزینه‌های مرتبط در هنگام تصویب لایحه‌ی بودجه وجود ندارد. لذا پس از اجرای موضوع این بند توسط نیروی انتظامی و با مشخص شدن متقاضیان گواهینامه‌ی هوشمند، میزان برداشت وجوه از ردیف مزبور و پرداخت آن به نیروی انتظامی مشخص خواهد شد. بنابراین ذکر عبارت «معادل وجوه واریزی» برای تعیین سقف هزینه‌های مورد نظر، از آن جهت که در نهایت و پس از اجرا قابل تشخیص است، جهت نیل به مقصود اصل (۵۳) قانون اساسی کافی است و این بند، مغایرتی با اصل مذکور ندارد.

نظر شورای نگهبان

بند (الف) تبصره (۸)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

تبصره ۸-

الف- ...

ج- تعرفه خدمات آب و فاضلاب در چهارچوب دستورالعملی که به پیشنهاد وزارت

نیرو به تصویب شورای اقتصاد می‌رسد، تعیین می‌گردد.

فراز الحاقی- تعرفه آب آشامیدنی روستاها به میزان پنجاه درصد (۵۰٪) تعرفه

نزدیک‌ترین شهر محاسبه می‌شود.

دیدگاه مغایرت

الف) مطابق اصل (۵۳) قانون اساسی همه پرداخت‌های دولت باید در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام گیرد. عبارت «حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون» در این اصل به معنای تعیین هزینه‌ها، محل مصارف و تعیین ردیف‌های اعتباری مربوطه به صورت مشخص و با تعیین میزان و مبلغ آنها در قانون بودجه‌ی کل کشور است. بدین لحاظ حکم مقرر در فراز الحاقی به بند (ج) تبصره (۸) که تعیین تعرفه‌ی آب آشامیدنی روستاها را به میزان پنجاه درصد (۵۰٪) تعرفه‌ی نزدیک‌ترین شهر مشخص کرده است، به این دلیل که فاقد میزان مشخصی از اعتبارات مصوب است، مغایر اصل (۵۳) قانون اساسی محسوب می‌شود.

ب) مطابق با اصل (۵۲) قانون اساسی، بودجه‌ی سالانه کشور توسط دولت تهیه و تنظیم و برای تصویب به مجلس تسلیم می‌شود. بر اساس این اصل، صرفاً آنچه مشمول تعریف بودجه‌ی سالانه‌ی کل کشور و مشتمل بر هزینه-درآمد یکساله‌ی دولت است، باید در لایحه‌ی بودجه لحاظ شود. با این وصف، آنچه تحت عنوان تعیین تعرفه‌ی آب آشامیدنی روستاها در فراز الحاقی به بند (ج) تبصره (۸)، به تصویب مجلس رسیده است، به دلیل اینکه ارتباطی با هزینه-درآمد سالانه‌ی دولت ندارد، ماهیت غیر بودجه‌ای داشته و تصویب آن در ضمن قانون بودجه‌ی کل کشور، مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

حکم مقرر در فراز الحاقی به بند (ج) تبصره (۸) در خصوص تعیین تعرفه‌ی آب آشامیدنی روستاها تغیری با اصول (۵۲) و (۵۳) قانون اساسی ندارد؛ زیرا قانون‌گذار در این فراز الحاقی، به دنبال تعیین یک ملاک عرفی برای قیمت‌گذاری آب روستاها است که نتیجه‌ی آن کسب درآمد برای کشور از محل مصرف آب روستایی است. لذا از آن جهت که فراز مزبور، یک موضوع مالی مرتبط با درآمد سالانه‌ی دولت است، مغایرتی با اصول (۵۲) و (۵۳) قانون اساسی ندارد.

نظر شورای نگهبان

فراز الحاقی به بند (ج) تبصره (۸)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

تبصره ۹-

الف- ...

ب- مدت اجرای آزمایشی قانون مالیات بر ارزش افزوده تا پایان سال ۱۳۹۴ تمدید می‌شود.

دیدگاه مغایرت

مطابق با اصل (۵۲) قانون اساسی، بودجه‌ی سالانه‌ی کشور توسط دولت تهیه و تنظیم و برای تصویب به مجلس تسلیم می‌شود. بر اساس این اصل، صرفاً آنچه مشمول تعریف بودجه‌ی سالانه‌ی کل کشور و مشتمل بر هزینه-درآمد یکساله‌ی دولت است، باید در لایحه‌ی بودجه لحاظ شود. بدین لحاظ، بند (ب) تبصره (۹) که مدت اجرای آزمایشی قانون مالیات بر ارزش افزوده را تا پایان سال ۱۳۹۴ تمدید کرده است، مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است؛ زیرا تمدید اجرای یک قانون آزمایشی، یک امر غیر بودجه‌ای است که ارتباطی با موضوع درآمدها و هزینه‌های دولت ندارد و اصولاً این امر، باید طی یک مصوبه‌ی مستقل در مجلس انجام پذیرد.

دیدگاه عدم مغایرت

حکم مقرر در بند (ب) تبصره (۹) در خصوص تمدید مدت اجرای آزمایشی قانون مالیات بر ارزش افزوده تا پایان سال ۱۳۹۴، تغایری با اصل (۵۲) قانون اساسی ندارد؛ زیرا مطابق این اصل یکی از مهمترین ویژگی‌های لایحه‌ی بودجه‌ی کل کشور، اصل سالانه بودن آن است و این ویژگی با تمدید یکساله قانون مالیات بر ارزش افزوده، مورد توجه قرار گرفته است.

نظر شورای نگهبان

بند (ب) تبصره (۹)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

تبصره ۹-

الف- ...

ج- شرط تسلیم اظهارنامه مالیاتی برای برخورداری از تسهیلات موضوع ماده (۱۰۱) قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳^(۱) و تبصره (۲) ماده (۱۱۹) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران^(۲) برای صاحبان مشاغل وسائط نقلیه،

۱. ماده (۱۰۱) قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳: «ماده ۱۰۱- درآمد سالانه مشمول مالیات مؤدیان موضوع این فصل که اظهارنامه مالیاتی خود را طبق مقررات این فصل در موعد مقرر تسلیم کرده‌اند تا میزان معافیت موضوع ماده (۸۴) این قانون از پرداخت مالیات، معاف و مازاد آن به نرخ‌های مذکور در ماده (۱۳۱) این قانون مشمول مالیات خواهد بود. شرط تسلیم اظهارنامه برای استفاده از معافیت فوق نسبت به عملکرد سال ۱۳۸۲ به بعد جاری است. تبصره- ...»

۲. ماده (۱۱۹) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵: «ماده ۱۱۹- دولت موظف است در راستای هدفمندسازی معافیت‌های مالیاتی و شفاف‌سازی حمایت‌های مالی اقدامات ذیل را به عمل آورد:

املاک و منبع ارث برای عملکرد سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ الزامی نیست.

دیدگاه مغایرت

مطابق با اصل (۵۲) قانون اساسی، بودجه‌ی سالانه‌ی کل کشور توسط دولت تهیه و تنظیم و برای تصویب به مجلس تسلیم می‌شود. بر اساس این اصل، صرفاً آنچه مشمول تعریف بودجه‌ی سالانه‌ی کل کشور و مشتمل بر هزینه-درآمد یکساله‌ی دولت است، باید در لایحه‌ی بودجه لحاظ شود. بر این اساس، حکم مقرر در بند (ج) تبصره (۹)، در خصوص الزامی نبودن شرط تسلیم اظهارنامه‌ی مالیاتی برای برخورداری از تسهیلات مالیاتی، مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است؛ زیرا اولاً این حکم، برای مدتی بیش از یک سال (برای عملکرد سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴) تعیین تکلیف کرده است و ثانیاً هیچ ارتباط واضحی با تعریف و ماهیت بودجه که ناظر بر دخل و خرج سالانه‌ی کشور است، ندارد.

دیدگاه عدم مغایرت

پیش‌بینی عدم الزامی بودن رعایت شرط تسلیم اظهارنامه مالیاتی برای برخورداری از تسهیلات و معافیت‌های مالیاتی موضوع مواد (۱۰۱) قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳ و تبصره (۲) ماده (۱۱۹) قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی پنجم توسعه‌ی جمهوری اسلامی ایران که در بند (ج) تبصره (۹) مقرر شده است، در نهایت باعث تشویق مالیات‌دهندگان به پرداخت به‌موقع مالیات و افزایش درآمد دولت در طی سال ۱۳۹۴ خواهد شد. بر این اساس، این مصوبه از این جهت، با درآمدهای دولت در سال ۱۳۹۴ و بودجه‌ی پیش‌بینی شده از این منبع، ارتباط دارد و لذا تصویب آن در ضمن قانون بودجه، تغایری با اصل (۵۲) قانون اساسی ندارد.

نظر شورای نگهبان

بند (ج) تبصره (۹)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

تبصره ۹-



- الف- جایگزینی سیاست اعتبار مالیاتی با نرخ صفر به جای معافیت‌های قانونی مالیاتی
 ب- ثبت معافیت‌های مالیاتی مذکور به صورت جمعی - خرجی در قوانین بودجه سالانه
 تبصره ۱- به اشخاص حقیقی و حقوقی مشمول معافیت‌های قانونی مذکور، مالیات تعلق نمی‌گیرد.
 تبصره ۲- تسلیم اظهارنامه مالیاتی در موعد مقرر شرط برخورداری از هرگونه معافیت مالیاتی است.»

الف- ...

ک- در ماده (۲۰۲) قانون مالیات‌های مستقیم،^(۱) عبارت «برای اشخاص حقوقی تولیدی دارای پروانه بهره‌برداری از مراجع قانونی ذی‌ربط از بیست درصد (۲۰٪) سرمایه ثبت‌شده و یا مبلغ پنج میلیارد (۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال، سایر اشخاص حقوقی و اشخاص حقیقی تولیدی از ده درصد (۱۰٪) سرمایه ثبت‌شده و یا دو میلیارد (۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال و سایر اشخاص حقیقی از یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال» جایگزین عبارت «ده میلیون ریال» می‌شود.

دیدگاه مغایرت

مطابق با اصل (۷۵) قانون اساسی، طرح‌های قانونی و پیشنهادهای و اصلاحاتی که نمایندگان مجلس در لوایح اعمال می‌کنند چنانچه منجر به کاهش درآمد عمومی دولت شود، در صورتی قابل طرح در مجلس است که طریق جبران کاهش درآمدها مشخص شود. مطابق ماده (۲۰۲) قانون مالیات‌های مستقیم، وزارت امور اقتصادی و دارایی یا سازمان امور مالیاتی کشور می‌توانست از خروج بدهکاران مالیاتی از کشور که میزان بدهی قطعی آنها از ده میلیون ریال بیشتر است جلوگیری کند. حال با اصلاحات صورت‌گرفته در بند (ک) تبصره (۹)، سقف بدهی قطعی بدهکاران مالیاتی برای امکان ممنوع‌الخروجی بیشتر شده است که این امر، در عمل احتمال فرار مالیاتی و به تبع آن، کاهش درآمد عمومی دولت را بالا می‌برد. لذا با توجه به اینکه این بند به موجب پیشنهاد نمایندگان به لایحه افزوده شده است و نمایندگان نیز طریقی برای جبران این کاهش درآمد عمومی دولت، در نظر نگرفته‌اند، بند (ک) تبصره (۹) مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی محسوب می‌شود.

دیدگاه عدم مغایرت

در خصوص بررسی مصوبه‌ی بودجه، احراز مغایرت با اصل (۷۵) فرع بر اصل (۵۲) قانون

۱. ماده (۲۰۲) قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳: «ماده ۲۰۲- وزارت امور اقتصادی و دارایی یا سازمان امور مالیاتی کشور می‌تواند از خروج بدهکاران مالیاتی که میزان بدهی قطعی آنها از ده میلیون (۱۰ ۰۰۰۰۰۰) ریال بیشتر است از کشور جلوگیری نماید. حکم این ماده در مورد مدیر یا مدیران مسئول اشخاص حقوقی خصوصی بابت بدهی قطعی مالیاتی شخص حقوقی اعم از مالیات بر درآمد شخص حقوقی یا مالیات‌هایی که به موجب این قانون شخص حقوقی مکلف است به کسر و ایصال آن می‌باشد و مربوط به دوران مدیریت آنان بوده نیز جاری است. مراجع ذی‌ربط با اعلام وزارت یا سازمان مزبور مکلف به اجرای این ماده می‌باشند. تبصره-...»

اساسی است؛ زیرا در احکام بودجه، از آنجا که ردیف و محل اعتبار هزینه‌ها و کاهش درآمدها مشخص است، این احکام مغایرتی با اصل (۷۵) قانون اساسی ندارند، مگر اینکه بپذیریم که می‌توان احکام دائمی (غیر بودجه‌ای) که دارای بار مالی برای دولت است را در لایحه‌ی بودجه به تصویب رساند. بنابراین وارد کردن ایراد اصل (۷۵) به احکام بودجه، مساوی با پذیرش ذکر احکام غیر بودجه‌ای در مصوبه‌ی بودجه است. از این رو ایراد مغایرت با اصل (۷۵) قانون اساسی در خصوص احکام بودجه، سالبه به انتفاء موضوع خواهد بود.

نظر شورای نگهبان

بند (ک) تبصره (۹)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

تبصره ۹- ...

بند الحاقی ۱- ...

بند الحاقی ۲- آستان‌های مقدس و قرارگاه‌های سازندگی مکلفند در سال ۱۳۹۴ اظهارنامه مالیاتی و حساب سود و زیان درآمدهای سال ۱۳۹۳ مرتبط با سهام خود در شرکت‌ها و مؤسسات با فعالیت‌های اقتصادی نظیر صنعتی، معدنی، تجاری و خدماتی را تسلیم ادارات مالیات کرده و مالیات آن را بر اساس قانون مالیات‌های مستقیم پرداخت کنند. منابع درآمدهای مالیاتی شرکت‌های تابعه آستان قدس رضوی موضوع این بند در قالب قانون بودجه به صورت جمعی - خرجی در اختیار این آستان قرار می‌گیرد.

دیدگاه مغایرت

الف) مطابق با نظر امام راحل (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، آستان قدس رضوی از پرداخت مالیات معاف است. بر این اساس، بند الحاقی (۲) به تبصره (۹)، آستان قدس رضوی را مکلف به ارائه‌ی اظهارنامه‌ی مالیاتی و پرداخت مالیات درآمدهای شرکت‌های تابعه کرده است، از این جهت که مغایر با احکام حکومتی ولی فقیه است، مغایر با موازین شرع محسوب می‌شود.^(۱)

ب) مطابق با بند (۹) اصل (۳) قانون اساسی، دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است که تبعیضات ناروا را رفع و امکانات عادلانه را برای همه ایجاد کند. بند الحاقی (۲) به تبصره (۹)، با

۱. برای مشاهده‌ی نظر مشابه در این زمینه، بنگرید به ایراد شورای نگهبان نسبت به ماده الحاقی (۵۳) طرح الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۹۳/۹/۱۹، مندرج در بند (۳۵) نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۰/۳۲۸۴ مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۲۱ شورای نگهبان خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

بازپرداخت میزان مالیات آستان قدس رضوی به صورت جمعی - خرجی، در واقع آنها را از شمول مالیات معاف کرده است. از آنجا که معافیت مراکز مذکور از مالیات و اخذ مالیات از دیگر نهادها، سازمان‌ها و... از مصادیق تبعیض ناروا است، بند الحاقی (۲)، از این جهت که تساوی میان اشخاص و نهادها را در خصوص اخذ مالیات، خدشه‌دار کرده است، مغایر با بند (۹) اصل (۳) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

اگرچه مطابق قسمت ابتدایی بند الحاقی (۲) به تبصره (۹)، آستان قدس رضوی همانند سایر آستان‌های مقدس مکلف به پرداخت مالیات درآمدهای شرکت‌های تابعه خود شده است، اما طبق قسمت پایانی این بند الحاقی، منابع درآمدهای مالیاتی شرکت‌های تابعه آستان قدس رضوی در قالب قانون بودجه و به صورت جمعی - خرجی در اختیار این آستان قرار می‌گیرد. به بیان دیگر هدف از تأکید بر لزوم پرداخت مالیات و سپس استرداد وجوه مأخوذه، فراهم نمودن امکان ثبت میزان درآمد و مالیات این‌گونه نهادها است. فارغ از این نکته، محل اخذ مالیات‌های مزبور، صرفاً فعالیت‌های اقتصادی شرکت‌های آستان قدس است و شامل سایر درآمدهای آن، از جمله موقوفات نمی‌شود. بنابراین با توجه به مراتب مذکور، بند الحاقی (۲) به تبصره (۹)، فاقد هرگونه اشکال شرعی و مغایرت با احکام ولی فقیه در این خصوص است.

نظر شورای نگهبان

بند الحاقی (۲) به تبصره (۹)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

تبصره ۱۰-

الف - ...

۱- ...

۶- گمرک جمهوری اسلامی ایران مکلف است نسبت به استرداد حقوق ورودی کالاهای وارداتی از همان مواد و قطعات وارداتی موضوع مواد (۶۶) تا (۶۸) قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۹۰/۸/۲۲،^(۱) ظرف مدت پانزده روز از محل درآمد جاری اقدام کند.

۱. مواد (۶۶) تا (۶۸) قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۹۰/۸/۲۲: «مبحث دوم - استرداد حقوق ورودی:

ماده ۶۶- حقوق ورودی اخذشده از عین کالای وارداتی که از کشور صادر می‌گردد و مواد، کالاهای مصرفی و لوازم بسته‌بندی خارجی به کار رفته یا مصرف‌شده در تولید، تکمیل یا بسته‌بندی کالای صادرشده با رعایت مقررات

بند الحاقی - کلیه استخراج‌کنندگان معادن موظفند بابت استخراج انفال متناسب با ارزش افزوده ناشی از استخراج معادن، حق انتفاع بهره‌برداری پرداخت کنند.

میزان این حق انتفاع متناسب با حجم ذخیره معدن، نوع ماده معدنی و ارزش ذاتی آن به پیشنهاد وزارت صنعت، معدن و تجارت و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

وزارت صنعت، معدن و تجارت موظف است از بهره‌برداری افراد استخراج‌کننده‌ای که حق انتفاع مذکور را پرداخت نمی‌کنند، ممانعت به عمل آورد و وزارت امور اقتصادی و دارایی (سازمان امور مالیاتی) نیز ماده (۴۸) قانون محاسبات عمومی کشور را اعمال کند.

حق انتفاع حقی است که به دارنده پروانه بهره‌برداری از معدن تعلق می‌گیرد. جزء الحاقی ۱ - سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران پس از وصول حق انتفاع پروانه بهره‌برداری موضوع این تبصره، از مجموع وصولی دریافت



این قانون و آیین‌نامه اجرایی آن با مآخذ زمان ورود کالا باید به صادرکننده مسترد گردد. تبصره ۱ - کالاهایی که به منظور صادرات، به مناطق آزاد یا مناطق ویژه اقتصادی حمل می‌گردد چنانچه برابر قوانین و مقررات از این مناطق صادر شود مشمول مقررات استرداد می‌گردد. تبصره ۲ - حقوق ورودی تسریع‌کننده‌ها (کاتالیست‌ها) که لازمه واکنش شیمیایی است مشمول استرداد می‌گردد ولی ابزارآلات و مواد روان‌کننده و همانند آنها که فقط به عنوان کمک در تولید کالای صادراتی مورد استفاده و مصرف قرار می‌گیرد شامل مقررات استرداد نیست.

تبصره ۳ - استرداد می‌تواند توسط اشخاصی غیر از واردکننده کالاهای مذکور نیز درخواست شود. تبصره ۴ - مهلت درخواست استرداد حقوق و عوارض ورودی مواد به کار رفته در کالاهای صادرشده سه سال از تاریخ امضاء پروانه یا پته گمرکی کالای ورودی است. روز امضاء پروانه یا پته گمرکی و روز تسلیم تقاضای استرداد به گمرک ایران جزء این ایام محسوب نمی‌شود.

ماده ۶۷ - به منظور تسهیل شناسایی و انطباق کالا و مواد وارداتی به کار رفته در کالای صادراتی، صادرکننده باید همزمان با تسلیم اظهارنامه صادراتی، موضوع استرداد را با قید شماره پروانه ورودی مربوطه به گمرک صدور اعلام کند و گمرک موظف است تشریفات ارزیابی کالای صادراتی را به طور کامل انجام دهد و نتیجه را در ظهر اظهارنامه صادراتی قید نماید.

تبصره - اسناد و مدارک مورد نیاز گمرک جهت انجام مراحل استرداد حقوق ورودی در آیین‌نامه اجرایی این قانون مشخص می‌گردد.

ماده ۶۸ - استرداد بر اساس ارزش گمرکی و مآخذ حقوق ورودی مندرج در اسناد گمرکی در زمان ورود محاسبه می‌شود. در صورتی که بخشی از وجوه دریافتی بابت ورود کالا توسط سازمان‌هایی غیر از گمرک وصول شود، گمرک مراتب را جهت استرداد به سازمان‌های مذکور اعلام می‌نماید. گمرک و سایر سازمان‌های وصول‌کننده باید همه‌ساله بودجه لازم برای استرداد را در بودجه سالانه منظور نمایند.»

حقوق دولتی معادن، به تناسب به ردیف ۱۳۰۴۰۸ و باقی مانده را به ردیف ۱۳۰۴۱۹ پرداخت کند.

جزء الحاقی ۲- وزارت صنعت، معدن و تجارت موظف است حداکثر ظرف مدت شش ماه از تاریخ تصویب این قانون راهبردهای استراتژی توسعه معادن و سامانه الکترونیکی ارزیابی و محاسبه و دریافت حقوق دولتی از معادن را تعیین کند و به اجراء گذارد.

دیدگاه مغایرت

الف) مطابق اصل (۵۳) قانون اساسی، کلیه‌ی دریافت‌های دولت در حساب‌های خزانه‌داری کل متمرکز می‌شود و همه پرداخت‌های دولت باید در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام گیرد. این اصل به معنای آن است که اولاً تمامی دریافت‌های دولت باید به صورت مشخص در بودجه ذکر شود و به خزانه‌داری کل کشور واریز شود و ثانیاً کلیه‌ی هزینه‌ها و پرداخت‌های دولت، محل مصارف و ردیف‌های اعتباری مربوط به هر پرداخت نیز باید به صورت مشخص و با تعیین میزان و مبلغ آنها در قانون بودجه‌ی سنواتی ذکر شود. آنچه در جزء (۶) بند (الف) تبصره (۱۰) در خصوص استرداد حقوق ورودی کالاها و مواد صادراتی پیش‌بینی شده و به تصویب مجلس رسیده است، در اصل، در ماده (۶۶) قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۹۰/۸/۲۲ آمده است. در ماده (۶۸) این قانون مقرر شده است که «... گمرک و سایر سازمان‌های وصول‌کننده باید همه‌ساله بودجه‌ی لازم برای استرداد را در بودجه‌ی سالانه منظور نمایند». در همین راستا در جزء (۶) بند (الف)، به گمرک اجازه داده شده است که حقوق ورودی اخذشده از کالاهای صادرشده را از محل درآمدهای جاری خود مسترد نماید. بر این اساس گمرک مجاز خواهد بود که بخشی از درآمدهای جاری خود را به صورت مستقیم و بدون اینکه آنها را به حساب خزانه‌داری کل کشور واریز کند، جهت استرداد مبالغ مربوط به حقوق ورودی کالاها و مواد صادراتی اختصاص دهد. بر این اساس، این مصوبه از جهت تجویز عدم واریز بخشی از درآمدهای گمرک به خزانه‌داری کل کشور و هزینه‌کرد آن برای استرداد حقوق ورودی کالاها و مواد صادراتی، مغایر با اصل (۵۳) قانون اساسی است.

ب) بر اساس قاعده «اوفوا بالعقود» نمی‌توان قرارداد و یا شروط آن را به صورت یکجانبه لغو و یا تعدیل کرد. بند الحاقی به قسمت (الف) تبصره (۱۰)، کلیه‌ی استخراج‌کنندگان معادن را موظف به پرداخت حق انتفاع بهره‌برداری بابت استخراج انفال کرده است. این در حالی است که این واگذاری‌ها در گذشته و به موجب قرارداد میان دولت و استخراج‌کنندگان انجام گرفته و چنین شرطی در قرارداد وجود نداشته است. بنابراین، بر اساس موازین شرعی، نمی‌توان استخراج‌کنندگان را ملزم به رعایت ضوابط مزبور کرد. لذا، حکم قسمت (الف) تبصره (۱۰)، از آنجا که موجب

تغییر شرایط قرارداد از سوی یک طرف عقد می‌شود، مغایر با قاعده «اوفوا بالعقود» و در نتیجه مغایر با موازین شرع است.

ج) مطابق با اصل (۵۲) قانون اساسی، بودجه‌ی سالانه‌ی کل کشور توسط دولت تهیه و تنظیم و برای تصویب به مجلس تسلیم می‌شود. بر اساس این اصل، صرفاً آنچه مشمول تعریف بودجه‌ی سالانه‌ی کل کشور و مشتمل بر هزینه-درآمد یکساله‌ی دولت است، باید در لایحه‌ی بودجه لحاظ شود. بر این اساس، پیش‌بینی صورت گرفته در بند الحاقی به قسمت (الف) تبصره (۱۰)، در خصوص موظف نمودن کلیه‌ی استخراج‌کنندگان معادن به پرداخت حق انتفاع بهره‌برداری، از آنجا که یک حکم کلی و دائمی و در نتیجه فاقد ماهیت بودجه‌ای است، مغایر با مفاد اصل (۵۲) قانون اساسی است. در واقع این‌گونه مصوبات به علت اینکه نیاز به قانون دائمی دارند می‌بایست طی یک قانون مجزا مورد حکم قرار گیرند و تصویب آنان در ضمن قانون بودجه‌ی سنواتی باعث ایجاد خدشه در یکی از مهمترین ویژگی‌های مصوبه‌ی بودجه که «سالانه بودن» است، می‌شود.

د) مطابق با اصل (۱۵) قانون اساسی، متون و اسناد رسمی باید به زبان رسمی باشد. بر این اساس، به‌کارگیری واژه‌ی غیر فارسی «استراتژی» در جزء الحاقی (۲) به قسمت (الف) تبصره (۱۰)، مغایر اصل (۱۵) قانون اساسی است و باید معادل فارسی آن، مانند «راهبرد» استعمال شود.

دیدگاه عدم مغایرت

حکمی که در بند الحاقی به قسمت (الف) تبصره (۱۰)، در خصوص موظف نمودن کلیه‌ی استخراج‌کنندگان معادن به پرداخت حق انتفاع بهره‌برداری بابت استخراج انفال پیش‌بینی شده است، تغایری با موازین شرعی ندارد؛ زیرا منظور از حق انتفاع در اینجا به نوعی وضع یک نوع مالیات یا عوارض جدید است که اصولاً وضع و اخذ آن در اختیار حکومت است که در همه‌ی قراردادهای به عنوان شرط ثابت گنجانده می‌شود و مورد پذیرش طرفین قرارداد نیز هست. لذا مفاد این بند الحاقی، مغایرتی با موازین شرع ندارد.

نظر شورای نگهبان

- جزء (۶) بند (الف) تبصره (۱۰)، مغایر اصل (۵۳) قانون اساسی شناخته شد. همچنین در جزء الحاقی (۲) به این بند، واژه «استراتژی» حذف گردد و الا مغایر اصل (۱۵) قانون اساسی است.

- همان‌طور که هر ساله به استحضار عالی رسید، در بودجه کل کشور مواردی که فاقد ماهیت بودجه‌ای است، منظور می‌گردد که همواره از طرف این شورا مورد اشکال قرار گرفته است. اگرچه با تصویب قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲)، مقداری از

این اشکالات رفع گردیده، اما به لحاظ طرح بودن مصوبه مرقوم، کل اشکال مربوطه مرتفع نشده است. شایسته است دولت و مجلس ترتیبی اتخاذ نمایند تا موارد مذکور به صورت لایحه قانونی مورد بررسی و تصویب قرار گیرند.

تبصره ۱۱-

الف- به منظور تشویق و جلب سرمایه‌گذاران حقیقی و حقوقی بخش غیردولتی و تعاونی‌های تولیدی و تشکل‌های آب‌بران و شرکت‌های سهامی زراعی و شهرک‌های کشاورزی در امر احداث آب‌بندان‌ها، تسریع در احداث، تکمیل و تجهیز طرح‌های شبکه‌های فرعی آبیاری و زهکشی، اجرای عملیات آب و خاک کشاورزی و روش‌های نوین آبیاری و بهینه‌سازی مصرف آب و انرژی، دستگاه‌های اجرایی ملی و استانی از محل اعتبارات طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای مربوط ذیل برنامه‌های ۴۰۱۵۲ و ۴۰۲۰۱، اعتبارات مورد نیاز احداث و تکمیل طرح‌های موصوف را تا هشتاد و پنج درصد (۸۵٪) به عنوان سهم دولت به صورت بلاعوض و باقی‌مانده به عنوان سهم بهره‌برداران به صورت نقدی یا تأمین کارگر یا تهاتر زمین یا کالای مورد نیاز در اجرای طرح پرداخت نمایند.

مناطق محروم و بهره‌بردارانی که در احداث شبکه‌های اصلی آبیاری و زهکشی مشارکت نموده باشند از پرداخت سهم نقدی مشارکت در احداث شبکه‌های فرعی آبیاری و زهکشی معافند.

دیدگاه مغایرت

مطابق با اصل (۵۲) قانون اساسی، بودجه‌ی سالانه‌ی کشور توسط دولت تهیه و تنظیم و برای تصویب به مجلس تسلیم می‌شود. بر اساس این اصل، صرفاً آنچه مشمول تعریف بودجه‌ی سالانه‌ی کل کشور و مشتمل بر هزینه-درآمد یکساله‌ی دولت است باید در لایحه‌ی بودجه لحاظ شود. آنچه در بند (الف) تبصره (۱۱) در خصوص الزام دائمی دولت به اختصاص برخی منابع خود برای پرداخت تا هشتاد و پنج درصد (۸۵٪) هزینه‌ی مورد نیاز احداث و تکمیل برخی طرح‌های عمرانی پیش‌بینی شده و به تصویب رسیده است، به این دلیل که حکمی دائمی در خصوص مورد صادر کرده است، ماهیت غیر بودجه‌ای دارد که نباید در ضمن قانون بودجه بیان شود. کما اینکه عین همین مقرر در ماده (۱۱) طرح الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت نیز ذکر شده بود که به جهت ایراد شورای نگهبان و در مقام اصلاح حذف

گردید. بنابراین، تصویب بند مزبور در مصوبه‌ی بودجه‌ی سالانه، از آن جهت که ماهیت غیر بودجه‌ای دارد، مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است.

نظر شورای نگهبان

همان‌طور که هر ساله به استحضار عالی رسید، در بودجه کل کشور مواردی که فاقد ماهیت بودجه‌ای است، منظور می‌گردد که همواره از طرف این شورا مورد اشکال قرار گرفته است. اگرچه با تصویب قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲)، مقداری از این اشکالات رفع گردیده، اما به لحاظ طرح بودن مصوبه مرقوم، کل اشکال مربوطه مرتفع نشده است. شایسته است دولت و مجلس ترتیبی اتخاذ نمایند تا موارد مذکور به صورت لایحه قانونی مورد بررسی و تصویب قرار گیرند.

تبصره ۱۱-

الف- ...

د- حذف شد.

فراز الحاقی به بند (د)- برای تسهیل و تسریع در انعقاد قراردادهای سرمایه‌گذاری و مشارکت بخش غیردولتی و به منظور جلب انگیزه سرمایه‌گذاری در طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای کشور، بانک‌های عامل مکلفند قراردادهای خرید تضمینی کالاها و خدمات تولیدشده بخش غیردولتی و بیع متقابل منعقدشده با دستگاه‌های اجرایی در این‌گونه طرح‌ها را به عنوان تضمین‌های قابل قبول برای اعطای تسهیلات بانکی تلقی نمایند.

دیدگاه مغایرت

مطابق با اصل (۵۲) قانون اساسی، بودجه‌ی سالانه‌ی کشور توسط دولت تهیه و تنظیم و برای تصویب به مجلس تسلیم می‌شود. بر اساس این اصل، صرفاً آنچه مشمول تعریف بودجه سالانه کل کشور و مشتمل بر هزینه-درآمد یکساله‌ی دولت است باید در لایحه‌ی بودجه لحاظ شود. آنچه در فراز الحاقی به بند (د) تبصره (۱۱) این مصوبه در خصوص مکلف نمودن بانک‌های عامل به پذیرش قراردادهای خرید تضمینی کالاها و خدمات تولیدشده بخش غیردولتی و بیع متقابل به عنوان تضمین‌های قابل قبول برای اعطای تسهیلات بانکی آمده و به تصویب مجلس رسیده است، حکمی دائمی و ناظر به امور بانکی است که ماهیت بودجه‌ای ندارد تا ذکر آن در ضمن قانون بودجه، توجیه‌پذیر باشد. از این رو، این مصوبه، مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است.

نظر شورای نگهبان

همان‌طور که هر ساله به استحضار عالی رسید، در بودجه کل کشور مواردی که فاقد ماهیت بودجه‌ای است، منظور می‌گردد که همواره از طرف این شورا مورد اشکال قرار گرفته است. اگرچه با تصویب قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲)، مقداری از این اشکالات رفع گردیده، اما به لحاظ طرح بودن مصوبه مرقوم، کل اشکال مربوطه مرتفع نشده است. شایسته است دولت و مجلس ترتیبی اتخاذ نمایند تا موارد مذکور به صورت لایحه قانونی مورد بررسی و تصویب قرار گیرند..

تبصره ۱۱-

الف- ...

ه- کشاورزانی که در اثر حوادث غیرمترقبه از جمله خشکسالی خسارت دیده‌اند و قادر به پرداخت حق بیمه اجتماعی در موعد مقرر نشده‌اند، از پرداخت جریمه برای مدت معذوریت معاف می‌باشند. آیین‌نامه اجرایی این بند با پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و وزارت جهاد کشاورزی حداکثر ظرف مدت دو ماه پس از ابلاغ این قانون به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

دیدگاه مغایرت

مطابق با اصل (۵۲) قانون اساسی، بودجه‌ی سالانه‌ی کشور توسط دولت تهیه و تنظیم و برای تصویب به مجلس تسلیم می‌شود. بر اساس این اصل، صرفاً آنچه مشمول تعریف بودجه‌ی سالانه‌ی کل کشور و مشتمل بر هزینه-درآمد یکساله دولت است، باید در لایحه‌ی بودجه لحاظ شود. با این وصف، حکم مقرر در بند (ه) تبصره (۱۱) در خصوص معافیت از پرداخت جریمه برای کشاورزانی که در اثر حوادث غیرمترقبه از جمله خشکسالی خسارت دیده‌اند، از آنجا که یک حکم کلی و دائمی است و ارتباطی با هزینه‌ها و درآمدهای دولت در سال ۱۳۹۴ ندارد، واجد ماهیت غیر بودجه‌ای است و تصویب آن در ضمن مصوبه‌ی بودجه، مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

معافیت پیش‌بینی شده در بند (ه) تبصره (۱۱)، تغایری با اصل (۵۲) قانون اساسی ندارد؛ زیرا حکم مزبور صرفاً مربوط به یک سال یعنی سال ۱۳۹۴ بوده و دائمی محسوب نمی‌شود. پس ذکر آن در مصوبه‌ی بودجه‌ی سال ۱۳۹۴، قابل توجیه است و نمی‌توان آن را مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی دانست.

نظر شورای نگهبان

همان‌طور که هر ساله به استحضار عالی رسید، در بودجه کل کشور مواردی که فاقد ماهیت بودجه‌ای است، منظور می‌گردد که همواره از طرف این شورا مورد اشکال قرار گرفته است. اگرچه با تصویب قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲)، مقداری از این اشکالات رفع گردیده، اما به لحاظ طرح بودن مصوبه مرقوم، کل اشکال مربوطه مرتفع نشده است. شایسته است دولت و مجلس ترتیبی اتخاذ نمایند تا موارد مذکور به صورت لایحه قانونی مورد بررسی و تصویب قرار گیرند.

تبصره ۱۱-

الف- ...

و- کلیه بانک‌های کشور اعم از دولتی، غیردولتی و مؤسسات مالی و صندوق‌های حمایتی که به بخش کشاورزی تسهیلاتی پرداخت نموده‌اند، موظفند بازپرداخت وام‌های اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی که دچار خسارت خشکسالی یا سرمازدگی یا آفات و بیماری‌های همه‌گیر و یا حوادث غیرمترقبه و یا آتش‌سوزی غیرعمدی شده باشند را با تأیید کارگروهی متشکل از نمایندگان جهاد کشاورزی شهرستان، بانک مربوط در شهرستان، صندوق بیمه کشاورزی شهرستان و فرمانداری شهرستان، مشروط به تأمین بار مالی اضافی از محل اعتبارات ماده (۱۲) قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور مصوب ۱۳۸۷/۲/۳۱^(۱) و اعتبارات پیش‌بینی نشده قانون بودجه به مدت سه سال امهال کنند.

دیدگاه مغایرت

مطابق با اصل (۵۲) قانون اساسی، بودجه‌ی سالانه‌ی کشور توسط دولت تهیه و تنظیم و برای تصویب به مجلس تسلیم می‌شود. بر اساس این اصل، صرفاً آنچه مشمول تعریف بودجه‌ی سالانه‌ی کل کشور و مشتمل بر هزینه-درآمد یکساله‌ی دولت است، باید در لایحه‌ی بودجه لحاظ شود. پیش‌بینی صورت گرفته در بند (و) تبصره (۱۱) در مورد الزام کلیه‌ی بانک‌های کشور به

۱. ماده (۱۲) قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور مصوب ۱۳۸۷/۲/۳۱: «ماده ۱۲- به دولت اجازه داده می‌شود در صورت وقوع حوادث طبیعی و سوانح پیش‌بینی نشده، معادل یک و دو دهم درصد (۱/۲٪) از بودجه عمومی هر سال را از محل افزایش تنخواه‌گردان خزانه تأمین کند تا به صورت اعتبارات خارج از شمول با پیشنهاد شورای عالی و تأیید رئیس‌جمهور هزینه گردد.»

امهال سه ساله بازپرداخت وام‌های اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی که دچار خسارت خشکسالی یا سرمازدگی یا آفات و بیماری‌های همه‌گیر و یا حوادث غیرمترقبه و یا آتش‌سوزی غیرعمدی شده باشند، ناظر بر حکمی کلی و دائمی است و ماهیت غیر بودجه‌ای دارد. بنابراین، گنجانیدن چنین حکمی در قانون بودجه‌ی سالانه، مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است.

نظر شورای نگهبان

همان‌طور که هر ساله به استحضار عالی رسید، در بودجه کل کشور مواردی که فاقد ماهیت بودجه‌ای است، منظور می‌گردد که همواره از طرف این شورا مورد اشکال قرار گرفته است. اگرچه با تصویب قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲)، مقداری از این اشکالات رفع گردیده، اما به لحاظ طرح بودن مصوبه مرقوم، کل اشکال مربوطه مرتفع نشده است. شایسته است دولت و مجلس ترتیبی اتخاذ نمایند تا موارد مذکور به صورت لایحه قانونی مورد بررسی و تصویب قرار گیرند.

تبصره ۱۱-

الف- ...

ح- به وزارت نیرو اجازه داده می‌شود کل هزینه‌های مربوط به تهیه و نصب کنتور حجمی هوشمند چاه‌های کشاورزی را از محل اعتبارات ردیف‌های طرح «تبادل بخشی، تغذیه مصنوعی و کنترل سیل» پرداخت و به صورت اقساطی با روشی که وزارت نیرو تعیین می‌نماید از صاحبان چاه‌ها دریافت و به حساب خزانه واریز کند. صد درصد (۱۰۰٪) وجوه واریزی صرفاً برای اجرای طرح‌های تبادل بخشی منابع آب زیرزمینی در اختیار وزارت نیرو قرار می‌گیرد.

دیدگاه مغایرت

مطابق اصل (۵۳) قانون اساسی، کلیه دریافت‌های دولت در حساب‌های خزانه‌داری کل متمرکز می‌شود و همه پرداخت‌های دولت باید در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام گیرد. این اصل به معنای آن است که اولاً تمامی دریافت‌های دولت باید به صورت مشخص در بودجه ذکر شود و ثانیاً کلیه هزینه‌ها و پرداخت‌های دولت، محل مصارف و ردیف‌های اعتباری مربوط به هر پرداخت نیز باید به صورت مشخص و با تعیین میزان و مبلغ آنها در قانون بودجه‌ی سنواتی ذکر شود. حکم مقرر در ذیل بند (ح) تبصره (۱۱) مبنی بر اعطای مجوز به وزارت نیرو جهت دریافت اقساطی هزینه‌های مربوط به تهیه و نصب کنتور حجمی هوشمند چاه‌های

کشاورزی از صاحبان چاه‌ها و واریز آن به حساب خزانه و به تبع آن اختصاص صد درصد (۱۰۰٪) وجوه واریزی برای اجرای طرح‌های تعادل‌بخشی منابع آب، به دلیل اینکه ردیف واریزی و سقف مشخص برای برداشت از اعتبارات مصوب ندارد، مغایر اصل (۵۳) قانون اساسی محسوب می‌شود. ضمن اینکه، ردیف‌های طرح «تعادل‌بخشی، تغذیه مصنوعی و کنترل سیل» در صدر این بند، ناظر بر ردیف‌های هزینه‌ای و پرداختی است و ردیف‌های وصول و واریز وجوه‌های دریافتی از صاحبان چاه‌ها به خزانه‌داری کل کشور محسوب نمی‌شود.

دیدگاه عدم مغایرت

پیش‌بینی صورت گرفته در ذیل بند (ح) تبصره (۱۱) مبنی بر اعطای مجوز به وزارت نیرو جهت دریافت اقساطی هزینه‌های مربوط به تهیه و نصب کنتور و واریز آن به حساب خزانه و به تبع آن اختصاص صد درصد (۱۰۰٪) وجوه واریزی برای اجرای طرح‌های تعادل‌بخشی منابع آب، به دلیل اینکه در صدر این بند، محل تأمین هزینه‌های مربوطه، ردیف‌های طرح «تعادل‌بخشی، تغذیه مصنوعی و کنترل سیل» تعیین شده است، واجد ردیف و سقف مشخصی از اعتبارات مصوب محسوب می‌شود و لذا تغایری با اصل (۵۳) قانون اساسی ندارد.

نظر شورای نگهبان

در بند (ح) تبصره (۱۱)، از آنجا که در خصوص ذیل آن، ردیف و سقف تعیین نشده است، مغایر اصل (۵۳) قانون اساسی شناخته شد.

تبصره ۱۳-

الف- در اجرای ماده (۱۹) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران:

۱- حذف شد.

۲- به وزارت آموزش و پرورش اجازه داده می‌شود، به منظور پوشش کامل تحصیلی دانش‌آموزان لازم‌التعلیم، نسبت به خرید خدمات آموزشی از طریق پرداخت سرانه دانش‌آموزی اقدام کند. واگذاری مدارس دولتی به بخش خصوصی تا پایان قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران ممنوع می‌باشد.

۳- در سال ۱۳۹۴ ساختمان‌های متعلق به دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری که به عنوان مدرسه مورد استفاده قرار گرفته است، همچنان در اختیار وزارت آموزش و پرورش باقی می‌ماند.

جزء الحاقی- وزارت آموزش و پرورش مکلف است در مناطقی که نمی‌تواند خدمات

آموزشی ارائه کند، سرویس ایاب و ذهاب رایگان به نزدیک‌ترین محل آموزشی برای کلیه دانش‌آموزان فراهم نماید.

دیدگاه مغایرت

الف) مطابق اصل (۵۳) قانون اساسی، کلیه‌ی دریافت‌های دولت در حساب‌های خزانه‌داری کل متمرکز می‌شود و همه‌ی پرداخت‌های دولت در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام می‌گیرد. عبارت «حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون» در این اصل به معنای تعیین هزینه‌ها، محل مصارف و تعیین ردیف‌های اعتباری مربوطه به صورت مشخص و با تعیین میزان و مبلغ آنها در قانون بودجه است. جزء الحاقی به بند (الف) تبصره (۱۳)، وزارت آموزش و پرورش را مکلف کرده است که در مناطقی که نمی‌تواند خدمات آموزشی ارائه کند، برای کلیه‌ی دانش‌آموزان سرویس ایاب و ذهاب رایگان فراهم کند. این در حالی است که در این مصوبه، ردیف اعتباری مشخص جهت تأمین هزینه‌های انجام این تکلیف و نیز سقف هزینه‌ی قابل برداشت برای این منظور تعیین نشده است. بر این اساس، این مصوبه از این جهت که حدود اعتبارات و ردیف اعتباری مربوط به آن در مصوبه‌ی بودجه مشخص نشده است، مغایر با اصل (۵۳) قانون اساسی است.

ب) مطابق با اصل (۵۲) قانون اساسی، بودجه‌ی سالانه‌ی کشور توسط دولت تهیه و تنظیم و برای تصویب به مجلس تسلیم می‌شود. بر اساس این اصل، صرفاً آنچه مشمول تعریف بودجه‌ی سالانه‌ی کل کشور و مشتمل بر هزینه-درآمد یکساله‌ی دولت است، باید در لایحه‌ی بودجه لحاظ شود. آنچه در جزء الحاقی به بند (الف) تبصره (۱۳) در خصوص تکلیف وزارت آموزش و پرورش به فراهم نمودن سرویس ایاب و ذهاب رایگان برای کلیه‌ی دانش‌آموزان موضوع این مصوبه پیش‌بینی شده است، یک حکم کلی و دائمی در خصوص مورد است که فاقد ماهیت بودجه‌ای است. بنابراین، تصویب این حکم دائمی در مصوبه‌ی بودجه‌ی سالانه‌ی کل کشور، مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

پیش‌بینی صورت گرفته در جزء الحاقی به بند (الف) تبصره (۱۳) در خصوص تکلیف وزارت آموزش و پرورش به فراهم نمودن سرویس ایاب و ذهاب رایگان برای کلیه‌ی دانش‌آموزان موضوع این مصوبه، تغایری با اصل (۵۲) قانون اساسی ندارد؛ زیرا این حکم، محدود به یک سال مشخص، یعنی سال ۱۳۹۴ است و صرفاً در این سال، قابلیت اجرایی دارد. از این رو، این مسئله مطابق با ویژگی سالانه بودن بودجه‌ی سنواتی کشور و اصل (۵۲) قانون اساسی است.

نظر شورای نگهبان

جزء الحاقی به بند (الف) ... تبصره (۱۳)، از حیث مشخص نبودن ردیف و سقف، مغایر اصل (۵۳) قانون اساسی شناخته شد.

تبصره ۱۳- ...

الف- ...

ج- به وزارتخانه‌های آموزش و پرورش و ورزش و جوانان اجازه داده می‌شود درآمدهایی را که بر اساس قوانین مصوب دریافت می‌کنند به استثنای درآمدهای موضوع بند (م) تبصره (۳) این قانون، به حساب درآمد اختصاصی که توسط خزانه‌داری کل کشور افتتاح می‌شود، واریز کنند و معادل آن را وصول نمایند. مازاد درآمد اختصاصی ادارات کل آموزش و پرورش و ورزش و جوانان هر استان به همان استان و شهرستان وصول‌کننده اختصاص می‌یابد.

دیدگاه مغایرت

مطابق اصل (۵۳) قانون اساسی، کلیه دریافت‌های دولت در حساب‌های خزانه‌داری کل متمرکز می‌شود و همه‌ی پرداخت‌های دولت در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام می‌گیرد. این اصل به معنای آن است که اولاً تمامی دریافت‌های دولت باید به صورت مشخص در بودجه ذکر شود و ثانیاً کلیه‌ی هزینه‌ها و پرداخت‌های دولت، محل مصارف و ردیف‌های اعتباری مربوط به هر پرداخت نیز باید به صورت مشخص و با تعیین میزان و مبلغ آنها در قانون بودجه‌ی سنواتی ذکر شود. حکم مقرر در بند (ج) تبصره (۱۳) در خصوص اعطای مجوز به برخی از وزارتخانه‌ها جهت واریز درآمدهایی که بر اساس قوانین مصوب دریافت می‌کنند به حساب درآمد اختصاصی که توسط خزانه‌داری کل کشور افتتاح می‌شود و وصول معادل آن برای خود و همچنین تصریح صورت‌گرفته مبنی بر اختصاص مازاد درآمد اختصاصی ادارات کل هر استان به همان استان و شهرستان وصول‌کننده، به دلیل اینکه ردیف اعتباری و سقف مشخص برای این دریافت‌ها مشخص و معلوم نیست، مغایر با اصل (۵۳) قانون اساسی است.

نظر شورای نگهبان

بندهای (ج)، (ز) و (ح) تبصره (۱۳)، از حیث مشخص نبودن ردیف و سقف، مغایر اصل (۵۳) قانون اساسی شناخته شدند.

تبصره ۱۳-

الف- ...

ز- وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری (سازمان امور دانشجویان) و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مجازند طبق قوانین و مقررات، درآمد حاصل از خرید عدم انجام تعهدات بورس و ارزشگیر با هزینه شخصی و جریمه‌های آن را اخذ و به حساب درآمد اختصاصی نزد خزانه‌داری کل کشور واریز کنند. صد درصد (۱۰۰٪) این درآمد به عنوان درآمد اختصاصی وزارتخانه‌های یادشده تلقی می‌شود و به منظور تحقق برنامه‌های مؤسسات آموزش عالی در مناطق شهری کمتر از دویست هزار نفر جمعیت به آنها اختصاص می‌یابد.

دیدگاه مغایرت

مطابق اصل (۵۳) قانون اساسی، کلیه دریافت‌های دولت در حساب‌های خزانه‌داری کل متمرکز می‌شود و همه‌ی پرداخت‌های دولت در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام می‌گیرد. این اصل به معنای آن است که اولاً تمامی دریافت‌های دولت باید به صورت مشخص در بودجه ذکر شود و ثانیاً کلیه هزینه‌ها و پرداخت‌های دولت، محل مصارف و ردیف‌های اعتباری مربوط به هر پرداخت نیز باید به صورت مشخص و با تعیین میزان و مبلغ آنها در قانون بودجه‌ی سنواتی ذکر شود. پیش‌بینی صورت گرفته در ذیل بند (ز) تبصره (۱۳)، در خصوص تلقی نمودن صد درصد (۱۰۰٪) درآمد موضوع این بند به عنوان درآمد اختصاصی وزارتخانه‌های یادشده و اختصاص آن به مؤسسات آموزش عالی در مناطق شهری کمتر از دویست هزار نفر جمعیت، به این دلیل که ردیف درآمدی و همچنین سقف دریافتی وزارتخانه‌های مزبور در این زمینه، مشخص و معلوم نیست، مغایر با اصل (۵۳) قانون اساسی محسوب می‌شود.

نظر شورای نگهبان

بندهای (ج)، (ز) و (ح) تبصره (۱۳)، از حیث مشخص نبودن ردیف و سقف، مغایر اصل (۵۳) قانون اساسی شناخته شدند.

تبصره ۱۳-

الف- ...

ح- صد درصد (۱۰۰٪) وجوه اداره‌شده پرداختی از سال ۱۳۸۵ تا سال ۱۳۹۱ به صندوق رفاه دانشجویان، وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش

پزشکی و دانشگاه آزاد اسلامی به عنوان کمک جهت افزایش سرمایه صندوق‌های رفاه دانشجویان تلقی می‌شود و وجوه حاصل از بازپرداخت وام‌های مذکور در قالب درآمد اختصاصی برای پرداخت مجدد به دانشجویان به مصرف می‌رسد.

دیدگاه مغایرت

مطابق اصل (۵۳) قانون اساسی، کلیه دریافت‌های دولت در حساب‌های خزانه‌داری کل متمرکز می‌شود و همه‌ی پرداخت‌های دولت در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام می‌گیرد. این اصل به معنای آن است که اولاً تمامی دریافت‌های دولت باید به صورت مشخص در بودجه ذکر شود و ثانیاً کلیه هزینه‌ها و پرداخت‌های دولت، محل مصارف و ردیف‌های اعتباری مربوط به هر پرداخت نیز باید به صورت مشخص و با تعیین میزان و مبلغ آنها در قانون بودجه‌ی سنواتی ذکر شود. بر اساس بند (ح) تبصره (۱۳)، صد درصد (۱۰۰٪) وجوه اداره‌شده پرداختی از سال ۱۳۸۵ تا سال ۱۳۹۱ به صندوق رفاه دانشجویان، به عنوان درآمد اختصاصی صندوق رفاه جهت ارائه تسهیلات مجدد به دانشجویان اختصاص یافته است. این در حالی است که ردیف این درآمدهای اختصاصی و همچنین سقف اعتبارات مربوطه جهت اختصاص به صندوق رفاه در این مصوبه مشخص نشده است. از این رو بند مزبور، مغایر با اصل (۵۳) قانون اساسی است.

نظر شورای نگهبان

بندهای (ج)، (ز) و (ح) تبصره (۱۳)، از حیث مشخص نبودن ردیف و سقف، مغایر اصل (۵۳) قانون اساسی شناخته شدند.

تبصره ۱۳-

الف- ...

ک- مازاد درآمد اختصاصی دستگاه‌های اجرایی در سقف اعتباراتی که برای این منظور در این قانون پیش‌بینی شده است، حسب مورد به همان دستگاه اجرایی که درآمد را کسب کرده است، اختصاص می‌یابد تا مطابق موافقتنامه متبادله با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور هزینه شود.

دیدگاه مغایرت

مطابق اصل (۵۳) قانون اساسی، کلیه دریافت‌های دولت در حساب‌های خزانه‌داری کل متمرکز می‌شود و همه‌ی پرداخت‌های دولت در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام

می‌گیرد. «حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون» در این اصل به معنای تعیین هزینه‌ها، محل مصارف و تعیین ردیف‌های اعتباری مربوطه به صورت مشخص و با تعیین میزان و مبلغ آنها در قانون بودجه‌ی سنواتی است. بر این اساس، حکم مقرر در بند (ک) تبصره (۱۳) مبنی بر اختصاص مازاد درآمد اختصاصی دستگاه‌های اجرایی به همان دستگاه اجرایی که درآمد را کسب کرده است، به این دلیل که سقف مشخصی ندارد، مغایر اصل (۵۳) قانون اساسی محسوب می‌شود.

دیدگاه عدم مغایرت

حکم مقرر در بند (ک) تبصره (۱۳) در خصوص اختصاص مازاد درآمد اختصاصی دستگاه‌های اجرایی به همان دستگاه اجرایی که درآمد را کسب کرده است، تغایری با اصل (۵۳) قانون اساسی ندارد؛ زیرا در خود این مصوبه، حداکثر مبلغی که از این طریق به دستگاه‌ها تعلق می‌گیرد با عبارت «در سقف اعتباراتی که برای این منظور در این قانون پیش‌بینی شده»، تعیین شده است. این بدان معنا است که هر دستگاه حداکثر تا سقف بودجه‌ای که در این قانون برایش تعیین شده، می‌تواند دریافتی مجدد داشته باشد. بنابراین این بند، واجد سقف مشخصی از اعتبارات است و از این حیث مغایرتی با اصل (۵۳) قانون اساسی ندارد، ضمن اینکه مفاد این مصوبه، هر ساله در قوانین بودجه پیش‌بینی می‌شده و مغایر اصل (۵۳) شناخته نمی‌شده است.

نظر شورای نگهبان

بند (ک) تبصره (۱۳)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

تبصره ۱۴-

الف- ...

د- دولت موظف است رزمندگان غیر شاغل و پیشمرگان کُرد مسلمان را تحت پوشش بیمه درمانی قرار دهد. اعتبارات این بند از محل ردیف بیمه ایرانیان قابل پرداخت است.

دیدگاه مغایرت

مطابق با اصل (۵۲) قانون اساسی، بودجه‌ی سالانه‌ی کشور توسط دولت تهیه و تنظیم و برای تصویب به مجلس تسلیم می‌شود. بر اساس این اصل، صرفاً آنچه مشمول تعریف بودجه‌ی سالانه‌ی کل کشور و مشتمل بر هزینه-درآمد یکساله‌ی دولت است، باید در لایحه‌ی بودجه لحاظ شود. با این وصف، حکم مقرر در بند (د) تبصره (۱۴)، مبنی بر الزام دولت جهت تحت پوشش بیمه قرار دادن رزمندگان غیر شاغل و پیشمرگان کُرد مسلمان، چون یک حکم کلی و دائمی است،

ذکر آن در مصوبه‌ی بودجه که قانونی سالانه و موقت است، صحیح نیست و از این جهت، مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است.

نظر شورای نگهبان

همان‌طور که هر ساله به استحضار عالی رسید، در بودجه کل کشور مواردی که فاقد ماهیت بودجه‌ای است، منظور می‌گردد که همواره از طرف این شورا مورد اشکال قرار گرفته است. اگرچه با تصویب قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲)، مقداری از این اشکالات رفع گردیده، اما به لحاظ طرح بودن مصوبه مرقوم، کل اشکال مربوطه مرتفع نشده است. شایسته است دولت و مجلس ترتیبی اتخاذ نمایند تا موارد مذکور به صورت لایحه قانونی مورد بررسی و تصویب قرار گیرند.

تبصره ۱۴-

الف- ...

بند الحاقی ۱- دولت مکلف است کمک‌هزینه مسکن کارکنان نیروهای مسلح (نظامی- انتظامی) ساکن در خانه‌های سازمانی را پس از کسر از دریافتی آنان به حساب خاص نزد خزانه‌داری کل کشور واریز کند. معادل وجوه واریزی سال قبل، در اعتبارات نیروهای مسلح برای تأمین هزینه تعمیر و نگهداری خانه‌های سازمانی پیش‌بینی می‌شود.

دیدگاه مغایرت

مطابق اصل (۵۳) قانون اساسی، کلیه‌ی دریافت‌های دولت در حساب‌های خزانه‌داری کل متمرکز می‌شود و همه‌ی پرداخت‌های دولت در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام می‌گیرد. این اصل به معنای آن است که اولاً تمامی دریافت‌های دولت باید به صورت مشخص در بودجه ذکر شود و ثانیاً کلیه‌ی هزینه‌ها و پرداخت‌های دولت، محل مصارف و ردیف‌های اعتباری مربوط به هر پرداخت نیز باید به صورت مشخص و با تعیین میزان و مبلغ آنها در قانون بودجه‌ی سنواتی ذکر شود. بند الحاقی (۱) به تبصره (۱۴)، در خصوص تکلیف دولت جهت کسر کمک هزینه‌ی مسکن کارکنان نیروهای مسلح (نظامی- انتظامی) ساکن در خانه‌های سازمانی از دریافتی آنان و واریز آن به حساب خاص نزد خزانه‌داری کل کشور و اختصاص معادل وجوه واریزی سال قبل در اعتبارات نیروهای مسلح به منظور تأمین هزینه تعمیر و نگهداری خانه‌های سازمانی، به این دلیل که فاقد ردیف هزینه‌ای و سقف مشخصی از اعتبارات مصوب است، مغایر اصل (۵۳) قانون اساسی محسوب می‌گردد.

نظر شورای نگهبان

بند الحاقی یک به تبصره (۱۴)، از جهت عدم تعیین ردیف و سقف، مغایر اصل (۵۳) قانون اساسی شناخته شد.

تبصره ۱۴-

الف- ...

بند الحاقی ۲- مدت اجرای آزمایشی قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۳۸۷/۴/۱۶ و اصلاحات بعدی آن تا پایان سال ۱۳۹۴ تمدید می‌شود.

دیدگاه مغایرت

مطابق با اصل (۵۲) قانون اساسی، بودجه‌ی سالانه کشور توسط دولت تهیه و تنظیم و برای تصویب به مجلس تسلیم می‌شود. بر اساس این اصل، صرفاً آنچه مشمول تعریف بودجه سالانه‌ی کل کشور و مشتمل بر هزینه-درآمد یکساله‌ی دولت است باید در لایحه‌ی بودجه لحاظ شود. این در حالی است که در بند الحاقی (۲) به تبصره (۱۴)، صرفاً مدت اجرای آزمایشی قانون اصلاح قانون بیمه‌ی اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث تمدید شده است. روشن است که تمدید مدت یک قانون آزمایشی، هیچ‌گونه ارتباطی با درآمد-هزینه‌های دولت و ماهیت قانون بودجه ندارد. بنابراین، تصویب بند مزبور که ماهیتی غیر بودجه‌ای دارد، در ضمن مصوبه‌ی بودجه، مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

از آنجا که تمدید مدت اجرای آزمایشی قانون اصلاح قانون بیمه‌ی اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در بند الحاقی (۲) به تبصره (۱۴)، صرفاً برای سال ۱۳۹۴ صورت می‌گیرد، این امر می‌تواند توجیه‌کننده‌ی ذکر این موضوع در قانون بودجه و مطابقت آن با ویژگی سالانه بودن بودجه باشد.

نظر شورای نگهبان

همان‌طور که هر ساله به استحضار عالی رسید، در بودجه کل کشور مواردی که فاقد ماهیت بودجه‌ای است، منظور می‌گردد که همواره از طرف این شورا مورد اشکال قرار گرفته است. اگرچه با تصویب قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲)، مقداری از

این اشکالات رفع گردیده، اما به لحاظ طرح بودن مصوبه مرقوم، کل اشکال مربوطه مرتفع نشده است. شایسته است دولت و مجلس ترتیبی اتخاذ نمایند تا موارد مذکور به صورت لایحه قانونی مورد بررسی و تصویب قرار گیرند.

تبصره ۱۵-

الف- تحصیل ایثارگران، حافظان کل قرآن کریم و قاریان ممتاز کشوری و مشمولان بند (ک) ماده (۲۰) قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران^(۱) در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و مؤسسات پژوهشی رایگان است. شهریه‌های مربوط به دانشگاه پیام نور، دانشگاه‌های علمی- کاربردی و دوره‌های شبانه و همچنین مراکز آموزشی و پژوهشی غیردولتی از طریق دستگاه‌های ذی‌ربط اعم از بنیاد شهید و امور ایثارگران، سازمان بهزیستی کشور، کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان اوقاف و امور خیریه در ابتدای هر نیمسال تحصیلی از محل اعتبارات برنامه ۳۰۱۶۶ پیوست شماره (۴) این قانون پرداخت می‌شود. کمک‌هزینه تحصیلی اعم از شهریه ثابت و متغیر پرداختی توسط بنیاد شهید و امور ایثارگران به ایثارگران و افراد مشمول خانواده آنها که در واحدهای بین‌الملل داخل یا خارج دانشگاه‌های دولتی و یا غیردولتی پذیرفته می‌شوند، معادل حداکثر شهریه پرداختی به پذیرفته‌شدگان رشته‌ها و مقاطع مشابه در واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی و واحدهای دانشگاهی داخلی تعیین و پرداخت می‌شود و باقیمانده شهریه توسط دانشجو اعم از ایثارگر یا خانواده وی تأمین و پرداخت می‌گردد.

آیین‌نامه اجرایی این بند ظرف مدت دو ماه از تاریخ تصویب این قانون به پیشنهاد دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط با تأیید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

۱. بند (ک) ماده (۲۰) قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵:

«ماده ۲۰-

الف- ...

ک- شهریه دانشجویان جانباز بیست و پنج درصد (۲۵٪) و بالاتر و فرزندان آنان، فرزندان شاهد، آزادگان و فرزندان آنان و دانشجویان تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی از محل اعتبارات ردیف مستقل معاونت تأمین شود.

تبصره ۱- ...»

دیدگاه مغایرت

مطابق اصل (۵۳) قانون اساسی، کلیه‌ی دریافت‌های دولت در حساب‌های خزانه‌داری کل متمرکز می‌شود و همه‌ی پرداخت‌های دولت در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام می‌گیرد. عبارت «حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون» که در ذیل این اصل در خصوص «پرداخت‌های دولت» به کار رفته است، به معنای آن است که محل مصارف و ردیف‌های اعتباری مربوط به هر پرداخت دولت باید به صورت مشخص و با تعیین میزان و مبلغ آن در قانون بودجه‌ی سنواتی مشخص شود. در بند (الف) تبصره (۱۵) پرداخت هزینه‌ی تحصیل ایثارگران، حافظان کل قرآن کریم و قاریان ممتاز کشوری و مشمولان بند (ک) ماده (۲۰) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، از طریق دستگاه‌های ذی‌ربط اعم از بنیاد شهید و امور ایثارگران، سازمان بهزیستی کشور، کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان اوقاف و امور خیریه، پیش‌بینی شده است. هر چند که در این بند، محل اعتبارات اجرای این حکم مشخص شده است، لیکن سقف اعتبارات پرداختی برای این هزینه‌ها تعیین نشده است که از این جهت، بند مزبور، مغایر با اصل (۵۳) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

حکم مقرر در بند (الف) تبصره (۱۵) در خصوص پرداخت هزینه‌ی تحصیل ایثارگران، حافظان کل قرآن کریم و قاریان ممتاز کشوری و مشمولان بند (ک) ماده (۲۰) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران از طریق دستگاه‌های ذی‌ربط، به دلیل اینکه ردیف اعتباری آن در این بند مشخص شده و بیان شده که این هزینه‌ها از محل اعتبارات برنامه ۳۰۱۶۶ پیوست شماره (۴) قانون بودجه ۱۳۹۴ پرداخت می‌شود، تغایری با اصل (۵۳) قانون اساسی ندارد؛ ضمن اینکه این حکم، هر ساله در قوانین بودجه‌ی سنواتی پیش‌بینی شده و می‌شود.

نظر شورای نگهبان

بند (الف) تبصره (۱۵)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

تبصره ۱۵-

الف- ...

ج- در اجرای بند (ل) ماده (۴۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی

ایران،^(۱) وزارت راه و شهرسازی موظف است با هماهنگی و معرفی بنیاد شهید و امور ایثارگران نسبت به تأمین مسکن و یا زمین مسکونی به قیمت منطقه‌ای و سایر هزینه‌ها به قیمت تمام‌شده برای حداقل هفتاد هزار نفر از واجدان شرایط که قبلاً از زمین و یا مسکن واگذاری از سوی دولت استفاده نکرده‌اند، اقدام کند.

دیدگاه مغایرت

مطابق اصل (۵۳) قانون اساسی، کلیه دریافت‌های دولت در حساب‌های خزانه‌داری کل متمرکز می‌شود و همه‌ی پرداخت‌های دولت نیز در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام می‌گیرد. «حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون» در این اصل به معنای آن است که در تعیین هزینه‌ها و پرداخت‌های دولت، باید دقیقاً ردیف‌های اعتباری مربوط به هر هزینه، محل مصرف و میزان و مبلغ این هزینه دقیقاً مشخص باشد. بر این اساس، حکم مقرر در بند (ج) تبصره (۱۵)، در خصوص الزام وزارت راه و شهرسازی به تأمین مسکن و یا زمین مسکونی به قیمت منطقه‌ای و سایر هزینه‌ها به قیمت تمام‌شده برای حداقل هفتاد هزار نفر از واجدان شرایط، به دلیل عدم ذکر ردیف اعتباری که باید این هزینه‌ها از آن محل انجام شود و نیز سقف اعتبارات و هزینه‌های قابل انجام برای اجرای این تکلیف، مغایر با اصل (۵۳) قانون اساسی محسوب می‌شود.

نظر شورای نگهبان

در بند (ج) تبصره (۱۵)، ردیف و سقف ذکر گردد و الا مغایر اصل (۵۳) قانون اساسی است.

تبصره ۱۶-

۱. بند (ل) ماده (۴۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵: «ماده ۴۴- دولت به منظور استمرار، توسعه و ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، در جهت حفظ کرامت ایثارگران با اولویت عرضه منابع مالی، فرصت‌ها، امکانات و تسهیلات و امتیازات به ایثارگران، پدر، مادر، همسر و فرزندان شهدا و همچنین جانبازان، آزادگان و افراد تحت تکفل آنان، اقدامات زیر را انجام می‌دهد:

الف-...

ل- وزارت راه و شهرسازی موظف است تا پایان برنامه، مسکن جانبازان پنجاه درصد (۵۰٪) و بالاتر، جانبازان بیست و پنج درصد (۲۵٪) تا پنجاه درصد (۵۰٪) را که حداقل دو سال سابقه حضور در جبهه داشته‌اند و همچنین آزادگان و فرزندان شهدا و جانبازان هفتاد درصد (۷۰٪) و بالاتر فاقد مسکن را در صورتی که قبلاً از زمین یا مسکن دولتی استفاده نکرده‌اند تأمین نماید.»

الف- در اجرای بند (ز) ماده (۱۱۲) قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران،^(۱) سازمان‌های مناطق آزاد تجاری و صنعتی مکلفند منابع موضوع این بند را به حساب خاصی نزد خزانه‌داری کل کشور واریز کنند. خزانه‌داری کل کشور مکلف است منابع واریزی را به نسبت مساوی برای اجرای مفاد بند یادشده به کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی کشور در همان مناطق پرداخت کند.

دیدگاه مغایرت

مطابق اصل (۵۳) قانون اساسی، کلیه دریافت‌های دولت در حساب‌های خزانه‌داری کل متمرکز می‌شود و همه‌ی پرداخت‌های دولت نیز در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام می‌گیرد. این اصل به معنای آن است که اولاً تمامی دریافت‌های دولت باید به صورت مشخص در بودجه ذکر شود و به خزانه‌داری کل کشور واریز شود و ثانیاً کلیه هزینه‌ها و پرداخت‌های دولت، محل مصارف و ردیف‌های اعتباری مربوط به هر پرداخت نیز باید به صورت مشخص و با تعیین میزان و مبلغ آنها در قانون بودجه‌ی سنواتی ذکر شود. بر این اساس، هر چند مکلف نمودن سازمان‌های مناطق آزاد تجاری و صنعتی در بند (الف) تبصره (۱۶)، به واریز منابع موضوع بند (ز) ماده (۱۱۲) قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه به حساب خاصی نزد خزانه‌داری کل کشور مطابق با صدر اصل (۵۳) قانون اساسی است، لیکن الزام خزانه‌داری کل کشور به پرداخت منابع واریزی به نسبت مساوی به کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی کشور، به دلیل اینکه فاقد سقف مشخصی از اعتبارات است، مغایر اصل (۵۳) قانون اساسی محسوب می‌شود. برای برطرف شدن این ایراد، هزینه‌های اجرای حکم مصرّح در این بند، باید از ردیف اعتباری خاصی تأمین و در این مصوبه بدان تصریح شود یا اینکه حداکثر هزینه‌ای که از محل منابع واریزی سازمان‌های مناطق آزاد تجاری و صنعتی به خزانه‌داری کل کشور برای انجام حکم مقرر در این بند، قابل برداشت است ذکر شود.

۱. بند (ز) ماده (۱۱۲) قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵: «ماده ۱۱۲- به منظور ساماندهی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی و ایفاء نقش مؤثر آنها در تحقق اهداف سند چشم‌انداز بیست ساله نظام، اعمال مدیریت یکپارچه و ایجاد رشد اقتصادی مناسب در این مناطق، هم‌پیوندی و تعامل اثرگذار اقتصاد ملی با اقتصاد جهانی و ارائه الگوی توسعه ملی در بخش‌های مختلف:
الف-...»

ز- به منظور زدودن فقر از چهره مناطق آزاد تجاری، سازمان‌های مناطق آزاد موظفند حداقل یک درصد (۱٪) از محل وصول عوارض ورود و صدور کالاها و خدمات این مناطق را از طریق نهادهای حمایتی به محرومین و نیازمندان بومی این مناطق اختصاص دهند.»

نظر شورای نگهبان

در بند (الف) تبصره (۱۶)، ردیف یا سقف مشخص شود و الا مغایر اصل (۵۳) قانون اساسی می‌باشد.

تبصره ۱۶-

الف- ...

ه- به سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور اجازه داده می‌شود، زندانیانی که به مرخصی اعزام می‌شوند یا در زندان‌های باز، مؤسسات صنعتی، کشاورزی و خدماتی اشتغال دارند و همچنین محکومان واجد شرایط را تحت نظارت و مراقبت الکترونیکی قرار دهد. برخورداری زندانیان از امتیاز مذکور و نیز صدور حکم نظارت و مراقبت الکترونیکی علاوه بر سپردن تأمین‌های مندرج در قانون آیین دادرسی کیفری منوط به تودیع ودیعه بابت تجهیزات مربوطه می‌باشد. خسارات احتمالی وارد شده به تجهیزات مذکور از ناحیه استفاده‌کنندگان از محل ودیعه‌های اخذ شده تأمین می‌شود. تعرفه استفاده از تجهیزات مذکور روزانه یکصد هزار (۱۰۰,۰۰۰) ریال تعیین می‌شود که توسط سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور از استفاده‌کننده اخذ و به حساب درآمد عمومی نزد خزانه‌داری کل کشور موضوع ردیف درآمدی ۱۴۰۱۶۴ جدول شماره (۵) این قانون واریز می‌شود. دولت مکلف است صد درصد (۱۰۰٪) وجوه حاصله را بابت هزینه‌های جاری به سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور اختصاص داده و پرداخت کند. زندانیانی که به تشخیص قاضی ناظر زندان یا اجرای حکم یا رئیس زندان و مؤسسه مربوط قادر به پرداخت تمام یا بخشی از وجوه مزبور نباشند از پرداخت آن بخش از هزینه معاف می‌باشند. آیین‌نامه اجرایی این بند به پیشنهاد وزیر دادگستری به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

دیدگاه مغایرت

مطابق با بند (۴) اصل (۱۵۶) قانون اساسی، تعقیب و مجازات مجرمین از وظایف قوه قضائیه است. همچنین اصل (۱۵۷) قانون اساسی، مسئولیت کلیه امور قضایی، اجرایی و اداری قوه قضائیه را بر عهده‌ی رئیس قوه قضائیه دانسته است. بند (هـ) تبصره (۱۶)، به سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی اجازه داده است که طرح نظارت الکترونیکی و نظارت بر محکومان در خارج از زندان و همچنین تعیین شرایط مالی محکومان جهت استفاده از چنین شیوه‌ای را به اجرا گذارد. سازمان زندان‌ها نیز از توابع قوه قضائیه محسوب می‌شود، لذا مطابق با اصول مذکور،

تصویب آیین‌نامه‌های مرتبط با وظایف سازمان زندان‌ها، بر عهده‌ی رئیس قوه قضائیه است. این در حالی است که ذیل بند (هـ) تبصره (۱۶)، تصویب آیین‌نامه‌ی اجرایی این قانون را بر عهده‌ی هیئت وزیران قرار داده است و لذا از این جهت، این مصوبه مغایر با بند (۴) اصل (۱۵۶) و اصل (۱۵۷) قانون اساسی است. شورای نگهبان در اظهار نظر خود در خصوص «طرح الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت» نیز که مشابه این حکم آمده بود، همین ایراد را متذکر شده بود: «... اطلاق تصویب آیین‌نامه توسط هیئت دولت نسبت به امور قضایی، مغایر اصل (۱۵۷) قانون اساسی است.»^(۱)

نظر شورای نگهبان

- در بند (هـ) این تبصره [= تبصره (۱۶)]، واگذاری تصویب آیین‌نامه نسبت به امور قضایی به هیئت وزیران اشکال دارد و مغایر بند (۴) اصل (۱۵۶) و نیز اصل (۱۵۷) قانون اساسی است.
- تذکر: در بند (هـ) تبصره (۱۶)، عبارت «تودیع ودیعه» به «تودیع وثیقه» اصلاح گردد.

تبصره ۱۶-

الف- ...

ط- به دولت اجازه داده می‌شود تا کلیه مشمولان خدمت وظیفه عمومی را که بیش از هشت سال غیبت دارند با پرداخت جریمه مدت زمان غیبت، معاف کند.
تمام درآمدهای حاصل از اعطای معافیت‌های مشمولان مذکور به حساب درآمد عمومی کشور موضوع ردیف ۱۵۰۱۲۸ نزد خزانه‌داری کل کشور واریز و تا سقف بیست و هفت هزار میلیارد (۲۷,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال در قالب ردیف ۱۳۵-۵۳۰۰۰۰۰ به صورت مساوی به ردیف‌های ذی‌ربط تقویت بنبه دفاعی نیروهای مسلح مطابق موافقتنامه متبادله با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور هزینه می‌شود.
دارندگان کارت معافیت موضوع این بند از نامزدی نمایندگی مجلس شورای اسلامی، عضویت شوراهای اسلامی شهر و روستا و انتصاب در سمت‌های مدیریتی (سیاسی و اداری) دستگاه‌های موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری^(۲) محروم می‌باشند.

۱. بند (۱۱) نظر شماره ۹۳/۱۰/۳۲۸۴ مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۲۱ شورای نگهبان در خصوص «طرح الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت» مصوب ۱۳۹۳/۹/۱۹ مجلس شورای اسلامی.

۲. ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸: «ماده ۵- دستگاه اجرایی: کلیه وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی، مؤسسات یا نهادهای عمومی غیردولتی، شرکت‌های دولتی و کلیه دستگاه‌هایی که شمول قانون بر آنها
←

میزان جریمه مشمولان غایب برای صدور کارت معافیت نظام وظیفه به شرح جدول زیر می‌باشد:

پایه ریالی جریمه مشمولین غایب	مدرک تحصیلی
۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال	زیر دیپلم
۱۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال	دیپلم
۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال	فوق دیپلم
۲۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال	لیسانس
۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال	فوق لیسانس
۳۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال	دکترای غیرپزشکی
۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال	دکترای پزشکی
۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال	پزشکان متخصص و بالاتر

- ۱- به ازای هر سال غیبت مازاد بر هشت سال، ده درصد (۱۰٪) به مبالغ جریمه پایه اضافه و مدت غیبت بیش از شش ماه، یک سال محسوب می‌شود.
- ۲- برای مشمولان متأهل پنج درصد (۵٪) و برای مشمولان دارای فرزند نیز به ازای هر فرزند پنج درصد (۵٪) از مجموع مبلغ جریمه کسر می‌شود.

دیدگاه مغایرت

مطابق با بند (۹) اصل (۳) قانون اساسی، دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است که تبعیضات ناروا را رفع و امکانات عادلانه را برای همه ایجاد کند. تبعیض ناروا زمانی اتفاق می‌افتد که در شرایط مساوی افراد در اطاعت از قانون، به برخی از اشخاص اجازه نقض قانون داده می‌شود. بند (ط) تبصره (۱۶)، به دولت اجازه داده است که کلیه مشمولان خدمت وظیفه‌ای عمومی که بیش از هشت سال غیبت دارند را در برابر اخذ جریمه، معاف کند. این موضوع باعث ایجاد تبعیض میان مشمولان خدمت نظام وظیفه عمومی و نیز ترجیح بلا مرجح مشمولان غایب



مستلزم ذکر و یا تصریح نام است از قبیل شرکت ملی نفت ایران، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، بانک مرکزی، بانک‌ها و بیمه‌های دولتی، دستگاه اجرایی نامیده می‌شوند.»

نسبت به انجام‌دهندگان خدمت نظام وظیفه خواهد شد؛ زیرا با دادن معافیت به افراد متخلف و مجرم (غایبان مشمول فراری از خدمت سربازی)، به جای تنبیه و مجازات این غایبان، به آنها امتیاز خرید و معافیت از خدمت سربازی نیز داده می‌شود. این در حالی است که افرادی که غیبت نداشته و مطابق با مقررات عمل نموده‌اند، مشمول گذراندن خدمت سربازی می‌شوند. ضمن اینکه، معافیت مشمولین غایب در ازای پرداخت وجه، زمینه‌ی غیبت و در نتیجه اخذ معافیت متمکّنین مالی را به وجود خواهد آورد. لذا بند مزبور، از این جهت که میان مشمولین خدمت سربازی تبعیض ناروا قائل شده است، مغایر با بند (۹) اصل (۳) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به اینکه دارندگان کارت معافیت موضوع بند (ط) تبصره (۱۶)، از برخی حقوق اجتماعی از جمله نامزدی نمایندگی مجلس شورای اسلامی، عضویت شوراهای اسلامی شهر و روستا و انتصاب در سمت‌های مدیریتی (سیاسی و اداری) دستگاه‌های موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری محروم شده‌اند، از این جهت تبعیض ناروایی در این مصوبه به نظر نمی‌رسد؛ زیرا برخلاف سایر اقشار مردم، فراریان از خدمت سربازی که با پرداخت جریمه، کارت معافیت از خدمت دریافت می‌کنند، نمی‌توانند از برخی حقوق اجتماعی برخوردار شوند. یعنی در حقیقت مجازات این‌گونه افراد برای انجام ندادن خدمت نظام وظیفه، علاوه بر پرداخت جریمه نقدی شامل محرومیت اجتماعی نیز هست که این دو امر، شبهه‌ی تبعیض‌آمیز بودن آن را برطرف می‌سازد.

نظر شورای نگهبان

بند (ط) تبصره (۱۶)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

تبصره ۱۸-

الف- افزایش حقوق گروه‌های مختلف حقوق‌بگیر از قبیل هیئت علمی، کارکنان کشوری و لشکری و قضات به‌طور جداگانه توسط دولت به نحوی که تفاوت تطبیق موضوع مواد (۷۱) و (۷۸) قانون مدیریت خدمات کشوری^(۱) در حکم حقوق، ثابت باقی بماند، انجام می‌پذیرد.

۱. مواد (۷۱) و (۷۸) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸: «ماده ۷۱- سمت‌های ذیل، مدیریت سیاسی محسوب شده و به عنوان مقام شناخته می‌شوند و امتیاز شغلی مقامات مذکور در این ماده به شرح زیر تعیین می‌گردد:

ب- در تمامی دستگاه‌های اجرایی، امتیاز کمک‌هزینه فوت برای بازماندگان متوفی و ازدواج ۶۵۰۰ و امتیاز حساب پس‌انداز کارکنان دولت (سهم دولت) ۱۵۰ تعیین و پرداخت می‌شود.

دیدگاه مغایرت

مطابق با اصل (۵۲) قانون اساسی، بودجه‌ی سالانه‌ی کشور توسط دولت تهیه و تنظیم و برای تصویب به مجلس تسلیم می‌شود. بر اساس این اصل، صرفاً آنچه مشمول تعریف بودجه‌ی سالانه‌ی کل کشور و مشتمل بر هزینه-درآمد یکساله‌ی دولت است باید در لایحه‌ی بودجه لحاظ شود. احکام مقرر در بندهای (الف) و (ب) تبصره (۱۸) در خصوص نحوه‌ی افزایش حقوق



الف- رؤسای سه قوه (۱۸۰۰۰) امتیاز

ب- معاون اول رئیس جمهور، نواب رئیس مجلس شورای اسلامی و اعضاء شورای نگهبان (۱۷۰۰۰) امتیاز

ج- وزرا، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و معاونین رئیس جمهور (۱۶۰۰۰) امتیاز

د- استانداران و سفرا (۱۵۰۰۰) امتیاز

ه- معاونین وزرا (۱۴۰۰۰) امتیاز

تبصره ۱- نخست‌وزیران دوران انقلاب اسلامی با مقامات بند (ب) این ماده هم‌تراز می‌گردند و تعیین سایر پست‌های هم‌تراز به عهده هیئت وزیران بوده و تعیین هم‌ترازی پست‌های کارکنان اداری مجلس به عهده رئیس مجلس خواهد بود.

تبصره ۲- علاوه بر حقوق موضوع ماده فوق و امتیاز ویژگی‌های شاغل (مذکور در ماده (۶۶)) که حقوق ثابت تلقی می‌گردد فوق‌العاده‌های ماده (۶۸) این قانون نیز حسب مورد به مقامات تعلق خواهد گرفت.

تبصره ۳- مقامات مذکور در این ماده که حداقل دو سال در پست مدیریت‌های سیاسی انجام وظیفه نموده یا بنمایند پس از تصدی مقام در صورتی که به سبب پایین‌تری منصوب شوند، چنانچه حقوق ثابت و فوق‌العاده مستمر آنها در مسئولیت جدید از هشتاد درصد (۸۰٪) حقوق ثابت و فوق‌العاده مستمر وی در پست قبلی کمتر باشد به میزان مابه‌التفاوت تا (۸۰٪) را تفاوت تطبیق دریافت خواهند نمود. این تفاوت تطبیق با ارتقاءهای بعدی (عوامل شغل و شاغل و فوق‌العاده‌ها) مستهلک می‌گردد و این مابه‌التفاوت در محاسبه حقوق بازنشستگی و وظیفه نیز ملاک عمل خواهد بود.

تبصره ۴- ...

ماده ۷۸- در دستگاه‌های مشمول این قانون کلیه مبانی پرداخت خارج از ضوابط و مقررات این فصل به استثنای پرداخت‌های قانونی که در زمان بازنشسته‌شدن یا از کارافتادگی و یا فوت پرداخت می‌گردد و همچنین برنامه کمک‌های رفاهی که به عنوان یارانه مستقیم در ازای خدماتی نظیر سرویس رفت‌وآمد، سلف سرویس، مهد کودک و یا سایر موارد پرداخت می‌گردد، با اجرای این قانون لغو می‌گردد.

تبصره- در صورتی که با اجرای این فصل، حقوق ثابت و فوق‌العاده‌های مشمول کسور بازنشستگی هر یک از کارمندان که به موجب قوانین و مقررات قبلی دریافت می‌نمودند کاهش یابد، تا میزان دریافتی قبلی، تفاوت تطبیق دریافت خواهند نمود و این تفاوت تطبیق ضمن درج در حکم حقوقی با ارتقاءهای بعدی مستهلک می‌گردد. این تفاوت تطبیق در محاسبه حقوق بازنشستگی یا وظیفه نیز منظور می‌گردد.»

گروه‌های مختلف حقوق‌بگیر توسط دولت و همچنین تعیین میزان امتیاز کمک‌هزینه‌ی فوت برای بازماندگان متوفی و ازدواج و همچنین امتیاز حساب پس‌انداز کارکنان دولت (سهم دولت) برای دستگاه‌های اجرایی، احکامی کلی و مرتبط با مقررات استخدامی هستند که ارتباطی با موضوع بودجه و هزینه-درآمد سالانه‌ی دولت ندارند. بنابراین، تصویب بندهای مزبور در ضمن مصوبه‌ی بودجه‌ی سنواتی، از این جهت که ماهیت غیر بودجه‌ای دارند، مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

پیش‌بینی صورت‌گرفته در بندهای (الف) و (ب) تبصره (۱۸) در خصوص نحوه‌ی افزایش حقوق گروه‌های مختلف حقوق‌بگیر توسط دولت و همچنین تعیین میزان امتیاز کمک‌هزینه‌ی فوت و ازدواج و همچنین امتیاز حساب پس‌انداز کارکنان دولت (سهم دولت)، به دلیل اینکه صرفاً مربوط به سال ۱۳۹۴ بوده و در برگیرنده‌ی برخی هزینه‌های دولت در طی این سال است، تغییری با اصل (۵۲) قانون اساسی ندارد. در واقع با این مصوبات به نوعی در خصوص پرداخت برخی هزینه‌های دولت که مرتبط با امور استخدامی است، تصمیم‌گیری شده و این دقیقاً مطابق با تعریف و ماهیت بودجه‌ی سنواتی کشور است.

نظر شورای نگهبان

همان‌طور که هر ساله به استحضار عالی رسید، در بودجه کل کشور مواردی که فاقد ماهیت بودجه‌ای است، منظور می‌گردد که همواره از طرف این شورا مورد اشکال قرار گرفته است. اگرچه با تصویب قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲)، مقداری از این اشکالات رفع گردیده، اما به لحاظ طرح بودن مصوبه مرقوم، کل اشکال مربوطه مرتفع نشده است. شایسته است دولت و مجلس ترتیبی اتخاذ نمایند تا موارد مذکور به صورت لایحه قانونی مورد بررسی و تصویب قرار گیرند.

تبصره ۱۹- ...

فراز الحاقی به بند (ج)- مانده وجوه مصرف‌نشده اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای آن دسته از طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی که عملیات اجرایی آن پایان نیافته تا زمان اتمام طرح یا پروژه به سال مالی بعد منتقل می‌شود تا به مصرف همان طرح و پروژه برسد. دستگاه‌های اجرایی مکلفند طرح‌ها و پروژه‌های مذکور را مطابق برنامه زمان‌بندی اولیه به اتمام برسانند.

دستورالعمل حسابداری مربوط به منظور نگهداری حساب‌ها در اجرای ماده (۱۲۸) قانون محاسبات عمومی کشور^(۱) و با رعایت اصل (۵۳) قانون اساسی تعیین می‌شود.

دیدگاه مغایرت

حکم مقرر در فراز الحاقی به بند (ج)، شبیه حکم مقرر در ذیل ماده (۲۵) طرح الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۹۳/۹/۱۹^(۲) است. در ماده (۲۵) این مصوبه، تهیه دستورالعمل حسابداری موضوع این ماده به عهده دیوان محاسبات کشور به همراه وزارت امور اقتصادی و دارایی نهاده شده بود که این امر از جهت عدم صلاحیت دیوان محاسبات از سوی شورای نگهبان مغایر اصل (۵۵) قانون اساسی شناخته شد^(۳) و مجلس نیز در جهت رفع مغایرت، این حکم را در مصوبه‌ی نهایی مربوط به ماده (۲۵) حذف کرد. استدلال شورای نگهبان در اعلام مغایرت ماده (۲۵) با اصل (۵۵) قانون اساسی این بود که چون اولاً مطابق با اصل (۵۵)، وظیفه‌ی دیوان محاسبات، رسیدگی و یا حسابرسی به کلیه‌ی حساب‌های وزارتخانه‌ها، مؤسسات، شرکت‌های دولتی و سایر دستگاه‌هایی است که به نحوی از انحاء از بودجه‌ی کل کشور استفاده می‌کنند و ثانیاً این وظیفه‌ی مقرر برای دیوان محاسبات در قانون اساسی، وظیفه‌ای مشخص، منحصر و احصاشده است که دیگر نمی‌توان به موجب قانون عادی وظیفه‌ی جدیدی

۱. ماده (۱۲۸) قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶/۶/۱: «ماده ۱۲۸- نمونه اسنادی که برای پرداخت هزینه‌ها مورد قبول واقع می‌شود و همچنین مدارک و دفاتر و روش نگهداری حساب با موافقت وزارت دارایی و تأیید دیوان محاسبات کشور تعیین می‌شود و دستورالعمل‌های اجرایی این قانون از طرف وزارت مزبور ابلاغ خواهد شد.»

۲. ماده (۲۵) طرح الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۹۳/۹/۱۹: «ماده ۲۵- افزایش اعتبار هر یک از طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای تا معادل ده درصد (۱۰٪) از محل صرفه‌جویی در اعتبارات هزینه‌ای هر دستگاه مجاز است. اعمال این حکم در مورد اعتبارات دستگاه‌ها و دارندگان ردیف منوط به پیشنهاد دستگاه‌های ذی‌ربط و تأیید معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور در سقف کل اعتبارات طرح است.»

مانده وجوه مصرف‌نشده اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای آن دسته از طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی که عملیات اجرایی آن پایان نیافته تا زمان اتمام طرح یا پروژه به سال مالی بعد منتقل می‌شود تا به مصرف همان طرح و پروژه برسد. دستگاه‌های اجرایی مکلفند طرح‌ها و پروژه‌های مذکور را مطابق با برنامه زمان‌بندی اولیه به اتمام برسانند. دستورالعمل حسابداری مربوط، به منظور نگهداری حساب‌ها در اجرای ماده (۱۲۸) قانون محاسبات عمومی کشور توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی و دیوان محاسبات کشور تهیه می‌گردد.»

۳. بند (۱۴) نظر شماره ۹۳/۱۰/۳۲۸۴ مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۲۱ شورای نگهبان در خصوص «طرح الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت» مصوب ۱۳۹۳/۹/۱۹ مجلس شورای اسلامی: «۱۴- ... از آنجا که واژه «تهیه»، ظهور در تصویب دستورالعمل توسط مرجع مذکور دارد، دخالت دیوان محاسبات کشور در تصویب دستورالعمل، مغایر اصل (۵۵) قانون اساسی شناخته شد.»

برای آن در نظر گرفت، لذا حکم مقرر در ماده (۲۵) طرح الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۹۳/۹/۱۹ مبنی بر دخالت مؤثر در تصویب دستورالعمل حسابداری موضوع این ماده، مغایر با قانون اساسی است. با وجود این سابقه، مجلس در فراز الحاقی به بند (ج) تبصره (۱۹)، باز هم تعیین دستورالعمل حسابداری موضوع این بند را بر عهده دیوان محاسبات گذارده است. بر این اساس، حکم ذیل فراز الحاقی به بند (ج) نیز از جهت دخالت دادن دیوان محاسبات در تهیه دستورالعمل مزبور واجد همان اشکال ماده (۲۵) بوده و مغایر با اصل (۵۵) قانون اساسی محسوب می‌شود.

دیدگاه عدم مغایرت

حکم مقرر در فراز الحاقی به بند (ج) تبصره (۱۹) مبنی بر «محول نمودن تعیین دستورالعمل حسابداری موضوع این بند بر اساس ماده (۱۲۸) قانون محاسبات عمومی کشور» در برگیرنده موضوع جدیدی است که متفاوت از حکم ماده (۲۵) طرح الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۹۳/۹/۱۹ است. در ماده (۱۲۸) قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶، دستورالعمل‌های اجرایی از طرف وزارت امور اقتصادی و دارایی ابلاغ می‌شود و دیوان محاسبات کشور در تهیه و تصویب این دستورالعمل‌ها نقشی ندارد. این در صورتی است که مطابق حکم ماده (۲۵) طرح الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۹۳/۹/۱۹، تهیه دستورالعمل حسابداری موضوع آن ماده توسط دیوان محاسبات کشور به همراه وزارت امور اقتصادی و دارایی صورت می‌گرفت که در آن دیوان محاسبات کشور به صورت مؤثر در تهیه و تصویب دستورالعمل مربوطه واجد نقش بود. بنابراین، از آنجا که در فراز الحاقی به بند (ج)، تکلیفی که خارج از صلاحیت دیوان محسوب گردد برای آن در نظر گرفته نشده است، این مصوبه تغیری با اصل (۵۵) قانون اساسی ندارد.

نظر شورای نگهبان

بند (ج) تبصره (۱۹)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

تبصره ۱۹- ...

م- ...

بند الحاقی- اپراتورهای ارائه‌دهنده خدمات مخابراتی موظفند علاوه بر قیمت هر پیامک (SMS) مبلغ ده (۱۰) ریال از استفاده‌کنندگان خدمات مزبور دریافت و به حساب درآمد

عمومی ردیف ۱۶۰۱۵۴ نزد خزانه‌داری کل کشور واریز کنند. درآمد حاصله متناسب با وصول از محل اعتبار ردیف ۱۴۰- ۵۳۰۰۰۰ به شرح زیر به دستگاه‌های ذی‌ربط اختصاص می‌یابد:

- ۱- سی و پنج درصد (۳۵٪) به جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران (بیست درصد (۲۰٪) جهت تأمین، تولید و کمک‌هزینه داروهای بیماران جهت تأمین، تولید و کمک‌هزینه داروهای بیماران با اولویت بیماران صعب‌العلاج و سرطانی و پانزده درصد (۱۵٪) جهت افزایش اعتبارات سازمان امداد و نجات جهت خرید تجهیزات)
- ۲- بیست درصد (۲۰٪) به کمیته امداد امام خمینی (ره) جهت توانمندسازی نیازمندان تحت پوشش
- ۳- بیست درصد (۲۰٪) به سازمان بهزیستی کشور جهت کمک به تأمین هزینه‌های درمانی و تجهیزات توان‌بخشی افراد تحت پوشش
- ۴- پنج درصد (۵٪) جهت تحت پوشش قرار دادن پنجاه درصد (۵۰٪) حق بیمه تأمین اجتماعی بسیجیان معسر
- ۵- پنج درصد (۵٪) به سازمان بیمه سلامت ایران جهت ارتقای پوشش تعهدات خدمات دندانپزشکی و خودمراقبتی کودکان و نوجوانان زیر چهارده سال
- ۶- پنج درصد (۵٪) به دانشگاه پیام نور جهت تملک دارایی‌های سرمایه‌ای
- ۷- پنج درصد (۵٪) به سازمان پزشکی قانونی
- ۸- پنج درصد (۵٪) به سازمان انتقال خون ایران بابت تأمین تجهیزات و ملزومات پزشکی و آزمایشگاهی.

دیدگاه مغایرت

الف) مطابق اصل (۱۵) قانون اساسی، نگارش اسناد و مکاتبات و متون رسمی باید به زبان و خط فارسی باشد؛ بنابراین استفاده از واژه‌ی غیرفارسی «اپراتور» در بند الحاقی به تبصره (۱۹)، مغایر این اصل مزبور تلقی می‌گردد و لازم است معادل فارسی آن ذکر شود.

ب) مطابق با اصل (۱۵) قانون اساسی، نگارش اسناد و مکاتبات و متون رسمی باید به «خط» فارسی باشد؛ زیرا بر مبنای اصل مزبور می‌توان این‌گونه استنباط کرد که علاوه بر استفاده از زبان فارسی، استفاده از خط فارسی نیز در نگارش اسناد و مکاتبات و متون رسمی الزامی است. بر همین اساس، درج عبارت (SMS) با خط غیرفارسی در بند الحاقی این تبصره، مغایر اصل (۱۵) است که لازم است این عبارت با خط فارسی نوشته شود.

نظر شورای نگهبان

در بند الحاقی به تبصره (۱۹)، معادل فارسی واژه «اپراتور» ذکر گردد و الا مغایر اصل (۱۵) قانون اساسی می‌باشد. همچنین از آنجا که طبق اصل (۱۵)، خط رسمی نیز باید فارسی باشد، به‌کارگیری واژگان لاتین در متن قانون نظیر (SMS) مغایر این اصل می‌باشد؛ لذا باید در خصوص این مورد و سایر موارد اصلاح صورت گیرد.

تبصره ۲۱- در اجرای قانون هدفمندکردن یارانه‌ها مصوب ۱۳۸۸/۱۰/۱۵ به دولت اجازه داده می‌شود در سال ۱۳۹۴ منابع مالی حاصل از اصلاح قیمت کالاها و خدمات موضوع قانون مذکور و ردیف‌های یارانه‌ای این قانون را با استفاده از انواع روش‌های پرداخت نقدی و غیرنقدی به خانوارهای هدف و نیازمند، توزیع و همچنین برای ارائه خدمات حمایتی و کمک به بخش تولید به شرح زیر اقدام نماید:

الف- ...

د- صد درصد (۱۰۰٪) منابع حاصل از افزایش قیمت برق و آب در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ به حساب خاصی نزد خزانه‌داری کل کشور واریز و بر اساس مفاد ماده (۸) قانون هدفمندکردن یارانه‌ها^(۱) به صنعت برق و آب اختصاص می‌یابد.

۱. ماده (۸) قانون هدفمندکردن یارانه‌ها مصوب ۱۳۸۸/۱۰/۱۵: «ماده ۸- دولت مکلف است سی درصد (۳۰٪) خالص وجوه حاصل از اجرای این قانون را برای پرداخت کمک‌های بلاعوض، یا یارانه سود تسهیلات و یا وجوه اداره‌شده برای اجرای موارد زیر هزینه کند:

الف- بهینه‌سازی مصرف انرژی در واحدهای تولیدی، خدماتی و مسکونی و تشویق به صرفه‌جویی و رعایت الگوی مصرف که توسط دستگاه اجرایی ذی‌ربط معرفی می‌شود.

ب- اصلاح ساختار فناوری واحدهای تولیدی در جهت افزایش بهره‌وری انرژی، آب و توسعه تولید برق از منابع تجدیدپذیر.

ج- جبران بخشی از زیان شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات آب و فاضلاب، برق، گاز طبیعی و فرآورده‌های نفتی و شهرداری‌ها و دهیاری‌ها ناشی از اجرا این قانون.

د- گسترش و بهبود حمل‌ونقل عمومی در چهارچوب قانون توسعه حمل و نقل عمومی و مدیریت مصرف سوخت و پرداخت حداکثر تا سقف اعتبارات ماده (۹) قانون مذکور.

ه- حمایت از تولیدکنندگان بخش کشاورزی و صنعتی

و- حمایت از تولید نان صنعتی

ز- حمایت از توسعه صادرات غیرنفتی

ح- توسعه خدمات الکترونیکی تعاملی با هدف حذف و یا کاهش رفت و آمدهای غیر ضرور.»

و- ...

ز- دولت موظف است یارانه خانوارهای پردرآمد را قطع کند.

دیدگاه مغایرت

مطابق اصل (۵۳) قانون اساسی، کلیه دریافت‌های دولت در حساب‌های خزانه‌داری کل متمرکز می‌شود و همه‌ی پرداخت‌های دولت در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام می‌گیرد. عبارت «حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون» در این اصل که در خصوص پرداخت‌های دولت است، به معنای تعیین هزینه‌ها، محل مصارف و تعیین ردیف‌های اعتباری مربوطه به صورت مشخص و با تعیین میزان و مبلغ آنها در قانون بودجه است. حکم مقرر در بند (د) تبصره (۲۱)، در خصوص واریز صد درصد (۱۰۰٪) منابع حاصل از افزایش قیمت برق و آب در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ به حساب خاصی نزد خزانه‌داری کل کشور جهت اختصاص آن به صنعت برق و آب، به این دلیل که فاقد سقف مشخصی از اعتبارات مصوب جهت هزینه‌کرد آن در صنعت آب و برق است، با اصل (۵۳) قانون اساسی در تضاد است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) آنچه در بند (د) تبصره (۲۱) در ارتباط با واریز صد درصد (۱۰۰٪) منابع موضوع این بند به حساب خاصی نزد خزانه‌داری کل کشور آمده، تغییری با اصل (۵۳) قانون اساسی ندارد؛ زیرا در این بند مقرر شده است که صد درصد (۱۰۰٪) درآمد حاصله، بر اساس مفاد ماده (۸) قانون هدفمندکردن یارانه‌ها به صنعت برق و آب اختصاص یابد؛ یعنی هم میزان و سقف آن تعیین شده و هم نحوه‌ی مصرف آن مورد توجه قرار گرفته است، کما اینکه هر ساله بر همین منوال عمل می‌شده و اشکالی مطرح نمی‌گردید. لذا بند مزبور، از این جهت مغایرتی با اصل (۵۳) قانون اساسی ندارد.

ب) پیش‌بینی واریز صد در صد (۱۰۰٪) منابع حاصل از افزایش قیمت برق و آب در سال ۱۳۹۳، در مصوبه‌ی بودجه ۱۳۹۴ ابهامی از جهت مغایرت با اصل (۵۲) قانون اساسی ندارد؛ زیرا منظور از این پیش‌بینی آن است که برخی منابع مربوط به سال ۱۳۹۳ که تاکنون تحصیل نشده است، بر اساس این مصوبه تحصیل و عمل شود. به عبارت دیگر، به موجب مصوبه‌ی بودجه ۱۳۹۴، برای باقی‌مانده‌ی منابع سال ۱۳۹۳ تعیین تکلیف شده است.

دیدگاه ابهام

الف) در بند (د) تبصره (۲۱) مقرر شده که صد درصد (۱۰۰٪) منابع حاصل از افزایش قیمت برق و آب در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ به حساب خاصی نزد خزانه‌داری کل کشور واریز می‌شود.

بر این اساس، با توجه به اینکه مصوبه‌ی بودجه‌ی مورد بحث صرفاً مربوط به هزینه و درآمدهای دولت در سال ۱۳۹۴ است، ذکر منابع حاصل از افزایش برق و آب در سال ۱۳۹۳ واجد ابهام است؛ زیرا اگر از محل افزایش قیمت برق و آب در سال ۱۳۹۳ درآمدی حاصل شده باشد، علی‌الاصول در همان سال مصرف شده است و لذا پیش‌بینی آن در بودجه ۱۳۹۴ مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است.

ب) مطابق بند (ز) تبصره (۲۱)، دولت موظف به قطع یارانه‌ی خانوارهای پردرآمد شده است. با توجه به اینکه این امر منجر به حذف برخی افراد و خانواده‌ها از دریافت یارانه می‌شود و این موضوع با حقوق و معیشت افراد در ارتباط است، لازم است ضوابط و چارچوب مشخصی برای تعیین خانوارهای مشمول این بند تعیین شود تا بر مبنای آن مجریان بتوانند خانوارهایی که در ذیل این ضوابط و معیارها می‌گنجند و به عنوان «پردرآمد» محسوب می‌شوند که نیازی به دریافت این یارانه‌ها ندارند، از دریافت آن محروم شوند؛ چه آنکه عدم تعیین ضابطه‌ی مشخص می‌تواند منجر به تبعیض و یا تضییع حقوق اشخاص و در نتیجه مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی شود. بر همین اساس، از آنجا که اصطلاح «پردرآمد» در این بند، به خودی خود نمی‌تواند چارچوب مشخصی را برای شناسایی افراد مستحق و غیرمستحق برای دریافت یارانه ارائه دهد، این مصوبه واجد ابهام است و باید با تعیین ضوابط مشخص، منظور از «خانوارهای پردرآمد» مشخص شود تا بتوان نسبت به مغایرت یا عدم مغایرت آن با قانون اساسی و شرع اظهار نظر کرد.

نظر شورای نگهبان

در بند (ز) تبصره (۲۱)، منظور از «خانوارهای پردرآمد» روشن نیست؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.

تبصره الحاقی ۷- شرکت‌های دولتی سودده (به‌استثنای شرکت ملی نفت) و بانک‌های دولتی موظفند به ترتیب یک درصد (۱٪) و دو درصد (۲٪) از هزینه‌های خود را که در پیوست شماره (۳) این قانون آمده با تأکید بر هزینه‌های اداری و عمومی صرفه‌جویی کنند. درآمد حاصله از پنجاه درصد (۵۰٪) سود ویژه و یک دوازدهم مالیات ماهانه شرکت‌ها و بانک‌های مزبور به مبلغ هفده هزار میلیارد (۱۷,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال پس از واریز به خزانه متناسب با وصولی از محل ردیف‌های ۱۴۹ - ۵۳۰۰۰۰ در اختیار وزارت آموزش و پرورش قرار می‌گیرد تا در امور مربوط به پرداخت مطالبات فرهنگیان هزینه شود.

دیدگاه ابهام

استفاده از عنوان «شرکت ملی نفت» در تبصره‌ی مزبور، به واسطه عدم تصویب اساسنامه‌ی مربوط و نامشخص بودن وضعیت حقوقی و قانونی و همچنین روابط مالی این شرکت با دولت، واجد ابهام است و اظهار نظر در خصوص آن، ممکن نیست؛ زیرا در صورتی که ماهیت شرکت مذکور، غیردولتی باشد، تعیین رابطه و ضوابط مالی آن در مصوبه‌ی بودجه مغایر با اصول قانون اساسی، از جمله اصل (۵۲) است.

نظر شورای نگهبان

در تبصره الحاقی (۷)، در خصوص عنوان «شرکت ملی نفت»، همان ابهام معموله در نظرات قبلی این شورا را دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.

تبصره الحاقی ۱۰- مبلغ یک میلیارد و دویست میلیون (۱,۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰) دلار یا معادل ریالی آن از صندوق توسعه ملی جهت تقویت بنیه دفاعی در اختیار نیروهای مسلح قرار می‌گیرد.

دیدگاه مغایرت

مطابق بند (۲-۲۲) سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه، ابلاغی مقام معظم رهبری در مورخ ۱۳۸۷/۱۰/۲۱، منابع صندوق توسعه‌ی ملی صرفاً به بخش‌های خصوصی، تعاونی و عمومی غیردولتی تعلق می‌گیرد. این در حالی است که در تبصره الحاقی (۱۰)، مبلغ یک میلیارد و دویست میلیون دلار یا معادل ریالی آن از منابع صندوق توسعه‌ی ملی را به تقویت بنیه‌ی دفاعی نیروهای مسلح اختصاص داده است. بنابراین تبصره‌ی مزبور به این دلیل که برخلاف تصریح سیاست‌های کلی نظام، بخشی از منابع صندوق توسعه‌ی ملی را در اختیار نیروهای مسلح قرار می‌دهد با سیاست‌های مزبور و به تبع آن، بند (۱) اصل (۱۱۰) قانون اساسی، مغایر است. مطابق بند (۱) اصل (۱۱۰) قانون اساسی، تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران جزء صلاحیت‌های رهبری محسوب می‌شود.

دیدگاه عدم مغایرت

هر چند حکم مقرر در تبصره الحاقی (۱۰) مبنی بر اختصاص مبالغی از صندوق توسعه‌ی ملی به نیروهای مسلح در ظاهر با سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه و به تبع آن بند (۱) اصل (۱۱۰) قانون

اساسی در تغایر است، اما با توجه به اینکه تصویب این حکم، دارای مجوز خاص از سوی مقام معظم رهبری است و ریاست مجلس شورای اسلامی از مقام رهبری در این خصوص اذن گرفته‌اند،^(۱) اشکال مزبور منتفی بوده و این مصوبه، مغایرتی با بند (۱) اصل (۱۱۰) قانون اساسی ندارد.

نظر شورای نگهبان

تبصره الحاقی (۱۰)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

تبصره الحاقی ۱۲- دولت مکلف است از محل اعتبارات بنیاد شهید و امور ایثارگران به جانبازان و آزادگان غیر حالت اشتغال مُعسر فاقد درآمد که بر اساس قوانین نیروهای مسلح مشمول دریافت حقوق وظیفه نمی‌باشند تا زمانی که فاقد شغل و درآمد باشند، ماهانه کمک‌معیشت معادل حداقل حقوق کارکنان دولت پرداخت کند.

دیدگاه مغایرت

طبق اصل (۵۳) قانون اساسی همه‌ی پرداخت‌های دولت باید در حدود اعتبارات مصوب و به موجب قانون (= قانون بودجه سنواتی) انجام گیرد. بر همین مبنا کلیه‌ی هزینه‌های پرداختی دولت در طول سال، باید دارای ردیف اعتباری مشخص و سقف پرداخت در قانون بودجه‌ی سنواتی کشور باشد؛ این در حالی است که موضوع تبصره الحاقی (۱۲) در خصوص تکلیف دولت به پرداخت ماهانه‌ی کمک‌معیشت به جانبازان و آزادگان غیر حالت اشتغال معسر، فاقد ردیف و سقف مشخصی از اعتبارات مصوب است. بنابراین مصوبه‌ی مزبور از این جهت مغایر اصل (۵۳) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به اینکه در تبصره الحاقی (۱۲)، مقرر شده است که پرداخت‌های ماهانه‌ی دولت به منظور کمک به معیشت جانبازان و آزادگان غیر حالت اشتغال معسر، می‌بایست از محل اعتبارات بنیاد شهید و امور ایثارگران انجام پذیرد، از آنجا که اعتبارات سالانه‌ی بنیاد مزبور در قالب ردیف اعتباری مشخص و سقف هزینه‌ی مشخص در بودجه‌ی سنواتی تعیین می‌شود، دیگر نیازی به درج مجدد سقف و ردیف در اینجا وجود ندارد. بنابراین این تبصره، تغایری با اصل (۵۳) قانون اساسی ندارد.

۱. در این خصوص، در اسناد و مدارک در دسترس، مستندی یافت نشد.

نظر شورای نگهبان

تبصره الحاقی (۱۲)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

تبصره الحاقی ۱۵- به دستگاه‌های اجرایی مشمول ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری اجازه داده می‌شود یک درصد (۱٪) از اعتبارات خود به استثنای فصول (۱)، (۴) و (۶) را به سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران اختصاص دهند تا این سازمان بر اساس تفاهم‌نامه منعقد شده با دستگاه و سازمان‌های مذکور جهت فرهنگ‌سازی و آگاهی‌بخشی و اطلاع‌رسانی نسبت به تولید و پخش برنامه‌ها و پوشش اخبار فعالیت‌های آنها اقدام کند.

دیدگاه مغایرت

بر اساس بند (۲) اصل (۳) قانون اساسی، «بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی» از جمله وظایف دولت جمهوری اسلامی (به معنای عام آن) می‌باشد. همچنین بر اساس صدر اصل (۱۷۵) قانون اساسی، تأمین آزادی بیان و نشر افکار در زمره وظایف صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران شمرده شده است. از این جهت، اطلاق حکم تبصره الحاقی (۱۵) مبنی بر اعطای مجوز به برخی از دستگاه‌های اجرایی جهت اختصاص یک درصد (۱٪) از اعتبارات خود به سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران به منظور فرهنگ‌سازی و آگاهی‌بخشی و اطلاع‌رسانی با تولید و پخش برنامه‌ها و پوشش اخبار فعالیت‌های آنها، در برگیرنده وظایف ذاتی صدا و سیما نیز می‌شود که صدا و سیما باید این وظیفه ذاتی را بر اساس ردیف بودجه‌ای خود انجام دهد. بنابراین اطلاق این تبصره الحاقی از آن جهت که وظایف ذاتی صدا و سیما را نیز مشمول انعقاد تفاهم‌نامه با سازمان‌ها و دستگاه‌های دیگر می‌کند و اخذ وجه از دستگاه‌های اجرایی (حاکمیت) توسط سازمان صدا و سیما را در مقابل ایفای این وظیفه ذاتی، مجاز می‌کند، مغایر بند (۲) اصل (۳) و اصل (۱۷۵) قانون اساسی است.

نظر شورای نگهبان

تبصره الحاقی (۱۵)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

- تبصره الحاقی ۲۱- دولت مجاز است در سال ۱۳۹۴ در صورت درخواست بانک‌های دولتی تا سقف یکصد هزار میلیارد (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای نیمه‌تمام را با حفظ کاربری پس از قیمت‌گذاری طرح‌ها با شرایط زیر، به عنوان افزایش سرمایه به آنها واگذار کند:
- ۱- بانک متعهد می‌گردد اعتبار مورد نیاز برای تکمیل پروژه را از منابع خود تأمین و آن را طبق زمان‌بندی که در قرارداد ذکر می‌شود به اتمام برساند.
 - ۲- بانک موظف است پروژه موردنظر را حداکثر طی مدت سه سال از زمان بهره‌برداری به بخش خصوصی یا تعاونی واگذار کند.
 - ۳- پس از واگذاری، طرح منظور، از پیوست قانون بودجه حذف می‌شود.
 - ۴- آیین‌نامه اجرایی این تبصره به پیشنهاد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، وزارت امور اقتصادی و دارایی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور ظرف مدت یک ماه به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

دیدگاه مغایرت

بر اساس بند (۱) قسمت (الف) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی،^(۱) ابلاغی مورخ ۱۳۸۴/۳/۱ مقام معظم رهبری، دولت موظف است هرگونه فعالیت (شامل تداوم فعالیت‌های قبلی و بهره‌برداری از آن) را که مشمول عناوین صدر اصل (۴۴) نباشد، به بخش‌های تعاونی و خصوصی و عمومی غیردولتی واگذار کند. این در حالی است که به موجب تبصره الحاقی (۲۱)، دولت مجاز شده است که در صورت درخواست بانک‌های دولتی طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای نیمه‌تمام خود را به این بانک‌ها (که در حقیقت شرکت دولتی محسوب می‌شوند) به عنوان افزایش سرمایه واگذار نماید. بنابراین از آنجا که این واگذاری‌ها به بانک‌های دولتی اختصاص می‌یابد و با توجه به این واقعیت که اطلاق آن شامل فعالیت‌های خارج از صدر اصل (۴۴) قانون اساسی نیز می‌شود، تبصره الحاقی مزبور، مغایر با سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون

۱. بند (۱) قسمت (الف) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی، ابلاغی ۱۳۸۴/۳/۱ مقام معظم رهبری: «الف-

سیاست‌های کلی توسعه بخش‌های غیردولتی و جلوگیری از بزرگ شدن بخش دولتی:

۱- دولت حق فعالیت اقتصادی جدید خارج از موارد صدر اصل (۴۴) را ندارد و موظف است هرگونه فعالیت (شامل تداوم فعالیت‌های قبلی و بهره‌برداری از آن) را که مشمول عناوین صدر اصل (۴۴) نباشد، حداکثر تا پایان برنامه پنج‌ساله چهارم (سالانه ۲۰٪ کاهش فعالیت) به بخش‌های تعاونی و خصوصی و عمومی غیردولتی واگذار کند. با توجه به مسئولیت نظام در حسن اداره کشور، تداوم و شروع فعالیت ضروری خارج از عناوین صدر اصل (۴۴) توسط دولت، بنا به پیشنهاد هیئت وزیران و تصویب مجلس شورای اسلامی برای مدت معین مجاز است.»

اساسی ابلاغی مقام معظم رهبری و در نتیجه مغایر بند (۱) اصل (۱۱۰) قانون اساسی است. مطابق بند (۱) اصل (۱۱۰) قانون اساسی، تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام، از صلاحیت‌های رهبری محسوب می‌شود.

دیدگاه عدم مغایرت

حکم مقرر در تبصره الحاقی (۲۱) در خصوص اعطای مجوز به دولت جهت واگذاری طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای نیمه‌تمام خود به بانک‌های دولتی، تغایری با سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی و بند (۱) اصل (۱۱۰) قانون اساسی ندارد؛ زیرا واگذاری‌های مزبور، مشمول محدودیت‌های مصرح در بند (۱) قسمت (الف) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی نمی‌شود، بلکه اقدامی است جهت تسریع در اتمام پروژه‌های نیمه‌تمامی که دولت بر مبنای نیازهای کشور شروع کرده، ولی به دلیل نبود منابع مالی قادر به اتمام آن نیست.

نظر شورای نگهبان

تبصره الحاقی (۲۱)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۳/۱۲/۲۴ (مرحله دوم)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ---^(۱)

ماده واحده- ...

تبصره ۱- این قانون با رعایت قوانین و مقررات ذی‌ربط قابل اجرا می‌باشد و وصول منابع و تعهد و پرداخت از محل مصارف این قانون با رعایت مفاد بندهای (و)، (ز)، (ک)، (ت) و (خ) ماده (۲۲۴) و ماده (۱۷۹) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵ لازم‌الرعایه می‌باشد.

کلیه دستگاه‌های اجرایی که تکالیفی برای آنها در این قانون منظور شده است موظفند گزارش عملکرد خود را در موعد قانونی مقرر به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور ارائه کنند. سازمان مذکور موظف است گزارش کامل هر یک از تبصره‌ها و اجزاء و جداول و پیوست‌های این قانون را که از دستگاه‌ها دریافت می‌کند، حداکثر ظرف مدت

۱. گفتنی است برای بررسی این مصوبه‌ی اصلاحی، در شورای نگهبان جلسه‌ی رسمی برگزار نشده است. لذا مراتب تأیید اصلاحات مجلس شورای اسلامی در این مصوبه، پس از جمع‌بندی نظرات شخصی اعضای شورای نگهبان، طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۳۹۰۸ مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۲۵ به مجلس شورای اسلامی اعلام شده است.

یک ماه پس از پایان هر شش ماه، برای کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات و سایر کمیسیون‌های ذی‌ربط مجلس شورای اسلامی به صورت کتبی و رسمی ارسال کند.

تبصره ۲-

الف- ...

ک- در راستای اجرای مفاد بند (الف) ماده (۱) قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲)، موضوع مبادله موافقتنامه با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، وزارت نفت از طریق شرکت‌های دولتی تابعه ذی‌ربط در سال ۱۳۹۴، موظف است موافقتنامه‌های طرح‌های سرمایه‌ای مربوط را با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور مبادله کند.

ل- ...

ن- افزایش درآمد حاصل از صادرات نفت خام و میعانات گازی نسبت به درآمد پیش‌بینی‌شده در ردیف‌های شماره ۲۱۰۱۰۱ و ۲۱۰۱۰۹ جدول شماره (۵) این قانون، مازاد منابع ارزی تا سقف یکصد و پنجاه هزار میلیارد (۱۵۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال پس از کسر سهم شرکت دولتی تابعه ذی‌ربط وزارت نفت، صندوق توسعه ملی و دو درصد (۲٪) توسعه مناطق نفت‌خیز و گازخیز و مناطق محروم، به ردیف درآمدی شماره ۲۱۰۱۱۰ جدول شماره (۵) این قانون واریز و مازاد بر آن پس از کسر سهم صندوق توسعه ملی به حساب ذخیره ارزی واریز می‌گردد. شرکت دولتی تابعه ذی‌ربط وزارت نفت مکلف است در صورت صادرات فرآورده‌های نفتی نسبت به پرداخت سهم صندوق توسعه ملی اقدام کند.

س- به وزارت نفت از طریق شرکت دولتی تابعه ذی‌ربط و وزارت نیرو اجازه داده می‌شود نسبت به تأسیس شرکت گاز استان البرز به شماره ردیف ۲۹۵۴۱۰ پیوست شماره (۳) این قانون و شرکت آب و فاضلاب روستایی این استان به شماره ردیف ۲۹۵۴۵۰ پیوست شماره (۳) این قانون اقدام کند.

ع- وزارت نفت مکلف است فرآورده‌های نفتی کشف‌شده تحویلی اعم از قاچاق یا عرضه خارج از شبکه را پس از ضبط (به دلیل عدم امکان نگهداری) به فروش رسانده و وجوه حاصله را به حساب امانی دادگستری واریز نماید. در صورت صدور محکومیت قطعی متهم یا متهمان، وجوه مذکور تا سقف ده هزار میلیارد (۱۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال به خزانه‌داری کل کشور واریز و پس از کسر ده درصد (۱۰٪) هزینه بالاسری، تا سقف هفت هزار میلیارد (۷,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال آن بر اساس طرح توزیع ستاد کل

نیروهای مسلح و وزارت اطلاعات و مبادله موافقتنامه با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، جهت تقویت بنیه دفاعی و امنیتی اختصاص می‌یابد.

ستاد کل نیروهای مسلح می‌تواند تا ده درصد (۱۰٪) از وجوه حاصله را به یگان کاشف و کاشفین اعم از دفاعی و امنیتی اختصاص دهد. تا سقف دو هزار میلیارد (۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال از منابع این بند در اختیار وزارت آموزش و پرورش قرار می‌گیرد تا جهت تأمین هزینه‌های سوخت، آب و برق واحدهای آموزشی و پرورشی و پردیس‌های استانی مراکز تربیت معلم «دانشگاه فرهنگیان» هزینه گردد. در صورت صدور حکم قطعی مبنی بر براءت متهم یا متهمان وجوه مذکور به آنها مسترد می‌گردد.

دستورالعمل اجرایی این بند توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور با همکاری وزارتخانه‌های نفت و امور اقتصادی و دارایی، ستاد کل نیروهای مسلح و ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز تهیه می‌شود و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد. بند الحاقی ۷- حذف شد.

تبصره ۳- ...

ج- به دولت اجازه داده می‌شود بدهی خود به بخش‌های خصوصی و تعاونی را با رعایت بند (د) سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی و ماده (۶) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی از طریق جدول (۱۸) پرداخت یا تسویه و سپس تهاتر نماید.

واگذاری تهاتری باید با رعایت اصل پنجاه و سوم (۵۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (گردش خزانه) انجام شود و قیمت سهام تهاتر شده نباید از قیمت پایه بورس و یا پایه مزایده کمتر باشد.

د- ...

ل- درآمد اماکن ورزشی اجاره داده شده موضوع ماده (۵) قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲)، پس از واریز به ردیف ۱۳۰۳۰۱ جدول شماره (۵) این قانون، صرفاً برای ورزش همان شهرستان هزینه می‌شود و انتقال و هزینه آن به شهرستان دیگر ممنوع است.

م- ...

ف- کارفرمایان بخش‌های خصوصی و تعاونی مکلفند در مجموعه‌های بیش از هزار واحد مسکونی که در سال ۱۳۹۴ نسبت به عقد قرارداد ساخت آنها اقدام می‌کنند، بر

اساس برآورد اداره اوقاف و امور خیریه هزینه‌های احداث مسجد و خانه عالم را تأمین و یا رأساً نسبت به احداث آن اقدام کنند.

ص - مطالبات سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران و سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران موضوع بند (الف) ماده (۱۹) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ و بند (ج) ماده (۸) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱ بابت واگذاری‌های قبل از ابلاغ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی به مبلغ سه هزار و سیصد میلیارد (۳,۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال از محل فروش اموال، سهام، سهم‌الشرکه، اموال بنگاه‌ها یا منابع حاصل از فروش آنها تأمین کند و برای سرمایه‌گذاری در مناطق کمتر توسعه‌یافته و حوزه‌های نوین با فناوری پیشرفته و تکمیل طرح‌های نیمه‌تمام به حساب سازمان ذی‌ربط واریز می‌شود.

فراز الحاقی - به سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران اجازه داده می‌شود با استفاده از منابع داخلی خود، تسهیلات ریالی و ارزی در قالب تسهیلات تأمین مالی خارجی (فاینانس)، بیع متقابل (بای‌بک)، خرید محصول (بای‌پروداکت) و سایر روش‌های تأمین مالی، با رعایت قوانین و مقررات نسبت به سرمایه‌گذاری تبدیل گاز طبیعی به فرآورده تا جمع سه میلیون تن در مناطق کمتر توسعه‌یافته کشور اقدام کند تا ضمن ایجاد ارزش افزوده زمینه سرمایه‌گذاری‌های پایین‌دستی توسط بخش خصوصی فراهم شود.

ق - ...

بند الحاقی ۲ - وزارت راه و شهرسازی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، شهرداری‌ها و بخش‌داری‌ها موظفند بنا بر درخواست سازمان بسیج مستضعفین در شهرک‌ها و شهرهای جدید، اراضی مناسب را با در نظر گرفتن طرح‌های تفصیلی و هادی مصوب با رعایت ماده (۶۹) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ جهت احداث حوزه‌های مقاومت بسیج و سالن‌های ورزشی صالحین پس از آماده‌سازی و پرداخت هزینه از محل اعتبارات جدول شماره (۱۸) این قانون در اختیار سازمان بسیج قرار دهند.

بند الحاقی ۳ - ...

تبصره ۶ -

الف - ...

ک- دولت مجاز است جهت تسویه مطالبات قطعی اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی و تعاونی از دولت و شرکت‌های دولتی تا سقف ده هزار میلیارد (۱۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال «اوراق صکوک اجاره» منتشر نماید. اوراق مزبور از پرداخت هرگونه مالیات معاف بوده و به عنوان ابزار مالی موضوع قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران محسوب و با امضای وزیر امور اقتصادی و دارایی صادر می‌شود. اوراق مزبور قابل معامله در بازار ثانویه است. آیین‌نامه اجرایی نحوه انتشار اوراق صکوک اجاره، بازپرداخت، سود و تضمین آن حسب مورد توسط دولت و شرکت‌های دولتی ذی‌ربط، ظرف مدت سه ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به تصویب هیئت وزیران می‌رسد. اوراق صکوک اجاره، اوراق بهادار قابل نقل و انتقالی است که نشان‌دهنده مالکیت مشاعی دارنده در منافع مورد اجاره قانونی می‌باشد.

تبصره ۷-

الف- ...

ه- به سازمان‌های توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران (ایمیدرو)، گسترش و نوسازی صنایع ایران (ایدرو)، شرکت‌های دولتی تابعه ذی‌ربط وزارت نفت (پتروشیمی و نفت) و سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای اجازه داده می‌شود به منظور تقویت سرمایه‌گذاری و توسعه فعالیت‌های بخش خصوصی و تعاونی برای تأمین و تولید ماشین‌آلات و تجهیزات صنعت، معدن، نفت، گاز و پتروشیمی و بومی‌سازی فناوری (تکنولوژی) و بازسازی و نوسازی ماشین‌آلات مبلغ چهار هزار میلیارد (۴,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال از محل منابع داخلی خود در قالب وجوه اداره‌شده یا یارانه سود و کارمزد تسهیلات بر اساس قراردادهای منعقد شده در اختیار بانک‌های عامل قرار دهد تا در چهارچوب دستورالعمل وزارتخانه‌های صنعت، معدن و تجارت، راه و شهرسازی و نفت (حسب مورد) و مقررات قانونی مربوطه در اختیار متقاضیان واجد شرایط بخش‌های غیردولتی قرار گیرد.

تبصره ۱۰-

الف-

۱- وزارت صنعت، معدن و تجارت و سازمان‌های تابعه و وابسته به آن مکلفند عواید حاصل از واگذاری، استخراج و فروش معادن خود را به ردیف ۱۳۰۴۲۳ نزد خزانه‌داری کل کشور واریز کنند.

۲- ...

۶- گمرک جمهوری اسلامی ایران مکلف است نسبت به استرداد حقوق ورودی کالاهای وارداتی از همان مواد و قطعات وارداتی موضوع مواد (۶۶) تا (۶۸) قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۹۰/۸/۲۲ ظرف مدت پانزده روز از محل تنخواه دریافتی از خزانه که تا پایان سال تسویه می‌نماید، اقدام کند.

بند الحاقی - ...

جزء الحاقی ۲- وزارت صنعت، معدن و تجارت موظف است حداکثر ظرف مدت شش ماه از تاریخ تصویب این قانون، راهبردهای توسعه معادن و سامانه الکترونیکی ارزیابی و محاسبه و دریافت حقوق دولتی از معادن را تعیین کند و به اجرا گذارد.

تبصره ۱۱-

الف- ...

ح- به وزارت نیرو اجازه داده می‌شود کل هزینه‌های مربوط به تهیه و نصب کنتور حجمی هوشمند چاه‌های کشاورزی را از محل اعتبارات ردیف‌های طرح «تبادل بخشی، تغذیه مصنوعی و کنترل سیل موضوع ردیف ۱۴۳۵۰۰ پیوست شماره (۲) این قانون پرداخت و به صورت اقساطی با روشی که وزارت نیرو تعیین می‌نماید از صاحبان چاه‌ها دریافت و به حساب خزانه‌داری کل کشور واریز کند. صد درصد (۱۰۰٪) وجوه واریزی صرفاً برای اجرای طرح‌های تعادل بخشی منابع آب زیرزمینی در اختیار وزارت نیرو قرار می‌گیرد.

تبصره ۱۳-

الف- ...

جزء الحاقی - وزارت آموزش و پرورش مجاز است در مناطقی که نمی‌تواند خدمات آموزشی ارائه کند، از محل ردیف ۸-۱۲۷۵۰۰ سرویس ایاب و ذهاب رایگان به نزدیک‌ترین محل آموزشی برای کلیه دانش‌آموزان فراهم نماید.

ب- ...

ج- به وزارتخانه‌های آموزش و پرورش و ورزش و جوانان اجازه داده می‌شود درآمدهایی را که بر اساس قوانین مصوب دریافت می‌کنند به استثنای درآمدهای موضوع بند (م) تبصره (۳) این قانون به حساب درآمد اختصاصی که توسط خزانه‌داری کل کشور افتتاح می‌شود، واریز کنند و معادل آن را از محل اعتبارات ردیف‌های ۱۲۷۵۰۰ و ۱۲۸۵۰۰ جدول شماره (۷) این قانون وصول نمایند. مازاد درآمد اختصاصی ادارات کل آموزش و پرورش و ورزش و جوانان هر استان به همان استان و شهرستان وصول‌کننده اختصاص می‌یابد.

د- ...

ز- وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری (سازمان امور دانشجویان) و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مجازند طبق قوانین و مقررات، درآمد حاصل از خرید عدم انجام تعهدات بورس و ارزگیر با هزینه شخصی و جریمه‌های آن را اخذ و به حساب درآمد اختصاصی نزد خزانه‌داری کل کشور موضوع ردیف‌های ۱۱۳۶۶۴ و ۱۲۹۰۰۰ واریز کنند. صد درصد (۱۰۰٪) این درآمد به عنوان درآمد اختصاصی وزارتخانه‌های یادشده تلقی می‌شود و به منظور تحقق برنامه‌های مؤسسات آموزش عالی در مناطق شهری کمتر از دویست هزار نفر جمعیت به آنها اختصاص می‌یابد.

ح- صد درصد (۱۰۰٪) وجوه اداره‌شده پرداختی از سال ۱۳۸۵ تا سال ۱۳۹۱ به صندوق رفاه دانشجویان وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و دانشگاه آزاد اسلامی به عنوان کمک جهت افزایش سرمایه صندوق‌های رفاه دانشجویان تلقی می‌شود و وجوه حاصل از بازپرداخت وام‌های مذکور تا سقف یازده هزار و سیصد میلیارد (۱۱,۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال در قالب درآمد اختصاصی برای پرداخت مجدد به دانشجویان به مصرف می‌رسد.

ط- ...

تبصره ۱۴-

الف- ...

بند الحاقی ۱- دولت موظف است کمک‌هزینه مسکن کارکنان نیروهای مسلح (نظامی و انتظامی) ساکن در خانه‌های سازمانی را تا سقف سه هزار میلیارد (۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال پس از کسر از دریافتی آنان به حساب خاص نزد خزانه‌داری کل کشور واریز کند. معادل وجوه واریزی سال قبل، در ردیف‌های ۱۱۱۱۰۰، ۱۱۱۲۰۰، ۱۱۱۳۰۰ و ۱۰۶۰۰۰ نیروهای مسلح برای تأمین هزینه تعمیر و نگهداری

خانه‌های سازمانی پیش‌بینی می‌شود.

بند الحاقی ۲- ...

تبصره ۱۵-

الف- ...

ج- در اجرای بند (ل) ماده (۴۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، وزارت راه و شهرسازی موظف است با هماهنگی و معرفی بنیاد شهید و امور ایثارگران نسبت به تأمین مسکن و یا زمین مسکونی به قیمت منطقه‌ای و سایر هزینه‌ها به قیمت تمام‌شده برای حداقل هفتاد هزار نفر از واجدان شرایط که قبلاً از زمین و یا مسکن واگذاری از سوی دولت استفاده نکرده‌اند، از طریق منابع جدول شماره (۱۸) این قانون اقدام کند.

د- ...

تبصره ۱۶-

الف- در اجرای بند (ز) ماده (۱۱۲) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، سازمان‌های مناطق آزاد تجاری و صنعتی مکلفند منابع موضوع این بند را به حساب خاصی نزد خزانه‌داری کل کشور واریز کنند. خزانه‌داری کل کشور مکلف است منابع واریزی را تا مبلغ سی میلیارد (۳۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال به نسبت مساوی برای اجرای مفاد بند یادشده به کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی کشور در همان مناطق پرداخت کند.

ب- ...

ه- به سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور اجازه داده می‌شود، زندانیانی که به مرخصی اعزام می‌شوند یا در زندان‌های باز، مؤسسات صنعتی، کشاورزی و خدماتی اشتغال دارند و همچنین محکومان واجد شرایط را تحت نظارت و مراقبت الکترونیکی قرار دهد. برخورداری زندانیان از امتیاز مذکور و نیز صدور حکم نظارت و مراقبت الکترونیکی علاوه بر سپردن تأمین‌های مندرج در قانون آیین دادرسی کیفری منوط به تودیع وثیقه بابت تجهیزات مربوطه می‌باشد. خسارات احتمالی واردشده به تجهیزات مذکور از ناحیه استفاده‌کنندگان از محل وثیقه‌های اخذشده تأمین می‌شود. تعرفه استفاده از تجهیزات مذکور روزانه یکصد هزار (۱۰۰,۰۰۰) ریال تعیین می‌شود که توسط سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور از استفاده‌کننده اخذ و به حساب درآمد عمومی نزد خزانه‌داری کل

کشور موضوع ردیف درآمدی ۱۴۰۱۶۴ جدول شماره (۵) این قانون واریز می‌شود. دولت مکلف است صد درصد (۱۰۰٪) وجوه حاصله را بابت هزینه‌های جاری به سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور اختصاص داده و پرداخت کند. زندانیانی که به تشخیص قاضی ناظر زندان یا اجرای حکم یا رئیس زندان و مؤسسه مربوط قادر به پرداخت تمام یا بخشی از وجوه مزبور نباشند از پرداخت آن بخش از هزینه معاف می‌باشند. آیین‌نامه اجرایی این بند به پیشنهاد وزیر دادگستری به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

و- ...

تبصره ۱۹-

الف- ...

بند الحاقی- کاروران (اپراتورهای) ارائه‌دهنده خدمات مخابراتی موظفند علاوه بر قیمت هر پیامک مبلغ ده (۱۰) ریال از استفاده‌کنندگان خدمات مزبور دریافت و به حساب درآمد عمومی ردیف ۱۶۰۱۵۴ نزد خزانه‌داری کل کشور واریز کنند. درآمد حاصله متناسب با وصول از محل اعتبار ردیف ۱۴۰-۵۳۰۰۰۰ به شرح زیر به دستگاه‌های ذی‌ربط اختصاص می‌یابد:

۱- ...

تبصره ۲۱- در اجرای قانون هدفمندکردن یارانه‌ها مصوب ۱۳۸۸/۱۰/۱۵ به دولت اجازه داده می‌شود در سال ۱۳۹۴ منابع مالی حاصل از اصلاح قیمت کالاها و خدمات موضوع قانون مذکور و ردیف‌های یارانه‌ای این قانون را با استفاده از انواع روش‌های پرداخت نقدی و غیرنقدی به خانوارهای هدف و نیازمند، توزیع و همچنین برای ارائه خدمات حمایتی و کمک به بخش تولید به شرح زیر اقدام نماید:

الف- ...

ز- دولت موظف است یارانه خانوارهای پردرآمد را قطع کند. خانوارهای پردرآمد به تشخیص دولت و بر اساس شرایط اقلیمی، بُعد خانوار و محل سکونت و میزان درآمد تعیین می‌شود.

ح- ...

تبصره‌های الحاقی

تبصره الحاقی ۱- ...

تبصره الحاقی ۷- شرکت‌های دولتی سودده (به استثنای شرکت دولتی تابعه وزارت نفت) و بانک‌های دولتی موظفند به ترتیب یک درصد (۱٪) و دو درصد (۲٪) از هزینه‌های خود را که در پیوست شماره (۳) این قانون آمده با تأکید بر هزینه‌های اداری و عمومی صرفه‌جویی کنند. درآمد حاصله از پنجاه درصد (۵۰٪) سود ویژه و یک‌دوازدهم مالیات ماهانه شرکت‌ها و بانک‌های مزبور به مبلغ هفده هزار میلیارد (۱۷,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال پس از واریز به خزانه متناسب با وصولی از محل ردیف ۱۴۹-۵۳۰۰۰۰ در اختیار وزارت آموزش و پرورش قرار می‌گیرد تا در امور مربوط به پرداخت مطالبات فرهنگیان هزینه شود.

تبصره الحاقی ۸- ...

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه مجلس در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۴ کل کشور، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.^(۱)

۱. مندرج در نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۳۹۰۸ مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۲۵ شورای نگهبان، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

فصل دوم

اساسنامه های مصوب

هیئت وزیران

اساسنامه شرکت شهر فرودگاهی امام خمینی (ره)

مصوب ۱۳۹۳/۱/۲۴

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد تبصره بند (الف) ماده (۱۶۶) قانون برنامه‌ی پنج‌ساله پنجم توسعه‌ی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹، «اساسنامه شرکت شهر فرودگاهی امام خمینی (ره)» را به پیشنهاد وزارت راه و شهرسازی و معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور جهت بررسی در دستور جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۹/۲۰ قرار داد و مفاد آن را به تصویب رساند. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۴۸۹۳۸/۱۶۷۸۷۳ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۶ به شورای نگهبان ارسال شد.

شورای نگهبان، پس از دریافت مصوبه‌ی هیئت وزیران، بررسی آن را در دستور کار جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۱ خود قرار داد. نتیجه‌ی بررسی اعضای شورا نسبت به این مصوبه، اعلام مغایرت برخی از مواد این مصوبه با اصل (۱۵) قانون اساسی از جهت استفاده از واژه‌های بیگانه و نیز بیان چند اشکال در قالب «تذکر» بود. شورای نگهبان نظر خود در این زمینه را طی نامه‌ی شماره ۹۲/۳۰/۵۳۵۲۰ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۷ به هیئت وزیران اعلام کرد.

هیئت وزیران برای رفع ایرادهای شورای نگهبان، در جلسه‌ی ۱۳۹۳/۱/۲۴ خود اصلاحات لازم را در مواد مربوطه اعمال و مصوبه‌ی اصلاحی را به موجب نامه‌ی شماره ۴۸۹۳۸/۶۵۱۹ مورخ ۱۳۹۳/۱/۳۰ برای اظهار نظر مجدد به شورای نگهبان ارسال کرد. پس از وصول مصوبه به شورای نگهبان، این شورا در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۲/۱۰ پس از بررسی مصوبه اصلاحی، ایرادهای پیشین را برطرف شده دانست و نظر خود مبنی بر مغایرت نداشتن مفاد این اساسنامه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۳۶۱ مورخ ۱۳۹۳/۲/۱۰ به هیئت وزیران اعلام کرد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۲/۹/۲۰ (مرحله نخست)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۲/۱۲/۲۱

فصل اول- تعاریف و کلیات

ماده ۱- اصطلاحات زیر در این اساسنامه در معانی مشروح مربوط به کار می‌روند:

الف- ...

و- عوامل پروازی: باند پرواز، مسیرهای خزش (تاکسی وی)، پارکینگ هواپیما، تجهیزات روشنایی و کمک ناوبری.

ز- ...

ماده ۹- وظایف و اختیارات شرکت عبارتست از:

۱- ...

۳- ارائه خدمات هوانوردی از جمله نصب، نگهداری و بهره‌برداری از سامانه‌های ارتباطی، کمک ناوبری، راداری و سایر تجهیزات در امور هوانوردی، خدمات و کنترل نشست و برخاست وسایل پرنده در محدوده فرودگاه و تأمین تجهیزات مرتبط، خدمات امداد و نجات و آتش‌نشانی فرودگاهی با رعایت قوانین و مقررات مرتبط و ارائه خدمات فرودگاهی از جمله نگهداری و بهره‌برداری از پایانه‌های بار و مسافر و تجهیزات مرتبط، خدمات پشتیبانی مربوط به هواپیما، پارکینگ مراجعین فرودگاه، خدمات زمینی فرودگاهی (هندلینگ)، آشیانه، خدمات پذیرایی (کترینگ)، مراکز اقامتی و پذیرایی، سوخت‌رسانی به هواپیما و امور حفاظت از فرودگاه و هواپیماها، مراکز تجاری و پارکینگ‌ها و تمامی مستحدثات.

دیدگاه مغایرت

طبق اصل (۱۵) قانون اساسی، اسناد، مکاتبات و متون رسمی کشور - از جمله قوانین و مقررات- باید به زبان فارسی نگارش یابد. بنابراین، استعمال واژه‌ی غیرفارسی «پارکینگ» در این اساسنامه از جمله در بند (و) ماده (۱)، مغایر اصل مذکور است. لذا باید از معادل فارسی واژه‌ی «پارکینگ» استفاده شود. علاوه بر این، در این زمینه، «قانون ممنوعیت به‌کارگیری اسامی، عناوین و اصطلاحات بیگانه» مصوب ۱۳۷۵/۰۹/۱۴ نیز وجود دارد که مطابق آن، همه‌ی دستگاه‌های کشور اعم از قانون‌گذاری، اجرایی و قضایی و سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی موظفند از به کار بردن کلمات و واژه‌های بیگانه در گزارش‌ها و مکاتبات رسمی خود، خودداری کنند.^(۱)

۱. قانون ممنوعیت به‌کارگیری اسامی، عناوین و اصطلاحات بیگانه مصوب ۱۳۷۵/۹/۱۴: «ماده واحده- به منظور حفظ قوت و اصالت زبان فارسی به عنوان یکی از ارکان هویت ملی ایران و زبان دوم عالم اسلام و معارف و فرهنگ اسلامی، دستگاه‌های قانون‌گذاری، اجرایی و قضایی کشور و سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و کلیه شرکت‌هایی که شمول قوانین و مقررات عمومی بر آنها مستلزم ذکر نام است و تمامی شرکت‌ها، سازمان‌ها و نهادهای مذکور در بند (د) تبصره (۲۲) قانون برنامه دوم توسعه، موظفند از به‌کار بردن کلمات و واژه‌های بیگانه در گزارش‌ها و مکاتبات، سخنرانی‌ها، مصاحبه‌های رسمی خودداری کنند و همچنین استفاده از این واژه‌ها بر روی کلیه تولیدات داخلی اعم از بخش‌های دولتی و غیر دولتی که در داخل کشور عرضه می‌شود ممنوع است.»

دیدگاه عدم مغایرت

واژه‌ی «پارکینگ» از قدیم در ایران به کار می‌رفته است، به گونه‌ای که به یک کلمه مصطلح و مشهور در زبان فارسی تبدیل شده است. به عبارت دیگر، هم‌اینک پارکینگ یک کلمه‌ی فارسی است. بنابراین، استفاده از این واژه، مغایرتی با اصل (۱۵) قانون اساسی ندارد.

نظر شورای نگهبان

واژه‌های «پارکینگ» در بند (و) ماده (۱)، از حیث عدم ذکر معادل فارسی آن، مغایر اصل (۱۵) قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۱۴- مجمع عمومی عادی و مجمع عمومی فوق‌العاده با حضور اکثریت اعضاء رسمیت خواهد داشت. تصمیمات در مجمع عمومی عادی همواره با اکثریت آرا و در مجمع عمومی فوق‌العاده با دو سوم آرای موافق اعضای حاضر معتبر خواهد بود.

دیدگاه ابهام

الف) مطابق ظاهر ماده (۱۱) این اساسنامه،^(۱) تعداد اعضای مجمع عمومی که نمایندگان سهام شرکت هستند، سه نفرند. بر اساس ماده (۱۴) اساسنامه، جلسات مجمع عمومی (عادی یا فوق‌العاده) با حضور اکثریت اعضا، یعنی دو نفر، رسمیت می‌یابد و تصمیمات مجمع عمومی با اکثریت آراء، برای مجمع عمومی عادی و دو سوم آرای موافق اعضای حاضر، برای مجمع عمومی فوق‌العاده، اتخاذ خواهد شد. بنابراین، از آنجا که اعضای مجمع عمومی، سه نفر هستند، در مواردی که ملاک تصمیم‌گیری دو سوم آرای موافق اعضای حاضر باشد، نحوه‌ی اتخاذ تصمیم از حیث تعیین دو سوم آرای موافق اعضای حاضر، واجد ابهام است؛ زیرا مشخص نیست که دو سوم اکثریت اعضای حاضر، یعنی دو سوم دو نفر، چند نفر خواهد بود تا بتوان نصاب آن را ملاک اتخاذ تصمیم قرار داد.

ب) هر چند که ماده (۱۱) این اساسنامه «نمایندگان سهام در مجامع عمومی شرکت» را سه نفر مشخص کرده است، لیکن مشخص نیست که آیا افراد دیگری غیر از این سه نفر هم در مجامع

۱. ماده (۱۱) اساسنامه شرکت شهر فرودگاهی امام خمینی (ره): «ماده ۱۱- نمایندگان سهام در مجامع عمومی شرکت عبارتند از:

وزیر راه و شهرسازی یا نماینده تام‌الاختیار وی که ریاست مجمع عمومی را بر عهده دارد.

رئیس سازمان هواپیمایی کشور

مدیر عامل شرکت مادر تخصصی فرودگاه‌های کشور.»

عمومی عضو هستند یا خیر؟ به عبارت دیگر، روشن نیست اعضای مجامع عمومی، غیر از نمایندگان سهام، چه کسانی هستند؟ با توجه به اینکه در مواد دیگر اساسنامه در این خصوص مطلبی بیان نشده است، تعداد اعضای مجامع عمومی برای احتساب نصاب اکثریت و نیز دو سوم آرای موافق، برای اعتبار تصمیم‌گیری در مجامع، دارای ابهام است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) عبارت «آرای موافق» در ماده (۱۴)، فاقد ابهام است. منظور از «آرای موافق» آن است که در جلسات مجامع عمومی، رأی ممتنع و مخالف مورد محاسبه قرار نمی‌گیرد. لذا از سه نفر اعضای حاضر، دو نفر باید با تصمیم اخذشده موافق باشند و در صورتی که یک نفر موافق، یک نفر ممتنع و یک نفر هم مخالف باشد، تصمیم اتخاذشده رسمیت نمی‌یابد. بنابراین، عبارت «آرای موافق»، از این جهت فاقد ابهام است.

ب) تعداد اعضای مجامع عمومی شرکت‌های دولتی پنج نفرند^(۱) که اکثریت آنها - که موجب رسمیت جلسات مجمع می‌شوند- سه نفر است. اتخاذ تصمیم با دو سوم اکثریت آرای موافق، یعنی دو نفر از سه نفر انجام می‌شود که از این جهت، ابهامی در مفهوم اکثریت آرای مجمع عمومی وجود نخواهد داشت. با فرض اینکه تعداد اعضای مجمع عمومی به استناد ماده (۱۱) این اساسنامه، سه نفر باشند و نه پنج نفر، همچنان در تعداد اکثریت و دو سوم اعضای مجمع عمومی ابهامی وجود نخواهد داشت؛ زیرا هم اکثریت سه نفر و هم دو سوم آرا، همان دو نفر خواهد بود.

۱. در خصوص تعداد اعضای مجامع عمومی شرکت‌های دولتی می‌توان به قوانین زیر اشاره کرد:

۱- تبصره (۷۲) قانون بودجه اصلاحی سال ۱۳۵۲ و بودجه سال ۱۳۵۳ کل کشور مصوب ۱۳۵۲/۱۱/۰۷ با اصلاحات و الحاقات بعدی: «تبصره (۷۲) (اصلاحی ۱۳۵۸/۵/۲۵)- از تاریخ تصویب این قانون نمایندگی سهام دولت در مجامع عمومی شرکت‌های دولتی به عهده وزیر مسئول و وزیر دارایی، رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و یک یا چند وزیر دیگر که با تصویب هیئت وزیران معین می‌شوند، یا نمایندگان آنان خواهد بود. این حکم شامل شرکت‌هایی که به موجب قوانین خاص خود شمول قوانین و مقررات دولتی در مورد آنها موکول به ذکر نام آنها است در صورتی که در مجامع عمومی آنها کمتر از سه وزیر شرکت داشته باشند نیز خواهد بود. نمایندگان سهام دولت در مجامع عمومی شرکت‌های دولتی مجازند از نظر تسریع و تسهیل انجام امور شرکت بر اساس ضوابطی که از طرف هیئت وزیران معین خواهد شد قسمتی از اختیارات خود را که لازم بدانند جز در مورد خط مشی کلی، افزایش یا کاهش سرمایه، تصویب بودجه و ترازنامه به وزیر وزارتخانه‌ای که شرکت مربوط وابسته به آن می‌باشد و به عنوان رئیس مجمع عمومی عمل خواهد کرد واگذار نمایند.»

۲- قانون اصلاح تبصره (۷۲) دائمی قانون بودجه اصلاحی سال ۱۳۵۲ و بودجه سال ۱۳۵۳ کل کشور مصوب ۱۳۷۹/۱۱/۳۰: «ماده واحده- در تبصره (۷۲) دائمی قانون بودجه اصلاحی سال ۱۳۵۲ و بودجه سال ۱۳۵۳ کل کشور مصوب ۱۳۵۲/۱۱/۷، پس از عبارت «وزیر امور اقتصادی و دارایی» عبارت «رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور» اضافه می‌گردد.»

نظر شورای نگهبان

تذکر: در ماده (۱۴)، با توجه به رسمیت جلسات مجامع عمومی و فوق‌العاده و حضور اکثریت اعضاء و همچنین با توجه به تعداد نمایندگان سهام در مجامع عمومی شرکت (سه نفر)، حکم به تصمیم‌گیری در مجمع عمومی عادی با اکثریت آراء و تصمیم‌گیری در مجمع عمومی فوق‌العاده با دو سوم آراء موافق اعضای حاضر، نیازمند اصلاح عبارتی است.

ماده ۱۵- وظایف مجمع عمومی عادی به شرح زیر است:

۱- ...

۸- تصویب آیین‌نامه‌های اداری، مالی، معاملاتی، رفاهی، استخدامی و سایر آیین‌نامه‌ها و مقررات مورد نیاز و ساختار تشکیلاتی شرکت و رسیدگی و اتخاذ تصمیم نسبت به فعالیت شرکت و تصویب ساختار کلان شرکت با رعایت قوانین و مقررات مربوط.

۹- ...

۱۱- اتخاذ تصمیم در خصوص پیشنهاد های هیئت مدیره مربوط به انعقاد هرگونه قراردادهای مشارکت و خرید و فروش سهام شرکت‌های دیگر که مرتبط با فعالیت شرکت باشد و امکان استفاده از اعتبارات و فاینانس در چارچوب قوانین مربوط.

۱۲- اتخاذ تصمیم در خصوص تنظیم مقررات امنیتی و انضباطی جهت برقراری امنیت در شهر فرودگاهی با توجه به قوانین و مقررات مربوط و حسب مورد در صورت نیاز ارائه پیشنهاد به مراجع قانونی ذی‌ربط.

۱۳- ...

دیدگاه مغایرت

الف) اختیار مجمع عمومی در «تصویب ساختار کلان شرکت» شهر فرودگاهی امام خمینی (ره)، موضوعی گسترده و مبنایی است و ناظر به اموری از شرکت است که مستلزم تقنین و قانون‌گذاری است. وظیفه‌ی قانون‌گذاری نیز مطابق اصل (۷۱) قانون اساسی، به عهده‌ی مجلس شورای اسلامی است. اصل (۸۵) نیز اشعار می‌دارد که مجلس نمی‌تواند اختیار قانون‌گذاری خویش را به دیگری واگذار کند، مگر در خصوص اساسنامه‌ی سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت که می‌تواند اجازه‌ی تصویب آنها را به کمیسیون‌های داخلی خود یا دولت (= هیئت وزیران) واگذار کند. بنابراین، در اینجا اقدام هیئت وزیران در واگذاری اختیار تصویب ساختار کلان شرکت به مجمع عمومی، از آن جهت که این موضوع از امور تقنینی و جزء

وظایف قانون‌گذار (مجلس شورای اسلامی، یا دولت در موارد تفویض شده از سوی مجلس، در خصوص اساسنامه‌ی شرکت‌ها و سازمان‌های دولتی) است، مغایر با اصل (۸۵) قانون اساسی است. هر چند که هیئت وزیران در انتهای بند (۸) این ماده، این امر را منوط به رعایت قوانین و مقررات نموده است، اما به نظر می‌رسد که این عبارت نیز رافع اشکال نباشد و نیازمند صراحت بیشتری در عدم تفویض اختیار قانون‌گذاری به مجمع عمومی باشد.

ب) طبق اصل (۱۵) قانون اساسی، اسناد، مکاتبات و متون رسمی کشور، از جمله قوانین و مقررات باید به زبان فارسی نگارش یابد. بنابراین، استعمال واژه‌ی غیرفارسی «فاینانس» در بند (۱۱) ماده‌ی مزبور، مغایر اصل (۱۵) قانون اساسی است و باید از معادل فارسی واژه‌ی «فاینانس» یعنی «تأمین مالی» استفاده شود.

ج) مطابق با اصل (۸۵) قانون اساسی، صلاحیت قانون‌گذاری مربوط به مجلس و غیر قابل واگذاری به مرجعی دیگر است. بند (۱۲) ماده‌ی مزبور، اتخاذ تصمیم در خصوص تنظیم مقررات امنیتی و انضباطی جهت برقراری امنیت در شهر فرودگاهی را نیز بر عهده‌ی مجمع عمومی عادی قرار داده است. از آنجا که اطلاق چنین اختیاری شامل موارد تقنینی و قانون‌گذاری می‌شده، تلاش شده است که با ذکر عبارت «با توجه به قوانین و مقررات مربوط»، اطلاق اختیارات مجمع عمومی در اتخاذ تصمیم در خصوص تنظیم مقررات امنیتی و انضباطی را مقید کنند به گونه‌ای که بند مذکور، مغایرتی با موازین شرع و اصول قانون اساسی، از جمله اصل (۸۵) نداشته باشد. اما با توجه به ادبیات به کار رفته در این ماده، به نظر می‌رسد که ذکر عبارت «با توجه به قوانین و مقررات مربوط» برای تقیید مصوبات مجمع عمومی و الزام مجمع به پایبندی به رعایت قوانین و مقررات کافی به مقصود نباشد. توضیح اینکه، ذکر عبارت «با توجه» به معنای غافل نماندن از قوانین و مقررات در این حوزه است، و مقید در معنای الزام مجمع به رعایت قطعی قوانین و مقررات نیست. این در حالی است که استعمال عبارت «با رعایت»، در ابتدای عبارت «قوانین و مقررات»، ظهور در معنای الزام و تبعیت دارد. بنابراین، با توجه به اینکه اتخاذ تصمیم در خصوص تنظیم مقررات امنیتی و انضباطی در فرودگاه، از مسائل بسیار با اهمیت است، تأکید بر لزوم تبعیت از قوانین و مقررات برای اختیارات مجمع عمومی، ضروری است. لذا عبارت «با توجه به قوانین و مقررات» نمی‌تواند این الزام را تأمین کند و از این جهت، احتمال اتخاذ تصمیمات خلاف قانون و مقررات عمومی توسط مجمع عمومی و در نتیجه انجام اقدامات مغایر اصل (۸۵) قانون اساسی و شرع وجود خواهد داشت.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) طبق اصل (۸۵) قانون اساسی، وظیفه‌ی مجلس شورای اسلامی قانون‌گذاری است و

مجلس نمی‌تواند آن را به مرجع دیگر تفویض کند. هر چند که قانون‌گذار (= هیئت وزیران با اختیار حاصل از مجلس شورای اسلامی) در این ماده، اختیارات گسترده‌ای را به مجمع عمومی داده تا آنجا که شائبه‌ی واگذاری تقنین و قانون‌گذاری به مجمع عمومی را دارد، لیکن قانون‌گذار در قسمت اخیر بند (۸) ماده (۱۵) اساسنامه، اختیارات مجمع عمومی در تصویب ساختار کلان شرکت را منوط به «رعایت قوانین و مقررات مربوط» کرده است. بنابراین، الزام مجمع عمومی به رعایت قوانین و مقررات، مستلزم رعایت مفاد مقررات مختلف از جمله مفاد اصل (۸۵) قانون اساسی است. لذا صلاحیت مجمع عمومی در تصویب ساختار کلان شرکت، مغایرتی با نقض مقررات اساسی از جمله اصل (۸۵) نخواهد داشت.

ب) از جهت احراز معنای الزام و تبعیت از قوانین، تفاوتی میان عبارت «با توجه به قوانین و مقررات» و عبارت «با رعایت قوانین و مقررات» در بند (۱۲) ماده (۱۵) این اساسنامه وجود ندارد؛ زیرا از لفظ «توجه» همان معنای «رعایت» برداشت می‌شود که هر دو مفید در معنای الزام و تبعیت است. بر این اساس، عبارت «با توجه به قوانین و مقررات مربوط» ناظر بر آن است که تصمیم در خصوص تنظیم مقررات امنیتی و انضباطی از سوی مجمع عمومی، الزاماً باید در چارچوب قوانین و مقررات، از جمله با رعایت اصل (۸۵) قانون اساسی باشد. بنابراین، بند (۱۲) مغایرتی با اصل (۸۵) قانون اساسی و یا موازین شرع ندارد.

ج) از لحاظ نگارش ادبی، بند (۱۲) ماده (۱۵) این اساسنامه، دو بخش دارد؛ قسمت اول یعنی اتخاذ تصمیم در خصوص تنظیم مقررات امنیتی و انضباطی که از وظایف ذاتی خود مجمع عمومی است و قسمت دوم، یعنی مواردی که به مراجع قانونی ذی‌ربط مرتبط است. با توجه به ترکیب ادبی این بند، عبارت «با توجه به قوانین و مقررات مربوط»، ناظر به بخش اول بند (۱۲)، یعنی وظایف ذاتی مجمع است؛ بدین معنا که مجمع با توجه و رعایت قوانین و مقررات می‌تواند تصمیمات و اقدامات در خصوص مقررات امنیتی و انتظامی را اتخاذ کند و مواردی را که خارج از صلاحیت ایشان است و یا اینکه مقررات و قوانین مربوطه، این اختیار را به مجمع نمی‌دهد، تنها می‌تواند به مراجع ذی‌ربط پیشنهاد دهد. به عبارت دیگر، اگر در بخش دوم بند مزبور، اقدام مجمع عمومی نیازمند تقنین است، مجمع عمومی باید پیشنهاد آن را به مرجع ذی‌ربط اعم از مجلس یا هیئت وزیران حسب مورد بدهد. بنابراین، با توجه به اینکه خود بند (۱۲) قائل به تفکیک در موارد اتخاذ تصمیم است و با عنایت به اینکه تدوین‌کنندگان اساسنامه بر لزوم رعایت قوانین مربوط اشراف داشته‌اند، ایراد احتمال اتخاذ تصمیمات خلاف قانون، توسط مجمع عمومی عادی و در نتیجه اشکال مغایرت با اصل (۸۵) قانون اساسی که بر انحصار صلاحیت مجلس شورای اسلامی در قانون‌گذاری و تقنین تأکید می‌کند، وارد نیست.

نظر شورای نگهبان

واژه‌های ... «فاینانس» در بند (۱۱) ماده (۱۵) و ...، از حیث عدم ذکر معادل فارسی آن، مغایر اصل (۱۵) قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۱۷- هیئت مدیره متشکل از پنج عضو است که حداقل سه نفر از آنان موظف می‌باشند و به پیشنهاد رئیس مجمع و تصویب مجمع از بین افراد صاحب‌نظر در حوزه‌های مرتبط به مدت سه سال انتخاب می‌شوند. از بین پنج عضو یادشده، باید دو عضو در حوزه‌های مرتبط با هوانوردی و یا امور فرودگاهی و سه عضو دیگر در حوزه‌های مرتبط با امور بازرگانی یا مالی یا برنامه‌ریزی یا حقوقی دارای تخصص و حداقل (۵) سال سابقه فعالیت مفید باشند. اعضای هیئت مدیره پس از انقضای مدت یادشده، تا زمانی که تجدید انتخاب به عمل نیامده است، در سِمَت خود باقی خواهند بود و انتخاب مجدد آنها برای دوره‌های بعد بلامانع است.

دیدگاه مغایرت

مطابق با موازین شرع، افرادی که تصدی امور مسلمانان را بر عهده می‌گیرند باید دارای شرایط امانت‌داری، تعهد، وثاقت و... باشند. در ماده (۱۷) این اساسنامه، برای شرایط اعضای هیئت مدیره تنها برخی از تخصص‌های مرتبط را لازم دانسته و سایر شرایط عمومی افراد برای تصدی این امر را شرط ندانسته است. بنابراین عدم ذکر شرایط تعهد، وثاقت و امانت‌داری برای اعضای هیئت مدیره در این ماده، زمینه‌ساز تسلط افراد غیر واجد شرایط بر امور شرکت خواهد شد که این موضوع مغایر با موازین شرع است.

دیدگاه عدم مغایرت

اصل کلی حکم می‌کند که هر کار و فعالیت از امور عمومی و حاکمیتی کشور را هنگامی به افراد واگذار می‌کنند که آن افراد، واجد صلاحیت‌های عام‌گزینشی باشند. بنابراین، در نظام اسلامی، برای افرادی که مشغول فعالیت هستند، اصل بر این است که شرایط وثاقت، تعهد و امانت‌داری ایشان ثابت شده است. ضمن اینکه، شرایط عمومی اعضای هیئت مدیره، تابع قوانین و مقررات عام‌گزینش است که همه‌ی شرایط از جمله وثاقت و امانت‌داری و غیره در آنها تصریح شده است. بنابراین، هرچند در این ماده شرایط مزبور ذکر نشده است، اما به جهت وجود این قیود در قوانین عام‌گزینش، رعایت این معیارها برای انتخاب اعضا لازم است. از این رو، هر کسی که قصد داشته باشد در هر نهاد و شرکتی انتخاب و گزینش شود، باید معیارهای عام مذکور در قوانین

گزینش را دارا باشد. بنابراین اطلاق متن اساسنامه در عدم ذکر شروط مزبور، مغایرتی با موازین شرع نخواهد داشت.

دیدگاه ابهام

اعضای هیئت مدیره‌ی شرکت یا جزء کارمندان شرکت شهر فرودگاهی هستند و یا اینکه از افرادی غیر کارمند انتخاب می‌شوند. در فرض اول، کارمندان، قبلاً مطابق قوانین و مقررات، گزینش عمومی شده‌اند و شرط وثاقت و تعهد ایشان نیز احراز گردیده است. اما تشخیص شرایط مذکور برای افراد غیر کارمند، همچنان محل اشکال و ابهام است. بنابراین، در خصوص اعضای هیئت مدیره، که قبلاً کارمند نبوده‌اند، اثبات شرایط تعهد و وثاقت همچنان محل تردید است و در صورتی که منظور از این مصوبه، عدم الزام در احراز شرایط مزبور برای اعضای غیر کارمند باشد، مغایر با موازین شرع خواهد بود. بنابراین، باید وجود و اثبات شرایط عمومی وثاقت و تعهد نسبت به اعضای غیر کارمند مشخص شود تا بتوان نسبت به مغایرت یا عدم مغایرت این ماده با موازین شرع اظهار نظر کرد.

نظر شورای نگهبان

تذکر: در مواد (۱۷)، (۳۶) و (۳۰) باید شرایط تعهد، وثاقت و امانت‌داری برای اعضای هیئت مدیره، مدیرعامل و بازرس ذکر گردد.

ماده ۲۲- هیئت مدیره مجری اجرای مصوبات مجمع عمومی است و برای هرگونه اقدام به نام شرکت و انجام هرگونه عملیات و معاملاتی که مربوط به موضوع فعالیت شرکت باشد و اتخاذ تصمیم درباره آنها در صلاحیت مجمع عمومی قرار نگرفته باشد، دارای اختیارات کامل است.

دیدگاه مغایرت

طبق ماده‌ی مزبور، هیئت مدیره‌ی شرکت، مجری مصوبات مجمع عمومی است. همان‌طور که در ذیل ماده (۱۷) این اساسنامه، در ارتباط با موضوع شرایط اعضای هیئت مدیره بحث شد، با همان استدلال باید این‌گونه گفت که عدم ذکر شرایط تعهد، وثاقت، امانت‌داری برای اعضای هیئت مدیره‌ی شرکت، زمینه‌ساز تسلط افراد غیر واجد شرایط بر شرکت شهر فرودگاهی می‌شود و از طرفی احتمال اتخاذ تصمیمات خلاف شرع، توسط این افراد و اجرای آن تصمیمات توسط هیئت مدیره وجود دارد. بنابراین، ماده (۲۲) از این جهت که موجبات تسلط افراد فاقد شرایط تعهد، وثاقت و امانت‌داری بر امور شرکت را فراهم می‌کند، مغایر با موازین شرع است.

دیدگاه عدم مغایرت

ماده‌ی مزبور در مقام تشریح وظایف اعضای هیئت مدیره است و ارتباطی با گزینش و انتخاب اعضای هیئت مدیره ندارد. ایراد مذکور - یعنی عدم ذکر شرایط وثاقت، تعهد و امانت‌داری برای اعضای هیئت مدیره - تنها ناظر به ماده (۱۷) این اساسنامه است که موضوع آن، ابتکار انتخاب اعضای هیئت مدیره و شرایط لازم برای تصدی این افراد است. لذا ایراد مغایرت با موازین شرع، از جهت عدم ذکر شرط تعهد، وثاقت و امانت‌داری، تنها نسبت به ماده (۱۷) وارد است و نیازی به ذکر آن در ماده (۲۲) نخواهد بود.

نظر شورای نگهبان

ماده (۲۲) اساسنامه، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۲۳- وظایف و اختیارات هیئت مدیره به شرح زیر تعیین می‌شود:

۱- اجرای تصمیمات مجمع عمومی

۲- واگذاری حق بهره‌برداری از اماکن و محل‌ها و تأسیسات واقع در فرودگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) و شهر فرودگاهی اعم از منطقه آزاد تجاری و ویژه اقتصادی و سایر مناطق شامل اراضی، ساختمان و تأسیسات که واگذاری حق بهره‌برداری از آنها لطمه‌ای به امر بی‌خطری پرواز وارد نسازد و مانعی در انجام امور و فعالیت‌های فنی و اداری فرودگاه ایجاد ننماید، متناسب با موضوع و طبیعت کار به اشخاص حقیقی یا حقوقی حداکثر تا سی سال در قبال دریافت بهای مناسب.

۳- ...

۲۲- سایر اختیاراتی که به موجب این اساسنامه بر عهده مجمع عمومی نیست و مطابق لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت - مصوب ۱۳۴۷- بر عهده هیئت مدیره است.

۲۳- ...

دیدگاه مغایرت

الف) این ماده از اساسنامه مبنیاً بر اشکال وارد بر ماده (۱۷) اساسنامه، مغایر با موازین شرع است؛ زیرا مطابق اطلاق این ماده، وظایف و اختیارات هیئت مدیره به افرادی سپرده می‌شود که شرایط تعهد به نظام، وثاقت و امانت‌داری را ندارند و این موضوع زمینه‌ساز تسلط افراد غیر صالح بر امور و اتخاذ تصمیمات و اجرای امور خلاف شرع می‌شود. لذا ماده‌ی مزبور، از جهت عدم تصریح به شرایط عمومی تعهد، وثاقت و امانت‌داری برای اعضای هیئت مدیره، مغایر با موازین شرع است.

ب) اصل (۸۵) قانون اساسی تأکید می‌کند که مقررات و مصوبات دولت نباید با اصول و احکام مذهب رسمی کشور و یا اصول قانون اساسی و همچنین قوانین و مقررات عمومی مغایرت داشته باشند. اطلاق واگذاری حق بهره‌برداری از اماکن، محل‌ها و تأسیسات واقع در فرودگاه امام خمینی (ره) و شهر فرودگاهی به هیئت مدیره که در بند (۲) ماده (۲۳) تصریح شده است، این امکان را فراهم می‌کند که اعضای هیئت مدیره بدون رعایت قوانین و مقررات و طبق تمایلات و سلیق شخصی خود به واگذاری این امور اقدام کنند. این موضوع موجب فراهم شدن زمینه عدم رعایت عدالت در جامعه و انجام اقدامات خلاف شرع می‌شود. لذا اطلاق ماده‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و همچنین اصل (۸۵) قانون اساسی است.

ج) هرچند که رعایت قوانین در همه‌ی اقدامات دولتی، از جمله واگذاری حق بهره‌برداری در این ماده، واضح، بدیهی و مفروض است، لیکن وقتی قید «رعایت قوانین» در جایی ذکر نمی‌شود، این برداشت را به ذهن متبادر می‌کند که عدم ذکر این شرط به معنی آن است که رعایت قوانین و مقررات در این بند لزومی ندارد. به همین جهت، تصریح عبارت «با رعایت قوانین» در بند (۲) ماده (۲۳)، لازم، ضروری و شرعاً واجب است. در غیر این صورت، به موجب این بند، امکان انجام اقدامات مغایر با موازین شرع و یا اصل (۸۵) قانون اساسی توسط اعضای هیئت مدیره وجود خواهد داشت. اصل (۸۵) قانون اساسی تأکید دارد که مقررات و مصوبات دولت نباید با اصول و احکام مذهب رسمی کشور و یا قانون اساسی و همچنین قوانین و مقررات عمومی مغایرت داشته باشد.

د) بند (۲۲) ماده‌ی مزبور، برخی از اختیارات هیئت مدیره در لایحه‌ی قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ را به عنوان وظایف هیئت مدیره‌ی شرکت شهر فرودگاهی امام خمینی (ره) در نظر گرفته است. این در حالی است که قوانین قبل از انقلاب از جمله لایحه‌ی قانونی مذکور، از جهت مغایرت و یا عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرعی، تاکنون در شورای نگهبان مورد بررسی قرار نگرفته است. بنابراین، ارجاع برخی از وظایف و اختیارات اعضای هیئت مدیره به اختیارات مصوب لایحه‌ی قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، از این جهت که ممکن است متضمن اختیارات و وظایفی باشد که خلاف موازین و اصول شرعی باشد، ایراد دارد. برای رفع این ایراد، باید آن دسته از اختیارات هیئت مدیره‌ی شرکت شهر فرودگاهی امام خمینی (ره) که مستند به لایحه‌ی قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ است، مشخص شود تا شورای نگهبان آنها را از جهت مغایرت یا عدم مغایرت آنها با موازین شرع بررسی کند.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) ماده‌ی مزبور، در مقام تشریح وظایف اعضای هیئت مدیره است و ارتباطی با گزینش و

انتخاب اعضای هیئت مدیره ندارد. ایراد مذکور - یعنی عدم ذکر شرایط وثاقت، تعهد و امانت‌داری اعضای هیئت مدیره - تنها ناظر به ماده (۱۷) این اساسنامه بود که موضوع آن، ابتکار انتخاب اعضای هیئت مدیره و شرایط لازم برای تصدی این افراد است. لذا ایراد خلاف شرع، در مورد عدم شرط تعهد، وثاقت و امانت‌داری، تنها نسبت به ماده (۱۷) وارد است و نیاز به ذکر آن در ماده (۲۳) نیست؛ چه آنکه در صورت رفع این ایراد از ماده (۱۷)، اشکالی به سایر مواد مرتبط با وظایف هیئت مدیره وجود نخواهد داشت.

ب) واگذاری حق بهره‌برداری در بند (۲) ماده‌ی مزبور، مشمول ادله‌ی عامه‌ی شرعیه‌ی مدّ نظر مراجع تقلید و فقها و همچنین ادله‌ی عامه‌ی قانونی می‌شود. مطابق با ادله عامه‌ی شرعیه، نمی‌توان در نظام اسلامی و انجام امور مسلمین، انجام هر کار - و در این بند حق بهره‌برداری - را به هر کسی واگذار کرد، بلکه طبق این ادله، هر فردی که انجام کاری را بر عهده می‌گیرد (و در اینجا بهره‌برداران از اماکن و محل‌ها و تأسیسات واقع در فرودگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) و شهر فرودگاهی)، شرعاً واجب است که شرایط و صلاحیت‌های لازم از جمله وثاقت، تعهد و امانت‌داری برای آن کار را داشته باشد. ضمن اینکه، ادله‌ی عامه‌ی قانونی در جمهوری اسلامی ایران در خصوص گزینش و احراز صلاحیت اشخاص - از جمله تعهد و وثاقت - برای به‌کارگیری در مسئولیت‌های نظام، که در قوانین و مقررات عمومی مربوط به گزینش و اداری - استخدامی آمده است، بر شرایط واگذاری امور به اشخاص حقیقی و حقوقی نیز حاکم است. لذا ماده‌ی مزبور از این جهت، مغایرتی با موازین شرع ندارد.

ج) هر چند که در بند (۲) ماده‌ی مزبور، اختیار واگذاری حق بهره‌برداری از اماکن و تأسیسات فرودگاه امام خمینی (ره) و شهر فرودگاهی به صورت مطلق و بدون قید «رعایت مقررات و قوانین» در اختیار هیئت مدیره قرار داده شده است، لیکن عدم ذکر این شرط، محملی برای مصوبات و اقدامات خلاف قوانین و مقررات توسط اعضای هیئت مدیره نخواهد بود؛ زیرا شرط «رعایت قوانین و مقررات» از شرایط عامه و مفروض برای اقدامات اشخاص در مناصب مختلف است و این شرط جزء ادله‌ی آمره و الزامی همه‌ی اقدامات و اختیارات مسئولان و تصمیم‌گیرندگان در کشور محسوب می‌شود. بنابراین، اطلاق بند مزبور، از این جهت مغایرتی با موازین شرع نخواهد داشت.

د) وظایف و اختیاراتی که بند (۲۲) ماده‌ی مزبور، به استناد لایحه‌ی قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ برای هیئت مدیره‌ی شرکت شهر فرودگاهی در نظر گرفته است، عمدتاً مربوط به نحوه‌ی اداره و مدیریت شرکت‌ها است که به نظر می‌رسد این موارد، مغایرتی با موازین شرع ندارند. ضمن اینکه تاکنون فقهای شورای نگهبان در بررسی‌های خود، تمام مواد

قانون تجارت را خلاف شرع ندانسته‌اند. بنابراین ارجاع یک مصوبه به مواد یا بخشی از قانون تجارت - که هنوز بررسی عدم مغایرت آن با شرع انجام نگرفته است - نمی‌تواند به معنای وجود قطعی مغایرت شرعی برای آن مصوبه باشد.

نظر شورای نگهبان

تذکر: در بند (۲) ماده (۲۳)، باید قید «با رعایت قوانین و مقررات» ذکر گردد.

ماده ۲۶- مدیرعامل شرکت با حکم رئیس مجمع برای مدت سه سال انتخاب می‌شود و انتخاب مجدد وی بلامانع است. در صورت انقضای مدت مدیریت مدیرعامل، اقدامات وی تا تعیین مدیرعامل جدید حداکثر به مدت سه ماه نافذ و معتبر و قدرت اجرایی خواهد داشت.

تبصره- مدیرعامل شرکت، ریاست هیئت مدیره شرکت را نیز بر عهده دارد.

دیدگاه مغایرت

اشکال وارد بر ماده (۱۷) این اساسنامه بر ماده (۲۶) نیز با همان استدلال ذکر شده در آنجا وارد است. بدین توضیح که عدم ذکر شرایط تعهد، وثاقت و امانت‌داری برای مدیرعامل شرکت، چون زمینه‌ساز تسلط افراد فاقد صلاحیت شرعی بر شرکت شهر فرودگاهی و به تبع، اتخاذ و اجرای تصمیمات خلاف شرع می‌شود، مغایر با موازین شرع است.

نظر شورای نگهبان

تذکر: در مواد (۱۷)، (۳۶) و (۳۰) باید شرایط تعهد، وثاقت و امانت‌داری برای اعضای هیئت مدیره، مدیرعامل و بازرس ذکر گردد.

ماده ۲۸- چک‌ها، اوراق و اسناد بهادار و همچنین قراردادها و اسناد مالی که مستلزم قبول تعهد و یا واگذاری حقی یا امتیازی از طرف شرکت باشد با امضای مدیرعامل و یکی از اعضای هیئت مدیره که بر حسب مورد از طرف هیئت مدیره انتخاب خواهد شد، معتبر می‌باشد و مکاتبات و سایر اوراق مربوط به امور اداری، مالی و پرسنلی و جاری شرکت با امضای مدیرعامل و یا کسانی که از طرف او حق امضا دارند با مهر شرکت انجام می‌شود.

تبصره- استفاده از حساب‌های بانکی به امضای یکی از افراد موضوع این ماده و ذی حساب خواهد رسید.

دیدگاه مغایرت

طبق اصل (۱۵) قانون اساسی، اسناد، مکاتبات و متون رسمی کشور - از جمله قوانین و مقررات- باید به زبان فارسی نگارش یابد. از این رو، ذکر واژه‌ی غیرفارسی «پرسنلی» در ماده مزبور، مغایر با اصل (۱۵) قانون اساسی است و باید معادل فارسی این واژه، یعنی «کارگزینی» جایگزین آن شود تا مغایرتی با اصل مزبور نداشته باشد.

نظر شورای نگهبان

واژه‌های ... و «پرسنلی» در ماده (۲۸)، از حیث عدم ذکر معادل فارسی آن، مغایر اصل (۱۵) قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۳۰- شرکت دارای بازرس قانونی (حسابرس) است که با تصویب مجمع عمومی برای مدت یک سال انتخاب خواهد شد و تا زمانی که جانشین وی انتخاب نشده است به وظایف خود ادامه خواهد داد.
تبصره- اقدامات بازرس در اجرای وظایف خود نباید مانع جریان کارهای عادی شرکت شود.

دیدگاه مغایرت

ماده (۳۰) نیز همان اشکال وارد بر ماده (۱۷) این اساسنامه را با همان استدلال مطرح شده در آنجا دارد. بدین توضیح که عدم ذکر شرایط تعهد، وثاقت و امانت‌داری برای بازرس شرکت در این ماده، چون زمینه‌ساز تسلط افراد فاقد صلاحیت شرعی بر شرکت شهر فرودگاهی و به تبع، اتخاذ و اجرای تصمیمات خلاف شرع می‌شود، مغایر با موازین شرع است.

نظر شورای نگهبان

تذکر: در مواد (۱۷)، (۳۶) و (۳۰) باید شرایط تعهد، وثاقت و امانت‌داری برای اعضای هیئت مدیره، مدیرعامل و بازرس ذکر گردد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۱/۲۴ (مرحله دوم)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۲/۱۰

فصل اول- تعاریف و کلیات

ماده ۱- اصطلاحات زیر در این اساسنامه در معانی مشروح مربوط به کار می‌روند:

الف- ...

و- عوامل پروازی: باند پرواز، مسیرهای خزش (تاکسی وی)، توقفگاه هواپیما، تجهیزات روشنایی و کمک ناوبری.

ز- ...

ماده ۹- وظایف و اختیارات شرکت عبارتست از:

۱- ...

۲- ارائه خدمات هوانوردی از جمله نصب، نگهداری و بهره‌برداری از سامانه‌های ارتباطی، کمک ناوبری، راداری و سایر تجهیزات در امور هوانوردی، خدمات و کنترل نشست و برخاست وسایل پرنده در محدوده فرودگاه و تأمین تجهیزات مرتبط، خدمات امداد و نجات و آتش‌نشانی فرودگاهی با رعایت قوانین و مقررات مرتبط و ارائه خدمات فرودگاهی از جمله نگهداری و بهره‌برداری از پایانه‌های بار و مسافر و تجهیزات مرتبط، خدمات پشتیبانی مربوط به هواپیما، توقفگاه مراجعین فرودگاه، خدمات زمینی فرودگاهی (هندلینگ)، آشیانه، خدمات پذیرایی (کترینگ)، مراکز اقامتی و پذیرایی، سوخت‌رسانی به هواپیما و امور حفاظت از فرودگاه و هواپیماها، مراکز تجاری و توقفگاه‌ها و تمامی مستحقات.

دیدگاه عدم مغایرت

مجلس شورای اسلامی در اصلاحیه‌ی خود، واژه‌ی «توقفگاه» را جایگزین واژه‌ی «پارکینگ» کرده است و در نتیجه، ایراد پیشین شورای نگهبان مبنی بر مغایرت استعمال لفظ غیر فارسی «پارکینگ» با اصل (۱۵) قانون اساسی، برطرف شده است.

نظر شورای نگهبان

ماده‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۱۴- مجمع عمومی عادی و مجمع عمومی فوق‌العاده با حضور اکثریت اعضا

رسمی است و تصمیمات آنها با اکثریت آرای اعضای حاضر معتبر است.

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به اینکه در ماده (۱۴) اساسنامه، تصمیمات مجامع عمومی عادی و فوق‌العاده منوط به اکثریت آرای اعضای حاضر شده است، اشکال (= تذکر) سابق شورا مبنی بر لزوم اصلاح عبارتی ماده (۱۴) و رفع ابهام از عبارت «دو سوم آرای موافق اعضای حاضر»، برطرف شده است.

نظر شورای نگهبان

ماده (۱۴)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۱۵- وظایف مجمع عمومی عادی به شرح زیر است:

۱- ...

۱۱- اتخاذ تصمیم در خصوص پیشنهادهای هیئت مدیره مربوط به انعقاد هرگونه قراردادهای مشارکت و خرید و فروش سهام شرکت‌های دیگر که مرتبط با فعالیت شرکت باشد و امکان استفاده از اعتبارات و تسهیلات مالی خارجی در چارچوب قوانین مربوط

۱۲- ...

دیدگاه عدم مغایرت

مجلس شورای اسلامی در اصلاحیه‌ی خود، واژه‌ی «تسهیلات مالی خارجی» را جایگزین واژه‌ی بیگانه‌ی «فاینانس» کرد و در نتیجه، ایراد پیشین شورای نگهبان مبنی بر مغایرت استعمال لفظ غیر فارسی «فاینانس» با اصل (۱۵) قانون اساسی، برطرف شده است.

نظر شورای نگهبان

ماده (۱۵)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۱۷- هیئت مدیره متشکل از پنج عضو است که حداقل سه نفر از آنان موظف می‌باشند که به پیشنهاد رئیس مجمع و تصویب مجمع از بین افراد متعهد، مورد وثوق و امانت‌دار صاحب‌نظر در حوزه‌های مرتبط، به مدت سه سال انتخاب می‌شوند. از بین پنج عضو یادشده، باید دو عضو در حوزه‌های مرتبط با هوانوردی و یا امور فرودگاهی و سه عضو دیگر در حوزه‌های مرتبط با امور بازرگانی یا مالی یا برنامه‌ریزی یا حقوقی دارای

تخصص و حداقل (۵) سال سابقه فعالیت مفید باشند. اعضای هیئت مدیره پس از انقضای مدت یادشده، تا زمانی که تجدید انتخاب به عمل نیامده است، در سمت خود باقی خواهند بود و انتخاب مجدد آنها برای دوره‌های بعد بلامانع است.

دیدگاه عدم مغایرت

مجلس شورای اسلامی، به ماده‌ی مزبور، عبارت «تعهد، مورد وثوق و امانت‌دار» را به عنوان شرایط عمومی اعضای هیئت مدیره اضافه کرده است. در نتیجه ایراد پیشین شورای نگهبان نسبت به اطلاق شرایط ذکر شده برای اعضای هیئت مدیره و عدم ذکر قیود «تعهد، امانت‌داری و وثاقت» برای این افراد برطرف شده است.

نظر شورای نگهبان

ماده (۱۷)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۲۳- وظایف و اختیارات هیئت مدیره به شرح زیر تعیین می‌شود:

۱- اجرای تصمیمات مجمع عمومی

۲- واگذاری حق بهره‌برداری از اماکن و محل‌ها و تأسیسات واقع در فرودگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) و شهر فرودگاهی اعم از منطقه آزاد تجاری و ویژه اقتصادی و سایر مناطق شامل اراضی، ساختمان و تأسیسات که واگذاری حق بهره‌برداری از آنها لطمه‌ای به امر بی‌خطری پرواز وارد نسازد و مانعی در انجام امور و فعالیت‌های فنی و اداری فرودگاه ایجاد ننماید، با رعایت قوانین و مقررات مربوط و متناسب با موضوع و طبیعت کار به اشخاص حقیقی یا حقوقی حداکثر تا سی سال در قبال دریافت بهای مناسب.

۳- ...

دیدگاه عدم مغایرت

مجلس شورای اسلامی با اصلاح ماده‌ی مزبور و اضافه کردن عبارت «با رعایت قوانین و مقررات مربوط»، اشکال پیشین شورای نگهبان مبنی بر عدم تقیید اختیار هیئت مدیره در واگذاری حق بهره‌برداری از اماکن و محل‌ها و تأسیسات واقع در فرودگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) و شهر فرودگاهی به «رعایت قوانین و مقررات» برطرف شده است؛ زیرا با ذکر این قید، زمینه‌ی واگذاری حق بهره‌برداری از این اماکن و محل‌ها به دیگران از سوی هیئت مدیره، بدون رعایت قوانین و مقررات مربوط از بین رفته است.

نظر شورای نگهبان

ماده (۲۳)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۲۶- مدیرعامل شرکت از بین افراد متعهد، مورد وثوق و امانت‌دار با حکم رئیس مجمع برای مدت سه سال انتخاب می‌شود و انتخاب مجدد وی بلامانع است. در صورت انقضای مدت مدیریت مدیرعامل، اقدامات وی تا تعیین مدیرعامل جدید حداکثر به مدت سه ماه نافذ و معتبر است و قدرت اجرایی خواهد داشت.

تبصره- مدیرعامل شرکت ریاست هیئت مدیره شرکت را نیز بر عهده دارد.

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به اضافه شدن قیود «متعهد، مورد وثوق و امانت‌دار» به عنوان شرایط عمومی انتخاب مدیرعامل در ماده‌ی (۲۶) اصلاحی، ایراد پیشین شورای نگهبان نسبت به اطلاق شرایط تصدی پست مدیرعامل و عدم تقیید آن به شرایط شرعی لازم برای تصدی سمت‌های عمومی برطرف شده است.

نظر شورای نگهبان

ماده (۲۶)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۲۸- چک‌ها، اوراق و اسناد بهادار و همچنین قراردادهای و اسناد مالی که مستلزم قبول تعهد و یا واگذاری حقی یا امتیازی از طرف شرکت باشد با امضای مدیرعامل و یکی از اعضای هیئت مدیره که بر حسب مورد از طرف هیئت مدیره انتخاب خواهد شد، معتبر می‌باشد و مکاتبات و سایر اوراق مربوط به امور اداری، مالی و کارکنان و جاری شرکت با امضای مدیرعامل و یا کسانی که از طرف او حق امضا دارند با مهر شرکت انجام می‌شود.

تبصره- استفاده از حساب‌های بانکی به امضای یکی از افراد موضوع این ماده و ذی حساب خواهد رسید.

دیدگاه عدم مغایرت

مجلس شورای اسلامی در اصلاحیه‌ی خود، واژه‌ی «کارکنان» را جایگزین واژه‌ی بیگانه‌ی

«پرسنلی» کرده است که در نتیجه، ایراد پیشین شورای نگهبان مبنی بر مغایرت استعمال این لفظ غیر فارسی با اصل (۱۵) قانون اساسی، برطرف شده است

نظر شورای نگهبان

ماده (۲۸)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۳۰- شرکت دارای بازرس قانونی (حسابرس) است که با تصویب مجمع عمومی از بین افراد متعهد، مورد وثوق و امانت‌دار برای مدت یک سال انتخاب خواهد شد و تا زمانی که جانشین وی انتخاب نشده است به انجام وظایف خود ادامه خواهد داد. تبصره- اقدامات بازرس در اجرای وظایف خود نباید مانع جریان کارهای عادی شرکت شود.

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به اضافه شدن عبارت «متعهد، مورد وثوق و امانت‌دار» به عنوان شرایط عمومی انتخاب بازرس قانونی شرکت شهر فرودگاهی امام خمینی (ره) در ماده (۳۰) اصلاحی، ایراد پیشین شورای نگهبان نسبت به امکان تصدی افراد غیر واجد شرایط بر امور شرکت برطرف شده است. همچنین اضافه شدن کلمه‌ی «انجام» در ماده (۳۰) اصلاحی، ایرادی از جهت مغایرت با قانون اساسی و موازین شرع ایجاد نمی‌کند.

نظر شورای نگهبان

ماده (۳۰)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه هیئت وزیران در خصوص اساسنامه شرکت شهر فرودگاهی امام خمینی (ره)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

اساسنامه شرکت عمران شهر جدید تیس

مصوب ۱۳۹۳/۲/۳

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد تبصره (۵) ماده (۱۱) قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶، «اساسنامه شرکت عمران شهر جدید تیس» را بنا به پیشنهاد وزارت راه و شهرسازی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۲/۳ هیئت وزیران به تصویب رساند. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۴۸۰۳۶/۲۳۶۰۶ مورخ ۱۳۹۳/۳/۴ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۴، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۳۰۹ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ به هیئت وزیران اعلام کرد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۲/۳

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۴/۴

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۲/۳ به پیشنهاد شماره ۶۲۱۶۱/۱۰۰/۰۲ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۵ وزارت راه و شهرسازی و به استناد تبصره (۵) ماده (۱۱) قانون زمین شهری - مصوب ۱۳۶۶-^(۱) اساسنامه شرکت عمران شهر جدید تیس را به شرح زیر تصویب کرد:

فصل اول: کلیات

ماده ۱- شرکت عمران شهر جدید تیس که در این اساسنامه به اختصار شرکت نامیده می‌شود، شرکتی سهامی و دولتی و زیرمجموعه شرکت عمران شهرهای جدید

۱. تبصره (۵) ماده (۱۱) قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶/۶/۲۲: «ماده ۱۱- وزارت مسکن و شهرسازی موظف است بر اساس سیاست عمومی کشور طبق آیین‌نامه اجرایی نسبت به آماده‌سازی یا عمران و واگذاری زمین‌های خود مطابق طرح‌های مصوب قانونی اقدام کند.

تبصره ۱- ...

تبصره ۵- وزارت مسکن و شهرسازی در جهت اجرای مفاد این ماده و ایجاد شهرها و شهرک‌ها با رعایت ضوابط و مقررات مربوطه می‌تواند نسبت به تشکیل شرکت‌های عمرانی و ساختمانی رأساً و یا با مشارکت بخش غیر دولتی اقدام نماید. اساسنامه این قبیل شرکت‌ها به پیشنهاد وزارت مذکور به تصویب هیئت دولت خواهد رسید.»

(مادر تخصصی) و دارای شخصیت حقوقی مستقل است و بر اساس مفاد این اساسنامه و قوانین و مقررات مربوط فعالیت می‌نماید.

ماده ۲- ...

فصل سوم: ارکان شرکت

ماده ۶- ارکان شرکت به شرح زیر است:

الف- مجمع عمومی

ب- هیئت مدیره و مدیرعامل

ج- بازرس (حسابرس)

ماده ۷- ...

دیدگاه مغایرت

از نظر شرعی، تصدی مناصبی همچون هیئت مدیره و مدیرعامل منوط به مورد وثوق بودن شخص است، حال آنکه در این مصوبه تصدی منصب هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت منوط به شرط وثاقت و احراز آن نشده است. از این رو، اطلاق این مصوبه از این جهت، مغایر با موازین شرعی است.

دیدگاه عدم مغایرت

اگرچه در این مصوبه به لزوم وثاقت اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل تصریح نشده است، لیکن با توجه به اینکه طبق ماده (۱) این مصوبه، شرکت عمران شهر جدید تیس، دولتی محسوب می‌شود و طبق قانون، از کسانی که متقاضی تصدی مناصب دولتی می‌شوند، گزینش به عمل می‌آید و یکی از شرایط گزینش، مورد وثوق بودن افراد متقاضی است، نیازی به ذکر مجدد این شرط در این مصوبه برای هیئت مدیره و مدیرعامل این شرکت نبوده است. از این رو، از آنجا که شرط وثاقت برای تصدی منصب هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت مذکور امری مفروض و مفروع^۱ عنه است، عدم ذکر شرط وثاقت در این مصوبه با اشکالی مواجه نیست.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه هیئت وزیران در خصوص اساسنامه شرکت عمران شهر جدید تیس، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

اساسنامه شرکت عمران شهر جدید بهارستان

مصوب ۱۳۹۳/۲/۳

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد تبصره (۵) ماده (۱۱) قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶، «اساسنامه شرکت عمران شهر جدید بهارستان» را بنا به پیشنهاد وزارت راه و شهرسازی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۲/۳ هیئت وزیران به تصویب رساند. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۴۸۰۳۶/۲۳۵۹۶ مورخ ۱۳۹۳/۳/۴ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۴، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۳۰۸ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ به هیئت وزیران اعلام کرد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۲/۳

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۴/۴

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۲/۳ به پیشنهاد شماره ۶۲۱۶۱/۱۰۰/۰۲ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۵ وزارت راه و شهرسازی و به استناد تبصره (۵) ماده (۱۱) قانون زمین شهری - مصوب ۱۳۶۶-^(۱) اساسنامه شرکت عمران شهر جدید بهارستان را به شرح زیر تصویب کرد:

فصل اول: کلیات

ماده ۱- شرکت عمران شهر جدید بهارستان که در این اساسنامه به اختصار شرکت نامیده می‌شود، شرکتی سهامی و دولتی و زیرمجموعه شرکت عمران شهرهای جدید

۱. تبصره (۵) ماده (۱۱) قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶/۶/۲۲: «ماده ۱۱- وزارت مسکن و شهرسازی موظف است بر اساس سیاست عمومی کشور طبق آیین‌نامه اجرایی نسبت به آماده‌سازی یا عمران و واگذاری زمین‌های خود مطابق طرح‌های مصوب قانونی اقدام کند.

تبصره ۱- ...

تبصره ۵- وزارت مسکن و شهرسازی در جهت اجرای مفاد این ماده و ایجاد شهرها و شهرک‌ها با رعایت ضوابط و مقررات مربوطه می‌تواند نسبت به تشکیل شرکت‌های عمرانی و ساختمانی رأساً و یا با مشارکت بخش غیر دولتی اقدام نماید. اساسنامه این قبیل شرکت‌ها به پیشنهاد وزارت مذکور به تصویب هیئت دولت خواهد رسید.»

(مادر تخصصی) و دارای شخصیت حقوقی مستقل است و بر اساس مفاد این اساسنامه و

قوانین و مقررات مربوط فعالیت می نماید.

ماده ۲- ...

فصل سوم: ارکان شرکت

ماده ۶- ارکان شرکت به شرح زیر است:

الف- مجمع عمومی

ب- هیئت مدیره و مدیرعامل

ج- بازرس (حسابرس)

ماده ۷- ...

دیدگاه مغایرت

از نظر شرعی، تصدی مناصبی همچون هیئت مدیره و مدیرعامل منوط به مورد وثوق بودن شخص است، حال آنکه در این مصوبه تصدی منصب هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت منوط به شرط وثاقت و احراز آن نشده است. از این رو، اطلاق این مصوبه از این جهت، مغایر با موازین شرعی است.

دیدگاه عدم مغایرت

اگرچه در این مصوبه به لزوم وثاقت اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل تصریح نشده است، لیکن با توجه به اینکه طبق ماده (۱) این مصوبه، شرکت عمران شهر جدید بهارستان، دولتی محسوب می شود و طبق قانون، از کسانی که متقاضی تصدی مناصب دولتی می شوند، گزینش به عمل می آید و یکی از شرایط گزینش، مورد وثوق بودن افراد متقاضی است، نیازی به ذکر مجدد این شرط در این مصوبه برای هیئت مدیره و مدیرعامل این شرکت نبوده است. از آنجا که شرط وثاقت برای تصدی منصب هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت مذکور امری مفروض و مفروغ عنه است، عدم ذکر شرط وثاقت در این مصوبه با اشکالی مواجه نیست.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه هیئت وزیران در خصوص اساسنامه شرکت عمران شهر جدید بهارستان، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

اساسنامه شرکت عمران شهر جدید مجلسی

مصوب ۱۳۹۳/۲/۳

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد تبصره (۵) ماده (۱۱) قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶، «اساسنامه شرکت عمران شهر جدید مجلسی» را بنا به پیشنهاد وزارت راه و شهرسازی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۲/۳ هیئت وزیران به تصویب رساند. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۴۸۰۳۶/۲۳۵۹۵ مورخ ۱۳۹۳/۳/۴ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۴، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۳۱۰ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ به هیئت وزیران اعلام کرد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۲/۳

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۴/۴

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۲/۳ به پیشنهاد شماره ۶۲۱۶۱/۱۰۰/۰۲ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۵ وزارت راه و شهرسازی و به استناد تبصره (۵) ماده (۱۱) قانون زمین شهری - مصوب ۱۳۶۶-^(۱) اساسنامه شرکت عمران شهر جدید مجلسی را به شرح زیر تصویب کرد:

فصل اول: کلیات

ماده ۱- شرکت عمران شهر جدید مجلسی که در این اساسنامه به اختصار شرکت نامیده می‌شود، شرکتی سهامی و دولتی و زیرمجموعه شرکت عمران شهرهای جدید

۱. تبصره (۵) ماده (۱۱) قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶/۶/۲۲: «ماده ۱۱- وزارت مسکن و شهرسازی موظف است بر اساس سیاست عمومی کشور طبق آیین‌نامه اجرایی نسبت به آماده‌سازی یا عمران و واگذاری زمین‌های خود مطابق طرح‌های مصوب قانونی اقدام کند.

تبصره ۱- ...

تبصره ۵- وزارت مسکن و شهرسازی در جهت اجرای مفاد این ماده و ایجاد شهرها و شهرک‌ها با رعایت ضوابط و مقررات مربوطه می‌تواند نسبت به تشکیل شرکت‌های عمرانی و ساختمانی رأساً و یا با مشارکت بخش غیر دولتی اقدام نماید. اساسنامه این قبیل شرکت‌ها به پیشنهاد وزارت مذکور به تصویب هیئت دولت خواهد رسید.»

(مادر تخصصی) و دارای شخصیت حقوقی مستقل است و بر اساس مفاد این اساسنامه و قوانین و مقررات مربوط فعالیت می نماید.

ماده ۲- ...

فصل سوم: ارکان شرکت

ماده ۶- ارکان شرکت به شرح زیر است:

الف- مجمع عمومی

ب- هیئت مدیره و مدیرعامل

ج- بازرس (حسابرس)

ماده ۷- ...

دیدگاه مغایرت

از نظر شرعی، تصدی مناصبی همچون هیئت مدیره و مدیرعامل منوط به مورد وثوق بودن شخص است، حال آنکه در این مصوبه تصدی منصب هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت منوط به شرط وثاقت و احراز آن نشده است. از این رو، اطلاق این مصوبه از این جهت، مغایر با موازین شرعی است.

دیدگاه عدم مغایرت

اگرچه در این مصوبه به لزوم وثاقت اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل تصریح نشده است، لیکن با توجه به اینکه طبق ماده (۱) این مصوبه، شرکت عمران شهر جدید مجلسی، دولتی محسوب می شود و طبق قانون، از کسانی که متقاضی تصدی مناصب دولتی می شوند، گزینش به عمل می آید و یکی از شرایط گزینش، مورد وثوق بودن افراد متقاضی است، نیازی به ذکر مجدد این شرط در این مصوبه برای هیئت مدیره و مدیرعامل آن شرکت نبوده است. از این رو، از آنجا که شرط وثاقت برای تصدی منصب هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت مذکور امری مفروض و مفروغ عنه است، عدم ذکر شرط وثاقت در این مصوبه با اشکالی مواجه نیست.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه هیئت وزیران در خصوص اساسنامه شرکت عمران شهر جدید مجلسی، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

اساسنامه شرکت عمران شهر جدید فولادشهر

مصوب ۱۳۹۳/۲/۳

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد تبصره (۵) ماده (۱۱) قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶، «اساسنامه شرکت عمران شهر جدید فولادشهر» را بنا به پیشنهاد وزارت راه و شهرسازی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۲/۳ هیئت وزیران به تصویب رساند. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۴۸۰۳۶/۲۳۵۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۳/۴ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۴، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۳۱۱ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ به هیئت وزیران اعلام کرد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۲/۳

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۴/۴

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۲/۳ به پیشنهاد شماره ۶۲۱۶۱/۱۰۰/۰۲ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۵ وزارت راه و شهرسازی و به استناد تبصره (۵) ماده (۱۱) قانون زمین شهری - مصوب ۱۳۶۶-^(۱) اساسنامه شرکت عمران شهر جدید فولادشهر را به شرح زیر تصویب کرد:

فصل اول: کلیات

ماده ۱- شرکت عمران شهر جدید فولادشهر که در این اساسنامه به اختصار شرکت

۱. تبصره (۵) ماده (۱۱) قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶/۶/۲۲: «ماده ۱۱- وزارت مسکن و شهرسازی موظف است بر اساس سیاست عمومی کشور طبق آیین‌نامه اجرایی نسبت به آماده‌سازی یا عمران و واگذاری زمین‌های خود مطابق طرح‌های مصوب قانونی اقدام کند.

تبصره ۱- ...

تبصره ۵- وزارت مسکن و شهرسازی در جهت اجرای مفاد این ماده و ایجاد شهرها و شهرک‌ها با رعایت ضوابط و مقررات مربوطه می‌تواند نسبت به تشکیل شرکت‌های عمرانی و ساختمانی رأساً و یا با مشارکت بخش غیر دولتی اقدام نماید. اساسنامه این قبیل شرکت‌ها به پیشنهاد وزارت مذکور به تصویب هیئت دولت خواهد رسید.»

نامیده می‌شود، شرکتی سهامی و دولتی و زیرمجموعه شرکت عمران شهرهای جدید (مادر تخصصی) و دارای شخصیت حقوقی مستقل است و بر اساس مفاد این اساسنامه و قوانین و مقررات مربوط فعالیت می‌نماید.

ماده ۲- ...

فصل سوم: ارکان شرکت

ماده ۶- ارکان شرکت به شرح زیر است:

الف- مجمع عمومی

ب- هیئت مدیره و مدیرعامل

ج- بازرس (حسابرس)

ماده ۷- ...

دیدگاه مغایرت

از نظر شرعی، تصدی مناصبی همچون هیئت مدیره و مدیرعامل منوط به مورد وثوق بودن شخص است، حال آنکه در این مصوبه تصدی منصب هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت منوط به شرط وثاقت و احراز آن نشده است. از این رو، اطلاق این مصوبه از این جهت، مغایر با موازین شرعی است.

دیدگاه عدم مغایرت

اگرچه در این مصوبه به لزوم وثاقت اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل تصریح نشده است، لیکن با توجه به اینکه طبق ماده (۱) این مصوبه، شرکت عمران شهر جدید فولادشهر، دولتی محسوب می‌شود و طبق قانون، از کسانی که متقاضی تصدی مناصب دولتی می‌شوند، گزینش به عمل می‌آید و یکی از شرایط گزینش، مورد وثوق بودن افراد متقاضی است، نیازی به ذکر مجدد این شرط در این مصوبه برای هیئت مدیره و مدیرعامل آن شرکت نبوده است. از این رو، از آنجا که شرط وثاقت برای تصدی منصب هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت مذکور امری مفروض و مفروغ عنه است، عدم ذکر شرط وثاقت در این مصوبه با اشکالی مواجه نیست.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه هیئت وزیران در خصوص اساسنامه شرکت عمران شهر جدید فولادشهر، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

اساسنامه شرکت عمران شهر جدید علوی

مصوب ۱۳۹۳/۳/۲

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد تبصره (۵) ماده (۱۱) قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶، «اساسنامه شرکت عمران شهر جدید علوی» را بنا به پیشنهاد وزارت راه و شهرسازی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۲/۳ هیئت وزیران به تصویب رساند. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۴۸۰۳۶/۲۳۵۹۱ مورخ ۱۳۹۳/۳/۴ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۴، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۳۱۲ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ به هیئت وزیران اعلام کرد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۲/۳

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۴/۴

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۲/۳ به پیشنهاد شماره ۶۲۱۶۱/۱۰۰/۰۲ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۵ وزارت راه و شهرسازی و به استناد تبصره (۵) ماده (۱۱) قانون زمین شهری - مصوب ۱۳۶۶-^(۱) اساسنامه شرکت عمران شهر جدید علوی را به شرح زیر تصویب کرد:

فصل اول: کلیات

ماده ۱- شرکت عمران شهر جدید علوی که در این اساسنامه به اختصار شرکت نامیده می‌شود، شرکتی سهامی و دولتی و زیرمجموعه شرکت عمران شهرهای جدید

۱. تبصره (۵) ماده (۱۱) قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶/۶/۲۲: «ماده ۱۱- وزارت مسکن و شهرسازی موظف است بر اساس سیاست عمومی کشور طبق آیین‌نامه اجرایی نسبت به آماده‌سازی یا عمران و واگذاری زمین‌های خود مطابق طرح‌های مصوب قانونی اقدام کند.

تبصره ۱- ...

تبصره ۵- وزارت مسکن و شهرسازی در جهت اجرای مفاد این ماده و ایجاد شهرها و شهرک‌ها با رعایت ضوابط و مقررات مربوطه می‌تواند نسبت به تشکیل شرکت‌های عمرانی و ساختمانی رأساً و یا با مشارکت بخش غیر دولتی اقدام نماید. اساسنامه این قبیل شرکت‌ها به پیشنهاد وزارت مذکور به تصویب هیئت دولت خواهد رسید.»

(مادر تخصصی) و دارای شخصیت حقوقی مستقل است و بر اساس مفاد این اساسنامه و قوانین و مقررات مربوط فعالیت می‌نماید.

ماده ۲- ...

فصل سوم: ارکان شرکت

ماده ۶- ارکان شرکت به شرح زیر است:

الف- مجمع عمومی

ب- هیئت مدیره و مدیرعامل

ج- بازرس (حسابرس)

ماده ۷- ...

دیدگاه مغایرت

از نظر شرعی، تصدی مناصبی همچون هیئت مدیره و مدیرعامل منوط به مورد وثوق بودن شخص است، حال آنکه در این مصوبه تصدی منصب هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت منوط به شرط وثاقت و احراز آن نشده است. از این رو، اطلاق این مصوبه از این جهت، مغایر با موازین شرعی است.

دیدگاه عدم مغایرت

اگرچه در این مصوبه به لزوم وثاقت اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل تصریح نشده است، لیکن با توجه به اینکه طبق ماده (۱) این مصوبه، شرکت عمران شهر جدید علوی، دولتی محسوب می‌شود و طبق قانون، از کسانی که متقاضی تصدی مناصب دولتی می‌شوند، گزینش به عمل می‌آید و یکی از شرایط گزینش، مورد وثوق بودن افراد متقاضی است، نیازی به ذکر مجدد این شرط در این مصوبه برای هیئت مدیره و مدیرعامل آن شرکت نبوده است. از این رو، از آنجا که شرط وثاقت برای تصدی منصب هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت مذکور امری مفروض و مفروع^۱ عنه است، عدم ذکر شرط وثاقت در این مصوبه با اشکالی مواجه نیست.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه هیئت وزیران در خصوص اساسنامه شرکت عمران شهر جدید علوی، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

اساسنامه شرکت عمران شهر جدید صدرا

مصوب ۱۳۹۳/۲/۳

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد تبصره (۵) ماده (۱۱) قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶، «اساسنامه شرکت عمران شهر جدید صدرا» را بنا به پیشنهاد وزارت راه و شهرسازی در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۲/۳ هیئت وزیران به تصویب رساند. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۴۸۰۳۶/۲۳۵۸۹ مورخ ۱۳۹۳/۳/۴ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۴/۴، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۳۱۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ به هیئت وزیران اعلام کرد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۲/۳

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۴/۴

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۲/۳ به پیشنهاد شماره ۶۲۱۶۱/۱۰۰/۰۲ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۵ وزارت راه و شهرسازی و به استناد تبصره (۵) ماده (۱۱) قانون زمین شهری - مصوب ۱۳۶۶-^(۱) اساسنامه شرکت عمران شهر جدید صدرا را به شرح زیر تصویب کرد:

فصل اول: کلیات

ماده ۱- شرکت عمران شهر جدید صدرا که در این اساسنامه به اختصار شرکت نامیده می‌شود، شرکتی سهامی و دولتی و زیرمجموعه شرکت عمران شهرهای جدید

۱. تبصره (۵) ماده (۱۱) قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶/۶/۲۲: «ماده ۱۱- وزارت مسکن و شهرسازی موظف است بر اساس سیاست عمومی کشور طبق آیین‌نامه اجرایی نسبت به آماده‌سازی یا عمران و واگذاری زمین‌های خود مطابق طرح‌های مصوب قانونی اقدام کند.

تبصره ۱- ...

تبصره ۵- وزارت مسکن و شهرسازی در جهت اجرای مفاد این ماده و ایجاد شهرها و شهرک‌ها با رعایت ضوابط و مقررات مربوطه می‌تواند نسبت به تشکیل شرکت‌های عمرانی و ساختمانی رأساً و یا با مشارکت بخش غیر دولتی اقدام نماید. اساسنامه این قبیل شرکت‌ها به پیشنهاد وزارت مذکور به تصویب هیئت دولت خواهد رسید.»

(مادر تخصصی) و دارای شخصیت حقوقی مستقل است و بر اساس مفاد این اساسنامه و قوانین و مقررات مربوط فعالیت می‌نماید.
ماده ۲- ...

فصل سوم: ارکان شرکت
ماده ۶- ارکان شرکت به شرح زیر است:
الف- مجمع عمومی
ب- هیئت مدیره و مدیرعامل
ج- بازرس (حسابرس)
ماده ۷- ...

دیدگاه مغایرت

از نظر شرعی، تصدی مناصبی همچون هیئت مدیره و مدیرعامل منوط به مورد وثوق بودن شخص است، حال آنکه در این مصوبه تصدی منصب هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت منوط به شرط وثاقت و احراز آن نشده است. از این رو، اطلاق این مصوبه از این جهت، مغایر با موازین شرعی است.

دیدگاه عدم مغایرت

اگرچه در این مصوبه به لزوم وثاقت اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل تصریح نشده است، لیکن با توجه به اینکه طبق ماده (۱) این مصوبه، شرکت عمران شهر جدید صدرا، دولتی محسوب می‌شود و طبق قانون، از کسانی که متقاضی تصدی مناصب دولتی می‌شوند، گزینش به عمل می‌آید و یکی از شرایط گزینش، مورد وثوق بودن افراد متقاضی است، نیازی به ذکر مجدد این شرط در این مصوبه برای هیئت مدیره و مدیرعامل آن شرکت نبوده است. از این رو، از آنجا که شرط وثاقت برای تصدی منصب هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت مذکور امری مفروض و مفروع^۱ عنه است، عدم ذکر شرط وثاقت در این مصوبه با اشکالی مواجه نیست.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه هیئت وزیران در خصوص اساسنامه شرکت عمران شهر جدید صدرا، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

اساسنامه شرکت عمران شهر جدید رامین

مصوب ۱۳۹۳/۲/۳

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد تبصره (۵) ماده (۱۱) قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶، «اساسنامه شرکت عمران شهر جدید رامین» را بنا به پیشنهاد وزارت راه و شهرسازی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۲/۳ هیئت وزیران به تصویب رساند. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۴۸۰۳۶/۲۳۵۸۵ مورخ ۱۳۹۳/۳/۴ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۴، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۳۱۳ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ به هیئت وزیران اعلام کرد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۲/۳

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۴/۴

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۲/۳ به پیشنهاد شماره ۶۲۱۶۱/۱۰۰/۰۲ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۵ وزارت راه و شهرسازی و به استناد تبصره (۵) ماده (۱۱) قانون زمین شهری - مصوب ۱۳۶۶-^(۱) اساسنامه شرکت عمران شهر جدید رامین را به شرح زیر تصویب کرد:

فصل اول: کلیات

ماده ۱- شرکت عمران شهر جدید رامین که در این اساسنامه به اختصار شرکت نامیده می‌شود، شرکتی سهامی و دولتی و زیرمجموعه شرکت عمران شهرهای جدید

۱. تبصره (۵) ماده (۱۱) قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶/۶/۲۲: «ماده ۱۱- وزارت مسکن و شهرسازی موظف است بر اساس سیاست عمومی کشور طبق آیین‌نامه اجرایی نسبت به آماده‌سازی یا عمران و واگذاری زمین‌های خود مطابق طرح‌های مصوب قانونی اقدام کند.

تبصره ۱- ...

تبصره ۵- وزارت مسکن و شهرسازی در جهت اجرای مفاد این ماده و ایجاد شهرها و شهرک‌ها با رعایت ضوابط و مقررات مربوطه می‌تواند نسبت به تشکیل شرکت‌های عمرانی و ساختمانی رأساً و یا با مشارکت بخش غیر دولتی اقدام نماید. اساسنامه این قبیل شرکت‌ها به پیشنهاد وزارت مذکور به تصویب هیئت دولت خواهد رسید.»

(مادر تخصصی) و دارای شخصیت حقوقی مستقل است و بر اساس مفاد این اساسنامه و قوانین و مقررات مربوط فعالیت می‌نماید.

ماده ۲- ...

فصل سوم: ارکان شرکت

ماده ۶- ارکان شرکت به شرح زیر است:

الف- مجمع عمومی

ب- هیئت مدیره و مدیرعامل

ج- بازرس (حسابرس)

ماده ۷- ...

دیدگاه مغایرت

از نظر شرعی، تصدی مناصبی همچون هیئت مدیره و مدیرعامل منوط به مورد وثوق بودن شخص است، حال آنکه در این مصوبه تصدی منصب هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت منوط به شرط وثاقت و احراز آن نشده است. از این رو، اطلاق این مصوبه از این جهت، مغایر با موازین شرعی است.

دیدگاه عدم مغایرت

اگرچه در این مصوبه به لزوم وثاقت اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل تصریح نشده است، لیکن با توجه به اینکه طبق ماده (۱) این مصوبه، شرکت عمران شهر جدید رامین، دولتی محسوب می‌شود و طبق قانون، از کسانی که متقاضی تصدی مناصب دولتی می‌شوند، گزینش به عمل می‌آید و یکی از شرایط گزینش، مورد وثوق بودن افراد متقاضی است، نیازی به ذکر مجدد این شرط در این مصوبه برای هیئت مدیره و مدیرعامل این شرکت نبوده است. از این رو، از آنجا که شرط وثاقت برای تصدی منصب هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت مذکور امری مفروض و مفروع^۱ عنه است، عدم ذکر شرط وثاقت در این مصوبه با اشکالی مواجه نیست.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه هیئت وزیران در خصوص اساسنامه شرکت عمران شهر جدید رامین، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

اساسنامه شرکت عمران شهر جدید بینالود

مصوب ۱۳۹۳/۲/۳

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد تبصره (۵) ماده (۱۱) قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶، «اساسنامه شرکت عمران شهر جدید بینالود» را بنا به پیشنهاد وزارت راه و شهرسازی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۲/۳ هیئت وزیران به تصویب رساند. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۴۸۰۳۶/۲۳۵۸۳ مورخ ۱۳۹۳/۳/۴ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۴، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۳۱۵ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ به هیئت وزیران اعلام کرد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۲/۳

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۴/۴

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۲/۳ به پیشنهاد شماره ۶۲۱۶۱/۱۰۰/۰۲ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۵ وزارت راه و شهرسازی و به استناد تبصره (۵) ماده (۱۱) قانون زمین شهری - مصوب ۱۳۶۶-^(۱) اساسنامه شرکت عمران شهر جدید بینالود را به شرح زیر تصویب کرد:

فصل اول: کلیات

ماده ۱- شرکت عمران شهر جدید بینالود که در این اساسنامه به اختصار شرکت نامیده می‌شود، شرکتی سهامی و دولتی و زیرمجموعه شرکت عمران شهرهای جدید

۱. تبصره (۵) ماده (۱۱) قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶/۶/۲۲: «ماده ۱۱- وزارت مسکن و شهرسازی موظف است بر اساس سیاست عمومی کشور طبق آیین‌نامه اجرایی نسبت به آماده‌سازی یا عمران و واگذاری زمین‌های خود مطابق طرح‌های مصوب قانونی اقدام کند.

تبصره ۱- ...

تبصره ۵- وزارت مسکن و شهرسازی در جهت اجرای مفاد این ماده و ایجاد شهرها و شهرک‌ها با رعایت ضوابط و مقررات مربوطه می‌تواند نسبت به تشکیل شرکت‌های عمرانی و ساختمانی رأساً و یا با مشارکت بخش غیر دولتی اقدام نماید. اساسنامه این قبیل شرکت‌ها به پیشنهاد وزارت مذکور به تصویب هیئت دولت خواهد رسید.»

(مادر تخصصی) و دارای شخصیت حقوقی مستقل است و بر اساس مفاد این اساسنامه و قوانین و مقررات مربوط فعالیت می‌نماید.

ماده ۲- ...

فصل سوم: ارکان شرکت

ماده ۶- ارکان شرکت به شرح زیر است:

الف- مجمع عمومی

ب- هیئت مدیره و مدیرعامل

ج- بازرس (حسابرس)

ماده ۷- ...

دیدگاه مغایرت

از نظر شرعی، تصدی مناصبی همچون هیئت مدیره و مدیرعامل منوط به مورد وثوق بودن شخص است، حال آنکه در این مصوبه تصدی منصب هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت منوط به شرط وثاقت و احراز آن نشده است. از این رو، اطلاق این مصوبه از این جهت، مغایر با موازین شرعی است.

دیدگاه عدم مغایرت

اگرچه در این مصوبه به لزوم وثاقت اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل تصریح نشده است، لیکن با توجه به اینکه طبق ماده (۱) این مصوبه، شرکت عمران شهر جدید بینالود، دولتی محسوب می‌شود و طبق قانون، از کسانی که متقاضی تصدی مناصب دولتی می‌شوند، گزینش به عمل می‌آید و یکی از شرایط گزینش، مورد وثوق بودن افراد متقاضی است، نیازی به ذکر مجدد این شرط در این مصوبه برای هیئت مدیره و مدیرعامل این شرکت نبوده است. از این رو، از آنجا که شرط وثاقت برای تصدی منصب هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت مذکور امری مفروض و مفروع^۱ عنه است، عدم ذکر شرط وثاقت در این مصوبه با اشکالی مواجه نیست.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه هیئت وزیران در خصوص اساسنامه شرکت عمران شهر جدید بینالود، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

اساسنامه شرکت عمران شهر جدید اندیشه

مصوب ۱۳۹۳/۲/۳

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد تبصره (۵) ماده (۱۱) قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶، «اساسنامه شرکت عمران شهر جدید اندیشه» را بنا به پیشنهاد وزارت راه و شهرسازی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۲/۳ هیئت وزیران به تصویب رساند. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۴۸۰۳۶/۲۳۵۸۲ مورخ ۱۳۹۳/۳/۴ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۴، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۹ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ به هیئت وزیران اعلام کرد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۲/۳

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۴/۴

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۲/۳ به پیشنهاد شماره ۶۲۱۶۱/۱۰۰/۰۲ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۵ وزارت راه و شهرسازی و به استناد تبصره (۵) ماده (۱۱) قانون زمین شهری - مصوب ۱۳۶۶-^(۱) اساسنامه شرکت عمران شهر جدید اندیشه را به شرح زیر تصویب کرد:

فصل اول: کلیات

ماده ۱- شرکت عمران شهر جدید اندیشه که در این اساسنامه به اختصار شرکت نامیده می‌شود، شرکتی سهامی و دولتی و زیرمجموعه شرکت عمران شهرهای جدید

۱. تبصره (۵) ماده (۱۱) قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶/۶/۲۲: «ماده ۱۱- وزارت مسکن و شهرسازی موظف است بر اساس سیاست عمومی کشور طبق آیین‌نامه اجرایی نسبت به آماده‌سازی یا عمران و واگذاری زمین‌های خود مطابق طرح‌های مصوب قانونی اقدام کند.

تبصره ۱- ...

تبصره ۵- وزارت مسکن و شهرسازی در جهت اجرای مفاد این ماده و ایجاد شهرها و شهرک‌ها با رعایت ضوابط و مقررات مربوطه می‌تواند نسبت به تشکیل شرکت‌های عمرانی و ساختمانی رأساً و یا با مشارکت بخش غیر دولتی اقدام نماید. اساسنامه این قبیل شرکت‌ها به پیشنهاد وزارت مذکور به تصویب هیئت دولت خواهد رسید.»

(مادر تخصصی) و دارای شخصیت حقوقی مستقل است و بر اساس مفاد این اساسنامه و

قوانین و مقررات مربوط فعالیت می نماید.

ماده ۲- ...

فصل سوم: ارکان شرکت

ماده ۶- ارکان شرکت به شرح زیر است:

الف- مجمع عمومی

ب- هیئت مدیره و مدیرعامل

ج- بازرس (حسابرس)

ماده ۷- ...

دیدگاه مغایرت

از نظر شرعی، تصدی مناصبی همچون هیئت مدیره و مدیرعامل منوط به مورد وثوق بودن شخص است، حال آنکه در این مصوبه، تصدی منصب هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت منوط به شرط وثاقت و احراز آن نشده است. از این رو، اطلاق این مصوبه از این جهت، مغایر با موازین شرعی است.

دیدگاه عدم مغایرت

اگرچه در این مصوبه به لزوم وثاقت اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل تصریح نشده است، لیکن با توجه به اینکه طبق ماده (۱) این مصوبه، شرکت عمران شهر جدید اندیشه، دولتی محسوب می شود و طبق قانون، از کسانی که متقاضی تصدی مناصب دولتی می شوند، گزینش به عمل می آید و یکی از شرایط گزینش، مورد وثوق بودن افراد متقاضی است، نیازی به ذکر مجدد این شرط در این مصوبه برای هیئت مدیره و مدیرعامل این شرکت نبوده است. از این رو، از آنجا که شرط وثاقت برای تصدی منصب هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت مذکور امری مفروض و مفروغ عنه است، عدم ذکر شرط وثاقت در این مصوبه با اشکالی مواجه نیست.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه هیئت وزیران در خصوص اساسنامه شرکت عمران شهر جدید اندیشه، مغایر با موازین

شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

اساسنامه شرکت عمران شهر جدید پردیس

مصوب ۱۳۹۳/۲/۳

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد تبصره (۵) ماده (۱۱) قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶، «اساسنامه شرکت عمران شهر جدید پردیس» را بنا به پیشنهاد وزارت راه و شهرسازی در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۲/۳ هیئت وزیران به تصویب رساند. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۴۸۰۳۶/۲۳۵۸۱ مورخ ۱۳۹۳/۳/۴ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۴، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۳۰۰ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ به هیئت وزیران اعلام کرد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۲/۳

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۴/۴

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۲/۳ به پیشنهاد شماره ۶۲۱۶۱/۱۰۰/۰۲ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۵ وزارت راه و شهرسازی و به استناد تبصره (۵) ماده (۱۱) قانون زمین شهری - مصوب ۱۳۶۶-^(۱) اساسنامه شرکت عمران شهر جدید پردیس را به شرح زیر تصویب کرد:

فصل اول: کلیات

ماده ۱- شرکت عمران شهر جدید پردیس که در این اساسنامه به اختصار شرکت نامیده می‌شود، شرکتی سهامی و دولتی و زیرمجموعه شرکت عمران شهرهای جدید

۱. تبصره (۵) ماده (۱۱) قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶/۶/۲۲: «ماده ۱۱- وزارت مسکن و شهرسازی موظف است بر اساس سیاست عمومی کشور طبق آیین‌نامه اجرایی نسبت به آماده‌سازی یا عمران و واگذاری زمین‌های خود مطابق طرح‌های مصوب قانونی اقدام کند.

تبصره ۱- ...

تبصره ۵- وزارت مسکن و شهرسازی در جهت اجرای مفاد این ماده و ایجاد شهرها و شهرک‌ها با رعایت ضوابط و مقررات مربوطه می‌تواند نسبت به تشکیل شرکت‌های عمرانی و ساختمانی رأساً و یا با مشارکت بخش غیر دولتی اقدام نماید. اساسنامه این قبیل شرکت‌ها به پیشنهاد وزارت مذکور به تصویب هیئت دولت خواهد رسید.»

(مادر تخصصی) و دارای شخصیت حقوقی مستقل است و بر اساس مفاد این اساسنامه و قوانین و مقررات مربوط فعالیت می نماید.

ماده ۲- ...

فصل سوم: ارکان شرکت

ماده ۶- ارکان شرکت به شرح زیر است:

الف- مجمع عمومی

ب- هیئت مدیره و مدیرعامل

ج- بازرس (حسابرس)

ماده ۷- ...

دیدگاه مغایرت

از نظر شرعی، تصدی مناصبی همچون هیئت مدیره و مدیرعامل منوط به مورد وثوق بودن شخص است، حال آنکه در این مصوبه تصدی منصب هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت منوط به شرط وثاقت و احراز آن نشده است. از این رو، اطلاق این مصوبه از این جهت، مغایر با موازین شرعی است.

دیدگاه عدم مغایرت

اگرچه در این مصوبه به لزوم وثاقت اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل تصریح نشده است، لیکن با توجه به اینکه طبق ماده (۱) این مصوبه، شرکت عمران شهر جدید پردیس، دولتی محسوب می شود و طبق قانون، از کسانی که متقاضی تصدی مناصب دولتی می شوند، گزینش به عمل می آید و یکی از شرایط گزینش، مورد وثوق بودن افراد متقاضی است، نیازی به ذکر مجدد این شرط در این مصوبه برای هیئت مدیره و مدیرعامل این شرکت نبوده است. از این رو، از آنجا که شرط وثاقت برای تصدی منصب هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت مذکور امری مفروض و مفروغ عنه است، عدم ذکر شرط وثاقت در این مصوبه با اشکالی مواجه نیست.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه هیئت وزیران در خصوص اساسنامه شرکت عمران شهر جدید پردیس، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

اساسنامه شرکت عمران شهر جدید پرند مصوب ۱۳۹۳/۲/۳

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد تبصره (۵) ماده (۱۱) قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶، «اساسنامه شرکت عمران شهر جدید پرند» را بنا به پیشنهاد وزارت راه و شهرسازی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۲/۳ هیئت وزیران به تصویب رساند. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۴۸۰۳۶/۲۳۵۸۰ مورخ ۱۳۹۳/۳/۴ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۴، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۳۰۱ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ به هیئت وزیران اعلام کرد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۲/۳

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۴/۴

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۲/۳ به پیشنهاد شماره ۶۲۱۶۱/۱۰۰/۰۲ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۵ وزارت راه و شهرسازی و به استناد تبصره (۵) ماده (۱۱) قانون زمین شهری - مصوب ۱۳۶۶-^(۱) اساسنامه شرکت عمران شهر جدید پرند را به شرح زیر تصویب کرد:

فصل اول: کلیات

ماده ۱- شرکت عمران شهر جدید پرند که در این اساسنامه به اختصار شرکت نامیده می‌شود، شرکتی سهامی و دولتی و زیرمجموعه شرکت عمران شهرهای جدید

۱. تبصره (۵) ماده (۱۱) قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶/۶/۲۲: «ماده ۱۱- وزارت مسکن و شهرسازی موظف است بر اساس سیاست عمومی کشور طبق آیین‌نامه اجرایی نسبت به آماده‌سازی یا عمران و واگذاری زمین‌های خود مطابق طرح‌های مصوب قانونی اقدام کند.

تبصره ۱- ...

تبصره ۵- وزارت مسکن و شهرسازی در جهت اجرای مفاد این ماده و ایجاد شهرها و شهرک‌ها با رعایت ضوابط و مقررات مربوطه می‌تواند نسبت به تشکیل شرکت‌های عمرانی و ساختمانی رأساً و یا با مشارکت بخش غیر دولتی اقدام نماید. اساسنامه این قبیل شرکت‌ها به پیشنهاد وزارت مذکور به تصویب هیئت دولت خواهد رسید.»

(مادر تخصصی) و دارای شخصیت حقوقی مستقل است و بر اساس مفاد این اساسنامه و قوانین و مقررات مربوط فعالیت می‌نماید.

ماده ۲- ...

فصل سوم: ارکان شرکت

ماده ۶- ارکان شرکت به شرح زیر است:

الف- مجمع عمومی

ب- هیئت مدیره و مدیرعامل

ج- بازرس (حسابرس)

ماده ۷- ...

دیدگاه مغایرت

از نظر شرعی، تصدی مناصبی همچون هیئت مدیره و مدیرعامل منوط به مورد وثوق بودن شخص است، حال آنکه در این مصوبه تصدی منصب هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت منوط به شرط وثاقت و احراز آن نشده است. از این رو، اطلاق این مصوبه از این جهت، مغایر با موازین شرعی است.

دیدگاه عدم مغایرت

اگرچه در این مصوبه به لزوم وثاقت اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل تصریح نشده است، لیکن با توجه به اینکه طبق ماده (۱) این مصوبه، شرکت عمران شهر جدید پرند، دولتی محسوب می‌شود و طبق قانون، از کسانی که متقاضی تصدی مناصب دولتی می‌شوند، گزینش به عمل می‌آید و یکی از شرایط گزینش، مورد وثوق بودن افراد متقاضی است، نیازی به ذکر مجدد این شرط در این مصوبه برای هیئت مدیره و مدیرعامل این شرکت نبوده است. از این رو، از آنجا که شرط وثاقت برای تصدی منصب هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت مذکور امری مفروض و مفروع^۱ عنه است، عدم ذکر شرط وثاقت در این مصوبه با اشکالی مواجه نیست.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه هیئت وزیران در خصوص اساسنامه شرکت عمران شهر جدید پرند، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

اساسنامه شرکت عمران شهر جدید هشتگرد مصوب ۱۳۹۳/۲/۳

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد تبصره (۵) ماده (۱۱) قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶، «اساسنامه شرکت عمران شهر جدید هشتگرد» را بنا به پیشنهاد وزارت راه و شهرسازی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۲/۳ هیئت وزیران به تصویب رساند. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۴۸۰۳۶/۲۲۵۷۶ مورخ ۱۳۹۳/۳/۴ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۴، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۳۰۲ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ به هیئت وزیران اعلام کرد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۲/۳

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۴/۴

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۲/۳ به پیشنهاد شماره ۶۲۱۶۱/۱۰۰/۰۲ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۵ وزارت راه و شهرسازی و به استناد تبصره (۵) ماده (۱۱) قانون زمین شهری - مصوب ۱۳۶۶-^(۱) اساسنامه شرکت عمران شهر جدید هشتگرد را به شرح زیر تصویب کرد:

فصل اول: کلیات

ماده ۱- شرکت عمران شهر جدید هشتگرد که در این اساسنامه به اختصار شرکت نامیده می‌شود، شرکتی سهامی و دولتی و زیرمجموعه شرکت عمران شهرهای جدید

۱. تبصره (۵) ماده (۱۱) قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶/۶/۲۲: «ماده ۱۱- وزارت مسکن و شهرسازی موظف است بر اساس سیاست عمومی کشور طبق آیین‌نامه اجرایی نسبت به آماده‌سازی یا عمران و واگذاری زمین‌های خود مطابق طرح‌های مصوب قانونی اقدام کند.

تبصره ۱- ...

تبصره ۵- وزارت مسکن و شهرسازی در جهت اجرای مفاد این ماده و ایجاد شهرها و شهرک‌ها با رعایت ضوابط و مقررات مربوطه می‌تواند نسبت به تشکیل شرکت‌های عمرانی و ساختمانی رأساً و یا با مشارکت بخش غیر دولتی اقدام نماید. اساسنامه این قبیل شرکت‌ها به پیشنهاد وزارت مذکور به تصویب هیئت دولت خواهد رسید.»

(مادر تخصصی) و دارای شخصیت حقوقی مستقل است و بر اساس مفاد این اساسنامه و

قوانین و مقررات مربوط فعالیت می نماید.

ماده ۲- ...

فصل سوم: ارکان شرکت

ماده ۶- ارکان شرکت به شرح زیر است:

الف- مجمع عمومی

ب- هیئت مدیره و مدیرعامل

ج- بازرس (حسابرس)

ماده ۷- ...

دیدگاه مغایرت

از نظر شرعی، تصدی مناصبی همچون هیئت مدیره و مدیرعامل منوط به مورد وثوق بودن شخص است، حال آنکه در این مصوبه تصدی منصب هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت منوط به شرط وثاقت و احراز آن نشده است. از این رو، اطلاق این مصوبه از این جهت، مغایر با موازین شرعی است.

دیدگاه عدم مغایرت

اگرچه در این مصوبه به لزوم وثاقت اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل تصریح نشده است، لیکن با توجه به اینکه طبق ماده (۱) این مصوبه، شرکت عمران شهر جدید هشتگرد، دولتی محسوب می شود و طبق قانون، از کسانی که متقاضی تصدی مناصب دولتی می شوند، گزینش به عمل می آید و یکی از شرایط گزینش، مورد وثوق بودن افراد متقاضی است، نیازی به ذکر مجدد این شرط در این مصوبه برای هیئت مدیره و مدیرعامل آن شرکت نبوده است. از این رو، از آنجا که شرط وثاقت برای تصدی منصب هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت مذکور امری مفروض و مفروغ عنه است، عدم ذکر شرط وثاقت در این مصوبه با اشکالی مواجه نیست.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه هیئت وزیران در خصوص اساسنامه شرکت عمران شهر جدید هشتگرد، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

اساسنامه شرکت عمران شهر جدید مهاجران (امیرکبیر)

مصوب ۱۳۹۳/۲/۳

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد تبصره (۵) ماده (۱۱) قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶، «اساسنامه شرکت عمران شهر جدید مهاجران (امیرکبیر)» را بنا به پیشنهاد وزارت راه و شهرسازی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۲/۳ هیئت وزیران به تصویب رساند. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۴۸۰۳۶/۲۳۵۶۶ مورخ ۱۳۹۳/۳/۴ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۴، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۳۰۳ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ به هیئت وزیران اعلام کرد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۲/۳

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۴/۴

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۲/۳ به پیشنهاد شماره ۶۲۱۶۱/۱۰۰/۰۲ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۵ وزارت راه و شهرسازی و به استناد تبصره (۵) ماده (۱۱) قانون زمین شهری - مصوب ۱۳۶۶-^(۱) اساسنامه شرکت عمران شهر جدید مهاجران (امیرکبیر) را به شرح زیر تصویب کرد:

فصل اول: کلیات

ماده ۱- شرکت عمران شهر جدید مهاجران (امیرکبیر) که در این اساسنامه به اختصار

۱. تبصره (۵) ماده (۱۱) قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶/۶/۲۲: «ماده ۱۱- وزارت مسکن و شهرسازی موظف است بر اساس سیاست عمومی کشور طبق آیین‌نامه اجرایی نسبت به آماده‌سازی یا عمران و واگذاری زمین‌های خود مطابق طرح‌های مصوب قانونی اقدام کند.

تبصره ۱- ...

تبصره ۵- وزارت مسکن و شهرسازی در جهت اجرای مفاد این ماده و ایجاد شهرها و شهرک‌ها با رعایت ضوابط و مقررات مربوطه می‌تواند نسبت به تشکیل شرکت‌های عمرانی و ساختمانی رأساً و یا با مشارکت بخش غیر دولتی اقدام نماید. اساسنامه این قبیل شرکت‌ها به پیشنهاد وزارت مذکور به تصویب هیئت دولت خواهد رسید.»

شرکت نامیده می‌شود، شرکتهای سهامی و دولتی و زیرمجموعه شرکت عمران شهرهای جدید (مادر تخصصی) و دارای شخصیت حقوقی مستقل است و بر اساس مفاد این اساسنامه و قوانین و مقررات مربوط فعالیت می‌نماید.

ماده ۲- ...

فصل سوم: ارکان شرکت

ماده ۶- ارکان شرکت به شرح زیر است:

الف- مجمع عمومی

ب- هیئت مدیره و مدیرعامل

ج- بازرس (حسابرس)

ماده ۷- ...

دیدگاه مغایرت

از نظر شرعی، تصدی مناصبی همچون هیئت مدیره و مدیرعامل منوط به مورد وثوق بودن شخص است؛ حال آنکه در این مصوبه تصدی منصب هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت منوط به شرط وثاقت و احراز آن نشده است. از این رو، اطلاق این مصوبه از این جهت، مغایر با موازین شرعی است.

دیدگاه عدم مغایرت

اگرچه در این مصوبه به لزوم وثاقت اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل تصریح نشده است، لکن با توجه به اینکه طبق ماده (۱) این مصوبه، شرکت عمران شهر جدید مهاجران، دولتی محسوب می‌شود و طبق قانون، از کسانی که متقاضی تصدی مناصب دولتی می‌شوند، گزینش به عمل می‌آید و یکی از شرایط گزینش، مورد وثوق بودن افراد متقاضی است، نیازی به ذکر مجدد این شرط در این مصوبه برای هیئت مدیره و مدیرعامل آن شرکت نبوده است. از این رو، از آنجا که شرط وثاقت برای تصدی منصب هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت مذکور امری مفروض و مفروغ عنه است، عدم ذکر شرط وثاقت در این مصوبه با اشکالی مواجه نیست.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه هیئت وزیران در خصوص اساسنامه شرکت عمران شهر جدید مهاجران (امیرکبیر)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

اساسنامه شرکت عمران شهر جدید عالیشهر

مصوب ۱۳۹۳/۲/۳

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد تبصره (۵) ماده (۱۱) قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶، «اساسنامه شرکت عمران شهر جدید عالیشهر» را بنا به پیشنهاد وزارت راه و شهرسازی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۲/۳ هیئت وزیران به تصویب رساند. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۴۸۰۳۶/۲۳۵۶۳ مورخ ۱۳۹۳/۳/۴ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۴، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۳۰۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ به هیئت وزیران اعلام کرد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۲/۳

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۴/۴

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۲/۳ به پیشنهاد شماره ۶۲۱۶۱/۱۰۰/۰۲ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۵ وزارت راه و شهرسازی و به استناد تبصره (۵) ماده (۱۱) قانون زمین شهری - مصوب ۱۳۶۶-^(۱) اساسنامه شرکت عمران شهر جدید عالیشهر را به شرح زیر تصویب کرد:

فصل اول: کلیات

ماده ۱- شرکت عمران شهر جدید عالیشهر که در این اساسنامه به اختصار شرکت نامیده می‌شود، شرکتی سهامی و دولتی و زیرمجموعه شرکت عمران شهرهای جدید

۱. تبصره (۵) ماده (۱۱) قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶/۶/۲۲: «ماده ۱۱- وزارت مسکن و شهرسازی موظف است بر اساس سیاست عمومی کشور طبق آیین‌نامه اجرایی نسبت به آماده‌سازی یا عمران و واگذاری زمین‌های خود مطابق طرح‌های مصوب قانونی اقدام کند.

تبصره ۱- ...

تبصره ۵- وزارت مسکن و شهرسازی در جهت اجرای مفاد این ماده و ایجاد شهرها و شهرک‌ها با رعایت ضوابط و مقررات مربوطه می‌تواند نسبت به تشکیل شرکت‌های عمرانی و ساختمانی رأساً و یا با مشارکت بخش غیر دولتی اقدام نماید. اساسنامه این قبیل شرکت‌ها به پیشنهاد وزارت مذکور به تصویب هیئت دولت خواهد رسید.»

(مادر تخصصی) و دارای شخصیت حقوقی مستقل است و بر اساس مفاد این اساسنامه و قوانین و مقررات مربوط فعالیت می نماید.

ماده ۲- ...

فصل سوم: ارکان شرکت

ماده ۶- ارکان شرکت به شرح زیر است:

الف- مجمع عمومی

ب- هیئت مدیره و مدیرعامل

ج- بازرس (حسابرس)

ماده ۷- ...

دیدگاه مغایرت

از نظر شرعی، تصدی مناصبی همچون هیئت مدیره و مدیرعامل منوط به مورد وثوق بودن شخص است، حال آنکه در این مصوبه تصدی منصب هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت منوط به شرط وثاقت و احراز آن نشده است. از این رو، اطلاق این مصوبه از این جهت، مغایر با موازین شرعی است.

دیدگاه عدم مغایرت

اگرچه در این مصوبه به لزوم وثاقت اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل تصریح نشده است، لیکن با توجه به اینکه طبق ماده (۱) این مصوبه، شرکت عمران شهر جدید عالیشهر، دولتی محسوب می شود و طبق قانون، از کسانی که متقاضی تصدی مناصب دولتی می شوند، گزینش به عمل می آید و یکی از شرایط گزینش، مورد وثوق بودن افراد متقاضی است، نیازی به ذکر مجدد این شرط در این مصوبه برای هیئت مدیره و مدیرعامل آن شرکت نبوده است. از این رو، از آنجا که شرط وثاقت برای تصدی منصب هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت مذکور امری مفروض و مفروغ عنه است، عدم ذکر شرط وثاقت در این مصوبه با اشکالی مواجه نیست.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه هیئت وزیران در خصوص اساسنامه شرکت عمران شهر جدید عالیشهر، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

اساسنامه شرکت عمران شهر جدید سهند مصوب ۱۳۹۳/۲/۳

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد تبصره (۵) ماده (۱۱) قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶، «اساسنامه شرکت عمران شهر جدید سهند» را بنا به پیشنهاد وزارت راه و شهرسازی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۲/۳ هیئت وزیران به تصویب رساند. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۴۸۰۳۶/۲۳۵۶۲ مورخ ۱۳۹۳/۳/۴ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۴، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره‌ی ۹۳/۱۰۲/۱۳۰۵ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ به هیئت وزیران اعلام کرد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۲/۳

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۴/۴

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۲/۳ به پیشنهاد شماره ۶۲۱۶۱/۱۰۰/۰۲ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۵ وزارت راه و شهرسازی و به استناد تبصره (۵) ماده (۱۱) قانون زمین شهری - مصوب ۱۳۶۶-^(۱) اساسنامه شرکت عمران شهر جدید سهند را به شرح زیر تصویب کرد:

فصل اول: کلیات

ماده ۱- شرکت عمران شهر جدید سهند که در این اساسنامه به اختصار شرکت نامیده می‌شود، شرکتی سهامی و دولتی و زیرمجموعه شرکت عمران شهرهای جدید

۱. تبصره (۵) ماده (۱۱) قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶/۶/۲۲: «ماده ۱۱- وزارت مسکن و شهرسازی موظف است بر اساس سیاست عمومی کشور طبق آیین‌نامه اجرایی نسبت به آماده‌سازی یا عمران و واگذاری زمین‌های خود مطابق طرح‌های مصوب قانونی اقدام کند.

تبصره ۱- ...

تبصره ۵- وزارت مسکن و شهرسازی در جهت اجرای مفاد این ماده و ایجاد شهرها و شهرک‌ها با رعایت ضوابط و مقررات مربوطه می‌تواند نسبت به تشکیل شرکت‌های عمرانی و ساختمانی رأساً و یا با مشارکت بخش غیر دولتی اقدام نماید. اساسنامه این قبیل شرکت‌ها به پیشنهاد وزارت مذکور به تصویب هیئت دولت خواهد رسید.»

(مادر تخصصی) و دارای شخصیت حقوقی مستقل است و بر اساس مفاد این اساسنامه و قوانین و مقررات مربوط فعالیت می‌نماید.

ماده ۲- ...

فصل سوم: ارکان شرکت

ماده ۶- ارکان شرکت به شرح زیر است:

الف- مجمع عمومی

ب- هیئت مدیره و مدیرعامل

ج- بازرس (حسابرس)

ماده ۷- ...

دیدگاه مغایرت

از نظر شرعی، تصدی مناصبی همچون هیئت مدیره و مدیرعامل منوط به مورد وثوق بودن شخص است، حال آنکه در این مصوبه تصدی منصب هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت منوط به شرط وثاقت و احراز آن نشده است. از این رو، اطلاق این مصوبه از این جهت، مغایر با موازین شرعی است.

دیدگاه عدم مغایرت

اگرچه در این مصوبه به لزوم وثاقت اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل تصریح نشده است، لیکن با توجه به اینکه طبق ماده (۱) این مصوبه، شرکت عمران شهر جدید سهند، دولتی محسوب می‌شود و طبق قانون، از کسانی که متقاضی تصدی مناصب دولتی می‌شوند، گزینش به عمل می‌آید و یکی از شرایط گزینش، مورد وثوق بودن افراد متقاضی است، نیازی به ذکر مجدد این شرط در این مصوبه برای هیئت مدیره و مدیرعامل این شرکت نبوده است. از این رو، از آنجا که شرط وثاقت برای تصدی منصب هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت مذکور امری مفروض و مفروع^۱ عنه است، عدم ذکر شرط وثاقت در این مصوبه با اشکالی مواجه نیست.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه هیئت وزیران در خصوص اساسنامه شرکت عمران شهر جدید سهند، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

اساسنامه شرکت عمران شهر جدید گلبهار

مصوب ۱۳۹۳/۲/۳

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد تبصره (۵) ماده (۱۱) قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶، «اساسنامه شرکت عمران شهر جدید گلبهار» را بنا به پیشنهاد وزارت راه و شهرسازی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۲/۳ هیئت وزیران به تصویب رساند. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۴۸۰۳۶/۲۳۵۶۱ مورخ ۱۳۹۳/۳/۴ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۴، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۳۰۶ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ به هیئت وزیران اعلام کرد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۲/۳

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۴/۴

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۲/۳ به پیشنهاد شماره ۶۲۱۶۱/۱۰۰/۰۲ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۵ وزارت راه و شهرسازی و به استناد تبصره (۵) ماده (۱۱) قانون زمین شهری - مصوب ۱۳۶۶-^(۱) اساسنامه شرکت عمران شهر جدید گلبهار را به شرح زیر تصویب کرد:

فصل اول: کلیات

ماده ۱- شرکت عمران شهر جدید گلبهار که در این اساسنامه به اختصار شرکت نامیده می‌شود، شرکتی سهامی و دولتی و زیرمجموعه شرکت عمران شهرهای جدید

۱. تبصره (۵) ماده (۱۱) قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶/۶/۲۲: «ماده ۱۱- وزارت مسکن و شهرسازی موظف است بر اساس سیاست عمومی کشور طبق آیین‌نامه اجرایی نسبت به آماده‌سازی یا عمران و واگذاری زمین‌های خود مطابق طرح‌های مصوب قانونی اقدام کند.

تبصره ۱- ...

تبصره ۵- وزارت مسکن و شهرسازی در جهت اجرای مفاد این ماده و ایجاد شهرها و شهرک‌ها با رعایت ضوابط و مقررات مربوطه می‌تواند نسبت به تشکیل شرکت‌های عمرانی و ساختمانی رأساً و یا با مشارکت بخش غیر دولتی اقدام نماید. اساسنامه این قبیل شرکت‌ها به پیشنهاد وزارت مذکور به تصویب هیئت دولت خواهد رسید.»

(مادر تخصصی) و دارای شخصیت حقوقی مستقل است و بر اساس مفاد این اساسنامه و قوانین و مقررات مربوط فعالیت می‌نماید.

ماده ۲- ...

فصل سوم: ارکان شرکت

ماده ۶- ارکان شرکت به شرح زیر است:

الف- مجمع عمومی

ب- هیئت مدیره و مدیرعامل

ج- بازرس (حسابرس)

ماده ۷- ...

دیدگاه مغایرت

از نظر شرعی، تصدی مناصبی همچون هیئت مدیره و مدیرعامل منوط به مورد وثوق بودن شخص است، حال آنکه در این مصوبه تصدی منصب هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت منوط به شرط وثاقت و احراز آن نشده است. از این رو، اطلاق این مصوبه از این جهت، مغایر با موازین شرعی است.

دیدگاه عدم مغایرت

اگرچه در این مصوبه به لزوم وثاقت اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل تصریح نشده است، لیکن با توجه به اینکه طبق ماده (۱) این مصوبه، شرکت عمران شهر جدید گلپهار، دولتی محسوب می‌شود و طبق قانون، از کسانی که متقاضی تصدی مناصب دولتی می‌شوند، گزینش به عمل می‌آید و یکی از شرایط گزینش، مورد وثوق بودن افراد متقاضی است، نیازی به ذکر مجدد این شرط در این مصوبه برای هیئت مدیره و مدیرعامل آن شرکت نبوده است. از این رو، از آنجا که شرط وثاقت برای تصدی منصب هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت مذکور امری مفروض و مفروع^۱ عنه است، عدم ذکر شرط وثاقت در این مصوبه با اشکالی مواجه نیست.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه هیئت وزیران در خصوص اساسنامه شرکت عمران شهر جدید گلپهار، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

اساسنامه شرکت عمران شهر جدید رامشار

مصوب ۱۳۹۳/۲/۳

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد تبصره (۵) ماده (۱۱) قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶، «اساسنامه شرکت عمران شهر جدید رامشار» را بنا به پیشنهاد وزارت راه و شهرسازی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۲/۳ هیئت وزیران به تصویب رساند. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۴۸۰۳۶/۲۳۵۵۹ مورخ ۱۳۹۳/۳/۴ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۴، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۳۰۷ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ به هیئت وزیران اعلام کرد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۲/۳

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۴/۴

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۲/۳ به پیشنهاد شماره ۶۲۱۶۱/۱۰۰/۰۲ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۵ وزارت راه و شهرسازی و به استناد تبصره (۵) ماده (۱۱) قانون زمین شهری - مصوب ۱۳۶۶-^(۱) اساسنامه شرکت عمران شهر جدید رامشار را به شرح زیر تصویب کرد:

فصل اول: کلیات

ماده ۱- شرکت عمران شهر جدید رامشار که در این اساسنامه به اختصار شرکت نامیده می‌شود، شرکتی سهامی و دولتی و زیرمجموعه شرکت عمران شهرهای جدید

۱. تبصره (۵) ماده (۱۱) قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶/۶/۲۲: «ماده ۱۱- وزارت مسکن و شهرسازی موظف است بر اساس سیاست عمومی کشور طبق آیین‌نامه اجرایی نسبت به آماده‌سازی یا عمران و واگذاری زمین‌های خود مطابق طرح‌های مصوب قانونی اقدام کند.

تبصره ۱- ...

تبصره ۵- وزارت مسکن و شهرسازی در جهت اجرای مفاد این ماده و ایجاد شهرها و شهرک‌ها با رعایت ضوابط و مقررات مربوطه می‌تواند نسبت به تشکیل شرکت‌های عمرانی و ساختمانی رأساً و یا با مشارکت بخش غیر دولتی اقدام نماید. اساسنامه این قبیل شرکت‌ها به پیشنهاد وزارت مذکور به تصویب هیئت دولت خواهد رسید.»

(مادر تخصصی) و دارای شخصیت حقوقی مستقل است و بر اساس مفاد این اساسنامه و قوانین و مقررات مربوط فعالیت می نماید.

ماده ۲- ...

فصل سوم: ارکان شرکت

ماده ۶- ارکان شرکت به شرح زیر است:

الف- مجمع عمومی

ب- هیئت مدیره و مدیرعامل

ج- بازرس (حسابرس)

ماده ۷- ...

دیدگاه مغایرت

از نظر شرعی، تصدی مناصبی همچون هیئت مدیره و مدیرعامل منوط به مورد وثوق بودن شخص است، حال آنکه در این مصوبه تصدی منصب هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت منوط به شرط وثاقت و احراز آن نشده است. از این رو، اطلاق این مصوبه از این جهت، مغایر با موازین شرعی است.

دیدگاه عدم مغایرت

اگرچه در این مصوبه به لزوم وثاقت اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل تصریح نشده است، لیکن با توجه به اینکه طبق ماده (۱) این مصوبه، شرکت عمران شهر جدید رامشار، دولتی محسوب می شود و طبق قانون، از کسانی که متقاضی تصدی مناصب دولتی می شوند، گزینش به عمل می آید و یکی از شرایط گزینش، مورد وثوق بودن افراد متقاضی است، نیازی به ذکر مجدد این شرط در این مصوبه برای هیئت مدیره و مدیرعامل این شرکت نبوده است. از این رو، از آنجا که شرط وثاقت برای تصدی منصب هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت مذکور امری مفروض و مفروع^۱ عنه است، عدم ذکر شرط وثاقت در این مصوبه با اشکالی مواجه نیست.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه هیئت وزیران در خصوص اساسنامه شرکت عمران شهر جدید رامشار، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

اصلاحیه اساسنامه شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت (سهامی خاص)

مصوب ۱۳۹۳/۲/۳

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد ماده (۹) قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی مصوب ۱۳۸۹، «اصلاحیه اساسنامه شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت (سهامی خاص)» را بنا به پیشنهاد وزارت نفت جهت بررسی در دستور جلسه ۱۳۹۳/۲/۳ قرار داد و اصلاحات لازم را در این اساسنامه به تصویب رساند. پس از آن، این اصلاحیه برای طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۱۵۳/۱۴۱۱۹ مورخ ۱۳۹۳/۲/۱۴ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۴، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۳۱۶ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ به هیئت وزیران اعلام کرد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۲/۳

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۴/۴

هیئت‌وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۲/۳ به پیشنهاد شماره ۱۹۶۸۹-۱۲/۲ مورخ ۱۳۹۳/۱/۲۴ وزارت نفت و به استناد ماده (۹) قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی - مصوب ۱۳۸۹^(۱) تصویب کرد:

متون زیر جایگزین مواد (۵)، (۶)، (۱۰) و (۱۱) اساسنامه شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت (سهامی خاص) - مصوب ۱۳۷۷- و اصلاحات بعدی آن می‌شود:

۱. ماده (۹) قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی مصوب ۱۳۸۹/۱۲/۴: «ماده ۹- وزارت نفت مکلف است به منظور مدیریت تقاضا و اجرای سیاست‌های مرتبط با بهینه‌سازی مصرف سوخت در بخش‌های مختلف مصرف، کمک به توسعه کاربرد انواع فناوری‌های نوین تبدیل انرژی در بخش‌های مختلف مصرف، کاهش هزینه‌های درازمدت ناشی از تقاضای انرژی، تدوین معیارها، ضوابط و دستورالعمل‌های مرتبط با بهینه‌سازی مصرف انرژی، جایگزینی اقتصادی حامل‌های انرژی همراه با توسعه به‌کارگیری ظرفیت‌های محلی انرژی و انرژی‌های تجدیدپذیر، پیشنهاد اصلاح اساسنامه و وظایف شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت را تهیه و برای تصویب به هیئت وزیران ارائه دهد.»

ماده ۵- ...

ماده ۶- وظایف و اختیارات شرکت شامل وظایف و اختیارات موضوع قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی و سایر قوانین و مقررات مربوط، از جمله موارد زیر می‌باشد که به تبعیت از وزارت نفت، حسب مورد رأساً یا با همکاری سایر دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط انجام می‌دهد:

۱- ...

- ۱۳- نمایندگی، عضویت و حضور در مجامع بین‌المللی مربوط برای حفظ منافع ملی و ارتقای دانش فنی طبق سیاست‌های کلی نظام و قوانین و مقررات مربوط
- ۱۴- انعقاد انواع عقود و معاملات، از جمله قراردادهای خدمات و پیمانکاری و مهندسی مشاور و مشاوره و استعلامی با اشخاص واجد صلاحیت با رعایت قوانین و مقررات مربوط
- ۱۵- خرید، فروش، اجاره، استیجار، رهن، تحصیل و تملک اموال منقول و غیرمنقول و همچنین ایجاد، تکمیل، توسعه، نظارت و اداره اموال، تأسیسات، کارگاه‌ها، دستگاه‌ها، تعمیرگاه‌ها و دیگر تأسیسات و ابزار و ادوات و وسایل لازم برای انجام مقاصد و عملیات موضوع شرکت با رعایت قوانین و مقررات مربوط
- ۱۶- گرفتن اعتبار یا وام و پرداخت تسهیلات به اشخاص حقیقی و حقوقی به منظور تأمین احتیاجات و اجرای مقاصد شرکت با تصویب مجمع عمومی با رعایت قوانین و مقررات مربوط
- ۱۷- تحصیل و تملک و واگذاری حق استفاده و ثبت پروانه‌های اختراع و هرگونه اطلاعات درباره علائم تجاری، اختراعات، طرح‌ها و روش‌های مورد نیاز برای انجام عملیات و وظایف موضوع شرکت
- ۱۸- مشارکت و همکاری با سایر دستگاه‌های اجرایی و مؤسسات و شرکت‌های ایرانی و یا خارجی واجد صلاحیت فنی و مالی با رعایت قوانین و مقررات مربوط
- ۱۹- برنامه‌ریزی جهت جذب نیرو برای تأمین احتیاجات شرکت و تنظیم و اجرای برنامه‌های آموزشی و کارآموزی کارکنان به منظور ارتقای سطح اطلاعات علمی، تخصصی، فنی و اجرایی آنها با رعایت قوانین و مقررات مربوط
- ۲۰- سایر وظایف و اختیاراتی که در چارچوب قوانین و مقررات توسط وزارت نفت به شرکت محول می‌شود.
- ماده ۱۰- ...

دیدگاه مغایرت

الف) اطلاق عبارت «قوانین و مقررات مربوط» در بند (۱۴) ماده (۶) این مصوبه مغایر با موازین شرع است؛ زیرا اطلاق این عبارت شامل قوانینی از جمله قانون تجارت می‌شود که در

زمان طاغوت تصویب شده است و از آنجا که این قوانین در مواردی دارای احکام خلاف شرع می‌باشد، تصریح این بند به لزوم رعایت این قوانین و مقررات ممکن است مستلزم ارتکاب خلاف شرع باشد. از این‌رو، اطلاق عبارت مزبور دارای اشکال است. شورای نگهبان نیز قبلاً به دلیل همین اطلاق قوانین و مقررات مربوط، مصوباتی را مغایر با موازین شرع اعلام کرده است.

ب) همان‌طور که در ماده (۶) این مصوبه اجرای بندهای (۱۳)، (۱۴)، (۱۵)، (۱۶)، (۱۸) و (۱۹) منوط به رعایت قوانین و مقررات شده است، باید مفاد بند (۱۷) یعنی تحصیل، تملک، واگذاری حق استفاده و ثبت پروانه‌های اختراع نیز مشروط به رعایت قوانین و مقررات مربوط می‌شد؛ زیرا با وجود تصریح به رعایت قوانین و مقررات در سایر بندهای این ماده و عدم ذکر این موضوع در بند (۱۷) ممکن است چنین برداشت شود که برای اجرای بند مزبور، رعایت قوانین و مقررات مربوط لازم نیست. از این‌رو، عدم تصریح به لزوم رعایت قوانین و مقررات مربوط در بند (۱۷) این ماده، دارای اشکال است.

ج) طبق اصل (۸۵) قانون اساسی، قانون‌گذاری تنها در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است. اجازه‌ی تصویب اساسنامه به هیئت وزیران در ذیل اصل (۸۵) نیز اختیاری استثنایی است که مجلس به دولت می‌دهد. از این‌رو، تصویب اساسنامه و اصلاح آن باید کاملاً شفاف و در حدود اجازه‌ی مجلس باشد؛ حال آنکه این موضوع در ماده (۶) این مصوبه رعایت نشده است. توضیح آنکه عبارت «از جمله موارد زیر می‌باشد» در این ماده بیانگر آن است که وظایف و اختیارات شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت فراتر از وظایف و اختیارات موضوع قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی و سایر قوانین و مقررات مربوط است؛ در حالی که این شرکت تنها در چارچوب وظایف مقرر در قانون صلاحیت دارد. بنابراین، از آنجا که عبارت «از جمله موارد زیر» در این ماده موجب توسعه‌ی وظایف و اختیارات این شرکت به بیش از آنچه قانون مقرر کرده است می‌شود، ماده‌ی مزبور دارای اشکال است. برای رفع این اشکال لازم است که این عبارت از ماده (۶) حذف شود و وظایف این شرکت، به صورت حصری، به طور دقیق و مشخص بیان شود.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) اگرچه در بند (۱۴) ماده (۶) این مصوبه به لزوم رعایت قوانین و مقررات مربوط تصریح شده است، لیکن از آنجا که اطلاق این عبارت شامل اصل (۴) قانون اساسی نیز می‌شود، منظور از قوانین و مقررات مربوط در بند مزبور، قوانین و مقرراتی است که بر اساس موازین شرع تهیه و تصویب شده باشد. به عبارت دیگر، اطلاق عبارت فوق‌الذکر تمام نیست و با توجه به اصل (۴) قانون اساسی، این عبارت تنها شامل قوانین و مقرراتی است که مغایرتی با موازین شرعی ندارند. بنابراین، بند مزبور با اشکالی مواجه نیست.

ب) شورای نگهبان هیچ مصوبه‌ای را به دلیل اطلاق عبارت «قوانین و مقررات مربوط» مغایر با موازین شرع اعلام نکرده است، بلکه تنها در صورتی که اجرای یک مصوبه منوط به رعایت قانون خاصی شده باشد که برخی از مواد آن خلاف شرع است، آن مصوبه را به دلیل لزوم رعایت آن قانون خاص مغایر شرع شناخته است. به عنوان مثال، شورای نگهبان از آن جهت که اجرای ماده (۲) اساسنامه‌ی سازمان بیمه سلامت ایران منوط به رعایت قانون تجارت شده بود آن ماده را خلاف موازین شرع شناخت.^(۱) بنابراین، با توجه به اینکه عبارت «قوانین و مقررات مربوط» در بند (۱۴) ماده (۶) این مصوبه منصرف به قوانین و مقررات معتبر و شرعی است، این بند با اشکالی مواجه نیست.

ج) با توجه به اینکه موضوع بند (۱۷) ماده (۶) این مصوبه، تحصیل، تملک و واگذاری حق است و در خصوص این موضوع قوانین و مقررات خاصی وجود دارد، اساساً بدون لحاظ آن قوانین و مقررات، تحصیل، تملک و واگذاری حق، ظهور عینی پیدا نمی‌کند. به عبارت دیگر، وقتی تحصیل، تملک و واگذاری حق محقق می‌شود که بر اساس قوانین و مقررات مخصوص به خود انجام شده باشد. بر این اساس، از آنجا که رعایت قوانین و مقررات در مورد تحصیل، تملک و واگذاری حق امری مفروض و مفروغ‌عنه است، نیازی به ذکر مجدد آن در این بند نبوده است. بنابراین، عدم تصریح به لزوم رعایت قوانین و مقررات مربوط در بند (۱۷) این ماده با اشکالی مواجه نیست.

د) عبارت «از جمله موارد زیر می‌باشد» در ماده (۶) این مصوبه به معنای توسعه‌ی وظایف و اختیارات شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت به بیش از آنچه قانون مقرر کرده است نیست، بلکه این عبارت در مقام تأکید چند وظیفه از وظایف مقرر در قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی و سایر قوانین و مقررات مربوط است. به عبارت دیگر، وظایفی که در این ماده احصاء شده است در اصطلاح از باب ذکر خاص بعد از عام و برای تأکید آمده است. بنابراین، از آنجا که قبلاً وظایف این شرکت به‌طور مشخص در قانون بیان شده است و این ماده برخی از همان وظایف را تأکید

۱. ماده (۲) اساسنامه سازمان بیمه سلامت ایران مصوب ۱۳۹۰/۱۱/۹ هیئت وزیران: «ماده ۲- سازمان از ادغام بخش‌های بیمه درمانی کلیه صندوق‌های موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و ماده (۵) قانون محاسبات عمومی کشور در سازمان (صندوق) بیمه خدمات درمانی، تأسیس و بر اساس مفاد این اساسنامه، قانون، قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی و سایر قوانین مربوط و در موارد سکوت، بر اساس قانون تجارت اداره می‌شود و کلیه امور، وظایف و فعالیت‌های مربوط به بیمه سلامت در این سازمان متمرکز می‌گردد.» شورای نگهبان در نظر شماره ۹۱/۳۰/۴۶۴۵۹ مورخ ۱۳۹۱/۲/۵ در خصوص این ماده چنین مقرر داشته است: «ماده (۲) مبنی بر اقدام بر اساس قانون تجارت، نظر به اینکه بعضی از مواد این قانون، خلاف موازین شرع می‌باشد، فلذا اطلاق این ماده، خلاف شرع شناخته شد.»

کرده است، عبارت «از جمله موارد زیر می‌باشد» در این ماده موجب توسعه‌ی وظایف و اختیارات شرکت مزبور نبوده و از این حیث با اشکالی مواجه نیست.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه هیئت وزیران در خصوص اصلاحیه اساسنامه شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت (سهامی خاص)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

**اصلاحیه اساسنامه سازمان مجری ساختمان‌ها و تأسیسات دولتی و عمومی
(شرکت مادر تخصصی)
مصوب ۱۳۹۳/۲/۳**

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷، «اصلاحیه اساسنامه سازمان مجری ساختمان‌ها و تأسیسات دولتی و عمومی (شرکت مادر تخصصی)» را بنا به پیشنهاد وزارت راه و شهرسازی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۲/۳ هیئت وزیران به تصویب رساند. پس از آن، این اصلاحیه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۶۶/۱۴۱۰۶ مورخ ۱۳۹۳/۲/۱۴ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۴، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۸ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ به هیئت وزیران اعلام کرد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۲/۳

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۴/۴

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۲/۳ به پیشنهاد شماره ۷۰۴۳۸/۱۰۰/۰۲ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۸ وزارت راه و شهرسازی و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت - مصوب ۱۳۷۷ -^{۱)} تصویب کرد:

۱. قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷/۱/۳۰: «موضوع استفساریه:

آیا در مواردی که مجلس شورای اسلامی اجازه تصویب اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت از جمله مؤسساتی را که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است به دولت داده است، اصلاح اساسنامه در هر مورد نیازمند کسب مجوز مجدد از مجلس شورای اسلامی است، یا اصلاح اساسنامه، که در واقع اصلاح

مواد (۱۲) و (۱۶) اساسنامه سازمان مجری ساختمان‌ها و تأسیسات دولتی و عمومی (شرکت مادر تخصصی)^(۱) موضوع تصویب‌نامه شماره ۳۰۷۶۳/ت/۳۱۰۵۴ هـ مورخ ۱۳۸۳/۶/۱۸ به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده ۱۲- هیئت مدیره سازمان از پنج عضو (یک نفر رئیس و دو نفر عضو موظف و دو نفر عضو غیرموظف) تشکیل می‌شود. رئیس هیئت مدیره توسط اعضای هیئت مدیره تعیین می‌شود. اعضای هیئت مدیره علاوه بر وظایف اصلی، سرپرستی قسمتی از امور سازمان را به تشخیص رئیس هیئت مدیره نیز به عهده خواهند داشت.

ماده ۱۶- جلسات هیئت مدیره با حضور رئیس هیئت مدیره و حداقل سه نفر از اعضا رسمیت می‌یابد و تصمیمات متخذه با اکثریت آراء (حداقل سه رأی موافق) معتبر است و تصمیمات آن در دفتر مخصوص ثبت و به امضای اعضای هیئت مدیره حاضر در جلسه می‌رسد.

دیدگاه مغایرت

حکم ذیل ماده (۱۲) این مصوبه مبنی بر واگذاری سرپرستی قسمتی از امور سازمان به اعضای هیئت مدیره به تشخیص رئیس هیئت مدیره، مغایر با اصل (۸۵) قانون اساسی است؛ زیرا تعیین این موضوع امری است که ماهیت تقنینی دارد و بر اساس اصل (۸۵) قانون اساسی، انجام آن در صلاحیت مجلس و غیرقابل واگذاری به غیر است. بر این اساس، این مصوبه از این جهت، مغایر با قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت



تصمیم دولت است، بر عهده هیئت وزیران می‌باشد؟

نظر مجلس:

ماده واحده- هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه‌هایی که به موجب تصویب مجلس شورای اسلامی به هیئت دولت واگذار شده است، چون تغییر نظر دولت محسوب می‌شود با هیئت وزیران است.»

۱. مواد (۱۲) و (۱۴) اساسنامه سازمان مجری ساختمان‌ها و تأسیسات دولتی و عمومی (شرکت مادر تخصصی) مصوب ۱۳۸۳/۴/۲۸: «ماده ۱۲- هیئت مدیره سازمان از سه عضو موظف (یک نفر رئیس و دو نفر عضو اصلی) تشکیل می‌شود. رئیس هیئت مدیره توسط اعضای هیئت مدیره تعیین می‌شود. اعضای هیئت مدیره علاوه بر وظایف اصلی، سرپرستی قسمتی از امور سازمان را به تشخیص رئیس هیئت مدیره نیز به عهده خواهد داشت.

ماده ۱۶- جلسات هیئت مدیره با حضور رئیس هیئت مدیره و حداقل یک نفر از اعضا رسمیت یافته و تصمیمات متخذه با اکثریت آراء (حداقل ۲ رأی موافق) معتبر است و تصمیمات آن در دفتر مخصوص ثبت و به امضای اعضای هیئت مدیره حاضر در جلسه می‌رسد.»

از آنجا که این مصوبه در مقام اصلاح اساسنامه‌ی سازمان مجری ساختمان‌ها و تأسیسات دولتی و عمومی است و طبق ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷، هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه‌هایی که به موجب تصویب مجلس شورای اسلامی به هیئت دولت واگذار شده است با هیئت وزیران است، حکم ذیل ماده (۱۲) این مصوبه مبنی بر واگذاری سرپرستی قسمتی از امور سازمان به اعضای هیئت مدیره به تشخیص رئیس هیئت مدیره، مغایرتی با اصل (۸۵) قانون اساسی ندارد. به عبارت دیگر، اقدام به تقنین در خصوص اساسنامه‌ی سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی توسط هیئت وزیران، در صورتی که این مجوز از سوی مجلس به هیئت وزیران واگذار شده باشد، طبق مفاد اصل (۸۵) قانون اساسی بلا اشکال است.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه هیئت وزیران در خصوص اصلاحیه اساسنامه سازمان مجری ساختمان‌ها و تأسیسات دولتی و عمومی، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

اصلاح اساسنامه سازمان خصوصی سازی

مصوب ۱۳۹۳/۲/۱۰

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد ماده (۲۷) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۶، «اصلاح اساسنامه سازمان خصوصی سازی» را بنا به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی جهت بررسی در دستور جلسه ۱۳۹۳/۲/۱۰ قرار داد و اصلاحات لازم را در این اساسنامه به تصویب رساند. پس از آن، این اصلاحیه برای طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۴۹۲/۱۴۱۱۲ مورخ ۱۳۹۳/۲/۱۴ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۴، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۳۱۷ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ به هیئت وزیران اعلام کرد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۲/۱۰

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۴/۴

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۲/۱۰ به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی و به استناد ماده (۲۷) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی - مصوب (۱۳۸۶)-^۱ تصویب کرد:

۱. ماده (۲۷) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۸: «ماده ۲۷- اساسنامه سازمان خصوصی سازی با توجه به مأموریت‌های جدید توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی تدوین و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

تبصره ۱- سازمان خصوصی سازی مجاز است با تصویب هیئت وزیران تا سقف پست‌های سازمانی مصوب، کارمند استخدام نماید.

تبصره ۲- دستگاه‌های اجرایی مکلفند بنا به درخواست سازمان خصوصی سازی کارشناسان خود را به آن سازمان مأمور یا منتقل نمایند.

تبصره ۳- سازمان خصوصی سازی مجاز است از خدمات فنی و تخصصی کارشناسان، اشخاص حقیقی و حقوقی دولتی و یا غیردولتی به شکل ساعتی و کار معین استفاده کند.

متن زیر به عنوان تبصره به ماده (۳) اصلاحی اساسنامه سازمان خصوصی سازی،^(۱) موضوع تصویب نامه شماره ۱۷۵۷۷۸/ت ۴۹۹۱۷ هـ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۲۳ الحاق می گردد. تبصره- افزایش سرمایه یادشده صرفاً از محل تجدید ارزیابی دارایی ها موضوع بند (۴۸) ماده واحده قانون بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور^(۲) تأمین شده است.

دیدگاه عدم مغایرت

هیچ یک از اعضای شورای نگهبان در خصوص مغایرت مفاد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی نظری ابراز نکردند.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه هیئت وزیران در خصوص اصلاح اساسنامه سازمان خصوصی سازی، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.



تبصره ۴- دولت مجاز است برای آموزش های کوتاه مدت تخصصی، ترغیب و تشویق و پاداش کارکنان سازمان خصوصی سازی، هر ساله یک ردیف اعتبار در قانون بودجه منظور نماید. اعتبارات این ردیف طبق آیین نامه ای که به پیشنهاد هیئت واگذاری به تصویب شورای عالی اجراء سیاست های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی خواهد رسید هزینه می شود.»

۱. ماده (۳) اصلاحی اساسنامه سازمان خصوصی سازی، موضوع تصویب نامه شماره ۱۷۵۷۷۸/ت ۴۹۹۱۷ هـ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۲۳: «ماده ۳- سرمایه سازمان، مبلغ دویست و هشتاد و هفت میلیارد و ششصد و چهل میلیون و هشتصد و سی و یک هزار و هشتصد و سی و پنج (۲۸۷,۶۴۰,۸۳۱,۸۳۵) ریال و صد درصد (۱۰۰٪) متعلق به دولت می باشد که تمامی آن پرداخت شده است.»

۲. بند (۴۸) ماده واحده قانون بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور: «۴۸- افزایش سرمایه بنگاه های اقتصادی ناشی از تجدید ارزیابی دارایی های آنها، از شمول مالیات معاف است مشروط بر آنکه متعاقب آن به نسبت استهلاك دارایی مربوطه و یا در زمان فروش، مبنای محاسبه مالیات اصلاح گردد و بنگاه یادشده طی پنج سال اخیر، تجدید ارزیابی نشده باشد. آیین نامه اجرایی این بند از جمله شرکت های مشمول یا غیرمشمول موضوع این بند به تصویب هیئت وزیران می رسد.»

**اصلاحیه اساسنامه سازمان مجری ساختمان‌ها و تأسیسات دولتی و عمومی
(شرکت مادر تخصصی)
مصوب ۱۳۹۳/۴/۴**

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی، «اصلاحیه اساسنامه سازمان مجری ساختمان‌ها و تأسیسات دولتی و عمومی (شرکت مادر تخصصی)» را بنا به پیشنهاد معاونت حقوقی رئیس جمهور و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷، در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۴ هیئت وزیران به تصویب رساند. پس از آن، این اصلاحیه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۷۰۵/۳۶۹۴۰ مورخ ۱۳۹۳/۴/۸ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۵۰۷ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۴ به هیئت وزیران اعلام کرد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۴/۴

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۴/۱۸

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۴/۴ به پیشنهاد شماره ۲۲۸۸۲/۲۵۰۸۳ مورخ ۱۳۹۳/۳/۱۸ معاونت حقوقی رئیس جمهور و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت - مصوب ۱۳۷۷ -^(۱) تصویب کرد:

۱. قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷/۱/۳۰: «موضوع استفساریه:

آیا در مواردی که مجلس شورای اسلامی اجازه تصویب اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت از جمله مؤسساتی را که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است به دولت داده است، اصلاح اساسنامه در هر مورد نیازمند کسب مجوز مجدد از مجلس شورای اسلامی است، یا اصلاح اساسنامه، که در واقع اصلاح

در تبصره الحاقی به ماده (۴) اساسنامه سازمان مجری ساختمان‌ها و تأسیسات دولتی و عمومی (شرکت مادر تخصصی)^(۱) موضوع تصویب‌نامه شماره ۱۲۸۳۹۹/ت ۳۱۰۵۴ هـ مورخ ۱۳۹۲/۷/۲۰، عبارت «با رعایت ماده (۵۶) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران»^(۲) پس از عبارت «مجاز است» اضافه می‌گردد.

دیدگاه عدم مغایرت

هیچ یک از اعضای شورای نگهبان، در خصوص مغایرت مفاد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی نظری ابراز نکردند.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.
تذکر: تاریخ تصویب‌نامه شماره ۱۲۸۳۹۹/ت ۳۱۰۵۴ هـ، از ۱۳۹۲/۷/۲۰ به ۱۳۹۲/۴/۲ اصلاح شود.



تصمیم دولت است، بر عهده هیئت وزیران می‌باشد؟

نظر مجلس:

ماده واحده- هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه‌هایی که به موجب تصویب مجلس شورای اسلامی به هیئت دولت واگذار شده است، چون تغییر نظر دولت محسوب می‌شود با هیئت وزیران است.»

۱. ماده (۴) اساسنامه سازمان مجری ساختمان‌ها و تأسیسات دولتی و عمومی (شرکت مادر تخصصی) مصوب ۱۳۸۳/۴/۲۸: «ماده ۴- وظایف و اختیارات سازمان به شرح زیر است:

۱- ...

تبصره الحاقی به ماده (۴) اساسنامه سازمان مجری ساختمان‌ها و تأسیسات دولتی و عمومی (شرکت مادر تخصصی) مصوب ۱۳۹۲/۴/۲: «تبصره- شرکت مجاز است به استناد ماده (۸۳) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت - مصوب ۱۳۸۰- عملیات اجرایی قسمتی از پروژه‌های هر یک از طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای را که اعتبار آن از منابع عمومی دولت تأمین می‌شود، برای اجرا به واحدهای استانی وزارت راه و شهرسازی واگذار و اعتبار مربوط را بر اساس ماده (۷۵) قانون محاسبات عمومی کشور ابلاغ نماید.»

۲. ماده (۵۶) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵: «ماده ۵۶- به منظور حذف تشکیلات موازی، تمرکز ساخت و ساز ساختمان‌های دولتی و عمومی قوه مجریه، ارتقاء کیفیت ساخت و ساز و نیز لزوم رعایت مقررات و ضوابط و استانداردها، دولت موظف است امور برنامه‌ریزی، مطالعه، طراحی و اجرای ساختمان‌های مزبور را در وزارت مسکن و شهرسازی (سازمان مجری ساختمان‌ها، تأسیسات دولتی و عمومی) متمرکز نماید. وزارتخانه‌های آموزش و پرورش و اطلاعات، نیروهای مسلح، سازمان انرژی اتمی و مواردی که به پیشنهاد معاونت به تصویب هیئت وزیران می‌رسد، از شمول این حکم مستثنی است. معاونت توسعه و سرمایه انسانی موظف است تا پایان سال اول برنامه نسبت به اصلاح ساختار دستگاه‌هایی که به ساخت و ساز ساختمان‌های عمومی دولتی می‌پردازند، اقدام نماید.»

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه هیئت وزیران در خصوص اصلاحیه اساسنامه سازمان مجری ساختمان‌ها و تأسیسات دولتی و عمومی (شرکت مادر تخصصی)، قطع نظر از اینکه استناد به ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷، در خصوص مورد موجه نمی‌باشد، اصلاحیه مذکور مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

تذکر:

- تاریخ تصویب نامه شماره ۱۲۸۳۹۹/ت/۳۱۰۵۴ هـ، از ۱۳۹۲/۷/۲۰ به ۱۳۹۲/۴/۲ اصلاح شود.

اصلاح اساسنامه شرکت ارتباطات زیرساخت

مصوب ۱۳۹۳/۴/۸

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷، «اصلاح اساسنامه شرکت ارتباطات زیرساخت» را بنا به پیشنهاد وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات جهت بررسی در دستور جلسه ۱۳۹۳/۴/۸ قرار داد و اصلاحات لازم را در این اساسنامه به تصویب رساند. پس از آن، این اصلاحیه برای طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۶۴۰/۴۶۱۰۰ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۹ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۵/۱۵، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۷۲۵ مورخ ۱۳۹۳/۵/۱۹ به هیئت وزیران اعلام کرد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۴/۸

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۵/۱۵

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۴/۸ به پیشنهاد شماره ۱/۱۱۸۶۳ مورخ ۱۳۹۳/۲/۲۸ وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت - مصوب ۱۳۷۷^(۱) تصویب کرد:

۱. قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷/۱/۳۰: «موضوع استفساریه:

آیا در مواردی که مجلس شورای اسلامی اجازه تصویب اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت از جمله مؤسساتی را که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است به دولت داده است، اصلاح اساسنامه در هر مورد نیازمند کسب مجوز مجدد از مجلس شورای اسلامی است، یا اصلاح اساسنامه که در واقع اصلاح تصمیم دولت است، برعهده هیئت وزیران می‌باشد؟
نظر مجلس:

اساسنامه شرکت ارتباطات زیرساخت، موضوع تصویب‌نامه شماره ۱۶۹۲۹۹/ت ۳۷۷۵۱ هـ مورخ ۱۳۸۷/۹/۲۰ به شرح زیر اصلاح می‌شود:

۱- متن زیر جایگزین ماده (۱۶) می‌شود:

ماده ۱۶- هیئت مدیره شرکت مرکب از پنج عضو اصلی می‌باشد که حداکثر دو عضو آن غیرموظف خواهد بود. اعضای موظف به پیشنهاد وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات و تصویب مجمع عمومی عادی و اعضای غیرموظف توسط رئیس مجمع عمومی از بین افراد با تحصیلات عالی و دارای سابقه مدیریت و صاحب‌نظر در تخصص‌های مرتبط با فعالیت‌های شرکت با اولویت کارکنان شرکت برای مدت دو سال انتخاب می‌شوند. اعضای هیئت مدیره پس از انقضای مدت تا زمانی که تجدید انتخاب به عمل نیامده است، در سِمَت خود باقی خواهند بود و انتخاب مجدد آنها برای دوره‌های بعد بلامانع است.

۲- در تبصره (۱) ماده (۱۶)، ماده (۲۲) و ماده (۲۵) عبارت‌های «اعضای هیئت مدیره» به عبارت‌های «اعضای موظف هیئت مدیره» اصلاح می‌شود.

دیدگاه مغایرت

با توجه به اینکه طبق قانون، از کسانی که متقاضی تصدی مناصب دولتی می‌شوند، گزینش به عمل می‌آید و یکی از شرایط گزینش، مورد وثوق بودن افراد متقاضی است، نیازی به ذکر شرط وثاقت برای اعضای هیئت مدیره‌ی «موظف» در اساسنامه‌ی پیشین شرکت نبوده است؛ لیکن از آنجا که این گزینش در مورد اعضای هیئت مدیره‌ی «غیرموظف» وجود ندارد و انتخاب آنها صرفاً به خود شرکت واگذار شده است و بر این اساس، ممکن است افراد غیر موثق به این سِمَت انتخاب شوند لازم است در این اساسنامه‌ی اصلاحی، به شرط وثاقت و لزوم احراز آن برای اعضای هیئت مدیره‌ی غیرموظف شرکت تصریح شود. با این وصف، از آنجا که در این مصوبه، تصدی منصب هیئت مدیره در مورد اعضای غیرموظف مقید به شرط وثاقت نشده است، اطلاق این مصوبه مغایر با موازین شرعی است.

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به اینکه شرکت ارتباطات زیرساخت، دولتی محسوب می‌شود و طبق قانون، از کسانی



ماده واحده- هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه‌هایی که به موجب تصویب مجلس شورای اسلامی به هیئت دولت واگذار شده است، چون تغییر نظر دولت محسوب می‌شود با هیئت وزیران است.

که متقاضی تصدی مناصب دولتی می‌شوند، گزینش به عمل می‌آید و یکی از شرایط گزینش، مورد وثوق بودن افراد متقاضی است، نیازی به ذکر مجدد این شرط در این مصوبه برای اعضای هیئت مدیره‌ی این شرکت نبوده است. از طرفی، موظف یا غیرموظف بودن اعضای هیئت مدیره تفاوتی در لزوم گزینش و احراز وثاقت برای عضویت در هیئت مدیره‌ی شرکت دولتی ایجاد نمی‌کند. از این رو، از آنجا که شرط وثاقت برای تصدی منصب هیئت مدیره شرکت مذکور امری مفروض و مفروغ‌عنه است، عدم ذکر شرط وثاقت در این مصوبه با اشکالی مواجه نیست.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه هیئت وزیران در خصوص اصلاح اساسنامه شرکت ارتباطات زیرساخت، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

اصلاح اساسنامه سازمان فناوری اطلاعات ایران

مصوب ۱۳۹۳/۴/۸

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷، «اصلاح اساسنامه سازمان فناوری اطلاعات ایران» را بنا به پیشنهاد وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات جهت بررسی در دستور جلسه ۱۳۹۳/۴/۸ قرار داد و اصلاحات لازم را در این اساسنامه به تصویب رساند. پس از آن، این اصلاحیه برای طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۶۴۰/۴۶۱۰۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۹ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۵/۱۵، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۷۲۶ مورخ ۱۳۹۳/۵/۱۹ به هیئت وزیران اعلام کرد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۴/۸

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۵/۱۵

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۴/۸ به پیشنهاد شماره ۱/۱۱۸۶۳ مورخ ۱۳۹۳/۲/۲۸ وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت - مصوب ۱۳۷۷ -^(۱) تصویب کرد:

۱. قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷/۱/۳۰: «موضوع استفساریه:

آیا در مواردی که مجلس شورای اسلامی اجازه تصویب اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت از جمله مؤسساتی را که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است به دولت داده است، اصلاح اساسنامه در هر مورد نیازمند کسب مجوز مجدد از مجلس شورای اسلامی است، یا اصلاح اساسنامه که در واقع اصلاح تصمیم دولت است، برعهده هیئت وزیران می‌باشد؟
نظر مجلس:

اساسنامه سازمان فناوری اطلاعات ایران، موضوع تصویب نامه‌های شماره ۲۳۰۲۴۶/ت/۴۰۶۷۵ هـ مورخ ۱۳۸۷/۱۲/۱۰ و شماره ۱۲۱۶۸۴/ت/۴۷۸۳۳ هـ مورخ ۱۳۹۱/۶/۱۹ به شرح ذیل اصلاح می‌شود:

۱- متن زیر جایگزین ماده (۱۵) می‌شود:

ماده ۱۵- هیئت عامل سازمان مرکب از پنج عضو می‌باشد که حداکثر دو عضو آن غیرموظف خواهد بود. اعضای موظف به پیشنهاد وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات و تصویب مجمع عمومی عادی و اعضای غیرموظف توسط رئیس مجمع عمومی از بین افراد با تحصیلات عالی و دارای سابقه مدیریت و صاحب‌نظر در تخصص‌های مرتبط با فعالیت‌های سازمان با اولویت کارکنان سازمان برای مدت دو سال انتخاب می‌شوند. اعضای هیئت عامل پس از انقضای مدت تا زمانی که تجدید انتخاب به عمل نیامده است، در سِمَت خود باقی خواهند بود و انتخاب مجدد آنها برای دوره‌های بعد بلامانع است.

۲- در تبصره (۲) ماده (۱۵) و ماده (۲۲) عبارت‌های «اعضای هیئت عامل» به عبارت‌های «اعضای موظف هیئت عامل» اصلاح می‌شود.

دیدگاه مغایرت

با توجه به اینکه طبق قانون، از کسانی که متقاضی تصدی مناصب دولتی می‌شوند، گزینش به عمل می‌آید و یکی از شرایط گزینش، مورد وثوق بودن افراد متقاضی است، نیازی به ذکر شرط وثاقت برای اعضای «موظف» هیئت عامل در اساسنامه‌ی پیشین نبوده است؛ لیکن از آنجا که این گزینش در مورد اعضای «غیرموظف» هیئت عامل وجود ندارد و انتخاب آنها صرفاً به خود سازمان واگذار شده است و بر این اساس، ممکن است افراد غیر موثق به این سِمَت انتخاب شوند لازم است در این اساسنامه‌ی اصلاحی، به شرط وثاقت و لزوم احراز آن برای اعضای غیرموظف هیئت عامل تصریح شود. با این وصف، از آنجا که در این مصوبه، تصدی منصب هیئت عامل در مورد اعضای غیرموظف مقید به شرط وثاقت نشده است، اطلاق این مصوبه مغایر با موازین شرعی است.

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به اینکه سازمان فناوری اطلاعات ایران، سازمان دولتی محسوب می‌شود و طبق قانون،



ماده واحده- هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه‌هایی که به موجب تصویب مجلس شورای اسلامی به هیئت دولت واگذار شده است، چون تغییر نظر دولت محسوب می‌شود با هیئت وزیران است.

از کسانی که متقاضی تصدی مناصب دولتی می‌شوند، گزینش به عمل می‌آید و یکی از شرایط گزینش، مورد وثوق بودن افراد متقاضی است، نیازی به ذکر مجدد این شرط در این مصوبه برای اعضای هیئت عامل این سازمان نبوده است. از طرفی، موظف یا غیرموظف بودن اعضای هیئت عامل تفاوتی در لزوم گزینش و احراز وثاقت برای عضویت در هیئت عامل ایجاد نمی‌کند. از این‌رو، از آنجا که شرط وثاقت برای تصدی منصب هیئت عامل این سازمان، امری مفروض و مفروغ‌عنه است، عدم ذکر شرط وثاقت در این مصوبه با اشکالی مواجه نیست.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه هیئت وزیران در خصوص اصلاح اساسنامه سازمان فناوری اطلاعات ایران، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

اصلاح اساسنامه صندوق نوآوری و شکوفایی

مصوب ۱۳۹۳/۶/۲

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد تبصره (۳) ماده (۵) قانون حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان و تجاری‌سازی نوآوری‌ها و اختراعات مصوب ۱۳۸۹، «اصلاح اساسنامه صندوق نوآوری و شکوفایی» را بنا به پیشنهاد شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۶/۲ هیئت وزیران به تصویب رساند. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۷۶۱/۶۴۰۰۹ مورخ ۱۳۹۳/۶/۸ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۹، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۰۰۴ مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۹ به هیئت وزیران اعلام کرد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۶/۲

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۶/۱۹

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۶/۲ به پیشنهاد شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری و به استناد تبصره (۳) ماده (۵) قانون حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان و تجاری‌سازی نوآوری‌ها و اختراعات - مصوب ۱۳۸۹-^(۱) تصویب کرد:

۱. ماده (۵) قانون حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان و تجاری‌سازی نوآوری‌ها و اختراعات مصوب ۱۳۸۹/۸/۵: «ماده ۵- به منظور کمک به تجاری‌سازی نوآوری‌ها و اختراعات و شکوفاسازی و کاربردی نمودن دانش فنی از طریق ارائه کمک و تسهیلات قرض‌الحسنه و تسهیلات بدون اخذ هرگونه تضمین و مشارکت با اختیار بخشش تمام یا بخشی از سهم مشارکت به شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان، صندوقی تحت عنوان صندوق نوآوری و شکوفایی وابسته به شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری و زیر نظر رئیس شورا تأسیس می‌شود. منابع مالی صندوق شامل کمک‌های دولت، اعتبارات مندرج در بودجه سالانه، هرگونه کمک و سرمایه‌گذاری اشخاص حقیقی و حقوقی و شرکت‌های دولتی وابسته و تابع، نهادهای عمومی غیردولتی و شهرداری‌ها و شرکت‌های وابسته و تابع می‌باشد. بانک‌ها نیز می‌توانند بخشی از منابع تسهیلات موضوع صندوق یادشده را تأمین نمایند. به منظور تأمین منابع مالی صندوق، دولت موظف است از سال سوم به بعد در لایحه بودجه، حداقل نیم درصد (۰/۵٪) از

متن زیر به عنوان بند (۹) به ماده (۸) اساسنامه صندوق نوآوری و شکوفایی^(۱) موضوع تصویب‌نامه شماره ۵۰۲۹۸/ت/۴۶۴۲۸ هـ مورخ ۱۳۹۱/۳/۱۶ الحاق و شماره بند (۹) قبلی به بند (۱۰) اصلاح می‌شود:
۹- وزیر صنعت، معدن و تجارت.

دیدگاه عدم مغایرت

هیچ یک از اعضای شورای نگهبان، در خصوص مغایرت مفاد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی نظری ابراز نکردند.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه هیئت وزیران در خصوص اصلاح اساسنامه صندوق نوآوری و شکوفایی، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.



منابع بودجه عمومی خود را جهت کمک به این صندوق در نظر بگیرد.

تبصره ۱- ...

تبصره ۳- اساسنامه این صندوق شامل ارکان، وظایف، اختیارات، نحوه فعالیت، مدیریت و نظارت بر صندوق در چارچوب این قانون توسط شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری حداکثر ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.»

۱. ماده (۸) اساسنامه صندوق نوآوری و شکوفایی مصوب ۱۳۹۰/۶/۲۰: «ماده ۸- اعضای هیئت امنای صندوق به شرح ذیل می‌باشد:

۱- رئیس جمهور (رئیس هیئت امناء)

۲- معاون علمی و فناوری رئیس جمهور

۳- معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور

۴- وزیر علوم، تحقیقات و فناوری

۵- وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

۶- وزیر امور اقتصادی و دارایی

۷- رئیس کل بانک مرکزی

۸- رئیس بنیاد ملی نخبگان

۹- سه نفر با انتخاب رئیس جمهور.

تبصره- نایب رئیس و دبیر هیئت امناء با حکم رئیس هیئت امناء انتخاب می‌شود. دستور جلسه، تاریخ و محل جلسات هیئت امناء توسط دبیر هیئت امناء تعیین می‌شود.»

اصلاح اساسنامه شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران

مصوب ۱۳۹۳/۶/۵

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، مؤسسات، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷، «اصلاح اساسنامه شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران» را بنا به پیشنهاد وزارت نیرو در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۶/۵ هیئت وزیران به تصویب رساند. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۴۵۴۶۷/۶۴۶۲۰ مورخ ۱۳۹۳/۶/۹ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۲، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۱۳۹ مورخ ۱۳۹۳/۷/۹ به هیئت وزیران اعلام کرد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۶/۵

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۷/۲

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۶/۵ به پیشنهاد شماره ۹۲/۴۵۹۷۱/۶۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۹ وزارت نیرو و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، مؤسسات، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت - مصوب ۱۳۷۷^(۱) تصویب کرد:

۱. قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷/۱/۳۰: «موضوع استفساریه:

آیا در مواردی که مجلس شورای اسلامی اجازه تصویب اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت از جمله مؤسساتی را که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است به دولت داده است، اصلاح اساسنامه در هر مورد نیازمند کسب مجوز مجدد از مجلس شورای اسلامی است، یا اصلاح اساسنامه که در واقع اصلاح تصمیم دولت است، برعهده هیئت وزیران می‌باشد؟
نظر مجلس:

متن زیر به‌عنوان ماده (۳۴) به اساسنامه شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران موضوع تصویب‌نامه شماره ۲۷۳۰/ت/۲۸۲۲۵ هـ مورخ ۱۳۸۲/۳/۲۰ اضافه می‌شود:
ماده ۳۴- شرکت مجاز است در ازای ارائه خدمات موضوع ماده (۷)^(۱) با تصویب مجمع

→

- ماده واحده- هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه‌هایی که به موجب تصویب مجلس شورای اسلامی به هیئت دولت واگذار شده است، چون تغییر نظر دولت محسوب می‌شود با هیئت وزیران است.»
۱. ماده (۷) اساسنامه شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران مصوب ۱۳۸۱/۱۲/۷: «ماده ۷- موضوع فعالیت شرکت عبارت است از مدیریت سهام و سرمایه‌های شرکت در شرکت‌های زیرمجموعه و انجام هرگونه فعالیت در راستای شناخت، مطالعه، توسعه، حفاظت، بهره‌برداری بهینه از منابع آب، تأسیسات و سازه‌های آبی (به استثنای امور مربوط به توزیع آب، جمع‌آوری و انتقال و تصفیه فاضلاب شهری و روستایی) و ظرفیت‌های برق آبی اعم از مدیریت نظارت، سرمایه‌گذاری در چارچوب تکالیف مندرج در قوانین و مقررات مربوط و سیاست‌های وزارت نیرو که از طریق شرکت‌های زیرمجموعه و یا عنداللزوم با تصویب مجمع عمومی توسط شرکت انجام خواهد شد. موارد ذیل از جمله آن می‌باشد:
- ۱- کارگزاری وزارت نیرو در اجرای قانون توزیع عادلانه آب و سایر قوانین و مقررات مربوط به آب، از جمله مدیریت و کنترل بهره‌برداری از منابع آب و انجام امور مطالعات پایه و حفاظت کمی و کیفی منابع آب.
- ۲- بررسی و تدوین پیشنهادهای لازم در زمینه راهبردها، سیاست‌ها، برنامه‌های بلندمدت و میان‌مدت بخش آب و ارائه آنها به وزارت نیرو.
- ۳- اجرای برنامه‌ها و مصوبات وزارت نیرو.
- ۴- جمع‌آوری، تهیه، تولید و تحلیل اطلاعات پایه مورد نیاز برای شناخت و رفتارسنجی کمی و کیفی منابع آب.
- ۵- راهبری و انجام نظارت در شناخت، مطالعه و اجرای طرح‌های تأمین و انتقال آب، شبکه‌های آبیاری و زهکشی، پایداری و ایمنی سدها، مهندسی رودخانه‌ها و سواحل، کنترل سیلاب و تغذیه مصنوعی، و تولید انرژی برق آبی و همچنین راهبری و انجام نظارت در بهره‌برداری از تأسیسات و سازه‌های مربوط.
- تبصره- ...
- ۶- تهیه، تدوین دستورالعمل‌ها و روش‌های استفاده بهینه از منابع آب و ارائه آنها به وزارت نیرو برای تصویب.
- ۷- انجام عملیات لازم به منظور نظارت در نحوه استفاده از منابع آب در بخش‌های مختلف مصرف به نمایندگی از طرف وزارت نیرو و همچنین ترویج فرهنگ مدیریت مصرف به منظور بهینه‌سازی مصرف و کاهش مصارف غیرضروری.
- ۸- تهیه دستورالعمل‌ها، ضوابط، معیارها و استانداردهای فنی و تخصصی مورد نیاز در زمینه احداث، نگهداری و بهره‌برداری از تأسیسات و سازه‌های آبی و ارائه آن به وزارت نیرو برای تصویب.
- ۹- انجام اقدامات لازم برای توسعه تحقیقات، فناوری، انتقال دانش فنی، اطلاع‌رسانی در زمینه‌های آب و انرژی برق آبی و نیز تأمین منابع مالی و پشتیبانی از این‌گونه فعالیت‌ها.
- ۱۰- انجام اقدامات لازم به منظور آموزش و توسعه منابع انسانی و سایر عوامل مؤثر در ارتقای مدیریت و بهره‌وری در بهره‌برداری از تأسیسات و سازه‌های آبی و برق آبی.
- ۱۱- حمایت از توسعه فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی و تحقیقات در زمینه‌های تخصصی مرتبط با بخش آب و پشتیبانی از برنامه‌های تربیت متخصصان مورد نیاز بخش آب کشور.
- ۱۲- عضویت در انجمن‌های علمی و تخصصی داخلی و بین‌المللی در چارچوب قوانین و مقررات ذی‌ربط.

←

عمومی تا دو درصد از درآمدهای شرکت‌های آب منطقه‌ای و شرکت سهامی سازمان آب و برق خوزستان و شرکت سهامی توسعه منابع آب و نیروی ایران را در قالب بودجه سالانه به‌منظور تأمین بخشی از هزینه‌های خود دریافت و با توجه به امکانات فنی، علمی و تحقیقاتی خود خدمات لازم را در زمینه‌های مرتبط با فعالیت شرکت به سایر دستگاه‌ها و مؤسسات در قبال حق الزحمه ارائه نماید.

دیدگاه عدم مغایرت

هیچ یک از اعضای شورای نگهبان، در خصوص مغایرت مفاد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی نظری ابراز نکردند.

→

- ۱۳- همکاری با مؤسسات داخل و خارج کشور و تبادل اطلاعات علمی برای انجام وظایف شرکت.
- ۱۴- تدوین و پیشنهاد تعرفه‌های آب برای مشترکین شرکت‌های زیرمجموعه به وزارت نیرو و انجام هماهنگی‌های لازم با دستگاه‌های ذی‌ربط برای سیر مراحل قانونی تصویب و نظارت بر اعمال تعرفه‌ها در شرکت‌های زیرمجموعه.
- ۱۵- انجام معاملات و انعقاد قراردادهای مربوط به خرید و فروش عمده آب و انرژی برق آبی از طریق شرکت‌های زیرمجموعه.
- ۱۶- مدیریت، توسعه و تأمین منابع مالی بخش آب جهت سرمایه‌گذاری در تأسیسات تأمین آب، انتقال آب و انرژی برق آبی برابر برنامه‌های مصوب و استفاده بهینه از این منابع از طریق برقراری تسهیلات و گردش منابع مالی، فی‌مابین شرکت و شرکت‌های زیرمجموعه.
- ۱۷- اتخاذ روش‌ها و راهکارهای مدیریت مالی و اجرایی و تدابیر و راهکارهای لازم به منظور حصول اطمینان از اجرای صحیح و به موقع طرح‌ها و انجام سایر فعالیت‌ها.
- ۱۸- اخذ هر گونه وام و تسهیلات مالی از منابع داخلی و خارجی، عرضه اوراق قرضه و مشارکت داخلی و پیش‌فروش اشتراک و سایر روش‌های تأمین مالی و همچنین تضمین شرکت‌های زیرمجموعه برای اخذ وام و تسهیلات بارعایت ضوابط و دستورالعمل‌های مصوب مجمع عمومی.
- ۱۹- برنامه‌ریزی و انجام اقدامات لازم به منظور تأمین منابع مالی، جلب مشارکت‌های مردمی و بخش خصوصی و همچنین جلب سرمایه بر اساس ضوابط و مقررات مربوط به منظور توسعه ظرفیت‌های اجرای طرح‌های آب و بهره‌برداری از تأسیسات مربوط.
- ۲۰- انجام اقدامات و پشتیبانی‌های لازم به منظور توسعه مشارکت بخش خصوصی کشور برای انجام امور مطالعاتی، اجرایی، بهره‌برداری و نگهداری طرح‌های آب و برق آبی و تأسیسات مربوط بر اساس ضوابط و مقررات مربوط.
- ۲۱- هماهنگی و تنظیم روابط فنی، مالی، اداری بین شرکت‌های زیرمجموعه با یکدیگر و با شرکت.
- ۲۲- ارزیابی از عملکرد سالانه شرکت‌های زیرمجموعه در زمینه‌های مدیریت فنی، مالی، اداری و منابع انسانی.
- ۲۳- تشکیل شرکت و مشارکت در شرکت‌های دیگر که مرتبط با موضوع شرکت باشد با رعایت مقررات مربوط.
- ۲۴- مبادرت به هرگونه فعالیت که با هدف شرکت مرتبط باشد.

نظر شورای نگهبان

تذکر: با توجه به اینکه ماده (۳۴)^(۱) مصوب سال ۱۳۹۰ به اساسنامه مذکور الحاق گردیده و طی نامه مورخ ۱۳۹۰/۸/۲۶ به تأیید این شورا رسیده است، لذا واژه «اضافه» صحیح نبوده و در حقیقت، این ماده به عنوان اصلاحیه ماده (۳۴) سابق می‌باشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه هیئت وزیران در خصوص اصلاح اساسنامه شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. ماده (۳۴) اساسنامه شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران (الحاقی مورخ ۱۳۹۰/۶/۲۰ هیئت وزیران): «ماده ۳۴- شرکت مجاز است بابت راهبری و مدیریت منابع آب کشور و ارائه خدمات موضوع ماده (۷) با تصویب مجمع عمومی به میزان دو درصد از درآمدهای شرکت‌های آب منطقه‌ای و استانی و شرکت سهامی سازمان آب و برق خوزستان و شرکت سهامی توسعه منابع آب و نیروی ایران را در قالب بودجه سالانه به منظور تأمین بخشی از هزینه‌های خود دریافت و با توجه به امکانات فنی، علمی و تحقیقاتی خود، خدمات لازم را در زمینه‌های مرتبط با فعالیت شرکت به سایر دستگاه‌ها و مؤسسات اعم از دولتی یا خصوصی در قبال حق الزحمه ارائه نماید.»

اصلاح اساسنامه شرکت صید صنعتی منطقه آزاد چابهار

مصوب ۱۳۹۳/۶/۲۶

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و بنا به پیشنهاد شماره ۹۲۲/۱۰/۴۵۳ مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۱۴ شورای عالی مناطق آزاد تجاری- صنعتی و ویژه اقتصادی و به استناد بند (ب) ماده (۴) قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری- صنعتی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۲^(۱)، اصلاح اساسنامه شرکت صید صنعتی منطقه آزاد چابهار را در تاریخ ۱۳۹۳/۳/۴ تصویب کرد. این مصوبه جهت طی مراحل قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۰۸۷/۲۷۷۳۸ مورخ ۱۳۹۳/۳/۱۳ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان با بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۵/۱، برخی از مفاد آن را مغایر با سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی و مآلاً مغایر با اصل (۱۱۰) قانون اساسی تشخیص داد و نظر خود را در این خصوص، طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۶۲۱ مورخ ۱۳۹۳/۵/۶ به هیئت وزیران اعلام کرد. هیئت وزیران برای رفع ایراد شورای نگهبان در جلسه ۱۳۹۳/۶/۲۶، اصلاحات لازم را در این مصوبه اعمال کرد و آن را طی نامه‌ی شماره ۵۰۰۸۷/۷۳۱۵۳ مورخ ۱۳۹۳/۶/۳۰ برای بررسی مجدد به شورای نگهبان ارسال کرد. بررسی مصوبه‌ی اصلاحی در دستور کار جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۳۰ شورای نگهبان قرار گرفت. در این مرحله شورای نگهبان، پس از بحث و بررسی راجع به مصوبه‌ی اصلاحی، ایراد پیشین خود را برطرف شده دانست و نظر خود مبنی بر مغایرت نداشتن مفاد این اساسنامه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۳۲۵ مورخ ۱۳۹۳/۷/۳۰ به هیئت وزیران اعلام کرد.

۱. ماده (۴) قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری- صنعتی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۲/۶/۷: «ماده ۴-

هیئت وزیران مسئولیت

الف- تصویب آیین‌نامه‌ها و هماهنگ نمودن کلیه فعالیت‌های هر منطقه

ب- تصویب اساسنامه سازمان و شرکت‌های تابعه

ج- تصویب برنامه‌های عمرانی، فرهنگی، بودجه سالانه و عملکرد صورت‌های مالی سازمان‌های مناطق

د- تصویب مقررات امنیتی و انتظامی مناطق با تأیید فرماندهی کل قوا

ه- اعمال نظارت عالیه بر فعالیت‌های مناطق

را به عهده خواهد داشت.»

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۳/۴ (مرحله نخست)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۴/۲۵ و ۱۳۹۳/۵/۱

اساسنامه شرکت صید صنعتی منطقه آزاد چابهار موضوع تصویب‌نامه شماره ۳۰۳۳۶/ت ۱۵۰۴۲ ک مورخ ۱۳۷۴/۸/۱۴ و اصلاحات بعدی آن به شرح زیر اصلاح می‌شود:

۱- ...

۲- متون زیر به ترتیب جایگزین مواد (۲)، (۱۹) و (۲۱) می‌شوند:

ماده ۲- شرکت جهت تحقق اهداف خود مجاز است در چارچوب سیاست‌های ابلاغی شورای عالی مناطق آزاد تجاری- صنعتی و ویژه اقتصادی نسبت به انجام موارد زیر اقدام نماید:

الف- سرمایه‌گذاری و انجام امور صید و خدمات صیادی، پرورش و تکثیر و عمل‌آوری انواع آبزیان و امور مجاز خدماتی، عمرانی و تجاری.

ب- انجام فعالیت‌ها و اقدامات لازم در خصوص شناسایی و جذب سرمایه‌گذاران توانمند داخلی و خارجی جهت سرمایه‌گذاری در منطقه با رعایت مقررات سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد تجاری- صنعتی موضوع تصویب‌نامه شماره ۳۳۴۳۲/ت ۲۳ ک مورخ ۱۳۷۳/۳/۱۶ و اصلاحات بعدی آن.

تبصره- تأسیس شرکت و مشارکت در سهام شرکت‌ها تا سقف (۴۹٪) و جذب نیروی انسانی با هماهنگی دبیرخانه و در چارچوب سیاست‌های ابلاغی شورای عالی مناطق آزاد تجاری- صنعتی و ویژه اقتصادی می‌باشد.

ماده ۱۹- ...

دیدگاه مغایرت

الف) بر اساس جزء (۱) بند (الف) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی،^(۱) دولت حق فعالیت اقتصادی جدید خارج از موارد صدر اصل (۴۴) را ندارد^(۲) و موظف است هرگونه فعالیت

۱. جزء (۱) بند (الف) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی ابلاغی ۱۳۸۴: «۱- دولت حق فعالیت اقتصادی جدید خارج از موارد صدر اصل (۴۴) را ندارد و موظف است هرگونه فعالیت (شامل تداوم فعالیت‌های قبلی و بهره‌برداری از آن) را که مشمول عناوین صدر اصل (۴۴) نباشد، حداکثر تا پایان برنامه پنج‌ساله چهارم (سالانه ۲۰٪ کاهش فعالیت) به بخش‌های تعاونی و خصوصی و عمومی غیردولتی واگذار کند.

با توجه به مسئولیت نظام در حسن اداره کشور، تداوم و شروع فعالیت ضروری خارج از عناوین صدر اصل (۴۴) توسط دولت، بنا به پیشنهاد هیئت وزیران و تصویب مجلس شورای اسلامی برای مدت معین مجاز است.»

۲. اصل چهل و چهارم قانون اساسی: «نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و

(شامل تداوم فعالیت‌های قبلی و بهره‌برداری از آن) را که مشمول عناوین صدر اصل (۴۴) نباشد، حداکثر تا پایان برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی چهارم (سالانه ۲۰٪ کاهش فعالیت) به بخش‌های تعاونی و خصوصی و عمومی غیردولتی واگذار کند. در موارد ضروری نیز تداوم و شروع فعالیت دولت در حوزه‌ی خارج از عناوین صدر اصل (۴۴)، منوط به پیشنهاد هیئت وزیران و تصویب مجلس شورای اسلامی و برای مدت معین، مجاز است. این در حالی است که در بند (الف) ماده (۲) اساسنامه‌ی اصلاحی، به طور عام به شرکت صید صنعتی منطقه‌ی آزاد چابهار، اجازه‌ی سرمایه‌گذاری و انجام امور صید و خدمات صیادی، پرورش و تکثیر و عمل‌آوری انواع آبزیان و امور مجاز خدماتی، عمرانی و تجاری داده شده است و در تبصره‌ی آن نیز، تأسیس شرکت و مشارکت در سهام شرکت‌ها تجویز شده است. بر این اساس، از آنجا که اطلاق فعالیت‌های اقتصادی مزبور، شامل موارد خارج از صدر اصل (۴۴) قانون اساسی نیز می‌شود و بنابراین با این مصوبه، دولت اجازه‌ی سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های خارج از عناوین صدر اصل (۴۴) قانون اساسی را خواهد داشت، این مصوبه، مغایر با بند (الف) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی، ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری است و در نتیجه، این مصوبه با بند (۱) اصل (۱۱۰) قانون اساسی در تغایر خواهد بود؛ چه آنکه مطابق با بند (۱) اصل (۱۱۰)، تعیین سیاست‌های کلی نظام پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام، بر عهده‌ی مقام رهبری و در صلاحیت ایشان است. جهت رفع این مغایرت، مطابق با ذیل جزء (۱) بند (الف) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی، لازم است که دولت موضوع را به تصویب مجلس شورای اسلامی برساند. لازم به ذکر است که مطابق با حکم مقام معظم رهبری، شورای نگهبان صلاحیت اظهار نظر در خصوص مغایرت یا عدم مغایرت مصوبات مجلس با سیاست‌های کلی نظام را در مواردی که مجمع تشخیص مصلحت نظام، اظهار نظر نکرده است، دارد.^(۱)

→

خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است. بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه‌آهن و مانند اینها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است. بخش تعاونی شامل شرکت‌ها و مؤسسات تعاونی تولید و توزیع است که در شهر و روستا بر طبق ضوابط اسلامی تشکیل می‌شود. بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است. مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه زیان جامعه نشود مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است. تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون معین می‌کند.»

۱. دبیر شورای نگهبان در نامه‌ی شماره ۹۲/۳۰/۵۳۲۰۲ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۳۰ خود به مقام معظم رهبری، در خصوص
←

ب) این استدلال که بند (الف) ماده (۲)، در مقام تکرار فعالیت‌های قانونی سابق شرکت صید صنعتی منطقه‌ی آزاد چابهار بوده و ناظر بر فعالیت جدید اقتصادی نیست و در نتیجه، مغایر با سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی نخواهد بود، ناصواب است؛ زیرا اولاً حتی در صورتی که بند (الف) به معنای تداوم فعالیت‌های قانونی سابق شرکت مزبور باشد - که این چنین نیست - به تصریح جزء (۱) بند (الف) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی، دولت موظف است هرگونه فعالیت (شامل تداوم فعالیت‌های قبلی و بهره‌برداری از آن) را که مشمول عناوین صدر اصل (۴۴) نباشد، حداکثر تا پایان برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی چهارم (سالانه ۲۰٪ کاهش فعالیت) به بخش‌های تعاونی و خصوصی و عمومی غیردولتی واگذار کند. ثانیاً حتی در صورتی که بخش غیردولتی نیز در امور صید و خدمات صیادی، پرورش و تکثیر و عمل‌آوری انواع آبزیان، سرمایه‌گذاری نکند و در نتیجه، فعالیت شرکت مزبور در این حوزه، در عمل، قابل واگذاری به بخش غیردولتی نباشد، فعالیت‌های مندرج در بند (الف)، مشمول حکم ذیل جزء (۱) بند (الف) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) است که بر اساس آن باید موارد استثنایی تداوم فعالیت، صرفاً بنا به پیشنهاد هیئت وزیران و تصویب مجلس برای مدت معین انجام شود و حال آنکه این تشریفات قانونی در مورد بند (الف) رعایت نشده است. بنابراین انجام و توسعه‌ی فعالیت‌های سابق شرکت صید صنعتی منطقه‌ی آزاد چابهار، تداوم فعالیت‌های قبلی و بهره‌برداری از آن محسوب می‌شود و دولت مکلف به واگذاری آن به بخش‌های خصوصی و یا دولتی است و در صورت ضرورت به مشارکت دولت، نیازمند مصوبه مجلس است.

ج) در اصل (۸۵) قانون اساسی به مجلس اجازه داده شده است که تصویب برخی از اساسنامه‌های شرکت‌های دولتی یا وابسته به دولت را به دولت واگذار کند. بنابراین، مفهوم این اصل آن است که همان‌طور که تصویب و تشکیل شرکت‌های دولتی یک امر تقنینی و در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است، اصلاح اساسنامه‌ی این شرکت‌ها نیز موضوعی تقنینی و در صلاحیت مجلس است. از سوی دیگر در صدر این مصوبه، مستند اساسنامه‌ی مصوب هیئت وزیران، بند



وظیفه‌ی شورای نگهبان در بررسی مصوبات مجلس از جهت مغایرت با سیاست‌های کلی نظام استعلام کردند که مقام معظم رهبری در پاسخ به این نامه در تاریخ ۱۳۹۳/۳/۱۱ اعلام داشتند: «در مواردی که مجمع تشخیص مصلحت نظام، مغایرت با عدم انطباق مصوبات مجلس را - بالأخص در قانون برنامه‌های پنج‌ساله یا قانون برنامه و بودجه سالیانه - با سیاست‌های کلی به شورای نگهبان اعلام کند، شورای محترم موظف است بر اساس نظر مجمع، اقدام و مخالفت آن مصوبه را به مجلس اعلام نماید. لکن در مواردی که مجمع در این باره اعلام نظر نکرده است، شورای نگهبان بر طبق وظیفه ذاتی خود درباره مغایرت و عدم انطباق مصوبه با سیاست‌ها عمل خواهند کرد.»

(ب) ماده (۴) قانون چگونگی اداره‌ی مناطق آزاد تجاری-صنعتی مصوب ۱۳۷۲^(۱) بیان شده است؛ حال آنکه در بند مزبور، تصریحی در خصوص صلاحیت هیئت وزیران نسبت به «اصلاح» اساسنامه‌ی شرکت‌های تابعه وجود ندارد. بنابراین، اصلاح اساسنامه‌ی شرکت صید صنعتی منطقه‌ی آزاد چابهار توسط دولت نیازمند تجویز و مصوبه‌ی مجلس شورای اسلامی است و از آن جهت که چنین مصوبه‌ای وجود ندارد، تصویب اساسنامه‌ی مزبور مغایر با اصل (۸۵) قانون اساسی است. شایان ذکر است اگر مجلس از وضع مصوباتی مانند حکم فوق‌الذکر، چنین تفسیری دارد که واگذاری تصویب اساسنامه‌ی شرکت‌های دولتی شامل واگذاری تصویب اصلاح اساسنامه‌ی شرکت‌های مزبور نیز می‌شود، باید در صدر این مصوبه به آن مصوبه‌ی تفسیری استناد شود و نه به بند (ب) ماده (۴) قانون چگونگی اداره‌ی مناطق آزاد تجاری-صنعتی مصوب ۱۳۷۲.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) تصویب اصلاح اساسنامه شرکت صید صنعتی منطقه‌ی آزاد چابهار، مغایر با اصل (۸۵) قانون اساسی نیست؛ زیرا تجویز واگذاری تصویب دائمی اساسنامه‌ی شرکت‌های دولتی و یا وابسته به دولت، به دولت، به معنای صلاحیت تصویب اصلاح اساسنامه‌ی آنها نیز می‌باشد. مستند واگذاری تصویب اساسنامه‌ی شرکت مزبور نیز بند (ب) ماده (۴) قانون چگونگی اداره‌ی مناطق آزاد تجاری-صنعتی مصوب ۱۳۷۲ مجلس شورای اسلامی است. از سوی دیگر، تفسیر کلی مجلس از قوانینی که اجازه‌ی تصویب اساسنامه‌ی یک شرکت دولتی را به دولت داده است، این است که این اجازه، مشتمل بر صلاحیت تصویب اصلاح اساسنامه‌ی مزبور نیز می‌شود. بنابراین اصلاح اساسنامه‌ی مزبور، مغایرتی با اصل (۸۵) قانون اساسی، که بر تفویض تصویب اساسنامه‌ی شرکت‌های دولتی به دولت تأکید می‌کند، ندارد.

ب) موضوع شرکت صید صنعتی منطقه‌ی آزاد چابهار (سهامی خاص)، صید صنعتی در منطقه‌ی چابهار است که پیش از تصویب این مصوبه نیز وجود داشته است. بند (الف) ماده (۲)، فعالیت جدیدی را خارج از موارد صدر اصل (۴۴) قانون اساسی بیان نکرده است و ناظر به

۱. ماده (۴) قانون چگونگی اداره‌ی مناطق آزاد تجاری-صنعتی مصوب ۱۳۷۲/۶/۷: «ماده ۴- هیئت وزیران مسئولیت

الف- تصویب آیین‌نامه‌ها و هماهنگ نمودن کلیه فعالیت‌های هر منطقه.

ب- تصویب اساسنامه سازمان و شرکت‌های تابعه.

ج- تصویب برنامه‌های عمرانی، فرهنگی، بودجه سالانه و عملکرد صورت‌های مالی سازمان‌های مناطق.

د- تصویب مقررات امنیتی و انتظامی مناطق با تأیید فرماندهی کل قوا.

ه- اعمال نظارت عالیه بر فعالیت‌های مناطق.

را به عهده خواهد داشت.»

فعالیت‌هایی است که سابقاً بر اساس اساسنامه‌ی شرکت، در شمار وظایف شرکت مزبور و در راستای فعالیت‌های قبلی آن بوده است.^(۱) بنابراین، از آن جهت که اصلاح اساسنامه‌ی شرکت صید صنعتی منطقه‌ی آزاد چابهار، فعالیت جدیدی را خارج از عناوین صدر اصل (۴۴) قانون اساسی برای دولت ایجاد نمی‌کند، مغایرتی با بند (الف) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی که بر ممنوعیت واگذاری فعالیت‌های اقتصادی خارج از موارد صدر اصل (۴۴) قانون اساسی به دولت تأکید می‌کند، ندارد. لازم به ذکر است که اگر این شرکت را مجاز به «سرمایه‌گذاری و انجام امور صید و خدمات صیادی، پرورش و تکثیر و عمل‌آوری انواع آبزیان و امور مجاز خدماتی، عمرانی و تجاری» موضوع بند (الف) ندانیم، موضوع فعالیت این شرکت، سالبه به انتفای موضوع می‌شود و در نتیجه باید شرکت مزبور را منحل کرد. ضمناً باید توجه داشت که بخش غیردولتی در امور صید و خدمات صیادی، پرورش و تکثیر و عمل‌آوری انواع آبزیان، سرمایه‌گذاری نمی‌کند تا بتوان فعالیت شرکت در این حوزه را به بخش غیردولتی واگذار کرد.

ج) اعلام مغایرت بند (الف) با سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی و به تبع بند (۱) اصل (۱۱۰) قانون اساسی، بدون فایده است؛ زیرا اگر مجلس جهت رفع ایراد از این ماده، بند (الف) را حذف کند، شورای نگهبان نمی‌تواند آن مصوبه را مغایر با قانون اساسی اعلام کند؛ و حال آنکه در اساسنامه‌ی موجود، شرکت اجازه‌ی سرمایه‌گذاری و انجام امور صید صنعتی را دارد و همچنان به فعالیت‌های قبلی خود که خارج از عناوین صدر اصل (۴۴) قانون اساسی و مغایر با سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی است، ادامه می‌دهد. ضمن اینکه شورای نگهبان صلاحیت مغایر دانستن بند (الف) ماده (۲) اساسنامه‌ی فعلی، با سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی را ندارد؛ زیرا صلاحیت شورای نگهبان، نظارت بر مصوبات مجلس و اظهار نظر در خصوص مغایرت یا عدم مغایرت این مصوبات (و نه قوانین عادی مصوب مجلس) با قانون اساسی است.

نظر شورای نگهبان

بند (الف) ماده (۲) اصلاحی و تبصره ماده مذکور، مغایر قسمت اخیر جزء (۱) بند (الف) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) و بالتجیه مغایر بند (۱) اصل (۱۱۰) قانون اساسی است.

۱. ماده (۲) اساسنامه شرکت صید صنعتی منطقه آزاد چابهار (سهامی خاص) مصوب ۱۳۷۴/۲/۴: «ماده ۲- موضوع شرکت انجام کلیه امور صید و خدمات صیادی، پرورش و تکثیر و عمل‌آوری انواع آبزیان و صنایع، خدمات، امور مجاز تولیدی، عمرانی و تجاری مرتبط با آن می‌باشد.
تبصره- انجام هر نوع فعالیت - از جمله مشارکت در شرکت‌ها (حداکثر به میزان ۴۹٪) - که برای توسعه و پیشرفت امور موضوع شرکت ضروری یا مفید باشد نیز در محدوده موضوع شرکت قرار دارد.»

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۶/۲۶ (مرحله دوم)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۷/۳۰

۲- متون زیر به ترتیب جایگزین مواد (۲)، (۱۹) و (۲۱) می‌شوند:

ماده ۲- شرکت جهت تحقق اهداف خود مجاز است در چارچوب سیاست‌های ابلاغی شورای عالی مناطق آزاد تجاری- صنعتی و ویژه اقتصادی نسبت به انجام موارد زیر اقدام نماید:

الف- سرمایه‌گذاری و انجام امور صید و خدمات صیادی، پرورش و تکثیر و عمل‌آوری انواع آبزیان و امور مجاز خدماتی، عمرانی و تجاری با رعایت سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی و قانون اجرای آن.

ب- انجام فعالیت‌ها و اقدامات لازم در خصوص شناسایی و جذب سرمایه‌گذاران توانمند داخلی و خارجی جهت سرمایه‌گذاری در منطقه با رعایت مقررات سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد تجاری- صنعتی موضوع تصویب‌نامه شماره ۳۳۴۳۲/ت ۲۳ مورخ ۱۳۷۳/۳/۱۶ و اصلاحات بعدی آن.

تبصره- تأسیس شرکت و مشارکت در سهام شرکت‌ها تا سقف (۴۹٪) و جذب نیروی انسانی با هماهنگی دبیرخانه و در چارچوب سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی و قانون اجرای آن و سیاست‌های ابلاغی شورای عالی مناطق آزاد تجاری- صنعتی و ویژه اقتصادی می‌باشد.

ماده ۱۹- ...

دیدگاه مغایرت

ایراد مغایرت بند (الف) ماده (۲) اساسنامه با سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی و در نتیجه، مغایرت آن با بند (۱) اصل (۱۱۰) قانون اساسی، همچنان باقی است؛ زیرا بر اساس جزء (۱) بند (الف) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی، دولت حق فعالیت اقتصادی جدید خارج از موارد صدر اصل (۴۴) را ندارد و انجام فعالیت ضروری خارج از عناوین صدر (۴۴) قانون اساسی توسط دولت، منوط به پیشنهاد هیئت وزیران و تصویب مجلس شورای اسلامی، برای مدت معین امکان‌پذیر است. با توجه به اینکه موضوع فعالیت شرکت صید صنعتی منطقه آزاد چابهار، خارج از موارد صدر اصل (۴۴) قانون اساسی است، تداوم فعالیت این شرکت متوقف بر رعایت ذیل جزء (۱) بند (الف) سیاست‌های کلی مزبور، یعنی تصویب مجلس و آن هم برای مدت معین، خواهد بود. بنابراین از آنجا که فعالیت این شرکت از سوی مجلس و برای مدت معین تصویب نشده است، این مصوبه مغایر با ذیل جزء (۱) بند (الف) سیاست‌های کلی اصل (۴۴)

قانون اساسی و در نتیجه مغایر با بند (۱) اصل (۱۱۰) قانون اساسی است که بر تعیین سیاست‌های کلی نظام به عنوان یکی از صلاحیت‌های مقام رهبری تأکید می‌کند. لازم به توضیح است که قانون چگونگی اداره‌ی مناطق آزاد تجاری-صنعتی که مصوبه‌ی مجلس بوده، ناظر به پیش از زمان ابلاغ سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی و قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) است و استناد به آن به عنوان مجوز فعالیت شرکت، قابل پذیرش نیست؛ زیرا بر اساس ماده (۹۲) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۷/۳/۲۵ «از تاریخ تصویب این قانون، کلیه قوانین و مقررات مغایر با آن نسخ می‌گردد و مادام که در قوانین بعدی نسخ و یا اصلاح مواد و مقررات این قانون صریحاً و با ذکر نام این قانون و ماده مورد نظر قید نشود، معتبر خواهد بود.»

دیدگاه عدم مغایرت

مجلس شورای اسلامی در راستای رفع ایراد شورای نگهبان، عبارت «با رعایت سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی و قانون اجرای آن» را در انتهای بند (الف) ماده (۲) و نیز در تبصره‌ی این ماده اضافه کرده است. با تصریح به این شرط، شرکت مزبور باید مطابق با مقررات سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی در موارد خارج از صدر اصل (۴۴) قانون اساسی تداوم فعالیت و یا انجام فعالیت جدید داشته باشد و یا اینکه در صورت ضرورت به انجام فعالیت‌های خارج از عناوین صدر اصل (۴۴) قانون اساسی، باید تصویب مجلس را در مدت معین اخذ کند. بدین ترتیب، ایراد پیشین شورای نگهبان نسبت به مغایرت داشتن فعالیت‌های اقتصادی بند (الف) ماده (۲) و تبصره آن، با جزء (۱) بند (الف) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی و بند (۱) اصل (۱۱۰) قانون اساسی برطرف شده است.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه هیئت وزیران در خصوص اصلاح اساسنامه شرکت صید صنعتی منطقه آزاد چابهار، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

اساسنامه شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه قشم

مصوب ۱۳۹۳/۶/۲۶

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و بنا به پیشنهاد شماره ۹۲۲/۱۰/۴۵۳ مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۱۴ شورای عالی مناطق آزاد تجاری- صنعتی و ویژه اقتصادی و به استناد بند (ب) ماده (۴) و ماده (۷) قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری- صنعتی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۲^(۱)، «اساسنامه شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه قشم» را در تاریخ ۱۳۹۳/۳/۴ تصویب کرد. این مصوبه جهت طی مراحل قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۴۹۴۱۸/۲۷۷۲۳ مورخ ۱۳۹۳/۳/۱۳ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان با بررسی این مصوبه در جلسات مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۵ و ۱۳۹۳/۵/۱، این اساسنامه را در برخی از موارد مغایر با موازین شرع و نیز اصل (۱۱۰) قانون اساسی تشخیص داد و نظر خود را در این خصوص، طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۶۲۲ مورخ ۱۳۹۳/۵/۶ به هیئت وزیران اعلام کرد. هیئت وزیران برای رفع ایرادهای شورای نگهبان در جلسه ۱۳۹۳/۶/۲۶، اصلاحات لازم را در اساسنامه اعمال کرد و مصوبه‌ی اصلاحی را طی نامه‌ی شماره ۴۹۴۱۸/۷۳۲۰۷ مورخ ۱۳۹۳/۶/۳۰ برای بررسی مجدد به شورای نگهبان ارسال کرد. بررسی مصوبه‌ی اصلاحی در دستور کار جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۳۰ شورای نگهبان قرار گرفت. در این مرحله شورای نگهبان، پس از بحث و بررسی راجع به مصوبه‌ی اصلاحی، ایرادهای پیشین را برطرف شده دانست و نظر خود مبنی بر مغایرت نداشتن مفاد این اساسنامه با موازین شرع و قانون اساسی را

۱. مواد (۴) و (۷) قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری- صنعتی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۲: «ماده ۴-

هیئت وزیران مسئولیت

الف- تصویب آیین‌نامه‌ها و هماهنگ نمودن کلیه فعالیت‌های هر منطقه

ب- تصویب اساسنامه سازمان و شرکت‌های تابعه

ج- تصویب برنامه‌های عمرانی، فرهنگی، بودجه سالانه و عملکرد صورت‌های مالی سازمان‌های مناطق

د- تصویب مقررات امنیتی و انتظامی مناطق با تأیید فرماندهی کل قوا

ه- اعمال نظارت عالیه بر فعالیت‌های مناطق

را به عهده خواهد داشت.

ماده ۷- سازمان هر منطقه مجاز است با تصویب هیئت وزیران نسبت به تشکیل شرکت‌های لازم که طبق موازین

قانون تجارت تشکیل می‌شود، اقدام نماید.»

طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۳۴۲ مورخ ۱۳۹۳/۸/۳ به هیئت وزیران اعلام کرد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۳/۴ (مرحله نخست)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۴/۲۵ و ۱۳۹۳/۵/۱

فصل اول- کلیات

ماده ۱- ...

ماده ۴- شرکت مجاز است در چارچوب سیاست‌های ابلاغی شورای عالی مناطق آزاد تجاری- صنعتی و ویژه اقتصادی جهت تحقق اهداف خود نسبت به انجام موارد زیر اقدام نماید:

الف- سرمایه‌گذاری در فعالیتهای عمرانی، صنعتی، بازرگانی و خدماتی با مشارکت سایر سرمایه‌گذاران در چارچوب سیاست‌های ابلاغی شورای عالی مناطق آزاد تجاری- صنعتی و ویژه اقتصادی.

ب- انجام فعالیتهای و اقدامات لازم و اطلاع‌رسانی در خصوص شناسایی، جذب و هدایت سرمایه‌گذاران توانمند داخلی و خارجی در جهت استفاده بهینه از منابع و امکانات و پتانسیل‌های منطقه و کمک به ارتقای سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد تجاری- صنعتی و ویژه اقتصادی قشم با رعایت مقررات سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد تجاری- صنعتی موضوع تصویب‌نامه شماره ۳۳۴۳۲/ت۲۳ک مورخ ۱۳۷۳/۳/۱۶ و اصلاحات بعدی آن.

ج- استفاده از تسهیلات مالی و اعتباری بانک‌ها و مؤسسات اعتباری و کارگزاری در سازمان بورس اوراق بهادار با رعایت قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴.

د- خرید و فروش اموال غیرمنقول با رعایت قوانین و مقررات مربوط و سیاست‌های شورای عالی مناطق آزاد تجاری- صنعتی و ویژه اقتصادی در راستای منافع شرکت.

ه- بررسی طرح‌های سرمایه‌گذاری تجاری، صنعتی و خدماتی و ارائه هرگونه خدمات پشتیبانی و اقتصادی در زمینه‌های سرمایه‌گذاری.

و- تهیه و ارائه بسته‌های سرمایه‌گذاری به منظور ایجاد و شناسایی فرصت‌ها و پروژه‌های سرمایه‌گذاری منطقه آزاد قشم در قالب طرح جامع منطقه آزاد تجاری- صنعتی قشم.

دیدگاه مغایرت

الف) طبق اصل (۱۵) قانون اساسی، کلیه‌ی اسناد و مکاتبات و متون رسمی باید با زبان و خط

فارسی باشد. بر این اساس، استفاده از واژه‌ی غیرفارسی «پتانسیل» در بند (ب) ماده (۴)، مغایر با اصل (۱۵) قانون اساسی است. لذا باید معادل فارسی واژه‌ی مزبور - یعنی «ظرفیت» یا «توان» یا «استعداد» - به جای آن استفاده شود.

ب) بر اساس جزء (۱) بند (الف) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی،^(۱) «دولت حق فعالیت اقتصادی جدید خارج از موارد صدر اصل (۴۴) را ندارد»^(۲) و موظف است هرگونه فعالیت (شامل تداوم فعالیت‌های قبلی و بهره‌برداری از آن) را که مشمول عناوین صدر اصل (۴۴) نباشد، حداکثر تا پایان برنامه پنج‌ساله چهارم (سالانه ۲۰٪ کاهش فعالیت) به بخش‌های تعاونی و خصوصی و عمومی غیردولتی واگذار کند. در موارد ضروری نیز تداوم و شروع فعالیت دولت، خارج از عناوین صدر اصل (۴۴)، منوط به پیشنهاد وزیران و تصویب مجلس شورای اسلامی و برای مدت معین مجاز است. با این وصف، در بند (الف) ماده (۴) این اساسنامه ملاحظه می‌شود که به شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه‌ی قشم، به صورت مطلق اجازه‌ی «سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های عمرانی، صنعتی، بازرگانی و خدماتی» داده شده است. بنابراین با توجه به اینکه اطلاق بند مزبور، فعالیت‌های اقتصادی جدید خارج از موارد صدر اصل (۴۴) قانون اساسی را نیز شامل می‌شود، این بند از جهت تجویز فعالیت اقتصادی خارج از موارد صدر اصل (۴۴) قانون اساسی به دولت، مغایر با سیاست‌های کلی نظام در خصوص اصل (۴۴) قانون اساسی و به تبع، بند (۱) اصل (۱۱۰) قانون اساسی است که تعیین سیاست‌های کلی نظام را از جمله صلاحیت‌های مقام رهبری

۱. جزء (۱) بند (الف) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی ابلاغی ۱۳۸۴:۱- «دولت حق فعالیت اقتصادی جدید خارج از موارد صدر اصل (۴۴) را ندارد و موظف است هرگونه فعالیت (شامل تداوم فعالیت‌های قبلی و بهره‌برداری از آن) را که مشمول عناوین صدر اصل (۴۴) نباشد، حداکثر تا پایان برنامه پنج‌ساله چهارم (سالانه ۲۰٪ کاهش فعالیت) به بخش‌های تعاونی و خصوصی و عمومی غیردولتی واگذار کند.

با توجه به مسئولیت نظام در حسن اداره کشور، تداوم و شروع فعالیت ضروری خارج از عناوین صدر اصل (۴۴) توسط دولت، بنا به پیشنهاد هیئت وزیران و تصویب مجلس شورای اسلامی برای مدت معین مجاز است.»

۲. اصل چهل و چهارم قانون اساسی: «نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است. بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه‌آهن و مانند اینها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است. بخش تعاونی شامل شرکت‌ها و مؤسسات تعاونی تولید و توزیع است که در شهر و روستا بر طبق ضوابط اسلامی تشکیل می‌شود. بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است. مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه زیان جامعه نشود مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است. تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون معین می‌کند.»

معرفی کرده است. جهت رفع این مغایرت، مطابق با ذیل جزء (۱) بند (الف) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی، دولت باید موضوع را به تصویب مجلس شورای اسلامی برساند. لازم به ذکر است که مطابق با حکم مقام معظم رهبری، شورای نگهبان صلاحیت اظهار نظر در خصوص مغایرت یا عدم مغایرت مصوبات مجلس با سیاست‌های کلی نظام را در مواردی که مجمع تشخیص مصلحت نظام، اظهار نظر نکرده است، دارد.^(۱)

ج) بر اساس صدر ماده (۴) این اساسنامه، «شرکت مجاز است در چارچوب سیاست‌های ابلاغی شورای عالی مناطق آزاد تجاری-صنعتی و ویژه اقتصادی، جهت تحقق اهداف خود نسبت به انجام موارد زیر اقدام نماید». اطلاق عبارت «سیاست‌های ابلاغی» مشتمل بر سیاست‌های کلی نظام است. مطابق با بند (۱) اصل (۱۱۰) قانون اساسی، تعیین سیاست‌های کلی نظام از صلاحیت‌ها و اختیارات مقام رهبری است. بنابراین، اطلاق ماده‌ی مزبور از جهت شمول اختیارات شورای عالی مناطق آزاد کشور در تعیین سیاست‌های کلی، مغایر با اصل (۱۱۰) قانون اساسی است.

د) این ادعا که مراد از «سرمایه‌گذاری» در بند (الف)، جذب و هدایت سرمایه و مشارکت بخش داخلی و خارجی جهت واگذاری فعالیت‌های اقتصادی خارج از صدر اصل (۴۴) قانون اساسی است و سرمایه‌گذاری موضوع سیاست‌های کلی اصل (۴۴) چیزی غیر از جذب و هدایت سرمایه است و در نتیجه، بند مزبور، مغایر با جزء (۱) بند (الف) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی نیست، قابل پذیرش نیست؛ زیرا اولاً منظور از «سرمایه‌گذاری» در بند (الف) و در اصطلاح و برداشت عرفی، صرفاً جذب سرمایه نیست، بلکه منظور، انجام فعالیت و یا مشارکت در فعالیت اقتصادی است؛ ثانیاً بند (ب) به موضوع جذب و هدایت سرمایه اشاره کرده است و بر همین اساس، اگر بند (الف) را نیز ناظر به جذب سرمایه بدانیم، معنا و مفهوم بند (الف) و (ب) یکسان خواهد شد و در نتیجه جدا کردن دو بند (الف) و (ب) با یک معنا، از وجاهت تقنینی لازم برخوردار نخواهد بود؛ حال آنکه این دو بند، به عمد و به دلیل داشتن دو معنای مختلف، از هم جدا شده‌اند. بنابراین، منظور از سرمایه‌گذاری در این ماده، همان فعالیت‌های اقتصادی است که اطلاق آن همچنان مغایر با سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی و نیز اصل (۱۱۰) قانون

۱. دبیر شورای نگهبان در نامه‌ی شماره ۹۲/۳۰/۵۳۲۰۲ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۳۰ خود به مقام معظم رهبری، در خصوص وظیفه‌ی شورای نگهبان در بررسی مصوبات مجلس از جهت مغایرت با سیاست‌های کلی نظام اعلام کردند که مقام معظم رهبری در پاسخ به این نامه در تاریخ ۱۳۹۳/۳/۱۱ اعلام داشتند: «در مواردی که مجمع تشخیص مصلحت نظام، مغایرت یا عدم انطباق مصوبات مجلس را - بالأخص در قانون برنامه‌های پنج‌ساله یا قانون برنامه و بودجه سالیانه - با سیاست‌های کلی به شورای نگهبان اعلام کند، شورای محترم موظف است بر اساس نظر مجمع، اقدام و مخالفت آن مصوبه را به مجلس اعلام نماید. لکن در مواردی که مجمع در این باره اعلام نظر نکرده است، شورای نگهبان بر طبق وظیفه ذاتی خود درباره مغایرت و عدم انطباق مصوبه با سیاست‌ها عمل خواهند کرد.»

اساسی است.

ه) مطابق با اصل (۸۵) قانون اساسی، مصوبات دولت در خصوص تصویب دائمی اساسنامه‌ی سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی، نباید مخالف قوانین و مقررات عمومی کشور باشد. این در حالی است که بند (الف) ماده‌ی مزبور، خلاف قوانین عمومی کشور و در نتیجه مغایر با اصل مزبور است. توضیح آنکه، مطابق با تبصره (۲) بند (الف) ماده (۳) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی: «تداوم مالکیت، مشارکت و مدیریت دولت در بنگاه‌های مربوط به گروه یک ماده (۲) این قانون و بعد از انقضای قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی و یا شروع فعالیت در موارد ضروری، تنها با پیشنهاد دولت و تصویب مجلس شورای اسلامی و برای مدت معین مجاز است.» با این وجود در بند (الف)، تجویز تداوم فعالیت دولت در خارج از موارد مذکور در صدر اصل (۴۴) قانون اساسی، بدون پیشنهاد دولت و تصویب مجلس برای مدت معین، تجویز شده است که این موضوع با تبصره (۲) بند (الف) ماده (۳) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی مغایر است، بنابراین، این بند به دلیل مغایرت با قانون اجرای سیاست‌های کلی، با اصل (۸۵) قانون اساسی نیز مغایر است.

و) در بند (ب) ماده (۴)، «انجام فعالیت‌ها و اقدامات لازم و اطلاع‌رسانی در خصوص شناسایی، جذب و هدایت سرمایه‌گذاران توانمند داخلی و خارجی در جهت استفاده بهینه از منابع و امکانات و پتانسیل‌های منطقه و کمک به ارتقای سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد تجاری-صنعتی و ویژه اقتصادی قشم»، صرفاً مشروط به «رعایت مقررات سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد تجاری-صنعتی موضوع تصویب‌نامه‌ی شماره ۳۳۴۳۲/ت۲۳۳۱ شده است. به بیان دیگر، این بند، رعایت مقررات موضوع یک تصویب‌نامه‌ی خاص را برای فعالیت اقتصادی شرکت، قید کرده است و از آنجا که تصریح بر یک شرط (قید)، خصوصیت و مفهوم دارد، ذکر این موضوع بدان معناست که باید فقط آن مقررات خاص رعایت شود. همچنین اجرای موضوع بند (ه) نیز به صورت مطلق بیان شده است. این در حالی است که باید رعایت «کلیه قوانین و مقررات»، شرط پرداختن به فعالیت‌های اقتصادی موضوع بندهای (ب) و (ه) قرار داده شود و الا این بندها مغایر با اصل (۸۵) قانون اساسی خواهد بود؛ زیرا مطابق با اصل (۸۵) قانون اساسی، مصوبات دولت در خصوص تصویب دائمی اساسنامه‌ی شرکت‌های، نباید مخالف «قوانین و مقررات عمومی» کشور باشد. شورای نگهبان نیز پیش‌تر در نظرات ابرازی خود، عدم تصریح بر رعایت قوانین و مقررات در اساسنامه‌های مصوب هیئت وزیران را مغایر با قانون اساسی اعلام کرده است.^(۱) بنابراین، با توجه

۱. به عنوان نمونه، شورای نگهبان در نظر شماره ۹۱/۳۰/۴۶۸۱۴ مورخ ۱۳۹۱/۳/۳ در خصوص اساسنامه‌ی صندوق بیمه‌ی کشاورزی مصوب ۱۳۹۱/۲/۳ هیئت وزیران، اشعار داشت: «بند (ع) ماده (۱۱) باید مقید به رعایت قوانین و

به اینکه در بند (د)، بر عبارت عام «با رعایت قوانین و مقررات مربوط» تصریح شده است، در بندهای (ب) و (ه) نیز باید رعایت تمامی قوانین و مقررات مربوطه شرط انجام فعالیت موضوع این بندها باشد، تا این شائبه پیش نیاید که در اجرای بند (ب)، تنها رعایت یک تصویب‌نامه‌ی خاص لازم بوده و می‌توان بقیه‌ی قوانین و مقررات عمومی را نادیده گرفت و یا اینکه در بند (ه) رعایت قوانین و مقررات عمومی کشور الزامی نیست.

ز) در بند (ج) ماده (۴)، اطلاق عبارت «استفاده از تسهیلات مالی و اعتباری بانک‌ها و مؤسسات اعتباری»، مشتمل بر اخذ تسهیلات مالی از بانک‌ها و مؤسسات اعتباری خارجی نیز می‌شود، که برخی از این تسهیلات خارجی، در زمره‌ی معاملات و وام‌های ربوی هستند. لذا بند مزبور، از آن جهت که در برخی از مصادیق خود مستلزم تجویز اخذ تسهیلات مالی ربوی است، مغایر با موازین شرع است. لازم به ذکر است که قید «با رعایت قانون بازار اوراق بهادار» در بند مذکور را نمی‌توان رافع غیر شرعی بودن بند (ج) دانست؛ زیرا قید مذکور، از یک سو تنها ناظر به استفاده از تسهیلات اعتباری و مالی مؤسسات کارگزاری در سازمان بورس اوراق بهادار است و نه



مقررات گردد و الا مغایر اصل (۸۵) قانون اساسی است.» در ماده (۱۱) مقرر شده بود: «وظایف و اختیارات مجمع عمومی عادی به شرح زیر تعیین می‌شود:

الف-...

ج- عزل و نصب و قبول استعفاى اعضاى هیئت مدیره و تعیین حقوق و مزایای آنها با رعایت قوانین و مقررات ذی‌ربط
د- بررسی و تصویب آیین‌نامه‌های مورد نیاز صندوق از جمله آیین‌نامه‌های مالی، معاملاتی، بیمه‌ای و نحوه فعالیت کارگزاران و نمایندگی‌های صندوق در چارچوب قوانین و مقررات مربوط.

ه-...

ی- اتخاذ تصمیم نسبت به عضویت یا لغو عضویت در مجامع و سازمان‌های داخلی یا بین‌المللی، طبق قوانین و مقررات ذی‌ربط.

ل- تعیین تکلیف در خصوص به هزینه منظور نمودن مطالبات غیرقابل وصول با رعایت ضوابط قانونی م- تصویب تشکیلات کلان و سقف پست‌های سازمانی صندوق با رعایت قوانین و مقررات مربوط.

ع- اتخاذ تصمیم در خصوص نحوه مصرف سود و برداشت از اندوخته‌ها

ف- اتخاذ تصمیم درباره سایر مواردی که رئیس و یا اعضای مجمع عمومی و یا هیئت مدیره و یا بازرس قانونی (حسابرس) با رعایت قوانین و مقررات مربوط و مرتبط با موضوع فعالیت صندوق به مجمع عمومی پیشنهاد می‌نمایند.»

مجلس جهت رفع ایراد مزبور، عبارت «با رعایت قوانین و مقررات مربوط» را به بند (ع) ماده (۱۱) اضافه کرد و شورای نگهبان نیز، این مصوبه را در تاریخ ۱۳۹۱/۱۱/۲۱ تأیید کرد.

شایان ذکر است که در بندهای ماده (۹) اساسنامه‌ی شرکت شهر فرودگاهی امام خمینی (ره) مصوب ۱۳۹۲/۹/۲۰ هیئت وزیران که در تاریخ ۱۳۹۳/۲/۱۰ به تأیید شورای نگهبان رسیده است نیز قید رعایت قوانین و مقررات مربوط تصریح شده است.

قید استفاده از تسهیلات مالی و اعتباری بانک‌ها؛ و از سوی دیگر، مقررات این قانون، ناظر بر مؤسسات اعتباری و مالی داخلی است و نه خارجی. بنابراین، اطلاق «استفاده از تسهیلات مالی و اعتباری بانک‌ها»، از آنجا که شامل تسهیلات مشتمل بر وام‌های ربوی بانک‌های خارجی نیز می‌شود، مغایر موازین شرعی است.

ح) بند (ب) ماده (۴) قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری- صنعتی مصوب ۱۳۷۲، به هیئت وزیران مسئولیت «تصویب اساسنامه سازمان و شرکت‌های تابعه» را داده است.^(۱) عبارت «سازمان و شرکت‌های تابعه»، عبارتی کلی است که شامل مصادیق زیاد و غیر معین می‌شود. این در حالی است که مطابق با اصل (۸۵) قانون اساسی، مجلس تنها می‌تواند به طور موردی، اجازه‌ی تصویب اساسنامه‌ی شرکت‌های دولتی یا وابسته به دولت را به دولت بدهد. بر این اساس، از آنجا که صلاحیت تصویب اساسنامه‌ی شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه قشم، به طور موردی به دولت تفویض نشده است، هیئت وزیران، صلاحیت تصویب اساسنامه‌ی این شرکت را نداشته است. لذا این مصوبه از این جهت هم مغایر با اصل (۸۵) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) با توجه به اینکه در حال حاضر، عموم مردم با واژه‌ی «پتانسیل» بیشتر از معادل فارسی آن آشنا و مأنوس هستند، به گونه‌ای که کلمه‌ی «پتانسیل» نیز فارسی تلقی می‌شود، به کارگیری واژه‌ی «پتانسیل» در بند (ب) مغایرتی با اصل (۱۵) قانون اساسی ندارد.

ب) بند (الف) را نمی‌توان با این استناد که مخالف قانون اجرای سیاست‌های کلی نظام است، مغایر با ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی دانست که اشعار می‌دارد مصوبات دولت نباید مخالف قوانین و مقررات عمومی کشور باشد؛ زیرا اولاً طبق ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی، بررسی مغایرت یا عدم مغایرت مصوبات دولت با قوانین، در صلاحیت رئیس مجلس شورای اسلامی است و نه در صلاحیت شورای نگهبان؛ ثانیاً رسیدگی به مغایرت یا عدم مغایرت تمامی مصوبات دولت با قوانین

۱. ماده (۴) قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری- صنعتی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۲: «ماده ۴- هیئت وزیران مسئولیت

الف- تصویب آیین‌نامه‌ها و هماهنگ نمودن کلیه فعالیت‌های هر منطقه

ب- تصویب اساسنامه سازمان و شرکت‌های تابعه

ج- تصویب برنامه‌های عمرانی، فرهنگی، بودجه سالانه و عملکرد صورت‌های مالی سازمان‌های مناطق

د- تصویب مقررات امنیتی و انتظامی مناطق با تأیید فرماندهی کل قوا

ه- اعمال نظارت عالیه بر فعالیت‌های مناطق

را به عهده خواهد داشت.»

و مقررات عمومی کشور، از سوی شورای نگهبان، امری غیر ممکن و ناشدنی است؛ ثالثاً اصل (۸۵) قانون اساسی، وجه نظارت و بررسی شورای نگهبان در خصوص مصوبات دولت را به صراحت، احراز مغایرت یا عدم مغایرت آنها با موازین شرع و قانون اساسی بیان کرده است. بنابراین، شورای نگهبان تکلیفی در ارتباط با بررسی مصوبات دولت و مغایرت و یا عدم مغایرت آنها با قوانین و مقررات عمومی کشور ندارد. لذا شورای نگهبان نمی‌تواند از این جهت بند (الف) را مغایر با اصل (۸۵) قانون اساسی اعلام کند.

ج) تجویز تصویب «سیاست‌های ابلاغی» در صدر ماده (۴) این اساسنامه به شورای عالی مناطق آزاد تجاری- صنعتی و ویژه اقتصادی، مغایر با بند (۱) اصل (۱۱۰) قانون اساسی در خصوص صلاحیت مقام رهبری در تعیین سیاست‌های کلی نظام نیست؛ زیرا اولاً در بند (الف)، اصطلاح «سیاست کلی» نیامده است، بلکه عبارت «سیاست‌های ابلاغی» آمده است و «سیاست کلی» مفهومی مستقل از «سیاست» دارد. ثانیاً منظور از «سیاست»، مفهوم اصطلاحی آن، یعنی سیاست‌های کلی نظام، نیست، بلکه منظور از آن، برنامه‌های مندرج در بند (ج) ماده (۴) قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری- صنعتی مصوب است.^(۱) به بیان دیگر، منظور از سیاست‌های ابلاغی، «سیاست‌های ابلاغی» موضوع بند (ج) ماده (۴) قانون مذکور است. بنابراین، سیاست‌های ابلاغی در ماده‌ی مزبور، شامل سیاست‌های کلی نظام نیست تا بخواهیم آن را مغایر با بند (۱) اصل (۱۱۰) قانون اساسی که بر صلاحیت رهبری در تعیین سیاست‌های کلی نظام تأکید می‌کند، بدانیم.

د) اختیار انجام اقدامات شرکت، در چارچوب سیاست‌های ابلاغی شورای عالی مناطق آزاد تجاری- صنعتی، از این جهت که آیا این اختیار شامل تقنین و حق قانون‌گذاری می‌شود یا خیر، ابهامی ندارد؛ زیرا منظور از سیاست‌های ابلاغی، برنامه‌های مندرج در بند (ج) ماده (۴) قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری- صنعتی مصوب است. از سوی دیگر، در ادبیات حقوقی جمهوری اسلامی ایران، مفهوم «سیاست»، هرگز به معنای تقنین نبوده و شامل قانون‌گذاری نمی‌شود. بنابراین، این ماده به شورای عالی مناطق آزاد تجاری- صنعتی، اختیار قانون‌گذاری نداده است و از این جهت مغایر با اصل (۸۵) قانون اساسی که بر صلاحیت مجلس شورای اسلامی در تقنین و قانون‌گذاری تأکید می‌کند، ندارد.

۱. بند (ج) ماده (۴) قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۲: «ماده ۴- هیئت وزیران مسئولیت:

الف- ...

ج- تصویب برنامه‌های عمرانی، فرهنگی، بودجه سالانه و عملکرد صورت‌های مالی سازمان‌های مناطق

د- ...

را به عهده خواهد داشت.»

ه) بر اساس اصل (۸۵) قانون اساسی مجلس می‌تواند تصویب برخی از اساسنامه‌های دولت و یا شرکت‌های وابسته به دولت را به دولت واگذار کند. مستند تصویب این اساسنامه، بند (ب) ماده (۴) و ماده (۷) قانون چگونگی اداره‌ی مناطق آزاد تجاری- صنعتی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۲/۶/۷ و اصلاحات بعدی آن است. بر اساس، بند (ب) ماده (۴) قانون مزبور، هیئت وزیران مسئولیت «تصویب اساسنامه سازمان و شرکت‌های تابعه» را دارد که منظور از «سازمان و شرکت‌های تابعه»، تمامی شرکت‌های تابعه این مناطق است؛ اعم از شرکت‌های موجود و شرکت‌هایی که به وجود خواهند آمد. از سوی دیگر، اصل (۸۵) قانون اساسی و رویه‌ی مجلس نیز بر لزوم اجازه‌ی موردی مجلس به هیئت وزیران جهت تصویب اساسنامه‌ی شرکت‌های دولتی دلالت نمی‌کند. بنابراین، از آنجا که تصویب اساسنامه‌ی شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه قشم توسط دولت، ناشی از اجازه‌ی قبلی مجلس بوده است، این اساسنامه مغایرتی با اصل (۸۵) قانون اساسی ندارد.

و) مطابق با تبصره (۱) بند (ب) ماده (۳) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۷، «دولت مجاز است به منظور حفظ سهم بهینه بخش دولتی در فعالیت‌های گروه دو ماده (۲) این قانون^(۱) با توجه به حفظ حاکمیت دولت، استقلال کشور، عدالت اجتماعی و رشد و توسعه اقتصادی به میزانی سرمایه‌گذاری نماید که سهم دولت از بیست درصد (۲۰٪) ارزش این فعالیت‌ها در بازار بیشتر نباشد.» بر این اساس، «سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های عمرانی، صنعتی، بازرگانی و خدماتی» موضوع ماده (۴) این اساسنامه، داخل در همان اجازه‌ی داشتن سهم بیست درصدی بازار کالا و خدمات موضوع صدر اصل (۴۴) قانون اساسی است. بنابراین، سرمایه‌گذاری توسط شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه قشم، در فعالیت‌های اقتصادی موضوع ماده (۴) اساسنامه، مغایرتی با سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی و بند (۱) اصل (۱۱۰) قانون اساسی ندارد.

ز) مطابق با جزء (۱) بند (الف) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی ابلاغی ۱۳۸۴، دولت حق «فعالیت اقتصادی» جدید خارج از موارد صدر اصل (۴۴) را ندارد. بند (الف) ماده (۴) این اساسنامه، به شرکت توسعه و سرمایه‌گذاری قشم، اجازه‌ی سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های اقتصادی و عمرانی را داده است. منظور از «سرمایه‌گذاری» غیر از «فعالیت اقتصادی» است. در این بند، با توجه به بند (ب)، منظور از «سرمایه‌گذاری»، جذب و هدایت سرمایه و تشویق بخش

۱. بر اساس ماده (۲) قانون مزبور، فعالیت‌های گروه دو ماده (۲) عبارتند از: «فعالیت‌های اقتصادی مذکور در صدر اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی به جز موارد مذکور در گروه سه این ماده.»

خصوصی به مشارکت در طرح‌های اقتصادی است و به معنای مشارکت مستقیم و فعالیت دولت در فعالیت‌های اقتصادی خارج از صدر اصل (۴۴) قانون اساسی نیست. بنابراین، موضوع فعالیت شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه قشم، مطابق با سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی است و از این جهت مغایرتی با بند (۱) اصل (۱۱۰) قانون اساسی که بر تعیین سیاست‌های کلی توسط مقام رهبری تأکید می‌کند، ندارد.

ح) در بند (ب)، تصریح بر «رعایت مقررات سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد تجاری-صنعتی موضوع تصویب‌نامه شماره ۳۳۴۳۲/ت-۲۳ک» به معنای نفی رعایت سایر قوانین و مقررات نیست تا در نتیجه‌ی آن، این بند مغایر با اصول متعدد قانون اساسی از جمله اصل (۸۵) قانون اساسی تلقی شود؛ زیرا تأکید بر رعایت مقررات خاص، به معنای نفی سایر مقررات و قوانین نیست. از سوی دیگر، این ماده در مقام بیان رعایت اصل (۸۵) قانون اساسی در خصوص مصوبات دولت و عدم مخالف آنها با قوانین و مقررات کشور نیست، بلکه با توجه به موضوع بند (ب) که سرمایه‌گذاری است، یکی از مقررات مهم ناظر به سرمایه‌گذاری را که خصوصیت دارد، قید کرده است. به بیان دیگر، تصریح بر رعایت مقررات مزبور، مفهوم نداشته و صرفاً به جهت مناسبت آن با موضوع ذکر شده است.

ط) مطابق با ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی، مصوبات دولت نباید مخالف با مقررات و قوانین عمومی کشور باشد. عدم تصریح بر لزوم رعایت قوانین و مقررات مربوطه در بند (ه) ماده (۴)، مغایر با ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی نیست؛ زیرا اولاً سکوت این بند به معنای نفی لزوم رعایت قوانین و مقررات مربوطه نیست؛ ثانیاً در این بند، برخلاف بند (ب) که در آن بر رعایت یک مقررات خاصی تصریح شده است، بر عبارتی تصریح نشده است که بتوان آن را به عنوان قرینه‌ی عدم رعایت سایر قوانین و مقررات تلقی کرد. به بیان دیگر، از آنجا که در بند (ب)، به یک مقررات خاصی اشاره شده بود، این احتمال و شائبه وجود داشت که تصریح بر آن، به معنای نفی سایر قوانین و مقررات باشد؛ و لیکن در بند (ه)، چنین قرینه و اشارهای بر نفی رعایت قوانین و مقررات وجود ندارد. بنابراین، بند (ه) مغایرتی با اصل (۸۵) قانون اساسی ندارد.

دیدگاه ابهام

در بند (الف)، تصریح بر عبارت «در چارچوب سیاست‌های ابلاغی شورای عالی مناطق آزاد تجاری-صنعتی و ویژه اقتصادی»، این ابهام را به وجود می‌آورد که آیا شورای عالی مزبور، حق قانون‌گذاری دارد یا خیر؟ به بیان دیگر، صلاحیت شورای عالی مناطق آزاد تجاری-صنعتی و ویژه اقتصادی از این جهت ابهام دارد که آیا این شورا می‌تواند با تمسک به عبارت تصویب «سیاست» در متن این اساسنامه، اقدام به تقنین کند یا خیر؟ زیرا واژه‌ی «سیاست» بر مقررات و

قوانین نیز اطلاق می‌شود. بنابراین در صورتی که شورای مزبور، اختیار تقنین و قانون‌گذاری را داشته باشد، مغایر با اصل (۸۵) قانون اساسی است؛ زیرا مطابق با این اصل، قانون‌گذاری از صلاحیت‌های مجلس شورای اسلامی است که نمی‌توان آن را به شخص و یا هیئتی واگذار کرد. لذا باید ابهام مذکور در خصوص اختیارات شورای عالی مناطق آزاد تجاری-صنعتی برطرف شود تا بتوان نسبت به مغایرت و یا عدم مغایرت این بند با اصل (۸۵) قانون اساسی اظهار نظر کرد.

نظر شورای نگهبان

- بند (الف) ماده (۴) ظهور در این دارد که دولت در مواردی مبادرت به سرمایه‌گذاری می‌نماید که با توجه به سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی توجهاً به تبصره (۲) بند (الف) ماده (۳) قانون اجرای سیاست‌های مرقوم، از سرمایه‌گذاری ممنوع می‌باشد؛ لذا اطلاق بند مذکور مغایر قسمت اخیر جزء (۱) بند (الف) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) و بالتبیین مغایر بند (۱) اصل (۱۱۰) قانون اساسی می‌باشد.

- اطلاق استفاده از تسهیلات مالی در بند (ج) ماده (۴) از جهت شمول آن نسبت به استفاده از وام و تسهیلات مالی خارجی که در برخی از موارد مستلزم انجام معاملات ربوی می‌باشد، خلاف موازین شرع شناخته شد.

ماده ۱۶- مجمع عمومی فوق‌العاده با رعایت قوانین و مقررات مربوط نسبت به بررسی و

ارائه پیشنهاد در خصوص موارد زیر به هیئت وزیران برای تصویب اقدام می‌نماید:

الف- تغییرات در مواد اساسنامه شرکت

ب- افزایش یا کاهش سرمایه شرکت

ج- انحلال شرکت.

دیدگاه مغایرت

در اصل (۸۵) قانون اساسی به مجلس اجازه داده شده است که تصویب اساسنامه‌های شرکت‌های دولتی یا وابسته به دولت را به دولت واگذار کند. مفهوم این اصل آن است که همان‌طور که اصالتاً تصویب و تشکیل شرکت‌های دولتی یک امر تقنینی و در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است، انحلال این شرکت‌ها نیز موضوعی تقنینی و اصالتاً در صلاحیت مجلس است، لیکن مجلس بر اساس تجویز اصل (۸۵) می‌تواند اختیار آن را در صورت صلاحدید به دولت واگذار کند. با این وصف، حکم مندرج در بند (ج) ماده (۱۶) این مصوبه که بدون تجویز

مجلس، به هیئت وزیران اختیار داده است که با پیشنهاد مجمع عمومی فوق‌العاده، بتواند شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه قشم را منحل کند، مغایر اصل (۸۵) قانون اساسی است.

نظر شورای نگهبان

ماده (۱۶)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی تشخیص داده نشد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۶/۲۶ (مرحله دوم)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۷/۳۰

ماده ۴- شرکت مجاز است در چارچوب سیاست‌های ابلاغی شورای عالی مناطق آزاد تجاری- صنعتی و ویژه اقتصادی جهت تحقق اهداف خود نسبت به انجام موارد زیر اقدام نماید:

الف- سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های عمرانی، صنعتی، بازرگانی و خدماتی با مشارکت سایر سرمایه‌گذاران در چارچوب سیاست‌های ابلاغی شورای عالی مناطق آزاد تجاری- صنعتی و ویژه اقتصادی با رعایت سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی و قانون اجرای آن.

ب- ...

ج- استفاده از تسهیلات مالی و اعتباری بانک‌ها و مؤسسات اعتباری در چارچوب موازین شرع و کارگزاری در سازمان بورس اوراق بهادار با رعایت قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴.

د- ...

دیدگاه مغایرت

ایراد مغایرت بند (الف) ماده (۴) این مصوبه با سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی و در نتیجه، مغایرت آن با بند (۱) اصل (۱۱۰) قانون اساسی همچنان باقی است؛ زیرا بر اساس جزء (۱) بند (الف) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی، دولت حق فعالیت اقتصادی جدید خارج از موارد صدر اصل (۴۴) را ندارد و انجام فعالیت ضروری خارج از عنوانین صدر (۴۴) قانون اساسی توسط دولت، منوط به پیشنهاد هیئت وزیران و تصویب مجلس شورای اسلامی، برای مدت معین امکان‌پذیر است. لذا با توجه به اینکه موضوع فعالیت شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه قشم، خارج از موارد صدر اصل (۴۴) قانون اساسی است، تداوم فعالیت این شرکت متوقف بر رعایت ذیل جزء (۱) بند (الف) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی، یعنی تصویب مجلس و صرفاً برای مدت معین است. اما از آنجا که فعالیت شرکت

سرمایه‌گذاری و توسعه قشم، از سوی مجلس و برای مدت معین، تصویب نشده است، این مصوبه مغایر با جزء (۱) بند (الف) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی و در نتیجه مغایر با بند (۱) اصل (۱۱۰) قانون اساسی است که بر تعیین سیاست‌های کلی نظام به عنوان یکی از صلاحیت‌های مقام رهبری تأکید می‌کند. لازم به توضیح است که قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری-صنعتی که مصوبه‌ی مجلس بوده، ناظر به پیش از زمان ابلاغ سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی و قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) است و استناد به آن به عنوان مجوز فعالیت شرکت، قابل پذیرش نیست؛ زیرا بر اساس ماده (۹۲) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۷/۳/۲۵ «از تاریخ تصویب این قانون، کلیه قوانین و مقررات مغایر با آن نسخ می‌گردد و مادام که در قوانین بعدی نسخ و یا اصلاح مواد و مقررات این قانون صریحاً و با ذکر نام این قانون و ماده مورد نظر قید نشود، معتبر خواهد بود».

دیدگاه عدم مغایرت

الف) مجلس شورای اسلامی در راستای رفع ایراد شورای نگهبان، عبارت «با رعایت سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی و قانون اجرای آن» را در انتهای بند (الف) ماده (۴) اضافه کرده است. با تصریح به این شرط، شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه قشم باید مطابق با مقررات سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی در موارد خارج از صدر اصل (۴۴) قانون اساسی تداوم فعالیت و یا انجام فعالیت جدید داشته باشد و یا اینکه در صورت ضرورت به انجام فعالیت‌های خارج از عناوین صدر اصل (۴۴) قانون اساسی، تصویب مجلس را برای انجام فعالیت در مدت معین اخذ کند. بدین ترتیب، ایراد پیشین شورای نگهبان، نسبت به مغایرت داشتن فعالیت‌های اقتصادی بند (الف) این شرکت، با جزء (۱) بند (الف) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی و در نتیجه اصل (۱۱۰) قانون اساسی رفع شده است.

ب) شورای نگهبان اطلاق بند (ج) ماده (۴) سابق را از جهت شمول بر تجویز تسهیلات و وام‌های مالی ربوی، خلاف موازین شرع اعلام کرد که مجلس برای برطرف کردن این ایراد در بند (ج) ماده (۴) اصلاحی، قید «در چارچوب موازین شرع» را اضافه کرده است. این اصلاح، برطرف‌کننده‌ی ایراد پیشین شورای نگهبان است.

نظر شورای نگهبان

بندهای (الف) و (ج) ماده (۴)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه هیئت وزیران در خصوص اساسنامه شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه قشم، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای کرمانشاه مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۳

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷، «اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای کرمانشاه» را بنا به پیشنهاد وزارت نیرو در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۳ هیئت وزیران به تصویب رساند. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۳۹۳ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۷ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۱۹ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ به هیئت وزیران اعلام کرد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۷/۲۳

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۸/۲۸

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۷/۲۳ به پیشنهاد شماره ۹۲/۵۱۵۹۳/۲۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۷ وزارت نیرو و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت - مصوب ۱۳۷۷-^(۱) تصویب کرد:

۱. قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷/۱/۳۰: «موضوع استفساریه:

آیا در مواردی که مجلس شورای اسلامی اجازه تصویب اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت از جمله مؤسساتی را که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است به دولت داده است، اصلاح اساسنامه در هر مورد نیازمند کسب مجوز مجدد از مجلس شورای اسلامی است، یا اصلاح اساسنامه که در واقع اصلاح تصمیم دولت است، برعهده هیئت وزیران می‌باشد؟
نظر مجلس:

ماده واحده- هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه‌هایی که به موجب تصویب مجلس شورای اسلامی به هیئت دولت واگذار شده است، چون تغییر نظر دولت محسوب می‌شود با هیئت وزیران است.»

متن زیر جایگزین ماده (۶) اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای کرمانشاه^(۱) موضوع تصویب‌نامه شماره ۲۸۲۶۳/ت/۹۶۵۴-هـ مورخ ۱۳۸۲/۳/۱۲ می‌شود:

ماده ۶- سرمایه شرکت مبلغ هفت هزار و دویست و هفتاد و پنج میلیارد و دویست و نود و یک میلیون (۷,۲۷۵,۲۹۱,۰۰۰,۰۰۰) ریال است که به هفتصد و بیست و هفت میلیون و پانصد و بیست و نه هزار و یکصد (۷۲۷,۵۲۹,۱۰۰) سهم ده هزار ریالی منقسم گردیده و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران است. افزایش سرمایه یادشده از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها و طرح‌های غیرانتفاعی و تبصره (۴۸) قوانین بودجه سال‌های ۱۳۷۳^(۲) و ۱۳۸۰^(۳) کل کشور و اجرای قانون تبدیل ادارات کل امور آب استان‌ها به شرکت‌های آب منطقه‌ای استان^(۴) و کمک بلاعوض دولت از محل

۱. ماده (۶) اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای کرمانشاه موضوع تصویب‌نامه شماره ۲۸۲۶۳/ت/۹۶۵۴-هـ مورخ ۱۳۸۲/۳/۱۲: «ماده ۶- سرمایه شرکت مبلغ ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال می‌باشد که به ده سهم یک میلیون ریالی منقسم شده است و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران می‌باشد و پرداخت شده است. تبصره- تغییرات سرمایه با رعایت قوانین مربوط پس از تأیید مجمع عمومی فوق‌العاده با تصویب هیئت وزیران انجام می‌گیرد.»

۲. تبصره (۴۸) قانون بودجه سال ۱۳۷۳ کل کشور مصوب ۱۳۷۲/۱۲/۲۳: «تبصره ۴۸- به دولت اجازه داده می‌شود با پیشنهاد سازمان برنامه و بودجه وام‌های داخلی مربوط به طرح‌های مصوب شورای اقتصاد، شرکت‌های دولتی شامل شرکت‌هایی که شمول قانون بر آن‌ها مستلزم ذکر نام می‌باشد و مؤسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی ناشی از سیاست‌های تعدیل اقتصادی دولت را که (منحصراً) از منابع بانک‌های عامل صورت خواهد گرفت تضمین نماید. سازمان برنامه و بودجه مکلف است اقساط معوق لاوصول و تمام و یا درصدی از کارمزد متعلقه را در سررسید در قانون بودجه سنوات آینده کل کشور منظور نماید. تضمین فوق نافی وظایف بانک‌ها جهت وصول مطالبات معوق لاوصول فوق‌الذکر نخواهد بود. استفاده‌کنندگان از تسهیلات اعتباری این تبصره ملزم به بازپرداخت مطالبات بانک هستند.»

۳. تبصره (۴۸) قانون بودجه سال ۱۳۸۰ کل کشور مصوب ۱۳۷۹/۱۱/۲۶: «تبصره ۴۸- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف است طرح اصلاح ساختار نظام بودجه‌ریزی کشور را تهیه و برای طی مراحل قانونی تقدیم هیئت وزیران نماید به نحوی که کلیه تبصره‌های بودجه در قالب موضوع مشخص دسته‌بندی شود و موارد تبصره‌ای محدود و از درج تبصره‌هایی که ماهیت دائمی دارند خودداری گردد.»

۴. قانون تبدیل ادارات کل امور آب استان‌ها به شرکت‌های آب منطقه‌ای استان و تبدیل شرکت‌های آب منطقه‌ای که بیش از یک استان را دربرمی‌گیرد به شرکت آب منطقه‌ای استان ذی‌ربط مصوب ۱۳۸۳/۱۲/۲۶: «ماده واحده- به وزارت نیرو اجازه داده می‌شود نسبت به تبدیل شرکت‌های آب منطقه‌ای که بیش از یک استان را دربر می‌گیرد به شرکت آب منطقه‌ای استان ذی‌ربط و در استان‌هایی که شرکت آب منطقه‌ای تشکیل نشده است، نسبت به تبدیل ادارات کل امور آب استان‌ها به شرکت‌های آب منطقه‌ای استان ذی‌ربط با مأموریت انجام وظایف عملیاتی مدیریت منابع آب در محدوده هر استان با وظایف و اختیارات یکسان و بهره‌برداری و حفاظت از منابع آب و تأسیسات آبی استان از طریق واگذاری وظایف غیرحاکمیتی مربوط طبق قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱/۱۲/۱۶ و رعایت اصول چهل و چهارم (۴۴) و چهل و پنجم (۴۵) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و تحویل امکانات و منابع

تخصیص اعتبار افزایش درآمد شرکت ملی فولاد ایران تأمین شده است.

دیدگاه عدم مغایرت

هیچ یک از اعضای شورای نگهبان، در خصوص مغایرت مفاد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی نظری ابراز نکردند.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه هیئت وزیران در خصوص اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای کرمانشاه، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.



انسانی ادارات کل امور آب استان‌ها به این شرکت‌ها به گونه‌ای که موجب گسترش تشکیلات نشده و ایجاد بار مالی اضافی برای دولت ننماید، اقدام کند. امور حاکمیتی از قبیل مدیریت حوضه‌های آبریز، مطالعات جامع منابع آب، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی توسعه منابع آب، تعیین تخصیص و سهم بخش‌های مختلف مصرف آب، انتقال بین حوضه‌ای و تعیین ارزش اقتصادی آب کماکان به عهده وزارت نیرو خواهد بود. در هر حال حقایق‌های اشخاص باید محفوظ بماند. اساسنامه شرکت‌های مذکور بنا به پیشنهاد مشترک وزارت نیرو و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور حداکثر دو ماه پس از ابلاغ این قانون به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید. تبصره- این قانون از تاریخ تصویب لازم‌الاجراء است.»

اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای کردستان مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۳

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷، «اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای کردستان» را بنا به پیشنهاد وزارت نیرو در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۳ هیئت وزیران به تصویب رساند. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۳۴۷ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۷ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۲۴ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ به هیئت وزیران اعلام کرد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۷/۲۳

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۸/۲۸

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۷/۲۳ به پیشنهاد شماره ۹۲/۵۱۵۹۳/۲۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۷ وزارت نیرو و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت - مصوب ۱۳۷۷^(۱) تصویب کرد:

۱. قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷/۱/۳۰: «موضوع استفساریه:

آیا در مواردی که مجلس شورای اسلامی اجازه تصویب اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت از جمله مؤسساتی را که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است به دولت داده است، اصلاح اساسنامه در هر مورد نیازمند کسب مجوز مجدد از مجلس شورای اسلامی است، یا اصلاح اساسنامه که در واقع اصلاح تصمیم دولت است، برعهده هیئت وزیران می‌باشد؟
نظر مجلس:

ماده واحده- هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه‌هایی که به موجب تصویب مجلس شورای اسلامی به هیئت دولت واگذار شده است، چون تغییر نظر دولت محسوب می‌شود با هیئت وزیران است.»

متن زیر جایگزین ماده (۶) اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای کردستان^(۱) موضوع تصویب‌نامه شماره ۸۴۹۴۹/ت/۴۴۶۹۲-هـ مورخ ۱۳۹۱/۵/۲ می‌شود:

ماده ۶- سرمایه شرکت مبلغ یکهزار و یکصد و بیست و دو میلیارد و نهصد و چهل و چهار میلیون (۱,۱۲۲,۹۴۴,۰۰۰,۰۰۰) ریال است که به یک میلیون و یکصد و بیست و دو هزار و نهصد و چهل و چهار (۱,۱۲۲,۹۴۴) سهم یک میلیون ریالی منقسم گردیده و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران است. افزایش سرمایه یادشده از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها و طرح‌های غیرانتفاعی و تبصره (۴۸) قوانین بودجه سال‌های ۱۳۷۳^(۲) و ۱۳۸۰^(۳) کل کشور و اجرای قانون تبدیل ادارات کل امور آب استان‌ها به شرکت‌های آب منطقه‌ای استان^(۴) تأمین شده است.

۱. اصلاحیه ماده (۶) اساسنامه شرکت‌های سهامی آب منطقه‌ای موضوع تصویب‌نامه شماره ۸۴۹۴۹/ت/۴۴۶۹۲-هـ مورخ ۱۳۹۱/۵/۲: «ماده (۶) اساسنامه شرکت‌های سهامی آب منطقه‌ای به شرح زیر اصلاح می‌شود: ...»

۱۱- شرکت سهامی آب منطقه‌ای کردستان (تصویب‌نامه شماره ۳۵۱۹۹/ت/۳۳۰۹۵-هـ مورخ ۱۳۸۴/۶/۱۵) سرمایه شرکت عبارت است از مبلغ (۲۰۳,۳۰۶,۰۰۰,۰۰۰) ریال که به (۲۰۳,۳۰۶) سهم یک میلیون ریالی منقسم گردیده و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران می‌باشد.

۱۲- « ... »

۲. تبصره (۴۸) قانون بودجه سال ۱۳۷۳ کل کشور مصوب ۱۳۷۲/۱۲/۲۳: «تبصره ۴۸- به دولت اجازه داده می‌شود با پیشنهاد سازمان برنامه و بودجه وام‌های داخلی مربوط به طرح‌های مصوب شورای اقتصاد، شرکت‌های دولتی شامل شرکت‌هایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام می‌باشد و مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی ناشی از سیاست‌های تعدیل اقتصادی دولت را که (منحصراً) از منابع بانک‌های عامل صورت خواهد گرفت تضمین نماید. سازمان برنامه و بودجه مکلف است اقساط معوق لاوصول و تمام و یا درصدی از کارمزد متعلقه را در سررسید در قانون بودجه سنوات آینده کل کشور منظور نماید. تضمین فوق نافی وظایف بانک‌ها جهت وصول مطالبات معوق لاوصول فوق‌الذکر نخواهد بود. استفاده‌کنندگان از تسهیلات اعتباری این تبصره ملزم به بازپرداخت مطالبات بانک هستند.»

۳. تبصره (۴۸) قانون بودجه سال ۱۳۸۰ کل کشور مصوب ۱۳۷۹/۱۱/۲۶: «تبصره ۴۸- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف است طرح اصلاح ساختار نظام بودجه‌ریزی کشور را تهیه و برای طی مراحل قانونی تقدیم هیئت وزیران نماید به نحوی که کلیه تبصره‌های بودجه در قالب موضوع مشخص دسته‌بندی شود و موارد تبصره‌ای محدود و از درج تبصره‌هایی که ماهیت دائمی دارند خودداری گردد.»

۴. قانون تبدیل ادارات کل امور آب استان‌ها به شرکت‌های آب منطقه‌ای استان و تبدیل شرکت‌های آب منطقه‌ای که بیش از یک استان را دربرمی‌گیرد به شرکت آب منطقه‌ای استان ذی‌ربط مصوب ۱۳۸۳/۱۲/۲۶: «ماده واحده- به وزارت نیرو اجازه داده می‌شود نسبت به تبدیل شرکت‌های آب منطقه‌ای که بیش از یک استان را دربر می‌گیرد به شرکت آب منطقه‌ای استان ذی‌ربط و در استان‌هایی که شرکت آب منطقه‌ای تشکیل نشده است، نسبت به تبدیل ادارات کل امور آب استان‌ها به شرکت‌های آب منطقه‌ای استان ذی‌ربط با مأموریت انجام وظایف عملیاتی مدیریت منابع آب در محدوده هر استان با وظایف و اختیارات یکسان و بهره‌برداری و حفاظت از منابع آب و تأسیسات آبی

دیدگاه عدم مغایرت

هیچ یک از اعضای شورای نگهبان، در خصوص مغایرت مفاد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی نظری ابراز نکردند.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه هیئت وزیران در خصوص اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای کردستان، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.



استان از طریق واگذاری وظایف غیرحاکمیتی مربوط طبق قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱/۱۲/۱۶ و رعایت اصول چهل و چهارم (۴۴) و چهل و پنجم (۴۵) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و تحویل امکانات و منابع انسانی ادارات کل امور آب استان‌ها به این شرکت‌ها به گونه‌ای که موجب گسترش تشکیلات نشده و ایجاد بار مالی اضافی برای دولت ننماید، اقدام کند. امور حاکمیتی از قبیل مدیریت حوضه‌های آبریز، مطالعات جامع منابع آب، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی توسعه منابع آب، تعیین تخصیص و سهم بخش‌های مختلف مصرف آب، انتقال بین حوضه‌ای و تعیین ارزش اقتصادی آب کماکان به عهده وزارت نیرو خواهد بود. در هر حال حقایق‌های اشخاص باید محفوظ بماند. اساسنامه شرکت‌های مذکور بنا به پیشنهاد مشترک وزارت نیرو و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور حداکثر دو ماه پس از ابلاغ این قانون به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید. تبصره- این قانون از تاریخ تصویب لازم‌الاجرا است.»

اصلاح اساسنامه شرکت سهامی سازمان آب و برق خوزستان مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۳

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷، «اصلاح اساسنامه شرکت سهامی سازمان آب و برق خوزستان» را بنا به پیشنهاد وزارت نیرو در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۳ هیئت وزیران به تصویب رساند. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۳۹۶ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۷ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۲۵ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ به هیئت وزیران اعلام کرد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۷/۲۳

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۸/۲۸

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۷/۲۳ به پیشنهاد شماره ۹۲/۵۱۵۹۳/۲۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۷ وزارت نیرو و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت - مصوب ۱۳۷۷^(۱) تصویب کرد:
متن زیر جایگزین ماده (۶) اساسنامه شرکت سهامی سازمان آب و برق

۱. قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷/۱/۳۰: «موضوع استفساریه:

آیا در مواردی که مجلس شورای اسلامی اجازه تصویب اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت از جمله مؤسساتی را که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است به دولت داده است، اصلاح اساسنامه در هر مورد نیازمند کسب مجوز مجدد از مجلس شورای اسلامی است، یا اصلاح اساسنامه که در واقع اصلاح تصمیم دولت است، برعهده هیئت وزیران می‌باشد؟
نظر مجلس:

ماده واحده- هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه‌هایی که به موجب تصویب مجلس شورای اسلامی به هیئت دولت واگذار شده است، چون تغییر نظر دولت محسوب می‌شود با هیئت وزیران است.»

خوزستان^(۱) موضوع تصویب نامه شماره ۸۴۹۴۹/ت/۴۴۶۹۲-هـ مورخ ۱۳۹۱/۵/۲ می شود:

ماده ۶- سرمایه شرکت مبلغ یکصد و پنج هزار و یکصد و شصت و پنج میلیارد و چهارصد و هفتاد و چهار میلیون و ششصد هزار (۱۰۵,۱۶۵,۴۷۴,۶۰۰,۰۰۰) ریال است که به ده میلیارد و پانصد و شانزده میلیون و پانصد و چهل و هفت هزار و چهارصد و شصت (۱۰,۵۱۶,۵۴۷,۴۶۰) سهم ده هزار ریالی منقسم گردیده و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران است. افزایش سرمایه یاد شده از محل تجدید ارزیابی دارایی ها و انتقال حساب سد و نیروگاه کارون سه از شرکت سهامی توسعه منابع آب و نیروی ایران و عوارض دریافتی ناشی از اجرای تبصره (۲۷) قوانین بودجه سال های ۱۳۷۶ الی ۱۳۷۸^(۲) و بند (هـ) ماده (۱۹) قانون برنامه دوم توسعه^(۳) تأمین شده است.

۱. اصلاحیه ماده (۶) اساسنامه شرکت های سهامی آب منطقه ای موضوع تصویب نامه شماره ۸۴۹۴۹/ت/۴۴۶۹۲-هـ مورخ ۱۳۹۱/۵/۲: «ماده (۶) اساسنامه شرکت های سهامی آب منطقه ای به شرح زیر اصلاح می شود:

۱- ...

۲- شرکت سهامی سازمان آب و برق خوزستان (تصویب نامه شماره ۱۱۹۴۳۹/ت/۳۷۰۲۵-هـ مورخ ۱۳۸۶/۷/۲۸) سرمایه شرکت عبارت است از مبلغ (۱۶,۱۵۷,۹۰۵,۷۸۰,۰۰۰) ریال که به (۱,۶۱۵,۷۹۰,۵۷۸) سهم ده هزار ریالی منقسم گردیده و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران می باشد.

۳- ...»

۲. تبصره (۲۷) قانون بودجه سال ۱۳۷۶ کل کشور مصوب ۱۳۷۵/۱۱/۱۴: «تبصره ۲۷- در سال ۱۳۷۶ اعتبارات طرح های عمرانی موضوع بند (هـ) تبصره (۱۹) قانون برنامه پنج ساله دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران منظور در پیوست شماره (۱) این قانون مشمول مقررات ماده (۳۲) قانون برنامه و بودجه و ماده (۱۱۳) قانون محاسبات عمومی کشور نمی باشند. مبالغی که در سال ۱۳۷۶ از محل عوارض وصولی مربوط توسط خزانه داری کل کشور بابت اجرای طرح های فوق الذکر به شرکت های دولتی ذیربط پرداخت می گردد با تصویب ارکان صلاحیت دار آنها به حساب افزایش سرمایه دولت در شرکت های دولتی مربوط منظور می شود. اعتبارات مذکور در حدود درآمدهای وصولی مربوط تخصیص یافته تلقی می گردد.»

تبصره (۲۷) قانون بودجه سال ۱۳۷۷ کل کشور مصوب ۱۳۷۶/۱۱/۸: «تبصره ۲۷- در سال ۱۳۷۷ اعتبارات طرح های عمرانی موضوع بند (هـ) تبصره (۱۹) قانون برنامه پنج ساله دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران منظور در پیوست شماره (۱) این قانون مشمول مقررات ماده (۳۲) قانون برنامه و بودجه و ماده (۱۱۳) قانون محاسبات عمومی کشور نمی باشند. مبالغی که در سال ۱۳۷۷ از محل عوارض وصولی مربوط توسط خزانه داری کل کشور بابت اجرای طرح های فوق الذکر به شرکت های دولتی ذیربط پرداخت می گردد با تصویب ارکان صلاحیت دار آنها به حساب افزایش سرمایه دولت در شرکت های دولتی مربوط منظور می شود. نود درصد (۹۰٪) اعتبار وصولی مربوط به هر دوره تخصیص یافته تلقی می گردد، به استثنای برق که صد درصد تخصیص داده می شود. نحوه هزینه اعتبار مربوط به این تبصره مطابق آیین نامه مالی معاملاتی دستگاه های مربوط خواهد بود.»

تبصره (۲۷) قانون بودجه سال ۱۳۷۸ کل کشور مصوب ۱۳۷۷/۱۱/۱۳: «تبصره ۲۷-

الف- در سال ۱۳۷۸ اعتبارات طرح های عمرانی موضوع بند (هـ) تبصره (۱۹) قانون برنامه پنج ساله دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران منظور در پیوست شماره (۱) این قانون مشمول مقررات ماده (۳۲) قانون برنامه و بودجه و ماده (۱۱۳) قانون محاسبات عمومی کشور نمی باشند. مبالغی که در سال ۱۳۷۸ از محل عوارض وصولی

←

دیدگاه عدم مغایرت

هیچ یک از اعضای شورای نگهبان، در خصوص مغایرت مفاد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی نظری ابراز نکردند.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه هیئت وزیران در خصوص اصلاح اساسنامه شرکت سهامی سازمان آب و برق خوزستان، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.



مربوط توسط خزانه‌داری کل کشور بابت اجرای طرح‌های فوق‌الذکر به شرکت‌های دولتی ذی‌ربط پرداخت می‌گردد با تصویب ارکان صلاحیت‌دار آنها به حساب افزایش سرمایه دولت در شرکت‌های دولتی مربوط منظور می‌شود. اعتبار قابل تخصیص از محل عوارض وصولی این تبصره برای برق، مخابرات و گاز معادل هشتاد و پنج درصد (۸۵٪) واریزی و برای نفت معادل پنجاه و چهار و نیم درصد (۵۴٫۵٪) واریزی تعیین می‌گردد و نحوه هزینه اعتبار مربوط به این تبصره و اعتبار ردیف‌های ۲۲۰۵۰۰۱، ۲۲۰۵۰۰۴، ۵۰۳۲۵۰ و ۵۰۳۲۵۲ مطابق آیین‌نامه مالی و معاملاتی دستگاه‌های مربوط خواهد بود. ب- به منظور نیل به عدالت اجتماعی، صیانت از منابع ملی، جلوگیری از تخریب محیط زیست، اعمال صرفه‌جویی و منطقی کردن مصرف انرژی قیمت فروش هر لیتر از چهار فرآورده اصلی نفتی شامل بنزین، نفت سفید، نفت گاز و نفت کوره در سال ۱۳۷۸ به ترتیب معادل سیصد و پنجاه (۳۵۰) ریال، یکصد (۱۰۰) ریال، یکصد (۱۰۰) ریال و پنجاه (۵۰) ریال تعیین می‌شود. مازاد درآمد حاصل از افزایش تعرفه فوق جنبه عوارض داشته و باید عیناً به خزانه واریز گردد. درآمد حاصل از پانزده (۱۵) ریال افزایش در هر لیتر گازوئیل به نسبت یک سوم و دو سوم از محل اعتبار ردیف ۵۰۳۴۳۶ قسمت چهارم این قانون به ترتیب برای احداث و تکمیل طرح‌های مصوب راه‌سازی و راه‌آهن در اختیار وزارت راه و ترابری قرار خواهد گرفت تا پس از مبادله موافقتنامه با سازمان برنامه و بودجه هزینه نماید. از ابتدای سال ۱۳۷۸ تدابیری اتخاذ می‌شود که کلیه خودروهای بنزینی تولید داخل و یا خودروهای وارداتی بنزینی دارای امکانات گازسوز نصب‌شده در کارخانه تولیدکننده باشند.

ج- به منظور کاهش مصرف فرآورده‌های نفتی به شرکت ملی نفت ایران اجازه داده می‌شود در سال ۱۳۷۸ تا مبلغ یکصد و هشتاد میلیارد (۱۸۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال از محل درآمد حاصل از صرفه‌جویی در مصرف سوخت برای برق‌دار کردن تا سه هزار حلقه چاه آب کشاورزی و موتور تلمبه‌ها به متقاضیان کشاورزی به ازای هر حلقه تا شصت میلیون (۶۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال پرداخت نماید.

د- قیمت سوخت نیروگاه‌ها توسط شورای اقتصاد تعیین می‌گردد.

۱. بند (ه) تبصره (۱۹) قانون برنامه پنج‌ساله دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۳/۹/۲۰: «تبصره ۱۹-

الف- ...

ه- مبالغ وصولی از طریق افزایش تعرفه مذکور در بندهای فوق، جنبه عوارض داشته و باید عیناً به خزانه واریز شود. به دولت اجازه داده می‌شود مبالغ وصولی در هر مورد را برای اجرای طرح‌های عمرانی، بر اساس بودجه‌های مصوب سالانه و مبادله موافقتنامه شرح عملیات در اختیار دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط قرار دهد.»

اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای زنجان مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۳

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷، «اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای زنجان» را بنا به پیشنهاد وزارت نیرو در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۳ هیئت وزیران به تصویب رساند. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۴۰۱ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۷ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۲۳ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ به هیئت وزیران اعلام کرد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۷/۲۳

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۸/۲۸

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۷/۲۳ به پیشنهاد شماره ۹۲/۵۱۵۹۳/۲۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۷ وزارت نیرو و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت - مصوب ۱۳۷۷-^(۱) تصویب کرد:

۱. قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷/۱/۳۰: «موضوع استفساریه: آیا در مواردی که مجلس شورای اسلامی اجازه تصویب اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت از جمله مؤسساتی را که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است به دولت داده است، اصلاح اساسنامه در هر مورد نیازمند کسب مجوز مجدد از مجلس شورای اسلامی است، یا اصلاح اساسنامه که در واقع اصلاح تصمیم دولت است، برعهده هیئت وزیران می‌باشد؟ نظر مجلس:

ماده واحده- هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه‌هایی که به موجب تصویب مجلس شورای اسلامی به هیئت دولت واگذار شده است، چون تغییر نظر دولت محسوب می‌شود با هیئت وزیران است.»

متن زیر جایگزین ماده (۶) اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای زنجان^(۱) موضوع تصویب‌نامه شماره ۱۱۹۴۳۹/ت/۳۷۰۲۵-هـ مورخ ۱۳۸۶/۷/۲۸ می‌شود:

ماده ۶- سرمایه شرکت مبلغ دو هزار و یکصد و هفت میلیارد و هفتصد و سی و نه میلیون و ششصد و نود هزار (۲,۱۰۷,۷۳۹,۶۹۰,۰۰۰) ریال است که به دویست و ده میلیون و هفتصد و هفتاد و سه هزار و نهصد و شصت و نه (۲۱۰,۷۷۳,۹۶۹) سهم ده هزار ریالی منقسم گردیده و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران است. افزایش سرمایه یادشده از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها و طرح‌های غیرانتفاعی و تبصره (۴۸) قانون بودجه سال ۱۳۷۶ کل کشور^(۲) و دارایی‌های انتقالی از شرکت سهامی آب منطقه‌ای گیلان تأمین شده است.

دیدگاه عدم مغایرت

هیچ یک از اعضای شورای نگهبان، در خصوص مغایرت مفاد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی نظری ابراز نکردند.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه هیئت وزیران در خصوص اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای زنجان، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. اصلاحیه ماده (۶) اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای موضوع تصویب‌نامه شماره ۱۱۹۴۳۹/ت/۳۷۰۲۵-هـ مورخ ۱۳۸۶/۷/۲۸: «ماده (۶) اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای، موضوع تصویب‌نامه شماره ۹۶۵۴/ت/۲۸۲۶۳-هـ مورخ ۱۳۸۲/۳/۱۲ به شرح زیر اصلاح می‌شود:

۱- ...

۱۳- شرکت سهامی آب منطقه‌ای زنجان:

سرمایه شرکت عبارت است از مبلغ (۷,۸۷۶,۶۹۰,۰۰۰) ریال که به (۷۸۷,۶۹۹) سهم ده هزار ریالی منقسم گردیده و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران می‌باشد.

۱۴- ...»

۲. تبصره (۴۸) قانون بودجه سال ۱۳۷۶ کل کشور مصوب ۱۳۷۵/۱۱/۱۴: «تبصره ۴۸- به دولت اجازه داده می‌شود با پیشنهاد سازمان برنامه و بودجه و ام‌های داخلی مربوط به طرح‌های شرکت‌های دولتی شامل شرکت‌هایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام می‌باشد حداکثر معادل بودجه مصوب مندرج در قسمت ششم این قانون و مؤسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی را که منحصرأ از منابع بانک‌های عامل صورت خواهد گرفت تضمین نماید. سازمان برنامه و بودجه مکلف است اقساط معوق لاوصول و تمام و یا درصدی از کارمزد متعلقه را در سررسید در قانون بودجه سنوات آینده کل کشور منظور نماید. تضمین فوق نافی وظایف بانک‌ها جهت وصول مطالبات معوق لاوصول نخواهد بود. استفاده‌کنندگان از تسهیلات اعتباری این بند ملزم به بازپرداخت مطالبات بانک هستند.»

اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای یزد مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۳

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷، «اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای یزد» را بنا به پیشنهاد وزارت نیرو در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۳ هیئت وزیران به تصویب رساند. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۴۰۹ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۷ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۲۲ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ به هیئت وزیران اعلام کرد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۷/۲۳

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۸/۲۸

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۷/۲۳ به پیشنهاد شماره ۹۲/۵۱۵۹۳/۲۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۷ وزارت نیرو و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت - مصوب ۱۳۷۷-^(۱) تصویب کرد:

۱. قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷/۱/۳۰: «موضوع استفساریه:

آیا در مواردی که مجلس شورای اسلامی اجازه تصویب اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت از جمله مؤسساتی را که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است به دولت داده است، اصلاح اساسنامه در هر مورد نیازمند کسب مجوز مجدد از مجلس شورای اسلامی است، یا اصلاح اساسنامه که در واقع اصلاح تصمیم دولت است، برعهده هیئت وزیران می‌باشد؟
نظر مجلس:

ماده واحده- هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه‌هایی که به موجب تصویب مجلس شورای اسلامی به هیئت دولت واگذار شده است، چون تغییر نظر دولت محسوب می‌شود با هیئت وزیران است.»

متن زیر جایگزین ماده (۶) اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای یزد^(۱) موضوع تصویب‌نامه شماره ۱۱۹۴۳۹/ت/۳۷۰۲۵-هـ مورخ ۱۳۸۶/۷/۲۸ می‌شود:

ماده ۶- سرمایه شرکت مبلغ هشت هزار و پانصد و هفتاد و نه میلیارد و سیصد و سی و پنج میلیون و هفتصد و سی هزار (۸,۵۷۹,۳۳۵,۷۳۰,۰۰۰) ریال است که به هشتصد و پنجاه و هفت میلیون و نهصد و سی و سه هزار و پانصد و هفتاد و سه (۸۵۷,۹۳۳,۵۷۳) سهم ده هزار ریالی منقسم گردیده و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران است. افزایش سرمایه یادشده از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها و طرح‌های غیرانتفاعی و وجوه دریافتی از محل اوراق مشارکت موضوع بندهای (ن) و (س) تبصره (۲۱) قانون بودجه سال ۱۳۸۱ کل کشور^(۲) و آورده نقدی سهامداران تأمین شده است.

۱. اصلاحیه ماده (۶) اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای موضوع تصویب‌نامه شماره ۱۱۹۴۳۹/ت/۳۷۰۲۵-هـ مورخ ۱۳۸۶/۷/۲۸: «ماده (۶) اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای، موضوع تصویب‌نامه شماره ۹۶۵۴/ت/۲۸۲۶۳-هـ مورخ ۱۳۸۲/۳/۱۲ به شرح زیر اصلاح می‌شود:

۱- ...

۱۲- شرکت سهامی آب منطقه‌ای یزد:

سرمایه شرکت عبارت است از مبلغ (۱,۶۱۹,۶۷۲,۰۰۰,۰۰۰) ریال که به (۱۶۱,۹۶۷,۲۰۰) سهم ده هزار ریالی منقسم گردیده و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران می‌باشد.

۱۳- ...»

۲. تبصره (۲۱) قانون بودجه سال ۱۳۸۱ کل کشور مصوب ۱۳۸۰/۱۲/۲۲: «تبصره ۲۱- پول و ارز

الف- ...

ن- به دولت اجازه داده می‌شود جهت تسریع در اجرای عملیات طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای مصوب در سال ۱۳۸۱ تا مبلغ دو هزار و چهارصد میلیارد (۲,۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال اوراق مشارکت منتشر نماید و درآمد حاصل را به ردیف شماره ۹۲۰۱۰۰ مندرج در قسمت سوم پیوست این قانون واریز نماید.

۱- دولت مکلف است وجوه مورد نیاز (اصل اوراق و سود متعلقه) موضوع این بند را هر سال در بودجه سالانه منظور نماید.

۲- پرداخت بهای اوراق مذکور و سود متعلقه از طریق نظام بانکی تضمین می‌گردد. اوراق مشارکت موضوع این بند به عنوان سپرده ثابت تلقی و از پرداخت مالیات معاف خواهد بود. دولت مکلف است در اجرای این بند، پس از تکمیل هر طرح، آن را به مأخذ آن قسمت از هزینه‌های تمام‌شده دوره ساخت با احتساب سود قطعی مربوط به اوراق مشارکت که از طریق وجوه حاصل از فروش اوراق مشارکت موضوع این بند تأمین شده است را به کسر سود علی‌الحساب پرداختی به اوراق مزبور و مبالغ پرداخت‌شده بابت اصل اوراق مزبور در سررسید، خریداری نماید. نحوه فروش اوراق مشارکت و نحوه پرداخت و میزان سود و بازپرداخت اصل آن به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

س-

۱- به وزارت نیرو و شرکت‌ها و سازمان‌های تابعه اجازه داده می‌شود برای تکمیل عملیات اجرایی طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای بخش برق تا مبلغ یک‌هزار و ششصد میلیارد (۱,۶۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال از سرمایه‌های مردم از طریق اوراق مشارکت استفاده نمایند.

دیدگاه عدم مغایرت

هیچ یک از اعضای شورای نگهبان، در خصوص مغایرت مفاد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی نظری ابراز نکردند.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه هیئت وزیران در خصوص اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای یزد، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.



- ۲- به وزارت راه و ترابری و شرکت راه آهن جمهوری اسلامی ایران اجازه داده می‌شود برای تکمیل عملیات اجرایی طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای فصل راه و ترابری تا مبلغ دو هزار میلیارد (۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال از سرمایه‌های مردم از طریق اوراق مشارکت استفاده نمایند.
- ۳- به وزارت جهاد کشاورزی (شرکت سهامی شیلات ایران) اجازه داده می‌شود جهت تکمیل و اجرای طرح‌های تأسیسات زیربنایی، کارگاه‌های تکثیر و پرورش ماهی و میگو و بنادر صیادی و نیز برای تکمیل طرح توسعه نیشکر خوزستان به ترتیب مبلغ دویست میلیارد (۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال و هشتصد میلیارد (۸۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال از سرمایه‌های مردمی به طریق اوراق مشارکت استفاده نماید.
- ۴- به وزارت نیرو و شرکت‌ها و سازمان‌های تابعه اجازه داده می‌شود برای تکمیل عملیات اجرایی طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای فصل منابع آب مندرج در پیوست شماره (۱) این قانون تا مبلغ یک هزار میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال از سرمایه‌های مردم به طریق اوراق مشارکت استفاده نماید. دولت مکلف است وجوه مورد نیاز اصل اوراق و سود متعلقه این جزء را هر سال در بودجه سالانه منظور نماید.
- ۵- بازپرداخت اصل و جایزه اوراق مشارکت این بند از محل منابع داخلی شرکت‌های وابسته به وزارتخانه‌های نیرو، راه و ترابری و جهاد کشاورزی تأمین و پرداخت خواهد شد.
- ۶- پرداخت بهای اوراق این بند و سود متعلقه از طریق نظام بانکی تضمین می‌گردد و اوراق مشارکت موضوع این بند بعنوان سپرده ثابت تلقی و از پرداخت مالیات معاف خواهد شد.
- ۷- نحوه فروش اوراق مشارکت و نحوه پرداخت و میزان سود و بازپرداخت اصل آن به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.»

اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای آذربایجان شرقی مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۳

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷، «اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای آذربایجان شرقی» را بنا به پیشنهاد وزارت نیرو در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۳ هیئت وزیران به تصویب رساند. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۴۲۰ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۷ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۲۱ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ به هیئت وزیران اعلام کرد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۷/۲۳

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۸/۲۸

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۷/۲۳ به پیشنهاد شماره ۹۲/۵۱۵۹۳/۲۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۷ وزارت نیرو و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت- مصوب ۱۳۷۷-^(۱) تصویب کرد:

۱. قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷/۱/۳۰: «موضوع استفساریه:

آیا در مواردی که مجلس شورای اسلامی اجازه تصویب اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت از جمله مؤسساتی را که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است به دولت داده است، اصلاح اساسنامه در هر مورد نیازمند کسب مجوز مجدد از مجلس شورای اسلامی است، یا اصلاح اساسنامه که در واقع اصلاح تصمیم دولت است، برعهده هیئت وزیران می‌باشد؟
نظر مجلس:

ماده واحده- هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه‌هایی که به موجب تصویب مجلس شورای اسلامی به هیئت دولت واگذار شده است، چون تغییر نظر دولت محسوب می‌شود با هیئت وزیران است.»

متن زیر جایگزین ماده (۶) اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای آذربایجان شرقی^(۱) موضوع تصویب‌نامه شماره ۱۱۹۴۳۹/ت/۳۷۰۲۵-هـ مورخ ۱۳۸۶/۷/۲۸ می‌شود:

ماده ۶- سرمایه شرکت مبلغ یازده هزار و هشتصد و هفتاد میلیارد و ششصد و شصت و نه میلیون و یکصد و چهل هزار (۱۱,۸۷۰,۶۶۹,۱۴۰,۰۰۰) ریال است که به یک میلیارد و یکصد و هشتاد و هفت میلیون و شصت و شش هزار و نهصد و چهارده (۱,۱۸۷,۰۶۶,۹۱۴) سهم ده هزار ریالی منقسم گردیده و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران است. افزایش سرمایه یادشده از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها و طرح‌های غیرانتفاعی و انتقال دارایی‌های ایجادشده از محل وجوه دریافتی و هزینه‌های جبرانی و دارایی‌های اهدایی تأمین شده است.

دیدگاه عدم مغایرت

هیچ یک از اعضای شورای نگهبان، در خصوص مغایرت مفاد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی نظری ابراز نکردند.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه هیئت وزیران در خصوص اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای آذربایجان شرقی، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. اصلاحیه ماده (۶) اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای موضوع تصویب‌نامه شماره ۱۱۹۴۳۹/ت/۳۷۰۲۵-هـ مورخ ۱۳۸۶/۷/۲۸: «ماده (۶) اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای، موضوع تصویب‌نامه شماره ۹۶۵۴/ت/۲۸۲۶۳-هـ مورخ ۱۳۸۲/۳/۱۲ به شرح زیر اصلاح می‌شود:

۱- ...

۷- شرکت سهامی آب منطقه‌ای آذربایجان شرقی:

سرمایه شرکت عبارت است از مبلغ (۱,۶۷۱,۹۰۵,۳۵۰,۰۰۰) ریال که به (۱۶۷,۱۹۰,۵۳۵) سهم ده هزار ریالی منقسم گردیده و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران می‌باشد.

۸- «...»

اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای لرستان مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۳

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷، «اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای لرستان» را بنا به پیشنهاد وزارت نیرو در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۳ هیئت وزیران به تصویب رساند. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۳۵۲ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۷ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۲۰ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ به هیئت وزیران اعلام کرد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۷/۲۳

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۸/۲۸

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۷/۲۳ به پیشنهاد شماره ۹۲/۵۱۵۹۳/۲۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۷ وزارت نیرو و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت - مصوب ۱۳۷۷-^(۱) تصویب کرد:

۱. قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷/۱/۳۰: «موضوع استفساریه:

آیا در مواردی که مجلس شورای اسلامی اجازه تصویب اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت از جمله مؤسساتی را که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است به دولت داده است، اصلاح اساسنامه در هر مورد نیازمند کسب مجوز مجدد از مجلس شورای اسلامی است، یا اصلاح اساسنامه که در واقع اصلاح تصمیم دولت است، برعهده هیئت وزیران می‌باشد؟
نظر مجلس:

ماده واحده- هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه‌هایی که به موجب تصویب مجلس شورای اسلامی به هیئت دولت واگذار شده است، چون تغییر نظر دولت محسوب می‌شود با هیئت وزیران است.»

متن زیر جایگزین ماده (۶) اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای لرستان^(۱) موضوع تصویب‌نامه شماره ۸۴۹۴۹/ت/۴۴۶۹۲-هـ مورخ ۱۳۹۱/۵/۲ می‌شود:

ماده ۶- سرمایه شرکت مبلغ هجده میلیارد و دویست و چهار میلیون (۱۸,۲۰۴,۰۰۰,۰۰۰) ریال است که به هجده هزار و دویست و چهار (۱۸,۲۰۴) سهم یک میلیون ریالی منقسم گردیده و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران است. افزایش سرمایه یادشده از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها و دارایی‌های اهدایی از سوی شرکت مدیریت منابع آب ایران تأمین شده است.

دیدگاه عدم مغایرت

هیچ یک از اعضای شورای نگهبان، در خصوص مغایرت مفاد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی نظری ابراز نکردند.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه هیئت وزیران در خصوص اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای لرستان، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. اصلاحیه ماده (۶) اساسنامه شرکت‌های سهامی آب منطقه‌ای موضوع تصویب‌نامه شماره ۸۴۹۴۹/ت/۴۴۶۹۲-هـ مورخ ۱۳۹۱/۵/۲: «ماده (۶) اساسنامه شرکت‌های سهامی آب منطقه‌ای به شرح زیر اصلاح می‌شود:

۱- ...

۱۳- شرکت سهامی آب منطقه‌ای لرستان (تصویب‌نامه شماره ۳۵۱۴۵/ت/۳۳۰۹۵-هـ مورخ ۱۳۸۴/۶/۱۵)

سرمایه شرکت عبارت است از مبلغ (۴۱,۲۱۷,۰۰۰,۰۰۰) ریال که به (۴۱,۲۱۷) سهم یک میلیون ریالی منقسم گردیده و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران می‌باشد.

۱۴- « ... »

اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای قم مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۳

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷، «اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای قم» را بنا به پیشنهاد وزارت نیرو در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۳ هیئت وزیران به تصویب رساند. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۳۷۳ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۷ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۲۸ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ به هیئت وزیران اعلام کرد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۷/۲۳

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۸/۲۸

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۷/۲۳ به پیشنهاد شماره ۹۲/۵۱۵۹۳/۲۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۷ وزارت نیرو و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت - مصوب ۱۳۷۷^(۱) تصویب کرد:

۱. قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷/۱/۳۰: «موضوع استفساریه:

آیا در مواردی که مجلس شورای اسلامی اجازه تصویب اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت از جمله مؤسساتی را که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است به دولت داده است، اصلاح اساسنامه در هر مورد نیازمند کسب مجوز مجدد از مجلس شورای اسلامی است، یا اصلاح اساسنامه که در واقع اصلاح تصمیم دولت است، برعهده هیئت وزیران می‌باشد؟

نظر مجلس:

ماده واحده- هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه‌هایی که به موجب تصویب مجلس شورای اسلامی به هیئت دولت واگذار شده است، چون تغییر نظر دولت محسوب می‌شود با هیئت وزیران است.»

متن زیر جایگزین ماده (۶) اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای قم^(۱) موضوع تصویب‌نامه شماره ۳۵۱۸۴/ت/۳۳۰۹۵-هـ مورخ ۱۳۸۴/۶/۱۵ می‌شود:

ماده ۶- سرمایه شرکت مبلغ یکهزار و هشتصد و دوازده میلیارد و دو میلیون (۱.۸۱۲,۰۰۲,۰۰۰,۰۰۰) ریال است که به یک میلیون و هشتصد و دوازده هزار و دو (۱.۸۱۲,۰۰۲) سهم یک میلیون ریالی منقسم گردیده و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران است. افزایش سرمایه یادشده از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها و طرح‌های غیرانتفاعی و اجرای قانون تبدیل ادارات کل امور آب استان‌ها به شرکت‌های آب منطقه‌ای استان^(۲) تأمین شده است.

دیدگاه عدم مغایرت

هیچ یک از اعضای شورای نگهبان، در خصوص مغایرت مفاد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی نظری ابراز نکردند.

۱. ماده (۶) اساسنامه شرکت‌های سهامی آب منطقه‌ای قم موضوع تصویب‌نامه شماره ۳۵۱۸۴/ت/۳۳۰۹۵-هـ مورخ ۱۳۸۴/۶/۱۵: «ماده ۶- سرمایه شرکت مبلغ ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال می‌باشد که به ده سهم یک میلیون ریالی منقسم شده است و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران می‌باشد و پرداخت شده است. تبصره- تغییرات سرمایه با رعایت قوانین مربوط پس از تأیید مجمع عمومی فوق‌العاده با تصویب هیئت وزیران انجام می‌گیرد.»

۲. قانون تبدیل ادارات کل امور آب استان‌ها به شرکت‌های آب منطقه‌ای استان و تبدیل شرکت‌های آب منطقه‌ای که بیش از یک استان را دربرمی‌گیرد به شرکت آب منطقه‌ای استان ذی‌ربط مصوب ۱۳۸۳/۱۲/۲۶: «ماده واحده- به وزارت نیرو اجازه داده می‌شود نسبت به تبدیل شرکت‌های آب منطقه‌ای که بیش از یک استان را دربر می‌گیرد به شرکت آب منطقه‌ای استان ذی‌ربط و در استان‌هایی که شرکت آب منطقه‌ای تشکیل نشده است، نسبت به تبدیل ادارات کل امور آب استان‌ها به شرکت‌های آب منطقه‌ای استان ذی‌ربط با مأموریت انجام وظایف عملیاتی مدیریت منابع آب در محدوده هر استان با وظایف و اختیارات یکسان و بهره‌برداری و حفاظت از منابع آب و تأسیسات آبی استان از طریق واگذاری وظایف غیرحاکمیتی مربوط طبق قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱/۱۲/۱۶ و رعایت اصول چهل و چهارم (۴۴) و چهل و پنجم (۴۵) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و تحویل امکانات و منابع انسانی ادارات کل امور آب استان‌ها به این شرکت‌ها به گونه‌ای که موجب گسترش تشکیلات نشده و ایجاد بار مالی اضافی برای دولت ننماید، اقدام کند. امور حاکمیتی از قبیل مدیریت حوضه‌های آبریز، مطالعات جامع منابع آب، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی توسعه منابع آب، تعیین تخصیص و سهم بخش‌های مختلف مصرف آب، انتقال بین حوضه‌ای و تعیین ارزش اقتصادی آب کماکان به‌عهده وزارت نیرو خواهد بود. در هر حال حقایق‌های اشخاص باید محفوظ بماند. اساسنامه شرکت‌های مذکور بنا به پیشنهاد مشترک وزارت نیرو و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور حداکثر دو ماه پس از ابلاغ این قانون به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

تبصره- این قانون از تاریخ تصویب لازم‌الاجراء است.»

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه هیئت وزیران در خصوص اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای قم، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای کهگیلویه و بویر احمد مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۳

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷، «اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای کهگیلویه و بویر احمد» را بنا به پیشنهاد وزارت نیرو در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۳ هیئت وزیران به تصویب رساند. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۳۷۷ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۷ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۲۷ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ به هیئت وزیران اعلام کرد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۷/۲۳

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۸/۲۸

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۷/۲۳ به پیشنهاد شماره ۹۲/۵۱۵۹۳/۲۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۷ وزارت نیرو و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت - مصوب ۱۳۷۷-^(۱) تصویب کرد:

۱. قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷/۱/۳۰: «موضوع استفساریه:

آیا در مواردی که مجلس شورای اسلامی اجازه تصویب اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت از جمله مؤسساتی را که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است به دولت داده است، اصلاح اساسنامه در هر مورد نیازمند کسب مجوز مجدد از مجلس شورای اسلامی است، یا اصلاح اساسنامه که در واقع اصلاح تصمیم دولت است، برعهده هیئت وزیران می‌باشد؟
نظر مجلس:

ماده واحده- هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه‌هایی که به موجب تصویب مجلس شورای اسلامی به هیئت دولت واگذار شده است، چون تغییر نظر دولت محسوب می‌شود با هیئت وزیران است.»

متن زیر جایگزین ماده (۶) اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای کهگیلویه و بویر احمد^(۱) موضوع تصویب‌نامه شماره ۳۵۱۵۲/ت/۳۳۰۹۵-هـ مورخ ۱۳۸۴/۶/۱۵ می‌شود:

ماده ۶- سرمایه شرکت مبلغ دو هزار و چهارصد و پنجاه و یک میلیارد و یکصد و چهل و سه میلیون (۲,۴۵۱,۱۴۳,۰۰۰,۰۰۰) ریال است که به دو میلیون و چهارصد و پنجاه و یک هزار و یکصد و چهل و سه (۲,۴۵۱,۱۴۳) سهم یک میلیون ریالی منقسم گردیده و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران است. افزایش سرمایه یادشده از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها و اجرای قانون تبدیل ادارات کل امور آب استان‌ها به شرکت‌های آب منطقه‌ای استان^(۲) تأمین شده است.

دیدگاه عدم مغایرت

هیچ یک از اعضای شورای نگهبان، در خصوص مغایرت مفاد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی نظری ابراز نکردند.

۱. ماده (۶) اساسنامه شرکت‌های سهامی آب منطقه‌ای کهگیلویه و بویر احمد موضوع تصویب‌نامه شماره ۳۵۱۵۲/ت/۳۳۰۹۵-هـ مورخ ۱۳۸۴/۶/۱۵: «ماده ۶- سرمایه شرکت مبلغ ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال می‌باشد که به ده سهم یک میلیون ریالی منقسم شده است و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران می‌باشد و پرداخت شده است.

تبصره- تغییرات سرمایه با رعایت قوانین مربوط پس از تأیید مجمع عمومی فوق‌العاده با تصویب هیئت وزیران انجام می‌گیرد.»

۲. قانون تبدیل ادارات کل امور آب استان‌ها به شرکت‌های آب منطقه‌ای استان و تبدیل شرکت‌های آب منطقه‌ای که پیش از یک استان را دربرمی‌گیرد به شرکت آب منطقه‌ای استان ذی‌ربط مصوب ۱۳۸۳/۱۲/۲۶: «ماده واحده- به وزارت نیرو اجازه داده می‌شود نسبت به تبدیل شرکت‌های آب منطقه‌ای که بیش از یک استان را دربر می‌گیرد به شرکت آب منطقه‌ای استان ذی‌ربط و در استان‌هایی که شرکت آب منطقه‌ای تشکیل نشده است، نسبت به تبدیل ادارات کل امور آب استان‌ها به شرکت‌های آب منطقه‌ای استان ذی‌ربط با مأموریت انجام وظایف عملیاتی مدیریت منابع آب در محدوده هر استان با وظایف و اختیارات یکسان و بهره‌برداری و حفاظت از منابع آب و تأسیسات آبی استان از طریق واگذاری وظایف غیرحاکمیتی مربوط طبق قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱/۱۲/۱۶ و رعایت اصول چهل و چهارم (۴۴) و چهل و پنجم (۴۵) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و تحویل امکانات و منابع انسانی ادارات کل امور آب استان‌ها به این شرکت‌ها به گونه‌ای که موجب گسترش تشکیلات نشده و ایجاد بار مالی اضافی برای دولت ننماید، اقدام کند. امور حاکمیتی از قبیل مدیریت حوضه‌های آبریز، مطالعات جامع منابع آب، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی توسعه منابع آب، تعیین تخصیص و سهم بخش‌های مختلف مصرف آب، انتقال بین حوضه‌ای و تعیین ارزش اقتصادی آب کماکان به‌عهده وزارت نیرو خواهد بود. در هر حال حقایق‌های اشخاص باید محفوظ بماند. اساسنامه شرکت‌های مذکور بنا به پیشنهاد مشترک وزارت نیرو و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور حداکثر دو ماه پس از ابلاغ این قانون به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

تبصره- این قانون از تاریخ تصویب لازم‌الاجرا است.»

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه هیئت وزیران در خصوص اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای کهگیلویه و بویر احمد، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای گلستان مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۳

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷، «اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای گلستان» را بنا به پیشنهاد وزارت نیرو در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۳ هیئت وزیران به تصویب رساند. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۳۸۸ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۷ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۲۶ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ به هیئت وزیران اعلام کرد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۷/۲۳

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۸/۲۸

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۷/۲۳ به پیشنهاد شماره ۹۲/۵۱۵۹۳/۲۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۷ وزارت نیرو و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت - مصوب ۱۳۷۷-^(۱) تصویب کرد:

۱. قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷/۱/۳۰: «موضوع استفساریه:

آیا در مواردی که مجلس شورای اسلامی اجازه تصویب اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت از جمله مؤسساتی را که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است به دولت داده است، اصلاح اساسنامه در هر مورد نیازمند کسب مجوز مجدد از مجلس شورای اسلامی است، یا اصلاح اساسنامه که در واقع اصلاح تصمیم دولت است، برعهده هیئت وزیران می‌باشد؟
نظر مجلس:

ماده واحده- هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه‌هایی که به موجب تصویب مجلس شورای اسلامی به هیئت دولت واگذار شده است، چون تغییر نظر دولت محسوب می‌شود با هیئت وزیران است.»

متن زیر جایگزین ماده (۶) اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای گلستان^(۱) موضوع تصویب‌نامه شماره ۳۵۱۵۷/ت/۳۳۰۹۵-هـ مورخ ۱۳۸۴/۶/۱۵ می‌شود:

ماده ۶- سرمایه شرکت مبلغ یکهزار و ششصد و بیست و سه میلیارد و سیصد و شصت و هشت میلیون (۱,۶۲۳,۳۶۸,۰۰۰,۰۰۰) ریال است که به یک میلیون و ششصد و بیست و سه هزار و سیصد و شصت و هشت (۱,۶۲۳,۳۶۸) سهم یک میلیون ریالی منقسم گردیده و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران است. افزایش سرمایه یادشده از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها و طرح‌های غیرانتفاعی و اجرای قانون تبدیل ادارات کل امور آب استان‌ها به شرکت‌های آب منطقه‌ای استان^(۲) تأمین شده است.

دیدگاه عدم مغایرت

هیچ یک از اعضای شورای نگهبان، در خصوص مغایرت مفاد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی نظری ابراز نکردند.

۱. ماده (۶) اساسنامه شرکت‌های سهامی آب منطقه‌ای گلستان موضوع تصویب‌نامه شماره ۳۵۱۵۷/ت/۳۳۰۹۵-هـ مورخ ۱۳۸۴/۶/۱۵: «ماده ۶- سرمایه شرکت مبلغ ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال می‌باشد که به ده سهم یک میلیون ریالی منقسم شده است و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران می‌باشد و پرداخت شده است. تبصره- تغییرات سرمایه با رعایت قوانین مربوط پس از تأیید مجمع عمومی فوق‌العاده با تصویب هیئت وزیران انجام می‌گیرد.»

۲. قانون تبدیل ادارات کل امور آب استان‌ها به شرکت‌های آب منطقه‌ای استان و تبدیل شرکت‌های آب منطقه‌ای که بیش از یک استان را دربرمی‌گیرد به شرکت آب منطقه‌ای استان ذی‌ربط مصوب ۱۳۸۳/۱۲/۲۶: «ماده واحده- به وزارت نیرو اجازه داده می‌شود نسبت به تبدیل شرکت‌های آب منطقه‌ای که بیش از یک استان را دربر می‌گیرد به شرکت آب منطقه‌ای استان ذی‌ربط و در استان‌هایی که شرکت آب منطقه‌ای تشکیل نشده است، نسبت به تبدیل ادارات کل امور آب استان‌ها به شرکت‌های آب منطقه‌ای استان ذی‌ربط با مأموریت انجام وظایف عملیاتی مدیریت منابع آب در محدوده هر استان با وظایف و اختیارات یکسان و بهره‌برداری و حفاظت از منابع آب و تأسیسات آبی استان از طریق واگذاری وظایف غیرحاکمیتی مربوط طبق قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱/۱۲/۱۶ و رعایت اصول چهل و چهارم (۴۴) و چهل و پنجم (۴۵) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و تحویل امکانات و منابع انسانی ادارات کل امور آب استان‌ها به این شرکت‌ها به گونه‌ای که موجب گسترش تشکیلات نشده و ایجاد بار مالی اضافی برای دولت ننماید، اقدام کند. امور حاکمیتی از قبیل مدیریت حوضه‌های آبریز، مطالعات جامع منابع آب، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی توسعه منابع آب، تعیین تخصیص و سهم بخش‌های مختلف مصرف آب، انتقال بین حوضه‌ای و تعیین ارزش اقتصادی آب کماکان به‌عهده وزارت نیرو خواهد بود. در هر حال حقایق‌های اشخاص باید محفوظ بماند. اساسنامه شرکت‌های مذکور بنا به پیشنهاد مشترک وزارت نیرو و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور حداکثر دو ماه پس از ابلاغ این قانون به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

تبصره- این قانون از تاریخ تصویب لازم‌الاجراء است.»

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه هیئت وزیران در خصوص اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای گلستان، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای اردبیل مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۳

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷، «اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای اردبیل» را بنا به پیشنهاد وزارت نیرو در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۳ هیئت وزیران به تصویب رساند. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۳۹۰ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۷ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۳۰ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ به هیئت وزیران اعلام کرد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۷/۲۳

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۸/۲۸

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۷/۲۳ به پیشنهاد شماره ۹۲/۵۱۵۹۳/۲۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۷ وزارت نیرو و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت - مصوب ۱۳۷۷-^(۱) تصویب کرد:

۱. قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷/۱/۳۰: «موضوع استفساریه:

آیا در مواردی که مجلس شورای اسلامی اجازه تصویب اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت از جمله مؤسساتی را که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است به دولت داده است، اصلاح اساسنامه در هر مورد نیازمند کسب مجوز مجدد از مجلس شورای اسلامی است، یا اصلاح اساسنامه که در واقع اصلاح تصمیم دولت است، برعهده هیئت وزیران می‌باشد؟

نظر مجلس:

ماده واحده- هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه‌هایی که به موجب تصویب مجلس شورای اسلامی به هیئت دولت واگذار شده است، چون تغییر نظر دولت محسوب می‌شود با هیئت وزیران است.»

متن زیر جایگزین ماده (۶) اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای اردبیل^(۱) موضوع تصویب‌نامه شماره ۳۵۱۴۹/ت/۳۳۰۹۵-هـ مورخ ۱۳۸۴/۶/۱۵ می‌شود:

ماده ۶- سرمایه شرکت مبلغ دو هزار و هفتصد و چهل میلیارد و هشتصد و یازده میلیون (۲,۷۴۰,۸۱۱,۰۰۰,۰۰۰) ریال است که به دو میلیون و هفتصد و چهل هزار و هشتصد و یازده (۲,۷۴۰,۸۱۱) سهم یک میلیون ریالی منقسم گردیده و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران است. افزایش سرمایه یادشده از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها و طرح‌های غیرانتفاعی و اجرای قانون تبدیل ادارات کل امور آب استان‌ها به شرکت‌های آب منطقه‌ای استان^(۲) تأمین شده است.

دیدگاه عدم مغایرت

هیچ یک از اعضای شورای نگهبان، در خصوص مغایرت مفاد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی نظری ابراز نکردند.

۱. ماده (۶) اساسنامه شرکت‌های سهامی آب منطقه‌ای اردبیل موضوع تصویب‌نامه شماره ۳۵۱۴۹/ت/۳۳۰۹۵-هـ مورخ ۱۳۸۴/۶/۱۵: «ماده ۶- سرمایه شرکت مبلغ ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال می‌باشد که به ده سهم یک میلیون ریالی منقسم شده است و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران می‌باشد و پرداخت شده است. تبصره- تغییرات سرمایه با رعایت قوانین مربوط پس از تأیید مجمع عمومی فوق‌العاده با تصویب هیئت وزیران انجام می‌گیرد.»

۲. قانون تبدیل ادارات کل امور آب استان‌ها به شرکت‌های آب منطقه‌ای استان و تبدیل شرکت‌های آب منطقه‌ای که بیش از یک استان را دربرمی‌گیرد به شرکت آب منطقه‌ای استان ذی‌ربط مصوب ۱۳۸۳/۱۲/۲۶: «ماده واحده- به وزارت نیرو اجازه داده می‌شود نسبت به تبدیل شرکت‌های آب منطقه‌ای که بیش از یک استان را دربر می‌گیرد به شرکت آب منطقه‌ای استان ذی‌ربط و در استان‌هایی که شرکت آب منطقه‌ای تشکیل نشده است، نسبت به تبدیل ادارات کل امور آب استان‌ها به شرکت‌های آب منطقه‌ای استان ذی‌ربط با مأموریت انجام وظایف عملیاتی مدیریت منابع آب در محدوده هر استان با وظایف و اختیارات یکسان و بهره‌برداری و حفاظت از منابع آب و تأسیسات آبی استان از طریق واگذاری وظایف غیرحاکمیتی مربوط طبق قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱/۱۲/۱۶ و رعایت اصول چهل و چهارم (۴۴) و چهل و پنجم (۴۵) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و تحویل امکانات و منابع انسانی ادارات کل امور آب استان‌ها به این شرکت‌ها به گونه‌ای که موجب گسترش تشکیلات نشده و ایجاد بار مالی اضافی برای دولت ننماید، اقدام کند. امور حاکمیتی از قبیل مدیریت حوضه‌های آبریز، مطالعات جامع منابع آب، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی توسعه منابع آب، تعیین تخصیص و سهم بخش‌های مختلف مصرف آب، انتقال بین حوضه‌ای و تعیین ارزش اقتصادی آب کماکان به‌عهده وزارت نیرو خواهد بود. در هر حال حقایق‌های اشخاص باید محفوظ بماند. اساسنامه شرکت‌های مذکور بنا به پیشنهاد مشترک وزارت نیرو و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور حداکثر دو ماه پس از ابلاغ این قانون به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

تبصره- این قانون از تاریخ تصویب لازم‌الاجراء است.»

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه هیئت وزیران در خصوص اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای اردبیل، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای همدان مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۳

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷، «اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای همدان» را بنا به پیشنهاد وزارت نیرو در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۳ هیئت وزیران به تصویب رساند. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۳۴۸ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۷ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۲۹ مورخ ۹۳/۹/۳ به هیئت وزیران اعلام کرد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۷/۲۳

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۸/۲۸

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۷/۲۳ به پیشنهاد شماره ۹۲/۵۱۵۹۳/۲۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۷ وزارت نیرو و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت - مصوب ۱۳۷۷^(۱) تصویب کرد:

۱. قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷/۱/۳۰: «موضوع استفساریه:

آیا در مواردی که مجلس شورای اسلامی اجازه تصویب اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت از جمله مؤسساتی را که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است به دولت داده است، اصلاح اساسنامه در هر مورد نیازمند کسب مجوز مجدد از مجلس شورای اسلامی است، یا اصلاح اساسنامه که در واقع اصلاح تصمیم دولت است، برعهده هیئت وزیران می‌باشد؟
نظر مجلس:

ماده واحده- هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه‌هایی که به موجب تصویب مجلس شورای اسلامی به هیئت دولت واگذار شده است، چون تغییر نظر دولت محسوب می‌شود با هیئت وزیران است.»

متن زیر جایگزین ماده (۶) اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای همدان^(۱) موضوع تصویب‌نامه شماره ۸۴۹۴۹/ت/۴۴۶۹۲-هـ مورخ ۱۳۹۱/۵/۲ می‌شود:

ماده ۶- سرمایه شرکت مبلغ یکهزار و یکصد و پنجاه و هشت میلیارد و دویست و سی و چهار میلیون (۱,۱۵۸,۲۳۴,۰۰۰,۰۰۰) ریال است که به یک میلیون و یکصد و پنجاه و هشت هزار و دویست و سی و چهار (۱,۱۵۸,۲۳۴) سهم یک میلیون ریالی منقسم گردیده و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران است. افزایش سرمایه یادشده از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها و طرح‌های غیرانتفاعی تأمین شده است.

دیدگاه عدم مغایرت

هیچ یک از اعضای شورای نگهبان، در خصوص مغایرت مفاد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی نظری ابراز نکردند.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه هیئت وزیران در خصوص اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای همدان، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. اصلاحیه ماده (۶) اساسنامه شرکت‌های سهامی آب منطقه‌ای موضوع تصویب‌نامه شماره ۸۴۹۴۹/ت/۴۴۶۹۲-هـ مورخ ۱۳۹۱/۵/۲: «ماده (۶) اساسنامه شرکت‌های سهامی آب منطقه‌ای به شرح زیر اصلاح می‌شود: ۱- ...»

۱۴- شرکت سهامی آب منطقه‌ای همدان (تصویب‌نامه شماره ۳۵۱۴۴/ت/۳۳۰۹۵-هـ مورخ ۱۳۸۴/۶/۱۵) سرمایه شرکت عبارت است از مبلغ (۸۱,۸۵۶,۰۰۰,۰۰۰) ریال که به (۸۱,۸۵۶) سهم یک میلیون ریالی منقسم گردیده و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران می‌باشد.»

اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای ایلام مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۳

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷، «اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای ایلام» را بنا به پیشنهاد وزارت نیرو در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۳ هیئت وزیران به تصویب رساند. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۳۵۶ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۷ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۳۲ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ به هیئت وزیران اعلام کرد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۷/۲۳

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۸/۲۸

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۷/۲۳ به پیشنهاد شماره ۹۲/۵۱۵۹۳/۲۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۷ وزارت نیرو و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت - مصوب ۱۳۷۷-^(۱) تصویب کرد:

۱. قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷/۱/۳۰: «موضوع استفساریه:

آیا در مواردی که مجلس شورای اسلامی اجازه تصویب اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت از جمله مؤسساتی را که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است به دولت داده است، اصلاح اساسنامه در هر مورد نیازمند کسب مجوز مجدد از مجلس شورای اسلامی است، یا اصلاح اساسنامه که در واقع اصلاح تصمیم دولت است، برعهده هیئت وزیران می‌باشد؟
نظر مجلس:

ماده واحده- هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه‌هایی که به موجب تصویب مجلس شورای اسلامی به هیئت دولت واگذار شده است، چون تغییر نظر دولت محسوب می‌شود با هیئت وزیران است.»

متن زیر جایگزین ماده (۶) اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای ایلام^(۱) موضوع تصویب‌نامه شماره ۸۴۹۴۹/ت/۴۴۶۹۲-هـ مورخ ۱۳۹۱/۵/۲ می‌شود:

ماده ۶- سرمایه شرکت مبلغ یکهزار و پانصد و سی و یک میلیارد و هشتصد و سی و پنج میلیون (۱,۵۳۱,۸۳۵,۰۰۰,۰۰۰) ریال است که به یک میلیون و پانصد و سی و یکهزار و هشتصد و سی و پنج (۱,۵۳۱,۸۳۵) سهم یک میلیون ریالی منقسم گردیده و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران است. افزایش سرمایه یادشده از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها و طرح‌های غیرانتفاعی تأمین شده است.

دیدگاه عدم مغایرت

هیچ یک از اعضای شورای نگهبان، در خصوص مغایرت مفاد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی نظری ابراز نکردند.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه هیئت وزیران در خصوص اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای ایلام، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. اصلاحیه ماده (۶) اساسنامه شرکت‌های سهامی آب منطقه‌ای موضوع تصویب‌نامه شماره ۸۴۹۴۹/ت/۴۴۶۹۲-هـ مورخ ۱۳۹۱/۵/۲: «ماده (۶) اساسنامه شرکت‌های سهامی آب منطقه‌ای به شرح زیر اصلاح می‌شود:

۱- ...

12- شرکت سهامی آب منطقه‌ای ایلام (تصویب‌نامه شماره ۳۵۱۴۶/ت/۳۳۰۹۵-هـ مورخ ۱۳۸۴/۶/۱۵) سرمایه شرکت عبارت است از مبلغ (۱۰۵,۸۳۳,۰۰۰,۰۰۰) ریال که به (۱۰۵,۸۳۳) سهم یک میلیون ریالی منقسم گردیده و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران می‌باشد.

۱۳- ...»

اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای سمنان مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۳

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷، «اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای سمنان» را بنا به پیشنهاد وزارت نیرو در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۳ هیئت وزیران به تصویب رساند. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۳۶۳ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۷ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۳۱ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ به هیئت وزیران اعلام کرد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۷/۲۳

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۸/۲۸

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۷/۲۳ به پیشنهاد شماره ۹۲/۵۱۵۹۳/۲۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۷ وزارت نیرو و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت - مصوب ۱۳۷۷-^(۱) تصویب کرد:

۱. قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷/۱/۳۰: «موضوع استفساریه:

آیا در مواردی که مجلس شورای اسلامی اجازه تصویب اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت از جمله مؤسساتی را که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است به دولت داده است، اصلاح اساسنامه در هر مورد نیازمند کسب مجوز مجدد از مجلس شورای اسلامی است، یا اصلاح اساسنامه که در واقع اصلاح تصمیم دولت است، برعهده هیئت وزیران می‌باشد؟
نظر مجلس:

ماده واحده- هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه‌هایی که به موجب تصویب مجلس شورای اسلامی به هیئت دولت واگذار شده است، چون تغییر نظر دولت محسوب می‌شود با هیئت وزیران است.»

متن زیر جایگزین ماده (۶) اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای سمنان^(۱) موضوع تصویب‌نامه شماره ۳۵۱۸۳/ت/۳۳۰۹۵-هـ مورخ ۱۳۸۴/۶/۱۵ می‌شود:

ماده ۶- سرمایه شرکت مبلغ سیصد و سی و پنج میلیارد و هشتصد و نود و هشت میلیون (۳۳۵,۸۹۸,۰۰۰,۰۰۰) ریال است که به سیصد و سی و پنج هزار و هشتصد و نود و هشت (۳۳۵,۸۹۸) سهم یک میلیون ریالی منقسم گردیده و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران است. افزایش سرمایه یادشده از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها و طرح‌های غیرانتفاعی تأمین شده است.

دیدگاه عدم مغایرت

هیچ یک از اعضای شورای نگهبان، در خصوص مغایرت مفاد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی نظری ابراز نکردند.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه هیئت وزیران در خصوص اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای سمنان، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. ماده (۶) اساسنامه شرکت‌های سهامی آب منطقه‌ای سمنان موضوع تصویب‌نامه شماره ۳۵۱۸۳/ت/۳۳۰۹۵-هـ مورخ ۱۳۸۴/۶/۱۵: «ماده ۶- سرمایه شرکت مبلغ ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال می‌باشد که به ده سهم یک میلیون ریالی منقسم شده است و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران می‌باشد و پرداخت شده است. تبصره- تغییرات سرمایه با رعایت قوانین مربوط پس از تأیید مجمع عمومی فوق‌العاده با تصویب هیئت وزیران انجام می‌گیرد.»

اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای مرکزی مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۳

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷، «اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای مرکزی» را بنا به پیشنهاد وزارت نیرو در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۳ هیئت وزیران به تصویب رساند. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۳۶۴ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۷ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۳۴ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ به هیئت وزیران اعلام کرد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۷/۲۳

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۸/۲۸

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۷/۲۳ به پیشنهاد شماره ۹۲/۵۱۵۹۳/۲۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۷ وزارت نیرو و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت - مصوب ۱۳۷۷-^(۱) تصویب کرد:

۱. قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷/۱/۳۰: «موضوع استفساریه:

آیا در مواردی که مجلس شورای اسلامی اجازه تصویب اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت از جمله مؤسساتی را که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است به دولت داده است، اصلاح اساسنامه در هر مورد نیازمند کسب مجوز مجدد از مجلس شورای اسلامی است، یا اصلاح اساسنامه که در واقع اصلاح تصمیم دولت است، برعهده هیئت وزیران می‌باشد؟
نظر مجلس:

ماده واحده- هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه‌هایی که به موجب تصویب مجلس شورای اسلامی به هیئت دولت واگذار شده است، چون تغییر نظر دولت محسوب می‌شود با هیئت وزیران است.»

متن زیر جایگزین ماده (۶) اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای مرکزی^(۱) موضوع تصویب‌نامه شماره ۳۵۱۴۷/ت/۳۳۰۹۵-هـ مورخ ۱۳۸۴/۶/۱۵ می‌شود:

ماده ۶- سرمایه شرکت مبلغ یک‌هزار و سیصد و سی و یک میلیارد و دویست و بیست و سه میلیون (۱,۳۳۱,۲۲۳,۰۰۰,۰۰۰) ریال است که به یک میلیون و سیصد و سی و یک‌هزار و دویست و بیست و سه (۱/۳۳۱/۲۲۳) سهم یک میلیون ریالی منقسم گردیده و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران است. افزایش سرمایه یادشده از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها و طرح‌های غیرانتفاعی تأمین شده است.

دیدگاه عدم مغایرت

هیچ یک از اعضای شورای نگهبان، در خصوص مغایرت مفاد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی نظری ابراز نکردند.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه هیئت وزیران در خصوص اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای مرکزی، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. ماده (۶) اساسنامه شرکت‌های سهامی آب منطقه‌ای مرکزی موضوع تصویب‌نامه شماره ۳۵۱۴۷/ت/۳۳۰۹۵-هـ مورخ ۱۳۸۴/۶/۱۵: «ماده ۶- سرمایه شرکت مبلغ ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال می‌باشد که به ده سهم یک میلیون ریالی منقسم شده است و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران می‌باشد و پرداخت شده است. تبصره- تغییرات سرمایه با رعایت قوانین مربوط پس از تأیید مجمع عمومی فوق‌العاده با تصویب هیئت وزیران انجام می‌گیرد.»

اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای قزوین مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۳

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷، «اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای قزوین» را بنا به پیشنهاد وزارت نیرو در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۳ هیئت وزیران به تصویب رساند. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۳۶۸ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۷ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۳۳ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ به هیئت وزیران اعلام کرد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۷/۲۳

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۸/۲۸

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۷/۲۳ به پیشنهاد شماره ۹۲/۵۱۵۹۳/۲۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۷ وزارت نیرو و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت - مصوب ۱۳۷۷-^(۱) تصویب کرد:

۱. قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷/۱/۳۰: «موضوع استفساریه:

آیا در مواردی که مجلس شورای اسلامی اجازه تصویب اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت از جمله مؤسساتی را که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است به دولت داده است، اصلاح اساسنامه در هر مورد نیازمند کسب مجوز مجدد از مجلس شورای اسلامی است، یا اصلاح اساسنامه که در واقع اصلاح تصمیم دولت است، برعهده هیئت وزیران می‌باشد؟
نظر مجلس:

ماده واحده- هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه‌هایی که به موجب تصویب مجلس شورای اسلامی به هیئت دولت واگذار شده است، چون تغییر نظر دولت محسوب می‌شود با هیئت وزیران است.»

متن زیر جایگزین ماده (۶) اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای قزوین^(۱) موضوع تصویب‌نامه شماره ۳۵۲۰۵/ت/۳۳۰۹۵-هـ مورخ ۱۳۸۴/۶/۱۵ می‌شود:

ماده ۶- سرمایه شرکت مبلغ یک‌هزار و ششصد و پنجاه و هشت میلیارد و ششصد و پنجاه و یک میلیون (۱,۶۵۸,۶۵۱,۰۰۰,۰۰۰) ریال است که به یک میلیون و ششصد و پنجاه و هشت هزار و ششصد و پنجاه و یک (۱,۶۵۸,۶۵۱) سهم یک میلیون ریالی منقسم گردیده و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران است. افزایش سرمایه یادشده از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها و طرح‌های غیرانتفاعی تأمین شده است.

دیدگاه عدم مغایرت

هیچ یک از اعضای شورای نگهبان، در خصوص مغایرت مفاد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی نظری ابراز نکردند.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه هیئت وزیران در خصوص اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای قزوین، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. ماده (۶) اساسنامه شرکت‌های سهامی آب منطقه‌ای قزوین موضوع تصویب‌نامه شماره ۳۵۲۰۵/ت/۳۳۰۹۵-هـ مورخ ۱۳۸۴/۶/۱۵: «ماده ۶- سرمایه شرکت مبلغ ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال می‌باشد که به ده سهم یک میلیون ریالی منقسم شده است و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران می‌باشد و پرداخت شده است. تبصره- تغییرات سرمایه با رعایت قوانین مربوط پس از تأیید مجمع عمومی فوق‌العاده با تصویب هیئت وزیران انجام می‌گیرد.»

اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای چهارمحال و بختیاری مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۳

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷، «اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای چهارمحال و بختیاری» را بنا به پیشنهاد وزارت نیرو در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۳ هیئت وزیران به تصویب رساند. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۳۸۱ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۷ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۴۳ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ به هیئت وزیران اعلام کرد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۷/۲۳

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۸/۲۸

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۷/۲۳ به پیشنهاد شماره ۹۲/۵۱۵۹۳/۲۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۷ وزارت نیرو و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت - مصوب ۱۳۷۷-^(۱) تصویب کرد:

۱. قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷/۱/۳۰: «موضوع استفساریه:

آیا در مواردی که مجلس شورای اسلامی اجازه تصویب اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت از جمله مؤسساتی را که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است به دولت داده است، اصلاح اساسنامه در هر مورد نیازمند کسب مجوز مجدد از مجلس شورای اسلامی است، یا اصلاح اساسنامه که در واقع اصلاح تصمیم دولت است، برعهده هیئت وزیران می‌باشد؟
نظر مجلس:

ماده واحده- هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه‌هایی که به موجب تصویب مجلس شورای اسلامی به هیئت دولت واگذار شده است، چون تغییر نظر دولت محسوب می‌شود با هیئت وزیران است.»

متن زیر جایگزین ماده (۶) اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای چهارمحال و بختیاری^(۱) موضوع تصویب‌نامه شماره ۳۵۱۸۵/ت/۳۳۰۹۵-هـ مورخ ۱۳۸۴/۶/۱۵ می‌شود:

ماده ۶- سرمایه شرکت مبلغ پانصد و بیست و دو میلیارد و یکصد و ده میلیون (۵۲۲,۱۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال است که به پانصد و بیست و دو هزار و یکصد و ده (۵۲۲,۱۱۰) سهم یک میلیون ریالی منقسم گردیده و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران است. افزایش سرمایه یادشده از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها و طرح‌های غیرانتفاعی تأمین شده است.

دیدگاه عدم مغایرت

هیچ یک از اعضای شورای نگهبان، در خصوص مغایرت مفاد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی نظری ابراز نکردند.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه هیئت وزیران در خصوص اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای چهارمحال و بختیاری، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. ماده (۶) اساسنامه شرکت‌های سهامی آب منطقه‌ای چهارمحال و بختیاری موضوع تصویب‌نامه شماره ۳۵۱۸۵/ت/۳۳۰۹۵-هـ مورخ ۱۳۸۴/۶/۱۵: «ماده ۶- سرمایه شرکت مبلغ ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال می‌باشد که به ده سهم یک میلیون ریالی منقسم شده است و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران می‌باشد و پرداخت شده است.

تبصره- تغییرات سرمایه با رعایت قوانین مربوط پس از تأیید مجمع عمومی فوق‌العاده با تصویب هیئت وزیران انجام می‌گیرد.»

اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای هرمزگان مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۳

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷، «اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای هرمزگان» را بنا به پیشنهاد وزارت نیرو در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۳ هیئت وزیران به تصویب رساند. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۴۱۱ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۷ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۴۲ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ به هیئت وزیران اعلام کرد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۷/۲۳

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۸/۲۸

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۷/۲۳ به پیشنهاد شماره ۹۲/۵۱۵۹۳/۲۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۷ وزارت نیرو و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت - مصوب ۱۳۷۷-^(۱) تصویب کرد:

۱. قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷/۱/۳۰: «موضوع استفساریه:

آیا در مواردی که مجلس شورای اسلامی اجازه تصویب اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت از جمله مؤسساتی را که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است به دولت داده است، اصلاح اساسنامه در هر مورد نیازمند کسب مجوز مجدد از مجلس شورای اسلامی است، یا اصلاح اساسنامه که در واقع اصلاح تصمیم دولت است، برعهده هیئت وزیران می‌باشد؟
نظر مجلس:

ماده واحده- هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه‌هایی که به موجب تصویب مجلس شورای اسلامی به هیئت دولت واگذار شده است، چون تغییر نظر دولت محسوب می‌شود با هیئت وزیران است.»

متن زیر جایگزین ماده (۶) اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای هرمزگان^(۱) موضوع تصویب‌نامه شماره ۸۴۹۴۹/ت/۴۴۶۹۲-هـ مورخ ۱۳۹۱/۵/۲ می‌شود:

ماده ۶- سرمایه شرکت مبلغ پنج هزار و ششصد و هفتاد و دو میلیارد و هفتصد و هفتاد و هشت میلیون (۵,۶۷۲,۷۷۸,۰۰۰,۰۰۰) ریال است که به پانصد و شصت و هفت میلیون و دویست و هفتاد و هفت هزار و هشتصد (۵۶۷,۲۷۷,۸۰۰) سهم ده هزار ریالی منقسم گردیده و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران است. افزایش سرمایه یادشده از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها و طرح‌های غیرانتفاعی تأمین شده است.

دیدگاه عدم مغایرت

هیچ یک از اعضای شورای نگهبان، در خصوص مغایرت مفاد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی نظری ابراز نکردند.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه هیئت وزیران در خصوص اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای هرمزگان، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. اصلاحیه ماده (۶) اساسنامه شرکت‌های سهامی آب منطقه‌ای موضوع تصویب‌نامه شماره ۸۴۹۴۹/ت/۴۴۶۹۲-هـ مورخ ۱۳۹۱/۵/۲: «ماده (۶) اساسنامه شرکت‌های سهامی آب منطقه‌ای به شرح زیر اصلاح می‌شود:

۱- ...

۵- شرکت سهامی آب منطقه‌ای هرمزگان (تصویب‌نامه شماره ۱۱۹۴۳۹/ت/۳۷۰۲۵-هـ مورخ ۱۳۸۶/۷/۲۸) سرمایه شرکت عبارت است از مبلغ (۱,۰۶۶,۱۹۸,۰۰۰,۰۰۰) ریال که به (۱۰۶,۶۱۹,۸۰۰) سهم ده هزار ریالی منقسم گردیده و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران می‌باشد.

۶- ...»

اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای سیستان و بلوچستان مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۳

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷، «اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای سیستان و بلوچستان» را بنا به پیشنهاد وزارت نیرو در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۳ هیئت وزیران به تصویب رساند. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۴۱۲ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۷ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۴۱ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ به هیئت وزیران اعلام کرد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۷/۲۳

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۸/۲۸

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۷/۲۳ به پیشنهاد شماره ۹۲/۵۱۵۹۳/۲۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۷ وزارت نیرو و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت - مصوب ۱۳۷۷-^(۱) تصویب کرد:

۱. قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷/۱/۳۰: «موضوع استفساریه:

آیا در مواردی که مجلس شورای اسلامی اجازه تصویب اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت از جمله مؤسساتی را که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است به دولت داده است، اصلاح اساسنامه در هر مورد نیازمند کسب مجوز مجدد از مجلس شورای اسلامی است، یا اصلاح اساسنامه که در واقع اصلاح تصمیم دولت است، برعهده هیئت وزیران می‌باشد؟
نظر مجلس:

ماده واحده- هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه‌هایی که به موجب تصویب مجلس شورای اسلامی به هیئت دولت واگذار شده است، چون تغییر نظر دولت محسوب می‌شود با هیئت وزیران است.»

متن زیر جایگزین ماده (۶) اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای سیستان و بلوچستان^(۱) موضوع تصویب‌نامه شماره ۸۴۹۴۹/ت/۴۴۶۹۲-هـ مورخ ۱۳۹۱/۵/۲ می‌شود:

ماده ۶- سرمایه شرکت مبلغ چهار هزار و هشتصد و بیست و دو میلیارد و شصت میلیون و هفتاد هزار (۴,۸۲۲,۰۶۰,۰۷۰,۰۰۰) ریال است که به چهارصد و هشتاد و دو میلیون و دویست و شش هزار و هفت (۴۸۲,۲۰۶,۰۰۷) سهم ده هزار ریالی منقسم گردیده و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران است. افزایش سرمایه یادشده از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها و طرح‌های غیرانتفاعی تأمین شده است.

دیدگاه عدم مغایرت

هیچ یک از اعضای شورای نگهبان، در خصوص مغایرت مفاد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی نظری ابراز نکردند.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه هیئت وزیران در خصوص اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای سیستان و بلوچستان، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. اصلاحیه ماده (۶) اساسنامه شرکت‌های سهامی آب منطقه‌ای موضوع تصویب‌نامه شماره ۸۴۹۴۹/ت/۴۴۶۹۲-هـ مورخ ۱۳۹۱/۵/۲: «ماده (۶) اساسنامه شرکت‌های سهامی آب منطقه‌ای به شرح زیر اصلاح می‌شود:

۱- ...

۴- شرکت سهامی آب منطقه‌ای سیستان و بلوچستان (تصویب‌نامه شماره ۱۱۹۴۳۹/ت/۳۷۰۲۵ مورخ ۱۳۸۶/۷/۲۸)

سرمایه شرکت عبارت است از مبلغ (۱,۷۰۱,۴۹۱,۵۲۰,۰۰۰) ریال که به (۱۷۰,۱۴۹,۱۵۲) سهم ده هزار ریالی منقسم گردیده و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران می‌باشد.

۵- ...»

اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای گیلان مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۳

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷، «اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای گیلان» را بنا به پیشنهاد وزارت نیرو در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۳ هیئت وزیران به تصویب رساند. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۴۱۹ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۷ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۳۵ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ به هیئت وزیران اعلام کرد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۷/۲۳

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۸/۲۸

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۷/۲۳ به پیشنهاد شماره ۹۲/۵۱۵۹۳/۲۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۷ وزارت نیرو و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت - مصوب ۱۳۷۷-^(۱) تصویب کرد:

۱. قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷/۱/۳۰: «موضوع استفساریه:

آیا در مواردی که مجلس شورای اسلامی اجازه تصویب اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت از جمله مؤسساتی را که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است به دولت داده است، اصلاح اساسنامه در هر مورد نیازمند کسب مجوز مجدد از مجلس شورای اسلامی است، یا اصلاح اساسنامه که در واقع اصلاح تصمیم دولت است، برعهده هیئت وزیران می‌باشد؟
نظر مجلس:

ماده واحده- هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه‌هایی که به موجب تصویب مجلس شورای اسلامی به هیئت دولت واگذار شده است، چون تغییر نظر دولت محسوب می‌شود با هیئت وزیران است.»

متن زیر جایگزین ماده (۶) اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای گیلان^(۱) موضوع تصویب‌نامه شماره ۱۱۹۴۳۹/ت/۳۷۰۲۵-هـ مورخ ۱۳۸۶/۷/۲۸ می‌شود:

ماده ۶- سرمایه شرکت مبلغ بیست و دو هزار و یکصد و چهل و چهار میلیارد و نهصد و شصت و هشت میلیون و چهارصد و پنجاه هزار (۲۲,۱۴۴,۹۶۸,۴۵۰,۰۰۰) ریال است که به دو میلیارد و دویست و چهارده میلیون و چهارصد و نود و شش هزار و هشتصد و چهل و پنج (۲,۲۱۴,۴۹۶,۸۴۵) سهم ده هزار ریالی منقسم گردیده و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران است. افزایش سرمایه یادشده از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها و طرح‌های غیرانتفاعی تأمین شده است.

دیدگاه عدم مغایرت

هیچ یک از اعضای شورای نگهبان، در خصوص مغایرت مفاد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی نظری ابراز نکردند.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه هیئت وزیران در خصوص اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای گیلان، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. اصلاحیه ماده (۶) اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای موضوع تصویب‌نامه شماره ۱۱۹۴۳۹/ت/۳۷۰۲۵-هـ مورخ ۱۳۸۶/۷/۲۸: «ماده (۶) اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای، موضوع تصویب‌نامه شماره ۹۶۵۴/ت/۲۸۲۶۳-هـ مورخ ۱۳۸۲/۳/۱۲ به شرح زیر اصلاح می‌شود:

۱- ...

۴- شرکت سهامی آب منطقه‌ای گیلان:

سرمایه شرکت عبارت است از مبلغ (۳,۸۷۲,۴۶۷,۰۰۰,۰۰۰) ریال که به (۳۸۷,۲۴۶,۷۰۰) سهم ده هزار ریالی منقسم گردیده و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران می‌باشد.

۵- «...»

اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای آذربایجان غربی مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۳

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷، «اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای آذربایجان غربی» را بنا به پیشنهاد وزارت نیرو در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۳ هیئت وزیران به تصویب رساند. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۴۳۰ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۷ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۴۰ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ به هیئت وزیران اعلام کرد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۷/۲۳

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۸/۲۸

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۷/۲۳ به پیشنهاد شماره ۹۲/۵۱۵۹۳/۲۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۷ وزارت نیرو و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت - مصوب ۱۳۷۷-^(۱) تصویب کرد:

۱. قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷/۱/۳۰: «موضوع استفساریه:

آیا در مواردی که مجلس شورای اسلامی اجازه تصویب اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت از جمله مؤسساتی را که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است به دولت داده است، اصلاح اساسنامه در هر مورد نیازمند کسب مجوز مجدد از مجلس شورای اسلامی است، یا اصلاح اساسنامه که در واقع اصلاح تصمیم دولت است، برعهده هیئت وزیران می‌باشد؟
نظر مجلس:

ماده واحده- هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه‌هایی که به موجب تصویب مجلس شورای اسلامی به هیئت دولت واگذار شده است، چون تغییر نظر دولت محسوب می‌شود با هیئت وزیران است.»

متن زیر جایگزین ماده (۶) اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای آذربایجان غربی^(۱) موضوع تصویب‌نامه شماره ۸۴۹۴۹/ت/۴۴۶۹۲-هـ مورخ ۱۳۹۱/۵/۲ می‌شود:

ماده ۶- سرمایه شرکت مبلغ پانزده هزار و دویست و سی و یک میلیارد و چهارصد و پنجاه و شش میلیون و هفتاد هزار (۱۵,۲۳۱,۴۵۶,۰۷۰,۰۰۰) ریال است که به یک میلیارد و پانصد و بیست و سه میلیون و یکصد و چهل و پنج هزار و ششصد و هفت (۱,۵۲۳,۱۴۵,۶۰۷) سهم ده هزار ریالی منقسم گردیده و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران است. افزایش سرمایه یادشده از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها و طرح‌های غیرانتفاعی تأمین شده است.

دیدگاه عدم مغایرت

هیچ یک از اعضای شورای نگهبان، در خصوص مغایرت مفاد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی نظری ابراز نکردند.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه هیئت وزیران در خصوص اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای آذربایجان غربی، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. اصلاحیه ماده (۶) اساسنامه شرکت‌های سهامی آب منطقه‌ای موضوع تصویب‌نامه شماره ۸۴۹۴۹/ت/۴۴۶۹۲-هـ

مورخ ۱۳۹۱/۵/۲: «ماده (۶) اساسنامه شرکت‌های سهامی آب منطقه‌ای به شرح زیر اصلاح می‌شود:

۱- شرکت سهامی آب منطقه‌ای آذربایجان غربی (تصویب‌نامه شماره ۱۱۹۴۳۹/ت/۳۷۰۲۵-هـ مورخ ۱۳۸۶/۷/۲۸)

سرمایه شرکت عبارت است از مبلغ (۱,۳۷۴,۹۱۶,۰۷۰,۰۰۰) ریال که به (۱۳۷,۴۹۱,۶۰۷) سهم ده هزار ریالی منقسم گردیده و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران می‌باشد.

۲- ...»

اصلاح اساسنامه شرکت سهامی توسعه منابع آب و نیروی ایران مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۳

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷، «اصلاح اساسنامه شرکت سهامی توسعه منابع آب و نیروی ایران» را بنا به پیشنهاد وزارت نیرو در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۳ هیئت وزیران به تصویب رساند. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۳۴۳ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۷ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۳۹ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ به هیئت وزیران اعلام کرد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۷/۲۳

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۸/۲۸

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۷/۲۳ به پیشنهاد شماره ۹۲/۵۱۵۹۳/۲۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۷ وزارت نیرو و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت - مصوب ۱۳۷۷-^(۱) تصویب کرد:

۱. قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷/۱/۳۰: «موضوع استفساریه:

آیا در مواردی که مجلس شورای اسلامی اجازه تصویب اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت از جمله مؤسساتی را که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است به دولت داده است، اصلاح اساسنامه در هر مورد نیازمند کسب مجوز مجدد از مجلس شورای اسلامی است، یا اصلاح اساسنامه که در واقع اصلاح تصمیم دولت است، برعهده هیئت وزیران می‌باشد؟
نظر مجلس:

ماده واحده- هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه‌هایی که به موجب تصویب مجلس شورای اسلامی به هیئت دولت واگذار شده است، چون تغییر نظر دولت محسوب می‌شود با هیئت وزیران است.»

متن زیر جایگزین ماده (۶) اساسنامه شرکت سهامی توسعه منابع آب و نیروی ایران^(۱) موضوع تصویب نامه شماره ۱۹۶۷۷/ت/۲۸۷۴۹-هـ مورخ ۱۳۸۲/۴/۳۰ می شود:

ماده ۶- سرمایه شرکت مبلغ سه میلیارد و چهارصد و هشتاد و هفت میلیون و سیصد هزار (۳,۴۸۷,۳۰۰,۰۰۰) ریال است که به سی و چهار هزار و هشتصد و هفتاد و سه (۳۴,۸۷۳) سهم یکصد هزار ریالی منقسم گردیده و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران است. افزایش سرمایه یادشده از محل تجدید ارزیابی دارایی ها تأمین شده است.

دیدگاه عدم مغایرت

هیچ یک از اعضای شورای نگهبان، در خصوص مغایرت مفاد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی نظری ابراز نکردند.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه هیئت وزیران در خصوص اصلاح اساسنامه شرکت سهامی توسعه منابع آب و نیروی ایران، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. ماده (۶) اساسنامه شرکت سهامی توسعه منابع آب و نیروی ایران موضوع تصویب نامه شماره ۱۹۶۷۷/ت/۲۸۷۴۹-هـ مورخ ۱۳۸۲/۴/۳۰: «ماده ۶- سرمایه شرکت مبلغ ده میلیون ریال است که به یکصد سهم یکصد هزار ریالی منقسم گردیده است و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران می باشد.»

اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای بوشهر مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۳

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷، «اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای بوشهر» را بنا به پیشنهاد وزارت نیرو در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۳ هیئت وزیران به تصویب رساند. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۳۷۵ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۷ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۳۸ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ به هیئت وزیران اعلام کرد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۷/۲۳

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۸/۲۸

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۷/۲۳ به پیشنهاد شماره ۹۲/۵۱۵۹۳/۲۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۷ وزارت نیرو و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت - مصوب ۱۳۷۷-^(۱) تصویب کرد:

۱. قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷/۱/۳۰: «موضوع استفساریه:

آیا در مواردی که مجلس شورای اسلامی اجازه تصویب اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت از جمله مؤسساتی را که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است به دولت داده است، اصلاح اساسنامه در هر مورد نیازمند کسب مجوز مجدد از مجلس شورای اسلامی است، یا اصلاح اساسنامه که در واقع اصلاح تصمیم دولت است، برعهده هیئت وزیران می‌باشد؟
نظر مجلس:

ماده واحده- هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه‌هایی که به موجب تصویب مجلس شورای اسلامی به هیئت دولت واگذار شده است، چون تغییر نظر دولت محسوب می‌شود با هیئت وزیران است.»

متن زیر جایگزین ماده (۶) اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای بوشهر^(۱) موضوع تصویب‌نامه شماره ۳۵۱۷۴/ت/۳۳۰۹۵-هـ مورخ ۱۳۸۴/۶/۱۵ می‌شود:

ماده ۶- سرمایه شرکت مبلغ سه هزار و بیست و چهار میلیارد و هشتاد و یک میلیون (۳,۰۲۴,۰۸۱,۰۰۰,۰۰۰) ریال است که به سه میلیون و بیست و چهار هزار و هشتاد و یک (۳,۰۲۴,۰۸۱) سهم یک میلیون ریالی منقسم گردیده و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران است. افزایش سرمایه یادشده از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها تأمین شده است.

دیدگاه عدم مغایرت

هیچ یک از اعضای شورای نگهبان، در خصوص مغایرت مفاد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی نظری ابراز نکردند.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه هیئت وزیران در خصوص اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای بوشهر، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. ماده (۶) اساسنامه شرکت‌های سهامی آب منطقه‌ای بوشهر موضوع تصویب‌نامه شماره ۳۵۱۴۹/ت/۳۳۰۹۵-هـ مورخ ۱۳۸۴/۶/۱۵: «ماده ۶- سرمایه شرکت مبلغ ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال می‌باشد که به ده سهم یک میلیون ریالی منقسم شده است و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران می‌باشد و پرداخت شده است. تبصره- تغییرات سرمایه با رعایت قوانین مربوط پس از تأیید مجمع عمومی فوق‌العاده با تصویب هیئت وزیران انجام می‌گیرد.»

اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای خراسان جنوبی مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۳

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷، «اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای خراسان جنوبی» را بنا به پیشنهاد وزارت نیرو در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۳ هیئت وزیران به تصویب رساند. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۳۸۴ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۷ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۳۷ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ به هیئت وزیران اعلام کرد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۷/۲۳

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۸/۲۸

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۷/۲۳ به پیشنهاد شماره ۹۲/۵۱۵۹۳/۲۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۷ وزارت نیرو و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت - مصوب ۱۳۷۷-^(۱) تصویب کرد:

۱. قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷/۱/۳۰: «موضوع استفساریه:

آیا در مواردی که مجلس شورای اسلامی اجازه تصویب اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت از جمله مؤسساتی را که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است به دولت داده است، اصلاح اساسنامه در هر مورد نیازمند کسب مجوز مجدد از مجلس شورای اسلامی است، یا اصلاح اساسنامه که در واقع اصلاح تصمیم دولت است، برعهده هیئت وزیران می‌باشد؟
نظر مجلس:

ماده واحده- هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه‌هایی که به موجب تصویب مجلس شورای اسلامی به هیئت دولت واگذار شده است، چون تغییر نظر دولت محسوب می‌شود با هیئت وزیران است.»

متن زیر جایگزین ماده (۶) اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای خراسان جنوبی^(۱) موضوع تصویب‌نامه شماره ۸۴۹۴۹/ت/۴۴۶۹۲-هـ مورخ ۱۳۹۱/۵/۲ می‌شود:

ماده ۶- سرمایه شرکت مبلغ دویست و هشتاد و هشت میلیارد و چهارده میلیون (۲۸۸,۰۱۴,۰۰۰,۰۰۰) ریال است که به دویست و هشتاد و هشت هزار و چهارده (۲۸۸,۰۱۴) سهم یک میلیون ریالی منقسم گردیده و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران است. افزایش سرمایه یادشده از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها تأمین شده است.

دیدگاه عدم مغایرت

هیچ یک از اعضای شورای نگهبان، در خصوص مغایرت مفاد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی نظری ابراز نکردند.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه هیئت وزیران در خصوص اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای خراسان جنوبی، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. اصلاحیه ماده (۶) اساسنامه شرکت‌های سهامی آب منطقه‌ای موضوع تصویب‌نامه شماره ۸۴۹۴۹/ت/۴۴۶۹۲-هـ مورخ ۱۳۹۱/۵/۲: «ماده (۶) اساسنامه شرکت‌های سهامی آب منطقه‌ای به شرح زیر اصلاح می‌شود:

۱- ...

۱۰- شرکت سهامی آب منطقه‌ای خراسان جنوبی (تصویب‌نامه شماره ۳۵۲۰۸/۳۳۰۹۵-هـ مورخ ۱۳۸۴/۶/۱۵)

سرمایه شرکت عبارت است از مبلغ (۵۹,۸۵۱,۲۲۰,۰۰۰) ریال که به (۵۹,۸۵۱) سهم یک میلیون ریالی منقسم گردیده و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران می‌باشد.

۱۱- ...»

اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای خراسان شمالی

مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۳

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷، «اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای خراسان شمالی» را بنا به پیشنهاد وزارت نیرو در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۳ هیئت وزیران به تصویب رساند. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۳۸۶ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۷ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۳۶ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ به هیئت وزیران اعلام کرد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۷/۲۳

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۸/۲۸

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۷/۲۳ به پیشنهاد شماره ۹۲/۵۱۵۹۳/۲۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۷ وزارت نیرو و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت - مصوب ۱۳۷۷^(۱) تصویب کرد:

۱. قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷/۱/۳۰: «موضوع استفساریه:

آیا در مواردی که مجلس شورای اسلامی اجازه تصویب اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت از جمله مؤسساتی را که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است به دولت داده است، اصلاح اساسنامه در هر مورد نیازمند کسب مجوز مجدد از مجلس شورای اسلامی است، یا اصلاح اساسنامه که در واقع اصلاح تصمیم دولت است، برعهده هیئت وزیران می‌باشد؟
نظر مجلس:

ماده واحده- هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه‌هایی که به موجب تصویب مجلس شورای اسلامی به هیئت دولت
←

متن زیر جایگزین ماده (۶) اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای خراسان شمالی^(۱) موضوع تصویب‌نامه شماره ۸۴۹۴۹/ت/۴۴۶۹۲-هـ مورخ ۱۳۹۱/۵/۲ می‌شود:

ماده ۶- سرمایه شرکت مبلغ ششصد و هشتاد و هشت میلیارد و دویست و پنجاه و نه میلیون (۶۸۸,۲۵۹,۰۰۰,۰۰۰) ریال است که به ششصد و هشتاد و هشت هزار و دویست و پنجاه و نه (۶۸۸,۲۵۹) سهم یک میلیون ریالی منقسم گردیده و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران است. افزایش سرمایه یادشده از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها تأمین شده است.

دیدگاه عدم مغایرت

هیچ یک از اعضای شورای نگهبان، در خصوص مغایرت مفاد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی نظری ابراز نکردند.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه هیئت وزیران در خصوص اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای خراسان شمالی، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.



واگذار شده است، چون تغییر نظر دولت محسوب می‌شود با هیئت وزیران است.»

۱. اصلاحیه ماده (۶) اساسنامه شرکت‌های سهامی آب منطقه‌ای موضوع تصویب‌نامه شماره ۸۴۹۴۹/ت/۴۴۶۹۲-هـ مورخ ۱۳۹۱/۵/۲: «ماده (۶) اساسنامه شرکت‌های سهامی آب منطقه‌ای به شرح زیر اصلاح می‌شود:

۱- ...

۹- شرکت سهامی آب منطقه‌ای خراسان شمالی (تصویب‌نامه شماره ۳۵۱۴۸/ت/۳۳۰۹۵-هـ مورخ ۱۳۸۴/۶/۱۵)

سرمایه شرکت عبارت است از مبلغ (۳۷,۷۳۲,۱۱۰,۰۰۰) ریال که به (۳۷,۷۳۲) سهم یک میلیون ریالی منقسم گردیده و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران می‌باشد.

۱۰- ...»

اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای تهران مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۳

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷، «اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای تهران» را بنا به پیشنهاد وزارت نیرو در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۳ هیئت وزیران به تصویب رساند. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۳۹۹ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۷ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۴۹ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ به هیئت وزیران اعلام کرد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۷/۲۳

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۸/۲۸

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۷/۲۳ به پیشنهاد شماره ۹۲/۵۱۵۹۳/۲۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۷ وزارت نیرو و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت - مصوب ۱۳۷۷-^(۱) تصویب کرد:

۱. قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷/۱/۳۰: «موضوع استفساریه:

آیا در مواردی که مجلس شورای اسلامی اجازه تصویب اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت از جمله مؤسساتی را که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است به دولت داده است، اصلاح اساسنامه در هر مورد نیازمند کسب مجوز مجدد از مجلس شورای اسلامی است، یا اصلاح اساسنامه که در واقع اصلاح تصمیم دولت است، برعهده هیئت وزیران می‌باشد؟
نظر مجلس:

ماده واحده- هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه‌هایی که به موجب تصویب مجلس شورای اسلامی به هیئت دولت واگذار شده است، چون تغییر نظر دولت محسوب می‌شود با هیئت وزیران است.»

متن زیر جایگزین ماده (۶) اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای تهران^(۱) موضوع تصویب‌نامه شماره ۱۱۹۴۳۹/ت/۳۷۰۲۵-هـ مورخ ۱۳۸۶/۷/۲۸ می‌شود:

ماده ۶- سرمایه شرکت مبلغ نوزده هزار و چهارصد و چهل و هفت میلیارد و هشتصد و پانزده میلیون و پانصد و هفتاد هزار (۱۹,۴۴۷,۸۱۵,۵۷۰,۰۰۰) ریال است که به یک میلیارد و نهصد و چهل و چهار میلیون و هفتصد و هشتاد و یک هزار و پانصد و پنجاه و هفت (۱,۹۴۴,۷۸۱,۵۵۷) سهم ده هزار ریالی منقسم گردیده و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران است. افزایش سرمایه یادشده از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها تأمین شده است.

دیدگاه عدم مغایرت

هیچ یک از اعضای شورای نگهبان، در خصوص مغایرت مفاد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی نظری ابراز نکردند.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه هیئت وزیران در خصوص اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای تهران، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. اصلاحیه ماده (۶) اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای موضوع تصویب‌نامه شماره ۱۱۹۴۳۹/ت/۳۷۰۲۵-هـ مورخ ۱۳۸۶/۷/۲۸: «ماده (۶) اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای، موضوع تصویب‌نامه شماره ۹۶۵۴/ت/۲۸۲۶۳-هـ مورخ ۱۳۸۲/۳/۱۲ به شرح زیر اصلاح می‌شود:

۱- شرکت سهامی آب منطقه‌ای تهران:

سرمایه شرکت عبارت است از مبلغ (۸,۸۸۵,۲۲۰,۳۴۰,۰۰۰) ریال که به (۸۸۸,۵۲۲,۰۳۴) سهم ده هزار ریالی منقسم گردیده و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران می‌باشد.

۲- ...»

اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای فارس مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۳

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷، «اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای فارس» را بنا به پیشنهاد وزارت نیرو در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۳ هیئت وزیران به تصویب رساند. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۴۰۳ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۷ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۴۸ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ به هیئت وزیران اعلام کرد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۷/۲۳

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۸/۲۸

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۷/۲۳ به پیشنهاد شماره ۹۲/۵۱۵۹۳/۲۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۷ وزارت نیرو و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت - مصوب ۱۳۷۷-^(۱) تصویب کرد:

۱. قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷/۱/۳۰: «موضوع استفساریه:

آیا در مواردی که مجلس شورای اسلامی اجازه تصویب اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت از جمله مؤسساتی را که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است به دولت داده است، اصلاح اساسنامه در هر مورد نیازمند کسب مجوز مجدد از مجلس شورای اسلامی است، یا اصلاح اساسنامه که در واقع اصلاح تصمیم دولت است، برعهده هیئت وزیران می‌باشد؟

نظر مجلس:

ماده واحده- هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه‌هایی که به موجب تصویب مجلس شورای اسلامی به هیئت دولت واگذار شده است، چون تغییر نظر دولت محسوب می‌شود با هیئت وزیران است.»

متن زیر جایگزین ماده (۶) اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای فارس^(۱) موضوع تصویب‌نامه شماره ۱۱۹۴۳۹/ت/۳۷۰۲۵-هـ مورخ ۱۳۸۶/۷/۲۸ می‌شود:

ماده ۶- سرمایه شرکت مبلغ ده هزار و بیست و سه میلیارد و هشتصد و سی و هشت میلیون (۱۰,۰۲۳,۸۳۸,۰۰۰,۰۰۰) ریال است که به یک میلیارد و دو میلیون و سیصد و هشتاد و سه هزار و هشتصد (۱,۰۰۲,۳۸۳,۸۰۰) سهم ده هزار ریالی منقسم گردیده و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران است. افزایش سرمایه یادشده از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها تأمین شده است.

دیدگاه عدم مغایرت

هیچ یک از اعضای شورای نگهبان، در خصوص مغایرت مفاد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی نظری ابراز نکردند.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه هیئت وزیران در خصوص اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای فارس، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. اصلاحیه ماده (۶) اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای موضوع تصویب‌نامه شماره ۱۱۹۴۳۹/ت/۳۷۰۲۵-هـ مورخ ۱۳۸۶/۷/۲۸: «ماده (۶) اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای، موضوع تصویب‌نامه شماره ۹۶۵۴/ت/۲۸۲۶۳-هـ مورخ ۱۳۸۲/۳/۱۲ به شرح زیر اصلاح می‌شود:

۱- ...

۲- شرکت سهامی آب منطقه‌ای فارس:

سرمایه شرکت عبارت است از مبلغ (۲,۵۲۶,۳۴۱,۶۶۰,۰۰۰) ریال که به (۲۵۲,۶۳۴,۱۶۶) سهم ده هزار ریالی منقسم گردیده و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران می‌باشد.

۳- ...»

اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای اصفهان مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۳

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷، «اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای اصفهان» را بنا به پیشنهاد وزارت نیرو در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۳ هیئت وزیران به تصویب رساند. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۴۰۵ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۷ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۴۷ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ به هیئت وزیران اعلام کرد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۷/۲۳

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۸/۲۸

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۷/۲۳ به پیشنهاد شماره ۹۲/۵۱۵۹۳/۲۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۷ وزارت نیرو و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت - مصوب ۱۳۷۷-^(۱) تصویب کرد:

۱. قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷/۱/۳۰: «موضوع استفساریه:

آیا در مواردی که مجلس شورای اسلامی اجازه تصویب اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت از جمله مؤسساتی را که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است به دولت داده است، اصلاح اساسنامه در هر مورد نیازمند کسب مجوز مجدد از مجلس شورای اسلامی است، یا اصلاح اساسنامه که در واقع اصلاح تصمیم دولت است، برعهده هیئت وزیران می‌باشد؟
نظر مجلس:

ماده واحده- هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه‌هایی که به موجب تصویب مجلس شورای اسلامی به هیئت دولت واگذار شده است، چون تغییر نظر دولت محسوب می‌شود با هیئت وزیران است.»

این متن جایگزین ماده (۶) اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای اصفهان^(۱) موضوع تصویب‌نامه شماره ۸۴۹۴۹/ت/۴۴۶۹۲-هـ مورخ ۱۳۹۱/۵/۲ می‌شود:

ماده ۶- سرمایه شرکت مبلغ سیزده هزار و هشتصد و سی و شش میلیارد و چهارصد و چهارده میلیون و نهصد و چهل هزار (۱۳,۸۳۶,۴۱۴,۹۴۰,۰۰۰) ریال است که به یک میلیارد و سیصد و هشتاد و سه میلیون و ششصد و چهل و یک هزار و چهارصد و نود و چهار (۱,۳۸۳,۶۴۱,۴۹۴) سهم ده هزار ریالی منقسم گردیده و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران است. افزایش سرمایه یادشده از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها تأمین شده است.

دیدگاه عدم مغایرت

هیچ یک از اعضای شورای نگهبان، در خصوص مغایرت مفاد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی نظری ابراز نکردند.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه هیئت وزیران در خصوص اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای اصفهان، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. اصلاحیه ماده (۶) اساسنامه شرکت‌های سهامی آب منطقه‌ای موضوع تصویب‌نامه شماره ۸۴۹۴۹/ت/۴۴۶۹۲-هـ

مورخ ۱۳۹۱/۵/۲: «ماده (۶) اساسنامه شرکت‌های سهامی آب منطقه‌ای به شرح زیر اصلاح می‌شود:

۱- ...

۳- شرکت سهامی آب منطقه‌ای اصفهان (تصویب‌نامه شماره ۱۱۹۴۳۹/ت/۳۷۰۲۵-هـ مورخ ۱۳۸۶/۷/۲۸)

سرمایه شرکت عبارت است از مبلغ (۱,۸۲۰,۰۷۷,۱۴۰,۰۰۰) ریال که به (۱۸۲,۰۰۷,۷۱۴) سهم ده هزار ریالی منقسم گردیده و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران می‌باشد.

۴- « ... »

اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای کرمان مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۳

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷، «اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای کرمان» را بنا به پیشنهاد وزارت نیرو در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۳ هیئت وزیران به تصویب رساند. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۴۰۷ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۷ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۴۶ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ به هیئت وزیران اعلام کرد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۷/۲۳

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۸/۲۸

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۷/۲۳ به پیشنهاد شماره ۹۲/۵۱۵۹۳/۲۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۷ وزارت نیرو و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت - مصوب ۱۳۷۷-^(۱) تصویب کرد:

۱. قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷/۱/۳۰: «موضوع استفساریه:

آیا در مواردی که مجلس شورای اسلامی اجازه تصویب اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت از جمله مؤسساتی را که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است به دولت داده است، اصلاح اساسنامه در هر مورد نیازمند کسب مجوز مجدد از مجلس شورای اسلامی است، یا اصلاح اساسنامه که در واقع اصلاح تصمیم دولت است، برعهده هیئت وزیران می‌باشد؟
نظر مجلس:

ماده واحده- هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه‌هایی که به موجب تصویب مجلس شورای اسلامی به هیئت دولت واگذار شده است، چون تغییر نظر دولت محسوب می‌شود با هیئت وزیران است.»

متن زیر جایگزین ماده (۶) اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای کرمان^(۱) موضوع تصویب‌نامه شماره ۸۴۹۴۹/ت/۴۴۶۹۲-هـ مورخ ۱۳۹۱/۵/۲ می‌شود:

ماده ۶- سرمایه شرکت مبلغ پنج هزار و چهارصد و سی و چهار میلیارد و دویست و بیست و هشت میلیون و ششصد و شصت هزار (۵,۴۳۴,۲۲۸,۶۶۰,۰۰۰) ریال است که به پانصد و چهل و سه میلیون و چهارصد و بیست و دو هزار و هشتصد و شصت و شش (۵۴۳,۴۲۲,۸۶۶) سهم ده هزار ریالی منقسم گردیده و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران است. افزایش سرمایه یادشده از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها تأمین شده است.

دیدگاه عدم مغایرت

هیچ یک از اعضای شورای نگهبان، در خصوص مغایرت مفاد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی نظری ابراز نکردند.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه هیئت وزیران در خصوص اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای کرمان، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. اصلاحیه ماده (۶) اساسنامه شرکت‌های سهامی آب منطقه‌ای موضوع تصویب‌نامه شماره ۸۴۹۴۹/ت/۴۴۶۹۲-هـ مورخ ۱۳۹۱/۵/۲: «ماده (۶) اساسنامه شرکت‌های سهامی آب منطقه‌ای به شرح زیر اصلاح می‌شود:

۱- ...

۷- شرکت سهامی آب منطقه‌ای کرمان (تصویب‌نامه شماره ۱۱۹۴۳۹/ت/۳۷۰۲۵-هـ مورخ ۱۳۸۶/۷/۲۸)

سرمایه شرکت عبارت است از مبلغ (۱,۰۸۴,۴۲۸,۳۳۰,۰۰۰) ریال که به (۱۰۸,۴۴۲,۸۳۳) سهم ده هزار ریالی منقسم گردیده و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران می‌باشد.

۸- ...»

اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای خراسان رضوی مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۳

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷، «اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای خراسان رضوی» را بنا به پیشنهاد وزارت نیرو در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۳ هیئت وزیران به تصویب رساند. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۴۱۳ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۷ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۴۵ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ به هیئت وزیران اعلام کرد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۷/۲۳

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۸/۲۸

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۷/۲۳ به پیشنهاد شماره ۹۲/۵۱۵۹۳/۲۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۷ وزارت نیرو و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت - مصوب ۱۳۷۷-^(۱) تصویب کرد:

۱. قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷/۱/۳۰: «موضوع استفساریه:

آیا در مواردی که مجلس شورای اسلامی اجازه تصویب اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت از جمله مؤسساتی را که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است به دولت داده است، اصلاح اساسنامه در هر مورد نیازمند کسب مجوز مجدد از مجلس شورای اسلامی است، یا اصلاح اساسنامه که در واقع اصلاح تصمیم دولت است، برعهده هیئت وزیران می‌باشد؟
نظر مجلس:

ماده واحده- هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه‌هایی که به موجب تصویب مجلس شورای اسلامی به هیئت دولت واگذار شده است، چون تغییر نظر دولت محسوب می‌شود با هیئت وزیران است.»

متن زیر جایگزین ماده (۶) اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای خراسان رضوی^(۱) موضوع تصویب‌نامه شماره ۸۴۹۴۹/ت/۴۴۶۹۲-هـ مورخ ۱۳۹۱/۵/۲ می‌شود:

ماده ۶- سرمایه شرکت مبلغ هفت هزار و سیصد و نود و پنج میلیارد و پانصد و هشتاد و نه میلیون و چهارصد و پنجاه هزار (۷,۳۹۵,۵۸۹,۴۵۰,۰۰۰) ریال است که به هفتصد و سی و نه میلیون و پانصد و پنجاه و هشت هزار و نهصد و چهل و پنج (۷۳۹,۵۵۸,۹۴۵) سهم ده هزار ریالی منقسم گردیده و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران است. افزایش سرمایه یادشده از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها تأمین شده است.

دیدگاه عدم مغایرت

هیچ یک از اعضای شورای نگهبان، در خصوص مغایرت مفاد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی نظری ابراز نکردند.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه هیئت وزیران در خصوص اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای خراسان رضوی، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. اصلاحیه ماده (۶) اساسنامه شرکت‌های سهامی آب منطقه‌ای موضوع تصویب‌نامه شماره ۸۴۹۴۹/ت/۴۴۶۹۲-هـ مورخ ۱۳۹۱/۵/۲: «ماده (۶) اساسنامه شرکت‌های سهامی آب منطقه‌ای به شرح زیر اصلاح می‌شود:

۱- ...

۸- شرکت سهامی آب منطقه‌ای خراسان رضوی (تصویب‌نامه شماره ۹۶۵۴/ت/۲۸۲۶۳-هـ مورخ ۱۳۸۲/۳/۱۲) سرمایه شرکت عبارت است از مبلغ (۷۴۸,۳۷۸,۴۵۰,۰۰۰) ریال که به (۷۴,۸۳۷,۸۴۵) سهم ده هزار ریالی منقسم گردیده و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران می‌باشد.

۹- ...»

اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای مازندران مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۳

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷، «اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای مازندران» را بنا به پیشنهاد وزارت نیرو در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۳ هیئت وزیران به تصویب رساند. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۴۱۶ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۷ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۴۴ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ به هیئت وزیران اعلام کرد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۷/۲۳

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۸/۲۸

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۷/۲۳ به پیشنهاد شماره ۹۲/۵۱۵۹۳/۲۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۷ وزارت نیرو و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت - مصوب ۱۳۷۷-^(۱) تصویب کرد:

۱. قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷/۱/۳۰: «موضوع استفساریه:

آیا در مواردی که مجلس شورای اسلامی اجازه تصویب اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت از جمله مؤسساتی را که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است به دولت داده است، اصلاح اساسنامه در هر مورد نیازمند کسب مجوز مجدد از مجلس شورای اسلامی است، یا اصلاح اساسنامه که در واقع اصلاح تصمیم دولت است، برعهده هیئت وزیران می‌باشد؟
نظر مجلس:

ماده واحده- هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه‌هایی که به موجب تصویب مجلس شورای اسلامی به هیئت دولت واگذار شده است، چون تغییر نظر دولت محسوب می‌شود با هیئت وزیران است.»

متن زیر جایگزین ماده (۶) اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای مازندران^(۱) موضوع تصویب‌نامه شماره ۸۴۹۴۹/ت/۴۴۶۹۲-هـ مورخ ۱۳۹۱/۵/۲ می‌شود:

ماده ۶- سرمایه شرکت مبلغ چهار هزار و نهصد و هفت میلیارد و دویست و نود و هشت میلیون و چهارصد و هشتاد هزار (۴,۹۰۷,۲۹۸,۴۸۰,۰۰۰) ریال است که به چهارصد و نود میلیون و هفتصد و بیست و نه هزار و هشتصد و چهل و هشت (۴۹۰,۷۲۹,۸۴۸) سهم ده هزار ریالی منقسم گردیده و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران است. افزایش سرمایه یادشده از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها تأمین شده است.

دیدگاه عدم مغایرت

هیچ یک از اعضای شورای نگهبان، در خصوص مغایرت مفاد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی نظری ابراز نکردند.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه هیئت وزیران در خصوص اصلاح اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای مازندران، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. اصلاحیه ماده (۶) اساسنامه شرکت‌های سهامی آب منطقه‌ای موضوع تصویب‌نامه شماره ۸۴۹۴۹/ت/۴۴۶۹۲-هـ مورخ ۱۳۹۱/۵/۲: «ماده (۶) اساسنامه شرکت‌های سهامی آب منطقه‌ای به شرح زیر اصلاح می‌شود:

۱- ...

۶- شرکت سهامی آب منطقه‌ای مازندران (تصویب‌نامه شماره ۱۱۹۴۳۹/ت/۳۷۰۲۵-هـ مورخ ۱۳۸۶/۷/۲۸)

سرمایه شرکت عبارت است از مبلغ (۸۹۴,۳۴۰,۱۰۰,۰۰۰) ریال که به (۸۹,۴۳۴,۰۱۰) سهم ده هزار ریالی منقسم گردیده و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران می‌باشد.

۷- ... »

اصلاح اساسنامه شرکت سهامی توسعه منابع آب و خاک سیستان مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۳

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷، «اصلاح اساسنامه شرکت سهامی توسعه منابع آب و خاک سیستان» را بنا به پیشنهاد وزارت نیرو در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۳ هیئت وزیران به تصویب رساند. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۴۸/۹۲۴۳۳ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۷ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۱۷ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ به هیئت وزیران اعلام کرد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۷/۲۳

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۸/۲۸

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۷/۲۳ به پیشنهاد شماره ۹۲/۵۱۵۹۳/۲۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۷ وزارت نیرو و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت - مصوب ۱۳۷۷^(۱) تصویب کرد:

۱. قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷/۱/۳۰: «موضوع استفساریه:

آیا در مواردی که مجلس شورای اسلامی اجازه تصویب اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت از جمله مؤسساتی را که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است به دولت داده است، اصلاح اساسنامه در هر مورد نیازمند کسب مجوز مجدد از مجلس شورای اسلامی است، یا اصلاح اساسنامه که در واقع اصلاح تصمیم دولت است، برعهده هیئت وزیران می‌باشد؟
نظر مجلس:

ماده واحده- هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه‌هایی که به موجب تصویب مجلس شورای اسلامی به هیئت دولت واگذار شده است، چون تغییر نظر دولت محسوب می‌شود با هیئت وزیران است.»

متن زیر جایگزین ماده (۶) اساسنامه شرکت سهامی توسعه منابع آب و خاک سیستان^(۱) موضوع تصویب نامه شماره ۱۱۶۵۷۷/ت/۳۷۰۲۵-هـ مورخ ۱۳۸۶/۷/۲۳ می شود:

ماده ۶- سرمایه شرکت مبلغ نود و دو میلیارد و نهصد و پنجاه و هشت میلیون و هفتصد هزار (۹۲,۹۵۸,۷۰۰,۰۰۰) ریال است که به نه میلیون و دویست و نود و پنج هزار و هشتصد و هفتاد (۹,۲۹۵,۸۷۰) سهم ده هزار ریالی منقسم گردیده و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران است. افزایش سرمایه یادشده از محل تجدید ارزیابی دارایی ها تأمین شده است.

دیدگاه عدم مغایرت

هیچ یک از اعضای شورای نگهبان، در خصوص مغایرت مفاد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی نظری ابراز نکردند.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه هیئت وزیران در خصوص اصلاح اساسنامه شرکت سهامی توسعه منابع آب و خاک سیستان، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

۱. اصلاحیه ماده (۶) اساسنامه شرکت سهامی آب و خاک سیستان موضوع تصویب نامه شماره ۱۱۶۵۷۷/ت/۳۷۰۲۵-هـ مورخ ۱۳۸۶/۷/۲۳: «ماده (۶) اساسنامه شرکت سهامی آب و خاک سیستان، موضوع تصویب نامه شماره ۲۵۸۱۸/ت/۲۸۲۵۴-هـ مورخ ۱۳۸۲/۶/۴ به شرح زیر اصلاح می شود:

ماده ۶- سرمایه شرکت عبارت است از مبلغ سی و هشت میلیارد و هشتصد و سی و نه میلیون (۳۸,۸۳۹,۰۰۰,۰۰۰) ریال که به سه میلیون و هشتصد و هشتاد و سه هزار و نهصد (۳,۸۸۳,۹۰۰) سهم ده هزار ریالی منقسم گردیده و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران می باشد.»

اصلاح اساسنامه شرکت صنایع هوایی قدس مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۷

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد ماده (۴) قانون تشکیل سازمان صنایع هوایی نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۱، «اصلاح اساسنامه شرکت صنایع هوایی قدس» را بنا به پیشنهاد وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۷ هیئت وزیران به تصویب رساند. پس از آن، این مصوبه برای طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۱۰۸۷/۹۱۲۵۴ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۱ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۶۱۸ مورخ ۱۳۹۳/۹/۳ به هیئت وزیران اعلام کرد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۷/۲۷

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۸/۲۸

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۷/۲۷ به پیشنهاد شماره ۲۴۲۰۶/۱۰۴/۱۷/۲۴ مورخ ۱۳۹۳/۶/۲۳ وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و به استناد ماده (۴) قانون تشکیل سازمان صنایع هوایی نیروهای مسلح - مصوب ۱۳۸۱^(۱) تصویب کرد:

در ماده (۱) اساسنامه شرکت صنایع هوایی قدس^(۲) موضوع تصویب‌نامه شماره ۳۲۸۷۹/ت/۲۰۲۲۸۶ هـ مورخ ۱۳۸۶/۱۲/۲۶، عبارت «شرکت صنایع هوایی قدس» به عبارت «شرکت صنایع طراحی و ساخت هواپیماهای سبک» اصلاح می‌شود.

۱. ماده (۴) قانون تشکیل سازمان صنایع هوایی نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۱/۱۱/۲۷: «ماده ۴- اساسنامه سازمان و شرکت‌هایی که توسط سازمان مطابق ماده (۳) این قانون تشکیل می‌گردند به وسیله وزارت تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید و پس از تأیید فرماندهی کل قوا، جهت اجرا ابلاغ می‌گردد.»

۲. ماده (۱) اساسنامه شرکت صنایع هوایی قدس مصوب ۱۳۸۶/۹/۷: «ماده ۱- به منظور انجام فعالیت‌های مربوط به وسایل بدون سرنشین و هواپیماهای سبک و فوق سبک مندرج در تبصره (۱) ماده (۸) اساسنامه سازمان صنایع هوایی نیروهای مسلح، که در این اساسنامه سازمان نامیده می‌شود، شرکت صنایع هوایی قدس که در این اساسنامه شرکت نامیده می‌شود در زیرمجموعه سازمان تشکیل می‌گردد.»

این اصلاحیه پس از تأیید فرماندهی کل نیروهای مسلح لازم‌الاجرا است.

دیدگاه عدم مغایرت

هیچ یک از اعضای شورای نگهبان در خصوص مغایرت مفاد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی نظری ابراز نکردند.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایرتی با موازین شرع و قانون اساسی ندارد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه هیئت وزیران در خصوص اصلاح اساسنامه شرکت صنایع هوایی قدس، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

اصلاح اساسنامه شرکت سهامی سازمان توسعه برق ایران (اساسنامه شرکت مادر تخصصی تولید نیروی برق حرارتی) مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۷

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد ماده (۱۳) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۶ و ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷، بنا به پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی و نیرو در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ «اساسنامه شرکت سهامی سازمان توسعه برق ایران» را اصلاح کرد و ضمن این اصلاحیه، نام این شرکت را نیز به «شرکت مادر تخصصی تولید نیروی برق حرارتی» تغییر داد. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۹۳/۲۵۳۲۸ مورخ ۱۳۹۳/۳/۸ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸، مفاد آن را در برخی موارد، مغایر با موازین شرع دانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۵۰۹ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۴ به هیئت وزیران اعلام کرد. هیئت وزیران برای رفع ایراد شورای نگهبان، در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۷ اصلاحات لازم را در این مصوبه اعمال کرد و مصوبه‌ی اصلاحی را طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۹۳/۱۰۳۶۱۴ مورخ ۱۳۹۳/۹/۹ برای اظهار نظر مجدد به شورای نگهبان ارسال کرد. بررسی مصوبه‌ی اصلاحی در دستور کار جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۸ شورای نگهبان قرار گرفت که پس از بحث و بررسی، اعضای شورا اصلاحات انجام‌شده را رافع ایرادهای قبلی دانستند و نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را به موجب نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۳۴۴۳ مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۱۲ به هیئت وزیران اعلام کردند.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ (مرحله نخست)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۴/۱۸

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ به پیشنهاد مشترک شماره ۹۲/۵۲۳۸۵/۲۰/۱۰۰

مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۱ وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی و نیرو و به استناد ماده (۱۳) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی - مصوب ۱۳۸۶-^(۱) و ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت - مصوب ۱۳۷۷-^(۲) اساسنامه شرکت سهامی سازمان

۱. ماده (۱۳) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۸: «ماده ۱۳- به منظور ساماندهی و استفاده مطلوب از شرکت‌های دولتی و افزایش بازدهی و بهره‌وری و اداره مطلوب شرکت‌هایی که با رعایت ماده (۳) این قانون در بخش دولتی باقی می‌مانند دولت مکلف است:

الف- کلیه امور مربوط به سیاست‌گذاری و اعمال وظایف حاکمیتی را که به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی و تصویب دولت تعیین می‌شود طی دو سال از تاریخ تصویب این قانون از شرکت‌های دولتی منفک و به وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی تخصصی ذی‌ربط محول کند.

تبصره- تبدیل وضعیت کارکنان شرکت‌های موضوع این بند با رعایت حقوق مکسبه در قالب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

ب- شرکت‌هایی که دولتی باقی می‌مانند و یا براساس این قانون دولتی تشکیل می‌شوند به استثنای بانک‌ها و بیمه‌ها صرفاً در دو قالب فعالیت خواهند کرد:

۱) شرکت مادر تخصصی یا اصلی که سهامدار آن مستقیماً دولت و یا رئیس مجمع عمومی آن رئیس جمهور است.
۲) شرکت‌های عملیاتی یا فرعی که سهامداران آنها شرکت‌های مادر تخصصی یا اصلی هستند. تأسیس شرکت جدید یا تملک شرکت‌های دیگر توسط این شرکت‌ها به شرطی مجاز است که اولاً در محدوده‌ای که قانون برای آنها تعیین کرده باشد و ثانیاً صد درصد (۱۰۰٪) سهام شرکت‌های تأسیس یا تملک‌شده دولتی بوده یا به تملک دولت درآید.

تبصره ۱- مشارکت و سرمایه‌گذاری هر شرکت دولتی در سایر شرکت‌های دولتی فقط در صورتی مجاز است که موضوع فعالیت شرکت سرمایه‌پذیر با فعالیت شرکت سرمایه‌گذار مرتبط باشد و دولت جواز آن را صادر کند. این حکم شامل بانک‌ها، مؤسسات اعتباری، بیمه‌ها و شرکت‌های سرمایه‌گذاری آنها نمی‌شود.

تبصره ۲- میزان و چگونگی مالکیت سهام سایر بنگاه‌های اقتصادی توسط بانک‌های تجاری و تخصصی دولتی به پیشنهاد شورای پول و اعتبار به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید ولی در هر صورت سرمایه‌گذاری بانک‌ها در بنگاه‌های دیگر نباید به گونه‌ای باشد که در اختصاص منابع بانکی به متقاضیان تسهیلات، خللی ایجاد نماید.

تبصره ۳- افتتاح و تداوم فعالیت دفاتر و شعب خارج از کشور شرکت‌های دولتی تنها با پیشنهاد مشترک وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و تصویب هیئت وزیران مجاز است. بانک‌ها و بیمه‌های دولتی از شمول این حکم مستثنی هستند.

تبصره ۴- دولت مکلف است ترتیباتی اتخاذ نماید که تغییر و تصویب اساسنامه بنگاه‌های دولتی و وابسته به دولت که بر اساس مفاد این قانون در جریان واگذاری قرار می‌گیرند به تصویب مراجع ذی‌صلاح برسد.

تبصره ۵- دولت موظف است آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های مغایر با موضوع این ماده و تبصره‌های آن را ملغی‌الاثرباعلام نماید.»

۲. قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷/۱/۳۰: «موضوع استفساریه:

آیا در مواردی که مجلس شورای اسلامی اجازه تصویب اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته

توسعه برق ایران را با اصلاح نام آن به شرکت مادر تخصصی تولید نیروی برق حرارتی به شرح زیر اصلاح و تصویب کرد:

اساسنامه شرکت مادر تخصصی تولید نیروی برق حرارتی

فصل اول- کلیات و سرمایه

ماده ۱- ...

ماده ۴- شرکت دارای شخصیت حقوقی و مستقل بوده و به صورت شرکت سهامی (خاص) اداره می‌شود. این شرکت و شرکت‌های تابع از هر لحاظ استقلال مالی داشته و تابع مقررات اساسنامه خود می‌باشند.

ماده ۵- ...

ماده ۷- موارد زیر از وظایف شرکت می‌باشد:

۱- ...

۱۰- اخذ هرگونه وام و تسهیلات مالی از منابع داخلی و خارجی از طریق انتشار اوراق مشارکت و یا سایر روش‌های تأمین منابع مالی با اخذ مجوز از مراجع قانونی ذی‌ربط

۱۱- ...

دیدگاه مغایرت

الف) اساسنامه‌ی شرکت سهامی سازمان توسعه برق ایران در جلسه‌ی مورخ ۱۳۸۱/۱۲/۱۸ هیئت وزیران به استناد ماده (۴) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران^(۱) به تصویب رسیده است. دقت در این ماده بیانگر آن است که اساساً به هیئت

→

به دولت از جمله مؤسساتی را که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است به دولت داده است، اصلاح اساسنامه در هر مورد نیازمند کسب مجوز مجدد از مجلس شورای اسلامی است، یا اصلاح اساسنامه که در واقع اصلاح تصمیم دولت است، برعهده هیئت وزیران می‌باشد؟

نظر مجلس:

ماده واحده- هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه‌هایی که به موجب تصویب مجلس شورای اسلامی به هیئت دولت واگذار شده است، چون تغییر نظر دولت محسوب می‌شود با هیئت وزیران است.»

۱. ماده (۴) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷: «ماده

۴- به منظور ساماندهی و استفاده مطلوب از امکانات شرکت‌های دولتی و افزایش بازدهی و بهره‌وری و اداره مطلوب شرکت‌هایی که ضروری است در بخش دولتی باقی بمانند و نیز فراهم کردن زمینه واگذاری شرکت‌هایی که ادامه فعالیت آنها در بخش دولتی غیرضروری است به بخش غیردولتی، به دولت اجازه داده می‌شود نسبت به واگذاری، انحلال، ادغام و تجدید سازمان شرکت‌های دولتی، اصلاح و تصویب اساسنامه شرکت‌ها، تصویب آیین‌نامه‌های مالی و معاملاتی، تصویب آیین‌نامه‌های استخدامی و بیمه، با رعایت مقررات و قوانین مربوط و

←

وزیران اجازه‌ی تشکیل شرکت جدیدی داده نشده بود و تنها به منظور «واگذاری، انحلال، ادغام و تجدید سازمان شرکت‌های دولتی، اصلاح و تصویب اساسنامه شرکت‌ها، تصویب آیین‌نامه‌های مالی و معاملاتی» به دولت اجازه‌ی اقدام قانونی لازم را داده بود. همچنین به موجب تبصره (۱) این ماده، صراحتاً تشکیل شرکت دولتی جدید منحصراً در صلاحیت مجلس شورای اسلامی دانسته شده بود. از این‌رو، دولت حق ایجاد چنین شرکتی و به تبع آن تصویب اساسنامه‌ی آن را نداشته است. بنابراین، از آنجا که اصل تصویب این اساسنامه فاقد وجاهت قانونی بوده است، اصلاح آن نیز با اشکال مواجه است.

ب) از آنجا که اطلاق حکم بند (۱۰) ماده (۷) این مصوبه مبنی بر اخذ وام و تسهیلات مالی از منابع خارجی توسط شرکت سهامی سازمان توسعه برق ایران مستلزم تجویز اخذ وام ربوی نیز می‌شود، این بند مغایر با موازین شرع است.

ج) با عنایت به اینکه عبارت «سایر روش‌های تأمین منابع مالی» در ذیل بند (۱۰) ماده (۷) این مصوبه شامل تأمین منابع مالی از طریق معاملات ربوی نیز می‌شود، بند مزبور مغایر با موازین شرع است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) تصویب اساسنامه‌ی شرکت سهامی سازمان توسعه برق ایران در سال ۱۳۸۱ توسط هیئت وزیران دقیقاً بر اساس ماده (۴) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران بوده است؛ زیرا در این ماده صراحتاً به دولت اجازه‌ی تصویب اساسنامه‌ی شرکت‌ها نیز داده شده است. از این رو با توجه به تجویز تصویب اصل اساسنامه، به طریق اولی اصلاح آن اساسنامه توسط دولت فاقد اشکال است. بر اساس همین تلقی، شورای نگهبان در نامه‌ی شماره ۸۲/۳۰/۲۷۷۳ مورخ ۱۳۸۲/۱/۲۴ خود، تصویب اساسنامه‌ی شرکت مزبور توسط دولت را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانسته بود. بنابراین، اصلاح اساسنامه‌ی این شرکت توسط دولت با اشکالی مواجه نیست.

ب) با توجه به اینکه طبق ذیل بند (۱۰) ماده (۷) این مصوبه، اخذ هرگونه وام و تسهیلات



جابه‌جایی و انتقال وظایف، نیروی انسانی، سهام و دارایی‌های شرکت‌های دولتی و شرکت‌های وابسته به آنها با رعایت موارد ذیل اقدام کند:

الف- ...

تبصره ۱- تشکیل شرکت‌های دولتی صرفاً با تصویب مجلس شورای اسلامی مجاز است.

تبصره ۲- ...»

مالی از منابع خارجی از طریق انتشار اوراق مشارکت و یا سایر روش‌های تأمین منابع مالی توسط شرکت سهامی سازمان توسعه برق ایران منوط به اخذ مجوز از مراجع قانونی ذی‌ربط شده است، نمی‌توان این بند را مغایر با موازین شرع دانست؛ زیرا فرض قانون‌گذار آن بوده است که در نظام اسلامی اساساً مراجع قانونی اجازه‌ی اخذ وام و تسهیلات ربوی و نیز انجام معاملات ربوی را به شرکت مزبور نخواهند داد.

دیدگاه ابهام

عبارت ذیل ماده (۴) این مصوبه که مقرر داشته است: «این شرکت و شرکت‌های تابع از هر لحاظ استقلال مالی داشته و تابع مقررات اساسنامه خود می‌باشند» دارای ابهام است؛ زیرا معلوم نیست آیا هیئت وزیران با تصویب این ماده، قصد خارج کردن این شرکت از شمول کلیه قوانین و مقررات عام کشور را داشته است یا خیر. با توجه به اینکه در صورت مثبت بودن پاسخ این پرسش، این مصوبه مغایر با قانون اساسی است، این ابهام مصوبه باید برطرف شود تا بتوان راجع به آن اظهار نظر کرد.

نظر شورای نگهبان

نظر به اینکه اطلاق بند (۱۰) ماده (۷) مبنی بر اجازه اخذ وام از منابع خارجی، مستلزم تجویز اخذ وام نیز ربوی بوده، خلاف احکام اولیه شرع می‌باشد. همچنین عبارت «سایر روش‌های تأمین منابع مالی» چون شامل معاملات ربوی هم می‌گردد، خلاف موازین شرع شناخته شد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۷/۲۷ (مرحله دوم)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۱۱/۸

متن زیر جایگزین بند (۱۰) ماده (۷) می‌شود:

۱۰- اخذ هرگونه تسهیلات مالی، عرضه اوراق مشارکت و سایر روش‌های تأمین منابع مالی با رعایت موازین قانونی.

دیدگاه عدم مغایرت

از آنجا که طبق مصوبه‌ی اصلاحی، اخذ هرگونه تسهیلات مالی، عرضه‌ی اوراق مشارکت و سایر روش‌های تأمین منابع مالی منوط به «رعایت موازین قانونی» شده است، ایراد قبلی شورا به اطلاق بند (۱۰) ماده (۷) که مشتمل بر تجویز اخذ تسهیلات مالی ربوی و نیز انجام معاملات

ربوی به منظور تأمین منابع مالی این شرکت بود، برطرف شده است.

نظر شورای نگهبان

مصوبه‌ی مزبور، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه هیئت وزیران در خصوص اصلاح اساسنامه شرکت سهامی سازمان توسعه برق ایران، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

اساسنامه شرکت تولید نیروی برق رامین

مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۷

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد بند (۵) ماده (۱۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۶، بنا به پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی و نیرو «اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق رامین» را در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ تصویب کرد. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۹۳/۲۵۳۴۰ مورخ ۱۳۹۳/۳/۸ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸، برخی از مواد آن را مغایر با موازین شرع و در برخی موارد دارای ابهام دانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۵۴۰ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۹ به هیئت وزیران اعلام کرد. هیئت وزیران برای رفع ایراد شورای نگهبان، در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۷ اصلاحات لازم را در این مصوبه اعمال کرد و مصوبه‌ی اصلاحی را طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۹۳/۱۰۳۶۲۱ مورخ ۱۳۹۳/۹/۹ برای اظهار نظر مجدد به شورای نگهبان ارسال کرد. بررسی مصوبه‌ی اصلاحی در دستور کار جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۸ اعضای شورای نگهبان قرار گرفت که پس از بحث و بررسی، اعضای شورا اصلاحات انجام‌شده را رافع ایرادات قبلی دانستند و نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را به موجب نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۳۴۴۵ مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۱۲ به هیئت وزیران اعلام کردند.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ (مرحله نخست)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۴/۱۸

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ به پیشنهاد مشترک شماره ۹۲/۵۲۳۸۵/۲۰/۱۰۰

مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۱ وزارتخانه‌های نیرو و امور اقتصادی و دارایی و به استناد بند (۵)

ماده (۱۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی - مصوب ۱۳۸۶-^(۱)
اساسنامه شرکت تولید نیروی برق رامین را به شرح زیر تصویب کرد:

ماده ۱- ...

ماده ۲- شرکت با رعایت مفاد اساسنامه و قوانین مربوط مجاز به اقدامات زیر می‌باشد:

۱- ...

۴- پیش‌فروش انرژی برق و نیز سایر روش‌های تأمین منابع مالی از منابع داخلی و خارجی، اخذ وام و تسهیلات مالی و اعتباری، عرضه اوراق مشارکت با اخذ مجوز از مراجع قانونی

۵- ...

دیدگاه مغایرت

اطلاق حکم بند (۴) ماده (۲) مبنی بر اخذ وام و تسهیلات مالی و اعتباری از منابع خارجی توسط شرکت، مستلزم تجویز اخذ وام ربوی نیز می‌شود؛ حال آنکه حرمت اخذ وام ربوی یکی از احکام مسلم شرعی است. بنابراین، از آنجا که این بند مستلزم تجویز اخذ وام ربوی نیز می‌شود، مغایر با موازین شرع است.

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به اینکه طبق صدر ماده (۲) اقدامات شرکت از جمله اخذ وام و تسهیلات مالی و اعتباری منوط به رعایت قوانین مربوط شده است، نمی‌توان این بند را مغایر با موازین شرع دانست؛ زیرا یکی از احکام مندرج در قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران، عدم جواز اخذ

۱. ماده (۱۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۸: «ماده ۱۸- جهت تسهیل امر واگذاری بنگاه‌های مشمول واگذاری، از زمان تصویب فهرست بنگاه‌ها توسط هیئت واگذاری اقدامات زیر انجام می‌شود:

۱- ...

۵- در اجراء این قانون، وزارت امور اقتصادی و دارایی مجاز است آن دسته از طرح‌ها و تصدی‌های اقتصادی و زیربنایی دولتی قابل واگذاری را که به صورت شرکت مستقل اداره نمی‌شوند و یا در قالب غیر شرکتی اداره می‌شوند و به نحو موجود قابل واگذاری نمی‌باشند و صرفاً به منظور واگذاری، ابتدا تبدیل به شخص حقوقی مناسب نموده و سپس نسبت به واگذاری آنها ظرف یک‌سال از زمان تبدیل و با رعایت تبصره‌های (۲) و (۳) بند (الف) ماده (۳) این قانون اقدام نماید. این حکم تا پایان سال ۱۳۹۲ معتبر است.

تبصره- وزارت امور اقتصادی و دارایی جهت امر واگذاری بنگاه‌ها می‌تواند از خدمات حقوقی و فنی اشخاص حقیقی و حقوقی دولتی و یا غیردولتی حسب مورد استفاده کند.»

وام و تسهیلات ربوی است. بنابراین، از آنجا که اطلاق این بند مقید به رعایت قوانین مربوط شده است، بند مزبور مستلزم تجویز اخذ وام ربوی نبوده و با اشکالی مواجه نیست.

نظر شورای نگهبان

در بند (۴) ماده (۲)، اطلاق تجویز اخذ وام از جهت شمول نسبت به اخذ وام از منابع خارجی که مستلزم وام ربوی است، خلاف موازین شرع و احکام اولیه شناخته شد.

ماده ۸- انتقال سهام باید در دفتر ثبت سهام شرکت به ثبت برسد و انتقال‌دهنده یا نماینده قانونی او ثبت انتقال را در دفتر مزبور امضاء نماید. هویت کامل و نشانی انتقال‌گیرنده نیز از نظر اجرای تعهدات ناشی از نقل و انتقال سهم در دفتر ثبت سهام قید و به امضای انتقال‌گیرنده یا وکیل یا نماینده قانونی او خواهد رسید. تملک هر یک از سهام شرکت متضمن قبول مقررات این اساسنامه و تصمیمات مجامع عمومی سهام‌داران است.

دیدگاه مغایرت

اطلاق حکم ذیل ماده (۸) این مصوبه که تملک هر یک از سهام شرکت را متضمن قبول مقررات اساسنامه و تصمیمات مجامع عمومی سهام‌داران دانسته است نسبت به خریداران غافل (مثل خریداران کهنسال و غیر مطلع) که اساساً توجهی به مقررات اساسنامه ندارند و نیز نسبت به افرادی که قبل از تصویب این اساسنامه اقدام به خرید سهام کرده‌اند، مغایر با موازین شرع است؛ زیرا با این حکم، آثار ناخواسته‌ای بر این نوع از سهام‌داران مترتب می‌شود که ممکن است در صورت اطلاع و آگاهی آنها از حکم، ملتزم به چنین حکمی نمی‌شدند.

دیدگاه عدم مغایرت

حکم ذیل ماده (۸) این مصوبه که تملک هر یک از سهام شرکت را متضمن قبول مقررات اساسنامه و تصمیمات مجامع عمومی سهام‌داران دانسته است با اشکالی مواجه نیست؛ زیرا اصل بر این است که شخصی که در یک شرکت سرمایه‌گذاری کرده و مالک سهام شده است، تمام مقررات آن شرکت را پذیرفته است؛ در غیر این صورت، هرکس می‌تواند به بهانه‌ای از اجرای مقررات اساسنامه و تصمیمات مجامع عمومی سهام‌داران خودداری کند و در نهایت، اداره شرکت با اختلال مواجه خواهد شد.

نظر شورای نگهبان

ماده (۸)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۱۰- مسئولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی سهام آنها است.

دیدگاه مغایرت

از نظر شرعی، شرکا در فرض بدهی یا ورود خسارت ضامن همه بدهی‌ها و خسارات وارده به افراد می‌باشند و باید کل بدهی یا خسارت را از اموال خود جبران کنند؛ حال آنکه طبق ماده (۱۰) این مصوبه مسئولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی سهام آنها دانسته شده است. از این رو، حکم مقرر در این ماده مبنی بر محدود بودن مسئولیت صاحبان سهام به مبلغ اسمی سهام دارای اشکال است.

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به اینکه در نظام حقوقی ما و در نظرات بسیاری از فقها از جمله مقام معظم رهبری، «شرکت» در معنای مصطلح آن، خود واجد شخصیت حقوقی مستقل از سهام‌داران آن است، حکم مقرر در ماده (۱۰) این مصوبه مبنی بر محدودیت مسئولیت صاحبان سهام به مبلغ اسمی سهام با اشکالی مواجه نیست؛ زیرا در این حالت، بدهی یا خسارت ایجادشده مربوط به شخصیت حقوقی شرکت است و بر این اساس، صاحبان سهام صرفاً به میزان مبلغ اسمی سهام خود در جبران خسارت و پرداخت بدهی، مسئولیت دارند.

نظر شورای نگهبان

ماده (۱۰)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۱۹- مجمع عمومی عادی باید سالی یک بار در موقعی که در این اساسنامه پیش‌بینی شده است برای استماع گزارش مدیران، بازرس و یا بازرسان و بررسی و تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی قبل و صورت دارایی و مطالبات و دیون تشکیل شود. هرگونه تغییر در مواد اساسنامه یا میزان سرمایه شرکت یا انتشار اوراق مشارکت و یا انحلال شرکت منحصرأ در صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده است. ...

تبصره ۱- ...

تبصره ۲- هیچ یک از مجامع عمومی نمی‌تواند تابعیت شرکت را تغییر بدهد و با هیچ اکثریتی نمی‌تواند بر تعهدات صاحبان سهام بیفزاید و یا نسبت به تغییر اساسنامه و انحلال شرکت بدون اخذ نظر وزیر نیرو اقدام نماید.

تبصره ۳- مادام که شرکت با رعایت قوانین، دولتی است، اصلاح اساسنامه (از جمله تغییر سرمایه) منوط به تصویب هیئت وزیران است.

تبصره ۴- ...

دیدگاه مغایرت

طبق ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی، مرجع تصویب اساسنامه‌ی شرکت‌های دولتی در صورت تفویض اختیار از سوی مجلس، هیئت وزیران است. بر این اساس، با عنایت به اینکه شرکت موضوع این مصوبه مربوط به قبل از واگذاری آن به بخش خصوصی است و لذا هنوز این شرکت، «دولتی» محسوب می‌شود، انحلال شرکت نیز وفق اصل (۸۵) قانون اساسی در صلاحیت هیئت وزیران است و قابل واگذاری به غیر نیست؛ چون هیئت وزیران در حیطه‌ی صلاحیت تفویضی از سوی مجلس، اختیار تصویب اساسنامه‌ی شرکت‌های دولتی را دارد و بر این اساس، نمی‌تواند صلاحیت خویش را در این خصوص در بخش انحلال شرکت به دیگری (مجمع عمومی فوق‌العاده، با اخذ نظر وزیر نیرو) واگذار کند. البته در صورتی که شرکت به بخش خصوصی واگذار شود، در آن صورت، انحلال شرکت دیگر ارتباطی به هیئت وزیران نخواهد داشت بلکه خود ارکان آن شرکت می‌توانند در این خصوص تصمیم‌گیری کنند. بنابراین، حکم مقرر در ماده (۱۹) این مصوبه مبنی بر اعطای صلاحیت انحلال شرکت به مجمع عمومی فوق‌العاده، مغایر با اصل (۸۵) قانون اساسی است.

دیدگاه ابهام

الف) طبق ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی، مرجع تصویب اساسنامه‌ی شرکت‌ها پس از تفویض اختیار از سوی مجلس، صرفاً هیئت وزیران معرفی شده است. بر این اساس، از آنجا که معلوم نیست در تبصره (۲) ماده (۱۹)، برای تغییر تابعیت شرکت، افزایش تعهدات صاحبان سهام و یا انحلال شرکت علاوه بر اخذ نظر وزیر نیرو آیا تصویب هیئت وزیران نیز ضروری است یا خیر، این تبصره واجد ابهام است؛ چه آنکه در صورتی که مراد از این تبصره آن باشد که نظر وزیر نیرو کافی است و تصویب هیئت وزیران در این خصوص لازم نیست، این تبصره مغایر با ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی خواهد بود.

ب) از آنجا که معلوم نیست عبارت «بدون اخذ نظر وزیر» در تبصره (۲) ماده (۱۹) همه‌ی موارد مذکور در تبصره، یعنی تغییر تابعیت شرکت، افزایش تعهدات صاحبان سهام، تغییر اساسنامه و انحلال شرکت را شامل می‌شود یا اینکه تنها دو مورد اخیر یعنی تغییر اساسنامه و انحلال شرکت را در بر می‌گیرد، این تبصره دارای ابهام است؛ زیرا چنانچه این قید مربوط به تغییر تابعیت شرکت هم باشد - که ظاهر عبارت و استفاده از واو عطف بین این موارد در این تبصره، مفید همین معنا است - معنای این تبصره آن است که مجمع عمومی با اخذ نظر مثبت وزیر می‌تواند تابعیت شرکت را تغییر دهد؛ حال آنکه تغییر تابعیت شرکت جزء مقومات وجودی شرکت است و تغییر آن حتی در اختیار مجمع عمومی هم نیست که بتوانند آن را تغییر دهند.

ج) با عنایت به اینکه در تبصره (۲) ماده (۱۹) این مصوبه معلوم نیست که آیا اخذ نظر وزیر نیرو در این تبصره صرفاً مربوط به زمان دولتی بودن این شرکت است یا به بعد از واگذاری آن نیز سرایت می‌کند یا خیر، این تبصره واجد ابهام است؛ زیرا در صورتی که مقصود از این تبصره آن باشد که در فرض واگذاری شرکت لزومی بر اخذ نظر وزیر نیرو نیست و انحلال شرکت تنها در اختیار مجمع عمومی شرکت است، این موضوع ممکن است برق‌رسانی به مردم را با اخلال مواجه کند؛ حال آنکه داشتن برق از جمله نیازهای ضروری جامعه است و دولت همواره باید نسبت به تأمین آن توجه جدی داشته باشد. از این‌رو، حتی در فرض واگذاری شرکت لازم است نظر وزیر نیرو در خصوص انحلال شرکت اخذ شود تا در صورتی که انحلال شرکت را در برهه‌ای باعث اخلال در برق‌رسانی به مردم تشخیص داد، بستر قانونی لازم برای اعمال نظر در این خصوص برای وی وجود داشته باشد.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) باتوجه به اینکه شرکت موضوع این مصوبه یکی از مصادیق شخص حقوقی مذکور در بند (۵) ماده (۱۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی است که طبق قانون باید واگذار شود، دیگر به آن شرکت دولتی اطلاق نمی‌شود. از این‌رو، حکم مقرر در ماده (۱۹) این مصوبه مبنی بر صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده نسبت به انحلال شرکت مغایرتی با ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی مبنی بر لزوم تصویب اساسنامه‌ی شرکت‌ها توسط هیئت وزیران ندارد؛ زیرا طبق این اصل، هیئت وزیران فقط مرجع تصویب اساسنامه شرکت‌های «دولتی» دانسته شده است. بنابراین، انحلال شرکت توسط مجمع عمومی فوق‌العاده فاقد اشکال است.

ب) انحلال شرکت در دو معنا به‌کار می‌رود: در معنای اول مقصود از آن، وضع مقرر در خصوص چگونگی انحلال شرکت است و در معنای دوم، فعل انحلال (منحل کردن) مد نظر است. اگرچه انحلال شرکت به معنای اول طبق اصل (۸۵) قانون اساسی در صلاحیت هیئت وزیران

است، لیکن مراد قانون‌گذار از انحلال شرکت در ماده (۱۹) این مصوبه، فعل انحلال است. از این‌رو، واگذاری فعل انحلال به مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت در این ماده، مغایرتی با اصل (۸۵) قانون اساسی ندارد.

ج) در تبصره (۲) ماده (۱۹) این مصوبه، عبارت «بدون اخذ نظر وزیر» صرفاً ناظر به مورد اخیر این تبصره یعنی تغییر اساسنامه و انحلال شرکت است و این موضوع تغییر تابعیت شرکت و افزایش تعهدات صاحبان سهام را در بر نمی‌گیرد. با این توضیح معلوم می‌شود قانون‌گذار در این تبصره، هیچ یک از مجامع عمومی را نسبت به تغییر تابعیت شرکت و یا افزایش تعهدات صاحبان سهام صالح ندانسته است. تنها اجمالی که ممکن است در مورد این تبصره بیان شود آن است که با توجه به اینکه قید «بدون اخذ نظر وزیر» ناظر به تغییر اساسنامه و انحلال شرکت است آیا این تبصره در مقام نفی تصویب هیئت وزیران در این دو مورد است یا خیر؛ لیکن این اجمال با وجود تبصره (۳) این ماده رفع شده است؛ زیرا این تبصره اصلاح اساسنامه را به‌طور کلی (تغییر اساسنامه، انحلال شرکت و ...) منوط به تصویب هیئت وزیران دانسته است. از این‌رو، تبصره (۲) ماده (۱۹) فاقد اجمال و ابهام است.

نظر شورای نگهبان

در تبصره (۲) ماده (۱۹)، از آنجا که روشن نیست عبارت «بدون اخذ نظر وزیر» همه موارد مذکور در این تبصره را در برمی‌گیرد یا خیر، ابهام دارد. همچنین این تبصره از این حیث که مشخص نیست آیا موارد مذکور در آن نیاز به تصویب هیئت وزیران دارد یا خیر، واجد ابهام است. به علاوه در این تبصره، تغییر تابعیت شرکت و افزایش تعهدات صاحبان سهام که جزء موارد مربوط به اساسنامه می‌شود، روشن نیست که آیا به تصویب هیئت وزیران برسد یا خیر؟ که از این جهت هم ابهام دارد. مضافاً بر این، تبصره مذکور از این جهت که مشخص نیست آیا موارد مذکور مربوط به زمان دولتی بودن این شرکت است یا به بعد از واگذاری نیز سرایت می‌کند، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهامات مذکور، اظهار نظر خواهد شد.

ماده ۴۷- هیئت عمومی دارای اختیارات لازم برای هرگونه اقدام به نام شرکت و انجام هر نوع عملیات و معاملات مربوط به موضوع شرکت و اتخاذ تصمیم درباره مواردی که صریحاً در صلاحیت مجامع عمومی قرار نگرفته است، می‌باشد، مشروط بر آنکه تصمیمات و اقدام آنها در حدود موضوع شرکت باشد. اختیارات و وظایف هیئت مدیره از جمله موارد زیر می‌باشد:

۱- ...

۴- نصب و عزل مأموران و کارکنان شرکت، تعیین شغل و حقوق و دستمزد و پاداش و ترفیع و تنبیه، تعیین سایر شرایط استخدام و معافیت و خروج آنها از خدمت و مرخصی و بازنشستگی و مستمری وراث آنها

۵- پیشنهاد آیین‌نامه‌های مالی، معاملاتی و استخدامی شرکت به مجمع عمومی برای تصویب

۶- ...

۱۱- واگذاری یا تحصیل هرگونه حق کسب و پیشه و تجارت (سرقفلی)

۱۲- ...

۱۶- تحصیل تسهیلات از بانک‌ها و شرکت‌ها و مؤسسات رسمی و درخواست و اخذ هر نوع استقراض به هر مبلغ و به هر مدت و به هر میزان و سود کارمزد و یا هرگونه شرایطی که مقتضی باشد با رعایت مقررات ماده (۲) این اساسنامه و استقراض به وسیله انتشار اوراق مشارکت منوط به تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده خواهد بود.

دیدگاه مغایرت

الف) بند (۴) ماده (۴۷) این مصوبه به نحو مطلق تعیین شغل، حقوق، دستمزد و تعیین سایر شرایط استخدام، معافیت، خروج از خدمت، مرخصی، بازنشستگی و مستمری وراث مأموران و کارکنان شرکت را به هیئت مدیره واگذار کرده است؛ حال آنکه با توجه به اینکه این موضوعات واجد ماهیت تقنینی است، طبق اصل (۸۵) قانون اساسی، تصمیم‌گیری در مورد آن با مجلس و یا هیئت وزیران (در صورت تفویض اختیار از سوی مجلس) است و واگذاری آن به هیئت مدیره ممکن است موجب تصویب تصمیماتی برخلاف قوانین استخدامی جاری کشور شود. بنابراین، واگذاری تعیین این موضوعات به هیئت مدیره در این بند مغایر با اصل (۸۵) قانون اساسی است. بدیهی است، در صورتی که در این بند قید «با رعایت قوانین و مقررات» ذکر می‌شد، این بند با اشکال فوق‌الذکر مواجه نبود.

ب) حکم مقرر در بند (۵) ماده (۴۷) این مصوبه مبنی بر تصویب آیین‌نامه‌های مالی، معاملاتی و استخدامی شرکت توسط مجمع عمومی مغایر با اصل (۱۳۸) قانون اساسی است؛ زیرا طبق این اصل، وضع آیین‌نامه‌های دولتی در صلاحیت وزراء و هیئت وزیران است.

ج) با توجه به اینکه ماهیت استقراض غیر از ماهیت مشارکت است، عبارت «استقراض به‌وسیله انتشار اوراق مشارکت» در بند (۱۶) ماده (۴۷) دچار نوعی تناقض و تهافت است؛ زیرا اوراق مشارکت به معنای قرض نیست، بلکه صاحب این اوراق با تأمین بخشی از منابع مالی، به

میزان مشخص با دیگری در درآمد حاصل از کار شریک خواهد بود. با توجه به این تناقض لازم است عبارت «استقراض» به عبارت «تأمین منابع مالی» اصلاح شود.

دیدگاه ابهام

الف) از نظر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) حق مطالبه‌ی سرقفلی تنها در فرضی که سرقفلی بر وجه شرعی به مستأجر منتقل شده باشد و یا به مقتضای قانون برای او ثابت باشد جایز است.^(۱) حال از آنجا که معلوم نیست عبارت «هرگونه حق کسب و پیشه و تجارت (سرقفلی)» در بند (۱۱) ماده (۴۷) این مصوبه مواردی که مطابق فتوای مقام معظم رهبری وجه شرعی ندارد را نیز در بر می‌گیرد یا خیر، این بند دارای ابهام است؛ زیرا در صورتی که قانون‌گذار به نحو مطلق در مقام تجویز حق کسب و پیشه و تجارت (سرقفلی) حتی در جایی که آن حق بر وجه شرعی به مستأجر منتقل نشده و یا به مقتضای قانون برای او ثابت نشده است باشد، این بند مغایر با فتوای مقام معظم رهبری خواهد بود.

ب) در بند (۱۶) ماده (۴۷) این مصوبه از آنجا که معلوم نیست مراد از «سود» در عبارت «سود کارمزد» موارد مشتمل بر ربا را نیز شامل می‌شود یا خیر، این بند دارای ابهام است. بدیهی است، در صورتی که منظور از آن ربا باشد، این بند مغایر با موازین شرع خواهد بود.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) در بند (۴) ماده (۴۷) این مصوبه واگذاری تعیین شغل، حقوق، دستمزد و تعیین سایر شرایط استخدام، معافیت، خروج از خدمت، مرخصی، بازنشستگی و مستمری وراثت مأموران و کارکنان شرکت به هیئت مدیره به معنای آن نیست که هیئت مدیره برخلاف قوانین استخدامی تصمیم‌گیری کند، بلکه مقصود از این بند آن است که هیئت مدیره در چارچوب آن قوانین می‌تواند در این موضوعات تصمیمات داخلی برای شرکت اتخاذ کند. بدیهی است در صورتی که

۱. «سؤال ۵۸۲: آیا مستأجری که مغازه‌ای را برای تجارت در آن و یا کار دیگری به مدت معینی اجاره کرده، جایز است بعد از پایان مهلت اجاره در صورتی که مالک آن را تجدید نکند از تخلیه مغازه خودداری نموده و حق سرقفلی را مطالبه نماید؟ و آیا با توجه به اینکه حق واگذاری عین مستأجره را به کسی دیگری ندارد، جایز است نسبت به آن ادعای حق شغل و حرفه کند.

جواب: مستأجر حق ندارد بعد از انقضای مدت اجاره عین مستأجره را در تصرف خود نگه دارد و از تسلیم آن به مالک خودداری کند، ولی اگر نسبت به آن حق سرقفلی داشته باشد که از مالک به آن منتقل شده و یا مغازه از مکان‌هایی باشد که از نظر قانونی برای مستأجر در آن حقی ایجاد می‌شود، در این صورت می‌تواند عوض حق خود را از مالک مطالبه کند.» (خامنه‌ای، سید علی، رساله اجوبه الإستفتائات، ترجمه احمد رضا حسینی، تهران، انتشارات بین‌المللی الهدی، چاپ اول، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۲۱۷)

هیئت مدیره در این موضوعات، تصمیمی برخلاف قوانین جاری کشور اتخاذ کند و به تصویب هیئت وزیران نیز برسد، رئیس مجلس شورای اسلامی به استناد اصل (۱۳۸) قانون اساسی آن مصوبه را برای تجدید نظر به هیئت وزیران ارسال خواهد کرد. بنابراین، حکم مقرر در این بند مغایرتی با اصل (۸۵) قانون اساسی ندارد.

ب) در بند (۱۱) ماده (۴۷) این مصوبه، قانون‌گذار در مقام بیان تجویز حق کسب و پیشه و تجارت (سرقفلی) که نامشروع و غیرقانونی است نبوده است؛ زیرا اساساً وقتی قانون‌گذار به حق کسب و پیشه و تجارت (سرقفلی) تصریح می‌کند مقصود وی همان حق کسب و پیشه و تجارت مشروع و مذکور در قوانین جاری است. بنابراین، از آنجا که قانون‌گذار در بند مزبور در مقام بیان نبوده است، نمی‌توان از عبارت «هرگونه حق کسب و پیشه و تجارت (سرقفلی)» در این بند برداشت اطلاق کرد و آن را اعم از حق کسب و پیشه و تجارت مشروع و نامشروع دانست. از این‌رو، از آنجا که این بند صرفاً ناظر به حق کسب و پیشه و تجارت (سرقفلی) مشروع و قانونی است، فاقد ابهام و اجمال بوده و نمی‌توان آن را مغایر با فتوای مقام معظم رهبری تلقی کرد.

ج) در بند (۱۶) ماده (۴۷) این مصوبه اضافی «سود» به کارمزد در عبارت «سود کارمزد» اضافی بیانیه است؛ یعنی مراد از سود همان کارمزد است. ضمن آنکه امروزه عبارت «سود کارمزد» در بانک‌ها به یک اصطلاح تبدیل شده و مراد از آن همان کارمزد است. بنابراین، از آنجا که عبارت «سود کارمزد» به صورت اضافی بیانیه به کار رفته است، این بند فاقد ابهام و ایراد است و مشتمل بر سودهای ربوی نیست.

نظر شورای نگهبان

- بند (۱۱) ماده (۴۷)، از این جهت که مشخص نیست عبارت «هرگونه حق کسب و پیشه و تجارت (سرقفلی)»، آیا شامل مواردی می‌شود که مطابق فتوای مقام معظم رهبری «مدظله‌العالی» وجهه شرعی ندارد را نیز در بر می‌گیرد یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.

- از ذیل بند (۱۶) ماده (۴۷)، نوعی تناقض و تهافت استفاده می‌شود؛ زیرا استقراض غیر از مشارکت است؛ فلذا عبارت استقراض به وسیله انتشار اوراق مشارکت خالی از تهافت نیست و اگر به تأمین منابع اصلاح گردد، رفع می‌شود.

ماده ۴۸- هر سال طبق تصمیم مجمع عمومی ممکن است نسبت معینی از سود ویژه به عنوان پاداش در اختیار هیئت مدیره گذارده شود. این نسبت به هیچ وجه نباید از پنج درصد سودی که همان سال به صاحبان سهام پرداخت می‌شود تجاوز کند. اعضای هیئت

مدیره می‌توانند در سمت دیگر به طور موظف و به عنوان صاحب‌منصب شرکت برای شرکت انجام وظیفه نمایند و در ازای آن با تصویب هیئت مدیره حق‌الزحمه دریافت کنند.

دیدگاه مغایرت

با توجه به دولتی بودن شرکت موضوع این مصوبه، حکم مقرر در ماده (۴۸) این اساسنامه مبنی بر قرار دادن حدود پنج درصد از سود سهام در اختیار هیئت مدیره به عنوان پاداش در حکم اتلاف بیت‌المال بوده و پرداخت آن مغایر با موازین شرع است.

دیدگاه عدم مغایرت

مراد از ماده (۴۸) آن است که در صورتی که مجمع عمومی شرکت در هر سال تصمیم به پرداخت پاداش به اعضای هیئت مدیره گرفت، میزان آن پاداش نباید از پنج درصد سودی که همان سال به صاحبان سهام پرداخت می‌شود تجاوز کند، نه اینکه حتماً در هر سال پنج درصد پاداش دهد. در واقع قانون‌گذار با تصویب این ماده قصد داشته تا از پرداخت پاداش‌های بیش از اندازه که منجر به اتلاف بیت‌المال می‌شود جلوگیری کند. از این رو، این ماده مغایرتی با موازین شرع ندارد.

نظر شورای نگهبان

ماده (۴۸)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۴۹- مسئولیت هر یک از اعضای هیئت مدیره شرکت در مقابل شرکت، سهامداران و اشخاص ثالث طبق مقررات و قوانین جاری است.

دیدگاه مغایرت

از آنجا که اطلاق عبارت «مقررات و قوانین جاری» در ماده (۴۹) این مصوبه شامل قوانین مصوب زمان طاغوت (از جمله قانون تجارت) که ممکن است دارای احکام خلاف شرع باشد نیز می‌شود، این ماده مغایر با موازین شرع است.

دیدگاه عدم مغایرت

هرگاه قانون‌گذار از عبارت «مقررات و قوانین جاری» استفاده می‌کند مقصود قوانین معتبر و مشروع است و شامل قوانین نامشروع زمان طاغوت نمی‌شود. بنابراین، با توجه به اینکه عبارت «مقررات و قوانین جاری» در ماده (۴۹) این مصوبه منصرف به قوانین معتبر و مشروع است،

نمی‌توان از این عبارت اطلاق را برداشت کرد و آن را شامل قوانین نامشروع زمان طاغوت دانست. ضمن آنکه قانون‌گذار در این ماده به قانون تجارت اشاره نکرده است. بنابراین، از آنجا که قانون‌گذار در این ماده مقررات و قوانین جاری معتبر را مد نظر داشته است، نمی‌توان این ماده را مغایر با موازین شرع دانست.

نظر شورای نگهبان

ماده (۴۹)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۵۷- بازرس می‌تواند در هر موقع هرگونه رسیدگی و بازرسی لازم را در هر یک از امور شرکت چه به مباشرت و چه با استفاده از خبره و کارشناس با رعایت قوانین جاری انجام داده و اطلاعات مربوط به شرکت را از مدیران یا کارکنان شرکت مطالبه نماید. انجام وظیفه بازرسی به هیچ وجه نباید مانع انجام عادی امور شرکت شود.

دیدگاه مغایرت

از آنجا که اطلاق عبارت «قوانین جاری» در ماده (۵۷) این مصوبه شامل قوانین مصوب زمان طاغوت که ممکن است دارای احکام خلاف شرع باشد نیز می‌شود، این ماده مغایر با موازین شرع است.

دیدگاه عدم مغایرت

هرگاه قانون‌گذار از عبارت «قوانین جاری» استفاده می‌کند مقصود قوانین معتبر و مشروع است و شامل قوانین نامشروع زمان طاغوت نمی‌شود. بنابراین، با توجه به اینکه عبارت «قوانین جاری» در ماده (۵۷) این مصوبه منصرف به قوانین معتبر و مشروع است، نمی‌توان از این عبارت اطلاق را برداشت کرد و آن را شامل قوانین نامشروع زمان طاغوت دانست. بنابراین، این ماده مغایرتی با موازین شرع ندارد.

نظر شورای نگهبان

ماده (۵۷)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۷/۲۷ (مرحله دوم)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۱۱/۸

در بند (۱) ماده (۲) عبارت «و پیش‌فروش انرژی برق» قبل از عبارت «در چارچوب» اضافه می‌شود.

بند (۴) ماده (۲) به شرح زیر اصلاح می‌شود:

۴- تأمین منابع مالی لازم، اخذ تسهیلات مالی اعتباری و عرضه اوراق مشارکت با رعایت موازین قانونی.

دیدگاه مغایرت

بند (۴) ماده (۲) این مصوبه‌ی اصلاحی، رافع ایراد قبلی شورا مبنی بر دلالت اطلاق عبارت «اخذ تسهیلات مالی اعتباری» بر تجویز وام ربوی نیست؛ زیرا شورای نگهبان علی‌رغم وجود قید «با رعایت قوانین مربوط» در مصوبه‌ی قبلی، این بند را دارای اشکال شرعی دانسته بود. در واقع، برای رفع این ایراد علاوه بر رعایت قوانین باید نسبت به رعایت موازین شرع تصریح شود؛ در غیر این صورت، ایراد قبلی شورا کماکان به قوت خود باقی خواهد بود.

دیدگاه ابهام

در بند (۴) ماده (۲) از آنجا که معلوم نیست قید «با رعایت موازین قانونی» همه‌ی موارد مذکور در این ماده را شامل می‌شود یا تنها ناظر به مورد اخیر یعنی عرضه‌ی اوراق مشارکت است، این بند دارای ابهام است؛ زیرا در صورتی که این قید تنها ناظر به مورد اخیر باشد، ایراد قبلی شورا مبنی بر اطلاق ماده نسبت به تجویز اخذ وام ربوی کماکان به قوت خود باقی خواهد بود.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) قید «با رعایت موازین قانونی» در بند (۴) ماده (۲) همه‌ی موارد مذکور در این ماده از جمله اخذ تسهیلات مالی اعتباری را شامل می‌شود؛ زیرا در اصل، رعایت قانون در همه‌ی موارد الزامی است. لذا وقتی قانون‌گذار در انتهای یک عبارت چندبخشی، رعایت موازین قانونی را لازم می‌داند، برداشت عرف حقوقی آن است که قانون‌گذار رعایت قانون در همه‌ی بخش‌ها را لازم دانسته است. ضمن آنکه ایراد قبلی شورا مبنی بر دلالت اطلاق عبارت «اخذ تسهیلات مالی اعتباری» بر تجویز وام ربوی خود قرینه‌ای است که قانون‌گذار در اصل در راستای رفع این ایراد، قید «با رعایت موازین قانونی» را آورده است. بنابراین، از آنجا که رجوع قید «با رعایت موازین قانونی» به همه‌ی موارد مذکور در این بند قطعی است، این بند با ابهام و اجمالی مواجه نیست.

ب) عبارت «موازن قانونی» در بند (۴) ماده (۲) اعم از قانون و شرع است؛ زیرا همه‌ی قوانین در جمهوری اسلامی تصویب شده و به تأیید شورای نگهبان نیز رسیده است. بر همین اساس، لازم نیست که قانون‌گذار در تمامی موارد در کنار رعایت قانون، به رعایت موازین شرعی تصریح کند.

نظر شورای نگهبان

ماده (۲)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

تبصره (۲) ماده (۱۹) به شرح زیر اصلاح می‌شود:

تبصره ۲- هیچ یک از مجامع عمومی نمی‌تواند تابعیت شرکت را تغییر بدهد و با هیچ اکثریتی نمی‌تواند بر تعهدات صاحبان سهام بیفزاید. انحلال شرکت فارغ از مالکیت دولتی و یا غیردولتی مستلزم تأیید وزارت نیرو می‌باشد.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) با عنایت به اینکه تبصره (۲) اصلاحی تنها انحلال شرکت را مستلزم تأیید وزارت نیرو دانسته است، ایراد قبلی شورا مبنی بر ابهام در لزوم اخذ نظر وزارت نیرو در همه‌ی موارد مذکور در این تبصره برطرف شده است.

ب) با توجه به اینکه بنا به صراحت تبصره (۲) اصلاحی، هیچ یک از مجامع عمومی، صلاحیت تغییر تابعیت شرکت و نیز افزایش تعهدات صاحبان سهام را ندارند، ایراد قبلی شورا مبنی بر ابهام در اعطای این صلاحیت به مجامع عمومی و نفی صلاحیت هیئت وزیران در این خصوص طبق ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی برطرف شده است.

ج) از آنجا که تبصره (۲) اصلاحی، انحلال شرکت را فارغ از مالکیت دولتی و یا غیردولتی مستلزم تأیید وزارت نیرو دانسته است، ابهام قبلی شورا مبنی بر سرایت یا عدم سرایت موارد مذکور در این تبصره به پس از واگذاری شرکت رفع شده است.

نظر شورای نگهبان

ماده (۱۹)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

بندهای (۱۱) و (۱۶) ماده (۴۷) به شرح زیر اصلاح می‌شود:

۱۱- واگذاری یا تحصیل هرگونه حق کسب و پیشه و تجارت (سرقفلی) با رعایت موازین قانونی.

۱۶- تحصیل تسهیلات از بانک‌ها و شرکت‌ها و مؤسسات رسمی و درخواست اخذ هر نوع تأمین مالی به هر مبلغ و به هر مدت و به هر میزان و سود کارمزد و یا هرگونه شرایطی که مقتضی باشد با رعایت مقررات ماده (۲) این اساسنامه و تأمین مالی به وسیله انتشار اوراق مشارکت با رعایت موازین قانونی.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) با توجه به اینکه طبق بند (۱۱) اصلاحی، واگذاری یا تحصیل هرگونه حق کسب و پیشه و تجارت (سرقفلی) منوط به رعایت موازین قانونی شده است، ابهام قبلی شورا مبنی بر شمول عبارت «هرگونه حق کسب و پیشه و تجارت (سرقفلی)» بر مواردی که مطابق فتوای مقام معظم رهبری «مدظله‌العالی» وجه شرعی ندارد، برطرف شده است.

ب) از آنجا که در بند (۱۶)، واژه «استقراض» حذف و عبارت «تأمین مالی» جایگزین آن شده است، ابهام قبلی شورا مبنی بر وجود تناقض و تهافت در عبارت «استقراض به وسیله انتشار اوراق مشارکت» برطرف شده است.

نظر شورای نگهبان

ماده (۴۷)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه هیئت وزیران در خصوص اساسنامه شرکت تولید نیروی برق رامین، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

اساسنامه شرکت تولید نیروی برق شهید رجایی مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۷

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد بند (۵) ماده (۱۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۶، بنا به پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی و نیرو «اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق شهید رجایی» را در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ تصویب کرد. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۹۳/۲۵۳۳۸ مورخ ۱۳۹۳/۳/۸ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸، برخی از مواد آن را مغایر با موازین شرع و در برخی موارد دارای ابهام دانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۵۳۹ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۹ به هیئت وزیران اعلام کرد. هیئت وزیران برای رفع ایراد شورای نگهبان، در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۷ اصلاحات لازم را در این مصوبه اعمال کرد و مصوبه‌ی اصلاحی را طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۹۳/۱۰۳۶۲۴ مورخ ۱۳۹۳/۹/۹ برای اظهار نظر مجدد به شورای نگهبان ارسال کرد. بررسی مصوبه‌ی اصلاحی در دستور کار جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۸ اعضای شورای نگهبان قرار گرفت که پس از بحث و بررسی، اعضای شورا اصلاحات انجام‌شده را رافع ایرادات قبلی دانستند و نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را به موجب نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۳۴۴۴ مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۱۲ به هیئت وزیران اعلام کردند.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ (مرحله نخست)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۴/۱۸

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ به پیشنهاد مشترک شماره ۹۲/۵۲۳۸۵/۲۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۱ وزارتخانه‌های نیرو و امور اقتصادی و دارایی و به استناد بند (۵) ماده (۱۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی - مصوب ۱۳۸۶ - اساسنامه شرکت تولید نیروی برق شهید رجایی را به شرح زیر تصویب کرد:

ماده ۱- ...

* با توجه به اینکه متن اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق شهید رجایی، عیناً همانند متن اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق رامین بوده، و بر این اساس، نظرات و استدلال‌های مطرح‌شده از سوی اعضای شورای نگهبان در خصوص مفاد این اساسنامه‌ها نیز یکسان بوده است، در اینجا از ذکر مجدد مبانی نظرات و استدلال‌های اعضای شورای نگهبان در خصوص اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق شهید رجایی خودداری می‌کنیم و در این خصوص، نظر خوانندگان را به مباحث مذکور در ذیل اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق رامین (مصوبه‌ی شماره ۹۸ همین مجموعه) جلب می‌نماییم.

اساسنامه شرکت تولید نیروی برق فارس

مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۷

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد بند (۵) ماده (۱۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۶، بنا به پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی و نیرو «اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق فارس» را در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ تصویب کرد. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۹۳/۲۵۳۳۷ مورخ ۱۳۹۳/۳/۸ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸، برخی از مواد آن را مغایر با موازین شرع و در برخی موارد دارای ابهام دانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۵۳۲ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۹ به هیئت وزیران اعلام کرد. هیئت وزیران برای رفع ایراد شورای نگهبان، در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۷ اصلاحات لازم را در این مصوبه اعمال کرد و مصوبه‌ی اصلاحی را طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۹۳/۱۰۳۶۳۶ مورخ ۱۳۹۳/۹/۹ برای اظهار نظر مجدد به شورای نگهبان ارسال کرد. بررسی مصوبه‌ی اصلاحی در دستور کار جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۸ اعضای شورای نگهبان قرار گرفت که پس از بحث و بررسی، اعضای شورا اصلاحات انجام‌شده را رافع ایرادات قبلی دانستند و نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با قانون اساسی و موازین شرع را به موجب نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۳۴۵۱ مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۱۲ به هیئت وزیران اعلام کردند.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ (مرحله نخست)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۴/۱۸

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ به پیشنهاد مشترک شماره ۹۲/۵۲۳۸۵/۲۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۱ وزارتخانه‌های نیرو و امور اقتصادی و دارایی و به استناد بند (۵) ماده (۱۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی - مصوب ۱۳۸۶ - اساسنامه شرکت تولید نیروی برق فارس را به شرح زیر تصویب کرد:

ماده ۱- ...

* با توجه به اینکه متن اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق فارس، عیناً همانند متن اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق رامین بوده، و بر این اساس، نظرات و استدلال‌های مطرح‌شده از سوی اعضای شورای نگهبان در خصوص مفاد این اساسنامه‌ها نیز یکسان بوده است، در اینجا از ذکر مجدد مبانی نظرات و استدلال‌های اعضای شورای نگهبان در خصوص اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق فارس خودداری می‌کنیم و در این خصوص، نظر خوانندگان را به مباحث مذکور در ذیل اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق رامین (مصوبه‌ی شماره ۹۸ همین مجموعه) جلب می‌نماییم.

اساسنامه شرکت تولید نیروی برق زاهدان

مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۷

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد بند (۵) ماده (۱۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۶، بنا به پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی و نیرو «اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق زاهدان» را در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ تصویب کرد. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۹۳/۲۵۳۳۶ مورخ ۱۳۹۳/۳/۸ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸، برخی از مواد آن را مغایر با موازین شرع و در برخی موارد دارای ابهام دانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۵۳۳ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۹ به هیئت وزیران اعلام کرد. هیئت وزیران برای رفع ایراد شورای نگهبان، در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۷ اصلاحات لازم را در این مصوبه اعمال کرد و مصوبه‌ی اصلاحی را طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۹۳/۱۰۳۶۳۵ مورخ ۱۳۹۳/۹/۹ برای اظهار نظر مجدد به شورای نگهبان ارسال کرد. بررسی مصوبه‌ی اصلاحی در دستور کار جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۸ اعضای شورای نگهبان قرار گرفت که پس از بحث و بررسی، اعضای شورا اصلاحات انجام‌شده را رافع ایرادات قبلی دانستند و نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را به موجب نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۳۴۵۰ مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۱۲ به هیئت وزیران اعلام کردند.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ (مرحله نخست)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۴/۱۸

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ به پیشنهاد مشترک شماره ۹۲/۵۲۳۸۵/۲۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۱ وزارتخانه‌های نیرو و امور اقتصادی و دارایی و به استناد بند (۵) ماده (۱۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی - مصوب ۱۳۸۶ - اساسنامه شرکت تولید نیروی برق زاهدان را به شرح زیر تصویب کرد:

ماده ۱- ...

* با توجه به اینکه متن اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق زاهدان، عیناً همانند متن اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق رامین بوده، و بر این اساس، نظرات و استدلال‌های مطرح‌شده از سوی اعضای شورای نگهبان در خصوص مفاد این اساسنامه‌ها نیز یکسان بوده است، در اینجا از ذکر مجدد مبانی نظرات و استدلال‌های اعضای شورای نگهبان در خصوص اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق زاهدان خودداری می‌کنیم و در این خصوص، نظر خوانندگان را به مباحث مذکور در ذیل اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق رامین (مصوبه‌ی شماره ۹۸ همین مجموعه) جلب می‌نماییم.

اساسنامه شرکت تولید نیروی برق خراسان مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۷

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد بند (۵) ماده (۱۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۶، بنا به پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی و نیرو «اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق خراسان» را در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ تصویب کرد. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۹۳/۲۵۳۳۵ مورخ ۱۳۹۳/۳/۸ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸، برخی از مواد آن را مغایر با موازین شرع و در برخی موارد دارای ابهام دانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۵۳۵ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۹ به هیئت وزیران اعلام کرد. هیئت وزیران برای رفع ایراد شورای نگهبان، در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۷ اصلاحات لازم را در این مصوبه اعمال کرد و مصوبه‌ی اصلاحی را طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۹۳/۱۰۳۶۲۹ مورخ ۱۳۹۳/۹/۹ برای اظهار نظر مجدد به شورای نگهبان ارسال کرد. بررسی مصوبه‌ی اصلاحی در دستور کار جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۸ اعضای شورای نگهبان قرار گرفت که پس از بحث و بررسی، اعضای شورا اصلاحات انجام‌شده را رافع ایرادات قبلی دانستند و نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را به موجب نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۳۴۴۹ مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۱۲ به هیئت وزیران اعلام کردند.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ (مرحله نخست)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۴/۱۸

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ به پیشنهاد مشترک شماره ۹۲/۵۲۳۸۵/۲۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۱ وزارتخانه‌های نیرو و امور اقتصادی و دارایی و به استناد بند (۵) ماده (۱۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی - مصوب ۱۳۸۶ - اساسنامه شرکت تولید نیروی برق خراسان را به شرح زیر تصویب کرد:

ماده ۱- ...

* با توجه به اینکه متن اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق خراسان، عیناً همانند متن اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق رامین بوده، و بر این اساس، نظرات و استدلال‌های مطرح‌شده از سوی اعضای شورای نگهبان در خصوص مفاد این اساسنامه‌ها نیز یکسان بوده است، در اینجا از ذکر مجدد مبانی نظرات و استدلال‌های اعضای شورای نگهبان در خصوص اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق خراسان خودداری می‌کنیم و در این خصوص، نظر خوانندگان را به مباحث مذکور در ذیل اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق رامین (مصوبه‌ی شماره ۹۸ همین مجموعه) جلب می‌نماییم.

اساسنامه شرکت تولید نیروی برق تهران مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۷

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد بند (۵) ماده (۱۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۶، بنا به پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی و نیرو «اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق تهران» را در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ تصویب کرد. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۹۳/۲۵۳۳۳ مورخ ۱۳۹۳/۳/۸ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸، برخی از مواد آن را مغایر با موازین شرع و در برخی موارد دارای ابهام دانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۵۳۶ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۹ به هیئت وزیران اعلام کرد. هیئت وزیران برای رفع ایراد شورای نگهبان، در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۷ اصلاحات لازم را در این مصوبه اعمال کرد و آن را طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۹۳/۱۰۳۶۱۶ مورخ ۱۳۹۳/۹/۹ برای اظهار نظر مجدد به شورای نگهبان ارسال کرد. بررسی مصوبه‌ی اصلاحی در دستور کار جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۸ اعضای شورای نگهبان قرار گرفت که پس از بحث و بررسی، اعضای شورا اصلاحات انجام‌شده را رافع ایرادات قبلی دانستند و نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را به موجب نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۳۴۴۸ مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۱۲ به هیئت وزیران اعلام کردند.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ (مرحله نخست)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۴/۱۸

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ به پیشنهاد مشترک شماره ۹۲/۵۲۳۸۵/۲۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۱ وزارتخانه‌های نیرو و امور اقتصادی و دارایی و به استناد بند (۵) ماده (۱۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی - مصوب ۱۳۸۶ - اساسنامه شرکت تولید نیروی برق تهران را به شرح زیر تصویب کرد:

ماده ۱- ...

* با توجه به اینکه متن اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق تهران، عیناً همانند متن اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق رامین بوده، و بر این اساس، نظرات و استدلال‌های مطرح‌شده از سوی اعضای شورای نگهبان در خصوص مفاد این اساسنامه‌ها نیز یکسان بوده است، در اینجا از ذکر مجدد مبانی نظرات و استدلال‌های اعضای شورای نگهبان در خصوص اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق تهران خودداری می‌کنیم و در این خصوص، نظر خوانندگان را به مباحث مذکور در ذیل اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق رامین (مصوبه‌ی شماره ۹۸ همین مجموعه) جلب می‌نماییم.

اساسنامه شرکت تولید نیروی برق بندرعباس مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۷

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد بند (۵) ماده (۱۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۶، بنا به پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی و نیرو «اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق بندرعباس» را در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ تصویب کرد. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۹۳/۲۵۳۳۲ مورخ ۱۳۹۳/۳/۸ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸، برخی از مواد آن را مغایر با موازین شرع و در برخی موارد دارای ابهام دانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۵۳۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۹ به هیئت وزیران اعلام کرد. هیئت وزیران برای رفع ایراد شورای نگهبان، در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۷ اصلاحات لازم را در مصوبه اعمال کرد و آن را طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۹۳/۱۰۳۶۳۳ مورخ ۱۳۹۳/۹/۹ برای اظهار نظر مجدد به شورای نگهبان ارسال کرد. بررسی مصوبه‌ی اصلاحی در دستور کار جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۸ اعضای شورای نگهبان قرار گرفت که پس از بحث و بررسی، اعضای شورا اصلاحات انجام‌شده را رافع ایرادات قبلی دانستند و نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را به موجب نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۳۴۴۷ مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۱۲ به هیئت وزیران اعلام کردند.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ (مرحله نخست)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۴/۱۸

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ به پیشنهاد مشترک شماره ۹۲/۵۲۳۸۵/۲۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۱ وزارتخانه‌های نیرو و امور اقتصادی و دارایی و به استناد بند (۵) ماده (۱۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی - مصوب ۱۳۸۶ - اساسنامه شرکت تولید نیروی برق بندرعباس را به شرح زیر تصویب کرد:

ماده ۱- ...

* با توجه به اینکه متن اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق بندرعباس، عیناً همانند متن اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق رامین بوده، و بر این اساس، نظرات و استدلال‌های مطرح‌شده از سوی اعضای شورای نگهبان در خصوص مفاد این اساسنامه‌ها نیز یکسان بوده است، در اینجا از ذکر مجدد مبانی نظرات و استدلال‌های اعضای شورای نگهبان در خصوص اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق بندرعباس خودداری می‌کنیم و در این خصوص، نظر خوانندگان را به مباحث مذکور در ذیل اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق رامین (مصوبه‌ی شماره ۹۸ همین مجموعه) جلب می‌نماییم.

اساسنامه شرکت تولید نیروی برق آذربایجان مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۷

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد بند (۵) ماده (۱۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۶۸، بنا به پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی و نیرو «اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق آذربایجان» را در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ تصویب کرد. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۹۳/۲۵۳۳۰ مورخ ۱۳۹۳/۳/۸ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸، برخی از مواد آن را مغایر با موازین شرع و در برخی موارد دارای ابهام دانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۵۲۹ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۹ به هیئت وزیران اعلام کرد. هیئت وزیران برای رفع ایراد شورای نگهبان، در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۷ اصلاحات لازم را در مصوبه اعمال کرد و مصوبه‌ی اصلاحی را طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۹۳/۱۰۳۶۴۴ مورخ ۱۳۹۳/۹/۹ برای اظهار نظر مجدد به شورای نگهبان ارسال کرد. بررسی مصوبه‌ی اصلاحی در دستور کار جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۸ شورای نگهبان قرار گرفت که پس از بحث و بررسی، اعضای شورای نگهبان اصلاحات انجام‌شده را رافع ایرادات قبلی دانستند و نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را به موجب نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۳۴۴۶ مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۱۲ به هیئت وزیران اعلام کردند.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ (مرحله نخست)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۴/۱۸

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ به پیشنهاد مشترک شماره ۹۲/۵۲۳۸۵/۲۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۱ وزارتخانه‌های نیرو و امور اقتصادی و دارایی و به استناد بند (۵) ماده (۱۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی - مصوب ۱۳۸۶ - اساسنامه شرکت تولید نیروی برق آذربایجان را به شرح زیر تصویب کرد:

ماده ۱- ...

* با توجه به اینکه متن اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق آذربایجان، عیناً همانند متن اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق رامین بوده، و بر این اساس، نظرات و استدلال‌های مطرح‌شده از سوی اعضای شورای نگهبان در خصوص مفاد این اساسنامه‌ها نیز یکسان بوده است، در اینجا از ذکر مجدد مبانی نظرات و استدلال‌های اعضای شورای نگهبان در خصوص اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق آذربایجان خودداری می‌کنیم و در این خصوص، نظر خوانندگان را به مباحث مذکور در ذیل اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق رامین (مصوبه‌ی شماره ۹۸ همین مجموعه) جلب می‌نماییم.

اساسنامه شرکت تولید نیروی برق اصفهان مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۷

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد بند (۵) ماده (۱۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۶، بنا به پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی و نیرو «اساسنامه شرکت تولید نیروی برق اصفهان» را در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ تصویب کرد. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۹۳/۲۵۳۲۹ مورخ ۱۳۹۳/۳/۸ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸، برخی از مواد آن را مغایر با موازین شرع و در برخی موارد دارای ابهام دانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۵۳۰ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۹ به هیئت وزیران اعلام کرد. هیئت وزیران برای رفع ایراد شورای نگهبان، در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۷ اصلاحات لازم را در مصوبه اعمال کرد و مصوبه‌ی اصلاحی را طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۹۳/۱۰۳۶۴۲ مورخ ۱۳۹۳/۹/۹ برای اظهار نظر مجدد به شورای نگهبان ارسال کرد. بررسی مصوبه‌ی اصلاحی در دستور کار جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۸ شورای نگهبان قرار گرفت که پس از بحث و بررسی، اعضای شورا اصلاحات انجام‌شده را رافع ایرادات قبلی دانستند و نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را به موجب نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۳۴۵۸ مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۱۲ به هیئت وزیران اعلام کردند.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ (مرحله نخست)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۴/۱۸

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ به پیشنهاد مشترک شماره ۹۲/۵۲۳۸۵/۲۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۱ وزارتخانه‌های نیرو و امور اقتصادی و دارایی و به استناد بند (۵) ماده (۱۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی - مصوب ۱۳۸۶ - اساسنامه شرکت تولید نیروی برق اصفهان را به شرح زیر تصویب کرد:

ماده ۱- ...

* با توجه به اینکه متن اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق اصفهان، عیناً همانند متن اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق رامین بوده، و بر این اساس، نظرات و استدلال‌های مطرح‌شده از سوی اعضای شورای نگهبان در خصوص مفاد این اساسنامه‌ها نیز یکسان بوده است، در اینجا از ذکر مجدد مبانی نظرات و استدلال‌های اعضای شورای نگهبان در خصوص اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق اصفهان خودداری می‌کنیم و در این خصوص، نظر خوانندگان را به مباحث مذکور در ذیل اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق رامین (مصوبه‌ی شماره ۹۸ همین مجموعه) جلب می‌نماییم.

اساسنامه شرکت تولید نیروی برق یزد مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۷

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد بند (۵) ماده (۱۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۶، بنا به پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی و نیرو «اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق یزد» را در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ تصویب کرد. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۹۳/۲۵۳۲۶ مورخ ۱۳۹۳/۳/۸ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸، برخی از مواد آن را مغایر با موازین شرع و در برخی موارد دارای ابهام دانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۵۳۱ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۹ به هیئت وزیران اعلام کرد. هیئت وزیران برای رفع ایراد شورای نگهبان، در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۷ اصلاحات لازم را در این مصوبه اعمال کرد و مصوبه‌ی اصلاحی را طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۹۳/۱۰۳۶۳۹ مورخ ۱۳۹۳/۹/۹ برای اظهار نظر مجدد به شورای نگهبان ارسال کرد. بررسی مصوبه‌ی اصلاحی در دستور کار جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۸ اعضای شورای نگهبان قرار گرفت که پس از بحث و بررسی، اعضای شورا اصلاحات انجام‌شده را رافع ایرادات قبلی دانستند و نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را به موجب نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۳۴۵۷ مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۱۲ به هیئت وزیران اعلام کردند.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ (مرحله نخست)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۴/۱۸

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ به پیشنهاد مشترک شماره ۹۲/۵۲۳۸۵/۲۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۱ وزارتخانه‌های نیرو و امور اقتصادی و دارایی و به استناد بند (۵) ماده (۱۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی - مصوب ۱۳۸۶ - اساسنامه شرکت تولید نیروی برق یزد را به شرح زیر تصویب کرد:

ماده ۱- ...

* با توجه به اینکه متن اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق یزد، عیناً همانند متن اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق رامین بوده، و بر این اساس، نظرات و استدلال‌های مطرح‌شده از سوی اعضای شورای نگهبان در خصوص مفاد این اساسنامه‌ها نیز یکسان بوده است، در اینجا از ذکر مجدد مبانی نظرات و استدلال‌های اعضای شورای نگهبان در خصوص اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق یزد خودداری می‌کنیم و در این خصوص، نظر خوانندگان را به مباحث مذکور در ذیل اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق رامین (مصوبه‌ی شماره ۹۸ همین مجموعه) جلب می‌نماییم.

اساسنامه شرکت تولید نیروی برق شاهرود مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۷

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد بند (۵) ماده (۱۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۶، بنا به پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی و نیرو «اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق شاهرود» را در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ تصویب کرد. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۹۳/۲۵۳۲۴ مورخ ۱۳۹۳/۳/۸ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸، برخی از مواد آن را مغایر با موازین شرع و در برخی موارد دارای ابهام دانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۵۲۸ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۹ به هیئت وزیران اعلام کرد. هیئت وزیران برای رفع ایراد شورای نگهبان، در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۷ اصلاحات لازم را در این مصوبه اعمال کرد و مصوبه‌ی اصلاحی را طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۹۳/۱۰۳۶۴۶ مورخ ۱۳۹۳/۹/۹ برای اظهار نظر مجدد به شورای نگهبان ارسال کرد. بررسی مصوبه‌ی اصلاحی در دستور کار جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۸ اعضای شورای نگهبان قرار گرفت که پس از بحث و بررسی، اعضای شورا اصلاحات انجام‌شده را رافع ایرادات قبلی دانستند و نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را به موجب نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۳۴۵۶ مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۱۲ به هیئت وزیران اعلام کردند.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ (مرحله نخست)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۴/۱۸

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ به پیشنهاد مشترک شماره ۹۲/۵۲۳۸۵/۲۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۱ وزارتخانه‌های نیرو و امور اقتصادی و دارایی و به استناد بند (۵) ماده (۱۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی - مصوب ۱۳۸۶ - اساسنامه شرکت تولید نیروی برق شاهرود را به شرح زیر تصویب کرد:

ماده ۱- ...

* با توجه به اینکه متن اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق شاهرود، عیناً همانند متن اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق رامین بوده، و بر این اساس، نظرات و استدلال‌های مطرح‌شده از سوی اعضای شورای نگهبان در خصوص مفاد این اساسنامه‌ها نیز یکسان بوده است، در اینجا از ذکر مجدد مبانی نظرات و استدلال‌های اعضای شورای نگهبان در خصوص اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق شاهرود خودداری می‌کنیم و در این خصوص، نظر خوانندگان را به مباحث مذکور در ذیل اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق رامین (مصوبه‌ی شماره ۹۸ همین مجموعه) جلب می‌نماییم.

اساسنامه شرکت تولید نیروی برق لوشان مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۷

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد بند (۵) ماده (۱۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۶، بنا به پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی و نیرو «اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق لوشان» را در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ تصویب کرد. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۹۳/۲۵۳۲۳ مورخ ۱۳۹۳/۳/۸ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸، برخی از مواد آن را مغایر با موازین شرع و در برخی موارد دارای ابهام دانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۵۲۷ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۹ به هیئت وزیران اعلام کرد. هیئت وزیران برای رفع ایراد شورای نگهبان، در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۷ اصلاحات لازم را در این مصوبه اعمال کرد و مصوبه‌ی اصلاحی را طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۹۳/۱۰۳۶۴۸ مورخ ۱۳۹۳/۹/۹ برای اظهار نظر مجدد به شورای نگهبان ارسال کرد. بررسی مصوبه‌ی اصلاحی در دستور کار جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۸ اعضای شورای نگهبان قرار گرفت که پس از بحث و بررسی، اعضای شورا اصلاحات انجام‌شده را رافع ایرادات قبلی دانستند و نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را به موجب نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۳۴۵۵ مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۱۲ به هیئت وزیران اعلام کردند.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ (مرحله نخست)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۴/۱۸

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ به پیشنهاد مشترک شماره ۹۲/۵۲۳۸۵/۲۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۱ وزارتخانه‌های نیرو و امور اقتصادی و دارایی و به استناد بند (۵) ماده (۱۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی - مصوب ۱۳۸۶ - اساسنامه شرکت تولید نیروی برق لوشان را به شرح زیر تصویب کرد:

ماده ۱- ...

* با توجه به اینکه متن اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق لوشان، عیناً همانند متن اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق رامین بوده، و بر این اساس، نظرات و استدلال‌های مطرح‌شده از سوی اعضای شورای نگهبان در خصوص مفاد این اساسنامه‌ها نیز یکسان بوده است، در اینجا از ذکر مجدد مبانی نظرات و استدلال‌های اعضای شورای نگهبان در خصوص اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق لوشان خودداری می‌کنیم و در این خصوص، نظر خوانندگان را به مباحث مذکور در ذیل اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق رامین (مصوبه‌ی شماره ۹۸ همین مجموعه) جلب می‌نماییم.

اساسنامه شرکت تولید نیروی برق شازند

مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۷

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد بند (۵) ماده (۱۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۶، بنا به پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی و نیرو «اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق شازند» را در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ تصویب کرد. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۹۳/۲۵۳۲۲ مورخ ۱۳۹۳/۳/۸ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸، برخی از مواد آن را مغایر با موازین شرع و در برخی موارد دارای ابهام دانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۵۳۷ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۹ به هیئت وزیران اعلام کرد. هیئت وزیران برای رفع ایراد شورای نگهبان، در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۷ اصلاحات لازم را در این مصوبه اعمال کرد و مصوبه‌ی اصلاحی را طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۹۳/۱۰۳۶۲۶ مورخ ۱۳۹۳/۹/۹ برای اظهار نظر مجدد به شورای نگهبان ارسال کرد. بررسی مصوبه‌ی اصلاحی در دستور کار جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۸ اعضای شورای نگهبان قرار گرفت که پس از بحث و بررسی، اعضای شورا اصلاحات انجام‌شده را رافع ایرادات قبلی دانستند و نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را به موجب نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۳۴۵۴ مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۱۲ به هیئت وزیران اعلام کردند.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ (مرحله نخست)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۴/۱۸

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ به پیشنهاد مشترک شماره ۹۲/۵۲۳۸۵/۲۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۱ وزارتخانه‌های نیرو و امور اقتصادی و دارایی و به استناد بند (۵) ماده (۱۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی - مصوب ۱۳۸۶ - اساسنامه شرکت تولید نیروی برق شازند را به شرح زیر تصویب کرد:

ماده ۱- ...

* با توجه به اینکه متن اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق شازند، عیناً همانند متن اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق رامین بوده، و بر این اساس، نظرات و استدلال‌های مطرح‌شده از سوی اعضای شورای نگهبان در خصوص مفاد این اساسنامه‌ها نیز یکسان بوده است، در اینجا از ذکر مجدد مبانی نظرات و استدلال‌های اعضای شورای نگهبان در خصوص اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق شازند خودداری می‌کنیم و در این خصوص، نظر خوانندگان را به مباحث مذکور در ذیل اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق رامین (مصوبه‌ی شماره ۹۸ همین مجموعه) جلب می‌نماییم.

اساسنامه شرکت تولید نیروی برق شهید سلیمی مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۷

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد بند (۵) ماده (۱۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۶، بنا به پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی و نیرو «اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق شهید سلیمی» را در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ تصویب کرد. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۹۳/۲۵۳۲۰ مورخ ۱۳۹۳/۳/۸ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸، برخی از مواد آن را مغایر با موازین شرع و در برخی موارد دارای ابهام دانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۵۳۸ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۹ به هیئت وزیران اعلام کرد. هیئت وزیران برای رفع ایراد شورای نگهبان، در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۷ اصلاحات لازم را در این مصوبه اعمال کرد و مصوبه‌ی اصلاحی را طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۹۳/۱۰۳۶۱۹ مورخ ۱۳۹۳/۹/۹ برای اظهار نظر مجدد به شورای نگهبان ارسال کرد. بررسی مصوبه‌ی اصلاحی در دستور کار جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۸ اعضای شورای نگهبان قرار گرفت که پس از بحث و بررسی، اعضای شورا اصلاحات انجام ی شماره ۹۳/۱۰۲/۳۴۵۳ مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۱۲ به هیئت وزیران اعلام کردند.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ (مرحله نخست)
تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۴/۱۸

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ به پیشنهاد مشترک شماره ۹۲/۵۲۳۸۵/۲۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۱ وزارتخانه‌های نیرو و امور اقتصادی و دارایی و به استناد بند (۵) ماده (۱۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی - مصوب ۱۳۸۶ - اساسنامه شرکت تولید نیروی برق شهید سلیمی را به شرح زیر تصویب کرد:

ماده ۱- ...

* با توجه به اینکه متن اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق شهید سلیمی، عیناً همانند متن

اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق رامین بوده، و بر این اساس، نظرات و استدلال‌های مطرح‌شده از سوی اعضای شورای نگهبان در خصوص مفاد این اساسنامه‌ها نیز یکسان بوده است، در اینجا از ذکر مجدد مبانی نظرات و استدلال‌های اعضای شورای نگهبان در خصوص اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق شهید سلیمی خودداری می‌کنیم و در این خصوص، نظر خوانندگان را به مباحث مذکور در ذیل اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق رامین (مصوبه‌ی شماره ۹۸ همین مجموعه) جلب می‌نماییم.

اساسنامه شرکت تولید نیروی برق شهید مفتاح مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۷

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و به استناد بند (۵) ماده (۱۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۶، بنا به پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی و نیرو «اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق شهید مفتاح» را در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ تصویب کرد. پس از آن، این مصوبه جهت طی تشریفات قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، جهت بررسی عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرع و قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۹۳/۲۵۳۱۱ مورخ ۱۳۹۳/۳/۸ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸، برخی از مواد آن را مغایر با موازین شرع و در برخی موارد دارای ابهام دانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۵۱۹ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۵ به هیئت وزیران اعلام کرد. هیئت وزیران برای رفع ایراد شورای نگهبان، در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۷ اصلاحات لازم را در این مصوبه اعمال کرد و مصوبه‌ی اصلاحی را طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۹۳/۱۰۳۶۲۵ مورخ ۱۳۹۳/۹/۹ برای اظهار نظر مجدد به شورای نگهبان ارسال کرد. بررسی مصوبه‌ی اصلاحی در دستور کار جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۸ اعضای شورای نگهبان قرار گرفت که پس از بحث و بررسی، اعضای شورا اصلاحات انجام‌شده را رافع ایرادات قبلی دانستند و نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را به موجب نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۳۴۵۲ مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۱۲ به هیئت وزیران اعلام کردند.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ (مرحله نخست)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۴/۱۸

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ به پیشنهاد مشترک شماره ۹۲/۵۲۳۸۵/۲۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۱ وزارتخانه‌های نیرو و امور اقتصادی و دارایی و به استناد بند (۵) ماده (۱۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی - مصوب ۱۳۸۶ - اساسنامه شرکت تولید نیروی برق شهید مفتاح را به شرح زیر تصویب کرد:

ماده ۱- ...

✱ با توجه به اینکه متن اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق شهید مفتاح، عیناً همانند متن اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق رامین بوده، و بر این اساس، نظرات و استدلال‌های مطرح‌شده از سوی اعضای شورای نگهبان در خصوص مفاد این اساسنامه‌ها نیز یکسان بوده است، در اینجا از ذکر مجدد مبانی نظرات و استدلال‌های اعضای شورای نگهبان در خصوص اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق شهید مفتاح خودداری می‌کنیم و در این خصوص، نظر خوانندگان را به مباحث مذکور در ذیل اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق رامین (مصوبه‌ی شماره ۹۸ همین مجموعه) جلب می‌نماییم.

اساسنامه صندوق ملی محیط زیست

مصوب ۱۳۹۳/۸/۱۸

درباره‌ی اساسنامه

هیئت وزیران در راستای اختیار حاصل از ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی و بنا به پیشنهاد سازمان محیط زیست و به استناد جزء (۲) بند (الف) ماده (۱۸۷) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹، «اساسنامه صندوق ملی محیط زیست» را در جلسه ۱۳۹۳/۶/۲۶ تصویب کرد. این مصوبه جهت طی مراحل قانونی مقرر در اصل (۸۵) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۴۹۸۸۸/۷۶۳۹۳ مورخ ۱۳۹۳/۷/۶ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان با بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۴، مفاد این اساسنامه را در یک مورد مغایر با اصل (۱۵) قانون اساسی تشخیص داد و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۴۴۶ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۵ به هیئت وزیران اعلام کرد. هیئت وزیران برای رفع ایراد شورای نگهبان در جلسه ۱۳۹۳/۸/۱۸ خود، اصلاحات لازم را در اساسنامه اعمال و آن را طی نامه‌ی شماره ۴۹۸۸۸/۹۴۴۰۴ مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۰ برای اظهار نظر مجدد به شورای نگهبان ارسال کرد. بررسی مصوبه‌ی اصلاحی در دستور کار جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۹/۱۲ شورای نگهبان قرار گرفت که اعضای شورا پس از بحث و بررسی این مصوبه، ایراد پیشین را برطرف شده دانستند و نظر خود مبنی بر مغایرت نداشتن مفاد این اساسنامه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۷۵۵ مورخ ۱۳۹۳/۹/۱۵ به هیئت وزیران اعلام کردند.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۶/۲۶ (مرحله نخست)

تاریخ‌های بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۷/۳۰ و ۱۳۹۳/۸/۱۴

* بحث در خصوص کلیت اساسنامه

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۳/۶/۲۶ به پیشنهاد شماره ۲۸۷۵۹-۱ مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۸ سازمان حفاظت محیط زیست و به استناد جزء (۲) بند (الف) ماده (۱۸۷) قانون پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران- مصوب ۱۳۸۹- اساسنامه صندوق ملی محیط زیست را به شرح زیر تصویب کرد:

...

دیدگاه مغایرت

الف) مطابق با جزء (۲) بند (الف) ماده (۱۸۷) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰) مصوب ۱۳۸۹، به دولت اجازه داده شده است که حداکثر تا پایان سال دوم برنامه یعنی سال ۱۳۹۲، نسبت به اصلاح اساسنامه صندوق ملی محیط زیست اقدام کند.^(۱) بر این اساس، اصلاح اساسنامه صندوق تنها در زمان مذکور جایز بوده است. این در حالی است که دولت بعد از گذشت زمان مقرر در قانون برنامه و در تاریخ ۱۳۹۳/۶/۲۶، اقدام به تصویب این اساسنامه کرده است. طبق اصل (۸۵) قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی می‌تواند اجازه‌ی تصویب دائمی اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها، مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت را با رعایت اصل (۷۲) به دولت واگذار کند که طبق ذیل اصل (۸۵)، مصوبات دولت نباید مخالف قوانین و مقررات عمومی کشور باشد. بنابراین، از آن جهت که دولت مصوبه‌ی مذکور را خارج از زمان مقرر در قانون برنامه پنجم توسعه به تصویب رسانده است، این مصوبه مغایر با قانون مذکور و در نتیجه مغایر با حکم مقرر در ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی است.

ب) مطابق با جزء (۲) بند (الف) ماده (۱۸۷) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه، دولت مجاز بوده است که اساسنامه‌ی صندوق ملی محیط زیست را که مطابق قانون مذکور، یک نهاد «دولتی» بوده است، «اصلاح» کند. لیکن، مصوبه‌ی مذکور از دو جهت مغایر با قانون برنامه پنجم توسعه است: اول اینکه دولت به جای «اصلاح اساسنامه صندوق»- همان‌طور که در عنوان مصوبه به واژه «اصلاح» اشاره نشده است- اقدام به تصویب یک اساسنامه‌ی جدید برای صندوق ملی محیط زیست کرده است؛ دوم اینکه، هیئت وزیران به موجب ماده (۲) این مصوبه،^(۲) ماهیت صندوق ملی محیط زیست را به مؤسسه عمومی «غیردولتی» تغییر داده است. از آنجا که بر اساس ذیل اصل (۸۵) قانون اساسی، اقدام دولت در تصویب اساسنامه‌های شرکت‌های دولتی و یا وابسته به دولت، زمانی مجاز است که مغایر با مقررات و قوانین نباشد، بنابراین، اقدام دولت در خصوص تصویب

۱. ماده (۱۸۷) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰) مصوب ۱۳۸۹: «ماده ۱۸۷- الف- به دولت اجازه داده می‌شود به منظور حفاظت، احیاء و بهره‌برداری پایدار از محیط زیست، منابع طبیعی و تنوع زیستی، حداکثر تا پایان سال دوم برنامه نسبت به موارد زیر اقدام قانونی انجام دهد:
۱- تدوین و اجرای برنامه مدیریت یکپارچه زیست‌بومی و برنامه عملیاتی حفاظت و بهره‌برداری پایدار از تنوع زیستی زیست‌بوم‌های حساس و شکننده کشور
۲- اصلاح اساسنامه «صندوق ملی محیط زیست».

۲. ماده (۲) اساسنامه صندوق ملی محیط زیست: «ماده ۲- صندوق، مؤسسه عمومی غیردولتی وابسته به سازمان حفاظت محیط زیست است که دارای شخصیت حقوقی مستقل و استقلال مالی و اداری بوده و مطابق مفاد این اساسنامه و قوانین و مقررات ناظر بر مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی فعالیت می‌نماید.»

اساسنامه‌ی جدید برای این صندوق و همچنین تغییر ماهیت دولتی صندوق به مؤسسه‌ی عمومی غیردولتی بر خلاف قانون برنامه پنجم توسعه، و در نتیجه مغایر با اصل (۸۵) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) جزء (۲) بند (الف) ماده (۱۸۷) قانون برنامه پنجم توسعه که مربوط به اصلاح اساسنامه صندوق ملی محیط زیست است، مشتمل بر دو امر است: نخست اصلاح اساسنامه و دیگری رعایت موعد مقرر برای اصلاح اساسنامه (حداکثر تا پایان سال دوم برنامه)؛ که این موضوع از مصادیق تعدد مطلوب است. به عبارت دیگر، قانون‌گذار اصلاح اساسنامه را صرف‌نظر از رعایت قید زمان، مطلوب می‌داند و این‌گونه نیست که قانون‌گذار از باب وحدت مطلوب، اصلاح اساسنامه را تنها در زمان مقرر، مطلوب بداند. لذا تعیین زمان به قید «حداکثر» در این قانون، تأکید بر فوریت اجرای احکام قانون برنامه پنجم، از جمله اصلاح اساسنامه توسط دولت است؛ بدین معنا که دولت نباید بیش از این زمان در اصلاح اساسنامه‌ی مذکور تأخیر کند. عدم اقدام دولت در زمان مقرر، تنها می‌تواند به عنوان تخلف عدم رعایت فوریت محسوب شود. بر این اساس، تقیید این ماده به زمان دو سال، به معنای الزام دولت در تصویب اصلاح اساسنامه در مدت مقرر نیست، به‌گونه‌ای که اگر بعد از این زمان، اقدام به اصلاح اساسنامه کرد، آن را مغایر قانون برنامه پنجم توسعه بدانیم. بنابراین، مصوبه‌ی دولت در خصوص تصویب اساسنامه این صندوق، مغایر اصل (۸۵) قانون اساسی نیست.

ب) جزء (۲) بند (الف) ماده (۱۸۷) قانون برنامه پنجم توسعه، به دولت اجازه داده است که اساسنامه صندوق «دولتی» ملی محیط زیست را «اصلاح» کند. متعاقب این امر، مجلس شورای اسلامی به موجب قانون بودجه (۱۳۹۳) مصوب ۱۳۹۲، جهت تأمین سرمایه‌ی اولیه صندوق ملی محیط زیست، در ذیل ردیف (۳۷-۵۵۰۰۰۰) جدول شماره (۶) ضمیمه قانون بودجه، به ماهیت عمومی «غیردولتی» صندوق ملی محیط زیست تصریح کرده است. از آنجا که ضمایم قانون بودجه جزء قانون محسوب می‌شود، مجلس ماهیت دولتی صندوق ملی محیط زیست را به مؤسسه عمومی «غیردولتی» تغییر داده است. بنابراین، هیئت وزیران در راستای ماهیت جدید صندوق ملی محیط زیست اقدام به تصویب اساسنامه‌ی جدید برای صندوق کرده است. همچنین اصلاح اساسنامه، اعم از اصلاح جزئی و اصلاح کلی آن است و مقررات این اساسنامه‌ی جدید، به‌نوعی اصلاح اساسنامه‌ی سابق محسوب می‌شود. بنابراین تصویب این اساسنامه، برخلاف قانون برنامه پنجم نبوده و لذا مغایرتی با ذیل اصل ۸۵ در خصوص عدم مغایرت مصوبات هیئت وزیران با قوانین ندارد.

نظر شورای نگهبان

کلّیت اساسنامه، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۴- تأمین اعتبار اولیه صندوق با تخصیص مبلغ ده میلیارد (۱۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال و سپس نهایتاً تا مبلغ پنجاه میلیارد (۵۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال از محل ردیف ۳۷- ۵۵۰۰۰۰ جدول شماره (۹) قانون بودجه سال ۱۳۹۳ کل کشور صورت می‌گیرد. سایر منابع تأمین اعتبار صندوق جهت انجام فعالیت‌ها به‌قرار زیر است:

...

۴- درآمد ناشی از گردش مالی و فعالیت‌های صندوق و واحدهای تابع بعد از وضع هزینه‌های قانونی

...

دیدگاه مغایرت

بند (۴) ماده‌ی مزبور، یکی از منابع تأمین اعتبار صندوق ملی محیط زیست را درآمد ناشی از گردش مالی و فعالیت‌های صندوق دانسته است. اطلاق عبارت «گردش مالی و فعالیت‌های صندوق»، شامل هرگونه گردش مالی از جمله فعالیت‌های مالی ربوی و خلاف شرع نیز می‌شود. بنابراین، اطلاق عبارت این بند، مغایر با موازین شرع است.

دیدگاه عدم مغایرت

منظور از عبارت «گردش مالی و فعالیت‌های صندوق» در بند (۴) ماده‌ی مزبور، گردش مالی و فعالیت‌هایی است که مطابق با شرع و قانون انجام می‌شود. این بند، در مقام بیان هرگونه گردش مالی از جمله فعالیت‌های ربوی نیست و به عبارت دیگر، منصرف از گردش‌های مالی خلاف شرع مانند فعالیت‌های ربوی است. بنابراین، این بند مغایرتی با موازین شرع ندارد.

نظر شورای نگهبان

بند (۴) ماده (۴)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۵- موضوع و حدود عملیات صندوق با رعایت قوانین و مقررات مربوط به شرح زیر می‌باشد:

۱-...

۴- حمایت مالی و همکاری در طرح‌ها و پروژه‌های زیست محیطی و طرح‌های اکوتوریسم.

دیدگاه مغایرت

در بند (۴) ماده‌ی مزبور، از واژه غیر فارسی «اکوتوریسم» استفاده شده است. مطابق با اصل (۱۵) قانون اساسی، زبان رسمی اسناد و مکاتبات و متون رسمی باید به زبان و خط فارسی باشد. بنابراین، از آنجا که در بند مذکور - به‌عنوان یک متن رسمی - واژه‌ی غیر فارسی «اکوتوریسم» ذکر شده است، این بند، مغایر با اصل (۱۵) قانون اساسی است و باید معادل فارسی آن ذکر شود.

نظر شورای نگهبان

در بند (۴) ماده (۵)، معادل فارسی واژه «اکوتوریسم» ذکر گردد و الا مغایر اصل (۱۵) قانون اساسی می‌باشد.

ماده ۶- صندوق می‌تواند در موارد خاص با جلب همکاری بانک‌ها و مؤسسات اعتباری و با استفاده از منابع مالی آنها در جهت اعطای تسهیلات زیست محیطی به متقاضیان بر اساس مقررات عملیات بانکی اقدام و در بازپرداخت اقساط وام متقاضیان به بانک‌ها و مؤسسات مذکور، تسهیلات و حمایت‌های مالی را از منابع صندوق به‌عمل آورد.

دیدگاه مغایرت

طبق ذیل ماده‌ی (۶)، صندوق می‌تواند در خصوص بازپرداخت اقساط وام متقاضیان از آنان حمایت‌های مالی به‌عمل آورد. این حمایت مالی اطلاق داشته و حمایت‌های بلاعوض را نیز شامل می‌شود. اطلاق حمایت‌های مالی مذکور در این ماده که کمک‌های بلاعوض را نیز شامل می‌شود، مغایر با اصل (۸۰) قانون اساسی است؛ زیرا بر اساس اصل (۸۰) قانون اساسی، گرفتن و دادن وام یا کمک‌های بدون عوض از طرف دولت باید با تصویب مجلس باشد که در ماده‌ی مزبور از آن جهت که این حمایت‌های مالی مقید به تصویب مجلس نشده است، این ماده مغایر با اصل (۸۰) قانون اساسی است. ضمناً هر چند این صندوق، مؤسسه عمومی غیردولتی است، ولی با توجه به اینکه بودجه‌ی آن از سوی دولت تأمین می‌شود، حمایت‌های آن، حمایت‌های دولتی محسوب می‌شود؛ بنابراین اطلاق حمایت‌های مالی مذکور در این ماده، بدون تقیید آن به تصویب مجلس، مغایر با اصل (۸۰) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به اینکه صندوق ملی محیط زیست طبق ماده‌ی (۲) این اساسنامه، مؤسسه عمومی غیردولتی محسوب می‌شود، منصرف از اصل (۸۰) قانون اساسی است؛ زیرا این اصل مربوط به کمک‌های بلاعوض دولتی است و این صندوق، مؤسسه‌ی عمومی غیردولتی است. بنابراین عبارت حمایت‌های مالی مذکور در ماده‌ی (۶) حتی در فرض شمول آن بر کمک‌های بلاعوض، مغایر با اصل (۸۰) قانون اساسی نیست.

نظر شورای نگهبان

ماده (۶)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۲۱- هرگونه تغییر در اساسنامه بنا به پیشنهاد مجمع عمومی به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

دیدگاه مغایرت

مطابق با ماده (۹) اساسنامه،^(۱) مجمع عمومی صندوق ملی محیط زیست، بالاترین رکن و مرجع سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری صندوق است که اعضای آن نیز از مقامات دولتی هستند. همچنین، مطابق با قانون بودجه (۱۳۹۳)، حداقل بخشی از بودجه صندوق توسط دولت تأمین می‌شود. بنابراین، صندوق ملی محیط زیست، هر چند مؤسسه‌ی عمومی غیر دولتی است ولی وابسته به دولت محسوب می‌شود. با توجه به اصل (۸۵) قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی می‌تواند اجازه‌ی تصویب دائمی اساسنامه‌ی سازمان‌ها، شرکت‌ها، مؤسسات «دولتی» یا «وابسته به دولت» را با رعایت اصل هفتاد و دوم به دولت بدهد و اساسنامه‌های مذکور از جهت مغایرت و یا عدم مغایرت با شرع و قانون اساسی باید توسط شورای نگهبان مورد بررسی قرار گیرند. با این حال، ماده (۲۱) اساسنامه اشعار می‌دارد که هرگونه تغییر در اساسنامه‌ی صندوق ملی محیط زیست باید به تصویب هیئت وزیران برسد که مستفاد از این ماده آن است که تغییر اساسنامه تنها منوط به مصوبه‌ی هیئت وزیران بوده و نیازی به بررسی در شورای نگهبان ندارد. لذا ماده‌ی مذکور، از آن

۱. ماده (۹) اساسنامه صندوق ملی محیط زیست: «ماده ۹- مجمع عمومی بالاترین مرجع سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری صندوق می‌باشد و اعضای آن عبارتند از معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست، وزیر امور اقتصادی و دارایی، وزیر صنعت، معدن و تجارت، وزیر امور خارجه و معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور. ریاست مجمع عمومی بر عهده معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست می‌باشد.»

جهت که نظارت شورای نگهبان را در بررسی تصویب اساسنامه‌ی صندوق ملی محیط زیست نفی می‌کند، مغایر با اصل (۸۵) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) ماده‌ی مزبور اشاره به این موضوع دارد که تنها هیئت وزیران این اختیار را دارد که در اساسنامه تغییر ایجاد کند و در مقام بیان این امر نیست که دیگر مقررات مربوطه را نادیده قلمداد کند. بنابراین در صورت اصلاح اساسنامه توسط این هیئت، طبق اصل (۸۵)، اساسنامه‌ی اصلاحی برای بررسی به شورای نگهبان ارسال می‌شود و شورای نگهبان مفاد آن را از حیث عدم مغایرت با موازین شرع و قانون اساسی بررسی می‌کند. بر این اساس، ماده‌ی مزبور درصدد سلب این صلاحیت از شورای نگهبان نیست و لذا مغایر با اصل (۸۵) نیست.

ب) صندوق ملی محیط زیست، مطابق با ذیل ردیف (۳۷-۵۵۰۰۰۰) جدول شماره (۶) پیوست قانون بودجه سال ۱۳۹۳ کل کشور، مؤسسه عمومی «غیردولتی» شناسایی و تصویب شده است. از سوی دیگر، تأمین مالی ذیل این ردیف نیز به عنوان «کمک» به صندوق ملی محیط زیست، تصویب شده است و از این جهت نمی‌توان گفت که مؤسسه‌ی مذکور با سرمایه دولتی تشکیل شده است که وابسته به دولت محسوب شود. بنابراین، با توجه به اینکه این مؤسسه وابسته به دولت نیست، موضوع اصل (۸۵) قانون اساسی نخواهد بود تا اصلاح و یا تغییر اساسنامه آن منوط به بررسی و تأیید شورای نگهبان باشد. بنابراین ماده‌ی مزبور، از آن جهت که تغییرات اساسنامه را تنها منوط به تصویب هیئت وزیران کرده است، مغایرتی با اصل (۸۵) ندارد.

نظر شورای نگهبان

ماده (۲۱)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

تاریخ مصوبه هیئت وزیران: ۱۳۹۳/۸/۱۸ (مرحله دوم)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۹/۱۲

ماده ۵- موضوع و حدود عملیات صندوق با رعایت قوانین و مقررات مربوط به شرح زیر می‌باشد:

...

۴- حمایت مالی و همکاری در طرح‌ها و پروژه‌های زیست‌محیطی و طرح‌های گردشگری طبیعی

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به اینکه در بند (۴) این ماده، عبارت «گردشگری طبیعی»، جایگزین عبارت «اکوتوریسم» شده است، ایراد پیشین شورا در خصوص مغایرت این بند با اصل (۱۵) قانون اساسی در خصوص لزوم فارسی بودن متون رسمی برطرف شده و لذا ماده‌ی مزبور با ایرادی مواجه نیست.

نظر شورای نگهبان

بند (۴) ماده (۵)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه هیئت وزیران در خصوص اساسنامه صندوق ملی محیط زیست، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

فصل سوم*

استفساریه

* با توجه به اینکه در سال ۱۳۹۳، در خصوص اصول قانون اساسی یا دیگر موضوعات مرتبط، هیچ گونه استفسار یا استعلامی از شورای نگهبان انجام نشده است، این جلد از مجموعه کتاب های مبانی نظرات شورای نگهبان، در این قسمت، فاقد موضوع است.

فهرست کتب منتشره

مجموعه نظرات شورای نگهبان

۱. مجموعه نظرات شورای نگهبان در مورد مصوبات دوره اول مجلس شورای اسلامی، خرداد ۱۳۹۰، تهران: معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات معاونت حقوقی ریاست جمهوری
۲. مجموعه نظرات شورای نگهبان در مورد مصوبات دوره دوم مجلس شورای اسلامی، زمستان ۱۳۸۹، تهران: معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات معاونت حقوقی ریاست جمهوری
۳. مجموعه نظریات شورای نگهبان در مورد مصوبات دوره سوم مجلس شورای اسلامی، پاییز ۱۳۸۵، تهران: نشر دادگستر
۴. مجموعه نظریات شورای نگهبان در مورد مصوبات دوره چهارم مجلس شورای اسلامی، پاییز ۱۳۸۵، تهران: نشر دادگستر
۵. مجموعه نظریات شورای نگهبان در مورد مصوبات دوره پنجم مجلس شورای اسلامی، پاییز ۱۳۸۵، تهران: نشر دادگستر
۶. مجموعه نظرات شورای نگهبان در مورد مصوبات دوره ششم مجلس شورای اسلامی، بهار ۱۳۹۱، تهران: معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات معاونت حقوقی ریاست جمهوری
۷. مجموعه نظرات شورای نگهبان در مورد مصوبات دوره هفتم مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹، تهران: معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات معاونت حقوقی ریاست جمهوری
۸. مجموعه نظرات شورای نگهبان در مورد مصوبات دوره هشتم مجلس شورای اسلامی (خرداد ۱۳۸۷ تا خرداد ۱۳۹۱)، زمستان ۱۳۹۲، تهران: انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان
۹. مجموعه نظرات شورای نگهبان در مورد مصوبات دوره نهم مجلس شورای اسلامی (خرداد ۱۳۹۱ تا خرداد ۱۳۹۵)، پاییز ۱۳۹۶، تهران: انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان، (در دست چاپ)
۱۰. مجموعه نظریات شورای نگهبان تفسیری و مشورتی در خصوص اصول قانون اساسی به انضمام استفساریه‌ها و تذکرات (۱۳۵۹ تا ۱۳۸۰)، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۱، تهران: مرکز تحقیقات شورای نگهبان
۱۱. مجموعه نظریات شورای نگهبان تفسیری و مشورتی در خصوص اصول قانون اساسی به انضمام استفساریه‌ها و تذکرات (۱۳۵۹ تا ۱۳۸۸)، چاپ دوم - ویرایش اول، تیر ۱۳۸۹، تهران: معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات معاونت حقوقی ریاست جمهوری
۱۲. مجموعه نظریات فقهی شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات دیوان عدالت اداری (۱۳۶۱ تا ۱۳۸۳)، تابستان ۱۳۸۴، تهران: نشر دادگستر
۱۳. دادرسی اساسی در جمهوری اسلامی ایران؛ اصول قانون اساسی در پرتو نظرات شورای نگهبان (۱۳۵۹ تا ۱۳۸۹)، ابراهیم موسی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰، تهران: معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات معاونت حقوقی ریاست جمهوری
۱۴. مجموعه نظرات شورای نگهبان درباره مصوبات سال اول دوره ششم مجلس شورای اسلامی، تابستان ۱۳۸۰، تهران: مرکز تحقیقات شورای نگهبان
۱۵. مجموعه نظریات شورای نگهبان در مورد مصوبات سال دوم دوره ششم مجلس شورای اسلامی، بهار ۱۳۸۲، تهران: نشر دادگستر
۱۶. مجموعه نظریات شورای نگهبان در مورد مصوبات سال سوم دوره ششم مجلس شورای اسلامی، بهار ۱۳۸۳، تهران: نشر دادگستر
۱۷. مجموعه نظریات شورای نگهبان در مورد مصوبات سال چهارم دوره ششم مجلس شورای اسلامی، بهار ۱۳۸۴، تهران: نشر دادگستر
۱۸. اصول قانون اساسی در پرتو نظرات شورای نگهبان (۱۳۹۴-۱۳۵۹)؛ اصول ۱ تا ۵۵ قانون اساسی، جلد اول، زمستان ۱۳۹۴، تهران: انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان

۱۹. اصول قانون اساسی در پرتو نظرات شورای نگهبان (۱۳۹۴-۱۳۵۹): اصول ۵۶ تا ۷۵ قانون اساسی، جلد دوم، بهار ۱۳۹۵، تهران: انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان
۲۰. اصول قانون اساسی در پرتو نظرات شورای نگهبان (۱۳۹۴-۱۳۵۹): اصول ۷۶ تا ۱۱۲ قانون اساسی، جلد سوم، زمستان ۱۳۹۵، تهران: انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان
۲۱. اصول قانون اساسی در پرتو نظرات شورای نگهبان (۱۳۹۴-۱۳۵۹): اصول ۱۱۳ تا ۱۷۷ قانون اساسی، جلد چهارم، بهار ۱۳۹۶، تهران: انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان
۲۲. مجموعه نظرات شورای نگهبان در مورد اساسنامه‌های مصوب دولت: (از سال ۱۳۶۹ تا سال ۱۳۹۵)، بهار ۱۳۹۶، تهران: انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان
۲۳. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به همراه نظرات تفسیری، مشورتی و... شورای نگهبان (۱۳۹۶-۱۳۵۹)، تابستان ۱۳۹۶، تهران: انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان

مشروح مذاکرات شورای نگهبان

۱. مشروح مذاکرات سال ۱۳۵۹ شورای نگهبان، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۶، تهران، نشر دادگستر
۲. مشروح مذاکرات سال ۱۳۵۹ شورای نگهبان، چاپ دوم - ویرایش اول، شهریور ۱۳۸۹، تهران: معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات معاونت حقوقی ریاست جمهوری
۳. مشروح مذاکرات سال ۱۳۶۰ شورای نگهبان، آذر ۱۳۹۰، تهران: معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات معاونت حقوقی ریاست جمهوری
۴. مشروح مذاکرات شورای نگهبان سال ۱۳۹۲ بخش اول (فروردین تا شهریور)، جمعی از پژوهشگران، پاییز ۱۳۹۵، تهران: انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان

قوانین مصوب مجلس در پرتو نظرات شورای نگهبان

۱. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در پرتو نظرات شورای نگهبان، زمستان ۱۳۹۲، تهران: انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان
۲. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در پرتو نظرات شورای نگهبان، بهار ۱۳۹۳، تهران: انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان
۳. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ (با اصلاحات و الحاقات بعدی) در پرتو نظرات شورای نگهبان، تابستان ۱۳۹۵، تهران: انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان
۴. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ همراه با کتاب پنجم (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی در پرتو نظرات شورای نگهبان، پاییز ۱۳۹۵، تهران: انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان

نظرات استدلالی

۱. مبانی آراء و نظرات شورای نگهبان؛ مستنبط از مشروح مذاکرات سال ۱۳۸۷، فروردین ماه ۱۳۹۱، تهران: معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات معاونت حقوقی ریاست جمهوری
۲. مبانی نظرات شورای نگهبان در خصوص مصوبات و استفساریه‌های سال ۱۳۹۰ (برگرفته از مشروح مذاکرات شورای نگهبان)، کاظم کوهی اصفهانی، محمد امینی‌زاده، امین‌الله زمانی، سلمان عمرانی، پاییز ۱۳۹۳، تهران: انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان

۳. مبنای نظرات شورای نگهبان در خصوص مصوبات و استفساریه‌های سال ۱۳۹۱ (برگرفته از مشروح مذاکرات شورای نگهبان)، محمدبرزگر خسروی، حسین فاتحی‌زاده، فهیم مصطفی‌زاده، محمدحسن باقری، بهار ۱۳۹۴، تهران: انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان

۴. مبنای نظرات شورای نگهبان در خصوص مصوبات و استفساریه‌های سال ۱۳۹۲ (برگرفته از مشروح مذاکرات شورای نگهبان)، مصطفی مسعودیان، کاظم کوهی اصفهانی، محمدبرزگر خسروی، محمدهادی توکل‌پور، حسین فاتحی‌زاده، محمدحسن باقری خوزانی، پاییز ۱۳۹۴، تهران: انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان

۵. مبنای نظرات شورای نگهبان در خصوص قانون برنامه پنجم توسعه و قوانین بودجه مربوط به آن (۱۳۸۹-۱۳۹۴) برگرفته از مشروح مذاکرات شورای نگهبان، کاظم کوهی اصفهانی، محمدبرزگر خسروی، محمدهادی توکل‌پور، شهرام محمدی، مصطفی مسعودیان، امین‌اله زمانی، محمد امینی‌زاده، حسین فاتحی‌زاده، پاییز ۱۳۹۵، تهران: انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان

۶. مبنای نظرات شورای نگهبان در خصوص مصوبات و استفساریه‌های سال ۱۳۹۳ (برگرفته از مشروح مذاکرات شورای نگهبان)، کاظم کوهی اصفهانی، امین‌اله زمانی، شهرام محمدی، مصطفی مسعودیان، محمدحسن باقری خوزانی، محمدهادی توکل‌پور، محمد صالح عطار، محمدبرزگر خسروی و حسین فاتحی‌زاده، زمستان ۱۳۹۵، تهران: انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان

قوانین مصوب مجلس در پرتو نظرات شورای نگهبان به انضمام مبنای نظرات شورای نگهبان پیرامون آن

۱. قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ در پرتو نظرات شورای نگهبان؛ به انضمام مبنای نظرات شورای نگهبان پیرامون این قانون، پاییز ۱۳۹۳، تهران: انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان
۲. قانون حمایت خانواده (مصوب ۱۳۹۱) و قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و دسرپرست (مصوب ۱۳۹۲) در پرتو نظرات شورای نگهبان؛ به انضمام مبنای نظرات شورای نگهبان پیرامون این دو قانون، زمستان ۱۳۹۳، تهران: انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان
۳. قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز (مصوب ۱۳۹۲) در پرتو نظرات شورای نگهبان؛ به انضمام مبنای نظرات شورای نگهبان پیرامون این قانون، زمستان ۱۳۹۳، تهران: انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان

مجموعه قوانین

۱. مجموعه قوانین و مقررات شورای نگهبان؛ اصول قانون اساسی، احکام رهبری، نظرات شورای نگهبان (تفسیری و مشورتی)، قوانین و مقررات مرتبط و اختصاصی و آراء قضایی راجع به شورای نگهبان، به انضمام نظرات تطبیقی شورای نگهبان، سیدمجتبی حسینی‌پور اردکانی، محمدامین ابریشمی‌راد، ویرایش دوم، زمستان ۱۳۹۵، تهران: انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان
۲. مجموعه قوانین و مقررات انتخابات؛ مجموعه قوانین و مقررات انتخابات: مشتمل بر اصول قانون اساسی، نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان، سیاست‌های کلی نظام، قوانین و مقررات، آرای هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، محمدهادی زرافشان، سیدمجتبی حسینی‌پور اردکانی، ویرایش سوم، پاییز ۱۳۹۶، تهران: انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان

تألیفی

۱. تفکیک تقنین و اجراء؛ تحلیل مرزهای صلاحیت تقنینی در روابط قوای مقننه و مجریه، علی محمد فلاحزاده و همکاران، فروردین ماه ۱۳۹۱، تهران: معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات معاونت حقوقی ریاست جمهوری
۲. مبانی فقهی آراء فقهای شورای نگهبان - فروردین تا مرداد ۱۳۶۱ هـ ش (جلد اول)؛ پیرامون: قانون شرایط انتخاب قضات دادگستری؛ طرح الحاق دادگاههای انقلاب به دادگستری؛ لایحه دولتی کردن بازرگانی خارجی؛ نحوه رأی گیری مصوبات مجلس شورای اسلامی؛ طرح توزیع عادلانه آب؛ لایحه حدود، قصاص و مقررات آن، محمدحسین بیاتی، تابستان ۱۳۹۱، تهران: انتشارات سمت
۳. مبانی فقهی آراء فقهای شورای نگهبان - مرداد ماه ۱۳۶۱ هـ ش (جلد دوم)؛ پیرامون: لایحه حدود و قصاص و مقررات آن، محمدحسین بیاتی، زمستان ۱۳۹۱، تهران: معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات معاونت حقوقی ریاست جمهوری
۴. بررسی تحلیلی مجموعه نظریات شورای نگهبان در مورد لایحه بودجه سال ۱۳۸۱ کل کشور، محسن اسماعیلی، تابستان ۱۳۸۱، تهران: مرکز تحقیقات شورای نگهبان
۵. مردم و حکومت اسلامی، علی فتاحی زفرقندی، تابستان ۱۳۹۳، تهران: انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان
۶. تحلیل وقایع روز از دیدگاه حقوق عمومی (ادغام شوراهای عالی، ادغام وزارتخانه‌ها، وقف دانشگاه آزاد اسلامی، انتخاب رئیس کل بانک مرکزی، ساختار سازمان تأمین اجتماعی)، جمعی از نویسندگان، تابستان ۱۳۹۳، تهران: انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان
۷. دادرسی اساسی تطبیقی؛ مطالعه مبانی، ساختارها و صلاحیت‌های نهاد دادرسی اساسی، جمعی از نویسندگان، تابستان ۱۳۹۳، تهران: انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان
۸. جایگاه و صلاحیت‌های دیوان عدالت اداری در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، میلاد قطبی، بهار ۱۳۹۴، تهران: انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان
۹. موافقت‌نامه‌های بین‌المللی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، حسین خلف‌رضایی، بهار ۱۳۹۴، تهران: انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان
۱۰. تحلیل مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر اصول قانون اساسی؛ جلد اول: اصول کلی (اصول اول تا هفتم)، آیت‌الله عباس کعبی، بهار ۱۳۹۴، تهران: انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان
۱۱. تحلیل مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر اصول قانون اساسی؛ جلد دوم: اصول هشتم تا هجدهم، آیت‌الله عباس کعبی، بهار ۱۳۹۵، تهران: انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان
۱۲. حقوق اساسی کشورهای اسلامی، اسماعیل أجرو، بهار ۱۳۹۵، تهران: انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان
۱۳. نظام حقوقی حاکم بر انتخابات؛ جلد نخست: نظام‌های انتخاباتی، تألیف: مصطفی منصوریان؛ ناظر علمی: حامد نیکونهاد، بهار ۱۳۹۶، تهران: انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان
۱۴. شرح قانون اساسی - فصل ششم - قوه مقننه (جلد اول)، محمدرضا اصغری، دکتر حسین خلف رضایی و دکتر سید محمدهادی راجی زیر نظر دکتر عباسعلی کدخدایی، بهار ۱۳۹۶، انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان
۱۵. شرح قانون اساسی - فصل هشتم - رهبر (جلد اول)، دکتر هادی طحان نظیف، دکتر ابوالفضل درویشوند و علی فتاحی زفرقندی زیر نظر دکتر عباسعلی کدخدایی، بهار ۱۳۹۶، انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان